

مجموعه مقالات

هم اندیشی زیارت

جلد دوم

مجموعه آثار هم اندیشی زیارت

بسم الله الرحمن الرحیم

زیارت : مجموعه مقالات هم اندیشی ۱ و ۲

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

زیارت : مجموعه مقالات هم اندیشی ۱ و ۲

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : زیارت : مجموعه مقالات هم اندیشی ۱ و ۲/ تالیف جمعی از نویسندگان؛ تهیه کننده پژوهشکده حج و زیارت.

مشخصات نشر : تهران: نشر مشعر، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری : ۲۰۳ ص.

فروست : مجموعه مقالات در رد وهابیت؛ ۲.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۴۸۸-۶

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : زیارت و زائران

موضوع : زیارت و زائران -- فلسفه

موضوع : زیارت و زائران -- احادیث

شناسه افزوده : حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت. پژوهشکده حج و زیارت

رده بندی کنگره : BP۲۶۲/ز۹۳ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۶

شماره کتابشناسی ملی : ۳۴۰۵۹۶۸

ص: ۱

مجموعه مقالات هم اندیشی ۱

اشاره

یادداشت کمیته علمی

داشتن ارتباط با انسان های بزرگ و اسوه، یکی از بهترین راه ها و شیوه های تربیتی به شمار می رود. روح و جان آدمی، در جریان این ارتباط، صیقل و صفا می یابد و از کدورت ها و ناپاکی ها خلاص می گردد. این تأثیرپذیری، در پرتو الگوبرداری از رفتار، منش، خُلق و خوی و حَسَنات و تمایلات انسان های بزرگ است.

از سوی دیگر، تأثیر معنوی و اشراف ارواح بزرگ بر دیگران نیز قابل انکار نیست.

انبیا و اولیای الهی، بهترین الگوهایی هستند که انسان ها می توانند از ارتباط با آنان، در مسیر رشد و تکامل خود، بهره برند. این ارتباط، در قالب «زیارت» مطرح شده است. زیارت قبور اولیای الهی می تواند به شناخت بیشتر آن بزرگواران و الگوبرداری از خصلت های الهی آنان بینجامد و یا از طریق اشراق معنوی، بر روح و جان آدمی تأثیرگذار باشد.

استقبال انسان ها از اماکن زیارتی در تمامی ادیان آسمانی و بشری و نیز اشتیاق مسلمانان به زیارت اماکن و مزارات مقدّس، بر کسی پوشیده نیست. به عنوان نمونه، تنها از میان ایرانیان، سالانه میلیون ها زائر به مکان های زیارتی سفر می کنند و از آنها بهره معنوی می گیرند؛ مکان هایی از قبیل:

۱. خانه خدا و مزار پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه بقیع علیهم السلام در عربستان

۲. عتبات مقدّس در عراق

۳. حَرَم امام رضا علیه السلام در مشهد

۴. حرم امامزادگان در قم، شهرری و شیراز.

۵. مزار سایر امامزادگان، صحابه و اولیای الهی.

جایگاه معنوی و بلنـد زیارت از یک سو و گستردگی و فراوانی زیارت و اسـتقبال از آن از سوی دیگر، این الزام را به میان می آورد که مسأله زیارت، از ابعاد مختلف، مورد کاوش و پژوهش قرار گیرد و در کنار آن، به بررسی آفت ها و آسیب های این پرونده نیز پرداخته شود. چنین پژوهشی، از یک سو برای متولّیان امر زیارت، مفید است تا در برنامه ریزی ها از آن بهره گیرند و از دیگر سو برای زایران، تا بهره معنوی خویش را بالا برند.

معاونت آموزش و پژوهش بعثه مقام معظم رهبری، با همکاری سازمان اوقاف و امور خیریه و دفتر امور حـج و زیارت سازمان صدا و سیما، با انگیزه تحقق چنین آرمانی، در سال ۱۳۸۵، تصمیم به برگزاری هم اندیشی «زیارت» گرفت تا صاحب نظران و عالمـان و محققـان بتواننـد ابعـاد اعتقـادی، اجتماعی و اخلاقی زیارت را مورد پژوهش قرار داده، دسـتاوردهای خود را در این موضوع، ارائه نمایند.

در این راستا، در سال ۱۳۸۶، فراخوان مقاله و آثار ادبی، در محورهای هفتگانه زیر، اعلام گردید:

۱. کلیات

۲. مبانی فکری و اعتقادی زیارت

۳. آداب زیارت

۴. آثار زیارت

۵. آسیب شناسی زیارت

۶. مباحث مرتبط با زیارت

۷. آثار هنری مرتبط با زیارت.

نتیجه این فراخوان، دریافت ۲۹۰ مقاله و نوشـته ادبی بود که کمیته علمی هم اندیشـی، به بررسی آنها در دو مرحله پرداخت و از آن میان، ۴۹ اثر برگزیده شد:

۴۲ مقاله که در مجموعه مقالات هم اندیشی منتشر می شوند. دو نوشته ادبی که در خبرنامه نشر می یابند و پنج سفرنامه که در کتابی مستقل با عنوان سفرنامه های زیارتی در دسترس علاقه مندان و اهل نظر قرار خواهند گرفت.

در کنار آن، کمیته علمی، دو برنامه دیگر را نیز در دستور کار قرار داد: یکی سفارش تهیه کتابشناسی زیارت و دیگری تهیه خبرنامه هم اندیشی زیارت.

اینک به یاری خداوند و ارواح بزرگ پیامبر و ائمه علیهم السلام محصولات هم اندیشی در قالب چهار عنوان و شش مجلد، در اختیار پژوهشگران و علاقه مندان قرار می گیرد.

۱. مجموعه مقالات هم اندیشی زیارت ۲ جلد

۲. کتابشناسی زیارت ۱ جلد

۳. سفرنامه های زیارتی ۱ جلد

۴. خبرنامه هم اندیشی زیارت ۲ شماره

گفتنی است مجموعه مقالات برگزیده- که در دو جلد، نشر می یابد-، در شش عنوان کلی به شرح زیر، سامان یافته است:

۱. کلیات ۸ مقاله

۲. مبانی فکری و اعتقادی زیارت ۶ مقاله

۳. نقد و بررسی شبهات زیارت ۵ مقاله

۴. آداب زیارت ۲ مقاله

۵. آثار و فواید زیارت ۱۴ مقاله

۶. زیارت در فرهنگ و ادب فارسی ۷ مقاله.

امید است این حرکت علمی، با یاری خداوند، گامی راه گشا برای نشست های تخصصی و همایش های دیگر باشد تا در آنها زوایای زیارت بیش از پیش مورد پژوهش و تبیین، قرار گیرد.

ص: ۱۱

بخش یک: کلیات

۱. مفهوم زیارت

اشاره

خدیجه نعمتیان

چکیده

خداونـد متعـال ما را به زیارت محبوبانش و منتخبانش هـدایت نمود و زیارت آنان را راهی برای وصول به برترین منازل فوز و فلاـح قرار داد. در این مختصـر که نگرش ابتـدایی و متوسـط به مقوله بـا ارزش زیارت دارد، سـعی شـده تا به لایه هایی از این حقیقت والا اشاره شود و در این پرده برداری و تفسیر از مواقف و منازل برج رفیع زیارت، به ساحت های نو و عرصه های تازه ای پرداخته شود. شـناخت زیارت و مفهوم شناسـی زیارت به معنای واقعی آن، می تواند جلو راه هرگونه خرافات، تحریفات و انحرافات را بگیرد. به ویژه در دورانی که راه شـهوات باز و باب شـبهات گشوده و قلم های تحریف روان و قـدم های انحراف دوان است.

در این نوشـتار مبـاحث زیـارت در آیـات و روایات، زیارت در فقه، زیارت با معرفت مورد بررسـی قرار گرفته است، سـپس به اهمیت و ضـرورت زیارت، ارکان زیارت و اهـداف زیارت پرداخته و در آخر با ذکر نتیجه و خلاصه، مقاله را به پایان رسانده است.

کلیدواژه ها: زیارت، زایر، زیارتنامه، معرفت، اهل بیت علیهم السلام.

مقدّمه

زیـارت حضور زایر است در پیشـگاه معشوق، اتصال قلبی است با مبـدأ فیض، کسب نور است از سرچشـمه انوار الهی، زیارت آرامش است، آرامشـی پریشانی زدا و اضـطراب شوی و آرامشـی گوارا. زیارت سـعادت و خوشـبختی است، و چه خوشبختی بالاتر از حضور در کنارمعصوم. حضور فقط «بودن» نیست، بلکه همنفس

شـدن بـا فرشـتگان، همصـدایی بـا نیازمنـدان و همـدعایی بـا دعاگویـان است، یـک حضور روحـانی، ویک پرواز معنوی، بال گشودن تا حریم قدس، گویی از این جا راه آسـمان نزدیک تر است و رسـیدن به عرش ساده تر، این جا سوخته دلان می آیند تا شـفاعتی نزد خالق یابنـد، این جا بی کسان می آینـد تا با «کس بی کسان» انس گیرند. پاکان می آیند تا صـفا افزون کنند و آلودگان می آینـد تا زنگار از دل بشوینـد، گناهکاران می آینـد تا توبه کننـد و توبه کنندگان می آیند تا عهد خویش تقویت کنند.

حضور پیـدا کردن در مقابل امام معصوم یا مرقـد مطهر او فیضـی است که مرحله ای از زیارت با آن تحقق می یابـد، اما در هر زیارتی این گونه است که بعد از دیدار ظاهری و تعارف متداول به گفت وگو با مزور و معشوق می نشینند تا دیدار را طولانی تر و لذت وصال را بیشتر کنند.

کلیم حق تعالی در آن وادی مقـدس، به سوی آتشـی رفت تا شـعله ای برگیرد، ناگهان صدای محبوب خود را شـنید که با وی سخن می گویـد. در آن میان از او پرسـید: «وَمَا تِلْکَ بِیَمِینِکَ یمُوسَـی»؛ (۱) ای موسـی! آن چیست که در دست توست؟ «قَالَ هِیَ عَصَایَ أَتَوَکَّؤُاْ عَلَیْهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَی غَنَمِی وَ لِیَ فِیهَا مَارِبُ أُخْرَی»؛ (۲) موسی علیه السلام در جواب گفت:

ایـن، عصـای مـن است که بر آن تکیه می کنم، برای گوسـپندانم از درخت برگ می ریزم و منفعت هـای دیگری نیز برای من دارد. برخی از مفسـران گفته اند: با آن که حضـرت موسـی علیه السلام می توانست به یک جمله «هِیَ عَصَایَ» اکتفا کند، بقیه جملات را برای طولانی تر کردن مناجات و مـذاکره با خدا بر زبان آورد. (۳) بهترین عامل برای اطاله گفت وگو، اظهار عشق و ارادت به معشوق و ذکر کمالات و نیکویی هـای اوست. امـام صـادق علیه السـلام به یکی از اصـحاب خود، به نام هشام بن سالم فرمود: «إذا أحببت رجلًا فأخبره بذلک فإنّه أثبت للمودّه بینکما»؛ (۴) اگر به کسی علاقه مند

۱- سوره طه، آیه ۱۷.

۲- همان، آیه ۱۸.

۳- المیزان، ج ۱۴، ص ۱۴۳.

۴- کافی، ج ۲، ص ۶۴۴، باب اخبار الرجل اخاه بحبه.

هستی و وی را دوست می داری، دوستی و محبت خود را به او اعلام کن، زیرا این اعلام، موجب تثبیت مودت بین شما می شود. اظهار عشق و ارادت همراه با ثناگویی و ذکر کمالات معشوق، از یک سو تکلیف، بلکه تشریف عاشق را روشن می کند و به اومی فهماند که در برابر چنین محبوبی چه وظیفه سنگینی دارد و از سوی دیگر معشوق را دلگرم می کند که ارادت عاشق، صوری و ناپایدار نیست. در نتیجه ثناگویی و ذکر اوصاف و کمالات، حضور و دیدار را پرشورتر، گرمابخش تر و شیرین تر می گرداند و به اوج خود می رساند. متن این ثنانامه، مثنوی و منشور ارادت است که اصطلاحاً زیارتنامه خوانده می شود و عاشق صادقی با خواندن آن از یک سو نهایت محبت و علاقه خود را به محبوب اعلام می دارد و از سوی دیگر یکی از نیازهای فطری خود، یعنی ثناخوانی و تمجید از کمالات را برآورده می کند.

معنای زیارت

یکی از راه های بزرگداشت مفاخر و صاحبان کمال، زیارت آنان است که در حقیقت موجب بقا و استمرار حیات علمی، هنری و معنوی آنان می گردد. افزون بر این که عامل پیوند نسل حاضر و نسل های آینده با نسل های گذشته و وسیله ارتباط روحی با آنان و کمالاتشان است.

زیارت از ریشه «زور» به معنای میل و عدول از چیزی است. دروغ را از آن جهت، زور گفته اند که از راه حق مایل و منحرف می گردد. (۱) احمد بن فارس در ادامه می گوید:

زایر را بدین جهت زایر می گویند که وقتی به زیارت تو می آید از غیر تو عدول می کند و رو برمی گرداند. (۲) از این رو برخی معتقدند: زیارت، به معنای قصد و توجه است. (۳)

۱- الزاء والواو والراء اصل واحد یدل علی المیل والعدول. من ذلک الزور: الکذب؛ لانه مائل عن طریقه الحق ... یقال: ازور عن کذا: ای مال عنه(مقاییس الغه، ج ۳، ص ۳۶، «زور») راغب اصفهانی ریشه دیگری برای این واژه ذکر کرده است.

۲- و من الباب: الزائر لانه اذا زارک فقد عدل من غیرک(همان).

۳- زاره، یزروه، زیاره وزورا: قصد فهو زائر(المصباح المنیر، «زور»).

فیومی سپس می گوید: زیارت، در عرف آن است که انسان با انگیزه بزرگداشت و انس گرفتن با کسی به وی روی آورد. (۱) نیز برخی گفته اند: این که بر ملاقات اولیا و بزرگان، اطلاق زیارت شده، از آن جهت است که این کار، انحراف از جریان مادی و عدول از عالم طبیعت و توجه به عالم روحانیت است، در حالی که در محیط طبیعی حضور دارد و جسمانیت خویش را حفظ می کند. در اصطلاح دینی زیارت تمایلی است که افزون بر میل و حرکت حسی، قلب هم گرایش جدی پیدا کرده و نسبت به مزور و زیارت شونده هم با اکرام و تعظیم قلبی و انس روحی همراه باشد. (۲) این معنا در مرتبه برین و کامل خود همانا اقبال قلبی، روحی، فکری، اخلاقی و عملی نسبت به مزور را با خود دارد.

گویا تنها موردی که قرآن کریم این واژه را در این معنا استعمال کرده،(زرتم) در آیه کریمه «أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ» است. مفسران در تفسیر این آیه گفته اند:

دو طایفه از قریش، یعنی «بنی عبد مناف» و «بنی سهم بن عمرو» به مفاخره با یکدیگر پرداختند و هر کدام، بزرگان و افراد قبیله خویش را به رخ دیگری می کشید که در نهایت بنو عبد مناف در این مفاخره برتری یافت. گروه مقابل، یعنی بنی سهم برای جبران شکست خویش گفتند: در جاهلیت بسیاری از افراد طایفه ما بر اثر بغی و ستم نابود شدند که اگر زنده می بودند، بر شما غلبه می کردیم، از این رو به قبرستان رفتند و به شمارش قبرهای قبیله خویش پرداختند. بنابراین قرآن کریم به سراغ کسی یا چیزی رفتن و دیدار کردن با او را زیارت نامیده است.

زیارت در آیات قرآن

از آن جا که زیارت، شریعه ورود به دریای ولایت، و ظهور تمسک و نمود اعتصام به مستمسک امامت است، و با توجه به این نکته که توصیه های قرآنی به اعتصام و

۱- والزیاره فی العرف قصد المزور اکراما له و استیناسا به(همان).

۲- مجمع البحرین، ج ۱، ربع ۲، ص ۳۰۵.

تمسک به حبل الهی از طریق زیارت تحقق می یابد، شایسته است در حد گذرا و مختصر به برخی از آیاتی که بر این ارتباط تأکید دارد، اشاره کنیم. خدای سبحان در قرآن کریم از سه طریق عمده هدایتگری می کند و راه پیوند و قرب به اولیای الهی را توصیه می کند:

یکم. بیان جایگاه و موقعیت والای آنان در نظام تکوینی و عالم تشریع و نیز برشماری اوصاف و کمالات شایسته و خصایص زنده، کامل و مؤثر آنها در نظام بشری، و عصمت و مصونیت آنان از هر نوع رجس و پلیدی مادی و معنوی. چنین کمالاتی به دلالت التزامی لزوم تبعیت و اطاعت و محبت و مودت به آنها را به همراه دارد.

دوم. پرهیز دادن از اعراض و دوری از آنها که هم موجب انحطاط و سقوط بوده و هم حرمان از کمالات انسانی و الهی است. خداوند متعال با این گونه بیان راه هرگونه گسست و سهل انگاری در مقابل عترت طاهره علیهم السلام را می بندد، بلکه همه آن راه ها را اعوجاج و انحراف می داند.

سوم. آیاتی مستقل، صریح و روشن در جهت همراهی، مصاحبت و بلکه مسئولیت در مقابل اهل بیت علیهم السلام که با عبارات مختلف قرآن این معنا را تذکر می دهد.

به نمونه هایی از این آیات اشاره می کنیم:

۱. از جمله آیاتی که با تصریح و با فعل امر، همراهی با سفرای الهی و اوصیای معصوم از هر گونه خطا و لغزشی را توصیه می کند، این آیه است: «يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ اتَّقُواْ اللَّهَ وَ كُونُواْ مَعَ الصدِقِينَ»؛ (۱) ای انسان های مؤمن ضمن کسب تقوا، همواره با صادقین همراه باشید. در این آیه توصیه به تقوا بیانگر این معناست که این مصاحبت، تبعیت، اطاعت و ملازم بودن باید با قدرت، عزم و تصمیم جدی همراه باشد؛ زیرا تقوا در مصاحبت، این پیام را دارد که هم صادقین را درست بشناسید و هرگز غیر

۱- سوره توبه، آیه ۱۱۹.

صادقین را با صادقین اشتباه نکنید و هم بعد از شناخت، لحظه ای درنگ نکرده و همواره با کمال جدیت و با همه وجود همراهی با صادقین را رعایت کنید؛ همان گونه که رسول مکرم صلی الله علیه و آله نیز در این معیت و مصاحبت به حدی در عبودیت و بندگی به پروردگار عالم مداومت و همراهی می کرد که احدی در این مسیر با او یار نبود، از این رو فرمود: «لی معی اللَّه وقت لایسعه ملک مقرّب ولا نبیّ مرسل»؛ (۱) برای من نسبت به خداوند حالاتی است که هیچ فرشته مقرب و هیچ نبی فرستاده ای یارای قدم نهادن در آن عرصه را ندارد، و از فرط این مصاحبت خداوند او را به عنوان حبیب خود اتخاذ کرد: «واتّخذتک حبیباً». (۲) و به تبع آن حضرت، امام علی علیه السلام نیز نسبت به آن حضرت همین حد از متابعت را داشت، که اولًا خود را به عنوان بنده ای از بندگان حضرت محمد صلی الله علیه و آله معرفی کرده:

«... إنّما أنا عبد من عبید محمد صلی الله علیه و آله» (۳) و در خطبه «قاصعه» کیفیت این تبعیت و همراهی را یاد می کند: «ولقد کنت اتبعه اتباع الفصیل اثر امّه یرفع لی فی کل یوم من أخلاقه علما و یأمرنی بالاقتداء به»؛ (۴) تبعیت من از پیامبر گرامی به حدی بود که از لحظه ای او جدا نمی شدم و هر روز نکته ای از اخلاق نیک وپسندیده به من می آموخت و به من فرمان می داد که پیروی کنم.

این مصاحبت به حدی بود که در بین همه مؤمنان تنها او برادر و همتای حقیقی پیامبر شد و طبعاً او نیز محبوب الهی و به منزله جان رسول اللَّه صلی الله علیه و آله معرفی شد: «یا علی أنت منّی و أنا منک و أنت اخی». (۵) باید توجه داشت که این معیت و همراهی، وقتی به اوج رسید و انسان در مسیر عبودیت و اطاعت الهی میادین، مواقف و منازل را طی کرد. این معیت که همراهی و مصاحبت ویژه بوده و متضمن هدایت، کمال و آشنایی با اسرار عالم است، از ناحیه

۱- بحارالأنوار، ج ۱۸، ص ۳۶۰.

۲- همان، ص ۳۸۳.

۳- همان، ج ۳، ص ۲۸۳.

۴- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

۵- بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۰۸.

پروردگـار عـالم نیز به انسان خواهـد رسـید، و اگر خداونـد در قرآن می فرمایـد: با صادقین همراه باشـید، در آیه دیگر نیز می فرماید: «وَ إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»؛ (۱) خداوند با محسنین است.

در این مورد نیز اگر انسان با اهل بیت علیهم السـلام باشـد و رابطه با آنها را جـدی گرفته، اعتصام، اتصال و تمسک را رعایت کرده باشد، یعنی تولی صورت پذیرفته و دوستی و ولای آنان در قلب و ارکان وجودی آدمی نشسته باشد، از آن سوی ولایت و سرپرستی اهل بیت علیهم السلام نسبت به انسان ها، که خود برترین و مؤثرترین نعمت است، نیز ظاهر می شود.

بدیهی است که با مولویت و حاکمیت عترت علیهم السلام بر قلمرو وجود انسانی، زمینه های رشد و بالندگی انسان شکوفا می شود و همراهی و مصـاحبت به معیت و حضور دائم مبـدل می گردد: «وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُوْلَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِم مِّنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَآءِ وَالصلِحِينَ وَحَسُنَ أُوْلِئكَ رَفِيقًا»؛ (۲)

و کسـانی که از خـدا و پیامبر اطاعت کننـد، در گروه کسانی خواهنـد بود که خـدا ایشان را گرامی داشـته،(یعنی) با پیامبران و صدیقان و شـهیدان و شایسـتگانند و آنان چه نیکوهمدمانند. این همراهی و حشر با اولیای الهی در سخت ترین مراحل با انسان بوده است و طبق احادیث فراوان، در مواقف و مهالک دشوار، این معیتِ شفاعت آفرین، موجب گشایش و آسودگی است.

در زیارت شب و روز عرفه آمده که هدف از زیارت آن است که معیت و همراهی دنیا و آخرت را از شما مسئلت کنم: «أسال اللّه بالشأن الـذی لک عنـده و بالمحلّ الذی لک لدیه أن یصـلّی علی محمّد و آل محمّد و أن یجعلنی معکم فی الدنیا و الآخرهَ بمنّه و جوده و کرمه». (۳) اساساً یکی از بهره های انسان در زیارت همین همراهی و مرافقت است.

۱- سوره عنکبوت، آیه ۶۹.

۲- سوره نساء، آیه ۶۹.

۳- بحارالأنوار، ج ۹۸، ص ۳۶۱.

در زیارت عسکریین(امام هادی و امام عسکری علیهما السلام) نیز می خوانیم: «أسال اللّه ربّی و ربّکما أن یجعل حظّی من زیارتکما الصلاه علی محمّد و أهل بیته و أن یرزقنی مرافقتکما فی الجنان مع آبائکما الصالحین». (۱) از همین رهگذر زیارت نقش مهم و اساسی خودرا در فراهم آوردن زمینه مصاحبت و همراهی تام دارد.

یکی از بهترین و مؤثرترین آثار زیارت همانا پذیرش و تأیید افکار و آرمان های مزور و زیارت شونده است. اگر انسان بر مبنای بیانات اعتقادی و روایاتی همانند آنچه جابربن عبداللّه انصاری، اولین زایر حرم حسینی از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بیان داشته، این معنا را بیابد که زیارت نماد همفکری و همدلی است و کسی که به زیارت می رود، خود را از نظر اعتقادی، اخلاقی و رفتاری با زیارت شونده هماهنگ ساخته و نیت همراهی همه جانبه را دارد و خود نیز به این گرایش مایل و امیدوار است. این جاست که موفق به کسب همراهی و مصاحبت شده و آیه «وَ کُونُواْ مَعَ الصـدِقِینَ» (۲) را تحقق بخشیده است. با توجه به حدیث جابر این نکته روشن تر می شود.

جابربن عبداللّه انصاری به عطیه کوفی می گوید: «من أحبّ قوماً حشر معهم و من أحبّ عمل قوم أشرک فی عملهم»؛ (۳) دوستم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کسی مردمی را دوست داشته باشد، با آنها محشور می شود و هر کسی عمل و کار مردم و ملتی را علاقه مند باشد، با آنها در عملشان شریک است. از این رهگذر کسانی که به هر نحو نتوانستند در عرصه کربلا حاضر شوند، با اظهار همدردی و همراهی، خود را از نظر فکری و روحی نزدیک کرده و با تدارک کردن آن نقیصه همراهی خود را اعلام می دارند؛ چنان که در زیارت امام حسین علیه السلام به آن حضرت عرض می کنیم: «لبّیک داعی اللّه إن کان لم یجبک بدنی عند استغاثتک و لسانی عند استنصارک فقد أجابک قلبی و سمعی و بصری، سبحان ربّنا إن کان وعد ربّنا لمفعولًا»؛ (۴) ای حسین عزیز که در دعوت به کمک،

۱- تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۹۴.

۲- سوره توبه، آیه ۱۱۹.

۳- بحارالأنوار، ج ۶۵، ص ۱۳۱.

۴- همان، ج ۹۸، ص ۳۳۷.

به خدا دعوت داشتی، اگر هنگام استغاثه و کمک طلبی تو، نتوانستم شما را با بدن و زبانم کمک کنم، هر آینه قلب، گوش و چشمم شما را اجابت کرده است. منزه است خدای ما و وعده خدای ما هر آینه محقق است.

البته این اعتراف و تصدیق به همراهی و تبعیت، شایستگی همراهی با آنان را نیز افزون می گرداند؛ از این رو در نوع زیارتنامه ها آرزوی مصاحبت آمده است: «یا لیتنی کنت معکم فأفوز فوزاً عظیماً»؛ (۱) ای کاش با شما بودم و به رستگاری عظیمی نایل می شدم. یا در زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در شب عرفه آمده است: «أسأل اللّٰه ... أن یصلّی علی محمّد وآل محمّد و أن یجعلنی معکم فی الدنیا و الآخره»؛ (۲) از خدا می خواهم که بر محمد صلی الله علیه و آله و آلش درود فرستد و مرا با شما در دنیا و آخرت همراه دارد. این خصیصه در زیارت وداع و دعای آن برجسته است و بر آن تأکید شده است؛ زیرا یکی از خواسته های جدی در زیارت وداع همین مصاحبت و همراهی است: «... اللهم لا تجعله آخر العهد من زیارتی إیاهم و أشرکنی معهم فی صالح ما أعطیتهم علی نصرتهم ابن نبیك و حجتک علی خلقك و جهادهم معه»؛ (۳) بارالها این زیارت را آخرین عهد و زیارت من قرار مده و مرا با این شهیدان در عطای ولایت شریک گردان؛ عطایی که به پاس یاری کردن فرزند رسولت و حجتت بر خلق و جهاد آن شهیدان همراه با او به آنها عطا کرده ای.

۲. حل مشکلات علمی و اخلاقی و بیرون آمدن از ورطه ضلالت و جهالت، تنها در سایه ارتباط و اتصال علمی با آشنایان و عالمان حقیقی دین، یعنی اهل بیت علیهم السلام ممکن است و بدون ارتباط و سؤال از آنها نه علمی ایجاد می شود ونه هدایتی ممکن است؛ از این رو خدای سبحان به صورت صریح توصیه می کند: «فَسَلُواْ أَهْلَ الذِّكْرِ إِن كُنتُمْ لَاتَعْلَمُونَ»؛ (۴)

پس اگر نمی دانید از دانایان کتاب های آسمانی جویا شوید. این آیه

۱- همان، ص ۱۶۶.

۲- همان، ص ۳۶۱.

۳- همان، ص ۲۰۴.

۴- سوره نحل، آیه ۴۳؛ سوره انبیاء، آیه ۷.

در دو سوره مستقل تکرار و تأکید شده که از اهل ذکر سؤال کنید. هدف از پرسش، رهیدن از جهل و ظلم و مشکلات فکری، روحی، اخلاقی و عملی در مسایل فردی و اجتماعی است و مناسب ترین بستر برای آن زیارت است؛ چه در حال حضور اولیای الهی و چه در حال غیبت و ممات آنان.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در پاسخ این پرسش که اهل ذکر در آیه شریفه چه کسانی هستند، فرمود:

«الذکر أنا و الأئمه علیهم السلام أهل الذکر»؛ (۱)

من ذکر هستم و امامان علیهم السلام اهل ذکر هستند.

حضرت امام رضا علیه السلام نیز در پاسخ همین سؤال فرمود:

«نحن اهل الذکر و نحن المسئولون»؛ (۲)

ما اهل ذکر و پرسش شوندگان هستیم.

در بیانی دیگر از امام رضا علیه السلام آمده است:

«الذکر رسول اللّه صلی الله علیه و آله و نحن اهله و ذلک بین فی کتاب اللّه حیث یقول فی سوره الطلاق

«فَاتَّقُواْ اللَّهَ يأُوْلِى الْأَلْبٰبِ الَّذِينَ ءَامَنُواْ قَدْ أَنزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا رَّسُولًا يَتْلُواْ عَلَيْكُمْ ءَايٰتِ اللَّهِ مُبَيِّنٰتٍ»

فالذکر رسول اللّه صلی الله علیه و آله و نحن أهله».

در ذیل آیه «وَقِفُوهُمْ إِنَّهُم مَّسْولُونَ» (۳)

نیز در برخی احادیث آمده است که مورد سؤال، ولایت اهل بیت و مودت به آنهاست؛ (۴) بنابراین، چیزی که با این اصرار و تأکید درخواست شده و چنین نقش و تأثیر عمده ای در دنیا و عقبی دارد، ضرورت آن حتمی و اهمیت آن قطعی است.

۳. نمونه بارز و آشکار دیگر، توصیه و فرمان الهی به اطاعت و تبعیت از اهل بیت علیهم السلام مطابق آیه شریفه «أَطِيعُواْ اللَّهَ وَأَطِيعُواْ الرَّسُولَ وَأُوْلِى الْأَمْرِ مِنكُمْ» (۵)

است. در این کریمه به همان صورتی که به اطاعت از رسول گرامی صلی الله علیه و آله توصیه شده بدون تکرار امر، به همان وجه تبعیت از صاحبان حقیقی امر و ولایتمداران دستور داده شده است.

۱- بحارالأنوار، ج ۱۶، ص ۳۵۹.

۲- کافی، ج ۱، ص ۲۱۰.
۳- سوره صافات، آیه ۲۴.
۴- بحارالأنوار، ج ۳۶، ص ۷۸.
۵- سوره نساء، آیه ۵۹.

کسانی که در کنار پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله اطاعت از آنها الزامی شناخته شده، قطعاً موالیان و والیان راستین هستند و اساساً بدون اطاعت والیان امر، اطاعت از خدا و رسول امکان ندارد. از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

«إنّه من أتی البیوت من أبوابها اهتدی و من أخذ فی غیرها سلک طریق الردی وصل اللّه طاعه ولی أمره بطاعه رسوله و طاعه رسوله بطاعته فمن ترک طاعه ولاه الأمر لم یطع اللّه و لا رسوله و ...»؛ (۱)

تنها کسانی که از باب ولایت به بیوت هدایت و سعادت گام نهاده اند، هدایت یافته اند و کسانی که در غیر این مسیر راه می پیمایند، در راه ضلالت و پستی گام می نهند و در واقع اطاعت اولواالامر و اطاعت رسول در پرتو اطاعت الهی خواهد بود و اگر کسی اطاعت اولواالامر را ترک کند، در واقع خدا و پیامبرش را اطاعت نکرده است.

تولی، تبعیت و اطاعت از اولواالامر به همان حدی معتبر است که اطاعت از رسول گرامی صلی الله علیه و آله دارای ارزش و بهاست و خداوند این اطاعت را اطاعت از خود دانسته و فرموده است:

«مَّن یُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ»

و طاعت آنها را مقرون به طاعت خود دانسته است: «و قرن طاعتکم بطاعته» با چنین اهمیت و ارزشی طبعاً اتصال و اعتصام به آنها یک ضرورت برای کمال وجودی انسان ها خواهد بود و بدیهی است که زیارت با شاخصه های برجسته و دلنشین آن جلوه های اطاعت و تبعیت را در دل ها می نشاند.

۴. مودت و دوستی اهل بیت علیهم السلام به قدری عظیم و ارزشمند است که تنها اجر رسالت شمرده شده است: «قُل لَّآ أَسَئلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبَی». (۲)

و تنها کسانی می توانند در مقابل رسول اکرم صلی الله علیه و آله روسفید و سرفراز باشند که با معرفت و مودت نسبت به خویشاوندان آن حضرت حرکت انسان و الهی خویش را تصحیح کرده و به این حسنه دنیا و عقبی رسیده باشند؛ «وَ مَن یَقْتَرِفْ حَسَنَهً نَّزِدْ لَهُ و فِیهَا حُسْنًا»؛ (۳)

قطعاً کسانی که خیر و نیکی، یعنی مودت به اهل بیت علیهم السلام را تحصیل کرده باشند، برای آنها

۱- بحارالأنوار، ج ۶۶، ص ۱۰.

۲- سوره شوری، آیه ۲۳.

۳- همان.

احسان و انعام الهی افزون خواهـد بود. تردیدی نیست که از بهترین راه های ایجاد محبت و دوستی و تحصـیل ارادت و معرفت اهل بیت علیهم السلام حضور در مشاهد آنان و خواندن زیارتنامه های جامع و زیبای آنان است.

۵. ندامت و خسران همواره بر کسانی است که در دنیا توانایی خود را در جهت پیوند با اهل بیت علیهم السلام به کار نگرفتند. خـدای سـبحان حـال این افراد را این گونه حکایت می کنـد: درحالی که دو دست خود را از سـر نـدامت و حسرت به دنـدان گرفته، واحسـرتا سر داده و با خود می گویند: ای کاش پیوند خود را با پیامبر صلی الله علیه و آله تحکیم کرده و راه به رسالت را که همان ولایت عترت علیهم السلام است، اتخاذ می کردیم:

«وَ یَوْمَ یَعَضُّ الظّالِمُ عَلی یَدَیْهِ یَقُولُ یلَیْتَنِی اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِیلًا».

طبق بیـان پیـامبر صـلی الله علیه و آله تنهـا طریق و راهی که به رسالت ختم می شود، راه ولایت است؛ زیرا وقتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله سؤال شـد «جنب اللّه» چیست؟ فرمود: همان چیزی است که به رسالت منتهی می شود و انسان ظالم در روز قیامت به سبب ترک ارتباط با آن، دو دست حسرت به دندان می گیرد؛ فقالوا: «یا رسول اللّه صلی الله علیه و آله و ما جنب اللّه هذا؟» فقال: «هوالذی یقول اللّه فیه: «وَ یَوْمَ یَعَضُّ الظّالِمُ عَلی یَدَیْهِ یَقُولُ یلَیْتَنِی اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِیلًا» فوصـیّی السبیل إلی من بعدی». (۱) ۶. انسان های دور افتاده از طریق هـدایت و منقطع شـده از مسـیر ولایت، در وادی حسـرت با صـد افسوس و آه از تفریط و کوتاهی، و از قصور و تقصـیر خود پشیمان و نادم هستند که چرا در دنیا به «حبل اللّه»، «نور اللّه» و «جنب اللّه» نزدیک نشده و از آن دور و جدا مانده اند: «أَن تَقُولَ نَفْسٌ یحَسْرَتی عَلی مَا فَرَّطتُ فِی جَنبِ اللّهِ»؛ (۲)

نیکوترین چیزی را که از جانب پروردگارتان به سوی شـما فرود آمده است، پیروی کنید تا این که(مبادا) کسی بگوید: «دریغا بر آنچه در حضور خـدا کوتـاهی ورزیـدم». شـیخ صـدوق رحمه الله فرموده است: جنب در لغت عرب به معنـای طـاعت است؛ گفته می شود:

۱- بحارالأنوار، ج ۳۶، ص ۱۷.

۲- سوره زمر، آیه ۵۶.

«هذا صغير فی جنب اللَّه، يعنی فی طاعه اللَّه عزوجل؛ پس معنای قول اميرالمؤمنين عليه السلام كه فرمود: «أنا جنب اللَّه» يعنی «أنا الذی ولايتی طاعه اللَّه». (۱) مرتبه جنب اللهی ويژه رسول گرامی اسلام صلی الله عليه و آله و اوصيای معصوم آن حضرت است؛ چنان كه پيامبر اكرم صلی الله عليه و آله به حضرت علی عليه السلام فرمود: «خلت أنا و أنت يا علی من جنب اللَّه تعالی فقال: يا رسول اللَّه ما جنب اللَّه تعالی؟ قال صلی الله عليه و آله: سر مكنون و علم مخزون لم يخلق اللَّه منه سوانا فمن أحبّنا وفی بعهد اللَّه و من أبغضنا فإنّه يقول فی آخر نفس: «يحَسْرَتَی عَلَی مَا فَرَّطتُ فِی جَنبِ اللَّهِ»؛ (۲) خلقت من و تو يا علی از جنب اللَّه است. از حضرت پرسيدند: جنب اللَّه چيست؟ رسول اكرم صلی الله عليه و آله در جواب فرمود: سِرّ الهی و علم پنهان ربوبی است كه جز ما اهل بيت از آن سرشته نشده و نمی شود و كسانی كه عهد امامت و ميثاق رسالت را وفا كردند با ما می باشند و آنها كه آن را گسستند و رابطه با ما را نپسنديدند در حسرت و نگرانی باقی می مانند.

بنابراين، تنها مصداق جنب اللَّه، عترت طاهره عليهم السلام هستند و انسان مقصر، همواره به سرزنش درونی و عذاب بيرونی معذب است.

در زيارت پنجم اميرالمؤمنين عليه السلام آمده: «وأشهد أنّك جنب اللَّه و بابه و أنّك حبيب اللَّه و وجهه الذی منه يؤتی و أنّك سبيل اللَّه»؛ (۳) من گواهی می دهم كه تو جنب اللهی و طريق اهلی و حبيب و وجه خدايی كه راه و طريق ارتباط با خدايی. و امام باقر عليه السلام فرمود:

«معنی جنب اللَّه أنّه ليس شی ء أقرب إلی اللَّه من رسوله و لا أقرب إلی رسوله من وصيّه»؛ معنای جنب اللَّه اين است كه هيچ چيزی از رسول اللَّه به خدا نزديک تر نيست و هيچ كسی هم از وصی او به رسول اللَّه نزديک تر نيست. (۴) نيز آن حضرت فرمود: «نحن جنب اللَّه»؛ ما جنب اللَّه هستيم. (۵) امام حسن عسكری عليه السلام طی نامه ای گلايه آميز به اسماعيل بن اسحاق نيشابوری ضمن اشاره به كوتاهی كردن شيعيان در امر امامت، آنها را از وادی حسرت و صحرای

۱- بحارالأنوار، ج ۴، ص ۹.

۲- مصباح الهدايه، ص ۲۸۱.

۳- بحارالأنوار، ج ۹۷، ص ۳۷۹.

۴- همان، ج ۴، ص ۹.

۵- همان، ج ۲۴، ص ۱۹۱.

ندامت پرهیز می دهد: «و إيّاكم أن تفرطوا فی جنب اللّه فتكونوا من الخاسرين»؛ (۱) از کوتاهی نسبت به جنب اللّه(که همان ولایت اولیای الهی است) بپرهیزید که از خسارت دیدگان خواهید شد.

بدیهی است که زیارت با شاخصه ها، آداب و شرایط ویژه ای که دارد، از عاطفی ترین و در عین حال نزدیک ترین راه حضور و تقرب به آنهاست و خروج از وادی تحسر و برهوت تأسف و نیز عدم سقوط در آن مهالک جز از این طریق و با این شیوه امکان پذیر نیست.

زیارت در روایات اهل بیت

عبداللّه، پسر خلیفه دوم از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است که فرمود: «من جائنی زائراً لا تحمله إلّازيارتی كان حقاً علىّ أن أكون له شفيعاً يوم القيامه»؛ (۲) هر کس به زیارت من بیاید و انگیزه ای جز زیارتم نداشته باشد، بر من لازم است که شفیع او در روز قیامت باشم.

متتبع بزرگ، علامه امینی این حدیث را از شانزده تن از محدثان و حفاظ اهل سنت نقل کرده است. همچنین آورده است: چهل و یک نفر از بزرگان آنان از عبداللّه بن عمر نقل کرده اند که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «من زار قبری وجبت له شفاعتی»؛ (۳) هر کس قبر مرا زیارت کند، شفاعت من بر او واجب می شود. آن عالم امین افزون بر این دو روایت، بیست روایت دیگر نیز در این زمینه از منابع اهل سنت نقل کرده است. (۴) اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود: «مرّوا بالمدينه فسلّموا على رسول اللّه صلى الله عليه و آله و إن كانت الصلاه تبلغه من بعيد»؛ (۵) به مدینه بروید و بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سلام بدهید، هر چند که سلام و درود از راه دور نیز به آن حضرت می رسد. زیارت از دور نیز گرچه مورد قبول و توصیه است، اما این حدیث، نشان می دهد که حضور زایر

۱- تحف العقول، ص ۴۹۶.

۲- الغدیر، ج ۵، ص ۹۷.

۳- همان، ص ۹۳.

۴- همان.

۵- وسائل الشیعه، ج ۱۴، کتاب الحج، ابواب المزار، باب ۴، ص ۳۳۸، ح ۱۴.

در کنار مزور و قبر وی خصوصیتی دارد، لذا مورد توصیه و سفارش قرار گرفته است.

از جمله این خصوصیت ها عبارت است از:

۱. بهره مند شدن از فضای معنوی حرم های شریف- که محل رفت و آمد فرشتگان، ارواح انبیا و اولیا و محل تردد و تعلق ویژه روح بلند آن مزور است- و دعا کردن در مظان استجابت دعا. چنان که بهره مندی از فضای معنوی مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله و دعا کردن در آن فضا را حتی وهابیان حجاز نیز قبول دارند و به آن عمل می کنند.

۲. گسترش فرهنگ توحیدی و ولایت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در بین راه ها و شهرهای مسیر مشاهد مشرفه.

۳. نشانه صداقت زایر در دوستی و علاقه به مزور و زیارت شونده.

۴. ارتباط ملت ها و ملیت های مختلف و آگاهی از مشکلات، مشقات و امکانات یکدیگر.

۵. عمل به توصیه کلی قرآن بر سیر در اقطار زمین و تماشای فرجام مجرمان: «قُلْ سِيرُواْ فِي الْأَرْضِ فَانظُرُواْ كَيْفَ كَانَ عِقَبَةُ الْمُجْرِمِينَ». (۱)

۶. وفاداری به رهبر و مقتدا و تعهد به پیمانی که با اوبسته است. (۲) ۷. حرم های شریف امامان معصوم علیهم السلام در طول تاریخ مراکز علم، تبلیغ و ترویج دین، مبدأ قیام ها و نهضت ها، محل پیمان بستن و هم قسم شدن برای انقلاب های رهایی بخش، جنبش های انتقام آمیز و ... بوده است. این برکات، جملگی از ایاب و ذهاب و مراوده زایران ناشی می شود.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «من زارنی أو زار أحداً من ذرّیتی زرته یوم القیامه فأنقذته من أهوالها»؛ (۳) کسی که من یا یکی از فرزندانم را زیارت کند، در روز قیامت به زیارت و

۱- سوره نمل، آیه ۶۹.

۲- ر. ک: روایت امام رضا علیه السلام.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۴، کتاب الحج، ابواب المزار، باب ۲، ص ۳۳۲، ح ۲۳.

دیدار او خواهم رفت و از هراس ها و وحشت های آن روز نجاتش خواهم داد؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام فرمود: «یا علی! من زارنی فی حیاتی أو بعد موتی أو زارک فی حیاتک أو بعد موتک أو زار ابنیک فی حیاتهما أو بعد موتهما ضمنت له یوم القیامه أن اخلّصه من أهوالها و شدائدها حتی أصیره معی فی درجتی»؛ (۱) ای علی، هر کس مرا یا تو و فرزندانت را در زمان حیات یا پس از مرگ زیارت کند، من ضمانت می کنم که او را از سختی ها و شداید روز قیامت نجات دهم، تا آن که او را مانند درجه خودم می گردانم.

این روایت و امثال آن نشان می دهد که حیات و مرگ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام یکسان است؛ زیرا زیارت دوران حیات و مرگ آنها، اجر و آثار یکسان دارد. از این جهت لازم است که زایر به گونه ای در حرم شریف آنان حضور پیدا کند که اگر زنده می بودند، همان طور در کنارشان حضور پیدا می کرد و زیارت در دوران مرگ باید همان آثار و سازندگی زیارت در دوران حیات را برای او داشته باشد. چنان که هم درجه شدن با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بدون حساب و برنامه نیست، بلکه سنخیت روحی، اخلاقی و معنوی لازم دارد و این سنخیت، باید در دنیا کسب شود. اصل زیارت، توجه به مقام مزور، تأمل در متن زیارتنامه و تلاش در تهذیب و تزکیه نفس، می تواند در ایجاد این سنخیت و تتمیم و تکمیل آن کمک کند.

زید شحّام از صادق آل محمد صلی الله علیه و آله پرسید: ثواب کسی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کند، چیست؟ فرمود:

«کمن زار اللَّه عزوجل فوق عرشه»؛

همانند کسی است که در برتر از عرش با خدا ملاقات کند. پرسید: کسی که یکی از شماها را زیارت کند، ثوابش چیست؟ فرمود:

«کمن زار رسول اللَّه صلی الله علیه و آله». (۲)

مانند کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کند.

شیخ مفید رحمه الله در معنای این حدیث گفته است: مراد این است که ثواب و تکریم زایر آن حضرت صلی الله علیه و آله در روز قیامت، همانند کسی است که خداوند او را به آسمان برده

۱- همان، ص ۳۲۸، ح ۱۶.

۲- کافی، ج ۴، ص ۵۸۵.

و به عرش خود که ملائکه حامل آن هستند نزدیک می کند و فرشتگان برگزیده خود را به او می نمایانند، به گونه ای که موجب تأکید بر تکریم او می گردد. (۱) مشابه این تعبیر را مجلسی اول رحمه الله نیز آورده است. (۲) از امام کاظم علیه السلام نقل شده است: «من زار قبر ولدی علی کان له عند اللّه کسبعین حجّه مبروره»؛ هر کس که فرزندم امام رضا علیه السلام را زیارت کند، از ثواب هفتاد حج قبول شده برخوردار است. راوی با تعجب پرسید: ثواب هفتاد حج؟ فرمود:

«ربّ حجّه لاتقبل ...»؛ (۳)

بلکه هفتاد هزار حج. راوی دوباره با تعجب پرسید: هفتاد هزار حج؟

فرمود: چه بسا حج که مورد قبول واقع نمی شود.

فقیه فیلسوفان و فیلسوف فقیهان، ملامحسن فیض کاشانی رحمه الله می گوید: روایاتی که ثواب زیارت ائمه اطهار علیهم السلام را بیشتر از حج، عمره و جهاد در راه خدا می داند، بیش از آن است که شمارش شود و سرِّ آن همه ثواب آن است که:

اولًا، هر کسی که ادعای مسلمانی می کند- حتی اگر ناصبی باشد- اهل حج، عمره، جهاد و امثال آن است، در حالی که زیارت ائمه اطهار علیهم السلام فقط اختصاص به کسانی دارد که آشنای به قدر و منزلت آنان هر چند ناقص و معتقد به ایشان باشند.

ثانیاً، حرم های شریف ائمه علیهم السلام مشهد ارواح بلند و مقدس آنان و محل حضور اشباح برزخی نوریشان است. آن ارواح بلند در حالی که زنده، خوشحال و روزی خورنده از فضل پروردگارشان هستند، در آن مکان های شریف حضور پیدا می کنند(و زایر در فضایی که روح امام معصوم علیه السلام حضور دارد نفس می کشد، عبادت و راز و نیاز می کند و ...).

ثالثاً، زیارت اهل بیت، صله و نیکی به خود آنان، رسول خدا صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین، فاطمه زهرا، شیعیان، دوستدارانشان و بلکه نیکی به سایر انبیا و اوصیای الهی است و

۱- تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۴.

۲- روضه المتقین، ج ۵، ص ۳۶۳.

۳- کافی، ج ۴، ص ۵۸۵، کتاب الحج، باب فضل زیاره أبی الحسن الرضا علیه السلام.

موجب خوشحالی آنان، اجابت دعا، تجدید عهد با ولایت، زنده نگه داشتن مرام آنها و غلبه بر دشمنانشان می گردد که بدون تردید همه اینها عبادت خداست و سبب می شود که انسان به فضایل و برکاتی که نزد خداست برسد و به رضای او دست یابد؛ زیرا خوشحال کردن مؤمن عادی اگر آن همه فضیلت و ثواب دارد، فضیلت و ثواب خوشحال کردن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام و حضرت زهرا که از خطا و گناه معصوم هستند و خداوند آنان را پیشوای مؤمنان و مولای متقیان قرار داد، آسمان و زمین را برای آنان آفرید، صراط، سبیل و راهنمای به سوی او، دروازه رحمت الهی، وسیله ارتباط بین او و بندگانش هستند و ... غیر قابل توصیف است.

اما حج، عمره، جهاد و عباداتی مانند آنها اگرچه موجب انفاق مال، ترک وطن، تحمل مشقت ها و ... می گردد، اما فضیلت این امور در حد زیارت نیست؛ زیرا با آن که عبادت الهی، اجابت امر او و موجب خشنودی خدا و اولیای او می شود، اما آن فضایل دیگر را کم تر می توان در اینها یافت. (۱) امام علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود:

«إن لکل امام عهداً فی عنق اولیائه و شیعته و إن من تمام الوفاء بالعهد و حسن الاداء زیاره قبورهم. فمن زارهم رغبه فی زیارتهم و تصدیقا بما رغبوا فیه کان ائمتهم شفعائهم یوم القیامه»؛ (۲)

شیعیان نسبت به هر یک از امامان معصوم پیمان و تعهدی دارند که کمال وفای به آن عهد، در زیارت مشتاقانه و عارفانه قبور آن وجودهای نورانی علیهم السلام است.

این حدیث بیانگر نکاتی است که ذیلًا ذکر می گردد:

۱. زیارت قبر امام نشانه وفاداری و تعهد به مقتدا و پیشواست؛ «إن من تمام الوفاء بالعهد و حسن الأداء زیاره قبورهم». سخنگوی نهضت پیامبر، بلال حبشی در دوران اقامت خویش در شام، رسول اکرم صلی الله علیه و آله را در خواب دید که به او فرمود: ای بلال! این چه جفایی است؟ آیا هنگام آن نرسیده است که به زیارت من نایل آیی؟ در این رؤیا،

۱- الحقایق، ص ۲۸۷.

۲- کافی، ج ۴، ص ۵۶۷.

ترک زیارت قبر مطهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جفا نامیده شده، طبعاً زیارت آن، وفای به عهد خواهد بود.

۲. زیارت باید همراه با رغبت، شوق، علاقه و عشق قلبی به مزور(امام) باشد؛ «رغبه فی زیارتهم».

۳. زیارت باید همراه با تصدیق قلبی به چیزهایی باشد که مزور بدان رغبت داشته، مورد علاقه وی بوده و در راه آن فداکاری کرده است؛ «و تصدیقاً بما رغبوا فیه».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام خبر داد که تو در سرزمین عراق کشته و دفن خواهی شد. علی علیه السلام پرسید: کسی که قبر ما را زیارت و عمران کند و تعهد خویش را با آن حفظ کند، چه اجری دارد؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند قبر تو و قبر فرزند تو را بقعه ای از بقعه های بهشت و قطعه ای از قطعه های آن قرار داده است. قلب جوانمردان و برگزیدگان از بندگانش را مشتاق به سوی شما قرار داده، به گونه ای که سختی اذیت در راه شما را تحمل می کنند و قبرهای شما را آباد می سازند و با انگیزه تقرب به خدا و دوستی رسول او، فراوان به زیارت قبور شما می شتابند. ای علی! تنها آنان از شفاعت من برخوردار، وارد شونده بر حوضم و زایران من در بهشت هستند.

ای علی! کسی که قبر شما را آباد کند و به تعهد خویش پای بند باشد، مانند آن است که سلیمان بن داود را در ساختن بیت المقدس یاری رساند. کسی که قبر شما را زیارت کند، ثواب هفتاد حج- غیر از حجه الاسلام که واجب است- دارد و از گناهان خود بیرون می آید، همانند روزی که از مادرش متولد می شود. پس بشارت باد تو را و به دوستانت نیز بشارت بده به نعمت ها و لذت هایی که نه چشمی دیده، نه گوشی شنیده و نه به قلب کسی خطور کرده است. اما نابخردانی، زایران قبور شما را سرزنش می کنند، آن گونه که زنان بدکار را بر اثر نابکاریشان سرزنش می کنند. اینها اشرار امت من هستند، شفاعت من به آنها نرسد و بر حوض من وارد نشوند. (۱)

۱- تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۲۲، ح ۵۰، باب فضل زیاره امیر المؤمنین علیه السلام؛ بحارالأنوار، ج ۹۷، ص ۱۲۰.

توجه به این نکته ضروری است که ثواب های مورد اشاره در این گونه روایات، بیانگر مقام و عظمت و جایگاه معنوی امام است، چنان که از آثار مثبت فردی و اجتماعی زیارت نیز حکایت می کند.

زیارت در فقه

فقهای شیعه و اهل سنت با استناد به توصیه ها و تأکیدات فراوانی که درباره زیارت شده است، فتوا به استحباب زیارت داده اند. فقیه نامور امامیه، مرحوم محقق حلی گفته است: بر حج گزار مستحب مؤکد است که به زیارت پیامبراکرم صلی الله علیه و آله بشتابد. (۱) وی حتی می گوید: اگر مردم زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را ترک کردند، حاکم اسلامی باید آنها را بر زیارت اجبار کند؛ زیرا ترک زیارت آن حضرت موجب جفای به اوست. (۲) مرحوم شیخ طوسی نیز گفته است: «... و کذلک إن ترکوا زیاره النبی کان علی الإمام إجبارهم علیها». (۳) این بزرگان به حدیثی استناد کرده اند که این گونه از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: کسی که برای حج گزاردن به مکه عزیمت کند و مرا زیارت نکند، به من جفا کرده است. (۴) اگرچه برخی از فقها در وجوب این احادیث خدشه کرده اند، (۵) لیکن شهید ثانی رحمه الله گفته است: اگر همگان زیارت آن حضرت را ترک کنند، بزرگ ترین سنت الهی تحقیر و بی ارزش می شود. از این جهت به مقداری که این تحقیر و تهاون رفع گردد، بر آن اجبار می شود. (۶) عالم بزرگ اهل سنت، ابن قدامه می گوید: زیارت قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مستحب است؛ زیرا از خود آن حضرت روایت شده است:

«من حجّ فزار قبری بعد وفاتی فکانّما زارنی فی حیاتی»؛ (۷)

کسی که حج بگزارد و قبر مرا بعد از وفاتم زیارت کند همانند آن

۱- شرایع الاسلام، ج ۱، ص ۲۷۸؛ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۷۹.

۲- شرایع الاسلام، ج ۱، ص ۲۷۷.

۳- النهایه، ص ۲۸۵؛ المبسوط، ج ۱، ص ۳۸۵.

۴- جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۵۲.

۵- همان، ص ۵۲؛ مسالک الافهام، المستحبات بعد الحج، المسئله الخامسه، ج ۲، ص ۳۷۴.

۶- مسالک الافهام، ج ۲، ص ۳۷۴.

۷- المغنی والشرح الکبیر، ج ۳، ص ۵۸۸.

است که در حیاتم مرا زیارت کرده باشد. و در روایت دیگر از آن حضرت رسیده است:

«من زار قبری وجبت له شفاعتی»؛ (۱)

کسی که قبر مرا زیارت کند، شفاعت من بر او واجب می شود. ابن هبیره می گوید: پیشوایان چهارگانه اهل سنت(مالک، شافعی، ابوحنیفه و احمد حنبل) بر استحباب زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اتفاق نظر کرده اند. (۲) برخی از فقهای شیعه گفته اند: با ادله اربعه، یعنی کتاب، سنت، عقل و اجماع می توان رجحان و فضیلت داشتن زیارت قبور صلحا، ابرار، متقیان و نیکان را نیز اثبات کرد تا چه رسد به زیارت انبیا، اوصیای معصوم علیهم السلام و علمای بزرگ. آن گاه به اثبات ادعای خویش پرداخته است. (۳) فقیه نامدار امامیه در جواهر کلام خود هنگام شرح کلام محقق حلی رحمه الله، استحباب زیارت صدیقه کبرا، فاطمه زهرا علیها السلام و امیر مؤمنان، علی علیه السلام و فرزندان معصوم آن دو بزرگوار علیهما السلام را مورد کاوش و بررسی قرار داده است. (۴) افزون بر این، در جای خود ثابت شده است که ائمه اطهار علیهم السلام یک نور در چهارده رواق هستند:

«و أنّ أرواحکم و نورکم و طینتکم واحده» (۵)

زید شحّام از امام صادق علیه السلام پرسید: امام حسن علیه السلام افضل است یا امام حسین علیه السلام؟ آن حضرت در جواب فرمود:

«... إنّ فضل أوّلنا یلحق بفضل آخرنا و فضل آخرنا یلحق بفضل أولنا ... خلقنا واحد و علمنا واحد و فضلنا واحد و کلّنا واحد ... أوّلنا محمد و أوسطنا محمّد و آخرنا محمد»

؛ (۶) فضل اول ما به آخر ما و فضل آخر ما به اول ما برمی گردد ... خلقت ما یکی است، علم ما یکی است، فضل ما یکی است، همه ما در نزد خدا یکی هستیم ... اول ما محمد است، وسط ما محمد است، آخر ما نیز محمد است.

شبیه این مطلب را عبدالرحمن بن مسلم از امام کاظم علیه السلام پرسید و گفت: زیارت

۱- همان.

۲- الغدیر، ج ۵، ص ۱۱۰.

۳- ر. ک: مهذب الاحکام، ج ۱۵، ص ۳۳.

۴- ر. ک: جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۸۵- ۱۰۰.

۵- مفاتیح الجنان، زیارت جامعه.

۶- بحارالأنوار، ج ۲۵، ص ۳۶۳.

امیرالمؤمنین علیه السلام افضل است یا زیارت امام حسین علیه السلام یا زیارت فلان امام، فلان امام ...؟ و یک یک امامان را نام برد. امام کاظم علیه السلام در جواب فرمود: «یا عبدالرحمن بن مسلم! من زار أوّلنا فقد زار آخرنا و من زار آخرنا فقد زار أوّلنا و من تولی أوّلنا فقد تولّی آخرنا و من تولّی آخرنا فقد تولّی أوّلنا، و من قضی حاجه لأحد من أولیائنا فكأنّما قضاها لجميعنا ...»؛ (۱) ای عبدالرحمان! هر کس اولین نفر ما را زیارت کند، آخرین نفر ما را زیارت کرده است، چنان که اگر آخرین ما را زیارت کند، اولین نفر ما را زیارت کرده است. هر کس ولایت اولین نفر ما را بپذیرد، ولایت آخرین نفر ما را پذیرفته است، همان طور که اگر ولایت آخرین نفر ما را بپذیرد، ولایت اولین نفر ما را پذیرفته است، کسی که حاجت یکی از دوستان ما را برآورد، گویا حاجت همه ما را برآورده است ....

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز نقل شده است: «إنّ اللّه قد وکّل بفاطمه رعیلا من الملائکه یحفظونها من بین یدیها و من خلفها و عن یمینها و عن یسارها و هم معها فی حیاتها و عند قبرها بعد موتها، یکثرون الصلاه علیها و علی أبیها و بعلها و بنیها، فمن زارنی بعد وفاتی فكأنّما زار فاطمه و من زار فاطمه فكأنّما زارنی و من زار علی بن أبی طالب فكأنّما زار فاطمه و من زار الحسن و الحسین فكأنّما زار علیّاً و من زار ذرّیتهما فكأنّما زارهما»؛ (۲) خدای سبحان گروهی از فرشتگان را مأمور کرده تا فاطمه زهرا علیها السلام را از پیش رو، پشت، سمت راست و چپ محافظت کنند، در مدت حیاتش با او باشند و بعد از مرگ نیز وی را در قبر همراهی کنند، بر او، پدرش، شوهرش و فرزندانش بسیار صلوات بفرستند.

پس کسی که مرا بعد از وفاتم زیارت کند، گویا فاطمه را زیارت کرده است و کسی که فاطمه را زیارت کند، مرا زیارت کرده است، کسی که علی بن ابی طالب علیه السلام را زیارت کند، گویا فاطمه را زیارت کرده است(در نتیجه مرا زیارت کرده است) کسی که حسن و حسین را زیارت کند گویا علی را زیارت کرده است(در نتیجه فاطمه و مرا زیارت کرده است) هر کس که ذریه حسن و حسین را زیارت کند، گویا خودشان را زیارت کرده است(در واقع علی و فاطمه و مرا زیارت کرده است).

۱- همان، ج ۹۷، ص ۱۲۲.

۲- همان، ح ۲۸.

بنـابراین، زیـارت هر کـدام در حقیقت زیارت همه آنان است و از نظر فضـیلت نیز یکسان هسـتند، اما برخی عوارض خارجی، مانند دوری راه، غربت، فشار و سخت گیری های حاکمان ستمگر و ... سبب شده که به زیارت برخی از امامان، مانند امام حسین و امام رضا علیهما السلام توصیه ویژه ای نموده اند، یا ثواب مخصوصی ذکر کرده اند.

چنان که ممکن است فداکاری و ایثار ویژه امام حسین علیه السلام برای حفظ دین سبب توصیه ویژه به زیارت آن حضرت شده باشد.

بدین ترتیب می توان گفت: دلایل اثبات فضیلت و استحباب زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای اثبات فضیلت و ثواب زیارت سایر امامان و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، کفایت می کند، حتی اگر دلیل خاصی درباره زیارت آن بزرگواران نداشته باشیم.

زیارت، کلاس درس و مدرسه تعلیم و تربیت و زیارتنامه ها متون آموزشی این کلاس ها و مدرسه هاست. ائمه علیهم السلام که همواره به تعلیم و تربیت پیروان حق و بیان حقایق و معارف دین همت داشتند، مباحثی در توحید و صفات الهی، نبوت و پیامبرشناسی، امامت و رهبری، تاریخ زندگی و بیان مظلومیت ها و رنج های ائمه علیهم السلام، افشای ستم های حاکمان جنایت پیشه در برابر حق طلبی یاران عدالت خواه و حقیقت جو، لزوم همگرایی در فکر، موضع، اقدام و عمل و ... را در این زیارتنامه ها بیان کرده اند. در این زیارتنامه ها، اوصاف معصومین هنگام سلام دادن تکرار می گردد و به ذکر اسم بسنده نمی شود. این، از آن جهت است که مقام مرتبت شخص زیارت شونده برای زایر روشن تر گردد و توجه پیدا کند که محبوب او برای اعلای کلمه توحید، اقامه نماز، ادای زکات، احیای امر به معروف و نهی از منکر، تلاوت کتاب خدا و ... چه رنج هایی کشیده است.

زیارتنامه های مأثور دو گونه است:

۱. زیارت نامه های اختصاصی که معصومی خاص با آن زیارت می شود و زایر به سلام و اظهار ارادت به یکی از آن پیشوایان نور می پردازد؛ مانند: «السلام علیک یا رسول اللّه و رحمه اللّه و برکاته، السلام علیک یا محمد بن عبداللّه ...» (۱) «السلام علیک یا ممتحنه

۱- مفاتیح الجنان، ص ۱۱۴، زیارت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روز شنبه.

امتحنک الـذی خلقـک قبـل أن یخلقـک و کنـت لمـا امتحنـک به صـابره ...». (۱) «السـلام علی أبی الأـئمه و خلیـل النبـوّه و المخصوص بالاخوّه ...»؛ (۲) «السـلام علیک یا أبا عبـداللّه و علی الأرواح التی حلّت بفنائک ...»؛ (۳) «اللهم صـلّ علی علیّ بن موسی الرضا المرتضی الامام التقی النقی ...»؛ (۴) «السلام علی محی المؤمنین و مبیر الکافرین، السلام علی مهدی الامم و جامع الکلم ...». (۵) ۲. زیارتنـامه هـایی که مضـمونی عام و محتوایی کلی دارد و هر معصوم و امامی را با آن می توان زیارت کرد، ماننـد زیارت امین اللّه، (۶) زیـارت جامعه کبیره، (۷) زیارت مخصوص ماه رجب «الحمـد اللّه الذی أشـهدنا مشـهد أولیائه فی رجب ...»، (۸) زیارت جامعه صغیره (۹) و .... (۱۰)

زیارت با معرفت

معرفت امام و آگاهی از منزلت او مورد سـفارش و تأکید بسـیاری از روایات است. از امام کاظم علیه السـلام رسـیده است: «... فمن زاره مسـلماً لأمره عارفاً بحقّه کان عند اللّه جل و عز کشـهداء بدر»؛ (۱۱) ... هر کس امام رضا علیه السـلام را(که در شهر غربت از دنیا می رود) زیارت کند، در حالی که تسلیم امر او و عارف به حقش باشد، در پیشگاه الهی از منزلت شهدای

۱- همان، ص ۱۱۵، زیارت حضرت زهرا علیها السلام در روز یکشنبه.

۲- همان، ص ۶۰۱، زیارت چهارم امیر المؤمنین علی علیه السلام.

۳- همان، ص ۷۶۵، زیارت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا.

۴- همان، ص ۸۳۴، زیارت امام رضا علیه السلام.

۵- همان، ص ۸۷۴، زیارت حضرت بقیه اللّه(عج).

۶- همان، ص ۵۹۷.

۷- همان، ص ۸۹۸.

۸- همان، ص ۲۵۷.

۹- همان، ص ۸۹۷.

۱۰- . علامه مجلسی چهارده زیارت جامعه ذکر کرده است(بحارالأنوار، ج ۹۹، ص ۱۲۶- ۲۰۹).

۱۱- . بحارالأـنوار، ج ۹۹، ص ۴۱، جنگ بدر، نخستین جنگ رسـمی مسـلمانان با مشـرکان بود که مشرکان درکمال قدرت و مسـلمانان در قلت عِدّه و عُدّه قرار داشـتند. پیروزی یا شـکست در این جنگ تأثیری شـگرف در سـرنوشت اسـلام و مسـلمانان داشت و شـرکت صادقـانه در آن، حکـایت از صـداقت در ایمـان می کرد. از این رو، عنـوان «بـدریون» عنـوانی پرافتخـار برای شرکت کنندگان در آن جنگ بود و در برخی موارد معیار سنجش اعمال، مقایسه عمل با شرکت در جنگ بدر بود.

بدر برخوردار است؛ امام صادق علیه السلام فرمود: «زوروا الحسین ولو کلّ سنه فإنّ کلّ من أتاه عارفاً بحقّه غیر جاحد لم یکن له عوض غیر الجنه و رزق رزقاً واسعاً و أتاه اللّه بفرج عاجل ...»؛ (۱) امام حسین علیه السلام را زیارت کنید، هر چند که سالی یک بار باشد؛ زیرا هر کس عارف به حق او باشد و زیارتش کند، پاداشی جز بهشت ندارد، از رزق واسعی بهره مند می شود و خداوند گشایشی در کار او ایجاد می کند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«وکّل اللّه بقبر الحسین علیه السلام أربعه آلاف ملکاً شعثاً غبراً یبکونه إلی یوم القیامه، فمن زاره عارفاً بحقّه شیّعوه حتّی یبلّغوه مأمنه و إن مرض عادوه غدوه و عشیه و إن مات شهدوا جنازته و استغفروا له إلی یوم القیامه»؛

خداوند چهار هزار فرشته ژولیده موی و غبار غم گرفته را موکل قبر امام حسین علیه السلام کرده که تا روز قیامت برای او گریه می کنند. پس کسی که عارف به حق آن حضرت باشد و زیارتش کند، آن ملائکه، وی را همراهی می کنند تا به مأمنش برسانند، اگر مریض شود صبح هنگام و شبانگاهان عیادتش می کنند و اگر بمیرد تشییع جنازه اش کرده، تا روز قیامت برای وی استغفار می کنند؛ همچنین به بشیر فرمود:

«یا بشیر! من زار قبر الحسین بن علی صلوات اللّه علیه عارفاً بحقّه کان کمن زاراللّه فی عرشه»؛ (۲)

هر که قبر حسین بن علی علیه السلام را همراه با معرفت زیارت کند، همانند کسی است که خدا را در عرش زیارت کرده است؛ این گونه روایات درباره سایر ائمه علیهم السلام نیز وارد شده است.

سرّ این که توصیه کرده اند زیارت زایر با معرفت باشد، این است که آنچه مایه کمال زیارت می گردد، معرفت و شناخت مقام و موقعیت امام مزور است، نه اعمالی بی روح و همراه با غفلت، همانند بوسیدن صرف و ناآگاهانه ضریح یا در و دیوار، گردش کورکورانه در اطراف ضریح، تماشای آثار هنری، معماری، ستون ها، چراغ ها، شمعدان ها، درها، پنجره ها و ... این کارها، به سیاحت شباهت بیشتری دارد تا زیارت.

ثواب های اخروی و آثار دنیوی که در روایات آمده، بر زیارت واقعی مترتب است،

۱- همان، ج ۹۸، ص ۲.

۲- کامل الزیارات، باب ۷۷، ص ۳۴۹، ح ۱.

یعنی جایی که ارتباط قلبی با مزور برقرار شود و منشأ تحول در زایر گردد، نه بر سیاحت و زیارت جسمی و صوری.

شاهد این ادعا کلام بزنطی است که می گوید: در نامه حضرت ثامن الحجج، علی بن موسی الرضا علیه السلام خواندم که فرمود:

«أبلغ شیعتی إنّ زیارتی تعدل عند اللّه عزّوجلّ ألف حجّه»؛

این پیام را به شیعیان ما برسانید که زیارت من در پیشگاه الهی با هزار حج برابر می کند.(تعجب کردم، از این رو) به امام جواد علیه السلام گفتم: واقعاً با هزار حج برابری می کند؟ فرمود: «أی واللّه ألف ألف حجّه لمن زاره عارفاً بحقّه»؛ (۱) آری، به خدا سوگند! با هزار هزار(یک میلیون) حج برابری می کند، اما برای کسی که با معرفت زیارتش کند.

معرفت و آگاهی، نه تنها شرط کمال زیارت ائمه اطهار علیهم السلام است، بلکه درباره طواف کعبه نیز این تعبیر آمده است. ابراهیم تیمی گوید: در حال طواف کعبه بودم که امام صادق علیه السلام با تکیه زدن بر من فرمود:

«ألا اخبرک یا إبراهیم مالک فی طوافک هذا؟»؛

ای ابراهیم! آیا می خواهی تو را از فضیلت این طوافی که انجام می دهی آگاه سازم؟ گفتم:

بله قربانت گردم. فرمود:

«من جاء إلی هذا البیت عارفاً بحقّه فطاف به اسبوعاً و صلّی رکعتین فی مقام إبراهیم علیه السلام کتب اللّه له عشره آلاف حسنه ورفع له عشره آلاف درجه ...»؛ (۲)

هر کس به زیارت این خانه بیاید و در حالی که عارف به حق آن است، هفت مرتبه دور آن طواف کند و سپس دو رکعت نماز در مقام ابراهیم علیه السلام بگزارد، خداوند ده هزار حسنه برای او می نویسد و ده هزار درجه وی را بالا می برد.

درباره مؤمن نیز در حدیث صادقین علیهما السلام آمده است:

«أیّما مؤمن خرج إلی أخه یزوره عارفاً بحقّه کتب اللّه له بکل خطوه حسنه و محیت عنه سیئه و رفعت له درجه فإذا طرق الباب فتحت له أبواب السماء فإذا التقیا و تصافحا و تعانقا أقبل اللّه علیهما بوجهه ثمن باهی بهما الملائکه فیقول: انظروا إلی عبدی تزاورا و تحابّا فیّ حقّ علیّ إلّااعذّبهما بالنار بعد ذا الموقف ...»؛ (۳)

هر که برای زیارت برادر مؤمنش از خانه خارج شود، در حالی که عارف

۱- بحارالأنوار، ج ۹۹، ص ۳۳.

۲- همان، ج ۷۱، ص ۳۱۹.

۳- همان، ج ۷۳، ص ۳۴.

به حق وی باشد، برای هر قدمی که برمی دارد حسنه ای برای او نوشته می شود و گناهی از او محو می گردد و درجه ای بالا می رود. هنگامی که در خانه او را به صدا در می آورد، درهای آسمان به رویش گشوده می شود. وقتی که با یکدیگر ملاقات، مصافحه و معانقه می کنند، خداوند به آنها توجه کرده، بر ملائکه مباهات می کند و می گوید: بنگرید به دو بنده من که برای رضایت من یکدیگر را زیارت می کنند و همدیگر را دوست می دارند. بر من لازم است که آنان را عذاب نکنم ... بنابراین، نقش اصلی را در فضیلت و کمال زیارت، معرفت و آگاهی حق مزور ایفا می کند.

این که امام معصوم علیه السلام چه شخصیتی است، دستیابی به معرفت او چگونه ممکن است؟ حق او چیست؟ حق معرفت او چیست و ... مطالبی است که بحث های طولانی طلب می کند، (۱) اما به طور خلاصه می توان گفت:

امام، جامع کلام تکوین و تدوین، واجد کتاب حقیقت و شریعت و شامل نشئه حقیقی و اعتباری است، چنین جامعیتی نه در خور نظام سه گانه هستی(عالم عقل، عالم مثال و عالم طبیعت) است؛ زیرا هر کدام از مراحل سه گانه نظام هستی، تکوین صرف است و غیر از بود و نبود، چیزی ندارد؛ و نه در وسع نظام تدوینی قرآن کریم؛ زیرا همه مضامین آن، اعم از اخبار و انشا از حوزه لفظ، مفهوم و حکایت های علم حصولی است، هر چند مخازن برین آن حقایق تکوینی نظام هستی است. اما انسان کامل که مثل اعلای آن اسره عصمت و طهارت علیهم السلام هستند، افزون بر حوزه فراگیر تکوین، از منطقه گسترده اعتبار نیز برخوردارند؛ زیرا انسان، موجود متفکر و مختاری است که صرف نظر از قوانین نظام هستی، از قوانین اعتباری نیز پیروی می کند، گرچه پشتوانه این مقررات اعتباری همان قوانین تکوینی است و اصول آن نظام عینی، پرتوافکن بر فروع این منطقه اعتباری است. از این جهت هیچ موجودی

۱- این سؤال را ابوذر از سلمان فارسی- رضوان اللّٰه علیهما- پرسید. سلمان گفت: نزد امیر المؤمنین علیه السلام می رویم و از خود آن حضرت می پرسیم. برای آگاهی از جواب مبسوط آن حضرت به این دو صحابی، ر. ك: بحارالأنوار، ج ۲۶، ص ۱- ۷.

به جامعیت انسان کامل نخواهد بود و اوست که می تواند «کون جامع» باشد.

جامعیت عینی و علمی اهل بیت نبوت و امامت علیهم السلام به این معناست که اولًا، واجد هر کمال ممکن را می باشند. ثانیاً، هر چه را دارا هستند، مصون از عیب و نقص است.

ثالثاً، هر چه را در مرحله حدوث واجد بودند، در مرحله بقا نیز دارا خواهند بود. این مقام جمع الجمعی را می توان از عدیل بودن آنان با کتاب بی بدیل الهی، یعنی قرآن، استنباط کرد؛ زیرا رسول اکرم صلی الله علیه و آله طبق نقل محدثان شیعه و سنی فرمود:

«إنّی تارک فیکم الثقلین ما إن تمسّکتم بهما لن تضلّوا بعدی، أحدهما أعظم من الآخر: کتاب اللّه، حبل ممدود من السماء إلی الأرض، وعترتی أهل بیتی، ولن یفترقا حتی یردا علیّ الحوض، فانظروا کیف تخلفونی فیهما». (۱)

مخاطبان این پیام، وارثان تمدن غنی و قوی اسلام در پهنه زمان و گستره زمین اند، یعنی نه نسل هیچ عصر و زمانی از آن توصیه سعادت آفرین مستثناست و نه مردم هیچ مصر و دیاری از آن جدا خواهند بود.

چنین وصیت فراگیری نشان از هماهنگی کامل تکوین انسانی و تدوین الهی است، به طوری که همه مردم روی زمین تا بامداد معاد، در بخش علم و عمل، نیازمند به رهنمود و رهبری قرآن و عترت هستند و هیچ مکتبی تا شامگاه تاریخ بشری پدید نمی آید جز آن که لازم است جهان بینی و جهان آرایی آن بر قرآن و عترت علیهم السلام عرضه شود و پاسخ نفی یا اثبات آن از ثقلین استنباط گردد.

چنین کاری عزم جامعه انسانی و جزم امت اسلامی را طلب می کند، تا اولًا، توان استنطاق از آن دو وزنه وزین را در هاضمه فکری خویش احیا کنند. ثانیاً، گوش هوش را برای اصغای آوای حیات بخش آن دو وزنه وزین آماده سازند. ثالثاً، نقدهای صاحب نظران و نیز تحلیل های سودمند صاحب بصران را پس از جمع بندی برای تنفیذ نهایی به بارگاه ثقلین معروض دارند، تا از این صعود و هبوط و از آن سؤال

۱- سنن ترمذی، ج ۵، ص ۶۶۳؛ بحارالأنوار، ج ۲، ص ۱۰۰، و ج ۲۳، ص ۱۰۸.

و جواب، کام فکر بشر شیرین و گام عمل او استوار گردد و به دام تدلیس بیگانه و تلبیس اهریمن گرفتار نشود. چنین آگاهی و معرفت به مقام و منزلت امام می تواند زمینه اطاعت و تسلیم در مقابل اوامر و نواهی مزور را- که همان فرمان خداست- فراهم کند.

روزی امام صادق علیه السلام از فضیلت زیارت عارفانه امام رضا علیه السلام سخن گفت. حمزه بن حمران پرسید: قربانت گردم منظور از معرفت حق او چیست؟ فرمود: «یعلم أنّه مفترض الطاعه غریب شهید ...»؛ (۱) این که بداند او واجب الاطاعه و غریب و شهید است(و برای تبلیغ دین و هدایت مردم و پایداری و استقامت در راه حق، غریبانه به شهادت رسیده است). امام صادق علیه السلام فرمود: «من زار الحسین علیه السلام عارفاً بحقّه یأتم به غفر اللّٰه له ما تقدّم من ذنبه و ما تأخّر»؛ (۲) هر کس زیارت کند حسین علیه السلام را در حالی که عارف به حق وی باشد و او را امام خود برگزیند، خداوند گناهانش را می آمرزد.

امام کاظم علیه السلام نیز کم ترین پاداش زیارت قبر حسین علیه السلام را آمرزش گناهان معرفی کرده است، اما به شرط آن که زایر، عارف به حق امام، احترام و ولایت وی باشد؛ «أدنی ما یثاب به زائر الحسین علیه السلام بشط الفرات إذا عرف حقّه و حرمته و ولایته إن یغفر له ما تقدّم من ذنبه و ما تأخّر». (۳) در روایت دیگری آمده است: یک درهم خرج کردن در راه زیارت قبر امام واجب الاطاعه هفتاد هزار حسنه دارد، هفتاد هزار سیئه را محو می کند و نام او در دیوان صدیقین و شهدا ثبت می شود؛ «من نوی من بیته زیاره قبر إمام مفترض طاعته و أخرج لنفقته درهماً واحداً کتب اللّٰه جل ذکره له سبعین ألف حسنه و محی عنه سبعین ألف سیئه و کتب اسمه فی دیوان الصدیقین و الشهداء ...». (۴) از دیدگاه اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام- که تجلی گاه اسلام راستین نبوی صلی الله علیه و آله و علوی علیه السلام است- انسان، آزاد خلق شده و طوق طاعت کسی به گردن او نیست: «لاتکن

۱- بحارالأنوار، ج ۹۹، ص ۳۵، ح ۱۷.

۲- کامل الزیارات، باب ۵۴، ص ۲۶۴، ح ۷.

۳- همان، باب ۵۴، ص ۲۶۳، ح ۴.

۴- بحارالأنوار، ج ۹۷، ص ۱۲۴، ح ۳۴.

عبـد غیرک و قـد جعلک اللّه حرّاً». (۱) حتی اختیـار خـودش نیز در این زمینه محـدود است، یعنی همـان گونه که حق نـدارد سلامتی خـود را به خطر بینـدازد، دست و پـای خودش را قطع سـازد، چشم خود را کور و گوش خود را کر کنـد و ... عزت، آبرو و آزادی خـود را نیز نمی توانـد به خطر بینـدازد. سـرّش آن است که عزت مـؤمن اکتسـابی نیست که چـوب حراج بر آن بزنـد، بلکه امانتی ویژه الهی به دست وی است. اختیار چنین امانتی به دست خـداست و تصـرفات مؤمن نباید فراتر از تصـرفات امـانت داری پارسـا باشـد: «إنّ اللّه فوّض إلی المؤمن أمره کلّه ولم یفوّض أن یکون ذلیلًا. أمـا تسـمع اللّه عزوجـل یقول: «وَ لِلَّهِ الْعِزَّهُ وَ لِرَسُـولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِینَ» فـالمؤمن یکون عزیزاً و لاـ یکون ذلیلًا». (۲) بنابراین، مردم سالاری و دموکراسـی در نظام سیاسـی اسـلام، زمـانی قابل قبول است که بر محور دین و در چارچوب شـرع باشـد و با حفظ چنین شـرطی، آرای مردم برای حاکمان تعهد شرعی می آورد. از این رو نقض کردن و زیرپا گذاشتن آن حرام شرعی است، نه این که یک قرارداد عرفی محض باشد و تخلف از آن یک کار غیر اخلاقی به شمار آید.

نتیجه این که اختیـار انسـان به دست خـداست و اطـاعت و انقیاد او بر همگان واجب است و اطاعت دیگران(پیامبر، امام، پـدر، مادر، حاکم و ...) از آن جهت بر انسان واجب می شود که خـدای سبحان چنین اطاعت و تبعیتی را واجب کرده است و بدون در نظر گرفتن دستور او هیچ کس حق حاکمیت و حکومت بر دیگری ندارد.

بنـابراین، زایر زمـانی عـارف به حق امـام است وبه ولاـیت و حرمت وی آگاهی دارد و از او پیروی می کنـد که او را معصوم، افضل و اعلم از دیگران، جانشـین رسول خدا صـلی الله علیه و آله و منصوب از جانب خدا بداند، اوامر و دسـتورهایش را اوامر الهی بشـمارد، تبعیت از وی را در تمام امور زندگی واجب بداند، با اقتدا و پیروی از سـیره و سـنت او خط سیر زندگی خود را ترسیم کند و ... چنین معرفت و شناختی هر چند که مقول به

۱- نهج البلاغه، نامه ۳۱، بند ۸۷.

۲- بحارالأنوار، ج ۶۴، ص ۷۲.

تشکیک و دارای مراتب فراوانی است و هرکس به مقدار ظرفیت وجودی خود بهره مند می گردد، اما مبتنی بر مقدمات بسیاری است تا مستدل و برهانی شود.

زیارتنامه های مأثور یکی از منابع شناخت و آگاهی از مقام مزور است.

ضرورت و اهمیت زیارت

چنان که گذشت، روح زیارت ارتباط و اتصال زایر با مزور است و این ارتباط زنده، مؤثر و حیات بخش می باشد. اکنون باید دید این ارتباط چه پیامدهایی دارد و آثار و لوازم آن چیست و ترک آنچه مفاسد و مشکلاتی را در پی خواهد داشت تا با شناخت آن به میزان ضرورت و اهمیت این ارتباط و زیارت پی برده شود.

گرچه هیچ شأن و حقیقتی به عظمت توحید نیست و طبعاً هیچ انسانی هم به ارزش موحد نیست و نیز اگرچه رسالت و امامت، دو جلوه الهی و ربانی است که ظهور قدرت الهی در هدایتگری، ولایت و سرپرستی است و این دو حقیقت نیز به نوبه خود معادل ندارد، اما آنچه راه وصول به جلوه ها و مظاهر الهی و در پرتو آن قرب به حق و توحید را تأمین و تضمین می کند تنها، ارتباط و اتصال به رسول خدا صلی الله علیه و آله و عترت آن حضرت است و بدون این طریق راهی نیست و هیچ کمال انسانی و الهی جز از این راه حاصل نمی شود:

«فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلٰلُ»؛

«پس از حق چیزی جز گمراهی نیست».

این معنا در سوره مبارکه «رعد» به این صورت آمده است: «أَفَمَن يَعْلَمُ أَنَّمَآ أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَى إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُوْلُواْ الْأَلْبٰبِ* الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ لَايَنقُضُونَ الْمِيثٰقَ* وَ الَّذِينَ يَصِلُونَ مَآ أَمَرَ اللَّهُ بِهِ ی أَن يُوصَلَ وَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَ يَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ* أُوْلٰئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ»؛ (۱)

پس آیا کسی که می داند آنچه از جانب پروردگارت به تونازل شده، حقیقت دارد، مانند کسی است که کوردل است؟ تنها خردمندانند که عبرت می گیرند. همانان که به پیمان خدا وفا دارند و عهد(او) را نمی شکنند. و آنان که آنچه

۱- سوره رعد، آیات ۱۹- ۲۲.

را خدا به پیوستنش فرمان داده می پیوندند و از پروردگارشان می ترسند و از سختی حساب بیم دارند ... برای ایشان است فرجام خوش سرای باقی».

در این آیه براساس اولویت و اهمیت، ابتدا به عهد و میثاق الهی، یعنی توحید اشاره شده: «یُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ» و پس از آن به میثاق و پیمان رسالت و امامت تذکر داده شده: «وَ لَایَنقُضُونَ الْمِیثَقَ» سپس به مسأله ارتباط و اتصال به حقایقی که همه خیر و نیکی از آنها نشئت می گیرد و مستقیماً هم مورد توصیه و امر الهی واقع شده، توجه داده شده است: «الَّذِینَ یَصِلُونَ مَآ أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَن یُوصَلَ» که این همان «بِحَبْلٍ مِّنَ اللَّهِ» یعنی قرآن و «وَحَبْلٍ مِّنَ النَّاسِ» (۱) یعنی اهل بیت علیهم السلام است: عن ابی عبداللَّه علیه السلام قال:

«الحبل من اللَّه کتاب اللَّه و الحبل من الناس هو علی بن ابی طالب علیه السلام»

. (۲) این چینش و ترتیب نشانگر اهمیت و ارزش هر یک از آنهاست و بدون توجه به آن، که حلقه اصلی ارتباط است، خیر و سرای ابد و دار رضوان نصیب کسی نخواهد شد؛ از این رو بر هیچ حقیقتی پس از توحید و رسالت، به اندازه ارتباط و اتصال با آنان، بلکه محبوب داشتن آن، تأکید و اصرار نشده است؛ چنان که هیچ عداوت و دشمنی هم در مقیاس الهی بیش از خصومت و دشمنی به سفرای الهی و اوصیای آنها نبوده و نیست.

زیارت تفسیر این ارتباط و تبیین و تحقق آن اتصال است و به همان میزانی که ایجاد آن اتصال و تحکیم آن رابطه در هندسه معرفتی اسلام ضرورت دارد و مهم است، زیارت هم چون تنها طریق عملی و راه تحقق آن رابطه است، ضروری و مهم خواهد بود؛ از این رو همان طور که ایجاد و تحکیم این رابطه موجب خردمندی در دنیاست: «إِنَّمَا یَتَذَکَّرُ أُوْلُواْ الْأَلْبَبِ» سبب نیک بختی در آخرت نیز هست: «لَهُمْ عُقْبَی الدَّارِ». در مقابل آنها، کسانی که رابطه و اتصال به جریان رسالت و ولایت را گسستند و اتصال آن رابطه ای که به امر الهی بوده قطع کرده و بریدند: «وَ الَّذِینَ ... یَقْطَعُونَ مَآ أَمَرَ

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۱۲.

۲- نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۸۳.

اللَّهُ بِهِ ی أَن یُوصَلَ» آنها هم در دنیا از رحمت الهی محرومند و هم در آخرت تیره بختی و شقاوت دامن گیر آنهاست: «أُوْلَئِکَ لَهُمُ اللَّعْنَهُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ». (۱)

با توجه به همین نکته است که خدای سبحان شماری از آیات قرآن را به ایجاد و تثبیت و تحکیم رابطه و ضرورت و اهمیت آن اختصاص داده و در شمار دیگری از آیات در جهت مذمت گسستن این رابطه سخن گفته است: «وَ مَنْ أَعْرَضَ عَن ذِکْرِی فَإِنَّ لَهُ و مَعِیشَهً ضَنکًا وَ نَحْشُرُهُ و یَوْمَ الْقِیمَهِ أَعْمَی»؛ (۲)

و هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت، زندگی تنگ وسختی خواهد داشت، و روز رستاخیز او را نابینا محشور می کنیم. «مَّنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ و یَحْمِلُ یَوْمَ الْقِیمَهِ وِزْرًا* خلِدِینَ فِیهِ وَ سَآءَ لَهُمْ یَوْمَ الْقِیمَهِ حِمْلًا»؛ (۳)

هر کس از(پیروی) آن(قرآن) روی برتابد، روز قیامت بار گناهی بر دوش می گیرد، پیوسته در آن(حال) می ماند، و چه بد باری روز قیامت خواهد داشت.

سرّ مذمت و راز نگون بختی این افراد این است که این اعراض و روی گرداندن موجب می شود تا انسان از ذکر خدا و هر آنچه که مایه کمال و خیر است در غفلت بماند. و شناخت لازم و کافی به آن را از دست بدهد، یا به دست نیاورد و آن گاه رابطه خود با آن حقیقت مؤثر و سودمند را قطع کرده و می گسلد. این گسستن رابطه، خطرات و مهالک فراوانی را در پی دارد؛ زیرا وقتی انسان از خیر جدا شد یا به شر می پیوندد و با آن ارتباط و اتصال وجودی پیدا می کند، یا در وادی حیرت و سرگردانی که خود شر مضاعف است سقوط می کند «ظُلُمتُ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ»؛ (۴)

تاریکی هایی که بعضی روی بعضی دیگر قرار گرفته است.

مهم تر از همه این که خدای مهربان و رئوف نیز چون این انسان را فاقد قابلیت و ظرفیت می بیند هم خود از او اعراض کرده و لطفش را ممنوع می کند و هم به پیامبرش دستور می دهد که او را به حال خود واگذارد تا در حیرت و سرگردانی خود باقی باشد:

۱- سوره رعد، آیه ۲۵.

۲- سوره طه، آیه ۱۲۴.

۳- سوره طه، آیات ۱۰۰ و ۱۰۱.

۴- سوره نور، آیه ۴۰.

«قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِی خَوْضِهِمْ یَلْعَبُونَ»؛ (۱)

بگو: خدا، آن گاه بگذارشان تا در ژرفای باطل خود به بازی سر گرم باشند». زیرا چنین شخصی به مثابه درخت خشکیده ای است که سودی نخواهد داد: «سَوَآءٌ عَلَیْهِمْ ءَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَایُؤْمِنُونَ»؛ (۲)

چه آنها را بترسانی و چه نترسانی، آنها ایمان نمی آورند. «سَوَآءٌ عَلَیْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَن یَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ». (۳)

بنابراین، نه تنها زیارت موجب ارتباط و وابستگیِ وجودی با اهل بیت علیهم السلام است، که خود منشأ خیرات و برکات و نزول فیض و اجر و ثواب است، بلکه انصراف از آن و بی میلی به آن موجب انصراف رحمت و برگشت نعمت خواهد بود. کسی که چنین علقه و علاقه ای را در جان خود نپروراند و تقویت نکند، از چشم رحمت و لطف خدا و رسولش صلی الله علیه و آله خواهد افتاد.

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام به حضرت عرض کرد: به فدای شما گردم، به حضور شما رسیدم در حالی که توفیق نداشتم که به زیارت قبر امیرالمؤمنین بروم حضرت در پاسخ فرمود: «بئس ما صنعت! لولا أنک من شیعتنا ما نظرت إلیك، ألا تزور من یزوره اللَّه تعالی مع الملائکه و یزوره الأنبیاء علیهم السلام، و یزوره المؤمنون؟!» کار بسیار ناپسندی انجام دادی، اگر نبود که تو از پیروان و شیعیان مایی، هرگز به تو نگاه نمی کردم! چگونه زیارت نکردی شخصیتی را که خداوند با فرشتگان آسمان و همه انبیا و مؤمنان او را زیارت می کنند، آن شخص گفت: این مطلب را من نمی دانستم. حضرت فرمود: «فأعلم أنّ أمیرالمؤمنین علیه السلام عند اللَّه أفضل من الأئمه کلّهم وله ثواب أعمالهم و علی قدر أعمالهم فضلوا»؛ (۴) بدان که در نزد خداوند امیرالمؤمنین علیه السلام از همه ائمه برتر و افضل است و برای اوست پاداش تمامی اعمال، و برتری هر کسی به میزان اعمال و عملکرد اوست.

بنابراین، زیارت به عنوان شاخصی روشن برای کسب فیض و دور نیفتادن از وادی

۱- سوره انعام، آیه ۹۱.

۲- سوره بقره، آیه ۶.

۳- سوره منافقون، آیه ۶.

۴- تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۲۰.

رحمت ضـروری است. حدیث مزبور موقعیت والا و عظیم و برتری امیرالمؤمنین علیه السـلام نسبت به سایر ائمه علیهم السلام و همچنین زیارت خداونـد، انبیا و مؤمنان نسـبت به آن حضـرت علیه السـلام را بیان می کنـد. البته تفاوت مراتب زیارت خداوند متعال با زیارت پیامبران و زیارت مؤمنان، از دید صاحب نظران مخفی نیست.

براساس آنچه گفته شد، انسان همواره باید آرزوی زیارت اولیای الهی و امید وصال و دوستی مشاهد آنان را در دل زنده دارد و از خداوند به طور جدی طلب کند:

«اللهم ... و حبّب إلیّ مشاهـدهم و ألحقنی بهم و اجعلنی معهم فی الدنیا و الآخره یا أرحم الراحمین». (۱) از این رو وقتی توفیق زیارت نصـیب شـد، جای سـپاس و ثنای الهی است؛ انسان شاکر و ثناگوی خـدایی است که در وادی نظر او را هدایت کرده و در وادی عمل توفیق حضور به او داده است؛ چنان که در زیارت روز عرفه و عید قربان پیش از زیارت امام حسـین علیه السلام این جملات آمـده است: «الحمـد للّه الذی هدانی لولایتک و خصّنی بزیارتک و سـهّل لی قصدک»؛ (۲) سپاس خدایی را که مرا به ولایت شما هدایت کرد و توفیق دیدار و حضور داد و قصد زیارت به سوی شما را آسان کرد.

در زیـارت ائمه بقیع علیهم السـلام و زیارت امام حسـین علیه السـلام در روز عیـد فطر نیز این عبارت آمـده است: «والحمـد للّه الفرد ... الـذی من تطوّله سـهّل لی زیاره مولای بإحسانه و لم یجعلنی عن زیارته ممنوعاً و لا عن ذمّته مدفوعاً بل تطوّل و منح»؛ (۳) سـپاس و حمـد از آن خـداست؛ خـدایی که عطـا و بخشـش دارد، پروردگـارا در سایه احسانت زیارت مولایم را برای من آسان بگردان و مرا از زیارت او محروم و ناکام مفرما و مرا از ذمه او وامرهان، بلکه تفضل و انعامت را بر من دریغ مفرما.

یکی از آموزه های جدی فرهنگ زیارت همین نکته است که وقتی انسان موفق

۱- همان، ص ۵۸.

۲- مصباح کفعمی، ص ۶۶۶؛ مفاتیح الجنان، زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه.

۳- همان، زیارت امام حسین علیه السلام در عید فطر و قربان.

شـد در میدان معرفت ها حجاب ها را کنار زده و خود را به حوزه معرفتی امام نزدیک کند و در سایه این معرفت کرامت بیابد و از نظر ارادت نیز توانسته سختی ها و مشکلات سفر را تحمل کرده، فاصله ها را پشت سر بگذارد و خود را به آنها نزدیک کرده و در پرتو این قرابت ولایت و مودت تحصیل کند، قطعاً به یکی از بهترین توفیقات و بزرگ ترین نعمت های الهی دست یافته است.

این معنا در زیارات فراوانی و به صورت برجسته در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است: «الحمد للّه الذی أکرمنی بمعرفه رسول اللّه صلی الله علیه و آله و من فرض طاعته رحمه منه و تطوّلًا منه علیّ بالایمان، الحمد للّه الذی سیّرنی فی بلاده و حملنی علی دوابّه، وطوی لی البعید و دفع عنّی المکروه حتی أدخلنی حرم أخی رسوله صلی الله علیه و آله فأرانیه فی عافیه. الحمد للّه الذی جعلنی من زوّار قبر وصی رسوله. «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَلنَا لِهذَا وَمَا کُنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْلآَ أَنْ هَدَلنَا اللَّهُ»؛ (۱)

سپاس خدایی را که در پرتو معرفت خود و رسولش و کسانی که طاعت آنها واجب است مرا کرامت بخشید و این رحمت و زیادتی نعمت بر من است و بر من به جهت ایمان و باور به این معرفت ها منت نهاد. شکر خدایی را که مرا در شهرها گرداند و قدرت سوار شدن بر مرکب های خود را داد تا مقصد دور نزدیک شود، و سختی ها و دشواری های سفر را از من دور داشت تا توفیق ورود به حرم برادر رسول گرامی صلی الله علیه و آله نصیبم شد. خدا را سپاس که مرا از زایران قبر وصی پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داد. خدا را سپاس که تنها این هدایت از اوست و اگر هدایت او نبود چنین هدایت و توفیقی نصیب من نمی شد.

در ذیل زیارت آن حضرت آمده است: «اللهم أنت مننت علیّ بزیاره مولای و ولایته و معرفته»؛ (۲) خدایا تو بر من به سبب زیارت مولایم و ولایت و معرفت او منت نهادی و نعمت عظیم عطا کردی.

از این گونه تعابیر پرشمار این پیام قطعی حاصل می شود که اولًا، زیارت و تشرف

۱- تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۲۵.

۲- همان، ص ۲۸.

به مشاهد اولیا، توفیق بزرگ الهی است. ثانیاً، این توفیق نصیب نمی شود مگر از ناحیه لطف الهی. ثالثاً، زیرا در مقابل این توفیق و نعمت همواره باید ثناگوی حق و شاکر نعمت هایش باشد و بالأخره باید بداند که نه تنها تشرف به محضر اولیا توفیقی مهم است، بلکه باریابی به بارگاه و زیارتگاه آنان کرامتی ویژه و شرافتی خاص است؛ از این رو در زیارت بارگاه حسینی علیه السلام می گوییم: «اللهم هذا مقام کرّمتنی و شرّفتنی به». (۱) حاصل سخن این که، زیارت ضرورتی دینی و الهی می باشد و از اهمیت والایی برخوردار است.

اهمیت و ضرورت زیارت از منظر اسلام به حدی فراوان است که خداوند عالم تعبیرهای گونه گون و مؤکدی به کار گرفته است؛ به این بیان که بعد از امر به اصل اتصال: «مَآ أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَن يُوصَلَ»، (۲)

با تعبیر تمسک که «أخذ با قدرت» است از آن یاد می کند: «فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِی أُوحِیَ إِلَيْكَ»؛ (۳)

پس به آنچه به سوی تو وحی شده است، محکم چنگ بزن. از این حد هم فراتر رفته، واژه اعتصام را که «چنگ زدن و رها نکردن» است به کار برده است: «وَاعْتَصِمُواْ بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا». (۴)

از این گونه تعابیر و اصرار قرآن بر ارتباط و اتصال این که همگی با هم به ریسمان خدا چنگ بزنید، روشن می شود که این، تنها طریق ارتباط با حقایق علوی و تسخیر جلوه های روحانی و معنوی است و غیر از آن راهی نیست؛ چنان که تلاش دشمنان انسانی خواه درونی همانند نفس و خواه بیرونی، یعنی شیاطین انس و جن در گسستن همین ارتباط است.

تذکر: برای راهیابی و وصول به یک حقیقت و دست یابی به آثار آن تماس و ارتباط تنگاتنگ و وثیق لازم است و بر این پایه مسأله تقرب، نیل، وصول و نظایر آن در فرهنگ دینی رایج است و ضرورت تلقی می شود؛ همان گونه که از ناحیه خداوند متعال نیز وقتی بحث ارتباط با بنده و اعطای الهی مطرح است، خداوند در بهترین و

۱- همان، ص ۵۶.

۲- سوره رعد، آیه ۲۱.

۳- سوره زخرف، آیه ۴۳.

۴- سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.

عـالی ترین شـکل و در عین حال بلیغ ترین وجه عطیه خود را عرضه می کنـد؛ به گونه ای که هیـچ مانع و حجابی برای وصول تام وجود ندارد.

خدای سبحان درباره قرآن کریم که عطیه الهی به انسان هاست می فرماید: «وَ لَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ»؛ (۱)

و به راستی، این گفتار را برای آنان پی در پی و به هم پیوسـته نازل ساختیم، امیـد که آنان پنـد پذیرنـد. اگر انسان بخواهـد به مرحله تـذکر برسد و آثار و علایم یک حقیقت را در خود زنده کند، باید یک اتصالی تام و ارتباطی وثیق پیدا کند. این همان ارتباط قلبی و عقلی است که زمینه تـذکر و فراگیری تام را فراهم می آورد، وگرنه آشـنایی از دور و ارتباط با فاصـله به جهت وجود غبار مادیت و کدورت ها و تیرگی های طبیعت زمینه تماس صحیح و لقای کامل را مهیا نمی سازد.

شایـد سِرّ برخی از آداب زیـارت،ماننـد نزدیـک شـدن به قـبر، گـذاردن دست یـا صورت بر روی قبر، بوسـیدن قبر و نزدیک ساختن بـدن به قبر، همه و همه نمادهای آن ارتباط وثیق قلبی و روحی و فکری باشـد که به صورت این اعمال اسـتحبابی ظاهر شده است.

زیارت، زنده ترین راه ارتباط

بعد از آن که دانسته شد اصل اتصال و ارتباط با اهل بیت علیهم السلام ضرورتی انسانی و الهی است و بدون آن انسان بی معنا و بی هویت بوده و هیـچ گونه کمـالی بر او مترتب نیست، بایـد به شـیوه ها و راهکارهای این ارتباط اندیشـید و نزدیک ترین، مؤثرترین و در عین حال زنده ترین راه ارتباطی را جست وجو کرد.

از آن جـا که دین مجمـوعه ای کامـل و به هم پیوسـته است، طریق تمـاس و ارتبـاط وثیق را از نـاحیه زیـارت معرفی می کنـد. زیارت با شـرایط و آداب خاص، به ویژه معارف زیارتنامه ای آن، بهترین، سودمندترین و در عین حال شاداب ترین راه ارتباط است و به گونه ای حس حضور در محضر امام علیه السلام را در انسان ایجاد می کند که گویا با

۱- سوره قصص، آیه ۵۱.

امام علیه السلام حضوراً گفت وگو می کند و نیاز وجودی خود را در هر زمینه ای از او می طلبد.

خطاب های زیارتی گاهی به حدی صریح و شفاف ادا می شود که گویا هیچ حجاب و فاصله ای بین زایر و امام او نیست؛ با هر سلامش، جوابی و با سؤالش، پاسخی را به همراه دارد. خواسته اش بی اجابت نیست و نیازش بدون جواب نمی ماند و این ارتباط ملموس و زنده جز در سایه زیارتی با معرفت حاصل نمی شود. درباره عرفان و معرفت زیارت بحثی را در پیش خواهیم داشت.

زیارت و زیارتنامه کتاب وجود انسان را در محضر ولی خدا باز می کند و به نقاط نقص و ضعف و به فقر و عجز زایر اشاره می کند، راه کمال و سعادت را می نمایاند و امام را به شفاعت می طلبد و ده ها و صدها نکته حیاتی و تربیتی را تذکر می دهد. انسان را از غفلت و سهو درآورده، به وادی تنبه و تذکر می کشاند. خصلت های ممدوح و پسندیده اورا برجسته و احیا می کند و خصلت های زشت و ناپسند او را با استغفار و طلب رحمت از خداوند برطرف کرده و با نظر مرحمت الهی جبران می کند و بالأخره در کنار چشمه امامت که عین الحیات است، انسان را شست وشو می دهد و پاک و پاکیزه از میخانه طهور امامت خارج می شود و این همان اثر زیارت است.

این نگرش که زیارت ارتباطی وثیق و زنده است، اقتضا می کند که انسان فاصله های زمانی ومکانی را پشت سر گذاشته و خود را در عصر ولی خدا و در زمان حضور او ببیند و کاملًا به محیط و فضای حضور آن ولی درآید و او را در تنهایی و غربتش حس و ادراک کند و در سختی ها و مشکلات مطیع و یاور او باشد. تنها با چنین تلقی از زیارت است که حضور و نقش امام را در عرصه اجتماع با همه وجود می یابد، دعوت و ندای او را لبیک می گوید، امرش را اطاعت و نهیش را تبعیت می کند و اجتماع را آن گونه که او خواسته و اراده کرده می سازد.

سرّ بیان خصایص و نیز رویکردها، نقطه نظرها، سیرت ها و سنت های آن موالیان کریم در زیارتنامه ها نیز همین است که انسان خود را با خواسته ها و ارادات آنها تطبیق دهد و از مسیر ترسیمی آنها فاصله نگیرد. تنها کسی از زیارت بهره کامل می برد که

حس حضور امام علیه السلام در صحنه زندگی را پیدا کند، خود را مخاطب سخنان او بداند و او را نیز مخاطب بداند، نه مغایب؛ از این رو زیارتنامه ها همه در قالب تخاطب و گفت وگوی طرفینی و متقابل ایراد شده است؛ سلام ها، تحیت ها و صلوات ها همه به صورت خطابی انشا شده و حتی بیان اوصاف و ویژگی ها نیز به صورت خطاب است؛ چنان که مثلًا می گوییم: «السلام علیک یا رسول اللّه»، «صلی اللّه علی روحک الطیّب»، «أنت الذی ...» و این گونه گفتمان های حضوری در القای حس حضور کمال تأثیر را دارد. نیز طرح نیازهای دنیوی و اخروی همه به صورت حضوری و تخاطب است و این نیز در جهت حضور بخشیدن نقش مؤثری دارد.

از نمونه های بارز احساس حضور در زیارتنامه ها، زیارت بارگاه حسینی علیه السلام است که در ادب آن چنین آمده است: «دست چپ را روی قبر می گذاری و با دست راست اشاره می کنی و می گویی: «السلام علیک یا ابن رسول اللّه إن لم أکن أدرکت نصرتک بیدی فها أناذا وافد إلیک بنصرتی قد أجابک قلبی و سمعی و بصری وبدنی و رأیی و هوای علی التسلیم لک و الخلف الباقی من بعدک الأدلّاء علی اللّه من ولدک، فنصرتی لکم معدّه حتّی یحکم اللّه بأمره و هو خیر الحاکمین»؛ (۱) درود بر تو ای فرزند پیامبر خدا، اگر زمان شما را درک نکردم تا شما را با دستم نصرت کنم، اما اکنون با همه وجودم، قلبم، گوش و چشمم، بدن و رأیم و همه خواسته هایم تسلیم امر شما هستم و در راه نصرت شما و جانشینان شما، یعنی راهنمایان به سوی خدا از فرزندان شما هستم. اکنون تمام نصرت و یاری من برای شما آماده است تا به هنگامی که خداوند اراده و حکم کند و او بهترین حاکم است.

از همین بخش از زیارتنامه معنای انتظار و کیفیت آمادگی برای ظهور امام علیه السلام روشن می شود، جان و دل، عقل و سر، رأی و هوا، همه را در راه دوست مهیا داشتن و بر اراده و خواست آنان خود را همسو کردن، روح انتظار است که جمله «والخلف الباقی من بعدک» به این معنا هم اشاره دارد.

۱- تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۵۸.

برای اعتصام به حبل الهی قرآن، شیوه های مختلفی، مانند تلاوت، تدبر، تفکر، تعقل، حفظ، انس و حشر با قرآن مطرح شده، تا حس حضور قرآن در صحنه وجود انسانی ایجاد شود و انسان قرآن را همانند طبیبی دوّار همواره به همراه داشته باشد، تا اخلاق و روحیات و نیز منش و روش او قرآنی شود و به جایی برسد که با همه وجود بگوید: «قُلْ إِنَّ صَلَاتِی وَنُسُكِی وَمَحْیَایَ وَمَمَاتِی لِلَّهِ رَبِّ الْعٰلَمِینَ». (۱)

و این همان تحقق تمسک و اعتصام به حبل الهی و اتصال به حقیقتی است که به پیوند با آن امر شده است: «مَآ أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَن یُوصَلَ». (۲)

همچنین در مورد حبل الهی اهل بیت علیهم السلام باید آنها را نیز شناخت و به همان صورت با آنان مأنوس و محشور شد. این حبل الهی که از منظر دیگر به «وَحَبْلٍ مِّنَ النَّاسِ» (۳)

لقب گرفته، همان حقیقتی است که به اعتصام و تمسک به آن نیز امر شده است؛ از رسول اکرم صلی الله علیه و آله سؤال شد که مراد از «حبل من الناس» چیست؟ فرمود: مراد از آن وصی من است: «فقالوا: یا رسول اللّه صلی الله علیه و آله و من وصیك؟ فقال: هو الذی أمركم اللّه بالاعتصام به فقال عزوجل: «وَاعْتَصِمُواْ بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِیعًا ولا تَفَرقوا». (۴)

فقالوا: یا رسول اللّه بین لنا ما هذا الحبل؟ فقال صلی الله علیه و آله هو قول اللّه: «الا بِحَبْلٍ مِّنَ اللَّهِ وَحَبْلٍ مِّنَ النَّاسِ» (۵)

فالحبل من اللّه كتابه و الحبل من الناس وصیّی». (۶) در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است: «وأنت ممّن أمرنی اللّه بصلته و حثّنی علی برّه و دلّنی علی فضله و هدانی بحبّه»؛ (۷) شما کسی هستید که خداوند مرا امر فرموده تا با شما ارتباط و اتصال برقرار کنم و خداوند مرا به نیکی و رعایت ادب نسبت به شما دعوت کرده و بر فضل شما و محبت به شما راهنمایی و هدایت نموده است.

۱- سوره انعام، آیه ۱۶۲.

۲- سوره رعد، آیه ۲۵.

۳- سوره آل عمران، آیه ۱۱۲.

۴- همان، آیه ۱۰۳.

۵- همان، آیه ۱۱۲.

۶- بحارالأنوار، ج ۳۶، ص ۱۱۲.

۷- تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۲۷.

پروردگار عالم، ذلت و مسکنت را از آن قومی می داند که از «حبل من اللّه» و «حبل من الناس» بگسلند. آنان به هر جا بروند و پناه بگیرند، هرگز سایه عزت را نمی بینند: «ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّهُ أَيْنَ مَاثُقِفُواْ إِلَّا بِحَبْلٍ مِّنَ اللَّهِ وَحَبْلٍ مِّنَ النَّاسِ». (۱)

همین آیه می تواند سند قرآنی حدیث ثقلین نیز محسوب شود.

بنابراین، تا احساس حضور و درک واقعی محضر حاصل نشود، دل و دیده سپردن و تبعیت را با افتخار پذیرفتن، به راحتی به دست نمی آید؛ از این رو انسان باید تلاش و جدیت کند تا خود را به زیارتگاه اولیای الهی برساند و از فیض زیارت آنان بهره مند شود؛ و اگر سختی راه و دشواری روزگار اجازه نداد، لااقل از دور زیارت و سلام به اهل بیت علیهم السلام را فراموش نکند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«إذا بعدت بأحدکم الشقه و نأت به الدار فلیعل علی منزله و لیصل رکعتین و لیؤم بالسلام إلی قبورنا فإنّ ذلک یصل إلینا و تسلّم علی الائمه علیهم السلام من بعید کما تسلّم علیهم من قریب غیر انک لا یصح ان تقول: «أتیتک زائراً» بل تقول فی موضعه: «قصدت بقلبی زائراً اذ عجزت عن حضور مشهدک و وجهت الیک سلامی لعلمی بأنه یبلغک صلی اللّه علیک فاشفع لی عند ربک جل و عز» و تدعوا بما أحببت»؛ (۲)

زمانی که دوری راه بر شما عارض شد، به قسمت مرتفع و بالای منزل بروید و دو رکعت نماز گزارده و با سلام به قبر ما اشاره کنید، حتماً سلام شما به ما می رسد و همان گونه که از راه نزدیک به ائمه علیهم السلام سلام می کنید، همان گونه از راه دور به آنها سلام کنید، اما نگویید: به سوی شما آمدم برای زیارت، بلکه در همان محلی که هستید بگویید: من با قلبم و جانم قصد زیارت شما را کردم؛ زیرا اکنون ناتوان از زیارت شما از نزدیک هستم، و سلامم را تقدیم حضورتان می کنم؛ زیرا مطمئنم که سلامم به شما خواهد رسید. حال از شما می خواهم که در نزد خدا از من شفاعت کنید و نیز در حق ما دعا کنید.

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۱۲.

۲- تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۰۳؛ بحارالأنوار، ج ۹۸، ص ۳۷۰.

ارکان زیارت

زیارت که واقعیتی اصیل، عینی و خارجی است، نه پنداری، ذهنی و خیالی، آثار و برکات فراوان وجودی دارد و از سه رکن و پایه اصیل مرکب است.

یکم. زایر، یعنی شخصی که میل و گرایش به چیزی یا کسی دارد.

دوم. مزور، یعنی زیارت شونده، شخص یا چیزی که زایر میل به سوی او دارد.

سوم. خصیصه ای نفسانی به نام گرایش قلبی که با تکریم و تعظیم و انس گرفتن با مزور همراه است. روشن است که هر یک از این ارکان سه گانه مختل شود یا از واقعیت و عینیت تهی باشد، زیارت تحقق نمی یابد و تنها پنداری از زیارت باقی می ماند؛ از این رو در جایی که مزور امری موهوم و پنداری باشد و زایر خود را با امری خرافی و به دور از واقعیت سرگرم کرده و بدان قصد و میل پیدا کند، قطعاً زیارت راستین تحقق نیافته، آثار عینی و واقعی آن هم مترتب نخواهد شد؛ گرچه نباید تأثیر زیارت خیالی را انکار کرد.

بدیهی است هر چه ارکان سه گانه فوق از بنیان و اساس محکم تری برخوردار باشد، حقیقت زیارت وآثار آن نیز عینی تر و ظاهرتر خواهد بود. به عبارت دیگر، اگر زایر از معرفت و ایمان و کمالات وجودی والاتری برخوردار باشد، و همچنین اگر مزور شخصیتی ربانی و مؤثر در نظام هستی باشد، یا اگر تصمیم و قصد با کمال معرفت و جدیت و اراده جزمی همراه باشد، قطعاً جلوه کامل تری از زیارت عرضه می شود و حتماً تأثیرات چشمگیر و گسترده ای خواهد داشت. و برعکس، هر چه این ارکان سه گانه به ضعف و سستی گراید و از توان و صلابت لازم برخوردار نباشد، معنا و حقیقت زیارت وآثار آن نیز ضعیف و سست خواهد بود.

بنابراین، زیارت واقعیتی اصیل است و هرگز یک پندار خیالی و تهی از واقعیت نیست و اساساً همین نگاه هستی شناسانه به معنا و حقیقت زیارت است که راه درست فهم چیستی زیارت و ماهیت پیچیده آن را هموار می کند؛ زیرا گرچه معنای شرح الاسمی زیارت آسان و گفتن آن روان است، اما معنای حقیقی آن با حقایق و معارفی

همراه است که بایـد به تدریـج آنهـا را آموخت؛ زیرا به صورت یـک اصـل و قاعـده کلی، هر حقیقتی که میزان تـأثیر کمی و کیفی آن گسترده و عمیق باشد، ضرورتاً از معنا و حقیقت بیشتری برخوردار است و زیارت از این مقوله است.

پس از آن که دانسـته شد زیارت ارتباط زنده و مؤثری است که از دو طرف زنده ایجاد می شود، اکنون مناسب است این معنا را بـا منطق و عقـل و زبـان برهـان تـبیین کنیم؛ از مهم ترین مبـاحث معرفتی دین اسـلام بحث معرفت نفس و احکـام آن است. بزرگـان حکمت و کلاـم، ادله فراوانی را در خصـوص تجرد نفس و نزاهت آن از شوب مـاده و طـبیعت بیـان داشـته و مـبرهن سـاخته انـد. از احکام اولی موجود مجرد، بقا، ثبات و پایـداری است. هرگز فنا و نیستی در حوزه نفس راه نـدارد، بلکه زوال و نابودی در دایره طبیعت و عالم ماده است.

تعبیر رسا و حکیمانه قرآن درخصوص نفس این است که هر نفسی طعم مرگ را می چشد: «کُلُّ نَفْسٍ ذَآلِقَهُ الْمَوْتِ»؛ (۱)

هر جانداری چشنده طعم مرگ است. نه این که مرگ نفس را بچشد و چون مرگ انتقال از عالمی به عالم دیگر است و نفس با چشیدن مرگ به عالم برتر رفته، حیات کامل تر و قدرت وجودی و کمالات برتری یافته و دایره شمول و احاطه او بیش تر و وسـیع تر می شود، گرچه بـدن و جسم می میرد و زایـل می گردد. از این رهگـذر انسان مرده به لحاظ جان و نفس زنـده تر از انسـان زنـده است و شـدت حیـات او حجـاب رؤیت حیـات برتر اوست؛ از این رو انسـان هایی که از روح قوی تر برخوردارند قـدرت مشاهـده نفوس و ارواح را دارنـد. این پنـدار و گمان انسان است که زنـدگان واقعی را مرده می پندارد. براساس همین منطق است که علی علیه السـلام دانشـمندان و عالمان را باقی و مانـدگار می دانـد: «والعلماء باقون ما بقی الدهر». (۲) و هر چه نفس در عالم طبیعت از کمال و قدرت بیشتری برخوردار باشد، این توان مضاعف شده و در آن نشئه ظهور می کند و این معنا به صورت روشن در سخنان ارباب حکمت

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۸۵.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷، بند ۶.

و عرفان آمده است.

حکیم بزرگ ابوعلی سینا در جوابیه ای که برای جناب شیخ عارف ابوسعید ابوالخیر می نویسد، در پاسخ سؤال از زیارت و تأثیر آن، از زایر، مزور و زیارت، تحلیلی عمیق و عالی ارائه می کند. او می نویسد: زایر که با همه وجودش اعم از بدن و نفس به سمت مزور می رود، از نفس و جان مزور استمداد می طلبد تا خیری را تحصیل یا زیان و اذیتی را دفع کند و همه وجودش در سلک استعداد و استمداد در می آید. از آن سوی نفس مزور نیز به جهت مشابهت و مجاورتی که با عقول یافته، منشأ تأثیر و اثربخشی فراوان و کامل تری خواهد بود و چون زایر با جسم و جان به سمت مزور روی آورده، هم بهره های جسمانی می برد و هم بهره های روحانی و نفسانی.

اما بهره جسمانی این است که همان طور که اگر مزاج و جهاز جسمانی انسان در حال اعتدال و تساوی باشد، تأثیر ارادات نفسانی در آن راحت تر و آسان تر است، نفوس مجرد و عاری از ماده در این مزاج های مستعد و مستمد بیشتر و بهتر تأثیر گذاشته و موجب رفع یا حتی دفع آفات و مضرات می شوند و در خصوص حالتی که زایر با شوق و رغبت و با میل و اراده به زیارت مزاری می رود، آمادگی و توجه او بهتر و بیشتر بوده و جهت گیری نفس دقیق تر و عمیق تر است. در این حالت نفس با داشتن قوت و شرافت افزون، به ویژه در مواضع و مکان هایی که بارگاه و زیارتگاه مزار است، ذهن و حواس انسان از کدورت و تیرگی های روزمره پاک و صاف شده و شواغل و خواطر هم وجود ندارد، با ذهنی صاف و آماده و خاطری جمع و آرام، استعداد و آمادگی بیشتری پیدا می کند تا از مزور بهره برتری بگیرد؛ مثلًا در زیارت بیت اللّه تعالی انسان به لحاظ موقعیت ویژه ای که برای او حاصل شده، نزدیک است که به ساحت ربوبی و حضرت الهی راه بیابد و به جهتی روی آورد که حضور حضرت الهی فراهم آید. در این جاست که انسان از عذاب های دنیوی رهایی می یابد و در واقع این نفس است که با درمان جسم و شفای تن راحت می شود؛ زیرا بدن نه احساس درد دارد و نه احساس لذت.

اما بهره های نفسانی که از رهگذر زیارت نصیب انسان می گردد، بسیار ارزشمندتر است؛ مانند اعراض و بی توجهی به متاع دنیا، حتی طیبات و حلال دنیا و همچنین دور ساختن شواغل و موانعی که او را از مسیر کمال باز می دارد و در نتیجه فکر به ساحت قدس جبروت منصرف شده و در پرتو نور و اشراق ربانی در جان و سویدای وجود، تمامی اندوه ها و نگرانی ها و خوف ها و حزن ها برطرف شده و این نیز خلاصی جان و آزادی دل است که امید است خدا ما و شما(خطاب به ابوسعید ابوالخیر) را به این امر هدایت کرده و نفس را از شوائب این عالم فانی و زایل رها سازد. (۱) از این رو در امر زیارت باید دو مسأله خاص مورد توجه و دقت قرار گیرد:

اول، انسان پس از مرگ از حیاتی برتر و کامل تر برخوردار است و ارتباط و تعلق او به عالم بالا و انس و حشر او با جواهر قدسی موجب گسترش وجود و میدان احاطه و شمول وی می شود و طبعاً آثار وجودی او قوی تر و گسترده تر است. و تفسیر زیارت به ارتباطی زنده میان دو حقیقت زنده بدین معناست که نفس زایر با نفس و جان مزور ارتباط برقرار می کند، و هرگز زیارت ارتباط زایر با بدن مدفون مزور نیست، بلکه بدن تنها به لحاظ تعلق و وابستگی شدید وجودی بین جان و تن مزور است که علامت گویا و نشانه ای رسا از مزور را به همراه دارد.

دوم، ارتباط و توجه خاص مزور به بدن موجب می شود که بدن و جسد اویک نوع مرکزیت و محوریتی پیدا کند و همین مایه توجه و زیارت قبر و بدن می شود. گرچه روح و جان انسانی زمان و مکان ندارد و انسان در هر شرایطی و در هر مکان و زمانی با درود فرستادن و اهدای سلام و صلوات و ... می تواند مزور را شادمان کند، یا خود از او اثر وجودی بپذیرد، اما به لحاظ توجه و عنایت خاصی که آن نفس، به هر جهت، به شی ء دارد موجب می شود در آن فرصت زمانی ومکانی موقعیت ویژه ایجاد شود. از باب تمثیل، خداوند متعال فراتر از همه چیز است و هیچ چیزی او را محدود

۱- رسائل ابن سینا، ص ۳۳۸.

نمی سازد؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

«ان اللّه تبـارک و تعـالی لایوصف بزمان و لا مکان و لا حرکه و لا انتقال و لاسـکون، بل هو خالق الزمان و المکان و الحرکه و السکون، تعالی اللّه عمّا یقولون علوّاً کبیراً» (۱)

و انسان در هر زمان و مکان و در هر شرایط و موقعیتی می تواند به سمت خداوند روی آورد: «فَأَیْنَمَا تُوَلُّواْ فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ»؛ (۲)

پس به هر سو رو کنید آن جا روی(به سوی) خداست؛ اما خداوند متعال به لحاظ ظرفیت، شأنیت و به هر دلیلی به مکانی مانند کعبه، یا به زمانی مانند لیله القدر و ... یا حتی به اشخاصی مانند دل شکستگان: «و سئل رسول اللّه صلی الله علیه و آله:

أین اللّه؟ فقال: عند المنکسره قلوبهم» (۳)

و ... توجه ویژه دارد. لذا از دو جهت انسان می تواند به آن مکان یا زمان یا اشخاص یا ... دل ببندد و تعلق وجودی پیدا کند:

جهت اول این که، آن مکـان یـا زمـان، مورد توجه و عنـایت محبوب و حقیقت مورد علاـقه است و انسان با توجه به آن، قطعاً مولا و محبوبش را تعظیم و تکریم کرده و ارادت و عشق خود را، که نوعی سپاس و شکر است، اظهار داشته و از این راه تعلق و پیونـد خود را نسبت به اومی نمایاند و متعهد به پایداری دو تا می شود؛ مانند این که با عبادت در مسـجد یا لیله القدر به امر الهی توجه کرده که احیا و تعظیم شعایر الهی در واقع تعظیم و تکریم خداوند کریم و عظیم است.

جهت دوم این که، بـا حضور در این گونه مکـان هـا و زمان ها، به مراتب فرصت تقرب فراهم تر است. بـدیهی است که انسان مؤمن و عاقل این فرصت ها را از دست نمی دهد و با توجه به موقعیت های ویژه، با تلاش اندک به اجر بیشتری دست یافته، از خیر کثیر و مبارکی بهره می برد.

در خصوص ابـدان و قبور پـاک صالحان و معصومان گرامی نیز همین گونه است؛ یعنی گرچه می شود در هر شـرایط و در هر مکان و زمانی برای آنها هدایای معنوی و

۱- التوحید، ص ۱۸۴.

۲- سوره بقره، آیه ۱۱۵.

۳- بحارالأنوار، ج ۷۰، ص ۱۵۷، ح ۳.

الهی تحفه داد، اما بدن و جسم آنان که محل نشو و نمای جان شریف آنان و بسیار مورد علاقه و تعلق جان آنها بوده و هست و چیزی برای روح، عزیزتر از بدن نیست، از این رو توجه به آن فرصت مناسبی است که انسان می تواند به آن روح بزرگ و عالی نزدیک شود. با این تحلیل عقلی، رفتن به سوی قبور و مزار اهمیت خاص خود را می یابد.

امام خمینی رحمه الله که روحش در ملکوت اعلی با علیین قرین باد، همین مضمون را در تعلیقات خود بر شرح فصوص الحکم قیصری در ذیل فص عزیری از استاد عارف کامل خود، آیت اللّٰه شاه آبادی رحمه الله نقل می کنند: استاد عارف کامل ما که سایه اش مستدام باد، فرمود: ممکن است گفته شود که علاقه روح به بدن بعد از مرگ باقی است؛ زیرا بدن محل قرار و جایگاه رشد و پرورش اوبوده است.

من می گویم آنچه را که استادم فرمودند، محقق بزرگ میرداماد در رساله فارسی که منسوب به ایشان است، راجع به سِرّ زیارت اموات تذکر داده اند و آنچه من از آن نوشته به خاطر دارم این است که فرمود: برای نفس دو نوع علاقه به بدن وجود دارد:

علاقه صوری و علاقه مادی. البته مرگ موجب قطع علاقه صوری می شود، اما علاقه مادی همچنان پایدار است و از همین جهت زیارت قبور تشریع و جایز شمرده شده است. (۱) بنابراین، بدن مزور از آن جهت که مورد تعلق و توجه روح و جان است و تنها علامت مادی و شاخص بعد از حیات انسان همانا بدن و قبر اوست، لذا توجه به آن ضرورت دارد.

اما در خصوص نحوه تعلق ممکن است اقوالی وجود داشته باشد؛ برخی معتقدند که ارواح قوی، گرچه هنگام مرگ از بدن مفارقت می کنند، اما چون به بدن علاقه و تعلق دارند، همواره بدن را تدبیر و آن را از آفت زدگی و پوسیدگی و نظایر آن محفوظ

۱- تعلیقات علی شرح فصوص الحکم و مصباح الانس، ص ۱۷۴ و ۱۷۵.

می دارند؛ همان گونه که در حال حیات این تدبیر و حفاظت روح از بدن موجب صیانت و سلامت بدن است. بدیهی است که ارواح ضعیف بر اثر اشتغال به مصائب خود، به بدن توجهی نداشته و در اندک زمانی بدن پوسیده و از بین می رود و سِرّ ماندگاری ابدان صالحان و عالمان که در تاریخ شواهد و نمونه های فراوانی دارد، در همین نکته است. اما عده ای از بزرگان حکمت و کلام در خصوص چگونگی تدبیر روح نسبت به بدن بعد از مفارقت، بیانی دارند که لازم است در محل خود مورد بحث قرار گیرد و از حوصله این نوشتار بیرون است.

اهداف زیارت

زیارت کلاس تربیت است، زیارت می خواهد آلودگی های وجود ما را بشوید.

زیارت می خواهد ما را از حضیض ذلت به اوج عزت برساند. زیارت واقعی آن است که وقتی آمدم کنار قبر امام علی بن موسی الرضا علیه السلام و برگشتم احساس کنم نورانیت و روحانیت تازه ای پیدا کرده ام، احساس کنم از بار گناه سبک شده ام، احساس کنم آن نورانیتی که از قبر امام علی بن موسی الرضا علیه السلام پیدا کرده ام تا یک ماه دو ماه، یک سال دو سال در وجود من هست، البته این بستگی دارد که عمق زیارت من چقدر باشد.

هدف زیارت تربیت است، تمام این برنامه ها و تعالیم دینی، آمدن یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر، آموزه های قرآن و نهج البلاغه و صحیفه سجادیه و از آن جمله زیارت برای تربیت انسان است، اگر این برنامه ها انسان را تربیت نکند خالی از محتوا می شود، مصداق «ربّ تال القرآن و القرآن یلعنه» (۱) کسانی که قرآن را می خوانند و آیه آیه قرآن آنها را لعن می کند. به حج خانه خدا رفته است از زیارت خانه خدا برگشته است، اما تمام تعریفی که از حج می کند این است که در آن جا میوه های گوناگون چه رقم بود، وسائل سوغات چگونه بود، وسائلی که بار حجاج را سنگین تر می کند، پس تو به زیارت خانه خدا نرفتی، به زیارت آن میوه ها و وسائل صنعتی و ابزارها رفته ای؟! چرا

۱- بحارالأنوار، ج ۹۲، ص ۱۸۴.

تعریف نمی کنی در اولین لحظه ای که چشمت به خانه خدا افتاد چه حالی به تو دست داد؟ در اولین طواف کعبه چه حالی داشتی؟ در آن بیابان عرفات در زیر آن خیمه ها وقتی دعای عرفه امام حسین علیه السلام را می خواندی چه حالی داشتی؟ شب مشعر چه حالی داشتی؟

در روایت آمده است کسی که از زیارت خانه خدا برمی گردد مانند انسانی است که تازه از مادر متولد شده است (۱) آیا در بازگشت از حج احساس می کنی تولد دومی پیدا کرده ای؟ آدم تازه ای شده ای؟ اگر احساس می کنی، حج تو حج است والا حج نیست.

حج آن است که انسان را تربیت کند، تا انسان به حج نرود نمی داند حج چیست؟

هر نویسنده توانا و هر گوینده توانا محال است بتواند بیان کند که در آن جا چه احساسی برای انسان پیدا می شود، کنار خانه خدا، عرفات، مشعر و منی، مگر این که لمس کند، ببیند و احساس کند.

چهار برنامه و یک هدف

اسلام چهار منبع برای برنامه تربیتی و دستورالعمل زندگی دینی دارد که تمام آنها یک هدف را دنبال می کنند:

۱. قرآن، ۲. نهج البلاغه و روایات معصومین علیهم السلام، ۳. ادعیه، دعاهایی مانند صحیفه سجادیه، ۴. مجموعه زیارات، مانند زیارت های عاشورا، امین اللّه، جامعه کبیره. این چهار برنامه به سوی یک هدف حرکت می کنند، اما از چهار بعد.

قرآن از سوی خداوند نازل شده است، دعاها قرآن صاعد است و به سوی خدا می رود، نهج البلاغه همان محتوای قرآن است، در لباس خطبه ها، نامه ها و کلمات قصار. زیارتنامه ها هم همان محتوای قرآن و نهج البلاغه و صحیفه سجادیه است، اما در غالب زیارت.

هر چهار راه، به سوی یک هدف یعنی تربیت انسان و تهذیب نفوس و قرب الی اللّه حرکت می کند.

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵.

برای این که مطلب روشن شود به تناسب موضوع مقاله چند نمونه از زیارت ها را ذکر می کنم، ببینید زیارت ها به ما چه مسایلی آموزش می دهند و تلقین می کند.

از جمله مسایلی که زیارتنامه ها به ما تلقین می کند، ارزش های وجودی امام علیه السلام است. می گوییم: ای امام اگر به زیارت شما می آییم به خاطر این ارزش ها و مقاماتی است که در وجود شما است. مثلًا هنگامی که به زیارت امام حسین علیه السلام می رویم و مطابق بعضی از روایات هر قدمی که برمی داریم ثواب حج و عمره دارد، یعنی اگر می خواهی ارزش پیدا کنی، بیا و این چنین باش. در زیارت امام حسین علیه السلام می گویم:

«أشهد أنّک قد أقمت الصلوه و آتیت الزکوه وأمرت بالمعروف و نهیت عن المنکر».

تو دارای چهار ارزش وجودی بالا بودی:

۱. اقامه نماز کردی، نه تنها نماز خواندی، نماز را بپا کردی، نماز را زنده کردی.

۲. زکات دادی، در معنای وسیع کلمه که «لکل شی ء زکوه» (۱) همه چیز زکات دارد، تو از تمام هستیت زکات دادی.

۳. امر به معروف کردی، دعوت به سوی نیکی ها.

۴. نهی از منکر کردی.

اینها ارزش وجودی امام حسین علیه السلام است که به خاطر آن به زیارتش می رویم، ما به زیارت امامی می رویم که این ارزش ها را دارد، آیا من به سوی او نروم؟ من اقامه نماز و ایتاء زکات و امر به معروف و نهی از منکر نکنم؟ اگر نکنم پس دروغ می گویم، این زیارت نیست، اگر اینها ارزش وجودی اوست، پس چگونه این ارزش ها در من نباشد؟

نمونه دیگر زیارت امین اللّه که از زیارت های بسیار مهم معصومین علیهم السلام است، از کجا شروع می شود؟ اولین جمله ای که می گوییم: «السلام علیک یا امین اللّه فی ارضه»؛ سلام بر تو ای امین خدا در سرتاسر کره زمین، اگر امین اللّه بودن خوب است، پس چرا

۱- بحارالأنوار، ج ۲، ص ۲۵.

تو امانت دار نیستی؟ اگر راستی زیارت می کنی معنایش این است که مهم ترین ارزش وجودی یک انسان که اولین صفت امام معصوم قرار داده ایم مسأله امانت است، همین یک درس تربیت است که من هم به سوی امانت عهدم حرکت کنم.

«أشهد أنک جاهدت فی اللَّه حقّ جهاده»؛ شهادت می دهم تو حق جهاد را انجام دادی، یعنی نه تنها جهاد کردی، بلکه آخرین درجه جهاد را انجام دادی، جهاد با نفس، جهاد با دشمن، جهاد در طریق علم، جهاد با جان، با مال، همه انواع جهاد در این کلمه جمع است، یعنی ارزش مقام امام از این جاست، اما اگر من قدمی به سوی جهاد برندارم، نه جهاد با نفس، نه با دشمن، نه جهاد از طریق علم، نه جهاد از طریق عمل، آیا من زایر هستم؟ اگر قدمی برندارم، این زیارت، دروغ است، قلابی است.

«وأتبعت سنن نبیّک»؛ افتخار تو ای امام معصوم این است که تابع سنت های رسول اللَّه بودی، تو تابع بودی. اما اگر من که زایر تو هستم تابع هیچ یک از سنت ها نباشم، آیا این قابل قبول است؟

این است که می گویند: زیارت ها باید انسان را تربیت کند و می کند، زیارت کار قرآن و نهج البلاغه و دعا را می کند و همه اینها بار تربیتی دارد.

سه هدف در زیارت

زیارت سه هدف عمده دارد:

هدف اول: تعلیم معارف دینی و الهی: یعنی خدا را معرفی کردن، زیارتنامه ها درباره خدا و اوصاف او چه می گوید، همچنین معرفت رسول اللَّه و معرفت مقام ولایت، در همین زیارت جامعه کبیره که پنج سلام در آغاز آن هست، در هر کدام از این سلام ها مقداری از مقامات امامان معصوم بیان شده است، در این پنج سلام حدود شصت صفت برای امام ذکر می شود یعنی مقام ولایت را با شصت صفت بیان می کند.

بنابراین زیارت معرفی مقام ولایت است، البته گاهی ما در هنگام خواندن زیارت توجهی به محتوای آن نداریم که در این صورت قطعاً آن اثر تعلیم معرفت الهی و

معرفت پیامبر و مقام ولایت در آن نیست.

هـدف دوم: بیـان ارزش هـا: زیـارت هـا بیان می کنـد که چه چیزهایی از نظر اسـلام دارای ارزش است. به عنوان نمونه به این جملات از زیارت جامعه کبیره توجه کنید:

«السـلام علی الـدعاه إلی اللّه»؛ سـلام بر شـما ای دعوت کنندگان به سوی خدا، معلوم می شود دعوت الی اللّه یک ارزش مهم اسلامی است. «والأ دلاء علی مرضاه اللّه»؛ سلام بر شما ای کسانی که جامعه انسانیت را به سوی خشنودی خدا رهنمون شدید.

«والمسـتقرّین فی أمر اللّه»؛ سـلام بر شـما ای کسانی که در امر الهی استقرار دارید، شما در انجام اوامر الهی باوفا بودید، نه این که انسان یک روز به سوی خـدا حرکت کند و یک روز غرق در گناه شود. «والتأمین فی محبّه اللّه» شـما در محبت خدا کامل بودیـد، یعنی کامـل بـودن در محبـت خـدا یـک ارزش والاـ است و مـا به خـاطر این ارزش امـام معصـوم را زیـارت می کنیم. «والمخلصـین فی توحیـد اللّه»؛ توحیـد شـما خـالص از هر گـونه شـرک اسـت، یعنی توحیـد خـالص داشـتن یـک ارزش است. «والمظهرین لأمر اللّه و نهیه»؛ شـما اوامر و نواحی الهی را اظهار کردیـد. «و عباده المکرمین»؛ شـما بنده خدا بودید، افتخار شـما در بنـدگی خدا بود. «الذین لایسـبقونه بالقول و هم بأمره یعملون» یک گام از اوامر خدا جلو نمی افتادید، یک گام عقب نمی افتادید، تسـلیم خدا بودید. ارزش های الهی اسـلامی و عقاید شـیعه اینها است، وقتی من امام را با این ارزش ها می سـتایم، می دانم چه چیزهایی ارزش دارند و چه چیزهایی ارزش ندارند.

هـدف سوم: تلقینـات: سومین هـدفی که زیارت ها دارد یک سلسـله تلقین ها است، روایات به ما تلقین می کنـد که این چنین باشـید، روحیات شـما افکار شـما، خواسـته ها و حاجات شـما بایـد این گونه باشد. البته باید این تلقین ها را در وجودمان پیاده کنیم. در زیـارت امـام رضا علیه السـلام می خوانیم: «یا مولای أتیتک زائراً وافـداً، عائـذاً ممّا جنیت علی نفسـی و احتطبت علی ظهری»؛ مولاـی من، من به عنوان زایر به محضـر تو، مهمـانم آمـده ام، پنـاه آورده ام از آن جنایاتی که بر ضـد خودم کرده ام. گناه من جنایت بر خودم است گناهانی

که انجام داده ام، بار هیزمی بود بر دوشم به سوی جهنم، چقدر این تعبیر آموزنده است؟ این تعبیر چه چیزی را تلقین می کند؟ اولًا آمده ام و مهمانم، ثانیاً کارم چیست؟

آمده ام پناه ببرم به شما از گناه، کدام گناه؟ گناهی که اولین ضربه را به من می زند.

وقتی انسان در این چند جمله دقت می کند، می بیند این زیارت چه پیام عمیقی دارد، چه تلقینی به زایر می کند، این است که گفتیم یک سوم زیارتنامه ها بحث های تلقینی است که زایر را تربیت می کند.

نتیجه

هر یک از ائمه معصومین علیهم السلام مثل یک دریا هستند. دریای آب شیرین و زلال، آب حیات، افرادی که به سراغ این دریا می روند، هر کدام پیمانه ای دارند و به اندازه پیمانه خود می توانند برداشت کنند، بعضی همراه با یک استکان می روند و آب برمی دارند، دریا بخیل نیست، پیمانه وجودی ما کوچک است، برخی یک کف آب برمی دارد، اما بعضی استخر وجودخود را به این دریا متصل می کنند، نگویید با وجود زیارت هر یک از ائمه معصومین پس چرا ما این چنین هستیم؟ او کامل است، من که می روم باید استعداد دریافت داشته باشم، قرآن می گوید: «أَنزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةُم بِقَدَرِهَا». (۱)

آب باران که نازل می شود محدودیتی در آن نیست، اما این زمین ها هستند که هر کدام به اندازه گنجایش خود از آب باران استفاده می کنند، هر دره و هر وادی به اندازه گنجایش خود بهره می گیرد.

بنابراین هنگامی که به کنار قبر هر یک از ائمه معصومین علیهم السلام می رویم باید با این سه نیت باشیم: ۱. کامل کردن معارف الهی. ۲. آشنایی با ارزش های اسلامی، چه چیزی ارزش است و چه چیزی ضد ارزش، در زیارتنامه ها صفات دشمنان هم گفته می شود، در زیارت عاشورا بیشتر ضد ارزش ها بیان شده است، یعنی صفات دشمنان.

۳. تلقین ها؛ اگر واقعاً بفهمیم در این زیارات چه می گوییم، یک جلسه زیارت، ما را

۱- سوره رعد، آیه ۱۷.

عوض می کند، تا چه رسد به این که مثلًا ده روز در کنار مزار یکی از ائمه معصومین علیهم السلام بمانیم، اگر این مدت بگذرد، برگردیم و ببینیم همان آدم سابق هستیم، نه نورانیتی، نه روحانیتی، نه صفایی، نه معنویتی، نه سبک شدن از بار گناهان، نه تربیتی، مثل کسی که تشنه به کنار چشمه آب برود و تشنه برگردد، باید خودش را نفرین کند، چشمه آب حیات چیزی کم ندارد.

خلاصه

۱. زیارت حضور زایر در پیشگاه معشوق، اتصال قلبی با مبدأ فیض، کسب نور از سرچشمه انوار الهی است. زیارت آرامش است، آرامشی پریشانی زدا، اضطراب شوی. زیارت سعادت و خوشبختی است، پاکان می آیند تا صفا افزون کنند و آلودگان می آیند تا زنگار از دل بشویند، گنه کاران می آیند تا توبه کنند و توبه کنندگان می آیند تا عهد خویش تقویت کنند.

زیارت به معنای عدول از چیزی است. دروغ را از آن جهت، زور گفته اند که از راه حق منحرف می گردد. زیارت، در عرف آن است که انسان با انگیزه بزرگداشت کسی و انس گرفتن با او به وی روی آورد. زیارت در اصطلاح دینی تمایلی است که افزون بر میل و حرکت حسی، قلب هم گرایش جدی پیدا کرده و به مزور هم با اکرام و تعظیم قلبی و انس روحی همراه باشد. و این معنا در مرتبه برین و کامل خود همانا اقبال قلبی، روحی، فکری، اخلاقی و عملی به مزور را با خود دارد.

۲. قرآن کریم از سه طریق هدایتگری می کند و راه پیوند و قرب به اولیای الهی را توصیه می نماید. اول: بیان جایگاه والای آنان در نظام تکوینی و عالم تشریع و نیز برشماری اوصاف و کمالات شایسته و خصایص زنده کامل و مؤثر آنها در نظام بشری. دوم: پرهیز از دوری از آنها که موجب انحطاط بوده و حرمان از کمالات انسانی و الهی است. سوم: آیاتی مستقل و روشن در جهت همراهی، مصاحبت و بلکه مسئولیت در مقابل اهل بیت علیهم السلام که با عادات مختلف این معنا را تذکر می دهد.

نمونه ای از این آیات، که با فعل امر همراهی با سفرای الهی و اوصیای معصوم را توصیه می کند، آیه «يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ اتَّقُواْ اللَّهَ وَ كُونُواْ مَعَ الصدِقِينَ» است.

۳. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس قبر مرا زیارت کند، شفاعت من بر او واجب می شود. کسی که من یا یکی از فرزندانم را زیارت کند، روز قیامت به دیدار او خواهم رفت و از وحشت های آن نجاتش خواهم داد.

۴. علمای شیعه و سنی با استناد به توصیه ها و تأکیدات فراوانی که درباره زیارت شده است، فتوا به استحباب زیارت داده اند.

۵. معرفت مزور و آگاهی از منزلت او مورد سفارش و تأکید بسیاری از روایات است. سرّ این که توصیه کرده اند زیارت با معرفت باشد، آن است که آنچه مایه کمال زیارت می گردد، معرفت و شناخت مقام مزور است، نه اعمالی بی روح و همراه با غفلت، که به سیاحت شباهت بیشتری دارد تا زیارت و ثواب های اخروی و آثار دنیوی که در روایات آمده، بر زیارت واقعی مترتب است.

۶. زیارت به عنوان شاخصی برای کسب فیض و دور نیفتادن از وادی رحمت ضروری است. اهمیت این ارتباط به حدی است که خداوند تعبیرهای گوناگون و مؤکدی به کار گرفته است. به این بیان که بعد از امر به اصل اتصال «مَآ أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَن يُوصَلَ» با تعبیر تمسک که اخذ با قدرت است از آن یاد می کند: «فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِى أُوحِىَ إِلَيْكَ»؛ پس به آنچه به سوی تو وحی شده است، محکم چنگ بزن. و از این حد هم فراتر رفته، واژه اعتصام را که در چنگ زدن و رها نکردن است به کار برده است:

«وَاعْتَصِمُواْ بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا».

۷. زیارت که واقعیتی اصیل و خارجی است، نه ذهنی و خیالی، آثار و برکات فراوان وجودی دارد و از سه رکن مرکب است، اول: زایر به معنی شخصی که میل به چیزی یا کسی دارد. دوم: مزور یعنی شخص یا چیزی که میل به سوی اوست. سوم:

خصیصه ای نفسانی به نام گرایش قلبی که با تکریم و تعظیم و انس گرفتن با مزور همراه است.

۸. هـدف زیارت تربیت است، تمام برنامه های دینی، آمـدن یکصـد و بیست و چهار هزار پیامبر، قرآن، نهج البلاغه و صـحیفه سجـادیه و زیـارت برای تربیت انسان است. سه هـدف در زیارت است: اول: تعلیم معارف دینی و الهی. دوم: بیان ارزش ها، به عنوان نمونه در زیارت جامعه کبیره است: «السـلام علی الدعاه إلی اللّه» سـلام بر شـما ای دعوت کنندگان به سوی خدا، معلوم می شود دعوت الی اللّه یک ارزش است. سوم: تلقینات:

روایات به ما تلقین می کنند که این چنین باشـید، روحیات و افکار شـما، خواسـته ها و حاجات شـما باید این گونه باشد. چهار فایده زیارت: ۱. اخلاق ما را پاکیزه می کند، ۲. آلودگی هایی که بر نفس ما نشسـته پاک می نماید، ۳. ما را تزکیه می کند، ۴. کفاره گناهان ماست.

در نتیجه هر یـک از ائمه معصومین علیهم السـلام مثـل یـک دریا هسـتند، افرادی که به سـراغ این دریا می رونـد، هر کـدام به انـدازه پیمـانه خود می تواننـد برداشت کننـد. دریـا بخیل نیست، پیمانه وجودی ما کوچک است، نگوییـد با وجود زیارت ائمه اطهار علیهم السـلام پس چرا ما این چنین هستیم؟ او کامل است من باید اسـتعداد داشته باشم. اگر واقعاً بفهمیم در این زیارات چه می گوییم، یک جلسه زیارت ما را عوض می کند.

فهرست منابع

۱. ادب فنای مقربان، آیت اللّٰه عبداللّٰه جوادی آملی.

۲. امثال و حکم، محمّد غروی.

۳. بحار الأنوار، علامه محمد باقر مجلسی.

۴. تحف العقول، حسن بن علی بن الحسین بن شعبه الحرانی.

۵. فلسفه زیارت و آیین آن، مرتضی واعظ جوادی.

۶. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی.

۷. المراقبات، جواد بن شفیع ملکی تبریزی.

۸. معراج السعاده، ملّا احمد نراقی.

۹. نهج البلاغه، گردآوری محمد بن حسین بن موسی(سید رضی).

۱۰. وسائل الشیعه، محمدبن حسن حر عاملی.

۲- بازشناسی مفهوم زیارت

اشاره

محمدهادی فلاح

چکیده

زیارت، واقعیتی است اصیل و عملی است حسی، عبادی، با آداب خاص و حالات متعالی، در زمان فراخ یا اندک، با موضوع ویژه و با زبان دینی که از اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده است. زیارت، با خاستگاه دینی و مذهبی، از ویژگی های برجسته و متعارف حساب شده و شکل گرفته است و ارکان ویژه را به ذهن می رساند، مانند زمان، زبان، موضوع، آداب و حالات، که هر کدام از اینها در بازشناسی مفهوم زیارت کارگر می باشند. بار معرفتی و آثار وجودی زیارت در فرد و جامعه بسیار فراوان است و باید ذهن را از تفسیرهای نادرست و برداشت های غیر منطقی از معنا و مفهوم زیارت، نهی ساخت و با نگاه واقعی و درست، این معنا را تعقیب کرد. از آن جا که زیارت مفهومی بسیار گسترده دارد و نمی شود آن را در یک حدّ فراگیر محدود ساخت، از این رو تعریف جامع آن ناممکن است و تنها باید به ویژگی های برجسته و متعارف آن پرداخت.

کلیدواژه ها: مفهوم زیارت، زایر، مزور، زیارت مأثور، زیارتگاه.

معنای واژگانی

«زیارت»، (۱) که به زبان انگلیسی، آن را() گویند، واژه ای است عربی که استفاده از آن در زبان فارسی نیز با همین ماده و شکل، معمول است؛ پژوهندگان

۱- Ziarat

واژه شناس، معنای حقیقی زیارت را با قیود گوناگون چنین یاد کردند:

۱. «دیدار و ملاقات، به دیدار کسی رفتن»، (۱) «سرزدن، دیدن، دیدن کردن، دیدار»؛ (۲) «زارَ: بازدید کرد، سر زد». (۳) ۲. حاضر شدن نزد مزور: «البته مزور در این معنا، مشخص نشده است که کدام است! شی ء، شخص یا مکان؟». (۴) ۳. «به معنی گرامی داشت احترام آمیز، (۵) دیدار کردن از چیزی، کسی، یا جایی که دارای ارزش و اهمیت است». (۶) ۴. «به معنی برگردیدن و برگشتن از چیزی و مایل شدن از آن». (۷) «زیارت در لغت، دیدار کردن با قصد را گویند که در ریشه این واژه، مفهوم میل و گرایش نهفته است، گویی زیارت کننده از دیگران روی گردانده و به سوی زیارت شونده تمایل و قصد کرده است». (۸) زیارت در لغت، عدول از جانبی و گرایش به جانب دیگر است. ابن فارس گوید:

زور یک چیز است که هم بر میل و هم بر عدول دلالت دارد، و زایر از این سنخ است؛ زیرا هرگاه تو را رو کند از دیگری برگشته است. (۹) و غیر از این معنا، معنای قصد نیز یاد شده است و این با معنای پیشین، مخالفت ندارد؛ زیرا گرویدن به جانبی، از قصد، جدا نیست. طریحی گوید: قصد کرد او را، پس زایر است. در حدیث، یاد شده است:

هر کس برادرش را در کناره شهر، زیارت کند؛ یعنی قصد کند. و در دعا آمده است: بار

۱- معارف و معاریف، ج ۶، ص ۱۱۳.

۲- فرهنگ واژه های فارسی سره.

۳- فرهنگ بزرگ جامع نوین(عربی به فارسی)، ص ۷۹۰.

۴- دائره المعارف الاسلامیه الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۰۶.

۵- المنجد فی اللغه، ص ۳۱۰.

۶- فرهنگ بزرگ سخن، ص ۳۹۲۱.

۷- فرهنگ بزرگ جامع نوین، ص ۷۹۰؛ مفردات الفاظ القرآن الکریم، ص ۳۸۶ و ۳۸۷، ماده الزَّور(فتح واو).

۸- دایره المعارف تشیع، ج ۳، ص ۳۶.

۹- الزیاره فی الکتاب و السنه(تحلیل لمفهوم الزیاره و آثارها وأحکامها)، ص ۷۳. به نقل از ابن فارس، مقاییس اللغه، ج ۳، ص ۳۶.

خدایا، مرا از زایران خویش قرار ده؛ (۱) یعنی از کسانی قرار ده که تو را قصد کرده اند و به تو پناه جسته اند. (۲) زیارت، قصد مزور است، از جهت گرامی داشت، ارج گذاری و انس گیری با او. (۳) از کلام ابن فارس و آنچه یاد کرده پیداست که معنای زیارت، فقط قصد خالی نیست، بلکه قصدی است که(به سبب یکی از اهداف یاد شده: اکرام، تعظیم و استئناس) به حضور زایر نزد مزور، سپری می شود. (۴) زیارت،(به سبب یکی از اهداف یاد شده: اکرام، تعظیم و استئناس) حضوری است از روی قصد نزد مزور، (۵) که بر پایه شأن و مقام و منزلت مزور، متفاوت می شود. (۶)

یادسپاری

اشاره

«الزَّور»، به معنی برگردیدن و برگشتن است، و از آن جهت که گشتن از جهتی، رویارو شدن با جهت دیگر را در پی دارد، این لازم را معنای واژه زیارت دانستند، اما با اندک تأمل، روشن می شود که این، معنای حقیقی و واژگانی زیارت نیست، بلکه یکی از

۱- بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۳۷۷. «در خصوص زیارت خداوند نیز که در دعای «اللهم اجعلنی من زوّارك» آمده است به معنای قصدکنندگان به سوی او و پناه آورندگان به درگاهش تفسیر شده است.(مجمع البحرین، ج ۱، ربع ۲، ماده زور، ص ۳۰۴). بدیهی است که چنین معنا و حقیقتی حضور واقعی و اصیل زایر در نزد مزور را به همراه دارد و از این رو، اگر زیارت به «حضور زایر در نزد مزور» معنا شد، این تعریف به لازم معناست؛ البته لازم بیّن و حتمی آن معنا». ر. ك: فلسفه زیارت و آیین آن. البته در لازم بیّن و حتمی بودن آن، تأمّل است. نگارنده.

۲- ر. ك: مفتاح الفلاح، ص ۴۲.

۳- الزیاره فی الکتاب و السنه، ص ۷۳. به نقل از مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۰۵.

۴- ر. ك: الزیاره فی الکتاب و السنه، ص ۷۳.

۵- برای نمونه، در زیارت جناب رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله، چهار هدف یاد کردند: برای یاد کرد مرگ و آخرت؛ به خاطر دعا برای آن حضرت؛ برای متبرك شدن به وجود آن جناب که از اعظم برکات است؛ برای ادای حق آن جناب صلی الله علیه و آله. ر. ك: همان، ص ۷۴.

۶- همان، ص ۷۳.

معانی(البته معنای لازم) است که برای آن یاد کردند، چنان که برخی از پژوهندگان معاصر همین یک معنا را معنای واژگانی و حقیقی زیارت پنداشته و البته با تکلّف و افزودن قیودی، آن را به معنای لغوی، نزدیک دانسته اند:

«زیارت در لغت عبارت از تمایل و میل کردن است؛ خواه از دور باشد یا از نزدیک و خواه با گرایش قلبی و قصد هم همراه باشد یا نه؛ و اعمّ از این که با اکرام و تعظیم مزور همراه باشد یا نه». (۱) یعنی تمایلی همراه با حرکت حسی(دور یا نزدیک)، بی آن که داشتن و نداشتن نیت و قصد قلبی(حرکت باطنی)، و نیز پاسداشت و کُرنش در آن شرط شده باشد.

از این رو، به کارگیری زیارت به معنی یادشده، درباره انسان و غیر انسان حتی عناصر مادّی هم رواست؛ چنان که قرآن کریم درباره اصحاب کهف فرمود: «وَ تَرَی الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَت تَّزَ وَرُ عَن كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَ إِذَا غَرَبَت تَّقْرِضُهُمْ ذَاتَ الشِّمَالِ»؛ (۲)

و آفتاب را می بینی که چون برمی آید، از غارشان به سمت راست مایل است، و چون فرو می شود از سمت چپ دامن برمی چیند. (۳) ۵. برخی از پژوهندگان در ارتباط زایر و زیارت با عمره و عمارت، گزارشی را یاد کردند که از آن، معنی «آبادسازی» بر می آید: «زایر با حضور در زیارتگاه، موجب آبادی و عمران آن مکان می شود و از این رو، عمل زایر را از این رهگذر «عمره» می نامند که موجب آبادی آن مکان می شود؛ از این جهت صاحب جواهر در ابتدای کتاب العمره در تعریف عمره می فرماید: عمره در لغت به معنی زیارت است و از عمارت گرفته شده است؛ زیرا زایر با زیارت خود، مکانِ زیارت را آباد می سازد. (۴) گرچه از منظر دیگر می توان گفت: در واقع این زایر است که به سبب زیارتش آباد

۱- فلسفه زیارت و آیین آن، ص ۱۹.

۲- سوره کهف، آیه ۱۷.

۳- ترجمه آیات این مقاله از استاد فولادوند است.

۴- جواهر الکلام، ج ۲، ص ۴۴۱.

می شود و جانش از ویرانی و خرابی خارج می گردد». (۱)

اشاره

معانی یادشده را می توان کوتاه در سه دسته، رده بندی کرد: ۱. دیدارِ حضوری از کسی با هدف گرامی داشت او؛ ۲. رویکردی قصد شده و حضوری، به منظور گرامی داشت، ارج گذاری و انس گیری با زیارت شونده، که بر پایه شأن و مقام و منزلت مزور، متفاوت است. ۳. آبادسازی(شی ء، جا و یا شخص)؛ یعنی عملی است که مکان، شی ء، شخص و یا آرمان و فرهنگ ویژه ای را آباد و جاودان می سازد، و البته در آباد شدن جان زیارت کننده نیز کارگر است. از نظر نگارنده، معنای دوّم، یعنی «رویکرد قصدشده و حضوری ...»، نزدیک ترین معنا به واژه زیارت است.

معانی گرته برداری شده

اشاره

برخی نیز در واژه شناسی زیارت و معنای لغوی آن، با گرته برداری و گزینش از مفهوم اصطلاحی آن، چنین نوشتند:

۱. «الزیاره: رؤیه الشی ء، زیاره الأولیاء و الأماکن المقدسه». (۲) زیارت، دیدن رو در رو است؛ مانند زیارت اولیا و مکان های مقدس.

۲. «الإتیان بقصد الإلتقاء» آمدن با هدف دیدار و رسیدن به هم: «زارَ یکی از معانی اش زارَ- زیارةً و مزاراً و زوراً و زُواراً و زُوارَةً: أتاه بقصد الإلتقاء بِهِ». (۳) ۳. «الزیاره: مصدر زارَ یزورَ المکانَ أو الشخص: به آن مکان یا نزد آن شخص رفت به خاطر انس و الفت به آن یا برای انس دادن او». (۴) ۴. برخی زایر را دیدار کننده مکان مقدس دینی و آن را مقابل مجاور و مقیم دانستند:

۱- فلسفه زیارت و آیین آن، ص ۲۰.

۲- المنجد فی اللغه، ص ۳۱۰.

۳- همان، ص ۳۱۰؛ یادداشت های استاد مطهری، ج ۵، ص ۴۱۳، به نقل از المنجد.

۴- فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی، ص ۲۴۹.

«کسی که به زیارت/ دیدار مکان مقدسی دینی می رود(مقابل مجاور و مقیم)». (۱) ۵. «(احترام آمیز) دیدار کردن از چیزی، کسی، یا جایی که دارای ارزش و اهمیت است». (۲) این تعریف، زیارت را شامل دیدار از اشیا و اشخاص و اماکن ارزشمند و با اهمیت، دانسته است.

۶. «بازدید کردن، دیدار کردن از شخص بزرگ، رفتن به مشاهد متبرکه». (۳) ۷. الف) «حج و سفر به مشاهد متبرک و کسب فیض از قبر منور آن حضرت صلی الله علیه و آله و قبور ائمه هدی علیهم السلام و تشرف در عتبات عرش درجات آنها». ب) «دیدار کردن از آرامگاه های ائمه و بزرگان دین یا مکان های مقدس به قصد کسب ثواب و تبرک». (۴) این دو تعریف، با یادکرد مصداق زیارت(حج و مسافرت به مشاهد متبرک) و نیز هدف زیارت(کسب فیض از قبر شخصیت های متعالی و یا کسب ثواب و تبرک)، آن را با نگاهی درون دینی و مذهبی، معرفی کرده است.

۸. «به مشاهد متبرک و بقعه ها رفتن و دعاهایی که به عنوان تشرف باطنی برای امام ها و امامزاده ها و اولیا است خواندن». (۵) این تعریف نیز، زیارت را علاوه بر رفتن به مشاهد متبرک و بقعه ها، همراه با خواندن دعا «به عنوان تشرف باطنی برای شخص مزور»، دانسته است.

اشاره

معانی گرته برداری شده، از مفاهیم اصطلاحیِ متعارف گرفته شده اند، اما در حقیقت نه این هستند و نه آن، بلکه چیزی بین معنای لغوی و اصطلاحیِ متعارف اند و البته به زعم گروهی که آن را یاد کردند، معنای لغویِ حقیقی محسوب می شوند. این معانی با بهره جویی از تعریف های گوناگون اصطلاحیِ متعارف، هر کدام با قیود متفاوت،

۱- دایره المعارف فارسی، ص ۱۱۹۷.

۲- ر. ک: فرهنگ بزرگ سخن، ص ۳۹۲۱.

۳- ر. ک: فرهنگ عمید.

۴- فرهنگ بزرگ سخن، ص ۳۹۲۱.

۵- لغت نامه دهخدا به نقل از فرهنگ فارسی معین.

متنوّع یاد شدند که من برای راحت تر شدن دقّت و قضاوت خوانندگان، به گونه کوتاه از آنها یاد می کنم:

۱. دیدن رو در رو(حضوری)؛ مانند زیارت اولیا و مکان های مقدس؛ به سبب انس و الفت به آن یا برای انس گرفتن با او؛

۲. آمدن با هدف دیدار و رسیدن به هم؛

۳. دیدار غیرمجاور و غیرمقیمی است که به دیدن مکان مقدس دینی آمده باشد؛

۴. دیدار احترام آمیز از شی ء، مکان یا شخصی که دارای ارزش و اهمیت است؛

۵. دیدار از شخص بزرگ یا مشاهد متبرکه؛

۶. حج و مسافرت به مشاهد متبرک با هدف کسب فیض از قبر امامان معصوم علیهم السلام یا شخصیت های بزرگ دینی و یا به منظور کسب ثواب و تبرّک؛

۷. رفتن به مشاهد متبرک و بقعه ها، همراه با خواندن دعا «به عنوان تشرف باطنی برای شخص مزور».

چنان که یاد شد، در جست و جو و بازکاوی حقیقت معنای واژگانی، این معانی به مفهوم اصطلاحی آن، نزدیک تر است تا معنای دقیق کلمه.

معنای لغوی، همواره به حقیقت معنایی که از ساختار و بافتار شکلی و ماده ای کلمه بر می آید بدون پیش فرض و پیش زمینه ذهنی و علمی و اعتقادی می پردازد و جز ارائه معنای حقیقی کلمه، هدفی را دنبال نمی کند و علی القاعده، فروتر از مفهوم اصطلاحی است و بیرون از علم و اعتقاد دینی و مذهبی و یا باور و فرهنگ عرفی، تنها به حقیقت لغوی کلمه اشاره دارد.

در بازشناسی معناها و مفاهیم سره از ناسره، این خرده گیری رواست که: شماری از دانشوران علم لغت، در ترجمه دسته ای از لغات، گاه معانی لغوی و مفاهیم اصطلاحی آن را خلط کرده، معناهایی را برای یک واژه، باز می نویسند که از مفهوم و یا مفاهیم اصطلاحی آن، گرته برداری و گزینش شده است و دقیقاً معنای حقیقی آن

واژه نیست! و چنان که یاد کردم، در ترجمه لغت «زیارت» از مفهوم اصطلاحی آن گرته برداری و گلچین شده است! در صورتی که در بازشناسی واژگانی و مفهومی یک کلمه، اگر بناست از مفهوم اصطلاحی آن یاد شود، بایسته و شایسته این است که مفهوم اصطلاحی، مجزا از معنای حقیقی کلمه، مطرح شود. از این رو، من نیز در نگاشته پیش رو، بر آنم تا این روال را رعایت کنم.

مفهوم اصطلاحی

مفهوم اصطلاحی معمولًا در ساحت علمی یا دینی و مذهبی و یا در باور و فرهنگ عرفی، با سبقه ذهنی خاص مطرح می شود و فراتر از معنای حقیقی کلمه، و البته در محدوده برگزیده، مقصود ویژه ای را دنبال می کند. مفهوم اصطلاحی، در نگاه درون دینی، ناظر به یک حقیقت شرعی است و خواست آیین گزار در آن دخالت دارد.

چنان که در خصوص زیارت چنین است. زیارت یک اصطلاح دینی است و مفهوم آن، همواره بار دینی و مذهبی داشته و با قصد آیین گزار همراه بوده است؛ مثلًا «زایر بیت اللّه، مسلمانی است که بنابر بر وجوب دینی، یا از روی استحباب، به زیارت خانه خدا می رود و حاجی می شود ... غالب مسلمانان به زیارت قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله و قبور ائمه علیهم السلام نیز می روند و با خواندن زیارتنامه، ادای احترام می کنند». (۱) اکنون به چند تعریف اصطلاحی اشاره می گردد:

۱. «زیارت، برقرار کردن ارتباط روحی و به وجود آوردن پیوند قلبی است». (۲) ۲. «زیارت در عرف شیعه، حضور در یکی از مشاهد مقدس است». (۳) ۳. «زیارت نزد شیعه، حضوری روحی است. و روحانیت بزرگ تر از آن مزور است و نفسیت ممتاز و صفات قدسی او بر نفس زایر، افاضه می شود و او از آن بهره می جوید تا بعد از اضطراب به اطمینان و پس از شقاوت به سعادت و بعد از نا امیدی

۱- دایره المعارف فارسی.

۲- مفاتیح نوین، ص ۲۰۳.

۳- دائره المعارف الاسلامیه الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۰۶.

به امیدواری و پس از رویکردن به روشنی برسد». (۱) ۴. «زیارت به کسرِ زاء به معنی قصد و ملاقات، و قصد مزور به جهت گرامی داشت و ارجمندی و انس با اوست. در حدیث آمده است: یکدیگر را زیارت و ملاقات و امر ما را یاد و احیا کنید. و باز در حدیث آمده است: هر کس چنان کند، همانا خدا را در عرشش زیارت کرده است. شیخ صدوق گوید: زیارت خدای تعالی، زیارت پیامبران و حجت های اوست؛ هرکس آنان را زیارت کند همانا خدای عزّوجلّ را زیارت کرده است، چنان که هر کس آنان را پیروی کند، همانا خدا را پیروی کرده و هر کس آنان را نافرمانی کند، خدا را نافرمانی کرده است». (۲) زیارت در عرف، به دیدار کسی به جهت تکریم و تعظیم یا انس گیری رفتن. حج خانه خدا را زیارت بیت گویند.

چنان که به کنار قبور معصومین به قصد تعظیم و توسّل و دعا رفتن زیارت آن بزرگواران، و به کنار قبر مردگان جهت استرحام نیز زیارت آنها گویند. (۳) امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إِذَا بَعُدَتْ بِأَحَدِكُمُ الشُّقَّةُ وَ نَأَتْ بِهِ الدَّارُ فَلْيَعْلُ أَعْلَى مَنْزِلٍ لَهُ فَيُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ وَ لْيُومِ بِالسَّلَامِ إِلَى قُبُورِنَا فَإِنَّ ذَلِكَ يَصِيرُ إِلَيْنَا»؛ (۴)

هر گاه منزل و وطن یکی از شما به ما دور بود بالاترین مکان منزل را انتخاب کند و در آن جا دو رکعت نماز خوانده و با اشاره به قبور ما سلام دهد، سلام وی حتماً به ما خواهد رسید. (۵) ۵. برخی از واژه شناسان نیز، بر این باورند که زیارت در اصطلاح دینی، تمایلی است همراه با حرکت حسی(دور یا نزدیک) و البته با شرط نیت و قصد قلبی(حرکت باطنی)، و نیز انس روحی و پاسداشت و کرنش زیارت شونده. (۶)

۱- همان.

۲- دائره المعارف المسماه بمقتبس الأثر و مجدّد مادثر، ج ۱۹، ص ۶۲.

۳- معارف و معاریف، ج ۶، ص ۱۱۳.

۴- کامل الزیارات، ص ۲۸۶ و ۲۸۷.

۵- همان، ص، ۸۶۸.

۶- مجمع البحرین، ج ۱۷، ص ۳۰۵ «زور».

در تعاریف یادشده اصطلاحی، قیودی که یاد شدند عبارت اند از:

۱. رو در رو:(حضوری)؛

۲. حرکت حسی؛

۳. نیت؛

۴. موضوع:(به آن مکـان یـا نزد آن شـخص رفتن)،(بازدیـد کردن، دیـدار کردن از شـخص بزرگ، رفتن به مشاهـد متـبرک)؛(دیدار کردن از اشیا و اشخاص و اماکن ارزشمند و با اهمیت)؛

۵. هدفمنـدی:(کسب فیض از قبر شخصـیت هـای متعـالی و یا کسب ثواب و تبرک)؛(به سـبب انس و الفت به آن یا برای انس دادن او)؛

۶. زبان:(خواندن دعا «به عنوان تشرف باطنی برای شخص مزور»).

زیارت در ادیان

اشاره

زیارت در یهودیت و مسیحیت با معنا و مفهوم خاص، مثل نیایش و گاه نیز مشترک با اسلام، وجود داشته و دارد.

«در بین غیر مسلمین نیز زیارت مقابر و مشاهد رواج داشته است؛ از جمله بیت المقدس زیارتگاهی است که در نزد مسلمانان و یهود و مسیحیان هر سه محترم است.

در ایران یهودیـان را نیز پس از زیارت آن جا حاجی می نامنـد». (۱) «به دسـتور پاپ، مسـیحیان هر چند سال یک بار به عنوان زیـارت بـه شــهر رم می رونـد؛ از جملـه زیارتگـاه هـای مسـیحیان پیرو کلیسـای کاتولیـک رومی در اروپـا، لورتـو، سانتیـاگو دکومپوسـتلا، لـورد، فـاطمه، و کنـتربری ... را می تـوان نـام برد». (۲) زیارتگـاه هـای هنـدویی، انواعی دارد. (۳) هفت مکـان مقدس/ هفت رودخانه مقدس. (۴) «از دید هندوان، هر مکان زیارتی ویژگی هایی دارد و برکات مخصوصی را به

۱- دایره المعارف فارسی، ص ۱۱۹۷.

۲- همان.

۳- ر. ك دانش نامه دین، زیارت در آیین هندو، هفت آسمان، فصلنامه تخصصی ادیان و مذاهب، ص ۱۷۹.

۴- همان، ص ۱۷۸.

زایرانش ارزانی می کند؛ برای مثال زیارتگاه های منطقه ای هست که به داد نابینایان می رسد، یا مخصوص بی فرزندان است، و یا حتی برخی زیارتگاه ها به امور جزیی تری مثل شفای عارضه های پوستی شهرت دارد». (۱) «برخی دیگر از اماکن زیارتی چنان اند که به زعم هندوها اگر کسی در آن بمیرد از تولد مکرّر(سَـمساره یا تناسخ) نجات می یابد، و به این سبب برخی هندوهای متدین مایل اند اواخر عمر را در وارانَسی، یا همان بنارس، در ساحل رود گنگ در ایالت اوتّرپرادِش مجاور گردند». (۲) در آیین هندو، (۳) «بنابه مهابهارته، سفر زیارتی، یا همان تیرتهه یاترا، در گذشته مجاهده ای بود برای کسب و انباشتن ثواب، که به ویژه کسانی که توان اهدای قربانی های پرهزینه را نداشتند، آن را بر خود هموار می کردند. اما هم اکنون این واژه معنای عامی پیدا کرده است، به طوری که شامل دیدارهایی نیز می شود که شاید بیشتر آمیزه ای از سیر و سیاحت و تفریح و زیارت است». (۴) شاید به سبب ماهیتِ تلفیقی، جذب کننده و همگون سازنده آیین هندو، و نیز تکثر و گوناگونی سنّت های خداباور در این آیین، زیارت هندویی از بساطت اولیه درآمده و نظام پیچیده ای پیدا کرده است. در حالی که در متون پورانه ای، زیارت اغلب وسیله ای برای انباشتن ثواب که الزامی هم نبوده تلقی شده است». (۵) «زیارت برای هندوها، همه خواصِ دینی و معنوی مورد انتظار از این مؤلفه مهم دینی را در بر دارد. تقریباً همه آثار و برکاتی را که مسیحیان و مسلمانان از زیارت می طلبند، هندوها نیز در نظر دارند. اما علاوه بر آن، و شاید بیشتر از سایر ادیان،

۱- همان، ص ۱۸۲.

۲- همان، ص ۱۸۳.

۳- همان.

۴- البته این دیگرگونی در زیارت شیعیان نیز رخ داده است؛ یعنی آمیزه ای از سیر و سیاحت و تفریح و زیارت، و گویا آخرین آنها، زیارت شده است. نگارنده.

۵- دانش نامه دین، زیارت در آیین هندو، ص ۱۷۸.

هندوها به وسیله زیارت به بُعد دیریابی از آیین هندو راه می برند که مشکل می توان آن را با چیز دیگری تبیین کرد. در آیینی مثل آیین هندو، با آن همه تنوع و تکثر، خودآگاهی هندویی، یا آگاهی به آنچه یک نفر به وسیله آن خود را در چارچوب این آیین حس می کند، امری است دیرفهم و پیچیده، اما در اجتماعات بزرگِ هندویی، به ویژه کومب مِلاها، چنین مایه وحدت و هم بستگی ای به خوبی ادراک می شود». (۱) البته «درون مایه اصلی اعمال دینیِ میلیون ها هندو ترس از خدایان خیرخواه و بدخواهی است که به همه چیز آگاه اند و همواره بر وقایع زندگی همه کس ناظرند.

لازم می دانند هر خدایی را به نحو شایسته ای دلجویی کنند تا از بدبختی امان یابند و امنیت شان تضمین شود». (۲) «معمولًا هندوهای روستایی، دو آرزوی دینی یا معنوی بزرگ در دل دارند: رفتن به زیارت یکی از اماکن مقدس، و شرکت در جشنواره های معبدی. مکان های مقدس زیارتی در سرتاسر هند به وفور یافت می شود. کوه ها، غارها، رودها، و مکان هایی که وقایع اساطیری(مانند جنگ ها یابازی های خدایان) در آنها رخ داده است، مکان مقدس و زیارتی محسوب می شود. بر روی این زمین ها یا در کنار آنها معبد و ضریح ساخته و به زیارت آن می روند. مکان هایی مانند هَردوار (۳) در کوه های هیمالیا، ساحل بِنگال، و وَرَنسی (۴)(بِنارس) از جمله سرزمین های مقدس شمرده می شود. از سرتاسر هند عازم زیارت این مکان ها می شوند». (۵) در آیین بود: «زیارت به شهرهای مقدس(مکان های مقدس) کار پسندیده محسوب می شود و یک فرد هر چه زیارت های بیشتری را کامل کند، خیرات بیشتری به دست می آورد. چهار مقصد بیشترین زیارت بوداییان را به خود اختصاص می دهد:

۱- همان، ص ۱۸۳.

۲- آشنایی با ادیان(آیین هندو)، ص ۶۶.

۳- Hardwa r

۴- Varanasi

۵- همان، ص ۶۸.

محل تولد بودا، مکان روشن شدگی او، بستانی که او اولین موعظه خود را ایراد کرد، و جایی که او مُرد. میلیون ها زایر در طول قرون- راهبان، راهبه ها، و توده های مردم از تمام خاور دور- در سفری طولانی به این چهار مکان بسیار دور مسافرت کرده و می کنند. آنها اغلب پیاده به این سفر می روند و بسیاری مواقع با خطرهای زیادی روبه رو می شوند و به ندرت اتفاق می افتد که این سفر بدون مشقت باشد». (۱)

اشاره

اما از نظر این کم ترین: زیارت، با خاستگاه دینی و مذهبی(شرعی)، از ویژگی های برجسته و متعارف(جنس و فصل مانند)، حساب شده و شکل گرفته است و ارکان ویژه را به ذهن می رساند؛ مانند زمان، زبان، موضوع، آداب و حالات، که هر کدام از اینها در بازشناسی مفهوم زیارت، کارگر می باشند و باید دیده شوند.

چنان که برخی نوشته اند: «گرچه معنای شرح الإسمی زیارت آسان و گفتن آن روان است، لیکن معنای حقیقی آن با حقایق و معارفی همراه است که باید به تدریج آنها را آموخت؛ زیرا به صورت یک اصل و قاعده کلی، هر حقیقتی که میزان تأثیر کمّی و کیفی آن گسترده و عمیق باشد، ضرورتاً از معنا و لبّ بیشتری برخوردار است و زیارت از این مقوله است». (۲) «به هر تقدیر، بار معرفتی و آثار وجودی زیارت در فرد و جامعه بسیار فراوان است و باید از همین آغاز، ذهن را از تفسیرهای نادرست و برداشت های غیرمنطقی از معنا و مفهوم زیارت، تهی و با نگاه واقعی و درست، این معنا را تعقیب کرد». (۳) من در این مقالت، با آراستگی و پیوند فراخور، هر کدام از ویژگی های متعارف در

۱- همان، ص ۱۷۳.

۲- ر. ک: فلسفه زیارت و آئین آن، ص ۲۲.

۳- همان، ص ۱۹ و ۲۰. با این که نویسنده محترم در کتاب خود از برخی ویژگی های تعریف زیارت با دقت یاد کردند، اما معلوم نیست که با این اعتقاد، چرا از ارائه مفهومِ فراگیر، غفلت کردند و معنا و مفهوم زیارت را نارس باز گفتند!

مفهوم زیـارت را پسِ یکـدیگر، روشن خواهم سـاخت، و مرحله به مرحله، همچنین در پایـان، تحت عنوان «نتیجه پژوهش»، از نظرِ به دست آمـده یاد خواهم کرد، اما نخست بایـد گفت: زیارت، عملی دیـداری است که بین زیارت کننـده(زایر) و زیارت شونـده(مزور) رخ می دهـد، امـا نه از نوع عیـادت؛ عیـادت، دیـدن تن درست از رنجوری است که نـاخوش و دردزده در بستر افتـاده است، ولی زیـارت، دیـدن دردمنـدِ دلخسـته آزرده آرزومنـد از شـی ء و جـا و وجود متعالی و تن (۱) و جـان راست و درستی است که در گشایش گِره های خواهش، کارگر است.

هـدف در عیـادت، تقویت روح طرف مقابل و رسانـدن او به سـلامتی است، اما در زیارت، مقصودْ بیشتر، تقویت روح زیارت کننـده، واسـطه زیـارت شونـده و بازشـدن گِره هـا و رسـیدن بـه خواسته هـا توسـط اوسـت. زیـارت، تأثیرپـذیری، و عیـادت، تأثیرگذاری است.

زیارت، واقعیت اصیل

«زیارت از جمله حقایق ارزشمند و حیاتی است». (۲) «زیارت، واقعیتی اصیل است». (۳) واقعیت اصیل است، یعنی زنده و عینی است و با موضوعی زنده و واقعی سـروکار دارد و نیز با آثار عینی، رو در رو در خواهش ها و آرزوهای زایر، کارگر است؛ به دیگر بیـان: هرچنـد بر آن خرافه بسـته انـد، ولی امری جعلی و با اساس خرافی نیست، موضوع و آثار خیالی و ذهنی و سرگرم کننـده نـدارد. از این رو، نوشـته انـد: «ارتبـاط و پیونـد بـا مزور، حقیقی و عینی است و اساساً از آن جهت که این پیونـدِ زایر با مزور، حقیقی، عینی، زنـده و مؤثر است، لزوماً طرفین این پیونـد که زایر و مزور هسـتند نیز باید حی و زنده باشـند، وگرنه نمی شود که رابطه بین دو شـی ء نا؟ پایدار، زنده و منشأ اثر باشد و طرفین یا یکی از دو طرف موهوم یا معدوم و فانی باشد؛ از این جهت زیارت در واقع

۱- جان درست، بعد از مرگ هم می تواند از جسم خود نگهداری کند.

۲- فلسفه زیارت و آئین آن، ص ۱۸۰.

۳- همان، ص ۲۱.

ارتباط حی و زنده با حی و زنده دیگر است». (۱) استاد شهید مطهری، زیارت را فراتر از رابطه دیداری زنده های مادی دانسته است: «در مذهب با اولیاء اللّهِ از دنیا رفته هم چنین عمل می شود که با زنده، بلکه زنده تر از زنده های معمولی. چون در آنِ واحد هزارها نفر با او سخن می گویند و درود می فرستند و در عالم ضمیر خود یک ارتباط واقعی برقرار می کنند». (۲) «به طور کلی بزرگان و خدمتگزاران پس از مرگشان به نوعی تجلیل می شوند، ولی تجلیل غیر دینی صرفاً جنبه اعتباری و تشریفاتی دارد، در حقیقت نوعی تلاعب است ...؛ مانند «زنده یاد» نوشتن برای به یاد ماندن وجود ذهنی یک شخصیت، و از این قبیل است دسته گل نثار قبر کردن، یک دقیقه سکوت کردن، از برابر عکسش رژه رفتن». (۳) «احیاناً ارتباط متقابل؛ از شکل امر تشریفاتی و قراردادی و اعتباری و در حقیقت از شکل بازی- که صرفاً فرض و اعتبار است- خارج می شوند. به طور کلی اعیاد مذهبی و سوگواری های مذهبی همه از صورت قرارداد و تشریفات خارج است». (۴) پس زیارت، واقعیتی است اصیل.

عمل حسی

مقصود از عمل حسی در این جا عملی است که واسطه جسم، انجام می گیرد و توسط چشم، دیده می شود؛ به دیگر بیان: عمل حسی، از جنس تفکر که به طور مطلق، عمل عقلی است و از دسته نیت که مطلقاً، عمل قلبی است به شمار نمی آید.

پس زیارت، واقعیتی است اصیل و عملی است حسی.

عبادت

از نگاه دینی، اعمال انسان باورمند به دو دسته رده بندی می شود: الف) اعمال عبادی؛ ب) اعمال غیر عبادی.

۱- همان، ص ۳۳.

۲- یادداشت های استاد مطهری، ج ۵، ص ۴۱۳ و ۴۱۴.

۳- همان.

۴- همان.

از جمله تفاوت اعمال عبادی از غیر عبادی در این است که غیر عبادت، بیشتر رابطه انسان، با جهان هستی، همنوع و خویشتن است، اما عبادت، رابطه ای ویژه با خدای سبحان و تنها برای او است؛ اساساً جز برای او، روا و پذیرفته نیست. تفاوت دیگرشان، یکی از ویژگی های عبادت است؛ یعنی قصد قربت یا همان نیت؛ عبادت باید با قصد نزدیک شدن به خداوند انجام شود وگرنه علم فقه، صحتش را اعلام نمی کند و آسمان، آن را نمی پذیرد. بر خلاف اعمال غیرعبادی که این مهم در آنها شرط نیست. نیت در عبادت، دمیدن روح در کالبد عمل است؛ بال رهایی از ناسوت به لاهوت و از ملک به ملکوت است. زیارت نیز از سنخ عبادت دانسته شده است. از این رو، نیت باید در شراشر ویژگی های برجسته و متعارفِ زیارت، سریان و جریان داشته باشد.

مرحوم شهید ثانی، تحت چهاردهمین آداب زیارت نوشته است: زیارت از روی نیت در زمان های مشهور- مناسبت های ویژه- مستحب است». (۱) در حدیث آمده است:

«مَنْ أَتَى الْحُسَيْنَ عَارِفاً بِحَقِّهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ»؛ (۲)

هر کس، نزد مزار سیدالشهدا علیه السلام با معرفت به حق آن حضرت برود، خداوند گناهان گذشته و آینده اش را بیامرزد.

همچنین روایت شده است:

«وَ مَنْ زَارَهُ يَوْمَ عَاشُورَاءَ فَكَأَنَّمَا زَارَ اللَّهَ فَوْقَ عَرْشِهِ»؛ (۳)

هر کس او سیدالشهدا علیه السلام را در روز عاشورا زیارت کند، مانند زیارت کسی است که خداوند را بالای عرشش زیارت کرده باشد.

امام رضا علیه السلام دوستداران و شیعیان را وامدار امامشان دانسته و زیارتشان را با شرایط «تمام الوفاء بالعهد و حسن الأداء» و «رغبةً» و «تصدیقاً لما رغبوا فیه»، زیارت

۱- الدروس الشرعیّه فی فقه الإمامیّه، ج ۲، کتاب المزار، ص ۲۴.
۲- الکافی، ج ۴، ص ۵۸۲، ح ۱۰.
۳- مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۹۲، ح ۱۲۰۴۱- ۱۲۰۴۵.

نتیجه مند برشمرده اند. ایشان می فرمایند:

«إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْداً فِی عُنُقِ أَوْلِيَائِهِمْ وَ شِيعَتِهِمْ وَ إِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَ حُسْنِ الْأَدَاءِ زِيَارَهَ قُبُورِهِمْ فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَهً فِی زِيَارَتِهِمْ وَ تَصْدِيقاً لِمَا رَغِبُوا فِيهِ كَانَ أَئِمَّتُهُمْ شُفَعَاءَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَهِ»؛ (۱)

هر امامی، پیمانی بر گردن دوستداران و شیعیانش دارد، وفای کامل این پیمان و ادای نیکوی آن، زیارت مزار آنان است. پس هر کس در زیارت شان از روی رغبت، و بر آنچه رغبت شان است از روی تصدیق، آنها را زیارت کند، امامان شان در روز قیامت، شفیع شان خواهند شد.

استاد شهید مطهری می گوید: «در زیارت ابا عبداللَّه علیه السلام می گوییم: یا لیتنا کنا معک فنفوز فوزاً عظیماً که یک وِرد شده برای ما و به معنای آن هم توجه نمی کنیم، یعنی یا ابا عبداللَّه! ای کاش، ما با تو بودیم و رستگاری عظیم پیدا می کردیم. معنایش این است که ای کاش ما در خدمت تو بودیم و شهید می شدیم و از راه شهادت رستگاری عظیم پیدا می کردیم. آیا این ادعای ما از روی حقیقت است؟ افرادی هستند که از روی حقیقت ادعا می کنند، ولی اکثر ما که در زیارتنامه ها می خوانیم، لقلقه زبان است». (۲) «زیارت، نوعی عبادت و موجب تقرب به خداست، لزوماً باید زایر نیت کند؛ چون روح عبادت نیت است و عبادت بدون نیت جسد بی روح است؛ از این رو، علامه حلی رحمه الله در کتاب شریف تذکره الفقهاء در مقدمه بحث مزار می فرماید: در همه زیارات نیت(قربه الی اللَّه) شرط است؛ زیرا زیارت، عبادت است». (۳) پس زیارت، واقعیتی است اصیل و عملی است حسی، عبادی.

آداب

پای ویژگی بالا، به ترتیب از حقیقت ادب و آداب زیارت و آداب عرفی می نویسم:

۱. مقصود از آداب در این جا، همان شرایط ظاهری یک عمل است. ادب، کرانه تشخص یک عمل و جلال و شکوه و جمال و زیبایی آن است. جامه زیورین و آبروی

۱- التهذیب، ج ۶، ص ۷۹.

۲- ر. ک: گفتارهای معنوی، ص ۲۷۲.

۳- فلسفه زیارت و آئین آن، ص ۱۸۱.

آن به شمار می آید. بروزگاه ارزش یک عمل و آیین پیوند دادن بیرون با درون و گذرگاه رسیدن به بارگاه باطن است. از این رو، فرجام پاییدن راست و درست مرز آداب، راه یافتن به اندرونی و سرسرای یک عمل کامل، قلمداد می شود.

۲. آداب زیارت، درآمدی برای درک بایسته و شایسته خود زیارت است؛ پیش آهنگ عجز و نیاز زایر است؛ بار عام و نیز ورودگاه خلوتیان خاص و خاص الخاص است؛ ایجاد سنخیت و انتقال از ظاهر خودی به ظاهر خدایی است؛ مثال طهارت ظاهری برای مس ظاهر یک حقیقت متعالی؛ اساساً در رسومات آسمانی، برای تماس با هر لایه از یک حقیقت، طهارتی متناسب، شرط است؛ برای تماس با ظاهر، طهارت ظاهر، و برای تماس با باطن، طهارت باطن. رسماً به همه اعلام شده است: «لَّايَمَسُّهُ و إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»؛ (۱)

یعنی ساختار و بافتار حقایق فراسویی به گونه ای است که جز با طهارت نمی توان بدان دست رساند، و هر که بام طهارتش بیش، نزول فرشتگان سپید پوش و نزولات نورانی بر آن بیشتر. «إِنَّ الَّذِينَ قَالُواْ رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقمُواْ تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلِكَهُ أَلَّا تَخَافُواْ وَ لَاتَحْزَنُواْ وَ أَبْشِرُواْ بِالْجَنَّهِ الَّتِى كُنتُمْ تُوعَدُونَ»؛ (۲)

در حقیقت، کسانی که گفتند:

«پروردگار ما خداست» سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می آیند و می گویند: «هان، بیم مدارید و غمین مباشید، و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید».

آن که از گذار آداب زیارت، شایسته نگذرد، از فیض رب، محروم می ماند و در گلستان دِهِش، بادبه دست می میرد. شاید این مختصر، فلسفه تأکید دین بر استحباب آداب زیارت را اندکی روشن ساخته باشد.

آداب زیارت، مختلف یادشده است: چهارده(شهید در دروس)، هفده(علامه مجلسی در تحفه الزائر) و نیز افزون بر چهل(محدث نوری در تحیه الزائر): غسل

۱- سوره واقعه، آیه ۷۹:(که جز پاک شدگان بر آن دست نزنند).

۲- سوره فصلت، آیه ۳۰.

زیارت، اذکار غسل زیارت، پوشیدن لباس تمیز، اذن دخول، بوسیدن عتبه، آهسته سخن گفتن، تکبیر، نزدیک شدن به ضریح و بوسیدن آن، استقبال قبله حقیقی، خواندن زیارت مأثور، نماز زیارت، دعای پس از نماز زیارت، تلاوت قرآن، تکریم حرم و خادمان آن، زیارت وداع، کمک به تهی دستان (۱) که البته برخی از آنها مانند غسل و پوشیدن لباس پاکیزه، بین بیشتر اعمال عبادی، مشترک است و بعضی از آنها نیز به حالات و شرایط باطنی مربوط است؛ یعنی کار درونی و قلبی زایر است؛ مانند خضوع و خشوع، حضور قلب و توبه، دگرگونی منش و روش.

۳. ادب عرفی، که بیشتر به زیست و روابط اجتماعی مربوط است، به طور مسلّم از آداب زیارات بیرون است و افزودن و دخالت دادن آن در آداب پرمغز متعالی، نوعی بدعت محسوب می شود.

پس زیارت، واقعیتی است اصیل و عملی است حسی، عبادی، با آداب خاص.

حالات

در این بخش، کوتاه از حالات منفی و حالات مثبت و کارکرد این دو و نیز از حقیقت و فلسفه حالات مثبت می نویسم و از مرتبه مزور و مراتب زیارت یاد می کنم:

۱. انسان، موجودی است آزاد با گزینش های دلخواه؛ از این رو، حالات او، گمارده خود اوست و بر همین پایه، درونگاه او، یا فرودگاه فضایل است و یا انباری انباشته از رذایل. رذایل، شرایط باطنی انسان را فوق العاده می سازد و سو به سستی و نیستی می برد، اما فضایل، شرایط باطنی را رو به روال و سمت سامان، سوق می دهد؛ در واقع دل انسان را به گستره عوالم وجود، گشاده و فراخ می سازد و او را سزاوار به عالم اکبر، رهنمون می شود.

مرحوم شهید ثانی، در دومین آداب زیارت نوشته است: کسی که قصد زیارت

۱- فلسفه زیارت و آئین آن، ص ۱۷۹- ۲۱۹.

دارد اگر خشوع و نـازک دلی یـافت، وارد شود و الّا بهتر آن است که زیارت را به زمان دل نازکی واگـذارد. چون مهم ترین هـدف در زیـارت، حضور قلب برای دریـافت رحمـتی است که از سوی پروردگـار نـازل می شود: و چون خشوع و رقّت قلب یـافت وارد شـود و گرنـه بهـتر، جست وجـوی زمـان رقّت قلب است؛ زیرا مهم ترین هـدف، حضـور قلب به منظـور رسـیدن به رحمتی است که از سوی پروردگـار نـازل است. (۱) همچنین نهمین آداب زیـارت را این دانسته است: قلب را در تمام احوال هرجور که می توانـد حاضـر کند. (۲) و نیز پنجمین آداب زیـارت را این دانسـته است: زیـارت به زبـان مأثور است و سـلام و حضور، کفایت می کند. (۳) البته شاید مقصود از حضور در این جا، حاضـر شدن در مزار باشد که بعید به نظر می رسد. چون می بایست حضور بر سلام، مقدم یاد می شد.

۲. مقصود از حالـت در این جـا، شـرایط مثبت بـاطنی است که طهـارتی است از جنس بـاطن برای مس بـاطن حقیقت متعالی؛ گریزی است از خودخواهی به سوی خـداخواهی؛ اذن دخول است برای تشـرف به اندرونی حقیقت؛ درآمدی است برای گذر از پوسته و رسیدن به هسته و درک ژرفای حقیقت و حضور در محضر مزور و دریافت رضایت از دستان انسان کامل؛ «مهدیا، پیشـتر و بیشتر از زیـارت، رضـایتت را آرزو دارم که بی زیـارت می تـوانم سـربلند و دل آرام بگـذرانم، ولی بی رضـایت تو، روزگاری هرچنـد هزاران بار به زیارت کعبه و عتبات عالیات حضور یافته باشم، سـرافکنده و بـدفرجام خواهم بود». (۴) اساساً زایر واقعی و بهره منـد کسـی اسـت کـه جـانش را مالامـال از فضایـل کرده و بـا جانبخشـی به زنـدگی اش، بین خـود و مزور، سنخیت تام و تمام را برای رسیدن به

۱- الدروس الشرعيّه فی فقه الإماميه، ج ۲، کتاب المزار، ص ۲۳.

۲- همان، ص ۲۴.

۳- همان، ص ۲۳.

۴- زمزمه های انتظار، ص ۷۹.

آرزوهایش پدید آورده باشد. بوعلی، اتصال زایر با مزور را به نوعی پیش زمینه استمداد یاد کرده است. (۱) قصور و تقصیر زایر در این مهم، جز او را محروم نمی سازد:

«گر گدا کاهل بود تقصیر صاحب خانه چیست؟»

یادسپاری

۱. البته مرتبه و کمال زیارت شونده در تحرک حسی و حالات باطنی زیارت کننده و نگهداشت حرمت و حریم او دخالت دارد؛ زیرا «هر چه مزور برتر و کامل تر باشد، قصد جدی تر و درجه تکریم و تعظیم نیز برتر بوده که شاهد آن اظهار محبت و مودت جوانحی و ابراز طاعت و تبعیت جوارحی است؛ آن گونه که در زیارت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت گرامی آن حضرت مشاهده می شود». (۲) ۲. باز البته این به معنای جواز ترک زیارت برای برخی از افراد نیست، بلکه به معنای ذومراتب بودن زیارت است. از این رو، اگر کسی به هر دلیلی بر زیارت متعالی و رو در رو، قدرت نداشت، نباید خود را از مراتب پایین تر زیارت و از راه دور، محروم سازد. پیامبر صلی الله علیه و آله در ترغیب و تشویق مسلمانان به زیارت مرقدشان فرمودند:

«مَنْ زَارَ قَبْرِی بَعْدَ مَوْتِی کَانَ کَمَنْ هَاجَرَ إِلَیَّ فِی حَیَاتِی فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِیعُوا فَابْعَثُوا إِلَیَّ بِالسَّلَامِ فَإِنَّهُ یَبْلُغُنِی»؛ (۳)

هر کس بعد از مرگم، مزارم را زیارت کند، مانند کسی است که در زمان حیاتم به سوی من مهاجرت کرده است؛ و اگر نتواند مزارم را زیارت کند، پس به سویم سلام گسیل دارد؛ زیرا به من می رسد. و نیز امام صادق علیهم السلام فرمود:

«مَنْ لَمْ یَقْدِرْ عَلَی صِلَتِنَا فَلْیَصِلْ صَالِحِی مَوَالِینَا وَ مَنْ لَمْ یَقْدِرْ عَلَی زِیَارَتِنَا فَلْیَزُرْ صَالِحِی مَوَالِینَا یُکْتَبْ لَهُ ثَوَابُ زِیَارَتِنَا»؛ (۴)

کسی که نتواند به ما بپیوندد، با دوستان شایسته ما بپیوندد، و هر که

۱- «ان النفوس الزائره المتصله بالبدن الغیر المفارقه تستمدّ من تلک النفوس المزور جلب خیر أو دفع ضررو أذی» ر. ک: رسائل ابن سینا، ص ۳۳۸.

۲- فلسفه زیارت و آئین آن، ص ۲۰.

۳- التهذیب، ج ۶، ص ۷۹.

۴- آثار الصادقین، ج ۸، ص ۵۱، ح ۱۰۹۱۷، به نقل از بحارالأنوار، ج ۷۱، ص ۳۵۴.

نتواند به دیدار ما آید، با دوستان شایسته ما دیدار کند، تا پاداش دیدار کردن ما برای او نوشته شود.

پس زیارت، واقعیتی است اصیل و عملی است حسی، عبادی، با آداب مخصوص و حالات متعالی.

زمان

اشاره

این بخش را در دو نگاه یاد می کنم:

نگاه اول

زمان در گـذار ظاهری، ابر مانند بر بلندای همه اعمال، یکسان می گذرد، اما در گذار باطنی و مقدّر و بر پایه نگاه درون دینی و مـذهبی، مثال ابری که آبسـتن رحمت است بر بالای زمین و اهل آن می گـذرد، چنان که امیر سـخن، آن تیزهوش بی مانند علیه السلام، گذار زمان را به گذار ابر، و خود زمان را به ابر، همانند فرمود:

«الْفُرْصَهُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَاب». (۱)

فرصت، مثال گذار ابر، می گذرد. از این رو، دسـته ای از اوقات با بعضی از اعمال، در فرود آمدن رحمت الهی، نقش و پیوند ویژه دارنـد، گویا ازدواجی است که پنهانی و رازگونه بین شان صورت یافته و از پس آبسـتن شـدن زمان، فرزنـد اسـتجابت و تعالی و تقرب، زاییـده می شود. به تعبیر دانشور بلندپایه، مرحوم سـید بن طاوس: همانا وقت های پذیرش، اسـراری دارد که از آن خداونـد است و جز بـا آیات و روایات شـناخته نمی شونـد. (۲) و البته برابر بـا نظریه نوشـته شـده علامه حسن زاده آملی: «برخی به معقول نیز شـناخته و با شـعوری مرموز ادراک می شود»؛ (۳) برای نمونه از عیـد مبعث یاد می کنم که فرجام پاییـدن های مناسبت های زمانیه، واسطه جناب رسول اللَّه صلی الله علیه و آله و آغازگاه

۱- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۸۴، ح ۲۱۰۴۴.

۲- اقبال الأعمال، ص ۵۲۷.

۳- رساله نور علی نور، فصل ۵، ص ۵۸.

دریافت های ویژه به شمار می آید. مبعث، پربارترین زمانه اعتنای خداوند به بشر و جلوه سزاواری انسان کامل برای همکلام شدن ذات اقدس یگانه با اوست.

شاید پس از این توضیح کوتاه، تکیه قرآن کریم و توصیه عالی جنابان عصمت علیهم السلام به برخی از اوقات، بیشتر فهمیده و قدرشناخته شود:

«وَاذْكُرُواْ اللَّهَ فِى أَيَّامٍ مَّعْدُودَ تٍ»؛ (۱)

و خدا را در روزهایی معیّن یاد کنید.

«وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بَايتِنَآ أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَکَ مِنَ الظُّلُمتِ إِلَى النُّورِ وَ ذَكِّرْهُم بِأَيَّلم اللَّهِ إِنَّ فِى ذَ لِکَ لَأَيتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ»؛ (۲) و در حقیقت، موسی را با آیات خود فرستادیم و به او فرمودیم که قوم خود را از تاریکی ها به سوی روشنایی بیرون آور، و روزهای خدا را به آنان یادآوری کن، که قطعاً در این یادآوری، برای هر شکیبای سپاسگزاری عبرت هاست.

«قُل لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ يَغْفِرُواْ لِلَّذِينَ لَايَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِىَ قَوْمَام بِمَا كَانُواْ يَكْسِبُونَ»؛ (۳)

به کسانی که ایمان آورده اند بگو: تا از کسانی که به روزهای پیروزی خدا امید ندارند درگذرند، تا خدا هر گروهی را به سبب آنچه مرتکب می شده اند به مجازات رساند.

ماه های ذی قعده، ذی حجه، رجب، شعبان، رمضان، شب های قدر، شب ها و روزها و عصرهای جمعه، هنگام غروب، همه از اوقات ویژه دانسته شدند و ویژه تر از همه، گاه سحر که جناب رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله فرمود:

«خَيْرُ وَقْتٍ دَعَوْتُمُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهِ الْأَسْحَار»؛ (۴)

بهترین و سودمندترین زمانی که خدای عزوجل را در آن بخوانید، اوقات سحر است. هرچه می خواهی خبر، وقت سحر.

«روی ... أنّ زیارته الإمام الشهید أبو عبداللّٰه الحسین علیه السلام یوم عرفه بعشرین حجّه و عشرین عمره مبروره وعشرین غزوه مع النبی صلی الله علیه و آله أو الإمام علیه السلام» (۵) بل روی: (۶) «أنّ مطلق

۱- سوره بقره، آیه ۲۰۳.

۲- سوره ابراهیم، آیه ۵.

۳- سوره جاثیه، آیه ۱۴.

۴- الکافی، ج ۲، ص ۴۷۸، ح ۶.

۵- ثواب الأعمال، ح ۲۴، ص ۱۱۵ لم اعتر علی غیر هذا.

۶- وسائل الشیعه، باب ۴۵، من ابواب المزار، ج ۱۰، ص ۳۴۸، ح ۵.

زیـارته خیر من عشـرین حجّه، و أنّ زیارته (۱) یـوم عرفه مع المعرفه بحقّه بـألف ألف حجّه و ألف ألف عمره متقبّلات و ألف غزوه مع النّبی أو الإمـام»؛ (۲) روایت شـده است ... زیارت امام حسـین علیه السـلام در روز عرفه، با بیست حج و بیست عمره و بیست غزوه همراه با پیامبر صـلی الله علیه و آله یا امام علیه السـلام محسوب می شود. بلکه روایت شده: زیارت امام حسین علیه السـلام در هر زمـانی باشـد، از بیست حـج، بهتر است، و زیـارت آن حضـرت در روز عرفه، از سـر شـناخت حق آن جنـاب، با هزاران حج و هزاران عمره قبول و هزار غزوه همراه پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام به شمار می آید.

«روی ... أن الجمع فی سـنه واحـده بین زیارته لیله عرفه و الفطر و لیله النصف من شـعبان بثواب ألف حجّه مبروره و ألف عمره متقبّله و قضـاء ألف حاجه للـدنیا و الآخره»؛ (۳) گزارش شـده است ... جمع(انجام) زیارت امام حسـین علیه السـلام بین زیارت شب عرفه و فطر و شب نیمه شـعبان در یـک سـال، بـا ثواب هزار حـج مـبرور و هزار عمره قبول و برآورده شـدن هزار حـاجت دنیایی و آخرتی، برابر است.

«وَ مَنْ زَارَهُ یَوْمَ عَاشُورَاءَ فَکَأَنَّمَا زَارَ اللَّهَ فَوْقَ عَرْشِهِ»؛ (۴)

هر کس او سیدالشهدا علیه السلام را در روز عاشورا زیارت کند، مانند زیارت کسی است که خداوند را بالای عرشش زیارت کرده باشد.

«روی ... زیـارته یـوم عـاشوراء مع معرفته بحقّه کمن زار اللَّه فوق عرشه»؛ (۵) روایت شـده ... زیارت با معرفت حق امام حسـین علیه السلام مانند زیارت کسی است که خدا را بالای عرشش زیارت کرده باشد.

۱- همان، باب ۴۹، من ابواب المزار، ج ۱۰، ص ۳۵۹، ح ۲.

۲- الدروس الشرعیّه فقه الإمامیّه، ج ۲، کتاب المزار، ص ۱۰.

۳- همان، باب ۵۴، من ابواب المزار، ج ۱۰، ص ۳۷۱، ح ۲.

۴- همان، باب ۵۵، من ابواب المزار، ج ۱۰، ص ۳۷۱، ح ۱.

۵- همان.

این یادشده ها، مناسبت های زمانیه اند و مناسبت های زمانیه، از تمام ترین مناسبات اند و بی شک در خواستن و احوال و حالات نمازگزار و دعا و زیارت کننده، بسیار تأثیرگذار می باشند و فرصت تقرّب در آن، فراهم تر است. (۱) مرحوم شهید ثانی، در چهاردهمین آداب زیارت نوشته است: زیارت از روی نیت در زمان های مشهور- مناسبت های ویژه- مستحب است. (۲) امام رضا علیه السلام به بزنطی فرمود:

«احضر یوم الغدیر عند أمیرالمؤمنین علیه السلام ...»؛ (۳)

روز غدیر نزد مزار امیرالمؤمنین علیه السلام حاضر شو. و بر همین پایه، «خداوند متعال به لحاظ ظرفیت، شأنیت و به هر دلیلی به ... زمانی مانند لیله القدر ... توجه دارد». (۴)

ابن الوقت / ابوالوقت

معنای واژگانی «ابن الوقت» یعنی پسر وقت و معنای لغوی «ابوالوقت» یعنی پدر وقت، اما در اصطلاح اهل عرفان، خصوصیت جنسی ندارد، بلکه کسی(مرد یا زن) را گویند که فرصت ها را غنیمت بشمارد و با هوشیاری و راستی و به زیبایی و درستی از زمان های پیش آمده برای تقرب به پروردگار سود ببرد و برای همین منظور، همواره در کمین اوقات پیش آینده باشد.

اگر زایری بتواند «ابن الوقت» و یا برتر از آن «ابوالوقت» بشود و بماند؛ یعنی همواره در خواستن، چه خواستن، چگونه خواستن و احوال خویش هوشمندانه و یکدله، مناسبت ها و اولویت های زمانی آن را با راستی و درستی بپاید، بی شک دست به استجابت و تعالی و تقرب پروردگار رسانده و از صراط احوال ناپایدار، گذشته و در بهشت حال و مقام ماندگار، آرام یافته است.

۱- فلسفه زیارت و آئین آن، ص ۲۷.

۲- الدروس الشرعیّه فی فقه الإمامیّه، ج ۲، کتاب المزار، ص ۲۴.

۳- وسائل الشیعه، باب ۲۸، من ابواب المزار، ج ۱۰، ص ۳۰۲، ح ۱.

۴- فلسفه زیارت و آئین آن، ص ۲۶.

نگاه دوم

زیارت هم مانند همه اعمال، از چنته و سیطره زمان، بیرون نیست و ناچار در آن، انجام می شود. به همین اعتبار، زیارت را می توان در سه دسته، رده بندی کرد:

الف) زیاراتی که هیچ، وقت ویژه ای ندارند؛ مثل زیارت مشاهد متبرکه.

ب) زیاراتی که در وقت فراخ، توصیه شده اند؛ مثل زیارت خانه خدا(حج عمره).

ج) زیاراتی که بایـد در زمان تنگ و انـدک، انجام گیرند؛ مثل زیارت خانه خدا در ماه معین(حج تمتع) یا زیارت سیدالشـهدا علیهم السلام در روز معین(اربعین یا شب جمعه).

پس زیارت، واقعیتی است اصـیل و عملی است حسی، عبادی، با آداب مخصوص و حالات متعالی، در زمان فراخ یا اندک(که به آن توصیه شده است).

موضوع

اشاره

از آن جهـت که موضـوع زیـارت، شـی ء، مکـان و شـخص را در بر می گیرد، دربـاره ویژگی یادشـده بـا ترتیب به هر سه می پردازم:

۱. شی ء

در برخی از باورها، شـی ء نیز زیارت می شود، در آیین هنـدو مجسـمه هایی که نمادی از خـدایان آنها به شـمار می آیند؛ در آئین بودا، مجسمه بودا؛ در اسلام(حجر الأسود)؛ در مسیحیت مجسمه مریم و عیسی مسیح، و ....

البته در غیر آیین اسـلام، گویا به قصـد حاجت و ثواب، زیارت می شونـد، ولی در اسـلام، حجر الأسود، تنها به قصـد تبرّک و ثواب زیارت می شود و کسی به قصد روا شدن حاجت دنیایی اش آن را زیارت نمی کند.

۲. مکان

زیارتگاه، مرقد، گور، آرامگاه و مزار، «زیارت جا، زیارتکده، زیارتگه». (۱) کلماتی اند

۱- فرهنگ بزرگ سخن، ج ۵، ص ۳۹۲۱.

که برای مکان زیارت، کاربرد دارند؛ برای نمونه:

- زیارتگاه، واژه ای است ترکیبی از عربی- فارسی، به معنی:

«جای زیارت، مزار، مرقد امام یا امامزاده یا شخص بزرگ که مردم به زیارت آن بروند». (۱)- مزار: «گور، آرامگاه». (۲) «جای زیارت، زیارتگاه، در فارسی گور یا آرامگاه نیز می گویند. مزارات جمع». (۳) البته چنان که می بینید جامع ترین ترجمه برای واژگان یادشده، محل و جای زیارت است؛ زیرا برخی از امکنه، زیارتگاه، مرقد، گور، آرامگاه و مزارِ کسی نیست، ولی با این حال، موضوع رسمی زیارت مردم است؛ مثل خانه خدا در باور مسلمانان.

چنان که برخی نوشتند: «زیارت گاه، زیارتگاه: مکانی مقدس(مانند آرامگاهِ بزرگان دین) که به زیارت آن می روند». (۴)

یادسپاری

۱. امروزه بر پایه علوم جدید و کشفیات تازه، آثار وضعی و طبیعی مکان، غیرقابل انکار است و به همین سبب است که «همه موسم تفرج به چمن روند و صحرا». (۵) البته آثار وضعی و طبیعی مکان ها یکسان نیست؛ زیرا برخی از آنها به انسان، آرامش می دهند و بعضی از آنها دلگیرند.

۲. مکان گرایی در دعا و زیارت، به صورت مقدس و خرافه، در فرهنگ های آیینی و بشری وجود داشته است:

الف) «وَ إِذْ قَالَ إِبْرَ هِیمُ رَبّ اجْعَلْ هذَا الْبَلَدَ ءَامِنًا ...»؛ (۶)

و یاد کن هنگامی را که ابراهیم گفت: پروردگارا، این شهر را ایمن گردان ....

۱- فرهنگ عمید.

۲- فرهنگ واژه های فارسی سره.

۳- فرهنگ عمید.

۴- فرهنگ بزرگ سخن، ج ۵، ص ۳۹۲۱.

۵- فصیح الزّمان شیرازی.

۶- سوره ابراهیم، آیه ۳۵.

«رَبَّنَآ إِنّی أَسْکَنتُ مِن ذُرِّیَّتِی بِوَادٍ غَیْرِ ذِی زَرْعٍ عِندَ بَیْتِکَ الْمُحَرَّمِ»؛ (۱)

پروردگارا، من یکی از فرزندانم را در دره ای بی کِشت، نزد خانه محترم تو، سکونت دادم.

ب) «إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِی عِندَکَ بَیْتًا فِی الْجَنَّهِ»؛ (۲)

یاد آر زمانی را که همسر فرعون گفت: پروردگارا ...، پیش خود در بهشت، خانه ای برایم بساز.

ج) زیارت قبور، پیش از اسلام با قصد فخرفروشی، در میان مردم حجاز، مرسوم بوده است: «حَتَّی زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ»؛ (۳) تا این که به زیارت گورستان رفتید.

۳. آثار معنوی و روحی مبارك و شگفت آور برخی از امکنه، از اراده ای فراسویی برمی آید؛ مثلًا «خداوند متعال به لحاظ ظرفیت، شأنیت و به هر دلیلی به مکانی مانند کعبه ... توجه دارد». (۴) همچنین وقتی کسی به نام و یاد خدای متعال، اماکن عبادی مانند مسجد را بنا می کند، انسان با حضور در آن جا آرامش ویژه ای می یابد و از آن لذت می برد. مکان مقدس، دل و جان پیروان یک آیین را بیشتر به هم پیوند می دهد و نیز کالبدشان، همچنین دل و جسم حاجتمندانی از دیگر ادیان و مذاهب را نیز گرد خود جمع می کند. علاوه بر این، با حضور در این گونه مکان ها، فرصت تقرّب، فراهم تر است. (۵)

۱- سوره ابراهیم، آیه ۳۷.
۲- سوره تحریم، آیه ۱۱.
۳- سوره تکاثر، آیه ۲.
۴- فلسفه زیارت و آئین آن، ص ۲۶. «المواضع التی تجتمع فیها أبدان الزوّار و المزورین فإنّ فیها تکون الأذهان أکثر صفاءً و الخواطر أشدّ جمعاً و النفوس أحسن استعداداً کزیاره بیت اللّه تعالی و اجتماع العقائد علی أنّه الموضع الذی یزدلف به الی الحضره الرّبوبیّه و یتقرّب به الی الجهه المعدّه الالهیّه و فیه حکم عجیبه فی خلاص النفوس من العذاب الأدنی دون العذاب الأکبر». در مواضع و مکان هایی که بارگاه و زیارتگاه مزار است، ذهن و حواس انسان از کدورت و تیرگی های روزمره پاک وصاف شده و شواغل و خواطر هم وجود ندارد، با ذهنی صاف و آماده و خاطری جمع و آرام، استعداد و آمادگی بیشتری پیدا می کنند تا از مزور بهره برتری بگیرد؛ مثلًا در زیارت بیت اللّه تعالی انسان به لحاظ موقعیت ویژه ای که برای او حاصل شده نزدیک است که به ساحت ربوبی و حضرت الهی راه بیابد و به جهتی روی آورد که حضور حضرت الهی فراهم آید.
۵- فلسفه زیارت و آئین آن، ص ۲۷.

این اعتنا در قرآن کریم نیز زیاد به چشم می آید و البته برخی از آنها، رمزآلود به نظر می رسد:

الف) «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِى بِبَكَّهَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعلَمِينَ». (۱)

در حقیقت، نخستین خانه ای که برای عبادت مردم، نهاده شده، همان است که در مکه است و مبارک و برای جهانیان مایه هدایت است.

«وَ إِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَ هِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ ....» (۲)

به خاطر بیاور زمانی که برای ابراهیم جای خانه را معین کردیم ....

«جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَهَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ ...»؛ (۳) خدا کعبه را خانه حرام قرار داد ....

«فَلْيَعْبُدُواْ رَبَّ هذَا الْبَيْتِ»؛ (۴)

پس باید خداوندِ این خانه را بپرستید.

«وَلْيَطَّوَّفُواْ بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ»؛ (۵)

باید بر گرد آن خانه کهن کعبه طواف به جای آرند.

«وَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ»؛ (۶)

سوگند به آن خانه آباد خدا.

«وَ هذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ»؛ (۷)

سوگند به این شهر امن و امان.

ب) «وَ الطُّورِ»؛ (۸)

سوگند به طور.

«وَ التّينِ وَ الزَّيْتُونِ* وَ طُورِ سِينِينَ»؛ (۹)

سوگند به تین و زیتون، و طور سینا.

«فَاخْلَعْ نَعْلَیْکَ إِنَّکَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًی»؛ (۱۰)

پای پوش خویش بیرون آور، که تو در وادی مقدس «طوی» هستی.

«إِذْ نَادَلهُ رَبُّهُ و بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًی»؛ (۱۱)

آن گاه که پروردگارش او را در وادی مقدس «طوی» ندا در داد.

۱- سوره آل عمران، آیه ۹۶.

۲- سوره حج، آیه ۲۶.

۳- سوره مائده، آیه ۹۷.

۴- سوره قریش، آیه ۳.

۵- سوره حج، آیه ۲۹.

۶- سوره طور، آیه ۴.

۷- سوره تین، آیه ۳.

۸- سوره طور، آیه ۱.

۹- سوره تین، آیه ۱ و ۲.

۱۰- . سوره طه، آیه ۱۲.

۱۱- . سوره نازعات، آیه ۱۶.

ج) «سُبْحنَ الَّذِی أَسْرَی بِعَبْدِهِ ی لَیْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَی الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِی بَرَکْنَا حَوْلَهُ و لِنُرِیَهُ و مِنْ ءَایتِنَآ ...»؛ (۱)

منزه است آن خدایی که بنده اش را شبانگاه از مسجد الحرام به سوی مسجد الأقصی- که پیرامون آن را برکت قرار داده ایم- سیر داد، تا از نشانه های خود به او بنمایانیم ....

پس برخی از امکنه به صورت وضعی و طبیعی و نیز فراطبیعی و رمزگونه در روحیات و رسیدن به آمال و خواسته های انسان، اثر مثبت یا منفی دارند.

۴. نکته درخور توجه این که: در همه باورها، چه زیارت از اشیاء باشد، چه از اشخاص، ناچار در یک مکان ویژه خواهد بود. از این رو، باید قید مکان را در تعریف زیارت، قید دائم الحضور دانست.

۵. چنان که خوانده اید، مقصود از ویژگی مکان، امکنه مقدس و دارای بنیه اعتقادی- آسمانی است. از این رو، مکان هایی که از خیال و خرافه های پوچ و بی اساس بشری برآمده، از مفهوم زیارت بیرون دانسته شد.

۶. برخی از نویسندگان، وجود بقاع و مشاهد در ایران و نیز معماری و تزیینات آنها را مدیون تفکر فضیلت مندی و ثواب داری زیارت قبور ائمه علیهم السلام و امامزاده ها دانستند: «بسیاری از بقاع و مشاهد در ایران، که هر یک از جهت معماری و تزیینات نیز در جای خود قابل توجه است، مدیون این طرز تفکر بوده است». (۲) ۷. «چه بسا کارهای بزرگی که از نظر ما بزرگ است و در نزد خدا پشیزی نمی ارزد.

شاید بسیاری از بناهای عظیم از معابد و مساجد و زیارتگاه ها و بیمارستان ها و پل ها و کاروانسراها و مدرسه ها چنین سرنوشتی داشته باشند، حسابش با خداست». (۳)

شخص

مزور: «مزور مَ ع ص نعت مفعولی از زیارت. زیارت شده و دیده شده». (۴)

۱- سوره اسراء، آیه ۱.

۲- دایره المعارف فارسی.

۳- عدل الهی، ص ۲۷۹.

۴- لغت نامه دهخدا به نقل از منتهی الأرب، اقرب الموارد، ناظم الأطباء.

«آن که به زیارت او شده اند. زیارت کرده شده». (۱)

شد تمام، القصه مسجد بی فتور بُد سلیمان زایر و مسجد مزور (۲)

در این بخش به ترتیب بایسته هایی را یاد می کنم:

۱. همواره، اصالت با پاک گهری انسان است. از این رو، ارجمندی مکان، شاخه ای از ارزشمندی انسان پاک نهاد، شمار می آید. اماکن خجسته، شرافت شان را وامدار ارج و آبروی کسانی هستند که در آن جا قرار گرفته اند و یا اثری در آن جا از آنها به جای مانده است، چنان که گفته شده: «شرف المکان بالمکین». بی شک اثر مکان، از اثر وجودی مکین است که در تار و پود مکان به جای مانده و مثال انرژی مثبت، از آن ساطع می شود و در روحیات و آرامش و خواهش دیگران اثر می گذارد.

«لَآ أُقْسِمُ بِهذَا الْبَلَدِ* وَ أَنتَ حِلُّ م بِهذَا الْبَلَدِ»؛ (۳)

سوگند به این شهر و حال آن که تو در این شهر جای داری.

مرحوم علامه مجلسی پای دو آیه یادشده نوشته است: خدای سبحان به مکه، سوگند یاد کرده و سوگندش را به درآمدن رسولش صلی الله علیه و آله در آن، مقید نموده است، تا افزونی فضلیت آن جناب را آشکار کرده باشد و تا آگهی دهد که شرف مکان، شرف اهل آن است. (۴) ۲. خداگرایی مخلصانه انسان کامل، با نگاه زمینی، همواره زمان را جلوتر بوده و این مهم همواره به نامش ثبت است، و با نگاه آسمانی، بیرون از درازنای وقت و طاقت مکان می باشد؛ بالاتر این که: زمان و مکان در قبضه یداللهی اوست و ملک طلق او محسوب می شود، حتی ارج و ارجمندی او از مکان و زمان خدایی نیز بیشتر است؛ او می تواند ماه، این ویژگی زمان ساز را به دو نیم، شکاف دهد و یا خورشید را فرمان براند و زمان را تازه کند؛ مکان نیز زیر پای اراده و تصرف اوست؛ اوست که در مکان

۱- لغت نامه دهخدا.

۲- مولوی.

۳- سوره بلد، آیات ۱ و ۲.

۴- بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۱۷۳.

موات، تازگی و شکوه می دمد و شگفت آور، دل های مرده را احیا می کند و آنان را مالک می شود، حتی می تواند آثاری را که در زمان و مکان خویش به جای گذارده است، به همه زمان ها و مکان ها تسری داده، در پهنای هستی و درازنای زمان و در همه جان ها تزریق کند. شاید اکنون روشن شده باشد که چرا امام صادق علیه السلام فرمود:

«زِیَارَهَ أَبِی عَلِیٍّ علیه السلام تَعْدِلُ حَجَّتَیْنِ وَ عُمْرَتَیْنِ»؛ (۱)

زیارت امام علی علیه السلام معادل دو حج تمتع و دو عمره است.

و نیز چرا دانشور شیعه، مرحوم بحرالعلوم رحمه الله در مقایسه بین کربلا و کعبه سروده بود:

و من حدیث کربلا و الکعبه لکربلا بان علوّ الرتبه (۲)

درباره کربلا و کعبه باید گفت: برتری رتبه کربلا از کعبه، آشکار است.

انسان کامل با دست کشیدن بر سر بشر، خِردشان را افزون می کند، اندیشه و عمل شان را سامان می دهد و روحیات و زندگی شان را رونق و رمق می بخشد و زمان و مکان را دلکش و گیرا می سازد.

دلیل بر کارکرد نفوس قدسیه در نظام هستی

بدان که نفوس نیرومند قدسی، ویژه نفوس پیامبران و امامان علیهم السلام زمانی که بدن های شریف شان بر زمین می افتد و از آن جدا می شوند و به عالم تجرّد بالا- می روند، در نهایت احاطه و استیلا بر این عالم، دیده وَر می شوند و این عالم در نظرشان پیدای بی پرده می گردد. از این رو، بر آنان که سرِ مزارشان برای زیات حاضر می شوند آگاهی دارند، به ویژه که مزارشان مشهد ارواح قدسیِ بلندپایه آنها و محل حضور کالبد برزخیِ نوری شان است؛ زیرا آنان در آن جا شاهدند «بَلْ أَحْیَآءٌ عِندَ رَبّهِمْ یُرْزَقُونَ». (۳)

بلکه زنده اند که نزد پروردگارشان روزی داده می شوند. و به آنچه خدای شان داده، شادانند. پس آنها نسبت به زایران و حاضران مزارشان، و خواهش و توسّل و شفیع خواهی و ناله و زاری آنها، تمام علم و اطلاع را دارند. از این رو، دَمِش الطاف شان را بر

۱- التهذیب، ج ۶، ص ۲۱، ح ۵.

۲- مفاتیح الجنان، آداب زیارت.

۳- سوره آل عمران، آیه ۱۶۹.

آنـان می بخشـند و رشـحات انوارشـان را بر آنهـا افـاضه می کننـد و در قضـای حوایـج شـان، نزد خداونـد شـفیع می شونـد و درخواست مقاصد و غفران گناهان و رفع اندوه شان را بر عهده می گیرند. (۱)

یادسپاری

۱. در برابر این کرامت، برخی از انسان های توحید گریز با واپس گرایی، سامانی دل و جان و روان بشـر را برهم می زنند و او را از فراز بر فرود می کشانند و زمان و مکان را دلگیر می سازند؛ مثال چشم زخمِ شور چشمی که سلامتی را از ما بستاند.

۲. شخصیت هایی که مورد اهتمام و احترام در زیارت هستند را می توان در سه دسته، رده بندی کرد:

الف) پیامبران و پیشوایان دین؛

ب) علما و اندیشمندانی که برای روشنی بخشیدن به دیگران مانند شمع سوختند؛

ج) مجاهـدانی که در راه مبارزه با سـتم و برپایی عـدالت، جان باختنـد. (۲) ۳. «حضور در پیشگاه شـخص به جسم و جان، با توجه قلبی و حضور دل نسبت به اولیای خدا، زیارت است». (۳)

زیارت فُجّار (جان های منفی)

امام صادق علیه السلام به پسر خود فرمود:

«یَا بُنَیَّ إِذَا زُرْتَ فَزُرِ الْأَخْیَارَ وَ لَا تَزُرِ الْفُجَّارَ فَإِنَّهُمْ صَخْرَهٌ لَا یَنْفَجِرُ مَاؤُهَا وَ شَجَرَهٌ لَا یَخْضَرُّ وَرَقُهَا وَ أَرْضٌ لَا یَظْهَرُ عُشْبُهَا ....»؛ (۴)

پسـرم، اگر می خواهی زیارت کنی، خوبان را زیارت کن و فاجران را زیارت نکن؛ زیرا آنان صخره ای را می مانند که از آن، آب نمی جوشد و درختی را می مانند که برگ آن سبز نمی شود و زمینی را شبیه اند که گیاهی بر آن، ظاهر نمی شود ....

۱- الزیاره فی الکتاب والسنه، ص ۱۳ و ۱۴.

۲- همان، ص ۱۲.

۳- دایره المعارف تشیع، ج ۸، ص ۵۶۴.

۴- آثار الصادقین، ج ۸، ص ۵۲، ح ۱۰۹۱۹، به نقل از بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۵۴.

پس امکنه هم به خاطر شخصی که در آن جا زیسته یا مدفون است و یا اثری از او در آن جا به جای مانده، فرحبخش یا دلگیر می شود. اما مقصود از ویژگی مکان در مفهوم زیارت، مکانی نیست که اثر وضعی و طبیعی مثبت یا منفی دارد، همچنین مکان خرافی و مکانی که به خاطر فردِ دور از رحمت الهی، دارای اثر منفی است، از مفهوم حقیقی زیارت، بیرون است، و تنها مکانی در تعریف زیارت، دخالت دارد که به خاطر اراده الهی، دارای آثار واقعی و کارگر است؛ مانند کعبه، و نیز جایی که شخصیت آسمانی در آن زیسته و یا کالبدش در آن جا مدفون است، مانند شهر مدینه و مزار رسول اعظم صلی الله علیه و آله.

یادسپاری

«از سنت های پسندیده در همه اقوام متمدّن، رفتن کنار قبور اموات و تجدید عهد با آنان است». (۱) استاد شهید مطهری می نویسد: «من هر وقت به قم مشرف می شوم آرزو دارم قبر این مرد بزرگ عارف بزرگ مرحوم حاج میرزا جوادآقا ملکی تبریزی از بزرگان اهل معرفت زمان را زیارت کنم». (۲) پس زیارت، واقعیتی است اصیل و عملی است حسی، عبادی، با آداب مخصوص و حالات متعالی، در زمان فراخ یا اندک(که به آن توصیه شده است) با موضوع خاص(شی ء، مکان یا شخص).

زبان

زبان، کلید و ابزار ارسال پیام است. ابزار ویژه ای است برای انتقال جَوَلان نوپدید ذهنی و تحولات فزاینده و کاهنده روحی. بروزگاه پویه های اندیشه ای و نمایشگاه دیگرگونی درونگاه انسانی است. گستره وجودی انسان و رمزآلودی و تودرتویی

۱- دائره المعارف تشیع، ج ۸، ص ۵۶۶.

۲- فلسفه اخلاق، ص ۲۱۱.

و توبرتویی او، هزاران زبـان بـازگفته دارد، امـا زبـان سربسـته و نهفته، بیشتر است. زبان، پرکارترین عضو انسانی است که هیچ گاه خسـته نمی شود و با سودمندی فراوان و آسـیب بسیار، اتوبان بهشت و بزرگراه دوزخ است. از این رو، هر جوری، همه جا جای او نیست، به ویژه در دعوات و زیارات، هر زبانی را یارای

«لِلَّهِ الْأَسْماءُ الْحُسْنی فَادْعُوهُ بِها»

(و نـام هـای نیکو به خـدا اختصـاص دارد، پس او را بـا آنهـا بخوانیـد) و پدیـدارسازی هر پیام و نیاز درونی نیست؛ پیام و نیاز مخصوص، زبـان ویژه می خواهـد. این ویژگی، در دعاها و زیارت ها با شـرایط مخصوص، نقش ویژه ای را عهـده دارد. وقتی «در روزگـار کنونی مسأله زبان به طور خاصـی موضوعیت یافته و فلسـفه های تحلیل منطقی زبان در دسـتور کار متفکران قرار گرفته است». روا نیست که ما از ویژگی زبان در بازشناسی مفاهیم دینی، از جمله مفهوم زیارت، فراموشکار بمانیم.

زبان عرفی

مقصود از زبان عرفی در این جا، زبان خودساخته و اختراعی کسانی است که برای خواسـته های شخصـی، از پیش خود، ادعیه و زیـارات عمومی می سازنـد و فرافکنـانه به دیگران می آموزنـد. معمولًا دعاهای ذهن ساخت، دور از شـناخت بایسـته و ادب شایسـته، حرمت و حریم درخواست شونده را پاس نمی دارد. این زبان در ادعیه و زیارات جورکرده و گردآوری شده، دور از آگـاهی و در دامن نـادانی، بـا بـافته های خیالی، پایه و اساس آموزه های دینی را در باور مردم سـست می کنـد؛ زیرا هیـچ در آرامش و تعـالی و برآورده شـدن درخواست هایشـان اثر نـدارد. علاوه این که آنان را نسـبت به دعاها و زیارات وارده از اهل بیت علیهم السـلام بی رغبت می سـازد و این زبان متعالی را در نظرشان خوار می کنـد. زبان عرفی در ادعیه و زیارات به کلید نادرست و خرابی می ماند که برای بازکردن درهای بسته، عمداً به دست فرد مستأصلی سپرده باشند.

«عبدالرحیم قصیر گوید: وارد بر امام صادق علیه السلام شدم و گفتم: فدایت شوم از پیش

خود دعایی اختراع کردم، امام فرمود: واگذار اختراع خود را! هرگاه تو را حاجتی باشد پناه به حضرت رسول صلی الله علیه و آله بیاور و دو رکعت نماز بخوان و آن را به حضرتش هدیه کن ...». (۱) این زبان در مفهوم زیارت، جایی ندارد و از آن بیرون است.

زبان دینی

مقصود از زبان دینی در این جا، زبانی است که از اهل بیت علیهم السلام برای ادعیه و زیارات، به ما رسیده است. وقتی اسم هرچیز، کلید آن است و هر اسمی از اسمای الهی، درهای ویژه ای را باز می کند، و این همه از سوی باری تعالی به اهل بیت علیهم السلام سپرده شده است، شایسته نیست، بلکه روا نیست که از اسم و کلید دیگر، آن هم از بیگانه این راه، استفاده کنیم.

کسی که بر لب کوثر چشید جام مراد دهان خویشتن از آب شورتر نکند

زبان خواستن باید به زبان کسی باشد که بلد این راه است و از راه های تودرتو و توبرتوی خواهش های انسانی، آگاهی دارد. آن که از قفل های وجودی انسان خبر دارد، می داند چه کلیدی برای گشایش کدام در بسته به کار می آید. و تنها دست زبان اوست که می تواند درهای بسته پیش روی ما را باز کند.

بر در شهر امید، دست تو راز کلید دیر رسیدم اگر مانده خجولم بده (۲)

و اوست که از نیازها، خواسته ها، چه خواستن، چه وقت خواستن، کجا خواستن، چگونه خواستن بشر و از راز و رمز دعا و زیارت، آگاهی دارد، و مهم تر از همه این که:

نسبت به برآورده ساز(قاضی الحاجات) کمال معرفت را داراست. «وَلِلَّهِ الأَسْمَآءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا»؛ (۳)

و نام های نیکو به خدا اختصاص دارد، پس او را با آنها بخوانید.

اوست که می داند زبان دعا و زیارت، زبان عجز و تضرع است، نه زبان غرور و لاف و بادسری و پرافادگی. «ادْعُواْ رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ و لَايُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»؛ (۴)

پروردگار خود

۱- مفاتیح نوین، ص ۲۱۷، به نقل از کافی، ج ۳، ص ۲۷۶، ح ۱.
۲- نگارنده.
۳- سوره اعراف، آیه ۱۸۰.
۴- همان، آیه ۵۵.

را به زاری و نهانی بخوانید که او از حد گذرندگان را دوست نمی دارد.

زبان زیارت

زیارتنامه، واژه ای است عربی- فارسی. «دعاهایی که در وقت زیارت آرامگاه امام یا امامزاده ای از روی نوشته یا از بر می خوانند». (۱) شهید ثانی نیز چنان که یاد کردم، پنجمین آداب زیارت را: زیارت به زبان مأثور و سلام و حضور. (۲) دانسته و همچنین نوشته است: با زبان مأثور، زیارت کند. (۳) و یا این که: متن دعا و اذن دخول، با زبان مأثور باشد. (۴) و نیز در یازدهمین آداب زیارت نوشته است: و چون زمان خروج فرا رسید، وداع کند و با زبان مأثور، دعا بخواند. (۵) پس در باور درون دینی و درون مذهبی ما، زبان دعا و زیارت، یک زبان دینی و مذهبی و اهل بیتی است. و این زبان رسمی است که در مفهوم زیارت، ویژگی نقش آفرین قلمداد می شود.

یادسپاری

۱. گاه زبان زیارت، درباره موضوع خاص، زمان ویژه ای را می طلبد، و گاه نیز علی رغم داشتن موضوع خاص، فرازمانی و فرامکانی است. از این رو، در مذهب ما واسطه عترت رسول صلی الله علیه و آله این ویژگان و خبرگان مناجات، زیارتنامه ها دو جور یاد شده اند:

الف) زیارات مخصوص: زیارت هایی که در موضوع خاص وارد شده اند و باید در وقت معیّن خوانده شوند؛ مثل زیارت عاشورا، عرفه، اربعین و ....

ب) زیارات مطلقه: زیاراتی که در موضوع خاص وارد شده اند و می توان آنها را در

۱- فرهنگ عمید.

۲- الدروس الشرعیّه فی فقه الإمامیّه، ج ۲، ص کتاب المزار، ص ۲۳.

۳- همان، ص ۱۲.

۴- همان، ص ۲۳.

۵- همان، ص ۲۴.

هر جا و هر وقت خواند؛ مانند زیارت وارث و امین اللّه و ....

۲. از ویژگی های یادشده در مفهوم زیارت، زمان و مکان و زبان، برای زایر، به ویژه در ادیان آسمانی، معقول تعیین شده است، اما تحقق نیت و عمل حسی، شرایط ظاهری و حالات را با ارائه آن، دور از اختراع از او خواسته اند.

پس زیارت، واقعیتی است اصیل و عملی است حسی، عبادی، با آداب مخصوص و حالات متعالی، در زمان فراخ یا اندك(كه به آن توصیه شده است) با موضوع خاص(شی ء، مكان یا شخص) و با زبان دینی(وارده از اهل بیت علیهم السلام).

هدف

زیارت از جنس و سنخ خواستن به نظر می آید. چون دیداری است پر از خواهش، ولی یک کشش و نیاز نفسانی با اهداف متفاوت و پرمراتب است. در بیان هدف زیارت که آن را رکن اساسی زیارت می دانم می نویسم: مقصد و مقصود زایر را می توان در سه دسته، رده بندی کرد:

الف) مکانی که جسم مزور در آن به خاك شده و یا به دلیل دیگر از او قدسیت یافته است.

ب) نیاز به خیر یا دفع ضرر و اذیت(به تعبیر بوعلی). (۱) ج) نفس مزور.

سه رده یادشده، از اهداف زیارت، به شمار می آیند و به استعداد و بینش و آگاهی زایر باز می گردند. بیان رده نخست، در ویژگی موضوع، یاد شد؛ نیاز به خیر و دفع

۱- برخی با توجه به اهداف زیارت، آن را در دو رده یاد کردند: زیارت اهل قبور و زیارت اولیای الهی، که اولی با هدف سودرسانی است؛ چون آنان نیازمند و رنجورانـد، و دومی به نیتِ سودبری است؛ چون آنها دارنده و گنجوراند. «مطلق زیارت اهـل قبور برای طلب رحمت و نثار فـاتحه و دعا برای مغفرت آنهاست، ولی زیارت اولیا شکل طلب رحمت و مغفرت نـدارد، بلکه نوعی ستایش و درود است. سلام است؛ تمجید و ثناست». ر. ك: یادداشت های استاد مطهری، ج ۵، ص ۴۱۳.

ضرر و اذیت (۱) نیز همه فهم است، اما در بیان رده سوم باید بنویسم: معمولًا زیارت، التقا و مصب دو نفس است؛ زایر و مزور در بیشتر زیارات، دو نفس انسانی است؛ (۲) جسم زایر در زیارت به منزله مرکبی است که بر آن سوار می شود تا به مقصد و مقصود خود برسد و مرسوماً جسم مزور نیز هدف زیارت نیست، حتی برای زایران عوام و خواص که به خاطر نیاز به خیر یا دفع ضرر و اذیت به زیارت آمده اند، نفس مزور و مزار او هم هدف نمی باشد، بلکه معمولًا از قرار گرفتن در کنار خاک و نفس او، بیشتر مؤثر بودنش در نظام هستی و قدرتش در رواسازی خواهش ها را هدف قرار می دهند که البته شاید کمی خودخواهانه به نظر برسد؛ و این بدان خاطر است که وضعیت به هم ریخته موجودشان، یعنی نیاز به خیر یا دفع ضرر و اذیت، حجاب شان شده و آنها را از نفس مزور بی خبر ساخته است. از این رو، جز این نمی خواهند. چون خواستن، فرع بر دانستن است و آنها از خیر بالاتر بی خبراند و چون نمی دانند، نمی خواهند. به همین سبب، هم سطح و هم سنخ با استعداد و بینش و آگاهی شان، استمداد دارند و طلبی جز خیر یا دفع ضرر و اذیتی که می فهمند ندارند! که البته از نگاه عشق بازانِ دلداده، مزور متعالی در این سطح از استعداد و بینش و آگاهی و استمداد، فقط عمله اجابت دانسته و به زیر کشانده شده است! اما در استعداد و بینش و آگاهی متعالی، استمداد هم متعالی است و رنگ و بوی محبوب گرایی دارد.

هر کس ز درِ تو حاجتی می خواهد من آمده ام از تو، تو را می خواهم

زایر عشق بازِ دلداده در این رده از زیارت و در یک کشش نفسانی، بر مرکب جسم می نشیند و خاطرخواهانه بدون چشم داشت مادی، با گذشت از خود و به قصد

۱- ر. ک: رسائل ابن سینا، ص ۳۳۸.

۲- «الموت یوجب سلب العلاقه الصوریه لا المادیه ولهذا شرّع زیاره الأموات». مرگ موجب قطع علاقه صوری می شود، اما علاقه مادی همچنان پایدار است و از همین جهت زیارت قبور تشریع و جایز شمرده شده است. ر. ک: تعلیقات علی شرح فصوص الحکم ومصباح الأنس، ص ۱۷۴ و ۱۷۵.

وصال مزور، آگاهانه آهنگ او می کند و وضعیت موجودش هرچه باشد(نیاز به خیر یا دفع ضرر و اذیت)، حس حضورش را نمی دزد، و نگاهش را به زمین نمی دوزد و از دِهِش های جمالی دلبر و دلدار باز نمی ماند. از این رو، استعداد نفسانی و بینش و آگاهی اش را با استمداد آسمانی در می آمیزد و طلبی جز این مطلوب ندارد. اساساً او چون از خیرات فرازین باخبر است می طلبد و چون می داند، می خواهد. بدین جهت، بسنده کردن به خواهش های فرودین، با استعداد و بینش و آگاهی اش سازگار نیست و برایش به زندگی اجباری زیر خط فهم و گرفتاری در دوزخ می ماند.

دیدار پرآب و مشوب کجا و زیارت نابِ محبوب کجا؟! گوارا این زیارت به کام کسانی که تنها به قصد اتصال با نفس مزور، گام برداشته اند و چونان قطره، یکی شدن با دریا را آرزو می کنند و با گرفتن صد در دامن، نود را نیز پیش رو دارند؛ الحق و الانصاف، زیارت حقیقی، همین است؛ بلکه نزدیک به بالاترین مرتبه غیر معمول زیارات و از سنخ و جنس زیارت اللَّه است: «اللّهم اجعلنی مِن زُوّارک»؛

(۱) بار خدایا، مرااز زایران خویش قرار ده.

زیارت بیت اللَّه کجا و زیارت اللَّه کجا؟

حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: «شغلنی عن مسألته لذّه خدمته، لا حاجه لی غیر النظر إلی وجهه الکریم»؛ (۲) لذّتی که از خدمت حضرت حق می برم مرا از هر خواهشی بازداشته است: حاجتی جز این ندارم که پیوسته ناظر جمال زیبا و والای خداوند باشم.

۱- بحارالأنوار، ج ۱۸، ص ۳۷۷. «در خصوص زیارت خداوند نیز که در دعای «اللهم اجعلنی من زوّارك» آمده است به معنای قصدکنندگان به سوی او و پناه آورندگان به درگاهش تفسیر شده است.(مجمع البحرین، ج ۱، ربع ۲، ماده زور، ص ۳۰۴). بدیهی است که چنین معنا و حقیقتی حضور واقعی و اصیل زایر در نزد مزور را به همراه دارد و از این رو، اگر زیارت به «حضور زایر در نزد مزور» معنا شد، این تعریف به لازم معناست؛ البته لازم بیّن و حتمی آن معنا». ر. ك: فلسفه زیارت و آئین آن، ص ۲۰. البته در لازم بیّن و حتمی بودن آن، تأمّل است. نگارنده.
۲- نهج الحیاه(فرهنگ سخنان فاطمه علیها السلام)، ص ۹۹، ح ۵۶.

روزی که برفتند حریفان پی هر کار زاهد سوی مسجد شد و من جانب خمار

من یار طلب کردم و او جلوه گه یار حاجی به ره کعبه و من طالب دیدار

او خانه همی جوید و من صاحب خانه (۱)

کی نوبت ما می شود، اللّه داند کی این قفس وا می شود، اللّه داند

کی طور دل از آن اناالحق نام گیرد کی سینه سینا می شود، اللّه داند

در صحنه ام، امیدوارم، انتظارم کی صبر معنا می شود، اللّه داند

جانم به جان آید در آن هنگامه بزم وقتی که برپا می شود، اللّه داند (۲)

دست یابی به حقیقت یادشده که کامل ترین مرتبه زیارت است، مشروط به پشت پا زدن به همه رذایل و روی آوردن به تمامی فضایل و نیز منوط به همگونی و همراهی فکر و خیال و قلب و زبان و عمل با آموزه های شریعت است: در این جا سزاوار اشاره است که خطیبان و عالمان می بایست مسلمانان را به آداب درست زیارت، ارشاد و توجیه کنند و آنان را به آنچه در دنیا و آخرت سودشان می بخشد یادآور شوند، تا زایر دریابد که حضور در مزارِ شریف، وسیله ای برای یادکرد است و از عمل به شریعت و دین و سنت و تخلق به اخلاق، جدا نیست. (۳) و اگر جز این باشد، مردود و به خودخواهی و فریب، محکوم است:

برو این دام بر مرغ دگر نه که عنقا را بلند است آشیانه

شهید ثانی، دوازدهمین آداب زیارت را این می داند: زایر می بایست پس از زیارت، بهتر از قبل باشد؛ زیرا اگر او به قبول دست رسانده باشد، بارهای سنگین را به زمین گذاشته است. (۴)

۱- دیوان کامل شیخ بهایی، ص ۱۶۱.

۲- نگارنده.

۳- الزیاره فی الکتاب والسنه، ص ۸۶.

۴- الدروس الشرعیّه فی فقه الإمامیّه، ج ۲، کتاب المزار، ص ۲۴.

پس، زیارت آن است که در انـدیشه و عمل، کارگر بیفتـد و زیست فردی و زیست فردی و اجتماعی را محتوا ببخشد. زیارت، نفخه ای نو در کالبـد زیسـتن و ترجمانی از «نَفَخْتُ فِیهِ مِن رُّوحِی» (۱) است. زیـارت آن است که کـاسه کسبِ دل و جان و عقیـده زایر را پر کند و برکت را بر دامن زندگی عمل او سرازیر سازد.

زیارت آن است که حظّ حضور زایر را با محضر مزور در آمیزد.

زیارت آن است که برات رضایت حق را به دست زایر، هدیه دهد.

حرف های آخر

اشاره

در پایـان، از خاسـتگاه و فلسـفه زیارت همراه با نکته هایی و نیز از نتیجه پژوهش، همونـد و همگون با آنچه نگاشـته ام یاد می کنم که البته برخی از اینها برای پژوهندگان علاقه مند، جهت پژوهشـی تازه، به ویژه در نگاه درون دینی و مذهبی، دست مایه خوبی به نظر می رسد:

۱. خاستگاه زیارت

زیارت انسان از دوست صـمیمی یا از کسـی که با او پیوند روحی یا مادی داشـته است، از اموری شـمار می آید که دل و جان سالم بدان اشتیاق دارد. (۲) از این رو، روا نیست دینی که اساسـش بر فطرت اسـتوار است، با این عمل مخالفت ورزد یا انسان را از نزدیک شـدن و رودرویی با دوسـتانش باز بـدارد، بلکه بر عهـده اسـلام است که آن را تعریف و آدابش را یاد کنـد و از برخی امـوری که در نهـاد زیـارت، وارد نیست ممـانعت ورزد. (۳) انسـان نسـبت به معشـوق و محبوبش، علاـقه ای دارد که با مرگ آن معشوق و محبوب، قطع نمی شود، بلکه بعد از فراق او هم به شکلی خاص آن را نگه می دارد؛ و

۱- سوره حجر، آیه ۲۹.

۲- الزیاره فی الکتاب و السنه، ص ۹.

۳- همان.

این، نکته ای است که انسان از صمیم قلبش آن را حس می کند. از این رو، بر شریعت آسمانی که پاسخ فطرت است روا نیست که انسان را از چنین علاقه ای منع کند، بلکه عهده اوست که آن را میانه و حدّ دار سازد و اضافات را از آن ازاله کند. (۱) کوتاه سخن این که: زیارت، نمایِ عشقی پایدار است.

۲. فلسفه زیارت

زیارت شخصیت های بزرگ و قدیسان صاحب رساله، آثار مثبتی است که گاه به زایر و گاه مزور باز می گردد:

اما نخست: همانا زیارت پیوست بین کامل و کسی است که کمال را می خواهد.

پس ماندگاری این پیوستگی به این است که او چشم خود را برای تخلق به اخلاق کامل، تیز کند و راه و روش او را پیروی کند و عهد با او را تجدید سازد. (۲) و دوم، یعنی آثار مثبتی که به مزور باز می گردد، این است که زیارت شخصیت های بزرگ، جاودان سازی یادشان و برجسته سازی رساله های آنان در اذهان است. (۳) پس اگر ما زیارت را از قاموس زندگی مان حذف کنیم و مزار بزرگان و قدیسان را رها سازیم و بر خانه هایشان قفل بزنیم و سال ها درباره آثارشان تلاشی نکنیم، همانا آثارشان را در معرض نابودی و تباهی قرار داده ایم! (۴) در صورتی که زیارت، بخشی از نیازهای روحی و زندگی معنوی و اجتماعی است. در زیارت، تلقین و تعلیماتی است که انسان زایر را از جهل و گمراهی نجات می دهد و او را به سمت و سوی زندگی شایسته فردی و اجتماعی رهنمون می شود.

چنان که «زیارت آن بزرگواران(معصومان) به شکلی که در بالا گفته شد و به عنوان «اولیاء اللّه» و درخواست از آنان به عنوان «شفیعان درگاه الهی» و «عباد صالحین

۱- همان، ص ۱۵.

۲- همان، ص ۸۳.

۳- همان، ص ۸۴.

۴- همان.

پروردگار» عین توحید و یکتاپرستی است، و سبب پرورش روح تقوا و ایمان است». (۱) «کسی که کم ترین آشنایی با مسایل روانی و روحیه الگوپذیری انسان داشته باشد، تصدیق خواهد کرد که اگر زایری با توجه و حضور قلب و با عنایت به «محتوای بلنـد کلمـات و جملاـت زیـارات» در حرم آن بزرگواران حضور یابـد، در هر جمله ای از این زیارات یک درس مهم تربیتی و انسان ساز نهفته است». (۲) از این رو، با صـراحت و افتخار می توان نوشت: پرمحتواترین، زیباترین، واقعی ترین و متعالی ترین زیارات، زیارات مأثوره شیعی اند.

زیارتِ متعارف در تشیّع

کوتاه اشاره می کنم که زیارتِ متعارف در مذهب تشیّع، شرک نیست. استاد شهید مطهری در این خصوص می نویسد: «انبیا و اولیا راه های خدا هسـتند: أَنْتُمُ السَّبِیلُ الْأَعْظَمُ وَ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ؛ (۳) شـمایید راه بزرگ و صراط پایدار. آنان علامت ها و نشانه های سـیر الی اللَّه هستند: وَ أَعْلَاماً لِعِبَادِهِ وَ مَنَاراً فِی بِلَادِهِ وَ أَدِلَّاءَ عَلَی صِرَاطِهِ؛ (۴) و نماینده خود برای بندگان و علامت روشن در بلاد عالم و راهنمایان صراط مستقیم خود گردانید.

هادیان و راهنمایان به سوی حق می باشـند: ... الـدُّعَاهِ إِلَی اللَّهِ وَ الْأَدِلَّاءِ عَلَی مَرْضَاهِ اللَّه؛ (۵) داعیان به سوی خدا، راهنمایان بر خشنودی خداوند.

پس مسأله این نیست که توسـل و زیارت و خوانـدن اولیا و انتظار، کاری مافوق الطبیعی از آنها شـرک است، مسأله چیز دیگر است. اولًا بایـد بـدانیم انبیا و اولیا چنین صـفودی در مراتب قرب الهی کرده انـد که از ناحیه حق تا این حـد مورد موهبت واقع شده باشند یا نه؟ از قرآن کریم استفاده می شود که خداوند به پاره ای از بندگان خود

۱- مفاتیح نوین، ص ۲۰۷.

۲- همان.

۳- «انْتُمُ الصّراطُ الأقْوَمُ(السَّبِیلُ الأعْظَمُ)» بخشی از زیارت جامعه کبیره.

۴- همان.

۵- همان.

چنین مقامات و درجاتی عنایت کرده است». (۱) مسأله دیگر این است که آیا مردمی که توسلات پیدا می کنند و به زیارت می رونـد و حاجت می خواهند، از نظر توحیدی درک صحیحی دارند یا ندارند؟ آیا واقعاً با نظر(به سوی اویی) به زیارت می رونـد یا با فراموشـی(او) و مقصـد قرار دادن شـخص زیارت شـده که بدون شک اکثریت مردم با چنان توجه غریزی به زیارت می روند.

ممکن است اقلیـتی هم باشـند که فاقـد درک توحیـدی- ولو در حـد غریزی- باشـند، به آنهـا بایـد توحیـد آموخت، نه آن که زیارت را شرک دانست». (۲)

نتیجه پژوهش

پس از بازشناسـی ویژگی هـای برجسـته و متعـارفِ رُکنی و نقش آفریـن در مفهـوم زیـارت، به این نظر، دست رسانـده ام که: زیارت در یک نگاه آزادِ برون دینی و مذهبی و دور از جانبداری، مفهومی بسـیار گسترده دارد و نمی شود آن را در یک حدِّ فراگیر، محـدود سـاخت. از این رو، بر این بـاورم که زیارت، دارای مجموعه ای بی شـمار از ویژگی های گوناگونِ متعارف و غیر متعارف است که در یک حدّ نمی گنجد؛ زیرا هم شامل آفریدگار می شود: «اللهم اجعلنی من زوّارک»، هم شامل آفریده هـا: ذوی العقـول و غیر ذوی العقـول، عناصـر مختلـف، اهریمنی و غیر اهریمنی، زنـده و مرده، زمینی و آسـمانی، فیزیکی و متافیزیکی، جسم و روح، خوراکی و غیر خوراکی و ... در سطوح متفاوت و مراتب مختلف.

از این رو، تعریفِ جـامعِ زیـارت، ناممکن به نظر می رسـد، و به همین سـبب من در این وجیزه، تنها به ویژگی های برجسـته و متعارف آن پرداخته ام.

۱- ر. ک: رساله ولاءها وولایتها.

۲- مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی(جهان بینی توحیدی)، ج ۲، ص ۷۹ و ۸۰.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه آقای فولادوند.

۲. آثارالصادقین، حاج شیخ صادق احسانبخش، روابط عمومی ستاد برگزاری نماز جمعه گیلان، رشت، چاپ اول، تابستان، ۱۳۶۹.

۳. ادیان شرق، محمدعلی رستمیان و علی موحدیان، در دست چاپ.

۴. التهذیب، شیخ طوسی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۰ جلد، ۱۳۶۵.

۵. إقبال الأعمال، سیدبن طاوس، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۶۷.

۶. بحارالأنوار، علامه محمدباقر مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت- لبنان، ۱۴۰۴ ق.

۷. تعلیقات علی شرح فصوص الحکم و مصباح الأنس، روح اللّه الموسوی(امام خمینی)، پاسدار اسلام، قم، ۱۴۱۶ ق.

۸. ثواب الأعمال، شیخ صدوق، شریف رضی، قم، ۱۳۶۴.

۹. دائرهالمعارف الأسلامیه الشیعه، حسن الأمین، دار التعارف للمطبوعات، لبنان، بیروت، الطبعه السادسه، ۱۴۲۲ ق/ ۲۰۰۲ م.

۱۰. دائرهالمعارف المسماه بمقتبس الأثر و مجدّد مادثر، الشیخ محمد حسین الشیخ سلیمان الأعلمی المهرجانی الحائری، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، کربلا، الطبعه الأولی، ۱۳۸۸ ق- ۱۹۶۸ م.

۱۱. دانش نامه دین، زیارت در آیین هندو، هفت آسمان، فصلنامه تخصصی ادیان و مذاهب، قم، سال هشتم، شماره بیست و نهم، بهار ۱۳۸۵.

۱۲. دایرهالمعارف تشیع،(نویسنده مقاله: مهدی حائری) زیر نظر احمدصدر حاج سیدجوادی، بهاءالدین خرمشاهی، کامران فانی، نشر شهید سعید محبی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۱۳. دایرهالمعارف فارسی، به سرپرستی غلامحسین مصاحب، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۰.

۱۴. الدروس الشرعیه فی فقه الإمامیه، الشیخ شمس الدین محمد بن مکی العاملی(الشهید الأول)، مؤسسه النشر الإسلامی، الطبعه الاولی، ۱۴۱۴ ق.

۱۵. دیوان کامل شیخ بهایی(شامل اشعار و آثار فارسی)، با مقدمه استاد سعید نفیسی، چکامه، تهران، ۱۳۶۲.

۱۶. رسائل ابن سینا، ابو علی حسین بن عبداللَّه سینا معروف به شیخ الرئیس، بیدار، قم، ۱۴۰۰ ق.

۱۷. رساله نور علی نور، علامه حسن حسن زاده آملی، تشیع، قم، ۱۳۷۵.

۱۸. زبان قرآن، مسعود فراستخواه، علمی و فرهنگی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۱۹. زمزمه های انتظار، محمدهادی فلاح، مرکز مهدویت، قم، چاپ اول، بهار ۱۳۸۵.

۲۰. الزیاره فی الکتاب و السنه(تحلیل لمفهوم الزیاره و آثارها و أحکامها)، جعفر سبحانی، بی نا، بی جا، بی تا.

۲۱. عدل الهی، شهید مرتضی مطهری، صدرا، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۷۲.

۲۲. فرهنگ بزرگ جامع نوین(عربی به فارسی)، ترجمه المنجد، لویس معلوف، مترجم: احمد سیاح، اسلام، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۴.

۲۳. فرهنگ بزرگ سخن، به سرپرستی دکتر حسن انوری، انتشارات سخن، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۱.

۲۴. فرهنگ عمید، حسن عمید.

۲۵. فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی(عربی به فارسی همراه با معادل انگلیسی)، سیدمحمد حسینی، سروش، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۲۶. فرهنگ واژه های فارسی سره(برای واژه های عربی در فارسی معاصر)، فریده رازی، نشر مرکز، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۰.

۲۷. فلسفه اخلاق، شهید مرتضی مطهری، صدرا، تهران، چاپ یازده، ۱۳۷۲.

۲۸. فلسفه زیارت و آئین آن، مرتضی واعظ جوادی، مرکز نشر اسراء، قم، چاپ سوم، ۱۳۸۵.

۲۹. الکافی، ثقهالإسلام کلینی، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۶۵.

۳۰. کامل الزیارات، ابن قولویه قمی، مرتضویه، نجف اشرف، ۱۳۵۶.

۳۱. گفتارهای معنوی، شهید مرتضی مطهری، صدرا، تهران، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۳.

۳۲. لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا.

۳۳. مجمع البحرین، شیخ فخر الدین طریحی، تحقیق: احمد حسینی، انتشارات ایران، تهران، ۱۳۷۵.

۳۴. مستدرک الوسائل، محدث میرزا حسین نوری، مؤسسه آل البیت، قم، ۱۴۰۸ ق.

۳۵. معارف و معاریف، سیدمصطفی حسینی دشتی، مؤلف، چاپ دوم، ۱۳۷۶.

۳۶. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی.

۳۷. مفاتیح نوین، مکارم شیرازی و همکاران(احمد قدسی و سعید داودی)، مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ ششم، ۱۳۸۶.

۳۸. مفتاح الفلاح، شیخ بهایی، دارالأضواء، بیروت، ۱۴۰۵ ق.

۳۹. مفردات الفاظ القرآن الکریم، راغب الأصفهانی، تحقیق صفوان عدنان داوودی، طلیعهالنور، چاپ الأولی، بی جا، ۱۴۲۶ ق.

۴۰. مقدّمه ای بر جهان بینی اسلامی(جهان بینی توحیدی)، شهید مرتضی مطهری، صدرا، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۲.

۴۱. المنجد فی اللغه، لویس معلوف، انتشارات اسلام، چاپ سوم، ۱۳۸۳.

۴۲. نهج الحیاه(فرهنگ سخنان فاطمه علیها السلام)، محمد دشتی، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، قم، ۱۳۷۲.

۴۳. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، مؤسسه آل البیت، قم، ۲۹ جلدی، ۱۴۰۹ ق.

۴۴. یادداشت های استاد مرتضی مطهری، صدرا، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۳.

۳. صفای زیارت

اشاره

غلامرضا گُلی زواره

چکیده

در منابع روایی ما آمده است که برای هر امامی پیمانی برگردن پیروانش می باشد.

وفـای به این میثـاق هنگـامی کامـل می گردد که مراقـد آن بزرگواران زیارت شود. از این رو زیارت تجدیـد دیـدار و عهـد و پیمان زایر با امام معصوم و انسان کامل است. زیرا زایر به وسیله زیارت، رشته مودت خود را محکم می کند و میزان اطاعت از دستورات امام خویش را افزایش می دهد. و با تکیه بر مضامین آموزنده زیارتنامه مأثور و مستند که از اهل بیت رسیده است با مقام معصومین و یا اولاد کرام آنان ارتباط قلبی و معنوی برقرار می کند.

برخی دیگر از مباحث این نوشتار مطالبی است که در ذیل این عناوین آمده است:

معنـای زیـارت، متون زیـارتی، زیارت در قرآن، سیره پیامبر اکرم و ائمه اطهار در زیارت، روش علما و حکما و عرفا، حکمت زیارت، نقش تربیتی زیارت، بصیرت زایر، آداب زیارت، آفات زیارت و ...

کلیدواژه ها: زایر، زیارت، ائمه اطهار، معصومین، ادب زیارت.

معنای زیارت

زیـارت در لغت دیـدار کردن با قصـد را گوینـد که در ریشه این واژه مفهوم میل و گرایش نهفته است، گویی زایر از دیگران روی گردانیـده و به سوی زیـارت شونـده قصـد کرده است. (۱) در عُرف عموم مردم، قصـد زیـارت کننـده یـک نوع اکرام و تعظیم

۱- معجم مقاییس اللغه، ج ۳، ص ۳۶.

می باشد. (۱) همچنین زایر با نوعی امیدواری به سوی زیارت شونده می رود و در صدد است بر اثر ارتباطی معنوی، یا از بار گناهان و خطاهای خود کم کند، یا آن که با این حضور روحانی از گرفتاری های خویش بکاهد. در هر حال زایر در این برنامه با برکت و معنوی یک نوع ترقی و تعالی را طالب است و می خواهد ظرفیت های خویش را به سوی خوبی ها و خصلت های ارزنده ارتقا دهد. (۲) زیارت معصومین در حال حیات یا پس از شهادت تفاوتی ندارد؛ چنانچه قرآن می فرماید: «وَ لا تَحْسَبَنَّ الّذینَ قتلوا فی سَبیلِ اللَّه امْواتاً بَلْ احْیاءٌ عِنْدَ رَبِّهُمْ یُرْزَقونَ» (۳)

و کسانی را که در راه خدا کشته شده اند مرده مپندارید، بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزی می خورند.

مقصود اصلی زیارت این است که انسان مسلمان و معتقد، به مشاهد متبرک و بقاع مقدس برود و با تکیه بر متون مأثور و مستند که از اهل بیت رسیده است با مقام معصومین یا اولاد آنان ارتباط قلبی و معنوی برقرار کند، امّا گاهی این اتصال روحانی از راه دور برقرار می گردد. در اعمال عبادی سیاسی حج نیز خانه خدا طی اعمال خاصی توسط حاجیان زیارت می شود.

علاوه بر این، زیارت قبور مؤمنین و مؤمنات نیز در این مقوله می گنجد که استحباب آن در منابع روایی مورد سفارش و تأکید قرار گرفته است و فواید اخلاقی و مزایای عبرت انگیزی دارد. نوع دیگر زیارت، دیدار مؤمنان در حال زنده بودنشان، هنگام سلامتی یا بیماری است که از جمله آداب مهم دینی و اجتماعی است و در احادیث معتبر به آن تأکید شده و پاداش های فراوانی برای این عمل خیر بیان گردیده است، زیارت برادران دینی نیز آدابی دارد و باید برای میزبان تکلّف و زحمت به

۱- مجمع البحرین، ج ۲، ص ۳۰۵؛ المصباح المنیر، ص ۳۵۴.

۲- کشف الارتیاب، ص ۴۵۹؛ دائره المعارف الاسلامیه الشیعیه، ج ۱۲، ص ۶۷.

۳- سوره آل عمران، آیه ۱۶۹.

وجود نیاورد، میزبان بایـد به اسـتقبال زیارت کننـده بیاید و در تکریم او بکوشد و در حد توان از وی پذیرایی کند. (۱) گاهی دیدار با مشاهیر و علما و شخصیت های برجسته دینی نیز مفهوم زیارت را در ذهن متبادر می کند. (۲)

متون زیارتی

در بسـیاری از منابع شـیعی متون ارزشـمندی به عنوان زیارتنامه از امامان نقل شـده است. متن هایی که به کمک آنها می توان یکی از ائمه اطهار یا اولادشان را زیارت کرد، از متون معتبر و مستند هستند که امام معصوم نقل نموده و یا توسط ائمه هدی به خوانـدن آنها تأکیـد گردیـده است. عبارت های فصـیح، جمله بنـدی های ظریف، معانی دقیق، محتوای سازنده و رشد دهنده، مضامینی که عقایـد شـیعه را مطرح می کند، جبهه گیری در برابر سـتمگران و دفاع از مظلومان و محرومان، همراهی با حماسـه آفرینـان و تقاضـای همگـامی بـا نوریان و پاکان و نفرت از اهل شـرارت، از ویژگی های مهم متون زیارتی می باشـد. شـیوایی کلاـم، والاـیی مضـمون و معـارف و کمالاـتی که در زیارتنـامه های مسـتند موج می زنـد خود گویای اصالت و مُعرّف دانش ارجمند و الهی گوینده آن است.

زیـارت جامعه کبیره از جمله متون بسـیار معتبری است که هر یک از ائمه اطهار را می توان با آن زیارت کرد، این زیارتنامه به سنـدهای موثق از امام هادی علیه السـلام روایت شده و جمع بسـیاری از علما و مؤمنین به خواندن آن مداومت داشـته و دارند. سند آن به موسـی بن عبداللّٰه نخعی می رسد که امام هادی علیه السـلام وی را به این متن بلیغ و کامل برای زیارت هر کدام از امامان تعلیم فرموده است. (۳) زیارت آل یس، زیارت رجبیه و

۱- دائره المعارف تشیع، ج ۸، ص ۵۶۶.

۲- لغت نامه دهخدا، ج ۹، ص ۱۳۰۵۴.

۳- این زیارت در من لا یحضـره الفقیه، ج ۲، ص ۳؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۷۷؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۹۵ و دیگر منابع روایی نقل شده است.

زیارت عاشورا نیز شهرت فراوانی دارند. در کتاب هایی چون کامل الزیارات ابن قولویه، مصباح المتهجد شیخ محمّد بن جعفر مشهدی، مهج الدعوات ابن طاووس، المزار الکبیر شیخ محمّدبن بهایی، تحفه الزائر علامه مجلسی و نیز مصباح المنیر و مفاتیح الجنان، متون زیارتی متعددی درج گردیده است. (۱)

زیارت در قرآن

در قرآن کریم درباره اصحاب کهف می خوانیم: «قالَ الّذین غَلَبُوا عَلی امرِهم لَنتَخّذَنَّ عَلَیْهِمْ مَسْجداً» (۲)

(آنان که از رازشان آگاهی یافتند و ماجرای آنها را دلیلی بر روز رستاخیز دیدند) گفتند: ما در کنار(مدفن) آنها مسجدی بنا می کنیم(تا یاد و خاطره آنان فراموش نگردد). این موضوع نشان می دهد که ساختن عبادتگاه، مرقد و بارگاه به احترام بزرگان دین، نه تنها خلاف شرع نمی باشد- و آن چنان که فرقه منحرف وهّابی حرام می پندارند نیست- بلکه جایز و کار خوب و شایسته ای خواهد بود. اصولًا بناهای یاد بود که خاطره افراد برجسته را احیا می کند، یک نوع قدردانی از تلاش آنان و نیز تشویقی برای آیندگان است.

علامه طباطبایی ذیل آیه فوق حدیثی را نقل کرده است که ترجمه آن چنین می باشد: «ملک گفت: سزاوار است این جا مسجدی ساخته شود تا آن را زیارت کنیم.

از این آیه و نیز روایت استفاده می شود که محل دفن افراد مؤمن و مُوحّد و مجاهدان در راه اعتلای توحید را می توان زیارت کرد و حتی بر مزارشان مسجدی بنا نمود که در آن ذکر پروردگار گفته شود و سازندگان مسجد نیز خداپرست و عابد بوده اند». (۳) در آیه دیگری آمده است: «وَ لَوْ انَّهُمْ اذْ ظَلَمُوا انْفُسَهُمْ جاؤکَ فاسْتَغْفَرُاللَّه و استغفر لَهُمْ

۱- موسوعه زیارت المعصومین که توسط مؤسسه امام هادی تدوین گردیده، درباره سند و مدرک این متون پژوهش های ارزنده و جالبی دارد.

۲- سوره کهف، آیه ۲۱.

۳- تفسیر المیزان، ج ۱۳، ص ۳۰ و ۳۸۵؛ تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۳۸۸.

الرسول لوجدوا اللّه تواباً رحیماً» (۱)

هنگامی که به خود ستم می کردند(ای پیامبر) نزد تو می آمدند و از خدا طلب آمرزش می نمودند و پیامبر هم برایشان استغفار می کرد،(پس) خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند. این آیه با صراحت می گوید: پیامبر را می توان به درگاه خدا شفیع قرار داد و توسط او رحمت و مغفرت الهی را جلب کرد.

همچنین از این کلام وحی بر می آید که توسّل جستن به پیامبر و امام، شرک نمی باشد و رواست. و در زیارت ها مؤمنین از مقام معصوم می خواهند برای قبول توبه آنان در پیشگاه خداوند واسطه باشند و نیز از منزلت معنوی ائمه برای مغفرت و بخشش خطاهای خود استفاده می کنند. نورالدین فرزند سمهودی از سبکی نقل می کند: این آیه علاوه بر این که به طلب استغفار نزد پیامبر تأکید دارد مُبَیّن آن است که چنین حالتی با رحلت آن حضرت قطع نمی گردد. وی اضافه می کند: با این وصف می توان بر کنار مرقد آن حضرت از پیشگاه حق تعالی، طلب استغفار کرد. (۲) قرآن می فرماید: «ذَ لِکَ وَ مَن یُعَظِّمْ حُرُمتِ اللَّهِ فَهُوَ خَیْرٌ لَّهُ ... (۳)

و هر کس برنامه های الهی را بزرگ دارد برایش نزد پروردگار بهتر است. روشن است که منظور از «حرمات» در این آیه اشاره به اعمال و مناسک حج است، اما در منابع تفسیری و تاریخی اهل سنت و شیعه مراعات احترام و تکریم مقام نبی اکرم صلی الله علیه و آله جزء حرمات الهی است و هر گونه تعدی به این حریم مقدس در ایمان و تقوای آدمی خلل ایجاد می کند، چرا که آیه دیگری می فرماید: «ذَ لِکَ وَ مَن یُعَظِّمْ شَعلِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقْوَی الْقُلُوبِ» (۴)

و نیز قرآن تأکید می فرماید: «إِنَّ الَّذِینَ یُؤْذُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ و لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِی الدُّنْیَا وَ الْأَخِرَهِ» (۵)

و نیز خداوند فرموده است: «وَأَذَ نٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ ی إِلَی النَّاسِ یَوْمَ الْحَجّ

۱- سوره نساء، آیه ۶۴.

۲- وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفی، ج ۴، ص ۱۳۶۰ و ۱۳۶۴.

۳- سوره حج، آیه ۳۰.

۴- همان سوره، آیه ۳۲.

۵- سوره احزاب، آیه ۵۷.

الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِی ءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ». (۱)

طبیعی است وقتی چنین حرمتی برای رسول اکرم صلی الله علیه و آله اثبات گردید، تکریم شئونات اهل بیت علیهم السلام او نیز ملازم و مقرون با آن است، چرا که قرآن می فرماید: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (۲)

و نیز آیه مودّت دلیلی برای چنین ادعایی است: «قُل لَّآأَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى». (۳)

و مگر نه این است که طبق قول پروردگار، خداوند و فرشتگان بر پیامبر درود می فرستند و از مؤمنان خواسته شده است چنین کنند: «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَئِكَتَهُ و يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيْهِ وَ سَلِّمُواْ تَسْلِيمًا»

(۴) در منابع مستند روایی آمده است که خداوند به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مقام و فضلی داده که این ویژگی به دیگر پیامبران اختصاص داده نشده است، از جمله آن که خداوند در قرآن بر نوح، ابراهیم، موسی و هارون علیهم السلام درود می فرستد: «سَلَمٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَلَمِينَ»، (۵) «سَلَمٌ عَلَى إِبْرَ هِيمَ»، (۶) «سَلَمٌ عَلَى مُوسَى وَ هرُونَ». (۷)

در این آیات به خاندان نوح، ابراهیم، موسی و هارون درود فرستاده نشده، امّا در روایت معتبری آمده است منظور از یس، رسول اکرم صلی الله علیه و آله است و «سَلَمٌ عَلَى إِلْ يَاسِينَ» (۸)

یعنی درود بر خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله. این حدیث را حضرت امام رضا علیه السلام در یک اجتماع بزرگی که مأمون و عده ای از دانشمندان عراق و خراسان حضور داشتند نقل کرده اند. (۹) سیوطی در تفسیر خویش ذیل آیه: «فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَن تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ» (۱۰)

گفته است: وقتی پیامبر این آیه را تلاوت فرمود، مردی از جای برخاست و پرسید:

منظور کدام خانه هاست. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بیوت انبیاست. و چون آن مرد پرسید:

۱- سوره توبه، آیه ۳.

۲- سوره احزاب، آیه ۳۳.

۳- سوره شوری، آیه ۲۳.

۴- سوره احزاب، آیه ۵۶.

۵- سوره صافات، آیه ۷۹.

۶- همان سوره، آیه ۱۰۹.

۷- همان سوره، آیه ۱۲۰.

۸- همان سوره، آیه ۱۳۰.

۹- تحف العقول، ص ۳۲۳.

۱۰- . سوره نور، آیه ۳۶.

آیا مصداق آن بیت، خانه حضرت علی علیه السلام و فاطمه است، پیامبر فرمود: آری، از افضل آنهاست و بر حرمت آن تأکید فرمود و افزود: رعایت احترام آن همان است که خداوند به آن امر کرده است. (۱) و نیز ابو سعید خدری گفته است: رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: حُرُمات الهی سه تاست، حرمت اسلام، حرمت من و حرمت عترت من. (۲)

در سیره و سخن حضرت محمّد صلی الله علیه و آله

در منابع روایی و کتب حدیث معتبر آمده است: رسول اکرم صلی الله علیه و آله به زیارت قبر مادرش آمنه بنت وهب می رفت و می گریست و مسلمین از گریه آن حضرت، می گریستند. (۳) نقل نموده اند هنگام بازگشت از نبرد بدر، اولین کس از مهاجرین که در مدینه فوت کرد، عثمان بن مظعون بود که پیامبر به زیارت قبرش رفت. (۴) همچنین آن حضرت بر مزار شهدای احُد حاضر می گردید و این آیه را تلاوت می فرمود: «سَلمٌ عَلَیْکُم بِمَاصَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَی الدَّارِ» (۵)

و چون آن حضرت به زیارت قبور بقیع می رفت می فرمود:

السلام علیکم دار قوم مؤمنین و اتاکم توعدون غداً مؤجّلون، و إنّا إن شاء اللّٰه بکم لاحقون، اللهم اغفر لأهل البقیع الغر قد. (۶) عایشه نقل می کند پیامبر فرمود: جبرئیل نزدم آمد و گفت: پروردگارت به تو امر می کند در قبرستان بقیع حاضر گردی و برای درگذشتگان طلب آمرزش کنی. (۷) انس بن مالک از پیامبر نقل کرده است که آن حضرت فرمود: هر کس بعد از وفاتم مرا زیارت کند چنان است که در حال حیات مرا زیارت کرده باشد و هر کس قبرم را زیارت کند، در روز رستاخیز شفاعتم بر او واجب می گردد. (۸) آن حضرت فرمود: هر کس به زیارت من آید و هیچ قصدی غیر از آن نداشته

۱- الدر المنثور، ج ۵، ص ۵۰.

۲- خصال، ص ۱۴۶؛ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۸۵.

۳- طبقات الکبری، ج ۱، ص ۷۸.

۴- موسوعه زیارت المعصومین، مقدّمه، ص ۹۶.

۵- سوره رعد، آیه ۲۴.

۶- موسوعه زیارت المعصومین، ص ۹۶.

۷- الغدیر، ج ۵، ص ۱۴۸.

۸- همان، ص ۱۷۰؛ احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۸۱.

باشـد، بر خدای سـبحان سـزاوار است که من در روز قیامت شـفیع او باشم، غزالی که این روایت ها را در کتابش آورده است، در آن هنگام از بزرگان اهل سـنت بوده، ولی بعـد به مـذهب اهل بیت مشـرّف گردیده است، او در همان زمان و قبل از شـیعه شدن در اثر معروفش نوشـته است: یکی از آداب حج این است که به مدینه بروی و مرقد پیامبر را زیارت کنی و این زیارتنامه را بخوانی. و سپس متن زیارتی را آورده و افزوده است:

مسـتحب می باشد که به قبرستان بقیع رفته و قبر چهار امام را زیارت کنی. (۱) امام صادق علیه السـلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل نموده است: کسـی که برای زیارت خانه خـدا به مکه برود و مرا در مـدینه زیارت نکند، در قیامت به او اعتنایی نمی کنم(او را مشـمول شفاعت خود قرار نمی دهم.) (۲) رسول اکرم صـلی الله علیه و آله خطاب به حضـرت علی علیه السلام می فرماید:

آنـان که قبور شـما را زیـارت کننـدماننـد کسانی هسـتند که بعـد از حـج واجب، هفتاد حـج به جای آورده باشـند و به هنگام بازگشت از زیارت شـما هماننـد روزی هسـتند که از مادر متولـد شـده انـد و از گناهان پاک می گردند. ای علی دوسـتانت را بشارت باد به نعمت هایی که چشـمی ندیده، گوشـی نشـنیده و بر قلب بشـری خطور نکرده است، ولی افراد فرومایه زایران قبر شما را نکوهش می کننـد؛ گویی به گناه و عمل ناشایستی دست یازیده اند، آنها بدترین امّت من هسـتند، شـفاعت من به آنان نمی رسـد و در کنار حوض کوثر بر من وارد نمی گردند. (۳) رسول اکرم صـلی الله علیه و آله تأکید نموده است: زیارت اهل قبـور عمومـاً تـذکری برای آخرت و موجب زهـد ورزی در دنیـاست، قلب را رقت می دهـد و اشـک را جـاری می سـازد. آن حضـرت فرمود: قبور مُردگان خود را زیارت کنید و بر آنان سـلام بفرستید که یاد آنها مایه پند شماست. و نیز فرمود: هر کس هر جمعه قبر پـدر و مـادر خود یـا یکی از آنـان را زیارت کنـد، خداونـد او را مورد آمرزش قرار می دهـد و در شـمار کسانی خواهد بود که

۱- احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۸۲ و ۸۳.

۲- التهذیب، ج ۶، ص ۴، ح ۵.

۳- بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۲۱؛ سفینه البحار، ج ۳، ص ۵۱۶.

درباره والدین خود نیکی و وظیفه فرزندی را ادا کرده باشد. (۱)

در سیره و سخن معصومین علیهم السلام

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام هر روز به زیارت مرقد پدرش می رفت و می گریست و می فرمود: پدر جانم بر من مصائبی نازل شد که اگر بر روزها وارد می شد، به شب تبدیل می گردید. (۲) حضرت علی علیه السلام برای همسرش حضرت زهرا علیها السلام مکانی به نام بیت الاحزان ساخت که در آن به گریه و زاری می پرداخت و نیز در اوقات بسیاری آن بانوی دو سرا برای زیارت قبور به قبرستان بقیع می رفت. آن بانو مرقد شهدای احُد را نیز مورد زیارت قرار می داد و در آن جا می گریست. (۳) حضرت علی علیه السلام نیز قبر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و فاطمه زهرا علیها السلام را زیارت می نمود، او بر سر مزار پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: گریستن جز بر فقدان آن حضرت روا نمی باشد، آن گاه صورت خویش را بر خاک می نهاد و می گریست و ناله می کرد. حضرت امام حسین علیه السلام هنگام غروب هر جمعه قبر برادرش امام حسن مجتبی علیه السلام را در بقیع زیارت می نمود. سایر ائمه نیز مرقد رسول اکرم صلی الله علیه و آله، حضرت علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام را زیارت می کرده و اصحاب و یاران و سایر مؤمنین را بر این امر توصیه می نموده اند. (۴)

روش دانشمندان شیعه

زیارت پیامبر اکرم و ائمه اطهار سیره مستمر تمام عالمان تشیع و مراجع عظام بوده و می باشد. امام خمینی در تمام ایّام اقامت در نجف، جز موارد استثنایی، برنامه زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را در هر شب ترک نکرد. و در اغلب ایّام زیارتی در کنار

۱- بحار الأنوار، ج ۱۰۲،(کتاب المزار) باب زیاره المؤمنین و آدابها.

۲- تاریخ الخمیس، ج ۲، ص ۱۷۳.

۳- موسوعه زیارت المعصومین، ص ۹۹، مقدّمه.

۴- درباره اهتمام ائمه هدی به زیارت مشاهد معصومین، بنگرید به مأخذ قبل، ص ۱۰۲ و ۱۰۳.

بارگاه امام حسین علیه السلام در کربلا به سر می برد و هر روز زیارت عاشورای معروفه را با صد مرتبه سلام و صد مرتبه لعن می خواند. (۱) وحید بهبهانی زمانی که برای زیارت به حرم سیدالشهدا مشرّف می شد، اوّل آستان کفش کن آن جناب را می بوسید، روی و محاسن خویش را بدان می مالید، پس از آن با خضوع و خشوع و رقت قلب، به اندرون حرم مشرّف می شد و زیارت می کرد. (۲) شهید قدوسی می گفت: علامه طباطبایی در ایام محرم و صفر خواندن زیارت عاشورا را ترک نمی کرد و به زیارت جامعه هم اهتمام داشت و معتقد بود از نسخه ای معتمد استفاده کند. (۳) شهید قدوسی خود نیز به این امور تقیّد زیادی داشت. شهید مصطفی خمینی هر سال به مناسب هایی از جمله در روزهای نیمه شعبان، عرفه، اربعین، اول و نیمه رجب که مردم از نجف به کربلاـ می رفتند، با پای پیاده به این مکان مقدس می رفت، و گاهی می شد که بر پایش تاول هایی می زد و از آنها خون به راه می افتاد و کاملًا مجروح می شد، ولی باز هم برای زیارت با پای پیاده مصمم بود. (۴) مرحوم میرزا حسین نوری صاحب مستدرک الوسائل هم این گونه بود. و اصولًا پیاده روی از نجف به کربلا در دوران شیخ انصاری متداول بود ولی پس از چندی ترک شد.

مرحوم نوری چون وضع را بدین منوال دید، بدین شیوه شایسته همت گماشت و به آن ملتزم گردید و در عید اضحی برای حمل اثاث و بار سفر حیوان کرایه می کرد، ولی خود و یارانش پیاده راه می رفتند و چون دچار ضعف مزاج گردید این مسیر را در سه شب طی می کرد. (۵) ملاصدرا عالم عرفانی و فلسفی بود، گاه از این دیار به قم می آمد و ضمن زیارت

۱- فرازهای فروزان، ص ۱۵۷ و ۱۵۸.

۲- قصص العلماء، ص ۲۰۲.

۳- جرعه های جانبخش، ص ۲۶۵.

۴- سیمای فرزانگان، ص ۱۹۰.

۵- همان، ص ۱۹۳.

بارگاه حضرت فاطمه معصومه، از روح مقدس آن بانو برای رفع معضلات علمی و اجتماعی استمداد می جست. (۱) البته از این نمونه ها در سیره علما بسیار زیاد است و ما به همین مقدار بسنده می کنیم.

حکمت زیارت

محبوب ترین بندگان نزد خداوند همان انسان های کامل و برگزیدگانی هستند که قلّه های بلند تقوا و فضیلت را به وجود آورده اند. چهارده نور مقدسی که به انسان و فرشتگان پرستش ذات باری تعالی را آموختند، معصومانی که خداوند ایشان را از هر لغزش، اشتباه، خطا، نادرستی و .... پاک و دور نگاه داشته است. محبت ورزیدن به این وجودهای مبارک یک دستور الهی است و نیز کسی که آنها را دوست بدارد، خدا را دوست داشته و دشمنان آنان در ردیف دشمنان خداوند هستند. (۲) خداوند خطاب به حضرت آدم می فرماید: اهل بیت پیامبر بهترین مخلوقات من می باشند که به سبب وجود آنان به بندگان ثواب و عقاب داده می شود و باید در درگاه من به آنان توسّل جُست و هر گاه به تو ابتلائات دست دهد این وجودها را نزدم شفیع قرار ده و به وسیله آنان طلب حاجت نما و من سوگند یاد کرده ام هر کس ایشان را در درگاه من شفیع خود قرار دهد و به وسیله آنان نیاز خود را مطرح کند، درخواستش را اجابت کرده و شفاعت آنان را بپذیرم. (۳) رسیدن به مقامات معنوی و کمالات ملکوتی، بدون دوستی اولیای الهی امکان پذیر نمی باشد و پذیرش اعمال هر مسلمان در گرو محبت و ولایت اهل بیت خواهد بود؛ به قول مولوی:

هر که خواهد همنشینی با خدا او نشیند در کنار اولیا

و به قول شاعری دیگر:

ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید هم مگر پیش نهد لطف شما گامی چند

زیارت از بهترین طریقه های ارتباط با پیشوایان معصوم است که موجب جلب معنویت خواهد شد. زیارت حضور عارفانه در دیار معشوق، دیدار عاشقانه زایر از سرای زیارت شونده، اظهار ارادت نسبت به محبوب و دل دادن صمیمانه در کوی دلدار است.

زایر در برنامه زیارت در برابر پارسایان برگزیده فروتنی می نماید، وفاداری صادقانه مرید نسبت به مراد در زیارت آشکار می گردد، زایر خود را فراموش می کند تا مبادا دیانت و ارزش ها فراموش گردند و یا به حاشیه رانده شوند. یکی از راه های تکریم مفاخر و صاحبان کمال، زیارت آنان است که در حقیقت موجب استمرار راه و مسیر معنوی آنان خواهد شد.

حرم های شریف و مشاهد متبرک محل تردد فرشتگان، ارواح انبیا و اولیا و محل حضور روح زیارت شونده است، به همین دلیل در این فضای معنوی زایر یک نوع پالایش و پاکی را در خود احساس می کند و دعایش در مظان استجابت قرار می گیرد، وجود انبوه زایران در این گونه مکان ها موجب ترویج فرهنگ یکتا پرستی، گسترش فرهنگ اهل بیت، افزایش مودّت

و رحمت بین مؤمنین و ایجاد اتحاد و انسجام بین مسلمانان خواهد شد و افراد با آگاهی از برخی دشواری های یکدیگر اولًا از بار مشکلات هم می کاهند و کم تر دچار فشار روحی می شوند. ثانیاً برای برداشتن باری از دوش دیگران مصمم تر می گردند و این روند کار نامه اعمال آنان را درخشان می نماید. به علاوه حرم های شریف امامان در طول تاریخ از مراکز مهم گسترش و نشر علم، تبلیغ و ترویج دین، مبدأ قیام ها و نهضت ها و محل رویش و شکل گیری انقلاب های رهایی بخش و جنبش های ضد ستم و استکبار بوده است.

زایر در برنامه مذکور احساس می کند در فضایی قرار گرفته که می تواند با زیارت

۱- فوائد الرضویه، ص ۳۸۰.

۲- مفاتیح الجنان، فرازی از زیارت جامعه کبیره.

۳- تفسیر جامع، ج ۱، ص ۱۴۸.

انسانی کامل یک نوع ارتباط قلبی برقرار کنـد و از این رهگذر در یک حالت آرام بخش و نوید دهنده، قادر است با امام درد دل کنـد، گرفتـاری هـا و نـا بسامـانی های خود را نزد او مطرح نمایـد و با زبان سـر و دل با او به گفت وگو بنشیند و با زمزمه کردن با او به زیباترین گویش عاطفی سخن گوید. و به دلیل آن معرفتی که در این مکان ها احساس می گردد و بر آن فضای روحانی حاکم است، زایران به قـدر ظرفیت هایی که دارنـد می تواننـد از سرچشـمه زلال معارف ناب خانـدان عترت بهره مند شوند.

مکان های زیارتی، پناهگاه امنی برای بندگانی هسـتند که می خواهند به درگاه حق تعالی اسـتغفار کنند، تضرع نمایند و میثاق خویش را با خـدای خود تجدید کنند، قلب زایر همچون لامپی با یک منبع تولید کننده انرژی، چنان ارتباط برقرار می کند که نوعی انس معنوی بـا بوسـتان ملکوتی در خود احسـاس کرده و بـدین گونه از تـاریکی هـای خلاف و گناه فاصـله می گیرد و صفحه دل را برای تابش نور حق مهیّا می کند، در اخلاق و رفتار خود تجدید نظر کرده، محاسـباتی در زندگی خود انجام می دهـد و موازین شـرع مقـدّس را بیش از گذشـته رعـایت می کنـد. راستی کجـا بهتر از این فضاهاست که در آنها آدمی متوجه آخرت می گردد، به خود می آیـد، پوسـته های غفلت و نسـیان را دور می ریزد و خود را برای اعمال صالـح و تقویت ایمان و پارسایی آماده تر می بیند:

در بازگهت به صد امید آمده ام با موی سیه رفته سپید آمده ام

نقش تربیتی زیارت

زایرین در کنار مراقد مقدس به خواندن متونی روی می آورند که محتوایی عمیق و سازنده دارند و از باورهای دینی، کمالات معصومین، اولیا، صالحین و فرزنـدان اهل بیت حکایت دارنـد. در این زیارتنامه ها آن چنان مضامین بکر و عبارات جاویـدان و بارقه های معنوی دیده می شود که با وجود آن که زایر بارها این متون معتبر و موثق را

می خواند خسته نمی شود، بلکه چشمه های شوق، صفا و معرفت در اعماق روح و ذهنش به جوشش در می آید و هر چه بیشتر در این نوشته های نورانی دقت نماید، معانی و نکات لطیف تری را به دست می آورد؛ گویی در اقیانوسی از حکمت و فضیلت غوّاصی می کند و مشغول به دست آوردن مرواریدها و گوهرهای گرانبها می باشد.

نقش پرورشی و هدایتی این گونه متن های مقدس برای شخص زایر بسیار قابل توجه و در خور تعمق و بررسی است، چرا که در زیارات معتبر مباحث اعتقادی، امامت و ولایت و ارتباط آن با توحید به شیوه ای محکم و متین مطرح می شود، که اوّلین ثمرات آن، این است که زندگی انسان را هدف دار و جهت دار می نماید و در قلب و روح او نوعی اطمینان، آرامش و امیدواری ایجاد می کند. این که زایر در چنین مکان های منوّری به درگاه خداوند التماس می کند تا به اذن الهی آن وجودهای مقدس برایش شفاعت کنند و یا از خداوند می خواهد که شفاعت این پاکان را شامل حال او کند او به رحمت الهی امیدوارتر می گردد. و این ویژگی است که مسلمین و مؤمنین زایر را از غم های جانکاه، نگرانی های فرساینده و آشفتگی های روانی می رهاند.

زیارت هم به عنوان دعا و سخن گفتن با معبود است، اما به طور غیر مستقیم و با واسطه انسان کامل و از این روی می تواند درهای رحمت الهی را به سوی زایر بگشاید. در هنگام زیارت افراد احساس می کنند در فضایی ملکوتی اوج گرفته اند و فیوضات ربّانی از هر سو به طرف آنان جاری است. سنّت مسافرت برای زیارت و نیز برنامه های گوناگون زیارتی از چنان غنای فکری و فرهنگی و برکات فراوان معنوی و حتی مادی برخوردار است که در طول زمان نه تنها کهنه و فرسوده نشده، بلکه با کنار رفتن حجاب های جهل، غفلت و خرافات، مفاهیم والای آنها روز به روز روشن تر، رساتر و کامل تر شده است.

اعتقاد به این مسأله اختصاص به شیعه نداشته و در گذشته در انجام این اعمال

مستحبی تفاوتی بین شیعیان و اهل سنت نبوده است، زیرا همه مسلمانان به زیارت مرقد معصومین و افرادی از خاندان آنان می شتافته اند، اما متأسفانه از زمان پیدایش فرقه گمراه کننده وهابیت، علیه این سنت نیکو و مصداق بارز شعایر الهی تبلیغات منفی گسترده ای راه اندازی شد و برخی افراد کم بهره از خرد و منطق فریب شایعات این گروه منحط را خورده و تصور کرده اند که زیارت از مسایل مختص به شیعه است و نا دانسته و گاهی هم مغرضانه آن را مورد هجوم تبلیغات مسموم خود قرار داده اند و مسلمانان را از مزایای فراوان یک برنامه تربیتی و رشد دهنده محروم کرده اند.

به قول ابن سینا وقتی به زیارت اهل قبور می رویم، چون روح زیارت شونده فارق از دنیا و ماده است، می تواند بر زایر اثرات زیادی بگذارد و خیرات و برکات بسیاری را برای وی به ارمغان آورد و مزاجش را به سوی خوبی ها و فضایل راغب تر سازد. (۱) شیخ شهاب الدین سهروردی هم تأکید می نماید وقتی اهل سلوک معنوی با خلوص نیت و نوعی استقامت و بردباری درب بیوت نورانی را می کوبند، فرشتگان با هدایای آسمانی از آنان پذیرایی می کنند و بدیهی است نفوس کاملی که در مراتب معرفتی ترقی کرده اند، با انوار و اشراق های خود نفس های ناقص را به فیض می رسانند. (۲) فخر الدین رازی می گوید: وقتی انسان در کنار قبری حاضر می گردد، روح زایر با آن تربت ارتباط برقرار می کند و چون روح فرد در گذشته با آن خاک در اتصال است، در این هنگام این دو روح یکدیگر را ملاقات کرده و مثل دو آیینه در برابر هم قرار می گیرند و تابش هر کدام به دیگری سرایت می کند و معارف و مکارم هر کدام به فرد دیگر می رسد. (۳)

۱- رسایل ابن سینا، ج ۱، ص ۳۳۸.

۲- مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۲، ص ۲۴۴ و ۲۴۵.

۳- ر. ک: المطالب العالیه من العلم الالهی، ج ۷، ص ۲۷۵- ۲۷۷.

عرفا، عالمـان و اهـل حکمت معتقدنـد هیـچ چیزی برای دل های غافل مفیـدتر از زیارت اهل قبور نمی باشـد، دل هایی که به زنگار دنیا آلوده شـده اند و از مکارم معنوی فاصـله گرفته اند، با حضور در این مکان ها موعظه می شوند، عبرت می گیرند و بـا مشاهـده امور در گذشـتگان بسـیاری از امراض اخلاقی آنان، چون حسـد، طمع، حرص و آرزوهای دراز دنیایی معالجه می گردد. آدمی بـا زیـارت اهـل قبـور از خواب غفلت بیـدار می شود، فریب دنیـا را نمی خورد و متوجه می شود از امکانـات این سرای فانی بایـد سـرمایه ای برای آخرت خود تـدارک ببینـد. یاد مرگ در این مواقع در دل انسان زنـده می شود و این پدیـده آرزوهای غیر الهی را کوتاه می کند، قساوت دل بر اثر این برنامه بر طرف می گردد. حضـرت علی علیه السـلام پس از تلاوت آیه «أَلْهَلکُمُ التَّکَاثُرُ حَتَّی زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ» (۱)

فرمود: شـگفتا! چه مقصد بسـیار دوری و چه زیارت کنندگان بی خبری و چه کار دشوار و مرگباری. (۲) وقتی انسان قبری را مشاهـده می کند به یاد احوال در گذشـته می افتد و متوجه می شود صاحب آن مدتی در این دنیا زیسـته و اکنون بدنش اسـیر خـاک شـده و روحش در عـالم برزخ است، این تفکر توأم بـا یـک بیـداری بوده و مانع دنیا زدگی و عافیت طلبی او می شود. همچنین وقتی آدمی مشاهده می کند مردم به مرقد یک انسان برجسـته، پاک و پارسا اقبال فراوانی نشان می دهند و مقام او را تکریم کرده و به او توسـل جُسـته و نـذر و نیـاز برایش اختصـاص می دهنـد و بر عکس به مردگان دنیا طلب و دور از معنویت هیـچ رغبتی نشان نمی دهنـد، می فهمـد خوب زیسـتن و درست زنـدگی کردن، حتی در زنـدگی دنیایی اثر دارد، چه رسد به سرای جاوید، به همین دلیل در دینداری و پروا پیشگی اهتمام می ورزد و از تشریفات دنیایی روی گردان می شود و این روند در خودسازی و رهایی وی از خسران آشکار بسیار مؤثّر است. (۳)

۱- سوره تکاثر، آیه ۱ و ۲.

۲- تفصیل کلام حضرت در خطبه ۲۲۱ نهج البلاغه آمده است.

۳- ترجمه و شرح رساله زیاره القبور فخر رازی(فلسفه زیارت)، ص ۲۹ و ۳۰.

بصیرت زایر

انسان زایر باید قبل از هر چیز تهذیب و طهارت ظاهری و باطنی داشته باشد، بعد از آن سعی کند با برداشتن گام های کوتاه، تمرکز حواس و ذکر گفتن، قلبش را به سوی مکان زیارتی متوجّه نماید. مسلمان مشتاق زیارت باید بداند آن جا محل حضور عالم ملکوت است و لذا ضرورت دارد با حالتی وارد آن مکان مبارک گردد که متناسب با زیارتگاه باشد. زایر باید تلاش کند بین خود و شخصیتی که می خواهد او را زیارت کند، حالت متناسبی برقرار کند، یعنی یک نوع تحول در رفتار، خصال، اندیشه و باورهای خود پدید آورد و توجه داشته باشد که می خواهد با انسانی پاک، شایسته و صالح و عبد پروردگار ملاقات کند و بدیهی است این دیدار محتاج یک توازن و معرفتی است. زایر قبل از انجام زیارت باید وظایف شرعی و دینی خود را انجام داده و نسبت به ادای حقوق مردم کوشا باشد. آگاهی و میزان معرفت زایر نیز در این برنامه اهمیتی به سزا دارد و در صورتی که آدمی تسلیم امر و عارف به حق در امر زیارت باشد، قطعاً در پیشگاه پروردگار منزلت والایی به دست می آورد. بی تردید اعمال بدون شناخت و عاری از هر گونه کمالات ایمانی، همچون پیکری بی روح هستند که فاقد خاصیت می باشند؛ از این روی در منابع روایی تأکید شده که زیارت ائمه با چندین حج برابری می کند؛ البته این در صورتی است که توأم با بصیرت درونی و یک ارتباط معرفتی باشد، زایر بداند اگر چه انسان کاملِ معصومی که مشهدش را زیارت می کند بر حسب ظاهر از دنیا رفته است، امّا کاملًا از نیت و حالات زایر آگاهی دارد، به خواسته های او توجه می کند و برای بر آوردن حاجتش دعا می نماید.

بزنطی می گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که آن حضرت فرمود:

«ما زارنی من أولیایی عارفاً بحقّی إلّاتشّفعت فیه یوم القیامه»

یعنی هر یک از اولیا و پیروان، مرا با معرفت زیارت کند، در روز قیامت او را شفاعت می کنم. (۱)

۱- بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۴۴.

اذن دخول

یکی از آداب مهم در امر زیارت اذن دخول است، این برنامه قبل از ورود به حرم مطهّر صورت می گیرد. شهید اول تأکید می نمایـد: زایر در کنـار درب حرم توقف نمایـد و اذن دخول بخوانـد، اگر در خود رقت قلب و خشوع احساس کرد، داخل شود. نشـانه اذن دخـول، دل شکسـتگی و یـک نـوع دگرگونی در درون می باشـد. اذن دخول در حرم هـای معصومین یـک معنـای صوری و ظـاهری نـدارد، بلکه در واقع بـدین مفهوم است که آیا اجازه دارم به محفل نورانی و مرکز اسـرار شـما راه یابم؟ این اجازه از حریم الهی آغاز می گردد، سپس اجازه ورود از حریم سرّ پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و معصومین علیهم السلام تقاضـا می شود. هر کسـی به انـدازه ظرفیت، لیـاقت و توانـایی درونی خود به این فضای معطر و بوستـان با صـفا گام می نهـد، اجـازه خواسـتن و آداب ورود به خـانه پیـامبر صـلی الله علیه و آله نکته ای است که قرآن بـدان اشـاره دارد: «یأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ لَاتَدْخُلُواْ بُیُوتَ النَّبِیّ إِلَّآ أَن یُؤْذَنَ لَکُمْ» (۱)

یعنی ای کسانی که ایمان آورده اید در خانه های پیامبر داخل نشوید، مگر این که به شما اجازه داده شود. در ادامه همین آیه، قرآن می فرماید: «وَ مَا کَانَ لَکُمْ أَن تُؤْذُواْ رَسُولَ اللَّهِ» یعنی شـما هرگز نباید پیامبر خدا را آزار دهید. پس بی مقدّمه و بی موقع به حریم این خاندان وارد شدن، خود یک نوع اذیت به شمار می رود. از آیات دیگری که گویای اذن دخول در خانه پیامبران و ائمه است، این آیه شریف می باشد:

«فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَن تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ و یُسَبّحُ لَهُ و فِیهَا بِالْغُدُوّ وَ الْأَصَالِ» (۲)

آن نور در خـانه هـایی است که خداونـد رخصت داده که ارجمنـدش دارنـد و نـامش در آن جـا یـاد شود و او را هر بامـداد و شبانگاه تسبیح گویند.

نور خداونـد می توانـد قرآن کریم، هدایت الهی، ایمان، آیین اسـلام، معرفت درونی و پیامبر و ائمه هدی باشـند، خداونـد خود پیامبر را سراج منیر معرفی می کند (۳) و در

۱- سوره احزاب، آیه ۵۳.

۲- سوره نور، آیه ۳۶.

۳- سوره احزاب، آیه ۴۶.

زیارت جامعه درباره پیشوایان معصوم و انسان های کامل آمده است: «خلقکم اللّه أنواراً فجعلکم بعرشه محدقین» خداوند شما را از نورهایی آفرید که گرد عرش او حلقه زده بودید، در همان زیارت می خوانیم: «و أنتم نور الأخیار و هداه الأبرار» شما نور خوبان و هدایت کننده نیکوکاران هستید. این نور در خانه هایی است که اهل آن هر صبح و شام و هر لحظه خدا را تسبیح می گویند، این مکان ها مرکز یاد خداست و حقایق و معارف اسلام از آنها نشر می یابد و در یک معنای گسترده مساجد، خانه های انبیا و اولیا، شامل این آیه هستند. امام باقر علیه السلام فرمود:

«هی بیوت الأنبیاء و بیت علی منها» (۱)

یعنی این آیه به خانه پیامبران اشاره دارد و بیت حضرت علی علیه السلام هم در این زمره محسوب می گردد.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز مصداقش را خانه های فرستادگان الهی معرفی کرد و خانه حضرت علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام را از برترین این بیوت دانست. (۲) امام باقر علیه السلام با قتاده(فقیه اهل بصره) گفت وگویی داشت. وی از حضور در مجلس امام و ابهت خاص آن حضرت اظهار شگفتی کرد، امام به وی فرمود: می دانی کجا نشسته ای؟ در برابر همان ها که خداوند درباره آنها فرموده است: «فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ ...»، سپس فرمود: تو آن هستی که گفتی(فقیه اهل بصره) و ما این هستیم که قرآن معرفی می نماید. قتاده در جواب گفت: راست گفتی فدایت شوم، به خدا سوگند منظور آیه خانه های سنگی و گلی نمی باشد(بلکه هدف خانه های وحی و ایمان و هدایت است.) (۳) مشاهد ائمه هدی همان مکان هایی است که در آنها کسانی آرمیده اند که وجودشان یک پارچه ذکر، عبادت و توحید بوده و هدفی جز تقوا و پارسایی و تقرب به خداوند نداشته اند و نیز در این مکان ها مردم زایر خدا را عبادت می کنند، خدا را یاد می نمایند و آنان که لیاقت دارند هدایت می شوند، پس اذن دخول برای چنین اماکنی که مخصوص انسان کامل است ضرورت دارد.

۱- تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۶۰۷.

۲- تفسیر مجمع البیان، ذیل آیه ۵۳، سوره احزاب.

۳- تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۶۰۳.

ص: ۱۳۸

آداب زیارت

زایر علاوه بر جنبه های معرفتی و معنوی و آمادگی های روحی و طهارت درونی، لازم است آداب زیر را در امر زیارت در نظر گیرد و مراعات نماید:

۱. نیت خالصانه و انگیزه الهی.

۲. غسل زیارت.

۳. در بر کردن جامه پاک و دوری از پوشیدن لباسی که دیگر زایران را اذیت می کند.

۴. استفاده از مال حلال برای سفر زیارتی.

۵. معطر نمودن با خوشبو کننده های طبیعی.

۶. ذکر و تسبیح در هنگام عزیمت به اماکن زیارتی.

۷. داشتن وضو.

۸. توبه و استغفار از گناهان و اعراض از لغزش های اخلاقی و رفتاری.

۹. توقف بر باب مشهد معصوم و خواندن اذن دخول از روی متون مأثور.

۱۰. توقف در برابر ضریح با حالت فروتنی، خشوع و رقت قلب.

۱۱. زیارت کردن شخص مورد نظر با توجه به معنای متن های معتبر و موثق که از معصوم رسیده است.

۱۲. اقامه نماز زیارت و خواندن دعا پس از آن.

۱۳. تلاوت قرآن در کنار مرقد و اهدای ثواب آن به زیارت شونده.

۱۴. صدقه دادن و رسیدگی به محرومان و بینوایان.

۱۵. رعایت حرمت حرم مُطهر و پرهیز از اموری که هر گونه بی احترامی و خدشه ای به ساحت آن مکان مبارک وارد می کند.

۱۶. تضرع همراه با ادب در جوار بارگاه معصومین.

۱۷. صلوات فرستادن بر پیامبر و آل او که باید با وقار توأم باشد و برای دیگران

مزاحمت فراهم نکنـد و از هیـاهو و سـر و صـدای آزار دهنـده در حضور این جایگـاه معنوی بپرهیزد. قرآن می فرمایـد: «یـأَیُّهَا الَّذِیـنَ ءَامَنُـواْ لَـاتَرْفَعُواْ أَصْـوَ تَکُـمْ فَـوْقَ صَـوْتِ النَّبِیّ وَ لَـاتَجْهَرُواْ لَـهُ و بِـالْقَوْلِ کَجَهْرِ بَعْضِـکُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَـطَ أَعْمَلُکُـمْ وَ أَنتُمْ لَاتَشْعُرُونَ إِنَّ الَّذِینَ یَغُضُّونَ أَصْوَ تَهُمْ عِندَ رَسُولِ اللَّهِ أُوْلَئِکَ الَّذِینَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَی لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَ أَجْرٌعَظِیمٌ» (۱)

: ای کسانی که ایمان آورده اید، صدای خود را از صوت پیامبر بلندتر مکنید، چنان که با یکدیگر بلند سـخن می گویید، با او به آواز بلنـد سـخن مگوییـد که اعمالتان ناچیز شود و آگاه نشویـد. کسانی که نزد پیامبر صدای خود را پایین می آورند همان هاینـد که خداونـد دل هـای آنـان را به تقوا آزموده است، برای آنهـاست آمرزش و اجر بسـیار. بنابراین در هنگام انجام اعمال اسـلامی بایـد ادب و احترام رعایت گردد و اگر بلنـد کردن صـدا در کنار مرقـد پیامبر و ائمه نوعی هتک و بی احترامی باشد، بدون شک جایز نمی باشد، مگر این که به صورت اذان نماز، تلاوت قرآن یا ایراد خطابه و امثال آن باشد.

در حـدیثی از امـام بـاقر علیه السـلام دربـاره مـاجرای دفن امـام حسن مجتـبی علیه السـلام و ممـانعتی که در خصوص دفن آن حضرت به عمل آمد و سر و صداهایی که بلند شد، آمده است:

حضرت امام حسین علیه السلام این آیه را تلاوت و به آن استدلال فرمود و از رسول اکرم صلی الله علیه و آله این جمله را نقل نمود که فرمود: «ان اللّه حرم من المؤمنین امواتاً ما حرم منهم احیاء»:

خداونـد آنچه را از مؤمنان در حال حیات تحریم کرده، در حال مرگشان نیز تحریم کرده است. (۲) حتی برخی مفسران آیات مورد بحث را توسـعه داده و گفته انـد: در مراحـل پـایین تر یعنی نزد علمـا و رهبران فکری و اخلاـقی بایـد مسـلمانان آداب را رعایت کنند و البته در برابر امامان معصوم این مسأله روشن تر است. یکی از یاران با حالت جنابت

۱- سوره حجرات، آیات ۲ و ۳.

۲- تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۸۰ به نقل از اصول کافی.

خدمت یکی از ائمه رسید، آن حضرت بدون مقدّمه فرمود: آیا نمی دانی سزاوار نیست با حالت جُنُب وارد بیوت پیامبران شوی!؟ (۱) ۱۸. ترک امور بیهوده و لغو و پرهیز از گفت وگوهای بی جا و سخنان نامناسب.

۱۹. سلام دادن به هنگام مشاهده مرقد مطهر به این گونه: «السلام علیکم یا اهل بیت النبوه». (۲) ۲۰. وارد شدن به حرم با پای راست و بیرون آمدن از حرم با پای چپ.

۲۱. خواندن زیارت در حال ایستاده و رو به حضرت و پشت به قبله. (۳) ۲۲. در نظر گرفتن بستگان و دوستان هنگام زیارت و دعا. (۴) ۲۳. در هنگام اعمال زیارتی چون بوسیدن ضریح و سایر مسایل به دیگران فشار نیاورد، حقوق زایران دیگر را ضایع نکند و مراقب چشم و نگاه های خود باشد.

۲۴. هنگام فراغت از زیارت، از مقام مقدس معصومِ زیارت شونده شفاعت طلب کند و از خداوند بخواهد برای دفعات بعدی چنین توفیقی را نصیب او کند. (۵)

آفات زیارت

اشاره

زیارت برکات و مزایای فراوان و گسترده ای دارد، اما پیروان راستین مکتب اهل بیت و دست اندرکاران اماکن زیارتی و برنامه ریزان فرهنگی و تبلیغی نباید اجازه دهند این سنت با ارزش و شعار شعور آفرین، پویا و اثر بخش دچار برخی آفت ها و آسیب های فرساینده گردد و از هدف اصلی خود که ایجاد تحول روحی در انسان ها و گرایش آنان به سوی خیر و صلاح، تقوا، معرفت و هدایت است باز ماند. در این زمینه محورهای ذیل می تواند قابل تأمّل باشد:

۱- بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۲۵۵.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۰۴.

۳- بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۳۴.

۴- همان، ص ۱۳۴.

۵- همان

۱. محرومیت از معرفت و جهالت باطنی

حالات معنوی، راز و نیاز راستین و نوشیدن جرعه های جان بخشی از سرچشمه فیاض امام و انسان کامل موقعی به دست می آید که این ویژگی ها با شناختی ارزشمند توأم گردد. محرومیت از چنین معرفتی و نا آگاهی درونی، غفلت و خود فراموشی با محروم گردیدن از فضایل و مکارم قرین خواهد بود. وقتی اشتیاق ما به ساحت مقدس معصوم از نوعی بصیرت بی بهره باشد، آن وقت چگونه می توانیم او را از طرف خداوند مفترض الطاعه بدانیم، اطاعت از دستوراتش را در برنامه زندگی فردی و اجتماعی و جهت گیری های فکری و سیاسی خود وارد کنیم. آیا می توان با جهالت و غفلت خود نصایح، تعلیمات و توصیه های هشدار دهنده امام را از عمق وجود پذیرفت و آن را در مسیر حیات فرهنگی خویش جاری ساخت.

۲. غفلت از ارزیابی خود

زایر باید هنگام حضور در بارگاه معنوی، سرمایه های ایمانی و اخلاقی خود را مورد بررسی قرار دهد و به این واقعیت برسد که آیا با تحمّل رنج سفر و پشت سر نهادن مشقّات فراوان و تشرّف به بارگاهی مبارك چه چیزی را به دست آورده است. آیا این جاذبه معنوی توانسته است خواهش های نفسانی او را تعدیل نماید. و نیز آیا موفق گردیده است برخی عادات مذموم و رفتارهای ناروا و زشت را از خود دور کند؟

این گونه فضاهای معنوی همچون آیینه های صاف و شفاف هستند که می توان به وسیله آنها کاستی ها و عیوب خود را تشخیص داد و درباره رفع آنها اقدام کرد، ارمغان مهم سفرهای زیارتی باید این باشد که ضعف ها را به قوت و ضلالت ها را به انوار هدایت تبدیل کند و آنچه را در زیارت خوانده و مرور کرده، بدان عمل نماید و دل و زبان را با هم هماهنگ کند.

چقدر خسران و زیان دارد کسی که در مقابل مرآتی فضیلت نما قرار گیرد و به

دلیل فرو رفتن در خواب غفلت و غافل شدن از خویشتن اصیل، از برطرف کردن نقص ها و گرایش به کمالات عاجز باشد و برای انکسار درونی و زنگارهایی که قلبش را دچار کدورت کرده فکری نکند. زایر خود را به میزان حق عرضه می کند و توسط مقام معنوی امام توانایی خود را در معرض محک قرار می دهد. او در برابر انسانی کامل، تندیس عصمت، فضیلت و جلوه ای از نور الهی و مشعلی از فیض ربانی، تجسمی از عبودیت، اخلاص و ایمان قرار می گیرد و حال کسی که از این پرتو افشانی ها حداکثر استفاده را نکند، مثل این است که انوار فراوانی به جسمی بتابد، ولی تیرگی و تاریکی و سیاهی های درونی آن به قدری زیاد است که نمی تواند این تابش معنوی را از خود عبور دهد.

چقدر غافل اند آنهایی که زحمت پیمودن رنج سفرهای طولانی را تحمل می کنند و به اوج قلّه معرفت دست می یابند، امّا صرفاً وجود فیزیکی شان این مسیر را در نوردیده است و وجود راستین آنان همچنان در درّة های جهل و غفلت آرمیده اند و در مرداب ضلالت و باتلاق گمراهی فرو افتاده اند، در دام ابلیس و قَفَس نَفْس گرفتارند و با وجود این عروج معنوی، در بیابان بی ایمانی سقوط کرده اند.

پس باید در بارگاه نور و ایمان انسان های وارسته، به محاسبه و سنجش خود بپردازیم، فرازها را فروزان و فرودها را هموار سازیم و برای زدودن غبارهای خطا و لغزش اقدام کنیم و این است معنای اصلی زیارت و الّا اگر صدها بار هم به زیارت برویم و این ارزیابی فکری و معنوی را در برنامه خود قرار ندهیم، در موجی از غفلت و جهالت گرفتار شده ایم و بدین گونه خود را از فیض مکرّر امام بی بهره ساخته ایم.

۳. انجماد روحی و تصلّب فکری

در جوار تربت اسوه های تقوا و پارسایی انسان های کامل، باید خاک وجود ما کیمیا و مس درونمان به طلای ناب و خالص تبدیل شود، ائمه اطهار همان طور که میزان

اعمال هستند، مقلّب احوال هم می باشند، البته این ویژگی در درجه اوّل مختص ذات پاک خداوند است، ولی پروردگار متعال چنین امتیازی را به ولیّ خویش اعطا می نماید تا او بتواند دل ها را دگرگون کند. در منابع روایی تأکید شده است و متون زیارتی هم بر این واقعیت اصرار می ورزد که زایر پس از زیارت باید با قبل از آن فرق داشته باشد و اصولًا یکی از تقاضاهای زیارت کننده باید این باشد که امام با قدرت معنوی خود، وی را از انجماد روحی، تصلّب فکری و ایستایی و رکود که فضیلت سوز است برهاند.

نمونه های زیادی بوده اند که با کوله باری از گناه و عصیان به این بارگاه های مبارک روی آورده اند و با توجهی خالصانه، التماس و تضرّعی صادقانه از پیشگاه پاکان و نیکان تقاضا کرده اند، آنان را از این وضع مرارت بار و جاهلیت زدگی و پریشانی فکری نجات دهد، که خواسته آنان اجابت گردیده و به ندامت رسیده اند و سرطان ایمان و تقوا را از ذهن خویش دور ساخته اند و اجازه نداده اند بعد از فیض حضور در این گلستان با طراوت پیچک های گناه و انحراف و علف های هرز و خطرناک از رویش و شکوفایی آنان جلوگیری کند. زیارت هم می تواند چون آتشی سوزان تمام ناخالصی ها را بسوزاند و هم چون چشمه ای مصفا بر شعله های گناه ریخته شود و آنها را برای همیشه خاموش سازد.

۴. عدم مراعات ادب حضور

زیارت با انصراف قلب به غیر و عدم توجه به حق سبحانه و تعالی عین بی ادبی است و این گونه زیارت نه تنها قرب و اتصال روحانی پدید نمی آورد، بلکه فاصله ها را افزایش می دهد. ادب اقتضا می کند که در مطرح کردن تقاضاها، نیازها و آلام خویش، شئونات مقام با قداست امام را در نظر داشته باشیم و خواستار مواردی نباشیم که با هدف امام، سیره و سخن آن وجود مقدس مغایرت داشته باشد.

شخصـی که بار سفر برای زیارت بر بسته و عزم خویش را جزم نموده تا مشهدی مطهر را زیارت کند. باید در تمام برنامه های مسافرتی و ایام اقامت در جوار بارگاه امام همت و تلاشش زیارت باشد و محور تمامی تکاپوهای او این موضوع قرار گیرد، نه این که دائم در حرم باشد، بلکه به هر جای شـهر که می رود، و در ارتباطها، تصـمیم گیری ها اصل ماجرا و حکمت زیارت را در نظر بیاورد. بدانـد که امام ناظر بر اعمال و رفتارش می باشـد و پیروی از فرامین آن حضـرت بر هر کار دیگری مقـدم است. در پارک ها، مراکز تفریحی، بازار و مراکز تجارتی، زمینه های خلاف فراهم می گردد، پس به خود اجازه ندهد چنین عفونت هایی را سدّ راه معنوی خویش کند.

باید برای زیارت حسابی ویژه بگشاید و حتی از سرگرمی های غفلت آور که مانع رسیدن به هدف اصلی است پرهیز نماید.

اگر آداب و شـرایط زیارت رعایت نگردد، ما اگر چه حضور فیزیکی در جوار آسـتانی با برکت را داریم، ولی از نظر فکری و قلبی غایب هستیم و این سنّت پسندیده به عملی بدون روح و گشت و گذاری تفنّنی و دیدن دیوارها، گچ بری ها، مقرنس ها، کاشـی کاری ها، چراغ ها، لوسترها و رفت و آمـد مردم تبـدیل می شود. اگر چه در ادب ظاهری، زایر بایـد غسل کنـد، وضـو سازد و خود را خوشبو نماید و لباس پاکیزه بر تن کند، امّا آمادگی روحی و صفای دل برای دیدار با چنین شخصیتی مقدّس و کسب فیض از حضـورش ضـرورت افزون تری دارد. قصـد قربت و پیروی از مـوازین شـرعی، اجتنـاب از خـود نمـایی، تفنّن و گرایش های نفسانی، بایـد اصل برنامه زایر باشـد. دیـده ها باید از نگریسـتن های معصـیت زا و مخرّب اعراض کنند که چشـم آلوده قادر نخواهد بود نور و ملکوت را ملاقات کند. به قول حافظ:

چشم آلوده نظر از رُخ جانان دور است بر رُخ او نظر از آینه پاک انداز

۵. فراموش کردن میثاق با امام

در منـابع روایی آمـده است: برای هر امـامی پیمـانی بر گردن پیروانش می باشـد، وفـای به این میثاق وقتی کامل می گردد که مراقد آن بزرگواران زیارت شود. پس کسـی که مزار ائمه را با شوق درونی و میل باطنی زیارت کند، و به آنچه خواست آنان بوده، تصدیق داشته باشد، امام در روز قیامت شفیع چنین زایری خواهد بود. (۱) در واقع زیارت تجدید دیدار و عهد و پیمان با انسان کامل است، زایر مشـتاق دیـدار یار است و برای رسیـدن به این مقصـد، سـختی را بر خویش هموار می کنـد تا به وصال مـذکور نائل گردد. بر اثر زیارت آن رشـته مودّت و میزان اطاعت از دسـتورات امام بایـد افزایش یابد و نیز عمیق تر شود. پس زایر وقتی از سـفر زیارتی بر می گردد بایـد بر میثاقی که هنگام زیارت آن را اسـتوار نموده است، باقی بمانـد. این میثاق پیامی مهم در بر دارد و آن این است که در ابلاـغ هـدف امـام قصور نورزد، به خصـال و فضایلی که امام بر آنها اصـرار داشـته روی آورد، به اموری فردی اکتفا نکند و برای دور کردن جامعه از انحراف، نفاق و ریا بکوشد، با طاغوت ها سازش نکند کسـی که غیر از این عمل نماید، میثاقی را که در موقع زیارت مرقد امام تجدید نموده، فراموش کرده است.

۶. روی آوردن به امور خرافی

ائمه هـدی نمونه های متعالی از عابـدان و پرهیزگاری اند و در بُعد عملی نخستین کسانی هسـتند که حتی برای لحظه ای از یاد خـدا غافـل نبوده انـد، آسـتان هـایی که به این بزرگان اختصاص دارد نیز آراسـته به نور حق و جلوه های ملکوتی هسـتند و به برکت آن ذوات مقدّس زایران از بام تا شام به دعا و عبادت مشـغولند و تجارت و شغل و امور شخصی را رها و فراموش کرده انـد تا بهتر بتواننـد در این مراکز معنوی با خداوند ارتباط بر قرار کنند و اصولًا اساس تربیت اسـلامی یاد حق است و ریشه تمام تباهی ها

۱- بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۱۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۵۳.

و ضلالت ها اعراض از ذکر خداست.

سازندگی زیارت وقتی محقّق می گردد که تقرب به حق و عبودت در آن جلوه ای برجسته داشته باشد و اصولًا مقام و منزلتی که ائمه هـدی نزد خـدای متعال به دست آورده اند به برکت بندگی آنان در برابر پروردگار متعال است و ما وقتی می خواهیم سلام نماز را به جای آوریم، اوّل در مورد خاتم پیامبران و برگزیـده انبیای الهی لفظ «عبـده» را به کار می بریم و سپس می گوییم «و رسوله». زایر بایـد مراقب باشـد که از چنین مسیری خارج نشود و برای رسیدن به مقاصـد و امیال خویش و نیز حلّ مشکلات نبایـد دستگاهی جـدای از یکتـا پرستی در ذهن خود ترسیم نمایـد. یکی از افکـار خطرناك که آفت بزرگی برای زیـارت است، این می باشـد که هر کـاری با قیافه خوب و معیار حق، ثواب دارد؛ اگر چه روح پاك آن معصوم از این حرکت بیزار باشـد و خـاطر مبارکش را برنجانـد. دستگاه ائمه اطهار جـدای از توحیـد و عبودیت نمی باشـد و هیـچ گاه معصومین در عرض قـدرت الهی قرار نمی گیرنـد، بلکه آن وجودهای مقـدّس از پرتو مشکات الهی نور گرفته انـد و به برکت مصـباح منیر پروردگار مظهر لطف و رحمت حق تعالی هستند. این نکته اعتقادی آموزه ای رفیع است که خود ائمه بر آن تأکید داشته اند، هیچ گاه بزرگان شیعه نخواسته اند همچون تفکرات زردشتی ها ثنویت را ترویج کنند. آنان همواره از عقاید شرك آمیز که برخی مکاتب و فرق به ترویج آنها مبادرت می ورزند، نفرت خود را اعلام کرده اند.

پرهیز از امور وهن انگیز و خرافی و آغشته به بـدعت باید در دستور کار زایر باشد، چه بسا افرادی که در جوار بارگاه امام به روح مقدس آن حضرت درود می فرستند، اما از لحاظ فکر و باور در صف کسانی قرار می گیرند که ائمه از آنان بیزارند.

تأییـد اهل تقوا و پوینـدگان مسیر حق اگر چه مفید و اثر بخش است، ولی کافی نمی باشد و آدمی را در ردیف اهل سعادت قرار نمی دهـد و چنین افرادی که صرفاً با لسان از خوبی ها سخن می گوینـد و یا به دفاع از ابرار در لفظ بسنده می کنند، از جرگه

بدکاران بیرون نمی روند، مگر آن که به اعمال صالح، ذکر، عبادت و اجتناب از منکرات روی آورند. امکان ندارد کسی با دوری از خدا و نادیده گرفتن موازین شرع مقدس که ائمه هدی برای حفظ و حراست و ترویج آنها اهتمام ورزیده اند و حتی در این راه به شهادت رسیده اند، به امام نزدیک گردد و با خشم پروردگار امام را خشنود سازد.

برخی با وجود چنین سرمایه های ارزشمند دینی، دستگاهی در مقابل حرام و حلال و ثواب و عقاب پروردگار به راه انداخته اند. وای بر حال زایری که در اقامه نماز قصور ورزد و کاهلی کند و به دستورات قرآنی، سنت محمّدی و فرهنگ عترت پیامبر بی اعتنا باشد، حقوق مردم را رعایت نکند و مرتکب امور ناروا گردد و آن گاه دل خود را به این خوش کند که بله من زایر مثلًا امام رضا علیه السلام هستم، چندین بار مشرف شده ام، زیارت کربلا نصیبم گردیده و عتبات ائمه را بوسیده ام. باید از این فرد پرسید تو چگونه خود را در زمره زوّار ائمه قرار داده ای در حالی که نه اعمال صالح امام و نصایح او را خوش می داری و نه حضرت از کارنامه اعمالت راضی است. امام حامی راستی و درستی است، اما تو در ارتباط با مردم، معاملات و مانند آنها به دروغ، تزویر و کم فروشی روی می آوری. او امانت دار بوده تو خیانت می کنی. او دائم در حال نماز، دعا، استغفار، ذکر، تلاوت قرآن، رسیدگی به امور مردم، حمایت از نیکان و صالحان و مبارزه با متجاوزین و ستم کاران بوده و در راه خدا از بذل هر چه داشته دریغ ننموده است، ولی تو به خلاف ها و نارواها راغب تری.

البته زایری که مقام امامت را به درستی می شناسد، گرفتار این انحرافات و خسران های آشکار نمی گردد و برای وجود مبارک امام در مقابل دستگاه خداوند حسابی جداگانه باز نمی کند و به خوبی واقف است که رفعت، عظمت و ابهت امام بر پایه عبودیت، تقوا و مکارم اخلاقی استوار است و جز از این راه نمی توان از فیض امام بهره گرفت.

همچنین زایر راستین هیـچ گاه اعمال صالح، سـنت های درست و مبتنی بر روایات ائمه را با خرافات، ترشـحات فکری و ذهنی افراد منحرف و عقیـده هـای مخلوط به عُقـده نمی آمیزد. زیـارت بایـد نـاب و خالصـانه بـا همان آداب و موازینی که در منابع روایی و کتب معتبر حدیث آمده است انجام گردد.

زیارت مصداق بسـیار خوبی برای تولی و تبرّی است؛ یعنی زایر باید نفرت خود را از کارگزاران فساد، ظلم و بی عدالتی اعلام کند و از جبهه حق و مجاهدان راه اعتلای فضیلت دفاع کند.

فهرست منابع

۱. احیاء علوم الدین(احیاء العلوم)، ابو حامد محمد غزالی، بیروت، دار الکتب العربی.

۲. بحارالأنوار، علامه محمّد باقر مجلسی، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق.

۳. تاریخ الخمیس، الدیار بکری.

۴. تفسیر جامع(تفسیر قرطبی) ابو عبد اللّه قرطبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.

۵. تفسیر مجمع البیان، شیخ طبرسی، تهران، مؤسسه الهدی، طبع اول، ۱۴۱۷ ق.

۶. تفسیر نور الثقلین، عبد علی حویزی، تحقیق سید علی عاشور، بیروت، مؤسسه تاریخ العربی، طبع اول، ۱۴۲۲ ق.

۷. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، و دیگران، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶.

۸. تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ ق.

۹. جرعه های جان بخش، غلامرضا گلی زواره، قم، حضور، چاپ چهارم، ۱۳۸۳.

۱۰. خصال، ابو جعفر محمد بن بابویه قمی(صدوق)، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ ق.

۱۱. دائره المعارف الاسلامیّه الشیعیه، سید حسن امین، بیروت، ۱۳۹۵ ق/ ۱۹۷۵ م.

۱۲. دائره المعارف تشیع، تهران، نشر شهید محبی، ۱۳۷۹.

۱۳. الدرالمنثور، جلال الدین سیوطی، قم، مکتبه المرعشی، ۱۴۰۴ ق.

۱۴. رسائل ابن سینا، ابو علی حسین بن عبد اللّه بن سینا، قم، بیدار، ۱۴۰۰ ق.

۱۵. سیمای فرزانگان، رضا مختاری، قم، بوستان کتاب، چاپ پنجم، ۱۳۷۲.

۱۶. طبقات الکبری، محمد بن سعد، بیروت، دار الطباعه والنشر، ۱۴۰۴ ق/ ۱۹۹۴ ق.

۱۷. عیون أخبار الرضا، شیخ صدوق، نجف اشرف، مطبعه الحیدریه، ۱۳۹۰ ق.

۱۸. فرازهای فروزان، غلامرضا گلی زواره، قم، حضور، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۱۹. فلسفه زیارت(شرح و تحقیق زیارت القبور فخر رازی)، احمد عابدی، قم، زائر، ۱۳۷۶.

۲۰. فوائد الرضویه، حاج شیخ عباس قمی، تهران، بی جا، بی تا.

۲۱. قصص العلماء، میرزا محمد تنکابنی، تهران، اسلامیّه، چاپ دوم، ۱۳۶۴.

۲۲. کشف الارتیاب، سید محسن امین، بی جا، چاپ پنجم، ۱۳۴۷ ق.

۲۳. لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم از دوره جدید، ۱۳۷۷.

۲۴. مجمع البحرین، فخرالدین طریحی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، ۱۴۰۸ ق.

۲۵. المطالب العالیه من العلم الالهی، فخر رازی، تحقیق احمد حجازی، بیروت، دار الکتب العلمیه.

۲۶. معجم مقاییس اللغه، ابو الحسین احمد بن فارس القزوینی الهمدانی.

۲۷. من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۴۰۴ ق.

۲۸. موسوعه زیارات المعصومین، قم، مؤسسه الامام الهادی، چاپ اول، ۱۳۸۳.

۲۹. المیزان فی تفسیر القرآن، علامه سید محمد حسین طباطبایی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ چهارم، ۱۴۱۴ ق.

۳۰. وسایل الشیعه، شیخ حُرّ، بیروت(لبنان)، مؤسسه الوفاء، چاپ چهارم، ۱۳۹۱ ق.

۳۱. وفاء الوفاء باخبار دار المصطفی، نور الدین علی بن احمد السمهوری، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۴ ق/ ۱۹۸۴ م.

۴. پیشینه زیارت در آموزه های دینی ایرانیان

اشاره

حسین قاسم نژاد

چکیده

مردم ایران از دیر باز، تا آن جا که مرز اسطوره به تاریخ مدوّن تبدیل می شود، به یگانگی ذات اقدس اله آشنایی داشتند و فرهنگ پرستش با تمام سستی و فطور در میان شان جریان داشت. بنابر شواهد تاریخی مردم ایران را باید خدا باورترین انسان های روی زمین نامید. چرا که از ابتدا به نوعی یگانگی و خدای واحد معترف بوده اند.

باید پذیرفت که تفسیر غلط از دین سبب شده بود که بسیاری از زرتشتیان ایران با اعمال سیاست حکومت های ساسانیان به سمت ثنویت گرایش پیدا کنند. که اتفاقاً ظهور دین اسلام سبب شد تا موبدان اصیل و درستکار رنگ سیاست را از دین زدوده و آرام آرام یکتاپرستی در دین زرتشتی نمود بیشتری یابد و امروزه رکن رکین این دین همان یکتاپرستی است. در واقع مباحث دینی زرتشتی و یهودی و مسیحی و مانوی و مزدکی و سایر ادیان زمینی و آسمانی ایرانیان جهت بررسی مفهوم و رسوم زیارت در آن ادیان است. سعی شده است تا حد مقدور در نهایت ایجاز بحث درباره زیارت ایرانیان در این متن مطرح شود. ضمن این که خود واژه زیارت دارای ابعاد و تعاریف مختلفی است و معنی کاربردی زیارت در این متن همان توسل قلبی از راه دور و یا بازدید معنوی و دینی از یک یا چند جایگاه مقدس نورانی و در واقع همان تعریف عامه از زیارت است که در بین مردم مسلمان و مؤمن متداول است.

کلیدواژه ها: زیارت، زیارت حضوری، زیارت باطنی، اسلام، زرتشت، مسیحیت، یهودیت، تاریخ.

... خداوندان امروزی چه دانند؟ خداخواهان از روز الستیم

اگر چه با شراب تلخ گرمند ولی ما می نخورده مست مستیم

تمام حسن ما اخلاق نیکوست دَرِ اخلاق نیکو را نبستیم

و در علم است از حضرت اشارت که از مرز ثریا هم سَرَستیم

زِما ایرانیان جز عشق و وحدت نمی بینند چون یکتاپرستیم (۱)

تعریف زیارت

زیـارت در لغت یعنی: «دیـدار کردن شـخص بزرگ و محترم، بازدیـد کردن، به مشاهـد متبرک و بقعه هـا رفتن، دعایی که به عنوان تشـرف بـاطنی برای امامان و امامزاده ها و اولیا خواننـد». (۲) زیـارت در تعریف عـامه و در مطـالب علمی به دو صورت بـاطنی و قلبی از راه دور و زیـارت از نزدیـک که بـا حضور شـخص امکان پـذیر است معنی می یابـد. بنابراین در این متن هم زیارت به دو صورت قلبی و بازدید از مکان معنوی مورد بررسـی قرار می گیرد. برای نمونه ما در مذهب تشـیع زیارت عاشورا داریم که نمونه زیـارت بـاطنی و قلبی است. و علاـقه منـدان به حضـرت امام حسـین علیه السـلام از هر جای دنیا که هسـتند به خصوص در ایران در منزل خود و یا هفته ای یک بار در مساجد به صورت دسـته جمعی این زیارت را می خوانند و سـلام می دهنـد و در پایان آن دو رکعت نماز برای هـدیه به امام می خوانـد. از طرف دیگر رفتن کاروان های زیارتی به عراق و بازدید مرقد مطهر و تجدید عهد ائمه از نزدیک هم زیارت است که در واقع زیارت شهودی و حضوری است.

فلسفه زیارت

فلسـفه زیارت در عالم مادی را می توان نوعی دلدادگی نامید که انسان متعهد نسبت به اعتقادات خود از مکان های متبرک یا دعاهای قلبی از راه دور ابراز می دارد و این رسم

۱- قسمتی از یک غزل، سروده نویسنده.

۲- فرهنگ معین، ص ۵۲۰؛ فرهنگ عمید، ص ۷۴۲.

از دیر باز، حداقل از زمانی که انسان نمادهایی را به عنوان مظاهر الهی در امر پرستش پذیرفت جریان داشته است. بنابراین قدمت آیین زیارت به قدمت تاریخ بشریت است. چنان که در اسطوره ها که هنوز رد شفافی از تاریخ نیست، نیز زیارت از مکان های مقدس یا افراد بزرگ دیده می شود. به همین دلیل زیارت همواره در فلسفه یک نماد مشخص است و در مکاتبات وآثار فیلسوفان زیارت واژه ای پر کاربرد است.

به عنوان مثال قبر کورش کبیر تا سالیان درازی توسط ایرانیان و یهودیان مورد بازدید معنوی قرار می گرفت که با حمله اسکندر مقدونی معلوم شد قبر کورش در آن جایگاه نیست. و تاریخ مسیر حرکت رو به مرگ کورش را در آخرین لشگر کشی به شمال ایران منطقه ای حایل بین تالشات و اردبیل می داند. (۱) در رم باستان هم مکان ها و نمادهای خدایان در معبدهای گوناگون مورد زیارت رومیان قرار می گرفت و این مسأله در مورد مصریان و هندوان و چینیان باستان نیز صدق می کند. اکنون هم در کشورهایی که دین بودا بر آن حاکم است، مثل چین و قسمتی از هندوستان و کشورهای آسیای شرقی، مردم برای زیارت معابد که مجسمه های بودا در آن قرار دارد می شتابند، و نذرها و نیازهای خود را می بندند. این روش در ادیان آسمانی هم ادامه پیدا کرد. در آیین یهود مردم به زیارت کنیسه ها می روند و سالیان درازی مردم برای زیارت هیکل سلیمان می رفتند و کورش کبیر وقتی به بابل حمله کرد و یهودیان را آزاد نمود، به آنها اجازه داد تا کما فی السابق به زیارت هیکل سلیمان بروند. در آیین مسیحیت هم مردم به زیارت کلیساهای رم باستان و مقبره شهادت اسقف های اعظم مثل ژوستین مقدس و ... می روند. اکنون هم به زیارت پاپ در واتیکان می روند و علاوه بر آن از مزار پاپ های گذشته نیز دیدن می کنند و حاجت می بندند.

۱- ر. ك: کورش کبیر، تعلیقات و مقدّمه.

البته در دین اسلام هم زیارت یک اصل انکارناپذیر است و برترین مؤلفه آن که در قرآن کریم هم به آن اشاره شده است، زیارت از مکه مکرمه و طواف آن و برگزاری مراسم حج است. و تمامی فرق اسلامی به آن اعتقاد راسخ دارند. در مذهب شیعه اثنی عشری و مذاهب شیعی که تا کنون پویا مانده اند، مثل زیدیان و اسماعیلیان و ... نیز زیارت از مرقد فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله مثل زیارت از ائمه بقیع و کربلا جریان دارد.

پیروان مذهب شیعه امامی علاوه بر امامان و امامزاده های نسل اول تا پنجم به زیارت سایر امامزاده ها و اولیای الهی و مرقد و مزار دانشمندان و ادیبان بزرگی چون حافظ و سعدی شیرازی و مولانا جلال الدین محمد بلخی نیز می روند.

بنابراین فلسفه زیارت در اندیشه های بشری با نیل به آرزوهای خداپرستی و فطرت خداگرایی انسان آغاز شد و همچنان ادامه دارد. کسی به معنی درست و واقعی زمانِ مشخص اولین زایر و زیارت کننده را نمی داند. خداوند در قرآن کعبه را اولین خانه مقدس می داند که مردم با ادیان مختلف برای زیارتش اقدام می کردند و طبعاً به غیر از کعبه، مکان های مقدس دیگری هم وجود داشته که توسط مردم نقاط دیگر جهان به عنوان نماد مقدس مورد زیارت قرار می گرفت. (۱)

بررسی رسم زیارت در ایران قبل از اسلام

در آیین نیایش ایرانیان و در کهن ترین کتاب مقدس مردم ایران که همان کتاب اوستاست، زیارت به دو صورت قلبی و حضوری جریان داشته. با توجه به این که در رد پای اساطیر ایرانی نیز زیارت مشهود و مبرهن است، در کهن ترین یادداشت و زنده داشت اساطیر ایرانی که همان شاهنامه فردوسی است، قهرمانان و بزرگان ایرانی برای تقویت نیروی معنوی خود به زیارت عبادتگاه های خویش می رفتند و همیشه در دل خود ارادت قلبی خویشتن را به اهورا مزدا و نیروهای مقدس که همان نفوس

۱- ر. ک: سوره آل عمران، آیه ۹۶.

مطهر انسانی مقرب درگاه الهی است، ابراز می داشتند. در شاهنامه این یکتاپرستی به چشم می خورد و تنها اسباب پرستش متفاوت است، چنان که مسلمان سنگ را در محراب می گذارد، نیاکان ما آتش را نماد پرستش قرار دادند:

نیا را همی بود آیین و کیش پرستیدن ایزدی بود پیش

بدآن گه بدی آتش خوبرنگ چو مر تازیان است محراب سنگ

به سنگ اندر آتش از او شد پدید کز او روشنی در جهان گسترید ... (۱)

بنابراین آتش خود نماد پرستش و آتشگاه محل زیارت ایرانیان باستان بوده است.

البته مردم ایران دارای ادیان مختلف اولیه ای چون میترائیسم و باورهای توتمی و تابویی بودند. و بیشتر به سمت مرزهای شرقی ایران باستان یعنی هندوستان و پاکستان امروزی سکونت داشتند که بسیاری از این مردم هنوز هم بر همان اعتقادات میترایی و هندو و باورهای توتمی وتابویی، مثل اعتقاد به عظمت گاو و مار و ... دارند.

اما بحث درباره اکثریت مردم ایران است که در فلات مرکزی ایران بین دو رشته کوه زیبای البرز و زاگرس تا حوالی بین النحرین امتداد داشت. این اقوام به شواهد تاریخی و به دلیل رفت و آمد مصلحان و پیامبران بزرگ دینی «از جمله تعداد زیادی از پیامبران بنی اسرائیل مانند دانیال نبی، حزقیال نبی، میکاه نبی و ... که همگی دارای کتابند و مزارشان نیز در ایران است و محل زیارت مردم منطقه و مسلمانان و سایر ادیان الهی قرار دارند» بر یکتاپرستی خود استوار بوده اند. بنابراین آتشگاه یا همان محل عبادت مردم ایران، محل زیارت ایرانیان بوده است. اما به غیر از این در اسطوره ها هم دعای قلبی و زیارت باطنی بین مخلوق و خالق جریان داشته که در نوع خود بی نظیر است. چنان که در شاهنامه می خوانیم:

شنیدم که رستم از آغاز کار چنان یافت نیرو زپروردگار

۱- شاهنامه، دفتر اول، ص ۱۹.

که گر سنگ را او به سر بر شدی همی هر دو پایش بدو در شدی

از آن زور پیوسته رنجور بود دل او از آن آرزو دور بود

بنالید بر کردگار جهان به زاری همی آرزو کرد آن

که لختی ز زورش ستاند همی به زاری همی آرزو کرد آن

بر آن سان که از پاک یزدان بخواست ز نیروی آن کوه پیکر بکاست ... (۱)

البته از نوع دیگر تعریف زیارت یعنی به ملاقات اشخاص مهتر یا دانشمندان رفتن نیز در شاهنامه بسیار نقل شده است. چنان که فردوسی در مورد ملاقات رفتن سام نزد دانشمندان برای مطالعه ستاره شناسان از وضعیت تولد کودک و چگونگی حالات فرزند نو رسیده آورده است:

چو برخاست از خواب با موبدان یکی انجمن کرد و با بخردان

کشاد آن سخن بر ستاره شمر که فرجام این بر چه آید بسر

دو گوهر چو آب و چو آتش بهم بر آمیختن باشد از بن ستم

همانا که باشد به روز شمار فریدون و ضحاک را کارزار

ز اختر بجویید و فرمان دهید سر خامه بر بخش فرّخ نهید

ستاره شناسان به روز دراز همی زآسمان باز جستند راز

بدیدند و با خنده پیش آمدند چو شادان دل از بخت خویش آمدند

به سام نریمان ستاره شمر چنین گفت که ای گر زرّین کمر

تو را مژده از دخت مهراب وزال که باشند هر دو دو فرّخ همال

از این دو هنرمند پیل ژیان بیاید ببندد به مردی میان ... (۲)

از اسطوره که بگذریم، در کهن ترین کتاب دینی ایرانیان که به اوستا معروف است و خود شامل چند بخش یا در واقع چند کتاب جدا گانه به نام های «یشت ها، یسنا

۱- همان، ج ۲، ص ۳۶۹(نبرد رستم وسهراب).
۲- همان، ج ۱، ص ۱۴۰(ابیات ۸۰۶ تا ۸۱۵).

ویسپرد، وندیداد، خرده اوستا» است. و کتاب گاثه ها که سروده های زرتشت را در خود دارد، به عنوان نماد افکار ایرانیان سرشار از روح تعبد و زیارت های باطنی و قلبی است. متأسفانه این کتاب هم مانند بسیاری از کتب دینی دستخوش حملات گوناگون قرار گرفته است ولی با وجود این، به عنوان سندی ماندگار برای بررسی آرا و عقاید دینی ایرانیان تا کنون مانده و بسیار هم قابل ارزش و در نوع خود دارای احترام است. چون بعد از قرآن تنها کتابی است که خدا را مجسم نمی کند.(مانند تورات که در سفر پیدایش، خدا در باغ بهشت قدم می زد و از آدم و حوا که دچار گناه میوه ممنوعه شده بودند خبر نداشت و یا اناجیل اربعه که در آنها خدا به شکل انسان ظهور می یابد.) (۱) علاوه بر آن بر یکتاپرستی و عظمت اهورامزدا اعتقاد راسخ دارد و در حکم خداوندی او شریکی قایل نیست. و اهریمن ساخته ای از خود اوست که بر او متمرد شده است. اما همان طور که گفته شد، این کتاب دستخوش تغییراتی هم شد؛ از جمله بسیاری از آرا و افکار میترایی و چند خدا پرستی در بخش هایی از یشت ها رسوخ پیدا کرد که مطمئناً مربوط به سیاست های شاهنشاهی ایران قدیم بوده است، تا بتوانند در این راستا عظمت کروبی برای شاهان در نظر بگیرند. البته تفاوت های ساختاری متون به خوبی تغییرات را نشان می دهد؛ ولی در کل، ما ایرانیان باید به خودمان ببالیم که همواره یکتاپرستان روی زمین بوده ایم. چنان که در گاثه ها که سروده های زرتشت است می خوانیم:

«اوست خداوندی که در آغاز پیدایش، درباره بهترین سرزمین و نور اندیشید و چون چنان کرد، زمین و نور پدید آمد، و این پیدایش از پرتو خرد او بود و این است نیرویی که همچنان است که در آغاز بود و هیچ دگرگونی درش راه ندارد. آن گونه تو را

۱- ر. ك: سفر پیدایش، آیات ۱۷ به بعد.

شناختم ای مزدا، که از روی خرد، به درون اندیشه کردم، سپس دریافتم که تویی خرد کل جهان، و چون در اندیشه تو را یافتم، در سراسر هستی نیز تو را دیدم، تویی که آغازی و تویی که انجامی و تویی که خداوند جان و خرد و سرور راستی هستی». (۱) بنابراین اگر گستره دینی مردم ایران را زرتشتی بدانیم، مردم ایران یک زیارتگاه به نام آتشگاه داشتند که در آن عبادت می کردند و توسل می جستند و از موبدان و دانشمندان یاری می طلبیدند. که در واقع همان زیارت از مکان های زیارتی است و در نوع دیگر زیارت که همان زیارت قلبی یا باطنی است، نیز در اوستا مشهود دیده می شود. و قسمت یشت ها از کتاب اوستا سرشار از این زیارت باطنی به ارواح مطهر یا انسان های پاک و آبرومند درگاه خداوند است:

«فروهرهای نیرومند پاکان را می ستایم که آب ها را که پس از آفرینش ساکن بودند، روان کردند به سوی سرزمین های مزدا آفریده تا خشنود گردانند اهورامزدا وامشاسپندان را». (۲) و یا در جایی دیگر در یشت ها می خوانیم:

«می ستایم اشی وَنگوهی را که زیبا اندام است و گردونه اش به استواری روان است، که بخشنده ثروت و برکت است، و درمان بخش نیرومند و بسیار هوشمند. از مزداست، همچنان که امشاسپندان از اویند. داننده است، همچون سوشیانت ها، چون خوب ستایش شود، به ستایشگر دانایی و شناسندگی بخشد، خواه این آیین گزاری از سرزمین های دور باشد یا نزدیک، و هر که بستاید وی را، چونان است که مهر را ستوده باشد». (۳) بنابراین افراد چه دور باشند و چه نزدیک، می توانند آیین عبادی را انجام دهند که

۱- گاثه ها- یسنا- هات، ۳۱(اوستا، ص ۳۱).

۲- اوستا- یشت ها- کرده، ۱۴- ۱۶ بخش هفتم(اوستا، ص ۳۰۲).

۳- همان، ارت یشت(اوستا، ص ۳۲۴).

همان تداعی کننده زیارت قلبی است. چون در ادامه می فرماید که زیارت او در واقع همان زیارت مزداست.

و از این دست زیارت ها بسیار است که در جای جای اوستا قرار دارد. البته در ادامه یشت ها بندهای «مهر نیایش» و «ماه نیایش» و ... هم وجود دارند که ستایش از آفریده های خداوند کریمند و به نظر می آید که این بندها مربوط به دخل و تصرفات گوناگون در یشت ها و در اوستا است. که هم همخوانی با بندهای دیگر ندارد و هم در ستایش جمادات و نباتات، گاه غلو دیده می شود که بیشتر می توان آن را مداخله افکار میترائیسم در اندیشه های زرتشت نامید. در این بندها رگه هایی از ثنویت هنوز باقی مانده است.

زیارت در آیین یهود

قوم بنی اسرائیل علاوه بر این که از مزار و مقبره پیامبران خود و کنیسه های مقدس زیارت می کنند، دارای زیارتنامه ها و سرودهای مقدسی هستند که از جانب پیامبران خود به یادگار دارند. مانند سرود موسی در تورات و مزامیرهای حضرت داود و حضرت سلیمان و سرودهای پیامبران بنی اسرائیل که در نوع خود بی نظیرند. زیارت حضرت موسی در کوه نور و ملاقات او با نماد الهی و صحبت کردن با حضرت حق، خود نمایی از زیارت در این آیین است. بررسی زیارت در آیین یهود از این نظر که دین بسیاری از مردم ایران بوده وهست قابل ارزش است. در تورات در سفر خروج زیارت موسی علیه السلام است که به نوعی زیارت قلبی با خدای کریم است:

«آن گاه موسی و بنی اسرائیل در ستایش خداوند این سرود را خواندند:

خداوند را می سراییم که شکوهمندانه پیروز شده است

او اسب ها و سواران شان را به دریا افکنده است

خداوند قوت و سرود و نجات من است

او خدای من است، پس ستایش می کنم

او خدای نیاکان من است، پس او را تجلیل می نمایم

او جنگاور است و نامش خداوند است

خداوند لشکر و عرابه های فرعون را به دریا سرنگون کرد

مبارزان برگزیده مصر در دریای سرخ غرق شدند

آب های دریا آنها را پوشاندند

و آنها مانند سنگ به اعماق دریا فرو رفتند

دست راست تو ای خداوند قدرت عظیمی دارد

به نیروی دستت، دشمنانت را در هم کوبیدی

با عظمت شکوهت دشمنان را نابود ساختی

آتش خشم تو، ایشان را همچون کاه سوزانید ...». (۱) در جایی دیگر که خداوند دستور ساختن قربانگاه می دهد تا مردم برای زیارت به آن جا بروند و قربانی های خود را تقدیم خداوند کنند، آمده است:

«قربانگاهی که برای من می سازید باید از خاک زمین باشد. از گله و رمه خود قربانی های سوختنی و هدایای سلامتی روی این قربانگاه قربانی کنید. در جایی که من برای عبادت تعیین می کنم، قربانگاه بسازید تا من آمده شما را در آن جا برکت دهم ...». (۲) البته این زیارت و عبادت به اشیاء مقدس مثل صندوق عهد، میز نان مقدس، چراغدان با هفت چراغ، خیمه عبادت و قربانگاه و ... نیز تعلق می گیرد که ابزار مقدسی برای عبادت یهوه یا همان خدای یهود هستند. بنابراین زیارت در آیین یهود نیز به صورت حضوری و مشاهده جریان دارد. مثل زیارت از هیکل سلیمان و کنیسه های قدیمی و قربانگاه ها و چراغدان های عبادت و مزار پیامبران شان. و هم زیارت به صورت ارادت قلبی و باطنی جریان دارد

۱- تورات، سفر خروج، فصل ۱۵، بند ۱- ۸.

۲- تورات، سفر خروج، فصل ۲۰، بند ۲۴.

که بهترین نمونه های آن سرودهای حضرات موسی و داود و سلیمان در مزامیر هستند که به زبور حضرت داود معروفند. در حالی که «هفتاد و دو مزمور را حضرت داود نوشته، دو مزمور را حضرت سلیمان، دوازده مزمور را آساف، نه مزمور را خاندان قورح و بالأخره یک مزمور را حضرت موسی به رشته تحریر در آورده است». (۱) در مزمور سه داود در برابر بد عهدی های زمانه و قوم بنی اسرائیل چنین می سراید:

«ای خداوند، دشمنانم چقدر زیاد شده اند، بسیاری بر ضد من بر می خیزند

بسیاری می گویند که خدا به داد من نخواهد رسید

اما ای خداوند، تو سپر من هستی

و از هر سو مرا محافظت می نمایی

تو مرا پیروز و سربلند می سازی

و شهامت مرا به من باز می گردانی

به سوی خداوند فریاد بر می آورم و او از کوه مقدس خود مرا اجابت می کند

با خیال آسوده به خواب می روم و از خواب بیدار می شوم، زیرا خداوند از من مراقبت می نماید

از هزاران دشمنی که مرا از هر سو احاطه کرده اند ترسی ندارم ...». (۲) بنابراین در آیین یهود، زیارت ریشه ای استوار دارد و درخت تناور اعتقادات آنها را تشکیل می دهد. امروزه هم صهیونیست ها در اسرائیل تمام هدف شان ساخت و احیای مجدد هیکل سلیمان در جنب یا در جایگاه مسجد الاقصی برای جلب تمام یهودیان و زیارت از آن مکان مقدس است، تا بدین وسیله و با عوام فریبی از اعتقادات مردم یهود سوء استفاده کرده و مهاجرت یهودیان را روز به روز افزون کنند.

۱- کتاب مقدس، مزامیر، توضیحات ابتدای کتاب.

۲- کتاب مقدس، مزامیر، زمور ۳.

زیارت در آیین مسیحیت

آیین مسیحیت یکی از ادیان مردم ایران در قبل از اسلام بوده وهست. در این دین نماد اصلی پرستش بر پایه زیارت است. زیارت از کلیسا و پاپ و اسقف ها و همچنین زیارت خواندن برای مسیح و پاپ های شهید و ارواح مطهر از آداب عبادی این دین به شمار می رود. زیارت با هر دو تعریف کاربردی آن، یعنی زیارت قلبی و باطنی و مشاهده کردن مکان های مقدس در آیین مسیح جریان دارد. چنان که در انجیل متی از زبان عیسی آمده است:

«ای تمامی کسانی که زیر یوغ سنگین، زحمت می کشید، نزد من آیید و من به شما آرامش خواهم داد، یوغ مرا به دوش بکشید و بگذارید من شما را تعلیم دهم، چون من مهربان و فروتن هستم ...». (۱) در واقع زیارت یا نوعی عبادت قلبی در دین مسیح مستقیماً به خود مسیح و مادر او بر می گردد. در واقع هر چه در مورد مسیح باشد عبادت است و هرچه در مورد مادر مسیح و حواریون و استمداد یاری از ارواح مطهر شهدا و قدیسان دین مسیح باشد، زیارت است. چه این زیارت با حضور بر مقبره شهدای دین باشد، که زیارت شهودی و حضوری است، و چه زیارت باطنی و قلبی باشد. در هر صورت زیارت زیر بنایی ترین تفکر دین مسیح است و حتی ابزار وجودی ارتباط با خود مسیحی که در باورشان خدای بزرگ آسمان ها هست و دارای اقانیم سه گانه است، با زیارت آغاز می شود. چنان که در مکاشفه یوحنا در مورد پیام مسیح با کلیساها به عنوان مجمع زیارت مسیحیان آمده است:

«هر که پیروز شود، او را در خانه خود ستونی محکم خواهم ساخت تا همواره در حضور خدا باشد و دیگر هرگز بیرون نرود. نام خدای خود را نیز بر او خواهم نهاد تا

۱- انجیل متی، باب ۱۱، بند ۲۸.

متعلق به شهر خدایم یعنی اورشلیم جدید گردد که از آسمان از جانب خدایم می آید.

همچنین نام جدید خود را بر او خواهم نهاد. هر که این را می شنود، خوب توجه کند که روح خدا به کلیساها چه می گوید». (۱) از این رو کلیساها رکن رکین زیارتگاه های مردم و محل عبادت خداوندند. از طرفی دیگر کلیساهای قدیس شامل کلیساهای قدیمی از اعتبار ویژه ای برخوردارند و کلیسای واتیکان هر ساله محل زیارت ده ها میلیون مسیحی است که از سراسر دنیا برای زیارت کلیساهای قدیمی و متعدد این شبه کشور دینی موجود در کشور ایتالیا مسافرت می کنند و یا برای حضور در عشای ربانی و مراسم های دینی مسیحیان با حضور پاپ شرکت می کنند. مسیحیان ایران نیز همان رسم و رسوم مسیحیان دیگر جهان را بر اساس فرق شان که ارتودکس یا کاتولیك ویا پروتستان و ... باشند انجام می دهند؛ با این تفاوت که برخی از مسیحیان کشورمان بر اساس نذرها و نیازهای خود در روزهای عاشورا برای حضرت عباس و امام حسین علیهما السلام نذر می کنند و زیارت می خوانند، بدون این که از دین خود خارج شده باشند. این کار تنها نشانه ارادت قلبی شان است و یا حاجاتی که با نام این عزیزان دریافت کرده اند که در نوع خود بی نظیر است.

نمونه ارادت قلبی مسیحیان به آداب و سنن مسلمانان را در لبنان هم می توان به عینه دید البته قرآن کریم هم مسیحیان را بهترین دوستان مسلمانان معرفی می نماید که در دل شان به مسلمانان نزدیکند. (۲) حال شاید به دلایل سیاسی وسایر مؤلفه های اجتماعی و دینی در ظاهر نشان ندهند. ارادت قلبی بالاتر از این که جرج جرداق

۱- انجیل، مکاشفه یوحنا، باب ۳، بند ۱۲.

۲- ر. ك: آیه ۸۲ سوره مائده که می فرماید: «به طور مسلّم، دشمن ترین مردم نسبت به مؤمنان را یهود ومشرکان خواهی یافت و نزدیک ترین دوستان به مؤمنان را کسانی می یابی که می گویند: «ما نصارا هستیم» این به خاطر این است که در میان آنها، افرادی عالم و تارك دنیا هستند، و آنها تکبر نمی ورزند».

مسیحی لبنانی بالغ بر چهارصد بار نهج البلاغه را خوانده و یکی از حافظان آن است.

زیارت در آرا و افکار مانی

مانی بعد از این که دین مسیح در درگیری های میان رومیان و کشت و کشتارهای پراکنده مؤمنان نجات یافت و آخرین قیصر روم علناً کیش مسیحیت را پذیرفت، کم کم جایگاه مسیحیت تقویت شد و کار به جایی رسید که مسیحیت ابزاری برای نیل به اهداف پادشاهان شد که به غلط به حکومت کلیسا و تفتیش عقاید در تاریخ معروف شد؛ چون کلیسا نبود که حکومت می کرد. همان رومیان با نرمش در مقابل دین مسیحیت و آمیخته کردن آن با انواع خدایان خود مسیحیت را پذیرفتند. چنان که سالیان درازی مسیح را اوزیریس یعنی همان خدای رم باستان که برای نجات بشر خود را فدا می کرد می نامیدند. اتفاقاً تفتیش عقاید و کشتارها برای کفار نبود، بلکه مؤمنان حقیقی مسیح علیه السلام را می گرفتند و می کشتند، تا یکتاپرستی برای همیشه از این دین رخت بندد. با وجود چند قرن کشتار و از بین بردن مؤمنان حقیقی، اکنون بالغ بر پنجاه هزار نفر مسیحی در کشورهای پرتقال و اسپانیا و اندکی به صورت پراکنده در سایر کشورهای دنیا زندگی می کنند که به خدای یگانه اعتقاد کامل دارند و مسیح را جلوه و نشانه عظمت خدا می دانند، نه خود خدا. البته از طرف کلیسای واتیکان مورد نفرت قرار داشته و مطرودند، ولی مؤمنان حقیقی هستند که معجزه فاطیما که در اوایل قرن بیستم در محلی که بعدها فاطیما نامیده می شود، اتفاق افتاد و مردم آن دیار برای همیشه بسیاری از اعتقادات گذشته را کنار گذاشته و اندک رابطه ای که با کلیسای کاتولیک واتیکان داشتند بهم زدند و برای خود به صورت مستقل عبادت می کنند.

آنها به شدت در اقلیتند و از بسیاری از مواهب اجتماعی محروم هستند.

مانی در زمانی متولد شد که امپراطوری روم توانسته بود دین مسیح را با تخریب بسیار به دین رسمی خود تبدیل کند و در این راه مخالفان حقیقی که همان مؤمنان به مسیح بودند را به وحشیانه ترین روش به مجازات برساند. بنابراین مسیحیت دین

سیاسی و ابزار توسعه امپراطوری رم قرار گرفت و تنها نامش به امپراطوری رم مقدس تغییر کرد که بعدها انشعابات گسترده ای پیـدا نمـود و القـاب و عنـاوین مختلفی را از آن خود کرد. مـانی در ایران متوجه شـد که دین زرتشت مورد بـازیچه پادشاهـان ساسانی قرار گرفته و از طرفی دیگر گرایش مردم ایران به سـمت ادیان بودایی و یهودی و مسیحی، روز به روز بیشتر می شود. پس با مطالعه بسـیار زیاد بر ادیان مختلف، روش جدیدی را بنیان نهاد که بر اساس محور ثنویت یعنی خدای خیر و خدای شـر صـدق می کرد. او توانست در کوتاه ترین زمان طرفـداران زیادی را جـذب کنـد. جـذبه مانی که هنرمنـدی تمام عیار بود و با ذوق بلیغ خود سخن می گفت، سبب وحشت دربار و موبدان شد که البته مرگ او نتوانست از تعداد پیروان او بکاهد.

امروزه اگر چه دین مـانی به نـام مـانی وجود نـدارد، ولی بسـیاری از فرق ثنویت هنـدو و چینی را می توان وارثـان پیـچ و تاب خورده دین مانی نامیـد که هنوز هم در میان مردم رواج دارنـد. در آیین مانی زیارت از مکان های مقـدس مورد تأیید است. و زیارت قلبی که همان عبادتنامه خوانـدن و یا زیارتنامه خوانـدن با تصور حضور باطنی است نیز جریان دارد. مطالعه بیشتر افکار و آرای مانی با پیدا نمودن بسیاری از کتب او در غارهای چین ادامه دارد. قتل مانی به دستور مستقیم بهرام نوه شاپورساسانی، در سـال ۲۷۷ میلادی بـوده و او دارای کتـاب هـای زیـادی از جملـه: ۱. شاپورگـان، ۲. انجیل زنـده، ۳. گنجینه زنـدگی، ۴. پراگماتیا(یا همان کتاب اعمال)، ۵. کتاب رازها، ۶. کتاب دیوها و .... بود، که امروزه تعدادی از این کتب پیدا شده و در حال بررسی اند. (۱)

زیارت در آرا و افکار مزدک

مزدک به تمام معنی یک دان کیشوت ایرانی بود که برای نجات مردم قیام کرد.

مشکلات مردم ایران سبب شد تا تاریخ مردی با نام مزدک را بپروراند که با دیدگاهی

۱- ر. ك: تاریخ ادیان، جان بی ناث؛ تاریخ ادیان، عبدالله مبلغی آبادانی.

آنارشیستی و ضد حکومتی برای غلبه بر بحران زندگی حیاتی مردم حرکتی را آغاز کند. در مورد دین و آرا و تفکرات مزدک حرف های متناقض زیاد است. ولی او از طرفداران مانی بوده و بسیاری از آداب او را در دین خود گنجانده بود. کشتار شدید مزدک و یارانش سبب شد که مزدک و آیینش برای همیشه ابتر بماند و آنچه که در مورد آیین او توسط مورخان بیان شده است، فقط در حد اما و اگر و شاید و احتمالًا می باشد. در واقع مزدک نتوانست مثل مانی به تبلیغ رسالت خود بپردازد. مثل او دارای مطالعه و قریحه خوش نبود. بیشتر یک طغیانگر و یک آشوبگر برای نجات مردم بود. که گاه دچار افراط، یا تفریط در فرمان هایش نیز می شد. که از جمله فرامین او حتی تقسیم زنان بود. و شرایط زمانه مجال ارائه آثار و افکار او را فراهم نساخت.

مزدک در سال های حدود ۳۰۰ میلادی قیام خود را آغاز نمود و چند سال بعد به دستور مستقیم انوشیروان، او و تمام یارانش یک جا قتل عام شدند. باقی یاران مزدک نیز از اعتقادات خود توبه کردند و به زرتشت ایمان مجدد آورند و از مرگ نجات یافتند. (۱)

زیارت در آرا و افکار بودا

آیین بودا در قسمتی از کشور ایران باستان شامل هند و پاکستان و افغانستان که در ایران قدیم جزو قلمرو ایران محسوب می شدند، جریان داشته و دارد. در آیین بودا زیارت از مجسمه های بودا عبادت تلقی می شود. علاوه بر این که از تمامی مکان های مقدس، مثل معبد زیارت به عمل می آید. زیارت با حضور قلبی هم با استفاده از نیایش های موجود در کتاب های منشعب شده از دین بودا جریان دارد. بودا پادشاه زاده ای نجیب بود که بالغ بر سی سال از عمر خود را در ریاضت به سر برد و با ارائه یک متد و روش نیک، دینی جدید را پایه گذاری نمود. البته بسیاری از مواردی

۱- همان.

که به بودا نسبت داده می شود، خرافاتی بیش نبود که اکنون هم جریان دارد، مثل معجزاتی که به او نسبت می دهند و نحوه تولد اساطیر گونه او که چگونه بود و چه اتفاقی افتاد. در دین بودا مظاهر یکتاپرستی بیشتر به چشم می خورد. هر چند خرافات و دستبردهای گوناگون این آموزه ها را به شدت آلوده کرده، ولی با شعارهای زیبایی که دارد و بی آلایشی و صمیمیتِ زاهدانه ای که در این دین جریان دارد، هنوز هم بسیاری از مردم دنیا را به سمت خود می کشاند. امروزه یکی از بزرگ ترین مشکلات کلیساهای جهان، به خصوص واتیکان، گرایش بیش از حد جوانان به آیین بودا و اسلام است.

بررسی زیارت در قرآن

در قرآن زیارت خانه خدا به عنوان یکی از فضایل معنوی و دینی بیان شده و سوره ای از قرآن هم نام حج را به خود گرفته است. این خود نشان دهنده جایگاه معنوی زیارت در ساختار دین مبین اسلام است. در واقع اسلام با اصلاح خرافات از آیین زیارت در طول تاریخ، مردم را به سمت پاکی و روشنایی سوق می دهد. کسی که به زیارت مکه می رود، در حقیقت به زیارت خدا می رود و برای این کار باید تمام پل های مادی اطراف خود را بشکند. زایر خدانه خدا از همه حلالیت می طلبد و با عزمی راسخ قدم در وادی عشق می گذارد. در طواف خانه دوست می چرخد تا هرچه که از خود دارد دور کند و از من به ما برسد. سپس در آخرین مرحله از پرستش خدا نفس خود را به قربانگاه منا می برد تا با قربانی کردن، ارادت قلبی خود را نشان دهد و با تراشیدن موهای خود، آخرین حلقه زیبایی های مادی را از خود دور کند. او به زیارت عشق رفته و پاک است، آن چنان که فرزند از مادر زاده شده است. از آن پس باید مراقب احوال و نفوس خود باشد.

در المیزان ذیل آیه شریفه: «قَالَ الَّذِينَ غَلَبُواْ عَلَى أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا» (۱)

آمده

۱- سوره کهف، آیه ۲۱.

است: از این آیه شریفه استفاده می شود که محل دفن افراد مؤمن و موحّد را می توان زیارت نمود و بلکه نزد قبر آنان مسجد بنا کرد و ذکر خدای متعال در آن جا نمود. و در حدیث آمده که افرادی پیشنهاد ساختن مسجد بر قبر اصحاب کهف را ذکر کردند همه آنان موحّد بودند، همان گونه که علامه طباطبایی نیز فرموده است. (۱) طبق آیه شریفه قرآن مردم موحد خواستند تا در محل غار اصحاب کهف مسجد و جایگاه عبادتی بسازند و ضمن زیارت از قبور متبرکه به عبادت خداوند بپردازند.

در قرآن نیز بارها دعاهای قلبی و باطنی به قرب الی اللّه یافت می شود که از زبان و بیان پیامبران و اولیای الهی نقل شده است. ولی بزرگ ترین مؤلفه زیارت همان حج است که خداوند در قرآن می فرماید: «وَ إِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَ هِیمَ مَکَانَ الْبَیْتِ أَن لَّاتُشْرِکْ بِی شَیًا وَطَهِّرْ بَیْتِیَ لِلطَّآئِفِینَ وَ الْقَآئِمِینَ وَ الرُّکَّعِ السُّجُودِ»؛ (۲)

زمانی را که جای خانه را برای ابراهیم آماده ساختیم چیزی را همتای من قرار مده، و خانه ام را برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و رکوع کنندگان و سجودکنندگان پاک ساز.

و در ادامه می فرماید مردم را برای زیارت خانه من دعوت کن: «وَ أَذِّن فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجَالًا وَ عَلَی کُلِّ ضَامِرٍ یَأْتِینَ مِن کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ»؛ (۳)

و مردم را دعوت عمومی به حج کن، تا پیاده و سواره بر مرکب های لاغر از هر راه دوری به سوی تو بیایند.

مردم برای زیارت خانه خدا بروند تا در این راه انفاق کنند و به یتیمان و مسکینان برسند و آلودگی های شان را پاک کنند و دور خانه خدا بچرخند.(برای زیارت طواف کنند).

«ثُمَّ لْیَقْضُواْ تَفَثَهُمْ وَ لْیُوفُواْ نُذُورَهُمْ وَلْیَطَّوَّفُواْ بِالْبَیْتِ الْعَتِیقِ»؛ (۴)

سپس باید آلودگی هایشان را برطرف سازند؛ وبه نذرهای خود وفا کنند؛ و بر گرد خانه گرامی کعبه، طواف نمایند.

۱- ر. ک: المیزان، ج ۱۳، ص ۳۰.

۲- سوره حج، آیه ۲۶.

۳- همان، آیه ۲۷.

۴- همان، آیه ۲۹.

البته حج از شعایر الهی است و جزء پایه های نمادین و عبادی دین اسلام است که باید پاس داشته شود:

«وَ مَن يُعَظّمْ شَعلِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقْوَى الْقُلُوبِ»؛ (۱)

و هر کس شعایر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دل هاست.

و البته خداوند برای هر قوم قربانگاه هایی برای عبادت و قربانی نمودن نفس مکاره قرار داده است. و برای مسلمین همان جایگاه نمادین و مقدس قربانی نمودن اسماعیل در کوه منی است که خداوند آن را مکانی زیارتی معرفی می نماید:

«وَ لِكُلّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنسَكًا لّيَذْكُرُواْ اسْمَ اللَّهِ عَلَى مَا رَزَقَهُم مّن م بَهِيمَةِ الْأَنْعمِ فَإِلهُكُمْ إِلهٌ وَ حِدٌ فَلَهُ و أَسْلِمُواْ وَ بَشّرِ الْمُخْبِتِينَ»؛ (۲)

برای هر امتی قربانگاهی قرار دادیم، تا(هنگام قربانی) نام خدا را بر چهارپایانی که به آنان روزی داده ایم ببرند، و خدای شما معبود واحدی است؛ در برابر او تسلیم شوید و بشارت ده متواضعان و تسلیم شوندگان را.

در جای جای قرآن کریم علاوه بر زیارت عظیم کعبه و مسجد الحرام، برای عبادت معنوی حج، نکاتی وجود دارد که در مورد آداب زیارت است. از جمله این که به هر جا می روید ابتدا در بزنید. در زدن یا دق الباب کردن تنها یک امر اخلاقی نیست، بلکه یکی از مصادیق آن آداب زیارت افراد مختلف و به خصوص افراد کریم و بزرگ روزگار است و این که در هر جایی که می روید نمایانگر اخلاق نیکو باشید.

زیارت در حدیث

در روایات نیز جایگاه خاصی برای زیارت در نظر گرفته شده است. حدیث مشهور امام حسن عسکری علیه السلام در مورد امامزاده عبدالعظیم حسنی علیه السلام مشهور و متواتر است که: «من زار عبدالعظیم بری کمن زار حسین بکربلاء»؛ کسی که در ری مزار امامزاده عبدالعظیم حسنی را زیارت کند، مانند آن است که حسین ۷ را در کربلا زیارت کرده باشد».

۱- همان، آیه ۳۲.

۲- همان، آیه ۳۴.

امام رضا علیه السلام درباره زیارت خواهر بزرگوارشان فرمود: «من زارها فله الجنله»؛ (۱) کسی که حضرت فاطمه معصومه را زیارت کند پاداش او بهشت است.

همچنین از امام رضا علیه السلام نقل شده است: «هر کس نتواند به زیارت من بیاید، برادرم را در ری یا خواهرم را در قم زیارت کند که ثواب زیارت مرا در می یابد». (۲) از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است: «ألا إنَّ حرمی و حرم ولدی بعدی قم»؛ (۳) آگاه باشید که حرم من و حرم فرزندان بعد از من، قم است.

همچنین امام جواد علیه السلام در مورد زیارت قبر عمه مکرمه خود می فرماید: «من زار قبر عمّتی بقم فله الجنه»؛ (۴) کسی که عمّه ام را در قم زیارت کند، پاداش او بهشت است.

اصولًا زیارت از قبور در مذهب تشیع یکی از موهبات خداوند است، چون می تواند سبب رهایی بسیاری از بندهای شیطانی شود و از نظر روان شناسی هم این مسأله صدق می کند.

ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام نقل کرده است: «کانت فاطمه بنت رسول اللّه صلی الله علیه و آله تزور قبر حمزه بن عبد المطلب کلّ جمعه و علّمته بصخره»؛ (۵) فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله در هر جمعه ای قبر حمزه را زیارت می نمود و آن را با سنگی علامت نهاده بود.

در بعضی از روایات آمده است که امام حسین علیه السلام در شام هر جمعه به زیارت قبر امام حسن علیه السلام می رفت. چنانکه بعد از شهادت امام حسین علیه السلام اسرای کربلا- بعد از آزادی از شام به زیارت قبور مطهّر آمدند و یا زیارت تاریخی صحابی بزرگ رسول خدا جابر از مزار شهدای کربلا که مشهور است. در نهج الفصاحه و بحار الأنوار آمده است:

«مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و از قساوت دل شکایت نمود، حضرت فرمود: به قبرستان برو و از قیامت عبرت گیر».

۱- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ص ۲۳۴.

۲- همان.

۳- همان؛ بحار الأنوار، ج ۶ ص، ۳۱.

۴- بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۳۰۷.

۵- الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۰، ص ۳۸۱؛ تفسیر منیر، ج ۱۵، ص ۲۵۱.

بنابراین زیارت قبور عادی مسلمین هم ثواب دارد. علاوه بر این که تأثیر معنوی و روانی زیارت از قبرستان بسیار بر شخص زایر اثر می گذارد و اگر ضمیرها آماده باشد زایر برای همیشه آگاه شده و ترک گناه می کند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی، اهمیت زیارت مزار خود را پس از رحلتشان چنین بیان می نماید:

«مَنْ زارنی بَعدَ وفاتی فکأنّما زارنی فی حیاتی»؛ (۱)

هرکس پس از وفاتم مرا زیارت کند، گویا در زمان حیاتم مرا زیارت کرده است.

و در جایی دیگر فرمود:

«مَنْ وَجَدَ سعهً ولم یَفد إلیّ فقد جفانی»؛ (۲)

هر کس توانایی مالی داشته باشد و به زیارت من نیاید به من جفا نموده است.

عظمت و جایگاه زیارت تنها منوط به روایات شیعه نیست. بلکه در روایات و مستندات اهل سنت مانند صحیح بخاری و صحیح مسلم نیز جریان دارد. منتها افکار وهابی ها بزرگ ترین مانع تفهیم این مسأله است، به طوری که برخی از علمای اهل سنت به خود جرأت نمی دهند در این مبحث سخن بگویند. چون به حد زیاد تبلیغ منفی وهابیت بر این مسأله سیطره یافته است. ولی علمای گذشته اهل سنت متفق القول زیارت از قبور و قبرستان ها را دارای ثواب دانسته و اقدام آن را مقدم و برتر از ترک آن معرفی نموده اند. در سنن ابو داود و شرح صحیح مسلم هم زیارت از قبور مسلمین دارای ثواب دانسته شده و زیارت قبر پیامبر را ثوابی بزرگ می دانند. تنها مسح و بوسیدن و سجده بر دیوارها و ضریح قبر پیامبر را جایز نمی دانند. (۳) بنابراین علما و دانشمندان تمامی مذاهب اسلامی زیارت را متفق القول قبول دارند، ولی نمود عینی زیارت در اندیشه های امامیه بیشتر است و آثار و مکارمی را که بر آن در نظر گرفته اند نیز در احادیث شیعه بیشتر به چشم می خورد.

۱- احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۸۱.

۲- همان.

۳- برای گسترده تر نشدن مبحث وخارج نشدن از موضوع اصلی به همین درجه از ایجاز کفایت شده است. و پژوهشگران می توانند به کتاب های صحیح سنن مصطفی نوشته ابوداود و صحیح بخاری و صحیح مسلم و شرح صحیح مسلم نوشته نووی و احیاء علوم الدین غزالی و .... مراجعه نمایند.

بررسی زیارت در ایران بعد از اسلام

مردم ایران بعد از این که به دین اسـلام گرویدند، بلافاصـله برخی از احکامی را پذیرفتند که برای سردمداران روزگار مناسب نبود. از جمله بسیاری از مردم ایران در شـمال کشور بعـد از قیـل و قـال انـدکی که زیـدیان کردنـد و بـا حضور سادات امامی مـذهب اولین پایه های حکومت مسـتقل را در گیل و دیلم و تا دارالمرز چالوس گستراندند. در این حکومت که به مدت چند قرن توسط سادات کیاییان که همگی از فرزندان امام موسـی کاظم علیه السلام بودند فرهنگ تشیع به آسانی جا گرفت و محل رفت و آمـد دانشـمندان بزرگ علوی شـد. به گونه ای که ری از بزرگ ترین خاسـتگاه های اجتماعی علوی گردیـد. بنابراین فرهنگ شیعی از گیل و دیلم و از مرکز فرهنگی شان یعنی شهر ری به اقصا نقاط ایران صادر می شد.

از طرف دیگر مردم ایران به تدریـج اسـلام را پذیرفتند، آنها در افکارشان، حتی زمانی که اکثریت مردم ایران مذهب تسـنن را پـذیرفته بودنـد، باز هم دوسـتدار خانـدان نبوت بودنـد. بسـیاری از دانشـمندان با وجود این که اهل سـنت بودند در عقایدشان نسـبت به فقه جعفری و نسـبت به ارادت قلبی به ائمه در جهان معروف شدنـد. این به مذاق حکومت عباسـی بغداد خوش نبود. بنابراین ایران عزیز همیشه درگیر حوادث خونین بود و ایرانیان هم به هیچ وجه اهل باج دادن به خلفای عباسی نبودند. به همین دلیل ترکان اهل سنت همواره مورد قبول دستگاه عباسی قرار می گرفتند، حتی اگر آدم کُش شیادی چون محمود غزنوی باشد که افتخارش بریدن بیش از حد سرهای علویان و یا به قول خودش رافضیان است.

ایرانیان به لطف خداونـد و علی رغم میل باطنی خلیفه عباسـی میزبان میهمان عزیزی بزرگوار و نور چشم رسول خدا صـلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السـلام و فاطمه زهرا علیها السـلام شدنـد. و او امام هشـتم شـیعیان عالم، حضـرت امام رضا علیه السـلام است. مصـادف بـا حضور امام رضا علیه السـلام در ایران و به علت تنگنای زنـدگی در مـدینه و مکه و بصـره و بغـداد، شیعیان و

سادات علوی که شامل برادران و خواهران و پسر عموهای امام علیه السلام بودند، به ایران آمدند و به دلایلی مورد یورش دشمنان قرار گرفتند و بیشترشان شهید شدند. و برخی هم به شمال ایران که خاستگاه قیام شیعیان بود، رفتند تا نهضتی آزادانه و شیعی را تشکیل دهند. یکی از این مردان خدا امامزاده حسن اطروش است(که زیدیان او را امام خود می دانند ولی او در آثار مکتوب و در اشعارش ارادت خود را به ائمه ثابت می کند و علناً می سراید که امامی مذهب است و به آن مفتخر است) او که از نوادگان امام زین العابدین علیه السلام است، مزارش به نام امامزاده عبداللّه در آمل محل زیارت عاشقان است. عظمت وی به حدی بود که به شواهد اسناد تاریخی، در یک روز بالغ بر چهار هزار نفر از ادیان قبلی خود که شامل یهودیت و زرتشتی و ... بودند، به اسلام گرویدند. (۱) به علت درگیری های بی شماری که سادات علوی با ایادی دست نشانده قدرت حاکم و دستگاه عباسی در ایران داشتند، بسیاری از امامزاده ها شهید شدند و بسیاری دیگر به سبب بیماری و حزن و اندوه فراوان وفات نمودند که در اقصی نقاط ایران مدفون شدند. بسیاری از این امامزاده ها دارای نشان هستند و بسیاری دیگر برای همیشه مزارشان مانند مزار مادرشان حضرت زهرای مرضیه ناپیدا ماند. و هنوز هم کسی نمی داند که در کجای ایران چه تعداد مقبره قرار دارد. تنها رد پای تاریخی است که مسیر حرکت و انتهای حرکت را نشان می دهد و می شود حدس زد که در آن حدود و در آن بلد یا شهر یا روستا مزار مطهر فلان امامزاده مدفون است. اما سایر مزارها و زیارتگاه ها که دارای نشانند و امروزه به عنوان زیارتگاه محل آمد و شد عاشقان به خاندان عصمت و طهارت هستند و از دیر باز مورد زیارت سیل عاشقان قرار گرفته اند، اکنون هم مورد زیارت مردم ایران قرار می گیرند.

۱- ر. ک: پیشینه تاریخی لاهیجان، محمد علی و زین العابدین قربانی.

پایان سخن

زیارت و فرهنگ زیارت در تمام ادیان آسـمانی و زمینی وجود دارد. همچنین عقلا و علمای تمامی مذاهب اسـلامی زیارت را تأیید می کنند. حال ممکن است این فرهنگ در میان برخی از عوام شـیعه گاهی همراه با خرافات باشد و یا از طرف عوام اهل سنت شـرک و گنـاه محسوب شود. ولی وقتی که خداونـد کریم خـانه خود را مکـانی برای زیارت مردم معرفی می کنـد. و از طرفی دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله در احادیثی مستند و متواتر بیان می فرماید که هر کسی به زیارت من بیاید شبیه آن است که در زنده بودن من مرا دیده است و یا کسی که به دیدن من بیاید و مزارم را زیارت نکند به من ظلم نموده است، خود به خود این تلقی را ایجـاد می کنـد که خداونـد کریم به این وسـیله از مردم می خواهـد که ضـمن طواف خـانه خود و زیارت مسـجد الحرام، به مزار شـهدا و مرقد مطهر رسول خدا صـلی الله علیه و آله نیز بروند. چون بارها در قرآن آمده است که شـهدا زنده اند و روزی داده می شوند.

از طرف دیگر ارواح مطهر انسـان هـای پاک قـدرت فراوانی در دربار الهی دارنـد و می تواننـد شـفاعت و شـفای بیماران را از حضـرت حق دریـافت نموده و عیناً به اذن خداونـد کریم و با حمایت روح مطهر انسان مسـتأصل و بیمار را نجات دهنـد. و این همه نشانه قـدرت ارواح ملکوتی است، که جزء مقربان درگاه الهی و از دوسـتان حضـرت حقند. بنابراین زیارت از مکان های زیـارتی کریـم و کریمه بیش از همه سـبب جلاـی روحی و معنـوی افراد می شـود. در بسـیاری از مـوارد هم مردم به اذن خـدا خواسـته های خود را از توجه و توسل به آن آبرودار درگاه الهی به دست می آورند. این مسأله مخصوص مسـلمانان نیست که عـده ای بخواهنـد آن را خرافـات بداننـد. امروزه در بسـیاری از کلیساهـا نجات مردم از ارواح خبیث انجام می شود و در مورد شفای بیماران لاعلاج هم تلاش هایی انجام شده و می شود. اما مطمئناً جایگاهی که مردم مسلمان و مذهب شیعه نسبت به ائمه دارد تا آنها که به واسطه کشیش یا اسقف با

مسیح مقدس ارتباط برقرار می کنند، تفاوت شان از زمین تا آسمان است.

بنابراین فرهنگ زیارت امری پذیرفتنی و قابل قبول است و از نظر علم روان شناسی و متافیزیک و روح شناسی این مسأله مورد تأیید است. چون خود به خود آرامشی به انسان می دهد که او را در برابر سختی ها صبور نگه می دارد. در آیین ها و ادیان آسمانی و زمینی هم این رسومات پذیرفتنی هستند و اسلام یکی از شعایر دین را زیارت خانه خدا معرفی می نماید. از طرفی در احادیث هم به شدت این مسأله مورد حمایت قرار دارد، تا آن جا که ابعادی از مباحث اخلاقی ما را نیز به خود اختصاص داده است. اکنون باید دید مسأله مهم در این باره چیست؟ چه چیزی در این میان حلقه مفقوده است؟ و چه کسانی متولی برخورد با آن هستند؟

حقیقت این است که بزرگ ترین مسأله آسیب پذیری فرهنگ زیارت و زیارت به معنی عام که گاه حتی عزاداری ها و سایر آداب و سنن را نیز در بر می گیرد.(چون عزاداری ها به قصد قلبی زیارت انجام می شود و به نوعی زیارت باطنی محسوب می گردد). وجود خرافات و خرافه پذیری در برخی آیین های مذهبی است که باید هر چه زودتر حد و مرز زیارت و خرافه توسط مسئولین امر روشن شود و از طریق رسانه ها به سمع و نظر مردم عزیز ایران برسد. چون به این واسطه جلوی بسیاری از موج حملات خرافه پذیری که از طرف فرکانس های غربی به سمت مردم ایران نازل می شوند خنثی می شود و مردم هم به خواسته قلبی خود نزدیک تر می گردند و جوانان پرسشگر هم جواب سؤالات شان را دریافت می کنند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.

۲. احیای علوم الدین، امام محمد غزالی.

۳. انجیل لوقا(مجموعه کتاب مقدس).

۴. انجیل متی(مجموعه کتاب مقدس).

۵. انجیل مرقس(مجموعه کتاب مقدس).

۶. انجیل یوحنا(مجموعه کتاب مقدس).

۷. اوستا(یشت ها، یسنا، وندیداد، ویسپرد، خرده اوستا) و گاثه ها، نوشته و تحقیق:

هاشم رضی.

۸. بحار الأنوار، علامه محمدباقر مجلسی.

۹. پیشینه تاریخی لاهیجان، محمد علی قربانی.

۱۰. تاریخ اجتماعی ایران، سعید نفیسی.

۱۱. تاریخ ادیان، عبداللّٰه مبلغی آبادانی.

۱۲. تاریخ ادیان، جان بی ناث، ترجمه فریدون بدره ای.

۱۳. تاریخ ایران، دکتر عبدالحسین زرین کوب.

۱۴. تاریخ تفسیر قرآن کریم، محمّد رضا آشتیانی.

۱۵. تاریخ تمدن اسلامی، جرجی زیدان.

۱۶. تاریخ تمدن جهان، ویل دورانت، ترجمه احمد آرام.

۱۷. تاریخ قرآن، آیت اللّٰه محمّد هادی معرفت.

۱۸. تاریخ قرآن، دکتر محمود رامیار.

۱۹. تفسیر نمونه، آیت اللّٰه مکارم شیرازی و همکاران.

۲۰. تورات(شامل سفر پیدایش، سفر خروج، لاویان، تثنیه و اعداد).

۲۱. چون ابر در انتظار جاری شدنم(مجموعه شعر)، حسین قاسم نژاد.

۲۲. دیوان شمس، جلال الدین محمد مولوی بلخی.

۲۳. زیارت قبور، امام فخر رازی، ترجمه احمد عابدی.

۲۴. سادات گیل و دیلم و طبرستان، میر ظهیر الدین مرعشی.

۲۵. سفینه البحار، شیخ عباس قمی.

۲۶. سنن صحیح، مصطفی ابوداوود.

۲۷. شاهنامه فردوسی، فردوسی، تصحیح: ژول مول.

۲۸. صحیح بخاری، بخاری.

۲۹. صحیح مسلم، مسلم.

۳۰. فرهنگ عمید، تک جلدی، حسن عمید.

۳۱. فرهنگ معین، تک جلدی، محمد معین.

۳۲. کتب اسرائیلیات(غزل های سلیمان، اول تواریخ، دوم تواریخ، اول سموئیل، دوم سموئیل، کتاب زکریا، کتاب دانیال، کتاب صفنیا، کتاب حزقیال، کتاب میکاه، کتاب عذرا و ...).

۳۳. کورش کبیر، ابوکلام آزاد، ترجمه دکتر ابراهیم باستانی پاریزی.

۳۴. گلستان سعدی، شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی.

۳۵. منتهی الآمال، شیخ عباس قمی.

۳۶. من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق.

۳۷. المیزان فی تفسیر القرآن، علامه سید محمد حسین طباطبایی.

۳۸. نهج الفصاحه، سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، گردآوری و ترجمه ابوالقاسم پاینده.

۳۹. وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی.

ص: ۱۷۹

۵. زیارات و نیایش ها در متون مقدس

اشاره

دکتر مرتضی بدخشان

چکیده

خداجویی و ارتباط با خدا همواره از دغدغه های مهم بشر در طول تاریخ بوده است.

راه های رسیدن به خدا در زمان ها و مکان های گوناگون، شکل ها و نیز قالب های خاصی داشته است. از جمله نمادهای ارتباط با خدا نیایش و نماز و زیارت بوده است که از مشترکات تمام ادیان الهی به شمار می رفته است. در متون مقدس، دعا و نماز و زیارت چه به صورت انفرادی و چه به صورت جمعی، جزء ضروریات دین محسوب می شده است. نویسنده در این نوشتار به بررسی آیین ها و نیایش ها و زیارات قبور و نذورات در متون مقدس پرداخته و خاطرنشان کرده است که مقصود از متون مقدس، کتب عهد عتیق و نیز کتب عهد جدید می باشد که هر کدام شامل چندین رساله و کتاب و صحیفه است.

کلیدواژه ها: دعا، زیارت، آیین ها، متون مقدس، تورات، انجیل، اپوکریفا.

تعاریف

۱. هیکل: معبد یهودیان در اورشلیم که بنای آن به دست حضرت سلیمان آغاز و به دست حضرت داود به اتمام رسید.

۲. مذبح: محلی بود برای قربانی کردن حیوانات که گاهی انسان ها را نیز در آن قربانی می کردند.

۳. تابوت مقدس، تابوت عهد، تابوت شهادت: صندوقی بود که حضرت موسی به امر حق تعالی از چوب شطیم ساخت. و حقّه مَنّ(نان آسمانی) و عصای هارون را که

شکوفه نموده بود و دو لوح عهد که احکام بر آنها مکتوب بود، در کنار کتاب تورات داخل آن گذاشته بودند.(حقّه مَنّ و عصای هارون در زمان سلیمان در آن نبود).

مقدّمه

خداوند پس از خلقت حضرت آدم و حوا جایگاه آنان را باغ عدن قرار داد و آن را برایشان پربرکت ساخت. آنها را نسبت به حسادت ها و شرارت های شیطان آگاه کرد.

اما آنها فریب خوردند و از باغ رانده شدند. آدم و همسرش از عملی که مرتکب شده بودند توبه کردند و خداوند توبه آنها را پذیرفت، زیرا که او توبه پذیر مهربان است. (۱) اما به سبب این غفلت، آنها را به روی خاک فرستاد تا در آن جا توالد و تناسل کنند و برای این که نسل او نیز مورد آزمایش قرار گیرد، برای هدایت آنان پیامبرانی را فرستاد تا احکام الهی را بر آنها بیان کنند و آنها را از طغیان و سرکشی بازدارند. سلسله این انبیا از حضرت آدم شروع شده و تا حضرت خاتم به پایان رسیده است.

حس خداجویی و ارتباط داشتن با خدای یکتا همواره در نسل آدم بوده است و انسان پیوسته بازگشت به اصل خود را جست وجو می کرده است. آنچه باعث فلاح و رستگاری یا ضلالت و عقوبت بشر گردیده، انتخاب راه درست یا نادرست در این بازگشت بوده است. از آن پس بعضی راهی را که انبیا راهنمای آن بوده اند انتخاب و طی کرده اند، و جماعت کثیری که هوای نفس بر آنها غلبه داشت، کالای دنیا را برگزیدند و راهنمایشان شیطان شد.

آنچه که بشر در طول تاریخ به دنبال آن بوده است، راه های رسیدن به خداست که این راه ها در زمان ها و در مکان های مختلف، شکل و قالب خاصی داشته است.

از جمله فرایضی که ایجاد کننده این ارتباط بوده و از آدم علیه السلام تا خاتم صلی الله علیه و آله اهمیت خاص خود را داشته، راز و نیاز با خداوند بوده است که به شکل های مختلفی، چون دعا و نماز و زیارت و ... تجلی یافته است.

۱- سوره بقره، آیه ۳۷.

در این تحقیق به بررسی زیارات، آیین ها و نیایش ها در متون مقدس پرداخته شده است، و مقصود از متون مقدس، کتب عهد عتیق و عهد جدید می باشد.

کتب عهد عتیق شامل موارد زیر می باشد: اسفار خمسه، صحیفه یوشع بن نون، کتاب داوران، کتاب روت، کتاب اول سموئیل نبی، کتاب دوم سموئیل نبی، کتاب اول پادشاهان، کتاب دوم پادشاهان، کتاب اول تواریخ، کتاب دوم تواریخ، کتاب عزرا، کتاب نحمیا، کتاب استر، کتاب ایوب، زبور داود، امثال سلیمان، جامعه سلیمان، غزل غزل های سلیمان، صحیفه اشعیاء، صحیفه ارمیا، صحیفه مرائی ارمیا، صحیفه حزقیال، صحیفه دانیال، صحیفه هوشع، صحیفه یوئیل، صحیفه عاموس، صحیفه اوبدیا، صحیفه یونس، صحیفه میکاه، صحیفه ناحون، صحیفه حبقوق، صحیفه صفنیا، صحیفه حجی، صحیفه زکریا و صحیفه ملاکی ء.

کتب عهد جدید شامل موارد زیر بوده است: انجیل متی، انجیل مرقس، انجیل لوقا، انجیل یوحنا، کتاب اعمال رسولان، رساله های پولس رسول(چهارده رساله)، رساله یعقوب، رساله اول بطرس، رساله دوم بطرس، رساله اول یوحنا، رساله دوم یوحنا، رساله سوم یوحنا، رساله یهودا و مکاشفه یوحنا.

دعا و زیارت در متون مقدس

دعا به معنی صدا زدن و کمک طلبیدن است و دعا له یعنی برای او دعا کرد و دعا علیه یعنی بر او نفرین کرد. (۱) واژه زیارت یعنی مَیل. و زایر اسم فاعل است. (۲) زیارت یک دیدار ارادی و خواست عقلی است که با علاقه و تمایل همراه است، نه یک موضوع غیر ارادی یا تصادفی. یعنی زایر به کسی گفته می شود که با عشق و علاقه و میل و رغبت به زیارت کسی یا محلی برود. پس دیدارهای تصادفی یا غیر ارادی از مقوله این تعریف خارج است.

۱- المنجد.

۲- لسان العرب.

با مروری در زندگی انبیای الهی به روشنی پی خواهیم برد که آن بزرگواران بیش از سایرین، دعا کرده اند و در استجابت آن اصرار بیشتری ورزیده اند.

دعـا یکی از عوامـل مؤثر در تهـذیب و تزکیه انسـان است که اعتمـاد به نفس، صبر و پایـداری در هنگام مصایب و مشـکلات بخشی از ثمره طیبه آن است.

نیایش و نماز همواره در میان امت ها مرسوم بوده و نمادی از رابطه مستقیم انسان با خدای خود بوده است. انبیا و پیامبران الهی پیوسته این دو فریضه را خود انجام داده و امت های خویش را نیز به انجام آنها ترغیب نموده اند. دعا و نماز که موجب تقویت روحی نوع بشـر بوده اند، انسان را از سـردرگمی ها نجات داده و در حل مشکلات یاری کرده اند، یأس و ناامیدی را از انسان دور ساخته و امید و نشاط را در حیطه زندگی او گسترش داده اند.

در متون مقدس، دعا، نیایش و نماز، چه به صورت انفرادی و چه به صورت جمعی، جزءِ ضروریات دین بوده است.

آنچه که از متون عهد قدیم اسـتفاده می شود این است که زمان نماز و دعا مشخص بوده است و مؤمنین باید این فرایض را در ساعت و روزهای خاص بجا آورند. مثلًا آنچه که در مزامیر داوود علیه السـلام و کتاب دانیال نبی علیه السـلام مورد تأکید قرار داشـته است، انجام فریضه دعا و نماز در ساعت های ۳ و ۶ و ۹ روز و اوایـل شب و انتهای آن و وقت غـذا خوردن بوده است. (۱) نماز در میان یهودیان مقدماتی داشت که یک فرد یهودی باید انجام می داد.

یهودیـان برای نمـاز به پیشـانی یـا بـازوی چپ خود «عصابه» می بسـتند و آن عبارت بود از قطعه چرم مکعبی شـکل که دارای چهار آیه بود و هر آیه بر قطعه ای از پوست یا کاغذ نوشته شده در عصابه قرار داده می شد. این چهار آیه عبارت بودند از: ۱. آیات ۲ تا ۱۰ باب ۱۲ سفر خروج؛ ۲. آیات ۱۱ تا ۲۱ باب ۱۲ سفر خروج؛ ۳. آیات ۴ تا ۹ باب ۶

۱- مزامیر ۵۵: ۱۷ و کتاب دانیال نبی ۶: ۱۱.

سفر تثنیه؛ ۴. آیات ۱۸ تا ۲۱ باب ۱۱ سفر تثنیه. (۱) مراسم نیایش و نمازهای جمعی در بین یهودیان به شیوه های خاص انجام می گرفت. در این مراسم افراد براساس رتبه و مرتبه شخصیتی و خانوادگی بر یکدیگر تقدم و برتری داشتند و بر همین اساس در مجمع می نشستند.

«اول جایگاه مخصوص مشایخ بودند» (۲) بعد «رؤسای مجلس که مرکب از بزرگان و صاحب منصبان بود و سپس خادمان» (۳) پس از آن جایگاه شماسان بود که صدقه ها را تقسیم می کردند و بعد کسی که دعا را می خواند قرارداشت.

مراسم نیایش و نماز این گونه شروع می شد که واعظ بر منبری می رفت و همه حاضرین به پا می خاستند و پس از دعا همگی نماز اقامه می کردند که در آن برخی از آیات، قرائت گردید. (۴) در دعا شخص داعی همان طور که برای خود دعا می کرد، برای دیگران نیز دعا می کرد. علی الخصوص برای سلاطین و صاحبان منصب (۵) این دعا حتی می تواند برای دشمنان و قاتلان خود هم باشد، همان گونه که «استیفانِ» یهودی بعد از این که کلیسای اورشلیم او را تعیین کرد تا به حواریون در خدمت رسانی به فقرا مساعدت نماید، باعث اشتعال غیرت و ضدیت و تعصب یهود گردید. لذا نسبت کفرگویی به وی داده، دستگیرش نمودند و پس از محاکمه او را سنگسار کردند و در حین سنگسار شدن زانو زد و ندا سر داد که «خداوندا این گناه را بر اینها مگیر» این را گفت و خوابید. (۶) بعدها حواریون نیز در مراسم با یهودیان مشارکت می کردند و این مشارکت در انجام فرایض بین یهودیان و مسیحیان وجود داشت، تا زمانی که حواریون مورد کینه

۱- برگرفته از قاموس کتب مقدس تحت کلمه عصابه.

۲- انجیل متی ۲۳: ۶.

۳- انجیل لوقا، ۴: ۲۰.

۴- سفر اعداد ۱۵: ۳۷- ۴۱.

۵- رساله اول تیموس ۲: ۲.

۶- کتاب اعمال رسولان ۷: ۵۹ و ۶۰.

قرار گرفتند و از مجامع یهود رانده شدند. پس از آن مسیحیان ناچار بودند مراسم دعا و نماز را در خانه ها به صورت جمعی برگزار کنند.

البته امروزه بسیاری از آیین ها و مراسمی که در گذشته بین یهودیان و مسیحیان معمول بوده است، رو به افول گذاشته است، زیرا نیاز فطری آنها که همانا خداجویی و ارتباط با خدا بوده را اقناع نکرده است.

«به جرأت می توان گفت که عشای ربانی، دیگر محور آیینی زندگی غالب مسیحیان غربی، چه کاتولیک و چه پروتستان نیست و آیین های اعتراف و توبه اکنون بیشتر به گذشته تعلق دارند». (۱) امروزه در جوامع مسیحی گرایش مردم به نماز، آن هم به صورت انفرادی و در خانه ها گسترش یافته که شاید به خاطر این است که نماز بهترین و بی واسطه ترین راه ارتباط با خداست.

زیارتگاه ها در متون مقدس

یهودیان در عهد عتیق غالب مراسم و عبادات رسمی و بزرگ خود را در هیکل ها یا معابد برگزار می کردند و زیارت هیکل ها در نزد آنان، از اهمیت بالایی برخوردار بود.

هیکل عبارت بود از چادر جماعت بزرگی که مراسم مذهبی و ذبح و قربانی نیز در آن جا انجام می گرفت. این چادر بزرگ در اطراف خود، ایوان ها و ستون ها داشت و خانه ها و حجره های کاهنان در آن جا بود.

ساختن یک هیکل کاری بسیار دشوار، طاقت فرسا و زمان بر بود، مثلًا هیکلی را که حضرت داود علیه السلام بنای آن را شروع کرد، با بیش از یکصد هزار نفر کارگر پس از مدت چند سال به دست سلیمان علیه السلام به پایان رسید (۲) مقصود از هیکلی که در بیشتر مواضع کتاب مقدس از آن نام برده شده است، هیکل اورشلیم است که بر کوه «موریا»

۱- ادیان جهان، ص ۱۴۶.

۲- کتاب اول تواریخ ۱۷: ۱ و ۱۲.

بنا شده بود. در کتاب مقدس از سه هیکل نام برده شده است که عبارت اند از: ۱. هیکل سلیمان؛ ۲. هیکل زرُو بابل؛ ۳. هیکل هیرودیس.

تابوت مقدس را که حضرت موسی به امر خداوند ساخته بود در هیکل اورشلیم(هیکل سلیمان) قرار داشت. تابوت عهد(مقدس) صندوقی بودکه موسی به امر حق تعالی از چوب شطیم ساخت. طولش سه قدم و نه قیراط و عرض و ارتفاعش دو قدم و سه قیراط بود و بیرون و اندرونش به طلا- پوشیده بر اطراف سر آن تاج های طلایی ساخت و سرپوشی از طلای خالص بر آن گذارده و دو کروب(فرشته) بر زیر آن قرار دارد که با دو بال خود بر سرپوش آمرزش سایه افکن بودند و بر هر یک از طرفین آن دو حلقه طلایی برای عصاهای چوبی که به طلا پوشیده شده برای برداشتن تابوت بود ساخت و حقّه مَنّ(نان آسمانی) (۱) و عصای هارون را که شکوفه نموده بود و دو لوح عهد که احکام بر آنها مکتوب بود در کنار کتاب تورات داخل آن گذاشته بودند (۲) همچنان آن را تابوت شهادت هم گفته اند. (۳) لازم به تذکر است که حقّه مَنّ و عصای هارون در زمان سلیمان در آن نبوده اند. (۴) زمانی که قوم بنی اسرائیل کوچ می کردند تابوت عهد را برداشته و به دنبال آن حرکت می کردند. امورات مخصوص به تابوت عهد منحصر بود به هارون و پسرانش. آن گونه که از متون مقدس برداشت می شود، به نظر می رسد که چون بنی اسرائیل در دوران حضرت موسی در انجام دستورات الهی تعلل ورزیده و وارد جزئیات شده، زیاد بهانه می آوردند، خداوند نیز در اجرای فرایض از آنها می خواست که جزئیات را نیز رعایت کنند؛ مثلًا در سفر اعداد باب چهارم آیات ۵ تا ۱۵ در مورد تابوت عهد می فرماید: «هنگامی که اردو کوچ می کند هارون و پسرانش داخل خیمه اجتماع شده و پوشش حجاب را پایین بیاورند و تابوت شهادت را با آن بپوشانند و

۱- سفر خروج ۱۶: ۴.

۲- رساله عبرانیان ۹: ۳ و ۴ و سفر تثنیه ۳۱: ۲۶.

۳- سفر خروج ۲۵: ۱۶ و ۴۰: ۲۱.

۴- کتاب اول پادشاهان ۸: ۹.

بر آن پوشـش پوست خز آبی بگذارنـد و جـامه ای که تمـام آن لاـجوردی باشـد بالاـی آن پهن نموده، چوب دسـته هایش را بگذارند و بر میز نان تقدمه جامه لاجوردی بگسترانند و بر آن بشـقاب ها و قاشق ها و کاسه ها و پیاله های ریختنی را بگذارند و نان دائمی بر آن باشد و جامه قرمز بر آنها گسترانیده، آن را با پوشش پوست خز بپوشانند و چوب دسته هایش را بگذارند و جامه لاجوردی گرفته، شـمعدان روشنایی و چراغ هایش و گل گیرهایش و سینی هایش و تمامی ظروف روغنش را که با آنها خـدمتش می کننـد بپوشاننـد و آن را و همه اسـبابش را در پوشـش پوست خز گذاشـته بر چوبدستی بگذارند و بر مذبح زرین جامه لاجوردی گسترانیـده، آن را به پوشـش پوست خز بپوشاننـد و چوب دست هایش را بگذارند و تمامی اسـباب خدمت را که با آنها در قـدس خـدمت می کننـد گرفته، آنها را در جامه لاجوردی بگذارند و آنها را به پوشـش پوست خز بپوشانند و بر چوب دست بنهند و مذبح را از خاکستر خالی کرده، جامه ارغوانی بر آن بگسترانند و جمیع اسـبابش را که به آنها خدمت آن را می کننـد، یعنی مجمرهـا و چنگـال ها و خاک انـدازها و کاسه ها، همه اسـباب مذبـح را بر روی آن بنهنـد و بر آن پوشـش پوست خز گسترانیده، چوب دست هایش را بگذارند و چون هارون و پسـرانش در هنگام کوچ کردنِ اردو از پوشانیدن قدس و تمامی اسباب قدس فارغ شوند، بعد از آن پسران «قهات» برای برداشتن آن بیایند، اما قدس را لمس ننمایند مبادا بمیرند». (۱)

این قـانون سـخت و پیچیـده ای بود که خـدا بر بنی اسـرائیل نـازل کرد و اگر کوچـک ترین خطایی در انجام امور فوق الـذکر اتفاق می افتاد، خاطی فوراً عقوبت می شـد؛ مثلًا «عزّه» پسـر ابی ناداب وقتی تابوت عهـد که بر روی عرابه در نزدیک خانه اش توقف نموده بود، چون گاوان حمل کننـده تابوت لغزیدنـد و او دسـتش را دراز کرد تا جلو لغزش تابوت عهـد را بگیرد. چون دستش به تابوت خورد فوراً خداوند او را کشت، زیرا او از خانواده ای نبوده که مجاز به دست زدن به تابوت

۱- سفر اعداد ۴: ۱۵.

هستند (۱) و خداوند انجام امورات خاصه تابوت عهد را به دست هارون و پسرانش واگذار کرده بود و گفته بود و دیگران اجازه دست زدن به آن را نداشتند. و یا «عزّیا» پسر «امصیا» در سن شانزده سالگی به تخت سلطنت می نشیند و پنجاه و دو سال بر قوم خود حکومت می کند و در این مدت همواره بر دشمنان خود پیروز شده، شهرت فراوانی به دست می آورد. آن گونه که در کتاب دوم پادشاهان، باب ۱۵، آیه ۱ تا ۷ آمده است، وی روزی بر پیروزی هایش می بالد و جسارت می ورزد و می خواهد کاری را انجام دهد که مختص کاهنان است، یعنی سوزاندن بخور. خداوند پس از اقدام او و به این کار و به خاطر جسارتش، وی را به بیماری «برص» مبتلا می کند و تا آخر عمرش در خانه ای که مخصوص این بیماران است زندگی می کند.

اگر چه در این چند قرن گذشته آیین های مذهبی از رونق افتاده بود؛ یا به سخن دیگر، به خاطر رفتار نامناسب کلیساها با مسایل جدید علمی و مقابله با عقل گرایی بشر، نوعی دین گریزی در جوامع مسیحی گسترش یافته بود، ولی امروزه جمعیت مسیحیان و یهودیان، در زیارتگاه ها موج می زند.

«در سال ۱۹۹۲ میلادی، بقعه لورد در فرانسه پنج و نیم میلیون زایر داشت که یک و نیم میلیون نفر بیشتر از ده سال قبل بود. از زیارتگاه های دیگری مانند سانتیاگو، کمپوستلا در اسپانیا و فاتیما در پرتغال نیز افزایش مشابهی گزارش شده است.

بسیاری برای شفا جویی به این بقاع می آیند ... با این که از زمان جنبش اصلاح دینی در اروپا زیارت به کلی منع شده است، پروتستان های اروپا نیاز درونی خود را به احساس حضور قدسی در زیارتگاه های کاتولیک برآورده می سازند». (۲)

تدفین مردگان و زیارت اهل قبوردر متون مقدس

آنچه که از مطالعه متون مقدس به دست می آید، آن است که قوم یهود در طول تاریخ نسبت به مراسم غسل، تکفین و تدفین اموات عنایت و دقت خاصی داشته اند و

۱- برگرفته از کتاب دوم سموئیل، باب ششم، آیه ۳ تا ۷.

۲- دین مسیح، ص ۱۵۱.

عدم دفن میت نشانه بی احترامی به احکام شرع بوده و همواره یکی از نشانه های تدین افراد، دفن اموات بوده است.

در شرع یهودیان حتی اموات دشمنان هم می بایست دفن شود (۱) همچنین یهودیان وصیت می کردند که در قبرستان یا محلی که پـدرانشان در آن جا مدفون بودند، به خاک سپرده شوند (۲) یعقوب در وصـیت خود می گوید: مرا با پدرانم در مغاره ای که در صـحرای «عفرون حتی» است دفن کنید(ابراهیم آن را با آن صحرا از عفرون حتی برای ملکیت مقبره خریده بود؛ ابراهیم و زوجه اش ساره را در آن جا دفن کردند.

اسـحاق و زوجه اش رفقه را دفن کردنـد و من در آن جا «لیه» را دفن نمودم ... چون یعقوب وصـیت را با پسـران خود به پایان برد، پاهای خود را به بستر کشید، جان بداد و به قوم خویش ملحق گردید (۳) و در همان جایی که وصیت کرده بود به خاک سپرده شد.

مصـریان مردگـان خود را بزرگ می داشـتند و برای جلوگیری از فسـاد، آنـان را مومیایی می کردنـد و با عطر درخت «بلسان» آنـان را تـدهین کرده، معطر می ساختنـد(س پ ۳۷: ۲۵) همچنین برای خوشـبو کردن خود یـا مـداوا کردن بیمـاران یـا معطر ساختن اجساد از «پاتیلچه» که روغن مقدس و ترکیبی مطبوع بود که از چند ماده ترکیب می شد اسـتفاده می کردند. (۴) چون شخصی به حالت احتضار می رسید، رسم بود خویشان وی و اطرافیان چشم های او را ببندند و آخرین بوسه ها را بر سر و روی او بزنند و بر بالین او گریه و زاری کنند. (۵) و این عزاداری و ماتم و سوگواری تا مدت ها بعد از دفن میت ادامه داشت (۶) و گاه می شد که زنان تعزیه خوان و نوحه سـرا را برای داغ تر کردن مجلس و گریانیدن حاضران اجیر می کردند. (۷) و گاه این عزاداری هـا با اصوات موزیک های غم انگیز همراه بود. (۸) بعد از دفن میت خانواده او ناهار یا شامی را به شـرکت کنندگان می دادند و تا مدت ها بعد از دفن میت دوستان و خویشاوندان هر

۱- سفر تثنیه ۲۱: ۲۲ و ۲۳

۲- کتاب اول پادشاهان ۱۱: ۴۳.

۳- سفر پیدایش، باب ۴۹.

۴- ایوب ۴۱: ۳۱.

۵- سفر پیدایش ۴۶: ۴ و ۵۰: ۱.

۶- یوحنا ۱۱: ۱۹.

۷- کتاب ارمیا ۹: ۱۷.

۸- کتاب حزقیل ۲۴: ۱۷.

روزه به قبرستان می رفتند و بر قبر گل می ریختند و گریه و زاری می کردند.

یهودیان عادت داشتند که بر سر قبور و زیارتگاه های اموات خود رفته، بر سر مزار مورد نظر نماز بخوانند. آنها بر میت می گریستند و هر چه فرد فوت شده به شخص نزدیک تر می بود یا جایگاه والاتری می داشت، مراسم عزاداری و ایام آن بیشتر می بود. ایام نوحه گری هفت روز بود، ولی برای بزرگان این ایام تا سی روز یا بیشتر ادامه داشت. (۱) آنچه که در آخرین آیات سفر پیدایش درباره وفات حضرت یعقوب آمده است، این است که چون یعقوب چشم از جهان فرو بست، بنی اسرائیل بسیار گریستند، حضرت یوسف بر روی پدر خود افتاد، بر وی گریست و او را بوسید و طبیبانی را که از بندگان او بودند فرمود تا پدر او را حنوط کنند و طبیبان اسرائیل(یعقوب) را حنوط کردند و چهل روز در کار وی سپری شد، زیرا که این قدر روزها در حنوط کردن صرف می شد و اهل مصر هفتاد روز برای وی ماتم گرفتند. (۲) یوسف پس از فوت پدر جسدش را در همان جایی که وصیت کرده بود دفن کرد.

امروز نیز یهودیان از اول تا هشتم ماه «آب» برای شهادت زکریا عزادار هستند و روز هشتم به زیارت اموات رفته و به مستمندان کمک می کنند. همچنین یک روز قبل از عید «کیپور» به زیارت قبور رفته و به فقرا صدقه می دهند و فردای آن روز که دهمین روز ماه «تشری» است و عاسور یعنی عاشورا نامیده می شود را روزه می گیرند و تمام روز به عبادت و استغفار مشغول می شوند. (۳) بنی اسرائیل، قبرها و معابد خود را همچون مصریان باستان و آشوریان باصُوَر و تماثیل رنگارنگ منقش می ساختند. (۴) حزقیل نبی آنان را از این کار منع می کرد و

۱- سفر اعداد ۲۰: ۲۹.

۲- سفر پیدایش ۵۰: ۱- ۳.

۳- اصل و نسب و دین های ایران باستان، ص ۴۲۵ و ۴۲۶.

۴- سِفر اعداد ۳۳: ۵۲.

می فرمود که خدا مرا گفت: ای پسر انسان آیا آنچه را که مشایخ خاندان اسرائیل در تاریکی و هرکس در حجره های بت های خویش می کند دیدی. زیرا می گویند که خدا ما را نمی بیند و خدا این زمین را ترک کرده است. (۱) در متون مقدس مواردی از شفاعت که ذکر شده است و آن درخواست نمودن عفو از شخصی که تقصیر درباره او واقع شده می باشد و شخص شافع، هم مدعی و هم مدعی الیه را مستخلص می سازد و گاهی خود شافع برای دشمن خود شفاعت می نماید، چنانچه در رساله پولس رسول به رومانیان در حق مردم مکتوب است که می گوید: «خدا قوم خود را که از قبل شناخته بود، رد نفرموده است، آیا نمی دانید که کتاب در باره الیاس چه می گوید، چگونه بر اسرائیل از خدا استغاثه می کند». (۲) و یا در باب هشتم، آیه بیست و ششم همین رساله گوید: «و همچنین روح نیز، ضعف ما را مدد می کند، زیرا که آنچه دعا کنیم به طوری که می باید نمی دانیم لکن خود روح برای ما شفاعت می کند ...» شاید مقصود این باشد که آن گونه که می پذیرد به ما می آموزد که چنین کنیم یعنی به ما الهام می کند.

یهودیان در زیاراتشان برای اجابت درخواست های خود، اظهار عجز و تواضع نموده و انابه می کردند و برای بخشش گناهان خود روزه می گرفتند و به خطاهای خویش اقرار می کردند، تا رضایت ذات اقدس الهی را به دست بیاورند و درون خویش را آرام سازند. (۳)

ارسال سلام ها و درودها برای صالحان

سلام و درود به بندگان صالح، چه آنانی که از دنیا رفته اند و چه حاضرین در میان امت ها، امری معمول بوده است. در متون مقدس به خصوص در رساله های پولس رسول، این سلام ها و درودها برای درگذشتگان و حاضران زیاد به چشم می خورد:

۱- کتاب حزقیل ۸: ۱۲.

۲- رساله پولس رسول به رومیان باب یازدهم، آیه ۲.

۳- مستفاد از سفر داوران ۲۰: ۲۶ و کتاب اول سموئیل ۷: ۵ و ۶.

«از قیامت مردگان یعنی خداوند ما، عیسی مسیح، که به او فیض و رسالت را یافتیم برای اطاعت ایمان در جمیع امت ها به خاطر اسم او، که در میان ایشان، شما نیز خوانده شده عیسی مسیح هستید، به همه که در روم محبوب خدا و خوانده شده و مقدسید، فیض و سلامتی از جانب پدر، خدا و عیسی مسیح خداوند بر شما باد. اول شکر می کنم خدای خود را به وساطت عیسی مسیح درباره همگی شما که ایمان شما در تمام عالم شهرت یافته است، زیرا خدایی که او را به روح خود در انجیل پسرش خدمت می کنم مرا شاهد است که چگونه پیوسته شما را یاد می کنم و دائماً در دعاهای خود مسئلت می کنم که شاید الآن به اراده خدا سعادت یافته نزد شما بیایم. (۱) در میان همین سلام ها و دعاها گاه «پولس» افرادی را که نام یهودی دارند، ولی اعمالشان نشان آن است که بهره ای از تعالیم الهی نبرده اند را مؤاخذه و مورد خطاب و عتاب قرار می دهد و از آنها می خواهد که در باطن و روح و عمل یهود با شند نه در حرف و ظاهر. (۲)

زیارت اماکن مقدس و قربانی کردن برای خدایان

زیارت اماکن مقدس و قربانی کردن برای خدایان در بسیاری از اقوام معمول بود و در مراسم خاص که به مناسبت های مختلف برگزار می گردید، برای ادای دین و نذری که داشتند، قربانی می آوردند و معمول این بود که قربانی از میان حیواناتی همچون گاو، میش، بز، بره و یا پرندگان باشد. آنچه که برای قربانی آورده می شد غالباً دو نوع بود:

۱. قربانی خونی؛ ۲. قربانی غیر خونی. قربانی خونی آن بود که از حیوانات اهلی پاک، مانند گاو و گوسفند و ... یا پرندگان باشد. قربانی غیر خونی عبارت بود از نوبرهای مواسم های مختلف و شراب و آرد و روغن و ....

چنانچه قربانی، خونی می بود، شخص قربان گذار دست خود را بر قربانی می گذاشت و سپس توسط کاهن یا لاوی ذبح می شد. کاهنان که محرمانه ترین امور

۱- رساله پولس رسول به رومیان ۱: ۵ تا ۱۰

۲- رساله پولس به رومیان ۲: ۲۸ و ۲۹.

مربوط به هیاکل یا بت ها را به عهده داشتند، افرادی بودند که با استفاده از کلام سجع و پرداختن به برخی امور و ریاضت ها، اطلاعات ناقصی از بعضی امور ساده غیب را از طریق شیاطین به دست بیاورند. «لا ـ یقوی الکاهن علی الکمال فی إدراک المعقولات لأنّ وحیه من وحی الشیطان». (۱) کاهنان، آنچه را که مأمور به سوزانیدن آن بودند، پس از کندن پوست و قطعه قطعه کردن گوشت حیوان در قربانگاه می سوزاندند. (۲) انتخاب نوع قربانی، با توجه به وضع مالی قربانی گذار بود، مثلًا افراد فقیر از برای قربانی حیوانات کوچک تر یا از پرندگانی همچون کبوتر و قمری که نوعی پرنده مانند کبوتر بود و در اراضی مقدسه فراوان یافت می شد را می آوردند. (۳) در هر صورت قربانی ها یا از حیوانات بود که به مذبح آورده می شد و یا آرد و روغن و مواد دیگر ....

تمام مراسمات مذهبی یهودیان اعم از زیارات، دعاها، نیایش ها و قربانی کردن ها، همراه با موسیقی و آوازهای مختلف بود.

یهودیان با وجود خلف وعده های بی شمارشان نسبت به انجام تعهداتشان در برابر خداوند،- که تورات و انجیل و قرآن پر است از این نمونه ها- گاه نذوراتی غیر معمول و غیر معقول می کردند و بر اجرای آنها پافشاری می نمودند، حتی اگر نذرشان به ضرر و زیان آنها می بود، مثل قربانی کردن بهترین نزدیکان و خویشاوندانشان.

در متون مقدس موارد زیادی از قربانی کردن انسان ها برای خدایان آورده شده است، در زیر چند نمونه از نذورات غیر مرسوم بنی اسرائیل را که در متون مقدس مذکور است، آورده ایم.

«یفتاح» وقتی پیشوای مشایخ جلعاد گردید، در جنگی که با بنی عمون در پیش داشت نذر کرد اگر خداوند او را در جنگ پیروز کند، هنگام مراجعت هرچه را که به

۱- مقدّمه ابن خلدون، ص ۱۰۸.

۲- مستفاد از سفر خروج ۲۹: ۲۲ و سفر لاویان ۳: ۹ و ۷: ۳.

۳- سفر پیدایش ۱۵: ۹ و سفر لاویان ۵: ۷ و ۱۲.

استقبال او از در خانه اش بیرون بیاید از آن خداوند باشد و آن را برای قربانی سوختنی بگذارد. وی فقط یک دختر داشت و او اولین کسی بود که پس از مراجعت پدر از جنگ به استقبال پدر آمد. وقتی «یفتاح» چشمش به دختر افتاد، پیراهن چاک کرده، نذر خود را آشکار کرد و دختر نیز پذیرفت تا قربانی شود و چنین شد. پس از آن دختران بنی اسرائیل هر سال چهار روز را برای دختر یفتاح عزاداری می کردند. (۱) پادشاه موآب که از مقاومت در برابر «یهورام» و «یهوشافات» عاجز و درمانده شد، به جهت تحریک غیرت قوم خود یا دشمن خود، نخست زاده خود یعنی پسر بزرگ خود را قربانی سوختنی قرار داد. (۲) «عمّونیان» بتی داشتند به نام «مولک» یا «ملکون» این بت از مس تو خالی ساخته شده و سر گوساله داشت که بر صندلی نشسته بود. معمولًا برای این بت که خدای عمّونیان بود، قربانی های انسانی به خصوص از میان بچه تقدیم می شد. روش قربانی کردن به این شکل بود که در درون این بت آتش روشن می کردند تا زمانی که بازوهای این بت مسی، قرمز می شد، آن گاه قربانی مورد نظر را بر روی دست های بت می گذاشتند تا فوراً بسوزد.

در همین حین طبل ها نواخته می شد تا صدای داد و فریاد قربانی شنیده نشود.

در کتاب دوم پادشاهان چنین آورده شده که: «اهل سِفَروایم پسران خود را برای «ادرمَّلک» و «عنَّملک» که خدایان سفروایم بودند به آتش می سوزانیدند». (۳) انبیای بنی اسرائیل بارها و بارها یهودیان را از این نوع کارها منع کرده بودند، ولی «آنها به مواعظ انبیا توجه نکردند، تا این که خشم یهُوه بر آنها افروخته شد». (۴)

از پرستش یهوه (خدای یکتا) تا شرک و بت پرستی

بت پرستی پس از اسارت، در میان بنی اسرائیل شیوع گسترده ای یافت و با این که مواعظ انبیا را می شنیدند، اما از کار خود دست بر نمی داشتند، تا این که گرفتار غضب

۱- سفر داوران ۱۱: ۳۰- ۴۰.

۲- کتاب دوم پادشاهان ۳: ۶- ۲۷.

۳- باب هفدهم آیه ۳۱.

۴- کتاب عاموس ۵: ۲۵ ج ۲۷ و کتاب دوم پادشاهان ۲۳: ۱۰.

الهی می شدند. آنچه که از کتب مقدس به دست می آید نشان می دهد که بنی اسرائیل برای خدایان خود هیکل ها(مجسمه ها) و نمادها یا تماثیلی می ساختند و آنها را پرستش کرده، برای آنها قربانی می کردند. این مجسمه ها و تماثیل که خدایان اقوام بودند، گاه به شکل های پادشاهان و یا حیوانات و یا ممزوجی از انسان و حیوان یا فرشتگان ساخته می شدند.

با این که خداوند گفته بود «هیچ شکلی از آنچه در آسمان و زمین و دریاست برای خود مساز و نزد آنها سجده مکن و آنها را عبادت منما» (۱) ولی پرستش و عبادت یهُوَه(خدای یکتا) کم کم به پرستش اوثان و تماثیل تبدیل شد و این نوع پرستش کم کم حالت رسمی گرفت تا آن جا که «تمثال غیرت» را بر سردر دروازه اورشلیم نصب کردند تا دلالت نماید برای این که عبادت تماثیل در این شهر آشکار و واضح گشته است. (۲) «هر امت خدایان خود را ساختند و در خانه های مکان های بلند که سامریان ساخته بودند گذاشتند، یعنی هر امتی که در شهر خود ساکن بودند، پس اهل بابل «سکّوت بنوت» را و اهل کوت «نَرجَل» و اهل حمات «اشیما» را ساختند و عِوّیان «نِبحَز» و «تَرتاک» را ساختند». (۳) انسان امروزی که در قرن بیست و یکم بعد از میلاد زندگی می کند نیز گرفتار شرک و بت پرستی است و در بعضی از کشورها هنوز مردمی هستند که برای خود بت هایی ساخته اند و شب و روز به عبادت آنها مشغول و برای آنها رکوع و سجود و قربانی می کنند.

در قاموس کتاب مقدس تحت کلمه میمون آمده است: «فعلًا در هندوستان بت میمون مورد پرستش می باشد، چه که در آن جا هیکلی و معبدی برای آن حیوان برقرار دارند می باشد که دارای هفتصد ستون است».

در رساله پولس به رومیان آمده است: (۴) ای کسی که دیگران را تعلیم می دهی، چرا

۱- سفر خروج، باب ۲۰.

۲- حزقیال ۸: ۳ و ۵.

۳- کتاب دوم پادشاهان ۲۹: ۱۷- ۳۱.

۴- رساله پولس ۲: ۲۱- ۲۴.

خـود را نمی آموزی؟ وعـظ می کنی که دزدی نبایـد کرد، آیـا خود دزدی نمی کنی؟ و از زنـا کردن نهی می کنی، آیـا خود زانی نیستی؟ از بت هـا نفرت داری، آیا به تجاوز از شـریعت، خـدا را اهانت نمی کنی؟ زیرا که به سـبب شـما در میان امت ها اسم خدا را کفر می گویند، چنان که مکتوب است.

البته هرگـاه احکام الهی از جامعه طرد می شـد و سـتمگران سـتمگری می کردنـد و مانع می شدنـد که قوم خـدا، او را عبادت کنند، خداوند وعید عذاب به آنها می داد؛ از جمله عذاب هایی که بر مصریان رفت، عذاب های ده گانه بود که عبارت بودند از:

۱. تلخ شدن رود نیل ۲. هجوم وزغ ها، ۳. هجوم پشه ها، ۴. هجوم مگس ها، ۵. بیماری وبا، ۶. بیماری پوستی(دمل)، ۷. سرما و تگرگ، ۸. هجوم ملخ ها ۹. تاریکی مطلق هوا، ۱۰. قتل نخست زادگان(اولین مولود پسر) مصریان. (۱)

نتیجه گیری

نتیجه این که آیین هـا و فرایض مـذهبی همچون دعـا، نماز و زیارات از مشترکات تمام ادیان الهی بوده است که در تمام دوره های تاریخی در میان امت ها وجود داشـته، فقط شـکل و نوع و شـدت ضـعف و قوت آن متفاوت بوده است. در متون مقـدس نمونه های پایبندی مردم به این آیین ها به وفور یافت می شود. و هر گاه انسان خواسـته است از نمادهای ارتباط با خدا فاصـله بگیرد، فوراً این حصـار را شکسـته و دوبـاره مراجعت کرده است، ماننـد آنچه که می بینیم امروزه در جوامع مسـیحی و یهودی جهان گرایش به دعا و زیارت به شدت رو به گسترش است و این نشان دهنده آن است که دین گریزی در میان آنان در قرون گذشـته که به خاطر عملکرد نامناسب متولیان دینی بوده، نه این که مشـکل را حل نکرده که مشکلات عدیده ای برای آنان به وجود آورده است. لـذا حـل بسـیاری از معضـلات و ناهنجـاری هـای موجود در جوامع خود را در روی آوری به دعـا، نمـاز و زیارات می دانند.

۱- سفر خروج ابواب ۷- ۱۰.

ص: ۱۹۶

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.

۲. دین مسیح، برایان ویلسون، ترجمه حسن افشار تهران، مرکز، ۱۳۸۴.

۳. قاموس کتاب مقدس، هاکس، تهران، اساطیر، ۱۳۸۳.

۴. کتب عهد جدید(۲۷ مورد، انجیل ها و کتاب ها و رساله ها به غیر از انجیل برنابا)، انجمن پخش کتب مقدس، ۱۹۸۰ م.

۵. کتب عهد عتیق(۳۹ کتاب و رساله و صحیفه بدون رساله های اپوکریفایی)، انجمن پخش کتب مقدس، ۱۹۸۰ م.

۶. لسان العرب، ابن منظور.

۷. مقدّمه، ابن خلدون، دار الفکر، بیروت، چاپ اول، ۱۹۹۸ م.

۸. المنجد فی اللغه، لویس معلوف.

۶. نذر و نیاز در دین زرتشت و ایران باستان

اشاره

دکتر سید حسین امیدیانی (۱)

چکیده

از مطالعات انسان شناختی استنباط می شود که نذورات و زیارت اماکن مقدس از دیرپا، بنیادین و کهن ترین صور رفتارها و تجربه های دینی فرهنگ ها و جامعه ها بوده است. ثروتی را که در گذشته زایران از طریق اهدای نذرها برای زیارتگاه ها هزینه می کرده اند با توجه به امکانات محدود مادی و تنگناهای معیشتی، شگفت آور بوده است. یکی از سنت های پسندیده مردم ایران باستان که پیرو آیین یکتاپرستی دین رزتشت بوده اند، نیکی و نیکوکاری و کمک به همنوع و اهدای نذرها به معابد و اماکن زیارتی بوده است. زرتشتیان این عمل نیک را از جمله وظایف ملی و مذهبی آیین خود می دانسته و به آن عمل می کردند. دین زرتشت با توجه به نمونه هایی که در کتاب مقدس «اوستا» به آنها اشاره شده، به موضوع نذر و نیاز، چه برای اهورا مزدا(خدای یکتا) و چه برای انجام مراسم مذهبی در آتشکده ها و اهدا به آن جا و یا پیشکش نمودن به همنوعان پرداخته شده است. هم اکنون نیز هموطنان زرتشتی ما در کرمان و یزد، نذورات و موقوفاتی دارند که نذر و وقف برگهنبار شده و همه ساله درآمد آنها در محل صرف نیات نذر کننده و واقف می شود.

کلیدواژه ها: اهورا مزدا، زرتشت، اوستا، گات ها، نذر و نیاز، یسنا.

مقدّمه

شناخت فرهنگ هر ملت، برای مردم آن مرز و بوم، در حقیقت نوعی خودشناسی و آگاهی به منابع فرهنگی و ریشه های موجودیت و شناسنامه آن قوم و ملت محسوب

۱- عضو پیوسته انجمن فیزیک ایران، عضو پیوسته انجمن نجوم ایران و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم قرآنی تهران.

می شود. برای ما ایرانیان که خوشبختانه وارث فرهنگی بسیار غنی و سرشار، چه از عهد باستان و قبل از اسلام و چه بعد از ظهور دین پر برکت اسلام هستیم، شناخت و آگاهی از مدنیت و فرهنگ، ضروری و واجب است.

شناسانیدن ایران و جلوه های گوناگون عناصر با ارزش تاریخ و تمدن ایرانی به مردم و آگاه ساختن آنان از ویژگی های ظریف و عشق به زیبایی و روش ها و سنت های نیک اجتماعی، از جمله مهم ترین وظایفی است که ایران دوستان و پژوهشگران و اهل قلم و مربیان و معلمان بر عهده دارند.

از شواهد باستان شناختی و منابع تاریخی و مطالعات انسان شناختی چنین استنباط می شود که اهدای نذور و زیارت اماکن مقدس از دیرپا، بنیادین و کهن ترین صور رفتارها و تجربه های دینی فرهنگ ها و جامعه ها و جمعیت ها بوده است. همه تجربه های دینی به طریقی با زیارت و اعمال زایرانه جمعیت های متدین درپیچیده اند. به دیگر سخن دینی را بدون زیارت و اعمال و آداب آن و نذر و نیاز سراغ نداشته و نمی شناسیم. اصولًا هر اندازه فرهنگ ها، جامعه ها و جمعیت ها دینی تر زیسته و هستی را متدینانه و آیینی تر تجربه کرده اند، با ادب و آدابی زایرانه تر نیز زندگی را تشکّل داده اند. لایه های باستانی تر فرهنگ ها، پرمایه و غنی از تمثیل های آیینی و کنش ها و رفتارهای زایرانه و آداب عمیقاً معنوی جمعیت های زایر بوده است.

سرمایه و ثروتی را که در گذشته جمعیت های زایر از طریق اهدای نذرها برای زیارتگاه ها و اماکن متبرک خود هزینه می کرده اند، با توجه به امکانات محدود مادی و تنگناهای معیشتی که با آن دست و پنجه می فشرده اند، شگفت آور بوده است. امر اتفاقی نیست که زنده، غنی، معنوی و فعال ترین محوطه ها و مکان ها در گذشته زیارتگاه ها بوده اند. معماری، هنر، ادبیات و آداب زیارت و اهدای نذور را بی اغراق می توان از گرانمایه ترین ذخایر معنوی و میراث جمعیت های زایر دانست.

باستان شناسان و مورخان ادیان اطلاعات مهمی را از میراث زایران و سنت و معنویت و آداب و ادبیات زیارت در فرهنگ ها و آیین هـای مختلف در دوران هـای گذشـته در اختیـار مـا می نهنـد. از مطالعـات تطبیقی- تاریخی و پدیـدار شـناختی زیارت و زایری و مناسـبات آن با دیانت و دینـداری نیز چنین اسـتنباط می شود که نسـبت، رابطه یا مواجه زایرانه با «چیزها» با امرالوهی، قدسـی و متعالی که هر سه از عناصـر بنیادین تجربه های دینی هسـتند سـخت و اسـتوار درتنیـده است. (۱) یکی از سـنت ها و خصـلت های پسـندیده مردم ایران باسـتان، نیکی و نیکوکاری و کمک به همنوع و اهـدای نذور به معابد و اماکن مقدس بوده است و این عمل را جزء وظایف ملی و مذهبی خود می دانسـته اند. در هر دین الهی، نذر و نیاز و داد و دهش و خیر و خیرات و نیکوکاری از وظایف عمده پیروان آن دین به شمار می رود و پیامبران الهی بر این مطلب تأکید فراوانی نموده اند.

ایرانیـان باسـتان پیرو آیین یکتاپرستی زرتشت بوده انـد و در کتاب مـذهبی آنان یعنی" اوسـتا" در بخش گات ها چنین آمـده است:

اوستا با نویسه فارسی

ات راتوم زرتوشترو تنوس چیت خوخیاو اوتنم ددائیتی پئوروتات مننگهس چاونگهوش مزدا شـیوتنهیا اشایی یاچا اوخـذ خیاچا سروشم خشتروم چا(یسنا- هات ۳۳- بند ۱۴)

۱۴. زرتشت همه جسم و جان خود را با گزیـده ترین منش پاک خود چون پیشکشـی بی ارزش به خداونـد خرد(هدیه- فدیه) نیازمی کند و با فرمانبرداری از دستورات الهی و سرسپردگی کردار و گفتار و همه نیروی خود را به اشا ارمغان می آورد. (۲)

۱- «زیارت و دیانت یا جهانگردی و سیاحت؟»، فصلنامه وقف میراث جاویدان، شماره ۵۲، ص ۶۶ و ۶۷.

۲- ترجمه و تفسیر گات ها سرودهای زرتشت، ج ۱، ص ۴۴۱- ۴۴۴.

۱. «ای مزدا رفتار و گفتار نیک و پرستش بی ریایی که در پرتو آنها مردم از بخشایش جاودانی و پارسایی و نیروی معنوی و رسایی برخوردار می گردند همه را نخست به تو ای خداوند هستی بخش پیشکش(نیاز) می نماییم». (۱)(یسنا- هات ۳۴- بند ۱)

دین زرتشت

خداوند متعال برای هر امتی پیامبری فرستاده که مردم را به راه راست هدایت کند، به طور مثال می فرماید: «وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِی كُلِّ أُمَّهٍ رَّسُولًا ...». (۲)

و همانا ما در میان هر امتی پیغمبری فرستادیم تا به خلق ابلاغ کند که خدای یکتا را بپرستید ....

در کتاب آسمانی قرآن همیشه از پیامبران گذشته با احترام و نیکی یاد نموده و به مؤمنین نیز توصیه می کند، ضمن احترام به همه پیامبران و رسولان به تمام آنها ایمان داشته باشند. از جمله فرموده: «ءَامَنَ الرَّسُولُ بِمَآ أُنزِلَ إِلَیْهِ مِن رَّبّهِ ی وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَمَلِلكَتِهِ ی وَكُتُبِهِ ی وَرُسُلِهِ ی لَانُفَرّقُ بَیْنَ أَحَدٍ مّن رُّسُلِهِ ...». (۳)

رسول خدا به آنچه خدا بر او نازل کرد ایمان آورده و مؤمنان نیز همه به خدا و فرشتگان خدا و کتب و پیغمبران خدا ایمان آوردند و(گفتند) ما میان هیچ یک از پیامبران خدا فرق نگذاریم.

زرتشت پیامبر الهی، طبق نظر پژوهشگران و محققین، بین حدود ۱۷۰۰- ۱۴۰۰ سال پیش از میلاد یعنی ۳۷۰۰- ۳۴۰۰ سال پیش ظهور نموده است. کتاب مقدس پیروان زرتشت اوستا می باشد که مجموعه شعایر، آداب و رسوم، برداشت ها و معتقدات مذهبی آنان در آن آمده است. در کتب مقدس آسمانی تورات و انجیل و قرآن، هر گاه خواسته اند از مذهب باستانی ایران سخنی به میان آورند، تنها به نام" مجوس" بسنده کرده اند. در قرآن مجید کلمه مجوس یک بار به کار رفته است: «إِنَّ الَّذِینَ ءَامَنُواْ

۱- همان، ص ۴۴۵- ۴۴۷.

۲- سوره نحل، آیه ۳۶.

۳- سوره بقره، آیه ۲۸۵.

وَ الَّذِینَ هَادُواْ وَ الصبِینَ وَ النَّصرَی وَ الْمَجُوسَ وَ الَّذِینَ ...». (۱)

مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ذیل آیه مذکور می نویسد: «منظور از مجوس قوم معروفی هستند که به زرتشت گرویده و کتاب مقدسشان اوستا نام دارد .... و در قدیم الایام مجوسیان در ایران و چین و هند وغیر آنها آتشکده هایی داشتند و وجود همه عالم را مستند به اهورامزدا دانسته و او را ایجاد کننده همه می دانستند». (۲) از این آیه شریفه و ترجمه و تفسیر آن که در المیزان خیلی مفصل نقل شده معلوم می شود که قرآن کریم ملت مجوس را اهل کتاب دانسته و آن طایفه را با یهود و نصاری که از امم خداپرست و دارای احکام و شریعت متقنی بودند، در یک دریف آورده و کلمه مجوس را با واو وصل به ایشان می پیوندد و به توسط حرف موصول دوم(کلمه الّذین)؛ آنان را از مشرکین جدا می سازد. در ضمن ذکر حدیثی از ابا عبداللّه علیه السلام راجع به مجوس در انتهای آن از قول پیغمبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «مجوس را پیغمبری بوده است که او را بکشتند و کتابی آورد که آن را بسوزانیدند و بر دوازده هزار پوست گاو نوشته شده بود». (۳) می دانیم که کافران و دشمنان زرتشت او را به شهادت رسانیدند و کتاب اوستا نیز در حمله اسکندر به ایران به آتش کشده شد. در این جا به ذکر چند نمونه از سروده های خود زرتشت که در بخش گات های اوستا آمده، می پردازیم که دلیلی است بر یکتاپرستی ایرانیان باستان کهن ترین و مطمئن ترین قسمت اوستا بخش گات می باشد.

«اوست نخستین اندیشه گری که با نور خود افلاک را درخشان ساخت و با نیروی خرد خویش راستی بیافرید تا نیک اندیشان را یار و پشتیبان باشد. ای هستی بخش و دانای بزرگ؛ ای کسی که همیشه در هر حال یکسانی، با روح مقدست فروغ ایمان را در قلب ما بر افروز». (۴)

۱- سوره حج، آیه ۱۷.

۲- ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۵۰۵ و ۵۰۶.

۳- بحار الأنوار، ج ۵، ص ۳۷۹.

۴- اوستا، بخش یسنا، ۳۱، بند ۷.

«ای مزدا، هنگامی که تو را با دیده دل نگریستیم در اندیشه خود دریافتیم که تویی سرآغاز، که تویی سرانجام، که تویی پدرمنش پاک، که تویی آفریننده راستی، که توی داور دادگر کارهای جهانی». (۱) گر مسلمان، گر نصاری هم مجوس و هم یهود

ذاکر درگاه او هریک همی گوید خدا

همه جا خانه یار است چه مسجد چه کنشت.

آتشکده

«لِّکُلِّ أُمَّهٍ جَعَلْنَا مَنسَکًا هُمْ نَاسِکُوهُ فَلَا یُنزِعُنَّکَ فِی الْأَمْرِ وَ ادْعُ إِلَی رَبّکَ إِنَّکَ لَعَلَی هُدًی مُّسْتَقِیمٍ»؛ (۲)

ما برای هر امتی پرستشگاهی مقرر کردیم تا به خدا توجه کنند(و آن جا سبب وحدت و انس و الفت آن امت شود) پس(ای رسول) نباید مردم(در امر کعبه و قربانگاه و سایر دستورهای الهی) با تو به منازعت برخیزند و تو خلق را به سوی خدا دعوت کن که خود به راه راست و هدایت کامل هستی.

اولین آتشکده هایی که در ایران باستان شناخته شد، به منظور حفظ و نگهداری آتش مقدس برای رفع احتیاجات روزمره مردم بود، ولی با گذشت زمان احترام این عنصر درخشان و گرمابخش و بزرگداشت آن چنان در مردم ریشه دواند که از هر گوشه و کنار به زیارت آن می آمدند و در برابر آتش به ستایش و پرستش خداوند بزرگ می پرداختند. پس از ظهور زرتشت نیز مغان و موبدان، بسیاری از سنت های قبل از زرتشت را به مرور وارد آیین زرتشت نمودند و مجدداً آتشکده ها محلی شد برای اجتماع مؤمنین به منظور ادای نماز و ستایش اهورامزدا و به تدریج به مقتضای زمان تغییراتی در آتشکده ها راه یافت. آتشکده ها که تا آن زمان تنها محل زیارت و عبادت و نیایش به درگاه ایزد یکتا به شمار می رفت، به لحاظ فعالیت های موبدانی که

۱- اوستا، بخش یسنا، بند ۸.

۲- سوره حج، آیه ۶۷.

اهـل فضـل و دانش بودنـد و نیز در کـانون تـوجه افراد عـادی و دولـتی و حکومـتی قرار داشـت، به تدریـج به محـل آمـوزش، کتابخانه و موزه مجهز گردید و نیز از محوطه آن برای برگزاری مراسم و جشن ها استفاده می گردید.

نور و روشنایی، قبله زرتشتیان

پیامبران بزرگ هر یک قبله یا سویی جهت پرستش پیروان خود تعیین نموده اند، تا آنها بتوانند هنگام پرستش خدا رو به سوی قبله نموده، با خدای بزرگ راز و نیاز نماید، در قرآن آمده: «وَ لِکُلّ وِجْهَهٌ هُوَ مُوَلّیهَا فَاسْتَبِقُواْ الْخَیْرَ تِ ...». (۱)

و برای هر جمعیتی وجهه و قبله ای است که بـدان رو می کننـد، پس هر جا که بودید در خیرات سـبقت بگیرید. مرحوم علامه طباطبایی در تفسـیر این آیه می فرماید: «کلمه وجهه به معنای چیزی است که آدمی رو به آن می کند، مانند قبله، که آن نیز به معنـای چیزی است که انسـان متوجه آن می شود. در این آیه بیـان سـابق را خلاصه نموده، عبارت اخرایی می آورد تا مردم را هـدایت کنـد به این مسأله که قبله را تعقیب نکننـد، و بیش از این درباره آن بگومگو راه نیاندازنـد و معنایش این است که هر قوم برای خود قبله ای دارنـد که بر حسب اقتضـای مصالحشـان برایشـان تشـریع شـده است. خلاـصه، قبله یـک امر قراردادی و اعتباری است، نه یک امر تکوینی ذاتی، این حرف ها را بگذارید و به دنبال خیرات شـتاب بگیرید و از یکدیگر سبقت بجویید که خدای تعالی همگی شـما را در روزی که شکی در آن نیست جمع می کند، ولو هر جا که بوده باشید که خدا بر هر چیزی تواناست». (۲) بر این اسـاس همـان طور که ملاـحظه می فرماییـد، قبله در ادیان مختلف متفاوت است. قبله مسـلمین خانه کعبه است و قبله کلیمیان، اورشـلیم یا بیت المقـدس می باشـد و نیز کلیسا طوری ساخته شده است که محراب آن همیشه در سـمت مشرق واقع شده،

۱- سوره بقره، آیه ۱۴۸.

۲- ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۴۹۲.

به طوری که عیسویان مؤمن که به کلیسا می روند، الزاماً رو به سوی محراب که در خاور واقع شده نماز می خوانند.

قبله زرتشتیان نیز نور است به هر شکلی که جلوه نماید، خواه این نور از شعله آتش یا شمع فروزان باشد و خواه از خورشید یا هر شیئی نورانی دیگر. در اوستا فقره اول از کرده دوم هفتن یشت آمده است: «ای خدای هستی بخش دانای بی همتا که بخشاینده همه چیز و از دیده ظاهربین ما ناپدیدی، این آتش را که در برابر گذاشته ایم، نور آفرینش تو می دانیم و آن را به منزله قبله می شناسیم و به وسیله این نور که ذره ای از ذرات انوار تو است، خواستاریم که خود را به نور حقیقت تو برسانیم».

و در فقره اول اردیبهشت یشت به زرتشتیان صریحاً دستور داده شده که هنگام پرستش اهورامزدا در برابر نور و روشنایی قرار گیرند. و به پیروی از این دستور، هنگامی که زرتشتیان به آتشکده می روند، در آن جا روبه روی آتش فروزان قرار می گیرند و با خدا راز و نیاز می نمایند.

در قرآن مجید چنین می فرماید: «اللَّهُ نُورُ السَّموَ تِ وَالْأَرْضِ ...» (۱)

خدا نور آسمان ها و زمین است ....

مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در این مورد می فرماید: «خدای تعالی نوری است که آسمان ها و زمین با اشراق او بر آنها ظهور یافته اند ... خدای تعالی کامل ترین مصداق نور می باشد ...».

در انجیل، رساله اول ژان، باب اول، آیه پنجم آمده است: «این پیغامی است که ما از او شنیده و اینک بازگو می کنیم که خداوند نور محض است و ظلمت و تیرگی در او وجود ندارد».

متأسفانه برخی مردم ناآگاه و حتی بعضی از مستشرقین سطحی نگر، این احترام به آتش در میان زرتشتیان را دلیل آتش پرستی آنها دانسته و تهمت بزرگی را به آنها روا

۱- سوره نور، آیه ۳۵.

داشته اند. در صورتی که همان طور که در توضیحات بالا اشاره شد، زرتشتیان، اهل کتاب و یکتاپرست هستند و نور و آتش، در هنگام نماز و عبادت قبله آنها می باشد.

فردوسی، شاعر نامدار نیز، در این باره سروده است:

نگویی که آتش پرستان بدند پرستنده پاک یزدان بدند

که آتش بدانگاه محراب بود پرستنده را دیده پرآب بود

وجود آتشکده های مختلف در اقصی نقاط ایران باستان، خود دلیلی بر مؤمن بودن و یکتاپرستی ایرانیان بوده است. هر یک از آتشکده ها نیز به نوبه خود و با توجه به وسعت و اهمیت و موقعیتی که داشته اند، دارای موقوفات و نذوراتی بوده اند و اداره امور آنها توسط موبدان و هیربدان از محل درآمد همان نذرهای اهدایی و موقوفات بوده است.

مؤمنان همواره قسمتی از نذور و هدایایشان را به صورت چوب ها و گیاهان خوشبو چون، هذائپت(چوب انار) (۱) اورواسن(چوب صندل) (۲) و هوگئون(لبان) (۳) و .. وهوکرتی(عود) (۴) نذر و به آتشکده ها تقدیم می کردند. (۵).

روز سوم از ماه اردیبهشت که اردیبهشتگان خوانده می شود، مرسوم بوده است که زرتشتیان به آتشکده رفته و مراسم ستایش بجای آورند. زراتشت بهرام پژدو در شرح حال زرتشت موسوم به زرتشت نامه، از نصایح امشاسپند اردیبهشت به زرتشت آورده است:

به پیش آمدش فرخ اردیبهشت بدانگه که همراه زو درگذشت

به زرتشت گفتا که ای پاک تن پذیرفته ایزد ذوالمنن

پیامی بر از من به گشتاسب شاه بگو کای خداوند دیهیم و گاه

۱- Hazanaepata.

۲- Urvasan. .

۳- Vohugaona.

۴- Vohukereti.

۵- فرهنگ نام های اوستا، کتاب ا و ب، ص ۶- ۸.

به هر شهر بنهند آتشکده فراموش مکن رسم های سده

چو ما واگهش را پدید آورند برو بر بسی وقف ها گسترند

که تا کار او را بود برگ و ساز نگیرند این گفته ما مجاز

که آن نور از نورهای خداست کزآن گونه رخشان به پیش شماست (۱)

همان گونه که در شعر ملاحظه می شود، توصیه شده که در هر شهری آتشکده ای بنا شود و پس از احداث آن نذور و موقوفات زیادی را برایش منظور کنند تا مایحتاج و مخارج آتشکده تأمین شود. لیست برخی آتشکده های ایران در کتاب جغرافیای تاریخی ایران باستان آمده است. (۲)

نذر و نیاز در آیین زرتشت

پس از شرحی که در مورد وضعیت اجتماعی ایران باستان داده شد، اینک در ابتدا به طور مختصر به ذکر قسمت هایی از اوستا می پردازیم که در آنها راجع به نذر و نیاز مطالبی بیان شده است.

بخش گات ها

در حقیقت می توان گفت: گات ها کهن ترین، مقدس ترین، مطمئن ترین و پرمغزترین مدرک اوستایی است که از دستبرد زمان محفوظ مانده و شامل چکیده آیین زرتشت است. چون به شعر سروده شده، بهتر در حافظه ها مانده و از سینه به سینه نقل گردیده است. گات ها از سخنان خود زرتشت بوده و مسلّم است که برای بیان افکار و پیام او از هر منبع دیگری قابل اعتمادتر است.

برخی از انواع نذر و نیاز و داد و دهش و خیرات

نذر و نیاز و نیکوکاری و دهشمندی زرتشتیان از روزگاران کهن تاکنون بر سه گونه است:

۱. نیاز: در این گونه دهش، نیکوکاران زرتشتی آنچه را می خواستند بدهند در

۱- همان، ص ۷ و ۸.

۲- جغرافیای تاریخی ایران باستان.

دسترس گردانندگان نیایشگاه ها و آتشکده ها که در روزگاران کهن سازمان های دینی و کشورداری، هر دو به شمار می آمد قرار می دادند تا موبدان موبد، موبدان و یا هریک از سامانگران که ویژه انجام کارهای دهشی و نیکوکاری و خیرات بوده است، برابر با خواست شخص نیکوکار و خیر دهشمند و در پاره ای از زمان ها بسته به نیاز نیایشگاه و آتشکده به انجام کارهای نیک و امور عام المنفعه برساند. نیاکانمان باور داشتند که دهش باید به گونه ای همگانی انجام شود، نه دست به دست که بی گمان فراگرد(جامعه) را به یک گونه تنبلی و گداپروری وا می دارد.

اگر با موشکافی چگونگی دهش و به ویژه دهش ها و کمک های دست به دست(فردی) را بررسی کنیم، می بینیم که دستورهای داده شده در انجام این گونه دهش ها تا چه اندازه دشوار بوده است. به این بخش از وندیداد(کتاب قانون) بنگرید که در آن آمده است: «... هرگاه خوراک به کسی دهی تا شکمش را از آن سیر کنی، هرگونه(ثواب) و گناهی که آن کس کند، دهشمند هم بهره ای از آن خواهد داشت». و یا در پوزش نامه زرتشتیان آمده است: «خورش اگر خورم و به ناکاران(بیکاران) دادم، پشیمانم و پوزش می خواهم ...». همچنین در اندرز گواه(خطبه عقد) به هنگام بستن پیمان زناشویی، زن و مرد هریک چنین گوید: «اگر خوراک به ناارزانیان دادم پوزش می خواهم».

بنابراین شاید می توان این گونه داوری کرد که این دشواری ها برای آن است که دهش ها، نذرها و کمک های دست به دست گسترش نیابد، مگر آن زمان که دهشمند بی چون و چرا نیازمندی و ارزانی بودن تنگدستی را بداند. پس آن زمان که این گونه دهش در میان نبود، دهشمندان و نیکوکاران به کمک های همگانی روی می آوردند و موبدان و روحانیون آتشکده ها با روشن بینی ویژه ای که داشتند، در انجام هدف دهشمند و شخص نیکوکار به کارهای نیک و امور عام المنفعه می پرداختند. باید یادآوری کنیم همین نذرها و نیازها که گاه ارزش چندی اش چندان زیاد نبود، روی هم

انباشته می گشت و به راه خیر و سازندگی های نیک چون بنیان گذاری و احداث نوانخانه ها، آموزشگاه ها و یا بیمارستان ها، یعنی بناهای موقوفه ای که واقف آن همگان بودند می انجامید. (۱) ۲. اشوداد: این گونه دهش و کمک را بخشش در راه پارسایی و نیکی گفته اند، چه دهشمند و شخص نیکوکار به هنگام این گونه بخشش تنها به پاس نیکی و نیکوکاری و عمل صالح این کار را انجام می دهد. به گفته دیگر، شاید بتوان گفت: اشوداد، دهش و کمک از چیزهای جابه جا شدنی نیست. همواره خانه، زمین، بوستان، کشتزار یا از این گونه دارایی را به نیایشگاه و آتشکده واگذار می کرده اند، یعنی در واقع املاک مذکور را نذر و وقف می نموده اند. گردانندگان نیایشگاه ها یا موبدان و روحانیونی که کارشان سامان دادن به اشوددادها(این گونه نذورات و موقوفات) بوده است، نمی توانستند دارایی هایی که از راه اشوداد به نیایشگاه داده شده(وقف گردیده) را به فروش برسانند. اشوداد درباره پارسایان و یا موبدان گاهی شده است. حتی آنان نیز پروانه فروش اشوداد(وقف) را نداشته اند. همان طور که ملاحظه می شود، می توان اشوداد را گونه ای از پیوسته نیکی یا وقف دانست. (۲) ۳. گاهنبار: یکی از سنن ایرانیان باستان که برای داد و دهش و خیر و خیرات برگزار می شد، مجالس شش گاهنبار یا گهنبار بود. این آیین بسیار قدیمی است. در زمان، یا پس از ظهور زرتشت، تغییراتی در روش برگزاری گهنبار داده شد. در ابتدا بخش هایی از اوستا را موبدان می خواندند، آن گاه سفره عام می کشیدند و هرکس- اعم از فقیر و غنی- بر سر سفره گهنبار می نشستند و از آن استفاده می کردند. این روش تا زمان انوشیروان ساسانی ادامه یافت. در زمان او به علت اوج گرفتن فاصله طبقاتی بین مردم، تغییراتی در آیین گهنبار به وجود آمد.

۱- نیکوکاری و داد و دهش در ایران باستان، ص ۳۵ و ۳۶.

۲- همان، ص ۳۶ و ۳۷.

شش گاهنبار یا گاهان بار- به طور کلی- اشاره به شش گاه یا شش هنگام از اوقات مختلف سال دارد که موقع آفرینش عالم و عالمیان می باشد. در آیین مزدیسنی(یکتاپرستی) زرتشت، این شش گاه یا شش هنگام که به شکرانه نعمت های خداوند متعال جشن می گیرند و زرتشتیان- مانند ایرانیان قدیم- در این جشن ها بذل و بخشش و نذر و نیاز و داد و دهش و خیر و خیرات و انفاق می نمایند و احسان می کنند و سپاس اهورامزدا را بجا می آورند. درآمد و منافع حاصله از موقوفات و نذور گهنبار نیز در این ایام صرف نیات خیرخواهانه و نیکوکارانه واقف یا نذرکننده می شود.

شش جشن گاهان بار مربوط به اوقات شش گانه آفرینش جهان و جهانیان است.

در تورات و قرآن مجید نیز آمده است که خداوند متعال آسمان و زمین و مخلوقات و موجودات را در شش روز(مرحله) آفریده است.

اوستا نیز آفرینش جهان را در شش وقت قرار می دهد. به همین لحاظ در آیین ایران باستان، این شش هنگام به یاد اوقات شش گانه عالم خلقت جشن گرفته می شد. نام این جشن ها به ترتیب عبارت اند از:

۱. میدیوزرم: (۱) میان بهار که زمین سبز و خرم است. براساس اعتقاد کهن ایرانیان در این روز آسمان آفریده شده است.

۲. میدیوشم: (۲) میان تابستان. در این هنگام آب آفریده شد ..

۳. پیتی شهیم: (۳) وقتی که گندم می رسد. در این گاه زمین خلق شده است ..

۴. ایاثرم: (۴) یعنی آغاز سرما. در این هنگام نباتات خلق شده اند ..

۵. میدیارم: (۵) حدوداً میانه فصل سرد. در این روز جانداران آفریده شده اند ..

۶. همس پت میدیم: (۶) در این روز انسان آفریده شده است و با خلق شدن او کار آفرینش پایان یافته است.

۱- Maidyo Zaram

۲- Maidyo Shem.

۳- Paity Shahim.

۴- Ayatheram.

۵- Maidyarem.

۶- Hamas Path Maidyam

در همه گاهان بارها به طور کلی نماز آفرینگان گاهان بار می خوانند. شش گاهان بار سال نزد زرتشتیان ایران و هند، اوقات عبادت و انفاق و احسان و نیکی و خیرات و مبرات و کمک به مستمندان است. از وجوهات مربوط به اوقات گاهانبار و از محل درآمد و منافع نذورات موقوفاتی که بر گهنبار نذر و یا وقف شده اند، مراسم و جشن های بزرگ می آرایند، توانگر و بی نوا، هر دو در آن شرکت می کنند، آنانی که خود از عهده مخارج این مراسم برنمی آیند، باید در مراسم دینی که دیگران بانی آن هستند، یا از نذورات و موقوفات مربوطه دایر می شود شرکت کنند و از خوان نعمت توانگران که در همه جا گسترده می شود بهره مند گردند. در کتاب صد در بندهش، باب ۹۴ می گوید: «اگر کسی در سال یک بار به گاهانبار نرود، یک سوم از ثواب هایی که کرده بکاهد و یک سوم به گناهانش بیفزاید».

هم اکنون نیز هم وطنان زرتشتی ما در کرمان و یزد، نذورات و موقوفاتی دارند که نذر و وقف بر گهنبار شده و همه ساله درآمد آنها در محل صرف نیات نذرکننده و واقف می شود. (۱)

نذر و نیاز و زیارت در دوره های مختلف ایران باستان

از زمان پیدایش ادیان و معابد و پرستشگاه ها و زیارتگاه ها در روی زمین، موضوع نذر و نیاز و زیارت نیز وجود داشته است، زیرا امور معابد و زیارتگاه ها معمولًا از طریق هدایا و نذورات پیروان آن ادیان و معابد و یا از محل درآمد اراضی موقوفه ای بوده که وقف یا نذر بر آن معبد یا پرستشگاه یا زیارتگاه می شده است و روحانیون مخصوصی تصدی انجام این امور را به عهده داشته اند.

در ایران باستان نیز نذر و وقف، ریشه ای دیرینه دارد و از زمان ورود آریاها به فلات ایران و هندوستان، نذورات و موقوفات معابد و زیارتگاه ها وجود داشته است.

۱- «گاهنبار در ایران باستان»، فصلنامه وقف میراث جاویدان، شماره ۳، ص ۴۶ و ۴۷.

در کتاب های ریگ ودای هندوها و اوستا، از نذر و نیاز صحبت شده است. البته آنها مربوط به دین و آیین آریاهای قبل از ظهور زرتشت بوده است، برای این که تا حدودی به چگونگی نذر و نیاز آن دوران آشنا شویم، به توضیح مختصری می پردازیم:

«ریگ ودا» کتاب مقدس هندوها

«ریگ ودا» کتاب مقدس هندوها (۱)

تاریخ فرهنگ و مذهب ایران باستان، با تاریخ فرهنگ و مذهب قدیم هندوستان ریشه و اصل واحد و نزدیکی کامل دارد و این قرابت و شباهت با مطالعه ودا و اوستا نمایان می شود. فرهنگ باستانی ایران و هند را نمی توان از یکدیگر جدا شناخت، و این موضوع باید هم همین طور باشد. زیرا هر دو از یک فرهنگ هندوایرانی منشأ گرفته و از یک سرچشمه سیراب شده اند. (۲) واژه «ودا»،(/ بید) در زبان سانسکریت (۳) از ریشه «وید»(/ دانستن) مشتق شده و به معنی «دانش» است. اما به طور اخص به معنی «دانش الهی» یا «علم مُنزَل» است.

کتاب ودا در نظر غالب «هندوان» در حکم وحی مُنَزَّل است و از نظر دین باوران «هندو» تعلیمات آن کامل و بالاترین سند و مدرک مذهب است. این تعلیمات حاکم بر جمیع شئون زندگانی هر فرد می باشد و وظایف او را در هر وضع و شکل و در هر مرحله ای از مراحل حیات، از تولد و کودکی و جوانی و پیری و مرگ معیّن می کند. به عبارت دیگر این تعلیمات وظیفه هر هندویی را از گهواره تا گور زیر نظر دارد.

«ودا» ها مرجع کلیه آداب و سنن است. همه قوانین و مقررات در چهارچوب تعلیمات و تفسیرهای آنها به وجود آمده و مراسم و تشریفات مذهبی، مانند دعا و نماز و نذر و نیاز و زیارت و آداب و رسوم اجتماعی هندو از آنها سرچشمه گرفته اند.

۱- ترجمه گزیده ریگ ودا، قدیمی ترین سرودهای آریایی هند، ص ۷- ۱۰.

۲- در بمبئی اردشیر خبردار از زرتشتیان هند، گات ها را به زبان انگلیسی ترجمه کرده است و در آخر آن کتاب فرهنگی ترتیب داده و لغات مشترکی را که در گات ها و ریگ ودا به کار برده شده، با نشان دادن تلفظ «ودای» و «اوستایی» استخراج کرده است.

۳- Sanskrit.

همان گونه که در عالم اسلام روح «قرآن» مجید در کتاب های اسلامی جلوه گر شده و زبان قرآن در «فرهنگ اسلام» بنیاد نوین و استواری به وجود آورده است، و کم تر کتاب اسلامی را می توان یافت که از روح قرآن الهام نگرفته باشد. به همین مقیاس هیچ کتابی در قلمرو «فرهنگ هندو» تألیف و تدوین نشده، مگر آن که تعلیمات وداها کم و بیش نویسنده را تحت تأثیر و نفوذ خود قرار داده باشد. با این تفاوت که اسلام دین جهانی الهی است و از سرزمین عربستان به کشورهای دور و نزدیک دیگر هم گسترش یافته است، ولی حوزه مذهب هندو در طول تاریخ بشر محدود به همان شبه جزیره هند بوده و جنبه مذهب بومی و ملّی دارد. (۱) راجع به قدمت این کتاب در میان محققان هندی و غیر هندی اختلاف نظر است.

در قرن نوزدهم برخی از دانشمندان هندی مانند تیلک (۲) بعضی از قسمت های ریگ ودا را از روی محاسبات ارقام نجومی مربوط به پنج تا شش هزار سال پیش از میلاد مسیح و حتی قدیمی تر دانسته اند، ولی ماکس مولر (۳) تاریخی را در حدود ۱۲۰۰ سال پیش از میلاد در نظر گرفته است.

آنچه مسلّم است به وجود آمدن این سرودها قرن ها پیش از بودا و تبلیغ عقاید بودایی بوده و از طرف دیگر شروع آن همزمان یا کمی قبل و یا بعد از ورود قوم آریایی به هندوستان است. ژاکوبی (۴) براساس اطلاعات نجومی چنین نتیجه می گیرد که تاریخ دو تا از سرودهای ریگ ودا در هزاره پنجم پیش از میلاد است. به هر حال آنچه قطعی به نظر می رسد، ریگ ودا قدیم ترین اثر قوم آریایی هند است، و بی شک تاریخ به وجود آمدن آن قبل از تاریخ تمدن یونان و پیش از تدوین کتب مذهبی موجود قوم یهود است. (۵)

۱- همان، ص ۴۷- ۴۹.

۲- Tilk

۳- Max Muller.

۴- Jacobi

۵- دین قدیم ایرانی، ص ۲۵- ۹۳.

دین آریایی های هند

پیش از آن که از دین آریـایی هـای ایرانی سـخن بگوییم، لازم است از چگونگی احوال آریایی های هنـدی در آغاز ورود به هندوسـتان و اخلاـق و فرهنـگ و دیانتشـان اطلاـع حاصل نماییم، چه این آگاهی کمکی است بسـیار شایسـته به شـناخت بهتر فرهنگ و دیانت آریاهای ایرانی که در ابتدا، و زمان نزدیکی مشترکاً می زیسـته و بعد بر اثر حوادثی از یکدیگر جدا گشـته و هریک در منطقه ای استقرار یافته و دو فرهنگ بزرگ جهانی بنیاد نهادند.

در زمانی که آریاها به هنـد هجوم آوردنـد، قدیم ترین مردم تاریخی هند یعنی ناگاها (۱) بر قسمت شمالی آن سرزمین تسلط داشـتند. اینـان مطـابق بـا یـافته هـای باسـتانی درّه سـند برای مار احترام زیادی قایل بودنـد و آن را سـتایش می نمودنـد و هنوز بازمانـدگانشان در کوهسـتان های دورافتاده هنـد زندگی می کنند. در قسـمت جنوبی نیز مردمی سـیاه پوست با بینی های پهن زندگی می کردند که آنها را دراویدی (۲) می نامند.

اینهـا ظـاهراً از فرهنـگ و تمـدنی در زمـان هجـوم آریاهـا برخـوردار بوده انـد. بیشـتر مردمـانی تـاجرپیشه بودنـد که به وسـیله دریاگردی تا بابل و سومر راه داشـته و از ذوق هنری بهره فراوانی داشـته انـد. چنان که به نظر می رسـد آریاها پس از اسـتقرار تحت تأثیر این قوم قرار گرفته اند.

غلبه آریاها بر این طوایف بومی و انقیادشان از رویـدادهای تاریخی است که منجر به تفوق آریاها بر دراویـدی ها شـد. آریاها از ناحیه دریای خزر مهاجرت کردند، یعنی همان محلی که پسرعموهای ایرانی شان آن را «یا خانه آریایی ها» (۳) می نامیدند.

آریاهای هندی تقریباً زمانی که کاسیان (۴) بابل را فتح کردند، داخل هند شدند.

۱- Nagas

۲- Dravidian

۳- Ariyana- Vaeyo

۴- (Kassites) در قسـمت مرکزی زاگرس Zagros قسـمتی برآمـده وجود دارد که به سوی غرب و در بین النهرین پیش می رود. این قسـمت لرسـتان کنونی بوده که در حدود هزاره دوم پیش از میلاد ساکنان آن جا، یعنی کاسیان بابل را فتح کرده و مدت پنج قرن در آن جا حکمروایی داشتند.

دسته ها و گروه های کوچک آریایی، با جذب بومیان اولیه کم کم مراکزی پر جمعیت با قدرت مرکزی به وجود آوردند. هریک از این مراکز که به وسیله گرد آمدن عده ای از گروه های پراکنده تشکیل شده بود، به وسیله شاهی اداره می شد. (۱)

نذر و نیاز و قربانی در وداها

قربانی و اهدای آن به خدایان چون جمله مذاهب باستان در آیین ودایی نیز انعکاس دارد.

همچون ایرانیان آریایی گاه اسب را به عنوان قربانی برای خدایان نذر می کرده اند. در مورد اجرای مراسم و آداب قربانی به وسواسی بسیار قایل بودند، هرگاه مراسم درست، صحیح و مطابق با خواست خدایان انجام می شد، تقاضا و درخواست صاحب قربانی اجابت می شد، و اگر نه پاداشی وجود نداشت. مجری این رسوم کاهنان بودند که در سرودهای «ریگ ودا» عمل قربانی برای جلب توجه خدایان اهمیت شایان دارد.

در وداها خدایان موجودات مهربان و خیرخواهی اند که در میان مردم آمد و شد می کنند و از بشر والاتر و قوی ترند و به مناسبت عظمت و نیرومندی سزاوار ستایش و احترام می باشند. علاقه به نذر و قربانی دارند، به همین سبب قربانی و نذور برجسته ترین مشخصات مذهب ودایی است. در این قربانی ها حیوانات ذبح و تقدیم و یا مواد خوراکی و غیر حیوانی نذر و اهدا می شود. در مراسم قربانی، نذور و تقدیمی ها و نیازها با ترانه ها و خواندن آیات بید، مقدس می گردد. خدایانی که خوانده می شوند در محل قربانی حضور می یابند.

آگنی واسطه انتقال قربانی به خدایان دیگر است. آب و باد نیز گاهی وسیله انتقال قربانی می باشند. عمل قربانی و اهدای نذور خدایان را وامی دارد که خورشید را طالع نمایند و باران را به زمین برسانند، و دانه ها را برویانند و به ثمر برسانند و حیوانات را

۱- همان.

از گزند محفوظ بدارند و آنها را زیاد کنند. قربانی و نذر و نیاز قدرت کامله خدایان و نیروی بشر را برای انجام دادن کارهای بزرگ افزایش می دهد، و از تجاوز افراد به حقوق یکدیگر جلوگیری می کند. (۱)

پیدایی جهان

در این جا به عنوان نمونه به موضوع نذر در سرود پیدایی جهان در ریگ ودا می پردازیم:

۱. در آغاز «هرن گربهه» بود، چون به وجود آمد یگانه خداوند آفرینش بود. او زمین و آسمان را نگاه می داشت. پس ستایش و نذر خود را به سوی چه خدایی تقدیم نماییم؟

۲. بخشنده روح و دهنده نیرو است، و فرمان او را(حتی خدایان دیگر) بجا می آورند. خداوند مرگ است، و سایه او ابدیّت است. پس ستایش و نذر خود را به سوی چه خدایی تقدیم نماییم؟

۳.(به او) که به بزرگی خویش یگانه پادشاه جهان نفس کشنده و بیننده است. و بر مجموع دوپایان و چهارپایان حکم می راند. پس ستایش و نذر خود را به سوی چه خدایی تقدیم نماییم؟

۴. آن که به عظمت او این کوه های پوشیده از برف موجود است. آن که مردم او را مالک دریاها و رودخانه ها می دانند. آن که این قسمت های فضا از اوست، و آن که بازوان به او تعلق دارد. پس ستایش و نذر خود را به سوی چه خدایی تقدیم نماییم؟

۵. آن که به او آسمان محکم و زمین پابرجاست، و آن که به آسمان ها و کره آفتاب ثابت اند، و آن که اندازه آب در افلاک است. پس ستایش و نذر خود را به سوی چه خدایی تقدیم نماییم؟

۶. آن که آسمان و زمین به حمایت او به وجود آمدند، و به روشنی درخشان است.

با فکر خود او را می نگرد، و خورشید طالع در او می درخشد. پس ستایش و نذر خود را به سوی چه خدایی تقدیم نماییم؟

۱- همان، ص ۱۰۱- ۱۰۴.

۷. هنگـامی که آب هـای بی پهنا جهان را که شامل جرثومه بود فراگرفت، و آگنی را به وجود آورد، و در آن زمان تنها نفس خدایان پیدا شد. پس ستایش و نذر خود را به سوی چه خدایی تقدیم نماییم؟

۸. آن که به قـدرت خویش آب هـا را در اطراف نگاه داشت، و شامل نیروی خلاقه بود، و قربانی را به وجود آورد. آن که در میان خدایان بالاترین خدای یکتا بود. پس ستایش و نذر خود را به سوی چه خدایی تقدیم نماییم؟

۹. او که پـدر زمین است، و بی اشـتباه جهـان بر او متکی است، و آسـمان را به وجود آورده و آب هـای بی پهنا و ژرف و دل انگیز را آفریده است، باشد که او ما را گزندی نرساند. پس ستایش و نذر خود را به سوی چه خدایی تقدیم نماییم؟

۱۰. هیچ کس جز تو ای «پر جاپتی» وجود را به همه این موجودات نداده است.

باشد که حاجات ما که به منظور آنها برای تو قربانی می کنیم، روا گردد. باشد که صاحب ثروت شویم (۱). (۲)

قیام زرتشت

پس از این دوران بـود که زرتشت به عنـوان پیـامبر الهی ظهور نمود و علیه کاهنـان و خـدایان متعـدد آنـان قیـام کرد و گفت: خداونـدِ تمام جهانیان یکی است و او «اهورامزدا» خـدای یکتاست که آفریـدگار همه جهان می باشد و تنها اوست که شایسـته پرستش و عبادت و نذر و نیاز می باشد.

نذر و نیاز و نیکوکاری (امور خیریه) در اوستای کنونی

الف) بخش یسنا

اوسـتای کنونی پنـج بخش است: بخش نخست یسـنا، دوم ویسپرد، سوم یشت هـا، چهـارم خرده اوسـتا، پنجم وندیـداد. ذیلًا به قسمت هایی از یسنا که در آنها درمورد نذر

۱- ماندلای دهم، سرود ۱۲۱.

۲- گزیده ریگ ودا(منبع شماره ۱۲)، ص ۶- ۸.

و نیاز و نیکوکاری اشاره شد می پردازیم:

یسنا بیشتر جنبه تقدس دارد و حاوی سرودهای ستایش است که برای ایزدان در معنی وسیع کلمه، هر چیز نیکو و سودرسان و زندگی بخش سزاوار ستایش است. ایزد در اوستا یزت (۱) می باشد، یعنی هرچیز شایسته ستایش. کاربرد پهلوی واژه یزد و یزدان به معنی شایسته ستایش و سزاواران ستایش، مفهوم ایزد یا فرشته را پیدا کرد. از لحاظ دستوری یزدان جمع یزد است در پهلوی، و در فارسی جدید عنوانی عام برای خداوند شده است.

آب پاک نیالوده، باران سودرسان زندگی بخش، ماه گوی چهره زیبا، خورشید تابنده برکت بخش، ستارگان فروغمند، آسمان، رودها، دریاها، چشمه ها، گیاهان سودمند، زمین گهواره سان برای انسان، چارپایان و دام های سودرسان، سال و ماه و روز، گاه ها وقت ها، شهرها و روستاها، خان و مان، بزرگان و پارسایان، فَرَوَشی ها و روانان نیک، ایزدان و امشاسپندان سی و سه گانه، دین مزدایی زرتشتی، قوانین نیک زندگی ساز، کوه های آسایش بخش، داد و دهش(انفاق و صدقات)، علم و دانش، نعمت و ثروت و برکت، دلیری و زورمندی، راستی و درستی و بسیاری دیگر که همه سزاوار ستایش و نیایش هستند. اهورامزدا خود خیر محض، دانش محض، نیکی محض، خرد محض، جوهر اولای زیبایی و نیکی و سودمندی است. ستایش و نیایش هر پدیده نیک و سودرسان در واقع ستایش و پرستشی است برای خود اهورامزدا و همه ایزدان جلوه های بی شمار از ذات خداوندی او به شمار می روند.

در مراسم دینی که بدین شکل میان زرتشتیان چندین قرن است ادامه دارد، سرودهای یسنا را دو موبد با هم تلاوت کرده و می خوانند. این دو موبد زوت (۲) و راسپی (۳) نامیده. می شوند. اما پیش از آن، در زمان ساسانیان و حتی سده های اولیه تسلط تازیان، مراسم ستایش و یسناخوانی و آداب مربوط به آن به وسیله هفت موبد انجام می شد. (۴)

۱- Yazata

۲- Zut

۳- Raspi

۴- اوستا، سرودهای زرتشت، ص ۱۵۰- ۱۵۳.

در این جا ناچار از توضیح و شرح بسیار کوتاه برای چند اصطلاح می باشیم:

زور (۱) در اوستا زَاثرَ (۲) در پهلوی زور (۳) و زوهر (۴) آمده است. امروزه زرتشتیان آن را ... «آبزور» می نامند و آن عبارت است از دهش و نذر آشامیدنی و مایع که برابر با مراسم و آیین انجام می شد و هنگام برگزاری مراسم دینی و خواندن یسنا در سفره می نهادند.

نوعی دیگر نذر خوراکی، مَیزدَ (۵) در اوستا و میزد (۶) در پهلوی است. زَور که نذر مایع و. آشامیدنی است، می زد، نذر غیر مایع عبارت از نان و میوه و گوشت و غیره ... می باشد.

در اوستا بَرسَمن (۷) و در پهلوی بَرسَم (۸) عبارت است از شاخه های صاف و بدون گره. انار یا گز که به شماری چند آنها را دسته کرده، هنگام اجرای مراسم دینی و خواندن سرودها به دست می گیرند. برسم از ریشه (۹) به معنی رشد کردن، بالیدن و نمو است.

شاید منظور از به دست گرفتن شاخه های گیاهی در مراسم دینی و ستایشی، بجای آوردن سپاس جهت نباتات و روییدنی ها و گیاهان باشد که موجب نعمت و برکت و پرورش و بالیدن و تغذیه انسان و چارپایان قرار می گیرد.

درون (۱۰) نیز خوراکی دیگری است که در سفره چنین مراسم ستایشی نهاده می شود. در اوستا درَانَنگه (۱۱) درَانه (۱۲) و در پهلوی درون (۱۳) نام دارد و عبارت است از نان .. گرد و کوچکی که تهیه آن دارای آداب و تشریفات ویژه ای بوده که آن مراسم و تشریفات را «درون یشتَن» (۱۴) می نامند ..

هوم در اوستا هَئُومَه (۱۵) و در سنسکریت سومَه (۱۶) نام گیاهی مقدس بوده است که. شیره آن را با مراسم و تشریفاتی بسیار با آب و شیر آمیخته و شربت آن را

۱- Zavr.

۲- Zaothra.

۳- Zavr.

۴- Zohr.

۵- Myazda

۶- Myazd.

۷- Baresman

۸- Barsam.

۹- Barez

۱۰- . .Drun

۱۱- . .Draonangh

۱۲- . .Draona

۱۳- . .Drun

۱۴- . .Drun –Yashtam

۱۵- . Haoma

۱۶- . .Sona

پراهوم (۱) می خواندند و در مراسم دینی، مؤمنان هر یک جرعه ای می نوشیدند ..

هنگام انجام مراسم سرود خواندن و اجرای تشریفات و ستایش اهورامزدا، گیاهان خوشبو و چوب های ویژه در آتشدان نهاده می شد. کلمه «هاونی» نیز معنی بامداد را می دهد و هاون گاه یعنی بامدادان. واژه رتو (۲) / رد یعنی سرور، جمع آن ردان می شود سروران، مثلًا رد خانواده، یعنی سرور خانواده. همچنین رد معنی روحانی و موبد را هم می دهد. (۳)

واژه هایی که در اوستا به مفهوم نذر، بخشیدن و وقف است

دا

دا (۴).

دا در فرس هخامنشی مصدر است به معنی دادن، بخشیدن، بخشودن، ارزانی داشتن، ساختن، آفریدن، نهادن، گماشتن و فرونهادن، که در پهلوی داتن و در فارسی دادن شده است. دا گاهی به معنی نگهداری و پرستاری کردن، و نیز در راه خدا بخشودن هم آمده است. دا به عنوان صفت به معنی داده شده یا دهنده و بخشنده نیز دیده می شود.

از همین بنیاد است داترز، در پهلوی داتارو در فارسی دادار که به معنی بخشنده یا بخشایشگر و آفریدگار است. در برخی از جاها نیز به معنی اندیشیدن و شناختن آمده است. به طور کلی منظور نذر و وقف کردن و در راه خداوند انفاق کردن است. (۵)

مثال:

یسنا هات ۴:

بند ۱. این پندارهای نیک و گفتارهای نیک و کردارهای نیک، این هوم ها و میزدها و زورها و به رسم از روی راستی گسترده شده و گوشت خوشی دهنده، رسایی

۱- Prahum

۲- Ratu

۳- همان، ص ۱۵۷ و ۱۵۸.

۴- Da

۵- دانشنامه مزدیسنا، واژه نامه توضیحی آیین زرتشت، ص ۲۹۶.

(خرداد) و بیمرگی(امرداد) و شیر خوشی دهنده و هوم و پراهوم، هیزم و بوی را، این بهره از زندگی(دیگر سرا) و پاکی و نماز ردپسندردان و سرود گات ها و فرمان ایزدی نیک بجای آورده شده(همه اینها را) تقدیم می کنیم و نذر می کنیم.

بند ۲. افعالی که به پیشکش(تقدیم کردن و نذر کردن) ترجمه شده، اولی از مصدر دا (۱) که به معنی دادن و بخشیدن می باشد مشتق است(و مربوط است به واژه دَدِمَ هی) که مصدر به پئیری (۲) به معنی پیشکش نمودن و تقدیم کردن و در راه خدا بخشودن است ..

دومین فعل وَیدیم هی، از مصدر وَئِذ (۳) می باشد که در این جا مصدر به «آ» که پیشوند است شده و به معنی نذر کردن و وقف نمودن و در راه خدا انفاق کردن است.

(ترجمه استاد پور داوود).

در بند ۱ می بینیم برخی نام ها و فروزه ها را یاد می کند و در پایان می گوید: همه اینها را می دهیم و می بخشیم و پیشکش و نذر می کنیم. از این گفته ها چنین برمی آید سخنان این بخش را درباره نذر و نیاز کردن و به درگاه خدایا به جهان زندگی پیشکش نمودن و ارمغان فرستادن است. آنچه که در این بند یاد شده و از سوی سراینده یسنا پیشکش و نذر می شود بر دو گونه است: یکی از راه اندیشه و گفتار و کردار و برتری و بزرگی و برخی فروزه های دیگر مینوی است. جور دیگر از آنها چیزهایی است که می توان آنها را به دیگران داد و بخشید و انفاق کرد. مانند خوردنی ها و آشامیدنی ها و هوم و پراهوم و به جز آنها.

این هر دو جور نذر و نیاز کردن و بخشش و پیشکش و انفاق نمودن، بسیار بجا و درست است و هردو پسندیده و شایسته می باشند. نذر و نیاز و پیشکش و انفاق، تنها این نیست که آدم چیزی به دیگران بدهد، بلکه روی هم رفته نتیجه سودمند از خود نشان دادن و یادگارهای خوب بجا گذاشتن(الباقیات الصالحات) است. این نتیجه ها

۱- Da

۲- Pairi

۳- Vaedh

و سودها و یادگارها می تواند از راه اندیشه و گفتار و کردار نیک و اعمال صالح و کارهای خیر و راهنمایی های مینوی و کار و کوشش برای آبادی جهان و آسایش مردم آن و یا از راه داد و دهش و انفاق و خیرات و مبرّات باشد. ساختن و وقف نمودن یک مدرسه، یک بیمارستان و یا یک درمانگاه، یک پل و ... و آن را برای استفاده عموم به خداوند متعال نذر و پیشکش و تقدیم نمودن، از مصادیق همین کارهای نیکی است که در این بند به آن اشاره شده است.

تمام انبیا و اولیا و صلحا و شهدا که جانشان و عمرشان را برای خدمت به خلق خدا و در جهت ارشاد و هدایت جامعه بشری مصروف داشته اند، معلمینی که عمر خود را وقف آموزش و پرورش فرزندان مردم می کنند، دانشمندانی که تمام لحظات زندگیشان را صرف پیشرفت علم و دانش برای خدمت به بشریت می کنند و مثلًا نتیجه تحقیقاتشان باعث نجات جان میلیون ها انسان می گردد و عالمی که با نوشتن کتاب های آموزنده و ارزنده روح و روان جوانان را به سوی تکامل و انسان شدن اعتلا می دهد و بالأخره تمام کسانی که در هر شغلی با انجام وظایف خود، به نوعی خیرشان به جامعه می رسد و در گمنامی مطلق با ایثار و فداکاری ثمره کارشان خیر و صلاح جامعه و به خصوص خدمت به محرومین می باشد، در واقع همه زندگی خود را وقف و عمرشان را برای خدمت به مردم به درگاه خداوند متعال نذر و تقدیم داشته اند.

بند ۲ اینک آنها را چنین نذر می کنیم: به اهورامزدا و به سروش پاک و امشاسپندان و به فروهرهای پاکدینان و به روان های پاکدینان و به آذر اهورامزدا و به روان بزرگوار و به سراسر آفرینش پاک ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

بند ۳ اینک آنها را چنین نذر می کنیم: این پندار نیک و گفتار نیک و کردار نیک، این هوم ها و میزدها و زورها و برسم از روی راستی گسترده شده و جاندار نیک، خرداد و امرداد و شیر خوب و هوم و پراهوم و هیزم و بوی را، این بهره زندگی(دیگر سرا) و پاکی و نماز ردپسندردان و سرود گات ها و فرمان(ایزدی) نیک به جای آورده شده

(همه اینها را) تقدیم می کنیم و نذر می دهیم.

بند ۴ اینک آنها را چنین نذر می کنیم: به امشاسپندان، شهریاران نیک خوب کنش(حاکم عادل و نیکوکار) جاودان زنده، جاودان سوددهنده که در منش نیک بَسربرند و زن های آنان نیز.(همچنین زنان نیک اندیش.)

بند ۵ اینک آنها را چنین نذر می کنیم: از برای افزایش این خان و مان، و از برای فزونی این خان و مان از رمه ها و مردان پاک زاییده شده و آنانی که زاییده خواهند شد که از آن(خانه) هستند.

بند ۶ اینک آنها را چنین نذر می کنیم: به فروهرهای نیک پاکان که نیرومندان و پیروزگران و یاور پاکانند.

بند ۷ اینک آنها را چنین نذر می کنیم: به دادار اهورامزدای رایومند فرهمند، نیروی مینوی، به امشاسپندان ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

بند ۸ اینک آنها را چنین نذر می کنیم: به(فرشتگان) گاه ها، ردان پاکی، به هاوی پاک و رد پاکی ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

اینک آنها را چنین نذر می کنیم: به ساونگهی(ایزد نگهبان چارپایان) و ویسنه پاک و رد پاکی ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

بند ۹ اینک آنها را چنین نذر می کنیم: به رپیتون پاک و رد پاکی ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

اینک آنها را چنین نذر می کنیم: به فرادت فشووزنتوم پاک و ردپاکی ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

اینک آنها را چنین نذر می کنیم: به اردیبهشت و به آذر اهورامزدا ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

بند ۱۰ اینک آنها را چنین نذر می کنیم: به ازیرین پاک و رد پاکی ستایش و نیایش و خشنودی وآفرین.

اینک آنها را چنین نذر می کنیم: به فرادت ویر دخیوم پاک و رد پاکی ستایش ونیایش وخشنودی وآفرین.

اینک آنها را چنین نذر می کنیم: به سرور بزرگوار نپات اپم و آب های مزدا داده ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

بند ۱۱ اینک آنها را چنین نذر می کنیم: به اویسر و تربم ائیبی گیته پاک و رد پاکی ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

اینک آنها را چنین نذر می کنیم: به فرادت و یسپم هوجیایی و به زرتشت پاک و رد پاکی ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

اینک آنها را چنین نذر می کنیم: به فروهرهای پاکدینان و به زنان با گروه فرزندان و به یائیریه هوشتی و به اَمَ خوب ساخته شده خوب رَسته(خوب بالا) و به بهرام اهورا داده و به اوپرتات شکست دهنده ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

بند ۱۲ اینک آنها را چنین نذر می کنیم: به اشهین(سپیده دم) پاک و رد پاکی ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

اینک آنها را چنین نذر می کنیم: به برجیه و نمانیه پاک و رد پاکی ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

اینک آنها را چنین نذر می کنیم: به سروش مقدس پاداش دهنده پیروزگر جهان افزا، به رشن راست ترین، و به ارشتاد جهان افزا و بالنده(پرورانند‌ه) جهان.

بند ۱۳ اینک آنها را چنین نذر می کنیم: به(فرشتگان) ماه، ردان پاکی به اندرماه پاک و رد پاکی ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

اینک آنها را چنین نذر می کنیم: به پُرماه و ویشپتت پاک و رد پاکی ستایش و نیایش و خشنودی وآفرین.

بند ۱۴ اینک آنها را چنین نذر می کنیم: به(فرشتگان) گهنبارها، ردان پاکی به میدیوزرم پاک و رد پاکی ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

اینک آنها را چنین نذر می کنیم: به پتیه شهیم پاک و رد پاکی ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

اینک آنها را چنین نذر می کنیم: به ایاسرم پاک و رد پاکی(هنگامی که گله) فرودآینده و گوسفند نر رهاشده، ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

اینک آنها را چنین نذر می کنیم: به میدریام پاک و رد پاکی ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

اینک آنها را چنین نذر می کنیم: به همسپتم پاک و ردپاکی ستایش ونیایش و خشنودی و آفرین.

اینک آنها را چنین نذر می کنیم: به(فرشتگان) سال، ردان پاکی ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

بند ۱۵ اینک آنها را چنین نذر می کنیم: به همه این که سی وسه ردان پاکی هستند نزدیک پیرامون هاونی، آنان از بهترین اشا(راستی و پاکی) هستند که مزدا آموخته، زرتشت گفته، ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

بند ۱۶ اینک آنها را چنین نذر می کنیم: به اهورا و مهر، بزرگواران آسیب نیابندگان پاکان و به ستارگان آفریدگان خرد مقدس(سپند مینو) و به ستاره تشتر رایومند و خرهمند و به ماه در بردارنده تخمه گاو(چارپایان) و به خورشید تیز اسب، دید، اهورامزدا، به مهر دهخدای(شهریار) ممالک ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

اینک آنها را چنین نذر می کنیم:(روز) به هرمزد(روز) را یومند و خرهمند ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

اینک آنها را چنین نذر می کنیم:(ماه) به فروهرهای(فروردین ماه) پاکدینان ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

بند ۱۷ اینک آنها را چنین نذر می کنیم: به آب های نیک و به همه آب های مزدا داره و به همه گیاه های مزدا داده ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

بند ۱۸ اینک آنها را چنین نذر می کنیم: به ماراسپندپاک کارگر(ورزیده) به قانون ضدّ دیوها، به قانون زرتشتی، به سنّت کهن، به دین نیک مزدیسنا ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

بند ۱۹ اینک آنها را چنین نذر می کنیم: به کوه اوشیدرنَ مزدا داده و رفاهیت راستی بخشنده و به همه کوه های رفاهیت راستی بخشنده و بسیار رفاهیت بخشنده مزدا داده، به فرّ کیانی مزدا داده فرّ به دست نیامدنی مزدا داده ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

اینک آنها را چنین نذر می کنیم: به ارت نیک، به چیستی(علم) نیک، به رسستات نیک، به فرّ و سود مزدا داده ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

بند ۲۰ اینک آنها را چنین نذر می کنیم: به آفرین نیک پارسا و به خود(پارسا)، بن مرد پاکدین و به داموئیش اوپَمنَ ایزد چیر دلیر ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

بند ۲۱ اینک آنها را چنین نذر می کنیم: به این جاها و روستاها و چراخورها و میهن ها و آبخورها و آب ها و زمین ها و گیاه ها(رستنی ها) و این زمین و آن آسمان و باد پاک، به ستاره و ماه و خُروانیران جاودانی و به همه آفریدگان خرد مقدس(سپند مینو)، و به همه مقدسین و مقدسات که روان پاکی(تقدس) اند ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

بند ۲۲ اینک آنها را چنین نذر می کنیم: به رد بزرگوار پاکی، به ردان روز و گاه ها و ماه گهنبارها و سال که ردان پاکی هستند و در وقت هاونی(بامداد) ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

بند ۲۳ اینک آنها را چنین نذر می کنیم:(رسپی) به خشنودی سروش مقدس دلیر تن فرمان قوی سلاح اهورایی ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

اینک آنها را چنین نذر می کنیم: به خشنودی فروهر زرتشت سپنتمان پاک ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

بند ۲۴ اینک آنها را چنین نذر می کنیم: به فروهرهای چیر پیروزگر پاکدینان، به فروهرهای نخستین آموزگاران کیش، به فروهرهای نیاکان ستایش ونیایش و خشنودی و آفرین.

بند ۲۵ اینک آنها را چنین نذر می کنیم: به همه ردان پاکی ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

اینک آنها را چنین نذر می کنیم: به همه نیکی دهندگان ایزدان مینوی و جهانی که به ستایش و نیایش(برازنده) هستند، از روی بهترین راستی امشاسپندان شهریاران خوب کنش را ما می ستاییم.

بند ۲۶ «ینگهه هاتم» مزدااهورا آگاه است از آن کسی که(چه مرد و چه زن) در میان موجودات ستایش بهتر است، به حسب راستی، این چنین مرد و این چنین مرد و این چنین زنان را ما می ستاییم. (۱) همچنین در بخش ویسپرد و بخش یشت ها(هرمز یشت، بهرام یشت، زامیاد یشت، هوم یشت) نیز مطالب فراوانی در مورد نذر و نیاز می باشد که به علت محدودیت مقاله از ذکر آنها خودداری می شود.

نذر و نیاز در دوره های مختلف تاریخی

الف. دوره هخامنشیان: در این دوره از چهار نوع اراضی مزروعی و کشاورزی از نظر نوع مالکیت، یک دسته از آنها مربوط به اراضی موقوفه می باشد که درآمد آنها نذر شده بوده که به مصرف هزینه های پرستشگاه ها و آتشکده ها و روحانیون و مغ ها و موبدان می رسیده است. (۲) م. م دیاکونوف می نویسد: «قسمتی از اراضی به معابد(پرستشگاه ها و آتشکده ها) و شهرها نیز اختصاص داشت». (۳) معابد و آتشکده ها در دوره هخامنشی دارای نذورات و املاک موقوفه فراوانی بوده اند که درآمد آنها صرف هزینه ها و امور معابد و روحانیون و موبدان می گشته است و این درآمدها علاوه بر

۱- تفسیر و تألیف یسنا(جلداول) جزئی از نامه مینوی اوستا، ص ۱۳۸- ۱۴۴.
۲- تاریخ اقتصادی زندگی روستاییان و طبقات اجتماعی ایران، ص ۲۳۳ و ۲۳۴.(به نقل از: تاریخ ایران باستان، کتاب ششم، قطع جیبی، ص ۱۵۰۰. و ایران در زمان ساسانیان، کریستین سن، ص ۲۹.)
۳- ایران از آغاز تا اسلام، ص ۱۷۵.

نذورات جنسی و نقدی بوده که به معابد اهدا می گردیده است.

ب. دوره سلوکیان: در این دوره همه زمین ها به حکم فتوحات متعلق به شاه بود.

معابد نیز دارای زمین هایی بودند و هرچند ما اطلاعی از املاک آنها در ایران نداریم، از پیش باید قبول کنیم که معابد مهمی مانند معابد هگمتانه(همدان)، کنگاور یا نهاوند، می بایست دارای متصرفاتی بزرگ یا دهکده هایی باشند، این معابد ثروت های بسیار داشتند و دارای موقوفات و نذورات زیادی بودند. (۱) ج. دوره پارتیان یا اشکانیان: استرابون نوشته که روحانیون این زمان را محافظین آتشکده می گفتند و این عبارت ترجمه آثروان است که به فارسی امروزی آتشبان می شود. (۲) از عمده ترین زمین ها، املاک خالصه و وقفی بود. پرستشگاه ها همچون دوران هخامنشیان بر املاک وسیع با روستاهای فراوان و سرف های بی شمار تسلط داشته و فرمانروایی می کردند و سلوکیان و اشکانیان قلمرو آنان را محترم می شمردند. این زمین ها یا از طرف پادشاه و یا به وسیله بزرگان در هرجا به منظور جلب رؤسای موبدان به پرستشگاه ها اعطا می شد، نذر و وقف آنها می گردید.

د. دوره ساسانیان: پروفسور آرتور کریستین سن در مورد دین این دوره می نویسد: «مغان در اصل قبایل ماد یا طبقه ای از قوم مذکور بودند که ریاست روحانی دین مزدینی(غیر زرتشتی) به آنان تعلق داشته است. آن گاه که شریعت زرتشت بر نواحی غرب و جنوب ایران، یعنی ماد و پارس مستولی شد و دین باستانی را اصلاح کرد، مغان رییس دیانت جدید شدند. در کتاب اوستا نام طبقه روحانی را به همان عنوان قدیمی که داشته اند، یعنی آثروان می بینیم، اما در عهد اشکانیان و ساسانیان، معمولًا این طایفه را مغان می خوانده اند و افراد این طایفه خود را از یک ریشه می دانستند. امین مارسان می گوید: در این عهد اهل ایران مغان را از یک قبیله

۱- همان، ص ۲۶۵ و ۲۶۶.

۲- تاریخ ایران، ص ۱۷۳ و ۱۷۴.

می شناختند که تکلیفشان اجرای اعمال دینی است. (۱) رییس همه موبدان که منزلت پاپ زرتشتیان را داشت، موبدان موبد بود. اولین دفعه که ما نام چنین صاحب مقامی را می شنویم، آن جایی است که اردشیر شخصی را که ظاهراً ماهداد نام داشته، به مقام موبدان موبدی نصب کرده است. شاید این مقام پیش از اردشیر هم بوده است، لکن اهمیت آن را از وقتی بالا گرفت که دین مزدیسنی در ایران صورت رسمی یافت.

نذر و نیاز و تشریفات مذهبی که مستلزم اطلاع و تجربه مخصوص بود در معابد(آتشکده ها) به وسیله هیربدان اجرا می شد. هیربد همان است که در اوستا ائراپائیتی (۲) خوانده شده است. خوارزمی معنی لفظ هیربد را «خادم آتش» گفته است. طبری حکایت می کند که خسرو دوم آتشکده هایی بنا کرد(وقف نمود) و دوازده هزار هیربد برای «زمزمه» ادعیه و سرودن اغانی در آن آتشکده ها برگماشت. (۳) همان طور که قبلًا اشاره شد اداره امور معابد و آتشکده ها در مناطق مختلف کشور، علاوه بر نذورات و هدایای مردم احتیاج به تأمین هزینه های مربوط داشته و می بایست منابع مالی تأمین این مخارج و هزینه ها مشخص باشد. لذا از طرف پادشاهان و حکام و بزرگان، چه برای رضای خدا به عنوان انجام یک وظیفه دینی و مذهبی و چه برای جلب نظر و حمایت موبدان زرتشتی و توده مردم و تثبیت موقعیت و مقام خود، املاک فراوانی را وقف و نذر بر معابد و پرستشگاه ها و آتشکده ها کرده و معمولًا تولیت آنها را به یکی از روحانیون و موبدان برجسته واگذار می کردند.

به طور مثال می توان به متن کتیبه کعبه زرتشت واقع در نقش رستم در چند

۱- ایران در زمان ساسانیان، ص ۷۰.

۲- Aeura Paiti

۳- همان، ص ۷۴.

کیلومتری تخت جمشید اشاره کرد که در آن کریتر که از روحانیون برجسته و متنفذ دربار ساسانیان بود می گوید: «تمام این چندین آتش های وقفی و خدماتی که در این کتیبه ذکر گردیده(منظور کتیبه شاپور) حتی بیش از اینها بوده، مخصوصاً توسط شاپور شاهنشاه(با فرمان مربوطه) به این جانب واگذار گردیده. متن فرمان شاپور چنین است: و این خانه بنیادی تعلق به شما خواهد داشت و به بهترین وجهی که صلاح می دانید عمل کنید که موجب رضای خاطر خدا و خاطر ما باشد». (۱) گذشته از پولی که معابد(آتشکده ها) از خزانه مرکزی می گرفته اند و خوارزمی حساب آنها را آتش هماره دبیر به معنای حسابدار آتشکده یاد کرده است. خراج برخی دیه ها وقف برخی از معابد(آتشکده ها) بوده است که موبدان درآمد آن دیه ها را خود می گرفته و خرج می کرده اند. (۲) به طور کلی می توان گفت: در زمان ساسانیان دیوان موقوفات بر اموال وقفی نظارت داشته است. (۳) اما صدقات و اوقاف و نذر و نیازهایی که از طرف طبقات مختلف به آتشگاه ها هدیه می شد، احتیاج به دفاتر و اسناد(ثبت اسناد و املاک موقوفه و تنظیم وقفنامه ها) داشت و به سازمان های منظم روحانی. طبقه روحانی مخصوصاً در اواخر دوره ساسانی که اوج قدرت خود را در اتحاد بین دین و دولت به دست آورد، مشتمل بود بر دو دسته موبدان و هیربدان که البته دسته نخست به علت ارتباط مستمر با حکومت و عامه، بر دسته اخیر که کارش بیشتر جنبه علمی و تربیتی داشت مقدم شمرده می شد. (۴) ریچارد. ن. فرای نیز در کتاب میراث باستانی ایران می نویسد: «چنین می نماید که واگذاری یک آتشکده کاری بس پر ثواب بوده، همچنان که در میان پارسیان امروزی

۱- گزارش های باستان شناسی، ج ۴، ص ۱۸۶- ۱۹۴.

۲- ایران از آغاز تا اسلام، ص ۴۱۱ و ۴۱۲.

۳- تاریخ اجتماعی ایران، ج ۵، ص ۵۱ و ۴۴۰.

۴- تاریخ مردم ایران، ص ۴۹۰.

نیز چنین است. بسیاری از این آتشکده ها به نام نذرکننده و وقف کننده خویش نامگذاری شده بودند. شک نیست که زمین های فراوان و خواسته ها و ثروت های بی کران نذر و وقف آتشکده ها می شد ...». (۱) قبل از این که در مورد چگونگی اداره امور موقوفات و تشکیلات دیوان اوقاف در دوره ساسانیان بحث کنیم، خلاصه ای از وضعیت طبقاتی و دیوانی و سازمان های اداری این دوره را بیان می نماییم. اهمیتی که دیوان و کارکنان آن- دبیران- در حفظ و ایجاد تمرکز و وحدت داشتند، از نقشی که دیوان بعدها در دوران عباسیان در اداره امور پیدا کرد، به خوبی برمی آید.

عنوان پاره ای از صاحب منصبان اداری این عصر که در روایات اسلامی هست و البته در طی اصلاحات اداری وظایف آنها نیز مکرر عرصه تحول شده است، به هر حال تصوری از تنوع و وسعت وظایف اداری آنها را به دست می دهد. این عنوان ها از جمله شامل مشاغل؛ شهر آمار دبیر، کذک آمار دبیر، گنج آمار دبیر، داد آمار دبیر، آخور آمار دبیر، آتش آمار دبیر، روانگان دبیر؛ می شد که از این جمله دو عنوان اخیر شامل شغل متصدی آتشگاه ها و امور خیریه، و دو عنوان نخست شامل مسئول درآمدهای دولتی و سلطنتی بود. (۲) مشخص است که اداره امور نذورات و موقوفات آتشگاه ها و نظارت بر درآمد اراضی موقوفه مربوطه و هزینه آنها با متصدی آتشگاه ها بوده است.

در واقع می توان شغل مذکور را به وزیر اوقاف یا رییس سازمان اوقاف در دوران معاصر مشابه دانست.

کریستین سن هم از قول خوارزمی، دبیران دولتی را چنین می شمارد: «داد دیبهر(دبیر عدلیه)، شهر آمار دیبهر(دبیر عواید دولت شاهنشاهی)، کذک آمار دیبهر(دبیر عایدات دربار سلطنتی)، کنز آمار دیبهر(دبیر خزانه)، آخور آمار دیبهر(دبیر اسطبل شاهی)، آتش آمار دیبهر(دبیر عایدات آتشکده ها، درآمد نذورات و موقوفات

۱- میراث باستانی ایران، ص ۳۷۹.

۲- تاریخ مردم ایران، ص ۵۰۲ و ۵۰۳.

مربوطه)، روانگان دیبهر(دبیر امور خیریه). یک نفر دبیر امور عرب نیز در دربار شاهنشاه ایران بود که سمت مترجمی هم داشت و مزد و حقوق او را عرب حیره به جنس می پرداختند.

غالباً طبری کلمات وزیران و دبیران را چنان به کار می برد که گویی دو دسته از بزرگان هستند که قائم مقام یکدیگر می شده اند. برای مثال این عبارت طبری را ذکر می کنیم که گویی گاهی همه وزیران و دبیران هنگام جلوس شاهنشاه جدید تغییر و تبدیل می یافته اند. (۱) اشخاصی که همواره جزء این طبقه به حساب می آمده اند از این قرارند: وزرگ فرماذار، موبذان موبذ، اران سپاهبذ، اران دیبهربذ، و استریوش بذ. در بعضی ادوار هیربذان هیربذ(رییس کل آتشکده ها، تقریباً مشابه رئیس کل سازمان اوقاف) نیز عضو هیأت وزرا بوده و گاهی استبذ(رییس تشریفات) هم در زمره آنان قرار می گرفته است. (۲) طبقه دبیران شامل اصنافی مانند محاسبان، نویسندگان محاکم و قراردادها، مورخان، پزشکان، شعرا و منجمان می شد. خوارزمی در مفاتیح العلوم، هفت نوع خط فارسی برشمرده است که هر کدام را کمینه باید معرف یک دیوان دانست؛ داد دفیره(خطی که احکام دادگستری را با آن می نوشتند)، شهر همار دفیره(خطی که برای نوشتن حساب های شهری بوده است)، کده همار دفیره(خطی که برای نوشتن حساب های کشوری بوده است)، گنج همار دفیره(خطی که برای نوشتن حساب های خزانه بوده است)، اهر(آخور) هماره دفیره(خطی که برای نوشتن حساب های اصطبل بوده است)، آتش همار دفیره(خطی که برای نوشتن حساب های آتش و نذورات مربوطه بوده است)، روانگان دفیره(خطی که برای نوشتن حساب های اوقاف و امور خیریه بوده است). (۳)

۱- ایران در زمان ساسانیان، ص ۸۴.

۲- همان، ص ۸۴ و ۸۵.

۳- تاریخ مدارس ایران، ص ۲۷.

همچنین پطروشفسکی نیز در کتاب خود از دیوان موقوفات در زمان ساسانیان نام می برد که وظیفه آن نظارت بر نذورات واموال وقفی بوده است. (۱) با توجه به مواردی که از کتب مختلف به عنوان نمونه ذکر شد، ملاحظه می گردد که تشکیلات اداری سازمان اوقاف و امور خیریه در ایرانِ زمان ساسانی بسیار گسترده و حایز اهمیت بوده است، زیرا همان طور که اشاره شد، اولًا، از هفت دیوان دولتی، تصدی دو دیوان آن یعنی آتش آمار دبیر و روانگان دبیر مربوط به تشکیلات دیوانی نحوه اداره معابد و آتشکده ها و چگونگی درآمد و هزینه نذورات و موقوفات و همچنین امور دینی و خیریه بوده است. ثانیاً، از هفت نوع خط فارسی که در این دوره نام برده اند، دو نوع خط آن مربوط به حساب های آتشکده ها و معابد و نذورات و موقوفات بوده است. ثالثاً، علاوه بر این که دو نفر از دبیران دیوان های دولتی مربوط به امور اوقاف و نذورات آتشکده ها بوده اند. گاهی نیز متصدی شغل رییس کل آتشکده ها که در واقع رییس کل اوقاف معابد و آتشکده ها نیز بوده و مسئولیت اداره امور اراضی موقوفه متعلق به معابد و آتشکده ها و نذورات آنها و سایر امور مربوطه با او بوده(یعنی هیربدان هیربد) عضو هیأت وزرا نیز بوده است و این موارد ناشی از اهمیت و موقعیت ویژه تشکیلات اوقاف در این دوران می باشد.

از طرف دیگر همان طور که ملاحظه شد در دین زرتشت نیز با توجه به نمونه هایی که از کتاب مقدس اوستا به آنها اشاره گردید، به موضوع نذر و نیاز، چه برای اهورامزدا(خدای یکتا) و چه برای انجام مراسم مذهبی در آتشکده ها و اهدا به آن جا و یا پیشکش نمودن به همنوعان پرداخته شده است. وجود اعتقاد و انجام نذر و زیارت در مورد سایر ادیان الهی مثل مسیحیت و یهود نیز صدق می کند که خود مقاله ای مستقل را طلب می نماید.

۱- گزارش های باستان شناسی، ج ۴، ص ۳۵۲- ۳۵۷.

ص: ۲۳۳

فهرست منابع

۱. ایران از آغاز تا اسلام، گیرشمن، ترجمه دکتر محمد معین.

۲. ایران در زمان ساسانیان، کریستین سن آرتور، ترجمه رشید یاسمی.

۳. تاریخ اجتماعی ایران، مرتضی راوندی.

۴. تاریخ اقتصادی زندگی روستاییان و طبقات اجتماعی ایران، غلامرضا انصافپور.

۵. تاریخ ایران، حسن پیرنیا و عباس اقبال.

۶. تاریخ ایران باستان، کتاب ششم، قطع جیبی.

۷. تاریخ مدارس ایران، حسین سلطانزاده.

۸. تاریخ مردم ایران،.

۹. ترجمه و تفسیر گات ها سرودهای زرتشت، موبد فیروزآذرگشسب.

۱۰. ترجمه تفسیر المیزان، علامه سید محمّد حسین طباطبایی، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی.

۱۱. ترجمه گزیده ریگ ودا، قدیمی ترین سرودهای آریایی هند، دکتر سید محمدرضا جلالی نایینی(با پیشگفتار دکتر تاراچند مورخ و فیلسوف بزرگ هند).

۱۲. تفسیر و تألیف یسنا(جلد اول) جزئی از نامه مینوی اوستا، پورداوود، انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی و ایران، بمبئی از نفقه یشوتن مارکز.

۱۳. جغرافیای تاریخی ایران باستان، محمدجواد مشکور.

۱۴. دانشنامه مزدیسنا، دکتر جهانگیر اوشیدری، واژه نامه توضیحی آیین زرتشت، شرکت نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۱۵. دین قدیم ایرانی، هاشم رضی، مؤسسه انتشارات آسیا، ۱۳۴۳.

۱۶. زیارت و دیانت یا جهانگردی و سیاحت؟، دکتر حکمت اللّٰه ملاصالحی، فصلنامه وقف میراث جاویدان، شماره ۵۲، ۱۳۸۴.

۱۷. سرودهای زرتشت، اوستا، هاشم رضی، فروهر، ۱۳۶۳.

ص: ۲۳۴

۱۸. فرهنگ نام های اوستا، کتاب ا و ب، هاشم رضی.

۱۹. گاهنبار در ایران باستان، سیدحسین امیدیانی، فصلنامه وقف میراث جاویدان، شماره ۳، ۱۳۷۲.

۲۰. گزارش های باستان شناسی، جلد چهارم، حفاری و خاکبرداری و تعمیرات پاسارگاد و تخت جمشید از سال ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۸، علی سامی.

۲۱. میراث باستانی ایران، ریچارد. ن فرای، ترجمه مسعود رجب نیا.

۲۲. نیکوکاری و داد و دهش در ایران باستان، برهان ابن یوسف، فروهر.

۷. استفاده ابزاری از زیارت در مکه و مدینه

اشاره

محمدمهدی رادمند (۱)

چکیده

زیارت قبور صالحین، در بین مسلمانان در دو گروه متفاوت شکل گرفته است که عبارتند از گروه اول، شیعیان که ضمن تأکید بر امکان گفت وگو با ارواح پاک آنها، امکان شفاعت طلبی و دعای خیرخواهی از آنان را نیز میسر می دانند، گروه دوم، اهل سنت که فقط قبور را وسیله تذکر مرگ و یادآوری و عبرت گرفتن از سرنوشت گذشتگان دانسته و هرگونه شفاعت طلبی و گفت وگو با اموات و ارواح آنها را عملی عبث و مظهر شرک و حرام می پندارند. ضمن تأکید بر خطا بودن برخی از سوء استفاده های ناآگاهان و غلوکنندگان شیعه که متأسفانه باعث هجمه به فرهنگ شیعی شده است، به دلیل تأکیدی که برادران اهل سنت در دو شهر مکه و مدینه بر این مهم دارند و در واقع با استفاده ابزاری از تسلط خود بر این اماکن مقدس، از زوار نیز استفاده ابزاری نموده و با نشر جزوات و تبلیغ نزد قبور ائمه بقیع علیهم السلام، اقدام به تبلیغات فرقه ای می کنند، این نوشتار با هدف بررسی انحرافات در این زمینه به رشته تحریر درآمده است.

کلیدواژه ها: زیارت، استفاده ابزاری، اهل سنت، وهابیت، بدعت.

مقدّمه

مقوله زیارت از دیرباز در مفاهیم و گفتمان دینی بشر دارای جایگاه خاصی بوده است. با عنایت به ابهامات فراوانی که فرا روی بشر قرار داشته است و با توجه به

۱- کارشناس ارشد مدیریت.

ماهیت مفاهیم دینی که به صورت اجتناب ناپـذیری با مقوله زیارت در ارتباط می باشد، این مقوله حایز اهمیت دو چندان بوده است.

زیـارت که همـان دیـدار و ملاقـات آگاهـانه است، در خصوص انسان های مقـدس و صالحین در دو گروه قابل تقسـیم است: زیارت در زمان حیات شخص مقدس، زیارت پس از رحلت یا شهادت شخص مقدس.

در خصوص زیـارت صالحین در زمان حیات، طبق روایتی که نقل شـده است، امام رضا علیه السـلام به محول سیسـتانی فرمود: من را خوب زیارت کن، من از کنار قبر جـدم خارج می شوم و در غربت از دنیا خواهم رفت و .... (۱) درباره زیارت صالحین پس از رحلت آنهـا، طبق روایتی از حاکم نیشابوری- که خود از علمای اهل سـنت می باشـد- چنین نقل شـده است: حضـرت سلطـان الامـام ابـوالحسن علی بن موسـی الرضـا صـلواه اللّه و سـلامه علی رسـول اللّه و علی ائمه المعصومین و أبنـائهم اجمعین فرمود: یکی از سـادات و از خانـدان پیامبر صـلی الله علیه و آله(منظور امامزاده محمّـدمحروق در نیشابور) در این شـهر مـدفون است، به زیارت ایشان رویم و نیز به روضه سـلطان محمّـد در تلاجرد تشـریف برد و آن روضه مقـدس را زیارت نمود .... (۲) همچنین به نقل از امام رضا علیه السـلام آمـده است: این تربت من است، من در این جا مـدفون خواهم شد. بعد از این خداوند این محل را مکان ورود دوستان من خواهد گردانید. به خدا سوگند هر کس از دوستان من مرا در این مکان زیارت کند، یا به من سـلام کنـد، البته حق تعـالی مغفرت و رحمت خود را به شـفاعت ما اهل بیت بر او واجب می گردانـد. (۳) البته از دیدگاه دیگری زیارت به دو گونه دیگر نیز قابل تقسیم است: زیارت اماکن

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۱۷؛ بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۱۱۷.

۲- تاریخ نیشابور، ص ۲۱۱.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۵۹.

مقدس، مانند مکه و بیت المقدس؛ و زیارت قبور مقدس و مربوط به اشخاص صالح.

در این خصوص مثلًا به روایت مشهور پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود: بین خانه من و منبر من باغی از باغ های بهشت قرار دارد، یا این که فرمود: یک نماز در مسجد النبی بهتر از هزار نماز در غیر آن است، به جز مسجد الحرام(روایتی که در صحیح مسلم آمده) و یا یک نماز در مسجد النبی بهتر از هزار نماز در غیر آن است و یا یک نماز در مسجد الحرام بهتر از یکصد نماز در مسجد النبی می باشد که از عبداللَّه بن زبیر روایت شده و در مسند احمد و صحیح ابن خزیمه و صحیح ابن حبّان نقل گردیده است، در این زمینه هزاران روایت در منابع شیعی و سنی می تواند مورد استفاده قرار گیرد.

زیارت اماکن مقدس مثل زیارت مسجد الحرام یا بیت المقدس یا مسجد قبا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تأکید داشتند و به طور کلی هر مکانی که مشمول آیه شریفه «فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَن تُرْفَعَ وَ یُذْكَرَ فِیهَا اسْمُهُ ...» (۱) می باشند، یعنی اماکنی که خداوند برای برپاداشتن نام و یاد خود برگزیده است. زیارت قبور صالحین در بین مسلمانان در دو گروه متفاوت شکل گرفته است که عبارتند از:

۱. شیعیان که ضمن تأکید بر امکان گفت وگو با ارواح پاک آنها، امکان شفاعت طلبی و دعای خیرخواهی از آنان را هم میسر می دانند و حتی گاهی بی اعتنایی به قبور بزرگان و والدین خود را موجب عاق والدین شدن و خشم ارواح آنها می دانند.

۲. اهل سنت که فقط قبور را وسیله تذکر مرگ و یادآوری و عبرت گرفتن از سرنوشت گذشتگان می دانند و هرگونه شفاعت طلبی و گفت وگو با اموات و ارواح آنها را اولًا عملی عبث و بیهوده می دانند و ثانیاً آن را مظهر شرک و بی توجهی به خداوند قلمداد می کنند.

ضمن تأکید بر خطا بودن برخی از سوء استفاده های ناآگاهان و غافلان جوامع شیعی از مقوله زیارت و حتی غلو کنندگان که متأسفانه باعث تهاجم به فرهنگ دینی

۱- سوره نور، آیه ۳۶.

و شیعی شده اند، به دلیل تأکیدی که برادران اهل سنت در دو شهر مدینه و مکه بر این مهم دارند و در واقع با استفاده ابزاری از تسلط خود بر این اماکن مقدس از زوار هم استفاده ابزاری می کنند و با نشر جزوات و تبلیغ بر سر قبور ائمه بقیع علیهم السلام اقدام به تبلیغات فرقه ای می کنند، این نوشتار در این راستا نوشته شده است.

بدیهی است آسیب شناسی مقوله زیارت در داخل جوامع شیعی و بهره برداری ها و خواستگاه های سیاسی و حضور سیاستمداران و قدرتمندان در طول تاریخ برای بهره برداری ابزاری از زیارت و زوار باید در نوشتار مستقلی مورد بحث قرار گیرد.

آفات عمومی زیارت

قبل از ورود به بحث از باب منافعی که تذکر دادن برای مؤمنین در بر دارد، لازم است آفات عمومی یک زیارت را مورد اشاره قرار دهیم. اهم عناوین این آفات عبارتند از:

۱. تظاهر و ریاکاری در زیارت.

۲. غرور و تکبر به خاطر توفیق یافتن برای زیارت.

۳. عدم ایمان به خالق هستی.

۴. عدم انجام کارهای نیک و پسندیده و احساس کفایت کردن زیارت از انجام واجبات یا سایر کارهای نیک.

۵. شرک به خداوند در حین زیارت.

۶. توبه نکردن از گناهان در قبل و حین زیارت در پیشگاه خداوند.

۷. بدون توجه و علم به زیارت پرداختن(زیارت کور کورانه).

۸. عدم اسرار و پافشاری در دعاهایی که در هنگام زیارت از خداوند خواسته می شود.

۹. بی توجهی به گناهانی که زایر قبلًا انجام داده است و اقرار نکردن به آنها برای طلب بخشش از خداوند.

۱۰. عـدم انتفـاع و قطع امیـد از همه چیز به جز خداونـد باری تعالی در هنگام زیارت و نخوانـدن دعاهای وارد شـده در هنگام زیارت.

ارکان زیارت

همان گونه که در تعریف زیارت مشاهده شد، بهره برداری و انتفاع از مقوله زیارت، اعم از استفاده صحیح یا استفاده ابزاری از آن در سه جنبه کلی قابل مطالعه و بررسی می باشد:

۱. استفاده از زیارت شونده(مکان زیارتی).

۲. استفاده از زایر(زیارت کننده).

۳. استفاده از تجهیزات و لوازم زیارت.

در هر نـوع مکـان زیـارتی، اعم از مبـارک بودن مکـان زیـارتی به صورت مطلق(مثـل مکه مکرمه که قرآن آن را مبـارک می خوانـد) یا به علت وجود مزار یکی از اولیای خـدا و بنـدگان صالـح خداونـد(مثل قبور ائمه اطهار) خود به خود دارای مزایایی هستند که البته در اسلام استفاده بهینه از آنها مورد تأکید قرار گرفته است.

مثلًا مبـارک بودن کعبه فی نفسه برای همگـان اثرات خـاص خود را دارد. یـا وجود پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله در زمـان حیات که ایشان به تنهایی و فی نفسه مبارک است، چرا که خداوند می فرماید: «لَآ أُقْسِمُ بِهذَا الْبَلَدِ وَ أَنتَ حِلُ م بِهذَا الْبَلَدِ» (۱)

یا در مورد حضـرت عیسـی علیه السلام که می فرماید: خداوند مرا مبارک قرار داد .... در این موارد، منافع مکان زیارتی بدون اراده بشر دارای ثمرات و برکاتی است که هر مجاوری را بهره مند می سازد.

نکته دوم در مـورد زایر است که آن نیز وجـود زیـارت کننـدگان به خودی خود دارای برکـات و ثمراتی است که مورد توجه قرآن مجید هم قرار دارد. زمانی که ابراهیم علیه السلام خانواده اش را در کنار کعبه مستقر می کند در دعایی می فرماید: «رَّبَّنَآ إِنّی أَسْکَنتُ مِن

۱- سوره بلد، آیات ۱ و ۲.

ذُرِّيَّتِى بِوَادٍ غَيْرِ ذِى زَرْعٍ عِنـدَ بَيْتِـكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُواْ الصَّلَوهَ فَاجْعَلْ أَفِـدَهً مِّنَ النَّاسِ تَهْوِى إِلَيْهِمْ وَ ارْزُقْهُم مِّنَ الثَّمَرَ تِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ»؛ (۱)

خداوندا من فرزندانم را در سرزمین غیر قابل کشاورزی نزدیک خانه کعبه سکونت دادم تا نماز را بپا دارند، پس قلوب مردم را به آنها مهربان گردان و به آنها روزی برسان تا شکرگزار تو باشند.

ملاحظه می شود استفاده صحیح زایر از محل زیارت در این آیه شریفه مورد اشاره قرار گرفته است و دعا برای بهره مند شدن آنها از نعمت های الهی و داشتن ارتباط حسنه و دوستانه با مردم محل زیارتی، از جمله دعاهایی است که حضرت ابراهیم علیه السلام از خداوند خواسته است.

نکته سوم استفاده از تجهیزات و لوازم زیارت است. در مطالعه تاریخ کعبه با دو موضوع مهم مواجه می شویم که در قرآن مجید نیز مورد اشاره قرار گرفته اند:

۱. پرده برداری کعبه؛ ۲. آب دادن به حاجیان. علاوه بر این دو مقوله حایز اهمیت، در خصوص انجام برخی مناسک خاص- اعمال دینی ویژه- در قربانگاه، عرفات، مشعر الحرام و حتی پوشیدن لباس خاص در اماکن مقدس(لباس احرام) و ... از جمله مسایلی است که در حاشیه زیارت اماکن مقدس می تواند مورد توجه قرار گیرد.

تعریف استفاده ابزاری از زیارت

هرگونه استفاده درست از این سه عنصر اساسی در مقوله زیارت که مطابق با قانون خدا «قرآن مجید» و شیوه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله «سنت» باشد، همانا استفاده شرعی از زیارت قلمداد می شود. و هرگونه استفاده نادرست از ارکان و عناصر زیارت، به گونه ای که موجبات ایجاد منافع خاص برای بهره بردار گردد را استفاده ابزاری از زیارت می نامند.

با این تعریف می توان انحراف های ایجاد شده در مقوله زیارت را در بین جوامع

۱- سوره ابراهیم، آیه ۳۷.

اسلامی، به ویژه در دو گروه شیعیان و اهل سنت مورد تحقیق و بررسی قرار داد.

در جوامع شیعی، به دلیل شبهاتی که سایرین ایجاد کرده اند و نیز به دلیل خصلت اسطوره سازی و اسطوره پرستی که در ایران باستان وجود داشته است، این اغراق ها مشهودتر است.

نمونه های استفاده ابزاری از زیارت در جوامع شیعی

هر چند این نوشتار با هدف بررسی انحرافات در عربستان سعودی تنظیم شده است، اما به عنوان نیم نگاهی گذرا به این پدیده به صورت تیتر وار به برخی از آنها به دلیل لزوم رعایت اعتدال در کارهای پژوهشی اشاره می شود.

۱. استفاده کردن از اماکن زیارتی به عنوان وسیله تجاری، مثل فروش قبور و غرفه های تجاری حاشیه اماکن با قیمت های گزاف.

۲. استفاده کردن از اماکن زیارتی به عنوان وسیله ای برای جمع آوری پول و هدایا که اخیراً توسط یکی از مراجع در خصوص محراب مسجد جمکران با قاطعیت برخورد شد.

۳. تأکید و تبلیغ بر برخی خواب های دیده شده و مبنای اعتقادی بعضی از زایران را با خواب ها تدوین کردن و به تدریج اصول را فراموش نمودن.

۴. جلوگیری نکردن از سجده ناآگاهان در آستانه اماکن مبارکه و تعظیم برخی زایران به قبور که موجبات هتک حرمت شیعه را فراهم کرده است.

۵. ترویج حالت حاجت خواهی از قبور متبرکه که آفت اتهام به شرک را در بعضی از فرق اسلامی به شیعه به همراه داشته است.

۶. تکیه به زینت و زیور دادن قبور و آینه کاری های طلا‌ـگونه، به نحوی که معنویت فدای تجملات در اماکن متبرکه شده است.

۷. تبلیغ و ترویج روایات ساختگی و فاقد سند معتبر درباره اماکن متبرکه و ثواب زیارت و ... که موجبات تزلزل اعتقادی عده ای را فراهم آورده است.

۸. تشـکیل گروه هایی از انسان های کاسب تحت عنوان روضه خوان حرم یا مـداح حرم که اغلب در حد زمزمه و تحت عنوان نذر، روضه ... می باشد و سوق دادن مردم برای نذر پرداخت وجه به آنها در این اماکن.

۹. نگـاه وسـیله ای به اماکن متبرکه با همان نگاه «هـدف وسـیله را توجیه می کنـد» برای جلب مردم، که البته اثرات تخریبی به همراه داشته است.

۱۰. اسـتناد و هدایت زایران به احادیثی که بعضاً فاقد سند معتبر در منابع اسلامی هستند و این امر موجبات سوء استفاده فرصت طلبان را فراهم آورده است.

۱۱. در جوامع شـیعی سوء اسـتفاده از کتاب های دعا که به عنوان جزئی از زیارت مطرح هستند هم رایج است. چاپ زیارتنامه های خاص با رنگ های متنوع و اسامی گوناگون و ثبت حقوق معنوی آنها به نام اشـخاص و حق نشـر گرفتن ها و ... از جمله استفاده های ابزاری از زیارت می باشد که باید درباره اصلاح آن اقدام کرد.

مثل اقدام مثبتی که در حرم امام رضا علیه السـلام انجام شد و زیارتنامه های متحدالشـکل مسـتند و از طریق خود آستانه، بدون هدف مادی چاپ می گردد.

جایگاه سنت در زیارت

اشاره

قبل از ورود به این بحث لازم است به دو نکته اساسی توجه شود:

۱. بـا عنـایت به اقتـدار گروه وهابی ها در عربسـتان سـعودی، فقط رفتار و کردار آنها را در مقوله زیارت مورد مطالعه قرار می دهیم و سایر گروه های اهل سنت در این نوشتار مورد مطالعه قرار نگرفته اند.

۲. هرگونه اطلاعات مورد اسـتفاده در این بخش، از منابع اهل سنت است که خود منتشر کرده اند و صحت سندهای مربوطه به عهده مروجان این افکار در جامعه، به ویژه کتب منتشر شده در بین حجاج به زبان های مختلف می باشد.

با توجه به این دو مقوله لازم است دو نکته اساسی را در مباحث دو طرفه با برادران اهل سنت مورد بررسی قرار گیرد.

الف) تکیه بر قرآن به عنوان محور اساسی و اصلی مشترک بین مسلمانان، اقدامی پسندیده و صحیح است و آنچه بر مبنای قرآن باشد، توسط هیچ یک از مسلمانان قابل انکار نیست. البته باید موضوع ناسخ و منسوخ بودن برخی آیات را با شفافیت مورد کنکاش قرار داد و سپس استنباط فقهی به عمل آورد.

ب) تکیه به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله در بین شیعه و سنی، مطلوب و مورد تأکید است. برای روشن شدن مطلب، عین نوشته علامه عبدالعزیز بن عبداللّه بن باز در کتاب وجوب عمل به سنت رسول اللّه و کفر کسی که آن را انکار کند، چاپ دار القاسم للنشر را نقل و بررسی می کنیم:

سخن علامه بن باز درباره سنت پیامبر صلی الله علیه و آله

«چگونه خداوند بیان قرآن نازل شده را به رسول اللّه صلی الله علیه و سلم واگذار می کند، اگر سنت وجود نداشته باشد، یا این که حجت و ثابت نباشد!

مثال این آیه سوره نور می باشد که باری تعالی می فرماید: «قُلْ أَطِيعُواْ اللَّهَ وَ أَطِيعُواْ الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْاْ فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَ عَلَيْكُم مَّا حُمِّلْتُمْ وَ إِن تُطِيعُوهُ تهْتَدُواْ وَ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَغُ الْمُبِينُ»؛ (۱)

ای رسول خدا بگو: از خدا و رسول خدا اطاعت کنید، اگر به فرمان آنها پشت کردید، و از دستورات روی گردانی نمودید، و راه نفاق را در پیش گرفتید، و فرمان پیامبر خدا را اجرا نکردید، بدانید که وظیفه پیامبر فقط تبلیغ وحی و رسالت است، و او وظیفه خود را انجام داد و رسالت خود را تبلیغ نمود، و وظیفه شما است که از او اطاعت کنید و در آن مخلص باشید، اما شما عقب نشینی کردید و وظیفه خود را انجام ندادید، اگر از پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمانداری می کردید به راه راست می رسیدید، وظیفه پیامبر صلی الله علیه و سلم فقط بیان واضح و آشکار است، اگر شما روی گردانی کنید وی مسئول ایمان نیاوردن شما نیست.

۱- سوره نور، آیه ۵۴.

و همچنین در همان سوره می فرماید: «وَ أَقِيمُواْ الصَّلَوةَ وَءَاتُواْ الزَّكَوةَ وَ أَطِيعُواْ الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ». (۱)

در این آیات دلیل واضحی است که هدایت و رحمت در إتباع و پیروی از رسول اللّه صلی الله علیه و سلم می باشد. و این چگونه ممکن است با عمل نکردن به سنت او؟ یا این که گفته شود سنت او صحیح نیست! و یا گفته شود نمی توان بر آن سنت اعتماد کرد!

و باری تعالی در سوره نور می فرماید: «فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ ی أَن تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»؛ (۲)

کسانی که با أمر رسول خدا مخالفت می کنند باید بترسند از این که مبادا دچار فتنه و مصیبتی شوند، یا این که عذابی دردناک در دنیا یا آخرت به سبب نافرمانی به آنها برسد.

و خداوند متعال در سوره حشر می فرماید: «وَ مَآ ءَاتَلكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَلكُمْ عَنْهُ فَانتَهُواْ»؛ (۳)

(در این جا یک قاعده مهم مقرر داشته و آن تبعیت رهبر مسلمین از نصوص شریعت) که هر چه پیامبر به شما داد آن را بگیرید، و هر چه پیامبر شما را از آن منع کرد از آن دور شوید.

آیات در این موضوع بسیار است و همه آنها بر وجوب اطاعت رسول اللّه صلی الله علیه و سلم و بر پیروی از آنچه او آورده دلالت می کنند، چنان که قبلًا دلیل وجوب إتباع کتاب خدا و تمسک به آن طاعت و أوامر و نواهی ذکر کردیم، و این دو اصل و اساس ملازم و وابسته به هم هستند و از هم جدا شدنی نیستند، هر کس یکی از آن دو را انکار کند، مانند این که دیگری را انکار و دروغ دانسته، و این به إجماع اهل علم و ایمان کفر و ضلالت و گمراهی و خروج از دایره اسلام می باشد.

احادیث در وجوب اطاعت رسول خدا صلی الله علیه و سلم و اتّباع و پیروی از آنچه آورده و تحریم معصیت او به طور متواتر وارد شده است؛ آن هم در حق کسی که در زمان او بوده و

۱- سوره نور، آیه ۵۶.

۲- سوره نور، آیه ۶۳.

۳- سوره حشر، آیه ۷.

بعد از او تا روز قیامت خواهد آمد.

از جمله این احادیث، حدیثی است که در صحیحین از أبی هریره رضی الله عنه ثابت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند:

«من أطاعنی فقد أطاع اللّٰه و من عصانی فقد عصی اللّٰه»؛

کسی که از من اطاعت کند، مانند این که از خدا اطاعت کرده، و کسی که از من نافرمانی کند، مانند این که خدا را معصیت و نافرمانی کرده است.

و در صحیح بخاری نیز از أبی هریره روایت است که رسول اللّٰه صلی الله علیه و سلم فرمودند:

«کل امتی یدخلون الجنه إلا من أبی قیل یا رسول اللّٰه و من یأبی قال: من أطاعنی دخل الجنه و من عصانی فقد أبی»؛

همه امت من داخل بهشت خواهند شد، مگر کسی که خود از دخول از آن امتناع ورزد، گفته شد: ای رسول اللّٰه چه کسی است که از دخول آن امتناع می ورزد؟

فرمود: کسی که از من اطاعت کند داخل بهشت خواهد شد، و کسی که از من نافرمانی کند او همان کسی است که خود از دخول آن امتناع ورزیده است.

أحمد و أبوداود و حاکم با إسناد صحیح از مقدام بن معدی کرب از رسول اللّٰه صلی الله علیه و سلم روایت می کنند که فرمودند:

«ألا إنّی أوتیت الکتاب و مثله معه، ألا یوشک رجل شبعان علی أریکته یقول علیکم بهذا القرآن فما وجدتم فیه من حلال فأحلّوه و ما وجدتم من حرام فحرّموه»؛

همانا به من قرآن و مثل و مانند آن قرآن (۱)، داده شده است، همانا به زودی مردی سیر خورده و تکیه زده بر متکا و بالشت خود که بگوید: بر شماست که فقط پیرو قرآن باشید، و هر چه در آن از حلال یافتید پس آن را حلال بدانید، و آنچه در آن از حرام یافتید آن را حرام بدانید. (۲) أبوداود و ابن ماجه با سند صحیح از ابن أبی رافع و او از پدرش روایت کرده که رسول اللّٰه صلی الله علیه و سلم فرمودند:

«لا ألفین أحدکم متکئا علی أریکته یأتیه الأمر من أمری مما أمرت به أو نهیت عنه فیقول لا ندری، ما وجدنا فی کتاب اللّٰه اتبعناه»؛

نبینم که یکی از شما بر بالشت خود تکیه زده و امری از اوامری که من به آن امر کرده ام و یا از آن نهی کرده ام بر او آید

۱- یعنی حدیث رسول اللَّه صلی الله علیه و آله و سلم.

۲- یعنی حدیث و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را قبول نکنید.

و او گوید نمی دانم! فقط آنچه در کتاب خدا پیدا کردیم قبول خواهیم کرد.

از حسن بن جابر رواست است که گفت: شنیدم از مقدام ابن معدی کرب رضی الله عنه که می گوید: «حرم رسول اللّٰه یوم خیبر أشیاء ثم قال یوشک أحدکم أن یکذبنی و هو متکی یحدث بحدیثی فیقول بیننا و بینکم کتاب اللّٰه فما وجدنا فیه من حلال استحللناه، و ما وجدنا فیه من حرام حرمناه، ألا إن ما حرم رسول اللّٰه مثل ما حرم اللّٰه»؛ رسول اللّٰه صلی الله علیه و سلم روز غزوه خیبر چیزهایی را حرام کرده، سپس فرمود: پیدا می شود یکی از شما که مرا تکذیب کند در حالی که بر بالشت خود تکیه زده و از سخنان من صحبت می کند، سپس می گوید: بین ما و شما کتاب خدا است، هر چه در آن حلال یافتیم، آن را حلال می دانیم، و آنچه در آن حرام یافتیم آن را حرام می دانیم، بدانید که همانا آنچه رسول اللّٰه حرام کرده مانند آن چیزی است که خدای تعالی آن را حرام فرموده است.

و أحادیثی به طور متواتر از رسول اللّٰه صلی الله علیه و سلم ثابت است که در خطبه خود وصیت می فرمود: حاضرین به غایبین ابلاغ کنند، و می فرمود: ممکن است کسی که به او ابلاغ شده برداشت بیشتر و دقت و توجه بهتری از شنونده داشته باشد.

از آن أحادیث متواتر: حدیثی در صحیحین است که رسول اللّٰه صلی الله علیه و سلم در حجه الوداع در خطبه خود در روز عرفه و روز عید قربان برای مردم چنین فرمود: افراد حاضر به افراد غایب برسانند، زیرا ممکن است کسی که به او ابلاغ شود دقت و توجه بهتری از شنونده داشته باشد.

پس اگر سنت او بر شنوندگان و ابلاغ شدگان حجت نبود، و اگر سنت او تا روز قیامت باقی نمی ماند، به آنها دستور تبلیغ داده نمی شد.

پس معلوم می شود که دلیل بودن و حجت بودن سنت او همچنان پا بر جاست، بر شنونده ای که از زبان رسول اللّٰه صلی الله علیه و سلم شنیده، و بر کسی که برای او با اسانید صحیحه نقل شده است.

اصحاب و یاران پیامبر صلی الله علیه و سلم سنت قولی و فعلی او را حفظ کرده اند و همچنین

تابعین، سپس تابعین آن را ابلاغ کرده اند به نسل بعدی خود، و همچنین علما و دانشمندان ثقه که گفتار آنان مورد اعتماد می باشد، نسل بعد از نسل، و قرن بعد از قرن نقل کرده اند.

آن را در کتاب های خود جمع آوری و بیان کرده اند و صحیح و ضعیف آن را بیان کرده اند. برای شناخت صحیح و ضعیف قوانین و ضوابط معینی بین خود قرار داده اند، تا به وسیله این قوانین، صحیح و ضعیف احادیث شناخته شوند.

علما و دانشمندان، کتاب های سنت أعم از صحیح بخاری و مسلم و کتاب های دیگر را به خوبی و به طور کامل حفظ کرده اند، همچنان که خداوند کتاب خودش(قرآن) را طبق وعده اش از بازیچه قرار گرفتن، و الحاد، و کفر کافران، و تحریف و تغییر یاوه گویان حفظ نموده است، چنان که می فرماید: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنا الذِّکْرَ وَ إِنَّا لَهُ و لَحفِظُونَ»؛ (۱)

ما قرآن را نازل کردیم و ما حافظ و نگهدارنده آن هستیم.

جای هیچ شک و تردیدی نیست که سنت رسول اللّه صلی الله علیه و سلم وحی نازل شده است و خداوند آن را حفظ فرموده، چنان که کتاب خود قرآن را حفظ نموده، و باری تعالی برای آن سنت علمایی نقاد و جدا کننده خوب از بد برانگیخته که تحریف و تغییر و تبدیل باطل اندیشان و یاوه گویان، تعبیر و تفسیر جاهلان را از آن دور می کنند و هر آنچه را که دروغگویان و نادانان و ملحدان به آن چسبانیده اند دور می کنند، زیرا باری تعالی آن را تفسیری برای قرآن کتاب خود و بیان آنچه مبهم و مشکل است از احکام قرار داده، و ضمن آن احکام دیگری است که نص آن در قرآن وارد نشده، مانند تفصیل و شرح احکام دوران شیرخوارگی بچه ها و بعضی از احکام میراث، و تحریم جمع بین زن و عمه او و بین زن و خاله او و غیر از این از احکام که در سنت صحیح رسول اللّه صلی الله علیه و سلم وارد شده و در قرآن از آن ذکری نیست.

ذکر بعضی از آنچه از صحابه و تابعین و اهل علم و دانش در تعظیم سنت

۱- سوره حجر، آیه ۹.

رسول اللَّه صـلی الله علیه و سلم و وجوب عمل به آن وارد شده، در صحیحین از أبوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: وقتی رسول اللَّه صـلی الله علیه و سـلم دنیا را وداع گفتند، بعضـی از عرب کافر شدند، أبوبکر رضی الله عنه گفت: به خدا قسم که جنـگ خواهم کرد بـا کسـی که بین نمـاز و زکات فرق گـذارد، پس عمر بن الخطاب رضـی الله عنه به او گفت: چگونه با آنان جنگ می کنی در حالی که رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم فرمودند:

«أمرت أن أقاتل الناس حتی یقولوا لا إله إلا اللَّه فإذا قالوها عصموا منّی دماءهم و أموالهم إلا بحقها».

متفق علیه

مأمور شـده ام با مردم بجنگم تا این که بگوینـد: لا إله إلا اللَّه: معبود به حقی به جز خـدای یکتا نیست، پس اگر آن را گفتند، خون، و جان، و اموال آنها، به جز به حق آن (۱) از من حفظ می شود.

أبوبکر صدیق رضی الله عنه گفت: آیا زکات از حق آن نیست؟ به خدا قسم اگر گردنبند شتری که به رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم می دادنـد از من منع کننـد به خـاطر منع آن، با آنان جنگ خواهم کرد، عمر رضـی الله عنه گفت: در نتیجه دانسـتم که خداوند سینه و قلب أبوبکر را برای جنگ روشن کرده و دانستم که او بر حق است.

و صـحابه رضـی اللَّه عنهم رأی و مشورت أبوبکر رضی الله عنه برای قتال اهل ردت را قبول کردند و با او به جنگ پرداختند تا این که آنـان را به اسـلام برگرداننـد، و کسـی که بر آن اصـرار کرد او را کشـتند. و این قصه برای تعظیم و بزرگـداشت سـنت رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم و وجوب عمل به آن واضح ترین دلیل است.

مـادر بزرگی به سـوی أبوبکر آمـد و از میراث خود سؤال کرد، أبوبکر رضـی الله عنه به او جواب داد که در کتـاب خـدا حقی برای تو در این بـاره وارد نشـده، و نمی دانم که رسول اللَّه صـلی الله علیه و سـلم در این مسأله قضاوتی کرده باشـد، و از مردم سؤال خواهم کرد، سـپس از صـحابه رضـی اللَّه عنهم سؤال کرد و بعضی از آنها شهادت دادند که رسول اکرم صلی الله علیه و سلم مادر بزرگ را سهم یک ششم داده، پس أبوبکر رضی الله عنه به آن قول قضاوت کرد.

۱- یعنی به جز این که کارهایی انجام دهند و آن کار موجب شود با آنها به جنگ بپردازم.

عمر رضـی الله عنه عاملان خود را وصیت می کرد که بین مردم با کتاب خـدا قضاوت و حکم کننـد، و اگر در کتاب خدا آن حکم را نیافتند به سـنت رسول اللَّه صـلی الله علیه و سلم رجوع کنند، و وقتی درباره سقط جنین که در شکم مادر مرده است به سبب تعدی و ظلم به او اشـکال پیدا کرد، از صـحابه رضی اللَّه عنهم سؤال کرد، پس محمّد بن مسلمه و المغیره بن شعبه رضی اللَّه عنهما نزد او شهادت دادند که رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم در باره این به آزاد کردن کنیزی و یا برده ای قضاوت کرده، پس عمر رضی الله عنه به آن حکم قضاوت کرد.

و وقـتی عثمـان رضـی الله عنه حکم عزاداری زنی که شوهرش فوت کرده را نمی دانست کجـا بایـد عزادار باشـد، فریعه دخـتر مالك بن سـنان خواهر أبو سـعید الخدری رضـی اللَّه عنهما به او خبر داد که رسول اللَّه صـلی الله علیه و سـلم به او امر فرمودند بعـد از وفـات شوهرش در خـانه اش عزاداری کنـد تـا این که حـداد و عزای او تمـام گردد، پس عثمان رضـی الله عنه به همان حکم قضاوت کرد.

همچنین در اجرای حد و عقوبت و مجازات و شـلاق زدن بر شـراب خواری ولید بن عقبه به سـنت پیامبر صـلی الله علیه و سـلم قضاوت کرد.

وقتی به علی علیه السـلام خبر رسـید که عثمان رضـی الله عنه از حـج تمتع منع می کنـد، علی علیه السـلام حج تمتع انجام داد- یعنی به حج و عمره با هم لبیك گفت- و فرمود: سـنت رسول اللَّه صـلی الله علیه و سلم را به خاطر قول و سخن یك نفر ترك نمی کنم.

وقتی بعضـی از مردم بر عبـداللَّه بن عباس رضـی اللَّه عنهما در مورد حـج تمتع اعتراض کردنـد و گفتنـد: أبوبکر و عمر به حج إفراد تشویق کرده و آن را مقدم می دانسـتند، عبداللَّه بن عباس رضـی اللَّه عنهما گفت: می ترسم که سنگ هایی از آسمان بر شما پرتاب شود، می گویم رسول اللَّه صـلی الله علیه و سلم چنین فرمود، و شما می گویید أبوبکر و عمر رضی اللَّه عنهما چنین گفتند!

پس کسـی که به خاطر قول أبوبکر و عمر با سـنت مخالفت نماید بیم آن می رود که دچار عذاب شود، پس حال کسـی که به خاطر قول غیر أبوبکر و عمر رضی اللَّه عنهما

مجرد به رأی و اجتهاد خود با سنت مخالفت می کنند چه خواهد شد؟

و وقتی بعضـی از مردم با عبداللَّه بن عمر بن الخطاب رضـی اللَّه عنهما در مورد سـنت ها اختلاف کردند، عبداللَّه رضی الله عنه گفت: آیا ما مأموریم که تابع عمر باشیم؟

مردی به عمران بن حصـین رضـی اللَّه عنهما گفت: ما را از کتاب خـدا قرآن سـخن بگو، و او داشت سـخن از سـنت و حدیث رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم می آورد، عصبانی شد و گفت:

سنت بیـان کننـده و تفسـیر کننـده کتـاب خـداست، اگر سـنت نبود نمی دانستیم که نمـاز ظهر چهار رکعت است و مغرب سـه رکعت است، و صبح دو رکعت است، و تفصیل و شرح احکام زکات و غیر اینها که در سنت است نمی دانستیم.

اخبار بسیاری از صحابه رضی اللَّه عنهم در تعظیم شأن سنت و وجوب عمل به آن و تحذیر از مخالفت به آن وارد شده است.

همچنین عبـداللَّه بن عمر رضـی اللَّه عنهما وقتی روایت کردند که رسول اللَّه صـلی الله علیه و سـلم فرمودند: «لا تمنعوا إماء اللَّه مساجد اللَّه». متفق علیه. کنیزان خدا (۱) را از رفتن به مساجد منع مکنید. بعضی از پسران او گفتند: به خدا قسم که آنان را منع می کنیم، پس بر آنها عصبانی شد و به آنان بدی گفت، و گفت: می گویم رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم فرمود و می گویید به خدا قسم آنان را منع می کنیم!

و وقتی عبـداللَّه بـن المغفـل المزنی رضـی الله عنـه(و او از صـحابه رسـول اللَّه صـلی الله علیـه و سـلم می باشـد) دیـد یکی از نزدیکانش سنگریزه را بر یکدیگر پرتاب می کنند، از آن عمل منع کرد و به او گفت: رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم از پرتاب کردن سـنگریزه و ریگ نهی فرمود و فرمود: این سـنگریزه ها چیزی را صـید نمی کند، و دشمنی را شکست نمی دهد، و او را باز نمی دارد، ولیکن دندانی را می شـکند، و چشـمی را بیرون می آورد و کور می کند، سـپس او را در وقت دیگری دید که همان کار را انجام می دهد، گفت: به خدا قسم که تا أبد با تو سخن نمی گویم، از رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم تو را با خبر می کنم که از آن نهی فرمود، سپس

۱- یعنی زنان مسلمان.

دوباره آن را انجام می دهی؟

امام بیهقی در کتاب خود سنن الکبری از أیوب السختیانی تابعی جلیل روایت می کند که گفت: اگر سنت رسول را برای مردمی به سخن و گفتار آوردی و او گفت: ما را از این واگذار و از قرآن سخن بگو، بدان که آن شخص گمراه است.

و امام اوزاعی رحمت اللَّه علیه گوید: سنت حکم کننده و شرح دهنده کتاب خدا است و مطلق های کتاب را مقید می کند و یا به احکامی که در قرآن ذکر نشده می پردازد.

چنانکه باری تعالی می فرماید: «وَ أَنزَلْنَآ إِلَیْکَ الذِّکْرَ لِتُبَیِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَیْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ یَتَفَکَّرُونَ» (۱). (۲)

قبلًا گفتار رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم را ذکر کردیم که فرمود: «ألا إنی اوتیت الکتاب و مثله معه».

راجع شود به ص ۱۷ همانا به من قرآن و مانند آن داده شده است.

امام بیهقی از عامر الشعبی رحمت اللَّه علیه روایت می کند که به بعضی از مردم گفت: «إنما هلکتم فی حین ترکتم الآثار». البیهقی. به راستی شما هلاک شدید و از بین رفتید، وقتی اثر و سنت صحیح رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم را ترک کردید.

امام بیهقی رحمه الله از امام اوزاعی رحمت اللَّه علیه روایت می کند که به بعضی از دوستان و یاران خود گفت: اگر از رسول اکرم صلی الله علیه و سلم حدیث و سنتی به تو رسید، مبادا به غیر از آن سخن بگویی، زیرا رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم ابلاغ کننده ای از جانب باری تعالی بود.

و إمام بیهقی از إمام سفیان بن سعید الثوری رحمه اللَّه روایت می کند که گفت: همانا همه علم و دانش علم به سنت و آثار رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم می باشد.

و إمام مالک رحمت اللَّه علیه به طرف قبر رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم رو کرد و فرمود: سخن و گفتار همه ما قابل رد است، مگر سخن و گفتار صاحب این قبر که قابل رد نیست. (۳)

۱- سوره نحل، آیه ۴۴.

۲- در تفسیر آن راجع شود به ص ۱۲ همین کتاب(وجوب عمل به سنت ...).

۳- یعنی قول صحیح او واجب القبول است.

و إمام أبوحنیفه رحمه اللَّه گوید: اگر حدیث و سنتی از رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم آمد، آن را بر سر و چشم می گذاریم.

و إمام شافعی رحمه اللَّه گوید: هر گاه از رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم حدیث صحیحی روایت کردم و آن را نگرفتم و عمل نکردم، شما را گواه می دانم که عقلم را از دست داده ام.

و همچنین می گوید: اگر سخن و گفتاری گفتم و حدیث رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم بر خلاف گفتار من بود، پس قول و گفتار مرا به دیوار بزنید.

و إمام أحمد بن حنبل رحمه اللَّه به بعضی از یاران خود گفت: مرا تقلید مکنید، و إمام مالك را تقلید مکنید، و إمام شافعی را تقلید مکنید، و بگیرید از آن جایی که ما آن را گرفتیم،(یعنی از احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم).

و همچنین می گوید: تعجب کردم از اقوامی که إسناد و صحت إسناد حدیث رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم را دانستند، سپس می روند و رأی سفیان را می گیرند.

و باری تعالی می فرماید: «فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ ی أَن تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (۱). (۲)

سپس گفت: آیا می دانی فتنه چیست، فتنه شرك است، ممکن است اگر بعضی از گفتار رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم را رد کرده، قبول نکند، در قلب او گمراهی افکنده شود و هلاك گردد.

و إمام بیهقی از مجاهد بن جبر تابعی جلیل روایت می کند در قول خداوند: «فَإِن تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْ ءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ»؛ (۳)

اگر در باره چیزی اختلاف نمودید، برای رفع اختلاف به کتاب خدا و سنت رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم مراجعه کنید تا حل اختلاف از کتاب و سنت بیابید.

گفت: برگردانیدن به سوی خدا، یعنی: به سوی کتاب او، و برگردانیدن به سوی رسول، یعنی: به سوی سنت اوست. پس اگر در چیزی اختلاف کردید آن را به سوی خدا و رسول خدا برگردانید.

۱- سوره نور، آیه ۶۳.

۲- در تفسیر آن راجع شود به ص ۱۵ همین کتاب.

۳- سوره نساء، آیه ۵۹.

و إمام بیهقی از محمّد بن شهاب زهری رحمه اللَّه روایت می کند که گفت: کسانی که از علما و دانشمندان ما رفتند و فوت کردند، می گفتند: اعتصام و پیروی از سنت رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم نجات و پیروزی است.

و موفق الدین بن قدامه رحمه اللَّه در کتاب خود: روضه الناظر در بیان اصول احکام چنین می گوید: اصل و اساس دوم از دلایل، سنت رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم می باشد و گفتار رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم حجت است، زیرا از دلایل معجزات بر صدق و راستی اوست، و باری تعالی به طاعت او و تحذیر از مخالفت او أمر فرموده است.

و إمام ابن کثیر رحمه اللَّه در تفسیر این آیه گوید: «فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ ی أَن تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (۱). یعنی: از اوامر رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم، آن هم طریقه و راه و روش و سنت و شریعت اوست، پس گفتار و کردار بنی آدم با گفتار و کردار رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم مقایسه و مطابقت می شود، و آنچه موافق آن بود قبول، و آنچه مخالف آن بود مردود و بر قائل و گوینده او برگردانیده می شود، و آن هم هر که خواهد باشد.

چنانکه بخاری و مسلم در صحیح خود و دیگران از رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم روایت کرده اند که رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم فرمودند:

«من عمل عملًا لیس علیه أمرنا فهو رد».

متفق علیه. هر کس عمل و کرداری انجام دهد که راه و روش ما بر آن نیست آن عمل و کردار مردود و غیر قابل قبول است.

پس بترسد و برحذر باشد، کسی که ظاهراً و باطناً مخالف شریعت رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم باشد «أَن تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ» که به آنان مصیبتی در قلب هایشان از کفر و نفاق و بدعت به وجود آید. «أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» یعنی در دنیا به کُشتن و یا مجازات و یا زندان و غیر از اینها مبتلا شوند.

إمام أحمد بن حنبل از عبدالرزاق از معمر از همام ابن منبه روایت کند که أبوهریره گوید: رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم فرمودند:

«مَثَلی و مَثَلُکم کمثل رجلٍ إسْتَوقَدَ ناراً فلمّا أضاءت ما حولها

۱- سوره نور، آیه ۶۳، تفسیر آن در ص ۱۵ گذشت.

جعل الفراشُ و هذِهِ الدواب اللائی یقعْنَ فی النّار یقعْنَ فیها و جعلَ یحجُزُهُنَّ و یَغلبْنَهُ فَیقْتَحِمْنَ فیها قال فذلک مثلی و مثلکم أنا آخذُ بحجزکم عن النّار هلمَّ عن النّار فتغلبونی و تقتحمون فیها».

متفق علیه

مَثَلِ من و مَثَلِ شما مانند مردی است که آتشی روشن کرده، وقتی اطراف خود را نورانی و روشن کرد و پروانه ها و حشرات که اطراف آن می گردند در آتش می افتند، آن مرد جلوگیری می کند و نمی گذارد که پروانه ها و حشرات در آتش بیفتند، ولی بر او غلبه کرده، خود را در آتش می اندازند، فرمود: پس این مَثَلِ من و شماست، من کمربند شما را گرفته، از آتش دور می کنم، و شما بر من غلبه کرده و هجوم می کنید و خود را در آتش می اندازید.

و إمام سیوطی رحمه اللَّه در کتاب خود مفتاح الجنه فی الاحتجاج بالسنه (۱) چنین گوید:

«بدانید- خدا شما را رحمت کند- هر کس حجیت حدیث رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم قولی و فعلی با شروط معروف آن در اصول دین را انکار کند کافر می باشد و از دایره اسلام خارج است و روز قیامت با یهود و نصاری و با فرقه ها و طایفه های گمراه و کافر محشور خواهد شد».

و اخبار از صحابه و تابعین و کسانی که بعد از ایشان آمده اند از علما و دانشمندان در تعظیم سنت و وجوب عمل به آن و تحذیر از مخالفت آن بسیار زیاد وارد شده است.

و امیدوارم آنچه در این جا ذکر کردیم از آیات و احادیث و اخبار کافی و قانع کننده باشد برای کسی که حق طلب است، و از باری تعالی برای خود و تمامی مسلمانان توفیق به آنچه خداوند رضایت آن را دارد مسئلت دارم، و سلامت از اسباب خشم و غضب او، و این که تمامی ما را به راه مستقیم هدایت فرماید، زیرا او شنونده و نزدیک است. و صلی اللَّه علی عبده و رسوله نبینا محمّد و علی آله و أصحابه و أتباعه بإحسان.

۱- کلید بهشت در احتجاج به سنت رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم.

عبدالعزیز بن عبداللَّه بن باز مفتی عام عربستان سعودی و رئیس کبار علماء و رئیس دایره بحث های علمی و فتوی شرعی. (۱)

سؤال های اساسی در سنت رسول اللَّه صلی الله علیه و آله

اینک در این قسمت چند سؤال اساسی مطرح است:

۱. از زمان رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله تا سال ۹۶ هجری(حدود ۸۶ سال) طبق دستور حکام، نقل هرگونه حدیث و روایت تحت هر عنوان ممنوع اعلام شد. یعنی نوشتن حدیث و بیان آن جرم بود و حتی کسانی در این میان محاکمه و تنبیه شدند که مراجعه به کتب مرجع اهل سنت هم این مهم را تأکید می کند.

۲. تنها گروهی که حفظ و نقل و نوشتن روایات رسول اللَّه را تأکید داشتند و عمل کردند، شیعیان بودند. معروف ترین آنها مصحف علی علیه السلام در موضوع جمع آوری قرآن بود که تمام مطالب نقل شده از پیامبر صلی الله علیه و آله را در خود داشت، اما به دلایلی از جامعه حذف شد و به اعتقاد شیعه، نسل به نسل بین امامان تاکنون حفظ شده است.

۳. انحراف های زیادی از سنت رسول اللَّه صلی الله علیه و آله در اهل سنت رواج دارد که در محل خود مطالعه و بررسی می شود.

۴. در سنت رسول اللَّه صلی الله علیه و آله فقط سنت ایشان ملاک عمل است و خلفای راشدین، حق قانون گذاری نداشته اند. لذا استناد به عمل آنها در تدوین قوانین جفای به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است.

۵. شیعه شاخصی کلی دارد. هر قانونی که خلاف قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله باشد محکوم است و قابل اجرا نیست. این مهم جامعه اسلامی را از هرگونه انحراف محفوظ می دارد.

۶. اگر حدیث و روایتی از امامان شیعه مطرح می شود، در بررسی سلسله راویان سند همان امام تأکید کرده اند که با واسطه از پدرانشان که در صداقت و راست گویی

۱- پایان سخن علامه بن باز.

مشکلی در آنها وجود نداشته است- و حتی برادران اهل سنت نیز به صداقت و صالح بودن آنها اقرار دارند- تأکید شده است که تمامی آنها استناد اصل صدور حکم یا سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را در سلسله سند بیان کرده اند.

۷. مشکل خاصی که وجود دارد، علمای اهل سنت فقط روایات و احادیثی را که خود آنها جمع آوری کرده اند مورد قبول می دانند و احادیث جامعه شیعی را مورد غفلت قرار داده اند، این امر موجب ایجاد شکاف بین فرقه های گوناگون اسلامی شده است.

استفاده ابزاری از زیارت در اهل سنت

با شکافته شدن مبانی بحث، اینک می توانیم وارد اصل مطلب مورد مطالعه گردیم.

مقوله ای که می تواند در صورت طرح صحیح و نگرشی اصولی و اصلاحات جدی، اثرات قابل توجهی را در ایجاد وحدت و همدلی در جامعه اسلامی به همراه داشته باشد. این بخش در سه زیر مجموعه کلی مورد بررسی قرار می گیرد: ۱. استفاده ابزاری از اماکن زیارتی، ۲. استفاده ابزاری از زایر، ۳. استفاده ابزاری از لوازم و تجهیزات.

استفاده ابزاری از اماکن زیارتی

اشاره

مهم ترین اماکن زیارتی جهان اسلام در دو شهر مکه و مدینه واقع هستند. همان گونه که در روایات مذکور در صحیحینِ اهل سنت آمده است، سفر زیارتی جایز نیست مگر به سه مسجد که عبارتند از:

۱. مسجد الحرام در مکه.

۲. مسجد النبی در مدینه.

۳. مسجد الاقصی در بیت المقدس.

هر چند طبق روایات شیعی، هر جا که رایحه ای از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خاندان آن حضرت وجود داشته باشد، به شرط این که آن ذریه پاک پیامبر از صالحین باشد،

می تواند مکان مقدس و قابل احترامی قرار بگیرد که قبلًا برخی از این روایات مورد اشاره قرار گرفت.

از آن جا که به دلایلی سیاسی از حدود یکصد سال پیش، این دو مکان مقدس با مدیریت آل سعود که از فرقه وهابیت پیروی می کنند اداره می شود، این گروه از این اماکن چندین استفاده ابزاری می کنند که در این جا مورد بحث قرار می گیرد:

۱. تبلیغ به نفع یک فرقه خاص

همان گونه که می دانیم برداشت از پیام های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به چندین گروه و طبقه منجر شده است. اعتقاد شیعه به حقانیت عقاید خویش است و دلایل و مدارک و مستنداتی دارد که قابل مطالعه است. همان طور که اهل سنت و حداقل چهار فرقه اصلی آن هم دارای ملاک و دلایلی هستند.

کنکاش پیرامون حقانیت هر کدام با این که تقریب اساسی بین مذاهب گوناگون وجود دارد، امری تخصصی و محتاج استدلال علما و کارشناسی می باشد. کشانیدن این بحث ها در سطح کوچه و خیابان و پخش جزوات فراوان با ضعف های کارشناسی و استدلالی زیاد، موضوعی است که اخیراً توسط علمای وهابیت به شدت مورد توجه قرار گرفته و این مهم یکی از جلوه های بارز استفاده ابزاری از پدیده قداست زیارت اماکن مقدس مکه و مدینه می باشد.

۲. نصب تابلوها در اماکن مقدس

بسیاری از تابلوهای منصوب در اماکن مقدس که نقش تبلیغ عقاید یک فرقه را دارند، مورد قبول تمام مسلمانان نیست. هر چند گاهی بیان واضحاتی است که یک فرقه قصد پنهان شدن زیر چتر آن امر بدیهی و واضح را دارد تا سایر عقاید غلط و خطاهای خود را بپوشاند.

مثلًا تابلوهای با این عنوان: برادر مسلمان از پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ روایتی برای قداست این محل نقل نشده است ...- مانند تابلوی مقابل غار حرا- را می توان مثال زد. شیعه و

سنی یک پارچه درباره این که اگر بدعتی در دین پدید آید، نامطلوب و حرام است، اتحاد نظر دارند، اما بررسی روایات و تعیین قسمت و سهم آنها را نباید فرقه ای کرد.

یا این که «سحر و جادو باطل و حرام است» این امور بدیهی است و تمام مسلمانان به آن واقف هستند. حال پشت این بدیهیات پنهان شدن برای اثبات خیلی از خطاها، امری است که به عنوان استفاده ابزاری از مکان های زیارتی باید مورد توجه قرار گیرد.

۳. تحریف ها

همان گونه که می دانیم نقل روایات از پیامبر صلی الله علیه و آله- علی رغم تأکید حضرت نبوی- در میان خلفای اول و دوم و سوم به شدت محکوم بود و بارها ورقه های حاوی روایات را در مقابل خلیفه اول شست وشو داده اند تا روایتی از سنت نبوی نقل نشود. این پدیده شوم تا حدود یکصد سال پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله در میان اهل سنت ادامه داشت؛ اما شیعیان از همان ابتدا روایات پیامبر را سینه به سینه نقل کردند و روی حفظ آن کوشیدند. هیچ یک از امامان شیعه از سوی خود مطلبی را بیان نکرده اند، مگر این که به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله منتهی شده باشد.

حال به روایتی از امام مالک(که فرقه وهابیت شعبه ای از آن مذهب می باشد) توجه می کنیم.

در صفحه ۲۳ آداب زیارت مسجد نبوی به قلم علامه عبدالعزیز بن عبداللّٰه بن باز چنین آمده است: «امام مالک رحمه اللّٰه که تمام عمرش را در مسجد النبی به نشر علم و سنت مشغول بود، تا جایی که او را امام دارالهجره می نامند گفته است: آخر این امت را اصلاح نمی کند، مگر آنچه اول آن را اصلاح کرده است و اول امر این امت حرکت در مسیر منهج نبوی صلی الله علیه و آله و خلفای راشدین و صحابه مرضیین- کسانی که خداوند از آنان اعلان رضایت و خشنودی نموده است- و پیروان نیکوکار آنان بوده است ...».

در همین یک صفحه می توان تحریف های گوناگونی را به وضوح دید.

الف) آیا مالک طبق سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آن قدر در مسجد اقامت داشت که امام دارالهجره نامیده شود؟ اگر این کار ثواب داشت، چرا پیامبر صلی الله علیه و آله چنین نکرد؟!

ب) آیا فرمول مالک در کلام پیامبر صلی الله علیه و آله یا مرام ایشان بوده و بیان شده؟! ایشان چگونه خودسرانه و بدون استناد به قرآن و سنت، فرمولی را ارائه داده اند که وهابیت بر اساس آن شکل بگیرد و در جهان اسلام تفرقه و نزاع به وجود آید. اگر این کلام صحیح است، چرا پیامبر صلی الله علیه و آله یا قرآن مجید به آن اشاره نکرده است؟!

ج) آیا در اول اسلام خلفای راشدین اجازه اظهار نظر یا ابراز وجود در مقابل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را داشتند که ایشان اول اسلام را مرام آنها معرفی کند؟!

د) اتفاقاً خلفای راشدین به سر اسلام آن آوردند که مالک و فرقه وهابیت در حال حاضر دفاعی عقلانی از آنها ندارند. وقتی مشکلات عدول آنها از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و اوامر قرآن مجید مطرح می شود و امام علی علیه السلام را که پیامبر صلی الله علیه و آله او را حق نامیده، به عنوان شاخص معرفی می کنیم، می گویند: آنها هر کدام طبق فتوای خود از دین عمل کرده اند و پیش خدا مأجور هستند؟! آیا این شیوه آخر کار امت را اصلاح می کند؟!

ه) اگر پیروی از پیروان خلفا راه اصلاح امت است، از آقایان وهابی می پرسیم: آیا پیروی از معاویه، یزید، مروان و ... که پیرو سه خلیفه اول بودند به اصلاح امت نزدیک تر است یا پیروی از امام حسن و امام حسین و امام سجاد علیهم السلام و ...؟!

ملاحظه می شود که بدون استناد به تاریخ صحیح و روشن و با چشم پوشی از خطاهای بزرگی که بزرگان وهابیت و امامانِ امام مالک عمل کرده اند که هر دو تحریف تاریخ می باشد، سعی در تبلیغ عقاید خود با روش استفاده ابزاری از اماکن زیارتی که موجب جلب مسلمانان و عزیمت آنان به حوزه تحت حکومت آنها شده است به گمراه کردن امت مشغول هستند.

در پایان این قسمت اعلام می داریم که از نظر امامان شیعه برای اصلاح امت، عمل

به حـدیث ثقلین کافی است و زمانی که با مجاهـدت بی سابقه امام علی علیه السـلام و تلاش ده ساله امام حسن علیه السـلام و سپس ده سال مجاهـدت امام حسـین علیه السـلام، امکان بازگردانیـدن امت به راه پیامبر صـلی الله علیه و آله فراهم نشـد. همان گونه که امام حسین علیه السلام فرمود:

«إن کان دین محمّد لم یستقم إلا بقتلی فیا سیوف خذینی»؛

اگر پایـداری دین پیامبر صـلی الله علیه و آله جز با قیام من و کشـته شدنم در راه خدا امکان پذیر نیست، پس ای شمشـیرها مرا دریابید.

۴. تبلیغ در مجاورت قبور

مسـتقر کردن افرادی که با زبان فارسـی به عدم فهم و درک و شـعور مردگان تأکید می کنند، در قبرستان بقیع و حرم نبوی از دیگر استفاده های ابزاری می باشد. در بیانات این مبلغان تناقض هایی است که مورد اشاره قرار می گیرد.

آنها می گویند: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام مراجعه به قبرستان، می فرمود:

«السلام علیکم أهل الدیار من المؤمنین و المسلمین و إنّا إن شاء اللّه بکم لاحقون نسأل اللّه لنا و لکم العافیه».

یا این که ترمذی از ابن عباس نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به قبور کرده و می فرمود:

«السلام علیکم یا أهل القبور یغفر اللّه لنا و لکم أنتم سلفنا و نحن بالأثر».

و همان گونه که ابن ماجه طبق حدیث ۱۵۶۹ اشاره کرده است، پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است:

«زوروا القبور فإنّها ذکرکم الآخره»؛

قبرها را زیارت کنید که این کار شما را به یاد آخرت و قیامت می اندازد.

و طبق تأکیـد شـیخ عبـدالعزیز بن عبداللّه بن باز(فقیه بزرگ وهابی ها) در صـفحه ۲۹ کتـاب بیان ما تشـرع زیارته من المساجد المدینه اشاره دارد که: سنت پیامبر صلی الله علیه و آله زیارت قبور بقیع و قبور شهدا و قبر حمزه بوده و ....

حال با این مقدمه چندین سؤال مطرح می شود:

۱. اگر اموات نمی فهمنـد و درک و شـعور ندارند، چرا پیامبر صـلی الله علیه و آله به آنها سـلام می کند و خطاب به قبور آنها سخن می گوید؟! آیا پیامبر صلی الله علیه و آله کار عبث و بیهوده ای را انجام داده است؟!

۲. پیامبر صلی الله علیه و آله برای اهل قبور عافیت طلب می کند، مگر برای جسم بی شعور و بی درک می توان دعا کرد؟!

۳. اگر سفر برای زیارت قبور جایز نیست، چرا پیامبر مرتباً به مزار شهدای احد برای زیارت تشریف می بردند؟!

۴. اگر فقط هدف دیدن قبور بود و اهل قبور اهمیتی نداشتند، چرا پیامبر صلی الله علیه و آله فقط به بقیع برای متذکر شدن به آخرت تشریف نمی بردند و با پای پیاده به کرات تا محل شهادت شهدای احد برای زیارت تشریف می بردند؟

۵. اگر فقط هدف تذکر مرگ و آخرت بود، چرا پیامبر صلی الله علیه و آله زیارتنامه و دعای خاص برای زیارت اهل قبور تعیین کرده و تأکید داشتند که این گونه زیارت کنید؟! مگر با سکوت بهتر نمی شود تمرکز و تفکر کرد ....

۶. کدام شیعه قبر صالحین و ائمه اطهار را سجده گاه یا محل شادی و جشن و تبرک قرار داده است که در کتاب های وهابیت این قدر در نکوهش این عمل تأکید می شود؟!

۷. اگر عده ای از اهل سنت خطای خاصی مثل آنچه در شهر ریاض از کشف حجاب و شرب خمر و تداخل زن و مرد نامحرم و ... انجام می دهند، آیا جفا نیست که این خطا را به پای همه اهل سنت گذاشت؟!

۸. اگر هدف تخریب شیعیان نیست و استفاده ابزاری از زیارت نمی شود، طبق آیه شریفه «بشارت باد به بندگان صالح که سخن ها را می شنوند و بهترین آنها را می پذیرند ...». چرا به شیعیان در همان محل اجازه پاسخ گویی و حتی طرح سؤالات خود را نمی دهند؟!

۵. قداست لباس پیامبر صلی الله علیه و آله

هر زیارت کننده مکه و مدینه با خاطراتی که از کتاب های دینی درباره لباس پیامبر صلی الله علیه و آله دارد، وقتی این لباس را بر تن عرب های این دو شهر می بیند، ناخواسته احترامی به پاس بزرگداشت پیامبر صلی الله علیه و آله برای افراد ملبس به این لباس قایل می شود(همان گونه که

در ایران هم برای علما به لحاظ پوشیدن لباس پیامبر صلی الله علیه و آله حرمت قایل می شوند)، این حرمت و احترام در کنار تشابه سازی ذهنی قیافه پیامبر، زبان پیامبر، محل زندگی پیامبر و ... همگی باعث می شود که حرمت خاص برای اعراب قایل شوند. گماشتن افرادی با پوشش لباس پیامبر صلی الله علیه و آله برای تبلیغ و ترویج عقایدی که انتساب آن به پیامبر صلی الله علیه و آله قطعیت ندارد، نوعی دیگر از جلوه استفاده ابزاری از زیارت قلمداد می شود.

۶. تکیه بر ظواهر

ساماندهی فقط دو شهر مکه و مدینه بر اساس آموزه های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اعم از پوشش زنان و مردان، انجام فرایض پنج گانه و اخلاق خوب داشتن، ریش گذاشتن مردان و ... این در حالی است که در فاصله نزدیک مکه، شهر بندری جده با مدنیت مورد نظر پیامبر سال ها فاصله دارد و شهر ریاض که پایتخت عربستان سعودی است وضعی بدتر و ناهنجارتری دارد.

اسلام دینی جامع با اهداف بلند مدت می باشد و آن را فقط در حد ظواهری مثل پوشش و ادای نماز(که فقط یکی از پنج رکن اسلام است) آن هم فقط در دو شهر زیارتی خلاصه کردن از جلوه های بارز استفاده ابزاری از زیارت می باشد.

۷. قوانین خشک

هر تازه واردی به دو شهر زیارتی مکه و مدینه، تعطیلی مغازه ها در هنگام وقت های نماز را به عنوان یک نماد پسندیده ملاحظه می کند، اما وقتی چند روزی در این دو شهر اقامت گزید، ملاحظه می کنید که بسیاری از کسبه فقط از ترس قانون درب مغازه ها را می بندند و مشغول صرف غذا و مرتب کردن مغازه و جور کردن جنس و استراحت و ... می شوند و کم تر در نماز جماعت شرکت می کنند و پوشش زنان در این دو شهر تابع همین گردن نهادن به قانونی خشک می باشد و از آن استفاده ابزاری می شود.

۸. تظاهر و ریا

از جمله موارد استفاده های ابزاری، می توان به تظاهر و ریا اشاره کرد. در این میان فقط در چهار شاخه مطالبی را مورد بررسی قرار می دهیم:

۱. اذان؛

۲. مُهر؛

۳. تداخل زن و مرد در مسجد الحرام؛

۴. صلوات.

۱. اذان: چگونگی اذان در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مشخص است. هر چه بوده باشد، اولًا «الصلاه خیر من النوم» را نداشته و خلیفه دوم در آن بدعت ایجاد کرده است. ثانیاً پیامبر صلی الله علیه و آله برای نماز صبح فقط یک اذان را امر فرموده اند و تقسیم آن به سه اذان صبحگاهی از مصادیق بدعت در سنت نبوی و تظاهر و ریا در عبادت خلایق به عنوان یک استفاده ابزاری از فضای زیارتی می باشد.

۲. مهر: استفاده از مُهر در سجده نماز هر چه باشد حتماً شرک نیست. یعنی اگر سجده بر فرش و لباس و سجاده و ... مجاز باشد، در جایی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حکم بر حرام بودن سجده بر خاک(مُهر) را ندانسته اند، پس نهی شیعیان از این عمل به گونه ای که گویا حرامی مؤکد را عمل کرده اند، نوعی جفا به زایر و استفاده ابزاری از زیارت است.

در حالی که طبق روایات صحیح مسلم،(ج ۱، ص ۳۷۱) و صحیح بخاری(ج ۱، ص ۹۱) و مسند احمد(ج ۱، ص ۲۵۰) و الوسائل ج ۲، ص ۹۶۹ و ارشاد الساری(ج ۱، ص ۴۳۵) همگی تأکید دارند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«جُعِلت فی الارض مساجداً وطهوراً»

یعنی زمین برای من سجده گاه و پاک کننده قرار داده شده است.

۳. تداخل زن و مرد در مسجد الحرام: همان گونه که می دانیم سنت نبوی، یعنی عمل کردن به اوامر رسول اکرم صلی الله علیه و آله. ایشان تداخل زن و مرد در حال طواف و در صحن

مسجد الحرام را نهی نکرده است. یعنی کل فضای مسجد الحرام، حرم امن الهی است. پس گماردن اشخاصی با اخلاق تند و رفتاری زننده و توهین مکرر به مسلمانان، با عبارت های حرام ... حرام ... برای دور کردن زنان از مقام ابراهیم علیه السلام که تأکید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر نزدیکی اقامه نماز طواف به این محل مقدس می باشد، چه معنایی دارد؟! آیا این رفتار برای تخریب روحیه شیعیان و آنها را ناآشنا به قوانین الهی وانمود کردن و توهین به آنها و رفتار خلاف سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیست؟!

۴. ذکر صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله: در این میان هم چهار فعل خطا به نام اسلام و در ترکیبی تظاهرکارانه و ریاکاری انجام می شود:

نوع صلوات؛

مکان صلوات؛

بلند فرستادن صلوات؛

تحریف صلوات.

۱. طبق روایات متعدد، پیامبر صلی الله علیه و آله امر به فرستادن صلوات به این گونه «اللهم صل علی محمّد و آل محمّد» فرموده است. مثلًا ابی مسعود البدری طبق روایت احمد در صحیح مسلم و کعب بن عجره در البخاری و مسلم و ابی حمید الساعدی در همان مدرک و طلحه بن عبیداللّٰه به نقل از احمد و ابی هریره در الطحاوی و حسن در النسائی، همه آنها این مطلب را مورد تأکید قرار داده اند. به راستی با این همه تأکید، چرا:

عبارت «و آل محمد» را ترک می کنید؟

عبارت «و علی صحبه و ...» را اضافه می کنید؟

برای انجام این فریضه تبلیغ نمی کنید؟

از انجام این فعل حسنه توسط سایرین جلوگیری می کنید؟

آیا همه اینها استفاده ابزاری از زیارت و انحراف آن به واسطه قدرت هیئت حاکمه نیست؟!

۲. طبق نوشته محمد بن جمیل زینو(مدرّس دارالحدیث مکه) در کتاب فضائل الصلاه والسلام علی محمد خیر الأنام در نُه فصل صلوات توصیه شده است:

در تشهد آخر نماز طبق روایت مسلم.

در نماز میت طبق روایت شاخصی از ابی امامه بن سهل.

بعد از اذان(اذا سمعتم المؤذن فقولوا ...) طبق روایت مسلم.

هنگام دعا کردن طبق روایت ابن مخلد در المغنی.

هنگام ورود به مسجد و خروج از آن طبق روایت صحیح النسائی.

هنگام تشکیل جلسه(اجلسوا قوم مجلساً ...) به روایت الترمذی.

هنگام بردن نام پیامبر صلی الله علیه و آله طبق روایت احمد و غیره.

روز جمعه(فأكثروا علیّ من الصلاه ...) به روایت احمد.

در ابتدا و انتهای روز به روایت حسن الطبرانی.

در این موارد ملاحظه می شود که از فعل جمع استفاده شده است و فعل جمعی باید نمود و شاخص جمعی داشته باشد و در این زمینه ضمن این که شائبه لزوم بلند گفتن ذکر صلوات وجود دارد، ولی حتی اگر این استنباط هم نباشد، قطعاً نهی و یا تحریم آن انجام نشده است؛ در حالی که تا کسی اقدام به فرستادن صلوات با صدای بلند می کند، بلافاصله با ترمز حرام ... حرام او را نهی می کنند(بر خلاف سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله) و این استفاده ابزاری از اقتداری است که در سرزمین وحی به دست آورده اند.

۳. همان گونه که گفته شد، بلند فرستادن صلوات اگر چه از مصادیق تعظیم شعایر الهی است و طبق دستور صریح پیامبر صلی الله علیه و آله به شکل صحیح آن یعنی «اللّهم صل علی محمّد و آل محمّد» انجام می شود، اما هیچ روایت و حکایتی دال بر لزوم آهسته فرستادن آن حتی در نماز وجود ندارد اما ....

۴. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مواقف گوناگون و مجالس متعدد، روش صحیح صلوات را

گفته اند. اما آقایان وهابی، اولًا: بخشی از آن را حذف می کنند(... و آل محمد ...) ثانیاً:

بر سبیل بدعت گذاری «وعلی أصحابه و ...» را به کلام و دستور پیامبر صلی الله علیه و آله افزوده اند.

و جالب این که بر این بدعت و گناه خود تأکید هم می ورزند. آیا این موارد نیز استفاده ابزاری از زیارت و اماکن زیارتی تحت سلطه آنها نیست؟!

استفاده ابزاری از زایر در زیارت

اشاره

در تقسیم بندی اولیه مبحث استفاده ابزاری از زیارت را در سه گروه اساسی مورد مطالعه قرار دادیم. اینک به استفاده های ابزاری از زایر می پردازیم:

۱. عدم تسلط زایر به زبان عربی

همان گونه که می دانیم درصد زیادی از زایران مکه و مدینه یا بی سواد هستند یا به زبان عربی تسلط کامل ندارند. این موضوع به عنوان ابزاری در دست کسانی که می خواهند قرائت خود از قرآن و سنت را بر حق جلوه دهند درآمده است و هر گونه که می خواهند به تفسیر و تأویل می پردازند.

مثلًا در شرح آیه شریفه «... فَاغْسِلُواْ وُجُوهَکُمْ وَأَیْدِیَکُمْ إِلَی الْمَرَافِقِ ...» (۱) که معنی کلمه «الی» سبب استنباط متفاوت در شستن دست در هنگام وضو واقع شده است. با این معنی تحت اللفظی کلمه مورد نظر، به تصدیق روش وضوی اهل سنت می پردازند و این در حالی است که معانی متفاوتی برای «الی» در کتاب های لغت بیان شده است و می بایست از مفسران خبره در این میان کمک گرفت.

۲. عدم دسترسی به منابع

هر زایری امکان مطالعه جامع منابع را ندارد؛ چون اولًا به زبان عربی است. ثانیاً در منابع متعدد و متفاوت وجود دارد. ثالثاً هر روایت باید از لحاظ سند و متن به صورت کارشناسی مطالعه شود. رابعاً راویان احادیث باید در علم رجال مورد بررسی قرار

۱- سوره مائده، آیه ۶.

گیرند تا صدق و کذب گوینده خبر مشخص شود.

مثلًا ابو هریره که اهل سنت گفتارش را قبول دارند، آن قدر روایت ساختگی بیان کرد که عمر بن خطاب، خلیفه دوم، به دروغگو بودن او شهادت داد و این موضوع در منابع اهل سنت موجود است، اما آنها مورد غفلت قرار می دهند.

۳. فرصت محدود

اغلب زایران خانه خدا و مسجد نبوی شاید در طول عمر فقط یک بار و در زمان محدود به این افتخار شرف حضور پیدا کنند. بدیهی است زایر ترجیح می دهد بیشتر به مناسک و مستحبات اعمال بپردازد و فرصت بحث و مجادله و ارائه سند و مدرک را ندارد.

از این فرصت نداشتن زایر به عنوان ابزاری برای تبلیغ یک سویه و ناعادلانه بهره برداری ابزاری می شود.

۴. دلهره سفر

هر زایری به علت ناآشنا بودن به کوچه و خیابان ها و لزوم تهیه سوغات و ناآشنا بودن به زبان کشور میزبان و دوری از خانواده و احیاناً خطر مفقود شدن مال و اموال خود یا سرقت آنها و ... مواجه است. این امور برای زایر دلهره سفر ایجاد می کند و فرصت تعمق و تأمل در شنیده ها و تبلیغات یک جانبه را ندارد و طرف مقابل از این محدودیت زایر به عنوان یک فرصت برای خود بهره برداری ابزاری می کند.

۵. ندانستن قوانین قضایی کشور میزبان

زایران مکه و مدینه در صورت دانستن زبان عربی و تسلط به منابع فقهی و عدم دلهره سفر، به هر حال از محاکم کشور میزبان و مافیای وهابیانی که به دنبال قرار دادن علمای شیعه در لیست ممنوع شده های سفر به حج می باشند، نگران هستند.

تاکنون افراد زیادی از دانشمندان زایر را به بهانه های واهی و در قالب پروژه

پرونده سازی برای جلوگیری از حضور آنها در مکه و مدینه مورد آزار و اذیت قرار داده اند.

نگارنـده به کرات دانشـجویان حسـاس و انقلابی که تحمل یاوه گویی ها را نداشـته انـد مشاهـده کرده است که توسط عوامل حکومتی دستگیر و راهی دادگاه های سعودی شده اند.

در چنین فضای آلوده حقوقی آیا امکان استدلال و ارشاد طرفینی وجود دارد؟

در جایی که ذکر صـلوات با صـدای بلنـد در مسـجد الحرام و مسـجد النبی حرام قلمـداد می شود.(به بهانه آیه شـریفه «لَاتَرْفَعُواْ أَصْوَ تَکُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِیّ» (۱) مشاهده می شود که شـیخی بر کرسی انحصاری نشسته و با بلندگو و داد و فریاد به فحاشی به شیعیان می پردازد، آیا این استفاده ابزاری از زایران و عدم تسلط آنها به قوانین سعودی نیست؟!

۶. کعبه آرایی و ناآگاهی زایران

تأکید بر سنت پیامبر صلی الله علیه و آله شعار اساسی برادران اهل سنت است. از آنها سؤال می شود:

الف) آیا زمان پیامبر صلی الله علیه و آله کعبه ناودان طلا داشت؟!

ب) آیا زمان پیامبر صلی الله علیه و آله درب کعبه از طلا بود؟!

ج) مگر زمان پیامبر صلی الله علیه و آله کعبه دارای دو درب نبود؟!

د) آیا زمان پیامبر صلی الله علیه و آله پرده کعبه دارای این همه تشریفات و طلاکاری بود؟!

ه) چه کسی آیات را برای طلا دوزی روی پرده کعبه انتخاب می کند؟!

و) آیا جای مقام ابراهیم علیه السـلام همین جا بود، یا به دستور خلیفه دوم این مقام الهی که در قرآن از آن نام برده شده است جابه جا شد؟! تکلیف وظایف شرعی طواف کنندگان را چه کسی تعیین می کند؟!

۱- سوره حجرات، آیه ۲.

ملاحظه می شود که به علت عدم آشنایی زایران با تاریخ کعبه و انحراف های به وجود آمده از آنها استفاده ابزاری می شود و هیچ سخنی از این همه انحراف از سنت نبوی به میان نمی آید.

۷. انحصارطلبی

زایری که وقت محدود دارد، قوانین را نمی داند، از تخصص علم رجال و درایه و ...

برخوردار نیست، دلهره سفر دارد و ... باید الزاماً کتاب هایی را بخواند که دچار انحراف هستند، یا سخنان و خطابه ای را بشنود که حق دفاع از خود را ندارد و حتی نسبت یک درصد هم برای او ارزش قایل نمی شوند که جوابی بگوید، آیا این انحصارطلبی در تبلیغ و ترویج عقاید یا قرائت یک فرقه خاص از قرآن و سنت، از مصادیق بارز استفاده ابزاری از زایر نمی باشد؟!

۸. محو آثار باستانی

زایر با آموخته های خود از احادیث و روایات، وارد مسجد النبی یا خانه کعبه می شود.

او در تاریخ اسلام، کوچه بنی هاشم، نخلستان های علی علیه السلام، مسجدی که سدّ الأبواب إلّا بابه را در روایات درباره اش دیده است، مسجد ذوقبلتینی که دارای دو قبله بوده است ... و صدها آثار باستانی دیگری که در ذهن دارد، وارد مکه و مدینه می شود.

در آن جا هیچ نشانه ای از منزل حضرت زهرا علیها السلام را نمی یابد، اما با پلاک قبر عمر و عثمان مواجه می شود. آیا این تلاش در راستای ستم های جدید به فاطمه زهرا علیها السلام نیست؟! آیا اینها استفاده ابزاری از زایر نمی باشد؟!

۹. زیارتنامه جعلی!

در تمام ایام سفر و اماکن زیارتی مثل قبرستان بقیع، کوه احد، غار حرا و غار ثور و ... با تابلوهایی مواجه می شویم که چون از پیامبر صلی الله علیه و آله روایتی نداریم که در این جا آمده باشند و کاری انجام داده باشند، پس ما هم این اعمال را روا نمی دانیم.

بعد به شدت تبلیغ می شود که مرده هیچ فهم و شعوری ندارد و لذا سخن گفتن با مرده خرافات و کاری حرام است، اما وقتی وارد مبحث زیارت می شویم، می گویند:

عبداللّه بن عمر- پسر عمر بن خطاب- بعد از سلام برای پیامبر- که پیامبر فرموده ملکی هست که آن سلام را در برزخ به من می رساند- می گفت: «السلام علیك یا ابوبکر السلام علیك یا عمر»! حال می پرسیم:

الف. آیا پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود به این دو نفر سلام کنید؟

ب. آیا آنها نمرده اند و می فهمند! آیا این بدعت نیست!

ج. آیا شأن آنها را در ردیف پیامبر صلی الله علیه و آله قرار دادن جفا بر پیامبر صلی الله علیه و آله نیست؟

د. اگر سلام بر عشره مبشّره یا خلفای راشدین روا هست، چرا به سایر آنها مثل علی علیه السلام سلام و درود نمی فرستیم؟!

۱۰. کسب درآمد از زایر

مکه و مدینه متعلق به همه مسلمانان است. هر زایر که به نحوی یک جهانگرد هم هست در مطالعات اقتصادی جهان دارای مزیت های فراوانی برای کشور مقصد می باشد. اهم این منافع وارد کردن ارز، مبادلات فرهنگی، ایجاد اشتغال، زمینه سازی سرمایه گذاری های کلان در ساخت هتل و فروشگاه های بزرگ و ... می باشد که منافع آن مستقیم یا غیر مستقیم به هیئت حاکمه می رسد. آیا همه این موارد استفاده ابزاری از زایر نمی باشد؟!

استفاده ابزاری از لوازم و تجهیزات

اشاره

آخرین گروه از مجموعه های مربوط به زیارت را که به وسیله وهابیت مورد استفاده ابزاری قرار گرفته است مورد مطالعه و بررسی قرار می دهیم.

۱. استفاده از پلیس (نیروی قهریه) برای ارشاد

همان گونه که در تاریخ ثبت شده است، حکومت بر شهرهای مقدس مکه و مدینه در طول سال های گذشته هر از چند گاهی بین حاکمان دارای مذاهب مختلف دست به

دست گشته است. گاه شیعیان و گاه اهل سنت؛ اما همیشه حرمت کعبه حفظ شده و آرای تمام مذاهب در اداره این اماکن محترم شمرده شده است. از ایجاد حکومت آل سعود بیش یکصد سال نگذشته و چه مقدار دوام داشته باشد هم جز بر خدا بر کسی معلوم نیست. آیا استفاده از پلیس برای امر به معروف و نهی از منکر منطقی است؟ آیا وجود سربازان در اطراف مسجد النبی، آن جا را به یک پادگان نظامی به جای مکان امن الهی تبدیل نکرده است؟!

آیا مردمی که برای زیارت آمده اند و همان گونه که طبق روایات اهل سنت پیامبر صلی الله علیه و آله به بقیع تشریف می بردند، به آن محل می روند، شایسته تهدید و توهین و تحقیر هستند؟! آیا این رفتار، استفاده ابزاری از زیارت نیست؟!

۲. داخل شدن در کعبه مشرفه

سالیانه در ایام خاص و با تشریفات خاص علمای وهابیت و حاکمان سعودی به داخل کعبه مشرف می شوند و نماز می خوانند و این را برای خود سعادتی و امتیازی ویژه می دانند. حال باید پرسید:

الف. اگر این عمل سنت است چرا سایر مردم را محروم می دارید؟

ب. اگر این عمل شرافتی است چرا دیگران به آن مشرف نشوند؟

ج. اگر حق حاکمان است، پس چرا سایر حکام جهان اسلام سهمی ندارند؟

د. اگر هیچ کدام نیست، پس آیا نوعی بدعت قلمداد نمی شود؟!

۳. پرده داری کعبه

تشریفات پرده داری کعبه به جایی رسیده است که کارخانه ای عظیم با پرسنل و تجهیزات خاص برای پرده دوزی ایجاد شده و در طول سال به کار مشغول است. اگر کعبه یک سنگ نشان است که ره گم نشود ... آیا برای قطعه پارچه ای که مثلًا یک سال به کعبه مالیده شود این همه تشریفات لازم است؟!

پس از تعویض پرده، قطعات آن به رسم هدیه به بزرگان و حاکمان جهان اسلام و

غیر اسلام اهدا می شود. این پارچه ابزاری برای بزرگنمایی حاکمان سعودی تبدیل شده است که مراسمی خاص و تشریفاتی ویژه دارد.

البته اگر یک حاجی در طول سال و در حالی که این پارچه پوششی برای کعبه است، اقدام به بوسیدن آن پارچه یا لمس آن نماید یا خدای ناکرده رشته نخی از آن را بخواهد بردارد با برخوردهای رکیك و عبارات حرام، حرام ... چنان بلایی را به سر خویش خواهد دید که به کافر و مشرك و ... متهم خواهد شد. به راستی این استفاده ابزاری از پرده کعبه نیست؟!

۴. حج بزرگان

در طول سال حاکمان و علمای بزرگ برخی کشورهای اسلامی به مکه و مدینه مشرف می شوند. حکومت سعودی در سکوت نابجای علمای خود، به ایجاد فضای امنیتی خاص و اسکورت بزرگان تا کنار حرم و آزار و اذیت سایر مسلمانان و ...

می پردازد تا مثلًا تکریم مهمان کرده باشد و البته این امکانات برای آن دسته از سران است که حکومت سعودی می خواهد به آنها امتیازی داده باشد. آیا این استفاده ابزاری از اماکن مقدس مکه و مدینه و زیارت آنها نمی باشد؟!

۵. نوشته های روی پرده کعبه

هر ساله طرح های خاصی برای روی پرده کعبه انتخاب می شود. اگر چه از آیات قرآن استفاده می شود، اما مثلًا سوره قریش(اشاره به عربیت پیامبر) و آیاتی از این دست انتخاب می شود. اینک سؤال هایی مطرح می شود:

الف. آیا نوشتن آیات روی پرده کعبه سنت است یا بدعت؟!

ب. آیا نوع آیات نوشته شده دارای منشأ سنت است یا سلیقه و انتخاب افراد خاص؟!

ج. اگر کعبه فضایی دارای کاربرد تبلیغاتی است، چرا از آن استفاده بهینه نمی شود؟

مثلًا از کل سطح پرده فقط کم تر از ۵٪ آن با نوشته ها اشغال شده است.

د. آیا رنگ سیاه پرده و نوشته های از جنس طلا سنت است یا بدعت؟!

ه. تعویض دوره ای(سالیانه) پرده کعبه سنت است یا بدعت؟ چرا چند ساله نباشد؟ چرا ماهیانه نباشد؟

و. اگر پرده کعبه محل هنرنمایی هنرمندان است، چرا هر سال به وسیله یک ملت مسلمان و با هنرهای ملل مختلف جهان تزیین نمی شود؟!

این سؤالات همگی نشان دهنده این است که از پرده کعبه به عنوان یک ابزار در جهت اهداف فرقه ای استفاده می شود.

۶. جابجایی نمادهای حج

همان گونه که می دانیم محل مقام ابراهیم علیه السلام در زمان خلیفه دوم جابه جا شد. سپس در بازسازی مسجد الحرام در طی سال ها نیز تغییراتی- هر چند کم- در صحن مسجد الحرام داده شد.

اخیراً به علت ازدحام جمعیت در صحن مسجد، نماد چشمه زمزم که یکی از آیات الهی است به کلی از بین رفته و فقط آب آن لوله کشی شده است. آن هم آبی که از دریای سرخ منتقل می شود. آیا این عمل بدعت است یا سنت؟!

اگر سنت نیست آیا طبق فتوای علمای فرقه ای خاص از مذاهب اسلام جفا به دین پیامبر صلی الله علیه و آله، استفاده ابزاری از تجهیزات و لوازم زیارت نمی باشد؟!

۷. حضور کفار در مکه و مدینه

حرمت حضور کفار در این دو شهر مقدس در قرآن به صراحت بیان شده است. از طرفی می دانیم که صنعت گردشگری در جهان یکی از رشته های پول ساز و پردرآمد است.

نگاهی به اطراف مسجد الحرام و مسجد نبوی ما را با هتل های خاصی مواجه می کند. مانند هتل اینتر کنتیننتال به نام دار التوحید، هتل شرایتون، هتل هیلتون، هتل ...

اینها هتل های معروف جهانی هستند که سهامداران اصلی آنها کفار، به ویژه یهودیان

می باشند. سؤال این جاست که:

آیـا هـدف قرآن حـذف حضـور فیزیکی آنهـا در ایـن دو شـهر بـود، یـا این که اسـلام می خواهـد منـافع کفـار، به ویژه از قِبَل مسلمانان را قطع کند؟

آیا اسم هتل را عوض کردن(مثلًا دار التوحید) باعث حذف منابع سرشار کفار از این مکان های مقدس می شود؟

آیا تغافل از کافر بودن سـهامداران و اجازه فعالیت اقتصادی سودآور کلان در حاشـیه این اماکن مقدس، موجب رضای خدا و تقویت امت اسلامی است؟!

مطالعه در ساختار هتل های موجود، استفاده ابزاری از کعبه و قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را برملا می سازد.

۸. قصر امیر

در نزدیـک تریـن نقطـه بـه کعبه معظمه و در کنـار کـوه صـفا که از آیـات الهی است، قصـری بـا عظمت که چیزی از عظمت کعبه(نعوذ بـاللّه) کم نـدارد، خودنمـایی می کنـد. این کـاخ ملـک فهـد بوده و مشـابه این کـاخ در منی و در کنـار محـل رمی جمرات وجود دارد. بر همه واضح است که منی محلی مقدس و مورد توجه قرآن برای انجام مناسک الهی می باشد.

آیا به واسطه حکومت به کشور سعودی، ساخت و ساز کاخ هایی این گونه در اماکن مقدس که هر روز فضای آن برای انجام مناسک مسلمانان تنگ تر و تنگ تر می شود، جفا بر جهان اسلام و استفاده ابزاری از این اماکن مقدس نمی باشد؟!

۹. نماز میت

در این راستا نیز سه موضوع مهم قابل توجه است که به بررسی آن می پردازیم:

الف. در مکه و مدینه مؤسـساتی هستند که با پول گرفتن از خانواده میت آن جنازه را کفن و دفن می کنند که البته رانت های وابسـتگی به حاکمان در اخـذ مجوز این گونه فعالیت ها قابل انکار نمی باشد. آنها اگر خانواده میت پول ویژه ای بدهند، میت را به

طواف کعبه یا مسجد نبوی برده و در آن جا به میت اقامه نماز می شود. پس همه اموات شهر به ویژه فقرا از این نعمت برخوردار نیستند.

ب. اصل نماز میت عملی از نوع واجبات کفایی است. یعنی اگر تعدادی این کار را کردند، به سایرین تکلیفی نیست. این عمل مستحب را بر واجباتی چون نمازهای یومیه وصل کردن، آیا نوعی بدعت قلمداد نمی شود؟ آن هم بدعتی که عملًا همه را مجبور به حضور در این نماز می کند.

ج. در طول ایام برگزاری مراسم حج و در کتب اداره امر به معروف و نهی از منکر سعودی در مکه و مدینه بر این که طلب شفاعت از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار شیعه عملی عبث و بیهوده است تأکید می شود.

در نماز میت(صلاه الجنازه) وقتی تکبیر سوم را می گویند طبق روایت ابی هریره از پیامبر صلی الله علیه و آله که شیخان اهل سنت صحت آن را گواهی کرده اند، آمده است: «اللّهم إنّا جئناك شفعاء له فشفعّنا فیه»؛ یعنی خدایا ما به عنوان شفاعت از این مرده آمده ایم، پس شفاعت ما را قبول کن ...

سؤال این است که اگر شفاعت هر بنده خدا برای بنده دیگر او پسندیده و سنت است، چرا شما با این پدیده به شدت برخورد حذفی دارید؟!

به راستی این استفاده ابزاری از زیارت مسلمانان قلمداد نمی شود؟!

۱۰. برخورد با مُهر

اشاره

به نظر می رسد که امامان شیعه برای جلوگیری از پرستش هر چیز غیر از خدای متعال، سجده بر طلا و جواهر و مصنوعات بشری را به پیروی از سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حرام دانسته اند.

از طرفی علمای اهل سنت برای جلوگیری از مورد پرستش قرار گرفتن چیزی غیر از خدا صِرف اتصال به زمین را برای سجده کفایت دانسته اند و لذا بر هر چیزی سجده را روا می دانند.

پس اصل موضوع و هدف هر دو گروه شیعه و سنی نیل به خلوص در عبودیت حضرت احدیت و اجتناب از هر گونه انحراف به سوی بت پرستی جدید می باشد که هدف هر دو محترم و قابل توجه است.

برای حل این مشکل بهترین کار مراجعه به سنت نبوی است. لذا چندین روایت مستند اهل سنت را در این زمینه از کتاب آغاز و اتمام سجده، اثر آیت اللّه احمدی میانجی به شرح ذیل مطالعه می کنیم.

سجده بر گیاهان زمین

از تمامی ادلّه قطعی که تا بدین جا ذکر شد، اعمّ از اقوال، افعال، تصریح ها و اشاره های رسول خدا صلی الله علیه و آله و عمل و سیره صحابه- رضی اللّه عنهم- و آراء و نظریه های آنان و فتاوای فقها، به خوبی روشن شد که «سجده» در آغاز تشریع خود تنها بر زمین بوده و انجام می شده است، مگر در موارد ضرورت و اضطرار.

ولی باید توجه داشت که از دسته ای دیگر از ادله قطعی متواتر می توان چنین استنباط نمود که پیامبر صلی الله علیه و آله سجده بر گیاهان غیر خوراکی و پوشیدنی را در زمان های بعد اجازه فرمود. و به تعبیری دیگر: پیامبر صلی الله علیه و آله در مسأله سجده، گیاهان زمین را به خود زمین ملحق نموده و آنها را از اجزای زمین به حساب آورد و بدین ترتیب بود که مسأله سجده آسان شده و مشکلات و سختی هایی که تحمل آنها برای مسلمانان دشوار می نمود، مرتفع گردید. و حتی بالاتر از این، به مسلمانان اجازه داده شد تا از گیاهان چیزی به نام «خمره» تهیه کرده و در خانه و مسجد، همراه خویش داشته باشند.

«خمره» از شاخ و برگ خرما و به اندازه صورت بافته می شد که در خانه ها و مساجد گذاشته و در نماز بر آن سجده می کردند و این کار به تدریج شیوع پیدا کرد و زیاد شد.

گر چه در این زمینه روایات زیادی وجود دارد، ولی ما در این جا تنها بخشی از آنها

را نقل می کنیم:

۱. انس بن مالک می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله بر خمره نماز می خواند. (۱) ۲. ابن عباس روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر خمره نماز می خواند. (۲) ۳. از ابن عمر روایت شده است که می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله بر خمره نماز می گزارد. (۳) ۴. از عایشه چنین روایت شده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله بر خمره نماز می گزارد. (۴) ۵. از امّ سلمه روایت شده که گفته است: رسول خدا صلی الله علیه و آله بر خمره نماز می خواند. (۵)

۱- «کان رسول اللَّه صلی الله علیه و آله یصلّی علی الخمره». تاریخ اصبهان، أبی نعیم، ج ۲، ص ۱۴۱؛ المصنف، ج ۱، ص ۳۹۴؛ السنن الکبری، بیهقی، ج ۲، ص ۴۲۱؛ سیرتنا، ص ۱۳۰؛ مجمع الزوائد، ج ۲، ص ۵۶- ۵۷؛ به نقل از طبرانی در الأوسط والصغیر با سندهایی که رجال بعضی از آنها موثق هستند.

۲- «انّ النبی کان یصلّی علی الخمره». السنن الکبری، بیهقی، ج ۱، ص ۴۲۱؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۲۶۹، ۳۰۹، ۳۲۰، ۳۵۸، با سندهای متعدّد؛ ترمذی، ج ۲، ص ۱۵۱ که این دو، بابی را برای خمره گشوده اند؛ سیرتنا، ص ۱۲۹؛ منحه المعبود، ج ۱، ص ۸۵؛ المصنف، ابن ابی شیبه، ج ۱، ص ۳۹۸؛ در مجمع الزوائد، ج ۲، ص ۵۶ و ۵۷، از جابر نقل می کند که وی گفته است: رسول خدا صلی الله علیه و آله بر خمره نماز می خواند. راوی خبر هم بزّاز است.

۳- «کان النبی صلی الله علیه و آله یصلّی علی الخمره». مسند احمد، ج ۲، ص ۹۲ و ۹۸ با دو سند، و در ج ۶، ص ۱۱۱ چنین آمده است: «انّ النبی صلی الله علیه و آله سجد علی الخمره؛ یعنی: همانا پیامبر صلی الله علیه و آله بر خمره سجده می کرد». الطبقات، ج ۱، ص ۱۶۰، ق ۲؛ ترمذی، ج ۲، ص ۱۵۱؛ شرح عون المعبود، ج ۱، ص ۱۰۸؛ مجمع الزوائد، ج ۲، ص ۵۶- ۵۷، به نقل از احمد و بزّاز و طبرانی در الکبیر والأوسط، و این عبارت به آن اضافه شده است: «یسجد علیها؛ و بر آن سجده می کرد»؛ المصنف، ابن ابی شیبه، ج ۱، ص ۳۹۹.

۴- «انّ النبی صلی الله علیه و آله کان یصلّی علی الخمره». مسند احمد، ج ۶، ص ۱۴۹، ۱۷۹، ۲۰۹، ۲۴۸ و ۳۳۴، با سندهای متعدد الطبقات، ج ۱، ص ۱۶۰، رقم ۲ با سندهای متعدد. و در بابی که به همین عنوان گشوده است، ترمذی بعد از نقل این حدیث از ابن عباس می گوید: در این باب روایاتی از امّ حبیبه و ابن عمر و امّ سلیم و عایشه و میمونه و امّ کلثوم- دختر ابی سلمه- نیز وارد شده است. و سپس می افزاید: حدیث ابن عباس صحیح بوده و بعضی از اهل علم به آن فتوا داده اند. و احمد و اسحاق گفته اند: نماز خواندن بر خمره از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است(منحه المعبود، ج ۱، ص ۸۵؛ مجمع الزوائد، ج ۲، ص ۵۶- ۵۷).

۵- مسند احمد، ج ۶، ص ۳۰۲؛ ترمذی، ج ۲، ص ۱۵۱؛ سیرتنا، ص ۱۳۰؛ بحار الأنوار، ج ۸۵، ص ۱۵۷ از امام صادق و حضرت علی علیهما السلام است که: «ان رسول اللَّه صلی الله علیه و آله کان یصلّی علی الخمره».

۶. از میمونه هم روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر خمره نماز می گزارد. (۱) ۷. امّ ایمن می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: از مسجد برای من خمره بیاور.

عرض کردم: من حایض هستم. حضرت فرمود: حیض تو به دستت نیست. (۲) ۸. ابی قلابه می گوید: وارد خانه امّ سلمه شدم، سپس در مورد مکان نماز رسول خدا صلی الله علیه و آله از دختر پسر او سؤال کردم. او مسجد را به من نشان داد که خمره ای در آن وجود داشت، خواستم آن را بردارم و از آن جا دور کنم که امّ سلمه گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله بر خمره نماز می خواند. (۳) ۹. از امّ سلیم نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله پیوسته نزد او می رفته و در آن جا خواب قیلوله می کرده و امّ سلیم برای حضرتش پوستی می گسترانیده تا پیامبر صلی الله علیه و آله بر روی آن بخوابد. رسول خدا بسیار عرق می کرده و ام سلیم عرق او را جمع نموده و آن را در عطر و شیشه عطر می ریخته است. ام سلیم گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله بر خمره نماز می خواند. (۴)

۱- «کان رسول اللَّه صلی الله علیه و آله یصلّی علی الخمره» مسند احمد، ج ۶، ص ۳۳۰، ۳۳۱ و ۳۳۵ با سندهای متعدد؛ منحه المعبود، ج ۱، ص ۸۵؛ ترمذی، ج ۱، ص ۱۵۱؛ سیرتنا، ص ۱۲۶؛ الطبقات، ج ۱، ص ۱۶۰، ق ۲؛ فتح الباری، ج ۱، ص ۳۶۴ و ۴۱۳؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۳۲۸؛ سنن نسائی، ج ۲، ص ۵۷؛ سنن دارمی، ج ۱، ص ۳۱۹؛ بخاری، ج ۱، ص ۱۰۷؛ مسند ابی عوانه، ج ۲، ص ۸۰؛ و المصنف، ابن ابی شیبه، ج ۱، ص ۳۹۸.

۲- الإصابه، ج ۴، ص ۴۳۳؛ در شرح حال نامبرده: «قالت: قال لی رسول اللَّه صلی الله علیه و آله: ناولینی الخمره من المسجد. قلت: انّی حائض. قال: إنّ حیضتک لیست فی یدک».

۳- الطبقات، ج ۱، ص ۱۶۰، ق ۲: «دخلت بیت امّ سلمه، فسألت ابنه ابنها عن مصلّی النبی صلی الله علیه و آله، فأرتنی المسجد، فاذا فیه خمره فأردت أن انحیّها، فقالت: انّ النبیّ صلی الله علیه و آله کان یصلّی علی الخمره».

۴- «انه کان یأتیها فیقیل عندها فتبسط له نطعاً فیقیل عندها و کان کثیر العرق فتجمع عرقه فتجعله فی الطیب والقواریر. قالت: وکان یصلّی علی الخمره». مسند احمد، ج ۶، ص ۴۷۷ به دو سند و ج ۳، ص ۱۰۳؛ سیرتنا، ص ۱۲۹؛ در بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۱۵۷ به نقل از دعائم الاسلام، از امام صادق علیه السلام روایت شده است که آن حضرت بر خمره نماز می خواند. مجمع الزوائد، ج ۲، ص ۵۶- ۵۷، به نقل از احمد، طبرانی در الکبیر، و ابی یعلی غیر از این که او گفته است: پیامبر صلی الله علیه و آله خمره و حصیری داشت که بر آنها نماز می خواند(کان لرسول اللَّه صلی الله علیه و آله حصیر وخمره یصلّی علیهما). از ام حبیبه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر خمره نماز می خواند، که ابویعلی و طبرانی در الکبیر و المصنف، ابن ابی شیبه، ج ۱، ص ۳۹۸، آن را نقل کرده اند و رجال ابی یعلی رجال صحیح هستند.

در عبارت احمد آمده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله به منزل ام سلیم می رفت و او برای آن حضرت پوستی را می گستراند تا حضرت بر روی آن بخوابد و ام سلیم عرق پیامبر صلی الله علیه و آله را می گرفت و آن را به عطر خویش می افزود. و نیز برای آن حضرت، خمره ای پهن می نمود و حضرت بر آن نماز می خواند. (۱) ۱۰. عایشه می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود: برای من خمره ای بیاور، عرض کردم:

من حایض هستم. حضرت فرمود: حیض تو در دست تو نیست. (۲) در عبارتی دیگر از وی نقل شده است که گفته است: رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: خمره ای برای من بیاور. من گفتم: حایض هستم. و حضرت فرمود: آن را بیاور، همانا حیض زن در دست و زبان او نیست. (۳) و در نقل دیگری آمده است: پیامبر صلی الله علیه و آله به عایشه فرمود:

خمره ای از مسجد برای من بیاور. عایشه گفت: من حایض هستم. حضرت فرمود: آیا حیض تو در دست تو می باشد؟ (۴) ۱۱. از عایشه چنین روایت شده است: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد بود که به کنیزی فرمود: خمره ای برای من بیاور. جاریه عرض کرد که من حایض هستم.

حضرت فرمود: حیض او در دستش نیست. عایشه می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله

۱- مسند احمد، ج ۳، ص ۱۰۳: «کان رسول اللّه صلی الله علیه و آله یدخل علی امّ سلیم، فتبسط له نطعاً فیقیل علیه، فتأخذ من عرقه فتجعله فی طیبها وتبسط له الخمره فیصلّی علیها».

۲- «ان النبی صلی الله علیه و آله قال لها: ناولینی الخمره. قالت: أنا حائض. قال: إنّها لیست فی یدک». صحیح مسلم، ج ۱، ص ۲۴۵؛ المصنف، ج ۱، ص ۳۲۷؛ ترمذی، ج ۱، ص ۹۰؛ سنن نسائی، ج ۱، ص ۱۹۲؛ ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۰۷؛ ابوداوود، ج ۱، ص ۱۹۷؛ السنن الکبری، بیهقی، ج ۱، ص ۱۸۶ و ۱۸۹؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۷۰ و ۸۶ و ج ۶، ص ۱۰۱، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۷۳، ۲۱۴، ۲۲۹ و ۲۴۵؛ تاریخ اصبهان، ابی نعیم، ج ۲، ص ۱۲؛ شرح عون المعبود بر سنن ابی داوود، ج ۱، ص ۱۰۸، به نقل از ابوهریره و ابن عمر و عایشه؛ سنن دارمی، ج ۱، ص ۲۴۸؛ منحه المعبود، ج ۱، ص ۶۲؛ المصنف، ابن ابی شیبه، ج ۱، ص ۳۹۸.

۳- «قالت: قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله: ناولینی الخمره. قلت: إنّی حائض. قال: ناولینیها، فإنّ حیض المرأه لیس فی یدها ولافمها».

۴- «إنّ النبی صلی الله علیه و آله قال لعائشه: ناولینی الخمره من المسجد. فقالت: إنّی أحدثت. فقال: أو حیضتک فی یدک؟».

می خواست تـا خمره را پهن کنـد و روی آن نماز بجا آورد. (۱) ۱۲. عایشه می گوید: رسول خدا صـلی الله علیه و آله فرمود: خمره ای از مسجد برای من بیاور. من به حضرتش گفتم: حایض هستم و حضرت فرمود: حیض تو در دست تو نیست. (۲) ۱۳. میمونه- همسر رسول خـدا صـلی الله علیه و آله- می گویـد: رسول خـدا نماز می خواند و من مقابل او بودم، گاهی در هنگام سجده لباس حضرت به من برخورد می کرد و آن حضرت بر خمره نماز می گزارد. (۳) ۱۴. نیز از میمونه منقول است: یکی از مـا زن هـا- در حـالی که حـایض بود- خمره را به مسـجد برده و پهن می کرد. (۴) ۱۵. و نیز از میمـونه روایت شـده است که رسول خـدا صـلی الله علیه و آله به منزل او وارد می شد، در حالی که وی حایض بود، سپس او برای حضـرت خمره ای را در محلّ نماز پهن کرده و

۱- «إن رسول اللَّه صـلی الله علیه و آله کـان فی المسـجد، فقـال للجاریه: ناولینی الخمره. فقالت: إنّها حائض. فقال: إنّ حیضـتها لیست فی یدها. فقالت عائشه: أراد أن تبسطها فیصلّی علیها». الطبقات، ج ۱، ص ۱۶۰، ق ۲؛ سنن دارمی، ج ۱، ص ۲۴۷ و ۱۹۷؛ سنن ترمذی، ج ۱، ص ۲۴۲؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۰۷؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۲۴۵؛ سنن ابی داود، ج ۱، ص ۶۸؛ سنن نسائی، ج ۱، ص ۱۴۶ و ۱۹۲؛ مسند احمد، ج ۶، ص ۴۵، ۱۰۶، ۱۷۹، ۲۱۴، ۲۲۹ و ۲۴۵؛ و با اندکی تفاوت در مسند ابی عوانه، ج ۱، ص ۳۱۳- ۳۱۴، با سندهای متعدد.

۲- «قـال رسول اللَّه صلی الله علیه و آله: نـاولینی الخمره من المسـجد. قـالت، قلت: إنّی حـائض. فقـال: إنّ حیضـتک لیست فی یدک». الطبقات، ج ۱، ص ۱۶۰، ق ۲؛ سنن دارمی، ج ۱، ص ۲۴۷ و ۱۹۷؛ سنن ترمذی، ج ۱، ص ۲۴۲؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۰۷؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۲۴۵؛ سـنن ابی داود، ج ۱، ص ۶۸؛ سنن نسائی، ج ۱، ص ۱۴۶ و ۱۹۲؛ مسند احمد، ج ۶، ص ۴۵، ۱۰۶، ۱۷۹، ۲۱۴، ۲۲۹ و ۲۴۵؛ و قریب به این مضمون در مسند ابی عوانه، ج ۱، ص ۳۱۳- ۳۱۴، با سندهای متعدد.

۳- «عن میمونه- زوج النبی صـلی الله علیه و آله- قـالت: کـان رسول اللَّه صـلی الله علیه و آله یصـلّی وأنا خـداؤه وربما أصابنی ثوبه اذا سـجد وکان یصـلّی علی الخمره». صحیح مسلم، ج ۱، ص ۴۵۸؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۳۲۸؛ سنن بیهقی، ج ۲، ص ۴۲۱؛ ارشـاد الساری، ج ۱، ص ۴۰۵- ۴۰۶؛ صحیح بخاری، ج ۱، ص ۹۰ و ۱۰۶؛ سـنن ابی داوود، ج ۱، ص ۱۷۶؛ شرح عون المعبود، ج ۱، ص ۲۴۸؛ سنن دارمی، ج ۱، ص ۳۱۹؛ فتح الباری، ج ۱، ص ۳۶۴ و ۴۱۰؛ تیسیر الوصول، ج ۱، ص ۳۱۵(چاپ هند)؛ المصنف، ابن ابی شیبه، ج ۱، ص ۲۸۶ و ج ۲، ص ۳۶۰.

۴- سنن نسائی، ج ۲، ص ۱۴۷ و ۱۹۲؛ تراتیب الاداریه، ج ۱، ص ۸۱: «تقوم أحدنا بالخمره إلی المسجد فتبسطها وهی حائض».

رسول خدا صلی الله علیه و آله در منزل او و بر آن خمره نماز می خواند. (۱)(روایت را مختصر کردیم)

۱۶. و نیز از او چنین نقل شده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله سر خود را بر دامن یکی از زن های خویش می گذارد و قرآن تلاوت می کرد، در حالی که آن زن، حایض بود. یا این که یکی از ما زن ها در حالی که حایض بود، خمره آن حضرت را به مسجد برده و پهن می کرد. (۲) ۱۷. از عثمان بن حنیف نقل شده که می گوید: ای کنیز! خمره ام را بیاور و کنیز در جواب می گوید: من حایض هستم و وی در جواب کنیز می گوید: همانا حیض تو، در دست تو نیست. (۳) ۱۸. ابن عمر در غیر مسجد، روی خمره ایستاده و بر آن سجده می کرد، در حالی که حصیر خانه او، زیر آن پهن بود. (۴) ۱۹. در مورد ابن عمر نقل شده است که کنیزان او پاهایش را می شستند در حالی که حایض بودند و خمره برای او می آوردند. (۵) ۲۰. عمر بن عبدالعزیز روی خمره نماز می خواند. (۶) ۲۱. بعضی از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام وضو بر دست پیامبر صلی الله علیه و آله آب می ریختند و

۱- المصنف، عبدالرزاق، ج ۱، ص ۳۲۵: «إنّ رسول اللّه صلی الله علیه و آله یدخل علیها قاعده وهی حائض، فتسبط له الخمره فی مصلّاه، فیصلّی علیها فی بیتی(فی حدیث طویل، اختصرناه).

۲- سنن نسائی، ج ۱، ص ۱۹۲: «کان رسول اللّه صلی الله علیه و آله یضع رأسه فی حجر إحدانا، فیتلوا القرآن وهی حائض. وتقوم إحدانا بخمرته إلی المسجد فتسبطها وهی حائض».

۳- الطبقات، ج ۸، ص ۳۱۳؛ المصنف، ابن ابی شیبه، ج ۲، ص ۳۶۰: «إنّ عثمان بن حنیف قال: یا جاریه ناولینی الخمره. قالت: لست أصلّی. قالت: إنّ حیضتک لیست فی یدک».

۴- المصنف، عبدالرزاق، ج ۱، ص ۳۹۴: «إنّ ابن عمر کان یصلّی علی خمره تحتها حصیر بیته فی غیر مسجد، فیسجد علیها ویقوم علیها».

۵- الموطأ، مالک، ج ۱، ص ۷۳؛ المصنف، عبدالرزاق، ج ۱، ص ۳۲۷ و ۳۹۶؛ سنن دارمی، ج ۱، ص ۲۴۶؛ و قریب به آن در ص ۲۴۹: «إنّ جواربه یغسلن رجلیه وهنّ حیض ویلقین إلیه الخمره».

۶- الطبقات، ج ۱، ص ۳۶۶، ق ۲: «کان عمر بن عبدالعزیز یصلّی علی الخمره».

خمره برای او می آوردند، در حالی که حایض بودند. (۱) ۲۲. اشکالی ندارد که زن حایض بر دست وضو گیرنده آب ریخته و برای او خمره بیاورد. (۲) ۲۳. در مورد ابن عمر گفته شده است که وی روی خمره، نماز می گزارد. (۳) ۲۴. از ابوذر نیز نقل شده است که او نیز بر خمره، نماز می گزارده است. (۴) ۲۵. روایت شده که ابن عمر به کنیز خود گفت: خمره ای از مسجد برای من بیاور. کنیز در پاسخ او گفت: من حایض هستم. ابن عمر به او گفت: حیض تو در دست تو نیست. (۵) احادیث مذکور در کتاب های وسائل الشیعه و المحاسن برقی و بحار الأنوار نیز آمده است. (۶) شیخ حرّ عاملی در وسائل الشیعه، روایاتی را که بر جواز سجده بر خمره دلالت می کنند جمع آوری کرده است که ذکر بخشی از آنها گذشت. (۷) وی به نقل از «کافی» از امام باقر علیه السلام روایت می کند که از ایشان درباره نماز بر روی خمره ای که در مدینه بافته می شود، سؤال شد و حضرت در پاسخ چنین مرقوم فرمود: روی آنچه نخ در آن به کار رفته است، نماز بخوان و بر آنچه پوست، در آن به کار رفته است، نماز نخوان. (۸)

۱- کافی، ج ۳، ص ۱۱۰(چاپ جدید)؛ التهذیب، ج ۱، ص ۳۹۷(چاپ جدید): «قد کان بعض نساء النبیّ تسکب علیه الماء وهی حائض وتناوله الخمره».

۲- من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۹۵(چاپ جدید): «ولا بأس أن تسکب الحائض علی ید المتوضّی وتناوله الخمره».

۳- المصنف، ابن ابی شیبه، ج ۱، ص ۳۹۹: «عن ابن عمر: انّه کان یصلّی علی الخمره».

۴- همان مدرک: «عن أبی ذر: انّه کان یصلّی علی الخمره».

۵- المصنف، ابن ابی شیبه، ج ۲، ص ۳۶۰: «عن ابن عمر: انّه کان یقول لجاریته: ناولینی الخمره من المسجد. فتقول: إنّی حائض. فیقول: إنّ حیضتک لیست فی یدک».

۶- ر. ک: وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۵۹۵ که از مشایخ سه گانه و المحاسن برقی نقل کرده است. و بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۱۰۸.

۷- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۶۰۳.

۸- «صلّ علی ما کان معمولًا بخیوطه ولا تصلّ علی ما کان معمولًا بسیوره». «سیور» چیزی است از پوست که به طول بریده می شود. و شاید تفاوت حصیری که نخ در آن به کار رفته با حصیری که در آن از پوست استفاده شده است- علی رغم این که هر دو در داخل شاخه های خرما پوشیده شده و مخفی هستند- این است که گاهی از اوقات، کارگران از مردار پرهیز نمی کنند و یا این که معتقدند که پوست مردار به وسیله دبّاغی پاک و طاهر می شود، چنان که الوافی، در حاشیه کافی به این مطلب اشاره دارد.(ر. ک: کافی، ج ۳، ص ۳۳۱ حاشیه آن).

مطالب فوق عیناً از کتاب آغاز و اتمام سجده، نوشته آیت اللّه علی احمدی میانجی نقل شده است.

ملاحظه می شود که در این میان دو استفاده ابزاری مهم انجام می شود:

۱. کار شیعه نه تنها انحراف از سنت نبوی نیست که عیناً انجام سنت است.

۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حتی خلفا هیچ گونه نهی از سجده بر خاک نکرده اند، یعنی اگر فعل اهل سنت خلاف شرع نباشد و قابل اغماض باشد(ان شاء اللّه) فعل شیعه با هیچ گونه نهی مواجه نشده است.

با این تفاصیل آیا برخورد با استفاده شیعه از مُهر نوعی استفاده ابزاری از قدرت حکومت بر مکه و مدینه قلمداد نمی شود؟!

۱۱. مفاتیح و کتب ادعیه

اصل دعا مورد قبول اهل سنت هم قرار دارد. خواندن دعا بعد از دعاهای قرآنی در اهل سنت نیز دارای آداب و رسومی است و کتاب های بسیاری از علمای اهل سنت در این زمینه چاپ شده است.

مشکل کتاب مفاتیح الجنان، وجود زیارت عاشورا و لعن های پنجگانه در این زیارت است که غضب حاکمان سعودی و علمای آنها را به همراه دارد. این در حالی است که:

اولًا: این پنج نفر شامل کسانی هستند که حق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را نقض کرده و حقوق فرزندان شان را غصب نموده اند. اگر خلفای راشدین اهل سنت شامل این افراد نیستند پس این تعصب بی جا و غیر منطقی است.

ثانیاً: در مفاتیح هیچ اسمی از خلفا برده نشده است که تأکیدی باشد و این گونه با آن برخورد حذفی کردن کاری غیر معقول است.

ثالثاً: طبق نقل مجموع الفتاوی شیخ الاسلام(۴۰/ ۴۳۷) که از بزرگان علمای اهل سنت و مورد قبول وهابیت می باشند: «و أمّا من قتل الحسین أو أعان علی قتله أو رضی بذلک فعلیه لعنه اللّه والملائکه والناس أجمعین»؛ یعنی هر کس حسین علیه السلام را به شهادت رسانید یا در قتل او کمک کرد یا به آن راضی بود لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر او باد. وقتی علمای وهابیت قاتل امام حسین علیه السلام و زمینه ساز این قتل(حتی اگر چهار نفر باشند) را مورد لعنت قرار می دهند، پس زیارت عاشورا که افراد مورد لعن را هم نام نمی برد هیچ اشکالی ندارد.

رابعاً: طبق روایات متعدد صحیح مسلم در باب فضائل علی علیه السلام (۱) به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«اذکرکم اللّه فی أهل بیتی. اذکرکم اللّه فی أهل بیتی ...»؛ خیلی سفارش می کنم شما را به خدا درباره اهل بیتم. خیلی سفارش می کنم شما را به خدا درباره اهل بیتم ... حال اگر شیعه آنهایی که به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام او جفا کرده اند را لعن کند، آیا فعل حرامی انجام داده است؟

خامساً: طبق روایتی که اهل سنت نقل می کنند: روزی عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله از جفای اعراب به خاندان نبوی شکایت کرد، سپس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: قسم به خدا هرگز مؤمن نمی شوید تا این که شما من را و اهل بیتم را به خاطر خدا و به خاطر خویشاوندی با من دوست بدارید.

آیا لعن کسانی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بی ایمانی آنها را در این حدیث شریف گواهی داده است کاری خلاف شرع است؟!

با این اوصاف آیا برخورد با کتاب مفاتیح الجنان در گمرک و در مشاهد شریفه به

۱- ج ۱۵، ح ۱۸۸.

گونه ای که گویا شیعه کالای قاچاقی همراه دارد، استفاده ابزاری از لوازم و تجهیزات زیارت نمی باشد؟!

۱۲. مصحف علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام

از تبلیغ علیه شیعه در خطبه های نماز جمعه و نیز در کتب منتشر شده و همچنین در سخنرانی های داخل حرم های شریف و متهم ساختن آنها به داشتن مصحف فاطمه علیها السلام و مصحف علی علیه السلام به عنوان آخرین استفاده ابزاری از لوازم زیارت نام می بریم.

در جوامع شیعی هیچ قرآنی به این نام وجود ندارد. تمام شیعیان همان قرآن و مصحف محمدی را قبول دارند که در زمان عثمان خلیفه سوم جمع آوری شده است و امام صادق علیه السلام تأکید فرمود که این قرآن بی هیچ کم و زیاد مورد نظر اسلام است.

نتیجه گیری

در این نوشتار به علت سعی در رعایت اختصار، به طور کلی در سه گروه استفاده های ابزاری به ترتیب ذیل، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت:

۱. در گروه استفاده ابزاری از اماکن زیارتی، تعداد هشت مورد.

۲. در گروه استفاده ابزاری از زایر، تعداد ده مورد.

۳. در گروه استفاده ابزاری از ابزار و تجهیزات زیارتی، تعداد دوازده مورد.

فهرست منابع

۱. قرآن مجید.

۲. آغاز و اتمام سجده، آیت اللّه علی احمدی میانجی، دفتر انتشارات اسلامی.

۳. ایمان به فرشتگان، دکتر صالح بن فوزان الفوزان، عضو کمیته فتاوای عربستان سعودی، ترجمه ابو عبداللّه، ریاض.

۴. بیان ما تشرع زیارته و ...، عبدالعزیز بن باز، چاپ سوم، مکه مکرمه، ۱۴۲۷ ق.

۵. پناهگاه توحید، عبدالرحمن السعدی عبدالعزیز بن باز، ترجمه اسحاق بن عبداللّه العوضی، ۱۳۸۴ ق.

۶. التحریر من البدع، عبدالعزیز بن باز، مکه مکرمه، چاپ چهارم، ۱۴۲۶ ق.

۷. تحفه الأبرار فی الأدعیه والآداب والأذکار، محمد بن جمیل زینو، چاپ سوم، ۱۴۲۷ ق.

۸. زیارت مسجد نبوی و احکام و آداب آن، علامه عبدالعزیز بن عبدالدین باز، ترجمه اریس مسلم نژاد.

۹. سخنرانی و اندرزهای پیامبر در حجه الوداع، عبدالرزاق بن عبدالحسن البدر، ترجمه فتح اللّه مطیع، چاپ اول، مکه مکرمه، ۱۴۲۷ ق.

۱۰. فضائل الصلاه والسلام علی محمد خیر الانام، محمد بن جمیل زینو، مدرّس دارالحدیث مکه، ۱۴۲۷ ق.

۱۱. مسائل توحید از طریق سؤال و جواب، دکتر ابراهیم بن صالح الخضری، قاضی محکمه بزرگ ریاض، ۱۴۲۴ ق.

۱۲. نبذه فی العقیده الاسلامیه، محمد بن صالح العثمین، چاپ عنیزه، ۱۴۲۸ ق.

۱۳. الواسطه بین الحق والخلق، ابن تیمیه(شیخ الاسلام)، مدینه منوره.

۱۴. وحدت و شفقت صحابه و اهل بیت، صلح درویش از علمای اهل سنت.

۸. جامعه شناسی زیارت

اشاره

فاطمه بطیار

چکیده

زیـارت مراقـد مطهر معصومین گـامی در مسیر تزکیه زایر است. این دیـدارها، مقـدّمه قرب معنوی است. زمینه را برای همسـو شـدن بـا آن انسـان های والا و اسوه های کمال فراهم می سازد. اماکن زیارتی مهم در شاخه شـیعه دین اسـلام، مکه، آرامگاه پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و امامان شیعه علیهم السلام از جمله عتبات عالیات در عراق و آرامگاه امام رضا علیه السلام در مشهد است. زیارت در معنی مذهبی به یک سفر طولانی به منظور انجام دستور مذهبی گفته می شود. زیارت اکثراً برای انجام یک کردار یا فریضه دینی و به اماکن مذهبی انجام می گیرد، اماکنی که برای پیروان آن دین مقدس به شـمار می آیند. پدیده زیـارت کمـابیش در بیشتر دین هـای جهـان وجود دارد. زیارتگـاه ها، محیطهایی پاک است که صـداقت و کمال را به یاد می آورد و بازدارنده از رذایل اخلاقی و افزاینده فضایل است. هر چه میزان خداشناسی، پیغمبرشناسی و ولی شناسی بیشتر باشد، به همان اندازه نصیب زایر از برکات این قبور نورانی و مزارهای متبرک بیشتر خواهد بود.

کلیدواژه ها: زیارت، ائمه، امامزاده، جامعه شناسی، شیعه.

مقدّمه

زیـارت، خود را بـا الگو سـنجیدن است. زایر هر که باشـد، زیـارت، هر گاه که انجام شود ... مزار در هر جا و هر سـرزمین که باشـد، کـانونی برای رشـد معنویـات و زمینه ای برای رشـد ارزش های الهی در انسان هاست، چه زیارت خانه خـدا باشـد، چه زیارتِ

مرقـد رسول اللّه، چه زیارت قبور اولیای دین و مدفونین مظلوم بقیع، و چه شـهدای احد، مدفونین قبرسـتان ابوطالب(در مکه) و به خاک آرمیدگان در شهرهای مختلف و زیارتگاه های دور و نزدیک، مشهور و گمنام.

اینهـا همه، دل و جـان را روشن سـاخته و امیـد می بخشـند، حتی زیـارت قبور مؤمنـان و صالحـان نیز انسـان را به یاد آخرت و صلاح می اندازد و یاد خدا را در دل ها بیدار می سازد. از قبور اولیا اللّه، نور معرفت و هدایت می درخشد.

مکـان هـای مقـدس و مـذهبی، انسـان را به خـدا نزدیـک می کنـد و حـالت خضوع و آرامش ایجـاد کرده، روح را سـرشار از خلوص، دل را پر از امید، جان را لبریز از صفا و عشق می سازد. (۱).

همت زایر در این مکان های مقدس باید توجه به این موارد باشد:

استفاده هر چه بیشتر از فضای پرنور این مکان مقدس با استغفار و طلب آمرزش و دعا برای خود و برادران دینی و قرائت قرآن کریم و خوانـدن دعاها و زیارت های وارد از ائمه علیهم السـلام مانند زیارت جامعه و زیارت امین اللّه و دعای عالیه المضامین و دعای مکارم الأخلاق و مناجات خمسه عشر امام سجاد علیه السلام. (۲).

نگاه به دیدگاه جامع زیارت

۱. سلام، ۲. شهادت، ۳. توسل. هر یک از این محورها، مضامین بلندی دارد در «معنا و محتوا»؛

«سـلام»، معرفت، محبت و اطاعت پاکان را صـلا می زند و تولّای آنان را بازخوانی می کند. انسان با بیان سلام های خود مانند «السلام علیک یا سبیل اللّه الذی من سلک غیره هلک»، مهر و عشق خود را به تنها راه اظهار می کند و به راه می افتد.

«شهادت»، حضور یافتن در ساحت «معرفت»، «محبت» و «اطاعت» و بار یافتن در

۱- http ://aftab .ir.

۲- www .masoumeh .com /far /page .php ?page ۲ id ۱.

ساحل «تولّای پاکـان و پـاکی هـا» است. این حضور و گواهی، در گلزار سـخن و کلام و دامنه سـرسبز بیان، جلوه می کنـد و زیبایی ها را در «أشهد أنّ بولایتک تقبل الأعمال و ...»، این گونه به تماشا می گذارد.

با توسل به قامت بلند تنها راه، روح خود را به سوی دشت و دمن پاکان روانه می سازد و زمینه های درخواست و اجابت آن را از معبود خود فراهم می کند و این سان ناله و نجوا سر می دهد: «و أتوسل بک و ... و أسئله ... أن تجعل لی کثرةً فی ظهورک و رجعةً فی أیّامک لأبلغ من طاعتک و مرادی» و «اللّهم أنصـره نصـراً عزیزاً و أفتح له فتحاً یسـیراً» و ظهور، نصـرت، فتح و ... را برای تنها راه از خدا، دعا و طلب می کند.

جامعه شناسی زیارت

جامعه شناسی زیارت (۱).

پیش از آن که مقصود از اصطلاح «جامعه شناسی زیارت» را توضیح دهیم، ابتدا هر یک از دو واژه «جامعه شناسی» و «زیارت» را تعریف می کنیم تا مدخل بحث فراهم آید و از ابهامات احتمالی آن بکاهد.

«جامعه شناسـی» را می توان علم شـناخت زنـدگی اجتماعی، گروه ها و جوامع انسانی تلقی نمود؛ (۲) یعنی هنگامی که گروه هـا، قشـرها و طبقـات بزرگ و کوچک یک جامعه را به طور نظام منـد مطالعه می کنیم، در واقع، به جامعه شناسـی آن جامعه پرداخته ایم. در این زمینه، نیازهـای اساسـی آنهـا و راه هـای جمعی را که آنهـا به برآورده سـاختن نیازهای خود می پردازنـد، مورد توجه قرار می دهیم و اعمـال و رفتـار و کنش هـای جمعی الگودار آنها را مطالعه می کنیم. حال فرقی نمی کنـد که کل واقعیت اجتمـاعی و یـا جـامعه کل را مورد بررسـی قرار دهیم(جامعه شناسـی کلان) و یا تنها یک گروه، یک فرقه، یک اقلیت قومی و مذهبی را تحقیق نماییم(جامعه شناسی خرد).

۱- http:// www. hawzah. net/ Per/ Magazine/ MR/ ۵۴۰/ mr ۹۰۵۴۰. Asp

۲- Giddens, Anthony, Sociology polity

اما «زیارت» اگر چه در اصل، به معنای قصد کردن و ملاقات نمودن است، (۱) ولی در معنای اصطلاحی متداول آن، به هرگونه دیدار و ملاقاتی زیارت اطلاق نمی شود.

بلکه زیارت ملاقات با اشخاص و دیدار از اماکنی است که از نظر زیارت کنندگان دارای احترام، شرافت، برتری و خارق العادگی می باشند. همین مفهوم را نیز می توان در متون دینی مشاهده نمود؛ مثلًا، در متون دینی به ما تأکید می شود که به زیارت عالمان دین برویم (۲) و یا خانه خدا و قبر شریف پیغمبر صلی الله علیه و آله و قبور شریف امامان شیعه علیهم السلام را زیارت کنیم. (۳) بدین روی، افراد به زیارت چهره های علمی و معنوی می روند و یا زایر اماکن عالیه و مشاهد مشرفه می شوند تا از اعتبار، قدسیت، فضیلت، معنا و روحانیتی که در شخص و یا مکان مزبور وجود دارد، بهره مند گردند.

حال با این توضیح، هنگامی که اصطلاح «جامعه شناسی زیارت» را به کار می بریم، مقصود عبارت از مطالعه آن دسته از رفتارهای گروهی، جمعی و جامعه ای است که عرفاً به عنوان عمل «زیارتی» (۴) نامیده می شود. مطالعه منظم و روشمند رفتار یک گروه کوچک، که به زیارت امامزاده روستای خود می رود «جامعه شناسی زیارت» است، مطالعه جامعه شناسانه اعمال یک جمع چند هزار نفری که به زیارت امام رضا علیه السلام می روند هم «جامعه شناسی زیارت» است. همچنین مطالعه حالات، حرکات و سکنات و رویه و رفتار یک جمع چند میلیونی که سالانه به زیارت خانه خدا مشرف می شوند نیز «جامعه شناسی زیارت» است. در این زمینه، کوچکی یا بزرگی عرصه عمل اجتماعی و مطالعه آن، تفاوتی در صدق عنوان اصطلاح مورد بحث پدید نمی آورد، هرچند ممکن است تفاوت های عمقی را برای یک جامعه شناس ظاهر سازد.

همین معنا را با عبارت دیگری نیز می توان توضیح داد. هنگامی که پدیده زیارت را

۱- زاره، یزوره، زیاره، زوراً أی قصده، فهو زائر، و هم زوار. ر. ک: المفردات، ماده «زور»؛ المصباح المنیر.

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۳۹.

۳- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۵.

۴- زیارت از راه دور نیز اگر چه زیارت است، ولی در کانون بحث ما قرار ندارد.

چه در قالب زیارت یک گروه کوچک و یا در قالب یک جمع بسیار بزرگ با راه ها و روش های جامعه شناسانه مورد تحقیق قرار می دهیم، در واقع، به جامعه شناسی زیارت مبادرت ورزیده ایم. پس «جامعه شناسی زیارت» عبارت از شاخه ای و یا حوزه ای از جامعه شناسی است که به رفتار زیارتی جمع(به عنوان یک کنش جمعی و اجتماعی) می پردازد. در عین حال، از آن جا که زیارت مشاهد مشرفه و اماکن مذهبی خود یک عمل دینی است، جامعه شناسی زیارت در واقع، عرصه ای خاص از جامعه شناسی دین را تشکیل می دهد و در زیر مجموعه های آن قرار می گیرد.

به هر تقدیر، آنچه تاکنون گفته شد در واقع، شرحی متداول و متعارف و در عین حال، «آکادمیک» و همساز با ضوابط و قواعد جامعه شناسی از اصطلاح جامعه شناسی زیارت است، ولی این اصطلاح را می توان به شیوه ای گسترده تر و عمیق تر نیز توضیح داد و آن هنگامی است که در مطالعه پدیده زیارت، از ایده ای که جامعه شناس معروف معاصر سی رایت میلز در اثر بدیع خود به نام تخیل جامعه شناسانه (۱) پیشنهاد کرده استفاده کنیم. آنتونی گیدنز یکی از برجسته ترین جامعه شناسان حاضر نیز در کتاب جامعه شناسی خود، این ایده را بسط داده و به طور نمونه، در مطالعه عمقی خود درباره «قهوه» به کار گرفته است. (۲).

تخیل جامعه شناسانه به معنای فاصله گرفتن از شیوه متداول تفکر و اندیشیدن، و دور ساختن اندیشه از جریان های عادی زندگی روزانه، برای از نو نگریستن به آنهاست. حال اگر بخواهیم تخیل خلاق جامعه شناسانه را در مطالعه پدیده «زیارت» به کار گیریم، باید زیارت را نه تنها در رابطه با زایران، بلکه در شبکه وسیعی از روابط اجتماعی انسان هایی که به نحوی درگیر پدیده زیارتند، مورد مطالعه قرار دهیم. در این صورت، همه آنها که در تعامل مشترک با یکدیگر قرار می گیرند تا زیارت جمع

۱- Mills, C. Wright The Sociological(۱۹۷۰. Penguim)Imagination

۲- Giddens ,Anthony ,Op .cit ,p

شکل گیرد، در محدوده تحقیق و بررسی ما قرار می گیرند.

به توضیح بیش تر، جامعه برای انجام زیارت(در سطح کلان)، کارهای متعدد و متنوعی را تدارک دیده است، طیف وسیعی از نقش هایی را پدید می آورد که همگی در تحقق زیارت، سهیم می باشند، به گونه ای که بدون این کارها و بدون ایفای این نقش ها، زیارت جمعی تحقق نمی یابد. از این رو، جامعه شناسی زیارت با استفاده از این اندیشه خلاق، که از سی رایت میلز فرا گرفته، پدیده زیارت- مثلًا، زیارت حضرت امام رضا علیه السلام- را تنها در سطح زیارت کنندگانی که به راحتی قابل مشاهده اند، محصور نمی بیند، بلکه مجموعه ای از ارتباطات و پیوستگی متقابلی را مورد ملاحظه قرار می دهد که می تواند به صورت ذیل دسته بندی گردد:

۱. در بدو امر، مجموعه انسان های بزرگ و کوچک، پیر و جوان، زن و مردی قرار دارند که عرفاً به عنوان «زوار» و یا «زایران» نامیده می شوند.

۲. سپس دسته ای از انسان هایی که به کار ساختن، بازسازی، تعمیر و مرمت قبر و ضریح و حرم و بنای لازم برای زیارت جمع مشغولند.

۳. دسته ای از افرادی که به آماده سازی فضای زیارتی مشغولند؛ مثلًا، نور، سرما، گرما، تهویه، نظافت زیارتگاه و امثال آن را آماده می کنند.

۴. دسته ای از انسان هایی که به خدمات رسانی به زایران اشتغال دارند؛ آنها را به حرم راهنمایی می کنند، به هدایت گم شدگان می پردازند، نذورات و هدایا را دریافت می کنند، هدایایی به زایران می دهند، برای زایران زیارتنامه و روضه می خوانند، برای آنها مراسم سخنرانی برپا می کنند و ده ها کار دیگر شبیه این انجام می دهند.

۵. دسته وسیعی از کارها و شغل ها که به آماده سازی غذای زیارت کنندگان می پردازند؛ مواد خام می آورند، پخت و پز می کنند و معمولًا به طور مجانی بین زایران توزیع می کنند و یا به آنها می فروشند.

۶. بسیاری از کارها و شغل ها برای تأمین سرپناه زایران شکل می گیرد؛

مجموعه ای از هتل ها، مسافرخانه ها، خانه های اجاره ای، چادرها، حسینیه ها، زایرسراها و نظایر آن که هزاران نفر را به یکدیگر مربوط می سازد.

۷. دسته ای از افراد که به تأمین پارکینگ برای اتومبیل زایران مشغولند.

۸. گروهی که برای زایران، قرآن و دعا و زیارتنامه چاپ می کنند و دسته ای که آنها را به فروش می رسانند.

۹. دسته ای که برای زایران سوغات تدارک می بینند؛ آنهایی که مهر و تسبیح و نبات و نقل و نخود و کشمش و پرچم و انگشتر و عطر تولید می کنند و کسانی که آنها را به فروش می رسانند.

۱۰. دسته ای که به امر بیماری و ناخوشی زایران می پردازند و بیمارستان و درمانگاه و داروخانه را سرپا نگه می دارند.

۱۱. گروهی که برای پرکردن ساعات خالی زایران و سرگرمی آنها، کارهایی را در نظر می گیرند و اماکن و برنامه های تفریحی، موزه ها، نمایشگاه ها و امثال آن را می چرخانند.

۱۲. دسته ای که وسایل سفر را مهیا می کنند و به امر ایاب و ذهاب و جابه جایی زایران از اطراف و اکناف کشور و گاه بیرون از کشور در سطحی بین المللی اشتغال دارند. انواع وسایل نقلیه(اتوبوس، قطار، هواپیما، اتومبیل شخصی) و درصد افرادی که از آنها استفاده می کنند نیز مورد ملاحظه قرار می گیرند.

و ده ها مورد کارهایی از این قبیل. پس ملاحظه می کنید که شبکه بسیار وسیع و گسترده ای از عمل جمعی و تعامل گروهی در شکل گیری پدیده «زیارت» وارد عرصه می شوند که ذهن خلاق و چشم تیزبین جامعه شناس باید به دقت آنها را ملاحظه و محاسبه نماید تا بتواند شناخت دقیق و جامعی از آن به دست آورد. با این حساب، می توان حدس زد که اگر به طور مثال، سالانه سه میلیون نفر به زیارت مشهدالرضا علیه السلام می روند، احتمالا سی میلیون انسان به نحوی از انحا در شکل گیری این امر دخیل

بوده، بـافت ارتبـاطی فوق العـاده عظیمی از عمل و عکس العمل، کنش و واکنش، نقش ها و وظیفه ها را پدیـد می آورنـد که جامعه شناسی زیارت از بررسی و توصیف و تفسیر و تبیین آنها ظاهر می گردد.

نکته ای را که در این جا باید متذکر شویم این است که تمامی شـبکه ارتباطی وسـیعی که در سطور فوق به آنها اشاره شد، در حول یـک کـانون نمـادین یـک حرم، یک زیارتگاه(مثلًا، حرم حضـرت رضا علیه السـلام) شـکل گرفته و تـداوم می یابـد که جزءجزء آن مکان برای شبکه ارتباطی مذکور محترم و مکرم بوده، ایجاد حالات معنوی و طراوت روحی می کند.

با این توضـیح، اکنون تخیل جامعه شناسانه بهتر شناخته شد و دید وسیع و نگرش جامع الاطراف ناشی از آن به طور خرد و ریز بیان گردیـد. در واقع، پس از فراغت از این مرحله از بررسـی و توصـیف است که به مرحله دیگر- یعنی تفسـیر و یا تبیین عمل جمعی زیـارت- وارد می شویم و از خود می پرسـیم که چرا و به چه خاطر، چنین جمع وسـیعی از انسان ها به چنین کاری، که «زیارت» نامیـده می شود، اقـدام کرده، همواره آن را تکرار می کننـد. آنها چه هـدف و یا چه اهدافی را از عملشان منظور می دارند و زیارت چه کارکردی برای آنها دارد و چه نیازی از نیازهای انسانی، روانی و اجتماعی آنها را برآورده می سازد.

در پاسـخ بدین سؤال، در ابتدا به حدس می پردازیم:(طرح فرضـیه) و عامل و یا عواملی را که از نظر ما قادر است عمل زیارت را توجیه و تفسـیر نماید، نامزد می کنیم(مثلًا معناخواهی، معنویت جویی) و سـپس به ارزیابی آن پرداخته، توانایی، اسـتحکام و جامعیت و اعتبار آن را مجدداً بازبینی می کنیم:

(ارزیابی فرضیه) و سرانجام، تفسیری از عمل زیارت ارائه می دهیم:(ارائه نظریه) که در واقع، دیدگاه ما نسبت به سؤال فوق در زمینه چرایی و چگونگی پدیده «زیارت» را بازگو می کند.

جامعه شناسی امامزادگان در ایران

هر کدام از ما در اطراف محل زندگی خود با زیارتگاه امامزادگان زیادی مواجه شده ایم. اگر به مسافرتی نیز برویم در مسیر راه، ده ها امامزاده مشاهده می کنیم. در مسیرهای صعب، بالای کوه، در روستاهای کوچک و بسیاری جاهای باور نکردنی، مقبره هایی به نام امامزاده مشاهده کرده ام. این مکان ها که اکثراً مقبره فرزندان و نوادگان ائمه معصومین است، کارکرد و نقش فراوانی در زندگی اجتماعی ما ایرانیان ایفا کرده اند. در اکثر روستاها، در کنار امامزاده، قبرستان روستا نیز بنا شده است.

فعالیت های جمعی روستا، اعیاد و عزادارای ها، خصوصاً عزاداری روز عاشورا از امامزاده آغاز می شود و یا در آن پایان می یابد. مسافران و گذری ها نیز معمولًا از امکانات امامزاده استفاده می کنند. بسیاری از مریض ها، حاجتمندان و ... برای امامزاده نذر و نیاز می کنند. و حاجات خویش را از طریق امامزاده از خداوند طلب می کنند. در یک کلام امامزاده ها هویت خاصی به مذهب شیعه و پیروان آن داده اند که در هیچ جامعه ای یافت نمی شود. وقایع تاریخی و سیاسی و اجتماعی خاص، کتاب ها، فیلم ها، داستان ها و مقالات مختلفی بر این مبنا شکل گرفت. (۱).

نتیجه گیری

زیارت، یک عمل تکراری و بی روح نیست. زایر، نباید به ظواهر، شکل ها، ساختمان ها، در و دیوار و نور و رواق بنگرد و از عظمت و معنویت معصومین غافل شود. سختی سفر جهت زیارت ائمه اطهار باعث دیدار ائمه از زایر در قیامت و کاهش گناهان او می شود. از دیدگاه سنت اسلامی، زیارت مؤمن در هر دو حال حیات و مرگ ثواب و اجر فراوان دارد، به ویژه اگر او، امام و پیشوای مؤمنان باشد.

به علاوه زیارت قبور انبیا و اوصیای آنان ترویج شعایر دین و زنده نگاه داشتن

۱- http:// khodayeman. blogfa. com/ post- ۳۱. aspx.

آیین و جاودانگی نام ایشان و توجه دادن دل ها به سویشان و تشویق و ترغیب مردم به پیروی از مرام و دینشان می باشد، و این کاری است که همه عقلای جهان آن را می پسندند و هر قوم در احیای آثار بزرگانشان و زنده نگاه داشتن نام و نشانشان و رواج دادن مرامشان می کوشند.

آری، دیدار مزار پیغمبر و ائمه اطهار علیهم السلام تعظیم و بزرگداشت شعایر دینی است و تعظیم شعایر الهی از نشانه های تقوای دل هاست.

هنگام تشرف به آستان رفیع ائمه علیهم السلام و فرزندانشان از انجام کارهایی که باعث سوء استفاده دشمنان دین می شود، خودداری نماییم، مثل سجده کردن هنگام مشاهده ضریح و قبر منور، چرا که این قبیل اعمال نه مورد رضای خداست و نه صاحب این بارگاه نورانی آن را می پسندد؛ بلکه موجب تهمت افترای دشمنان شیعه به پیروان مکتب حیاتبخش اهل بیت علیهم السلام می شود.

بانوان و خواهران مسلمان، هنگام شرفیابی به محضر اولیای دین، باید رعایت حجاب کامل را نموده و از پوشیدن لباس های بدن نما و زیارت با چهره ای نامناسب و یا خلاف شئون اسلامی خودداری نمایند، و حرمت آن حریم مقدس الهی را حفظ کنند، که در غیر این صورت زیارت آنها خودنمایی و سیاحتی بیش نخواهد بود، و نه تنها از فضیلت و پاداش برخوردار نخواهند شد، بلکه برای خود عذابی دردناک تدارک خواهند دید.

فهرست منابع

۱. المفردات، راغب اصفهانی.

۲. المصباح المنیر، فیومی.

۳. اصول کافی، محمدبن یعقوب کلینی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ق.

۴. الحیاه، محمدرضا حکیمی و ...، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۰.

۵. زیاره العلماء؛ الجلوس عندالعلماء.

۶. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

۷. بینش جامعه شناختی؛ نقدی بر جامعه شناسی امریکایی، سی. رایت میلز، ترجمه عبدالمعبود انصاری، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۰ ..

۸.://. ۹...//. ۲ ۱. ۱۰.://..//// ۵۴۰/ ۹۰۵۴۰..

۱۱.،،. ۲۱.،.) ۱۹۷۰.(. ۳۱.،،،. ۴۱.://../- ۳۱...

بخش دو مبانی فکری و اعتقادی

۱. زیارت

اشاره

علی پناه اشتهاردی (۱)

چکیده

در این نوشتار پس از بررسی مفهوم واژه زیارت و برشماری وجوه معنی زیارت، تحت عنوان اقسام زیارت های ثواب دار، به ده نوع زیارت که در احادیث آمده، اشاره شده است بدین قرار: زیارت بیت اللّه با حج یا عمره، زیارت پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله، زیارت امیر المؤمنین علیه السلام، زیارت قبور ائمه اطهار، زیارت امامان از راه دور، زیارت قبر فاطمه بنت موسی بن جعفر علیه السلام، زیارت قبر عبد العظیم حسنی، زیارت مؤمنین، زیارت مؤمن بیمار، و زیارت قبور مؤمنین. سپس در ادامه مقاله درباره نقش و اثرات و ثواب زیارت، مستندات و شواهد زیارت از دیدگاه احادیث سخن به میان آمده است.

کلیدواژه ها: زیارت، حج، عمره، زیارت قبور، زیارت در احادیث.

مفهوم کلمه زیارت

زیارت به چهار معنی اطلاق می شود:

۱. به معنی دیدار(به زبان فارسی) چنانچه در فرهنگ معین آمده است. لکن به این معنی نمی شود اکتفا و بسنده کرد، در اکثر مواردی که این کلمه به کار زده شده:

مثل «من زارنی(یعنی محمد صلی الله علیه و آله) کمن زار اللَّهَ فی عرشه» دیدار نیست.

بلکه زیارت هر یک از معصومین علیهم السلام «من زار فاطمه بقم وجبت له الجنّه». «من زار

۱- با تأسف بسیار، هم زمان با ارسال این کتاب برای چاپ، حضرت آیت اللّه علی پناه اشتهاردی استاد برجسته حوزه و اسوه و نمونه اخلاق در ماه مبارك رجب و بعد از خواندن نماز مغرب به دیدار حق شتافت. روحش شاد و با اولیای طاهرین قرین باد. کمیته علمی همایش.

عبدالعظیم بری کمن زار الحسین علیه السلام بکربلاء».

بلکه در قرآن مجید: «أَلْهاكُمُ التَّكاثُرُ* حَتّى زُرْتُمُ الْمَقابِرَ».

در خیلی از مقامات دیـدار به معنی رؤیت به بصـر و مردمـک چشم یـا محال عقلی است، مثل «زار اللّٰه فی عرشه» (۱) یا محال عـادی است، مثـل زیـارت ائمه معصومین علیهم السـلام یا غیر معصومین و یا بی فایـده است، مثل زیارت اهل قبور، چنانکه در «زُرْتُمُ الْمَقابِرَ» آمده است.

۲. زیارت به معنی قصـد(زار، یزور، زوراً و زیارهً، قصـده) مجمع البحرین «من زار أخاه فی المصـر أی قصده ابتغاء وجه اللّٰه فهو زوّره». (۲) و در دعـا آمـده است: «اللهـم أجعلنی من زوّرک(بالواو المشـدّده) أی من القاصـدین لک». (۳) ۳. زیارت به معنی عرفی عمومی: «و الزیـاره فی العرف قصـد المزور إکراماً له و تعظیماً له و استیناسـاً به»؛ (۴) یعنی زیـارت در عرف مردم قصـد کردن زایر است شخص مزور را برای گرامی داشت او و بزرگ شمردن او و برای انس با او.

۴. زیارت بیت شـریف در عرف فقها، قصد بیت اللّٰه شـریف است برای تقرب، یعنی در عرف فقها و مجتهدین زیارت بیت اللّٰه شریف وقتی گفته می شود که فقـط برای تقرب معنوی به بـاری تعـالی باشـد، نه تجـارت و نه افتخـار و نه عناوین دیگر غیر از تقرب به خداوند.

معنی چهارم زیارت به چند وجه است

۱. حـج: و لفظ زیارت و حِـج(به کسـر حاء) به یک معنی است و لـذا آیه شـریفه «وَ لِلّٰهِ عَلَى النّاسِ حِـجُّ الْبَيْتِ» (۵) تفسیر شده است به قصد بیت(أی قصده و سعی الیه) (۶) «... و الحج فی

۱- چه زیارت خداوند در عرش باشد یا در فرش، یکسان است و این نه چنان است که طایفه ای از مسلمین گمان کرده اند که خداونـد در عرش برقرار است. رجوع شود به کتـاب عقیـده اهل السـنه و الجماعه، تالیف محمـد بن صالـح، ترجمه اسـحاق بن عبدالله دبیری العوضی باللغه الفارسیه) ص ۲۸، ۳۰ و ۴۲ و لازمه این تجسم است و مجسمه کافرند ..

۲- مجمع البحرین، ج ۲، ص ۳۰۴.

۳- همان.

۴- همان، ص ۳۰۵.

۵- سوره آل عمران، آیه ۹۷.

۶- مجمع البحرین، ج ۱، ص ۴۵۸.

اللغه القصد و فی عرف الفقهاء قصد البیت للتقرب». (۱) ۲. عمره: کلمه زیارت و کلمه عمره هم به معنی واحد است، عمره بجا آورد، یعنی زیارت بیت اللّه را کرد.

«اعتمر الرجل زار البیت و المعتمر الزائر، و من هنا سمیت العمره عمره لأنّها زیاره البیت»؛ (۲) یعنی عمره بجا آورد، زیارت کرد بیت را، و معتمر یعنی زایر و از این جهت عمره نامیده شده است برای این که عمره، زیارت بیت است.

«و یقال اعتمر فهو معتمر ای زار وَ قَصَد، و فی الشرع زیاره البیت الحرام بشروط مخصوصه مذکوره فی محلها»؛ (۳) یعنی گفته می شود عمره بجا آورد، پس او معتمر است، یعنی زیارت کرد و قصد کرد و در شرع مقدس: زیارت بیت الحرام با شرایط مخصوصی که در محل خود(کتاب الحج) ذکر شده است.

از مجموع مطالب گذشته استفاده می شود: زیارت، حج، عمره به معنی قصد است.

بلی در ترتب ثواب در نزد فقها شرط است که در این مفاهیم سه گانه انگیزه اش خدا باشد و اگر انگیزه تقرب به خداوند نباشد، هر چند دیدار بصری فقط یا حضور زایر نزد مزور کافی نیست در ترتب ثواب و اجر، هر چند از حیث لغت صدق زیارت می کند و شاید کسانی که زیارت را دیدار معنی کردند(هر چند در اکثر استعمالات منطبق نمی شود) مرادشان صرف صدق لغوی است.

اقسام زیارت های ثواب دار

۱. زیارت بیت اللّه شریف

آنچه که از بررسی احادیث اهل بیت علیهم السلام به دست می آید این است که حقیقت حج همان طواف بیت شریف بوده است تا زمانی که پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله حجه الوداع را انجام

۱- همان.

۲- همان، ج ۳، ص ۲۴۹.

۳- همان.

داد (۱) و قبل از انجام اعلام فرمود: «خُذُوا عَنّی مَناسِکَکُم». (۲) پس کسانی که قبلًا در خود مکه معظمه یا حوالی مکه بودند، زیارت البیت آنها خودِ طواف بوده و صرفِ وجودشان در بیت حتی یا نظر به بیت فقط زیارتِ بیت نبوده و نیست، هر چند بعد از اسلام برای اهتمام این بیتِ شریف، معصومین فرمودند: «النظر الی بیت اللّه عباده»، لکن زیاره البیت نبوده است.

زیارت بیت اللّه با حج یا عمره

اصل مشروعیت هر دو از ضروریات اسلام است و در ضروریات نیازی به ذکر دلیل دیگر نیست، بلکه از اول بنیاد این بیت شریف مورد نظر و توجه همه انبیای عظام بوده و امت هر پیغمبری که خود را امت آن پیغمبر می دانستند قهراً تبعیّت می کردند، پس ضروری همه افراد بشر مؤمنِ به خدا و رسول خودشان بود.

و هر کدام از امم سالفهِ مؤمن به پیغمبر زمان خود با اعمال مخصوص احترام می گذاشتند. برای تیمّن به بعض روایات اشاره می کنیم.

حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام فرمود: کشتی نوح در هنگامی که زمین را آب فرا گرفته بود مأمور طوافِ بیت شد، پس از آن کشتی در ایام منی(ایام البیض) آمد پس از آن برگشت و مأمور طواف نساء بیت شد. (۳) و در حدیث دیگر حضرت صادق علیه السلام فرمود: کشتی نوح خانه خدا را طواف کرد و در صفا و مروه هفت دور سعی کرد. (۴) و در حدیث دیگر از امام باقر علیه السلام: حضرت موسی بن عمران با همراهی بقباد پیغمبر از درّه های زمین روحاء با عبای قطوانیّه می گفتند: «لبیک عبدک ابن عبدک». (۵) و در حدیث دیگر(سنداً اصحّ روایات دیگر است) حضرت موسی به صفحه

۱- فروع کافی، باب یدء الحجر و باب یدء البیت و بابان اول ما خلق اللّه من الارضین موضع البیت.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۴۲۰.

۳- کافی، باب حج الأنبیاء، ج ۴، ص ۲۱۲، ح ۱.

۴- همان، ح ۲.

۵- همان، ص ۲۱۳، ح ۳.

زمین روحاء (۱) بر شتر قرمز رنگ عبور کرد، دهنه آن شتر از لیف بود و دو عبای قطوانیّه همراه داشت و در آن حال می گفت: «لبیک یا کریم لبیک». راوی می گوید: یونس بن متی به همین سرزمین رفت و عیسی بن مریم و محمد صلی الله علیه و آله (۲) به صفائح الرَّوحاء رفتند و همه اینها لبیک گویان به الفاظ مختلف. (۳) و در حدیث دیگر حضرت باقر علیه السلام فرمود: سلیمان بن داود حج بیت کرد همراه جن و انس و پرنده ها و بادها و پوشش قباطی (۴) به خانه خدا پوشاند. (۵) و در حدیث دیگر حضرت باقر علیه السلام فرمود: هفتصد پیغمبر در مسجد خیف نماز خوانده اند و بین رکن و مقام پر از قبور انبیا و قبر حضرت آدم در حرم خداوند است. (۶) و از مجموع این احادیث استفاده می شود که تمام انبیای عظام مأموریت طواف بیت شریف که همان زیارت است را داشتند و همه هم به امر الهی بود، حتی کشتی حضرت نوح علیه السلام چون در بردارنده نوح و مؤمنین به نوح علیه السلام بود. در زیارت این بیت معظم، همین قدر اکتفا می کنم.

۲. زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله

زیارت کردن پیغمبر گرامی خاتم صلی الله علیه و آله که دو صورت دارد:

الف. در حال حیات آن وجود مبارک، حضرت ابی عبداللّٰه امام حسین علیه السلام می فرماید: به پدرم عرضه داشتم: ای پدر چه اجر و ثوابی است برای کسی که زیارت کند تو را؟ رسول خدا فرمود: ای پسرک من هر کس زیارت کند مرا در حال زنده بودن و مرده بودن من یا زیارت کند پدر تو را(علی علیه السلام) یا برادرت را(حسن علیه السلام) یا تو را(حسین علیه السلام) بر من حق است که او را در روز قیامت زیارت کنم و خلاصی دهم او را از گناهان. (۷)

۱- روحاء بر وزن قمراء شهری است در چهل میلی(۸۰ کیلومتر) مدینه و همچنین است و صفائح الروحاء(مضمون بیان مجمع البحرین).

۲- قبل از بعثت.

۳- همان، ح ۴.

۴- پارچه سفید مصری.

۵- همان.

۶- همان، ح ۷.

۷- فروع کافی، کتاب الحج ابواب الزیارات، باب زیاره النبی، ح ۴.

مؤلف گوید: هدف از نقل این حدیث شریف همان جمله اولی است که هر کس زیارت کند مرا در حال حیات، و اما بقیه مذکورات، پیغمبر اسلام تفضلًا بیان کرده است، به اعتبار این که اینها منسوبین آن حضرت بودند.

ب. بعد از وفات آن حضرت، در حدیث شریف آمده است: ابن ابی نجران می گوید: به حضرت باقر علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم چه اجری است برای کسی که رسول اللّٰه را متعمداً زیارت کند؟ فرمود: برای او است بهشت.

و در حدیث دیگر نقل شده که فضیل بن یسار گفته است: (۱) زیارت قبر رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله و زیارت قبور شهدا و قبر حسین علیه السلام، برابر با انجام حج است با رسول خدا (۲) و در حدیث دیگر از امام صادق علیه السلام نقل شده که: رسول خدا فرموده است: هر کس برای زیارت من بیاید من روز قیامت شفیع او هستم. (۳) و اخبار دیگر که تواتر معنوی دارد و همین چند حدیث برای تبرّک نقل کردیم.

اصل تأکید در استحباب زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مسلّمات است و فرقی نیست بین این که برای حج برود و بعد از اعمال حج یا قبل از آن باشد، هر چند صاحب الوسائل خصوصیّت را بعد از اعمال حج عنوان کرده است. (۴)

۳. زیارت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام

در حدیث آمده است که یونس ابی وهب القصری، می گوید: وارد مدینه شدم و به محضر حضرت صادق علیه السلام رسیدم، عرض کردم: محضر شما رسیدم و زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام نکردم، حضرت فرمود: بد کاری کردی، اگر نه این بود که تو از شیعیان ما هستی به تو نگاه نمی کردم، چرا زیارت نکردی کسی را که خدا و ملائکه و

۱- در وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۵۵(۲۰ جلدی)، ح ۱۳: فضیل بن یسار از امام صادق علیه السلام(از کافی) و این صحیح است شاید در نسخه کافی این جانب سقط شده است و اللّٰه العالم.

۲- کافی، همان، ح ۱.

۳- کافی، همان، ح ۳.

۴- وسائل الشیعه، باب ۲، من ابواب المزار، ج ۱۰، ص ۲۵۲.

انبیا و مؤمنین او را زیارت کرده اند؟ عرض کردم: نمی دانستم این را، فرمود:

بـدان امیرالمؤمنین علیه السـلام با فضـیلت تر است در نزد خدا از همه ائمه علیهم السـلام و برای او است ثواب اعمال تمام ائمه، یعنی به مقدار اعمال ائمه به او فضیلت داده می شود. (۱) مؤلّف گوید: از این حدیث ظاهر الصدق استفاده می شود که اعمال امیرالمـؤمنین علیه السـلام به تنهـایی مطـابق همه اعمـال ائمه است و هر یـک از ائمه هم بر طبق اعمـال خود بر همـدیگر برتری دارند.

۴. زیارت همه ائمه علیهم السلام

در حدیث شریف آمده است که حسن بن علی الوشّا می گوید: از حضرت رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: هر امامی عهدی و پیمـانی در گردن دوسـتان و شـیعیان خود دارد، و از جمله خوب ادا کردنِ آن، زیـارت قبور آنهـاست؛ پس هر کس زیـارت کنـد آنها را برای میل و رغبت در زیارت آنان و برای تصدیق کردن به چیزی که آنها راغبند، ائمه معصومین همگی شـفعاء او هسـتند در روز قیامت. (۲) و در حـدیث دیگر نقل شده است که زید شـحّام، می گوید: به حضـرت صادق علیه السـلام عرض کردم: چه چیز است برای کسـی که زیارت کند یکی از شـما را؟ فرمود: مثل کسی است که رسول خدا را زیارت کرده است. (۳)

۵. زیارت هر یک از امامان از راه دور

ابن ابی عمیر به نحو ارسال(که حکم اسـناد به راوی آخری را دارد) می گوید: حضـرت صادق علیه السلام فرمود: هرگاه برای یکی از شـما شـیعه ها زحمتِ آمدنِ نزد قبور ما و خانه او دور بود و در اثر دوری به زحمت می افتد، پس بالا برود به بلندترین جای منزل خود

۱- کافی، کتاب المزار، باب فضل الزیارات و ثوابها، ح ۳.

۲- همان باب، بدون عنوان(بعد از باب مسجد غدیر)، ح ۲.

۳- همان، ح ۱.

یعنی پشت بـام و دو رکعت نمـاز بگزارد و به سوی قبور مـا اشـاره کنـد و بگویـد: «السَّلامُ عَلَیْکَ یا فلان»، این سـلام به ما می رسد. (۱)

۶. زیارت قبر فاطمه بنت موسی بن جعفر علیها السلام

در حـدیث شـریف آمده است که سـعد بن سـعد می گوید: از حضـرت رضا علیه السـلام درباره زیارت فاطمه بنت موسـی بن جعفر علیها السلام در قم پرسیدم، فرمود: کسی که زیارت کند او را پس برای او است بهشت. (۲) و در حدیث دیگر نقل شده است که ابن الرضا علیه السلام فرمود: کسی که قبر عمه ام را در قم زیارت کند پس برای اوست بهشت. (۳)

۷. زیارت قبر عبدالعظیم بن عبداللّه الحسنی در ری

در حـدیث شـریف آمده است که محمد بن یحیی نقل می کند از کسـی که به نزد امام هادی علیه السـلام رفت، و آن کس از اهـل ری بود، می گویـد: نزد ابی الحسن العسـکری علیه السـلام وارد شـدم، حضـرت فرمود: کجا بودی؟ عرض کردم: زیارت حسـین علیه السلام بودم، فرمود: آگاه باش اگر زیارت کرده بودی قبر عبدالعظیم را که در نزد شما اهل ری است، هر آینه مثل کسی است که زیارت کرده باشد حسین علیه السلام را. (۴)

۸. زیارت مؤمنین خصوصاً صلحا

در حـدیث است که یعقوب بن شـعیب گفت: از امام صادق علیه السـلام شـنیدم که فرمود: کسـی که برادری را که در شـهری دیگر دارد برای خدا زیارت کند، حکم زایر خدا را دارد و بر حق تعالی است که گرامی بدارد زایر خود را. (۵)

۱- کافی، کتاب المزار، باب النوادر، ح ۱، مؤلف گوید: درباره زیارت فاطمه الزهرا علیها السـلام رجوع شود به وسائل الشیعه، کتاب الحج، ج ۱۰، ابواب المزار، باب ۹۶، ح ۱، چون طولانی بود نقل نکردیم، ص ۴۵۳.

۲- وسائل الشیعه، کتاب الحج، ابواب المزار، ج ۱۰، ص ۴۵۲، ح ۱.

۳- همان، ح ۲.

۴- وسائل الشیعه، کتاب الحج، ابواب المزار، باب ۹۳، ح ۱.

۵- وسائل الشیعه، باب ۹۷، ح ۱.

امام صادق علیه السلام فرمود: هر مسلمانی برادر مسلمان خود را در راه خدا و برای خدا زیارت کند، به او ندا می شود: ای کسی که این چنین زیارت کردی، پاکیزه شدی و پاکیزه باد برای تو بهشت. (۱) حضرت باقر علیه السلام فرمود: سه طایفه اند که برای خدا داخل بهشت می شوند: ۱. کسی که بر علیه خود حکم کند به حق؛ ۲. مردی که زیارت کند برادر مؤمن خود را در راه خدا؛ ۳. کسی که برادر مؤمن خود را بر خود مقدم بدارد در راه خدا. (۲) حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام فرمود: کسی که توانایی صله ما را ندارد، صله کند فقرای شیعیان ما را و کسی که توانایی زیارت ما را ندارد، زیارت کند برادران صالح ما را. (۳) مؤلف گوید: اخبار در این باب زیاد است و همه، زیارت برادران را مقید فرموده اند به این که اگر دیدار صرفاً برای خدا باشد ثواب دارد، نه برای دنیا. بنابراین همه باید مواظب باشند که زیارت علما برای همین جهت باشد، نه برای اغراض مادی و دنیایی.

۹. زیارت مؤمن هر چند مریض یا دور باشد

در حدیث است که ابی غرّه می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: هر کس زیارت کند برادر خود را در راه خدا، چه در مرض و چه در صحّت و به قصد خدعه و گول زدن او نباشد و به قصد این که چون او و هم به زیارت او آمده بود، هم نباشد، خداوند متعال هفتاد هزار ملائکه را وادار می کند که ندا کنند در پشت سر آن مؤمن زایر که پاک شدی و پاک باد برای تو بهشت، شما(زوار مؤمن) زایرین خداوند و واردین بر رحمان هستید، تا به منزل خودش برگردد، بشیر می گوید: فدایت شوم هر چند راه دور باشد؟ فرمود: ای بشیر هر چند به اندازه یک سال راه باشد، خداوند جواد است و ملائکه مشایعت می کنند او را تا به منزل خود برگردد. (۴)

۱- وسائل الشیعه،، همان، ح ۲.

۲- همان، ح ۴.

۳- همان، ح ۵.

۴- همان، باب ۹۹، ح

مؤلف گوید: نظایر این اخبار بسیار زیاد است و به جهت رعایت اختصار به همین اکتفا می شود.

۱۰. زیارت قبور مؤمنین و دعا برای آنها

صـدوق رحمه الله به نحو ارسال از حضـرت رضا علیه السـلام نقل کرد، فرمود: «ما من عبدٍ زار قبر مؤمن فقرء علیه انا انزلناه فی لیله القـدر سـبع مرات الا غفر اللّٰه له و لصاحب القبر»؛ (۱) هیـچ عبـدی نیست که زیارت کنـد قبر مؤمنی را و پس از آن قرائت نماید سوره انا انزلناه فی لیله القدر را هفت مرتبه، مگر این که خداوند می آمرزد برای او و صاحب قبر را.

مؤلف گوید: این ثواب مخصوص برای قرائت آن سوره است نه صرف زیارت.

و روایـات متعـدد دیگری هم در همـان باب ۵۷ وسائل به این مضـمون وارد شـده که علاقه منـدان می تواننـد مراجعه فرمایند. امیرالمؤمنین علیه السـلام فرمود: زیارت کنید مردگان خود را، چون آنها به واسطه زیارت شما خوشحال می شوند و باید طلب کننـد حاجت خود را نزد قبر پـدر و مادر، با آنچه که دعا می کنیـد برای پـدر و مادر. (۲) مؤلف گوید: چون حضـرت در این حدیث امر کرده به زیارت قبور، پس اصل زیارت آنها مطلوب است مستقلًا هر چند چیزی نگوید و نخواهد.

از مجموع این اخبـار شـریف به دست می آیـد که اصـل زیارت مطلقاً جنبه عقلایی دارد، اما ثواب آخرتی متوقف است بر این که به قصد قربت باشد تا این که از عبادات محسوب شود.

نقش زیارت

چنانچه تذکر داده شد، زیارت یک امری عقلایی جهانی است و هر گروهی و هر مذهبی عملًا و قولًا به کار می زنند.

نقش زیارت در تأثیرگذاری روحیه انسان ها پیرو انگیزه هاست، به حکم «إنّما

۱- همان، باب ۵۷، ح ۵.

۲- همان، باب ۵۴، ح ۵.

الأعمال بالنّیات» (۱) پس انگیزه و نیّت فقط ارتباط صوری مادی است و جز این اثری ندارد.

و اگر با قطع نظر از جهات مادی است، به این معنی که زایر می خواهد با مزور محبت پیدا کند، بلا اشکال همین مقدار که انگیزه اش بوده است مرتب است و اگر با قطع نظر از هر دو(مادی- ایجاد محبّت) یعنی چون خداوند امر فرموده است زیارت کنید چه مزور معصومین علیهم السلام باشند یا برادران دینی یا احیاناً، غیر دینی(چنانچه در مقام تقیّه باشد) یعنی فقط نیّت و انگیزه، فرمانبرداری باشد، نتیجه و اثرش فقط تقرب زایر به فرمانده است.

از این جهت است که شرع مقدس هم انواع و اقسام زیارت را مقید کرده است که فی اللَّه یا للَّه باشد، یعنی چون خداوند فرموده است برود به زیارت معصوم علیهم السلام یا غیر معصوم از سایر برادران دینی یا مذهبی، بلکه زیارت بشر و این انگیزه(للَّه و فی اللَّه) تمام آثار را در بر دارد. مثل ارزش های معنوی، بهداشت روانی، نشاط درون، امید به آینده، تقویت باورهای مذهبی، تبلور عواطف، سلامت خانواده، ظلم ستیزی، توسعه فرهنگی و اجتماعی، بلکه جایگاه اقتصادی، اما آن اقتصادی که مبتنی بر موازین شرعی باشد، همان شرعی که زیارت را امر کرده، همان اقتصاد را امر کرده نه اقتصاد غربی یا شرقی و به عبارت واضح تر غیر خدایی. بلکه ویژگی های زایر، مزور، رفتارهای مطلوب.

مستندات زیارت

۱. عمل نیکان عالم وجود، مانند انبیا، اولیا، معصومین و غیر معصومین.

۲. دستور اهل بیت علیهم السلام، صاحب وسائل بابی را عنوان کرده به عنوان(باب استحباب زیاره المؤمنین خصوصاً الصلحاء) که در این باب دوازده روایت نقل فرموده، حقیر

۱- وسائل الشیعه، ج ۱، باب ۵، من ابواب مقدمه العبادات، ح ۶ و ۷.

حدیث دوازدهم را نقل می کنم. عباد بن صهیب می گوید: شنیدم که امام صادق علیه السلام حدیثی را بیان می فرمود: و در آن سه کلمه است و هر سه تعبیر شده به مهمان خدا

۱. فرمود: مردی که حج یا عمره انجام می دهد، پس او مهمان خداست تا به منزلش برگردد.

۲. کسی که در نماز است، او در حفظ خداوند است تا از نماز فارغ شود.

۳. مردی که زیارت کند برادر مؤمن خود را برای خدا، پس او زائر خداست و اجر و ثواب او به سرعت به او می رسد و او در خزاین رحمت خداست. (۱) خواننده محترم ملاحظه می کند که در این حدیث، خداوند زایر برادر مؤمن را زایر خود دانسته است و اما حاج و معمر و نمازگزار را در حفظ خود قرار داده است.

شاید سرّ این اختلاف تعبیر، این باشد که آنها واجب می باشند، اما زیارت برادر مؤمن مستحب است، شبیه سلام و جواب سلام، با این که سلام کردن مستحب است و جوابش لازم بلکه جواب سلام چند برابر جوابش است، چنانچه در بعضی اخبار است. (۲) و اما در رابطه با تعمیر قبور کسانی که مورد توجه هر گروهی بودند، به نظر می رسد که حسن این، جزء امور بین المللی امم گذشته هم بوده است.

چند شاهد

۱. خداوند متعال در قرآن مجید در داستان اصحاب کهف بنابر قولی که شیخ طریحی در مجمع البحرین نقل کرده که اینها پسران سلاطین روم بودند، خداوند اسلام را روزی اینها کرد و در زمان دقیانوس که یک نحوه فترت و فاصله بود بین زمان عیسی بن مریم و محمد صلی الله علیه و آله. (۳)

۱- وسائل الشیعه،، ج ۱۰، کتاب الحج، باب ۹۷، ص ۴۵۸، ح ۱۲.
۲- ر. ک: وسائل الشیعه، باب ۳۳، من ابواب احکام العشره من کتاب الحج، ص ۴۳۷.
۳- مجمع البحرین، مادّه کهف.

بعـد از آن که خداونـد متعال آنها را بیـدار کرد و به عین الیقین مردم آن زمان دیدنـد که وعده خدای به بعث و حشـر راست است و دیگر بداننـد که در قیـامت هیـچ شک نیست، و در امکان و وقوع آن. (۱) عـده ای از مردم آن زمان گفتند: ساختمان درست کنیم مثل دیوار تا مردم نبیننـد و اینها کسانی بودنـد که منکر حشـر بودند، (۲) دسـته دیگر که غالب بودند در امر دین گفتند:

باید مسجدی فرا گیریم که در آن نماز بخوانند، یعنی بر قبور آنها مسجد بسازیم، در نتیجه مردم به یاد اینها باشند.

معلوم می شود که متدینین آن زمان، حفظ قبور اصـحاب کهف را به این می دانسـتند که در آن جا مسجد ساخته شود تا مردم به زیارت آنها نایل گردند و بدین وسیله مثاب و مأجور شوند.

۲. حضـرت زینب علیها السلام (۳)(در مسـیر اسارت وقتی که مشاهـده کرد لشـکریان طاغوت کشـته های خود را دفن کردند، دیـد حضـرت زین العابـدین صـلوات اللّه علیه خیلی نـاراحت است، به طـوری که نزدیـک است جـان خود را از دست بدهـد) خطاب به برادرزاده کرده اظهار داشت: به جزع و فزع نینـدازد تو را به خدا قسم این یک عهدی و پیمانی بود از جانب خداوند به جـد تـو(پیغمـبر) و پـدرت(علی) و عمـوی تو(حسن) و به تحقیق خداونـد عهـد و میثـاقی از مردمـان این امت گرفته که نمی شناسـند آنها را فرعون های روی زمین که خودشان شـناسایی شده اند بین آسمانی ها(ملائکه و جنود معنوی). و آنها می آیند برای جمع این اعضای متفرقه(شهدای کربلا) پس پنهان

۱- این عبارت مأخوذ از تفسیر زواره ای استاد ملا فتح اللّه کاشی می باشد.

۲- «قـالَ الَّذینَ غَلَبُـوا عَلی أمْرِهِمْ لَنَتَّخِـذَنَّ عَلَیْهِمْ مَسْـجِدًا» سوره کهف، آیه ۲۱. مفسـرین گفتنـد مراد از غلبـوا دراین آیه یعنی اکثریت دین دارهای آن زمان.

۳- صدوق، علی بن الحسین بابویه فرمود: اعتقاد من این است که حضرت زینب علیها السلام ولایت موقته داشته است از جانب خداونـد برای حفـظ امـام زین العابـدین تـا از کشـته شـدن به دست دشـمنان محفوظ بمانـد تـا نسـل امـامت تا ظهور حضـرت مهدی(عج) باقی بماند.

می کنند این اجساد به خون آغشته را و برافراشته می کنند در این مکان طفّ(شهادت) نشانه هایی برای قبر پدر تو(حسین بن علی علیهما السلام، سید الشهداء) هیچ گاه کهنه نخواهد شد و هیچ گاه آثار او از بین نخواهد رفت هر چند روزگار سپری شود چه شب ها و روزهای زیادی هر چه کوشش و جد و جهد کنند سَرْدَمداران کفر و شیعیان رؤسای گمراه در محو و از بین بردن(بلکه به عکس و وارونه اثر دارد) و آن این که ظهور او آشکارتر می شود و بالاـ می گیرد. (۱) مؤلّف می گوید: اساساً شیطان که دشمن قسم خورده همیشگی است، از روز اول قسم خورده است که همه بندگان خدا را اغوا کند، راه را منحصر به این دانسته است که کسانی که راهنما و هدایت کننده به طرف خداوند هستند را متهم کند یا به سحر یا به جنون یا به سفاهت و بی عقلی و لذا هیچ وقت خداوند پیغمبری نفرستاده است مگر این که این گونه افسانه ها را به آنها می گفتند، «یا حَسْرَةً عَلَی الْعِبادِ ما یَأْتیهِمْ مِنْ رَسُولٍ إلاّ کانُوا بِهِ یَسْتَهْزِؤُنَ». (۲) ۳. حدیث شریف ابی عامر الواعظ که در تهذیب شیخ الطائفه، ابوجعفر محمد بن الحسن الطوسی رحمه الله است(تهذیب یکی از کتب چهارگانه، که مدار فقه امامیه بر این چهار کتاب است).

و چون این حدیث شریف در دو جای کتاب مزار تهذیب: ۱. نسب مولانا امیرالمؤمنین علیه السلام حدیث ۷، ۲. باب من الزیارات حدیث ۵ نقل شده است و سند هر دو جا هم مفصل بود اکتفا می کنم به ذکر راوی آخری که از معصوم علیه السلام نقل نموده است.

ابی عامر السابی(البنانی خ) واعظ اهل الحجاز می گوید: آمدم به محضر حضرت صادق جعفر بن محمد علیهما السلام، عرضه داشتم: ای فرزند رسول خدا چه چیز است(از اجر

۱- نفس المهموم، فصل ۵، فی رحله عمر بن سعد من کربلا الی الکوفه، ص ۳۴۰، طبع السید احمد الکتابجی صاحب المکتبه الاسلامیه، ۱۳۶۸ ه. ق نقل به معنی.

۲- سوره یس، آیه ۳۰.

و ثواب) برای کسی که زیارت کند امیرالمؤمنین علیه السلام و معموره کند تربت و خاک آن قبر شریف را؟

فرمود: ای اباعامر حدیث کرد مرا پدرم(محمد باقر علیه السلام) او از پدرش(امام سجاد علیه السلام) او از جدش حسین بن علی (۱) از علی علیهم السلام: پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به خدا قسم محققاً تو را می کشند و کشته می شوی در زمین عراق و در همان جا دفن می شوی، عرض کردم: ای رسول خدا چه پاداشی است برای کسی که زیارت کند قبور ما را و معموره کند و بر عهده خود بداند این امور را(یعنی مکرّر کند)؟

پیغمبر خدا در پاسخ علی علیه السلام فرمود: ای ابوالحسن خداوند متعال محققاً قبر تو را و قبرهای فرزندان تو را، بقعه ای (۲) از بقعه های بهشت و میدانی از میدان های بهشت قرار داده و خداوند متعال قرار داده دل های نجیب ها از مخلوقات خود را و برگزیدگان از بندگان خود را مایل به سوی شما، و همین نجیب ها و برگزیده ها، بار ذلّت و اذیّت را تحمل می کنند و در نتیجه این تحمّل اذیت معموره می کنند قبور شما را و زیاد به زیارت این قبور می آیند برای تقرب به پروردگار و برای محبت و دوستی که با پیغمبر دارند، اینها هستند که شفاعت ما اختصاص به اینها دارد و اینها هستند که وارد بر حوض من می شوند و اینها زایرین من هستند و اینها همسایگان من هستند، اینها زیارت می کنند مرا فردای قیامت در بهشت.

یا علی کسی که معموره کند قبور شما(اهل بیت علیهم السلام) را و ملازم آن قبور باشد یعنی بر عهد خود بداند تکرار در حضور را، مثل این است که کمک کرده حضرت سلیمان بن داود علی نبیّنا و آله و علیهما السلام را بر ساختن بیت المقدس(که قبله اوّل مسلمین بوده است) و کسی که زیارت کند قبور شما(اهل بیت علیهم السلام) را مساوی و هم عِدل است با ثواب هفتاد حج بعد از حجّه الاسلام و بیرون می آید از گناهان تا برگردد

۱- هکذا فی التهذیب.

۲- بقعه قطعه ای از قطعات زمین است(مجمع البحرین)

از زیارت شما و نحوه بیرون آمدن از گناه مثل آن روزی که از مادر متولد شده.

پس مژده باد تو را و مژده بده یا علی دوستان خود را و کسانی که در ولایت با شما هستند، به سوی نعمت ها و چشم روشنایی ها، به اموری که چشمی ندیده و گوشی نشنیده و بر دل هیچ بشری خطور نکرده. ولکن یک دسته از مردم شبیه آشغال ها و مردمان پستی هستند و هیچ خیری در آنها نیست، سرزنش می کنند زایرین قبور شما را و منشأ سرزنش همین زیارت کردن است و نحوه سرزنش آنها مثل سرزنش کسی که زنا داده است و به وسیله زنا او را سرزنش می کنند. این دسته از مردم که سرزنش شما را می کنند بدترین و پست ترین امتی هستند(یعنی ادعا می کنند از امت منند و خود را مسلمان معرفی کرده اند) و اینها به شفاعت من نمی رسند و بر حوض من وارد نمی شوند. (۱) مؤلف گوید: هیچ باکی و ترسی و هولی نباید از این قبیل افراد پست داشت چون بالعیان و قابل مشاهده است که با همه بذله گویی و ترّهات روز به روز مقام اهل بیت علیهم السلام در نزد علاقه مندان، اعم از شیعه و غیر شیعه افزوده می شود، روزی خواهد آمد که به برکت انفاس قدسیه حضرت ولی عصر(عج) و به برکت خون شهدای والامقام و به برکت انقلاب اسلامی ایران و بیداری جوانان و اندیشمندان که محسوس است روزبه روز رو به پیشرفت است چه از جهات مادی و چه معنوی و توجه متفکران و اندیشمندان و هوشیاری علماء باللّه و فی اللّه و للّه.

۱- تهذیب شیخ طوسی، کتاب الحج، باب فضل زیاره امیرالمؤمنین علیه السلام، ح ۷ و باب من الزیارات، ح ۵.

۲. دعا از دیدگاه قرآن و معصومین علیهم السلام

اشاره

علی کریمی

چکیده

مقاله حاضر نگاهی کوتاه دارد به بررسی آیات و روایاتی که در مورد دعا و نیایش می باشد. خداوند دعا را وسیله ارتباطی بین خود و بنده خویش قرار داده است، تا بلکه بنده بتواند خود را به معبود خویش نزدیک کند. دعا به انسان ارزش و اعتبار می دهد و انسان را به باورهای دینی نزدیک تر می کند. دعا می بایست همراه با شناخت و آگاهی کامل از خداوند باشد. دعا باعث کاهش جرم و جنایت در اجتماع شده، و سبب پیشرفت انسان، هم در بُعد معنوی و هم در بُعد مادی می شود. دعا موجب از بین بردن تشویش ها و هیجان های انسان می گردد. دعا یا به اجابت می رسد یا ذخیره آخرت می شود و یا باعث دفع بلا می گردد.

دعا کشتی ای است که انسان را از گرداب طوفان های بلا حفظ کرده، و او را صحیح و سالم به ساحل نجات می رساند.

دعا خشنودی خداوند را به همراه دارد، و ذکر آن بالاتر از تلاوت قرآن است. دعا تکیه گاهی است که ناراحتی های روحی انسان را برطرف کرده، و امید را در دل او روشن می سازد.

کلیدواژه ها: قرآن، عترت، دعا، خدا، انسان.

مقدّمه

دعا به انسان قوت قلب می دهد. همان طوری که انسان در بُعد جسمانی تلاش می کند تا غذای سالم و نشاطآوری مصرف کند، روح انسان هم نیاز به غذای سالم دارد،

چنانچه اگر روح ناسالم باشد از ادامه زندگی باز می ماند و وی را گرفتار بیماری های روانی خواهد کرد. غذایی که باید به روح داده شود، دعا و مناجات با پروردگار خویش است. اگر نگاهی به قرآن و روایات اسلامی بیفکنیم، می بینیم که پیامبران الهی و ائمه معصومین علیهم السلام توجه خاصی به دعا می نمودند، چراکه خداوند فرمود: «ادْعُونی أسْتَجِبْ لَکُمْ»؛ (۱)

«بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را». بنابراین بدون هیچ تردیدی باید دانست که دعا و نیایش یک چیز بی معنی نمی تواند باشد.

تمام انبیای الهی از طریق دعا و وحی با خدا ارتباط برقرار می کردند، و ما انسان ها هم برای رفع مشکلاتی که از دست بنده ساخته نیست، توسط دعا از خدا یاری می طلبیم. همان طور که در احادیث آمده است، خداوند می فرماید: اگر شما یک قدم به طرف من(خدا) بردارید، من ده قدم به سوی شما خواهم آمد.

دعا ریسمانی است که همه اهل عالم برای نجات خود باید آن را بگیرند. سوره حمد یک نوع دعاست و مناجات با پروردگار است. وقتی می گوییم: «إیَّاکَ نَعْبُدُ وَ إیَّاکَ نَستَعینُ»؛ یعنی خدایا ما فقط تو را می پرستیم و تنها از تو کمک می گیریم.

خداوند از همان ابتدا بنده اش را با دعا و نیایش- که در نماز است- تربیت کرده، چنانچه می فرماید: «إنَّ الصَّلاهَ تَنْهی عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْکَرِ وَ لَذِکْرُ اللَّهِ أکْبَرُ»؛ (۲)

نماز انسان را از زشتی ها و منکرات باز می دارد و ذکر خدا از آن هم برتر و بالاتر است.

پس ما باید بیش از پیش به دعا توجه کنیم، انسانی که از خدا چیزی می طلبد، خداوند از او خشنود می شود، نه از باب این که خداوند نیاز به دعای ما دارد، بلکه نتیجه و عصاره دعا به خود ما بر می گردد، و وجود ما را از عطش درونی رفع تشنگی می دهد.

دعا دارای کلیدی است، کلید دعا صلوات بر پیامبر و آلش می باشد. در دعا از همه کس قطع امید کرده و فقط به خداوند امیدوار باشید. یکی از موقعیّت هایی که دعا اثر

۱- سوره غافر، آیه ۶۰.

۲- سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

بیشتری دارد، در نیمه های شب است. مناجات در شب زیاد سفارش شده، زیرا توجه و خلوص بنده بیشتر است.

شب خیز که عاشقان به شب راز کنند گرد دَرِ بام دوست پرواز کنند

هر جا که دری بود به شب دربندند الّا درِ دوست که به شب باز کنند

مفهوم و ماهیت دعا

دعا به معنی خواندن است. در قرآن این واژه تقریباً در هفت معنا و مفهوم به کار رفته است:

۱. معنی ندا و صدا، سوره آل عمران می فرماید: «إِذْ تُصْعِدُونَ وَ لا تَلْوُونَ عَلى أَحَدٍ وَ الرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِى اخْراكُمْ ...»؛ (۱)

هنگامی که از کوه بالا می رفتید، به عقب ماندگان نگاه نمی کردید و پیامبر از پشت شما را صدا می کرد.

در این آیه دعا به معنی صدا زدن به کار برده شده و همچنین است در آیه دیگر می فرماید: «وَ أَمّا مَنْ اوتِىَ كِتابَهُ وَراءَ ظَهْرِهِ* فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبورًا»؛ (۲)

اما آن کس که کارنامه اش از پشت سر(به دست چپ) او دهند، او برنامه خود تأسّف می خورد.

۲. به معنی دعوت به مکتب: «قالَ رَبِّ إِنّى دَعَوْتُ قَوْمى لَيْلًا وَ نَهارًا* فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعائى إِلاّ فِرارًا»؛ (۳)

پروردگارا! من شب و روز قوم خود را به سوی توحید دعوت کردم، آنان را سودی نبخشید، مگر فرار و دوری.

۳. دعا به معنی جعل و قرارداد، می فرماید: «وَ لا تَدْعُ مَعَ اللّهِ إِلهاً آخَرَ»؛ (۴)

و هرگز با خدای یکتا که جز او هیچ خدایی نیست دیگری را به خدایی مخوان.

۴. دعا به معنی درخواست و طلب: «وَ لَكُمْ فيها ما تَشْتَهى أَنْفُسُكُمْ وَ لَكُمْ فيها ما تَدَّعُونَ»؛ (۵)

تدّعون به معنی درخواست است برای شما در بهشت آنچه دلتان

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۵۳.

۲- سوره انشقاق، آیات ۱۰ و ۱۱.

۳- سوره نوح، آیات ۵ و ۶.

۴- سوره قصص، آیه ۸۸.

۵- سوره فصلت، آیه ۳۱.

می خواهد و آنچه درخواست می کنید هست. «وَ يَدْعُ ٱلإِنْسانُ بِالشَّرِّ دُعاءَهُ بِالْخَيْرِ»؛ (۱)

انسان بدی ها را می طلبد آن گونه که نیکی ها را می طلبد.

۵. دعا به معنی به سوی خود خواندن: «قالَتْ إِنَّ أَبی يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ ما سَقَيْتَ»؛ (۲)

دختر شعیب گفت: پدرم تو را می طلبد که اجرت کار تو را بدهد.

«قالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمّا يَدْعُونَنی إِلَيْهِ»؛ (۳)

خداوندا زندان برایم محبوب تر از کاری است که این زن ها مرا به سوی خود می خوانند. معلوم است که زن ها او را برای چه به سوی خود دعوت می کردند.

۶. دعا به معنی سؤال و پرسش: «قالُوا ادْعُ لَنا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنا ما لَوْنُها»؛ (۴)

بنی اسرائیل به موسی گفتند: از خدا بپرس توضیح دهد به ما رنگ این گاو چیست؟

۷. دعا به معنی نیایش و ابتهال: «قُلْ مَنْ يُنَجّيكُمْ مِنْ ظُلُماتِ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعاً وَ خُفْيَةً»؛ (۵)

بگو کیست که شما را از تاریکی های بیابان ها و دریاها نجات دهد که می خوانید او را با حالت خشوع و پنهانی؟ «ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعاً وَ خُفْيَةً»؛ (۶)

پروردگارتان را با حالت تضرع و پنهانی بخوانید. آیات دیگری که دعا در آنها به معنای ابتهال است کم نیست. (۷) دعا در مورد نارسایی های قدرت ماست، نه درباره توانایی و قدرت. به عبارت دیگر دعای مستجاب دعایی است که به مضمون آیه «أَمَّنْ يُجيبُ الْمُضْطَرَّ إِذا دَعاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ»؛ (۸) مفهوم دعا درخواست فراهم شدن اسباب و عواملی است که از دایره قدرت انسان بیرون باشد، آن هم از کسی که قدرتش بی پایان و هر امری برای او آسان است.

ولی این درخواست باید از تمام وجود او برخیزد تا به اقیانوس بی پایان بپیوندد و

۱- سوره اسراء، آیه ۱۱.

۲- سوره قصص، آیه ۲۵.

۳- سوره یوسف، آیه ۳۳.

۴- سوره بقره، آیه ۶۹.

۵- سوره انعام، آیه ۶۳.

۶- سوره اعراف، آیه ۵۵.

۷- شرح دعای عرفه، ص ۶.

۸- سوره نمل، آیه ۶۲.

اتصال معنوی برقرار کند. به عبارت دیگر مفهوم آن توجه به این حقیقت است که اسباب و عوامل طبیعی، هر چه دارند از ناحیه او دارند، و به فرمان او هستند، اگر به دنبال دارو می رویم، و از آن شفا می طلبیم، به خاطر آن است که او اثر بهبودی را به دارو بخشیده(این نوع دیگری از دعاست که در احادیث اسلامی به آن اشاره شده است). رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«الدّعاءُ مُخُّ الْعبادهِ وَ لا یُهْلَکُ مَعَ الدّعاء احَد»؛ (۱)

دعا مغز و هسته عبادت است و با وجود دعا کسی هلاک نمی شود. در حدیثی دیگر دارد:

«الدّعاء سلاحُ المؤمِنِ وَ عَمدُ الدّینِ وَ نُورُ السّماواتِ وَ الْارَضینَ»؛ (۲)

دعا سلاح مؤمن و ستون و اساس دین و نور آسمان ها و زمین ها است.

دعا یک نوع آگاهی و بیداری دل و اندیشه و پیوند باطنی با مبدأ همه نیکی ها و خوبی هاست، لذا امیرالمؤمنین می فرماید:

«لا یَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّوَجَّلَ دُعاءَ قَلبٍ لاه»؛ (۳)

خداوند دعای غافل دلان را مستجاب نمی کند. نباید خدا را از روی بی میلی یاد کرد. خداوند به داود فرمود: «اذْکُرْنی فی ایّامِ سَرّائِکَ حَتّی أسْتَجِیبُ لَکَ فی ایّامِ ضَرّائِکَ»؛ (۴)

مرا در روزهای خوشی و آسایش هم یاد کن، تا من دعای تو را در روزهای گرفتاری و سختی اجابت کنم.

قرآن کریم می فرماید: «ألا بِذِکْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»؛ (۵)

دل ها فقط با یاد خدا آرام می گیرد. البته ذکری که مقدمه فکر، و فکری که انگیزه عمل باشد. چنانچه امام صادق علیه السلام فرمود:

«ذِکرُ اللَّهِ عِنْدَ ما أحَلَّ وَ حَرَّمَ»

یاد خدا کردن به هنگام انجام کارهای حلال و حرام، یعنی به یاد خدا بیفتد تا به سراغ حلال برود و از حرام چشم بپوشد. (۶) در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام می فرماید: «انَ اللَّه عَزّوَجَّلَ لا یَسْتَجیبُ دُعاءَ بظهر قلبٍ ساهٍ». (۷)

در حدیثی دیگر دارد: دعا سپر مؤمن است و هر زمانی که بسیار در را کوبیدی به

۱- بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۰۰.

۲- همان، ص ۲۹۴.

۳- تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۴۳.

۴- بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۸۱.

۵- سوره رعد، آیه ۲۸.

۶- رساله حقوق امام سجاد علیه السلام، ص ۱۶۰.

۷- تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۴۳.

روی تو باز می شود. (۱) در جای دیگر می فرماید:

«الدّعاءُ هُو الْعبادَهُ الْتی قال عزَّوَجَلَّ»؛ (۲)

به راستی دعا، همان عبادت است که خداوند عزّوجل فرمود: «وَ قالَ رَبُّکُمُ ادْعُونی أَسْتَجِبْ لَکُمْ»؛ (۳)

مرا بخوانید شما را اجابت کنم، کسانی که از عبادت من تکبر می ورزند به زودی با ذلت وارد دوزخ می شوند. رسول مکرّم اسلام می فرماید:

«عَمَلُ البِرِّ کلّهُ نِصْفُ الْعِبادَهِ وَ الدُّعاءُ نِصْفٌ فَاذا أرادَ اللّهُ تَعالی بِعَبْدٍ خَیْراً انتَحی قَلْبَهُ لِلدُّعاءِ»؛ (۴)

همه اعمال خیر یک نیمه عبادت است و دعا نیمه دیگر و چون خدا برای بنده ای خیر خواهد، قلب او را به دعا متمایل کند.

فلسفه دعا و نیایش

آنها که حقیقت و روح دعا و اثرات تربیتی و روانی آن را نشناخته اند ایرادهای گوناگونی به مسأله دعا دارند، گاه می گویند: دعا عامل تخدیر است، چراکه مردم را به جای فعالیت و کوشش و استفاده از وسایل پیشرفت و پیروزی، به سراغ دعا می فرستد و به آنها تعلیم می دهد که به جای همه این تلاش ها دعا کنند! و گاه می گویند: اصولًا آیا دعا کردن فضولی در کار خدا نیست؟! خدا هر چه را که مصلحت بداند انجام می دهد، او به ما محبت دارد، مصالح ما را بهتر از خود ما می داند، پس چرا ما هر ساعت مطابق دلخواه خود از او چیزی بخواهیم؟! و زمانی می گویند: از همه اینها گذشته آیا دعا منافات با مقام رضا و تسلیم در برابر اراده خداوند ندارد؟

کسانی که چنین ایرادهایی را مطرح می کنند از آثار روانی، اجتماعی، و تربیتی و معنوی دعا و نیایش غافلند؟ زیرا انسان برای تقویت اراده و برطرف کردن ناراحتی ها به تکیه گاهی مطمئن نیاز دارد. دعا چراغ امید را در درون انسان روشن می سازد.

انسان هایی که دعا و نیایش را فراموش کنند، با عکس العمل های نامطلوب روانی و اجتماعی مواجه خواهند شد.

۱- کافی، ج ۶، ص ۲۱.

۲- همان، ج ۶، ص ۱۸.

۳- سوره غافر، آیه ۶۰.

۴- رهنمای انسانیت، ص ۲۸۲.

یکی از روان شناسان معروف به نام الکسیس کارل می گوید: جامعه ای که در آن دعا و نیایش نباشد، آن جامعه سقوط می کند، وقتی مردم آن اجتماع نیایش را در خود کشته اند از فساد و جرم و جنایت مصون نخواهد بود.

البته نیایش باید پیوسته باشد، تا اثر خود را در انسان از دست ندهد. آنان که برای دعا اثر تخدیری(سست شدن) قائلند، معنی دعا را نفهمیده اند، زیرا معنی دعا این نیست که از وسایل و علل طبیعی دست بکشیم و به جای آن دست به دعا برداریم؛ بلکه مقصود این است که نهایت کوشش خود را در استفاده از همه وسایل به کار ببندیم، تا آن جا که دست ما کوتاه شد و به بن بست رسیدیم، به سراغ دعا برویم.

دعا به انسان صفای روح و متانت رفتار و انبساط و شادی درونی می دهد. و حتی به انسان های عقب مانده و کم استعداد نیز می تواند نیروی عقلی و اخلاقی خویش را بهتر به کار بندند و از آن بیشتر بهره گیرند. اما متأسفانه در دنیای ما کسانی که نیایش را در چهره حقیقی اش بشناسد بسیار کم است. (۱) از آنچه که گفتیم، پاسخ این ایراد که می گویند دعا برخلاف «رضا و تسلیم» است نیز روشن شد، زیرا دعا همان طور که در بالا شرح داده شده یک نوع کسب قابلیت برای تحصیل سهم زیادتر از فیض بی پایان پروردگار است. انسان به وسیله دعا توجه تازه ای به ذات خداوند پیدا می کند، همان طوری که عبادات اثر تربیتی دارد، دعا هم چنین اثری خواهد داشت.

کسانی که می گویند: «دعا فضولی در کار خداست! خدا هر چه مصلحت باشد انجام می دهد» توجه ندارند که مواهب الهی بر حسب استعدادها و لیاقت ها تقسیم می شود، هر قدر استعداد و شایستگی بیشتر باشد سهم بیشتری از آن مواهب نصیب انسان می گردد.

لذا امام صادق علیه السلام می فرماید:

«انّ للّه عَزّوجلَّ منزِله لا تنالَ إلّابمسألِه»؛

در نزد خداوند

۱- تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۴۱.

مقاماتی است که بدون دعا کسی به آنها نمی رسد. (۱) دانشمندان می گویند: امروزه جدیدترین علم یعنی روانپزشکی همان چیزهایی را تعلیم می دهد که پیامبران تعلیم می دادند، چرا؟ به علت این که پزشکان روانی دریافته اند که دعا و نماز و داشتن یک ایمان محکم به دین، نگرانی و تشویش و هیجان و ترس را که موجب نیم بیشتری از ناراحتی های ماست برطرف می سازد.

اهمیت دعا و شرایط استجابت

روایات متعددی که از پیغمبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سایر پیشوایان بزرگ، نقل شده است، اهمیت دعا را کاملًا روشن می سازد. در حدیثی از پیغمبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آمده است:

«مَنْ سَرَّهُ أنْ یُسْتَجابَ لَهُ دَعْوتُهُ فَلْیُطِبْ مَکْسَبَهُ»؛ (۲)

کسی که دوست دارد که دعایش مستجاب گردد باید غذا و کسب خود را پاک کند.

یکی از یاران امام صادق علیه السلام از ایشان سؤال کرد؟ «ما تَقول فی رجلین دَخلا المَسجد جمیعاً کان أحدهما اکْثر صلاه، و الآخر دعاء فأیّهما أفضل؟ قال: کلّ حسن»؛ دو نفر وارد مسجد شدند، یکی از آنها مشغول نماز شد و دیگری مشغول دعا خواندن، کدام یک از این دو افضلند؟

آن حضرت فرمود: هر دو خوبند، ولی آن کس که بیشتر دعا می کند افضل است، مگر سخن خداوند را نشنیده ای که فرمود: «ادْعُونی أسْتَجِبْ لَکُمْ»؛ بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را، سپس افزود: «هی العِباده الکُبری»؛ دعا عبادت بزرگ است.

هم دعا از تو اجابت هم ز تو ایمنی از تو مهابت هم ز تو

گر خطا گفتم اصلاحش تو کن مصلحی تو ای تو سلطان سخن (۳)

امام صادق علیه السلام می فرماید: چیزی نزد خدا افضل از این نیست که از او تقاضا کنند و از آنچه نزد او است بخواهند، و هیچ کس نزد خداوند مبغوض تر و منفورتر از کسانی

۱- همان.

۲- کافی، ج ۶، ص ۶۸.

۳- تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی، دفتر دوم، ص ۳۶۵.

نیست که از عبادت او تکبّر می ورزند و از مواهب او تقاضا نمی کنند.

در جای دیگر می فرماید: نزد خدا مقامی است که جز با دعا و تقاضا نمی توان به آن رسید. و اگر بنده ای دهان خود را از دعا فرو بندد و چیزی تقاضا نکند چیزی به او داده نخواهد شد، پس از خدا بخواه تا به تو عطا شود.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«الدعاء افْضَل مِن قرائه القُرآن»؛ (۱)

دعا کردن از تلاوت قرآن هم افضل شمرده شده است. دعا به انسان اعتماد به نفس می دهد، و از یأس و نومیدی باز می دارد و به تلاش و کوشش بیشتر دعوت می کند. انسان نباید دعا را جانشین تلاش و کوشش کند، زیرا قطعاً مستجاب نخواهد شد. مثلًا کار و کوشش نکند و بگوید خدا روزی رسان است، خدا کمک می کند، این با نظام الهی منافات دارد. (۲) یکی از مردان خدا گفت: برای دعا کردن و عرض حاجت کافی است که سر را به سوی آسمان بالا کرده، آن هم نه از نظر آن که خدا در آسمان است، بلکه از آن نظر که حضرت سجّاد علیه السلام عرض کرد:

«وَالی جُودِکَ وَ کَرَمَکَ ارْفَعُ بَصَری»

از این جهت سر را به آسمان بالا کند، در حالی که بداند خدا به او نزدیک است و سپس دل را متوجه عالم اعلا نماید، چون او سبحانه و تعالی از راه هر کس آگاه است «وَ عالِمُ السّرِ وَ الْخَفیّات» (۳) است. برای اجابت دعا خوب است انسان قبل از این که گرفتار سختی شود به دعا مشغول باشد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«مَنْ سرَّهُ أنْ یُسْتجابَ لَهُ فِی الشِّدَّهِ فَلْیُکْثِرِ الدُّعاءَ فِی الرَّخاء»؛ (۴)

هر که دوست دارد که در حال سختی دعایش به اجابت رسد، باید در حال راحتی بسیار دعا کند. در ادامه می فرماید: یکی دیگر از راه های اجابت دعا این است که کسب خود را پاک و حلال کند. (۵)

۱- تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۱۴۹.

۲- همان.

۳- بیان حقیقت، ص ۱۰۰.

۴- کافی، ج ۶، ص ۳۳.

۵- همان، ص ۶۹.

مولای موحدان علی علیه السلام می فرماید: هرگز از تأخیر اجابت دعا ناامید مباش، زیرا بخشش الهی به اندازه نیّت است. گاهی در اجابت دعا تأخیر می شود تا پاداش درخواست کننده بیشتر و جزای آرزومندان یا در وقت مشخص، به تو خواهد بخشید، یا به جهت اعطا بهتر از آنچه خواستی، دعا به اجابت نمی رسد، زیرا چه خواسته هایی داری که اگر داده شود مایه هلاکت دین تو خواهد بود. پس خواسته های تو به گونه ای باشد که جمال و زیبایی تو را تأمین، و رنج و سختی را از تو دور کند، پس نه مالِ دنیا برای تو پایدار است، و نه تو برای مال دنیا باقی خواهی ماند. (۱) اجابت دعا در زمان مشخص است. امام صادق علیه السلام فرمود: دعا را در چهار زمان بخوانید. موقع وزیدن بادها، هنگام ظهر، هنگام فرود آمدن باران، هنگام ریختن خون مؤمن در راه خدا(جبهه جنگ) زیرا در این زمان ها درهای آسمان گشوده است. (۲) در حدیثی دیگر از رسول اکرم آمده: هنگام نزول باران و هنگام دیدار کعبه. (۳) امام سجاد علیه السلام می فرماید:

«المُؤمن مِنْ دُعائِهِ عَلی ثَلاثٍ امّا یُدَّخَرُ لَهُ وَ امّا یُعَجَّلُ لَهُ وَ امّا یُدْفَعُ عَنْهُ البَلاءُ یُرِیدُ انْ یُصِیبَهُ»؛ (۴)

مؤمن نسبت به دعای خود از سه حال خارج نیست: یا برای او ذخیره می شود و در آینده دور یا نزدیک و حتی در آخرت به او داده می شود، و یا با شتاب به او خواهد رسید و یا مانع بلایی می گردد که می خواهد او را فرا گیرد.

تأثیر دعا و مناجات در دلِ شب

قرآن می فرماید: «إِنَّ ناشِئَهَ اللَّیْلِ هِیَ أَشَدُّ وَطْئاً وَ أَقْوَمُ قیلًا»؛ (۵)

یعنی مسلماً برنامه(عبادت) شبانه پابرجاتر و با استقامت تر است.

عبادت شبانه، نیایش و مناجات در سحرگاهان، و راز و نیاز و نجوای با محبوب، در تهذیب نفس و پرورش روح و جان اثر فروانی می گذارد. در آیه بعد می افزاید: «إِنَ

۱- نهج البلاغه، نامه ۳۱، ص ۳۷۹.

۲- کافی، ج ۶، ص ۴۵.

۳- رهنمای انسانیت، ص ۲۸۴.

۴- بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۱۳۸.

۵- سوره مزمل، آیه ۶.

لَکَ فِی النَّهَارِ سَبْحًا طَوِیلًا»؛ (۱)

این به خاطر آن است که در روز تلاش و کوشش مستمر و فراوانی خواهی داشت. (۲) رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: نیمه شب درهای آسمان را می گشایند و یکی ندا می کند: آیا کسی هست که دعا کند تا مستجاب شود، آیا کسی هست که چیزی بخواهد تا به او داده شود، آیا غم زده ای هست که غمش تخفیف یابد، در این هنگام هر مسلمانی چیزی بخواهد خداوند خواهش او را می پذیرد. (۳)

سوز دل، اشک روان، آه سحر ناله شب این همه، از نظرِ لطف شما می بینم

آری نخستین ویژگی داعیان شب این است که آنها کسانی هستند هنگامی که آیات خداوند رحمان بر آنان خوانده می شود به خاک می افتند و سجده می کنند و گریه شوق سر می دهند. (۴) از امام صادق روایت شده است که آن حضرت فرمود: در شب ساعتی است که اگر بنده مؤمنی در آن دعا کند، قطعاً مستجاب می شود. راوی می گوید: فدایت شوم این چه ساعتی از شب است. فرمود: هنگامی که نیمی از شب گذشته، و یک ششم اول نیمه شب فرا رسیده است. (۵) امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خود فرمود: می خواهی تمام ابواب خیر را به تو معرفی کنم. گفت: بفرمایید فدایت شوم. امام فرمود: «الصوم جُنّه، و الصدقه تذهب بالخطیئه، و قیام الرجل فی جوف اللیل بذکر اللّه، ثّم قرأ: «تَتَجَافَی جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ»؛ (۶)

روزه سپری است در مقابل آتش و صدقه محوکننده گناهان است، و برخاستن انسان در دل شب او را به یاد خدا می اندازد، سپس آیه «تَتَجافی جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضاجِعِ» (۷) را تلاوت فرمود.

۱- سوره مزمل، آیه ۷.

۲- تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۱۷۵.

۳- رهنمای انسانیت، ص ۲۸۱.

۴- سوره مریم، آیه ۵۸.

۵- المراقبات، ص ۲۵۴.

۶- تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۱۵۵.

۷- سوره سجده، آیات ۱۶ و ۱۷.

دعا درمان دردها

علاء بن کامل می گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: بر تو باد به دعا کردن، زیرا دعا درمان هر دردی است. دعا پایگاه اجابت است، چنانچه ابر پایگاه باران است. هیچ بنده ای دست به درگاه خدای عزیز جبّار برنیاورد جز این که خداوند عزّوجل حیا دارد از این که آن را تهی برگرداند، تا از فضل و رحمت خود در آن بنهد و هرگاه یکی از شماها دعا کرد، دستش را برنگرداند تا آن را به روی و سر خود بکشد.

هشام بن سالم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: آیا می دانید بلا طولانی است یا کوتاه است؟ گفتم: نه، فرمود: چون به هر کدام که شما مبتلا شوید، الهام شد که دعا کنید، بدانید که مدت بلا کوتاه است. ابی ولّاد گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود: هیچ بلایی بر بنده مؤمن نازل نشود که خدای عزوجل بدو الهام بخشید تا دعا کند، جز این که برطرف شدن آن بلا نزدیک است و هیچ بلایی بر بنده مؤمن نازل نشود که از دعا کردن خودداری کند، جز این که بلا طولانی باشد، پس هرگاه بلا نازل شد، بر شما باد که دعا و زاری کنید به درگاه خداوند عزوجل. (۱) مولای موحدان علی علیه السلام می فرماید: آن کس که به شدت گرفتار دردی است، نیازش به دعا بیشتر از تندرستی که از بلا در امان است، نمی باشد. (۲) زیرا دعا درمان هر دردی است. لذا می بینیم امام در دعای کمیل می فرماید: «یا مَنِ اسمُهُ دَواءٌ وَ ذِکْرُهُ شِفاءٌ و طاعَتُهُ غِنی ...» ای کسی که به جز دعا و تضرّع به درگاهت چیزی نداریم، ای که نامت دوای دردمندان عالم، و یادت شفای بیماران است، و طاعتت بی نیازی از هر چه در عالم است را به همراه دارد، ترحّم کن به کسی که تمام امیدش تو هستی.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«عَلَیْکَ بِالدُّعاءِ، فَإِنَّ فیهِ شِفاءً مِنْ کُلِّ داءٍ»؛ (۳)

بر تو باد به دعا کردن، زیرا که شفای هر دردی است. قرآن کریم می فرماید: «وَ إذا مَسَّ الْإِنْسانَ الضُّرُّ

۱- کافی، ج ۶، ص ۳۱ و ۳۲.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۳۰۲، ص ۵۰۱.

۳- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۶۴۸.

دَعانا لِجَنْبِهِ أوْ قاعِدًا أوْ قائِماً فَلَمّا كَشَفْنا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأنْ لَمْ يَدْعُنا إلى ضُرٍّ مَسَّهُ كَذلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفينَ ما كانُوا يَعْمَلُونَ»؛ (۱)

و هنگامی که به انسان زیان و(ناراحتی) برسد ما را(در همه حال) در حالی که به پهلو خوابیده، یا نشسته، یا ایستاده است می خواند. امّا هنگامی که ناراحتی او را برطرف ساختیم چنان می رود که گویی هرگز ما را برای حل مشکلی که به او رسیده نخوانده، این گونه برای اسرافکاران اعمالشان زینت داده شده است.

چه خوب گفته مولوی:

آن زمان که می شوی بیمار تو می کنی از جرم استغفار تو

می نماید بر تو زشتی گنه می کنی نیّت که باز آیم به ره

عهد و پیمان می کنی که بعد از این جز که طاعت نبودم کاری گزین

پس یقین گشت این که بیماری تو را می ببخشد هوش و بیداری تو را

هر که او بیدارتر، پردردتر هر که او آگاه تر، رخ زردتر (۲)

بلی انسان فطرتاً خداجوی است و نور فطرت در روح دمیده شده، ولی بر اساس مسایلی که در اجتماع به وجود می آید، گرفتار گناه و زیان کاری می شود. لذا خداوند باب توبه را باز گذاشته و وسیله نزدیکی به خود را دعا و نیایش قرار داده است.

بنابراین می بینیم مولا علی علیه السلام می فرماید:

«ادْفَعُوا أمواج البَلاءِ بِالدُّعاءِ ...»؛ (۳)

امواج بلا را با دعا دور کنید. بلا دیده ای که بلا جانش را به لب رسانده است، نیازش به دعا بیشتر از عافیت چشیده ای نیست که از بلا در امان نیست.

امام سجاد علیه السلام می فرماید: خدایا مرا از آنان قرار مده که خوشی سرمستشان می کند و بلا و گرفتاری از پایشان در می آورد. اینان فقط زمانی تو را می خوانند که گرفتار شوند و تنها هنگامی به یاد تو می افتند که به مصیبتی گرفتار آیند؛ در این هنگام در برابر تو به خاک می افتند و دست خواهش به سویت بر می دارند. (۴)

۱- سوره یونس، آیه ۱۲.

۲- مثنوی، دفتر اول، استعلامی، ص ۱۲۳.

۳- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۶۵۰.

۴- همان، ص ۱۶۵۳.

مراعات ادب دعا

امام صادق علیه السلام می فرماید: دعاکننده باید ادب دعا را رعایت کند و بنگرد که چه کسی را، چگونه و برای چه می خواند؟ عظمت و بزرگی خداوند را باور داشته باشد، با دیده دل آگاهی او از باطن و اسرار و اعتقادات خود را بنگرد و راه نجات و هلاکت خود را دریابد، مبادا چیزی از خدا بخواهد که باعث هلاکت او شود. (۱) در واقع عجول بودن انسان برای کسب منافع بیشتر و شتابزدگی او در تحصیل خیر و منفعت، سبب می شود که تمام جوانب مسایل را مورد بررسی قرار ندهد، و چه بسا که با این عجله، نتواند خیر واقعی خود را تشخیص دهد، بلکه هوی و هوس های سرکش چهره حقیقت را در نظرش دگرگون سازد و به دنبال شر برود.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «و اعرف طریق نجاتک و هلاکک، کی لا تدعوا اللّه بشی ء عسی فیه هلاکک، و أنتَ تظنّ أن فیه نجاتک، قال اللّه تعالی: «وَ یَدْعُ الْإِنسنُ بِالشَّرّ دُعَآءَهُ و بِالْخَیْرِ وَ کَانَ الْإِنسنُ عَجُولًا»؛ (۲)

انسان نمی تواند راه نجات و هلاکت خود را بشناسد و مبادا از خدا چیزی طلب کند که نابودی او در آن باشد؛ در حالی که خود انسان گمان می کند نجاتش در آن است، خداوند متعال می گوید: انسان دعای شرّ می کند، آن گونه که دعای خیر می کند، چرا که انسان عجول است.

در عین حال از خدا بخواهید «فَلْیَسْتَجِیبُواْ لِی وَلْیُؤْمِنُواْ بِی»؛ (۳)

(با تمام وجود) مرا اجابت کنید و به من ایمان بیاورید. در دعاهای معصومین علیهم السلام آمده است: خداوند! ظاهر ما را با فرمانبرداریت، باطن ما را با شناختت، و دل های ما را با دوستیت و جان های ما را با دیدارت روشن فرما. (۴)

پنهان کردن دعا

قرآن کریم می فرماید: «قُلْ مَنْ یُنَجّیکُمْ مِنْ ظُلُماتِ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعاً وَ خُفْیَةً لَئِنْ

۱- المراقبات، ص ۴۵۲.

۲- تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۴۱.

۳- سوره بقره، آیه ۱۸۶.

۴- المراقبات، ص ۴۵۱.

أنْجانا مِنْ هذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشّاكِرينَ»؛ (۱)

بگو چه کسی شما را از تاریکی های خشکی و دریا(به هنگام درماندگی) رهایی و نجات داد؟ در حالی که او را آشکارا و در پنهانی می خوانید و(می گویید) اگر خداوند ما را از این ظلمت رهایی دهد، از شکرگزاران خواهیم بود.

حال اگر همین ظلمت و تاریکی در یک سفر دریایی همراه با بیم موج و گردابی حایل محاصره شود، در چنین لحظاتی است که انسان همه چیز را فراموش کرده و جز نور تابناکی که در اعماق جانش می درخشد که او را به سوی مبدأیی می خواند که تنها اوست می تواند چنان مشکلات را حل کند، در چنین حالتی از درون دل و جان خود او را می خواند این جاست که انسان دست به دعا بر می دارد، و همه امیدش به اوست و به غیر از او دل به کسی نبسته است.

پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «خیر الدعاء الخفی و خیر الرزق ما یکفی»؛ بهترین دعا آن دعایی است که پنهانی و از روی اخلاص صورت گیرد و بهترین روزی آن است که به قدر کافی باشد. (۲) امام حسن علیه السلام فرمود: خداوند از دل پرهیزگار و دعای پنهان آگاه است، چه بسا کسی قرآن را جمع کرده است و همسایه اش از وی خبر ندارد، چه بسا کسی فقه را بسیار می داند و مردم بدان آگاهی ندارند و چه بسا شخصی نمازهای طولانی می گزارد و حتی نزد او دیدارکننده هم هست و آنها بدان آگاهی ندارند. در مقابل، ما به دسته هایی برخورده ایم، اگر در یک نگاه عملی امکان سرّی انجام دادن آن باشد، آنها آن را مخفیانه انجام نمی دهند، و همیشه آن عمل را آشکارا، انجام می دهند، آن عمل افشا نخواهد شد. (۳) امام رضا علیه السلام فرمود: یک دعای پنهانی برابر با هفتاد دعای آشکار است و در روایت

۱- سوره انعام، آیه ۶۳.

۲- تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۲۸۱.

۳- فرهنگ سخنان امام حسن علیه السلام، ص ۳۳۲.

دیگر نقل شـده است: یک دعا در پنهانی، بهتر است نزد خدا از هفتاد دعا که آشکار باشد. (۱) در جایی دیگر آمده است: با دیگران دعـا کنیـد که دعـای جمع بـاعث اجابت می شود. بهترین جمعیت برای دعا چهل نفر است و به جای آن چهار نفر هم می شود هر کدام ده بار دعا کنند. اگر نتوانست در جمع دعا کند، خود می تواند یک نفره چهل بار دعا کند.

قرآن کریـم می فرمایـد: «وَ اذْکُرْ رَبَّکَ فی نَفْسِکَ تَضَـرُّعاً وَ خیفَـةً وَ دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَـوْلِ بِالْغُـدُوِّ وَ الْآصـالِ وَ لا تَکُنْ مِنَ الْغافِلینَ»؛ (۲)

و پروردگارت را از روی خوف و تضرّع، آهسته و آرام در دل خود و در هر صبح و شام یاد کن و از غافلان مباش.

امـام صـادق علیه السـلام فرموده است: عظمت ثواب دعا و تسبیحی را که بنـده در خلوت خویش گویـد، جز خـدای تبارک و تعالی کس نداند. (۳) خداوند به عیسی علیه السلام وحی نمود:

ای عیسـی مانند غریق غمزده ای که یاوری ندارد، به درگاه من دعا و دلت را برایم خوار کن و در خلوت بسیار به یاد من باش و آگاه باش من با چاپلوسـی تو خوشحال می شوم. با خوشحالی و نشاط این عمل را انجام بده و صدای غمناک خود را به من برسـان. و خداونـد به موسی علیه السـلام وحی کرد: یـا موسـی هنگـامی که مرا می خوانی ترسان باش، صورت خود را خاک آلود کن و با اعضای مهم بـدنت برایم سـجده کن. و با ایسـتادن در مقابل من به اطاعت من مشـغول شو و با ترسـی که از قلبی ترسان برخاسـته است، با من مناجات کن، قلبت را با ترس از من بمیران، زنده دل و کهنه لباس باش، در میان زمینیان ناشناس و در آسمان معروف باش، همنشین خانه و چراغ شب باش. (۴)

شب هجران خدا روز جهان افروز است روشنان را به حقیقت شب ظلمانی نیست

قرآن کریم اثبات کننده این ادّعاست که می فرماید: «إِنَّما یُؤْمِنُ بِآیاتِنا الَّذینَ إِذا ذُکِّرُوا بِها خَرُّوا سُـجَّدًا وَ سَـبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ هُمْ لا یَسْتَکْبِرُونَ»؛ (۵)

تنها کسانی به آیات ما ایمان

۱- کافی، ج ۶، ص ۴۳.

۲- سوره اعراف، آیه ۲۰۵.

۳- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۶۶۹.

۴- المراقبات، ص ۲۴۲ و ۲۴۳.

۵- سوره سجده، آیه ۱۵.

می آورند که هر وقت این آیات به آنها یادآوری شود به سجده می افتند، و تسبیح و حمد پروردگارشان را به جای می آورند و تکبر نمی کنند.

اگر دعای شما نبود ارزشی نداشتید

قرآن می فرماید: «قُلْ ما یَعْبَؤُا بِکُمْ رَبّی لَوْ لا دُعاؤُکُمْ فَقَدْ کَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ یَکُونُ لِزاماً»؛ (۱)

بگو اگر دعا نکنید پروردگار من برای شما ارزشی قائل نیست، شما(آیات خدا و پیامبران را) تکذیب کردید و سرانجام دامان شما را خواهد گرفت و از شما جدا نخواهد شد.

درباره معنی دعا در این جا احتمالات زیادی داده شده است. (۲) بعضی گفته اند: دعا به همان معنی دعا کردن معروف است. و بعضی دیگر به معنی عبادات و توحید، و بعضی به معنی شکر و ....

امام علی علیه السلام در فرازی می فرماید: در دعا پروردگارت را با اخلاص بخوان، که بخشیدن و محروم کردن به دست اوست و فراوان از خدا درخواست خیر و نیکی داشته باش. (۳) آنچه که به انسان ارزش می دهد ارتباط با خداوند است.

مولای متقیان علی علیه السلام ضمن سفارش به یکی از اصحاب خود به نام نوف فرمود:

ای نوف! خوشا به حال آنان که از دنیای حرام چشم پوشیدند، و دل به آخرت بستند؛ آنان مردمی هستند که زمین را تخت، خاک را بستر، آب را عطر، قرآن را پوشش زیرین، و دعا را لباس رویین خود قرار دادند. (۴)

۱- سوره فرقان، آیه ۷۷.

۲- تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۱۷۲.

۳- نهج البلاغه، نامه ۳۱، ص ۳۷۱.

۴- همان، حکمت ۱۰۴، ص ۴۶۱.

ص: ۳۳۴

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.

۲. اصول کافی، محمّد بن یعقوب کلینی، ترجمه محمد باقر کمره ای، تهران، اسوه، چاپ دوم، ۱۳۷۲.

۳. بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، تهران، المکتبه الاسلامیه.

۴. بیان حقیقت، احمد زمردیان، شیراز، انتشارات نوید، ۱۳۷۶.

۵. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، قم، مدرسه امیرالمؤمنین علیه السلام، چاپ پانزدهم، ۱۳۷۶.

۶. رساله حقوق امام سجاد علیه السلام، علی محمّد حیدری نراقی، قم، اعتماد، ۱۳۸۴.

۷. رهنمای انسانیت، مرتضی فرید تنکابنی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۶.

۸. شرح دعای عرفه، محمّدباقر مدرس بستان آبادی، تهران، گوهر اندیشه، ۱۳۷۹.

۹. فرهنگ سخنان امام حسن علیه السلام، ترجمه محمّد دشتی، قم، محدث، ۱۳۸۲.

۱۰. مثنوی مولانا، محمّد استعلامی، تهران، قلم، چاپ ششم، ۱۳۷۹.

۱۱. المراقبات، حاج میرزا جواد ملکی تبریزی، ترجمه ابراهیم محدث، قم، اخلاق، ۱۳۷۶.

۱۲. میزان الحکمه، محمّد محمدی ری شهری، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، چاپ پنجم، ۱۳۸۴.

۱۳. نهج البلاغه، ترجمه محمّد دشتی، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، چاپ هجدهم، ۱۳۸۳.

۳. مبانی فکری و اعتقادی زیارت

اشاره

یاسر آقایی

چکیده

زیـارت دارای ابعـاد گونـاگون اعتقادی، سیاسـی و اجتماعی است. زایر هرکه باشـد، زیارت می توانـد آثار تربیتی و جنبه های سازنـدگی برای او داشـته باشـد و عاملی برای رشـد معنویات و زمینه ای برای تقویت ارزش های الهی او باشـد. هر چه معرفت زایر بیشتر، به همان میزان نصـیب او از برکات و فیوضات مزارهای معصومان افزون تر خواهـد بود. نویسـنده در نوشـتار حاضـر پس از نگارش مقدّمه، به بررسـی مستندات دینی زیارت پرداخته، سپس زیارت را در سیره و روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نیز در مکتب اهـل بیت علیهم السـلام مورد ارزیابی قرار داده و آن گاه به بررسـی تطبیقی زیارت و بنای قبور از دیـدگاه شیعه و مـذاهب چهارگـانه اهـل سـنت پرداخته است. در خلاـل مباحث این مقاله، با اشاره به برخی انتقادات فرقه وهابیه درباره زیارت و احداث بنا بر قبور، اقدام به پاسخگویی آنها نموده است.

کلیدواژه ها: زیارت قبور، فرقه وهابیت، مبانی زیارت، آثار زیارت.

مقدّمه

زیارت، حضور عارفانه در دیار دوست، دیدار مشـتاقانه زایر از سـرای مزور، اظهار ارادت محبّ به محبوب، دل دادن صـمیمانه دلـداده در کوی دلـدار، سـرسپردن سـرباز فـداکار در پیش پای سـردار، اعلان فروتنی دین دار در برابر دین و پیشوایان دینی و اذان ایمان و دین داری است.

زیارت، اعلام وفاداری صادقانه مرید است به مراد؛ ابراز علاقه مطیع است به

مطاع؛ و اعلام خودفراموشی جان برکف مخلص است نسبت به جانان. زیارت، عرضه خویشتن بر ترازو و ابزار سنجش است؛ ایستادن در برابر آینه و معیار کمال و نشانی کوی کمال به انسان تعالی طلب است که به کجا می توان رسید.

زیارت، سفری مشتاقانه، آگاهانه است که از سرای دل آغاز می شود؛ از راه دل عبور می کند و سرانجام نیز در منزل دل به مقصد و مقصود می رسد و بار بر زمین می نهد.

معرفت، پای را به رفتن می گشاید و «دوستی» به «دیدار» می انجامد. و گاهی جریان، بر عکس این است. یعنی «دیدن»، «دوست داشتن» را به دنبال دارد و دیدار، شور و شوق می آفریند و «زیارت» سبب حصول معرفت می گردد.

وقتی که دیدار، بذر عشق بپاشد، «ملاقات»، «محبت» می آورد و نزدیک شدن جسم، نزدیک شدن روح را به دنبال دارد و از قرب مادی می توان به قرب معنوی رسید و از رفتن به خانه ای محبت صاحبخانه را می توان به دل گرفت.

چه بسیار پیوندها و محبت ها که مولود یک برخورد بوده است. چه بسیار انس ها و الفت ها، که در سایه حضور و دیدار فراهم شده است. یعنی گاهی موتور محرک انسان در دیدار و زیارت، شناخت و علاقه و انس قلبی است- که از آن یاد کردیم- و گاهی زیارت و دیدار، باعث محبت باطنی می گردد. چرا که از نزدیک، جمال معنی را می بیند و به مشاهده ارزش های متعالی می رسد و علاقه مند می شود.

و زیارت، از این مقوله است. یعنی اگر انسان برود و ببیند و خود را در فضاهای خاطره آمیز قرار دهد و در شعاع یک پرتو قرار بگیرد، چه بسا که حرارت معنی، وجود یخزده زایر را گرم کند و فروغ دیدار، خانه دل را روشن سازد و دیده اهل نظر، مس وجودش را کیمیا کند.

منتهی، صرفِ رفتن کافی نیست؛ «دیدن» هم لازم است. تا به شهود جمال حق، نایل نشود؛ آتشگیره عشق، وجودش را مشتعل نمی سازد. اگر رفت و دید و به شهود

رسید و زیبایی حقیقت و جمال فضیلت را دریافت، به طور طبیعی، معرفت هم می یابد. آن که شور و شوق داشته باشد، به زیارت هم می رود. برای عاشق شاید، نه تنها خود محبوب، جالب و جاذب است، بلکه هر چیزی هم که به گونه ای رنگ تعلق و رایحه انتساب به او را داشته باشد، مطلوب و جاذبه دار است و دلداده را به سوی خود می کشد.

در زیارت چنین است. چگونه می شود که عاشق خدا و دوستدار پیامبر و اهل بیت، و محب صالحین و صدیقین و شهدا و اولیاء اللّٰه، شوق دیدار خانه خدا و بیت اللّٰه و مزار و مرقد و خانه و شهر و دیار معشوق را نداشته باشد و شیفته دیدار کعبه و مدینه و مزار ائمه و قبور صالحین و شهرهای خاطره آمیز و شوق انگیزی که ریشه در فرهنگ دینی ما دارد نباشد؟!

به گفته مرحوم علامه امینی: «اگر مدینه منوره، حرم محترم الهی شمرده شده و در سنت نبوی، برای مدینه و خاکش و اهلش و مدفونین آن جا ارزش های فراوان بیان شده است، به خاطر همان انتساب به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله است. بر مبنای همین اصل، هر چیز دیگری هم که نوعی تعلق و انتساب به پیامبران و اوصیا و اولیای الهی و صدیقین و شهدا و افراد مؤمن دارد، ارزش پیدا می کند و شرافت می یابد ...». (۱) زیارت می تواند نمودی از احساس شوق درونی انسان باشد. نشانی از محبت و دلیلی بر محبوب و علامتی از تعلق خاطر باشد. زیارت، زبان علاقه و ترجمان وابستگی قلبی است.

برای عاشق، حتی خانه ای که روزی معشوق در آن ساکن بوده، کوچه ای که روزی دلبر از آن گذشته، زمینی که بر آن قدم نهاده، شهری که روزی در آن جا می زیسته، سنگی که دست محبوب به آن رسیده، لباسی که بر اندام او بوده، کفشی که در پایش داشته، دلربا و جاذب است، دوست داشتنی و شوق انگیز است.

۱- سیرتنا و سنّتنا، ص ۱۶۰ و ۱۶۱.

در زیارت و مزار، مسأله در ظاهر سنگ و چوب و آجر و آهن و ضریح و ساختمان و صحن و سرا و گنبد و گلدسته و رواق و ... خلاصه نمی شود، تا به زیارت و بوسیدن و تقدیس اینها اشکال شود. بلکه نقش عمده با آن محبت و شناخت و معنویت و عشقی نهفته است که در ورای اینهاست که حتی به اینها، معنی و جهت و قداست و حرمت بخشیده است. وقتی قلب، در گرو یک عشق بود، صاحب آن دل، از نام و یاد و لباس و کوچه و شهر محبوب، خوشش می آید و لذت می برد و همه اینها برایش جاذبه دارد و در هر یک از اینها عکس رخ یار را می بیند.

ما با محبت وافر و علاقه و احساسی که به حضرت محمد صلی الله علیه و آله داریم، اگر باخبر شویم که در جایی رد پایی و نشانی از آن حضرت باقی است، آیا شوق دیدنش را نخواهیم داشت؟ «مقام ابراهیم» در مسجد الحرام، برای حاجی چرا آن قدر خاطره به همراه دارد؟ جز این است که سنگی است که حضرت ابراهیم در بالا ـ بردن دیواره کعبه، به کمک فرزندش اسماعیل، آن را زیر پا می گذاشته است و جای قدم او بر سنگ باقی است؟!

می بینیم که وادی زیارت، وادی عرفان است. در قلمرو دل، گاهی پای عقل هم می لنگد و وقتی عشق فرمان می دهد، عقل چاره ای جز تسلیم و فرمانبرداری ندارد.

مرحوم علامه امینی نقل می کند: «... فقیه و ادیب بزرگوار اهل سنت، تاج الدین فاکهانی(م ۷۳۴ ق) به دمشق رفت به قصد زیارت کفش پیامبر صلی الله علیه و آله، که در «دار الحدیث الاشرفیه» نگهداری می شد. وقتی کفش را دید، افتاد و شروع به بوسیدن کرد و صورتش را بر آن می مالید و اشک شوق از دیدگانش جاری بود و شعری به این مضمون را می خواند: اگر به مجنون گفته شود: لیلی و وصال و دیدار او را می خواهی، یا دنیا را و آنچه را در آن است؟ او در جواب خواهد گفت: غباری از خاک کفش لیلی برایم محبوب تر است و شفابخش تر برای دردهای من ...». (۱)

۱- الغدیر، ج ۵، ص ۱۵۵.

آری ... وقتی عشق در کـار باشـد، خـاک ره دوست را بایـد سـرمه چشم نمود. و برای عاشق، آنچه ارزشـمند است، محبوب و دیدار او و هر چیزی که منسوب به اوست.

برادرانه بیا قسـمتی کنیم، رقیب جهان و هر چه در آن است از تو، یار از من. این یک طرف قضـیه است که محبت، انسان را به زیارت وا می دارد. سوی دیگر قضـیه آن است که «زیارت»، محبت و شـناخت می آورد و از آن جهت، عامل سازنده و تربیت کننـده است. زیـارت، تجدیـد عهـد بـا خط امامت است، میثاق با خون شـهید است، پیمان با محور توحیـد و بیعت با رسالت و وحی است.

امام رضا علیه السلام فرموده است:

«إنّ لکلّ إمام عهداً فی عنق أولیائه و شیعته و إنّ مِن تمام الوفاء بالعهد زیاره قبورهم فمن زارهم رغبه فی زیارتهم و تصدیقاً بما رغبوا فیه کان أئمّتهم شفعائهم یوم القیامه»؛ (۱)

برای هر امامی بر گردن شیعیان و هوادارانش پیمانی است و از جمله وفا به این پیمان، زیارت قبور آنان است. پس هر کس از روی رغبت و پذیرش، آنان را زیارت کند، امامان در قیامت شفیع آنان خواهند بود.

بر اساس همین وفای به عهـد است که شیعه، همواره در احیای نام و یاد و زیارت و مزار اولیای دین، چه رنج ها که کشـیده و چه شهیدها که داده است و هم اکنون نیز این خط ایثار و شهادت تداوم دارد.

مستندات دینی زیارت

تعظیم، تکریم، گرامی داشت و یادکرد انسان های شایسته، فرهیخته، فرهنگ ساز، نقش آفرین، مصلح، متحوّل کنندگان تاریخ و ... و نیز زنده نگه داشـتن نام و یاد آنان پس از مرگ، لازمه محبت، عشق و ارادت انسان به نیکی ها و کمالات است و ریشه در فطرت و سرنوشت آدمی دارد. (۲)

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۵۳، ح ۵.

۲- امـور فطری به چیزهـایی گفته می شـود که: ۱. همگانی باشـد و اختصاص به رنگ، نژاد، تاریخ، ملیت یا سـرزمین خاصّـی نداشته باشد؛ ۲. همانند علوم حصولی نیاز به تعلیم و تعلّم نداشـته باشد، بلکه در نهان و نهاد آدمی تعبیه شده باشد؛ ۳. تبلیغات منفی، تحمیل و فشار نتوانـد آن را ریشه کن کنـد، اگر چه ممکن است از شـدت و حرارت آن بکاهـد. این تبلیغات، شبیه غبار روی آیینه شـفاف است که نسـیمی آن را برطرف نموده و چهره آیینه را آشـکار می کند. توجه به این نکته نیز ضـروری است که امور فطری به لحاظ هماهنگی آن با طبیعت انسان و نظام خلقت اگر در مسـیر صـحیح قرار گیرد و به شـیوه پسندیده از آن استفاده شود قطعاً موجب کمال انسان خواهد بود.(ر. ک: فطرت در قرآن، ص ۲۶).

امروزه شاهـدیم کـه ملت هـا و ملیّت هـای مختلـف، بزرگـان علم، ادب و هنر خـویش را بـا برگزاری سـمینارها، همـایش هـا، کنفرانس هـا گرامی می دارنـد، فضایـل و کمالاتشـان را برمی شـمارند، بـه وجـود آنـان افتخـار می کننـد. ایـن نکـوداشت ها اختصاص به عصر حاضر ندارد؛ بلکه در طول تاریخ همواره ادامه داشته، هرچند که در کیفیت و کمّیت مختلف بوده است.

تلاش جوامع گونـاگون بر حفـظ آثار نیکان و احیای میراث گذشـتگان و رواج موزه ها، نمونه ای از نکوداشت مفاخر نیاکان اسـت. بـدین ترتیـب در تکریـم و تعظیـم صاحبـان کمـال، تفـاوتی بیـن زنـدگان و مردگـان نیسـت. گرچه در کیفیت و شـکل نکوداشت ها هر روز تغییراتی حاصل می شود ولی ریشه این بزرگـداشت ها، تکریم ها و تعظیم ها، زیبا دوستی انسان و عشـق و ارادت فطری او به کمـال است. هر کسـی با کشـش درونی و خـداداد خویش، زیبایی را دوست می دارد، به کمال عشق می ورزد، صاحبان کمال و زیبایی را می ستاید و در مقابل آنان از خود فروتنی نشان می دهد.

چنان که از عوامل و انگیزه های عبادت آدمی در پیشگاه کمال مطلق(جل جلاله) نیز همین کمال دوستی است.

در مقابـل، شخصـیت های صالـح با توجه به پایگاهی که در عقایـد، احساسات و عواطف ملت ها دارنـد، نام و یادشان همواره زنـده می مانـد و علاقه منـدان به آنان برای زنـده نگه داشـتن یادشان تا پای دار پایداری می کنند و تا قطع قدم، ثابت قدم می مانند و برای نیل به کام معنا گام به دام بلا می نهند.

ذکر مناقب و فضایل آل طاها و یاسین، احساس شادمانی و سرور در موالید و تألّم و اندوه در مصایب آنان از یک سو موجب تقرّب به خداست؛ زیرا ارتباط عقلی و عاطفی با آن ذوات نوری که انسان های کامل اند مایه بهره وری از معارف قرآن و استفاده از سنت معصومان علیهم السلام می گردد و سبب تحکیم پیوند با خلیفه خدا می شود.

سندهای دینی در مورد زیارت

زیارت از ریشه «زَور»، به معنای میل و عدول از چیزی است. دروغ را از آن جهت، زُور گفته اند که از راه حق منحرف می گردد. (۱) زایر را از آن جهت زایر می گویند که وقتی به زیارت تو می آید، از غیر تو، رو برمی گرداند. (۲) از این رو برخی گفته اند:

زیارت، به معنای قصد و توجه است. (۳) زیارت، در عرف آن است که انسان با انگیزه بزرگداشت کسی و انس گرفتن با او، به وی روی آورد. (۴) نیز برخی گفته اند: این که بر ملاقات اولیا و بزرگان، اطلاق زیارت شده، از آن جهت است که این کار، انحراف از جریان مادی و عدول از عالم طبیعت و توجه به عالم روحانیت است، در حالی که در محیط طبیعی حضور دارد و جسمانیت خویش را حفظ می کند.

تنها موردی که قرآن کریم این واژه را در این معنا استعمال کرده، «زرتم» در آیه کریمه «أَلْهَٰكُمُ التَّكَاثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ» (۵)

است. مفسران در تفسیر این آیه گفته اند: دو طایفه از قریش، یعنی «بنی عبد مناف» و «بنی سهم، بن عمرو» به مفاخره با یکدیگر پرداختند (۶) و هر کدام، بزرگان و افراد قبیله خویش را به رخ دیگری می کشید که در نهایت بنو عبد مناف در این مفاخره برتری یافت. گروه مقابل، یعنی بنی سهم برای

۱- مقاییس اللغه، ج ۳، ص ۳۶(زور). راغب اصفهانی ریشه دیگری برای این واژه ذکر کرده است.

۲- همان.

۳- المصباح المنیر.

۴- همان.

۵- سوره تکاثر، آیه ۱ و ۲.

۶- برخی نیز گفته اند: دو طایفه از یهود بودند(مجمع البیان، ج ۹- ۱۰، ص ۸۱۱، ذیل آیه).

جبران شکست خویش گفتند: در جاهلیت بسیاری از افراد طایفه ما بر اثر بغی و ستم نابود شدند که اگر زنده می بودند، بر شما غلبه می کردیم. از این رو به سراغ قبرستان ها رفتند و به شمارش قبرهای قبیله خویش پرداختند. (۱)

باورهای ابن تیمیه در مورد زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله

در مورد زیارت قبر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، سندهایی وجود دارد که در زیر به آن اشاره می شود. وهابیت، به عنوان یکی از تأثیر گذارترین باورها در دو دهه اخیر، تفسیر جدیدی از اسلام سنی است که عبدالوهاب سردمدار آن بود. وی طرفدار و بسط دهنده اندیشه های ابن تیمیه بود که بر اساس بنیان های فکری او، مکتب وهابیت بنا گشته است.

ابن تیمیه در سال ۱۲۶۳ میلادی در حران از شهرهای ترکیه کنونی به دنیا آمد و در سال ۱۳۲۸ میلادی وفات یافت. از جمله ویژگی های ابن تیمیه، جسارتش در ارائه عقاید و باورهایش بود. وی نقش بسیاری در پیروزی سپاه ممالیک مصر بر خیل مغولان بر عهده داشت. ابن تیمیه در فقه حنبلی به مقام اجتهاد رسید، ولی در ارائه فتاوا هرگز خود را محدود به فقه حنبلی نمی کرد و حتی بسیاری از فتاوای وی مطابق هیچ یک از مذاهب اربعه اهل تسنن نبود. یکی از نخستین آثار او کتاب العقیده الحمویه الکبری بود که به نوعی خرق عادت در میان سنیان محسوب می شد. وی در این کتاب، به نقد و رد بسیاری از عقاید کلامی اشاعره پرداخته و نسبت به سستی و ضعف آن باورها، معترض بوده است.

ابن کثیر در شرح باورهای وی پیرامون زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله می گوید:

ابن تیمیه زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله را به کلی منع نکرده، بلکه مجرد قصد رفتن به

۱- تفسیر صافی، ج ۵، ص ۳۶۹. البته تفسیر دیگری نیز برای این آیه ذکر شده است(المیزان، ج ۲۰، ص ۳۵۱، ذیل آیه)، اما «زرتم» به همان معنای ملاقات است.

زیـارت را منع کرده است، یعنی اگر کسـی بـدون قصـد زیـارت به مسـجد النبی برود تا نماز بخوانـد و در آن جا قبر را زیارت کند، مانعی ندارد.

افکار نادرست و اعمال ننگین وهابیت

تا قرن دوازدهم، مسـلمین، خاطره بزرگان اسـلام را گرامی می داشـتند؛ آنها را به درگاه الهی شـفیع قرار می دادند؛ روی قبور آنان، قبه و بارگاه می ساختنـد؛ برای زیارت قبور آنان از راه دور و نزدیک می شـتافتند؛ به آنها توسل می جسـتند و برای آنها نذر می کردند و قربانی می نمودند؛ قبور و ضریح آنها را می بوسیدند و به آنها احترام می گذاشتند.

در این قرن، شخصی به نام محمد بن عبد الوهاب(۱۱۱۱– ۱۲۰۷ ق) که از اهالی عینیه از شهرهای نجد بود، با حمایت استعمار، در عربسـتان ظهور کرد و همه امور یاد شده را به عنوان مظاهر شـرک، قدغن و تحریم نمود و هر کس را که با عقیده او موافق نبود، کافر و واجب القتل دانست و در این راه محمد بن سعود جدّ آل سعود را که در آن وقت امیر دراعیه از شهرهای معروف نجـد بود، به کمـک طلبیـد. به این جـا و آن جـا حمله کرده قتـل و غـارت راه انداختنـد و از آن جمله بارهـا به کربلا و نجف، لشکرکشـی کردند و بسـیاری از مردم بی گناه را شـهید و قبر امام حسـین علیه السلام و سایر شهدا را خراب و مورد هتک قرار دادنـد و اموال گران بهـای حرم و خـانه هـای مردم را غـارت کرده، میـان خود و سـربازانشان به عنوان غنیمت تقسـیم کردنـد. همچنین بارهـا به مکه و مـدینه حمله کرده، گنبـدها و ساختمـان هـای گورسـتان خبه العلی و قبور ابو طـالب و عبـد المطلب و خدیجه و فرزندان پیغمبر و گنبد زادگاه حضرت رسول صلی الله علیه و آله و ابوبکر و علی و حضرت خدیجه را خراب کردند و در مـدینه نیز همه گنبـدها و زیارتگاه ها و قبور صالحان را ویران کرده و با خاک یکسان نمودند، مانند مزار حمزه، شـهدای احـد، ائمه چهارگـانه بقیع(امام حسن، امام زین العابـدین، امام باقر، امام صادق علیهم السـلام)، مرقـدهای عباس عموی پیغمبر، عبـداللّه و آمنه پـدر و مادر آن حضـرت، همسـران آن بزرگوار، قبر اسـماعیل امام اسـماعیلیه، قبر مالک و ... اگر ترس از امت اسلام نبود، قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

را نیز خراب می کردند!

وهابی ها بدون توجه به همه ابعاد کتاب و سنت و بدون توجه به سیره مستمره مسلمین که تا زمان رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله، امتداد داشته و بدون تعمیق در مسایل بنیادی اسلام و تجمد به ظواهر برخی از آیات و روایات، بسیاری از مقدسات مسلمین را که قرن ها مورد احترام بود، احترام گذاران به آن مقدسات را مشرک، کافر و واجب القتل دانستند.

در عروه آمده است: «و المراد بالکافرمن کان منکر الاهیه أو التوحید أو الرساله أو المعاد أو ضروریاً من ضروریات الدین مع الالتفات إلی کونه ضروریاً»؛ (۱) مراد از کافر کسی است که منکر الوهیت یا توحید یا نبوت یا معاد باشد و یا منکر یکی از ضروریات دین با توجه به ضروری بودن آن باشد.

بنابراین، کسی که به همه اصول و ضروریات دین باور دارد و قبور صالحان را به جهت شایستگی و خدمتشان گرامی می دارد؛ در کنار آنها برای خدا عبادت می کند، روی آنها گنبد و بارگاه می سازد؛ آنها را به درگاه الهی به خاطر مقامی که نزد خدا دارند، شفیع قرار می دهد؛ به زیارت آنها می رود؛ نمی شود چنین فردی را کافر و مهدور الدم دانست.

از این رو، توحید که به معنای خدا را در ذات و صفات و افعال، یکتا دانستن و هرگونه شریک و انباز را از او نفی کردن و در مقام عبادت، تنها او را پرستش کردن است، هدف همه انبیای الهی به ویژه حضرت محمد صلی الله علیه و آله بوده و هست؛ ولی وهابی ها به قدری دایره شرک را وسیع گرفته اند که هر گاه کسی قبر عبد صالح و شهیدی را که در راه خدا گام برداشته و جانش را در راه پیشبرد دینش گذاشته است، ببوسد و احترام بگذارد، مشرک می دانند. در صورتی که زایر در این کار، نظری جز تکریم به خاطر بندگی خاص او برای خدا و فداکاریش در راه دین او نداشته و هرگز او را از مرز بندگی فراتر نبرده است.

۱- عروه الوثقی، محشی با توجه به حاشیه آیت اللّٰه خوئی، ص ۲۴.

زیارت در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله

رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از فتح مکّه و به هنگام مراجعت، در ابواء قبر مادرش آمنه را زیارت کرد و در کنار آن نشست و عاطفه سرشار و روح لطیفش موجب گردید که خاطرات گذشته و زحمات طاقت فرسای مادرش را تداعی کند و گریه شدید سردهد؛ به طوری که صحابه آن حضرت نیز شدیداً متأثّر گشته و گریه کردند.

همه صحابه و یاران پیامبر صلی الله علیه و آله در آن روز، آن تکریم و احترام را از سوی آن حضرت نسبت به مادرش مشاهده نمودند. زیارت کردن قبر مادر و گریه شدید کردن در مرئی و منظر عموم، چیزی نبود که در آن شرایط و با وجود چند هزار نفر که در این سفر به همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بودند، به فراموشی سپرده شود و حادثه ای باشد که بتوان از اصل انکارش نمود. لذا با حفظ اصل این جریان تاریخی، در کیفیت آن دخل و تصرف کردند و از همان شیوه ای که در ماجرای غدیر و در تصرف و تحریف در لفظ «مولا» استفاده نمودند، در این جریان نیز بهره گرفته و چنین گفتند: «این که پیامبر صلی الله علیه و آله قبر مادرش را زیارت و در کنار آن گریه کرد و صحابه نیز گریه کردند، درست است، اما این عملکرد رسول خدا صلی الله علیه و آله دلیل بر ایمان و توحید مادر آن حضرت نیست؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله پس از این مراسم جمله ای فرموده است که شرک و کفر مادر او را به اثبات می رساند! و آن این که: «از خداوند برای مادرم اجازه طلب مغفرت کردم، ولی چنین اجازه ای به من داده نشد؛ امّا برای زیارت قبرش اجازه خواستم که خداوند این اجازه را به من داد!».

این حدیث که ناقل آن ابوهریره است، در صحیح مسلم، (۱) سنن نسائی، (۲) سنن ابن ماجه، (۳) سنن ابی داود (۴) و تاریخ المدینه ابن شَبّه (۵) آمده است. در سه سنن یاد شده، با مضمون آن، بر

۱- ج ۱، کتاب الإیمان، باب مَن ماتَ علی الکُفرِ فَهُوَ فی النّار.

۲- ج ۴، کتاب الجنائز، باب زیاره قبر المشرک.

۳- ج ۱، کتاب الجنائز، باب ما جاء فی زیاره قبور المشرکین.

۴- ج ۲، ص ۱۹۵.

۵- ج ۱، ص ۱۱۸.

جواز زیـارت قبور مشـرکان، اسـتدلال گردیـده است و برای این حـدیث، بـاب مسـتقلّی به عنوان: «جواز زیـاره قـبر المشـرک» اختصاص یافته است.

دیدگاه پیامبر در مورد زیارت قبور

برخی از محققین معتقدنـد که مسأله اسـتحباب زیارت قبور اولیا و صـلحا، چیزی است که قرآن و سـنت و اجماع و عقل بـدان دلالت دارد که ما ذیلًا تنها به چند حدیث از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در باب زیارت به آن اشاره می کنیم:

الف. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «من زار قبری وجبت له شفاعتی»؛ (۱) هرکس قبرم را زیارت کند، شفاعتم برای او واجب خواهد شد.

ب. «من جائنی زائراً لا تحمله حاجه إلا زیارتی کان حقاً علیّ أن یکون له شفیعاً یوم القیامه»؛ (۲) هر کس به زیارتم بیاید و جز زیارتم قصد دیگری نداشته باشد، بر من فرض است که در قیامت شفاعتش نمایم.

ج. «من حجّ فزار قبری بعـد وفاتی کان کمن زارنی فی حیاتی»؛ (۳) کسـی که خانه خدا را زیارت کند آن گاه قبرم را زیارت نماید، همانند این است که در زمان حیاتم زیارتم کرده باشد.

د. «من زارنی بعـد موتی فکأنّما زارنی فی حیاتی»؛ (۴) کسـی که بعـد از مرگم مرا زیارت کند، همانند این است که در حیاتم زیارتم کرده باشد.

ه. «زوروا القبور فإنّها تذکّرکم الآخره»؛ (۵) قبرها را زیارت کنید که شما را به یاد آخرت می اندازد.

و. «إنّی نهیتکم عن زیاره القبور فمن شاء أن یزور قبراً فلیزره فإنّه یرقّ القلب و یدمع

۱- وفاء الوفاء سمهودی، ج ۴، ص ۱۳۳۶- ۱۳۴۸؛ الغدیر، ج ۵، ص ۹۳- ۱۰۸؛ کشف الارتیاب، ص ۴۶۰- ۴۷۱؛ منهج الرشاد، ص ۱۴۰- ۱۴۳.

۲- همان منابع.

۳- همان منابع.

۴- همان منابع.

۵- سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۰۰.

العین و یذکر الآخره و لا تقولوا هجراً»؛ (۱) من قبلًا شما را از زیارت قبور، نهی می کردم، ولی اکنون هرکس می خواهد قبری را زیارت کند، چرا که دل را نرم و چشم را گریان می کند و آخرت را به یاد می آورد پس حرف های بیهوده نگویید.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز نقل شده است: خدای سبحان، گروهی از فرشتگان را مأمور کرده تا فاطمه را از پیش رو، پشت سر، سمت راست و چپ محافظت کنند؛ در مدت حیاتش با او باشند و بعد از مرگ نیز وی را در قبر همراهی کنند؛ بر او، پدرش، شوهرش و فرزندانش صلوات فراوان بفرستند. پس کسی که مرا بعد از وفاتم زیارت کند، گویا فاطمه را زیارت کرده است و کسی که فاطمه را زیارت کند، مرا زیارت کرده است. کسی که علی بن ابی طالب را زیارت کند، گویا فاطمه را زیارت کرده است در نتیجه مرا زیارت کرده است. کسی که حسن و حسین را زیارت کند گویا علی را زیارت کرده است در نتیجه فاطمه و مرا زیارت کرده است. هر کس که ذریّه حسن و حسین را زیارت کند، گویا خودشان را زیارت کرده است در واقع علی و فاطمه و مرا زیارت کرده است. (۲) بنابراین، زیارت هر کدام در حقیقت زیارت همه آنان است و از نظر فضیلت نیز یکسان هستند، اما برخی عوارض خارجی، مانند دوری راه، غربت، فشار و سخت گیری های حاکمان ستمگر و ... سبب شده که به زیارت برخی از امامان، مانند امام حسین و امام رضا علیهما السلام توصیه ویژه ای نموده اند یا ثواب مخصوصی ذکر کرده اند. چنان که ممکن است فداکاری ویژه امام حسین علیه السلام برای حفظ دین، سبب توصیه ویژه به زیارت آن حضرت شده باشد. بدین ترتیب اثبات فضیلت و استحباب زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای اثبات فضیلت و ثواب زیارت سایر امامان و حضرت فاطمه زهرا علیهم السلام، کفایت می کند، حتی اگر دلیل خاص درباره زیارت آن بزرگواران نداشته باشیم.

روایت هایی که در مورد حجاجی که مشرّف می شوند به زیارت روضه مطهر و

۱- صحیح مسلم، ج ۱، ص ۳۸۸.

۲- بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۲۲، ح ۲۸.

آستانه منور حضرت سید المرسلین محمد بن عبد اللّه صلی الله علیه و آله و ترک زیارت آن حضرت باعث آن می شود که جفا شود در حق او در روز قیامت. و شیخ شهید فرمود: اگر مردم زیارت آن حضرت را ترک کنند، بر امام است که آنان را مجبور کند به رفتن زیارت آن حضرت؛ زیرا ترک زیارت آن حضرت، موجب جفای محرم است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: ای علی، هر کس که مرا در زمان حیات یا مرگم زیارت کند، یا تو و فرزندانت را در زمان حیات یا پس از مرگ زیارت کند، من ضمانت می کنم که او را از اهوال و شداید روز قیامت نجات دهم تا آن که او را هم درجه خودم می گردانم. (۱) همچنین فرمود: کسی که من یا یکی از فرزندانم را زیارت کند، در روز قیامت به زیارت و دیدار او خواهم رفت و از هراس ها و وحشت های آن، نجاتش خواهم داد. (۲) در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: کسی که از راه دور به من سلام دهد، به من ابلاغ می شود و هر کس که نزد قبرم به من سلام دهد، می شنوم. (۳) و در روایت دیگری تصریح شده که این سلام، به وسیله فرشتگان به آن حضرت ابلاغ می شود. (۴) بنابراین، سلامی که در قالب زیارت بر پیشوایان نور و امامان هدایت علیهم السلام می فرستیم، چیزی جز پیروی از سنت قرآن کریم نیست؛ زیرا اصل سلام بر صالحان را تجویز کرده و سلام بر مردگان را نیز جایز دانسته است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام خبر داد که تو در سرزمین عراق کشته و دفن خواهی شد.

علی علیه السلام پرسید: کسی که قبر ما را زیارت و تعمیر کند و تعهد خویش را با آن حفظ کند، چه اجری دارد؟ پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ای ابا الحسن! خداوند قبر تو و قبر فرزند تو را بقعه ای از بقعه های بهشت و زمینی از زمین های آن قرار داده است. قلب جوانمردانی از مخلوقات خود و برگزیدگان بندگانش را مشتاق شما قرار داده، به

۱- وسائل الشیعه، ابواب المزار، باب ۲، ج ۱۴، ص ۳۲۸، ح ۱۶.

۲- همان، ص ۳۳۲، ح ۲۳.

۳- بحارالأنوار، ج ۹۷، ص ۱۸۲.

۴- همان، ص ۱۸۱.

گونه ای که در راه شما آزار و اذیت ها را تحمل می کنند و قبرهای شما را آباد می سازند و با انگیزه تقرّب به خدا و دوستی رسول او، فراوان به زیارت قبور شما می شتابند. ای علی! آنان از شفاعت من برخوردار، و بر حوضم وارد می شوند و زایران من در بهشت هستند. ای علی! کسی که قبرهای شما را آباد کند و به تعهد خویش پای بند باشد، مانند آن است که سلیمان بن داود را در ساختن بیت المقدس یاری رساند. کسی که قبرهای شما را زیارت کند ثواب هفتاد حج غیر از حَجّهُالاسلام که واجب است دارد و از گناهان خود بیرون می آید، همانند روزی که از مادرش متولد می شود. پس بشارت باد به تو و به دوستانت نیز بشارت بده به نعمت ها و چشم روشنی هایی که نه چشمی دیده، نه گوشی شنیده و نه به دل کسی خطور کرده است. اما نابخردانی از مردم، زایران قبور شما را سرزنش می کنند، آن گونه که زنان نابکار را بر اثر نابکاریشان سرزنش می کنند. اینها اشرار امت من هستند که شفاعت من به آنها نرسد و بر حوض من وارد نشوند. (۱) توجه به این نکته ضروری است که ثواب های مورد اشاره در این گونه روایات، بیانگر عظمت و جلالت قدر زیارت شونده است، چنان که حکایت از آثار مثبت فردی و اجتماعی زیارت می کند.

جنبه های مختلف زیارت از زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره شهادت حسین علیه السلام و زیارت قبر آن حضرت به ابن عباس فرمود:

«من زاره فقد زارنی و من زارنی فکأنّما زار اللَّه و حقّ علی اللَّه أن لا یعذّبه بالنار»؛ (۲)

هر کس او را زیارت کند، مرا زیارت کرده است و هر که مرا دیدار کند، گویی خدا را دیدار کرده است و خداوند او را به آتش دوزخ عذاب نکند.

۲. همچنین ایشان درباره زیارت قبر امام حسن علیه السلام در بقیع فرمود:

«من زار الحسن

۱- تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۲، ح ۵۰، باب فضل زیاره امیرالمؤمنین علیه السلام؛ بحارالأنوار، ج ۹۷، ص ۱۲۰.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۵۲.

فی بقیعه ثبت قدمه علی الصراط یوم تزلّ فیه الأقدام»؛ (۱) هر کس امام حسن را در بقیع او زیارت کند، در روزی که قدم ها می لغزد، گام او بر صراط، استوار خواهد بود.

۳. «من زار أخاه فی اللَّه قال اللَّه عزوجل له: أنت ضیفی و زائری، علی قراک و قد أوجبت لک الجنّه بحبّک إیّاه»؛ (۲)

هر کس برادر دینی خود را خالصانه دیدار کند، خدای متعال به او می فرماید: تو مهمان و زایر منی؛ پذیرایی از تو بر عهده من است و من به خاطر این که برادر دینی ات را دوست می داری، بهشت را بر تو واجب ساختم.

۴. «الزیاره تنبت الموده»؛ (۳) زیارت، مودت و دوستی پدید می آورد.

۵. «من أتانی زائراً کنت شفیعه یوم القیامه»؛ (۴) هر کس به زیارت من آید، در روز قیامت شفیع او خواهم بود.

زیارت در مکتب اهل بیت علیهم السلام

آثار و سازندگی زیارت

حضور پیدا کردن در مقابل امام معصوم یا مرقد مطهر او، فیضی است که مرحله ای از زیارت با آن تحقق می یابد؛ اما در هر زیارتی این گونه است که بعد از دیدار ظاهری و تعارف متداول به گفت وگو با مزور و محبوب می نشینند تا دیدار را طولانی تر و لذت وصال را بیشتر کنند. و ذکر کمالات معشوق، از یک سو تکلیف، بلکه تشریف عاشق را روشن می کند و به او می فهماند که در برابر چنین محبوبی چه وظیفه سنگینی دارد و از سوی دیگر معشوق را دلگرم می کند که ارادت عاشق، صوری و ناپایدار نیست.

این حدیث، بیانگر نکاتی است که ذیلًا ذکر می گردد:

این روایت و امثال آن، نشان می دهد که حیات و مرگ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام یکسان است؛ زیرا زیارت دوران حیات و مرگ، اجر و آثار یکسان دارد.

۱- بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۴۱.
۲- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۵۷.
۳- بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۵۵.
۴- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۶۱.

از این جهت لازم است که زایر به گونه ای در حرم شریف آنان حضور پیدا کند که اگر زنده می بودند، همان طور در کنارشان حضور پیدا می کرد و زیارت در دوران مرگ باید همان آثار و سازندگی زیارت دوران حیات را برای او داشته باشد. چنان که هم درجه شدن با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بدون حساب و برنامه نیست، بلکه سنخیّت روحی، اخلاقی و معنوی لازم دارد و این سنخیّت، باید در دنیا کسب شود. اصل زیارت، توجه به مقام مزور، تأمل در متن زیارتنامه و تلاش در تهذیب و تزکیه نفس، می تواند در ایجاد این سنخیّت و تتمیم و تکمیل آن کمک کند. امام رضا علیه السلام فرمود: شیعیان نسبت به هر یک از امامان معصوم پیمان و تعهدی دارند که کمال وفای به آن عهد، در زیارت مشتاقانه و عارفانه قبور آن ذوات نورانی علیهم السلام است. (۱) این حدیث، بیانگر نکاتی است که ذیلًا ذکر می گردد:

۱. زیارت قبر امام، نشانه وفاداری و تعهد به مقتدا و پیشواست. سخنگوی نهضت پیامبر صلی الله علیه و آله، بلال حبشی در دوران اقامت خویش در شام، رسول اکرم صلی الله علیه و آله را در خواب دید که به او می گوید: ای بلال! این چه جفایی است؟ آیا هنگام آن نرسیده است که به زیارت من نایل آیی؟ (۲) در این رؤیا، ترک زیارت قبر مطهّر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جفا نامیده شده، طبعاً زیارت آن، وفای به عهد خواهد بود.

۲. زیارت باید همراه با رغبت، شوق و علاقه قلبی به مزور باشد.

۳. زیارت باید همراه با تصدیق قلبی به چیزهایی باشد که مزور بدان رغبت داشته، مورد علاقه وی بوده و در راه آن فداکاری کرده است.

تولّی و تبرّی در زیارت عاشورا

ظهور تولّی و تبرّی در زیارت عاشورا نسبت به زیارت های دیگر، حالت ویژه و استثنایی دارد؛ زیرا زایر این زیارت نه تنها بر مقتدا و مراد خویش و سردار و ساقی

۱- کافی، ج ۴، ص ۵۶۷.

۲- ر. ك: همان، ص ۶۷.

عشق، یعنی حسین بن علی علیهما السلام صد مرتبه سلام می دهد، بلکه بر فرزندان او و بر پروانه های عاشقی که گرداگرد شمع وجود سالار خویش گردیدند، و در آتش ارادت به او سوختند و در آستان آن امام همام آرمیدند، نیز صد مرتبه سلام می دهد.

از سوی دیگر، نه تنها بر یزید که دست ناپاک ستم از آستین وی به درآمد و گلوی حق را به انگیزه نابودی فشرد، نفرین می فرستد؛ بلکه بر تمام مشایعت کنندگان، همراهان، بیعت کنندگان، تابعان و خلاصه اولین کسی که بر پیشوایان نور، ستم روا داشت و آخرین کسی که در این ستم پیشگی، آنان را تبعیت کرد، صدمرتبه نفرین دارد. سرّ این سلام و لعن ویژه، آن است که ستیغ نبرد امامت علوی و سلطنت اموی- که استمرار نبرد اسلام و کفر است- عاشوراست.

تذکر: همان طور که تخلیه، مقدم بر تحلیه است تبرّی قبل از تولّی است. پس در زیارت عاشورا نخست تبرّی و لعن صورت می پذیرد. سپس تولّی؛ هر چند ممکن است نسبت به دلباختگان ولایت، تبرّی از دشمنان ولایت به منظور غبارروبی و گردگیری از چهره شفاف مرآت ولایت باشد. نظیر نفی آلهه دروغین در کلمه طیّبه «لا إله إلا اللّه» که به منظور غبارروبی شرک است تا توحید مستقرّ و ثابت و اصیل، روشن و هویدا گردد.

ثواب زیارت ائمه اطهار علیهم السلام

فقیه و فیلسوف بزرگ، ملا محسن فیض کاشانی رحمه الله می گوید: روایاتی که ثواب زیارت ائمه اطهار علیهم السلام را بیشتر از حج، عمره و جهاد در راه خدا می داند، بیش از آن است که شمارش شود. و سرّش آن است که:

اولّا، هر کسی که ادعای مسلمانی می کند- حتی اگر ناصبی باشد- اهل حج، عمره، جهاد و امثال آن است، در حالی که زیارت ائمه اطهار علیهم السلام اختصاص به کسانی دارد که آشنای به قدر و منزلت آنان- هر چند ناقص- و معتقد به ایشان باشند.

ثانیاً، حرم های شریف ائمه علیهم السلام مشهد ارواح بلند و مقدس آنان و محل حضور

اشباح برزخی نوریشان است. آن ارواح بلند در حالی که زنده، خوشحال و روزی خورنده از فضل پروردگارشان هستند، در آن مکان های شریف حضور پیدا می کنند و زایر در فضایی که روح امام معصوم علیه السلام حضور دارد، نفس می کشد؛ عبادت و راز و نیاز می کند و ....

ثالثاً، زیارت ائمه علیهم السلام صله و نیکی به خود آنان، رسول خدا صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علیه السلام، فاطمه علیها السلام، شیعیان، دوستدارانشان و بلکه نیکی به سایر انبیا و اوصیای الهی است و موجب خوشحالی آنان، اجابت دعوت، تجدید عهد با ولایت، زنده نگه داشتن مرام و غلبه بر دشمنانشان می گردد. همه اینها عبادت خداست و سبب می شود که انسان به فضایل و برکاتی که نزد خداست برسد و به رضای او دست یابد؛ زیرا خوشحال کردن مؤمن عادی اگر آن همه فضیلت و ثواب دارد، فضیلت و ثواب خوشحال کردن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام غیر قابل وصف است. زیرا که آنان از خطا و گناه معصوم هستند و خداوند آنها را امام مؤمنان و پیشرو پروایپیشگان قرار داد؛ آسمان و زمین را برای آنان آفرید. آنها صراط، سبیل و راهنمای به سوی او، دروازه رحمت الهی، وسیله ارتباط بین او و بندگانش هستند.

اما حج، عمره، جهاد و مانند آن، اگرچه موجب انفاق مال، ترک وطن، تحمل مشقت ها و ... می گردد، ولی فضیلت این امور در حدّ زیارت نیست؛ زیرا با آن که عبادت الهی، اجابت امر او و موجب خشنودی خدا و اولیای او می شود، اما آن فضایل دیگر را کم تر می توان در اینها یافت. (۱) از امام کاظم علیه السلام نقل شده است: «هرکس که فرزندم امام رضا علیه السلام را زیارت کند، از ثواب هفتاد حج قبول شده برخوردار است. راوی با تعجب پرسید: ثواب هفتاد حج؟

فرمود: آری، هفتاد هزار حج. راوی دوباره با تعجب پرسید: هفتاد هزار حج؟ فرمود:

چه بسا حج که مورد قبول واقع نمی شود. (۲)

۱- الحقایق، ص ۲۸۷.

۲- کافی، ج ۴، ص ۵۸۵، کتاب الحج، باب فضل زیاره أبی الحسن الرضا علیه السلام.

شاهد این ادعا، کلام بزنطی است که می گوید: در نامه حضرت ثامن الحجج، علی بن موسی الرضا علیه السلام خواندم که فرمود: این پیام را به شیعیان ما برسانید که زیارت من در پیشگاه الهی با هزار حج برابری می کند. تعجب کردم، از این رو به امام جواد علیه السلام گفتم: واقعاً با هزار حج برابری می کند؟ فرمود: آری، به خدا سوگند! با هزار هزار یک میلیون حج برابری می کند لیکن برای کسی که همراه با معرفت زیارتش کند. (۱)

زیارت با معرفت و آگاهی

معرفت مزور و آگاهی از منزلت او، مورد سفارش و تأکید بسیاری از روایات است. از امام کاظم علیه السلام رسیده است: «... هر کس امام رضا علیه السلام را که در شهر غربت از دنیا می رود زیارت کند، در حالی که تسلیم امر او و عارف به حقّش باشد، در پیشگاه الهی از منزلت شهدای بدر برخوردار است». (۲) امام صادق علیه السلام فرمود: «امام حسین علیه السلام را زیارت کنید، هرچند که سالی یک بار باشد؛ زیرا هر کس عارف به حقّ او باشد و زیارتش کند، پاداشی جز بهشت ندارد، از رزق واسعی بهره مند می شود و خداوند گشایشی در کار او ایجاد می کند». (۳) امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند چهار هزار فرشته ژولیده موی غبار غم گرفته را موکّل قبر امام حسین علیه السلام کرده که تا روز قیامت برای او گریه می کنند. پس کسی که عارف به حق آن حضرت باشد و زیارتش کند، آن ملائکه، وی را همراهی می کنند تا به مأمنش برسانند، اگر مریض شود، صبح هنگام و شبانگاهان عیادتش می کنند و اگر بمیرد، تشییع جنازه اش کرده، تا روز قیامت برای وی استغفار می کنند». (۴) همچنین به بشیر فرمود: «کسی که قبر حسین بن علی علیهما السلام را همراه با معرفت زیارت کند، همانند کسی است که خدا را در عرش زیارت کرده است». (۵) این گونه

۱- بحارالأنوار، ج ۹۹، ص ۳۳.

۲- همان، ج ۹۹، ص ۴۱.

۳- همان، ج ۹۸، ص ۲.

۴- کامل الزیارات، ص ۳۴۹، باب ۷۷، ح ۱.

۵- بحارالأنوار، ج ۹۸، ص ۷۷.

روایات درباره سایر ائمّه علیهم السلام نیز وارد شده است.

سرّ این که توصیه کرده اند زیارت زایر با معرفت باشد، آن است که آنچه مایه کمال زیارت می گردد، معرفت و شناخت مقام و موقعیت امام است، نه اعمالی بی روح و همراه با غفلت، همانند بوسیدن صِرف و ناآگاهانه ضریح یا در و دیوار، گردش کورکورانه در اطراف ضریح، تماشای آثار هنری، شمارش ستون ها، چراغ ها، شمعدان ها، درها، پنجره ها و .... این کارها، به سیاحت شباهت بیشتری دارد تا زیارت. ثواب های اخروی و آثار دنیوی که در روایات آمده، بر زیارت واقعی مترتب است، یعنی جایی که ارتباط قلبی با مزور برقرار شود و منشأ تحول در زایر گردد، نه بر سیاحت و زیارت صوری.

معرفت و آگاهی، نه تنها شرط کمال زیارت ائمه اطهار علیهم السلام است، بلکه درباره طواف کعبه نیز این تعبیر آمده است. ابراهیم تیمی گوید: در حال طواف کعبه بودم که امام صادق علیه السلام با تکیه زدن بر من فرمود: ای ابراهیم! آیا تو را از فضیلت این طوافی که انجام می دهی، آگاه سازم؟ گفتم: قربانت گردم، مایل هستم. فرمود: هر کس به سراغ این خانه بیاید و در حالی که عارف به حق آن است، با هفت شوط دور آن طواف کند و سپس دو رکعت نماز در مقام ابراهیم علیه السلام بگزارد، خداوند ده هزار حسنه برای او می نویسد و ده هزار درجه وی را بالا می برد. (۱) افزون بر این، در جای خود ثابت شده است که ائمه اطهار علیهم السلام یک نور در چهارده رواق هستند:

«و أنّ أرواحکم و نورکم و طینتکم واحدهٌ». (۲)

زید شحّام از امام صادق علیه السلام پرسید: امام حسن افضل است یا امام حسین؟ آن حضرت در جواب فرمود: فضل اول ما به آخر ما و فضل آخر ما به اول ما برمی گردد ... خلقت ما یکی است، علم ما یکی است، فضل ما یکی است، همه ما در پیش خدا یکی هستیم ... اول ما محمد است، وسط ما محمد است، آخر ما نیز محمد است. (۳)

۱- همان، ج ۷۱، ص ۳۱۹.

۲- مفاتیح الجنان، زیارت جامعه.

۳- بحارالأنوار، ج ۲۵، ص ۳۶۳.

شبیه این مطلب را عبدالرحمن بن مسلم از امام کاظم علیه السلام پرسید و گفت: زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام افضل است یا زیارت امام حسین علیه السلام یا زیارت فلان امام، فلان امام ...؟

و یک یک امامان را نام برد. امام کاظم علیه السلام در جواب فرمود: هر کس که اولین ما را زیارت کند، آخرین ما را زیارت کرده است، چنان که اگر آخرین ما را زیارت کند، مانند اولین نفر ما را زیارت کرده است. هرکس ولایت اولین نفر ما را بپذیرد، ولایت آخرین نفر ما را پذیرفته است؛ همان طور که اگر ولایت آخرین نفر ما را بپذیرد، ولایت اولین نفر ما را پذیرفته است. کسی که حاجت یکی از دوستان ما را برآورد، گویا حاجت همه ما را برآورده است .... (۱)

بررسی تطبیقی زیارت از دیدگاه شیعه و اهل سنت

اشاره

زیارت قبور مؤمنان، خصوصاً زیارت بستگان و آشنایان، یکی از اصول اسلامی است که برای خود آثار سازنده ای دارد؛ زیرا مشاهده وادی آرام قبرستان که چراغ زندگی انسان ها در آن جا به خاموشی گراییده، دل و جان را تکان می دهد، و برای انسان های عبرت آموز درس عبرت می شود. این گروه با خود می گویند: این زندگی موقت که پایان آن، پنهان شدن در زیر خروارها خاک است، ارزش تلاش های ناروا را ندارد. و سرانجام این افراد در برنامه زندگی خود تجدید نظر می کنند و تحولی در روح و روان آنها پدید می آید.

گذشته از این، زیارت بزرگان دین، نوعی ترویج از دین و مقامات معنوی است، و توجه مردم به مدفن بزرگان، این فکر را تقویت می کند که معنویت آنان مایه این گرایش هاست؛ و گرنه صاحبان قدرت و ثروت ولی فاقد معنویت، زیر خاک خفته و کسی به آنها توجهی ندارد.

رسول گرامی صلی الله علیه و آله در آخرین روزهای عمر خود، به قبرستان بقیع رفت و درباره اهل

۱- همان، ج ۹۷، ص ۱۲۲.

قبور، طلب آمرزش کرد و فرمود: پروردگارم دستور داده است که به سرزمین بقیع بیایم و برای آنان طلب مغفرت کنم. آن گاه فرمود: هر گاه به زیارت آنان شتافتید بگویید:

«السلام علی أهل الدیار من المؤمنین و المسلمین یرحم اللّٰه المستقدمین منّا و المستأخرین و إنّا إن شاء اللّٰه بکم لاحقون»؛ (۱) درود بر ساکنان این وادی از مؤمنان و مسلمانان، رحمت خدا بر گذشتگان از ما، و بازماندگان و ما به خواست خدا به شما می پیوندیم.

در کتاب های حدیثی، زیارت قبور اولیای الهی و پیشوایان دین به صورت یک مستحب مؤکد آمده و پیوسته ائمه اهل بیت علیهم السلام به زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله، و دیگر امامان متقدم بر آنها می رفتند و پیروان خود را بر انجام آن دعوت می نمودند.

پیامبران دیگر هم یادآوران بزرگی بودند که انسان را به «میثاق فطرت» یادآوری می کردند و با تذکر به «هویت» انسان ها، آنها را در مسیر حرکت از «هست» ها به «باید» ها یاری و راهنمایی می کردند. علمای اهل سنت نقل کرده اند که ابن منکدر، از بزرگان تابعین(م ۱۳۰ ق)، با اصحابش در مجلسی که می نشست و تشنگی شدیدی بر او عارض می شد، برخاسته و صورت بر قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می نهاد و بر می گشت. وقتی مورد سؤال قرار می گرفت، می گفت: حالت خطرناکی به من دست می دهد که در این حالت، به وسیله قبر پیامبر صلی الله علیه و آله شفا می طلبم. و نیز به محلی در صحن مسجد می آمد و در آن جا خود را به خاک می افکند. وقتی علت را می پرسیدند، می گفت: در خواب، پیامبر صلی الله علیه و آله را در این مکان دیدم. (۲) یا وقتی پیراهن حضرت یوسف علیه السلام، چشم نابینای یعقوب فراق کشیده و هجران دیده را بینا می کند، مرقد رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله نمی تواند کرامت نشان دهد؟ وقتی بنا به روایات، غبار مدینه، شفابخش جذام باشد، تربت پیامبر صلی الله علیه و آله و امام حسین و قبر امام رضا علیهما السلام شفا نمی دهد؟ مگر نه این که دختر آن رسول پاک، حضرت فاطمه علیها السلام پس از

۱- صحیح مسلم، ج ۳، باب ما یقال عند دخول القبور، ص ۶۴؛ منشور عقاید امامیه، ص ۲۵۰.

۲- الغدیر، ج ۵، ص ۱۵۰.

وفات پیامبر، کنار قبر پدر ایستاد و مقداری از خاک قبر را برداشت و بر دیدگان خویش نهاد و گریست و گفت: چه باک! آن کس را که تربت محمد را بوییده، هرگز در طول زمان، مُشک و بوهای خوش را نبوید؟

این گونه احترام ها و محبت ها و شفاطلبی ها و تبرک جویی ها، از عقیده و ایمان سرچشمه می گیرد. (۱) وقتی امام احمد حنبل، پیراهنی را که متعلق به شافعی بوده، می شوید و آب آن را می نوشد تا از مقام علم، تجلیل کرده باشد، (۲) پس ارزش صحابه پیامبر و تکریم آثار بر جای مانده از انبیا و ائمه علیهم السلام، جای خود دارد.

نمونه هایی از اسوه های عملی در باب زیارت

زیارت، تکریم این گونه ارزش هاست، و احیای قداست منسوب به اولیای خداوند است. حال چند نمونه از سیره عملی اسوه های خود را یاد می کنیم تا معلوم گردد که چگونه پیشوایان دینی ما این «حق» را ادا می کردند و آن فرهنگ را زنده نگه می داشتند.

حضرت فاطمه علیها السلام قبر حمزه سید الشهدا را زیارت می کرد؛ اصلاح می نمود؛ علامت می گذاشت و هر دو سه روز یک بار، قبور شهدای احد را زیارت می کرد؛ کنار مزار، نماز می خواند؛ می گریست و دعا می کرد و هر جمعه، قبر حضرت حمزه را دیدار کرده، نزد آن می گریست. (۳) «حضرت زهرا علیها السلام، بعد از رسول خدا، هفتاد و پنج روز زیست. در این مدت، هرگز شاد و خندان دیده نشد. در هفته دو روز(روزهای دوشنبه و جمعه) سر خاک شهدا می آمد و می گفت: رسول خدا این جا بود، و مشرکان آن جا ...». (۴)

۱- همان، ص ۱۴۷.

۲- همان، ص ۱۵۱.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۷۹، ح ۱ و ۲؛ کشف الارتیاب، ص ۴۸۱.

۴- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۷۹؛ بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۹۵.

یعنی نوعی گزارش می داد از صحنه های درگیری حق و باطل، و ترسیم میدان نبرد و یادآوری خاطره جنگ احد و غیره ... آموزش تاریخ در صحنه! بیان واقعه در محل وقوع! مرحوم صدوق، حضور بر مزار شهیدان احد را به عنوان زیارت، مستحب می داند. (۱) در روایات، ضمن آن که برای زایر مدینه، زیارت و دعا نزد قبور شهدا مستحب به شمار آمده است، نقل شده که: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، هر گاه به زیارت شهیدان می رفت، خطاب به آنان می فرمود:

«السلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار». (۲)

امام صادق علیه السلام نیز در مورد زیارت شهدای احد، سفارش فرموده است که خطاب به آنان گفته شود: «السلام علیکم یا أهل الدیار، أنتم لنا فرط و إنّا بکم لاحقون»؛ (۳) سلام بر شما ای اهل این دیار! شما پیشاهنگ مایید و ما هم به شما خواهیم پیوست. حضرت زهرا علیها السلام که اولین شهید عترت پیامبر صلی الله علیه و آله در راه دفاع از حق بود، طبق وصیت خویش، مخفیانه به خاک سپرده شد و حضرت علی علیه السلام صورت چند قبر را هنگام دفن وی ساخت تا جای دفن آن مظلومه مشخص نباشد. (۴) آن گاه، به طور مکرر به زیارت قبر آن بانوی بزرگوار می رفت و طبق بعضی نقل ها: «امیر المؤمنین علیه السلام هر روز قبر فاطمه زهرا علیها السلام را زیارت می کرد؛ یک روز که به زیارت آمده بود، خود را بر قبر افکند و گریست و شعری را به این مضمون خواند: چه جانگداز است هنگامی که بر قبر حبیبم عبور می کنم و سلام می دهم و جوابی نمی شنوم. ای قبر! چه شده که جواب مرا نمی دهی؟ آیا بعد از من، دیگر دوستی با کسان، ملالت آور شده است؟». (۵) حسین بن علی علیه السلام هنگام غروب هر جمعه، تربت برادرش امام مجتبی علیه السلام را زیارت می کرد. (۶) محمد حنفیه را برای زیارت قبر امام حسن در بقیع می آمد و

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۲۹.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۷۶.

۳- همان، ج ۱۰، ص ۲۷۷.

۴- بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۹۳.

۵- مالي مررت على القبور مسلما/ قبر الحبیب، فلا یرد جوابی یا قبر، مالك لا تجیب منادیا امللت بعدی خله الاحباب؟(الغدیر، ج ۲، ص ۱۶).

۶- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۱۷.

می گفت: سلام بر تو ای بازمانده مؤمنان و ای فرزند اولین مسلمان. چرا چنین نباشد، در حالی که تو سلاله هدایت و هم پیمان با تقوا و پنجمین نفر از اهل کسایی. دست رحمت، تو را تغذیه کرده و در دامان اسلام تربیت شدی و از پستان ایمان، شیر خوردی. تو در حال حیات و مرگ پاکیزه ای .... (۱) زیارت مرقد سید الشهدا علیه السلام بیش از همه مورد توجه و عنایت ائمه بود و به زایران آن کوی حق احترام زیادی می کردند.

حمران بن اعین نقل می کند که: از زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام برگشتم. امام باقر علیه السلام به دیدنم آمد و فرمود: «ای حمران! بشارتت باد ... هر کس قبر شهدای آل محمد را زیارت کند و هدفش از این زیارت، خدا و پیوند با پیامبر صلی الله علیه و آله باشد، همچون روز تولد از مادر، از گناهانش بیرون آمده، پاک می شود». (۲) اولین زایر قبر حسین شهید، صحابی والاقدر پیامبر، جابر بن عبد اللّه انصاری بود که به همراه عطیه، به زیارت نایل شد. نقل شده است که اسیران اهل بیت علیهم السلام، پس از ماجراهای کربلا و بازگشت از سفر شام، در مسیرشان به مدینه از مأموران نگهبان خواستند تا آنان را از کربلا عبور دهند تا با قبرسید الشهدا تجدید عهد نمایند. در اربعین شهادت حسین بن علی بوده که به آن محل رسیدند. هنگام گذر از آن دشت خونین، زن های علویه با گریه و فریادهای دردمندانه، به سوی قبر شتافتند و اشک ها ریخته شد و سه روز در آن جا گذراندند. در همان موقعیت بود که امام سجاد علیه السلام با جابر دیدار نمود. امام با جابر در این دیدار، که بر تربت شهیدان کربلا انجام گرفت، درباره حوادث تلخی که بر آنان گذشته بود، سخن ها گفت، سپس به سوی مدینه رهسپار شدند. (۳)

۱- بحارالأنوار، ج ۹۷، ص ۲۰۵.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۵۹، ح ۲۲؛ امالی، شیخ طوسی، ج ۲، ص ۲۸.

۳- حیاه الامام الحسین بن علی، ج ۳، ص ۴۲۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۷۴، ح ۳. البته این نکته که این زیارت، در اربعین همان سال بوده یا سال بعد، بین مورخین دو نظراست. برای تحقیق بیشتر، به کتاب اربعین از شهید قاضی طباطبایی مراجعه کنید.

دعبل خزاعی، شاعر متعهد شیعه که در زمان امام رضا علیه السلام می زیست، هنر خویش را در راه احیای حق آل محمد، و ذکر شهدای عترت پیامبر و بیان فضایل اهل بیت علیهم السلام قرار داده بود و نزد ائمه شیعه منزلتی داشت. آن گاه، از قبرهایی یاد می کند که از این دودمان، در سرزمین کوفه، مدینه، مکه، فخ، جوزجان، بغداد، طوس، کربلا ... قرار دارد و از شهدایی چون شهید فخ، یحیی بن زید، ابراهیم بن عبد اللّٰه، موسی بن جعفر، و شهدای کربلا یاد می کند. (۱) نقل شده است که وقتی دعبل، در شمارش این زمین های نورانی و مرقدهای پاک، به آن جان مطهر و ارزشمندی که در بغداد مدفون است، رسید(یعنی امام کاظم علیه السلام) حضرت رضا علیه السلام فرمود که این را هم اضافه کند: «و قبر بطوس یا لها من مصیبه»، که یادی بود از قبر مصیبت بار و اندوه آور که در خاک طوس است. دعبل پرسید: این قبر، قبر کیست که در طوس است؟ امام فرمود: قبر من است؛ مدتی نمی گذرد که طوس، محل رفت و آمد شیعیان و زایران من می گردد. هر کس مرا در غربتم در سرزمین طوس زیارت کند، با من خواهد بود و گناهش در قیامت بخشوده خواهد شد. آن گاه امام برخاست و صله و هدیه هایی به عنوان تقدیر، به دعبل عطا کرد. (۲) امام هم، برای تکمیل قصیده بلند او، که تمام قبور و مزار شهدای مظلوم فرزندان فاطمه علیها السلام را دارد، از قبر خویش که در طوس خواهد بود، یاد می کند و دو بیت به قصیده اش می افزاید.

این خط کلی و درخشان ائمه علیهم السلام است که مردم را با این مزارها و مدفونین آنها آشنا کنند تا از این طریق، مردم راه هدایت و نجات را بیابند و در بیراهه های ظلمانی نیفتند.

۱- قصیده دعبل، که با بیت «مدارس آیات خلت من تلاوه ...» معروفیت دارد، به صورت های گوناگون، کم و زیاد، در منابع مختلفی نقل شده است که مفصل ترین صورت نقل این قصیده، در کتاب کشف الغمه، ج ۳، ص ۱۰۸ به بعد نقل شده است که حدود ۱۲۱ بیت می باشد.

۲- الغدیر، ج ۲، ص ۳۶۱.

خصوصیات زیارت در فضاهای معنوی

اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود:

«مرّوا بالمدینه فسلّموا علی رسول اللّه صلی الله علیه و آله و إن کانت الصلاه تبلغه من بعید»؛ (۱)

به مدینه بروید و بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سلام بدهید، هر چند که سلام و درود از راه دور نیز به آن حضرت می رسد. زیارت از دور نیز هر چند مورد قبول و توصیه است، لیکن این حدیث، نشان می دهد که حضور زایر در کنار قبر وی خصوصیتی دارد، لذا مورد سفارش قرار گرفته است. از جمله این خصوصیت ها عبارت است از:

۱. بهره مند شدن از فضای معنوی حرم های شریف- که محل تردد فرشتگان، ارواح انبیا و اولیا به ویژه روح بلند آن مزور است- و دعا کردن در مظانّ استجابت دعا.

چنان که بهره مندی از فضای معنوی مسجدالحرام و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و دعا کردن در آن فضا را وهابیان حجاز نیز قبول دارند و به آن عمل می کنند.

۲. گسترش فرهنگ توحیدی و ولایت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در بین راه ها و شهرهای مسیر مشاهد مشرفه.

۳. نشانه صداقت زایر در دوستی و علاقه به مزور.

۴. ارتباط ملت ها و ملیت های مختلف و آگاهی از مشکلات، مشقّات و امکانات یکدیگر.

۵. عمل به توصیه کلی قرآن بر سیر در اقطار زمین و تماشای فرجام مجرمان: «قُلْ سِيرُواْ فِي الْأَرْضِ فَانظُرُواْ كَيْفَ كَانَ عِقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ». (۲) ۶. وفاداری به مقتدا و تعهد به پیمانی که با او بسته است. (۳) ۷. حرم های شریف امامان معصوم علیهم السلام در طول تاریخ مراکز علم، تبلیغ و ترویج دین، مبدأ قیام ها و نهضت ها، محل پیمان بستن و هم قَسَم شدن برای انقلاب های

۱- وسائل الشیعه، کتاب الحج، ابواب المزار، باب ۴، ج ۱۴، ص ۳۳۸، ح ۳.

۲- سوره نمل، آیه ۶۹.

۳- ر. ک: روایت امام رضا علیه السلام.

رهایی بخش، جنبش های انتقام آمیز و ... بوده است. این برکات، جملگی از ایاب و ذهاب و مراوده زایران ناشی می شود.

عالم بزرگ اهل سنت، ابن قُدامه می گوید: زیارت قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مستحب است؛ زیرا از خود آن حضرت در این باره روایت شده است. ابن هبیره می گوید:

پیشوایان چهارگانه اهل سنت(مالک، شافعی، ابوحنیفه و احمد بن حنبل) بر استحباب زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اتفاق نظر دارند. (۱) برخی از فقهای شیعه گفته اند: با ادله اربعه، یعنی کتاب، سنت، عقل و اجماع می توان رجحان و فضیلت داشتن زیارت قبور صلحا، ابرار، متقیان و نیکان را نیز اثبات کرد تا چه رسد به زیارت انبیا، اوصیای معصوم علیهم السلام و علما. آن گاه به اثبات ادعای خویش پرداخته است. (۲) فقیه نام دار امامیه در جواهر الکلام هنگام شرح کلام محقق حلّی، استحباب زیارت صدیقه کبرا، فاطمه زهرا علیها السلام، امیرمؤمنان علی علیه السلام و فرزندان معصوم آن دو بزرگوار علیهم السلام را مورد کاوش و بررسی قرار داده است. (۳)

فضیلت و اجر و سازندگی زیارت

هر زیارتی دارای فضیلت، اجر، سازندگی و ... است، اما تردیدی نیست که اگر با مقدماتی همراه باشد- به ویژه مقدمات مشقت آور- دلیل روشن تری بر صداقت، محبت و ارادت زایر است و اجر، فضیلت و سازندگی آن نیز بیشتر خواهد بود. از این جهت سفر کردن از راه دور و نزدیک برای زیارت و دیدار دلدار و حضور در حرم او مورد تأکید و سفارش ائمه اطهار علیهم السلام است. چنان که فقیهان اهل سنت نیز به استحباب زیارت شهدای احُد و به ویژه سید شهیدان، حضرت حمزه- که امروزه نیز بیرون شهر مدینه واقع شده است- فتوا داده اند. (۴) چنان که فاطمه زهرا علیها السلام هر جمعه، برای زیارت

۱- الغدیر، ج ۵، ص ۱۱۰.

۲- ر. ک: مهذب الاحکام، ج ۱۵، ص ۳۳.

۳- جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۸۵- ۱۰۰.

۴- الغدیر، ج ۵، ص ۱۶۰.

قبر عمّ بزرگوار خود به سوی احُد بار می بست، در آن جا نماز می خواند و در کنار قبر وی گریه می کرد. (۱)

ساختن بنا و تعمیر قبور

یکی دیگر از اموری که مورد انتقاد فرقه وهابیه قرار گرفته، موضوع احـداث بنا، روی آن قبور و زیارت و دعا و نماز، کنار آن و نذر و ذبح حیوانات برای آنهاست.

وهابی ها خیال می کنند که این گونه امور که از ناحیه گروه های مختلف اسلامی در طول تاریخ صورت می گرفته، یک نوع بت پرستی است که باید با تمام مظاهر آن، مبارزه کرد و توحید خالص را تحقق بخشید. بدین جهت، قبور صالحان و ائمه بقیع را در مکه و مدینه ویران کرده، آثارشان را از بین برده اند و همواره از مراسم مذهبی کنار قبور آنان جلوگیری می نمایند!

در صورتی که این نوع کارها از موحدینی صورت می گیرد که جز خدای یکتا را نمی پرستند و آنها را به عنوان تعظیم شعایر و تجلیل از نیکان و ترغیب مردم به ادامه راه آنان، انجام می دهنـد و صاحبان آن قبور را عباد صالح و بندگان شایسـته خداوند می شناسند.

در این جا توضیح دو نکته لازم به نظر می رسد:

۱. کسـانی که قبور را تعمیر و یـا روی آنهـا ساختمـان می کننـد(اکثریت قاطع مسـلمانان)، برای صـحت عمل خود به عمومات کتاب و سیره مسلمین، بدین شکل استدلال می کنند: احداث بنا روی قبور، یکی از راه های زنده نگاه داشتن یاد و راه الهی و ابراز محبت و ارادت نسبت به آنهاست وگرنه به مرور زمان، کم رنگ شده و شکوه و شادابی خود را از دست می دهد و چه بسا شک و تردید در آن راه می یابد و بدین جهت است که همواره قبور رجال دین و سیاست را گرامی می دارند. از این رو، این کار مصداق تعظیم شعایر است که قرآن بر آن تأکید دارد. (۲)

۱- همان، ص ۱۶۹، ح ۲۶.

۲- ر. ک: سوره حج، آیه ۳۲.

اما سیره مسلمین، هنگامی که اسلام جزیره العرب و کشورهای مجاور را فتح کرد، قبور پیامبران و صالحانی با قبه و تشریفات، در آنها وجود داشت از قبیل: قبر اسماعیل و مادرش هاجر در مکه و در «حِجر»، قبر دانیال در شوش، هود و صالح و یونس و ذوالکفل در عراق، قبور ابراهیم و اسحاق و یعقوب و یوسف در بیت المقدس، قبر حوا در جده و ... و اگر هدم آنها واجب بود، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مسلمین آنها را خراب می کردند. در صورتی که دست به ترکیب آنها نزدند و این نشان می دهد که ایجاد بنای روی قبور، به طور کلی حرام نبوده و جنبه بت پرستی نداشته است.

و از صدر اسلام تاکنون، مسلمین برای تجلیل از پاکان و ترغیب مردم به ادامه راه آنان، قبور آنان را مورد احترام قرار می دادند و روی آنها ساختمان می ساختند و در کنار آنها مساجد و مرافق عمومی تأسیس می کردند و در آن مکان ها، عبادت خدا و تبلیغ و ترویج از آیین محمدی می نمودند که قبور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه طیبه و ائمه بقیع و امامان در عراق و ایران و مشاهد مشرفه بلاد اسلامی گویای این واقعیت روشن است و اگر این کار، حرام و مصداق بت پرستی بود به هیچ وجه عالمان و سنگرداران دین که جانشان را در راه حفظ آثار دین گذاشتند، تحمل یک چنین خلاف بنیادی را نمی کردند. (۱) ۲. احادیث ابی الهیاج و ...

وهابی ها بدون توجه به دلایل یاد شده در مورد جواز تعمیر قبور و ساختن بنا روی آنها و نیز بدون توجه به نظرات مذاهب اربعه اهل سنت که وضع بیت یا قبه یا مدرسه و مسجد را روی قبر جایز دانسته اند، (۲) حکم به حرمت و وجوب تخریب آن داده اند و در این راه به روایاتی از قبیل: حدیث ابی الهیاج، جابر و ناعم و امثال اینها تمسک جسته اند. در صورتی که آن روایات، هم از لحاظ سند، به خاطر افرادی مانند:

وکیع، سفیان ثوری، حبیب بن ابی ثابت، ابی وائل، ابن جریحفوهبفابن لهیعه و ...

۱- کشف الارتیاب، ص ۳۵۷- ۳۹۳؛ الوهابیه فی المیزان، ص ۵۳- ۱۲۲؛ آیین وهابیت، ص ۳۹- ۹۵.

۲- یکره أن یبنی علی القبر بیت أو قبه أو مدرسه أو مسجد.(الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۵۳۶)

نادرست است و هم از لحاظ دلالت مربوط به مدعای وهابی ها نیست و نیز مربوط به قبور کفار و کسانی است که قبور افرادی را برای خود قبله اتخاذ می کردند و همانند بت پرست ها آنها را پرستش می نمودند که برای بررسی جزییات این بحث، لازم است به کتب مربوطه مراجعه شود. (۱)

نظر مرحوم کاشف الغطا

آیت اللّه العظمی حاج شیخ جعفر کاشف الغطا، در رساله ای که در جواب نامه سلطان عبد العزیز بن محمد بن سعود دومین حاکم آل سعود، نوشت درباره تعمیر قبور و ساختن بنا روی آنها می نویسد: زمان ها و شرایط در مورد افعال و اعمال مردم تأثیر دارد و بر همین اساس، مسلمین به خصوص پیشوایانشان در صدر اسلام از لحاظ لباس و غذا و مسکن و حتی تعمیر قبور رعایت اضعف مردم را می کردند، ولی بعدها که رفاه نسبی پدید آمد و گشایشی در اعمال آنان در این زمینه ها آشکار گردید، از این رو اگر در صدر اسلام در مورد مساجد و مشاهد مشرفه تجلیل زیاد نمی کردند، دلیل آن نمی شود که در اعصار بعد که زندگی عمومی رونق گرفته، تجلیل کامل صورت نگیرد و مجاز نباشد. و چون تجلیل از آن قبور از عوامل حفظ آنها از اندراس و احترام به صاحبان آنها و ادامه راه آنهاست، از این رو به مرور زمان، در تجلیل و رونق آنها افزودند و صرف نظر از عمومات آیات و سیره مسلمین در طول تاریخ، روایات فراوانی نیز از طریق ما در استحباب این کار رسیده که تنها به روایت زیر اکتفا می شود: (۲) ابو عامر تبانی واعظ اهل حجاز می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و عرض کردم: ای فرزند رسول خدا پاداش کسی که قبر امیر المؤمنین علیه السلام را زیارت و تعمیر کند، چیست؟ فرمود: ای ابا عامر پدرم از پدرش و او از پدرش، علی علیه السلام روایت کرده

۱- به مصادر یاد شده مراجعه شود.

۲- منهج الرشاد، ص ۱۵۳- ۱۵۵.

که رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله به او فرموده است: به خدا قسم که تو در زمین عراق کشته می شوی.

امیر از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: پاداش کسی که قبور ما را زیارت و تعمیر کند، چیست؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای ابا الحسن، خداوند قبر تو و فرزندانت را بقعه ای از بقعه های بهشت و عرصه ای از عرصات آن قرار داده و خداوند قلوب نجیبان و برگزیدگانش را متوجه شما ساخته و در این راه تحمل رنج و همه نوع گرفتاری می نمایند تا قبور شما را تعمیر و به جهت تقرب به خدا و علاقه شان به رسول خدا زیاد آنها را زیارت کنند، اینان مخصوص به شفاعتم هستند و در حوضم وارد می شوند و اینان فردا زایرانم در بهشت خواهند بود. (۱)

مبانی پرورشی و تربیتی زیارت

اشاره

آثار تربیتی و نقش سازنده زیارت اولیای خدا عبارت اند از: توجه به خدا، تقرب به خدا، تحول روحی و توبه و گناه زدایی که به گونه اختصار، به بحث و بررسی آن می پردازیم.

توجه به خدا

اساس تربیت روحی مسلمان، «ذکر خدا» است، و ریشه تباهی اخلاق، «غفلت» و «دوری» و «نسیان» می باشد. اگر از «سازندگی زیارت» سخن می گوییم، باید آن را در ارتباط با «یاد خدا» بشناسیم که در مزار معصومین و شهیدان پدید می آید. اگر ائمه معصوم، مقرب درگاه پروردگارند، به خاطر آن است که «عبودیت خدا» را در اوج متعالیش دارا بودند. اگر آنها اسوه و الگوی مایند، برای آن است که در تقوا و طاعت خدا، سرآمد اهل روزگار بودند. اگر سخن و عملشان برای ما سند و ملاک است، از آن روست که «حجت» های خدایند. اگر نزد خداوند، مقام و مرتبه ای والا دارند، رازش در ارتباط عمیق و همواره و عاشقانه آنان با خدای عالم است.

۱- بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۲۰.

نتیجه آن که: زایری که در مرقد پاکشان، آستانه ادب می بوسد و به تکریم و احترام می پردازد، باید به یاد خدا افتد. چرا که ائمه علیهم السلام، واسطه خالق و خلق اند؛ راه منتهی به خدایند؛ آینه حق نمایند؛ زیارتشان، یادآور خداوند است. وقتی توجه به خدا، نقش تربیتی و سازنده و بازدارنده از گناه دارد، قطعاً این توجه، در کنار مزار اولیای خدا بیشتر و شدیدتر است.

پس زیارت باید بازدارنده از گناه باشد، چرا که در زیارتگاه، به ادای احترام امامی می ایستیم که عظمت و قداستش را مدیون بندگی خداست. مگر می شود کسی مدعی عشق و محبت دوستان خدا باشد، ولی راه و روش و عمل و زندگی او برخلاف رضا و خواست آنان باشد؟

چه بسا که به دیدار کسانی برویم، ولی به یاد خدا نیفتیم. چه بسیار جاهای دیدنی و اماکن باستانی و آثار هنری و موزه ها و بناها، که دیدارش یادآور خدا نیست. اما زیارت معصومین و مزار ائمه و قبور اولیای خدا و امامزادگان، جدا از یاد خدا و منفصل از معنویت و روحانیت نیست.

مزارها، جلوه های ربوبی دارند و «صبغه اللّه» در آنها مشهود است. زیرا «آن» که به دیدارش آمده ایم، با «او» پیوند داشته است.

زایر هم، از این رهگذر، غنچه فطرتش را می شکوفاند و با یاد خدا و توجه به معبود، دل را صفا می بخشد. احساس کششی به سوی مبدأ می کند. پاک و زلال می شود و از گناه دور می گردد. و دوری از گناه، یعنی نزدیکی به خدا. نزدیکی به خدا هم، یکی دیگر از آثار سازندگی زیارت است.

تقرب به خدا

اشاره

والاترین هدف خلقت، الهی شدن انسان و قرب به خداوند است. منظور، نزدیک شدن مکانی نیست، که خدا مکان ندارد. و مقصود، نزدیک شدن خدا به ما نیست، چرا که خداوند، به ما نزدیک است:

از رگ گردن به ما باشد خدا نزدیک تر هر چه ما دوریم از او، او به ما نزدیک تر

این نص قرآن کریم است که: «وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَیْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِیدِ». (۱)

دوست، نزدیک تر از من به من است وین عجب تر که من از وی دورم

بلکه هدف، نزدیک شدن ما به خداوند است، از طریق کسب فضایل، از راه آراسته شدن به مکارم اخلاق، از راه تخلق به اخلاق اللّه، به وسیله بندگی و طاعت و اخلاص و تقوا.

«زیارت»، چون پیوند و تجدید عهد با بندگان خالص خداوند است، زمینه کسب صفات شایسته و عامل رشد معنوی، و در نتیجه تقرب به خدا می گردد.

وقتی در زیارت، انسان ناقص، در برابر انسان کامل قرار می گیرد و به آن مدل و الگو توجه می کند، انگیزه کمال یابی، او را به قرب معنوی به خدا می کشد و زیارت، مایه تقرب می گردد.

تقرب به اولیای خدا، راهی است برای تقرب به خداوند. چرا که اینان، وسیله و صراط و راهنما و مشعل هدایت اند. آشنایی و انس با اینان، زایر را با خداوند بیشتر مأنوس و آشنا می سازد. تا انسان نخواهد که تقرب بجوید، نزدیک هم نمی شود. باید «تقرب» جست، تا به «قرب» رسید.

به همین جهت، تعبیر «أتقرّب» در زیارتنامه ها زیاد است و دیدار مرقد ولیّ خدا، سبب نزدیک شدن به خدا به حساب آمده است.

از موارد فراوان، به چند نمونه اشاره می شود: در زیارت امام علی علیه السلام می گوییم:

خدایا! بنده و زایر تو، با زیارت قبر برادر پیامبرت، به تو تقرب می جوید: «اللّهم عبدك و زائرك، متقربّ إليك بزياره قبر أخي رسولك». (۲) و در زیارت موسی بن جعفر علیه السلام می خوانیم: «متقرّبا بزيارتک إلى اللَّه تعالى» (۳) و در زیارت ائمه معصومین علیهم السلام، خطاب به آنان می گوییم: «متقرب بكم إليه». (۴)

۱- سوره ق، آیه ۱۶.

۲- محجه البیضاء، ج ۴، ص ۸۷.

۳- مفاتیح الجنان، زیارت موسی بن جعفر علیه السلام.

۴- همان، زیارت جامعه کبیره.

زیارت امام، وسیله نزدیک شدن به خداوند است و آراسته شدن به اوصاف و اخلاقیات معصومین آراستگی به اوصاف الهی است و در همین قرب به خدا، کمال وجودی انسان نهفته است.

ابو سعید ابو الخیر، از شیخ الرئیس بو علی سینا، نابغه دوران، درباره تشرف به زیارت، پرسشی می کند. ایشان در پاسخ می گویند: «در این هنگام(هنگام تشرف به زیارت) اذهان، صفای زیادتری پیدا کرده، خاطره ها با تمرکز شدیدتری جلوه نموده و باعث نزدیکی به خداوند می گردد». (۱) زایر، حتی این قرب را «احساس» هم می کند.

جلوه ای از فیوضات را در خویش می یابد و احساس «تصعید وجودی» می نماید، خود را به خدا نزدیک تر می یابد؛ دلش شکسته تر می شود؛ با فطرت خدا آشنای خود، صمیمی تر و در گوشی تر به نجوا می پردازد، و تصمیم بر توبه ها و انابه ها، از رهگذر همین توجه ها و تقرب ها پدید می آید.

تحول روحی

دگرگونی، از حالات روحی انسان است. عواملی چند، انسان را «متحول» می کند.

خدایی که «محوّل الحال» است، این اعجاز را و این تأثیر شگفت را و این کیمیای دگرگون ساز را، گاهی در یک «تربت» می نهد؛ گاهی در یک «زیارت» قرار می دهد؛ گاهی به برکت یک «شهید» فراهم می سازد، گاهی در فیض یک «نگاه» و فوز یک «نظر» می بخشد؛ گاهی «حال» را در یک «دیدار» می بخشد و «حضور»، منشأ این تحول می شود.

آری، «زیارت»، نقش دگرگون ساز و تحول آفرین در انسان دارد. در زیارت مولای متقیان علیه السلام می خوانیم: «السلام علی میزان الأعمال و مقلّب الأحوال». (۲) گر چه مقلّب القلوب بودن و دگرگون سازی دل ها و حال ها، کار خداست، ولی خداوند، این ولایت را به

۱- اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۲، ص ۳۷.

۲- مفاتیح الجنان، زیارت امیر المؤمنین علیه السلام(پایین پا).

«ولیّ خود» هم می بخشـد، و امام علی علیه السلام هم می توانـد احوال را دگرگون کنـد و فیض نظرش خاک را کیمیا و مس دل را طلا سازد.

اگر در زیـارت، این تحـول روحی پدیـد نیایـد، چه سـود؟ آن که از زیـارت برمی گردد، بایـد همراه بـا تحول و تغییر و توبه و انابت باشد؛ باید فرقی کرده باشد؛ وگرنه از زیارت بهره نگرفته است.

گر گـدا کاهـل بود، تقصـیر صاحبخـانه چیست؟! گنهکـار، از محیط پاک زیارتگاه اثر می پـذیرد و در فضای دیگری قرار می گیرد.

این تحول، چه بسا از دور فراهم نگردد. بایـد بیایـد؛ رنـج سـفر ببینـد؛ پای به راه نهد؛ با شوق و درد، وادی ها را بپیماید؛ تا در کنار مرقد، «قرار» گیرد. آن گاه این «حضور»، تأثیر تربیتی دارد.

توبه و گناه زدایی

بار معنوی زیارت تا حدی است که گاهی یک انقلاب روحی، یک تحول حال، یک «توجه» در مزار معصوم، منشأ اثر در یک عمر است. لحظـات «شب قـدر گونه» ای که برای زایر در کنـار قبر اولیـای پاک خـدا حاصل می شود، گاهی برکاتی دارد که پیش از سال ها مراقبت و مواظبت، بازدهی دارد و می توان ره صد ساله را یک شـبه پیمود. چه توبه های عظیم، چه تطهیر قلب هـای جـدی، چه تصـمیم های بزرگ، چه اصـلاح درون های سـرنوشت ساز، که از آثار «زیارت» است. در عتبات ائمه حضور یـافتن و به «حسـاب» خـود رسـیدن، به گذشـته خویش و اعمـال خود توجه کردن و تصـمیم به «پـاک بودن» و «خوب زیسـتن» گرفتن، از آثـار دیگر زیـارت است. گنـاه، زایـده ای است روییـده بر تنه اخلاق انسان؛ غفلت، آفتی است افتاده به جان «قلب»؛ هواپرسـتی، بـاد مسـمومی است وزیـده بر گلسـتان «فطرت»؛ دنیـازدگی، کرمی است سـاقه خـوار، چسبیـده به شـاخه «وجـود»؛ شهوات، آتشی است هستی سوز، افتاده به خرمن «ایمان».

«زیارت» چه می کند؟ ... زیارت، مؤمن را در آستانه ایمان مجسم و در عتبه اسوه های

اخلاق، می نشاند، فطرت را زیر اشراق ملکوت مرقد معصومین علیهم السلام، آفت زدایی می کند. زیارت، آبی ابراهیمی است که بر آتش شهوت نمرودیان ریخته و آن را سرد و سلامت می کند. زیارت، انسان را به خطاهایش «متوجه» و «معترف» می سازد و در او، بارقه «امید» و «مغفرت» می آفریند. زایر، باید خود را در چنین جایگاه و مقامی احساس کند.

در زیارت امامان مدفون در قبرستان بقیع می خوانیم: «هذا مقام من أسرف و أخطأ و استکان و أقرّ بما جنی و رجی بمقامه الخلاص»؛ (۱) این جا، محل ایستادن و جایگاه کسی است که اسراف و خطا کرده است، این جا کسی در حضورتان ایستاده که شکسته و خاکسار، به جرم خویش اقرار می کند و به خاطر حضورش در این مقام، امید «نجات» دارد.

تا انسان خود را اسرافکار و بزهکار نداند، خاکسار نمی شود و تا خاکی نشود، به گناه اعتراف نمی کند و تا اقرار به اشتباه نکند، امید نجات در او نیست.

مزار ائمه علیهم السلام، یکی از بهترین جاها برای «محاسبه نفس» و رسیدگی به پرونده اعمال خویش است. در زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله می خوانیم: «إنّی أتیتک مستغفراً تائباً من ذنوبی و إنّی أتوجّه بک إلی ربّی و ربّک لیغفر لی ذنوبی». (۲) استغفار و توبه از گناهان و توجه به خدا و امید مغفرت، در زایر رسول اللّه لازم است. بدین گونه، زیارت، عامل تزکیه نفس و خودسازی و تربیت است.

همچنان که دریاها و گیاهان و عالم طبیعت، سموم و گاز کربنیک های هوا را می گیرند و به تطهیر و پالایش جو و محیط و هوا می پردازند، در عالم معنویات هم، انسان های نمونه و روح های متعالی و مظاهر کمال، چنین خاصیتی دارند و جان ها را پاکسازی می کنند و اخلاق ها را اصلاح و دل ها را از رذایل شست وشو می دهند. (۳) این

۱- مفاتیح الجنان، زیارت ائمه بقیع.

۲- همان، زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله.

۳- با استفاده از بیان شهید مطهری در عدل الهی، با عنوان «اصل تطهیر»، ص ۲۷۴.

وساطت در فیض است که از خداوند، اما از کانال اولیایش، به ما می رسد.

وقتی که زیارت ائمه علیهم السلام و پیوند با آنان در تطهیر جان ها و اصلاح اخلاق و تربیت نفوس مؤثر است، این خود، نوعی هدایت و امامت و رهبری ائمه را می رساند. این هم نوعی شفاعت است که در همین دنیا اثرش روشن می شود و به تعبیر شهید مطهری: «شفاعت رهبری» و «شفاعت عمل» است. (۱) برای وجودهای گریزان از مرکزیت توحید و فطرت و پاکی، نیروهای جاذبه معنوی لازم است تا این تعادل و حرکت در «خط سیر» و شناوری در «فلك فوز و فلاح» را هماهنگ و برقرار سازد. با کار گریز از مرکز و جاذبه، تعدیل فراهم می شود.

مزارهای معصومین علیهم السلام، کانون های جاذبه دار، برای کشش فطرت ها و دل های مستعد، به خیر و صلاح است.

و بالأخره زیارت، عامل «توجه به خدا»، «تقرب به خدا»، «تحول روحی» و «توبه و گناه زدایی» است. اینهاست آثار تربیتی و نقش سازنده زیارت اولیای خدا. به شرط آن که زایر، عارف باشد؛ عارف به حق ائمه و مقام و شخصیتشان، عارف به وظیفه خود در مقابل امامان. این چشم انداز را در حیات شخصیت های برجسته و انسان های نمونه می توان یافت و به محدوده این قلمرو وسیع با توجه به عظمت مقام ائمه علیهم السلام می توان پی برد.

امامان، که «انسان های برتر» اند، شخصیتی دارند که حد و مرز تعالی انسان را نشان می دهند. آنان، چون «انسان» اند، الگوی انسان ها هستند، وگرنه قابل تأسی نبودند.

انسان کامل بودن آنان، به ما نشان می دهد که تا کجاها می توان پر کشید و طیران کرد و کمال یافت.

به زیارت این اسوه ها رفتن، ما را به آن قله ای که باید برسیم، به آن حد و مرزی که باید قدم بگذاریم، و به آن مرتبه ای که باید نایل شویم، «راهنمایی» می کند.

۱- ر. ك: همان، ص ۲۶۸، تحت عنوان «شفاعت رهبری».

گفتیم که این، منحصر به ائمه علیهم السلام نیست؛ در مراتب مختلف، همه انسان های والاـ این هدایت و امامت را برای ما دارند.

به راستی هم، اولیای دین که زیارتشان بر ما فرض و لازم است، بیان کننده این حد و مرز سیر صعودی انسان ها در مسیر پاکی و طهارت و کمال اند. و این، خود، یکی از شیوه های امامت و خواص رهبری آنان است.

در تعبیراتی که در زیارتنامه ها به کار رفته است، به وضوح این نشان دادن حد و مرز را می توان دید. از امامان معصوم، با کلمات و عناوینی یاد شده که در این باب، بسیار راهگشاست.

تعبیراتی همچون «آیه»، «بینه»، «حجت»، «گواه»، «شهید»، «صراط»، «راه»، «نشانه»، «راهنما»، «منار»، «امام»، «در»، «چراغ»، «نور»، «ستاره»، «ماه»، «خورشید»، «دلیل»، «پرچم»، «علامت»، و ... که در متون زیارتی دیده می شود، مبیّن این نکته است. (۱) نمونه ها، همیشه معیار و میزان اند و محدوده و گستره و میدان رشد انسان ها را نشان می دهند. به همین جهت، در برنامه های تربیتی اسلام، تأکید فراوانی روی نشان دادن الگو شده است.

استاد حکیمی می نویسد: «... از حقیقت هایی که در انعقاد شخصیت انسان و ساختن آن سخت مؤثر است، توجه انسان است به نمونه های والای فکر و اعتماد و اقدام و عظمت و حماسه و جهاد. اگر این نمونه های والا در میان زندگان باشند، چه بهتر، ولی انسان به گونه ای ویژه، به اشخاص تاریخی و گذشتگان اعتقاد دارد و کمالات و عظمت های آنان را- تا سر حد اساطیر- تقدیس می کند و بزرگ می دارد. بنابر این، بشر به طور فطری، از توجه به آثار باقیمانده، ابزار کار، محل سکونت و قبور بزرگان تاریخ و تأمل در احوالات آنان، چیزها می آموزد و به عظمت ها می رسد». (۲)

۱- به زیارتنامه ها و کتب ها مراجعه و در تعبیرات، دقت کنید. از جمله: زیارت جامعه و دعای ندبه و ....

۲- حماسه غدیر، ص ۳۰۲.

ایستادن در برابر آیینه های فضیلت نما، «رذیلت» ها را هم خود به خود می نمایاند و قرار گرفتن در مقابل آینه های کمال، «نقص» ها را نشان می دهد. «زیارت»، نوعی حضور در برابر آینه است. زیارت، خود را به «میزان» عرضه کردن است، زیارت، خود را «محک» زدن است، زیارت، خود را با «الگو» و «مدل» سنجیدن است. وقتی ما در برابر یک معصوم و امام شهید قرار می گیریم، و در مزار پیشوایان دین، با شناخت و بصیرت حضور می یابیم و می دانیم که اینان، کمال مجسم و عینیت فضیلت، و جلوه هایی از نور خدا و چشمه ای از فیض رب، و تبلوری از ایمان و خلوص و عبودیت و پاکی اند، در این صورت، عظمت آنان، ما را متوجه نقایصمان می کند؛ و پاکی آنان، ما را به آلودگی هایمان آشنا می سازد؛ معنویت و روحانیت آنان، ما را به مادیت و دنیاگراییمان واقف می گرداند؛ «طاعت» آنان، معصیت ما را روشن می نماید؛ نورانیت آنان، تیره جانی و تاریکدلی ما را؛ صفای آنان، غل و غش ما را؛ خدا ترسی آنان، هواپرستی ما را؛ تعالی روح و رتبه والایشان، تنزل مقام و پستی منزل ما را.

حضور در مزار امامان پاک، ما را آگاه می کند که: اگر آنان در «قله» اند، ما هنوز به «دامنه» هم نرسیده ایم؛ اگر آنان «مطهر» اند، ما هنوز در فکر طهارت هم نیستیم؛ اگر آنان «معصوم» اند، ما گرفتار معصیتیم؛ اگر آنان «برگزیده خدا» یند، ما هنوز در دام ابلیس و هوای نفس اسیریم؛ اگر آنان در اوج «معراج معنوی» اند، ما در «هبوط مادی» مانده ایم؛ اگر آنان «بنده خدا» یند، ما در بند «خود» یم.

زیارت، زمینه ساز این تقابل و تقارن و مقایسه و محاسبه است و تا این سنجش انجام نگیرد، به کاستی های اخلاقی و ضعف های معنوی خود واقف نخواهیم شد.

این است که زیارت را قرار گرفتن در برابر آیینه می دانیم. در عظمت زیارت عاشورا همین بس که از احادیث قدسیه بوده و ظاهر خبر صفوان بن جمّال مهران آن است که خداوند متعال، این زیارت را به جبرئیل امین القا کرده و او به رسول اکرم صلی الله علیه و آله رسانده است.

مبانی فرهنگی و اجتماعی زیارت

تباهی و فساد، در میان جوانانی که ریشه و تبار صحیح و معلومی ندارند، بیشتر است.

فرزندان نامشروع و بی پدر و مادر، برای بزهکاری و جرم و جنایت، زمینه مساعدتری دارند. انقطاع فرهنگی یک نسل از گذشته درخشان خویش، زمینه ساز بردگی فکری و استعمار فرهنگی آنان، از سوی تاراجگران فکر و اندیشه و استقلال ملت هاست.

غرض این که: در مسایل اخلاقی و تربیتی هم، پیوند با نیکان و رابطه با صالحین و آشنایی با خانواده های ریشه دار و صاحب کرامت و شرف، سازنده است، به همان شکل که گسیختگی از تبار پاکان و بریدگی از ریشه های فرهنگی و اخلاقی، زمینه ساز فساد و گناه و بی مبالاتی و عدم تعهد است.

زیارت، عاملی در جهت پیوند زدن با صالحان، یا تقویت رابطه معنوی با وارستگان است. ایجاد رابطه(اگر نیست) و تحکیم پیوند(اگر هست).

هر کس، در یک جامعه و امت، ریشه های عقیدتی، فرهنگی و معنوی دارد. برای ما مسلمانان این ریشه ها همان «عترت» پیامبر است. و ... زیارت، عاملی برای تحکیم این پیوند است.

زایری که به دیدار یک ولی از اولیای خدا می رود، یا بر مزار امامی از ائمه یا پیامبری از انبیا حاضر می شود، یا بوسه بر آستان پاک پیشوای شهیدی می زند، و سلام می دهد، یا به ادب و احترام، در پیش روی مرقد معصومین و صالحین و صدیقین و شهدا می ایستد، به یاد گذشته فرهنگی و میراث فکری و ریشه های معنوی خویش می افتد و اهل صلاح و سداد می شود.

همچنان که انتساب به یک پدر خوشنام و نیاکان شریف، انسان را از غلتیدن در دامان بدنامی و هتاکی و هرزگی، تا حدودی نگاه می دارد و عامل کنترل حرکات و رفتار است، انتساب به دودمان پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت علیهم السلام و شهیدان راه خدا نیز چنین نقشی دارد.

مگر نـه ایـن کـه از خـانواده شـهدا تـوقعی و انتظـاری بیش از دیگران اسـت؟ مگر نـه ایـن کـه از ذریـه پیـامبر علیهـم السـلام، چشـمداشت دیگری است؟ مگر نه این که به خـانواده یـک عـالم مـذهبی و پیشـوای دینی، به چشم دیگری می نگرنـد و توقع دیگری دارند؟! ...

خود این پیونـدها و نسبت ها و رابطه ها، انسان را در بستری از نیکی و عفاف و تعهد قرار می دهد. همه خویشاوندی ها نسبی و سببی نیست.

پیامبر صـلی الله علیه و آله و علی علیه السـلام پـدران این امت انـد. شـیعه، فرزنـدان فکری ائمه انـد. هر مسـلمان، خویشاونـدی معنوی بـا اهـل بیت پیـامبر صـلی الله علیه و آله و اولیـای دین دارد. حـال، زایری که به زیارت امامی از ائمه می رود، این صـله رحم و تجدیـد دیـدار با یک خویشاوند معنوی و با نیاکان مکتبی است. زایر، مدعی است که به خاندان پیامبر صـلی الله علیه و آله عشق می ورزد؛ بـا آنـان رابطه و آشـنایی دارد؛ از آنـان است؛ بـا آنهـا است؛ آنـان را می شـناسد، بـا آنـان هم ریشه و هم خانواده است و اهل یک مملکت و آبادی و خاک و خون اند.

نشـانه ایـن پیونـد هـم، همیـن «زیـارت» است، چرا جـای دیگر نرفت؟ ... چرا کـار دیگر نکرد؟ ... چرا دل را برداشت و به عتبه بوسـی یک امام آمـد؟ آیا این نشانه ریشه در یک «آب» داشـتن نیست؟ این نشانه، هم خانه و هـم خوشه و هم ریشه و همخون بودن نیست؟ ....

- چرا.

گر بر کنم دل از تو و مهر از تو بگسلم این مهر بر که افکنم این دل کجا برم؟

نامم زکارنامه عشاق محو باد گر جز محبت تو بود ذکر دیگرم

ای عاشقان کوی تو از ذره بیشتر من کی رسم به وصل تو، کز ذره کم ترم

با این حال، آن که عشق و محبت اولیای خدا را در سـینه دارد، آن که از دیگران گسسـته و به ائمه علیهم السـلام پیوسته است، آن که زیـارت را شاهـد صـدقی بر ارادت خویش به پاکـان می دانـد، آن که خود را مرتبـط با دودمان طهارت و عصـمت می شناسد، آن که خود را با معصومین هم خانواده می بیند، آیا سزاست که ناپاک باشد و تبهکار؟

آیا پـذیرفتنی است که نسـبت به اهل بیت تقوا و پاکی، ناخلف باشـد؟! آیا شـرمندگی نـدارد که در ارتباط با صالحان باشـد و ناصالـح باشـد؟! این است که زیارت، یادآوری پیونـدهای معنوی و خویشاونـدی فکری و فرهنگی یک مؤمن، با اولیای خدا و پیشوایان دینی خود است و سازنده است. چرا که یادآور است. و بسیاری از تقواها در سایه تذکرها پدید می آید. در زیارتنامه ها هم جزء درخواست ها، تداوم این رابطه و تکرار این دیدار و تقویت این پیوند در دنیا و آخرت می باشد.

به عنوان نمونه، زایر امام رضا علیه السـلام از خداوند در لحظه وداع آن حضـرت، چنین می طلبد: «خدایا! این بار را آخرین بار زیارت من، قبر فرزنـد پیامبر و حجت خودت قرار مـده! خـدایا! میان من و او در بهشت، جمع کن. مرا با او محشور ساز. مرا در حزب او قرار بده. مرا با شـهیدان و صالحان قرار بده که اینان، رفقای شایسته و نیکویند ...». (۱) علاقه به دیدار مجدد، و قول و قرار بـا خـدا و حجـت خـدا برای زیـارتی دیگر هم، در اصـلاح نفس مـؤثر است. جلـوه هـای حبّ و بغض در اشـکال و صـور گوناگون، ظهور و بروز می کند که حضور در جمعِ مشـخص یا مکان معیّن از جمله آنهاست. امروزه نیز شرکت در تظاهرات، راهپیمـایی، میتینـگ و تجمعـات حزبی به معنـای اعلاـم موضع، وفـاداری، ارادت و علاـقه به گروه یـا فکر و فرهنـگ خـاص و بیزاری از گروه مقابل است.

بدین ترتیب زیارت، یکی از شیوه های اعلام موضع است؛ زیرا زایر با حضور خود در مقابل مزور یا در حرم او و ترنّم عاشقانه متـن زیـارت، جایگـاه خـود را روشن می کنـد که از جهت فکری، اعتقـادی، سیاسـی، اخلاـقی، اجتمـاعی و ... به کـدام جبهه وابسـتگی دارد و اگر در زمان مزور حضور می داشت، در کجا، کنار چه کسانی و با چه کسانی نبرد می کرد. این جبهه گیری و اعلام موضع در قالَب لعن و سلام جلوه می کند.

۱- مفاتیح الجنان، زیارت امام رضا علیه السلام(اللهم لا تجعله آخر العهد ...).

مبانی عقلی و روان شناختی زیارت

ارتباط عقل و دل در مورد زیارت

در بحث زیارت، پیش از آن که استدلال شود که چرا باید رفت و رفتن به زیارت را چه سود؟ اگر شناختی محبت آور، نسبت به صاحبان مزار باشد، جایی برای این سؤال و استدلال باقی نمی گذارد. در زیارت، بیش از فلسفه و برهان، اشتیاق و شور و محبت نهفته است. بیش از آن که عقل، محاسبه کرده و در یابد که چرا؟ دل، فرمان داده و زایر را به مزار رسانده است.

وادی زیارت، بیش و پیش از آن که وادی معقولات و محاسبات عقلی باشد، وادی دل و جذبه درون است. زایر، اگر بداند و بشناسد که مورد زیارت کیست؟، دیگر نمی پرسد: کجاست؟. به راه می افتد و همچون خضر، به دنبال آب حیات، و همچون موسی علیه السلام در پی عبد صالح روان می گردد تا برسد و بیابد و بهره برگیرد و کامیاب شود.

زیارت، از این مقوله است؛ پیوند قلبی است، محبت و علاقه است.

آنچه زایر را به پیمودن راه ها و طی مسافت ها و تحمل رنج سفر و بیم بادیه و استقبال از خوف و خطر وا می دارد، کشش درونی و علاقه قلبی اوست. و اگر عشق آمد، خستگی رخت بر می بندد و اگر محبت در کار بود، ملال متواری می شود.

آنچه در راه طلب خسته نگردد هرگز پای پر آبله و بادیه پیمای من است

فیض حضور و کیمیای نظر

وقتی کسی در مدار عشق قرار گرفت و در حیطه و قلمرو محبت اللّٰه و اولیاء اللّٰه وارد شد، خود این محبت چاره ساز است. مگر می شود انسانی خدا را دوست داشته باشد، ولی خدا او را دوست ندارد؟ مگر می شود کسی شیفته پیامبر باشد، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله به او بی توجه باشد؟ مگر می شود کسی خدا را یاد کند، ولی خداوند او را یاد نکند؟ خداوند فرموده است:

«فَاذْكُرُونِی أَذْكُرْكُمْ»؛ (۱)

مرا یاد کنید تا من هم به یاد شما باشم.

۱- سوره بقره، آیه ۱۵۲.

وقتی مزور، در خاطر زایر باشد، زایر هم در خاطر مزور است. هنگامی که انسان به پیامبر و امام معصوم سلام می دهد، آنها نیز جواب می دهنـد و توجه دارند. در زیارتنامه ها، در موارد متعددی چنین تعبیری وجود دارد که خطاب به مزور گفته می شود: «أشـهد أنّك تشـهد مقامی و تسـمع کلامی و تردّ سـلامی»؛ یعنی شـهادت می دهم که تو شاهد این مقام و موقعیت زیارتی من هستی و سخنم را شنیده و سلامم را پاسخ می گویی.

از پیامبر اسـلام صلی الله علیه و آله نقل شده است: «خداوند فرشتگانی دارد که در روی زمین می گردند و سلام های امت مرا به من می رسانند». (۱) و در روایت دیگر فرموده است:

«هر که در هر جا بر من سـلام دهـد، به من رسانده می شود و اگر کنار قبرم سـلام بدهد، می شـنوم». (۲) وقتی چنین است که زیارت پیامبر در حال مرگ و حیات، یکسان است و آنان در هر دو حال می داننـد و می فهمنـد و پاسخ می دهند، خود سـلام دادن بر پیـامبر صـلی الله علیه و آله و معصومین دیگر چه از دور، چه از نزدیک، یک رابطه روحی و معنوی است. آیا فکر می کنیـد اگر سـلام و تحیت شـما را به پیامبر برساننـد، پیامبر صـلی الله علیه و آله هیـچ نظر لطفی نخواهد داشت؟ آری در این جا محبت، یک طرفه نیست. به قول مولوی:

هر که عاشق دیدیش، معشوق دان کو به نسبت هست، هم این و هم آن

تشنگان گر آب جویند از جهان آب هم جوید به عالم، تشنگان

چونکه عاشق اوست، تو خاموش باش او چو گوشت می کشد، تو گوش باش

این جاست که دست زایر را گرفته و بالا می برند و به مهمان سـرای فیض حضور برده و بر مائده های معنویت، می نشانند. این جـاست که غیر ممکن هـا ممکن می شود، نادیـدنی ها مشـهود می گردد، نگاه ها حرف می زنـد، توجه ها تربیت می کنـد. و این، فیض شگفت نظر است. این، برکت توجه کسانی است که خاک را به نظر کیمیا کنند.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۶۴.

۲- همان.

اقبال لاهوری، در خطاب به خدا و رسول و مددخواهی از توجه آنان، می گوید:

فقیرم، از تو خواهم هر چه خواهم دل کوهی خراش، از برگ کاهم

مرا درس حکیمان، درد سر داد که من پرورده فیض نگاهم

آنچه این نظرها و توجه ها در پی دارد، خواندنی نیست، چشیدنی است. که این، وادی عشق است که با کاغذ و دفتر سر و کار ندارد. در این صورت، «یافتن» ها به جای «بافتن» ها می آید. و آنچه بر دل تابیده، بسیار کارساز است، که:

یا تو گو آنچه که عقلت «یافته» است یا بگویم آنچه بر من «تافته» است

زیارت، زمینه ساز چنین ارتقای روحی است. زیارت، چه دیدار از خانه خدا باشد و مناسک حج، چه زیارت مرقد رسول اللّه باشد، چه زیارت انبیای بزرگ و ائمه معصومین و اولیای دین، چه حضور بر تربت خونین و لاله خیز شهیدان، چه رفتن به مزار صالحان و نیکان ... همه و همه، هم دلیل عشق و محبت است، هم نشانه جهت گیری انسان است، الهام بخش و آموزنده است. الهام گرفتن از اسوه هاست؛ خط دهنده است. تعظیم شعایر است؛ تقدیر از فداکاری ها و تجلیل گرامی داشت فضیلت هاست؛ زمینه ساز شناخت و تربیت است؛ بالا برنده و تعالی بخش است؛ و پرورش یافتن از «فیض نگاه» است.

به قول حافظ:

بلبل از فیض گل آموخت سخن، ور نه نبود این همه قول و غزل، تعبیه در منقارش

و به قول مولوی:

از محبت، تلخ ها شیرین شود وز محبت، مس ها زرین شود

از محبت دردها صافی شود وز محبت، دردها شافی شود

از جمله مطالبی که از سوی خداوند به حضرت داود علیه السلام وحی شده، این است:

«ای داود! به اهل زمین برسان که من دوست کسی هستم که مرا دوست بدارد.

همنشین کسی می باشم که همنشین من باشد، مونس کسی هستم که با یاد من انس گیرد. هر که مرا برگزیند، من هم او را برمی گزینم. کسی که مطیع من باشد، من هم مطیع او می شوم؛ هر که را صاحب محبتی از صمیم قلب بیابم؛ من او را برای خودم می پذیرم و چنان دوستش می دارم که پیش از آن، کسی از بندگانم آن گونه دوستش نداشته باشد؛ هر که به حق مرا بطلبد، مرا می یابد ... پس ای زمینیان! غرورها را رها کرده و به کرامت و مصاحبت و انس با من روی آورید تا من هم با شما انس گرفته و به محبت شما بشتابم ...». (۱) این طبیعت حالت «جذب و انجذاب» است که در عالم، وجود دارد و پیوند دهنده کائنات به یکدیگر است و باید رفت و رفت تا به وادی محبت رسید و مقیم کوی دوست گردید. کدام کیمیایی دگرگون کننده تر از محبت می توان یافت؟! ....

قطره، دریاست اگر با دریاست

بلال، مؤذن پیامبر صلی الله علیه و آله، آن حضرت را در خواب دید، که به او می گوید: «ای بلال! این چه جفایی است؟ ... آیا هنوز وقت آن نرسیده است که به زیارت من آیی؟» بلال، هراسان و غمگین از خواب بیدار شد، بر مرکب خویش سوار شده، آهنگ مدینه کرد.

وقتی به مدینه رسید، نزد قبر رسول اللَّه صلی الله علیه و آله رفت و شروع کرد به گریستن و چهره خود را به مرقد مطهر آن حضرت می سایید که در این حال، امام حسن و امام حسین علیه السلام آمدند. بلال، آن دو بزرگوار را هم به سینه چسبانید و بوسید. (۲) آری! کهربای محبت نبوی صلی الله علیه و آله بلال را به سوی خود می کشد و جذب می کند.

استعداد و آمادگی بلال را ببین که محمد صلی الله علیه و آله مشتاق دیدار اوست و در خواب، از او گله و شکوه می کند که چرا به دیدنم نمی آیی؟

در واقع این زیارت ها، زایر را شارژ کرده، باطری وجود است، الهام گرفتن

۱- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۲۲۲.

۲- الغدیر، ج ۵، ص ۱۴۷.

از ارواح طیبه و ملکوتی اولیـای خـدا است، تطهیر «جان» در زمزم ایمان و معنویت است، اتصال دو روح همگون و آشـنا و هم سنـخ است، به دریـا پیوسـتن قطره است، عمل به مقتضای عقل و انـدیشه است ... نه ... بلکه عقل را هم تحت فرمان محبت دل در آوردن است.

کلام آخر

دیـدیم که زیـارت، هم جنبه اعتقـادی داشت، هم بعـد سیاسـی و اجتمـاعی، و هم از سازنـدگی و تربیت برخوردار بود. بـا این وصف، نه زیارت کهنه شدنی است، و نه آثار تربیتی و جنبه های سازندگی آن کم می شود.

زایر، هر که باشد و زیارت، هر گاه که انجام شود و مزار در هر جا و هر سـرزمین که باشد، کانونی برای رشد معنویات و زمینه ای برای تقویت ارزش های الهی در انسان هاست.

چه زیارت خانه خدا باشد، چه زیارت مرقد رسول اللّه صـلی الله علیه و آله، چه زیارت قبور اولیای دین و مدفونین مظلوم بقیع، و چه شـهدای احـد، مـدفونین قبرسـتان ابو طـالب، به خـاک آرمیـدگان در شـهرهای مختلف و زیارتگـاه های دور و نزدیک، مشهور و گمنام.

اینها همه، دل و جان را روشن ساخته و امید می بخشد. حتی زیارت قبور مؤمنان و صالحان نیز انسان را به یاد آخرت و صـلاح می انـدازد و یاد خـدا را در دل ها بیـدار می سازد. از قبور اولیاء اللّه، نور معرفت و هـدایت می درخشـد. مکان های مقـدس و مـذهبی، انسان را به خدا نزدیک می کند و حالت خضوع و خشوع و آرامش ایجاد کرده، روح را سـرشار از خلوص، دل را پر از امید، جان را لبریز از صفا و صمیمیت می نماید.

با زیارت مراقد مطهر معصومین علیهم السـلام، باید گامی در مسـیر تزکیه برداریم و این گونه دیدارها را، مقدّمه ای برای قرب معنوی و هم جهت شدن با آن انسان های والا و اسوه های کمال بسازیم.

نباید زیارت، تنها یک عمل تکراری و بی روح باشد. زایر نباید به ظواهر و شکل ها و ساختمان ها و در و دیوار و نور و رواق بنگرد و از عظمت معنویت معصومینی که در این زیارتگاه ها آرمیده اند، غافل شود. زیارتگاه ها، باید محیطی پاک، معنوی، یادآور صداقت و کمال، بازدارنده از گناه ها و رذایل و زنده کننده ارزش های اسلامی باشد. این جاست که انسان از راه زیارت، به خدا نزدیک می شود، چرا که با نیتی خالص، «ولی خدا» را زیارت کرده است.

زمینه ساز این قرب، «معرفت» است. هر چه میزان خداشناسی، پیغمبرشناسی و ولی شناسی ما بیشتر باشد، به همان اندازه، نصیب ما از برکات این قبور نورانی و مزارهای متبرک بیشتر خواهد شد.

۴. زیارت در سیره معصومین و علما

اشاره

سیدحسین اسحاقی

چکیده

علمای اسلامی در طول تاریخ اسلام بر جواز، بلکه استحباب زیارت قبور اولیای الهی اجماع داشته اند، تنها مخالف این امر ابن تیمیه بود که بعدها محمد بن عبدالوهاب هم به پیروی از او برخاست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نه تنها به زیارت قبور امر نموده، بلکه خود نیز به زیارت قبور می رفت تا عملًا استحباب و جواز این مسأله را تثبیت کند. بزرگان دین و اولیای الهی، در حیات و ممات خود در حقیقت الگوهایی هستند که با اقتدای به آنان به کمال و سعادت در دنیا و آخرت می رسیم. زیارت تجدید عهد با آنان است و حضور در کنار قبر اولیای خدا انسان را از نظر معنوی زنده کرده و روح معنوی به آدمی می بخشد، زیارت قبور اولیای الهی در حقیقت اعلان عملی به ادامه دادن راه آن بزرگان و انزجار و تبری از دشمنان آنان است. این نوشتار در بردارنده سیره و سخن معصومین علیهم السلام و صحابه و علمای بزرگ اسلام در جهت زیارت می باشد. در پایان مقاله قلم را متوجه کریمه اهل بیت علیهم السلام حضرت معصومه علیها السلام ساخته ایم.

کلیدواژه ها: زیارت قبور، سیره معصومین، سیره علما، اولیای الهی.

بی شک اولیای الهی انسان های بزرگی هستند که هر چند انگشت شمارند، اما وجودشان سرچشمه حیات طیبه و فیض و برکت است. آنان مجاری فیض حق و واسطه بین خالق و مخلوقند. چه بسیار انسان هایی که از کانال وجود آنان به حق رسیده و از کوثر وجودشان سیراب شده اند. از این رو هر چه پیوند با اولیای الهی

بیشتر باشد، بهره های معنوی، اخلاقی و علمی بیشتر و بهتری نصیب انسان خواهد شد.

بدیهی است که این ارتباط به دوره زندگی معصومین و اولیای الهی محدود نمی شود، چنان که پیروی از آنان نیز چنین است. مرگ تنها ارتباط ظاهری را از بین می برد، اما ارتباط باطنی و معنوی و پیروی از دستورات و سیره آنان جاودان است.

به عبارت دیگر هر یک از اولیای الهی را با مردم عهدی است که پس از مرگ نیز استمرار دارد و وفای به عهد آن با ارتباط و زیارت قبور آنان تکمیل می شود.

چنـان که امـام رضا علیه السـلام می فرمایـد: «هر امامی را بر دوش پیروانش عهـد و پیمانی است که بایستی به آن وفا کننـد. به درستی که تکمیـل و وفـای کامـل به آن عهـد بـا زیـارت قبور آنـان، پس از مرگ انجام می گیرد. هر کس که با میل و علاقه امامان علیهم السـلام را زیارت کند و آنچه مورد علاقه و اراده آنان است، بپذیرد، در قیامت مشمول شفاعت آنها خواهد شد». (۱) بر این اساس زیارت، اسـتمرار وفای به عهـد و تکمیل کننـده آن است. زیارت محـدود به مردم نیست، بلکه منابع اسـلامی نشان می دهد که ملائکه و پیامبران علیهم السلام نیز همواره به زیارت امامان می شتابند. امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «خداوند بزرگ هیچ آفریده ای به اندازه ملائکه نیافریده است، در هر روز و شب هفتـاد هزار ملـک به طواف خـانه خـدا رفته، از آن جا به زیارت رسول خـدا صـلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السـلام می شتابنـد و سـلام و درود می فرسـتند؛ سـپس در حرم حسـین بن علی علیه السـلام حضور یـافته، تـا هنگـام سـحر در برابر قبر آن حضـرت می ایسـتند؛ آن گـاه به آسـمان عروج کرده و بر می گردنـد». (۲) در زیـارت اولیـای الهی اسـراری وجود دارد که با بررسی گفتار و سیره معصومین،

۱- بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۱۶.

۲- همان، ص ۱۱۷.

پرتوی از آن کشف خواهـد شـد. آنان با گفتار و کردار خویش زیارت اولیا و امامان را به مردم می آموختنـد، حتی گاهی آن را لازم می شـمردند. از این رو در می یـابیم که مسـلمانان، از صـدر اسـلام تـا کنون، قبور پیـامبران، امامـان و بزرگـان دین را زیارت می کردند و با خواندن نماز و دعا و توسل به آنان به خدا تقرب می جستند.

مخالفان زیارت می کوشـند تا ساحت قـدس مکتب اهل بیت علیهم السـلام را به اتهام کفر و شـرک خدشه دار ساخته و اثرات سازنـده زیارت اولیای خـدا را از بین ببرنـد. بنابراین یکی از مواردی که شایسـته است در سـیره معصومین علیهم السـلام به آن پرداخته شود و مورد بررسـی قرار گیرد، مسأله زیارت است. باید دانسـته شود که سبک آنان در زیارت چگونه بوده است؟ آیا از این کار جلوگیری می کردند یا خود بدان می پرداختند؟

زیارت بقیع در سیره معصومین علیهم السلام

بقیع، شخصـیت هـای بزرگی را در خود جـای داده است، امـام حسن بن علی، امام زین العابـدین، امام باقر و امام صادق علیهم السلام، همچنین عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله، ابراهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله، برخی از همسران و عمه آن حضـرت، شـهدای احد و بسیاری دیگر از صحابه در گورستان بقیع حضور دارند. از این رو رسول خدا صلی الله علیه و آله و سایر معصومین علیهم السلام قبور بقیع را زیارت می کردند. فقها بر استحباب زیارت آن تأکید کرده و آن را وسیله تقرّب به خداوند متعال دانسته اند. در این جا به نمونه هایی از سیره معصومین اشاره می کنیم:

صفوان جمّال می گویـد: از امام صادق علیه السـلام شـنیدم که فرمود: «رسول خدا صـلی الله علیه و آله در هر شامگاه پنجشـنبه همراه گروهی از یاران خود به زیارت بقیع قبرستان مدینه می شتافت، آن گاه سه بار درود می فرستاد و سه مرتبه طلب رحمت می کرد». (۱) عایشه از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین نقل کرده است: «جبرئیل نزدم آمد و گفت:

۱- وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۲۲۴.

پروردگارت دستور داده است به بقیع بروی و برای آنان درخواست آمرزش کنی.

عایشه پرسید: ای رسول خدا چگونه دعا کنم؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بگو درود بر مؤمنان و مسلمانانی که در این دیار آرمیده اند، خداوند متعال پیشینیان را بیامرزد و ما ان شاءاللّه به شما ملحق خواهیم شد». (۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله با گروهی از مردم به سوی قبرستان رفت و چگونگی زیارت و دعا به مؤمنان را این گونه آموزش داد: «السلام علی أهل الدیار من المؤمنین و المسلمین و إنا أن شاء اللّه بکم لا حقون أسأل اللّه لنا و لکم العافیه»؛ «درود بر شما مؤمنان و مسلمانان که در این دیار آرمیده اید. ما نیز اگر خدا بخواهد، به شما ملحق خواهیم شد، شما پیشرو قافله ما هستید و ما نیز پیروتان خواهیم بود، از خداوند بزرگ عافیت می خواهیم». (۲) ابوالبختری از امام سجاد علیه السلام چنین روایت می کند: «امام حسین علیه السلام در هر شامگاه جمعه قبر برادرش امام حسن علیه السلام را زیارت می کرد». (۳) از این همه در می یابیم که زیارت معصومین علیهم السلام با تصمیم قلبی و با برنامه ریزی بوده و همراه یارانشان به زیارت می شتافتند، بنابراین سخن کسانی که می گویند سفر جز برای سه مسجد روا نیست، نادرست و با سیره معصومین ناسازگار است.

زیارت شهدای احد در سیره معصومین علیهم السلام

مشهور است که شهیدان احد هفتاد نفرند و زیارت آنها به ویژه در روزهای پنجشنبه، مستحب است. حمراوی یکی از علمای اهل سنت می گوید: «شهدای احد وسیله رسیدن به آرزوهای ما هستند، زیرا آن جا محل فرود آمدن رحمت های الهی بوده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برای پروردگارتان در دوران زندگی نسیم های روح بخشی است، خود را در برابر آن قرار دهید، بدون تردید این مکان محل فرود

۱- الغدیر، ج ۹، ص ۸۷۹.

۲- همان، ص ۲۸۳.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۱۷.

آمـدن رحمت های الهی است. پس شایسـته است زایران از این نسـیم های ربانی بهره منـد شوند. چگونه چنین نباشد در حالی که آنـان دوسـتان خـدا و وسـیله هـای بزرگ، به سوی پروردگار و رسولش هسـتند، از این رو سـزاوار است کسـی که به آنها متوسـل شـده، به آرزوهایش نایل و به درجات عالی فایز شود، چون آنان کریمان زنـده انـد و کسـی که به مقام بزرگ شـهدا تـوجه کنـد، محروم بر نمی گردد». (۱) ابن شـبه می گویـد: «رسول خـدا صـلی الله علیه و آله در آغـاز هر سال به زیارت قبور شهـدای احـد می آمـد و می گفت: درود بر شـما به خـاطر صـبر و مقـاومتی که از خـود نشـان دادیـد، پس خـانه عـاقبت شـما نیکوست». (۲) امام صادق علیه السـلام فرمود: «فاطمه زهرا علیها السلام در هر صبحگاه شنبه به زیارت شهدا می رفت، آن گاه نزد قبر حمزه می رفت و برای او درخواست رحمت و استغفار می کرد». (۳) حاکم نیشابوری از حضرت علی علیه السلام چنین روایت کرده است: «فـاطمه زهرا علیها السـلام هر جمعه، قبر عمویش حمزه را زیارت می کرد و پس از زیارت، در کنار قبر، به نماز و گریه می پرداخت». (۴)

پیامبر صلی الله علیه و آله و زیارت قبر مادر

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چندین بار به زیارت قبر مادرش آمنه رفته است. در روایات آمده است:

«پیـامبر صـلی الله علیه و آله قبر مـادرش را زیـارت می کرد و می گریست و اطرافیانش نیز گریه می کردنـد». (۵) ابن سعد در طبقـات می گویـد: «رسول خـدا صـلی الله علیه و آله در عمره حـدیبیه هنگـامی که از ابواء(محـل دفن مـادرش آمنه) گذشـت فرمود: خداوند متعال به پیامبر صلی الله علیه و آله خود اجازه داده است قبر مادرش را زیارت کند. آن گاه به زیارت آمد و قبر مادر را اصلاح و ترمیم کرد

۱- الغدیر، ج ۹، ص ۲۶۹.

۲- وفاء الوفاء، ج ۲، ص ۹۳۰.

۳- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۲۴.

۴- وفاء الوفاء، ج ۲، ص ۹۳۲.

۵- مسند احمد، ج ۲، ص ۴۴۱.

و گریست، پس مسلمانان نیز گریه کردند. گریه آن حضرت بر برخی از اصحاب گران و سخت آمد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: رحمت و مهربانی مادرم را در خود یافتم و گریه کردم». (۱)

زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله در سیره معصومین علیهم السلام

رفتار و کردار معصومین علیهم السلام برای تمامی مسلمانان حجت و الگوست، چنان که گفتار و سخنان آنان نیز سرمشق و هدایتگر است. با بررسی و تحقیق در تاریخ و روایات در می یابیم که تمامی معصومین علیهم السلام قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را زیارت می کردند. آنان نه تنها با سیره و سنت خویش بر عظمت و ارزش زیارت افزودند، بلکه پاداش و ثواب آن را، با پاداش حج و عمره برابر دانسته اند. بدین سبب بر پیروان و شیعیان آنان است که چگونگی زیارت را از سیره و سنت امامان علیهم السلام بیاموزند تا هیچ دستاویزی جهت خدشه دار کردن ساحت مقدس مکتب اهل بیت به دست بدخواهان و معاندان ندهند.

سیره حضرت فاطمه علیها السلام

از امام علی علیه السلام روایت شده است که وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله را دفن کردند، حضرت فاطمه علیها السلام کنار قبر ایستاد، مقداری از خاک قبر را برداشت و بر چشمش گذاشت.

آن گاه گریه کرد و شعری را خواند که ترجمه آن چنین است: «چه باک کسی را که خاک کوی احمد را ببوید و هرگز در طول زمان مشک و عنبری را نبوید. مصیبت هایی بر من وارد شد که اگر بر روزها وارد می شد، شب تار می گردید». (۲)

سیره امام حسین علیه السلام

آن حضرت شبی از منزل بیرون آمد، نزد قبر جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت و چنین گفت: «درود بر تو ای رسول خدا صلی الله علیه و آله، من حسین فرزند تو و فرزند دخترت هستم، یکی از دو گوهری که در میان امت به جای گذاشتی، پس گواه باش ای پیامبر خدا، که

۱- موسوعه الی النبی، ص ۱۷۲ به نقل از نشریه کوثر، ش ۳.

۲- وفاء الوفاء، ج ۲، ص ۴۴۴ به نقل از نشریه، کوثر، ش ۱.

امت تو چگونه مرا خوار و ضایع کردند، از گوهرت نگهداری نکردند، این شکواییه ای است به سوی شما تا هنگام دیدار فرا رسد». (۱) بار دیگر امام حسین علیه السلام به زیارت آمد و پس از بجا آوردن نماز فرمود: «خدایا این قبر پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله است و من پسر دختر پیامبرت هستم، برای من مشکلی پدید آمده که خود آگاه هستی، خدایا من معروف را دوست دارم و منکر را انکار می کنم، ای صاحب جلالت و بزرگی، از تو درخواست دارم به حق این قبر و کسی که در آن جای گرفته، آنچه مورد پسند خود و رسول و مؤمنین است، برای من اختیار نمایی». (۲) مخالفان زیارت می گویند: نمی توان خداوند متعال را با جمله «بحق هذا القبر» سوگند داد و از او درخواست کرد، زیرا در پیشگاه خداوند کسی حقی ندارد و حق تنها ویژه مقام الوهیت است، در صورتی که امام حسین علیه السلام با عمل خویش امور اشتباه را بر طرف نمود، به این معنا که خداوند متعال، گرچه حق مطلق را دارد، ولی بخشی از آن را به افراد خاصی واگذار کرده است.

سیره امام سجاد علیه السلام

امام باقر علیه السلام فرمود: پدرم امام سجاد علیه السلام هنگامی که به زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله تشریف می برد؛ در کنار قبر ایستاده، سلام می داد، سپس به قبر نزدیک شده، آن را لمس می کرد، پشت خود را به قبر تکیه می داد و رو به سوی قبله چنین می فرمود: «خدایا، کار و مشکل خود را نزد تو آوردم؛ پشت خود را بر قبر محمد صلی الله علیه و آله بنده و رسولت تکیه دادم، رو به سوی قبله ای کردم که برای محمد صلی الله علیه و آله پسندیده ای، خدایا صبح کردم در حالی که خوبی هایی را برای خودم امید دارم، مالک نیستم و توان دفع بدی هایی که بر خود ترس دارم، در خود نمی یابم، صبح کردم در حالی که امور به دست توست، هیچ فقیری نیازمندتر از من نیست و به آنچه از خوبی فرو فرستی نیازمندم». (۳)

۱- مقتل خوارزمی، ص ۱۸۶.

۲- بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۵۳.

۳- کامل الزیارات، ص ۱۷.

سیره امام صادق علیه السلام

محمد بن مسعود می گوید: امام صادق علیه السلام را در کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله دیدم، در حالی که دست مبارکش را بر قبر گذاشته بود، می گفت: «از خدایی که تو را برگزید و هدایتت کرد و به وسیله تو مردم را هدایت نمود می خواهم که بر تو درود فرستد؛ همانا خدا و فرشتگانش بر پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله درود می فرستند، پس ای کسانی که ایمان آورده اید شما نیز درود فرستید و بر او سلام مخصوص بدهید». (۱) از این روایت استفاده می شود که بهترین دعا هنگام زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله درود و صلوات بر آن حضرت است.

سیره امام کاظم علیه السلام

ابن فضال می گوید: «امام ابوالحسن علیه السلام را، هنگام وداع برای رفتن به عمره، مشاهده کردم، امام پس از غروب به سوی قبر پیامبر صلی الله علیه و آله تشریف می برد، آن گاه بالای سر مبارک ایستاده سلام کرد، نزدیک قبر رفته، آن را در آغوش گرفت، پس از آن کنار قبر ایستاد، نماز بجا آورد، آن گاه شانه چپ را به قبر چسباند و شش یا هشت رکعت نماز گزارد.

مقدار رکوع و سجده آن حضرت سه تسبیح یا بیشتر بود، زمانی که فارغ شد، سجده طولانی بجای آورد، به گونه ای که سنگریزه ها از عرق آن حضرت خیس شد». (۲)

سیره امام رضا علیه السلام

مرحوم شیخ صدوق از محوّل سجستانی چنین روایت کرده است: «هنگامی که مأمون درخواست کرد تا امام رضا علیه السلام را از مدینه به خراسان بیاورند، حضرت برای وداع و زیارت قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله وارد مسجد شد، به طور مکرر با قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله وداع می کرد؛ پیوسته بیرون می آمد و نزد قبر باز می گشت، در هر بار صدای مبارکش به گریه بلند بود؛ نزد آن حضرت رفتم و سلام کردم؛ جواب داد؛ به خاطر سفری که در پیش داشت، حضرت فرمود: مرا زیارت کن، همانا از جوار جدم بیرون می روم و در

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۶۸.

۲- بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۵۱.

غربت می میرم و دفن می شوم». (۱)

سیره امام جواد علیه السلام

محمد بن ابی العلا می گوید: «یک روز وارد مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله شدم، در حالی که پیرامون قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله به طواف مشغول بودم، امام جواد علیه السلام را دیدم که بر قبر آن حضرت طواف می کند؛ از فرصت استفاده کرده، مسایل فراوانی را با آن حضرت در میان گذاشتم، آن حضرت پاسخ تمام آنها را روشن فرمود». (۲) البته روایات مذکور گوشه ای از احادیث بسیاری است که در این زمینه نقل شده است. در این جا ذکر این نکته نیز لازم است: با نگاهی به سیره معصومین می آموزیم که اصالت در همه کارها، از جمله زیارت و عبادات، فقط پرستش خداوند متعال است. اگر به زیارت اهمیت داده می شود، بدین جهت است که توحید در آن جلوه گر است و می توان از کانال شناخت حجت های خداوند متعال، خدا را بهتر شناخت.

زیارت قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سیره صحابه

بلال حبشی- او بعد از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله به شام هجرت نمود، شبی از شب ها رسول خدا صلی الله علیه و آله را در خواب دید که به من فرمود: ای بلال این چه جفایی است که در حق ما نمودی؟ آیا وقتش نشده که به زیارت ما بیایی؟ بلال سراسیمه از خواب بیدار شد و سوار مرکب شده به قصد زیارت آن حضرت، وارد مدینه شد و مستقیماً بر سر قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت، شروع به گریه کرد و صورت خود را بر قبر مبارک مالید. (۳) عبداللَّه بن عمر- سمهودی نقل می کند که هرگاه عبداللَّه بن عمر از سفری باز می گشت نزد قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می آمد و به آن حضرت سلام می داد. (۴) ابوایوب انصاری- حاکم نیشابوری نقل می کند که مروان روزی به بقعه رسول

۱- منتهی الآمال، ص ۲۸۳.

۲- زیارت در سیره عترت، حسین رجبی، کوثر، ش ۳.

۳- شیعه شناسی و پاسخ به شبهات، ص ۳۰۲ به نقل از اسد الغابه، ج ۱، ص ۳۰۷.

۴- همان به نقل از: وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۴۰.

خـدا صـلی الله علیه و آله وارد شـد، مشاهـده کرد شخصـی صـورت خود را بر قـبر رسول خـدا نهـاده است، مروان گردن او را گرفت و بلنـد نمود و به او گفت: آیـا می دانی چه می کنی؟ ناگهـان مشاهـده کرد که او ابوایوب انصاری از صـحابه بزرگوار پیامبر است. در جواب فرمود:

آری، من به جهت این سـنگ نیامـده ام، بلکه به جهت رسول خدا صـلی الله علیه و آله آمده ام. (۱) روایت سفیان- سفیان بن عنبر از عتبی که هر دو از مشایخ شافعی اند نقل می کند:

کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بودم که اعرابی ای وارد شد و خطاب به رسول خدا عرض کرد: سلام بر تو ای رسول خدا، خداوند متعال فرمود: «وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوّاباً رَحيماً» من به نزد تو آمده ام و از گناهان خود اسـتغفار می نمایم و تو را شـفیع نزد خداوند آورده ام، آن گاه گریه کرد و اشعاری درباره پیامبر صـلی الله علیه و آله سرود. (۲) سـمعانی شبیه همین قصه را از امام علی علیه السـلام نقل می کند (۳) اگر این عمل جایز نبود چرا صحابه، خصوصاً امام علی علیه السلام که در آن مکان حاضر بود از آن منع نفرمود. (۴) انس بن مالک- او از رسول خـدا صـلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: هر کس مرا بعـد از وفاتم زیارت کند، مانند آن است که در حال حیاتم زیارت کرده است و هر که قبر مرا زیارت کنـد، شـفاعتم در روز قیامت بر او واجب می شود و هر کس از متمکنین امتم به زیارت قبر من نیاید عذری ندارد. (۵)

سیره و سخن علمای بزرگ برای زیارت

اشاره

از آن جا که زیارت اهل بیت اطهار علیهم السلام یکی از آموزه های مکتب انسان ساز تشیع است، بدین جهت تمام علما خود را موظف و مقید می دانستند که همواره به زیارت اهل بیت علیهم السلام مشرف شوند.

۱- همان، به نقل از مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۶۰.

۲- وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۶۱.

۳- همان، ج ۲، ص ۶۱۲.

۴- همان.

۵- شیعه شناسی، ص ۳۰۲ به نقل از شفاء السقام، ص ۳۷.

امام خمینی قدس سره

حضرت آیت اللّه العظمی امام خمینی در سال های پیش از تبعید، هر روز بعد از درس غروب تا موقع نماز، یک تشرف مختصر به زیارت حضرت معصومه علیها السلام داشتند و این کار به طور مداوم بود. (۱) معظم له در نجف اشرف هم هر شب به حرم مطهر و منور مولای متقیان امیرمؤمنان علی علیه السلام مشرف می شدند.

علامه طباطبایی رحمه الله

وی در ماه رمضان هر روز پیش از افطار به حرم مشرف می شد و با بوسه به ضریح مطهر حضرت معصومه روزه خود را می گشود.

حکیم عارف، ملاصدرای شیرازی رحمه الله

او سال ها در روستای کهک قم به سر می برد، هرگاه یک مشکل علمی و گِرِه فلسفی برایش پیش می آمد، یا از حل یک مسأله فلسفی در می ماند، آهنگ زیارت دختر موسی بن جعفر علیه السلام می کرد و فاصله چهار فرسخی تا قم را می پیمود و با زیارت و استمداد از روح بلند حضرت معصومه علیها السلام مشکل علمی خود را حل می کرد و به محل اقامت خود باز می گشت.

این بزرگواران، از زیارت چه می دیدند و می یافتند که ما نمی یابیم؟ بی شک معرفت آنان بیشتر بود، در نتیجه بهره روحی شان هم از زیارت افزون تر بود. (۲)

آیت اللّه مرعشی نجفی رحمه الله

اومی فرمود: پدرم مرا سفارش می کرد که من قادر به زیارت ایشان نیستم، اما تو به زیارت آن حضرت برو، لذا من به خاطر همین سفارش، برای زیارت فاطمه معصومه علیها السلام و ثامن الائمه علیه السلام به ایران آمدم و به اصرار مؤسس حوزه علمیه قم، حضرت آیت اللّه حائری در قم ماندگار شدم.

۱- نگین قم، ص ۲۶ و ۲۷.

۲- همان، ص ۲۴ و ۲۵.

آیت اللّٰه مرعشی در آن زمان می فرمود: شصت سال است که هر روز من اول زایر حضرتم. آقای شیخ عبداللّٰه موسیانی از حضرت آیت اللّٰه مرعشی نجفی رحمه الله نقل می کند:

شب زمستانی بود که من دچار بی خوابی شدم، خواستم حرم بروم، دیدم بی موقع است، آمدم خوابیدم، دست خود را زیر سرم گذاشتم که اگر خوابم برد خواب نمانم، در عالم خواب خانمی وارد اطاق شد و به من فرمود: سید شهاب! بلند شو و به حرم برو، عده ای از زوّار من پشت در حرم از سرما هلاک می شوند، آنها را نجات بده.

ایشان می فرمود: من به طرف حرم راه افتادم، دیدم پشت درِ شمالی حرم، اطراف میدان آستانه عده ای از زوار اهل پاکستان یا هندوستان(با لباس های مخصوص خودشان) در اثر سردی هوا، به خود می لرزند، در زدم، حاج آقا حبیب(که جزء خدّام حضرت بود) با اصرار من در را باز کرد، من از مقابل و آنها پشت سر من وارد حرم شدند و آنها در کنار ضریح آن حضرت مشغول زیارت و عرض ادب بودند، من هم آب خواستم و برای نماز شب و تهجّد وضو ساختم.

آیت اللّٰه العظمی مرعشی نجفی در جلد اول الرافد در مورد عالم جلیل القدر حاج محمد ابراهیم کلباسی می فرماید: «علامه کلباسی که از عالمان اصفهان بود، آن گاه که به زیارت حضرت معصومه علیها السلام می آمد، به مسجد امام حسن عسکری علیه السلام که می رسید از کنار پُل، کفش از پای بیرون می آورد و پای برهنه به طرف صحن مطهر حرکت می کرد! هنگامی که از او سؤال شد که چرا پای برهنه می روید؟ در پاسخ گفت: محدثان و عالمان احادیث خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله در این منطقه دفن شدند و این جا گورستان بزرگی بوده است و من دوست ندارم بر این ابدان پاک گام بگذارم و کفش در پای داشته باشم!» می گویند: حدود هفتصد تن از محدثان بزرگ و روایت شناسان اهل بیت علیهم السلام در این منطقه دفن شده اند، از این رو مؤمنان در این منطقه آب دهان بر زمین نمی انداختند. (۱) آیت اللّٰه مرعشی نجفی به عادت شصت ساله در زمستان و تابستان، صبح قبل از

۱- حضرت معصومه علیها السلام و شهر قم، ص ۳۵.

اذان، عبا را بر سر افکنده و پشت در صحن(طرف خیابان موزه) خود را به صحن چسبانده و با کمال تواضع در انتظار آمدن خدّام برای باز کردن در نشسته؛ تو گویی شخص نیازمند و دردمندی به در خانه حضرت معصومه علیها السلام پناهنده شده است.

او در وصیت نامه خود چنین سفارش نموده است: جنازه مرا روبه روی مرقد مطهر بی بی فاطمه معصومه علیها السلام قرار داده و در این حال یک سر عمامه ام را به ضریح مطهر و سر دیگر را به تابوت بسته،(به عنوان دخیل و توسل) در این هنگام مصیبت وداع مولای من حسین مظلوم با اهل بیت طاهرینش علیهم السلام را بخوانند. (۱)

آیت اللّه بروجردی رحمه الله

نقل شده روزی شاه عربستان سعودی به ایران آمد و هدایایی برای مرجع کل، حضرت آیت اللّه العظمی بروجردی رحمه الله فرستاد، آقا در میان آن هدایا، چند قرآن و مقداری از پرده کعبه را پذیرفت و بقیه را باز گرداند. در ضمن شاه عربستان تقاضای ملاقات با آقای بروجردی کرده بود(و این تقاضا توسط سفیر عربستان به آقا ابلاغ شد) ولی آقای بروجردی این تقاضا را رد کردند. وقتی که از علت این امر سؤال شد، آقا فرمود: این شخص(شاه عربستان) اگر به قم بیاید به خاطر این که وهابی است به زیارت مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام نمی رود و اگر به زیارت حضرت معصومه علیها السلام نرود، به مقام ارجمند حضرت معصومه علیها السلام توهین خواهد شد و من به هیچ وجه چنین امری را- که توهین غیر مستقیم به حضرت معصومه علیها السلام است- نمی پذیرم و تحمل نمی کنم. (۲)

آیت اللّه بهجت

ایشان نیز از جمله مراجع تقلیدی است که هر روز پس از نماز صبح با پای پیاده به

۱- بر ستیغ نور، شرح حال مرحوم آیت اللّه العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی، ص ۷۰ و ۷۱ و ۱۳۱.

۲- حضرت معصومه فاطمه علیها السلام دوم، ص ۱۳، به نقل از آیت اللّه شیخ لطف اللّه صافی گلپایگانی.

زیارت حضرت معصومه علیها السلام مشرف شده و مدت طولانی به ذکر و دعا و زیارت مشغول می باشد.

آیت اللّه فاضل لنکرانی رحمه الله

ایشان فرمود: حضرت فاطمه معصومه علیها السلام از طرف مادر، عمه حقیر است و برای من محرم هستند و از این رو من خطاب به ایشان عمه جان می گویم. روزی تشرف پیدا کردم به حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و بعد از این که زیارت را خواندم، خدمت عمه جان عزیز عرض کردم که من امروز آمده ام و هیچ حاجتی مثل پول و منزل و امثال ذلک ندارم. فقط یک حاجت دارم و آن این است که در فهم آیه تطهیر مورد عنایت شما واقع شوم. آیه تطهیر را درست بفهمم و بنویسم و حل مشکل بکنم.

بعد آمدیم و شروع کردیم به نوشتن آیه تطهیر. یک مسائلی و یک مطالبی به برکت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام برای ما روشن شد که شاید اگر پنجاه سال دیگر درس می خواندم، آن مطالب برای ما روشن نمی شد. به جایی رسید که برای ما روشن شد جای آیه تطهیر حتماً در بین آیات مربوط به زن های پیامبر بوده، لکن حرف خداوند متعال این بوده که با پرانتز آیه تطهیر اهل بیت علیهم السلام را جدا کند و فضیلتی را برای اهل بیت علیهم السلام ثابت کند و بفرماید که این فضیلت به زن های پیامبر مربوط نیست، بلکه مربوط به اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و همین طور امامان بعدی است. (۱)

محدث بزرگوار حاج شیخ عباس قمی رحمه الله

وی نوشته است: افضل دختران حضرت موسی بن جعفر علیه السلام، سیده جلیله معظمه فاطمه بنت امام موسی علیه السلام معروف به حضرت معصومه علیها السلام است که مزار شریفش در بلده طیبه قم است و دارای قبه عالیه و ضریح و صحن های متعدد و خدمه بسیار و

۱- نشریه کوثر، ش ۵، ص ۹.

موقوفات است و روشنی چشم اهل قم و ملاذ و معاذ عامه خلق است و در هر سال، جماعات بسیار از بلاد بعیده شدّ رحال کنند و تعب سفر کشند به جهت درک فیوضات از زیارت آن معظمه علیها السلام. (۱)

آیت اللّه گلپایگانی رحمه الله

در روز شهادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام قرار شد از بیت آیت اللّه العظمی گلپایگانی رحمه الله هیئتی از طلاب برای عرض تسلیت به مقام والای دختر موسی بن جعفر علیه السلام، به حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام مشرف شوند، وقتی طلاب وارد صحن مطهر شدند.

دیدند آیت اللّه العظمی گلپایگانی وسط صحن حضرت معصومه علیها السلام روی زمین نشسته اند، هر چه خواستند فرشی برای آقا بیاورند، آقا قبول نکرد و فرمود: روی زمین نشستم جهت عرض ادب و اخلاص به بی بی حضرت معصومه علیها السلام و اشک چشمش را با دستمال پاک می کرد.

ایشان می فرمود: طلاب عزیز بر شماست که قصد را خالص کنید و ارتباط مداوم خود را با ائمه اطهار علیهم السلام مخصوصاً حضرت صاحب و مولایم، حضرت ولی عصر علیه السلام تداوم بخشید و کثرت تلاوت قرآن کریم و ادعیه صالحه و عرض اخلاص و ادب به دخت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام داشته باشید و اینها همه رمز موفقیت و توفیق در راه ادامه تحصیل ماست. (۲)

فضیلت زیارت حضرت معصومه علیها السلام

بعد از زیارت چهارده معصوم علیهم السلام، برای زیارت حضرت معصومه علیها السلام ترغیب و تشویق فراوانی صورت گرفته است. در پاداش زیارت زایران حضرت معصومه علیها السلام تعبیرات ارزشمندی چون؛ اهل بهشت، بهشت از آنِ اوست و بهشت بر او واجب است، وارد شده و ارزش زیارت آن کریمه اهل بیت، معادل بهشت و همسنگ زیارت

۱- منتهی الآمال، ص ۸۴۴.

۲- متن وصیت نامه آیت اللّه العظمی گلپایگانی، ص ۲.

امام هشتم علیه السلام قرار داده شده است.

امام رضا علیه السلام می فرماید:

«مَنْ زارَها فَلَهُ الْجَنَّهُ»؛

هر کس او را زیارت کند، بهشت از آنِ اوست. (۱) امام جواد علیه السلام فرمود:

«مَنْ زار عَمَّتی بِقُمْ فَلَهُ الْجَنَّهُ»؛

هر کس عمه ام را در قم زیارت کند، بهشت از آنِ اوست. (۲) همچنین امام صادق علیه السلام می فرماید:

«انَّ للَّه حَرَمَاً وَ هُوَ مَکَّهُ وَ لِرَسُولِهِ حَرَمَاً وَ هُوَ المَدینَهُ و لِامیرِ الْمُؤمِنینَ حَرَماً وَ هُوَ الکُوفَهُ وَ لَنا حَرَماً وَ هُوَ قُمْ وَ سَتُدْفَنُ فیهِ امْرَأَهٌ مِنْ وُلْدی تُسَمّی فاطِمَهَ مَنْ زارَها وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّهُ»؛

برای خدا حرمی است و آن مکه است، برای رسول خدا حرمی است و آن مدینه است، برای امیرمؤمنان نیز حرمی است و آن کوفه است، اهل بیت را حرمی است و آن قم است. به زودی بانویی به نام فاطمه از فرزندان من در آن جا دفن می شود که هر کس او را زیارت کند، بهشت بر او واجب می شود.

راوی می گوید: امام صادق علیه السلام این سخن را زمانی فرمود که هنوز مادر حضرت موسی بن جعفر او را به دنیا نیاورده بود. (۳) باز هم از امام صادق علیه السلام روایت شده است:

«انَّ زیارَتَها تُعادِلُ الجَنَّهَ»؛

زیارت حضرت معصومه همسنگ بهشت است. (۴) همچنین امام صادق علیه السلام فرمود:

«تُقبَضُ فیها امْرأَهٌ مِنْ وُلْدی اسْمُها فاطِمَهُ بِنْتُ مُوسی تُدخَلُ بِشَفاعَتِها شِیعَتی الجَنَّهَ بِأَجْمَعِهِمْ»؛

در قم بانویی که از فرزندان من است و نام گرامیش فاطمه دختر موسی علیه السلام است، رحلت می کند، با شفاعت او همه شیعیانم(چنانچه شرایط شفاعت را داشتند) وارد بهشت می شوند. (۵) امام رضا علیه السلام خطاب به سعد بن سعد احزم می فرماید:

«یا سَعْدُ! مَنْ زارَها فَلَهُ الجَنَّهُ او

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۷۱.

۲- كامل الزيارات، ص ۳۲۴.

۳- بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۲۶۷.

۴- بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۳۱۷.

۵- بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۲۸.

«هُوَ مِنْ اهلِ الجَنَّهِ»؛

ای سعد! هر کس او را زیارت کند، بهشت از آن اوست و یا «او اهل بهشت است». (۱) باز هم از امام رضا علیه السلام رسیده است:

«مَنْ زارَ الْمَعْصُومَهَ بِقُمْ کَمَنْ زارَنی»؛

هر کس حضرت معصومه علیها السلام را در قم زیارت کند، همانند کسی است که مرا زیارت کرده باشد. (۲) هم ایشان است که می فرمایند: هر کس نتواند به زیارت من بیاید، برادرم را در ری یا خواهرم را در قم زیارت کند که همان ثواب زیارت مرا در می یابد. (۳)

شوق زیارت

نخست اشتیاق دیدار و زیارت در دل احساس می شود، آن گاه انسان از کسب و تجارب چشم می پوشد، به موانع سفر و مشکلات دست و پاگیر زندگی اعتنا نمی کند و آهنگ سفر می نماید. برای پیمودن راه های دور و دراز مهیا می شود و ساز و برگ سفر را آماده می سازد و به امید گوشه چشمی از محبوب به سوی کعبه مقصود عزیمت می کند تا در فضای معنوی و ملکوتی قرار گیرد. مهم ترین گامی که یک زایر بر می دارد، تلاش بی امان برای اصلاح خویشتن است. او می کوشد که خود را از هرگونه عیب و نقصی پاک سازد و زنگار گناه را با اشک ندامت بزداید، تا شایسته دیدار شود.

زایر با تمام قدرت در تقویت کمالات خویش می کوشد تا در حریم یار مَحرَم شود. از همه می برد تا به یار بپیوندد. کوله بارش را بر زمین می نهد و سر به آستان محبوب می گذارد، اشک شوق چون سیل از دیدگانش فرو می ریزد. و آن گاه چشمانش پر فروغ می گردد، آتش محبت زبانه می کشد، هر چه تلاش می کند که شرط

۱- همان.

۲- ناسخ التواریخ، ج ۳، ص ۶۸.

۳- زبده التصانیف، ج ۶، ص ۱۵۹، از این حدیث مقام حضرت حمزه بن موسی بن جعفر علیه السلام که در جوار حضرت عبدالعظیم در ری مدفون می باشد، نیز روشن می شود.

ادب بجای آورد و از دور عرض ارادت نماید، دل اجازه نمی دهد و شور نمی گذارد، سرانجام شور نشأت گرفته از شعور، او را به کنار ضریح می کشاند.

سعی می کند که صورتش را بر ضریح نگذارد که گَرد گناه بر چهره اش نشسته و تیرگی گناه بر رویش سایه انداخته است، ولی بارقه امید بر دلش نورافشانی می کند و نوید و رحمت پروردگار بر سرش بال می گستراند، با یک دنیا امید صورت بر ضریح می گذارد و باران اشکش جاری می شود و زیر لب زمزمه می کند: «بَلْدَهٌ طَیِّبَهٌ وَ رَبٌّ غفُورٌ». (۱) آن گاه تصمیم جدی به انجام خیر در تمام سلول های مغزش نقش می بندد و دلش به مغفرت خداوند غفور گواهی می دهد و خود را شایسته دیدار می بیند و در انتظار عنایت محبوب می نشیند که گرامی داشتِ مهمان، سیره این خاندان است. (۲)

آداب زیارت

شایسته است زایر حریم خاندان عصمت و طهارت نکات زیر را در زمینه آداب زیارت بجا آورد:

۱. در طول مسافرت از کارهای لغو و بیهوده و انجام کار ناصواب به شدت پرهیز کند که چه بسا مانع قبولی زیارت و دیگر اعمال انسان بشود.

۲. به هنگام تشرف به زیارت حتماً با وضو باشد و پیش از ورود غسل زیارت کند.

۳. لباس های پاکیزه بپوشد و خود را خوشبو سازد.

۴. در آستانه بایستد و اذن دخول بخواند، هر وقت دلش رقّت پیدا کرد، آن را نشانه اذن بشمارد و با توجه به این که حرم یکی از بیوتات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و محل نزول فرشتگان است، با خضوع و خشوع و توجه کالم وارد حرم شود.

۵. برای دیگر زایران ایجاد مزاحمت ننماید.

۶. در احترام به زوّار و خدّام تلاش کند، زیرا احترام به آنها، احترام به امامان و امامزادگان است.

۱- سوره سبأ، آیه ۱۵.

۲- کریمه اهل بیت، ص ۱۳۵- ۱۳۷.

۷. در حرم امامزادگان در طرف بالای سر، رو به قبله بایستد و زیارتنامه بخواند.

سعی کند متن زیارت را با توجه کامل و تلفّظ صحیح بخواند.

۸. بعد از زیارت دو رکعت نماز زیارت در بالای سر یا مسجد متصل به حرم بخواند، در این نماز بهتر است که در رکعت اول بعد از حمد، سوره مبارکه «یس» و در رکعت دوم، سوره مبارکه «الرحمن» بخواند.

۹. در قنوت نماز زیارت، حاجت های مؤمنان دیگر و خود را از خدا بخواهد که یکی از موارد استجابت دعاست و در رأس همه حوایجش برای فرج حضرت بقیه اللّٰه(عج) دعا کند.

۱۰. بعد از زیارت و نماز، در دعا و مناجات تلاش و اصرار کند.

۱۱. بعد از نماز و دعا، با حفظ ادب و رعایت حق تقدم دیگران و عدم ایذای زایران، خود را به کنار ضریح مقدس برساند و صورت بر ضریح مطهر نهاده، با خدای خود راز و نیاز کند و موقع مراجعت پشت به حرم نکند.

۱۲. از طرف پدر، مادر، خویشان، دوستان، حق داران، سفارش کنندگان و همه شیعیان امیرمؤمنان علیه السلام نیز به نیابت زیارت کند.

۱۳. در حرم مطهر مقداری از قرآن را با دقت تلاوت کند و به امامزاده ای که در حضورش هست اهدا نماید.

۱۴. در مدت اقامتش در مشاهد مشرّفه، زیاد به حرم تشرف یافته و سعی کند نمازهایش را در حرم مطهر و در صورت امکان با جماعت بخواند.

۱۵. به هنگام تودیع حرم، زیارت وداع بخواند و از خدا بخواهد که آخرین زیارت او نباشد.

۱۶. بعد از مراجعت از زیارت سعی کند تا نورانیت به دست آمده همچنان در او باقی بماند. (۱)

۱- بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۲۴- ۱۳۸ با تلخیص.

مجاورین حرم مطهر نیز بایـد سعی کنند که حق مجاورت را بجا آورده و در تشرف به حرم مطهر و حفظ شئون این سرزمین مقـدس کوشا باشند، در ایام زیارتی، شب های جمعه و دیگر مناسبت ها، از زیارت غفلت نکننـد، در اعیاد قبل از دیـدار هر کسی به زیارت این گوهرهای اهل بیت بشتابند، تبریک بگویند و عیدی بخواهند، در روزهای وفات نیز به قصد عرض تسلیت به حضورشان بشتابند.

فرجام سخن

آگاهی از فرهنگ و روش زندگی پر افتخار خاندان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و آل علی علیه السلام یکی از اصیل ترین راه های شناخت اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و بهره مندی از آن است. زیرا آنها از سرچشمه زلال اسلام سیراب گشته و تبلوری از مکتب حیات بخش اسلام می باشند. بی گمان بقای مذهب راستین تشیع به وجود اهل بیت عصمت و طهارت و ذریه گران قدر آنها گره خورده است. هر انسانی که دست تمسک و نیاز به سوی آن خاندان دراز کرد، نجات یافت و هر کس که از صراط آنها سر پیچید در ورطه نابودی افتاد.

اساساً برای شیعیان و دوستداران اهل بیت علیهم السلام زیارت حرم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام یک آرزوی بزرگ است و هرگاه فرصتی دست دهد و امکاناتی فراهم آید، خود را موظف می دانند به این اماکن مقدس مشرف شوند و به ثوابی که در روایات و احادیث معصومین علیهم السلام آمده، دست یابند. برای ما ایرانیان که در جوار پیشوای مهر حضرت ثامن الحجج، امام رضا علیه السلام و کریمه اهل بیت زندگی می کنیم، دستیابی به این ثواب ها آسان تر است. از همان اجر و پاداش هایی که امام صادق علیه السلام می فرماید:

«سَتُدْفَنُ فیها إمْرَأَةٌ مِنْ أَوْلادی تُسَمَّی فاطِمَةَ فَمنْ زارَها وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّهُ»؛ (۱)

به زودی در آن جا(قم) زنی از اولاد من دفن می شود که نام او فاطمه است پس هر کس او را زیارت کند، بهشت بر او واجب می شود.

۱- بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶.

همچنـان که دربـاره برادر بزرگوارشـان امـام رضـا علیه السـلام نیز از امـام صـادق علیه السـلام روایت شـده است که: مردی از فرزندان پسـرم موسـی به دنیا می آید که نامش نام امیرالمؤمنین علیه السلام است و در دیار طوس که در خراسان است، با زهر کشـته می گردد و غریبـانه در همـان جـا به خـاک سپرده می شود، هر کس وی را در حـالی که عـارف به حق اوست، زیارت کنـد، خداوند متعال به او پاداش کسـی را که پیش از فتح مکه انفاق کرده و جنگیده است، عطا خواهد کرد. (۱) بنابراین اهل بیت علیهم السـلام آرمان های همیشه زنده شـیعیان می باشند و هماره از زبان دل آنان سخن گفته و نسبت به آنان عاطفه های بسـیار نشـان داده و در تنگناها به کمک آنان شـتافته انـد و آنگاه که آنان را واسـطه فیض و حوایـج قرار داده انـد، خداونـد به احترامشان گره گشایی نموده است آنان همه از نور واحد و از شجره طیبه طوبی هستند. امید آن که در دنیا توفیق زیارت و در عقبی به شفاعت آنان نائل آییم.

۱- همان، ج ۴۹، ص ۲۸۴.

فهرست منابع

۱. ارشاد، شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.

۲. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، بیروت.

۳. اعلام الوری، امین الاسلام طبرسی، قم، ۱۳۹۹ ق.

۴. انوار المشعشعین، شیخ محمد علی بن حسین کاتوزیان، چاپ سنگی، تهران.

۵. بحار الأنوار، علامه محمدباقر مجلسی، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.

۶. بر ستیغ نور، شرح حال مرحوم آیت اللّٰه العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی، قم، کتابخانه آیت اللّٰه مرعشی، ۱۳۷۳.

۷. تاریخ قم، حسن بن محمد قمی، ترجمه حسن بن علی قمی، تهران، ۱۳۶۱.

۸. تذکره الخواصّ، سبط ابن جوزی، نجف، ۱۳۸۳ ق.

۹. حضرت معصومه، فاطمه دوم، محمد محمدی اشتهاردی، علامه، قم، ۱۳۷۵.

۱۰. حضرت معصومه علیها السلام و شهر قم، محمد حکیمی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰.

۱۱. دارالسلام، میرزا حسین نوری، چاپ سوم، قم.

۱۲. زبده التصانیف، مولی حیدر خوانساری، قم، ۱۴۱۵ ق.

۱۳. زندگانی حضرت معصومه، سید مهدی صحفی، قم، ۱۳۷۸ ق.

۱۴. زندگی و کرامات حضرت معصومه علیها السلام، احمد بانپور، الف، قم، ۱۳۷۴ ق.

۱۵. شیعه شناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، تهران، مشعر، ۱۳۸۲.

۱۶. عیون اخبار الرضا علیه السلام، شیخ صدوق، انتشارات جهان، ۱۳۷۸.

۱۷. فروع کافی، محمد بن یعقوب کلینی، بیروت.

۱۸. فروغی از کوثر، الیاس محمد بیگی، امور فرهنگی آستان مقدسه، قم، ۱۳۷۴.

۱۹. کامل الزیارات، ابی القاسم جعفر بن محمد، بن قولویه، نجف اشرف، انتشارات مرتضویه، ۱۳۵۶ ق.

۲۰. کریمه اهل بیت علیهم السلام، علی اکبر مهدی پور، حاذق، قم، ۱۳۷۴.

۲۱. گنجینه آثار قم، عباس فیض، قم، ۱۳۴۹.

۲۲. اللّؤلؤه الثّمینه، محمد بن محمد بن احمد چشتی داغستانی، مصر، ۱۳۰۶ ق.

۲۳. ماهنامه کوثر، آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام، ش ۱ و ۳، ۱۳۷۶.

۲۴. مجالس المؤمنین، قاضی نور اللَّه شوشتری، تهران، ۱۰۱۹ ق.

۲۵. مستدرک وسائل الشیعه، میرزا حسین نوری، قم، ۱۴۰۷ ق.

۲۶. مقتل خوارزمی، موفق بن اخطب خوارزمی، قم، انوار الهدی، ۱۴۱۸ ق.

۲۷. مسند احمد، احمد بن حنبل، قاهره، دار الجیل، ۱۴۱۰ ق.

۲۸. منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، مشهد، هاتف، ۱۳۷۹ ق.

۲۹. ناسخ التواریخ، میرزا محمد تقی خان سپهر، چاپ سنگی، ۱۲۹۷ ق.

۳۰. نگین قم(آشنایی با شخصیت حضرت معصومه علیها السلام)، جواد محدثی، معروف، قم، ۱۳۷۴.

۳۱. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، بیروت، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹ ق.

۳۲. وفاء الوفاء، نور الدّین سمهودی، بیروت، ۱۴۰۱ ق.

۵. زیارت از دیدگاه عقل و نقل

اشاره

۵. زیارت از دیدگاه عقل و نقل (۱)

علیرضا حاجیان (۲)

چکیده

در این مقاله نخست به معنای زیارت و فلسفه قداست زیارتگاه های رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام پرداخته شده، سپس با بررسی دلایل جایز بودن زیارت قبور بزرگان دین و اهمیت آن از دیدگاه آیات و احادیث به طور مفصل اثبات اهمیت بی نظیر زیارت در تقویت روح و بعد معنوی زایر و ایجاد محبت و عشق در قلب او، ارائه می گردد. در ادامه به بررسی زیارت از دیدگاه فیلسوفان بزرگی نظیر ارسطو، ابن سینا، فخر رازی، امام محمد غزالی، شیخ سید حیدر آملی، میر داماد، صدرالمتألهین، ملا هادی سبزواری و امام خمینی رضوان اللّه تعالی علیهم پرداخته شده است و به دلیل سادگی بیان و کلام روان فخر رازی در باب دلایل فلسفی زیارت، خلاصه ای از فصل چهارم رساله زیارت قبور او ذکر شده است. همچنین در مورد دلایل قلبی و روحانی و تأثیرات زیارت در وادی محبت و قلمرو دل به گونه مبسوط مورد بحث واقع شده است.

کلیدواژه ها: زیارت، فلسفه، ائمه اطهار، اهمیت زیارت، زایر.

مقدّمه

زیارت دیداری مشتاقانه و حضور در خدمت محبوب است. در زیارت یک ارتباط قلبی بین زایر و مزور- زیارت شونده- ایجاد می شود که آن ارتباط هر چه محکم تر

۱- این مقاله با یاری و همکاری آقایان علی و مهدی حاجیان نگارش یافته است.

۲- عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد.

باشد اجر و پاداش و نتیجه آن زیارت عالی تر و پاک تر است.

زیـارت امام یعنی تجلیل و تکریم از مقام شـهید، یعنی ادای احترام به پیکره دین و اسوه تقوا، زیارت یعنی ایجاد ارتباط معنوی با محبوب و بالأخره از دست دادن خودی و خودبینی و در پایان فانی شدن در سر هستی و پرده وار حبیب.

یکی از دسـتورات اکیـد در اسـلام زیارت قبور ائمه اطهار علیهم السـلام است که برای آن ثواب عظیمی ذکر شـده است، زیرا حقیقت زیارت، دیدار مشتاقانه محبوب است.

شـک نیست که «زیارت» در اسـلام، به خصوص در فرهنگ شـیعه، جایگاه والایی دارد. امامان و اولیای خـدا، تا حـد بسـیاری دعوت و تشویق به زیارت کرده اند.

پاداش ها و ثواب های فراوانی برای «زایر» بیان شده است. زیارت، در ارزش و پاداش، همپای بسـیاری از عبادات، بلکه برتر از آنها حتی جهاد و شهادت به حساب آمده است. مزارها در اسلام، از اعتبار خاصی برخوردار است.

مزورهـا، مورد تکریم فراوان قرار گرفته انـد و «زیارتنـامه» هـا، یـک دنیـا تعلیمات و فرهنگ و آموزش و تربیت را شامل است. راسـتی این همه دعوت و تشویق به زیـارت، چرا؟ این همه پـاداش و اجر و ثواب، برای هر قـدم زیـارت، برای چه؟ چه تنـاسبی میان عمل زایر با آن پاداش های عظیم و خیره کننده و بهت آور است؟ مگر نه این که «اجر»، در مقابل «عمل» است؟ و مگر نه این که تناسبی باید بین «کار» و «مزد» باشد؟

اساساً چرا بایـد به زیارت رفت؟ فایـده زیارت برای زایر چیست؟ زیارتگاه ها چه نقش تربیتی و تهـذیبی دارنـد و بایـد داشـته باشند؟ زیارتنامه ها چه متن هایی است و چه آموزش هایی دارد؟

در زیـارت، بایـد به «دل» پرداخت یـا به «عقـل»؟ زیـارت، ریشه در منطق و برهـان دارد، یـا خاسـتگاه آن، وادی شور و شوق و جذبه و عرفان است؟ زیارت فقط در صدر اسلام، مهم و مفید بوده، یا همیشه و هم اکنون هم سازنده و تعهد بار و رسالت

آشناست؟ در زیارت، به «منفعت» باید اندیشید یا به «معرفت»؟ زایر، «عاشق» است یا «جهانگرد»؟

زیارت، «دخل» است یا «خرج»؟ زیارت، عملی عبادی است، یا جنبه «سیاسی» هم دارد؟ زیارت، ساخته و پرداخته شیعیان است، یا اصلی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، منادی آن است و ریشه در متن دین دارد و عقل، پشتوانه آن است و عرف، حامی آن و ملت ها و اقوام بشری عامل به آن؟!

تمام اینها و مطالب و مسایل دیگری، انگیزه آن است که از میان آن همه زمینه ها و دستورالعمل ها و برنامه ها که اشاره می شود و در فضای تربیتی دین و مکتب وجود دارد، در این مقاله به مقوله «زیارت» از دیدگاه عقلی و قلبی و نیز روایات ائمه اطهار بپردازیم.

معنای زیارت

زیارت یعنی در حوزه اشراقات الهی قدم گذاردن و در دریای رحمت و فیض رحمانی غوطه ور شدن.

زیارت یعنی تجلیل و تکریم از مقام شهید جان باخته در راه حق؛

زیارت یعنی ادای احترام به پیکره دین و مجسمه تقوا؛

زیارت یعنی دلدادگی و دلباختگی به محبوب، و از دست دادن خودی و خودبینی و فانی شدن در راه هستی حبیب.

زیارت یعنی آیینه تمام نمای خدا را دیدن و به دیدار جمال یار مشرّف شدن.

اهمیت فلسفی تقدس زیارتگاه ائمه

۱. زیارتگاه ائمه محل نزول ملائکه

زیارتگاه ائمه اطهار، محل نزول ملائکه رحمت الهی است. آن جا عبادتگاه صالحان و دریای پاکی است. آن جا خلوتگه راز است. خلوتی برای تفکر و اندیشه، خلوتی برای توبه و انابه.

قبور شریف ائمه اطهار، یادآور شمع سوختگانی است که تا ابد نورافشانی می کنند. لذا دشمنان دین آن مکان های مقدّس را خراب می کردند یا حتی المقدور آنها را مخفی نگه می داشتند، همان طور که قبر حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام تا حدود زمان امام صادق علیه السلام مخفی و بدون زایر مانده بود.

۲. فلسفه زیارت قبور

سؤالی که در ذهن بسیاری از ما خطور می کند این است که اگر روح با بدن مثالیش اصالت دارد و جسدی که در دل خاک سپرده شده هیچ هویت و شخصیتی، جز «مشتی خاک» بودن، ندارد؛ پس چرا بر مزار آنها حاضر می شویم و برایشان فاتحه می خوانیم و حتی آنها را چنان مورد خطاب قرار می دهیم که گویی آنها در قبورشان حاضرند و ما را می بینند؟ در پاسخ باید گفت: تردیدی نیست که آنچه در درون حفره خاک قرار دارد، نه تنها خود انسان نیست، بلکه جسد و ابزار جسمانی انسان هم نیست، البته زمانی بود ولی اینک، مشتی اندک و ناچیز از توده عظیم طبیعت و ماده است، نه چشمی که ببیند و نه گوشی که بشنود و نه قلبی که بتپد و نه ...، اما بر اساس روایات فراوان، نباید در این تردید داشت که روح، به قبر و مدفن جسم خویش توجه و عنایت خاصی دارد و علتش چند چیز می تواند باشد:

۱. محل دفن، آخرین مرحله از نشئه دنیا و اولین مرحله از سفر اخروی است، بدین جهت روح این خاطره را هرگز فراموش نمی کند و به این نقطه حساس(محل دفن) عنایت خاصی دارد.

۲. این نقطه محل اجتماع یاران و خویشان متوفی است که به یاد او گرد هم جمع آمده و کارهای خیری نظیر خیرات و مبرات و صدقات و تلاوت قرآن و ... انجام می دهند. هر چند که آثار این کارهای مفرح، روح متوفی را از فاصله دور هم تحت تأثیر قرار می دهد، اما انجام این کارها در کنار قبر متوفی آثار شدیدتری دارد.

۳. همان گونه که خانه کعبه نزد خداوند از اعتبار ویژه ای برخوردار است و خداوند

بنـدگانش را در کنار خانه خود بیشتر مورد عنایت و لطف خویش قرار می دهد، متوفی- به ویژه این که از اولیاء اللّه باشد- نیز عنایت بیشتری به زایران قبرش دارد. بنابراین مردگان از آنچه که بر بندگان می گذرد بی خبر نیستند، به خصوص هنگامی که زنـدگان به نزد مزارشـان آمـده و آنهـا را بـا کارهای خیر شادمان می سازنـد. حضور در کنار قبر اموات یکی از مسـلمات دین مبین اسـلام است که قرآن کریم بدان تصریح فرموده است: «وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِّنْهُم مَّاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ ی إِنَّهُمْ كَفَرُواْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ی وَمَاتُواْ وَهُمْ فسِقُونَ»؛. (۱)

یعنی بر هیـچ کدام از آنها(کافرین و منافقین) که مرده اند نماز مگزار و بر سـر قبرش نه ایست، زیرا آنها به خدا ورسولش کفر ورزیدنـد و در حالی مردنـد که فاسق بودنـد. البته میعادگاه اموات با زنـدگان تنها در کنار مزار آنها نیست، بلکه اموات(ارواح برزخی) به نقـاط مخصوصـی در روی زمین تـوجه دارنـد، از جمله جاهـایی که ارواح مـؤمنین حضور دارد، مشاهـد متبرک و اماکن زیارتی است. محل اجتماع اصلی ارواح دو وادی مهم شبه جزیره عربی، که یکی در شهر نجف اشرف است به نام وادی السلام، و دیگری در یمن به نام برهوت.

وادی السـلام محل اجتماع ارواح سعادتمند و محبین اهل بیت علیهم السلام است، و برهوت محل تجمع شقاوتمندان و دشمنان اهـل بیت است. امام صادق علیه السـلام فرمود: «بنا به منزلتی که مؤمن نزد خـدا دارد، هر هفته یا هرماه و یا هر سال یک بار از خـانواده خود دیـدار می کنـد ... و هرگـاه آنـان را در خیر و خوبی ببینـد غرق در شـادی و سـرور می شود، اما اگر آنان را در سختی و حـاجتی ببینـد غمگین و انـدوهناک گردد. (۲) بـدون تردیـد احترام به بزرگـان و رهبران دین در نهـاد و سـرشت هر شخص متدین و آزاده ای وجود دارد، به این جهت پیش از اسـلام و پس از آن همیشه قبور صالحان و اولیای الهی مورد توجه خاص و زیارت مردم بسیاری بوده است. تا قرن یازدهم

۱- سوره توبه، آیه ۸۴.

۲- بحار الأنوار، ج ۶.

هجری در این مسأله هیچ اختلافی بین شیعه و اهل سنّت وجود نداشته است. علمای هر دو مذهب کتاب ها و رساله هایی در این موضوع نگاشته اند.

برخی از این آثار به جنبه های نقلی مسأله پرداخته و آداب زیارت و کیفیت آن را با استناد به احادیث و آثار بیان کرده اند، و تعدادی نیز به بحث های عقلی آن پرداخته و با نگاهی فیلسوفانه آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده اند. یکی از این آثار رساله ارزشمند زیاره القبور امام فخر الدین رازی است. این رساله از آن جهت که مؤلّفش سنّی مذهب و امام المشککین بوده و در هر مسأله عقلی دچار شک و تردید شده- اما در این مسأله هیچ تردیدی به خود راه نداده و آن را مورد بحث عقلی و فلسفی قرار داده است- از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در قرن یازدهم هجری محمد بن عبد الوهاب پدید آمد و در شک و تردید گوی سبقت را از فخر رازی ربود و این مسأله را مورد انکار قرار داد، و تصور نمود که زیارت قبور از اختصاصات شیعیان است. شاید اگر او این رساله زیاره القبور را که از دانشمندان بزرگ خودشان است دیده بود، گرفتار این انحرافات نمی گردید.

مسأله زیارت قبور اهل بیت عصمت علیهم السلام و نیز زیارت قبر مؤمنان و صالحان، یکی از شعایر دین مقدس اسلام است، و آیات شریفه ای از قرآن مجید و روایات زیادی بر آن دلالت دارد که در این مقاله به آنها اشاره خواهیم نمود. اعتقاد به این مسأله اختصاص به شیعه نداشته و در زمان قدیم در این مسأله هیچ تفاوتی بین شیعه و سنی نبوده است، زیرا همه مسلمانان به زیارت اموات و مخصوصاً زیارت قبر سادات و اولاد رسول خدا صلی الله علیه و آله می رفته اند. چنان که زیارت قبر مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله همواره به عنوان شعار اصلی دین بوده و آرزوی هر زن و مرد مسلمان از سراسر جهان می باشد.

اما متأسفانه از زمان پیدایش مذهب وهابیت، تبلیغات گسترده ای علیه زیارت قبور راه اندازی شده و برخی از افراد ساده لوح و دور از عقل و منطق فریب وهابیت را خورده و گمان کرده اند این مسأله اختصاص به شیعه داشته و نادانسته آن را مورد

هجوم تبلیغات مسموم خود قرار داده اند. جدیدترین این افتراءات کتاب سراسر دروغ دکتر قفاری است. جهل نویسنده این کتاب به اصول اسلامی و بیگانگی او از ضوابط و معیارهای تحقیق علمی از سراسر کتاب نمایان است. زمانی که مسلمانان بیش از هر چیز به اتحاد نیاز دارند، این نویسنده برای جلب رضایت صهیونیست های غاصب تلاش کرده است که خشم مسلمانان را از اسرائیل دور نموده و مذهب اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله را به عنوان مهم ترین خطر و دشمن معرفی نماید و به این وسیله رضایت خاطر امریکا را به همراه غضب خدا بر خود خریده است.

اینان برای اصول دین و اعتقادات جبری و اشعری خود در مسأله توحید و امامت و تفسیر قرآن چیزی بهتر از کتاب های فخر رازی ندارند، و او را امام تحقیقات خود می دانند. هرگز کسی از آنان در صحّت عقاید فخر رازی شک و تردید ننموده است.

در عین حال فخر رازی مسأله زیارت قبور را به صورت عقلی مورد بحث قرار داده و آن را برهانی کرده است، و انصافاً از عهده این بحث دقیق فلسفی به خوبی برآمده است. با مطالعه این کتاب به چند دلیل، روشن می شود که چرا وهابیان با زیارت قبور مخالفت می کنند: اولّا از مسایل علمی و عقلی دور بوده و از منطق و استدلال آگاهی ندارند. ثانیاً به دین و مذهب خودشان نیز پای بند نیستند، زیرا فخر رازی که از علمای بزرگ و بلکه مجدّد مذهب آنان در ابتدای قرن هفتم است، معتقد به زیارت قبور بوده است، و فقط وهابیان با آن مخالفت می کنند. و ثالثاً آنان نصوص دینی و روایات و اسناد تاریخی را نیز نادیده می گیرند.

۳. راز قداست قبور ائمه و بزرگان

گر چه زمان ها و مکان ها از نظر ذات با هم تفاوت ندارند، ولی به خاطر تعلقی که به کسی یا چیزی و انتسابی که به امر مهم یا شخص محترم یا حادثه ای خاص دارند، کرامت و قداست پیدا می کنند.

مرحوم سید محسن امین، در قصیده بسیار بلند و والا و عمیق و زیبای خود که در

رد اشکالات وهابی ها سروده است، به نام «العقود الدریه»، در قسمتی از آن می گوید:

«خداوند بین آفریده هایش تفاوت هایی قرار داده است، خاک با طلا برابر نیست. ماه رمضان بر ماه های دیگر فضیلت دارد. از ایام هفته و ساعت های روز، برخی برترند.

خورشید بر ستاره «سها» و ماه بر ستاره «فرقد» برتری روشن دارد. شیر مثل خرگوش نیست و باز شکاری با هدهد برابر نمی باشد. سرزمین ها هم همین گونه متفاوت هستند. شرافت مکه بیش از صرخد شهری در شام است و مسجد الاقصی در فضیلت مانند دیگر جاها نیست. قبرها هم به اعتبار کسانی که در آن آرمیده اند، در فضل و شرف متفاوت اند». (۱) مرحوم سید محسن امین، در بیان راز قداست مقابر و مدفن های اولیای دین و لزوم احترام آنها می نویسد: «... همچنان که یک فرد- که مثل دیگران است- با مبعوث شدن به رسالت، واجب الاطاعه می شود و موقعیت ویژه ای پیدا می کند، یک قطعه زمین هم در اصل، با زمین دیگر تفاوتی ندارد، اما وقتی در آن پیامبر یا ولی خدا دفن می شود، به واسطه آن، شرافت و فضیلت و برکتی پیدا می کند که از قبل نداشته است، از این رو، احترامش لازم و اهانتش حرام می گردد. از جمله احترامات، آهنگ زیارت آن کردن و بنای قبه و بارگاه و ضریح و ... است. و از جمله اهانت ها، ویران کردن و با خاک یکسان نمودن و آلوده ساختن و ... است. وقتی خداوند، یک سنگ را(مقام ابراهیم) که هنگام بنای کعبه زیر پای ابراهیم خلیل الرحمن قرار داشته محترم شمرده و آن را «مصلا» قرار می دهد، (۲) آیا برای مدفن جسد ابراهیم یا محل دفن سرور و سالار انبیا احترامی قرار نخواهد داد؟ ...». (۳) آری ... بزرگداشت آن که خدا او را اکرام کرده،

۱- قصیده مذکور در کتاب کشف الارتیاب ایشان(در فصل پایانی) نقل شده است با مطلع:

۲- «وَ اتَّخِذُواْ مِن مَّقَامِ إِبْرَ هِيمَ مُصَلًّى» سوره بقره، آیه ۱۲۵.

۳- کشف الارتیاب، ص ۱۰۸.

طاعت و عبادت و تعظیم خداونـد و خضوع در برابر اوست. اگر مـدفن انبیا و اولیا، شـرافت یافته، به سـبب آن است که اجساد پاک و اجسام مطهر و شریف این پاکان و معصومین را در بر گرفته است.

زیارت قبور از نظر آیات و روایات

۱. مقدّمه

گر چه اگر عقل به طور مسـتقل و قطعی بر حکم یک مسأله دلالت کنـد، اعتماد به آن جایز بوده و نیازی به دلیل دیگر نیست، ولی شرع مقدس با آیات شریفه و روایات به کمک عقل آمده و آن را تأیید نموده اند. در بحث زیارت قبور چنان که عقل بر صحت و حسن آن دلالت می کند- و در آینده بیان خواهد شد- روایات زیادی نیز بر اسـتحباب آن دلالت می کند. ما در این جا قسمتی از آنها را از کتاب های اهل سنت و شیعه نقل می کنیم.

علامه طباطبایی ذیل آیه شریفه: «قَالَ الَّذِینَ غَلَبُواْ عَلَی أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَیْهِم مَّسْجِدًا» (۱)

این حدیث را نقل کرده است: «قال الملک ینبغی أن نبنی هیهنا مسـجداً نزوره فإنّ هؤلاء قوم مؤمنون» (۲) پادشاه گفت: سزاوار است این جا مسجدی ساخته و آن را زیارت کنیم.

از این آیه شـریفه و روایت مـذکور اسـتفاده می شود که محل دفن افراد مؤمن و موحّـد را می توان زیارت نمود و بلکه نزد قبر آنان مسـجد بنا کرد و ذکر خدای متعال در آن جا نمود. افرادی که پیشـنهاد ساختن مسـجد بر قبر اصحاب کهف را ذکر کرده بودنـد، همه آنان موحّـد بوده اند، همان گونه که علامه طباطبایی نیز فرموده است. (۳) فخر رازی نیز ذیـل همان آیه مربوط به اصحاب کهف گوید: آنان می گفتند مسجدی نزد قبر اصحاب کهف بسازیم تا خدا را در آن عبادت کنیم و آثار اصحاب

۱- سوره کهف، آیه ۲۱.

۲- تفسیر المیزان، ج ۱۳، ص ۳۰۰.

۳- ر. ک: همان، ص ۲۸۵.

کهف را نیز به وسیله آن مسجد حفظ کنیم. (۱) صابونی نیز در تفسیر خود شبیه این کلام را بیان کرده است. (۲) قرطبی در تفسیر خود آیه مذکور را طوری تفسیر نموده که به روشنی دلالت دارد بر آن که مؤمنان و موحدان واقعی در آن زمان نزد قبر اصحاب کهف مسجدی ساختند، ولی وقتی دیده است که عقیده اهل سنت بر خلاف این آیه است، و برای آن که با عقیده اهل سنت مخالفت نکند، دست از معنای ظاهر آیه شریفه برداشته و چند روایت ضعیف السند را نقل کرده مبنی بر این که آن روایات خلاف نظر قرآن مجید هستند، اما او آن روایات را بر قرآن مجید مقدم داشته است!! (۳) و عجیب تر آن که خود قرطبی از ابان بن تغلب از امام جعفر بن محمد علیهما السلام نقل کرده است که: «کانت فاطمه بنت رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله تزور قبر حمزه بن عبدالمطلب کلّ جمعه وعلّمته بصخره» (۴) یعنی فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله در هر جمعه ای قبر حمزه را زیارت می نمود و آن را با سنگی علامت نهاده بود.

آقای وهبه زحیلی گوید: «مسلمانان و پادشاه آنان تصمیم گرفتند که بر درب غار اصحاب کهف مسجدی ساخته تا آن که مسلمانان در آن نماز بخوانند و به آن مکان تبرک جویند». (۵) وی در این کلام صریحاً تبرک جستن به مکان و محلّ اصحاب کهف را مورد تأیید قرارداده است. و در جای دیگر از کتاب خود گوید: «ینتفع الانسان بصحبه الأخیار ومخالطه الصلحاء و الأولیاء» (۶) یعنی انسان از همراهی نیکان و معاشرت با افراد صالح و اولیای خدا بهره می برد، او سپس حدیثی درباره آن نقل کرده است. ضمناً آقای زحیلی برای تصحیح و تطبیق کلمات گذشته با مذهب وهابیان گوید: «ساختن مسجد و نماز خواندن در آن در شرع اسلام جایز نیست و حدیثی

۱- تفسیر الکبیر، ج ۲۱، ص ۱۰۵.

۲- ر. ک: صفوه التفاسیر، ج ۲، ص ۱۸۷.

۳- ر. ک: الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۰، ص ۳۷۹.

۴- همان، ص ۳۸۱، و در بعضی از روایات آمده است که امام حسین علیه السلام در شام هر جمعه به زیارت قبر امام حسن علیه السلام می رفت(کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۶۵۱).

۵- التفسیر المنیر، ج ۱۵، ص ۲۲۶.

۶- همان.

درباره آن نقل کرده است». (۱) غافل از آن که اگر این حدیث درست باشد، تمام زایران قبور مورد لعن واقع شده اند، زیرا این حدیث نگفته است که زایران قبور در زمان های گذشته و ادیان سابق مورد استثنا هستند، بلکه تمام زایران را چه آن که مربوط به شرع اسلام یا ادیان دیگر باشند مورد لعن قرار داده است. در این صورت این حدیث خلاف قرآن می باشد و اعتباری نخواهد داشت، زیرا قرآن مجید عمل زایران قبر در زمان های گذشته را مورد تأیید قرار داده است.

۲. روایاتی در باب اهمیت زیارت قبور

در این جا چند روایت دیگر از طریق اهل سنت نقل می شود:

الف: مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و از قساوت دل شکایت نمود، حضرت فرمود:

«به قبرستان برو و از قیامت عبرت گیر». (۲) ب: حضرت علی علیه السلام هرگاه نزد قبری می رفت می فرمود:

«السلام علی أهل الدیار من المؤمنین والمسلمین». (۳)

این حدیث به خوبی بر زیارت قبور و سلام به صاحبان آنها دلالت دارد.

ج: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به قبرستان می رفته و می فرمود:

«السلام علیکم أیها الأرواحُ الفانیه، والأبدانُ البالیه، والعظامُ النخره، التی خرجت من الدنیا وهی مؤمنهٌ، اللهم أدخل علیهم رَوحاً منک وسلاماً منّی». (۴)

د: علی علیه السلام مجاورت قبرستان بقیع را انتخاب کرده و می فرمود: «اینان را همسایگان راستین یافتم، بدی نمی کنند و ما را به یاد آخرت می اندازند». (۵) ه: عن النبی صلی الله علیه و آله قال:

«کنت نهیتُکم عن زیاره القبور، ثمّ بدا لی، فزوروها فإنّها ترقّ

۱- همان، ص ۲۳۵.

۲- کنزالعمال، ج ۱۵، ص ۷۶۲، ح ۴۲۹۹۹.

۳- همان، ص ۷۶۱، ح ۴۲۹۹۷.

۴- همان، ح ۴۲۹۹۵.

۵- همان، ص ۷۵۹، ح ۴۲۹۸۹.

القلوب وتُدْمِعُ العينَ وتذكّر الآخرهَ، فزوروا ولا تقولوا هُجراً» (۱)

یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

من قبلًا شما را از زیارت قبور برحذر می داشتم، اما اکنون تصمیم من عوض شد(برایم بداء حاصل شد) پس قبور را زیارت کنید، زیرا سبب نرمی دل ها شده و چشم را به گریه می اندازد و آخرت را یادآوری می کند، آنها را زیارت کنید و سخنی که موجب دوری شود نگویید.

این حدیث از جهات مختلف مورد توجه و دقت است، زیرا اولًا صریحاً «بداء» را پذیرفته است و اهل سنت بر خلاف این حدیث بداء را انکار می کنند. ثانیاً این حدیث دوبار امر به زیارت قبور نموده است و امر دلالت بر وجوب و یا لااقل بر استحباب دارد. و این جا ربطی به بحث امر عقیب حظر ندارد و با دقت روشن است. ثالثاً این حدیث فواید مختلف زیارت قبور را بیان کرده است و چیزی که این فایده ها را داشته باشد قبلًا نیز مورد نهی نمی تواند واقع شده باشد.

و: در بعضی احادیث نیز نقل کرده اند که عمر بن خطاب به قبرستان می رفت و با مردگان صحبت می نمود. (۲) گرچه آنان کلامی را که از امیر المؤمنین علیه السلام نقل شده است به عمر نسبت داده اند، (۳) اما به هرحال این گونه احادیث دلالت بر مشروعیت زیارت قبور و خواندن زیارتنامه می نماید.

در این جا توجه به این نکته نیز لازم است که مهم ترین دلیل برخی از علمای اهل سنت بر حرمت زیارت قبور این حدیث است: «لعن رسول اللَّه صلی الله علیه و آله زائرات القبور». (۴) و این حدیث اولًا اختصاص به زنان دارد (۵) و شامل مردها نمی شود و بسیار جای تعجب

۱- همان، ص ۷۶۱، ح ۴۲۹۹۸، در کتاب ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، ص ۲۸۵، نیز حدیثی درباره این موضوع نقل شده است.

۲- ر. ک: همان، ص ۷۵۱، ح ۴۲۹۷۷.

۳- ر. ک: همان، ص ۷۵۶، ح ۴۲۹۸۳.

۴- همان، ص ۷۵۸، ح ۴۲۹۸۶.

۵- زیرا اولًا جمع مؤنث است و ثانیاً در روایات دیگر نیز صریحاً زنان را نهی کرده، مثل حدیث ۴۲۹۸۶ درکنزالعمال، و ثالثاً ابن ماجه این حدیث را در باب «النهی عن زیاره النساء القبور» نقل کرده است.

است که آنها حکمی که اختصاص به زنان دارد در مورد مردها نیز جاری کرده اند. ثانیاً حدیثی که صفحه قبل نقل شد دلالت بر نسخ این حکم دارد. ثالثاً این حدیث سند صحیح و قابل اعتماد ندارد.

ز: عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله:

«مَنْ زارنی بَعدَ وفاتی فکأنّما زارنی فی حیاتی» (۱)

یعنی هر کس من را پس از وفاتم زیارت کند، گویا در زمان حیاتم زیارت کرده است.

ح: عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله:

«مَنْ وَجَدَ سعهً ولم یَفد إلیّ فقد جفانی» (۲)

هرکس توانایی مالی داشته باشد و به زیارت من نیاید به من جفا نموده است.

ط: عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله:

«مَنْ جاءنی زائراً لا یَهُمّه إلّا زیارتی کان حقّاً علی اللّه سبحانه أن أکونَ له شفیعاً» (۳)

یعنی هر کس به زیارت من آید و هیچ قصدی غیر از زیارت من نداشته باشد، بر خدای سبحان سزاوار است که من در روز قیامت شفیع او باشم.

مسلم نیز فقط احادیث جواز زیارت قبور را نقل کرده است. (۴) نووی در شرح صحیح مسلم پس از نقل حدیثی که بر جواز زیارت قبور دلالت می نماید، گوید: «این حدیث در روایت ابو العلاء بن ماهان مغربی و نیز در آخر کتاب الجنائز و بسیاری از اصول موجود است. و نیز ابو داود در سنن خود و نسایی و ابن ماجه آن را نقل کرده اند و اینان ثقه هستند، پس این حدیث صحیح می باشد». وی پس از نقل حدیث دیگری گوید: «این حدیث صراحت دارد در این که نهی مردها از زیارت قبور نسخ شده است، بلکه اجماع داریم بر این که زیارت قبور برای مردها سنّت است و اما زیارت قبور برای زنان اختلافی است، برخی آن را حرام می دانند و برخی آن را مکروه و بعضی مباح می دانند». (۵) ابن حزم زیارت قبور را مستحب و بلکه یک بار را واجب می داند و گوید: زن و

۱- احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۸۱.

۲- همان.

۳- همان.

۴- ر. ک: صحیح مسلم بشرح النووی، ج ۷، ص ۴۵.

۵- همان.

مرد در این حکم مساوی می باشند. وی پس از نقل چند حدیث صحیح درباره زیارت قبور، گوید: تنها عمر از آن نهی کرده و حدیث آن نیز صحیح نمی باشد. (۱) عسقلانی نیز جواز زیارت قبور را پذیرفته و پس از شرح حدیث گوید: تفاوتی نمی کند که زایر مرد باشد یا زن و مزور مسلمان باشد یا کافر. (۲) ابن قدامه از فقهای بزرگ حنبلیان پس از ذکر لزوم احترام به اموات مسلمانان و این که میّت حتی صدای پای مردم را می شنود، گوید: «بین اهل علم هیچ اختلافی در مباح بودن زیارت قبور برای مردها نیست و از احمد حنبل نقل شده است که زیارت قبور افضل از ترک آن می باشد و مستحب است هنگام زیارت قبور بگوید: «السلام علیکم أهل الدیار من المؤمنین و المسلمین ...» وی سپس استحباب قرائت سوره یس را نزد قبر والدین و دعا و استغفار بر آنها را نقل کرده است». (۳)

۳. زیارت قبور در آثار فیلسوفان

چون رساله زیارت قبور فخر رازی به بحث فلسفی درباره زیارت قبور پرداخته و از دید یک فیلسوف آن را مورد بحث قرار داده است، ما در این جا به نقل کلمات تعدادی از فلاسفه بزرگ در مورد زیارت قبور می پردازیم تا به این وسیله علاوه بر کمک به فهم مقصود و مراد جدی فخر رازی، میزان نوآوری و ابداعات او نیز در این رساله روشن گردد.

۱. ارسطو: ارسطو در لغت به معنای انسان کامل فاضل است. (۴) و ارسطاطالیس بن نیقوماخس که در قرن چهارم پیش از میلاد می زیسته است، به حق انسان کامل فلسفه مشّاء است، وی با پی ریزی فلسفه مشّاء و منطق نام خود را جاودانه تاریخ بشریت ساخت.

۱- المحلّی بالأثار، ج ۳، ص ۳۸۸، مسأله ۶۰۰.

۲- فتح الباری، ج ۳، ص ۱۱۵.

۳- المغنی والشرح الکبیر، ج ۲، ص ۴۲۴.

۴- نزهه الارواح و روضه الافراح، معروف به تاریخ الحکمای شهروزی، ص ۱۸۶.

در تاریخ الحکما آمده است: «پس از مرگ ارسطو مردم شهر اصطاغیرا استخوان های او را در ظرفی از مس نهاده و در موضعی که معروف به ارسطاطالیس بود دفن کردند، و آن را مجمعی ساختند که همگی در آن جا جمع می شدند و برای کارهای بزرگ مشورت و از قبر او طلب استراحت و آسایش می نمودند، و به استخوان او آرام می گرفتند، و هر گاه ایشان را حلّ مسأله ای از حکمت دشوار می شد به آن موضع می آمدند و می نشستند و شروع در مناظره مباحثه مسأله مطلوبه می نمودند، تا آن که مشکل روشن می گشت، و اختلاف ایشان برطرف می شد، و می یافته در خود که آمدن ایشان به آن موضع که استخوان آن حکیم بزرگوار بود باعث تزکیه عقول و تصحیح اذهان و تلطیف افکار ایشان می شود، و نیز به جهت تعظیم او بعد از موت، و تأسف بر جدایی، این اجتماع بر سر قبر او منعقد می گشت». (۱) فخر رازی نیز در المطالب العالیه دوبار داستان حضور شاگردان ارسطو را بر قبر استاد خود نقل کرده و گوید: به وسیله این زیارت مشکلات علمی بر آنان حل می گردید. (۲) ۲. ابن سینا: شیخ رییس معتقد است انسانی که به زیارت قبور می رود، نفس او همراه با بدن مادی است، ولی چون نفس صاحب قبر مفارق از ماده است، شباهت به عقول داشته و می تواند تأثیر زیادی داشته باشد. به همین جهت وقتی به زیارت قبور می رویم، روح شخص زیارت شده تأثیر بسیاری بر روح زیارت کننده می گذارد، و خیرهای زیادی را متوجه او و ضررهایی را از او دور می سازد، و زایر را به مزاج بدن و زیارت شده را به روح مؤثّر در بدن تشبیه می کند، و روشن است که وقتی مزاج معتدل باشد، روحِ معتدل تری در او حادث می شود، و این روح چقدر بر مزاج اثر می گذارد.

به همین جهت است که در مکان های زیارت، نفوس مردم آمادگی بیشتری برای پذیرش عقاید صحیح را دارند. اما فواید معنوی و نفسانی زیارت قبور، مثل تذکّر آخرت و اعراض از دنیا، بسیار بوده و قابل مقایسه با فواید مادی آن نیست.

۱- همان، ص ۱۹۰.

۲- المطالب العالیه، ج ۷، ص ۱۳۱ و نیز ص ۲۲۸.

ضمناً از فصل ۱۶ و ۱۷ در نمط ۹ اشارات نیز می توان برای مسأله زیارت قبور از کلام شیخ استفاده نمود. به این تقریر که شخص زایر می تواند سرّ خود را همانند آیینه ای در برابر روح شخص زیارت شده قرار دهد و کاملًا خود را فراموش کند، در این صورت لذت های معنوی و حقیقی در نهان او نقش خواهد بست. (۱) ۳. شیخ شهاب الدین سهروردی: وی در حکمه الاشراق در وصف کسانی که سیر الی اللّه دارند گوید: «اینان با خلوص نیت و صبر درب خانه های نور را می کوبند و فرشتگان با تحفه های ملکوتی از آنان استقبال می کنند ... خود از نور خدا بهره برده و به افراد پایین نیز بهره می رسانند». (۲) محمد شریف نظام الدین احمد بن هروی در ترجمه و شرح کلام شیخ اشراق گوید: «از آن نفوس کاملان- که به آن مراتب عقلیه عروج نموده اند- انوار و اشراقات بر نفوس ناقصان فایض می شود. از این عبارت معلوم شد که توجه به مرشد و استاد کامل در حال حیات و ممات او نافع است. و توسل به ارواح اولیا وعلمای متورّع نیز مفید است البته». (۳) وی در این عبارت صریحاً توجه به ارواح اولیا و علما را- حتی در حال ممات آنان- مفید دانسته و برای کسب فیض از آنان مؤثّر می داند.

۴. فخر الدین رازی: وی بهتر از هر فیلسوفی به بحث درباره این مسأله پرداخته و با دلیل های دقیق آن را برهانی نموده است، گرچه ریشه استدلال های او در کتاب های ابن سینا و نیز سهروردی مشاهده می شود، اما به هر حال تقریر و تفسیر فخر رازی خود بسیار عالی است و جای تحسین دارد.

وی برای تفسیر فلسفی زیارت قبور ابتدا این سه مقدّمه را بیان کرده است:

«مقدمه اوّل: با فنا شدن بدن روح فانی نمی شود. مقدمه دوم: روحی که از بدن جدا شده چون از جهتی قوی تر از روحی است که متعلق و وابسته به بدن است، همه علوم

۱- ر. ک: الاشارات والتنبیهات، با شرح خواجه نصیر، ج ۳، ص ۳۸۶.

۲- مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۲، ص ۲۴۶.

۳- انواریه، ص ۲۳۲.

و معارف را فرا می گیرد. و از طرف دیگر روحِ وابسته به بـدن، از یک جهت دیگر قوی تر از روحی است که وابسته به بـدن نیست، زیرا می تواند تکامل پیدا کند و علوم جدیدی را تحصیل نماید.

مقدمه سوم: ارتباط روح و بدن ارتباط عاشقانه است و پس از مرگ فوراً این ارتباط قطع نمی شود.

او پس از این سه مقـدمه گویـد: وقتی انسان نزد قبری می رود، روح زایر با آن تربت و خاک قبر ارتباط پیـدا می کند، و چون روح میت نیز با آن تربت ارتباط دارد، در این هنگام این دو روح با یکدیگر ملاقات نموده و مثل دو آیینه متقابل می باشند که شعـاع و نـور از هر کـدام به دیگری سـرایت می کنـد و علوم و اخلاـق و معـارف هر کـدام به دیگری می رسـد، به این جهت زیارت قبور هم برای زایر مفید است و هم برای زیارت شده».

۵. امام محمـد غزالی: قبلًا کلام او را از کتاب إحیاء علوم الـدین نقل کردیم، و از تکرار آن خودداری کرده خواننـده محترم را به آن ارجاع می دهیم. وی در کتاب الأدب فی الدین ضمن آداب دخول مدینه منوره گوید: «یکی از آداب مسجد النبی صلی الله علیه و آله آن است که نزد قبر آن حضرت برود، گویا که آن حضرت را می بینـد و آهسته با او تکلم نمایـد. ابتـدا سـلام نمایـد ... و هنگـام بیرون رفتن پشت خود را به قـبر نکنـد». (۱) ۶. شـیخ سـید حیـدر آملی: وی پس از آن که می گویـد: تمام قوانین الهی مبتنی بر رعـایت زمـان و مکـان و برادران است، فرموده است: «وعنـد التحقیق مـا وضـعت صـلاه الجمـاعه والجمعه والحـج والاعیاد وزیاره الأنبیاء والرسل والأئمه علیهم السـلام إلّا لأجل اجتماع هـذه الثلاثه، لأنّ الصـلاه فی الجماعه مثلًا مشـتمله علی هـذه الثلاـثه، لأنّ المکان الـذی یصـلون فیه الجماعه هو مکان مخصوص موسوم ببیت اللّه تعالی. والزمان هو الوقت المعیّن الذی لا تحصل الصلاه بدونه. والإخوان هم المسلمون المجتمعون فی هذا المکان. وإذا حصلت هذه

۱- المطالب العالیه من العلم الإلهی، ج ۷، ص ۲۲۸.

الثلاـثه فلابـدّ من إجـابه دعـائهم وقبول طـاعتهم، وقس علی ذلک الحـج والأعیاد والزیارات وجمیع العبادات». (۱) ۷. میرداماد: ایشان معتقد است: نفس ناطقه از دو جهت علاقه تدبیری با بدن دارد:

یکی از جهت مـاده بـدن و دیگری از جهت صـورت جـوهری آن، و بـا مرگ ارتبـاط تـدبیری روح بـا بـدن از جهت صـورت جـوهری آن قطع می شود، به همین روی صورت آن بـدن عوض می شود. امـا ارتبـاط روح بـا مـاده آن محفوظ می مانـد. به همین جهت روح به وسـیله همین بدنی که متلاشـی شده است می تواند کسب خیر نماید، و روح زوّار هنگام زیارت قبور مثل آیینه صیقلی داده شده است که نور از هر کدام به دیگری منعکس خواهد شد.

۸. صدر المتألّهین: ملا صدرا که به حق بزرگ ترین حکیم و فیلسوف جهان اسلام به شمار می رود، ابتکارات زیادی در فلسفه دارد، و هر کـدام از آن نظرات منشأ تحول و نقطه عطفی در فلسـفه اسـلامی به شـمار می رونـد. یکی از این نظرات جدیـد او، اثبـات اتحـاد عاقـل به معقـول است. وی روز جمعه هفتم جمـادی الاـولی سـال ۱۰۳۷ قمری از روسـتای کهـک قم به زیـارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام مشرف می شود و این مسأله برای او روشن می گردد.

وی در حاشـیه کتـاب اسـفار گویـد: «کنت حین تسویـدی هـذا المقام بکهک من قری قم، فجئت إلی قم زایراً لبنت موسـی بن جعفر سـلام اللَّه علیهما مسـتمداً منها وکان یوم جمعه فانکشف لی هذا الأمر بعون اللَّه تعالی». (۲) ۹. ملا هادی سبزواری: صدر المتألّهین در فصل سوم باب اول سفر نفس می فرماید:

«وقتی نفس از بدن مفارقت نمود، گاهی آن بدن باطل و مضـمحل شده و گاهی نفس یک صورتی در آن باقی می گذارد که طبیعت آن مـاده را حفظ می نمایـد». حاج ملا هادی سبزواری در تعلیقات خود بر اسـفار گویـد: «حق آن است که نفس چنین صورتی را در

۱- جامع الأسرار و منبع الأنوار، ص ۲۸۴ و ۲۸۵.

۲- دروس اتحاد عاقل به معقول، ص ۱۰۸.

بـدن باقی می گذارد و علت زیارت قبور نیز چیزی جز این نیست». (۱) شاهدی که برای کلام این دو فیلسوف می توان آورد، بـدن برخی از اولیای خـداست که پس از گـذشت چنـد قرن از وفات آنان هنوز بـدنشان سالم است، مثل آنچه که درباره بدن های اصحاب کهف، حرّ بن زیاد ریاحی، شیخ صدوق، علامه مجلسی و ... رضوان اللّه تعالی علیهم نقل شده است.

۱۰. امام خمینی: ایشان در تعلیقات خود بر شرح فصوص الحکم قیصری می فرمایند:

«استادم عارف کامل شاه آبادی مدّ ظلّه فرمود: می توان گفت پس از مرگ علاقه روح به بدن هنوز باقی است، زیرا بدن خانه و محلّ نشو و نموّ آن بوده است و به همین جهت مردگـان را در همین دنیـا نیز می توان زنـده نمود، مثـل داسـتان عُزیر که در قرآن مجیـد آمـده است، گرچه می توان ادعا نمود که زنـده کردن به معنای تمثّل به بـدن حسـی یا مثالی نیز می باشد». سـپس امام خمینی می فرماید: «آنچه را ایشان ابتداءً بیان کردند، مرحوم میرداماد در رساله فارسی که منسوب به ایشان است نیز اشاره نموده است، و سرّ زیـارت اموات در آن نهفته است، وی آن گونه که به ذهنم است فرموده: نفس دارای دو علاـقه و ارتباط با بـدن است: ارتبـاطی صوری، و ارتبـاطی مـادی. و مرگ بـاعث می شود که ارتبـاط صوری آن قطع شود، امـا ارتباط مادی آن محفوظ می ماند و به همین جهت زیارت اموات تشریع شده است». (۲) ضمناً در کتاب های عرفان نظری نیز بحث زیارت قبور عنوان شده و مورد تأیید همه عرفای بزرگ است؛ مثلًا محی الدین ابن عربی زیارت قبر رسول خدا صـلی الله علیه و آله را لازم شمرده و گوید: ایمان بدون آن کامل نیست. (۳) و در جای دیگر این شعر را نقل کرده است که:

ولولا زیاره قبر النبی لکنتم کسائر من قد ترا

(۴)

۱- الحکمه المتعالیه، معروف به اسفار، ج ۸، ص ۴۹.

۲- تعلیقات علی شرح فصوص الحکم، ص ۱۷۵.

۳- الفتوحات المکیه، ج ۱۱، ص ۲۳۰، باب ۷۲.

۴- همان، ص ۲۴۱.

این شعر که داستانی زیبا و خواندنی دارد، درباره تولیت داود بن عیسی بن موسی و مقایسه بین دو شهر مدینه منوره و مکه مکرمه، و سراینده شعر عیسی بن عبد العزیز سعلبوس است. برای اطلاع از آن به فتوحات رجوع شود. (۱)

۴. خلاصه ای از گفتار فخر رازی در فواید زیارت قبور

در این بخش از مقاله خلاصه ای از استدلالات فلسفی فخر رازی درباره فواید زیارت ارائه می گردد. وی در فصل چهارم رساله خود سه فایده برای زایر و سه فایده برای زیارت شده بیان می نماید، که ترجمه آن در زیر خواهد آمد.

اولین فایده ای که از زیارت قبور به زایر می رسد، یک فایده اخلاقی است. حب دنیا منشأ همه مفاسد و گناهان است و زیارت قبور برای از بین بردن حب دنیا بسیار مؤثر بوده و انسان را متوجه آخرت و دوری از دنیا می کند.

آری، یاد مرگ موجب زهد در دنیا و توجه به آخرت می گردد. کسی که به یاد مرگ و قبر باشد همه سختی های دنیا بر او آسان می گردد، زیرا متوجه می شود که: اولًا این سختی ها ماندنی نیستند. ثانیاً مرگ از همه این مصیبت ها سخت تر است. یاد مرگ دل ها را سوزانده، چشم ها را گریان و شهوت ها را می میراند. کسی که به زیارت قبور می رود، اگر با حالت فکر و تأمّل باشد و غفلت را از خود دور کند، می فهمد که ثروت اندوزان ثروتشان برای آنان سودی نداشته و هرگز مرگ را از آنان دور ننموده، و از اهوال و سختی های قبر و قیامت رهایی نیافتند.

فراموش نکنیم که تنها نصیب و بهره ما از دنیا یک کفن است، بنابر این دنیا آن قدر ارزش ندارد که همه تلاش و همت خود را متوجه آن سازیم. ورّام بن ابی فراس که از علمای بسیار بزرگ اخلاق است گوید: «جنازه و مقبره بهترین موعظه هستند به شرط آن که تصور کنید که خود شما در آن هستید». (۲) روزی عمر بن عبد العزیز از قبرستانی

۱- ر. ک: همان، ص ۲۳۲- ۲۴۶.

۲- تنبیه الخواطر و نزهه النواظر، معروف به مجموعه ورام، ج ۱، ص ۲۸۳.

می گذشت، وقتی قبرها را دید گریه کرد و گفت: اینها قبر پدران و مادران ماست که در دنیا اسیر لذت های فریبنده آن بودند و اکنون همنشین خاک می باشند، سپس به قدری گریست که غش نمود و پس از به هوش آمدن گفت: به خدای سوگند کسی را سعادتمندتر از آن نمی دانم که در قبر گرفتار عذاب الهی نشود، و کفنی که در این خاک پوسیده و تباه نمی شود عمل صالح و تقوای الهی است. (۱) مرحوم شیخ عباس قمی نیز در بعضی آثار خود بحث مفصلی درباره عبرت گرفتن از قبر مطرح نموده است. (۲) غزالی گوید: به امیر المؤمنین علی علیه السلام گفته شد: چرا مجاور و همنشین قبرستان شده ای؟ حضرت فرمود: اینان را بهترین همسایگان یافتم، اینان همنشینان درستی هستند، زبان خود را باز داشته غیبت نمی کنند، و انسان را به یاد آخرت می اندازند».

سپس گوید: ربیع بن خثیم در خانه خود قبری ساخته بود و هرگاه احساس قساوت در دل خود می نمود، مدتی داخل آن قبر می خوابید و سپس این آیه شریفه را تلاوت می کرد «رَبّ ارْجِعُونِ لَعَلّی أَعْمَلُ صلِحًا فِیمَا تَرَكْتُ» (۳) و چند بار آن را تکرار می نمود، سپس می گفت: ای ربیع تو را بر گردانیدیم پس اکنون عمل کن». (۴) به هر حال هدف اصلی از زیارت قبور باید عبرت گرفتن از احوال مردگان باشد، غزالی گوید: «زیاره القبور مستحبه علی الجمله للتذکر والاعتبار، وزیاره قبور الصالحین مستحبه لأجل التبرک مع الاعتبار». (۵) فیض کاشانی نیز فرموده است: «مقصود از زیارت قبور برای زیارت کنندگان عبرت گرفتن است، و برای شخص زیارت شده سود بردن به دعای زایرین است، پس سزاوار است که زایرین از دعای بر خود و بر میت غافل نشوند. و راه تحصیل عبرت آن است که در دل خود تصور کند که مرده است و در یکی از این قبرها قرار دارد و اجزای بدنش متلاشی شده و چگونه از آن خارج خواهد

۱- همان، ج ۲، ص ۲۳۸.

۲- ر. ك: منازل الآخره، ص ۲۱.

۳- سوره مؤمنون، آیات ۹۹ و ۱۰۰.

۴- احیاء علوم الدین، ج ۶، ص ۱۶۹.

۵- همان، ص ۱۷۴.

شد و به زودی گرفتار این سرنوشت می شود». (۱) قرطبی که از فقهای بزرگ مالکی در قرن هفتم بوده است، پس از نقل دو حدیث درباره آن که زیارت قبور موجب زهد در دنیا و یاد آخرت می گردد، گوید: «عالمان معتقدند هیچ عزتی برای دل ها بهتر و مفیدتر از زیارت قبور نیست، مخصوصاً اگر آن دل ها دارای قساوت باشند و باید آن را با حضور در مجالس موعظه و یاد مرگ و مشاهده مردگان معالجه نمود. اما تأثیر زیارت قبور از همه اینها بیشتر است، و سود بردن به آن سزاوارتر است. پس باید زیارت قبور را با همه آداب و سنّت هایش انجام داد، تنها به فکر طواف بر قبرها نباشد، بلکه قصد قربت واصلاح فساد قلب خود و سود رساندن به میت به وسیله قرآن خواندن را داشته باشد، به صاحب آن قبرها سلام کرده و بداند که سرنوشت او نیز مثل صاحبان همان قبرهاست». (۲) با توجه به آنچه گذشت معلوم شد که زیارت قبور:

اولًا موجب عبرت است، و انسان را از خواب غفلت بیدار کرده که فریب دنیا را نخورد و بداند زهد در دنیا بهترین سرمایه برای آخرت است.

ثانیاً یاد مرگ را در دل انسان زنده می کند، و توجه به مرگ آثار تربیتی بسیار زیادی در زندگی انسان ها دارد، و شاید در دین مقدس اسلام پس از توجه به حضور دایمی خداوند و این که عالم محضر خداست، هیچ عاملی برای جلوگیری از گناه مهم تر از توجه به مرگ و معاد نباشد.

ثالثاً موجب کوتاه شدن آرزوهای غیر الهی می گردد. در برخی روایات اسلامی از طول امل و آرزوهای بلند نکوهش شده است. زیارت قبور و توجه به مرگ این آرزوهای باطل را از ذهن و خاطر انسان پاک می نماید.

رابعاً باعث دور شدن قساوت دل از انسان می گردد. به همین جهت دین اسلام

۱- المحجه البیضاء، ج ۸، ص ۲۹۲.

۲- التذکره فی أحوال الموتی و امور الآخره، ج ۱، ص ۲۵- ۲۷.

سفارش زیاد نموده است که عیادت مریض، تشییع جنازه، یاد مرگ و آخرت و قبر و سؤال نکیر و منکر و تلقین و زیارت قبور داشته باشید و ثواب بسیاری را برای آن نقل نموده است. (۱) ضمناً اهمیت فوق العاده خطبه ۲۲۱ نهج البلاغه را نباید فراموش کرد که امام علیه السلام پس از تلاوت آیه شریفه: «أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ» آن خطبه را ایراد نمود. (۲) ابن ابی الحدید گوید: «به خدای سوگند من پنجاه سال است که این خطبه را بیش از هزار بار خوانده ام، و در هر مرتبه ای که آن را خواندم آثار آن در تمام وجودم ظاهر گردیده، و هیچ سخنی مثل این سخن دارای تأثیر نبوده است». (۳) او سپس برخی از اشعار و حکایت ها درباره مردگان را نقل کرده است.

یکی دیگر از فایده های بسیار مهم زیارت قبور که به زایر برمی گردد ایجاد رغبت در دین است، زیرا وقتی زایر به قبرستان می رود می بیند هیچ کس نزد قبر افراد ثروتمند و پادشاهان نمی رود، و قبر آنان مندرس بوده و کسی برای آنان دعا یا ترحمی ندارد. اما قبور علما و افراد صالح و متدین مورد توجه و رغبت مردم بوده و به زیارت آنها می روند. پس معلوم می شود که دین و عمل صالح حتی در این دنیا بر حکومت و پادشاهی دنیا ترجیح دارد تا چه رسد به آخرت. نتیجه آن که شخص زایر رغبت به دین و علم پیدا کرده و علاقه به دنیا از دل او کنده می شود.

فخر رازی نیز در تفسیر خود گوید: مردم همیشه قبور شهدا را زیارت نموده و به آنها تعظیم و تکریم می نمایند. (۴) سومین فایده ای که فخر رازی برای زیارت قبور ذکر نموده است یک فایده اعتقادی است. توضیح این فایده آن است که انسان با دلیل های عقلی می داند که خداوند متعال واجب الوجود و علت بر تمام موجودات بوده و قدرت او عام است و

۱- جامع الأخبار، فصل ۱۳۲، ص ۱۹۳.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۲۱، ص ۳۳۸.

۳- شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۱۵۳.

۴- التفسیر الکبیر، ج ۴، ص ۱۶۵.

شامل تمام موجودات می شود، به طوری که «لا مؤثّر فی الوجود إلّااللّه تعالی». تمام موجودات دیگر ممکن الوجود و معلول او هستند، و هر معلولی ربط محض و کاملًا وابسته به خدای متعال است. پس دلیل عقلی می گوید تمام موجودات مقهور قدرت و ربوبیت الهی هستند. ولی در عین حال می بیند بسیاری از مردم فریفته مال و قدرت و حکومت های دنیا شده و در برابر خداوند متعال هیچ گونه تواضع و فروتنی ندارند، و آنچه انسان می بیند بر خلاف آن چیزی است که دلیل عقلی بر آن راهنمایی می کرد.

اما وقتی انسان به زیارت قبور می رود می بیند همه طاغوت ها و پادشاهان و ظالمان که خود را تحت قدرت الهی ندانسته و مطلق العنان بوده اند اکنون اسیر خاک شده و همه آنان مقهور قدرت الهی هستند.

پس زیارت قبور باعث می شود که آنچه انسان با دلیل عقلی به دست آورده بود تقویت شود، و حسّ انسان به کمک و تأیید دلیل عقلی و اعتقادات بشتابد.

فخر رازی سپس سه فایده برای اموات ذکر کرده است. او می گوید: با زیارت قبور علاوه بر فایده ها و نتایجی که متوجه زیارت کننده می گردد، سه فایده نیز شامل میت یا شخص زیارت شده می شود.

فایده اول آن است هنگامی که زایر مشغول دعا و تضرع به خداست همه حجاب های ظلمانی از او برطرف می گردد و نور جمال و جلال الهی را مشاهده می کند. چون این دعا و تضرع زایر نزد قبر میت می باشد، پس نفس زیارت کننده ارتباط محکمی با نفس آن میت پیدا می کند و در این صورت انواری که از عالم قدس الهی به روح زایر می رسد به روح آن میت نیز منعکس شده و او نیز از آن بهره می برد، مثل آن که نور خورشید به آیینه بتابد و از آن به محل خاصی از سقف منعکس گردد. در حدیث آمده است: «إنّ أعمالکم تعرض علی عشائرکم وأقاربکم من الموتی»؛ (۱) اعمال شما بر امواتی که خویشاوندان شما هستند عرضه می گردد. بنابر این وقتی زایر نزد قبر یک

۱- التذکره فی أحوال الموتی و امور الآخره، ج ۱، ص ۷۹.

میت مشغول دعا باشد، حتی اگر چه برای خودش دعا کند نه برای میت باز هم آن دعا برای میت مفید بوده و او از آن دعا بهره مند خواهد شد.

فایده دوم این است که وقتی نفس زایر با نفس میت ارتباط پیدا کرد، همانند دو آیینه متقابل خواهند بود که شعاع هر کدام در دیگری منعکس خواهد شد و هر چه در یکی از آنها تجلی کند در دیگری نیز متجلی می گردد.

سومین فایده ای که فخر رازی ذکر کرده این است که نفس مزور مفارق از ماده است، و نفس زایر مقارن ماده می باشد و هر کدام از این دو نفس، از جهتی کامل تر از دیگری می باشد.

اما نفس مفارق از این جهت که مشغول به تدبیر بدن نمی باشد، هیچ مانعی از فراگیری همه علوم و معارف ندارد و معارف در آن نفس نقش می بندند، و در آن تجلی می نمایند، در این دنیا ماده حجاب می باشد، اما وقتی که نفس از بدن جدا می شود، حجابی نداشته و لذا معارف در آن متجلی می شوند.

و اما نفس زایر چون همراه با ماده است هنوز می تواند تکامل پیدا کند، زیرا تکامل نوعی حرکت است و هر حرکتی احتیاج به قوه و استعداد و حامل حرکت دارد و این از خصوصیات ماده است. لذا در عالم قیامت اگر ماده به معنای حامل قوه و استعداد وجود نداشته باشد حرکت نیز نخواهد بود، گرچه تکامل برزخی از مسلمات بوده و آن هم به جهت این که نوعی بدن مثالی یا برزخی که حامل قوه باشد در آن جا قابل تصور است. به هر حال چون نفس زایر مقارن با ماده است می تواند تکامل پیدا کند و کمالات کسبی را به دست آورد که نفس مزور نمی تواند به دست آورد، زیرا نفس مزور مفارق از ماده بوده و این تکاملی را که نفس زایر دارد او ندارد، هر چند شاید تکامل دیگری برای او قابل تصور باشد.

همان طور که اشاره شد، در فلسفه اثبات می شود که نفس به جزئیات عالم است، بنابر این نفس مفارق حتی پس از مرگ نوعی ارتباط با ماده بدن داشته و عالِم به آن

می باشد. پس وقتی که زایر نزد آن قبر برود آن نفس مفارق از آمدن این شخص زایر با خبر شده و این دو نفس هر دو با این اجزای خاکیِ داخلِ قبر ارتباط پیدا می کنند، و بدن میتی که در قبر است وسیله ارتباط و جمع شدن این دو نفس می باشد، پس کمالات هر کدام به دیگری سرایت می کند.

۵. زیارت زمینه ساز معرفت و محبت

معرفت و عشق، پای را به رفتن می گشاید و «دوستی» به «دیدار» می انجامد. و گاهی جریان، بر عکس این است. یعنی «دیدن»، «دوست داشتن» را به دنبال دارد و دیدار، عشق می آفریند و «زیارت» سبب حصول معرفت می گردد.

وقتی که دیدار، بذر عشق بپاشد، «ملاقات»، «محبت» می آورد و نزدیک شدن جسم، نزدیک شدن روح را به دنبال دارد و از قرب مادی می توان به قرب معنوی رسید و از رفتن به خانه ای محبت صاحب خانه را می توان به دل گرفت.

چه بسیار پیوندها و محبت ها که مولود یک برخورد بوده است. چه بسیار محبت ها و انس ها و الفت ها، که در سایه حضور و دیدار فراهم شده است. یعنی گاهی موتور محرک انسان در دیدار و زیارت، شناخت و علاقه و انس قلبی است و گاهی زیارت و دیدار، باعث محبت باطنی می گردد. چرا که از نزدیک، جمال معنی را می بینند و به مشاهده ارزش های متعالی می رسد و علاقه مند می شود، و زیارت، از این مقوله است. یعنی اگر انسان برود و ببیند و خود را در فضاهای خاطره آمیز قرار دهد و در شعاع یک پرتو قرار بگیرد، چه بسا که حرارت معنی، وجود یخ زده زایر را گرم کند و فروغ دیدار، خانه دل را روشن سازد و دیده اهل نظر، مس وجودش را کیمیا کند. منتهی صرف رفتن کافی نیست، دیدن هم لازم است. تا به شهود جمال حق نایل نشود، آتشگیره عشق، وجودش را مشتعل نمی سازد. اگر رفت و دید و به شهود رسید و زیبایی حقیقت و جمال فضیلت را دریافت، به طور طبیعی، «معرفت» هم می یابد.

۶. زیارت، فیض حضور و کیمیای نظر

وقتی کسی در مدار عشق قرار گرفت و در حیطه و قلمرو محبت اللَّه و اولیاء اللَّه وارد شد، خود این محبت چاره ساز است. مگر می شود انسانی خدا را دوست داشته باشد، ولی خدا او را دوست نداشته باشد؟ مگر می شود کسی شیفته پیامبر باشد، ولی پیامبر به او بی توجه باشد؟ مگر می شود کسی خدا را یاد کند، ولی خداوند او را یاد نکند؟ خداوند فرموده است: مرا یاد کنید تا من هم به یاد شما باشم «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ». (۱) وقتی مزور، در خاطر زایر باشد، زایر هم در خاطر مزور است. وقتی انسان به پیامبر و امام معصوم سلام می دهد، آنان جواب می دهند و توجه دارند. در بسیاری از زیارتنامه ها چنین تعبیری وجود دارد که خطاب به مزور گفته می شود: «اشهد انک تشهد مقامی و تسمع کلامی و ترد سلامی». یعنی شهادت می دهم که تو شاهد این مقام و موقعیت زیارتی من هستی و سخنم را شنیده و سلامم را پاسخ می گویی. از پیامبر اسلام نقل شده است: «خداوند فرشتگانی دارد که در روی زمین می گردند و سلام های امت مرا به من می رسانند». (۲) در روایت دیگر فرموده است: «هر که بر من سلام دهد در هر جایی از زمین که باشد، به من رسانده می شود و اگر کنار قبرم سلام بدهد، می شنوم». (۳) وقتی چنین است که زیارت پیامبر و ائمه در حال مرگ و حیات یکسان است و آنان در هر دو حال می دانند و می فهمند و پاسخ می دهند، بنابراین سلام دادن بر پیامبر و معصومین دیگر چه از دور، چه از نزدیک، یک رابطه روحی و معنوی است. آیا فکر می کنید اگر سلام و تحیت شما را به پیامبر برسانند، پیامبر هیچ

۱- سوره بقره، آیه ۱۵۲.

۲- إنّ للّه ملائکه سیّاحین فی الأرض یبلغونی عن امّتی السلام.(وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۶۴)

۳- من سلّم علیّ فی شی ء من الأرض أبلغته و من سلّم علیّ عند القبر سمعته.(وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۶۴).

نظر لطفی نخواهد داشت؟ آری این جا محبت، یک طرفه نیست. به قول مولوی:

هر که عاشق دیدیش، معشوق دان کو به نسبت هست، هم این و هم آن

تشنگان گر آب جویند از جهان آب هم جوید به عالم تشنگان

چونکه عاشق اوست، تو خاموش باش او چو گوشت می کشد، تو گوش باش.

این جاست که آنها دست زایر را گرفته و بالا می برنـد و به مهمانسـرای فیض حضور برده و بر مائـده های معنویت می نشانند. این جاست که غیر ممکن ها ممکن می شود، نادیـدنی ها مشـهود می گردد، نگاه ها حرف می زند، توجه ها تربیت می کند و این، فیض شـگفت «نظر» است. این برکت توجه کسانی است که خاک را به نظر کیمیا کننـد. اقبال لاهوری، در خطاب به خدا و رسول و مددخواهی از توجه آنان، می گوید:

فقیرم، از تو خواهم هر چه خواهم دل کوهی خراش، از برگ کاهم

مرا درس حکیمان، درد سر داد که من پرورده فیض نگاهم

آنچه این نظرها و توجه ها در پی دارد، خواندنی نیست، چشیدنی است. که این، وادی عشق است و عشق با کاغذ و دفتر سر و کار ندارد.

بشوی اوراق، اگر همدرس مایی که علم عشق، در دفتر نباشد

در این صورت، «یافتن» ها به جای «بافتن» ها می آید. و آنچه بر دل تابیده، بسیار کارساز است، که:

یا تو گو آنچه که عقلت «یافته» است یا بگویم آنچه بر من «تافته» است (۱)

«زیارت»، زمینه ساز چنین ارتقای روحی است. زیارت، چه دیدار از خانه خدا باشد و مناسک حج، چه زیارت مرقد رسول اللّٰه باشد، چه زیارت انبیای بزرگ و ائمه معصومین و اولیای دین، چه حضور بر تربت خونین و لاله خیز شـهیدان، چه رفتن به مزار صالحان و نیکان ... همه و همه، هم دلیل عشق و محبت است، هم نشانه

۱- مولوی.

جهتگیری انسان است، الهام بخش و آموزنده است. الهام گرفتن از اسوه هاست، خط دهنده است. تعظیم شعایر است، تقدیر از فداکاری ها و تجلیل گرامی داشت فضیلت هاست، زمینه ساز شناخت و تربیت است، بالا برنده و تعالی بخش است، و پرورش یافتن از «فیض نگاه» است.

پیامبر اسلام از خداوند می خواهد که «محبت خدا» در نزدش «محبوب ترین» چیزها باشد. در نیایش دیگری از خداوند می طلبد: «خدایا من محبت تو را می خواهم و نیز محبت کسی که تو را دوست دارد و هر کاری که مرا به محبتت برساند. خدایا عشق خودت را در نظرم از جان و اهلم و از آب گوارای سرد، محبوب تر گردان ...

«اللّهم إنّی أسئلك حبّك و حبّ من یحبّك و ...». (۱) اگر شعله عشق خدا و رسول و اهل بیت، خرمن جان را سوزاند و دل را مشتعل ساخت ... دل بر صراط مستقیمی می رود که اولیای دین رفته اند.

برای یافتن این شعله، باید به کانون حرارت و روشنایی، به منبع نور و ضیا نزدیک شد. باید به زیارت رفت، باید زایر شد، تا عشق فراهم آید. و باید عاشق شد تا زیارت فراهم گردد. سخن از این است که زیارت اولیای خدا و توجه به آنان، باعث توجه آنان به زایر می گردد و این «توجه»، توفیق الهی را فراهم می کند و وسیله قرب به خدا می شود.

۷. قطره، دریاست اگر با دریاست

بلال، مؤذن پیامبر صلی الله علیه و آله، آن حضرت را در خواب دید، که به او می گوید: «ای بلال! این چه جفایی است؟ آیا هنوز وقت آن نرسیده است که به زیارت من آیی؟».

بلال، هراسان و ترسان و غمگین از خواب بیدار شد. بر مرکب خویش سوار شده، آهنگ مدینه کرد. وقتی به مدینه رسید، نزد قبر رسول اللّه آمد و شروع کرد به گریستن

۱- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۲۱۴.(به نقل از کنز العمال).

و چهره خود را به مرقد مطهر آن حضرت می سایید که در این حال، امام حسن و امام حسین علیه السلام آمدند. بلال، آن دو بزرگوار را هم به سینه چسبانید و بوسید. (۱) آری! کهربای محبت نبوی صلی الله علیه و آله بلال را به سوی خود می کشد و جذب می کند.

استعداد و آمادگی بلال را ببین که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مشتاق دیدار اوست و در خواب، از او گله و شکوه می کند که چرا به دیدنم نمی آیی؟ این زیارت ها، شارژ کننده وجود است، الهام گرفتن از ارواح طیبه و ملکوتی اولیای خدا است، تطهیر «جان» در زمزم ایمان و معنویت است، اتصال دو روح همگون و آشنا و هم سنخ است، به دریا پیوستن قطره است، عمل به مقتضای عقل و اندیشه است ... نه ... بلکه عقل را هم تحت فرمان محبت دل در آوردن است.

۸. زیارت، مائده شرف و فضیلت

آب، از سرچشمه باید خورد، میوه را از شاخه باید چید، نامه را سربسته باید خواند، چهره را بی پرده باید دید. تشنه به دنبال آب می دود و عاشق، در پی معشوق. جان، اگر از کوثر شرافت سیراب شده باشد، جویای مائده های آسمانی است، که سرشار از فضیلت و حق و خیر و معنویت باشد. دل اگر طالب فیض باشد، سالک راه پاکان خواهد شد و خود را به نیکان متصل خواهد ساخت. این اقتضای هماهنگی و تجانس و الفت روح هاست.

علامه امینی قدس سره در الغدیر، درباره این که بلال حبشی هنگام زیارت قبر پیامبر، صورت بر آن می نهاد، از منابع اهل سنت آورده که پس از بیان این مطلب گفته اند:

«بدون شک، عشق و محبت فراوان، چنین عملی را اجازه می دهد، چرا که مقصود و هدف از تمام اینها بزرگداشت و احترام است و مردم به حسب اختلاف مرتبه محبتشان در این مورد فرق می کنند. چنان که در زمان حیات آن حضرت هم چنین

۱- الغدیر، ج ۵، ص ۱۴۷.

بود. بعضـی از مردم وقتی آن حضـرت را می دیدنـد، نمی توانسـتند خویشـتنداری کننـد و به سوی او می شـتافتند و برخی هم تأخیر و درنگ می کردنـد و هر کدام محل خیر است ...». (۱) آنچه در فرهنگ دینی ما، با عنوان «توسل»، «شـفاعت»، «تبرک» و ... وجود دارد، شیوه های بهره وری از مائده معنویت و برکت اهل بیت علیهم السلام و فیض بردن از «کوثر» این پاکان است. در هر حـال، پیـامبر و ائمه و صالحـان و صـدیقان، بنـدگان مقرب درگـاه خداینـد، و برای تقرب جویی بایـد با مقربین، انس و آشـنایی داشت و خود را در زمره آنان قرار داد تا نمی از یم رحمت خدا به «زایر» هم برسد. باید با خضـر، همراه و همسفر شد تا به معرفت و فضیلت رسید و آب حیات را چشید. زیارت، گامی در این تقرب جویی و سنخیت یابی است.

مرحوم نراقی می نویسد:

«نفوس نیرومنـد قدسـی، به خصوص انبیا و ائمه، پس از آزادی از قفس تن و صـعود به عالم تجرد، در نهایت احاطه و استیلا بر امور جهان اند. امور جهان نزد آنان آشـکار است و قدرت تأثیرگذاری در مواد عالم را دارند و هر کس که به زیارتشان برود، از آن آگاه و بر او شاهدند و اطلاع کامل از زایران مرقدشان و از درخواست ها و توسل ها و تضرع ها و شفاعت طلبی هایشان دارنـد. پس نسـیم لطف این اولیا بر زایران می وزد و رشـحاتی از فروغ آنان بر زایرین می تابـد و در رفع نیاز و برآورده شـدن حـاجت ها و رسـیده به مقصودشان و بخشـش گناهانشان و رفع گرفتاری هایشان، در پیشـگاه خداونـد شـفاعت می کننـد. این است رمز این همه تأکید در زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام.

علاـوه بر این که در این زیـارت هـا، اجـابت دعوت ائمه و پیونـد با آنان و خشـنود کردنشان و تجدیـد عهـد با «ولایت» شان و احیای امرشان و بالا بردن و اعتلای

۱- الغدیر، ج ۵، ص ۱۵۱.

سخنشـان و نابودی و ذلت دشـمنانشان نهفته است ... و همه اینها اجری بزرگ و پاداشـی فراوان دارد ...». (۱) از این رو، زایر، مهمان مائده معنوی اولیای خداست و با زیارت، شایستگی و موقعیت آن را می یابد که مورد توجه و عنایت قرار بگیرد. هم از سوی خدا، و هم از سوی معصومین بزرگوار علیهم السلام.

۹. زیارت عاملی تأثیرگذار در اتصال به واسطه های فیض

به درگاه خدا شـفیع باید برد. شـفیع های ما، واسطه های فیض الهی اند. درست است که بی واسطه هم خداوند سمیع و علیم و مجیب است و می توان او را خواند، ولی شرمندگی ما را چه توان کرد که روی آن نداریم که بی واسطه از خدا فیض بجوییم! حتی در مورد استغفار و توبه هم بی نیـاز از توسل به اولیا و استشـفاع آنان نیستیم. در زیارت، به وسـیله این واسـطه های فیض است که از خداوند حاجت می طلبیم. وقتی بار سـنگین خطاها، انسان را از رفتن باز می دارد و گناهان بسـیار، انسان را گرانبار می سـازد، برای سـرعت سـیر در طریق عبودیت و طیران در فضـای معنویت، بایـد از «توبه» اسـتفاده کرد تـا بـا ریختن گناهان، سبکبـار و سـبکبال شـد. حـالت تضـرع و نیـاز، شکسـته دلی، پشـیمانی، نـدامت و انابت، خوف و رجا و بیم و امیـد لازم است. انکسار قلب در پیشـگاه خداونـد قادر قاهر میسـر است و دلشکسـتگی و شـرمندگی در برابر «عظمت» خـدا و «عصـمت» رسول فراهم می گردد. با واسـطه قرار دادن چهره هایی چون پیامبر و اولیای خـدا در برابر پروردگار، دریای رحمت و کرم او، زودتر گنهکـار را فرا می گیرد و اسـتحقاق غفران و تـوبه پـذیری فراهم می آیـد. این رهنمود خداونـد است که فرموده: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُواْ أَنفُسَهُمْ جَآءُوكَ فَاسْتَغْفَرُواْ اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُواْ اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا». (۲)

یعنی آنان که به خود ستم نموده اند، اگر پیش تو آیند و از

۱- جامع السعادت، ج ۳، ص ۳۹۸.

۲- سوره نساء، آیه ۶۴.

خدا مغفرت بخواهند و پیامبر هم برای آنان از خداوند آمرزش بطلبد، خدا را توبه پذیر و مهربان خواهند یافت.

تاریخ، بسیاری از زایران مرقد پیامبر صلی الله علیه و آله را می شناسد که در مزار و مرقد پیامبر به پیشگاه خداوند توبه و التجا نموده و رضای الهی را کسب کرده اند و یا حتی از بیماری های سخت، شفا گرفته اند.

علمای اهل سنت نقل کرده اند که ابن منکدر، از بزرگان تابعین(م ۱۳۰ ق)، با اصحابش در مجلسی که می نشست، هرگاه تشنگی شدیدی بر او عارض می شد، برخاسته و صورت بر قبر پیامبر می نهاد و بر می گشت. هنگامی که مورد سؤال قرار می گرفت، می گفت: حالت خطرناکی به من دست می دهد که در این حالت، به وسیله قبر پیامبر شفا می طلبم. و نیز به محلی در صحن مسجد می آمد و در آن جا خود را به خاک می افکند. وقتی علت را می پرسیدند، می گفت: در خواب، پیامبر را در این مکان دیدم. (۱) آیا وقتی پیراهن حضرت یوسف علیه السلام، چشم نابینای حضرت یعقوبِ فراق کشیده و هجران دیده را بینا می کند، مرقد رسول اللَّه صلی الله علیه و آله نمی تواند کرامت نشان دهد؟ وقتی بنا به روایات، غبار مدینه، شفابخش جذام باشد، تربت پیامبر صلی الله علیه و آله و امام حسین و قبر امام رضا علیهما السلام شفا نمی دهد؟ مگر نه این که دختر آن رسول پاک، حضرت فاطمه علیها السلام پس از وفات پیامبر، کنار قبر پدر ایستاد و مقداری از خاک قبر را برداشت و بر دیدگان خویش نهاد و گریست و گفت:

ما ذا علی من شمّ تربه أحمد أن لا یشمّ مدی الزمان غوالیا (۲)

چه باک! آن کس را که تربت محمد را بوییده، هرگز در طول زمان، مشگ و بوهای خوش را نبوید؟

۱- الغدیر، ج ۵، ص ۱۵۰.

۲- همان، ص ۱۴۷.

این گونه عشق ها و احترام ها و محبت ها و شفا طلبی ها و تبرک جویی ها، از عقیده و ایمان سرچشمه می گیرد. وقتی امام احمد حنبل، پیراهنی را که متعلق به شافعی بوده می شوید و آب آن را می نوشد تا از مقام علم، تجلیل کرده باشد، (۱) پس ارزش صحابه پیامبر و تکریم آثار بر جای مانده از انبیا و ائمه، جای خود دارد. و زیارت، تکریم این گونه ارزش هاست، و احیای قداست منسوب به اولیای خداوند است.

۱۰. زیارت سیره سلف صالح

زیارت، تجلیل از فضیلت های بزرگان و احیای ارزش های آنان و گرامی داشت خاطره آن اسوه های انسانیت و نمونه های پاکی هاست. خردمندان عالم را هم بنابر این بوده و هست که از بزرگان خود، به شیوه های گوناگون تجلیل کنند. زیارت هم یکی از این روش هاست. تجلیل از روح های متعالی، نشان تعالی روح انسان است.

مسلمانان نیز، از صدر اسلام تاکنون، نسل در نسل، از همه طبقات و اقشار، قبرهایی را که در بردارنده پیامبری یا امام پاکی یا ولی صالحی یا بزرگی از بزرگان دین بوده، زیارت می کرده و گرامی می داشته اند. به خصوص نسبت به زیارت قبر رسول گرامی اسلام بیش از همه شرافت قایل بوده و با صرف پول ها و تحمل هزینه ها و مشقت ها و پیمودن راه هایی به زیارت می رفتند و نزد مرقد آن پیامبر دعا کرده و توسل می نمودند و از این طریق، به خداوند تقرب می جستند. البته این، اختصاص به شیعه ندارد، علمای بزرگ اهل سنت هم در قرن های متمادی در تألیفات خود پیرامون زیارت، بحث های فراوان کرده اند.

علامه امینی در دائره المعارف عظیم الغدیر(در جلد پنجم) به عنوان نمونه، کلمات بیش از ۴۰ نفر از علمای مذاهب اربعه سنت را در مورد زیارت پیامبر و دعا نزد قبر آن حضرت و آداب زیارت و ورود به مدینه و ادب دیدار و کیفیت سلام بر آن حضرت و

۱- همان، ص ۱۵۱.

پیونـد دادن زیـارت پیغمبر بـا اعمـال حـج و عمره و ... نقـل کرده و حتی نام برخی از تألیفات علمای اهل سـنت را که به گونه مستقل در باب زیارت و آداب آن نگاشته اند، در کتاب خود آورده است.

زیـارت، اگر زیـارت شـهید است، احیای فرهنگ شـهادت است، اگر زیارت عبـد صالـح خداونـد است، تجلیل از صـلاح ها و اصلاح ها و عبودیت هاست، و اگر زیارت پیامبر و امام است، تجدید عهد و تحکیم میثاق با «ولایت» و مقام رهبری است.

زیـارت، یـا تجدیـد عهـد با «خط امامت» است، یا میثاق با «خون شـهید» است، یا پیمان با «محور توحیـد» و بیعت با «رسالت» و «وحی» است. امام رضا علیه السـلام فرموده است: «إنّ لکلّ إمام عهـداً فی عنق أولیائه و شـیعته و إنّ من تمام الوفاء بالعهد زیاره قبورهم فمن زارهم رغبه فی زیـارتهم و تصـدیقاً بمـا رغبوا فیه کـان أئمتهم شـفعائهم یوم القیـامه». (۱) یعنی برای هر امـامی بر گردن شـیعیان و هوادارانش پیمانی است و از جمله وفاداری به این پیمان، زیارت قبور آنان است. پس هر کس از روی رغبت و پذیرش، آنان را زیارت کند، امامان در قیامت شفیع آنان خواهند بود.

بر اساس همین وفای به عهـد است که شـیعه همواره در احیای نام و یاد و زیارت و مزار اولیای دین، چه رنـج ها کشـیده و چه شهیدها داده است و هم اکنون نیز این خط ایثار و شهادت تداوم دارد.

وقتی زیـارت بزرگـان و قهرمانـان و چهره هـای برجسـته فکری و علمی و اصـلاحی و انقلابی و گرامی داشت آنان و تجلیل از فـداکاری هـا و خوبی هـا و خـدماتشان، سـیره عقلاـی هر ملت و مـذهب است، روشن است که زیـارت سـرور آدمیـان و اسوه سعادت بشـر، حضـرت رسول اکرم صـلی الله علیه و آله که تمام فرشتگان زایر مرقد اویند جای خود دارد و از ارزش و تعهد و سازندگی بیشتری برخوردار است.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۵۳، ح ۵.

روح دلباخته به پاکان و قلبی که مفتون محبت خداست و با خداییان پیوند باطنی دارد، این گونه محبت خود را ابراز می کند. این شیوه ای جدید و بدعتی نوظهور نیست، بلکه در زمان خود پیامبر اسلام هم معمول بوده است. حتی درباره خود پیامبر اسلام، آمدن اویس قرنی به مدینه برای دیدن پیامبر اکرم معروف است.

عروه بن مسعود ثقفی در سال حدیبیه دیده است که چگونه اصحاب پیامبر، آب وضو و غسل او را به عنوان تبرک برمی داشتند و تار موی حضرت را نگه می داشتند.

پس از فراغت از نماز، دست حضرت را بوسیده و بر سر و صورت خویش می کشیدند. وقتی بلال حبشی مازاد آب وضوی آن حضرت را آورد، مردم برای برداشتن آن، بر سر او ریختند و حتی اگر آب به کسی نمی رسید، از رطوبت آبی که در دست مسلمانان دیگر بود، بر خود مسح کرده، تبرک می نمود .... (۱) زیارت، تداوم همین خط است و تبرک و توسل و استشفا و استشفاع، فیض گیری از آن معنویات است، که سیره و روش گذشتگان صالح ما نیز همین بوده است.

۱۱. زیارت، قلمرو دل و وادی محبت

توجه به این نکته لازم است که وادی زیارت، بیش و پیش از آن که وادی معقولات و محاسبات عقلی باشد، وادی دل و جذبه درون است. زایر اگر بداند و بشناسد که مورد زیارت کیست؟ هرگز نمی پرسد: کجاست؟ به راه می افتد و همچون حضرت خضر، به دنبال آب حیات، و همانند حضرت موسی علیه السلام در پی «عبد صالح» روان می گردد تا برسد و بیابد و بهره برگیرد و کامیاب شود. زیارت از این مقوله است. پیوند قلبی است، محبت و علاقه است.

آنچه زایر را به پیمودن راه ها و طی مسافت ها و تحمل رنج سفر و بیم بادیه و استقبال از خوف و خطر وامی دارد، کشش درونی و علاقه قلبی اوست. اگر عشق آمد،

۱- کشف الارتیاب، ص ۴۴۳.

خستگی رخت برمی بندد و اگر محبت در کار بود، ملال متواری می شود.

آنچه در راه طلب خسته نگردد هرگز پای پر آبله و بادیه پیمای من است

شوق، انسان راکد را حرکت می بخشد و ساکن را مهاجر می کند و عافیت طلب را بادیه پیما می سازد.

برای تحلیل زیارت، می توان سراغ برهان علمی رفت، زیرا راه علمی می تواند روشنگر باشد، ولی راه معنی و دل و عشق، هم روشنی بخش است و هم گرما بخش.

به خصوص اگر عشق راستین به خدا باشد که معشوق کامل و محبوب مطلق است و پیوند با او، سوزنده و سازنده است. به فرموده امیر المؤمنین علیه السلام:

«حبّ اللّه نار لا تمرّ علی شی ء إلّااحترق و نور اللّه لا یطلع علی شی ء إلّااضاء» (۱)

یعنی محبت خدا آتشی است سوزان و نور خدا، فروغی است روشنگر.

می بینیم که در بیان امام، محبت هم سوزاننده و هم روشنی بخش معرفی شده است.

«پرورده فیض نگاه»، از آتشی شعله ور است که بیان کردنی نیست. به گفته اقبال:

«سخن از تاب و تب شعله، به خس نتوان گفت ...» و به قول امرسن: «یک قلب می تواند هزار سال فکر خود را به کار برد، لیکن به قدر آنچه عشق، یک روز یاد می دهد، کسب نتواند کرد». (۲) عشق، معلم انسان است. عشق، معمار عالم است. عشق، آباد کننده دل است. عشق، وسیله ای است که تمام دردسرهای کوچک را به یک دردسر بزرگ تبدیل می کند.

عشق، تحمل را می افزاید.

ناز پرورده تنعم نبرد راه به دوست عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد

داغ محبت خدا و رسول و اهل بیت را بر سینه داشتن، همراه است با رنج ها و

۱- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۲۲۶.

۲- چکیده اندیشه ها، ج ۱، ص ۲۵۱.

مشـقت هـایی که در راه این محبت است. مگر می توان از دشت هـا به سوی خانه و دیار محبوب گـذر کرد و تیغ بیابان و خار مغیلان را در پای ندید؟!

این خصیصه عشق است ... و صد البته که همه اینها در راه «دوستی»، روا و شیرین می باشد که گفته اند: «هر چه از دوست می رسد نیکوست».

بعضی ها خدمت ائمه می رسیدند و ابراز می کردند: ما، شما اهل بیت را دوست می داریم. و آنان پاسخ می دادند: پس آماده سختی باشید و تن پوشی از فقر و محرومیت برای خود آماده سازید. «من أحبّنا أهل البیت فلیعد للفقر- أو للبلاء- جلباباً» (۱) به قول معروف: «البلاء للولاء».

۱۲. محبت، پشتوانه زیارت

آن که عشق و شوق داشـته باشد، به زیارت هم می رود. برای عاشق شایق، نه تنها خود محبوب، جالب و جاذب است، بلکه هر چیزی هم که به گونه ای رنگ تعلق و رایحه انتساب به او را داشـته باشـد، مطلوب و جاذبه دار است و دلـداده را به سوی خود می کشـد. در زیارت چنین است. چگونه می شود که عاشق خـدا و دوسـتدار پیامبر و اهل بیت، و محب صالحین و صدیقین و شهـدا و اولیاء اللَّه، شوق دیدار خانه خدا و بیت اللَّه و مزار و مرقد و خانه و شـهر و دیار معشوق را نداشـته باشد و شـیفته دیدار کعبه و مدینه و مزار ائمه و قبور صالحین و شهرهای خاطره آمیز و شوق انگیزی که ریشه در فرهنگ دینی ما دارد نباشد؟!

به گفته مرحوم علامه امینی: «اگر مدینه منوره، حرم محترم الهی شمرده شده و در سنت نبوی، برای مدینه و خاکش و اهلش و مـدفونین آن جـا ارزش های فراوان بیان شـده است، به خاطر همان انتساب به خـدا و پیامبر است. بر مبنای همین اصل، هر چیز دیگری هم که نوعی تعلق و انتساب به پیامبران و اوصیا و اولیای الهی و صدیقین و

۱- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۲۴۰.

شهدا و افراد مؤمن دارد ارزش پیدا می کند و شرافت می یابد ...». (۱) زیارت می تواند نمودی از احساس شوق درونی انسان باشد. نشانی از محبت و دلیلی بر عشق و علامتی از تعلق خاطر باشد. زیارت، زبان علاقه و ترجمان وابستگی قلبی است. برای عاشق، حتی خانه ای که روزی معشوق در آن ساکن بوده، کوچه ای که روزی از آن گذشته، زمینی که بر آن قدم نهاده، شهری که روزی در آن جا می زیسته، سنگی که دست محبوب به آن خورده، لباسی که بر اندام او بوده، کفشی که در پایش داشته، دلربا و جاذب است، دوست داشتنی و شوق انگیز است.

این شعر منسوب به مجنون است که درباره لیلی سروده است:

أمرّ علی الدیار، دیار لیلی اقبل ذا الجدار و ذالجدارا و ما حب الدیار شغفن قلبی و لکن حب من سکن الدیارا (۲)

یعنی از دیار لیلی می گذرم، همه دیوارها را می بوسم، علاقه به دیار لیلی دلم را تسخیر نکرده است، بلکه آن کسی که در آن سکونت دارد، مرا مفتون خود ساخته است. می بینیم که جاذبه شهر، به خاطر حضور لیلی در آن است.

در زیارت و مزار، مسأله در ظاهر سنگ و چوب و آجر و آهن و ضریح و ساختمان مزار و گنبد و گلدسته و رواق و ... خلاصه نمی شود، تا به زیارت و بوسیدن و تقدیس اینها اشکال شود، بلکه نقش عمده با آن محبت و شناخت و معنویت و عشقی نهفته است که در ورای اینهاست که حتی به اینها، معنی و جهت و قداست و احترام بخشیده است. وقتی قلب، در گرو یک عشق بود، صاحب آن دل، از نام و یاد و لباس و دستمال و کفش و کوچه و شهر محبوب، خوشش می آید و لذت می برد و همه اینها برایش جاذبه دارد و در هر یک از اینها عکس رخ یار را می بیند.

ما با محبت وافر و علاقه و احساسی که به حضرت محمد صلی الله علیه و آله داریم، اگر باخبر شویم که در جایی رد پایی و نشانی از آن حضرت باقی است، آیا شوق دیدنش را

۱- سیرتنا و سنتنا، ص ۱۶۰ و ۱۶۱.

۲- الغدیر، ج ۵، ص ۱۵۱.

نخواهیم داشت؟ «مقام ابراهیم» در مسجد الحرام، برای حاجی چرا آن قدر خاطره به همراه دارد؟ جز این است که سنگی است که حضرت ابراهیم در بالا بردن دیوار کعبه، به کمک پسرش اسماعیل، آن را زیر پا می گذاشته است و جای قدم او بر سنگ باقی است؟!

می بینیم که وادی زیارت، وادی عشق و علاقه و عرفان است. در قلمرو دل، گاهی پای عقل هم می لنگد و وقتی عشق فرمان می دهد، عقل چاره ای جز تسلیم و فرمانبرداری ندارد.

مرحوم علامه امینی نقل می کند: «... فقیه و ادیب بزرگوار اهل سنت، تاج الدین فاکهانی(م ۷۳۴ ق) به دمشق رفت به قصد زیارت کفش پیامبر که در «دار الحدیث الاشرفیه» نگهداری می شد. وقتی کفش را دید، افتاد و شروع به بوسیدن کرد و صورتش را بر آن می مالید و اشک شوق از دیدگانش جاری بود و شعری به این مضمون را می خواند: اگر به مجنون گفته شود: لیلی و وصال و دیدار او را می خواهی، یا دنیا را و آنچه را در آن است؟ او در جواب خواهد گفت: غباری از خاک کفش لیلی برایم محبوب تر و شفابخش تر برای دردهای من است». (۱) آری وقتی عشق در کار باشد، خاک ره دوست را باید سرمه چشم نمود. برای عاشق، آنچه ارزشمند است، محبوب و دیدار او و هر چیزی است که منسوب به اوست.

این یک طرف قضیه است که محبت، انسان را به زیارت وا می دارد. سوی دیگر قضیه آن است که زیارت، محبت و شناخت می آورد و از آن جهت، عامل سازنده و تربیت کننده است.

۱- همان، ص ۱۵۵.

فهرست منابع

۱. احیاء علوم الدین، امام محمد غزالی، دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان.

۲. از آگاهان بپرسید، ترجمه استاد محمدجواد مهری، بنیاد معارف اسلامی، قم.

۳. الاشارات والتنبیهات، با شرح خواجه نصیر، ابن سینا.

۴. بحار الأنوار، علامه محمد باقر مجلسی، المکتبه الاسلامیه.

۵. بررسی نقش زیارتگاه های بزرگ جهان اسلام.

۶. بوستان سعدی، تصحیح غلامحسین یوسفی، انتشارات سهامی، ۱۳۸۱ ش.

۷. التذکره فی أحوال الموتی وامور الآخره، محمد ابن أحمد ابن فرح الأنصاری القرطبی، ترجمه و تحقیق: محمد عبد السلام إبراهیم.

۸. ترجمه و شرح حکمت الاشراق سهروردی، ترجمه کامران رحیمیان، امیرکبیر، چاپ اول.

۹. جامع الأسرار ومنبع الأنوار، حیدر بن علی الآملی، تصحیح هنری کوربان و عثمان یحیی، ترجمه جواد طباطبایی، علمی فرهنگی، طهران، ۱۹۸۹ م.

۱۰. الجامع لأحکام القرآن، الإمام أبو عبد اللّٰه محمد بن أحمد الأنصاری القرطبی، نداء الایمان.

۱۱. چکیده اندیشه ها(خلاصه ای از شش کتاب دکتر تیجانی)، بنیاد معارف اسلامی، قم.

۱۲. دروس اتحاد عاقل به معقول، حسن حسن زاده آملی، ایران، قم، قیام، چاپ اول.

۱۳. شرح صحیح مسلم، أبی زکریا یحیی بن شرف النووی، دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۰ م.

۱۴. شرح نهج البلاغه، ابن أبی الحدید.

۱۵. کشف الارتیاب، سید محسن امین، چاپ پنجم.

۱۶. کنز العمال، علاء الدین علی بن حسام الدین المتقی الهندی البرهان فوری(م ۹۷۵ ق)، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ق/ ۱۹۸۹ م.

۱۷. مجموعه مصنفات شیخ اشراق، شهاب الدین یحیی سهروردی، تصحیح نجفقلی حبیبی، پژوهشگاه علوم انسانی.

۱۸. المحجه البیضاء، ملا محسن فیض کاشانی، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۱ ش.

۱۹. المحلّی بالآثار، ابن حزم الأندلسی، دار الفکر، ۲۰۰۱ م.

۲۰. المطالب العالیه، ابو الفضل أحمد بن علی بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلانی(م ۸۵۲ ق).

۲۱. المطالب العالیه من العلم الإلهی، فخر الدین محمد بن عمر الرازی، وضع الحواشی:

محمد عبد السلام شاهین التوفر، ۱۹۹۹ م.

۲۲. مفاتیح الغیب التفسیر الکبیر، فخر الدین رازی، دار إحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ ق.

۲۳. مفاتیح الغیب(تفسیر کبیر)، فخر رازی، طهران، دار الکتب العلمیه، چاپ دوم، بی تا.

۲۴. میزان الحکمه، محمّد محمدی ری شهری، دارالحدیث، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۱۹ ق.

۲۵. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبایی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ق.

۲۶. نزهه الارواح وروضه الأفراح، معروف به تاریخ الحکماء شهرزوری.

۶. تأملی بر مبانی اجتماعی و فرهنگی زیارت

اشاره

محمد حسن شربتیان (۱)

چکیده

زیارت موجب تحریک احساسات عاطفی، انسانی و تقویت انسجام و وحدت دینی می شود، و ابزاری برای بیان احساسات فردی و گروهی است. این پدیده به عنوان یک فعالیت مشترک در میان گروه های مذهبی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. زیارت دارای خصوصیت فرهنگی، اکتسابی است؛ که از طریق مناسک و آداب و رسوم و متون خاص می توان آن را به دیگران آموزش داد. این پدیده از طریق سمبل ها، احساس تعلق و هویت فرهنگی جامعه را نشان می دهد. زیارت در واقع بخشی از اعتقادات و گرایشات مذهبی و هنجارهای دینی هر جامعه ای است؛ که از همان اوان کودکی به فرد آموزش داده می شود. در کسب این هویت خانواده، مدرسه، رسانه های همگانی، مؤثرند. فرایند جامعه پذیری زیارت از لحاظ عینی، آن است که جامعه فرهنگ معنوی خود را از نسلی به نسل دیگر انتقال داده است؛ هنگامی که در رفتارهای زیارتی بایدها و نبایدها رعایت شود، زیارت به عنوان هنجاری درونی، خود به خود و با میل و بدون اجبار بیرونی در انسان ها به وجود می آید؛ زیرا این مسأله از فطرت دینی انسان ناشی می گردد. زیارت از نمادهای جامعه شناختی ملموس و آشکار دین باوری و هویت دینی هر جامعه ای محسوب می شود. و در واقع به عنوان نماد جمعی و دینی برای بیان ارزش ها و باورهای مذهبی یک گروه به عنوان یک کل به حساب می آید.

کلیدواژه ها: ارزش اجتماعی، جامعه شناسی، زیارت، فرهنگ، گروه اجتماعی، هنجار اجتماعی، نشانه، نیاز اجتماعی.

۱- مدرس دانشگاه و عضو باشگاه پژوهشگران دانشگاه آزاد اسلامی.

پیشگفتار

زیارت به عنوان یک واقعیت اجتماعی و دینی امری قدسی است؛ که در زندگی انسان از ابعاد جامعه شناسی و انسان شناختی بر ساختار فرهنگ دینی جامعه تأثیرگذار است. این پدیده در قالب نیاز اجتماعی و به صورت جمعی در تقویت نگرش های اعتقادی افراد در جامعه مؤثر است. در بعد گروه های اجتماعی، زیارت با توجه به کنش و فعالیت مشترک و احساسات جمعی در جامعه شناسی قابل بررسی است؛ همچنین در قالب گروه های نخستین که دارای اهداف مشترک همراه با فاصله اجتماعی نزدیک و صمیمیت است قابل مطالعه می باشد. از بعد دیگر، زیارت در فرهنگ معنوی هر جامعه ای دارای خصوصیت اکتسابی، عام، خاص و قابل انتقال است؛ و به عنوان میراث اجتماعی سینه به سینه اشاعه فرهنگی پیدا می کند. در فرایند جامعه پذیری، زیارت در واقع بخشی از اعتقادات و گرایشات مذهبی و هنجارهای دینی هر جامعه ای است که از همان اوان کودکی به فرد آموزش داده می شود. در کسب این هویت، خانواده، مدرسه، رسانه های همگانی، نقش مؤثری دارند.

در قالب ارزش اجتماعی، پدیده زیارت مورد احترام و تقدس قرار می گیرد؛ که این مسأله ریشه در فطرت دینی و اجتماعی انسان دارد. از سوی دیگر زیارت به عنوان پدیده هنجاری، همراه با الگوها و معیارهای مشترکی است که در قالب الگوهای رفتاری «بایدها و نبایدها» قابل مطالعه است. در بعد نماد شناختی از دیدگاه جامعه شناسی، زیارت بیان کننده معانی است؛ این نمادها در جامعه به رسمیت شناخته شده است؛ و به عنوان نماد جمعی و دینی برای بیان ارزش ها و باورهای مذهبی یک گروه به عنوان یک کل به حساب می آید.

زیارت به عنوان پدیده ای در انسان شناسی دینی در قالب امر قدسی در حوزه نیایش و مناسک مذهبی قابل بررسی است، در حوزه انسان شناسی نمادین از خلال شبکه های نمادی و نشانه های معنادار در مفهوم اجتماعی و دینی قابل توجه است؛ در

بعد انسان شناسی شناختی در قالب اندیشه ها، نگرش ها و احساسات به عنوان یک امر اجتماعی و مقدس قابل پژوهش و ارزیابی است.

طرح مسأله

اشاره

زیارت به عنوان یکی از مؤلفه های ساختار نظام دینی، در هر فرهنگی دارای آثار متفاوتی است. این عنصر در اندیشه های انسان شناسی و جامعه شناختی قابل بررسی است. از منظر علوم اجتماعی می توان در ابعاد مختلف این پدیده را مورد توجه قرار داد. در این مقاله به صورت موجزء به تشریح جایگاه زیارت براساس مبانی فرهنگی و اجتماعی می پردازیم.

زیارت و نیاز اجتماعی

زیارت در بعد نیاز اجتماعی و روان شناختی در یک جامعه انسانی به صورت فردی و جمعی می تواند نقش داشته باشد؛ این نقش همان برقراری وجود ارتباط میان اعضا است. از بعد جامعه شناختی «وجود ارتباط میان اعضای یک جامعه ضرورتی اجتناب ناپذیر است، چون اگر جامعه قادر به برقراری ارتباط نباشد، رفتار اجتماعی اصولًا مفهومی نخواهد داشت، به همین سبب است که هر جامعه انسانی حداقل یک زبان گفتاری که ارتباط انسان ها را آسان می سازد، دارا می باشد». (۱) زیارت که به عنوان یک واقعیت دینی در اندیشه های اسلامی باعث ارتباط میان اعضای یک جامعه شده است، منجر به برقراری ارتباط جمعی میان انسان ها در اماکن مقدس می گردد. زیارت از طریق برقراری ارتباط به رفتار اجتماعی و دینی معنا و مفهوم می دهد. از طریق زیارت کردن با یک زبان گفتاری خاص، انسان ها با معبود خود و با ائمه اطهار علیهم السلام ارتباط برقرار می کنند؛ این زبان، یک زبان احساسی و خشوع و خضوع با پروردگار است. این مقوله از بعد کارکردگرایی قابل بررسی است؛ در واقع زیارت در این مفهوم

۱- مفاهیم کلیدی جامعه شناسی، ص ۶۲.

پدیـده ای ایده آل می باشد، که نتیجه مناسب و مطلوب و سودمند برای افراد جامعه و تقویت دین دارد. انسان ها با خداوند از طریق زیـارت کردن و خوانـدن متون زیـارتی در زمـان و مکـان خاص رابطه معنوی برقرار می کننـد؛ این نیاز، یک نوع نیاز به عزت نفس و احترام می باشد که به صورت معنوی در انسان همیشه وجود دارد؛ و انسان به دنبال پرورش آن است.

زیارت در قالب یک نیاز اجتماعی(احترام) می توانـد در جامعه انسانی نمو پیـدا کند؛ در این بعد، این نیاز نوعی قدرشناسـی از خداونـد متعـال و صالحـانش است، این نیاز و انگیزه آن در انسان بسـیار قوی است؛ هر قـدر که در جامعه مقیاس های ارزشـی رنگ و بوی معنوی داشـته باشـد و تقویت گردد، این نیاز از منزلت خاصـی در ساختار فرهنگ دینی جامعه برخوردار است؛ با توجه به این مسأله در جامعه اسلامی باید به صورت متعادل به آن پرداخت.

زیارت در اندیشه های اسـلامی و تشـیع همراه با یک نیاز دینی است، که در انسان از طریق روابط معنوی برقرار می شود؛ برای این که بتوان بـا خـدا ارتبـاط برقرار کرد، از طریق زیـارت به این مسأله می توان دست یافت. بنابراین زیارت یک وسـیله اسـت برای رسـیدن به ارتباط با خداونـد و کمال معنوی و اخلاقی. به عبارتی دیگر زیارت می تواند به عنوان یک پدیده اجتماعی و دینی بر زندگی انسان اثر گذارد.

زیـارت امـاکن قدسـی در واقع نوعی ارتباط اجتماعی یک سویه را به وجود می آورد که انسان ها در تمام مراحل عمر نیازمند عبـادت و سـتایش خداونـد متعـال و محبت به پیـامبر و اهـل بیتش می باشـد. این واقعیت اجتمـاعی و دینی به رفتارهای دینی و اخلاقی انسان جهت گیری معنوی می دهد.

از بعـد جامعه شـناختی در بحث زیارت، باید اشاره کنیم که زیارت در قالب روابط اجتماعی میان انسان ها و خداوند، پیامبر و ائمه اطهار نوعی علاقه قلبی و الفت به وجود می آورد؛ شیعیان در هنگام زیارت در اماکن مقدس با خواندن ادعیه های

زیارتی بدون چشمداشت های مادی با جان و دل در جهت رسیدن به سعادتمندی، دین خود را تقویت می کنند.

زیارت و گروه اجتماعی

در جامعه شناسی گروه اجتماعی شامل «عده ای افراد است که دارای: یک وجه مشترک مهم، فعالیت مشترک و کنش متقابل و احساس تعلق خاطر یا احساس ما می باشد.» (۱) از بعد وجه مشترک تمام افرادی که در اماکن مقدس حضور پیدا می کنند؛ دارای اهداف مشترک هستند؛ این هدف سعادتمندی و خیرخواهی و استغاثه از درگاه احدیت است. زیارت به عنوان یک فعالیت مشترک در میان گروه های مذهبی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است، تمام اعضای گروه در اماکن مقدس با خواندن زیارتنامه از طریق صاحب آن حرم شریف با خداوند ارتباط برقرار می کنند. و طلب سعادتمندی و گره گشایی و دیدار مجدد می نمایند. این پیامدها در گروه های دینی و اجتماعی در ایام حج در بین تمام مسلمین مشاهده می شود؛ مسلمین به عنوان یک گروه مذهبی با هرگونه سلیقه و تفکر و گرایش، به دنبال بجا آوردن اعمال حج می باشند؛ که یک فعالیت مشترک را با راز و نیاز به درگاه خداوند متعال هدف مشترک خود را یعنی سعادت و کمال جویی را دنبال می کنند. بر این اساس «وجوه اشتراک و فعالیت مشترک در گروه اجتماعی از اهمیت بیشتری برخوردار است و در صورت تازه نگه داشتن این وجوه پایداری و استحکام پیوندهای گروهی تقویت می شود.» (۲) از دیگر ابعاد گروه اجتماعی بر اساس فعالیت مشترک زیارت؛ احساس تعلق خاطر یا احساس مشترک دارد. زیارت در اندیشه اسلامی موجب تحریک احساسات عاطفی، انسانی و تقویت انسجام و وحدت می گردد. زیارت ابزاری برای بیان احساسات فردی و گروهی است؛ که می توان در برگزاری مناسک و مراسم های

۱- آناتومی جامعه، ص ۱۰۹.

۲- همان، ص ۱۱۱.

معنوی و روحانی مشاهده کرد؛ در جامعه اسلامی تشیع، ادعیه های زیارتی ائمه اطهار علیهم السلام یک نوع سرود جمعی و معنوی است که با آن امام مورد نظر و انسان کامل می توان ارتباط معنوی بر قرار کرد. تمام افرادی که در آن مکان حضور مستقیم یا غیر مستقیم دارند با خلوص نیت با معبود خود از طریق امام رئوف شان ارتباط برقرار می کنند؛ این ارتباط با خواندن زیارتنامه و ادعیه های مخصوص آن مکان و زمان مقدس شکل می گیرد. در ایام حج، با توجه به زمان و مکان مقدس، این احساس جمعی و تعلق خاطر، که در جهت انسجام و وحدت روحیه دین باوری است به وجود می آورد.

از دیگر ابعاد ارتباطی بین مفهوم زیارت با گروه اجتماعی در تقویت دین باوری و پرورش اخلاقی، خصوصیات ظاهری است. به عنوان مثال در هنگام زیارت خانه خداوند، لباس احرام بر تن تمام زیارت کنندگان نشانه انسجام و وحدت است.

همچنین در کتب اسلامی و احادیث شیعی آمده است، که زایران با لباس آراسته و شکیل به زیارت اماکن مقدس حضور یابند.

از دیگر مقوله های ارتباط زیارت با گروه اجتماعی، وجود تبلیغات مختلف در شهرها و روستاهای کشورمان است، که در زمان های خاص، عموم شهروندان را برای حضور معنوی و انسجام بخش در مراسم های زیارتی دعوت می کنند، این دعوت در واقع نوعی تقویت دین پروری و سازمان یافتگی در جهت ارتباط با معبود و گرامی داشت مقام شامخ ائمه علیهم السلام است.

ارتباط زیارت با گروه نخستین

گروه نخستین اصطلاحی است که چارلز هورتن کولی در جامعه شناسی به کار برده است. «گروه های نخستین برای توصیف گروه هایی نظیر خانواده، همسایگی، آشنایان، دوستان، و ... به کار برده شده است. به اعتقاد کولی احساساتی نظیر وفاداری، صمیمیت، و پیوستگی با دیگران در این گروه ها آموخته می شود. صفات مشترک

گروه هـای نخستین عبـارت انـد از رابطه چهره به چهره وفـاداری، پیوسـتگی عـاطفی، همکـاری نزدیک، روابط دوسـتانه». (۱) وجود گروه های زیارتی در ارتباط با خصوصـیات گروه های نخستین، نوعی هدف تلقی می گردد؛ زیارت در این گروه ها به عنـوان هـدف و منبـع مهمی در تـأمین احسـاس و آرامش خـاطر فرد از نظر عـاطفی محسـوب می شود. زیـارت در گروه هـای اجتمـاعی نخستین که دارای صـمیمیت، وفاداری، و ... رنگ و بوی قوی داشـته، باعث پیونـدهای عاطفی نزدیک و محکم می شود، چون در این گروه ها هـدف معنوی است، خصایص خوب و مثبت انسان ها رشد بسیاری می کند و تمام افراد باهم برابر می باشند، تمام اعضا از هر طبقه اجتماعی که باشند در برابر خضوع و خشوع خداوند با هم برابر هستند، یکدلی و یکرنگی در این گروه ها حرف اول را می زنـد. وجود گروه های زیارتی به عنوان نوعی از گروه های نخستین منجر به انتقال ایـده آل ها و ارزش های مهم دینی جامعه می گردد.

از بعـد دیگر گروه هـای زیـارتی به عنوان گروه نخستین که فاصـله اجتماعی در آن بسـیار نزدیک است، نوعی ضـرورت برای حیـات جمعی انسان تلقی می شود؛ که در بهبود روابط انسانی و کیفیت و بازده تقویت روحیه اجتماعی افراد بسیار تأثیرگـذار است. به عبارت دیگر زیارت به دلیل این که با سـنت ها و مناسک جمعی بیشتر پیونـد خورده است؛ نوعی گروه خودی هم به حساب می آید. در این گروه های اجتماعی افراد به یکدیگر احساس تعلق می کنند و خود را عنصری مؤثری در این گروه می دانند.

زیارت و فرهنگ

فرهنـگ به عنوان یـک واژه محـاوره ای به فراورده های متعالی ذهن و سـلایق دقیق و ظریف هنری، ادبی، و ... گفته می شود. «فرهنگ میراثی اجتماعی است که افراد از

۱- مقدمات جامعه شناسی، ص ۱۲۲.

گروه خود دریافت می کنند، راهی برای اندیشیدن، احساس کردن، و رفتار نمودن است. به عبارت دیگر فرهنگ مجموعه ای از ویژگی های رفتاری و عقیدتی اکتسابی اعضای یک جامعه خاص که از نسلی به نسل دیگر انتقال می یابد». (۱) زیارت به عنوان یک میراث دینی و اجتماعی در یک جامعه وجود دارد؛ که نسل به نسل انتقال یافته و مورد احترام و ارزشگذاری قرار گرفته است. در واقع زیارت یک الگوی رفتار دینی است؛ که در هر فرهنگی با توجه به ساختار آن به صورت های متنوع یافت می شود. از بعد دیگر زیارت یک نوع عقیده یا رفتار عقیدتی است؛ که در جامعه به آن احترام گذاشته می شود و از طرف افراد مؤمن آن جامعه آموزش داده می شود؛ و سینه به سینه برای حفظ شدن و ارج گذاری آن اشاعه می یابد.

زیارت به عنوان یک کالای فرهنگ معنوی در هر جامعه ای با توجه به ساختار دینی تولید می شود؛ و به صورت هنجار خاص از طرف افراد آن جامعه در ساختار فرهنگی پیروی می گردد. خواندن زیارتنامه و انجام دادن اعمال زیارتی، شیوه ای از فرهنگ دینی و تقویت دین باوری در جامعه است؛ زیارت به عنوان پدیده ای از عناصر فرهنگ دینی است؛ که خاص زندگی انسان است؛ زیرا انسان از طریق بکار گیری عناصر فرهنگی از سایر موجودات زندگیش جدا می گردد. به عبارت دیگر با توجه به عنصر تفکر و اندیشیدن در انسان زیارت و تدوین مناسک و اعمال زیارتی جزء خصایص فرهنگ آفرینی انسان تلقی می شود. زیارت به عنوان عنصری در فرهنگ دینی در خلال زمان حالت انباشتگی یافته است، براین اساس قابل اعتلا و تکامل است.

از بعد دیگر، زیارت در هر فرهنگی پدیده ای نسبی است؛ یعنی در هر فرهنگی با توجه به ساختار آن، زیارت و مناسک زیارتی معنا، مفهوم و اشکال خاصی دارد که با سایر ساختارهای فرهنگ زیارتی متفاوت است؛ بر این اساس نمی توان گفت که این

۱- درآمدی بر مبانی انسان شناسی، ص ۲۴۷.

واقعیت دینی در جامعه ای بر جامعه دیگر رجحان دارد. زیارت به عنوان یک پدیده فرهنگ معنوی در هر جامعه ای قابل انتقال و آموختنی است و به صورت یک میراث معنوی به نسل های دیگر منتقل می شود. زیارت به عنوان یک پدیده آموختنی و اکتسابی در جامعه باعث ثبات دوام می شود، هر قدر ساختار فرهنگی جامعه از نظر دینی قوی تر باشد؛ کم تر عناصر فرهنگ معنوی تغییر می کند.

با توجه به این که فرهنگ دارای خصوصیات عام است به این معنا که «تفکر یا عمل هنگامی فرهنگی است که به طور مشترک در برخی از جمعیت های یا گروه های وجود داشته باشد ... هنگامی که درباره آداب و رسوم مشترک در یک جامعه صحبت به میان می آید، در حقیقت به فرهنگ آنها توجه می شود. وقتی درباره آداب و رسوم مشترک زیر گروهی در یک جامعه صحبت می کنیم- که جامعه شناسی بدان توجه دارد- به زیر فرهنگ و نه فرهنگ توجه کرده ایم ...» (۱) زیارت یک عنصر فرهنگ دینی است که صورت عام دارد؛ و در تمام ادیان الهی مشاهده می گردد. در ادیان دیگر زیارت از مناسک و آداب و رسوم خاصی برخوردار است، با توجه به ساختار دینی هر فرهنگی آداب و رسوم و مناسک زیارتی شکل و اعمال ویژه ای به همراه دارد.

همان طور که گفته شد فرهنگ امر آموختنی است. «خصوصیاتی فرهنگی است که گذشته از مشترک بودن، اکتسابی نیز باشند؛ اکتسابی بودن فرهنگ گویای آن است که فرهنگ باید در فرایند اجتماعی شدن به فرد منتقل شود و بنابراین نقش آموزش در تداوم فرهنگی نقشی اساسی و غیر قابل چشم پوشی است». (۲) زیارت دارای خصوصیت فرهنگی اکتسابی است، که از طریق مناسک و آداب و رسوم و متون خاص می توان آن را به دیگران آموزش داد. زیارت از بعد دیگر دارای خصوصیات فرهنگی خاص است، یعنی این که هر فرهنگی با توجه به هویت دینی خود مناسک و آداب زیارتی خاصی دارد، که جزء نشانه های فرهنگ دینی آن جامعه

۱- انسان شناسی عمومی، ص ۲۳۷.

۲- درآمدی بر مبانی انسان شناسی، ص ۲۴۸.

تلقی می شود؛ که احساس تعلق و هویت فرهنگی آن جامعه را نشان می دهد.

از دیگر خصوصیات فرهنگ این است که فرهنگ وابسته به نشانه ها یا سمبول ها است؛ زیارت و مناسک زیارتی که در هر جامعه ای وجود دارد، دارای یک سری از نشانه های کاربردی است؛ که فرهنگ زیارتی آن قومیت را از سایر اقوام و جوامع متمایز می کند. به عنوان مثال در متون زیارتی فرهنگ شیعه از زبان عربی استفاده شده است، که از مهم ترین نشانه های زیارتی و دینی است که جانشین اعتقادات و معنویات فرهنگی شده است.

زیارت و اجتماعی شدن (جامعه پذیری)

جامعه پذیری یا اجتماعی شدن، فرآیندی است که انسان از بدو تولدش با جامعه و فرهنگ جامعه اش که همان ارزش ها و هنجارهاست انطباق می یابد. «اجتماعی شدن فرآیندی است که انسان ها از طریق آن اعتقادات، گرایش ها، ارزش ها، هنجارها، و عادات را از فرهنگ اخذ می کنند. این فرایند همچنین به فرد امکان می دهد تا شخصیت ویژه ای را برای خویش کسب کند. فرد از طریق اجتماعی شدن درباره فرهنگ می آموزد(انتقال فرهنگی). هر فرد دانش ها، اعتقادات، هنجارها، و انتظارات جامعه را از این طریق کسب می نماید. از طریق یادگیری(درونی کردن) فرهنگ انسان موفق می شود برای خویش هویت خاص کسب نماید. در پرتو تکامل اجتماعی موجود در فرایند اجتماعی شدن شخص می تواند یک موجود انسانی باشد. به عنوان نتیجه ای از این فرایند انسان دارای «خود» یا احساس هویت می گردد.» (۱) زیارت در واقع بخشی از اعتقادات و گرایشات مذهبی و هنجارهای دینی هر جامعه ای است که از همان اوان کودکی به فرد آموزش داده می شود؛ در واقع آموزش هنجارها و ارزش های زیارتی از همان دوران طفولیت در هر جامعه ای نوعی انتقال

۱- مقدمات جامعه شناسی، ص ۱۰۵.

فرهنـگ معنوی محسوب می شود. از طریق آموزش، زیـارت کردن و ... انسان ها هویت دینی خود را کسب می کننـد. در این زمینه خانواده، مدرسه، رسانه های همگانی، از طریق برگزاری مراسم های زیارتی نقش بارزی دارند. «از طریق اجتماعی شدن انسـان نظـامی از الگوهـای رفتـاری مکتسب را می آموزد که همه افراد متعلق به یـک فرهنگ در آن سـهیم انـد. این الگوهای رفتاری مشترک یا معیارهای رفتار هنجار نامیده می شوند.

انسـان از همـان سـنین کـودکی هنجارهـای تصویب شـده فرهنگی را فرا می گیرد و در فراگرد اجتمـاعی شـدن می افتـد». (۱) زیـارت دارای الگوهـای رفتـاری دینی است، که به صورت معیـار مشترک رفتاری تمام افراد جامعه آن را انجام می دهنـد. این الگوهای دینی هنجارهای فرهنگی تصویب شده ای است که افراد یک جامعه آن را پذیرفته اند.

فرایند جامعه پذیری زیارت از لحاظ عینی، آن است که جامعه فرهنگ معنوی خود را از نسـلی به نسل دیگر انتقال داده است؛ و فرد را با شـیوه های پـذیرفته شـده و تأییـد شـده زنـدگی که سازمان یافته، سازگار می کنـد. بنابراین، کارکرد جامعه پذیری زیارت این است که فرد را با نظام ارزش های دینی و آرمان های اخلاقی که فرد نیاز دارد پرورش دهد. از بعد ذهنی اجتماعی شـدن از طریق زیارت، فرایندی است که فرد خود را با آرمان های دینی و اخلاقی که در محیط اجتماعی خود که زندگی می کند، سازگاری دهد.

زیارت و ارزش اجتماعی

ارزش در حقیقت در مفاهیم جامعه شناختی و فرهنگ شناسی مفهوم جمعی است.

این پدیـده از نظر فرهنگی خوب، مطلوب و منـاسب و یا این که غیر مطلوب است. در هر اجتماعی ارزش های اجتماعی، تعیین کننده برای مردم آن جامعه هستند که چه چیز مهم است، یا چه چیز از نظر اخلاقی درست است. ارزش ها به عنوان ضابطه ای

۱– درآمدی بر جامعه شناسی، ص ۷۴.

جهت ارزیـابی اعمال دیگران نیز مورد اسـتفاده قرار می گیرنـد. «در بررسـی ارزش اجتماعی سه عنصـر بایـد مـدنظر باشـد: ۱. خود" شی ء" یک ارزش باشد، ۲." توانایی" شی ء در تأمین نیازهای اجتماعی، ۳." ارزیابی" که در ذهن اشخاص از این شی ء و از توانـایی اش در تـأمین نیـاز می شـود». (۱) زیـارت به عنوان یـک پدیـده جـامعه شـناختی در هر ساختـار فرهنگ دینی پدیـدهای مطلوب و سودمند برای افراد در جهت ابراز احساسات عاطفی، آرامش، امید، رضایت خاطر و لذت بردن به کار می رود. در واقع زیارت یک ارزش دینی و شی ء مهم است که در جهت تقویت دین باوری و انسجام اجتماعی به کار می رود. و از نظر اخلاقی ریشه در احترام به مقدسات و اعتقادات را به همراه دارد.

زیـارت جزء ارزش هـا و معیارهـایی است که به فرهنـگ دینی معنـا می بخشـد؛ این ارزش اجتمـاعی- دینی در میان تمام افراد مؤمن و معتقـد به خـدا مشترک می باشـد، اکثر افراد جـامعه در بـاره اهمیت آن به توافق رسـیده انـد؛ این توافق به نوعی وفـاق اجتمـاعی به حسـاب می آیـد. از سوی دیگر زیـارت به عنوان ارزش اجتمـاعی یـک نوع قضـاوت جمعی است؛ به این معنا که ارزیابی جمع کثیری از افراد مؤمن و معتقد به دین، به پدیده زیارت و خواندن زیارت احترام می گذارند. از منظر دیگر زیارت یـک نـوع ارزش اجتمـاعی است که همراه بـا عواطـف و احساسـات است؛ و افراد مؤمن و دین بـاور به حفـظ و صـیانت از این پدیـده می پردازنـد؛ به عنوان مثال در طی ۱۴۳۰ سال که از ظهور اسـلام می گـذرد، در جامعه اسـلامی هنوز مناسک و آداب زیارت اماکن مقدس حفظ گردیده است.

منبع ارزش گـذاری اجتماعی پدیـده زیارت، انسان های جامعه هسـتند؛ در جامعه اسـلامی، خصوصاً در بین امت شـیعه، مکان هـای مقـدس که مرتبـط با خداونـد، پیامبر و خانـدانش باشـد از اهمیت والایی برای احترام و مناسک زیارتی بر خوردار است؛ شأن

۱- مبانی جامعه شناسی، ص ۲۸۰.

مقدس پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام در شکل گیری زیارت به عنوان یک ارزش دینی و اجتماعی بسیار مهم بوده است.

الگوهای رفتاری که در مناسک زیارتی در اماکن مقـدس از افراد سـر می زند؛ نشان از اعتبار ارزشـی است که در یک جامعه برای آن پدیـده مقـدس قائل هسـتند. در واقع این رسوم معنوی و اخلاقی با توجه به ارزش هایی که در فرهنگ آن جامعه معنا یـافته، قابـل درک است. الگوهـای رفتـاری در زیـارت، به سـبب ارزش هـای والاـی نهـاد دینی در جـامعه در تراز بالای رسوم اخلاـقی جـا دارد و بـا ضـمانت اجرایی صـحیح همراه است و در جامعه شناسـی این الگوی رفتاری با توجه به ساختار فرهنگی برای اعضای آن جامعه معنادار است.

زیـارت و الگوهـای رفتـاری آن به صورت یـک خـط پیوسـتاری از ارزش هـای اجتمـاعی بر روی شخصـیت اجتمـاعی اثر می گذارد؛ در این خط پیوسـتار زیارت به عنوان ارزش اخلاقی نیرومند در افراد مؤمن و معتقد درونی شده است. نقض این ارزش در نزد افراد جـامعه نوعی خطـا و شـرم تلقی می گردد. در این الگوی رفتـاری شـخص تعهـد وجـدانی دارد؛ که آنها را محترم شمارد و جامعه نیز فعالانه شرایط ایفای این تعهد را تأمین می کند. در مقابل افرادی که به این مسأله اهمیت نمی دهند، در آن سوی خط پیوستار مورد نکوهش قرار می گیرند. در این طبقه بندی از ارزش ها، الگوهای رفتاری زیارت برای احترام گذاشتن و انجام دادن با یک فشار وجدانی همراه است، این مسأله درونمایه اخلاق شخصی فرد را می سازد.

زیـارت و الگوهـای رفتاری آن به نوعی از لحاظ کارکردی که در تقویت انسـجام و دین پروری در جامعه اسـلامی دارنـد، از اهمیت در طبقه بندی ارزش های اجتماعی برخوردارند. در جامعه اسلامی برای این که دین باوری و اعتقادات دینی در جامعه تقویت گردد؛ برپـایی مراسم هـا و مناسـک زیـارتی با توجه به مکان و زمان خاص در اماکن مقـدس، تبلیغ و ترغیب می شود. این فرایند در واقع ارزش اجتماعی زیارت را

در جهت انسجام و یگانگی دینی می رساند. در واقع فرایند تشویق و ترغیب افراد جامعه به مشارکت در مراسم های زیارتی و دینی یک پدیده سودمند و مطلوب است.

در این فرایند روابط اجتماعی که از فطرت دینی و از عشق الهی الهام می گیرد؛ بسیار کارساز است. بنابراین زیارت به عنوان ارزش اجتماعی- دینی در قطب پیوستار مثبت دینی با همسازی، همکاری و مانند گردی همراه است.

زیارت و هنجار اجتماعی

هنجار از مفاهیم مرکزی و هسته ای جامعه شناسی است، در کلیه شئون زندگی وجود دارد. هنجار یک نوع شیوه رفتار اجتماعی در فعالیت های مشترك و کنش های متقابل و همچنین زندگی فردی به حساب می آید. هنجارها در تنظیم روابط اجتماعی و ایجاد نظم اجتماعی بسیار مهم هستند. هنجار اجتماعی دارای چند مشخصه است:

«۱. قاعده و استاندارد رفتار اجتماعی(تنظیم روابط اجتماعی، فعالیت مشترك و کنش اجتماعی)، ۲. رعایت کردن اکثریت، ۳. مجازات در صورت عدم رعایت». (۱) زیارت به عنوان یک رفتار دینی از نرم یا مقیاسی برای انجام برخوردار است، که در تنظیم روابط اجتماعی با دیگران بسیار مهم است. این رفتار به صورت معقول مورد قبول اکثریت برای پیروی است؛ بر این اساس چنین پدیده ای در ساختار فرهنگ دینی دارای کارکردهایی در تنظیم روابط اجتماعی و نظم دینی است؛ به این معنی که نظم اجتماعی عامل مؤثری در حیات زندگی افراد می باشد؛ هنگامی که در رفتارهای زیارتی، بایدها و نبایدها رعایت شود، افراد بهتر می توانند نیازهای عاطفی، آرامش، امید، رضایت خاطر، لذت بردن از زیارت، و ... را برآورده نمایند.

این نوع رفتار دینی دارای اهمیت و الزام آوری است؛ به این معنا که در هنگام انجام مناسک زیارتی در اماکن مقدس با توجه به احترامی که برای این فضاها قائل هستیم

۱- آناتومی جامعه، ص ۱۸۲.

باید آداب زیارت را رعایت کنیم؛ این رعایت، نوعی الزام آوری را در هنجارهای زیارتی به عنوان سودمندی و مطلوبی به وجود می آورد، که جزء کارکردهای هنجاری زیارت تلقی می گردد. انجام آداب و مناسک زیارتی در اماکن مقدس نوعی پیروی و همشکلی را به وجود می آورد. این همشکلی، همان چیزی است که دیگران آن را ارزیابی می کنند و برایشان مهم است که ما چگونه رفتارهای زیارتی را انجام می دهیم. این مسأله از دیگر کارکردهای هنجاری مناسک زیارتی است؛ که همان احساس تعلق خاطر ما را به انجام آداب زیارت می رسانند. زیارت در اماکن مقدس نوعی از هنجارهای آداب و رسوم دینی در نظر گرفته می شود.

در جامعه شناسی آداب و رسوم را می توان این گونه تعریف کرد: «مدل های اساسی و مهم رفتار که افراد به اجبار در یک محیط اجتماعی می پذیرند. یا مجموعه رفتارهایی که به صورت عادت در آمده اند و افراد متعلق به یک طبقه به انجام می رسانند و جامعه نیز در ترتیب ارزش هایش، برای آنان معنایی نهان قایل است». (۱) زیارت جزء هنجارهای است که در فضاهای دینی به صورت آداب و رسوم خاص باید اجرا گردد؛ این اجرا در واقع نوعی پیروی و احساس تعلق خاطر به آن گروه وابسته را می رساند.

از بعد دیگر در جامعه شناسی باید زیارت را نوعی هنجار درونی در نظر گرفت؛ این هنجارها درون ما نهادینه و درونی شده اند. زیارت به عنوان هنجاری درونی، خود به خود و با میل و بدون اجبار بیرونی در انسان ها به وجود می آید؛ زیرا این مسأله از فطرت دینی انسان ناشی می گردد. احترام به اماکن مقدس(سلام کردن، تعظیم و احترام گذاشتن، صلوات فرستادن، لباس آراسته و پاک پوشیدن، طهارت داشتن با وضو بودن و ...) جزء هنجارهای درونی زیارت می تواند تلقی گردد. این هنجارهای درونی در زیارت بیشتر نانوشته می باشد و به صورت شفاهی به یکدیگر انتقال یافته

۱- فرهنگ علوم اجتماعی، ص ۲۳۳.

است. بر این اساس «هنجارهای درونی براساس مکانیسم همشکلی به وجود می آید و دارای نیروی پتانسیل بسیار قوی هستند، این نیرو می تواند جامعه را بسازد». (۱) از بعد دیگر در جامعه شناسی، زیارت به عنوان یک هنجار پایدار در رفتارهای دینی که با مناسک و آداب و رسوم خاصی همراه است در هر دینی عمر طولانی یافته است و به صورت یک سنت در فرهنگ آن جامعه در آمده است. مناسک زیارتی حج تمتع- عمره، آداب زیارتی ائمه اطهار علیهم السلام و ... تمام جز هنجارهای پایداری است که از ابتدای بنای دین اسلام مورد توجه قرار گرفته و در فرهنگ شیعه و ایران به صورت سنت اجتماعی و دینی حفظ گردیده است؛ این مسأله به ثبات اجتماعی و انسجام دینی فرهنگ زیارتی در شیعه کمک فراوانی نموده است.

زیارت و نشانه

در هر فرهنگی در ابعاد مختلف آن، علایم و نشانه های مشخصی به طور ملموس و آشکار وجود دارد؛ که بیان کننده واقعیتی اجتماعی یا مجرد را در اعمال و افعال و اندیشه به تصویر می کشد. «نماد عبارت است از یک تصویر، صورت یا علامت و حاوی این ارزش که می تواند مظهر چیزی غیر مادی شود. نماد با واقعیت اخلاقی و یا واقعیت مربوط به جهان اندیشه که برای نشان دادن آن پدید آمده، به جهت معنایی و یا از طریق ارتباطی مبتنی بر شباهت طبیعی پیوند می یابد. نمادها، از نقطه نظر جامعه شناسی، از آن رو که بیان کننده معنایی هستند، مورد قبول جامعه اند و از جانب آن به رسمیت شناخته شده، به عنوان مظاهری ملموس(در معنای اول) به حساب می آیند. در واقع، برای آن که نمادها در جریان ارتباطهای انسانی، ارزش یابند، باید از نظر اجتماعی مورد پذیرش همگان باشند.» (۲) زیارت در فرهنگ دینی یکی از نمادهای ملموس و آشکار دین باوری و هویت

۱- درآمدی بر جامعه شناسی، ص ۲۳۳.

۲- فرهنگ علوم اجتماعی، ص ۴۱۴.

دینی هر جامعه ای محسوب می گردد. در واقع نماد زیارتی، واقعیتی دینی است که به صورت انتزاعی در قالب الفاظ و متون خاص آن فضا و شخصیت تدوین شده است.

از سوی دیگر دارای نمادها و نشانه های عملی است که با انجام دادن آن افراد پایبندی و هویت دینی خود را تثبیت تر می کنند. در واقع زیارت در قالب نماد و نشانه های دینی حاوی ارزش های اخلاقی و اجتماعی است؛ و نشانگر فرهنگ معنوی در جامعه می باشد. زیارت در قالب نمادهای اخلاقی و یا واقعیت مربوط به جهان اندیشه دینی را که برای نشان دادن آن پدید آمده؛ به جهت معنایی اجتماعی و یا از طریق ارتباط مبتنی بر شباهت طبیعی شکل گرفته است.

زیارت در قالب نمادهای جامعه شناختی، بیان کننده معانی ای هستند که مورد قبول جامعه می باشند؛ این نمادها از طرف جامعه به رسمیت شناخته شده و مورد پذیرش همگان قرار گرفته اند. زیارت به عنوان نماد جمعی و دینی برای بیان ارزش ها و باورهای مذهبی یک گروه به عنوان یک کل به حساب می آید.

زیارت و انسان شناسی

انسان شناسی شاخه ای از علوم اجتماعی است که به کلیت فرهنگ انسانی توجه می کند و از این رو انسان را در تمام ابعادش مورد مطالعه قرار می دهد. زیارت جزء پدیده های انسان شناسی دینی قرار دارد. انسان شناسی یکی از قدیمی ترین شاخه های انسان شناسی فرهنگی است. «انسان شناسی دینی را می توان بخشی از انسان شناسی نمادین دانست که تمامی ابعاد نمادین زبان، هنر و فرهنگ را پوشش می دهد.

انسان شناسی دینی، انسان را به مثابه موجودی مورد مطالعه قرار می دهد که با آنچه خود با مافوق طبیعی یا امر قدسی می پندارد، وارد رابطه شده و از خلال این رابطه دست به ساختن و دگرگون ساختن نمادها می زند». (۱) زیارت به عنوان عنصر دینی در

۱- درآمدی بر مبانی انسان شناسی، ص ۲۴۸.

فرهنگ هر جامعه ای به صورت امر اجتماعی کارکردهایی به همراه دارد، این کارکردها در قالب انسان شناسی و جامعه شناسی دینی قابل تحقیق و بررسی است.

این امر اجتماعی در بعد روانی با آرامش و رضایت خاطر و امید و ... همراه است.

هنگامی که مؤمنان در فضاهای قدسی قرار می گیرند و با خدای خود با خواندن متون زیارتی ارتباط برقرار می کنند، به نوعی رضایت خاطر و آرامش روحی کسب می نمایند. در بعد اجتماعی زیارت با تقویت دین پروری و انسجام و همبستگی اجتماعی روبه رو است؛ افراد با شرکت در مراسم های زیارتی و انجام دادن اعمال و آداب و رسوم زیارتی در زمان و مکان قدسی خاص به نوعی روحیه جمعی و وجدان جمعی شان را در جهت اتحاد و انسجام با یکدیگر بودن و پایبند بودن به معتقدات دینی مستحکم تر می کنند.

زیارت در قالب انسان شناسی دینی جزء مناسک جمعی هر فرهنگی محسوب می شود. «واژه منسک خود ریشه ای مذهبی دارد و به مجموعه ای از اعمال تکرارپذیر، رمزگذاری شده و اغلب رسمی اطلاق می شود که برای دست یافتن به اهدافی مشخص به صورت کلامی، یا با حرکات و موقعیت های کالبدی بسیار نمادین و با تکیه بر اعتقاد و به قدرت عمل موجودات یا نیروی های قدسی انجام می گیرند، نیروهایی که انسان تلاش می کند با آنها وارد رابطه شود». (۱) زیارت در واقع در حوزه مناسک مربوط به رابطه انسان با خدا می باشد. در این رابطه حوزه نیایش مطرح است که در این حوزه متخصصان دینی حضور مستمر در تدوین و تهیه و تقویت مناسک زیارتی را دارند. در واقع مناسک زیارتی به صورت کلامی و عملی، نوعی رابطه با نظم دینی را برقرار می کنند. مناسک زیارتی در اماکن مقدس یک نوع حالت گذار یا تغییر را به همراه دارد. «این مناسک به باور وان جنپ در لحظه های حساس زندگی

۱- همان، ص ۲۴۸.

انسان که گذار از یک وضعیت به وضعیت دیگر انجام می گیرد، به منظور تثبیت این گذار انجام می گیرند. وان جنپ در مناسک گذار سه مرحله قابل تفکیک را مشاهده کرد: نخست، مرحله «گسست» یا «پیش گذار» که فرد از موقعیت یا وضعیت قبلی خود جدا می شود. دوم، مرحله «گذار» یعنی مرحله ای که فرد از حالت قبلی جدا شده، اما هنوز به موقعیت جدید وارد نشده است؛ و سرانجام سوم، مرحله «پیوند دوباره» یا «پسا گذار» که در آن فرد به موقعیت یا وضعیت ثانوی خود وارد شده و در آن پذیرفته شده است. (۱) در مناسک زیارتی، مؤمنانی که به مکه معظمه و مدینه منوره و یا کربلای معلا و ...

مشرف می شوند، دارای چنین حالتی هستند؛ در مرحله اول که هنوز به آن جا مشرف نشده اند، در زندگی و حالات درونی شان شکاف و بی نظمی مشاهده می شود.

احساس و اندیشه آنها معطوف دیدار معشوق است؛ پس در حالت گسست قرار دارند. هنگامی که آماده رفتن به سمت زیارتگاه هستند، زندگی روزمره را فراموش می کنند و عطش آنان برای زیارت بیشتر می شود. این همان مرحله دوم است. سومین مرحله زیارت معبود است که پیوندی دوباره و نظمی جدید در خود به وجود می آورند و خود را با این نظم تطبیق می دهند. بر این اساس مناسک زیارتی به عنوان نظم جدید، در زندگی معنوی و اعتقادی و نیز در تقویت و انسجام دینی و هویت اخلاقی افراد بسیار تأثیرگذار است.

زیارت به عنوان نمادهایی از فرهنگ دینی در انسان شناسی نمادین قابل بررسی است. «انسان شناسی نمادین و تفسیری گرایشی است که عمدتاً درون انسان شناسی فرهنگی به وجود آمده است. و به طور کلی از این باور حرکت می کند که فرهنگ مجموعه ای از معانی است که از خلال نمادها و نشانه ها درک و تفسیر می شود و

۱- تاریخ اندیشه ها و نظریات انسان شناسی، ص ۲۶۱.

بنـابراین برای درک آن بایـد ابتـدا به سـراغ تحلیـل این نمادها رفت». (۱) زیـارت به عنـوان مجموعه ای از فرهنـگ معنوی در جـامعه دارای نمادهـا و نشـانه هـای اخلاقی و اجتمـاعی است؛ بایـد این نشانه ها را در متون و مناسک زیارتی تحلیل و تفسیر نمود. از بعـد انسـان شناسـی، فراینـد دینی زیـارت علاوه بر امر اجتماعی و قدسـی، امری است که دارای مناسک و اعمال می باشد. باید در این بعد فرد و گروه اجتماعی که به انجام این مناسک می پردازند و در شـرایط روحانی و دراماتیک قرار دارند؛ نشانه های دینی، اخلاقی و اجتماعی آنها را تفسیر کرد. در این بعد از بررسـی انسان شـناختی، زیارت، باید شبکه های معنایی که از خلال نمادها و نشانه ها شـکل می گیرنـد و با یکـدیگر ارتباط برقرار می کننـد و فرآینـدهایی را برای درک و محیط و جهان بیرونی برای فرد و گروه ایجاد می کنند مطالعه کرد.

از بعـد دیگر در انسـان شناسـی، زیـارت، در قـالب انـدیشه انسان شـناختی هم قابل بررسـی است. «این شاخه از انسان شناسـی، فرهنـگ را به مثابه مجموعه ای از ذهنیت ها، ارزش ها، تصاویر و احساس ها در نظر می گیرد که در ذهن انسان پرداخته شـده و به صورت ابزاری به وسـیله او برای انجـام دادن فعـالیت هـای اجتمـاعی اش به کـار گرفته می شود. بنـابراین در این شاخه از انسـان شناسـی، هـدف آن اسـت که محتـوای شـناخت انسـان هـا از جهـان بیرونی، فراینـدهای این شـناخت، رابطه شـناخت، با رفتارهـای اجتمـاعی و میزان اشتراک شـناخت در بین انسـان ها در یک جامعه و در جوامع مختلف، مورد مطالعه قرار گیرنـد». (۲) زیارت در این بعـد از فرهنگ دینی در قالب برداشت ها و نگرش ها می توانـد مورد مطالعه قرار گیرد؛ در واقع افرادی که به اماکن مقدس(مکه، مدینه و ...) مشرف می شوند و مدتی برای زیارت در آن جا حضور دارند، چه تصویر و ذهنیتی از این

۱- همان، ص ۲۵۱.

۲- همان، ص ۲۴۱.

فضاهای قدسی دارند. از سوی دیگر چگونه می توانند احساسات درونی خود را در هنگام زیارت برای دیگران بیان کنند. در واقع این شاخه از انسان شناسی درباره زیارت، به بررسی شناخت رفتارهای اجتماعی و میزان اشتراک شناخت نگرش ها و احساسات از زیارت می پردازد.

نتیجه گیری

زیارت به عنوان یک پدیده دینی در فرهنگ معنوی هر جامعه ای از اهمیت اعتقادی، اخلاقی و والایی برخوردار است. زیارت از بعد نیاز اجتماعی در یک جامعه انسانی به صورت جمعی، نقش مؤثری در برقراری ارتباط میان اعضا دارد. زیارت به عنوان یک واقعیت دینی در اندیشه های اسلامی به برقراری رابطه بین رفتار اجتماعی و دینی معنا می دهد. این پدیده با یک زبان احساسی و خشوع و خضوع همراه است و از بعد کارکردگرایی قابل بررسی می باشد. در واقع زیارت در این مفهوم پدیده ای ایده آل است که با نتایج مناسب و مطلوب و سودمند منجر به تقویت بنیادهای دینی در جامعه می گردد. زیارت با یک نوع نیاز به عزت نفس و احترام همراه است، که به صورت معنوی در انسان همیشه وجود دارد.

زیارت به عنوان یک فعالیت مشترک در میان گروه های مذهبی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. تمام زایران در اماکن مقدس با زیارت کردن به دنبال طلب سعادتمندی و گره گشایی می باشند. این پدیده در اندیشه های اسلامی موجب تحریک احساسات عاطفی و انسانی و تقویت انسجام و وحدت می گردد؛ و نیز ابزاری برای بیان احساسات جمعی و گروهی است. وجود گروه های زیارتی به نوعی مرتبط با خصوصیات گروه های نخستین است؛ در این گروه ها زیارت کردن به عنوان هدف و منبع مهمی در تأمین احساس و آرامش خاطر فرد محسوب می شود. زیارت در گروه های اجتماعی نخستین با نوعی صمیمیت و وفاداری و فاصله اجتماعی نزدیک بین افراد همراه است. این پدیده باعث پیوندهای عاطفی نزدیک و محکم

می شود؛ چون در این گروه ها هدف معنوی است، خصایص خوب و مثبت انسان ها رشد بسیاری می کنند.

در واقع زیارت یک الگوی رفتار دینی است که در هر فرهنگی با توجه به ساختار آن به صورت های متنوع یافت می شود. زیارت به عنوان یک عنصر فرهنگ معنوی در هر جامعه ای با توجه به ساختار دینی آن جامعه تولید می شود؛ و به صورت هنجار خاص از طرف افراد آن جامعه در ساختار فرهنگی رشد می کند؛ و سینه به سینه انتقال و اشاعه پیدا خواهد کرد. زیارت به عنوان یک عنصر از فرهنگ دینی، صورت عام دارد؛ و در تمام ادیان الهی مشاهده می گردد؛ و در هر جامعه ای با توجه به ساختار فرهنگی از مناسک و آداب و رسوم معنوی خاصی برخوردار است. زیارت دارای خصوصیت فرهنگی، اکتسابی است؛ از طریق مناسک و آداب و رسوم و متون خاص می توان آن را به دیگران آموزش داد. زیارت در واقع بخشی از اعتقادات و گرایشات مذهبی و هنجارهای دینی هر جامعه ای است که از همان اوان کودکی به فرد آموزش داده می شود. در واقع آموزش هنجارها و ارزش های زیارتی از همان دوران خردسالی در هر جامعه ای نوعی انتقال فرهنگ معنوی محسوب می شود. از طریق آموزش، زیارت کردن و ... انسان ها هویت دینی خود را کسب می کنند. در کسب این هویت، خانواده، مدرسه، رسانه های همگانی، از طریق برگزاری مراسم های زیارتی نقش بارزی دارند. فرایند جامعه پذیری زیارت از لحاظ عینی، آن است که جامعه فرهنگ معنوی خود را از نسلی به نسل دیگر انتقال داده است؛ و فرد را با شیوه های پذیرفته شده و تأیید شده زندگی سازمان داده است.

از بعد ذهنی، اجتماعی شدن از طریق زیارت، فرایندی است که فرد خود را با آرمان های دینی و اخلاقی که در محیط اجتماعی اش نقش مؤثر دارند، سازگاری می دهد. زیارت به عنوان یک پدیده جامعه شناختی در فرهنگ دینی، عملی مطلوب و سودمند برای افراد در جهت ابراز احساسات عاطفی، آرامش، امید، رضایت خاطر و

لـذت بردن بـه کـار می رود. ایـن پدیـده از نظر اخلاقـی ریشه در احـترام به مقـدسات و اعتقـادات را داشـته؛ جزء ارزش هـا و معیارهـایی است که به فرهنـگ دینی معنـا می بخشـد. این ارزش اجتمـاعی- دینی در میـان تمـام افراد مـؤمن و معتقـد به خـدا مشترک می باشـد، اکثر افراد جـامعه در بـاره اهمیت آن به توافق رسـیده انـد؛ این توافق به نوعی وفـاق اجتماعی به حساب می آید.

از سوی دیگر زیـارت به عنوان ارزش اجتمـاعی یـک نوع قضـاوت جمعی است؛ به این معنـا که ارزیـابی جمع کـثیری از افراد مؤمن و معتقـد به دین، به پدیـده زیـارت، از طریق خوانـدن زیـارت و احترام گذاشـتن است. زیارت و الگوهای رفتاری آن به صورت یک خط پیوسـتاری از ارزش های اجتماعی بر روی شخصـیت اجتماعی اثر می گذارد؛ در این خط پیوسـتار زیارت به عنوان ارزش اخلاقی نیرومنـد در افراد مؤمن و معتقـد درونی شده است. نقض این ارزش در نزد افراد جامعه نوعی خطا و شـرم تلقی می گردد. این پدیده به عنوان یک رفتار دینی از نرم یا مقیاسـی برای انجام برخوردار است، که در تنظیم روابط اجتماعی بـا دیگران بسیار مهم است. این رفتـار به صـورت معقول مورد قبول اکـثریت است؛ بر این اسـاس چنین پدیـده ای در ساختـار فرهنـگ دینی دارای کارکردهـایی در تنظیـم روابـط اجتمـاعی و نظـم دینی دارد. هنگـامی که در رفتارهـای زیـارتی بایـدها و نبایـدها رعایت شود، افراد بهتر می تواننـد نیازهای عاطفی، آرامش، امیـد، رضایت خاطر، لذت بردن از زیارت، و ... بر آورده نمایند.

زیارت به عنوان هنجاری درونی، خود به خود و با میل و بدون اجبار بیرونی در انسان ها به وجود می آید؛ زیرا از فطرت دینی انسان ناشی می گردد. احترام به اماکن مقدس جزء هنجارهای درونی زیارت می تواند تلقی گردد.

زیارت در فرهنگ دینی یکی از نمادهای ملموس و آشکار دین باوری و هویت دینی هر جامعه ای محسوب می شود. در واقع نماد زیارتی واقعیتی دینی است که به صورت انتزاعی در قالب الفاظ و متون خاص آن فضا و شخصیت تدوین شده است؛

زیارت در قالب نمادهای جامعه شناختی، بیان کننده معانی ای هستند که مورد قبول جامعه باشند؛ زیارت به عنوان نماد جمعی و دینی برای بیان ارزش ها و باورهای مذهبی یک گروه به عنوان یک کل به حساب می آیند. این پدیده به عنوان عنصر دینی در فرهنگ هر جامعه ای به صورت امر اجتماعی کارکردهایی به همراه دارد، این کارکردها در قالب انسان شناسی و جامعه شناسی دینی قابل تحقیق و بررسی است.

زیارت به عنوان مجموعه ای از فرهنگ معنوی در جامعه، دارای نمادها و نشانه های اخلاقی و اجتماعی است؛ باید این نشانه ها را در متون و مناسک زیارتی تحلیل و تفسیر نمود.

از بعد انسان شناسی، فرایند دینی زیارت علاوه بر امر اجتماعی و قدسی، امری است که دارای مناسک و اعمال می باشد. زیارت در واقع در حوزه مناسک مربوط به رابطه انسان با خدا قرار دارد. در این رابطه زیارت در حوزه نیایش قابل بررسی است؛ در واقع مناسک زیارتی به صورت کلامی و عملی، نوعی رابطه را با نظم دینی برقرار می کنند. از بعد دیگر در اندیشه انسان شناسی زیارت در قالب برداشت ها و نگرش های افراد می تواند مورد مطالعه قرار گیرد؛ از سوی دیگر بررسی احساسات درونی در هنگام زیارت برای بیان کردن قابل بررسی است.

فهرست منابع

۱. آناتومی جامعه، فرامرز رفیع پور، سهامی نشر، تهران، ۱۳۷۸.

۲. انسان شناسی عمومی، عسگری خانقاه، شریف کمالی، محمد اصغر، سمت، تهران، ۱۳۸۰.

۳. تاریخ اندیشه ها و نظریات انسان شناسی، ناصر فکوهی، نی، تهران، ۱۳۸۱.

۴. درآمدی بر جامعه شناسی، بروس کوئن، ترجمه محسن ثلاثی، معاصر، تهران، ۱۳۸۰.

۵. درآمدی بر جامعه شناسی، بروس کوئن، ترجمه غلام عباس توسلی رضا فاضل، سمت، تهران، ۱۳۸۲.

۶. درآمدی بر مبانی انسان شناسی، کلود ریویر، ترجمه ناصر فکوهی، نی، تهران، ۱۳۷۹.

۷. فرهنگ علوم اجتماعی، آلن بیرو، ترجمه باقر ساروخانی، کیهان، ۱۳۷۵.

۸. مبانی جامعه شناسی، عبدالحسین نیک گهر، رایزن، تهران، ۱۳۷۵.

۹. مفاهیم کلیدی جامعه شناسی، منصور قنادان و همکاران، آوای نور، تهران، ۱۳۷۵.

۱۰. مقدمات جامعه شناسی، منوچهر محسنی، دوران، تهران، ۱۳۷۸.

۱۱. نظریه های جامعه شناسی، غلام عباس توسلی، سمت، تهران، ۱۳۷۷.

۱۲. نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر، جرج ریتزر، ترجمه محسن ثلاثی، علمی، تهران، ۱۳۷۷.

ص: ۴۷۶

سفید

بخش سه: نقد و بررسی شبهات زیارت

۱. زیارت، سنت یا بدعت

اشاره

محمدحسن شریعت زاده خراسانی

چکیده

نویسنده ابتدا به بیان معنای لغوی و اصطلاحی زیارت پرداخته و سپس اشاره ای نموده به زیارت در منظر تاریخ اسلام. آن گاه زیارت را از دیدگاه قرآن و حدیث مورد بررسی قرار داده و احادیثی از منابع اهل سنت درباره جواز زیارت نقل کرده است.

فصل دوم این نوشتار پاسخ به شبهاتی درباره زیارت است که از سوی برخی منحرفان مطرح شده است، مبنی بر این که زیارت بدعت می باشد. نگارنده برای پاسخ به اشکال مذکور، نخست بدعت را از نظر لغت و اصطلاح معنی کرده و به عنوان نمونه به صلاه تراویح اشاره نموده و سرانجام به اثبات این موضوع پرداخته که زیارت، سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بوده و طبق دستور قرآن بر مسلمانان لازم است که از سنت آن حضرت پیروی نمایند. سپس با بحث درباره جایگاه اهل بیت و امام به عنوان حافظ دین مقاله پایان می پذیرد.

کلیدواژه ها: زیارت، سنت، بدعت، قرآن، حدیث.

پیشگفتار

زیارت درک حضور محضر اولیای الهی است. زیارت حضوری از روی اراده در مشاهد مشرّفه است. یعنی زایر با شوقی عظیم از کوی خود حرکت می کند تا بر آستان جانان صورت نهد. این خضوع و تواضع فقط در برابر حق جایز است و آنچه که عنوان الهی حجت اللّٰه بر او صدق کند. نوع ارتباط قلبی و شاهد آن، چشمانی اشک آلود و مشتاق است. حقیقت زیارت نه فقط قلب خاشع و چشمانی اشکبار

است، بلکه فرازهایی والاتر از این عرصه خاکی باید رفت و آن معرفت و شناخت امام است، زیرا آنها مصادیق بارز جلوه الهی هستند که در معرفی آن پاکان، خدای عزوجل فرموده است: «يأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ اتَّقُواْ اللَّهَ وَ كُونُواْ مَعَ الصدِقِينَ». (۱)

با این توصیف می توان درک کرد که دستور به خواندن زیارتنامه مأثور و وارد از خاندان عصمت و طهارت است، زیرا «اهل البیت ادری بما فی البیت» و چون: «کلامکم نور و أمرکم رشد». آنچه می گویید چه در مشاهد مشرّفه و چه در مکان های دیگر با اراده الهی خودتان سخن می رانید: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا». (۲)

این زیارت ا ز آدم علیه السلام تا خاتم صلی الله علیه و آله مورد سفارش بوده است و خودشان اهل حضور و درک محضر زیارت بودند. از آن جایی که در این ایام شبهات گوناگونی به این بحث مهم وارد کردند، آن هم از جانب کسانی که خود را به ظاهر پیرو واقعی شریعت مقدس و در خط نبی اکرم می دانند، لازم به نظر آمد این مسأله با دقت بیشتری مورد نظر قرار گیرد.

معنای لغوی و اصطلاحی زیارت

زیارت از ریشه زور، به معنای میل و عدول از چیزی به چیز دیگر است و ظاهراً دروغ را از همین باب قول الزور می گویند، زیرا منحرف از حق گردیده است. (۳) و زایر را از آن جهت زایر گویند که هنگامی که به زیارت تو آمد، از غیر به تو عدول کرده و شده است زایر و لذا بعضی از اهل فن زیارت را به معنای قصد و توجه گرفته اند. مانند صاحب المصباح المنیر در ماده زور.

قرآن کریم خود نیز همواره از منابع اصلی ادبیات عرب بوده و هست و ظاهراً تنها موردی که در قرآن از واژه زیارت استفاده شده است، در سوره تکاثر است:

۱- سوره توبه، آیه ۱۱۹.

۲- سوره احزاب، آیه ۳۳.

۳- مقاییس اللغه، ج ۳، واژه زور.

«أَلْهَلكُمُ التَّكَاثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ» (۱)

شأن نزول قرآن در مورد فخرفروشی دو طایفه بنی عبد مناف و بنی السهم بن عمرو به یکدیگر بوده است که بنی عبد مناف پیروز شدند و بنی سهم برای جبران شکست خود گفتند: از طایفه ما در قدیم بر اثر ستم و ظلم از بین رفتند، از این رو به قبرستان ها رفتند و به شمارش قبرهای قوم و قبیله خویش پرداختند. (۲) در واقع این واژه به طور دقیق به معنای ملاقات است. یعنی قرآن هم همین معنی را مورد تأیید قرار می دهد و می فرماید: آنها به سراغ و یا به دیدن و دیدار کردن و ملاقات قبرهای قوم خود رفتند.

زیارت در اصطلاح دقیق ملاقات کردن و دیدن و دیدار کردن از مشاهد مشرّفه، اعم از قبور اولیای الهی و مساجد و مکان های مورد عبادت حضرت حق جلّ و علا را زیارت گویند. زیارت حضور در مشهد است و تجلیل و تکریم شهید، یعنی جان باخته در راه خدا و زنده به حیات ابد. (۳)

زیارت در بُعد تاریخی

پایه گذار زیارت قبور مسلمانان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می باشد؛ که کتب سیره به گونه مبسوط آن را آورده اند. لازم به تذکر است این نمونه ها که تعدادی از آنها بیان می شود، معنای واقعی واژه سنت است. در صفحات آینده که این واژه را دقیق معنا می کنیم، تطبیق آن بر افعال خاص و عام رسول مکرم اسلام به وضوح قابل رؤیت است.

الف) سال ششم از هجرت نبوی سال صلح حدیبیه است که پیامبر در بین راه مدینه و مکه در قریه ابواء بر سر قبر مادر خود جناب آمنه بنت وهب آمد و جالب این که بنا بر تصریح محمد بن سعد صاحب طبقات رسول خدا گریست و بر مرمت و تجدید بنای آن قبر پرداخت (۴) که جناب شیخ مفید اعلی اللّٰه مقامه نیز ناقل این خبر است و همچنین پس از حجه الوداع در سال دهم هجرت به زیارت قبر مادر شتافت

۱- سوره تکاثر، آیه ۱ و ۲.

۲- تفسیر صافی، ج ۵، ص ۳۶۹.

۳- شوق دیدار، ص ۱۸.

۴- بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۴۴۱.

و در ابواء کنار مزار پاکش با تجدید خاطرات کودکی و یتیمی و دوران محنت بی مادری، آن رسول رحمت و شفقت در آن مکان گریست. (۱) ب) سال سوم از هجرت نبوی سالی دردناک برای رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، زیرا یکی از جنگ های پیامبر اکرم در آن سال روی داد، این جنگ در نزدیکی شهر مدینه و در کنار کوه احد واقع شد. در جریان این نبرد جناب حمزه، عموی رسول خدا با هفتاد تن از مسلمانان به شهادت رسیدند.

از روزی که خبر شهادت جناب حمزه به رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید، تا زنده بود همگان را تشویق به زیارت مرقدش در احد می کرد و همواره به اهل بیت خویش، مخصوصاً صدیقه حضرت فاطمه علیها السلام زیارت قبر جناب حمزه را تأکید می کرد.

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که حضرت فاطمه علیها السلام قبر حمزه را زیارت می کرد و آن را مرمت و اصلاح می نمود و با نهادن سنگی بر آن نشان می گذاشت. یحیی بر این خبر می افزاید: بعد آن جا نماز می خواند و دعا می کرد و می گریست و این برنامه بود تا زمانی که آن بانو وفات یافت. (۲) حاکم نیز همین خبر را از قول امام علی بن ابی طالب علیه السلام آورده و می گوید:

فاطمه علیها السلام هر جمعه قبر عمویش حمزه را زیارت می کرد. (۳) از جمله دیگر اخبار این که رسول خدا در کنار قبور شهدای احد زیارتنامه می خواند، می فرمود: «سَلمٌ عَلَيْكُم بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ» (۴)

راوی این روایت می گوید: ابوبکر و عمر و عثمان هم به زیارت شهیدان احد می شتافتند. (۵) ج) مسأله زیارت قبر رسول خدا که روایت در باب زیارت آن بقعه شریف و آن مسجد نورانی از حد تواتر در بین فریقین افزون گشته است.

۱- دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، مدخل ابواء.

۲- وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۹۳۳.

۳- همان.

۴- سوره رعد، آیه ۲۴.

۵- وفاء الوفاء ج ۳، ص ۹۳۳.

عبـداللَّه بن عمر از رسول خـدا نقـل می کنـد: «من جائنی زائراً لا تحمله إلّازیارتی کان حقّاً علیّ انه أکونَ له شـفیعاً یوم القیامه. (۱) علامه امینی رحمه الله این حدیث را از شانزده تن از محدثان و حفاظ اهل سنت نقل می کند و می افزاید: چهل و یک نفر از علمای عامه از عبداللَّه بن عمر نقل کرده اند که رسول خدا فرمود:

«من زار قبری وجبت له شفاعتی». (۲)

امینی افزون بر این روایت بیست روایت دیگر از منابع اهل سنت نقل کرده است.

صاحب کامل الزیارات جناب ابن قولویه رحمه الله روایات متعددی در این باب از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله ذکر می کند که این مجال فرصت ذکر آنها نیست. (۳) از جمله: عن صفوان بن سلیم عن ابیه عن النبی صلی الله علیه و آله: قال:

«من زارنی فی حیاتی أو بعد موتی کان فی جواری یوم القیامه» (۴)

سمهودی در وفـاء الوفاء نقل می کنـد که از جمله افرادی که برای زیارت پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله سـفر کرده، بلال بن ریاح حبشـی، مؤذن آن حضرت می باشد که ابن عساکر با سندی صحیح آن را نقل نموده و علتش را خوابی می داند که بلال دیده بوده، او رسول خدا را در رؤیا می بیند که خطاب به وی می فرماید: ای بلال این جفا چیست؟ آیا وقت آن نرسیده که به دیـدارم آیی؟ بلال ترسان و غمگین بر مرکبش سوار شـد و از شام قصـد مدینه کرد. چون به مرقد مطهر رسـید، صورتش را بر قبر نبی اکرم می مالیـد و می گریست و درد دل می کرد تـا حسن و حسـین علیهمـا السـلام به سویش رفتنـد او آن دو را در بر گرفته می بوسید. (۵)

آداب زیارت

فخر المحدثین شـیخ عباس قمی در مقدّمه کتاب زیارت(باب سوم کتاب) نکات مهم و برجسته ای را ذکر می کند که بیان می کنیم.

۱. داشتن طهارت(وضو و غسل).

۱- الغدیر، ج ۵، ص ۹۷.

۲- همان، ص ۹۳.

۳- کامل الزیارات باب ۲، ص ۴۰.

۴- التهذیب، ج ۶، ص ۳؛ المقنعه، ص ۷۱.

۵- وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۵۵.

۲. لباس پاک و معطر پوشیدن، ظاهراً در زیارت حضرت سید الشهدا معطر کردن بدن و لباس لازم نیست، بلکه مستحب است با همان غبار راه که بر سر و روی زایر نشسته وارد حرم مطهر و حایر حسینی شود.

۳. زبان را با ذکر الهی نورانی کردن.

۴. داشتن وقار و خضوع ظاهر و باطن.

۵. اذن دخول خواندن.

۶. سجده به پیشگاه الهی از این که نعمت زیارت اعتاب مقدسه و مشاهد مشرّفه نصیب او شده است.

۷. ذکر تکبیر و اللّٰه اکبر گفتن هنگامی که قبر مطهر را دید که جلوگیری از مبالغه می نماید.

۸. زیارات مأثوره یعنی منقول از ائمه معصومین را بخواند و از غیر آن بپرهیزد.

۹. هنگام زیارت با صدای خود و یا با کیفیت نشستن و یا راه رفتن و یا در ازدحام جمعیت نزد ضریح مطهر رفتن، مزاحمت برای دیگر زایران به وجود نیاورد.

۱۰. دو رکعت نماز زیارت بخواند و دعاهای بعد از زیارت را فراموش نکند و به برادران و خواهران و به ویژه حق داران خود دعا کند و از آنچه درخواست دارد در پیشگاه خدا غفلت نکند.

۱۱. در خواندن قرآن مجید به قدر توان و به ویژه نماز اول وقت در حرم مطهر دقت فراوان کند.

قرآن و زیارت

قرآن برای زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله شرایطی را برای مؤمنین بیان می کند، از جمله:

۱. اذن گرفتن: «يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ لَاتَدْخُلُواْ بُيُوتَ النَّبِيّ إِلَّآ أَن يُؤْذَنَ لَكُمْ» (۱)

یعنی مؤمنین

۱- سوره احزاب، آیه ۵۳.

را موظّف می کند که موقع ورود به خانه رسول خدا اجازه و اذن بگیرند.

۲. در حضور رسول خدا ادب سخن را رعایت کردن و صدای خود را بلند نکردن: «یأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ لَاتَرْفَعُواْ أَصْوَ تَکُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِیّ وَ لَاتَجْهَرُواْ لَهُ و بِالْقَوْلِ کَجَهْرِ بَعْضِکُمْ لِبَعْضٍ». (۱)

۳. زینت کردن و پاک بودن هنگام زیارت: «یبَنِی ءَادَمَ خُذُواْ زِینَتَکُمْ عِندَ کُلّ مَسْجِدٍ». (۲)

این حکم مطلق است و عام و صاحب وسائل بنابر نقل مرحوم علامه طباطبایی در المیزان روایاتی در استحباب غسل در زیارت هر امام از این آیه می آورد.

۴. احترام فوق العاده به بیوت وحی و خاندان پاک آنها. «فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَن تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ و یُسَبّحُ لَهُ و فِیهَا بِالْغُدُوّ وَ الْأَصَالِ». (۳)

۵. صلوات بر رسول خدا. «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلئکَتَهُ و یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیّ یأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَیْهِ وَ سَلّمُواْ تَسْلِیمًا». (۴)

که طبیعتاً بهترین مکان جهت اجرای این دستور الهی، مضجع شریف نبوی صلی الله علیه و آله است و در روایات صلوات کامل دستور داده شده مبنی بر رسول خدا و آل پاک او. (۵)

روایات و زیارت

در روایات منقول از خاصه و عامه آمده است که مسأله زیارت مورد تأکید شخص رسول خدا و ائمه هدی می باشد. مثلًا «عن علی بن ابی طالب علیه السلام قال: قال رسول اللَّه صلی الله علیه و آله: من زارنی بعد وفاتی کان کمن زارنی فی حیاتی و کنت له شهیداً و شافعاً یوم القیامه». (۶) برای روشن تر شدن عنوان کلی بحث، روایتی از جناب ابوایوب انصاری صحابی رسول خدا بیان می کنیم، بنا بر نقل مرحوم علامه امینی که در الغدیر ذکر می کند و سند

۱- سوره حجرات، آیه ۲.

۲- سوره اعراف، آیه ۳۱.

۳- سوره نور، آیه ۳۶.

۴- سوره احزاب، آیه ۵۶.

۵- المیزان، ج ۱۶، ص ۳۶۶؛ مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۶۹.

۶- بحارالأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۴۲.

آن را مستدرک حاکم و ذهبی در تلخیص خود آن را صحیح می دانند؛ روایتی که داوود بن ابی صالح راوی آن است این گونه است.

روزی مروان در مسجد پیامبر بود، دید مردی صورت بر قبر مطهر نبوی نهاده است. گردنش را گرفت و گفت: می دانی چه می کنی؟ زایر به سوی مروان برگشت، او ناگهان مطّلع شد که صحابی محبوب و بزرگ رسول خدا جناب ابو ایوب انصاری است. گفت: آری چون نزد سنگ نیامدم و پیش رسول خدا آمدم.

آن گاه این صحابی جمله ای بس ارزشمند در علل انحطاط جامعه مسلمین از رسول خدا نقل کرد و گفت: از رسول خدا شنیدیم که می گفت: «لا تبکو علی الدین إذا ولیه أهله و لکن ابکوا علی الدین إذا ولیه غیر أهلیه». (۱) زمانی که انسان های درستکاری بر دین ولایت یافتند گریه نکنید برای این دین، بلکه بگریید بر آن زمانی که غیر اهل بر دین خدا دست یافتند. علامه امینی در شرح و بیان این روایت می فرماید: این روایت به ما می گوید که منع از توسل به قبرهای پاک اهل البیت همانا از بدعت هایی است که امویان از زمان صحابه برپا کردند و کسی تاکنون این را جایی نیافته که کسی به این قبر طاهر متوسل شود و اموی زاده ای او را منع کند، فقط و فقط این کار این خانواده است. (۲)

سنت یعنی چه؟

ما در علم منطق آموختیم که ابتدا موضوع و تعریف دقیق آن را بیان کنیم تا بدون خدشه علمی بحث گسترش یابد. اکنون ببینیم سنت یعنی چه؟

صاحب مجمع البحرین که از کتب مهم لغت است در تعریف سنت می گوید: سنت در لغت طریقه و سیره است و جمع آن سنن است. و در اصطلاح راه و روش نبی اکرم صلی الله علیه و آله

۱- الغدیر، ج ۵، ص ۱۴۸؛ وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۵۹.

۲- الغدیر، ج ۵، ص ۱۴۹.

اعم از قول و فعل و تقریر آن بزرگوار، چه اصالتاً و یا نیابتاً که این را سنت می گویند. (۱) لسان العرب نیز در تعریف لغوی و اصطلاحی آن می گوید: اصل در این لغت(سنت) به معنی طریقت و سیره است و در اصطلاح هنگامی که در شرع سخن از سیره و سنت می آید، مراد از سنت آنچه را که نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله به آن امر کرده و یا نهی کرده و یا آن را نیکو و مستحب شمرده چه از قول و چه از فعل آن حضرت فهمیده شود، در مواردی که قرآن کریم به آن نپرداخته است و لذا در ادله شرع گفته شده است الکتاب و السنه یعنی قرآن و حدیث. (۲)

سنت در زیارت

اکنون که دانستیم سنت چیست و مراد از آن از بعد لغوی و اصطلاحی چه می باشد، باید دید آیا سنت و طریقه رسول خدا که اعم از قول و فعل و تقریر آن حضرت است، در زیارت وارد است یا خیر؟ سراغی از حدیث و تاریخ بگیریم تا حقایق بیشتر روشن شود. من سعی می کنم از طرفین روایات صحیحی را بیاورم و قضاوت با شما باشد که سنت چه بوده است؟ مسلم در صحیح خود از ابوهریره می آورد که پیامبر خدا که درود خدا بر او و خاندان پاکش باشد، قبر مادرش را زیارت کرد، بعد گریست و اطرافیانش را گریاند و فرمود برای زیارت قبر وی از پروردگارم اذن گرفتم که این اذن به من داده شد، پس قبرها را زیارت کنید، زیرا یادآور مرگ است. (۳) در این باب سمهودی در وفاء الوفاء لأخبار دار المصطفی روایات صحیح را آورده است، (۴) از جمله از جناب امام ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین علیه السلام روایت می کند که جناب فاطمه علیها السلام قبر حمزه را زیارت می کرد. و در فراز دیگر یحیی گوید: بعد آن جا نماز می خواند و دعا می کرد و می گریست و تا زمانی که آن حضرت فوت کرد این

۱- مجمع البحرین، ج ۶، ص ۲۶۸.

۲- لسان العرب، ج ۱۳، ص ۲۲۵.

۳- صحیح المسلم شرح النووی، ج ۴، ص ۶۴.

۴- وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۹۳۲.

برنامه او بود. و از اخبار دیگر استفاده می شود که آغاز این برنامه از زمان شهادت جناب حمزه سید الشهدا بوده است و حتی رسول خدا کنار قبور شهدای احد زیارتنامه می خواند و ایضاً کنار مرقد مسلمین و شهدای مدفون در بقیع. (۱) عالم بزرگ اهل سنت ابن قدامه می گوید: زیارت قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مستحب است، زیرا از خود آن حضرت روایت شده است کسی که حج بگزارد و قبر مرا بعد از وفاتم زیارت کند، همانند آن است که در حیاتم مرا زیارت کرده باشد. «من حجّ فزار قبری بعد وفاتی فکأنّما زارنی فی حیاتی» (۲) و ایضاً عن النبی صلی الله علیه و آله: «من زار قبری وجبت له شفاعتی»: هر کس قبر مرا زیارت کند شفاعتم برای او واجب می شود. (۳) ابن هبیره می گوید: پیشوایان چهارگانه اهل سنت(مالک، شافعی، ابوحنیفه و احمد حنبل) بر استحباب زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اتفاق نظر دارند. (۴) این مقال بیش از این گنجایش اشاره به مسأله زیارت و سنت رسول خدا در این مورد را ندارد.

امر قرآن به پیروی از سنت و فرمان رسول وحی

قرآن کریم بارها مردم مؤمن و مسلمان را با خطابات عام و خاص خود دستور می دهد که از فرمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سرپیچی نکنید و آن کس که باعث شود رسول خدا از او آزرده خاطر شود مورد لعن و نفرین خداست.

الف) «قُلْ أَطِيعُواْ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْاْ فَإِنَّ اللَّهَ لَايُحِبُّ الْكفِرِينَ». (۵) اولًا اطاعت رسول خدا در ردیف اطاعت پروردگار آمده است و ثانیاً هر که از آن روگردان شود جزء دسته کافرین است.

۱- همان، ص ۹۳۳.

۲- المغنی فی الشرح الکبیر، ج ۳، ص ۵۸۸.

۳- همان.

۴- الغدیر، ج ۵، ص ۱۱۰.

۵- سوره آل عمران، آیه ۳۲.

ب) شعار اهل ایمان چیست؟ «رَبَّنَآ ءَامَنَّا بِمَآ أَنزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشـهِدِينَ». (۱) د) «يأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ أَطِيعُواْ اللَّهَ وَأَطِيعُواْ الرَّسُولَ وَأُوْلِى الْأَمْرِ مِنكُمْ فَإِن تَنزَعْتُمْ فِى شَىْ ءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْأَخِرِ ذَ لِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا». (۲) ه) «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ و لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِى الدُّنْيَا وَ الْأَخِرَهِ وَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا». (۳) «وَ مَآ ءَاتَلكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَلكُمْ عَنْهُ فَانتَهُواْ وَ اتَّقُواْ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (۴) چرا پروردگار عالم این گونه می فرماید، زیرا رسولش را قبلًا به گونه کامل معرفی نموده است که او وجودی است که: «وَ مَا يَنطِقُ عَنِ الْهَوَى إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْىٌ يُوحَى». (۵)

شبهات درباره زیارت

اشاره

پیش از بحث در مورد شبهات وارد شده بر زیارت، لازم است معنای بدعت روشن شود.

بدعت از ریشه بدع است. بدع یعنی به وجود آوردن چیزی که قبلًا نبوده است؛ مانند لغت قرآن در آیه شریفه: «بَدِيعُ السَّموَ تِ وَالْأَرْضِ» (۶)

یعنی آنها را به وجود آورد، در حالی که قبلًا نبودند. بدعت یعنی آنچه بعد از رسول خدا در اعمال و برنامه های دین به عنوان دین وارد شده است. (۷) و یا این که صاحب لسان العرب می گوید: آنچه را که بعد از اکمال دین به آن اضافه کنند، یعنی برای دین بسازند آن را بدعت گویند. (۸) صاحب مجمع البحرین نیز می گوید: بدعت یعنی امری ساختگی در دین، یعنی آنچه که اصلی برای او در کتاب خدا و سنت رسولش نیست و آن را بدعت نام نهادند، زیرا

۱- سوره آل عمران، آیه ۵۳.

۲- سوره نساء، آیه ۵۹.

۳- سوره احزاب، آیه ۵۷.

۴- سوره حشر، آیه ۷.

۵- سوره نجم، آیه ۳ و ۴.

۶- سوره بقره، آیه ۱۱۷.

۷- کتاب العین، ج ۲۲، ص ۵۵.

۸- لسان العرب، ج ۸، ص ۶.

قائل به آن، آن را از پیش خود ساخته است. (۱) فارغ از بحث لغوی مثالی را مطرح می کنیم که بهتر مراد معلوم گردد.

صلاه تراویح

تراویح: عبارت از نمازهایی است که در شب های ماه رمضان پس از نماز عشا توسط اهل سنت به جماعت خوانده می شود. این نماز از نظر مذاهب اسلامی فرض و واجب نیست، بلکه از نظر شافعیه و حنفیه و حنابله سنت مؤکد است و خواندن آن به جماعت نیز سنت می باشد، ولی از نظر مالکیه مستحب مؤکد است و برگزاری آن نماز به جماعت مستحب می باشد. (۲) شیعه این نمازها را مستحب می شمارد، ولی کلمه تراویح را درباره آنها به کار نمی برد و خواندن آن را به جماعت جایز نمی داند و بدعت می شمرد، زیرا معتقد است که فقط نمازهای واجب و نماز استسقا(باران) را می توان به جماعت خواند و در زمان رسول خدا هم نمازهای نافله رمضان به صورت فرادی خوانده می شده است. این روش تا زمان خلیفه دوم ادامه داشت، تا این که شبی خلیفه وارد مسجد شده، می بیند هر کسی در گوشه ای مشغول نماز است، دستور می دهد که یک یک از نمازگزاران به امامت ایستاده و بقیه به او اقتدا نمایند و از آن پس تراویح به صورت جماعت خوانده شده است. (۳) این نمونه واضح یک بدعت آشکار است. حال آیا باید گفت: این بدعت هدایت است و نه ضلالت؟ آیا این توجیه نیست؟ آیا این سپردن دین و احکام الهی به دست مردم نیست؟ بنابراین بدعت: آوردن حکمی است در مسایل شرع که در زمان شارع، یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله داخل در برنامه های شریعت نبوده است.

۱- مجمع البحرین، ج ۴، ص ۲۹۸.

۲- الفقه علی مذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۳۴۲.

۳- صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۲۳، کتاب الصلوه؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۲۸۳، باب الترغیب فی قیامه رمضان.

حرمت به چه چیز متعلق است؟

اکنون که معلوم شد زیارت یک سنت است و بدعت نیست، خوب است دقتی کنیم تا محدوده حلال و حرام را بفهمیم که آیا زیارت کردن قبر و مضجع نورانی اولیای الهی و یا دست کشیدن بر ضریح مطهر آنان چه حرمتی دارد؟ و چگونه حرمت تحقق می یابد لغتاً و اصطلاحاً؟

صاحب کتاب العین در تعریف واژه حرام می گوید: اصل آن از حرام است و حرام ضد حلال است (۱) و همین اعتقاد صاحب لسان العرب است؛ (۲) یعنی تصریح می کند «و الحرامُ ما حَرَّم اللَّه» حرام آن چیزی است که پروردگار عالم آن را حرام کرده باشد و نه برداشت و فهم کسی از کاری باشد. بنابراین هیچ کس نمی تواند خودبه خود و خودسرانه بگوید این حلال است و این حرام است، بلکه دلیل لازم دارد.

مثلًا فقها درباره تکبیره الاحرام نماز می گویند: «تحریمها التکبیر، کان المصلی بالتکبیر و الدخول فی الصلاه صادر ممنوعاً فی الکلام و الافعال الخارجه عن کلام الصلاه و افعالها فقیل للتکبیر تحریمٌ لمنعه المصلی من ذلک و انما سمیت تکبیره الاحرام ای الاحرام بالصلاه». یعنی فقها از این جهت تکبیر در ابتدای نماز را تکبیره الاحرام می گویند که با گفتن آن از ابتدای نماز ارتکاب هر کاری غیر از برنامه نماز حرام است، اعم از قول و فعل باشد. یعنی هر حرکتی و هر سخنی غیر از امور مربوط به نماز حرام است. این معنای واقعی حرام است. قرآن هم همین را تأیید می کند و می فرماید: «ذَ لِکَ وَ مَن یُعَظِّمْ حُرُمتِ اللَّهِ فَهُوَ خَیْرٌ لَّهُ و عِندَ رَبِّهِ». (۳)

بنابراین آنچه را که از جانب خدا برای مؤمن حرام شده، از ترک واجبات و فعل حرام پس برای او از جهت رعایت این حق الهی خیری نزد پروردگار است.

۱- کتاب العین، ج ۳، ص ۲۲۳.
۲- لسان العرب، ج ۱۲، ص ۱۱۹.
۳- سوره حج، آیه ۳۰.

جایگاه اهل بیت و امام به عنوان حافظ دین

امام علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیه و الثناء در سال ۲۰۱ ق وارد ایران شدند و در مسجد جامع مرو خطبه ای قرائت فرمودند که یکی از زیباترین تعریف ها از اصل و اساس امامت به عنوان ولایت کلیه الهیه می باشد. (۱) حاصل این خطبه شریف سه نکته مهم است که در بحث امامت هر سه آنها با قرآن هماهنگ است:

الف) امامت عهده دار تبیین، تعلیل، اجرا، حمایت و دفاع از احکام و حکم الهی در دایره تشریع و تنظیم کننده رابطه اسماء حسنای الهی و برخورداری از ولایت کلیه الهیه در مدار تکوین است.

ب) چنین مسئولیتی مستلزم داشتن برترین علم و والاترین قدرت عادلانه است.

ج) چنین مقامی اکتشافی و درخواست کردنی نیست، بلکه موهبت الهی است(عصکمم اللّه من الزلل) بنابراین او حجت ویژه الهی بر مردم است، لذا اطاعت از او بی قید و شرط واجب علی الامه است. و لذا یکی از شیعیان زمان امام صادق علیه السلام به نام حمزه الطیار به آن حضرت گفت:

اگر شما اناری را نصف کنی و بگویی که نصف آن حلال و نصف آن حرام است، بدون چون و چرا می پذیرم. (۲) آن وقت میان ما و برادران اهل سنت بسیار متفاوت است. آن جا که صاحب شرح المقاصد ضمن بر شمردن شرایط امامت می گوید: «لا ینعزل الامام بالفسق». (۳) این ادعاهایی که اکنون از طرف عده ای بی خبر از آیات و روایات، همانند وهابیت مطرح شده است، اولًا مسموع نیست، چون مخالف قرآن است. ثانیاً امام کامل شامل رسول خدا و اهل البیت و ائمه هدی تا حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف

۱- بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۱۲۲.

۲- قاموس الرجال، ج ۴، ص ۳۱.

۳- شرح المقاصد، ج ۵، ص ۲۳۳.

والاترین مفسر و مبیّن برای کتاب اللّه هستند، زیرا «أهل البیت أدری بما فی البیت» است.

ثالثاً همان طور که در بحث عنوان شد از زمان مروان این عقاید برای این که مردم را از محور محبت رسول و آلش دور کنند مطرح بوده است. اگر نتوانند در مورد رسول خدا این کار را انجام دهند، در مورد اهل بیتش به طریق اولی خواهند توانست، اما این کارها نتیجه ندارد، بلکه این عنایات خدا به این خاندان است که به اراده او انجام شده است و حافظ و نگهبانش هم خود او و دوستانش و خدمتگزاران صادق این مکتب هستند. «ذَ لِکَ فَضْلُ اللَّهِ یُؤْتِیهِ مَن یَشَآء».

فهرست منابع

۱. تحفه الزائر، ملا محمد باقر مجلسی(متوفی ۱۱۱۱).

۲. شوق دیدار(مباحثی پیرامون زیارت)، محمد مهدی رکنی(معاصر).

۳. فلاح السائل، سید بن طاووس(متوفی ۶۶۴).

۴. کامل الزیارات، ابی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه القمی(متوفی ۳۶۸۰).

۵. مصباح الزائر و جناح المسافر، رضی الدین علی بن طاووس حلّی(متوفی ۶۶۴).

۶. مقدّمه زیارت جامعه، آیت اللّه عبداللّه جوادی آملی(معاصر).

۷. هدیه الزائرین، شیخ عباس قمی(متوفی ۱۳۵۹ ق).

۲. زیارت قبور پاکان رسم انسانی، سنت رحمانی

اشاره

زهراسادات موسوی (۱)

چکیده

نگارنـده در ابتـدا ضـمن بیـان مطلبی در خصوص اهمیت موضوع بیـان داشـته که در فرهنـگ پویا و بالنـده شـیعه این مسأله از اهمیت و جایگـاه والاـیی برخوردار است و آن همپـای بسـیاری از عبادات، بلکه برتر از حتی جهاد و شـهادت به حساب آمـده است و زیارتگاه ها دارای نقش تربیتی و تهذیبی است.

در ادامه، مبـاحث و مطالب مقاله تحت عناوین زیر مورد بررسـی و تبیین مشـروح توسط نویسـنده قرار گرفته است: زیارت قبور عالمان، حضور و زیارت در حرم پیامبر صلی الله علیه و آله، زیارت قبور مؤمنان از دیدگاه کتاب و سنت، زیارت قبور در سنت پیامبر اکرم، زیارت قبر پیامبر صـلی الله علیه و آله از دیـدگاه دانشـمندان مسـلمان، از دیدگاه قرآن و از دیدگاه احادیث عترت طاهره علیهم السـلام زنان و زیارت قبور سـرانجام در پایان نگارنـده به جمع بنـدی و نتیجه گیری مباحث و موارد مطرح شـده، پرداخته است.

کلیدواژه ها: زیارت، پیامبر اسلام، سنت، شیعه، حدیث.

زیارت از دیدگاه کتاب

زیارت قبور مؤمنان بالاخص آنها که با انسان پیوند خونی دارند، یک رسم فطری و جهانی است که ملل دنیا عملًا بر آن اتفاق نظر دارند و از آیه زیر نیز می توان تأیید آن را استنباط کرد. قرآن به پیامبر صلی الله علیه و آله درباره منافقان چنین خطاب می کند:

۱- فوق لیسان الهیات و معارف اسلامی.

«وَ لا تُصَلِّ عَلی أحَدٍ مِنْهُمْ ماتَ أبَدًا وَ لا تَقُمْ عَلی قَبْرِهِ إنَّهُمْ کَفَرُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ ماتُوا وَ هُمْ فاسِقُونَ»؛ (۱)

هرگز بر احدی از آنان(منافقان) آن گاه که بمیرد نماز مگزار، و هیچ زمان بر سر قبرشان نایست، زیرا آنان به خدا و پیامبر او کفر ورزیده اند و در حال فسق و معصیت مرده اند.

این آیه مبارکه به پیامبر دو دستور می دهد:

۱. بر مرده آنان نماز مگزار: «لا تُصَلِّ عَلی أحَدٍ مِنْهُمْ ماتَ أبَدًا».

۲. در کنار قبر آنها برای دعا توقف مکن: «وَ لا تَقُمْ عَلی قَبْرِهِ».

بخش دوم آیه برای ما اهمیت خاصی دارد، و آن این که آیا مقصود از ایستادن در کنار قبر، صرفاً توقف در هنگام دفن است، یا مفهومی گسترده تر از این دارد؟ مفسران معنی دوم را تأیید می کنند که به اختصار، کلام برخی از آنان را یادآور می شویم.

بیضاوی می گوید: «و لا تقف عند قبره للدفن أو الزیاره»؛ (۲) بر سر قبر منافقان توقف مکن، خواه برای دفن و خواه برای زیارت. همین نظریه را جلال الدین سیوطی در تفسیر جلالین، (۳) و عارف بورسی در تفسیر روح البیان، (۴) و آلوسی بغدادی در روح المعانی (۵) آورده اند.

بنابراین خدا پیامبرش را از هر نوع توقف بر سر خاک منافق(چه هنگام دفن، و چه پس از آن) باز داشته است و این خود حاکی از آن است که پیامبر اکرم در حالات مختلف(اعم از دفن یا پس از آن) در کنار قبور مؤمنان توقف می کرده و در حق آنان دعا می نموده، والّا نهی از این امر، وجهی نداشت. در این صورت از آیه استفاده می شود که منافقان از چنین فیضی محرومند. طبعاً جامعه با ایمان مشمول چنین لطف الهی خواهند بود و پیامبر اکرم هم به هنگام دفن و هم در مواقع دیگر، بر سر قبر هر مسلمانی می تواند بایستد و دعا کند.

۱- سوره توبه، آیه ۸۴.

۲- تفسیر بیضاوی، ج ۱، ص ۴۱۶.

۳- تفسیر جلالین؛ ذیل سوره توبه، آیه ۸۴.

۴- روح البیان، ج ۳، ص ۳۷۸.

۵- روح المعانی، ج ۱۰، ص ۱۵۵.

زیارت قبور در سنت پیامبر

آن حضرت، خود نیز به قبرستان بقیع می رفت و به زیارت مسلمانان می پرداخت.

ذیلًا به گواهی تاریخ در این باره توجه کنید.

۱. مسلم در صحیح خود از عایشه نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله در آخرین بخش شب، خانه را به قصد زیارت بقیع ترک می کرد و هر موقع وارد این قبرستان می شد به آنان چنین خطاب می نمود: «السلام علیکم دار قوم مؤمنین و آتاکم ما توعدون غداً، موجلون، و انا ان شاء اللّه بکم لاحقون، اللهم اغفر لاهل بقیع الغرقد»؛ (۱) درود بر شما ای ساکنان خانه افراد با ایمان، آنچه به وقوع آن در آینده وعده داده می شدید، سراغ شما آمد و شما میان مرگ و روز رستاخیز به سر می برید، ما نیز به شما خواهیم پیوست. پروردگارا! اهل بقیع «فرغد» را بیامرز.

۲. مسلم در صحیح از عایشه نقل می کند که پیامبر به او چنین فرمود: جبرئیل بر من نازل شد و گفت خدایت فرمان می دهد که به زیارت اهل بقیع بروید و برای آنان طلب آمرزش کنید. عایشه می گوید: از پیامبر پرسیدم چگونه برای آنان طلب آمرزش کنم فرمود: بگو «السلام علیکم اهل الدیار من المؤمنین و المسلمین و یرحم اللّه المستقدمین منّا و المستأخرین و إنا إن شاء اللّه بکم لاحقون»؛ (۲) درود بر ساکنان مؤمن و مسلمان این دیار.

خداوند همه مؤمنان را- چه آنها که قبلًا در گذشته اند و چه آنها که بعداً در خواهند گذشت- رحمت کند، و ما نیز به خواست خدا به شما خواهیم پیوست.

۳. مسلم همچنین از بریده نقل می کند که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به یاران خود آموزش

۱- در صحیح مسلم، ج ۳، ص ۶۳، کتاب جنائز، باب «ما یقال عند دخول القبر» شارحان جمله «و آتاکم ماتوعدون غداً» را چنین تفسیر می کنند: «أی جائکم ما توعدون بوقوعه فی الغد». همچنان که جمله «موجلون» را چنین تفسیر می کنند: «أی و أنتم موجلون و الأجل هنا مدّه ما بین الموت إلی النشور». در این صورت معنی جمله همان خواهد بود که در بالا گذشت و «غرقد» درختی است که در سرزمین بقیع فراوان می رویید، از این جهت نام بقیع، بقیع الغرقد نامیده می شد.

۲- صحیح مسلم، ج ۳، ص ۶۴، باب ما یقال عند دخول القبور و الدعاء لأهلها، کتاب الجنائز.

می داد که به هنگام زیارت قبور چنین بگویند: «السلام علی أهل الدیار من المؤمنین و المسلمین و إنّا إن شاء اللَّه بکم لاحقون أسأل اللَّه لنا و لکم العافیه»؛ (۱) درود بر ساکنان مؤمن و مسلمان این دیار، ما نیز به خواست خدا برای خود و شما عافیت می طلبیم.

زیارت مرقد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از دیدگاه دانشمندان

با مروری بر سخنان محدثان و فقیهان، روشن می شود که علمای اسلام زیارت مرقد شریف پیامبر اسلام را مستحب مؤکد دانسته و مردم را به زیارت حرم مطهر او دعوت می کرده اند.

تقی الدین سبکی شافعی(م ۷۵۶ ق) یکی از فقیهان چیره دست قرن هشتم است.

او در نقد سخن ابن تیمیه(م ۷۲۸ ق) که استحباب زیارت قبر پیامبر را انکار کرده بود، کتابی به نام شفاء السقام فی زیاره خیر الأنام نوشت و با پژوهشی گسترده، آرای فقیهان اهل سنت را از قرن چهارم تا روزگار خویش در آن کتاب گرد آورد و مبرهن ساخت که استحباب زیارت قبر آن حضرت، از مسلمات فقه اسلامی است، و محدثان و فقیهان بزرگ، روایات گوناگونی در استحباب زیارت مزبور نقل کرده و به آن فتوا داده اند. (۲) علامه آیت اللَّه امینی(۱۳۲۰- ۱۳۹۰) در کتاب شریف الغدیر به تکمیل موضوع پرداخته و توانسته است نظریات بیش از چهل عالم و دانشمند مسلمان، اعم از فقیه و محدث را در این زمینه تا عصر خویش گرد آورد. (۳) نگارنده با کاوش ناچیز خود بر فتاوای دیگری نیز که در آن دو کتاب وارد نشده، دست یافته و در رساله ای که در این موضوع به زبان عربی تألیف کرده آمده است.

حتی مفتی سابق عربستان سعودی «عبدالعزیز بن باز» نیز بر این خیل پیوسته و صریحاً به استحباب زیارت قبر مطهر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فتوا داده است. (۴)

۱- همان، ص ۶۵.

۲- ر. ک: شفاء السقام، ص ۶۵- ۷۹.

۳- ر. ک: الغدیر، ج ۵، ص ۱۰۹- ۱۲۵.

۴- ر. ک: جریده الجزیره مورخ ۲۴ ذی القعده، سال ۱۴۱۱، شماره ۶۸۲۶.

نقل سخن عالمان فوق، از گنجایش این نوشته و حوصله خوانندگان بیرون است و لذا نمونه وار، به سخنان برخی از آنان اکتفا می کنیم:

۱. ابوعبداللّٰه حلیمی جرجانی شافعی(م ۴۰۳) پس از آن که درباره تعظیم و تکریم پیامبر اسلام سخن می گوید، یادآور می شود که در این زمان تعظیم او، زیارت مرقد شریف اوست. (۱) ۲. ابوالحسن ماوردی(م ۴۵۰) می نویسد: راهنمای حج پس از پایان مراسم، کاروان را به راه مدینه سوق دهد تا زایران میان دو زیارت: زیارت خانه خدا و زیارت قبر رسول خدا، جمع کنند. و از این طریق احترام پیامبر صلی الله علیه و آله را رعایت کرده و حقوق اطاعت او را ادا کنند. زیارت قبر پیامبر، جزء فریضه حج نیست، اما از مستحبات به شمار می رود. (۲) ۳. غزالی(م ۵۰۵) درباره زیارت قبر پیامبر به صورت گسترده سخن گفته و آداب زیارت را نیز بیان کرده است. او می گوید: پیامبر فرموده است: زیارت من در حال ممات، به سان زیارت من در حال حیات است، و هر کس قدرت جسمانی و مالی داشته باشد و مرا زیارت نکند، بر من جفا کرده است.

غزالی می افزاید: کسی که قصد زیارت پیامبر کند، بایستی در راه بر او درود بفرستد و آن گاه که چشمش به دیوارها و درختان مدینه افتاد بگوید: «اللّهم هذا حرم رسولک فاجعله لی وقایه من النار، و أماناً من العذاب و سوء الحساب»؛ خدایا این حرم رسول تو است، آن را برای من سپری از آتش و امانی از عذاب و بدی حساب قرار بده. غزالی سپس آداب زیارت پیامبر و کیفیت آن را یادآور شده و می نویسد: «زایر قبر پیامبر بعداً به سرزمین بقیع برود و قبر حسن بن علی را زیارت کند و در مسجد فاطمه نماز بگزارد ...». (۳)

۱- شفاء السقام، ص ۶۵ نقل از المنهاج فی شعب الایمان.

۲- الأحکام السلطانیه، ص ۱۰۹.

۳- احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۳۰۵ و ۳۰۶.

۴. قاضـی عیاض مالکی(م ۵۴۴ ق) می نویسـد: زیـارت قبر پیامبر اکرم، سـنتی مورد اتفاق همگان است. سـپس به نقل چنـدین حـدیث دربـاره زیـارت قبر پیامبر پرداخته و می افزایـد: زایر قبر او، به روضه پیامبر و منبر و قبر و جایگاه او و سـتونی که بر آن تکیه می کرد و نقطه ای که جبرئیـل بر او فرود می آمـد، تبرک بجویـد. (۱) ۵. ابن الحاج محمـد عبدی قیروانی مالکی(م ۷۳۸ ق) پس از آن که درباره لزوم و کیفیت زیارت پیامبران و نحوه توسل به آنان و درخواست حاجت از ایشان سـخن می گویـد، درباره قبر پیامبر اسـلام صلی الله علیه و آله چنین یادآور می شود: «آنچه درباره دیگران گفتیم، در مورد زیارت سرور پیشینیان و آیندگان- سلام بر او- دو چندان باید گفت:

شایسـته است انسان با تواضع و فروتنی در حرم پیامبر حاضـر شود، زیرا او شـفیعی است که شفاعتش رد نمی شود، و کسی که آهنـگ او کنـد نـا امیـد باز نمی گردد، و کسـی که به حرم او وارد شود و از او اسـتعانت بجویـد و اسـتغاثه کنـد، محروم نمی گردد».

سپس می گوید: «علمای ما، رحمت خدا بر آنان باد، می گویند: شایسته است که زایر قبر پیامبر در خود چنین احساس کند که آن حضرت را در حال حیاتش زیارت می کند».

۶. ابن حجر هیثمی مکی شـافعی(م ۹۷۳ ق) در اسـتدلال بر اسـتحباب زیـارت قبر پیامبر صـلی الله علیه و آله به دلایلی همچون «اجماع» متمسک شده و می افزاید: «مخالفت یک نفر مانند ابن تیمیه با این امر، مضـر به اجماع نیست، زیرا او کسـی نیست که رأی او در این مورد، مضـر باشد و بسیاری از علما سخنان ناموزون او را تعقیب کرده و اشکالات او را جواب داده اند، یکی از آنـان عز بـن جمـاعه اسـت». به گفته ابن حجر: ابن تیمیه فردی است که خـدا او را گمراه کرده و لبـاس خـواری و پسـتی بر او پوشانـده است و شـیخ تقی الدین سـبکی که جلالت مقام و اجتهاد وی مورد قبول همگان است، کتابی مسـتقل در ردّ فتوای او نوشته است. (۲)

۱- الشفاء، ج ۲، ص ۱۹۴- ۱۹۷.

۲- الجوهر المنظم فی زیاره المکرم، ص ۲۲.

۷. عبدالرحمن جزیری نویسنده کتاب الفقه علی المذاهب الأربعه که در آن فتاوای فقهای چهار مذهب را گرد آورده است، می نویسد: «زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله از بالاترین مستحبات بوده و در مورد آن احادیثی وارد شده است». سپس به نقل شش حدیث پرداخته و آداب زیارت را بیان می کند. (۱) نظر به این که هیچ یک از فقیهان مذاهب چهارگانه، بر ادعای فوق، تعلیقه ای نزده است، در می یابیم که فتوای یاد شده، مورد پذیرش همه فقهای ائمه اربعه در عصر حاضر قرار دارد.

۸. شیخ عبدالعزیز بن باز می گوید: کسی که مسجد پیامبر را زیارت کرد، مستحب است در روضه پیامبر دو رکعت نماز بگزارد، سپس بر پیامبر سلام بگوید، چنان که مستحب است به زیارت بقیع و شهیدان مدفون در آن رفته و سلام بگوید. (۲) ما در این جا به همین چند گفتار اکتفا می نماییم. کسانی که علاقه مندند از گفتارهای دیگر آگاه شوند به رساله ای که در این مورد نوشته ایم مراجعه نمایند. (۳)

زیارت مرقد پیامبر صلی الله علیه و آله از دیدگاه قرآن

قرآن مجید به مسلمانان دستور می دهد که به حضور پیامبر رسیده، در محضر او استغفار کنند و از آن حضرت بخواهند که درباره آنان طلب آمرزش کند: «وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جاؤُکَ فَاسْتَغْفَرُوا اللّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللّهَ تَوّاباً رَحیماً»؛ (۴)

هرگاه آنان که بر خویش ستم کرده اند(مرتکب خلاف و گناه شده اند) نزد تو(ای رسول خدا) بیایند و استغفار کنند، و پیامبر نیز برای آنان طلب آمرزش نماید، خداوند را توبه پذیر و رحیم خواهند یافت.

در آیه دیگر، خداوند منافقان را نکوهش می کند که هرگاه به آنان گفته می شود به

۱- ر. ک: الفقه علی المذاهب الأربعه، ج ۱، ص ۵۹.

۲- جریده الجزیره، مورخ ۲۴ ذی قعده الحرام ۱۴۱۱ ه، شماره ۶۸۲۶.

۳- ر. ک: الزیاره فی الکتاب و السنه، ص ۲۲- ۲۴.

۴- سوره نساء، آیه ۶۴.

حضور رسول خدا برسند تا درباره آنان طلب آمرزش کند، از این امر سرباز می زنند:

«وَ إذا قیلَ لَهُمْ تَعالَوْا یَسْتَغْفِرْ لَکُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّوْا رُؤُسَهُمْ وَ رَأَیْتَهُمْ یَصُدُّونَ وَ هُمْ مُسْتَکْبِرُونَ»؛ (۱)

آن گاه که به آنان گفته شود بیایید تا رسول خدا برای شما طلب مغفرت کند، روی خود را به عنوان(استنکار) بر می گردانند و آنان را می بینی از سخن تو اعراض کرده و کبر می ورزند.

تقی الدین سبکی، محقق اهل سنت، معتقد است: مسلمانان، در حال حاضر نیز به حکم این آیه می توانند به حضور رسول خدا برسند و در ضمن استغفار، از او بخواهند که درباره آنان از خداوند طلب آمرزش کند. به گفته وی هر چند این آیه مربوط به دوران حیات پیامبر است، ولی درخواست آمرزش از او، اختصاص به زمان حیات او ندارد، زیرا این مقامی است که به رسول خدا(به نشانه عظمت او) داده شده است و با مرگ او از میان نمی رود. (۲) ممکن است گفته شود: آنچه در آیات فوق آمده، حاکی از شئون پیامبر و نشانه عظمت اوست، ولی انجام این عمل از سوی پیامبر، تنها در حال حیات او امکان پذیر است، نه در حال ممات، که رابطه ما با او قطع شده است.

پاسخ این است: ایراد فوق وارد نیست و حق با محقق یاد شده است. دلایل زیر روشن می کند که مرگ رسول خدا در این مورد تأثیری نداشته و حیات و ممات او از این نظر، یکسان است:

۱. مرگ از نظر قرآن پایان زندگی انسان نیست، بلکه دریچه ای است به جهان دیگر و بسیار گسترده تر و همه چیز آن برتر از جهان پیشین بوده، و انسان در آن جهان زنده و بینا و شنواست. به ویژه شهدا و صالحان، پس از مرگ نزد خدا روزی می خورند و از لذات روحی خاصی بهره مندند. (۳)

۱- سوره منافقون، آیه ۵.

۲- شفاء السقام، ص ۸۱.

۳- سوره آل عمران، آیات ۱۶۹ و ۱۷۱؛ سوره بقره، آیه ۱۵۴؛ سوره یس، آیات ۲۶ و ۲۷ و غیره.

۲. در روایات فروان از رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شده است که فرشتگان، درودی را که مسلمانان بر پیامبر می فرستند، به او می رسانند و انسان در هر نقطه ای به آن حضرت درود بفرستد به وی می رسد. چنان که می فرماید:

«صلوا علیّ فإنّ صلاتکم تبلغنی حیثما کنتم»؛ (۱)

بر من درود بفرستید، درود شما در هر جا باشید به من می رسد.

۳. مسلمانان در تشهد نماز مأمورند به پیامبر سلام کنند و درود بفرستند و بگویند:

«السلام علیک أیّها النبی و رحمه اللّه و برکاته» این سلام، جنبه تشریفاتی نداشته و سلامی است کاملًا واقعی، از زنده ای به زنده دیگر که مثل او شنواست.

امور فوق، حاکی از این است که پیامبر در جهان برزخ زنده بوده و ارتباط او با ما برقرار است، سخن ما را می شنود و درخواست ما را در شرایط خاصی انجام می دهد.

در این صورت جا دارد که بگوییم: دو آیه مورد نظر، از وسعت خاصی برخوردار بوده و هم اکنون ما را به حضور در حرم شریف رسول اکرم دعوت می کنند و دستور می دهند که به حرم پیامبر وارد شویم و استغفار کنیم و از او بخواهیم در حق ما استغفار کند. لذا در زیارتنامه رسول خدا نیز که همگان در آن حرم مطهر می خوانند، وارد شده و زایر قبر آن حضرت با توجه به این آیه از ایشان درخواست می کند که در حق او طلب آمرزش کند. اصولًا زیارت جز حضور زایر در محضر مزور، و فرستادن درود و درخواست دعا، چیز دیگری نیست. بنابراین، دو آیه مذکور می توانند گواه قرآنی بر استحباب زیارت مرقد پیامبر باشند.

نکته مهم همان است که در کلام سبکی وارد شده و آن این است که دعوت مسلمانان به رفتن در حضور رسول خدا و درخواست طلب آمرزش از وی برای خویش، نشانه تعظیم و تکریم پیامبر اکرم است، و مسلماً این تکریم اختصاص به زمان حیات آن حضرت ندارد، زیرا عظمت روحی وی و مقام و منزلتش نزد خداوند،

۱- التاج الجامع للاصول فی احادیث الرسول، ج ۲، ص ۱۸۹، در این کتاب روایات صحاح پنج گانه گردآوری شده است.

امری ثابت و جاودان بوده و محدود و مخصوص به زمان خاصی نیست.

به همین علت، مفسران معتقدند: احترام به رسول خدا، به دوران حیات او اختصاص ندارد و پس از مرگ نیز احترام او باید محفوظ شود. حتی آیه ای که مسلمان را به آهسته سخن گفتن در محضر پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت می کند، هم اینک به قوت خود باقی است، آن جا که می فرماید: «یا أَیُّها الَّذینَ آمَنُوا لا تَرْفَعُوا أَصْواتَکُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِیِّ»؛ (۱)

ای افراد با ایمان بلندتر از رسول خدا سخن نگویید.

لذا در حرم آن حضرت، نباید داد و فریاد کرد. و این آیه مبارکه بر بالای ضریح آن حضرت نوشته شده و قرن هاست که نصب العین زوّار مسلمان قرار دارد.

زیارت پیامبر از دیدگاه احادیث

داوری قرآن درباره زیارت قبر پیامبر اکرم را دیدیم. اکنون وقت آن رسیده است که از داوری احادیث در این مورد آگاه شویم.

روایات مربوط به زیارت مرقد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در کتب حدیث وارد شده است و جمعی از علمای مسلمان به گردآوری و تصحیح اسانید آنها همت گمارده اند که به عنوان نمونه برخی از آنان را یادآور می شویم:

۱. تقی الدین سبکی(م ۷۵۶ ق) در کتاب شفاء السقام در این باره پانزده روایت با ذکر سند نقل کرده و به تصحیح سند آنها پرداخته است. (۲) ۲. نور الدین علی بن احمد سمهودی(م ۹۱۱ ق) در کتاب ویژه خود درباره تاریخ مدینه، هفده روایت در این مورد نقل کرده و اسانید آنها را تصحیح کرده است. (۳) ۳. محمد فقی از علمای ازهر با حذف اسانید، متون روایات مربوط به زیارت آن حضرت را نقل کرده و در این مورد به بیست و دو روایت دست یافته است. (۴)

۱- سوره حجرات، آیه ۲.

۲- شفاء السقام، ص ۵- ۳۵.

۳- وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی، ج ۴، ص ۱۳۳۶- ۱۳۴۸.

۴- التوسل و الزیاره فی الشریعه الاسلامیه، ص ۴۸- ۵۰.

۴. علامه امینی بـا تتبعی شایـان تقـدیر، روایـات مربوط به زیـارت را گردآوری کرده و تنهـا روایت نخست را که به آن اشاره خواهیم کرد، از چهـل و یـک کتاب نقل نموده است. (۱) نقل همه این روایات با اسانید و تصـحیح آنها، در این مختصـر نمی گنجد، لذا فقط به نقل برخی از روایات اکتفا کرده و علاقه مندان به تفصیل را به مدارک یاد شده در بالا ارجاع می دهیم.

حدیث نخست: دار قطنی، به طور مستند، از عبداللّه بن عمر نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«من زار قبری وجبت له شفاعتی»؛ (۲)

هر کس قبر مرا زیارت کند، شفاعت از او، بر من لازم می گردد.

حدیث دوم: طبرانی در معجم کبیر و غزالی در احیاء علوم از عبداللّه بن عمر نقل می کنند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«من جائنی زائراً لا تحمله حاجه الّا زیارتی کان حقاً علیّ أن أکون له شفیعاً یوم القیامه؛ (۳)

هر کس صرفاً به انگیزه زیارت من، به زیارتم بیاید، بر من فرض و لازم است که در روز قیامت شفیع او باشم».

حدیث سوم: دار قطنی از عبداللّه بن عمر نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«من حجّ فزار قبری بعد وفاتی فکأنّما زارنی فی حیاتی»؛ (۴)

هر کس پس از درگذشت من، قبر مرا در هنگام حج زیارت کند، مثل این است که در حال حیات مرا زیارت کرده است.

حدیث چهارم: دار قطنی از ابن عمر نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من زارنی بعد

۱- الغدیر، ج ۵، ص ۹۳- ۹۶.

۲- السـنن دار قطنی، ج ۲، ص ۲۷۸، باب المواقیت، حـدیث ۱۹۴؛ الأحکام السلطانیه، ص ۱۰۵، این حـدیث راعلامه امینی از چهل و یک مصدر حدیثی و فقهی نقل کرده است.

۳- طبرانی، معجم کبیر؛ غزالی، احیاء العلوم، ج ۱، ص ۳۰۶؛ سبکی در شفاء السقام، ص ۱۶؛ سمهودی در وفاءالوفاء، ج ۴، ص ۱۳۴۰ نقل کرده اند و علامه امینی آن را از شانزده مصدر نقل کرده است، الغدیر، ج ۵، ص ۹۷ و ۹۸.

۴- سـنن دار قطنی، ج ۲، ص ۲۷۸، باب المواقیت، حـدیث ۱۹۲؛ بیهقی در سـنن، ج ۵، ص ۲۴۶ و سـبکی در شفاءالسقام، ص ۲۱؛ سـمهودی در وفـاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۴۰ نقـل کرده انـد و علامـه امینی آن را از بیست و پنـج مصـدر نقـل نموده است. الغدیر، ج ۵، ص ۹۸.

موتی فکأنّما زارنی فی حیاتی»؛ (۱) هر کس پس از مرگم، مرا زیارت کند، بسان این است که در حال حیاتم مرا زیارت کرده است.

اکنون لازم است زیارت پیامبر را از دیدگاه عترت طاهره علیه السلام بررسی کنیم.

زیارت پیامبر در احادیث عترت طاهره علیهم السلام

۱. امام باقر علیه السلام می فرماید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«من زارنی حیّاً و میّتاً کنت له شفیعاً یوم القیامه»؛ (۲)

هر کس مرا در حال حیات و ممات زیارت کند، روز قیامت شفیع او خواهم بود.

۲. امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید:

«أتمّوا برسول اللَّه حجّکم إذا خرجتم إلی بیت اللَّه، فإنّ ترکه جفاءٌ و بذلک اِمرتُم و أتمّوا بالقبور الّتی ألزمکم اللَّه زیارتها و حقّها»؛ (۳)

زمانی که آهنگ زیارت خانه خدا کردید، حج خود را با زیارت پیامبر به پایان برسانید، زیرا ترک زیارت او جفا به آن حضرت است و شما به این کار مأمور شده اید، و با زیارت قبوری که به زیارت آنها ملزم شده اید حج خود را به پایان برسانید.

۳. امام صادق علیه السلام از رسول گرامی صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود:

«من أتی مکّه حاجّاً و لم یزرنی إلی المدینه جفوته یوم القیامه، و من جاءنی زائراً وجبت له شفاعتی و من وجبت له شفاعتی وجبت له الجنّه»؛ (۴)

هر کس برای انجام وظیفه حج، آهنگ مکه کند و مرا در مدینه زیارت نکند، در روز قیامت به او جفا می کنم. شاید مقصود این است که در حق او شفاعت نمی کنم و آن کس که به زیارت من می آید، شفاعت من بر او واجب شده و هر کس که شفاعت من بر او واجب شود وارد بهشت می شود.

۱- سنن دار قطنی، ج ۲، ص ۲۷۸، باب المواقیت، ج ۱۹۳؛ شفاء السقام، ص ۲۳؛ وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۴۴؛ علامه امینی در الغدیر، ج ۵، ص ۱۰۱، حدیث را از سیزده مصدر نقل کرده است.

۲- قرب الاسناد، ص ۳۱؛ بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۳۹.

۳- خصال، ج ۲، ص ۴۰۶؛ بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۳۹.
۴- علل الشرائع، ص ۴۶۰؛ بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۴۰.

۴. امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر فرمود:

«من أتانی زائراً کنت شفیعه یوم القیامه»؛ (۱)

هر کس به زیارت من بیاید، در روز قیامت شفیع او خواهم بود.

روایـاتی که فریقین در این مورد نقـل کرده انـد، از حیث مضـمون کاملًا بـا یکـدیگر موافق و هم آهنگ است و محتوای همه روایات بر محور دو چیز می گردد.

الف) هر کس آهنگ مکه کند و پیامبر را زیارت نکند آن حضرت در حق او شفاعت نمی کند.

ب) هر کس به زیارت پیامبر برود، پیامبر در حق او شفاعت می کند.

به منظور رعـایت اختصار، به هشت روایت فوق(۴ روایت از اهل سـنت و ۴ روایت از کتب شـیعه) اکتفا کرده و طالبین تفصیل بیشتر را به مآخذ یاد شده ارجاع می دهیم.

۱- کامل الزیارات، ص ۱۲؛ بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۴۲.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم

۲. سنن ابن ماجه

۳. کنز العمال

۴. دیوان صادق سرمد

۵. وسائل الشیعه

۶. الدرر السنیه

۷. تفسیر بیضاوی

۸. تفسیر جلالین

۹. روح البیان

۱۰. روح المعانی

۱۱. صحیح مسلم

۱۲. شفاء السقام

۱۳. الغدیر

۱۴. جریده «الجزیره»

۱۵. الاحکام السلطانیه

۱۶. احیاء علوم الدین

۱۷. الشفاء

۱۸. الجوهر المنظم فی زیاره القبر المکرم

۱۹. الفقه علی المذاهب الاربعه

۲۰. التاج الجامع للاصول فی احادیث الرسول

۲۱. وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی

۲۲. التوسل و الزیاره فی الشریعه الاسلامیه

۲۳. سنن دار قطنی

۳. زیارت و شبهات مخالفان

اشاره

سید محمد مرتضوی هشترودی

چکیده

فرقه وهابیت که به وسیله محمّد بن عبد الوهاب تأسیس یافت و تحت تأثیر عقاید ابن تیمیه قرار داشت، معتقد است که نماز خواندن و دعا کردن نزد قبور حرام بوده و شرک است. و نیز تبرک جستن به قبور و دست ساییدن و بوسیدن آنها حرام می باشد. وهابیت به هر مسلمانی که این اعمال را انجام دهد نسبت شرک و کفر می دهد و آنها را عبادت کنندگان قبرها می نامد و عمل آنها را همانند عمل مردم دوران جاهلیت با بت های خود می داند.

در این نوشتار با اشاره به برخی از عقاید وهابیت که ذکر شد، با استفاده از منابع حدیثی و کتب اهل سنت به اشکالات آنها پاسخ داده شده و سپس به اثبات عقاید شیعه پیرامون جواز زیارت قبر نبی اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار و قبور صالحین و اموات پرداخته شده است.

کلیدواژه ها: زیارت قبور، وهابیت، ابن تیمیه، شرک.

زیارت در منظومه کلی تفکر اسلامی جایگاه خاصی دارد و یکی از برنامه های عبادی- سیاسی اسلام است که در مکتب تشیع جلوه زیباتر و پرشکوه تری دارد و از محتوای بسیار فنی ای برخوردار است. در این نوشتار هدف ما ابتدا اثبات مشروعیت زیارت می باشد و سپس به بیان برخی اشکالات و پاسخ آنها می پردازیم.

دلائل مشروعیت زیارت

اشاره

زیارت به طور مطلق و بنابر چهار دلیل، امری مشروع می باشد:

۱. قرآن

خداونـد تبارک و تعالی می فرماید: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُواْ أَنفُسَهُمْ جَآءُوکَ فَاسْتَغْفَرُواْ اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُواْ اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا» (۱)

هر گاه آنان زمانی که بر خویش ستم کرده انـد نزد تو(ای رسول خدا) بیایند و استغفار کنند و پیامبر برای آنان طلب آموزش کند، خداوند را توبه پذیر و رحیم خواهند یافت.

زیـارت نوعی حاضـر شـدن نزد زیـارت شونـده است، خواه برای استغفار باشـد یا غیر آن. وقتی رجحان چنین عملی در حیات پیـامبر صـلی الله علیه و آله ثـابت شود، همین امر بعـد از رحلت او نیز ثـابت است، چون پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله دارای حیات برزخی است و سلام زایر را می شنود و اعمال او نزد آن حضرت عرضه می شود.

۲. روایات

دربـاره زیارت احادیث بسـیاری به طریق مختلف و با مضـمون های گوناگون وارد شـده است. (۲) حـدیث اول: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقـل شـده است که فرمود: «هر کس قبر مرا زیارت کنـد، شـفاعتش بر من لازم می گردد». (۳) این حدیث دارای چهل منبع از کتاب های اهل سنت است. مؤلفان این کتاب ها از حافظان و ائمه حدیث می باشند، از جمله:

۱. عبید بن محمد الوراق نیشابوری(م ۲۵۵ ق)؛

۲. ابن ابی الدنیا ابوبکر القریشی(م ۲۸۱ ق)؛

۱- سوره نساء، آیه ۶۴.

۲- الغدیر، ج ۵، ص ۱۲۵- ۱۴۴.

۳- بحارالأنوار، ج ۹۷، ص ۱۴۲، ح ۱۸.

۳. ابو احمد بن عدی(م ۳۶۰ ق) در کتاب الکامل؛

۴. دار قطنی(م ۳۸۵ ق) در سنن خود؛

۵. الماوردی(م ۴۵۰ ق) در کتاب الأحکام السلطانیه؛

۶. تقی الدین سبکی(م ۷۵۶ ق) در کتاب شفاء السقام (۱) این روایت را نقل کرده اند.

سبکی شواهدی بر صحت سند این روایت ذکر کرده و در ادامه گفته است: با این دلایل و بلکه با کم ترین دلایل، دروغ های کسی که مدعی است تمام احادیثی که در مورد زیارت آمده جعلی است، روشن می شود. آیا او از خدا و رسولش در سخنانی که قبل از او نه عالم و نه جاهل و نه اهل حدیث و اصلًا هیچ یک از مسلمین به زبان نیاورده اند شرم نمی کند.

حدیث دوم: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس حج گزارد و قبر مرا بعد از وفاتم زیارت کند، مانند کسی است که در حیاتم مرا زیارت نموده است». (۲) این حدیث دارای ۲۵ منبع از کتاب های اهل سنت است که به بعضی آنها اشاره می شود: ۱. شیبانی(م ۳۰۳ ق)، ۲. ابو یعلی(م ۳۰۷ ق)، در مسند خود، ۳. ابن عدی(م ۳۶۵ ق) در کتاب الکامل، ۴. بیهقی(م ۴۵۸ ق) در کتاب السنن، ۵. ابن عساکر(م ۵۷۱ ق) در تاریخ خود آورده اند.

حدیث سوم: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس حج خانه خدا را انجام دهد و مرا زیارت نکند، به من جفا کرده است». (۳) بسیاری از حافظان این حدیث را نقل کرده اند از جمله آنهاست: ۱. سمهودی(م ۹۱۱ ق) در کتاب وفاء الوفاء ۲. قسطلانی(م ۹۲۳ ق) در المواهب الدنیه.

۳. عمل اصحاب

۱. عمر بن خطاب بعد از فتوحات شام، وقتی وارد مدینه شد، اولین اقدامش این بود

۱- ر. ک: الغدیر، ج ۵، ص ۱۶۵.

۲- الغدیر، ج ۵، ص ۱۴۶؛ بحارالأنوار، ج ۹۷، ص ۱۳۹.

۳- شفاء السقام، ص ۲۷؛ وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۴۲؛ بحارالأنوار، ج ۹۷، ص ۱۴۰؛ علل الشرائع، ص ۴۶۰.

که به مسجد آمد و بر رسول خدا صلی الله علیه و آله سلام و درود فرستاد. (۱) ۲. ابن عمر هر وقت از سفر بر می گشت، نزد قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می آمد و می گفت: سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای ابوبکر! سلام بر تو ای پدر! (۲) ۳. ابن اعثم کوفی در کتاب الفتوح (۳) می گوید: شبی امام حسین بن علی علیه السلام نزد قبر جد بزرگوارش آمد و فرمود: سلام بر تو ای رسول خدا، من حسین پسر فاطمه هستم، من از ریشه تو هستم و پسر دختر تو می باشم و من نوه تو از ناحیه کسی هستم که تو او را جانشین خود بر امت قرار دادی. پس علیه امت خود شاهد باش ای پیامبر خدا که آنها مرا رها و تباه کردند و حفظ ننمودند. این شکوه من به تو است تا این که تو را ملاقات نمایم.

و نیز شب دوم نزد قبر آمد و دو رکعت نماز خواند، وقتی از نمازش فارغ گردید، شروع به گفتن این دعا نمود: خدایا، این قبر پیامبر تو محمد است و من پسر دختر محمد هستم. برایم امری پیش آمده که تو خود آن را می دانی. من دوستدار معروف هستم و از منکر بیزارم و من از تو مسألت می نمایم ای ذی الجلال و الاکرام، به حق این قبر و کسی که در آن مدفون است، آنچه که انجام می دهم، رضای تو در آن باشد. (۴) اینها نمونه ای از عمل اصحاب بود. مرحوم علامه امینی بیش از چهل قول از علما و فقهای اهل سنت در استحباب زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و نیز آداب زیارت آن حضرت در کتاب خود آورده است.

۴. عقل

عقل می گوید: تعظیم و بزرگداشت و احترام کسی که خداوند تبارک و تعالی او را بزرگ داشته، نیکو است و زیارت هم نوعی تعظیم است، زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که

۱- شفاء السقام، ص ۴۴.

۲- وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۴۰.

۳- الفتوح، ج ۵، ص ۱۸۱.

۴- همان، ص ۱۸.

نوعی احترام به آن حضرت است، از شعایر الهی جایز و نیکو است، چرا که این عمل بر خلاف میل دشمنان و مخالفان است.

علامه مولی مهدی نراقی در کتاب جامع السعادات پیرامون زیارت می فرماید:

بـدان که نفـوس قـومی و قدسـی، به خصوص نفوس پیغمـبران و امامـان علیهم السـلام چون از بـدن هـای شـریف خود رحلت نمودند و از آنها مجرد گشتند، و به عالم تجرد بالا رفتند، و نهایت احاطه و استیلا بر این عالم حاصل کردند، امور این عالم در نزد ایشان ظاهر و منکشف می گردد، و ایشان را توانایی و امکان تأثیر و تصـرف در مواد این جهان خواهـد بود، پس هر که به جهت زیـارت ایشان نزد قبورشان حاضـر شود، بر او آگاهی و اطلاع دارنـد، به خصوص که مقابرشان محضـر ارواح مقـدس و والاـی ایشـان و جایگـاه حضور اشـباح برزخی و نورانی ایشـان است، پس در آن جا حاضـرند. چنان که قرآن می فرمایـد: «بَلْ أَحْيَآءٌ عِندَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ». (۱)

بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند.

و به آنچه خداوند از فضل و کرم خود به ایشان داده است شادمانند، پس به زایران قبور خود و حاضران آرامگاه خویش علم و اطلاع تام دارند، و سؤال و توسل و تضـرع و درخواست شـفاعت را می شنوند، و نسیم الطاف ایشان بر آنان می وزد، و تراوش هـای انوارشـان بر آنـان فرو می ریزد، و از خـدا در روا شـدن حاجـات و برآمـدن مطـالب و آمرزش گناهـان و برطرف شـدن گرفتاری و اندوهشان شفاعت می کنند. این است راز این که زیارت پیغمبر و ائمه علیهم السلام مستحب مؤکد است.

علاـوه بر این که زیارت نمودن ایشان، پیونـد با آنها و نیکی در حق ایشان و اجابت آنان است، و باعث سـرور ایشان و تجـدید عهد ولایت و احیای امر و بلند آوازه کردن کلمه ایشان و سرکوب ساختن دشمنانشان است و پوشیده نیست که هر یک از این امور ثواب بسیار دارد.

چگونه زیارت ایشان بهترین مایه تقرب و شریف ترین طاعات نباشد، و حال

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۶۹.

آن که زیارت مؤمن به تنهایی از این جهت که مؤمن است اجر و ثواب بسیار دارد، و در شریعت پاک تأکید و ترغیب بسیار به آن شده است، از این رو زندگان به زیارت مردگان خود می روند. این طریقه چنان میان ایشان متعارف است که سنتی طبیعی به شمار می رود. و نیز جلالت مؤمن در نزد خدا و ثواب پیوند با او و احسان به او و شاد ساختن او ثابت شده است، و چون حال مؤمن از این جهت که مؤمن است چنین است، پس چه گمان می کنی درباره کسی که خدا او را از هر خطایی محفوظ داشته و از پلیدی و گناه مطهر ساخته و او را بر همه خلایق برگزیده و برانگیخته و حجت بر عالمیان قرار داده، و او را پیشوای مؤمنان و مقتدای مسلمانان پسندیده و به خاطر او آسمان ها و زمین ها را آفریده، و او را صراط و دیده بان و دلیل خود قرار داده، و دری که از آن در آیند، و نوری که از آن روشنی گیرند، و امین کشور خود، و ریسمانی که مایه پیوند میان او و بندگان اوست، از رسولان و پیامبران و امامان و اولیا. (۱) بر همین اساس است که در روایات اهل بیت علیهم السلام با مضامین و تعابیر مختلف به زیارت و تعمیر قبور آن بزرگواران اهمیت زیادی داده شده است که بخشی از آن عام است و مربوط به همه ائمه می باشد و بعضی از آن خاص است. در این جا چند روایت را در این مورد ذکر می کنیم:

۱. از روایات متعددی به دست می آید که اگر انسان بخواهد کاملًا به عهد و پیمانش نسبت به هر کدام از ائمه وفا کند، باید به زیارت قبورشان رود و بداند که هر کس با میل و رغبت به زیارتشان رود و مکتب آنان را تصدیق نماید مشمول شفاعتشان در روز قیامت قرار می گیرد «إنّ لکلّ إمام عهداً فی عنق أولیائه و شیعته و إنّ من تمام الوفاء بالعهد و حسن الأداء زیاره قبورهم، فمن زارهم رغبه فی زیارتهم و تصدیقاً بما رغبوا فیه کان أئمّتهم شفعائهم یوم القیامه». (۲)

۱- علم اخلاق اسلامی، ص ۴۹۶ و ۴۹۷.

۲- بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۱۶، ح ۱، به نقل از عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۶۰، ح ۲۴؛ علل الشرائع، ص ۴۵۹.

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام از اجدادش و آنها از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که خطاب به امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «یا اباالحسن، خدای تعالی قبر تو و قبر فرزندان تو را خانه ای از خانه های بهشت و عرصه ای از عرصه های آن قرار داده است، و دل های برگزیدگان بندگان خود را مایل به شما ساخته، تا خواری و اذیت در راه شما را تحمل کنند، و قبور شما را آباد سازند، و برای تقرب به خدا و دوستی رسول او به زیارت آنها آیند. یا علی شفاعت من مخصوص آنهاست و بر حوض من وارد می شوند، و ایشانند زایران من و همسایگان فردای من در بهشت. یا علی هر که قبرهای ایشان را تعمیر و نگهداری کند، مانند کسی است که سلیمان پسر داوود را بر ساختن بیت المقدس یاری کرده است، و هر که قبور شما را زیارت کند، معادل است با هفتاد حج بعد از حجه الاسلام(حج واجب)، و از گناهانش بیرون آید تا بازگشت از زیارت شما، مانند روزی که از مادر متولد شده، بشارت باد تو را، و بشارت ده دوستان خود را به نعمت هایی که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و به خاطر هیچ انسانی خطور نکرده است. اما اشرار مردم زیارت کنندگان قبور شما را سرزنش می کنند، چنان که زن بدکار را سرزنش می کنند، ایشان بدترین امت من هستند، که شفاعت من به آنها نمی رسد و بر حوض من وارد نمی شوند». (۱)

وهابیت و برخی عقاید آنها

در سال ۱۱۱۵ هجری قمری در شهر عیینه از توابع نجد شخصی چشم به جهان گشود به نام محمد بن عبد الوهاب که پدرش عبدالوهاب بن سلیمان، قاضی شهر عیینه و پیرو مذهب امام احمد بن حنبل بود، محمد بن عبد الوهاب در ضمن کسب علم و فراگیری علوم اسلامی، به شدت تحت تأثیر عقاید ابوعباس احمد بن عبد العلیم، معروف به ابن تیمیه قرار گرفت و در عقایدش برای خداوند جسم قایل شد و کارهای

۱- بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۲۰، ح ۲۲؛ علم اخلاق اسلامی، ج ۳، ص ۴۹۸.

سنتی مسلمانان را بدعت و شرک دانست و تمام آنان را مشرک و کافر قلمداد کرد. وی به تدریج بعد از چند سال به کمک محمد بن مسعود که از قبیله عنیزه و حاکم شهر عیینه بود، عقاید خود را منتشر کرد و فرقه گمراه و ضاله وهابیت را به وجود آورد و در همان زمان فتوایی داد که تمامی اماکن متبرک باید تخریب شود و چندین بار دستور حمله به شهرهای کربلا و نجف و مدینه الرسول و غیره را صادر نمود و خون تمام مسلمینی که مخالف عقیده او بودند را حلال شمرد، و دستور قتل آنان را صادر کرد.

ما در این مقاله به قسمت هایی از عقاید وهابیت پیرامون زیارت قبور، تبرک جستن به قبور و استغاثه و طلب حوایج و زیارت قبور زنان و نماز و دعا در کنار قبر را از کتب اهل سنت پاسخ می دهیم و عقاید حقه شیعه پیرامون زیارت قبر نبی اکرم و ائمه اطهار و قبور صالحین و اموات را ثابت می نماییم.

تبرک جستن به قبور، استغاثه و طلب حوایج

اشاره

ابن تیمیه و پیروان او تبرک جستن به قبور و دست ساییدن و بوسیدن آنها را حرام می دانند و به مسلمانان نسبت شرک و کفر می دهند و آنها را «قبوریون» و «عبادت کنندگان قبرها» می نامند و عمل مسلمانان را همانند عمل مردم دوران جاهلیت با بت های خود می دانند.

در رد سخنان آنها می گوییم:

اول: اگر نصی هم بر جواز تبرک جستن و بوسیدن قبور وارد نشده باشد، باز این اعمال رجحان شرعی دارد، چون تعظیم شعایر است. انبیا دارای احترام و مقام هستند و این احترام با مرگ آنها از بین نمی رود، امام مالک بن انس به منصور می گوید:

«احترام به پیامبر در حالی که از دنیا رفته، مثل احترام در دوران حیاتش می باشد». (۱)

۱- کشف الارتیاب، ص ۳۴۳.

پس احترام به نبی اکرم صلی الله علیه و آله و صالحین با مرگ آنان از بین نمی رود و همواره واجب است.

دوم: اگر تعظیم شعایر «عبادت شمرده شود» و حرام باشد و نیز احترام به قبور و بوسیدن آنها عبادت و شرک دانسته شود، پس احترام و تعظیم کعبه و طواف کعبه هم باید شرک باشد و همچنین تعظیم حجر الاسود و بوسیدن آن، تعظیم خانه و مقام ابراهیم و تعظیم مساجد پیامبر و مشاعر و تعظیم و احترام به پدر و مادر و به سجود ملائکه در برابر حضرت آدم و سجده برادران و پدر در برابر حضرت یوسف، احترام سربازان به فرماندهان خود، تعظیم و احترام اصحاب نبی برای پیامبر صلی الله علیه و آله، تعظیم خلفا برای پیامبران و حتی تعظیم وهابیت برای رؤسای خود، همگی باید شرک باشد! در حالی که هیچ یک از وهابیان به این امر اذعان ندارند.

سوم: عمل صحابه و صالحان در این زمینه خلاف نظر وهابیت است، آنان قبرها را مس می کردند و می بوسیدند و خود را به آن می ساییدند و به خاکش تبرک می جستند.

نمونه هایی چند در این زمینه نقل می شود:

۱. تبرک جستن حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به خاک قبر پدرش

حضرت علی علیه السلام نقل می کند: وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله دفن گردید، فاطمه علیها السلام کنار قبر وی ایستاد و مقداری از خاک قبر را برداشت و بر صورت نهاد و اشک ریخت و این دو شعر را سرود: «چه می شود آن کس را که خاک قبر احمد را ببوید و تا زنده است از بوییدن مُشک های گران قیمت بی نیاز شود! مصیبت هایی بر من وارد شد که اگر به روزهای روشن فرود می آمد، با شب تار تبدیل می گشت». (۱)

۱- ما ذا علی من شم تربه احمد أن لا یشمّ مدی الزمان غوالیاً

۲. تبرک جستن ابو ایوب انصاری به قبر پیامبر صلی الله علیه و آله

داوود بن ابی صالح می گوید: مروان بن حکم روزی وارد مسجد شد، دید مردی صورت خود را بر قبر پیامبر نهاده است، مروان گردن او را گرفت و به او گفت:

می دانی چه می کنی؟ آن مرد رو به مروان کرد(و معلوم شد که ابو ایوب انصاری است) و گفت: آری، من به سوی سنگ نیامده ام، من نزد پیامبر آمده ام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «زمانی که دین را اهل دین رهبری کنند برای دین گریه نکنید، آن گاه گریه کنید که رهبری دین را نا اهل بر عهده گیرد». (۱) این حدیث را حاکم نیشابوری در مستدرک و ذهبی صحیح دانستند.

سبکی می گوید: اگر اسناد چنین حدیثی درست باشد دیگر لمس کردن دیوار قبر مکروه نیست. (۲) از جمله چیزهایی که جای شگفتی دارد این است که حتی بنی امیه با آن همه الحاد و کفر باطنی و با آن همه دشمنی با اهل بیت، به شرافت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله اعتقاد داشتند.

وقتی که امام حسن مجتبی علیه السلام به شهادت رسید، به سفارش آن امام، برای تجدید عهد با پیامبر صلی الله علیه و آله می خواستند جسم شریف وی را نزد جدش ببرند، بنی امیه به خیال این که می خواهند امام را کنار قبر جدش دفن کنند، لباس سلاح بر تن کردند و با شدیدترین وجه مانع شدند و دلیل آنها این بود که آیا عثمان در دورترین جای بقیع دفن شود و امام حسن علیه السلام در کنار جد خودش؟! اگر برای قبر احترام و شرف و برکت نبود، برای چه بنی هاشم می خواستند جنازه امام حسن علیه السلام را بنا به وصیت حضرت، برای تجدید عهد با جدش نزد قبر پیامبر ببرند؟ آیا این جز توسل و تبرک جستن به پیامبر صلی الله علیه و آله چیز دیگری هست؟ و شگفت این جاست که اصلًا چرا بنی امیه از این که عثمان در

۱- مستدرک حاکم نیشابوری، ج ۴، ص ۵۶۰، ح ۸۵۷۱؛ وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۴۰۶؛ مسند احمد، ج ۵.

۲- الغدیر، ج ۵، ص ۱۴۹. علامه امینی می گوید: این حدیث مطلبی را برای ما روشن می کند و آن این که منع از توسل به قبور پاکان، از بدعت های اموی ها می باشد.

دورترین جای بقیع دفن شده اظهار تأسف می کردند و از دفن امام حسن علیه السلام ممانعت می کردند؟ آیا این جز شرف و فضل قبر پیامبر صلی الله علیه و آله نزد عموم مسلمین، چیز دیگری بود؟». (۱) این سخن را شبراملی از شیخ ابی ضیاء(م ۱۰۸۷) در حاشیه المواهب اللدنیه نقل نمود و کنز المطالب(اثر حمزاوی) نیز در ج ۳۳، ص ۲۱۹ حکایت آن است.

(۲)

نظر تعدادی از فقهای اهل سنت

۱. فتوای ابن حنبل: ابن جماعه شافعی می گوید: عبد اللّٰه بن احمد حنبل این روایت را از پدرش نقل کرده است: «از پدرم در باره مردی که منبر و قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله را برای ثواب مس می کرد و تبرک می جست و می بوسید پرسیدم، در جواب گفت: اشکالی ندارد». (۳) ۲. فتوای رملی شافعی: اگر به قبر نبی یا ولی یا عالمی دست بکشد و یا ببوسد، آن هم به قصد تبرک اشکال ندارد. (۴) ۳. شیخ عدوی حمزاوی مالکی می گوید: شکی نیست که بوسیدن قبر شریف پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، غیر از تبرک جستن به خدا چیز دیگری نیست و این از حدیث جواز، سزاوارتر از بوسیدن قبر اولیا آن هم به قصد تبرک است. (۵)

زیارت قبور و مشاهد

اشاره

زیارت سایر قبور، مثل زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می باشد و درباره مشروعیت آن اختلاف نظری نیست و خود پیامبر صلی الله علیه و آله به زیارت قبور می شتافت و مسلمین را بر این عمل توصیه و ترغیب می کرد. آن حضرت به زیارت قبر مادرش آمنه بنت وهب می رفت و

۱- کشف الارتیاب، ص ۳۴۴، به نقل از استاد نجم الدین طبسی در مجموعه آشنایی جوانان با معارف اسلامی

۲- ، ج ۲، ص ۲۴.

۳- وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۴۱۴.

۴- این سخن را شبراملی از شیخ ابی ضیاء(م ۱۰۸۷) در حاشیه المواهب اللدنیه نقل نمود و کنز المطالب(اثر حمزاوی) نیز در ج ۳۳، ص ۲۱۹ حکایت آن است.

۵- کنز المطالب، ص ۲۰؛ الغدیر، ج ۵، ص ۱۹۶؛ مشارق الأنوار، ج ۱، ص ۱۴۰.

سیره مسلمانان نیز چنین بود که به زیارت قبور مسلمین می شتافتند. در این جا برای اثبات موضوع به بعضی از روایاتی که پیرامون زیارت قبور وارد شده است می پردازیم.

۱. سلیمان بریده از پدرش، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است: «شما را از زیارت قبور نهی کردم، آگاه باشید که این به بعد قبور را زیارت کنید (۱) که آخرت را به یاد می آورد». (۲) شیخ منصور می گوید: عموم علما از امر پیامبر صلی الله علیه و آله «قبور را زیارت کنید»؛ استحباب را فهمیده اند و ابن حزم معتقد است: «امر در این روایت دال بر وجوب است که آدمی در طول عمرش یک بار هم که شده، باید به زیارت نبی صلی الله علیه و آله برود». (۳) تذکر: علت این که پیامبر صلی الله علیه و آله به طور موقت از زیارت قبور نهی کرده بود و بعد از آن اجازه فرمود: احتمال دارد نهی آن حضرت به جهت کفر اموات گذشتگان باشد که اکثراً بت پرست بوده اند و پیامبر صلی الله علیه و آله با نهی خود می خواست به مسلمانان بیاموزد که علاقه و پیوندی میان جهان اسلام و جهان شرک نیست. (۴) ۲. ابن مسعود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند: «آگاه باشید! از این پس قبور را زیارت کنید، چرا که شما را به دنیا بی اعتنا می سازد و آخرت را به یاد می آورد». (۵) ۳. امام علی علیه السلام در مورد زیارت قبور اموات می فرماید: «زوروا موتاكم؛ فإنّهم يفرحون بزيارتكم، و ليطلب الرجل حاجته عند قبر أبيه و أمه بعد ما يدعو لهما». (۶) اموات خود را زیارت کنید، زیرا آنان از دیدار شما خوشحال می شوند، انسان باید بعد از آن که بر سر قبر پدر و مادر خود برایشان دعا کرد، حاجت خود را از خدا بخواهد.

۱- سنن نسائی، ج ۴، ص ۸۹؛ مستدرک حاکم نیشابوری، ج ۱، ص ۶۳۰، ح ۱۳۸۵.

۲- سنن ابن ماجه قزوینی، ص ۵۰۱، ح ۱۵۶۹- ۱۵۷۲.

۳- التاج الجامع للاصول، ج ۱، ص ۳۸۱؛ جامع الاصول، ج ۱۱، ص ۴۳۸.

۴- آیین وهابیت، ص ۱۰۷ به نقل از استاد نجم الدین طبسی، ج ۳، زیارت قبور.

۵- سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۰۱، ح ۱۵۷۱.

۶- الخصال، ص ۶۱۸، ح ۱۰.

۴. در روایتی داوود رقی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: انسان سر قبر پدر خود و خویشاوندان و غریبه می رود. آیا این کار برای او سودی دارد؟ فرمود: آری، همان طور که اگر به یکی از شما هدیه ای داده شود خوشحال می گردد، مرده نیز از کار خیر شما خوشحال می شود. (۱) ۵. مولا علی علیه السلام هنگام عبور از گورستانی فرمود: سلام بر شما ای خفتگان در گور، شما رفتید و ما ماندیم و اگر خدا بخواهد به شما خواهیم پیوست. در خانه های شما دیگران می نشینند و همسرانتان ازدواج کرده اند و اموالتان تقسیم شده است. این خبری است که ما داریم. کاش می دانستم شما چه خبر دارید؟ آن گاه فرمود: بدانید که اگر آنها زبان داشتند، می گفتند: ما تقوی را بهترین ره توشه یافتیم». (۲)

آیا برای زنان جایز است به زیارت قبور بروند؟

در مورد حضرت فاطمه علیها السلام نقل شده است: ایشان همیشه قبر حمزه سید الشهدا و سایر شهدای احد را هر جمعه یا هفته ای دو روز زیارت می کرد. این عمل در زمان حیات مبارک پیامبر صورت می گرفت و حتی بعد از رحلت پدر بزرگوارشان تا زمانی که از دنیا رفت ادامه می داد و هیچ گاه از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام و حتی از هیچ یک از صحابه، این عمل نهی نشده است.

در حالی که وی دست پرورده پدر گرامی خود بود و علم آن حضرت از دیگران نیز بیشتر بود. پس اگر این عمل اشکالی داشت، خود جناب فاطمه علیها السلام آن را انجام نمی داد و نیازی نبود که از طرف پدر گرامی و همسر گران قدرش نهی شود.

در این زمینه روایات بسیاری از علمای اهل سنت نقل شده است که به ذکر دو حدیث اکتفا می شود:

۱. حضرت فاطمه علیها السلام هر روز جمعه قبر عموی گرامی اش حمزه علیه السلام را زیارت

۱- بحارالأنوار.

۲- همان، ج ۷۵، ص ۷۱، ح ۳۵.

می کرد و در آن جـا نماز بجای می آورد و گریه می نمود. (۱) ۲. حضـرت فاطمه علیها السلام قبور شهدای احد را هر روز یا هر سه روز یک بار زیارت می کرد و در آن جا نماز بجای می آورد و گریه و دعا می نمود. (۲)

نماز و دعا نزد قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سایر قبور

وهـابیت نمـاز و دعـا نزد قبور را منع کرده و آن اعمال را شـرک و کفر و حرام دانسـته است. ابن تیمیه می گویـد: «صـحابه هر زمان که نزد قبر پیامبر صـلی الله علیه و آله می آمدند بر او سلام می فرستادند و وقتی قصد دعا داشتند و رو به روی قبر شریف نبـوی بودنـد، خداونـد را نمی خواندنـد، بلکه از قـبر برگشـته و روی خود را به طرف قبله می کردنـد و سـپس خداونـد را می خواندند. چنان که در سایر بقعه ها، همین عمل را انجام می دادند. به همین دلیل هیچ کس از پیشوایان گذشته نگفته است که نمـاز نزد قبور و مشاهـد اولیا مسـتحب است و نیز نگفته انـد که نماز و دعا در آن جا افضل از جاهای دیگر است، بلکه همگی اتفاق نظر دارنـد که نماز در مساجـد و خانه ها افضل از برگزاری آنها در نزد قبور اولیا و صالحان است». (۳) در پاسخ به آنان باید گفت:

اولًا: عموم روایاتی که می گویـد نماز و دعا در هر مکانی جایز است، دلالت می کند بر این که نماز و دعا نزد قبر پیامبر صـلی الله علیه و آله و قبور انبیا و صالحان نیز جایز است، لذا حکم به جواز به جهت آن عمومات و اطلاقات است.

ثانیـاً: آنچه که از دین فهمیـده می شود این است که نمـاز و دعـا و حتی مطلق عبـادات در هر مکانی که شـرف و احترامش از شرع رسیده باشد، رجحان دارد. از طرفی شرف

۱- مصنف عبدالرزاق، ج ۳، ص ۵۷۲ و ۵۷۴؛ سنن الکبری، ج ۴، ص ۱۳۱.

۲- سنن الکبری، ج ۴، ص ۱۳۱؛ مستدرک حاکم نیشابوری، ج ۱، ص ۵۳۳.

۳- رسـاله زیاره القبور، ص ۱۵۹ به نقل از ترجمه کتاب: روافد الایمان إلی عقائد الإسـلام، اسـتاد نجم الدین طبسی، ج ۴، ص ۳۳.

هر مکـانی به کسـی است که در آن مکـان قرار دارد و شـرف و احترام قبر به آن جسـد مبـارک و پـاکی است که در آن جای گرفته است. آیا از نظر شرع مقدس قبر پیامبر صلی الله علیه و آله شرفی ندارد؟!

ثالثاً: آیه ۶۴ سوره نساء «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُواْ أَنفُسَـهُمْ جَآءُوکَ فَاسْـتَغْفَرُواْ اللَّهَ ...» دلالت می کنـد که دعا نزد قبر پیامبر صـلی الله علیه و آله رجحـان دارد، چون کلمه «جـاءُوک» هم شامـل حیـات حضـرت می شود و هم شامـل ممـات آن حضـرت و حرمت احترام پیامبر صلی الله علیه و آله پس از درگذشت او، بسان احترام او در حال حیات است.

امام مالک در برخورد با منصور به این نکته تصریح کرده است که تفصیل قضیه بدین قرار است:

قاضی عیاض، سخنان بین منصور دوانیقی و مالک بن انس را این گونه نقل می کند:

«وقتی منصور وارد حرم پیامبر صـلی الله علیه و آله شد، بلند، بلند سخن می گفت، مالک بن انس(فقیه مدینه) رو به وی کرد و گفت: ای امیر المؤمنین! صدایت را در مسـجد بلند نکن، خداوند گروهی را ادب نمود و به آنان دسـتور داد که «لَاتَرْفَعُواْ أَصْوَتَکُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِیّ» (۱) و نیز گروهی را تشویق کرد که هنگـام سـخن گفتن بـا پیـامبر صـلی الله علیه و آله صـدای خود را پایین می آوردنـد: «إِنَّ الَّذِینَ یَغُضُّونَ أَصْوَ تَهُمْ عِنـدَ رَسُولِ اللَّهِ أُوْلِئکَ الَّذِینَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَی». (۲) خداوند از کسانی که از پشت درب، فریاد می کشیدند و می گفتند:

«ای پیـامبر! هر چـه زودتر از اتـاق بیرون بیـا» نکـوهش کرده، و می فرمایـد: «إِنَّ الَّذِیـنَ یُنَادُونَـکَ مِـن وَرَآءِ الْحُجُرَ تِ أَکْثَرُهُمْ لَایَعْقِلُونَ». (۳) بعد مالک گفت: احترام پیامبر پس از درگذشت او همانند احترام او در حال حیات است. وقتی سـخن مالک به این جا رسید، منصور دوانیقی به خود آمد و به مالک گفت:

به هنگام دعا رو به قبله بایستیم یا رو به حجره رسول خدا؟ مالک در جواب گفت: چرا

۱- سوره حجرات، آیه ۲.

۲- همان، آیه ۳.

۳- همان، آیه ۴.

از رسول خدا رو بر می گردانی در حالی که او وسیله تو و وسیله پدرت آدم تا روز قیامت است. رو به حجره رسول خدا کن، خدا شفاعت او را می پذیرد، چرا که می فرماید: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُواْ أَنفُسَهُمْ جَآءُوكَ فَاسْتَغْفَرُواْ اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ» (۱). (۲) شمس الدین جزری می گوید: اگر دعا نزد قبر نبی صلی الله علیه و آله مستجاب نشود، پس در کدامین مکان به استجابت خواهد رسید؟! (۳) رابعاً: سیره حضرت فاطمه علیها السلام بر خلاف رأی وهابیت است، او قبر عمویش حمزه را در هر روز جمعه زیارت می کرد و در کنار آن نماز می گزارد و گریه می کرد. (۴) حاکم نیشابوری از علمای بزرگ اهل سنت، در باره این روایت می گوید:

راویان این حدیث تا آخر، افرادی ثقه اند و من در باره احادیثی که تشویق به زیارت قبور می نمود، عمیقاً جست و جو کردم تا مشارکتی در امر ترغیب به زیارت قبور داشته باشم(و ثوابی برایم منظور گردد). انسان فرومایه باید بداند که زیارت قبور، سنتی حتمی است و باید توجه کرد که حضرت حمزه سید الشهدا علیه السلام در سال سوم هجری شهید شد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سال یازدهم هجری از دنیا رفت و فاطمه زهرا علیها السلام در این فاصله(مدت هفت سال) هر روز جمعه مدینه را ترک می کرد و به احد می رفت و قبر حضرت حمزه علیه السلام را زیارت می کرد.

این عمل در منظر رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و او عمل فاطمه زهرا علیها السلام را نهی نفرمود.

فاطمه زهرا علیها السلام بعد از پدرش(بنا بر قول اهل سنت) (۵) شش ماه زندگی نمود و در این

۱- سوره نساء، آیه ۶۴.

۲- الشفاء، ج ۲، ص ۱ و ج ۲، ص ۲۰۶؛ کشف الارتیاب به نقل از سمهودی. این ماجرا در کتب دیگر هم آمده است: الصارم المنکی، ص ۲۴۴ ابن حجر در تحفه الزوار آن مطلب را صحیح دانسته و ناقلین آن را به وثاقت تأیید کرده است.

۳- رویکرد عقلانی بر باورهای وهابیت، ج ۴، ص ۳۶؛ الغدیر، ج ۵، ص ۱۸۶.

۴- مصنف عبدالرزاق، ج ۳، ص ۵۷۴؛ مستدرک حاکم نیشابوری، ج ۱، ص ۳۷۷؛ سنن الکبری، ج ۴، ص ۱۳۱؛ سنن بیهقی، ج ۴، ص ۷۸۸.

۵- سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۲۷.

مدت کوتاه نیز به زیارت قبر حضرت حمزه علیه السلام می رفت و عملش در دید صحابه و حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام بود و آنان او را از این عمل نهی نکرده اند. در روایتی آمده است: حضرت صدیقه طاهره علیها السلام قبور شهدای احد را هر دو روز و سه روز زیارت می کرد و در آن جا نماز می گزارد و دعا و گریه می کرد. (۱) آیا سنت پیامبر صلی الله علیه و آله بر فاطمه علیها السلام(که پیامبر فرمود: خداوند با خشنودی او، خشنود می شود و به غضب او غضبناک می گردد) (۲) مخفی بود؟ آیا زیارت قبوری که انجام می داد، مخالف با سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله بود؟

آیا این امر واقعاً بر ابن تیمیه مخفی ماند تا جرأت کند و مدعی شود: احدی از پیشوایان گذشته نگفته اند: نماز نزد قبور و مشاهد مستحب است؟!. (۳) پیرامون زیارت قبور و مشاهد شریف و آداب آن، احادیث و روایات فراوانی در کتب شیعه و سنی وجود دارد که ما به طور خلاصه به قسمتی از این روایات اشاره کردیم و اگر کسی اهل دقت و نظر باشد درس یابد که زیارت قبور و مشاهد مشرفه، آثار و برکات فراوانی دارد و در زندگی دنیوی و اخروی ما تأثیر می گذارد. لذا برای نشان دادن اهمیت این زیارات در بعضی از روایات وارد شده است که مثلًا زیارت قبر امام حسین علیه السلام ثواب هزار حج و هزار عمره مقبول را دارد (۴) و یا امر می فرماید که حداقل سالی یک بار به زیارت قبر حسین علیه السلام بروید. (۵) در روایتی از امام رضا علیه السلام آمده است که می فرماید: برتری و فضیلت قبر امیر مؤمنان بر زیارت قبر حسین علیه السلام همچون برتری و فضیلت خود امیر المؤمنین علیه السلام بر امام حسین علیه السلام است. (۶)

۱- وفاء الوفاء، ج ۲، ص ۹۳۲؛ کشف الارتیاب، ص ۳۷۷. در اوایل قرن دوم روی قبر حضرت حمزه علیه السلام مسجدی بنا کردند و این مسجد همچنان آباد بود تا این که وهابیان آن را ویران ساختند. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۹۲۲.

۲- فتح الباری، ج ۷، ص ۱۳۱.

۳- زیاره القبور، ص ۱۵۹.

۴- بحارالأنوار، ج ۹۷، ص ۲۵۷، ح ۱.

۵- همان، ج ۹۸، ص ۱۳، ح ۵.

۶- همان، ج ۹۷، ص ۲۶۲، ح ۱۴.

از این قبیـل روایـات پیرامون زیـارت قبور ائمه معصومین و پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و فاطمه زهرا علیها السـلام و اولیا و صالحین فراوان است.

حتی امام صادق علیه السـلام می فرمایـد: هر کس که نتوانـد قبرهای ما را زیارت کنـد، قبور برادران صالح ما را زیارت نماید. (۱) علاـقه منـدان برای اطلاـع بیشتر و تحقیقـات گسترده تر می تواننـد به کتب ادعیه و زیارات و نیز کتب حـدیثیماننـد بحار الأـنوار(ابواب زیـارات و قبور)، کامـل الزیـارات، وسائـل الشـیعه همچنین کتـاب گران سـنگ الغـدیر علامه امینی و ... و کتب برادران اهل سنت به خصوص صحاح سته و مستدرک حاکم نیشابوری و وفاء الوفاء و ... مراجعه نمایند.

۱- همان، ج ۷۱، ص ۳۵۴، ح ۲۹.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.

۲. الاخلاق، علامه شبر، ترجمه محمد رضا جهاران، هجرت، قم.

۳. بحار الأنوار، علامه محمد باقر مجلسی، مؤسسه التاریخ العربی و احیاء التراث العربی، بیروت.

۴. رویکرد عقلانی بر باورهای وهابیت، ترجمه کتاب روافد الایمان إلی عقائد الاسلام، استاد نجم الدین طبسی، بخش فرهنگی دفتر آیت اللّه فاضل لنکرانی، قم.

۵. زیارات، سید محمد حسینی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.

۶. سنن، ابن ماجه قزوینی، دار الکتاب المعمری قاهره و دار الکتاب البنانیه، بیروت.

۷. سنن، أبی داوود، المکتبه العصریه، بیروت.

۸. شرح نهج البلاغه، ابن أبی الحدید، دار احیاء التراث العربی.

۹. صحیح، مسلم، دار ابن حزم، بیروت.

۱۰. صحیح، بخاری، احیاء التراث العربی بیروت.

۱۱. علم اخلاق اسلامی(ترجمه کتاب جامع السعادات)، علامه مولی مهدی نراقی، ترجمه دکتر سید جلال الدین، چاپ دوم ۱۳۷۰، حکمت، تهران.

۱۲. الغدیر فی الکتاب و السنه و الأدب، علامه عبد الحسین امینی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت.

۱۳. کشف الارتیاب، سید محسن امین، چاپ پنجم.

۱۴. مستدرک الوسایل و مستنبط المسائل، حاج میرزا حسین نوری، مؤسسه آل البیت علیهم السلام لإحیاء التراث.

۱۵. المسند، احمد بن محمد حنبل، دار الجبل، بیروت.

۱۶. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی.

۱۷. مفاتیح نوین، آیت اللّٰه مکارم شیرازی، مدرسه امام علی بن أبی طالب علیه السلام، قم.

۱۸. میزان الحکمه، محمدی ری شهری، دار الحدیث، قم.

۴. زیارت مشاهد مشرفه و ناقدان

اشاره

سارا رضایی

چکیده

در این نوشتار، نخست به فلسفه و اهداف زیارت اشاره شده و آن گاه دیدگاه وهابیان درباره زیارت و نیز برخی فتاوای آنها در این زمینه، مورد بررسی قرار گرفته است.

سپس با استناد به آیات و روایات اهل سنت و سیره صحابه، به اثبات جواز و استحباب زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام پرداخته شده است. زیرا وهابیان به طور عموم، زیارت قبور را حرام دانسته و فرد زایر را مشرک می دانند. آنها همچنین احداث بنا و ساختن گنبد و ضریح را بر روی قبور اهل بیت علیهم السلام جایز ندانسته و بر حرمت آنها پافشاری می کنند. آنان می گویند: خواندن دعا و نماز نزد قبور اهل بیت علیهم السلام شرک است. نیز اشکال و ایراد دیگری که مورد توجه قرار داده و روی آن اصرار کرده اند، موضوع تبرک جستن و استشفا به آثار اولیای خداست که مظهر شرک و نشانه عمل مشرکین پنداشته اند. نگارنده پس از بررسی و نقد دیدگاه وهابیان، در بخش پایانی مقاله چشم اندازی دارد به تأثیرات زیارت قبور ائمه اطهار علیهم السلام و سرانجام با چند توصیه به زایران و مسئولان زیارتگاه ها، نوشته خود را خاتمه می دهد.

کلیدواژه ها: زیارت، وهابیان، قبور اهل بیت، شرک، مشروعیت زیارت.

مقدمه

در مکتب جامع و همه جانبه اسلام، برنامه های مختلفی منظور گشته است که از هر جهت سازنده و آموزنده است. از معارف عقلی قرآن و اسلام که بگذریم- که این خود، زیربنای برنامه های اسلامی است- در برنامه های عملی و اخلاقی، همه جا نظر

این بوده است که انسان راه اصلی زندگی را پیدا کند و سعادت دنیا و آخرت خود و همنوعانش را به دست آورد.

آری! مکتب اسلام مکتبی است که دنیا را پلی برای آخرت قرار داده است و در این جهت کوشیده است که انسان ها دنیا را با عزّت تمام گذرانده و به مقصد اصلی برسند.

از این رو می طلبد که برنامه های اسلام جامع باشد و انسان را در این گذرگاه خطرناک(مرز دنیا و آخرت)، کاملًا حافظ باشد و او را از انحراف دور بدارد و می بینیم که چنین است.

زیارت، که این نوشتار بر گرد این محور می چرخد، خود یکی از برنامه های عبادی- سیاسی اسلام است که از طرفی انسان را به سوی آخرت می خواند و او را آماده سفر آخرت می کند و از سویی او را به مقام امامت و رهبری اولیای الهی آشنا می سازد و اطاعت پیشوا را در همه ابعاد زندگی به زایرین می آموزد.

با توجه به این نکات درمی یابیم که یکی از عمده مسائل مهم جامعه مسلمین که شرف و کمال آنها به آن بستگی دارد، «زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام» است.

چنانچه در حدیث اربعمأه آمده است:

«أتِمّوا بِرسولِ اللّه صلی الله علیه و آله حجَّکُم إذا خَرَجتُم إلی بیت اللّه الحرام، فإنّ تَرکَهُ جفاءٌ وبذلک أمِرتُم، وأتِمّوا بِالقُبورِ الّتی ألزَمَکُمُ اللّه حقَّها وزیارَتَها واطلُبوا الرّزقَ عندها»؛ (۱)

زمانی که به سمت بیت اللّه الحرام حرکت کردید، پس از انجام مناسک، حج را با زیارت رسول اللّه تمام کنید، زیرا ترک زیارت او، جفای به آن حضرت است. نیز حجّ خود را به قبوری که خداوند عالم، حق آنها را بر عهده شما نهاده و زیارت آنهارا بر شما الزام کرده که همان امامان معصوم علیهم السلام هستند، خصوصاً ائمه طاهرین بقیع علیهم السلام به پایان برسانید و از نزد آنها رزق و روزی دنیا و آخرت طلب کنید.

گرچه تقرّب به این باب، کار آسانی نیست، امّا با توجّه به ضرورت و اهمّیت بحث

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۲۵؛ الخصال، ص ۶۱۶.

و شناخت هر چه بهتر و بیشتر این حقّ عظیم، مرا بر آن داشت که با حول و قوّه الهی بحث زیارت را که طریق عام الهی و راه رسای وصول و نیل به ساحت ربوبی است، در حدّ خود، آغاز کنم.

واژه زیارت

زیارت، آن چنان که در کتاب های لغت آمده، به معنای دیدار کردن و قصد چیزی نمودن است. راغب می گوید: «زور: الزورا علی الصدر وزدت فلاناً تلقیته بزوری أو قصدت زوره نحو جهته». (۱) یعنی زور(ریشه کلمه زیارت) به بالای سینه(سر) می گویند، و فلانی را زیارت کردم یعنی با بالای سینه ام او را ملاقات کردم. یا این که قصد نمودم بالای سینه او را ببینم(چرا که انسان همیشه سر مخاطب را زیارت می کند و به پای او کاری ندارد). همچنین در فرهنگ فارسی، زیارت این طور معنا شده است:

۱. دیدار کردن(شخص بزرگ و محترم)، بازدید کردن؛ ۲. به مشاهد متبرک و بقعه ها رفتن؛ ۳. دعائی که به عنوان تشرف باطنی برای امام ها، امامزاده ها و اولیا خوانند. (۲) امّا در اصطلاح دینی، زیارت تمایلی است که افزون بر میل و حرکت حسّی، قلب هم گرایش جدّی پیدا کرده و نسبت به مزور و زیارت شونده هم با اکرام و تعظیم قلبی و انس روحی همراه باشد. (۳)

فلسفه زیارت

یکی از الطاف بیکران و موهبت های بزرگ الهی که شامل ما مسلمانان به خصوص ما شیعیان شده است، این است که خداوند ما را به سوی آشنایی با اهل بیت و مودّت آنها و ارتباط با ایشان، سوق داده است. در باب مودّت همین بس که خداوند ما را به دوستی و محبّت به ایشان دعوت نموده و مودّت خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله را اجر رسالت آن

۱- المفردات، ص ۲۱۷.

۲- فرهنگ فارسی معین، ص ۱۷۶۷.

۳- مجمع البحرین، ج ۱، ربع ۲، ص ۳۰۵، ماده «زور».

حضرت، قرار داده است. (۱) از این رو زیارت، قدردانی از زحمات آنهاست. انسان با زیارت اولیای الهی، اعلام وفاداری می کند و نیز محبّت و دوستی خود را به ایشان ابراز می دارد. در حقیقت زایر با حضور هر چه بهترش می گوید راه مستقیمی که خدا به من مرحمت کرده، از طریق رنج ها و زحمات شماست.

آری! با سفارش مؤکّد خداوند در قرآن در می یابیم که مودّت اهل بیت علیهم السلام، وفاداری به ایشان است و وفاداری به اهل بیت علیهم السلام وفاداری به حق است. (۲) اگر این همه تشویش و تأکید در باب وفاداری به حق اهل بیت علیهم السلام نبود، باز هم وظیفه داشتیم که در خانه آنان رویم و پروانه وار گرد این شمع ها بگردیم و از فروغ این مشعل های خورشیدسان هدایت، بهره مند شویم.

زیارت، قرار گرفتن در این مدار، و چرخیدن بر گرد این محور، و آموختن از این مکتب و سیراب شدن از این زمزم است. (۳) از سویی سوق دادن امّت به سوی پیشوایان حق و فرهنگ تشیع و خطّ اهل بیت علیهم السلام یکی از تلاش های فرهنگی و اجتماعی امامان است؛ تا با یادشان و احیای نامشان و ... هدفشان روشن تر گردد. این، حقّ هر شهید بر جامعه است و شهدای آل محمّد به ویژه ائمه شهید، بیش از دیگران بر گردن امّت پیامبر صلی الله علیه و آله حق دارند؛ چون با مرگ سرخ خویش دین را زنده نگاه داشتند. پس زیارت اهل بیت علیهم السلام حق بزرگی است که بر گردن امّت پیامبر صلی الله علیه و آله نهاده شده است و چه خوب است که روز به روز سعی بر بهتر شناختن این حقّ گران و بهتر ادا کردن آن باشیم.

۱- سوره شوری، آیه ۲۳. «قُل لَّآأَسَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبَی وَ مَن یَقْتَرِفْ حَسَنَهً نَّزِدْ لَهُ فِیهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَکُورٌ».

۲- غرر الحکم، ج ۱، ص ۲۶۳، ش ۶۱۶۹. «علیکم بحبّ آل بیتکم فإنّه حق اللّه علیکم و الموجبُ علی اللّه حقّکم، ألاـ ترون إلی قول اللّه تعالی: «قل لا أسئلکم ...»».

۳- زیارت، ص ۱۲۰.

حـال چنـد نمونه از سـیره عملی اسوه هـای خود را یاد می کنیم تا معلوم گردد که چگونه این پیشوایان دینی ما، این حق را ادا می کردند و آن فرهنگ زیارت را زنده نگاه می داشتند:

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به زیارت قبر مادرش آمنه، می رفت و برای او به شدّت متأثر گشته و اشک می ریخت. (۱)
۲. خَبّاب بن ارت- که از سابقین در اسلام است- با امام علی علیه السلام در کوفه بود. وی به جهت مرض سختی که داشت با امام علی علیه السلام در جنگ صفّین شرکت نکرد. وقتی امام از صفّین برگشت و خبر وفات او را شنید، بر سر قبر او حاضر شد و او را زیارت نمود. (۲)

اهداف زیارت

زیارت، اهـداف فراوان و ارزشـمندی دارد که در این مجال، با بهره گیری از مآثر ارزشـمند قرآن و عترت، به موارد عمـده آن اشاره خواهیم داشت.

قبـل از هر چیز، بایـد دانست همـان طور که در ناحیه مبـدأ و فاعلی تنها یک مبـدأ اولی، حقیقی و مسـتقل وجود دارد و هرگز برای انسـان و جهـان بیش از یـک مبـدأ که همـان مبـدأ المبادی است، وجود نـدارد و دیگر فاعل ها و مبادی به اذن و اراده او فاعلنـد و در تحت تسـخیر او فاعلیت دارند، در ناحیه غایت و هدف نیز تنها یک هدف و مقصد اصـیل، برای همه هستی وجود دارد و همه به سوی او در حرکتنـد و غایه الغایات تنها همان حقیقت است و دیگر غایات به اذن و اراده او مقصـد و هدف می باشند و این، همان توحید در مبدأ و غایت است. (۳) آیاتی در قرآن وجود دارد که شهادت بر این دو نحوه توحید دارد.

«إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّآ إِلَيْهِ رَ جِعُونَ»؛ (۴) ما از آنِ خدا هستیم و به سوی او برمی گردیم. بنابراین،

۱- المستدرک، حاکم، ج ۱، ص ۳۷۵.
۲- اسد الغابه، ج ۲، ص ۱۴۳.
۳- فلسفه زیارت و آیین آن، ص ۷۴.
۴- سوره بقره، آیه ۱۵۶.

یک مبدأ برای جهان و یک مقصد برای عالم است که آن مبدأ همان مقصد و آن مقصد همان مبدأ است.

چنانچه در قرآن این گونه یاد می شود: «هُوَ الْأَوَّلُ وَ الْأَخِرُ وَ الظهِرُ وَ الْبَاطِنُ وَ هُوَ بِكُلّ شَیْ ءٍ عَلِیمٌ»؛ (۱)

اوست اول و آخر و ظاهر و باطن، و او به هر چیزی داناست. آری تنها یک مبدأ و یک مقصد و در نهایت، یک هدف حقیقی برای انسان و جهان وجود دارد و آن هم ذات اقدس احدیّت است. پس همه فعالیت ها و تلاش ها و اعم کارهای انسانی در مسیر الهی و مصیر الی اللّه قابل توجه است. «أَلَآ إِلَی اللَّهِ تَصِیرُ الْأُمُورُ»؛ (۲) آگاه باش که همه کارها به خدا باز می گردد. مگر نه این است که خداوند در جای دیگر می فرماید:

«یأَیُّهَا الْإِنسنُ إِنَّکَ کَادِحٌ إِلَی رَبّکَ کَدْحًا فَمُلقِیهِ»؛ (۳)

پس همه هدف ها با تلاش ها و فعالیت های انسانی در مسیر الهی به نهایت ختم می شود: «وأنّ إلی ربِّکَ المُنتَهی». (۴) حال که مبدأ و مقصد انسان و جهان آفرینش، چیزی نیست جز هدف حقیقی که همان ذات اقدس الهی است، ببینیم زیارت، چه اهدافی را به دنبال دارد. زایر در زیارت در پی به دست آوردن چه چیزی است؟ هدف غایی زایر در زیارت چیست؟

با توجه به مطالبی که اشاره شد و به خصوص با استناد به آیات قرآن می توان به خوبی دریافت که هدف غایی زایر در زیارت نیز خدا و تقرّب به ساحت مقدسش است و «هدف زیارت» زنده شدن فضایل و خصلت های والای آن مزور و زیارت شونده در زایر و دوری جستن و برائت از بدی و بدی هاست. بنابراین تمامی فعالیت های عبادی که به انسان، جهت الهی می دهد، خود زیارت اللّه است. (۵) از این روست که در زیارتنامه ها ملاک و مبنای حقیقی معرفتی را متذکر شده و همواره زایر را به مزور حقیقی متوجه می کند. در این جا به دو نمونه اشاره می شود:

۱- سوره حدید، آیه ۳.

۲- سوره شوری، آیه ۵۳.

۳- سوره انشقاق، آیه ۶.

۴- سوره نجم، آیه ۴۲.

۵- فلسفه زیارت و آیین آن، ص ۷۶.

۱. در زیـارت امیر المؤمنین علیه السـلام عرض می کنیم: «اللهمّ عبـدکَ وزائرُک متَقرّبٌ إلیـک بزیاره قَبرِ أخی رسولِک وعلی کـلِّ مَأتی حقٌّ لِمَن أتاهُ وزارَه وأنت خیرُ مأتی وأکرَمُ مَزورٍ»؛ بارالها بنـده و زایرت به سوی تو، به واسـطه زیارت قبر برادر پیامبر تو، به تو نزدیـک می شود و بر هر میزبان حقی است برای کسـی که بر او وارد شـده و به زیارتش آمـده است و در حقیقت تو بهترین و باکرامت ترین زیارت شـده هستی. (۱) ۲. در زیارت امام رضا علیه السـلام به خداونـد عرض می کنیم: «اللهمّ إلیک صَمَـدتُ مِن أرضـی وقَطَعتُ البِلادَ رَجاءَ رحمتِکَ فَلا تُخَیّبنی ولا تَرُدَّنی بغَیر قَضاء حوائجی وارحم تَقَلُّبی علی قَبرِ ابن رَسولِکَ صَلَواتُکَ علیه وآله»؛ بارالها از سـرزمین خود به سوی تو آمدم و طی مسـیر و تحمّل سـختی ها، به امید رحمت توست؛ پس مرا ناامید مکن و بدون برآورده شدن نیازهایم مرا باز نگردان و بر رفت و آمدم بر سر قبر پسر برادر رسولت رحمت فرما. (۲)

مشروعیت زیارت قبور

اشاره

از صـدر اسـلام تـاکنون همواره علمـا و دانشـمندان اسـلام به پیروی از آیـات قرآن و احادیث، قبور انبیا، امامان، اولیای الهی و مخصوصاً قبر پیامبر اسـلام صلی الله علیه و آله را زیارت می کردند و برای آن فضیلتی و کرامتی خاص قایل شده اند و با رفتن به سوی این مشاهـد، و خوانـدن نماز و دعا در نزد آنها و تبرّک و توسّل به آنها به خدا تقرّب می جسـتند. این کار مورد اتفاق همه مذاهب و فرقه های اسلامی بوده است.

الف) قرآن و زیارت قبور

حال در این جا با اسـتناد به آیات مختلف قرآن که مضامین گوناگونی را دارا هسـتند، می توان حکم جواز یا استحباب زیارت قبور اولیای الهی را ثابت کرد. در ذیل به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱. «وَلَا تُصَلِّ عَلَی أَحَدٍ مِّنْهُم مَّاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَی قَبْرِهِ ی إِنَّهُمْ کَفَرُواْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ی وَمَاتُواْ

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۸.

۲- همان، ص ۴۰۶.

وَهُمْ فسِقُونَ»؛ (۱)

برای کسـی از آنـان(منافقـان) اگر بمیرد، نمـاز نگزار و بر قبر آنـان(برای طلب مغفرت) نـایست، آنـان به خـدا و پیـامبر او کفر ورزیده و در حالی که فاسق و بدکارند، مرده اند.

بسیاری از علمای اهل سنت مانند بیضاوی در أنوار التنزیل (۲) و آلوسی در روح المعانی (۳) و دیگران به این نکته اشاره کرده انـد که مراد از این آیه، نهی از توقّف در کنـار قبر منـافق در هنگـام دفن یـا برای زیـارت است. بـا توجّه به این که می فرمـاید درباره منافق این کار نهی شده، پس مفهوم آیه این است که توقف برای زیارت قبر مؤمن و مسـلمانان، مشـروع بوده و اشکالی ندارد. (۴) ۲. خداونـد متعـال در مورد اصـحاب کهف و نزاع مردم در کیفیت تعظیم و تکریم از آنان می فرمایـد: «إِذْ يَتَنَزَعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا۟ ابْنُوا۟ عَلَيْهِم بُنْيَنًا رَّبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا۟ عَلَى أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا»؛ (۵)

تـا مردمی که میانشـان تنـازع و اختلـاف در امر آنهـا بود، رفع نزاعشان بشود. با این همه بعضـی گفتنـد: بایـد گرد آنها حصار دنیـایی بسازیم. خـدا به احوال آنها آگاه تر است. آنان که بر واقع احوال آنها اطلاع یافتنـد، گفتنـد: البته بر ایشان مسـجدی بنا کنیم. مفسـرین می گویند: از این که برخی پیشنهاد ساختن مسجد داده اند، کشف می شود که آنان مسلمان و موحّد بوده اند. لـذا واضـح است که پیشـنهاد مسـجد به این جهت است که به طور مدام بر آن وارد شده تا مرقد اصـحاب کهف، مزار و محل زیارت مردم گردد. (۶)

ب) احادیث و زیارت قبور

پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله نه تنها به زیارت قبور امر نمود، بلکه خود نیز به زیارت آنها می رفت تا عملًا اسـتحباب و جواز این مسأله را تثبیت کند. در این جا به چند حدیث اشاره می شود:

۱- سوره توبه، آیه ۸۴.

۲- أنوار التنزیل، ج ۴، ص ۴۹۹.

۳- روح المعانی، ج ۱۰، ص ۱۵۵.

۴- آیین وهابیت، ص ۱۰۸.

۵- سوره کهف، آیه ۲۱.

۶- شیعه شناسی و پاسخ به شبهات، ج ۲، ص ۲۹۵.

۱. بریده اسلمی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: «من پیش از این، شما را از زیارت قبور نهی کردم؛ ولی به محمّد اجازه داده شده تا به زیارت قبر مادرش برود.

شما نیز قبور را زیارت کنید؛ زیرا شما را به یاد آخرت می اندازد». (۱) ۲. طلحه بن عبید اللّه می گوید: «ما با رسول خدا صلی الله علیه و آله از مدینه برای زیارت قبور شهدا خارج شدیم. همین که به منطقه «حرّ واقم» رسیدیم، قبوری را مشاهده کردیم، از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدیم: آیا این قبور برادران ماست؟ فرمود: این قبور اصحاب ماست و هنگامی که به قبور شهدا رسیدیم، فرمود: این قبور برادران ماست». (۲) ۳. مسلم از عایشه نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله در آخر شب ها، به طرف بقیع می رفت و بر اهل بقیع این گونه سلام می کرد: «السلام علیکم دار قوم مؤمنین». (۳) از احادیث رسیده در این زمینه، این گونه به دست می آید که شخص پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به زیارت قبور، ممارست می ورزیده است. امّا در بین احادیث اسلامی، احادیثی به چشم می خورند که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به علّت موقّتی، از زیارت قبور نهی کرده بودند ولی سپس اجازه دادند که مردم به زیارت قبور بشتابند.

«شاید علّت نهی قبلی، این باشد که در آن زمان، مردگان غالباً مشرک و بت پرست بودند و پیامبر صلی الله علیه و آله می خواست هر گونه رابطه ای را میان مسلمانان و مشرکان قطع کند.

شاید علّت دیگری داشته باشد و آن این که گروه تازه مسلمان بر سر خاک مردگان خود، سخنان باطل و شرک آمیزی به زبان می آوردند. ولی پس از گسترش اسلام و پابرجایی نهال ایمان در دل افراد، این نهی برداشته شد و پیامبر صلی الله علیه و آله به خاطر منافع تربیتی که در زیارت قبور است، اجازه داد مردم به زیارت قبور بشتابند». (۴) حال به چند حدیث که در این زمینه وارد شده، می پردازیم.

۱- المعجم الکبیر، ج ۱۱، ص ۲۰۲، ح ۱۱۶۵۳.
۲- سنن أبی داود، ج ۲، ص ۳۱۹، کتاب المناسک.
۳- صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۶۹، ح ۱۰۲، کتاب الجنائز.
۴- آیین وهّابیت، ص ۱۱۱.

البته این نکته را خاطرنشان می کنیم که در این احادیث که «امر» بعد از «نهی» آمده، تنها برای اباحه و رفع ممنوعیت نیست، بلکه به حکم این که منافع زیارت قبور را بیان فرموده، دلیل بر ممدوحیت و استحباب موضوع نیز می باشد. (۱) ۱. بریده می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«قد کُنتُ نَهَتُکم عن زیاره القبور فَزُورُوها فإنّها تُذَکِّرُ الآخِره»؛ (۲)

پیش از این، شما را از زیارت قبور نهی کرده بودم؛ از این پس زیارت کنید که آخرت را به یاد شما می آورد.

۲. انس می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«نهیتکم عن زیاره القبور فزوروها فإنّها تُذَکِّرکم الموت»؛ (۳)

شما را از زیارت قبور نهی کرده بودم، از این پس زیارت کنید؛ زیرا که شما را به یاد مرگ می اندازد.

ج) زیارت قبور در سیره گذشتگان

با رجوع بر سیره صحابه و تابعین و علمای امت اسلام، پی می بریم که زیارت قبور، سیره همه آنان بوده است. اینک به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱. حاکم نیشابوری نقل می کند: «إنّ فاطمه بنتَ النبی کانت تزور قبر حمزه کلّ جمعه فتصلّی و تبکی عنده»؛ (۴) فاطمه زهرا علیها السلام در زمان حیات پدرش، روزهای جمعه به زیارت قبر عمویش حمزه بن عبد المطلب می رفت و در آن جا نماز می خواند و گریه می کرد.

۲. نیز حاکم نیشابوری می نویسد: روزی عایشه از زیارت قبور باز می گشت. به او گفته شد که مگر رسول خدا صلی الله علیه و آله از زیارت قبور نهی نکرد؟ پاسخ داد: «نعم کان نهی ثمّ أمر بزیارتها»؛ (۵) بلی نهی کرد، ولی بعداً بدان امر نمود.

۳. ابو خلال شیخ حنابله در عصر خود می گوید: «هیچ گاه مشکلی برایم پیدا

۱- بزرگداشت اولیاء خدا، ص ۴۹.

۲- سنن الترمذی، ج ۳، ص ۳۷۰.

۳- المستدرک، ج ۱، ص ۵۳۱.

۴- همان، ج ۱، ص ۵۳۳، ح ۱۳۹۶.

۵- همان، ج ۱، ص ۳۷۶.

نمی شـد، مگر آن که قصـد زیـارت قبر موسـی بن جعفر علیه السـلام را می کردم و در آن جـا به حضـرت متوسل می شـدم و خداوند نیز مشکلم را آسان می نمود». (۱)

عقاید وهابیان درباره زیارت

عقاید وهابیان درباره زیارت (۲)

مسـلمانان در طول تاریـخ اسـلام بر جواز، بلکه اسـتحباب سـفر برای زیارت قبور اولیای الهی اجماع داشـته اند. امّا از ناحیه ابن تیمیه ممنوع شـد. وی اولین کسـی است که از این مسأله جلوگیری کرده و شدیـداً با آن مقابله نمود و به حرمت آن، فتوا داد. بعـد از او شـاگردانش، افکـار و نظریه هـای او را دنبال کرده و تا زمان محمـد بن عبـد الوهاب و دیگر وهابیون- که همگی به حرمت زیارت قبور معتقدند- ادامه داشت. (۳) البتّه نکته قابل توجّه این است که وهابیان و در صـدر آنها ابن تیمیه، زیارت هر قبری را حرام می دانند؛ اعم از زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام و دیگران. و در خصوص نظرات خود درباره حرمت زیارت قبور به طور عموم، بسیار پافشاری می کند.

۱. زیارت قبور اهل بیت و سفر به سوی آن

اشاره

اولین کسـی که از رفتن به زیـارت قبور جلوگیری کرد و به حرمت آن فتوا داد، ابن تیمیه بود. بعـد از او شـاگردانش، افکـار و نظریه های او را دنبال کرده و تا زمان محمـد بن عبد الوهاب و دیگر وهابیون- که همگی به حرمت زیارت قبور معتقدند ادامه داشت.

۱- تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۱۲۰.

۲- نخستین کسـی که مذهب وهابی را پدید آورد و در راه ترویج آن، به شدّت کوشش کرد، محمد بن عبد الوهّاب از علمای نجـد در قرن دوازدهم هجری بود؛ مسـلک وهـابی منسوب به اوست که این نسـبت از نـام پـدر او عبـد الوهاب گرفته شـده که وهّابیان این نسـبت را قبول ندارنـد و می گوینـد نام وهابی را دشـمنان به آنان اطلاق کرده اند و درست این است که ایشان را «محمّدیه»(در نسبت به شیخ محمّد) بنامند. ولی با همه اینها این جریان، ریشه در قرن هفتم و هشتم دارد و یکی از بزرگ ترین علمای حنبلی ابن تیمیه حرّانی است که محمـد بن عبـد الوهاب در قرن دوازدهم عقاید خود را از او گرفته است. ر. ك: تاریخ نجد آلوسی، ص ۱۱۱- ۱۱۳.

۳- شیعه شناسی و پاسخ به شبهات، ج ۲، ص ۲۹۳.

ابن تیمیه و بعدها وهابیان در خصوص نظرات خودشان، درباره حرمت زیارت قبور به طور عموم و نیز در مورد زیارت قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله و دیگر اهل بیت بالاخص، بسیار پافشاری می کنند. همچنین او احادیثی را که مربوط به مشروع بودن و مستحب بودن زیارت قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله می باشد، ضعیف و مجعول می داند و می گوید:

۱. تمام احادیثی که از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره زیارت قبرش وارد شده است، ضعیف بلکه جعلی است. (۱) همچنین دست گذاشتن روی قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله و بوسیدن قبر جائز نیست و مخالف توحید است. (۲) او از جمله حدیثی را که از طرق گوناگون اهل تسنّن از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که:

«من زار قبری وجبت له شفاعتی»؛ (۳)

هر که قبر مرا زیارت کند، شفاعت از او، بر من واجب است، را صحیح نمی داند. از مستندات عمده ابن تیمیه، عمل سَلَف یعنی صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و تابعین می باشد. امّا در مواردی از جمله در خصوص زیارت قبور و نزدیک شدن به قبر پیامبر صلی الله علیه و آله، عمل سَلَف را قبول ندارد و می گوید: عمل سلف، کافی نیست و دلیل دیگری لازم می باشد. وی حتّی مشاهده قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله را ممنوع می داند. (۴) ۲. محمد بن عبد الوهاب در کتابُ التّوحید خویش از مالک روایتی نقل کرده که چنین است: «امام مالک درموطّأ روایت کرده است که آن رسول خدا صلی الله علیه و سلم ارشاد می فرماید:

اللهمَّ لاتَجعل قبری وثناً یعبد. أشتَدَّ غَضبُ اللّه علی قومٍ اتَّخذوا قُبورَ أنبیائِهم مساجِد»؛

ای پروردگار، قبرم را بُت مساز که از آن، پرستش به عمل آید. ملّتی که قبر پیامبرشان را به سجده گاه درآورند، مورد خشم شدید خداوند قرار گرفته اند. (۵)

۱- منهاج السنه، ج ۱، ص ۱۳۳؛ الفتاوی الکبری، ج ۲، ص ۴۲۸.

۲- الرد علی الافنائی، ص ۳۰ و ۳۱.

۳- احیاء العلوم، ج ۴، ص ۴۴۹؛ وفاء الوفا، ج ۴، ص ۱۳۳۶.

۴- همان، ص ۹۹.

۵- کتاب التوحید، ص ۱۴۴.

۳. عبد العزیز بن باز می گوید: «امّا مردان: برای آنان زیارت قبور و زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و سلم و دو صاحبش مستحب است، البتّه بدون شدّ رحال و قصد حرکت برای زیارت؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: «قبور را زیارت کنید به جهت آن که شما را به یاد آخرت می اندازد»، ولی قصد حرکت برای زیارت قبور، جایز نیست». (۱)

دلایل وهابیان بر حرمت زیارت قبور

ابن تیمیه احادیثی را که برخلاف نظرات و معتقدات وی می باشد، تضعیف و تخطئه می کند؛ همان طور که حدیث:

«مَن حَجَّ فَزارَ قَبری بَعدَ موتی، کان کَمَن زارنی فی حیاتی»؛

هر کس پس از رحلت من حج بگزارد، آن گاه قبر مرا زیارت کند، همانند کسی است که مرا در زمان حیات زیارت کرده است را نادرست دانسته و گفته است که حفص بن سلیمان، راوی حدیث مزبور، مؤمن نیست. همچنین حدیث «من حَجَّ ولم یزُرنی فقد جفانی»؛ هر کس حج بگزارد و مرا زیارت نکند به من ظلم کرده است و نیز حدیث «مَن زارَ قبری وَجَبَت لَه شَفاعتی»؛ هر کس قبر مرا زیارت کند، شفاعت من از او واجب است راویان این دو حدیث را تخطئه کرده است. (۲) ابن تیمیه در مورد دیگری چنین می گوید: هر که معتقد باشد که وجود پیغمبر صلی الله علیه و آله بعد از وفات، مانند وجود او در زمان حیات است، غلط مرتکب شده است. (۳) این در حالی است که او در ضمن فتاوای خود، گفته است که مردگان در قبر سخن می گویند و سخن دیگران را می شنوند و در قبر، مورد سؤال و جواب قرار می گیرند. (۴) امّا با این حال، احادیث مربوط به زیارت پیغمبر صلی الله علیه و آله را مجعول دانسته و گفته است: اگر کسی معتقد باشد که وجود آن حضرت، بعد از وفات مانند وجود او در زمان حیات است، غلط بزرگی مرتکب شده است.

۱- مجموع فتاوای بن باز، ج ۲، ص ۷۵۴ و ۷۵۵.

۲- الرد علی الافنائی، ص ۲۷ و ۲۸.

۳- همان، ص ۵۵ و ۵۴.

۴- الفتاوی الکبری، ج ۲، ص ۲۱۷.

شاید مهم ترین دلیل و اشکالی که از جانب آنها بر حرمت زیارت قبور وارد شده است، همین مسأله باشد که وجود حضرات را بعد از وفات، منقطع با این عالم می دانند و از ظاهر برخی آیات استفاده کرده اند که اموات چیزی نمی شنوند؛ زیرا خداوند متعال می فرمایند: «فَإِنَّکَ لَاتُسْمِعُ الْمَوْتَی وَ لَاتُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَآءَ إِذَا وَلَّوْاْ مُدْبِرِینَ»؛ (۱)

پس تو ای رسول ما این مردم دلمرده را نتوانی با سخن حق بشنوانی، و دعوت خود را به گوش این کران که عمداً روی گردانند، برسانی. و در آیه دیگر آمده است: «وَ مَا یَسْتَوِی الْأَحْیَآءُ وَ لَاالْأَمْوَ تُ إِنَّ اللَّهَ یُسْمِعُ مَن یَشَآءُ وَ مَآ أَنتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِی الْقُبُورِ»؛ (۲)

و ابداً زندگان با مردگان مساوی نیستند. خدا هر که را بخواهد شنوا سازد و تو آن کس را که در گورستان است، شنوا نتوانی کرد.

دلیل بر حرمت سفر برای زیارت قبور

وهابیون به حسب ظاهر، اصل زیارت قبور را تجویز می کنند، ولی هرگز مسافرت برای زیارت قبور را جایز نمی دانند. عمده دلیل وهابیون بر حرمت سفر برای زیارت قبور- حتّی قبر پیامبر صلی الله علیه و آله- روایت ابو هریره از رسول خدا صلی الله علیه و آله است که فرمود:

«لا تُشَدُّ الرِّحال إلّاإلی ثلاثه مساجِدَ مَسجِدی هذا ومسجدِ الحرام ومَسجد الأقصی»؛ (۳)

قصد مسافرت و بار سفر بستن جایز نیست، مگر به سوی سه مسجد: مسجد خودم(مسجد النبی) و مسجدالحرام و مسجد الاقصی.

ابن تیمیه می گوید: سفر به عنوان زیارت قبور، به قصد عبادت انجام می یابد و عبادت یا واجب است یا مستحب و چون علما اتفاق نظر و اجماع دارند بر این که سفر برای زیارت قبر نه واجب است و نه مستحب، ناگزیر این سفر بدعت خواهد بود. او سپس می گوید: هیچ یک از صحابه پیغمبر صلی الله علیه و سلم، در زمان خلفای اربعه و تا زمانی که یک نفر از صحابه در قید حیات بود، به زیارت قبری از قبور پیغمبران و صلحا نرفت.

۱- سوره روم، آیه ۵۲.

۲- سوره فاطر، آیه ۲۲.

۳- صحیح البخاری، ج ۲، ص ۱۳۶، کتاب الصلوه؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۲۶، کتاب الحج.

و اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و سلم به بیت المقدس می رفتند، ولی قبر خلیل اللّه را زیارت نمی کردند و هیچ کدام برای زیارت قبر پیغمبر صلی الله علیه و سلم، به مدینه مسافرت نمی کرد. (۱) همچنین او معتقد است: مسافرت به قصد زیارت قبور، گناهش از قتل نفس بزرگ تر است؛ زیرا این عمل، گاهی موجب شرك و بیرون رفتن از ملّت اسلام می شود. (۲)

زنان و زیارت قبور

وهابیون، اگر چه زیارت قبور را برای مردان بدون قصد زیارت اجازه می دهند، ولی به زنان به طور مطلق، اجازه زیارت قبور را نمی دهند. آنها در این مورد به برخی روایات استناد کرده اند که ما در این جا به نمونه ای از آنها اشاره می کنیم.

روایتی که آنها نقل می کنند چنین است:

«لَعَن رَسولُ اللّه زَوّاراتِ القبور»

؛ (۳) پیامبر صلی الله علیه و آله، زنان بسیار زیارت کننده قبور را لعن کرد. ما در توضیح و پاسخ به این نظریه در آینده بحث خواهیم کرد.

۲. ساختن بارگاه و ضریح بر فراز قبور اهل بیت

از جمله موضوعات مورد اختلاف مسلمانان با وهابیان، موضوع احداث بنا و ساختمان و گنبد و بارگاه و گلدسته بر روی قبور است. مسلمانان در طول تاریخ به این سنّت عمل کرده و بر جواز و استحباب آن، به ادلّه ای از کتاب و سنّت، تمسّك جسته انـد. خصوصاً این عمل، موافق با منطق عقل و روش عقلا است. ولی همان طور که قبلًا اشاره شد، از زمان ابن تیمیه مخالفت با این عمل شروع شد و بناها و گنبد و گلدسته ها از مظاهر شرك شناخته شد. تا زمان آل سعود این عقیده به حدّی اوج گرفت

۱- وهابیان، ص ۶۶؛ برگرفته از کتاب الجواهر الباب، ص ۱۹- ۱۴.

۲- الردّ علی الافنائی، ص ۱۵۵.

۳- صحیح ابن ماجه، کتاب الجنائز، ج ۱، ص ۵۰۲، ح ۱۵۷۶.

که آل سعود عملًا به مخالفت با آن پرداختند و با فتوایی که از علمای وهّابی صادر شد، به تخریب گلدسته ها و بارگاه ها و بناهای قبور، دستور داده شد. تمام آنها به جز بارگاه پیامبر صلی الله علیه و آله آن هم از خوف مسلمین، تخریب گشت و با این عمل، خساراتی بزرگ بر اسلام و مسلمین وارد شد. (۱) در این بخش به چند مورد از فتاوای آنها می پردازیم.

۱. ابن تیمیه می گوید: «مشاهدی که روی قبور انبیا و صالحین از عامّه و اهل بیت علیهم السلام بنا شده، همه از بدعت های حرامی است که در دین اسلام، وارد شده است». (۲) ۲. او همچنین در جای دیگر می گوید: «شیعه بر مشاهدی که روی قبور ساخته اند، تعظیم می کنند؛ بیشتر مشرکین در آنها اعتکاف می کنند، برای آنها حج بجا می آورند؛ همان گونه که حجاج به سوی بیت عتیق حج انجام می دهند». (۳) ۳. ابن قیم شاگرد معروف ابن تیمیه چنین می گوید: «یجِبُ هَدمُ المَشاهد الّتی بُنِیت علی القبور، ولا یجوزُ إبقاءُها بَعد القُدرَه عَلی هَدمِها وإبطالها یوماً واحداً»؛ (۴) ویران کردن بنایی که بر روی قبور ساخته شده، واجب است و پس از قدرت بر هدم و ویران کردن آن، ابقای آنها به همان صورت حتّی یک روز هم جایز نیست.

«در واقع آنها بنا و ساختن گنبد را به منزله بت می دانند که در زمان جاهلیت به اسم وثن و صنم وجود داشته و اسم آن را تغییر داده اند و تغییر نام، بت را از بت بودن و بت پرستی خارج نمی کند و همان گونه که مردم جاهلیت بت ها را عبادت می کردند، بناها و مشاهد نیز عبادت می شوند؛ بلکه شرک اینها اعظم از بت ها است و باید ساختمان ها و تمام مشاهد و گنبدها و ... تخریب شوند». (۵) با این همه، دیگر فرقه های اسلامی معتقدند: ساختن مزار اولیای الهی و

۱- شیعه شناسی و پاسخ به شبهات، ج ۲، ص ۳۱۵.

۲- منهاج السنه، ج ۲، ص ۴۳۵- ۴۳۷.

۳- همان، ج ۱، ص ۲۴۷- ۲۴۸.

۴- زاد المعاد فی هدی خیر العباد، ص ۶۶۱.

۵- چرا؟ چرا؟، پرسش و پاسخ در مدینه منوره، ص ۱۳۴.

نگاهداری و قرار دادن ضریح بر روی قبور، از نظر شریعت اسلام جایز است و بزرگداشت شعایر دینی به شمار می رود که بررسی بیشتر آن در آینده می آید. اکنون توجه خوانندگان را بر چند حدیث درباره ساختن بارگاه، از دید وهابیان جلب می کنیم:

۱. ابو الهیاج می گوید: علی بن ابی طالب به من گفت: «ألا أبعثك ما بعثنی علیه رسول اللّٰه صلی الله علیه و سلم أن لا تدع تمثالًا إلّاطمسته ولا قبراً مشرفاً إلّاسوّیته»؛ (۱) آیا تو را به کاری برنیانگیزم که پیامبر خدا صلی الله علیه و سلم مرا به آن برانگیخت؟ تصویری را ترک نکن مگر این که آن را محو کرده باشی و نه قبر بلندی را مگر این که آن را مساوی زمین کنی.

۲. ابو زبیر از جابر نقل می کند که: «نهی رسول اللّٰه صلی الله علیه و سلم أن یجصص القبر و أن یقعد علیه وأن یبنی علیه»؛ (۲) پیامبر صلی الله علیه و سلم از گچکاری قبر و این که روی قبر بنشینند و بر آن بنایی بسازند، نهی کرد.

۳. امّ سلمه می گوید: «نهی رسول اللّٰه أن یبنی علی القبر أو یجصص»؛ (۳) پیامبر صلی الله علیه و سلم از این که روی قبر بنایی ساخته شود یا گچکاری شود، نهی نمود.

۳. برگزاری نماز و دعا نزد قبور اولیای الهی

از جمله مسائلی که در کتاب وهابیان، مورد بحث و گفت و گو و در نتیجه باعث اختلاف نظر شده است، مسأله خواندن نماز و دعا در کنار قبور اولیا است. مسلمانان با توجه به این که وجود اولیای الهی را در حیات و مرگشان و نیز بقعه و بارگاه و قطعه زمینی که آنها را در خود دارد، متبرک می دانند، نمازشان را در کنار قبور اولیای الهی می خوانند تا خداوند متعال لطف کرده، به برکت آنان شیطان و وسوسه هایش را از آنها دور کند و تمام توجهشان مشغول خدا گردد، و نمازی با اخلاص و توجّه از آنها صادر گردد. در مقابل این نظر، تنها وهابیون هستند که با این عمل مخالفت کرده

۱- صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۶۶، ح ۹۳.

۲- همان، ص ۶۶۷، ح ۹۴.

۳- مسند احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۲۹۹.

و آن را تحریم کردند. (۱) اینک به چند مورد از فتاوای وهابیون می پردازیم.

۱. ابن تیمیه می گوید: «صحابه عادتشان بر این بود هنگامی که کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می آمدند، بر او سلام می دادند؛ ولی هنگامی که می خواستند دعا کنند، رو به قبر شریف دعا نمی کردند؛ بلکه از قبر منحرف شده و رو به قبله دعا می نمودند، مانند سایر بقعه ها. از همین رو هیچ یک از ائمه سلف ذکر نکرده اند که نماز، کنار قبور و در مشاهد مستحب و افضل است؛ بلکه همه اتفاق نظر نموده اند بر این که نماز در مساجد و خانه ها، افضل از کنار قبور انبیا و صالحین است». (۲) او در جایی دیگر چنین می گوید: هر کس گمان برد که نماز و دعا و ذکر در مشاهد، افضل از مساجد می باشد، چنین کسی کافر است. (۳) ۲. همچنین محمد بن عبد الوهاب می گوید: «هیچ یک از ائمه پیشین، ذکر نکرده اند که نماز، کنار قبور و مشاهد مستحب و افضل است؛ بلکه همه اتّفاق نظر دارند بر این که نماز در مساجد و خانه ها، افضل از مقابر اولیا و صالحین است». (۴) این مسأله به مرور زمان از مرحله ممنوعیت به مرحله «شرک» رسیده است، و هم اکنون در میان آنان، چنین کاری رنگ شرک دارد و انجام دهنده آن، مشرک شمرده می شود. (۵) ۳. ابن قیم جوزی می گوید: «پیامبر صلی الله علیه و آله نهی کرده از نماز خواندن در کنار قبور، ولی اکثر مردم در کنار قبور نماز می خوانند ...». (۶) ما در پاسخ به فتاوای آنهادر آینده، ثابت خواهیم کرد که برگزاری نماز و دعا نزد قبور اهل بیت علیهم السلام نه تنها جایز است، بلکه با توجّه به گواهی کتاب و سنّت مستحب

۱- شیعه شناسی و پاسخ به شبهات، ج ۲، ص ۴۲۶.

۲- همان، به نقل از رساله زیاره القبور، ص ۱۵۹.

۳- الفتاوی الکبری، ج ۲، ص ۴۳۱.

۴- همان. «لم یذکُر أحدُ مِن أئمَّه السَّلَف أنَّ الصَّلوه عند القبور وفی مَشاهدِها مستحبَّه ولا أنّ الصّلوه والدّعاءهناک أفضل بل إتّفقوا کلّهم علی أنّ الصلوه فی المساجِد والبیوت أفضَلُ منها عند قبور اولیاء والصّالحین».

۵- آیین وهابیت، ص ۱۳۷.

۶- شیعه شناسی، ج ۲، ص ۴۲۷، به نقل از اغاثه اللهفان، ج ۱، ص ۲۱۴.

می باشد، زیرا مدفن و مشاهد اولیای الهی از شرافت و فضیلت خاص برخوردار است.

۴. تبرک و استشفا به آثار اولیا

«تبرّک به صالحین و أخیار از امّت و اماکن و مشاهد مقدس و آثار وابسته به آنان، از ناحیه وهابیون به شدّت انکار شده و آن را از مصادیق شرک شمرده اند و با کسانی که قصد تبرک جستن از آثار اولیا و صالحین را داشته باشند، مقابله و مبارزه می کنند. از همین رو، تبرک به آثار اولیا یکی از مسائل اختلاف برانگیز بین وهابیون و مسلمین است» (۱) به همین جهت جا دارد که چند مورد از فتاوای وهابیون را در حرمت تبرک جستن بیان کنیم.

۱. ابن عیثمین می گوید: «تبرک جستن به پارچه کعبه و مسح آن از بدعت هاست؛ زیرا در این باره از پیامبر صلی الله علیه و آله چیزی نرسیده است». (۲) ۲. گروه دائمی مفتیان وهابیون می گویند: «... توجه پیدا کردن مردم به این مساجد و مسح نمودن دیوارها و محراب ها و تبرک به آنها، بدعت و نوعی شرک و شبیه به عمل کفار در جاهلیت است». (۳) ۳. ابن عیثمین در جایی دیگر می گوید: «برخی از زایرین دست به محراب و منبر و دیوار مسجد می کشند، تمام اینها بدعت است». (۴) این هم یکی دیگر از ایرادهای وهابیون و وهابی مسلکان است که تبرک جستن و بوسیدن قبر و ضریح را شرک می دانند و این، در حالی است که برخلاف وهابیت، تمامی فرقه های اسلامی از شیعه و سنّی عملًا قبور بزرگان را محترم دانسته، می بوسند و از آن تبرک می جویند.

۱- همان، ج ۱، ص ۱۶۹.

۲- همان، به نقل از مجموع الفتاوی لابن عیثمین، رقم ۳۶۶.

۳- همان، به نقل از اللجنه اللائمه البحوث العلمیه، ح ۳۰۱۹.

۴- دلیل الاخطاء، ص ۱۰۷.

اکنون به بحث درباره نقد و بررسی دیدگاه وهابیان می پردازیم:

۱. مشروعیت زیارت قبور اهل بیت و سفر به سوی آن

اشاره

چنانچه اشاره شد، وهابیان رفتن به زیارت قبور را حرام دانسته و حتی احادیثی را که مربوط به مستحب بودن زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله است، جعلی می دانند و در واقع زیارت را مخالف با توحید می پندارند. همچنین وهابیان و در صدر آنها ابن تیمیه، در بیان ادله حرمت زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام مهم ترین دلیل را این می دانند که ارتباط حضرات بعد از وفات با این عالم قطع می گردد. به طور مثال، او معتقد است که وجود پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از وفات مانند وجود او در زمان حیات نمی باشد. (۱) آنها در بیان اثبات عقیده شان به دو آیه از قرآن تمسّک کرده اند که به بررسی آنها می پردازیم.

۱. «فَإِنَّکَ لَاتُسْمِعُ الْمَوْتَی وَ لَاتُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَآءَ إِذَا وَلَّوْاْ مُدْبِرِینَ»؛ (۲) پس تو ای رسول ما، این مردم مرده دل را نتوانی سخن حق بشنوانی، و دعوت خود را به گوش این کران که عمداً روی گردانند، برسانی.

۲. «وَ مَا یَسْتَوِی الْأَحْیَآءُ وَ لَاالْأَمْوَ تُ إِنَّ اللَّهَ یُسْمِعُ مَن یَشَآءُ وَ مَآ أَنتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِی الْقُبُورِ»؛ (۳) و ابداً زندگان با مردگان مساوی نیستند. خدا هر که را خواهد شنوا سازد؛ و تو آن کس را که در گورستان است، شنوا نتوانی کرد.

جواب: «اولًا ممکن است که آیه، ناظر به اجسادی باشد که در قبرهاست؛ زیرا آنها تبدیل به خاک می شوند و چیزی درک نمی کنند.

ثانیاً مراد از نفی سماع، نفی انتفاع است که از آن به کنایه، تعبیر به نفی سماع شده است؛ یعنی این مشرکان آیات تو را می شنوند، ولی از آنها نفع نمی برند؛ همان گونه که اهل قبور کلام شما را می شنوند، ولی از آن نفع نمی برند؛ زیرا وقتش گذشته است». (۴) ۳. «ابن قیم جوزی در تفسیر آیه «وَ مَآ أَنتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِی الْقُبُورِ» می گوید: آیه

۱- الرد علی الافنائی، ص ۵۴.

۲- سوره روم، آیه ۵۲.

۳- سوره فاطر، آیه ۲۲.

۴- شیعه شناسی، ص ۲۹۱.

دلالـت بر کافری دارد که قلبش مرده است، به نحوی که نمی توانی حقایق را به او برسانی تا از آن بهره منـد شود؛ همان گونه که نمی توانی به کسانی که در قبر هستند، چیزی بشنوانی به حدّی که نفع برند.

وی نیز در تفسیر آیه «فَإِنَّکَ لَاتُسْمِعُ الْمَوْتَى وَ لَاتُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَآءَ إِذَا وَلَّوْاْ مُدْبِرِينَ» می گوید: «مراد از آیه، نفی اهلیت سماع است؛ به این معنی که قلب هـای مشـرکان از آن جـا که مرده است، تو نمی توانی حقـایق را به آنـان برسـانی؛ همـان گونه که اموات نیز چنین هسـتند». (۱) آری! وهابیـان بـا تمسّـک به این آیات که از ظاهرشان اسـتفاده کرده انـد، برای حرمت قبور دلیل آورده اند.

در قرآن، آیاتی وجود دارد که به روشنی بر بقای ارواح پس از جدایی از بدن، گواهی می دهد. برای یادآوری به دو نمونه از آنها اشاره می کنیم:

۱. «وَلَا تَقُولُواْ لِمَن يُقْتَلُ فِى سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَ تُ م بَلْ أَحْيَآءٌ وَ لكِن لَّاتَشْعُرُونَ»؛ (۲)

به کسانی که در راه خدا کشته می شوند، نگویید مرده اند؛ بلکه آنان زندگانند، ولی شما ادراک نمی کنید.

۲. «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُواْ فِى سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَ تَام بَلْ أَحْيَآءٌ عِندَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ ولا تحسَبَنَّ الَّذين قُتِلوا فی سبیل اللَّه أمواتاً بل أحياءٌ عند ربِّهِم یرزَقونَ (۳)؛ گروهی را که در راه خدا کشـته می شوند، مرده مپندارید؛ بلکه آنان زندگانند که نزد خدایشان روزی می خورند.

البتـه لازم بـه تـذکر است که این حیـات برزخی، اختصاصـی به شـهدا نـدارد؛ بلکه شامـل تمـام صالحـان و کسـانی که مطیع دسـتورات خداونـد هسـتند، نیز می شود. «اگر شـهدا نزد خـدا زنـده انـد و روزی می خورند، پس هر کس مطیع خدا و رسول است- به دلیل آن که رسول نیز تابع دسـتورات رسالت خویش است، شامل خود حضرت نیز می شود- او نیز با شهداست، اگر شهدا زنده اند، پس اینان نیز زنده اند و حیات برزخی دارند». (۴)

۱- الروح، ص ۵۷ و ۵۸.

۲- سوره بقره، ص ۱۵۴.

۳- سوره آل عمران، آیه ۱۶۹.

۴- شیعه شناسی، ج ۲، ص ۲۷۸.

حال که با استناد به آیات قرآن دریافتیم ارواح پس از جدایی از بدن، حیات برزخی دارند، چگونه صدای ما را نشنوند و چگونه با جهان خارج، ارتباط ندارند.

هنگامی که بقای ارواح پس از جدایی برای عموم اثبات شد، قطعاً بقای ارواح و اولیای الهی اثبات می شود. آن هم جایی که قرآن کریم از پیامبران و خصوصاً پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله با احترام خاصّی یاد می کند و برای پیامبر صلی الله علیه و آله یک رشته کمالات معنوی، متذکر می گردد که همگی از برتری روحی و تجلّی به کمالات معنوی، حکایت می کند.

این آیات که بر بقای ارواح اولیای خدا دلالت می کند از سویی، و مشروعیت زیارت از نظر ادله اسلامی از سویی دیگر که در گذشته به آن پرداختیم، پاسخ روشنی است بر شبهات و ایرادها و دلایلی که ابن تیمیه و دیگر وهابیان، بر حرمت زیارت قبور وارد کرده اند.

افزون بر اینها، شواهد دیگری نیز بر وجود ارتباط بین حیات برزخی و حیات مادّی وجود دارد. این که ابن تیمیه به راحتی می گوید: وجود پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از وفات مانند وجودش در زمان حیات نیست، خود، بررسی جداگانه ای می طلبد.

وجود ارتباط بین حیات برزخی و حیات مادّی

از مجموع آیات و روایات استفاده می شود که بین حیات برزخی و انسان، در عالم برزخ، با حیات مادی و انسان های زنده ارتباط برقرار است. به این معنا هنگامی که در عالم مادّی، آنها را صدا می زنند، می شنوند و هنگامی که از آنان سؤال و درخواست می کنند، به اذن خداوند متعال جواب می دهند. اینک به برخی از آیات و روایات در این مورد اشاره می کنیم. (۱) الف) آیات: ۱. حضرت صالح با ارواح قوم خویش سخن می گوید: «فَأَخَذَتْهُمُ

۱- شیعه شناسی، ج ۲، ص ۲۸۰.

الرَّجْفَهُ فَأَصْبَحُواْ فِي دَارِهِمْ جثِمِينَ* فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يقَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَهَ رَبّی وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلكِن لَّاتُحِبُّونَ النصِحِينَ»؛ (۱)

پس زلزله ای آنان را فرا گرفت و در خانه های خویش، بی جان افتادنـد. آن گاه(صالح) از آنان روی بر گردانید و سر بر تافت و گفت:

ای قوم من! پیام های خداونـد را رسانیـدم و شـما را انـدرز دادم ولکن شـما ناصـحان را دوست نمی داریـد». این آیه گواه این است که حضرت صالح پس از مرگ و نابودی آنان، با آنها سخن می گوید.

۲. خداوند به پیامبر صـلی الله علیه و آله می فرماید با ارواح انبیا سـخن گوید: «وَسَلْ مَنْ أَرْسَـلْنَا مِن قَبْلِكَ مِن رُّسُـلِنَآ أَجَعَلْنَا مِن دُونِ الرَّحْمنِ ءَالِهَهً يُعْبَدُونَ»؛ (۲)

از پیامبران پیشین بپرس: آیا غیر از خدای رحمان، خدایی قرار دادیم که مورد پرستش قرار گیرد؟

ظاهر آیه این است که پیامبر صـلی الله علیه و آله می تواند از همین عالم و نشئه طبیعی، با پیامبران که در نشئه دیگر به سر می برنـد، ارتباط برقرار کنـد و تماس بگیرد تا روشن شود که دسـتور خداوند در تمام قرن ها و اعصار به تمام پیامبران این بود که جز خدای یگانه را نپرستید.

۳. قرآن بر پیامبران گذشـته درود می فرستد: «سَلمٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعلَمِينَ»، «سَلمٌ عَلَى إِبْرَ هِيمَ»، «سَلمٌ عَلَى مُوسَى وَ هرُونَ»، «سَلمٌ عَلَى إِلْ يَاسِينَ»، «وَ سَلمٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ». (۳)

از این آیات استفاده می شود: بین این عالم مادی و عالم برزخ ارتباط برقرار است، بدین شکل که گفته ها، سؤال ها و درودها را می شنوند و جواب نیز می دهند.

شیـخ محمود شـلتوت می گویـد: «آنچه از آثار دینی اسـتفاده می شود، این است که هنگام خروج روح از بدن، مرگ حاصـل می شود و او در حـالی که دارای ادراک است، بـاقی می مانـد. کسـی که بر او درودی فرسـتد، می شـنود. زایرین قبرش را می شناسد و

۱- سوره اعراف، آیات ۷۸ و ۷۹.

۲- سوره زخرف، آیه ۴۵.

۳- سوره صافات، آیات ۷۹، ۱۰۹، ۱۲۰، ۱۳۰، ۱۸۱.

لـذت نعمـت هـا و درد عـذاب را در عـالم برزخ درک می کنـد». (۱) ب) روایـات: ۱. پیـامبر صـلی الله علیه و آله فرمـود: هر مسـلمانی بر قـبر برادر مؤمنش عبور کنـد، در حـالی که او را در دنیـا می شـناخته و از او سؤال کنـد، خداونـد روحش را برمی انگیزد تا جواب او را بدهد. (۲) ۲. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: علم من بعد از مرگم، همانند علم من در حال حیاتم است. (۳) ۳. دارمی در سـنن خود به سـندش از سـعید بن عبد العزیز نقل می کند: او وقت نماز را به سبب همهمه ای که از قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می شـنید، می شـناخت. (۴) ۴. حافظ هیثمی به سـند صـحیح از عبد اللّه بن مسـعود روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «حیات من برای شـما بهتر است؛ حـدیث می گویید و حدیث می شـنوید. و نیز وفات من برای شـما بهتر است؛ زیرا اعمالتان بر من عرضه می شود و هر چه از اعمال خیر شما ببینم، خدا را بر آن شکر می گویم؛ و آنچه از اعمال شر ببینم، برای شـما اسـتغفار می نمایم». (۵) بعـد از اثبـات بقای ارواح پس از جـدایی از بـدن به وسـیله آیات قرآن و همچنین اثبـات وجود ارتبـاط بین حیـات برزخی و حیـات مـادّی از منظر قرآن و روایـات، جـا دارد در این قسـمت از نوشـتار، به اثبات اسـتحباب زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله از دیدگاه قرآن و روایات و سیره صحابه و همچنین استحباب زیارت قبر ائمه علیهم السـلام از نظر روایات بپردازیم، تا پاسـخی باشـد به ایرادهای وهابیان، از جمله ابن تیمیّه که با کمال صـراحت می گوید: «تمام احادیثی که مربوط به مشروع بودن و مستحب بودن زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می باشد، ضعیف، بلکه جعلی است». (۶)

۱- شـلتوت الفتـاوی، ص ۱۹. «الـذی ترشـد إلیه الآثـار الـدینیه إنّهـا تخرج من بـدن الانسـان، فیکـون الموت، و إنّهـا تبقی ذات ادراک، ...».

۲- الروح، ص ۷.

۳- کنز العمّال، ج ۱، ص ۵۰۷، ح ۲۲۴۲؛ وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۵۲.

۴- سنن الدارمی، ج ۱، ص ۴۴، ح ۹۳.

۵- مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۲۴؛ الخصائص الکبری، ج ۲، ص ۲۸۱.

۶- منهاج السنه، ج ۱، ص ۱۳۳؛ الرد علی الافنائی، ص ۲۷.

زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله

الف) در قرآن: در خصوص زیـارت قبر پیامبر صـلی الله علیه و آله می توان به برخی از آیات تمسّک نمود: خداونـد متعال می فرماید: «وَمَآ أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُواْ أَنفُسَهُمْ جَآءُوكَ فَاسْتَغْفَرُواْ اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُواْ اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا»؛ (۱)

و اگر هنگـامی که گروه منافق، بر خود به گناه ستم کردنـد، از کردار خود به خـدا توبه کرده و به تو رجوع می کردنـد که بر آنها استغفار کنی، البته در این حال خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند.

اگرچه ظاهر آیه شریفه، مربوط به زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله بوده، ولی به دلایلی که قبلًا اشاره شد، می توان از این آیه یک حکم کلی استفاده کرد. زیرا رتبه و مقام حضرت به گونه ای است که با فوت او قطع نمی شود. لذا می توان آن را به عموم علّت تعمیم داد؛ لـذا علما از این آیه عموم فهمیـده انـد. پس مستحب است هر کس به زیارت قبر آن حضـرت می آید، این آیه را قرائت نماید.

سفیـان بن عنبر از عتبی- که هر دو از مشایـخ شـافعی انـد- نقـل می کنـد: کنـار قبر پیامبر صـلی الله علیه و آله نشسته بودم که اعرابی ای وارد شد و خطاب به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد:

سلام بر تو ای رسول خـدا. خداوند متعال فرمود: «وَمَآ أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُواْ أَنفُسَهُمْ جَآءُوكَ فَاسْتَغْفَرُواْ اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُواْ اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا». (۲)

من به نزد تو آمـده ام و از گناهان خود اسـتغفار می نمایم و تو را شـفیع نزد خداوند آورده ام. آن گاه گریه کرد و اشـعاری را درباره پیامبر صـلی الله علیه و آله سـرود. (۳) سـمعانی شبیه همین قضـیه را از امام علی علیه السـلام نقل می کنـد. (۴) اگر این عمل جایز نبود، چرا صحابه، خصوصاً امام علی علیه السلام که در آن زمان حاضر

۱- سوره نساء، آیه ۶۴.

۲- سوره نساء، آیه ۶۴.

۳- وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۶۱.

۴- همان.

بود، از آن منع نفرمود. (۱) اصولًا مسلمانان عملًا آیاتی که پیرامون احترام پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شده است، به حیات او مخصوص نمی دانند.

در موقع دفن جنازه حسن بن علی برخی در کنار قبر سر و صدایی به راه انداختند، فوراً حسین بن علی برای ساکت کردن آنها این آیه را خواند: (۲) «يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَرْفَعُواْ أَصْوَ تَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِیّ»؛ (۳)

ای افراد باایمان، از صدای خود بکاهید، و بلندتر از پیامبر صلی الله علیه و آله سخن نگویید. هیچ کس حتّی امویان نگفتند که این آیه و این احترام، مخصوص دوران زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله است. بنابراین از این آیات، یک معنی وسیع فهمیده می شود و آن این است که اکنون مسلمانان می توانند به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله برسند و ایشان را زیارت نمایند.

ب) در روایات: پیرامون مشروع بودن و همچنین استحباب زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله در کتب اهل سنّت روایات زیادی وجود دارد که از حیث سند صحیح هستند. اینک به چندی از آنها اشاره می کنیم:

۱. ابن عدی از عبد اللَّه بن عمر نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«من حَجَّ ولم یزُرنی فقد جفانی»؛

هر کس حج خانه خدا را بجا آورد، ولی مرا زیارت نکند، به من جفا نموده است. (۴) ۲. عبد اللَّه بن عمر از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می کند:

«مَن حَجَّ فَزارَ قَبری بَعدَ موتی، کان کَمَن زارنی فی حیاتی»؛ (۵)

هر کس حج کند آن گاه قبر مرا پس از مرگم زیارت کند، مانند این است که مرا در حال حیاتم زیارت کرده است.

۳. همچنین وی در روایتی دیگر از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند:

«من زارَ قبری وَجَبَت لَه شَفاعتی»؛

هر کسی قبر مرا زیارت کند، شفاعتم بر او واجب می شود.

۱- همان.

۲- آیین وهابیت، ص ۱۲۵.

۳- سوره حجرات، آیه ۲.

۴- وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۴۲.

۵- السنن الكبرى، ج ۵، ص ۲۴۶.

نقل همه احادیث در این زمینه از مدارک اصیل اسلامی، مایه گستردگی سخن است و حاکی از آن است که زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله یکی از مسلّمات بوده است.

ج) سیره صحابه: با مراجعه به سیره پیشینیان اعم از صحابه، تابعین و دیگران، پی می بریم که زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله، همواره شیوه آنان بوده است که در ذیل به برخی از آنها اشاره می کنیم.

۱. امام علی علیه السلام می فرماید:

«لمّا رمس رسول اللَّه صلی الله علیه و آله جائت فاطمه فوقفت علی قبره وأخذت قبضه من تراب القبر ووضعت علی عینیها وبکت»؛ (۱)

بعد از دفن رسول خدا صلی الله علیه و آله، فاطمه زهرا علیها السلام در کنار قبر پدر ایستاد و مشتی از خاک قبر را بر چشم خود نهاد و گریه کرد و این شعر را سرود:

ماذا علی من شمَّ تربه أحمد أن لا یشمَّ مدی الزمان غوالیا

صبّت علیّ مصائب لو أنّها صبّت علی الأیام صرن لیالیا

۲. ابو درداء می گوید: «أنّ بلالًا رأی فی منامه النبی صلی الله علیه و آله وهو یقول به: ما هذه الجفوه یا بلال امّا آن لک أن تزورنی یا بلال؟ فانتبه حزیناً وجلًا خائفاً فرکب راحلته وقصد المدینه وأتی قبر النبی صلی الله علیه و آله فجعل یبکی عنده ویمرّغ وجهه علیه وأقبل الحسن و الحسین فجعل یضمّهما علی صدره ویقبّلهما»؛ (۲) بلال، پیامبر صلی الله علیه و آله را در خواب دید که به او می گوید: این چه جفایی است ای بلال، آیا وقت آن نرسیده که مرا زیارت کنی؟ بلال از خواب بیدار شد، در حالی که محزون و غمگین بود. پس مرکب خود را سوار شد و آهنگ مدینه کرد و به قبر پیامبر صلی الله علیه و آله آمد. آن جا گریه می کرد و صورت خود را با خاک قبر، آغشته نمود. حسن و حسین آمدند، آنها را به سینه چسبانید و بوسید.

۳. داود بن ابی صالح می گوید: «أقبل مروان یوماً فوجد رجلًا واضعاً وجهه علی القبر فقال: أتدری ما تصنع؟ فأقبل علیه فاذاً هو أبو أیّوب. فقال: نعم جئت إلی رسول اللَّه ولم آت الحجر. سمعت رسول اللَّه صلی الله علیه و آله یقول: لاتبکوا علی الدین اذا ولیه أهله ولکن أبکوا علی الدین إذا

۱- وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۴۰۵.

۲- تهذیب تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۲۵۹.

ولیه غیر أهله»؛ (۱) روزی مروان مردی را دیـد که صورت خود را بر قبر پیامبر صـلی الله علیه و آله گذاشـته است. به او گفت: می دانی چه می کنی؟ آن مرد، متوجّه مروان شـد و او ابو ایوب بود، گفت: آری می دانم؛ من به سوی رسول خـدا آمـده ام و به سوی سـنگ نیامده ام. از رسول خدا شـنیدم که فرمود: وقتی افراد شایسته متصدّی دین شدند، بر حال دین گریه نکنید؛ ولی اگر نااهلان، متصدّی آن شدند، بر دین گریه کنید.

از مجموع آیات و روایاتی که دلالت بر بقای ارواح پس از جدایی از بدن و وجود ارتباط بین حیات برزخی و حیات مادّی می کند و همچنین آیات و روایات و سیره صـحابه که قبلًا در باب مشروعیت زیارت قبور به خصوص زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیان کردیم درمی یابیم که نه تنها زیارت قبور اهل بیت علیهم السـلام جایز است، بلکه نشان دهنده استحباب زیارت نیز می باشد.

استحباب زیارت قبور ائمه اطهار

علاوه بر احادیث فراوانی که راجع به اهمیت و اسـتحباب زیارت قبر پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله وارد آمـده است، روایاتی بس فراوان نیز درباره استحباب زیارت قبور امامان علیهم السلام وارد شده است که به برخی از آنها اشاره می کنیم.

۱. شیخ طوسی از امام رضا علیه السلام نقل می کند که فرمود: «همانا برای هر امامی عهدی بر گردن اولیا و شیعیان آنان است؛ از تمامی وفا و حسن ادای به این عهد، زیارت قبور آنان است». (۲) ۲. محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: «شـیعیان ما را به زیارت قبر حسین بن علی سفارش نمایید؛ زیرا بجای آوردن آن، بر هر مؤمنی که اقرار به امامت حسین از جـانب خداونـد عزّ و جل دارد، واجب است. (۳) ۳. علی بن میمون می گویـد: از امام صادق علیه السـلام شـنیدم که فرمود: «اگر کسی از شما

۱- مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۲۴۵.
۲- تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۷۸ و ۷۹، ح ۳.
۳- بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳.

هزار حجّ انجام دهـد، ولی به زیارت قبر امام حسـین نرود، حقی از حقوق خداوند را ترک کرده است. از علت آن سؤال شد؟ حضـرت فرمود: حقّ حسـین بن علی بر هر مسـلمانی واجب است. (۱) اینـک به بررسـی فتاوای دیگر وهابیان که سـفر به سوی زیارت قبور را حرام می دانند، می پردازیم.

مشروعیت سفر به سوی زیارت قبور

قبلًا در فتاوای وهابیون اشاره نمودیم که متأخرین از آنان، قائل به عـدم مشـروعیت سـفر یا بدعت بودن سـفر برای زیارت قبور، حـتی قبر پیامبرنـد،(اگر چه ابن تیمیه مطلقـاً زیـارت را تحریم کرده است.) حـال درصـددیم تـا مشـروعیت سـفر برای زیـارت، خصوصاً زیارت قبر پیامبر صـلی الله علیه و آله را بررسـی کنیم. همان طور که در قسمت دلیل وهابیان بر حرمت سفر به زیارت قبور اشاره شـد، مهم ترین دلیل وهابیان، همان روایت ابو هریره به نقل از رسول خدا صـلی الله علیه و آله می باشد که متن این حدیث چنین است:

«لا تُشَدُّ الرِّحال إلّا إلی ثلاثه مساجِدَ مَسجِدی هذا ومسجدِ الحرام ومَسجد الأقصی». (۲)

در جواب از استدلال به این حدیث می گوییم: در مستثنی منه حدیث، دو احتمال وجود دارد:

۱. لا تُشَدُّ إلی «مسجد مِنَ المساجد» الا إلی ثلاثه مساجدَ ...

۲. لا تُشَدُّ إلی «مکانِ من الأمکنه» الا إلی ثلاثه مساجدَ ....

هر گاه مفاد حدیث، فرض اول باشد، در این صورت مفاد آن، این می شود که به هیچ مسـجدی از مساجد بار سـفر بسـته نمی شود مگر به این سه مسـجد؛ نه این که شـدّ رحال(قصد سـفر)، برای زیارت قبر پیامبر صـلی الله علیه و آله نیست؛ زیرا قبر پیامبر صلی الله علیه و آله مسجد نیست.

اگر مفاد حدیث فرض دوم باشد، در این صورت تمام سفرهای معنوی جز سفر به

۱- همان، ص ۵.

۲- صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۰۱۴، ح ۵۱۱، کتاب الحج.

این سه نقطه، ممنوع خواهد بود؛ خواه سفر برای زیارت باشد یا برای زیارت نقاط دیگر». (۱) «وانگهی نهی از قصد سفر برای زیارت غیر از این سه مسجد، نهی تحریمی نیست، بلکه ارشادی است؛ زیرا در هر شهری، مسجد وجود دارد و سفر برای زیارت مسجد در شهری دیگر ضرورتی ندارد». (۲) و این برخلاف زیارت قبور اولیای الهی است که آثار و برکاتی عظیم بر آن، مترتّب است که در جای خود اشاره خواهیم کرد.

«ولی با توجّه به قرائن، روشن خواهد شد که مفاد حدیث بر فرض صحت سند، همان اولی است. اولا: مستثنی، مساجد سه گانه است؛ از آن جا که استثنا، استثنای متصّل است، قطعاً «مستثنی منه» لفظ مساجد خواهد بود نه مکان.

ثانیاً: هر گاه هدف، ممنوع ساختن تمام مسافرت های معنوی است، حصر، صحیح نخواهد بود. زیرا در اعمال حج، انسان برای «عرفات» و «مشعر» و «منی»، بار سفر می بندد، هر گاه مسافرت مذهبی، جز برای غیر این سه مورد جایز نیست، پس چرا سفر به این نقاط سه گانه جایز شمرده شده است.

ثالثاً: مسافرت برای جهاد در راه خدا، و آموزش علم و دانش و صله رحم و زیارت والدین، از جمله مسافرت هایی است که در آیات و روایات بدانها تصریح گردیده است». (۳) آن جا که می فرماید: «فَلَولا نَفَر مِن کُلِّ فِرقَهٍ طائِفهٌ لِیَتَفَقَّهوا فی الدّینِ ولِینذِرُوا قَومَهُم اذا رَجَعُوا الَیهِم لَعَلَّهُم یحذَرُونَ»؛ (۴)

چرا از هر قبیله ای، گروهی کوچ نمی کنند که دین را بیاموزند و قبیله خود را پس از بازگشت بترسانند؛ شاید آنان بترسند.

همچنین غزالی به این نکته توجه پیدا کرده و می گوید: «مسافرت، امری مستحب است؛ از جمله مسافرت به جهت زیارت قبور انبیا، صحابه، تابعین و سایر علما و

۱- همان، ص ۱۳۲.

۲- شیعه شناسی و پاسخ به شبهات، ج ۲، ص ۳۰۷.

۳- آیین وهابیّت، ص ۱۳۳.

۴- سوره توبه، آیه ۱۲۲.

اولیـا. پس به طور کلی هر کس که در حـال حیات، به او تبرک جسـته می شود، در حال ممات نیز می توان به زیارتش تبرک جست. بنـابراین شـدّ رحـال برای تحقّق این غرض، جـایز می گردد. این موضوع بـا حـدیث پیامبر صـلی الله علیه و آله «لاتشـدّ الرحال إلّا إلی ثلاثه مساجـد» منافات و تعارض ندارد؛ زیرا حدیث مربوطه به مساجد از آن جا که همه در فضـیلت یکسان اند، ترجیحی در سـفر برای آنها نیست، مگر این سه مسـجد که به جهت خصوصـیتی که دارند، سـفر به خاطر آنها اشکالی ندارد و این مسـأله غیر از سـفر برای زیارت قبور و اولیای الهی است». (۱) بعـد از اثبات جواز سـفر برای زیارت اولیای الهی و همچنین استحباب سفر به سوی آنها، جا دارد در این مورد، به احادیث متعدّدی که در این زمینه وجود دارد و به روشنی مشروعیت سفر برای زیارت قبور را ثابت می کند، نیز توجه فرمایید:

۱. طلحه بن عبید اللَّه می گوید: «خرجنا مع رسول اللَّه یرید قبور الشـهداء ... فلمّا جئنا قبور الشـهداء قال: هذه قبور إخواتنا»؛ (۲) با پیامبر صلی الله علیه و آله بیرون رفتیم و آن حضرت، قبور شهدا را اراده کرده بود .... وقتی به قبور شهدا رسیدیم، فرمود: این قبور برادران ماست. منظور از قبور شهدا در این جا قبور شهدای احد است که چند کیلومتر با مدینه فاصله دارد.

۲. عن أبی الـدرداء أن بلالًـا رأی فی منـامه النـبی صـلی الله علیه و آله و هو یقول له: «مـا هـذه الجفوه یـا بلاـل امّـا آن لـک أن تزورنی یـا بلاـل؟ فـانبته حزینـاً وجلًا خائفاً فرکب راحلته و قصـد المـدینه وأتی قبر النبی ...». (۳)(این حـدیث را در ذیل عنوان زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله در سیره اصحاب نقل کردیم).

۳. «کان النبی یأتی مسجد قباء کلّ سبت ماشیاً وراکباً»؛ (۴) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر روز شنبه به

۱- احیاء العلوم، ج ۲، ص ۲۲۸، کتاب آداب السفر.

۲- سنن ابی داود، ج ۱، ص ۳۱۹.

۳- تهذیب تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۲۵۹.

۴- صحیح البخاری، ج ۲، ص ۱۳۷.

مسجد قبا می رفت، گاهی پیاده و گاهی سواره. همان گونه که در قبل گفتیم، زیارت قبور مؤمنین و اولیای خدا و به خصوص قبر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، یک امر استحبابی است که در روایات صحیحه به آن امر شده است. بنابراین اگر کسی برای زیارت قبور، از شهری به شهری سفر کند، این سفر نیز استحبابی خواهد بود؛ زیرا که برای یک امر مستحب انجام می گیرد.

زنان و زیارت قبور

همان طور که گذشت، وهابیان مؤید حرمت زیارت قبور برای زنان را همان حدیثی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده اند، می دانند که می گوید: «لَعَن رسولُ اللّهِ زَوّاراتِ القبور». (۱)

در جواب این اشکال باید بگوییم:

اولًا: این حدیث، خلاف سیره اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ زیرا:

- فاطمه زهرا علیها السلام در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله روزهای جمعه به زیارت قبر حمزه می رفت. (۲) در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام او را نهی نمی کردند. (۳) عایشه حدیث مفصلی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند که او فرمود: «پروردگارم به من دستور داد که به بقیع بروم و برای قبور آنها طلب آمرزش کنم. گفتم: من چه بگویم ای رسول خدا؟ فرمود: بگو سلام بر اهل دیار از مؤمنین و مسلمین. خداوند، گذشتگان و بازماندگانِ از ما را رحمت کند و ما به خواست خدا به شما ملحق خواهیم شد». (۴)- انس بن مالک می گوید: «روزی پیامبر صلی الله علیه و آله از کنار زنی گذشت که بر سر قبری گریه می کرد، به او فرمود: از خدا بترس و صبر داشته باش. او گفت: مرا رها کن، تو به مصیبتی که من گرفتار شده ام، نشده ای و آن زن، پیامبر صلی الله علیه و آله را نشناخته بود. وقتی به او گفتند که او پیامبر است، به در خانه پیامبر آمد و دربانی را پیش او ندید. پس گفت: تو

۱- سنن ابن ماجه، کتاب الجنائز، ج ۱، ص ۵۰۲.

۲- السنن الکبری، ج ۴، ص ۷۸؛ المصنف، ابن أبی شیبه، ج ۳، ص ۵۷۲.

۳- همان، ص ۱۳۱.

۴- سنن النسائی، ج ۴، ص ۹۳.

را نشناختم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: صبر در هنگام مصیبت، بهتر است». (۱) می بینیم که پیامبر صلی الله علیه و آله، آن زن را فقط به صبر دعوت نمود و او را از زیارت کردن قبر، منع نکرد. این حدیث و احادیث دیگر، به روشنی دلالت می کند که زن ها هم می توانند به زیارت قبور بروند.

ثانیاً: این حدیث(لعن اللّه زوّارات القبور) از حیث سند ضعیف است؛ چون از سه طریق وارد شده است: حسان بن ثابت، ابن عبّاس و ابو هریره که در طریق هر سه سند، ضعف وجود دارد. (۲) ثالثاً: این فتوا با حدیث عایشه که «قبلًا پیامبر صلی الله علیه و آله زیارت قبور را نهی کرده بود، ولی بعداً اجازه داد» معارض است. ابن ابی ملیکه می گوید: «روزی عایشه از طرف قبرستان می آمد. به او گفتم: ای ام المؤمنین از کجا می آیی؟ گفت: از زیارت قبر برادرم عبد الرحمن. گفتم: آیا پیامبر صلی الله علیه و آله از زیارت قبور نهی نکرده بود؟ گفت: آری، نهی کرده بود؛ اما بعدها به زیارت قبور امر کرد». (۳) بنابراین منظور پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیث شاید زن هایی است که زیارت قبور را کار همیشگی خود قرار داده و در مظان تهمت و فتنه انگیزی و ایجاد فساد اخلاقی بودند. اما اگر زنی صرفاً برای کسب ثواب و عبرت آموزی و تذکر عالم آخرت و دادن سلام به اهل قبور، به زیارت آنها برود و خوف فتنه نباشد، کاری مشروع و مستحب انجام داده است و لعن پیامبر صلی الله علیه و آله شامل آنها نمی شود. (۴) رابعاً: «نهی زنان از زیارت قبور به خاطر کمی صبرشان است. حال اگر زنی طاقتش زیاد باشد و شکوه نکند، زیارتش اشکالی ندارد؛ زیرا بر فرض این که مقدمه حرام، حرام است، این قاعده اطلاق ندارد، بلکه مقدمه موصوله حرام است، یعنی اگر کار

۱- صحیح البخاری، ج ۱، ص ۵۴۱، باب زیاره القبور؛ المستدرک، حاکم، ج ۱، ص ۳۷۴.

۲- المصّنف، ابی أبی شیبه، ج ۳، ص ۳۲، ح ۱۱۸۱۲ و ۱۱۸۱۳.

۳- نیل الأوطار، ج ۲، ص ۸۱۰.

۴- بزرگداشت اولیای خدا، ص ۵۸.

مباحی قطعاً انسان را به حرام برساند، حرام است. لذا بزرگان اهل سنّت، زیارت اهل قبور را به شرط صبر، جایز شمرده اند». (۱)

۲. ساختن بارگاه و ضریح

اشاره

همان طور که در گذشته اشاره شد، از جمله موضوعاتی که وهابیان، آن را مورد ایراد قرار داده اند، مسأله ساختن زیارتگاه و قرار دادن ضریح روی قبور اهل بیت علیهم السلام می باشد. همچنین فتاوای آنها را از نظر گذراندیم که آنها نه تنها این موضوع را جایز نمی دانند، بلکه کاری شرک آمیز می پندارند و انجام دهنده آن را مشرک می دانند. آنها در ادّعای خود بر حرمت بنای قبور، به مواردی استدلال کرده اند که به آنها پاسخ می دهیم:

الف. پاسخ به شبهه بنای قبور

اشاره

در پاسخ به شبهه اول(احداث بنا بر قبور از مظاهر شرک و از اعمال مشرکین است) جا دارد که به سراغ ادله شرعی رفته و جواز، بلکه رجحان بنای قبور را از این دیدگاه، مورد بررسی قرار دهیم.

قرآن کریم به مسأله احداث بنای بر قبور، به طور صریح و خاص پرداخته است؛ اما می توان حکم آن را از ضمن آیات قرآن استفاده نمود:

خداوند متعال در قرآن کریم امر به تعظیم شعایر الهی کرده و آن را دلیل بر تقوای قلوب می داند. آن جا که می فرماید: «وَ مَن یُعَظّمْ شَعلِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقْوَی الْقُلُوبِ»؛ (۲)

و هر کس شعایر دین خدا را بزرگ و محترم دارد، این صفت دل های باتقواست.

«مقصود از بزرگداشت شعایر الهی چیست؟ شعایر جمع «شعیره» به معنی علامت و نشانه است. منظور در آیه، نشانه های وجود خدا نیست؛ زیرا همه عالم نشانه وجود خداست و هیچ کس هم نگفته است که تعظیم آنچه در عالم هستی است، نشانه

۱- شیعه شناسی و پاسخ به شبهات، ج ۲، ص ۳۰۸.

۲- سوره حج، آیه ۳۲.

تقواست. بلکه مقصود، نشانه های دین اوست». (۱) «یعنی اموری که دلیل و علامت و نشانه به سوی خداست و هر کسی که می خواهد به خدا برسد، با آن نشانه و علامت می تواند به خدا برسد. یعنی هر کس که می خواهد به حقیقت دین خدا رهنمون شود، برخی از امور راهنمای اویند، که باید آنهارا تعظیم کرد». (۲) اگر در قرآن کریم، صفا و مروه از شعایر الهی شمرده شده است، آن جا که می فرماید: «إِنَّ الصَّفَا وَ الْمَرْوَهَ مِن شَعَآلِرِ اللَّهِ»؛ (۳)

همانا صفا و مروه از شعایر خداست. و اگر که شتری برای نحر به منی برده می شود «وَ الْبُدْنَ جَعَلْنَهَا لَکُم مّن شَعلِرِ اللَّهِ»؛ (۴)

و نحر شتران فربه را از شعایر دین خدا مقرّر گردانیدیم. به خاطر این است که این امور، از نشانه های دین حنیف ابراهیم است. اگر مجموع مناسک حج، شعایر نامیده شده اند، به این دلیل است که نشانه هایی به سوی توحید و دین حنیف است.

«اگر این امور از شعایر دین خدایند، و مردم را متذکر به توحید و دین حنیف می کنند، شکی نیست که وجود انبیا و اولیای الهی از بزرگ ترین و بارزترین نشانه های دین خداوند است که وسیله ابلاغ دین و مایه گسترش آن در میان مردم بوده اند. هیچ فرد باانصافی نمی تواند منکر این مطلب گردد که وجود پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام از دلایل اسلام و نشانه های این آیین مقدس می باشد». (۵) حال اگر وجود پیامبر صلی الله علیه و آله و اوصیای او و اولیای الهی چنین خصوصیتی دارند، حفظ و صیانت آثار آنان و حفظ قبورشان و بنای قبر و گلدسته برای آنها نیز در راستای همین اهداف است. همچنین یکی از طرق بزرگداشت آن بزرگواران، حفظ آثار و قبور آنان و صیانت آن از فرسودگی و محو و نابودی است.

قرآن کریم به صراحت، به مودّت و محبت اقربای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله امر نموده، آن جا

۱- آیین وهابیت، ص ۴۳.

۲- شیعه شناسی و پاسخ به شبهات، ص ۳۱۷.

۳- سوره بقره، آیه ۱۵۸.

۴- سوره حج، آیه ۳۲.

۵- آیین وهابیت، ص ۴۴.

که می فرماید: «قُل لَّآأَسَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبَی»؛ (۱)

بگو از شما تقاضای اجر و مزدی نمی کنم مگر مودت ذوی القربی را. واضح است که یکی از طرق ابراز علاقه و مودت به اقربای پیامبر صلی الله علیه و آله، احداث بنا بر قبور و تعمیر قبور ایشان می باشد؛ زیرا مودّت و محبّت بروز و ظهور دارد.

خداوند متعال در قرآن کریم اجازه داده که خانه هایی که در آنها یاد خدا شده، رفعت پیدا کند، آن جا که می فرماید: «فِی بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَن تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ و يُسَبِّحُ لَهُ و فِيهَا بِالْغُدُوّ وَ الْأَصَالِ* رِجَالٌ لَّاتُلْهِيهِمْ تِجرَةٌ وَ لَابَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ»؛ (۲)

در خانه هایی که خدا رخصت داده، رفعت یابد و در آن، ذکر خدا شود و صبح و شام در آن تسبیح ذات پاک او کنند. پاک مردانی که هیچ کسب و تجارت آنان را از یاد خدا غافل نگرداند.

استدلال به آیه فوق متوقف بر بیان دو امر است:

الف) مقصود از بیوت چیست؟

در بیان لفظ «بیوت» یادآور می شویم که مفاد لفظ یاد شده منحصر به «مساجد» نیست؛ بلکه اعم از مساجد و اماکنی است که در آنها یاد خدا می شود، همانند بیوت انبیا و ائمه علیهم السلام. بلکه می توان مراد از بیوت را غیر از مساجد دانست؛ زیرا بیت به معنای بنایی است که دارای چهار دیوار و سقف باشد، همانند بیت اللَّه الحرام. (۳) همچنین در قرآن می خوانیم: «وَ لَوْلَآ أَن يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَ حِدَةً لَّجَعَلْنَا لِمَن يَكْفُرُ بِالرَّحْمنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقُفًا مّن فِضَّهٍ»؛ (۴)

و اگر نبود که همه مردم یک نوع و یک امّت اند، ما سقف خانه آنان که به خدا کافر می شوند از نقره خام قرار می دادیم». از این ادله استفاده می شود که بیت در لغت عرب، منحصر به مساجد نیست؛ بلکه به این معناست: «بنایی که دارای سقف باشد».

۱- سوره شوری، آیه ۲۳.

۲- سوره نور، آیات ۳۶، ۳۷.

۳- آیین وهابیت، ص ۴۹.

۴- سوره زخرف، آیه ۳۳.

ب) مقصود از رفع در آیه شریفه چیست؟

در این جا دو احتمال وجود دارد:

۱. مقصـود از «رفع»، تعظیم و ترفیع قـدر بیوت است که همـان رفع معنوی است. (۱) همـان گـونه که در قرآن می خوانیم: «وَ رَفَعْنهُ مَکَانًا عَلِیًّا»؛ (۲)

و ما مقام او را بلند و مرتبه اش را رفیع گردانیدیم.

۲. «مقصود از رفع بالا بردن ساختمان قبر و بالا بردن پایه ها و دیوارها و صیانت آن از فرو ریختن آن است». (۳) چنانچه قرآن می فرماید: «وَ إِذْ یَرْفَعُ إِبْرَ هِیمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَیْتِ وَ إِسْمعِیلُ ...». (۴)

زمخشری در تفسیر این آیه می گوید: «رفع بیوت، یا به معنای بنای بیوت است، همانند آیه شریفه «وَ إِذْ یَرْفَعُ إِبْرَ هِیمُ ...» و یا به معنای تعظیم بیوت و بالا بردن قدر و منزلت بیوت است. (۵)

سیره سلف و بنای بر قبور

با مراجعه به تاریخ مسلمین بعد از ظهور اسلام پی می بریم که احداث بنای بر قبور، سیره عملی مسلمین در طول تاریخ بوده و هرگز مورد اعتراض هیچ یک از صحابه و تابعین تا این زمان واقع نشده است و تنها گروهکی به نام وهابیون، در عمل و گفتار با این کار مخالفت نموده اند. اکنون به نمونه هایی که در این مورد از احادیث استخراج شده است، توجّه فرمایید:

۱. ابو جعفر گفته است: «فـاطمه زهرا علیهـا السـلام، قبر حمزه را زیارت می کرد و آن را تعمیر و اصـلاح می نمود و با سـنگ، علامتگذاری کرده بود». (۶) ۲. بخاری در صحیح خود روایت کرده است: «بعد از وفات حسن بن حسن بن

۱- شیعه شناسی و پاسخ به شبهات، ج ۲، ص ۳۱۹.

۲- سوره مریم، آیه ۵۷.

۳- آیین وهابیت، ص ۴۹.

۴- سوره بقره، آیه ۱۲۷.

۵- الکشّاف، ج ۳، ص ۲۴۲.

۶- وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۹۳۲. «إنّ فاطمه علیها السلام کانت تزور قبر حمزه ترمه وتصلحه وقد تعلمته بالحجر».

علی علیه السلام همسر او تا یک سال قبّه ای بر قبر او زد و به عزاداری پرداخت». (۱) ۳. انس می گوید: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله قبر عثمان بن مظعون را با صخره ای علامت گذاری کرد». (۲) ۴. ابن شهاب می گوید: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سنگ تراشیده ای را به عنوان علامت بر قبر عثمان بن مظعون قرار داد و چون معاویه، مروان را والی مدینه کرد، او آن سنگ را از قبر عثمان بن مظعون به قبر عثمان بن عفان انتقال داد».

آری! از این نمونه ها در احادیث و تاریخ بسیار است و همه بیانگر این معناست که در عهد پیامبر صلی الله علیه و آله و صحابه و تابعین، تعمیر قبور در حدّ و وضع اقتصادی آن زمان معمول بوده است و این که قبور انبیا و اولیای الهی، دارای دیوار و یا سقفی باشد، امر منکری نبوده است. همچنین خود آنها در مواردی به چنین کاری اقدام می کردند و آن را نوعی تعظیم و تکریم برای اولیای الهی می دانستند. حال با توجه به ادله شرعی از آیات قرآن و سیره مسلمین، نه تنها به جواز ساختن بارگاه و ضریح بر قبور اهل بیت علیهم السلام، بلکه به استحباب آن پی می بریم.

ب. پاسخ به شبهه موقوفه بودن زمین بقیع

از جمله ادّعاهایی که وهابیان برای توجیه تخریب قبور ائمه بقیع دارند، این است که می گویند: زمین بقیع موقوفه است و این بناها مخالف با نظر واقف است؛ پس باید ولی امر مسلمین آنها را خراب کند. در پاسخ می گوییم:

اولًا در هیچ کتابی، حدیثی یا تاریخی اشاره نشده که زمین بقیع موقوفه است، خصوصاً آن که زمین حجاز و مدینه، چندان ارزشی نداشته که کسی آن را وقف نماید. (۳)

۱- صحیح البخاری، ج ۷، کتاب الجنائز، ص ۱۱۲. «لمّا مات الحسن بن الحسنُ بن علی ضَرَبت إمرأتُه القُبّه علی القبر سَنَه ...».

۲- سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۹۱۴. «إنّ رسول اللّٰه جعل أسفل مهراس علاقه علی قبر عثمان بن مظعون لیدفن الناس حوله فلما استعمل معاویه مروان بن الحکم علی المدینه حمل المهراس علی قبر عثمان».

۳- شیعه شناسی و پاسخ به شبهات، ج ۲، ص ۳۳۰.

ثانیاً «بنا بر نقل سمهودی، بقعه ای که در بر گیرنده اجساد ائمه طاهرین در بقیع است، خانه شخصی عقیل بن ابی طالب بوده است. لذا سمهودی می گوید: عبّاس بن عبدالمطلب کنار قبر فاطمه بنت اسد بن هاشم در اوّل مقابر بنی هاشم در خانه عقیل دفن شد». (۱) حال با این وضع آیا می توان به صرف ادعای وقف، بنای بر قبور اولیای الهی را خراب نمود؟!

ج. بررسی روایات نهی

در قسمت ایرادهای وهابیون دیدیم که یکی از ایرادهای آنها، استدلال به برخی از روایات کرده اند که آن روایات را دلیلی بر حرمت تعمیر قبور انبیا و اولیا دانسته اند.

در پاسخ می گوییم: این روایات از لحاظ سند ضعیف هستند؛ زیرا در سند حدیث اول، افرادی قرار دارند که در کتب رجال ذم شده اند، مانند «وکیع» که ابن حَجر درباره او از احمد بن حنبل نقل می کند که وکیع در پانصد حدیث اشتباه کرده (۲) و نیز مانند حبیب بن ابی ثابت که باز ابن حجر از ابو حیان نقل می کند که او در حدیث تدلیس می کرد. (۳) ضمناً در تمام کتب احادیث از ابوالهیاج حدیثی جز این یک حدیث نقل نشده است. (۴) در سند حدیث دوم نیز افراد مذمومی قرار گرفته اند، مانند ابن جریح که احمد بن حنبل می گوید: او احادیث منکر، نقل کرده است. (۵) مالک بن انس در شأن او می گوید:

ابن جریح مانند کسی است که در شب، به دنبال جمع هیزم است. کنایه از این که هر نوع حدیثی را نقل می کند. (۶) و مانند ابوالزبیر که ذهبی از ابو زرعه و ابو حاتم نقل می کند که با حدیث او نمی توان احتجاج کرد و از افراد دیگری نقل می کند که او تدلیس می کرد. (۷)

۱- وفاء الوفاء، ج ۲، ص ۹۶.

۲- تهذیب التهذیب، ج ۱۱، ص ۱۲۵.

۳- همان، ج ۳، ص ۱۷۹.

۴- حاشیه سیوطی بر سنن النسائی، ج ۴، ص ۸۹.

۵- تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۴۰۶.

۶- همان، ص ۴۰۴.

۷- تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۱۲۷.

در سند حدیث سوم ابن لهیعه است که ذهبی می گوید: با حدیث او نمی توان احتجاج کرد. (۱) و نیز از ابن مُعین نقل کرده که او ضعیف است و به احادیثش احتجاج نمی شود. (۲) اکنون ما از ضعف سند این احادیث، به خاطر ورود آنها در کتب صحاح صرف نظر می کنیم و درباره دلالت آنها سخن می گوییم: حدیث ابوالهیاج «مربوط به هدم و خراب کردن قبور همه عالم نیست؛ بلکه مورد خاصی بوده که حضرت او را مأمور به آن کرده است. شاید برخی از قبور مشرکین بوده که مورد پرستش آنان قرار گرفته بوده است و بر فرض که مطلق قبور بوده، چه ربطی به قبور انبیای الهی دارد که به جهت توجه مردم به خدا از طریق آنان و اقامه شعایر الهی، بدون هیچ توجه شرک آلود به آنان بنا شده است». (۳) «همچنین اهل لغت و عرف به این نکته توجه کرده اند که ماده تسویه، در صورتی که قرین مساوی با او ذکر نشود، به معنای صاف کردن آن است فی نفسه. و این حدیث این چنین است؛ زیرا در آن نیامده که آن را مثلًا با زمین مساوی کنید پس معنای آن این است که هر قبری که به مانند کوهان شتر است، آن را صاف کن». (۴) زیرا در روایات آمده که تمام قبور شهدا همانند سنام و کوهان شتر بوده است. (۵) لذا بعد از آوردن این دلایل در می یابیم که اگر حرام بودن احداث و تعمیر قبور شامل قبور انبیا و اولیا هم می شد و این مسأله از مسلّمات اسلام بود، هرگز سیره مسلمین بر ساختن بنا روی قبور آنان، جاری نمی شد و این امر واضحی است.

۳. برگزاری نماز و دعا نزد قبور اولیای الهی

اشاره

همان طور که در گذشته بیان شد، وهابیان خواندن نماز و دعا را نزد قبور اهل بیت علیهم السلام نه تنها ممنوع دانسته اند، بلکه این مسأله را از مرحله ممنوعیت به مرحله شرک

۱- همان، ص ۲۳۹.

۲- میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۴۷۶.

۳- شیعه شناسی و پاسخ به شبهات، ج ۲، ص ۳۲۷.

۴- همان.

۵- کنز العمال، ج ۱۵، ص ۷۳۶، ح ۴۲۹۳۲.

رسانده اند و برای اثبات عقایدشان فتاوایی را نقل کرده اند. در این قسمت به بررسی آن فتاوا می پردازیم، و سپس جواز بلکه رجحان آن را با گواهی از کتاب و سنّت، به اثبات می رسانیم.

در ابتدا بایـد یادآور شویم که انگیزه مسلمانان از گزاردن نماز و دعا نزد قبور اولیا، به هیـچ عنوان چنین نمی باشد که قبر آن بزرگواران را قبله قرار داده و به سوی آن نماز بخوانند که با این عمل شرک به حساب آیـد و در واقع این خود تهمتی بس بزرگ است به مسلمانان به خصوص شیعیان. زیرا هیچ مسلمان و هیچ شیعه امامیه ای رو به سوی هیچ قبری هرگز نماز نمی گزارد و هر جا که نماز بگزارد، چنانچه بخواهد نیت را بر زبان آورد می گوید: نماز می خوانم «قربه إلی اللّه» و هرگز به ذهن شان خطور نمی کند که- العیاذ باللّه- «نماز می خوانم قربه إلی صاحب القبه». همچنین هنگامی که آنها نماز زیارت می خوانند «قربه الی اللّه» نیت می کنند و سپس ثواب آن را به صاحب قبر، هدیه می کنند. واقعاً چگونه می توان مسلمان بود و قبله را کعبه دانست، آن گاه قبری یا جایی را قبله قرار داد! مؤید این مطلب را کافی است در دعاهایی که بعد از نماز زیارات اهل بیت علیهم السلام آمده جست وجو نماییم. همان گونه که مثلًا در دعای بعد از نماز زیارت امام حسین علیه السلام وارد شده است:

«اللهمّ إنّی صلّیتُ ورکعتُ وسجدتُ لک وحدک لا شریک لک لأنّ الصّلوه والرّکوع والسّجود لا یکون إلا لک ... اللهمّ وهاتان الرّکعتان هدیه منّی الی مولای الحسین بن علی علیهما السلام». (۱)

بنابر این اندیشه شرک از طرف وهابیان، پنداری بیش نخواهد بود. زیرا این مسأله زمانی شرک خواهد بود که کسی در نزد قبور، بر صاحب قبر نماز بگزارد و او را بپرستد، یا او را قبله خود قرار دهد، که به طور مسلّم این عمل شرک خواهد بود. این در حالی است که «انگیزه مسلمانان از گزاردن نماز و دعا نزد قبور اولیا، همان اندیشه تبرک به مکانی است که محبوب خدا در آن جا به خاک سپرده شده است و تصوّر

۱- مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امام حسین علیه السلام.

می کننـد که چون آن مکان، به خاطر در بر گرفتن جسـد عزیزی از عزیزان خـدا از شـرافت خاصـی برخوردار است، در نتیجه عمل شان ثواب بیشتری خواهد داشت». (۱)

شرافت مدفن اولیای خدا در قرآن

۱. درباره مدفن اصحاب کهف قرآن چنین می فرماید: «لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا»؛ (۲)

ما مدفن آنان را مسجد قرار می دهیم. زمخشری در تفسیر آیه مذکور چنین می گوید:

«یصلّی فیه المسلمون ویتبرّکون بمکانهم»؛ (۳)

هدف از مسـجد قرار دادن مدفن آنان، جز این نبود که فرایض خود را در آن جا انجام بدهند. به اصـطلاح در آن جا به نماز و نیـایش بپردازنـد. مطمئناً آنان این چنین تصور می کردنـد که این مکان با در نظر گرفتن اجساد بنـدگان صالـح خـدا، فضـیلت خاصی دارد و باید از فضیلت این مکان خاص، تبرک بجوییم و ثواب بیشتری را کسب نماییم.

لازم به تـذکر است که قرآن این مطلب را از گروه موحـد نقل می کنـد و در برابر آن سـکوت می کنـد. اگر چنانچه این کار، یک عمل خلافی بود، هرگز قرآن در برابر آن سکوت نمی کرد؛ این خود دلیل بر مشروعیت عمل و پیشنهاد آنان است.

۲. قرآن کریم به حجاج امر می کند که «نزد مقام ابراهیم علیه السلام» (۴) نماز بجای آورند.

چنانچه می فرماید: «وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ أَمْنًا وَ اتَّخِذُواْ مِن مَّقَامِ إِبْرَ هِيمَ مُصَلًّى»؛ (۵)

و به یـاد آور زمـانی که کعبه را مقـام امن و مرجع امر دین گردانیـدیم و امر شـد که مقام ابراهیم را جایگاه پرسـتش خـدا قرار دهیـد. از این آیه قطعاً فهمیـده می شود دسـتور خداونـد برای عبـادت کردن و نماز خوانـدن در این مکان به خاطر فضـیلت و شرافتی است که این نقطه دارد و نماز خواندن در این مکان برای تبرک به مقام ابراهیم علیه السلام است.

۱- آیین وهابیت، ص ۱۳۷.
۲- سوره کهف، آیه ۲۱.
۳- الکشاف، ذیل آیه ۲۱ سوره کهف.
۴- مقام ابراهیم علیه السلام همان صخره ای است که آن حضرت، روی آن برای ساختن کعبه می ایستاده است.
۵- سوره بقره، آیه ۱۲۵.

وقتی قیام و ایستادن ابراهیم علیه السلام در نقطه ای موجب شرافت و مبارکی آن جا می گردد، آیا دفن اجساد شهیدان راه حق و مردان بـا فضـیلت، مایه شـرافت و فضـیلت نمی گردد، و طبعاً نماز در آن جا از قـداست بیشتری و نیز دعا از اسـتجابت بهتری برخوردار نمی شود؟

شرافت مدفن اولیای خدا در سنت

در بـاب جواز خوانـدن نمـاز و دعا نزد قبور اولیای الهی احادیث و روایاتی بس معـدود به چشم می خورد. در این جا به نمونه هایی از آنها اشاره می کنیم:

۱. سـیوطی در باب احادیث معراج می گوید: پیامبر صـلی الله علیه و آله وارد مدینه، طور سـینا و بیت اللحم شد و در آن مکان ها نماز گزارد. جبرئیل به او عرض کرد: ای رسول خدا! آیا می دانی کجا نماز می گزاری؟ تو در شهر طیبی نماز خواندنی که هجرت به سـوی آن بـود، تو در طور سـینا نمـاز گزاردی؛ مکـانی که خداونـد بـا موسـی سـخن گفت، تو در بیت اللحم نمـاز گزاردی؛ مکانی که عیسـی متولد شد. (۱) آری! طور سـینا به دلیل سـخن گفتن خداوند با حضـرت موسی علیه السلام و بیت اللحم به دلیل ولادت حضـرت عیسـی علیه السـلام دارای فضیلت و قداست خاص شده است. حال از نظر فضیلت بین زادگاه و مقبره چه فرقی می تواند باشد؟ از این حدیث اسـتفاده می شود که نماز گزاردن در نقاطی که با بدن پیامبر صلی الله علیه و آله تماس داشته است، دارای فضیلت خاصّی می باشد.

۲. اگر نمـاز خوانـدن در کنـار قبر اشـکال دارد، چرا دخـت گرامی پیـامبر صـلی الله علیـه و آلـه که به حکم احـادیث صـحاح خشـنودی او، خشنودی خدا و رسول او و نیز خشم او، خشم خدا و رسول اوست، هر جمعه به زیارت قبر عموی خود حمزه می رفت و در کنار قبر نماز بجا می آورد و گریه می کرد:

«کانت فاطمه تزور قبر عمّها حمزه کُلَّ جمعه فتُصلّی وتبکی عنده». (۲)

۱- الخصائص الکبری، ج ۱، ص ۱۵۴.

۲- سنن الکبری، ج ۴، ص ۷۸.

به راستی اگر مدفن پیامبر صلی الله علیه و آله شرافت خاصی ندارد، چرا عایشه تا آخر عمر در کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله به زندگی خود ادامه داد و در آن جا نماز بپا داشت؟ چرا شیخین اصرار کردند که جنازه آنان را در آن نقطه دفن کنند؟

این دلایل- به ضمیمه سیره مسلمین که پیوسته در مکان های مقدس که اولیا و بزرگان الهی به خاک سپرده شده اند، نماز می گزارند و به دعا و عبادت می پردازند-، می رساند که نماز و دعا در کنار قبور این عزیزان و بزرگواران، نه تنها هیچ اشکالی ندارد، بلکه با توجه به فضیلت و شرافت بسیار زیادی که این قبور دارد، دارای ارزش و ثواب بالاتری نیز می باشد و هدف جز این نمی باشد که از آن محل، تبرک جسته و عمل خود را در محلی انجام دهند که مورد توجه خداست.

۴. تبرک و استشفا به آثار اهل بیت

اشاره

همان طور که قبلًا نیز گفتیم، یکی از راه های اظهار محبت به اولیای خدا و پاکان و مقربان درگاه او، زیارت قبور ایشان می باشد. اما در این گفتار می خواهیم با یکی دیگر از راه های اظهار محبت به اولیای الهی آشنا شویم که شارع مقدس هم از آن نهی نکرده است، و آن تبرک جویی از آثار و نشانه های آنان و احترام به هر چیزی است که انسان را به یاد آنها می اندازد.

نظر به این که وهابیان تبرک جستن به آثار اولیا را شرک می دانند و کسی که محراب و منبر پیامبر صلی الله علیه و آله را ببوسد، مشرک می خوانند و در این نظریه فتاوایی را بیان کردند، اکنون ما در پاسخ به ایرادهای آنان بحثمان را در این قسمت بر روی بررسی آیات، روایات و سیره مسلمین متمرکز می کنیم:

تبرک در آیات

کلمه برکت در قرآن، با الفاظ گوناگونی به کار رفته است؛ که خداوند به جهات خاصّی برخی از اشخاص، یا مکان ها و یا زمان ها را برکت افاضه کرده است.

الف. برکت در اشخاص: ۱. خداوند درباره حضرت عیسی علیه السلام می فرماید: «وَ جَعَلَنِی مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنتُ وَ أَوْصَنِی بِالصَّلَوهِ وَ الزَّكَوهِ مَا دُمْتُ حَيًّا»؛ (۱)

و مرا هر جا باشم برای جهانیان مایه رحمت و برکت گردانید و تا زنده ام به عبادت و نماز و زکات سفارش کرد.

۲. همچنین درباره اهل بیت پیامبرمان علیهم السلام یا اهل بیت ابراهیم علیه السلام می فرماید:

«رَحْمَتُ اللَّهِ وَ بَرَكَتُهُ و عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ و حَمِيدٌ مَّجِيدٌ»؛ (۲)

رحمت و برکات خدا، مخصوص شما اهل بیت رسالت است؛ زیرا خداوند بسیار ستوده و بزرگوار است.

ب. برکت در زمان و مکان: ۱. خداوند متعال راجع به مکه مکرمه می فرماید: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بِبَكَّهَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَلَمِينَ»؛ (۳)

همانا اولین خانه ای که برای مکان عبادت مردم بنا شده، مکه است که در آن، برکت و هدایت خلایق است.

۲. درباره شب قدر می فرماید: «إِنَّآ أَنزَلْنَهُ فِی لَيْلَهٍ مُّبَرَكَهٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ»؛ (۴)

که ما آن را در شبی فرخنده نازل کردیم، زیرا که ما هشداردهنده بودیم.

تبرک در روایات

با مراجعه به روایات، با طیف بسیاری از کلمات گهربار نبوی و اهل بیت علیهم السلام مواجه می شویم که سخن از تبرک به میان آورده و محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله را اشخاص مبارک معرفی نموده اند:

۱. پیامبر صلی الله علیه و آله در کیفیت صلوات، چنین دستور داده که بگویید: «اللهمّ صلّ علی محمّد وعلی آل محمّد کما صلّیت علی إبراهیم، وبارک علی محمد وعلی آل محمد، کما بارکت علی إبراهیم فی العالمین إنّک حمیدٌ مجید والسلام کما قد علمتهم». (۵) ۲. در صحیح بخاری در کیفیت صلوات به رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین آمده است: «اللهم صلّ علی محمد عبدک ورسولک کما صلّیت علی ابراهیم وبارک علی محمد وآل

۱- سوره مریم، آیه ۳۱.

۲- سوره هود، آیه ۷۳.

۳- سوره آل عمران، آیه ۹۶.

۴- سوره دخان، آیه ۳.

۵- صحیح مسلم، کتاب الصلوه، باب الصلوه علی النبی صلی الله علیه و آله بعد التشهد، ج ۱، ص ۳۵۰، ح ۶۵.

محمد کما بارکت علی ابراهیم». (۱)

تبرک در سیره مسلمین

وقتی در این باب به سیره مسلمین مراجعه می کنیم، می بینیم صحابه نه تنها در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله بلکه بعد از وفات آن حضرت هم از ایشان تبرک می جستند و خود را به آثار پیامبر صلی الله علیه و آله متبرک می کردند.

الف. سیره صحابه در تبرک به پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان حیاتش: ۱. عایشه نقل می کند:

صحابه دائماً فرزنـدان خود را نزد رسول خـدا صـلی الله علیه و آله می آوردنـد تا آنان را تحنیک کرده (۲) و مبارک گرداند. (۳) ۲. عون بن ابی جحیفه از پـدرش نقـل می کنـد که پیش پیامبر صـلی الله علیه و آله رفتم و او در خیمه ای از پوست دباغی شده، قرار داشت و بلال را دیدم که آب وضوی پیامبر صلی الله علیه و آله را می گیرد.

مردم به آب وضوی پیامبر صـلی الله علیه و آله می شتابند. هر کس از آن آب می گیرد، آن را بر سر خود می کشد و هر کس که نمی توانـد از آن آب بگیرد، از رطوبت دست رفیقش اخذ می کند. (۴) ۳. از ابراهیم بن عبدالرحمن نقل شده که «او دیده است که ابن عمر دست خود را به محل نشستن پیامبر صلی الله علیه و آله بر منبر، قرار می داد، سپس آن را بر صورت خود می کشید. (۵) ب. تبرک صحابه و تابعین به آثار پیامبر صلی الله علیه و آله: ۱. بخاری در صحیح بابی را به این مضمون ذکر کرده است: «آنچه از زره، عصا، شمشـیر، ظرف، انگشتر، مو، کفش و ... از چیزهایی که صحابه و دیگران به آنها بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله تبرک می جسـتند». (۶) ۲. از علی بن ابی طالب علیه السـلام نقل شده که «چون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دفن شد، فاطمه آمد و

۱- صحیح البخاری، ج ۶، ص ۲۱۸؛ کتاب التفسیر، تفسیر سوره احزاب.

۲- تحنیک، عبارت است از اولین خوردنی که به طفل می خورانند از تربت یا چیز دیگری.

۳- مسند احمد، ج ۷، ص ۳۰۳، ح ۲۵۲۴۳.

۴- صحیح البخاری، ج ۷، ص ۲۳۸، ح ۷۷.

۵- وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۴۰۴.

۶- صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۸۴. «باب من ذکر من درع النبی صـلی الله علیه و آله وعصاه وسـیفه وقدمه وخاتمه وما استعمل الخلفاء بعده ...».

مقابل قبر ایستاد و مشتی از خاک قبر را گرفت و بر چشمانش نهاد و گریه کرد». (۱) ۳. عبداللَّه بن احمد بن حنبل می گوید: از پدرم درباره مردی پرسیدم که منبر پیامبر خدا را مسّ می کند و از آن تبرک می جوید و آن را می بوسد و با قبر نیز همین گونه رفتار می کند و این کارها را به امید ثواب خدا انجام می دهد. گفت: اشکالی ندارد. (۲) از مجموع این احادیث، روشن می شود که تبرک جویی از آثار انبیا و اولیای خدا در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و صحابه و تابعین، امر معمول و مرسومی بوده و هرگز پیامبر صلی الله علیه و آله و اصحاب از آن، نهی نکرده اند و این یک نوع تکریم و تعظیم و احترام نسبت به آنان بوده است.

در واقع هدف اصلی ما در این قسمت از نوشتار این است که ثابت کنیم مسأله تبرک جستن، یک مسأله عمومی و مسلّم است. حال با توجه به آیات قرآن و احادیث و سیره صحابه، چرا یک گروه کج فکر به عنوان شرک، مانع بوسیدن دیوار مسجد یا قبر مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله می شوند؟ آنان چه دلیلی از قرآن و حدیث دارند؟ ولی الحمدللَّه ما صدها حدیث در این زمینه از کتاب های معتبر اهل سنت داریم. ای کاش به جای این که در شرکِ تبرک به بهترین افراد اهل توحید، وسوسه کنند، کمی در فکر خود تجدید نظر می کردند که شرک چیست؟

۱. ترسیدن از شیطان ها و ابرقدرت ها شرک است. (۳) ۲. خودخواهی و خودپرستی ها و پیروی از هوس ها شرک است. (۴) ۳. ایجاد تفرقه در مکتب اسلام و مسلمین شرک است. (۵)

۱- وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۴۰۵. عن علی علیه السلام: «لما رمس رسول اللَّه صلی الله علیه و آله جائت فاطمه فوقفت علی قبره وأخذت قبضه من تراب القبر ووضعت علی عینیها وبکت».

۲- همان. «سألت ابی عن الرجل یمسّ منبر رسول اللَّه صلی الله علیه و آله ویتبرّک بمسه ویقبله ویفعل بالقبر مثل ذلک رجاء ثواب اللَّه تعالی. قال: لا بأس به».

۳- سوره انعام، آیه ۱۲۱. «وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ»؛ اگر از شیطان ها فرمانبری کنید، حتماً مشرک هستید.

۴- سوره جاثیه، آیه ۲۳. «أَفَرَءَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلهَهُ هَوَلهُ ...».

۵- سوره روم، آیات ۳۲ و ۳۱. «وَ لَاتَكُونُواْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُواْ دِينَهُمْ ...».

پس با توجه به مطالب یاد شده، در می یابیم که اساس بوسیدن قبر و ضریح و در و دیوار مشاهد مشرفه را محبوبیت و دوستی صاحب قبر و تبرک جستن به چیزی که مربوط به اولیای الهی را تشکیل می دهد و بر خلاف آنچه توهم شده، پرستش صاحب قبر نبوده و شرک نیست.

آری! به همین دلیل است که مسلمانان و شیعیان چون عشق و علاقه زیادی به اولیای الهی دارند و دسترسی به شخص آنها ندارند، قبر و ضریح و در و دیوار و بالأخره هر چه را متعلق به آن است می بوسند.

تأثیرات زیارت

روح زیارت، ارتباط و اتصال زایر با مزور است و این ارتباط زنده، مؤثر و حیاتبخش است. اکنون باید دید برقراری این رابطه، چه پیامدهایی دارد و آثار و لوازم آن چیست؟ تنها راه ارتباط و باب ملاقات با خداوند متعال، اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام هستند: «اللهمّ إنّی لا أجد سبیلا إلیک سواهم»؛ (۱) بارالها جز راه اهل بیت طریقی به سوی تو نمی یابم. همچنین برای تحصیل آمادگی در محضر ربوبی و تشرف به حرم الهی، تنها راه اهل بیتند که باب ارتباط الهی هستند.

توجه و تذکر مدام به این نکته مهم و باور ایمانی موجب می شود که زایر همه اعمال و گفتارها را بر مبنای این اعتقاد پایه ریزی کند و شخصیت مزور یعنی اهل بیت علیهم السلام را زنده و دارای همه آثار و توابع حیاتی بداند و دقیقاً همه رفتاری که در حال حیات و حضور آنان، مناسب است انجام شود، عیناً در حال غیبت و ممات ظاهری انجام دهد. (۲) پس با توجه به حقیقت مطالب بالا ـ می توان به خوبی دریافت که آنچه راه وصول به جلوه ها و مظاهر الهی و در پرتو آن، قرب به حق و توحید را تأمین می کند، تنها همین طریق اهل بیت علیهم السلام است و بدون این طریق راهی نیست و هیچ کمال انسانی و الهی

۱- بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۶۲.

۲- فلسفه زیارت و آیین آن، ص ۴۱.

جز از این راه حاصل نمی شود: «فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقّ إِلَّا الضَّللُ»؛ (۱)

پس بعد از حق، چیزی جز گمراهی نیست.

زیارت، تفسیر این ارتباط و تبیین آن اتصال است. همان طور که ایجاد و تحکیم این رابطه، موجب خردمندی در دنیاست: «إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُوْلُواْ الْأَلْبٰبِ»، (۲)

سبب نیکبختی در آخرت نیز هست. «لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ».

بنابر این زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام، آثاری را به دنبال دارد که اعم از آثار دنیوی و اخروی است. گر چه بیان کردن آن همه عظمت از آثار زیارت، کاری بس عظیم و دشوار است و از عهده این نوشتار خارج است؛ اما با همه اینها با عنایت و الطاف الهی برای تبرک، به چندی از آنها اشاره می کنیم.

حضور در کنار قبور اولیای الهی و بندگان صالح خداوند متعال، انسان را به یاد ارزش ها و اصالت ها و فضیلت ها و تعلیماتی می اندازد که این بندگان شایسته الهی، همواره منادی آن بوده اند.

۱. ادای حقوق اولیای الهی: بی تردید اولیای الهی که با رنج و زحمت فراوان و همچنین با خون هایی که نثار مکتب اسلام کردند، حقوقی خاص بر گردن ما(که خود را پیروان و دوستان ایشان می خوانیم) دارند که بخشی از این حقوق، مقتضی زیارت ایشان بعد از فوتشان است. چنانچه امام رضا علیه السلام می فرمایند: «همانا برای هر امامی، عهدی بر گردن اولیا و دوستان اوست و از تمام وفای به عهد و حسن ادای آن، زیارت قبور آنهاست. (۳) ۲. دعا برای اولیای الهی: این سلوک، یکی از روش های بلند اخلاقی است که بر حفظ کرامت اولیای الهی، حتی بعد از وفاتش دلالت دارد. علاوه بر آن روحیه محبت، دوستی و ادای حقوق آنها را نیز زنده می کند. چنانچه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: شما را از زیارت

۱- سوره یونس، آیه ۳۲.

۲- سوره رعد، آیه ۱۹.

۳- تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۷۹ و ۷۸، ح ۳.

قبور نهی کردم، ولی بعد از این، قبرها را زیارت کنید و برای آنها دعا و استغفار نمایید. (۱) ۳. زیارت اولیای الهی یعنی ارزیابی: «در زیارت همین که انسان در برابر کامل قرار گرفت و خود را با آن بزرگواران که به حق میزان انسانیت هستند، مقایسه کرده، متوجه فاصله ها می شود آنها کجا بودند و ما کجا هستیم». (۲) این جاست که احساس شرمندگی کرده و سعی بر آن داریم که این فاصله ها را به وسیله تقرب به ذات احدیت و اولیای الهی، کم تر نماییم تا بتوانیم خود را در طریق آنها قرار داده و آنها را در سر لوحه کردار و رفتار در زندگی خویش قرار دهیم. از این رو است که در زیارتنامه ها می خوانیم و از خدا می خواهیم که ما را در زمره آنها قرار دهد.

۴. هشدار به ستمگران: در واقع ستمگران تاریخ، با ریختن خون اولیای الهی و زندانی و تبعید کردن آنها، می خواستند آن بزرگواران را به دستِ فراموشی بسپارند و حضور پر شور و هر چه بهتر مردم بر مزار ایشان، مُشت محکمی است بر دهان ستمگران، عکس العملی است تا خیال نشود با شهید کردن می توان فکر و هدف آنان را هم محو نمود. در زیارتنامه ها بر ستمگران تاریخ، انواع نفرین ها و لعنت ها شده است و به همین دلیل بود که سال ها از رفتن به کربلا جلوگیری می شد. چون کربلا- جغرافی نیست؛ تاریخ نیست؛ شهر نیست؛ کتابخانه نیست؛ زمین نیست. زمینه است؛ مکتب است؛ اندیشه است؛ حزب است. این شهر جماد نیست؛ بلکه پیام است.

مسافرت به کربلا- مبارزه با طاغوت است؛ و زیارتنامه ها، قطعنامه و مرامنامه است؛ اشک ها تیرهاست؛ ناله ها، فریادهاست. (۳) ۵. یاد مرگ و آخرت: یکی دیگر از آثار تربیتی زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام که بالتبع مهم ترین اثر زیارتی به شمار می رود، یادآوری عالم آخرت است. زیرا زیارت قبور پرده های غفلت را کنار زده و به انسان فرصت می دهد که درباره مرگ و عالم آخرت

۱- المعجم الکبیر، ج ۲، ص ۹۴، ح ۱۴۱۹؛ مجمع الزوائد، ج ۳، ص ۵۸.

۲- روزنامه اطلاعات، سال ۱۳۷۰، ص ۳، مورخ ۲۲ خرداد.

۳- همان.

بیندیشد و روز قیامت را به یاد آورد.

یادآوری عالم آخرت و روز جزا، در تقویت ایمان و عمل به دستورات الهی و دوری از گناهان، انگیزه بسیار نیرومندی است و انبیا و اولیا همیشه با یاد آخرت زندگی می کردند. چنانچه خداوند در قرآن کریم از ابراهیم و اسحاق و یعقوب- سه تن از پیامبران عالی قدر- نام می برد و در مقام تعریف از آنها می فرماید: «وَ اذْكُرْ عِبَدَنَآ إِبْرَ هِيمَ وَ إِسْحَقَ وَيَعْقُوبَ أُوْلِي الْأَيْدِى وَ الْأَبْصرِ* إِنَّآ أَخْلَصْنَهُم بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ»؛ (۱)

به یادآور بندگان خاص ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را که صاحبان دست ها و دیده ها بودند. ما آنها را به این ویژگی مخصوص شان کردیم که آخرت را یاد می کردند.

چنانچه احادیث متعددی از پیامبر صلی الله علیه و آله در این مورد نقل شده است که همه بیانگر اهمیت این مسأله است؛ زیرا انسان را به یاد آخرت می اندازد و باعث عبرت آموزی است. در این جا به یک نمونه از آنها اشاره می کنیم: انس می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«کنت نهیتم عن زیاره القبور ألاـ فزوروها فإنّها ترقّ القلب وتدمع العین وتذکّر الآخره ولا تقولوا هجراً»؛ (۲) شما را از زیارت قبور، نهی کرده بودم؛ از این پس قبرها را زیارت کنید که قلب را نرم و چشم را گریان می کند و آخرت را به یاد شما می آورد. اما در آن جا سخن بیهوده نگویید.

لذا به خاطر همین آثار تربیتی و معنوی است که از نظر اسلام، زیارت قبور یکی از مستحبات به شمار آمده و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به آن دستور داده است و خود، به زیارت قبور می رفت و آداب زیارت و کیفیت سلام دادن به اموات را به اصحاب خود تعلیم می کرد.

نتیجه

اسلام به عنوان یک مکتب جامع و مترقی، در طریق پیشبرد اهداف و ایجاد زمینه تلاش و سازندگی، برنامه های مختلفی را منظور داشته که از هر جهت، سازنده و

۱- سوره ص، آیه ۴۵- ۴۶.

۲- کنز العمال، ج ۱۵، ص ۶۴۶؛ سنن الترمذی، ج ۳، ص ۳۷۰.

آموزنده است. زیرا اسلام به اهداف عالی که همان رسیدن به مقصد اصلی یعنی کمال می باشد، ارزش بس والایی قایل است و لذا باید زمینه حرکت و جنبش و مسیر به سوی مقصد، بر اساس این برنامه های مورد نظر باشد.

در این رهگذر، زیارت یکی از برنامه های مهم و مورد نظر اسلام است که خود، یک شاخصه مهم در بحث برنامه عبادی و سیاسی آن، به شمار می رود.

بی شک مسلمانان که ایدئولوژی اسلامی را پذیرفته اند، زیارت به عنوان محور اصلی در بین برنامه های مختلف و متنوع اسلام باور داشته و به این مسأله مهم پافشاری می نمایند. به خصوص زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام که همواره جایگاه ویژه ای در بین مسلمانان، خاصه شیعیان باز کرده است. این خود می تواند ریسمان محکم و مطمئنی باشد برای رسیدن به قله کمال بندگی. این ریسمان محکم را باید به عنوان وسیله محکم و مطمئنی به چنگ گرفته تا به صعودی موفقیت آمیز همراه با دلی آرام و قلبی مطمئن دست پیدا کنیم و این خود دست نایافتنی است مگر با تمسک به این ریسمان الهی. (۱) به دنبال همین مسأه، اهداف و فلسفه زیارت را در این طریق مهم اشاره کردیم و بعد مشروعیت زیارت قبور را از نظر ادله شرعی به اثبات رسانیدیم که مبحث زیارت، هم در آیات قرآن به طور غیر مستقیم و در روایات و سیره صحابه نیز جایگاه خاصی داشته و دارد.

سپس دیدگاه وهابیان را که به طور عموم زیارت قبور را حرام می دانند، مورد نظر قرار داده و به برخی فتاوای آنها اشاره شد و دلایل آنها از این فتاوا و در کل عقایدشان نیز مورد اشاره قرار گرفت. آن گاه به بررسی فتاوا و همچنین عقاید آنها پرداخته شد.

چنانچه از نظر گذشت، وهابیان زیارت قبور را حتی زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام را مورد اشکال قرار داده و بر این دیدگاه خود، به آیات و همچنین برخی احادیث رجوع کرده تا این مطلب خود را به اثبات برسانند. تمسک آنها در این مورد به این مطلب

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۰۳. «وَاعْتَصِمُواْ بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا».

است که می گویند: انبیا و اولیای الهی، بعد از مرگ، هیچ اراده و احاطه ای بر این دنیا نداشته و زندگی بعد از مرگ شان مانند دوران حیات شان نیست و با رفتن از این دنیا ارتباطشان کاملًا با اهل دنیا قطع می شود. آنها همچنین سفر به سوی زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام را حرام دانسته و فردی را که چنین کاری انجام دهد، مشرک می دانند. ما به دنبال این فتاوا، با استناد به آیات قرآن و احادیث اهل سنت و سیره صحابه به اثبات جواز و استحباب زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام پرداختیم. اشکال دیگر آنها، ساختن بنا و گنبد و ضریح بر روی قبور اهل بیت علیهم السلام می باشد که ما به این اشکالات نیز پاسخ داده و بلکه فتاوای آنها را مورد ایراد قرار دادیم.

آنها می گویند: «نماز و دعا نزد قبور اهل بیت علیهم السلام شرک است» که ما در بررسی این نظریه، به چندی از آیات قرآن و روایات در سیره مسلمین استناد کرده و جواز این مطلب را به اثبات رسانیدیم. باز اشکال دیگری که آنها مورد توجه قرار داده و روی این اشکال پافشاری کرده اند. «تبرک و استشفا» به آثار اهل بیت علیهم السلام می باشد که در این خصوص فتاوایی داده و از این طریق به اثبات عقایدشان پرداخته اند. در باب بررسی فتاوای آنها و اثبات جواز تبرک به آثار اولیای الهی، نه تنها به آیات و روایات مراجعه کردیم؛ بلکه تبرک را در سیره صحابه، هم در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و همچنین بعد از ممات ایشان مورد توجه قرار داده و حتی استحباب این امر را به اثبات رسانیدیم.

و در آخر، چشم اندازی داشتیم به تأثیرات بسیار زیبا و روح افزای زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام که به طور اجمالی آنها را مورد نظر قرار داده و به پایان رسانیدیم.

توصیه و پیشنهاد

شایان ذکر است با تمام اهمیت این مسأله و تأثیرات زیادی که زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام بر روی روح و روان انسان می گذارد و صیقل بخش روحیات و افکار زنگار گرفته انسان می باشد، اما با این حال می بینیم که بعضی از مسائل که باید در زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام مورد نظر و دقت باشد، به باب کم توجهی و یا اصلًا فراموشی و

غفلت سپرده می شود. گر چه استحباب زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام، برای ما امری ثابت شده می باشد و همچنین تأثیرات تربیتی آن را مهم و زندگی ساز می دانیم. اما با توجه به مسائل مهمی که باید در نظر گرفته شود، ولی همواره مورد غفلت قرار می گیرد و مطمئناً ثمرات بهره هایی که باید از زیارت به دست آید، حاصل نمی گردد.

چه خوب است در باب این مسأله مهم هم، زایران قبور اهل بیت علیهم السلام به تمام ضوابط و قوانین اسلامی اهمیت داده و آن را ملاک و مبنای واقعی در سر لوحه زیارت قرار دهند. به طور مثال، گاهی اوقات مشاهده می شود که بعضی از واجبات، فدای مستحبات می گردد و در نتیجه بعضی از امور واجب، کم کم جای خود را به مستحبات داده و اهمیت اعمال و مسائل واجب مورد سؤال قرار می گیرد. که این خود از جمله نکات و قوانین شرعی مهم است و باید بهتر و بیشتر مورد توجه زایران قرار گیرد.

یکی از نمونه های شایان توجه که ذکرش بسیار حایز اهمیت است، رعایت ضوابط و اخلاق اسلامی در زیارتگاه هاست. اهمیت رعایت این مسأله تا بدان جا است که در باب زیارات، آدابی را برای ما بر شمرده اند تا با رعایت آن آداب، زیارتی مملو از صفا و صمیمیت، عشق، اخلاص و در نتیجه پربار داشته باشیم. گر چه در جهت رعایت ضوابط اسلامی اقداماتی صورت گرفته است، اما هنوز این مسأله به طور کامل در همه جا پیاده نشده و در نتیجه، آن تأثیرات لازمه ای که باید از زیارت به دست آید، حاصل نمی گردد.

جدا شدن محیط زن و مرد در زیارتگاه ها و رعایت پوشش اسلامی زنان و پوشاندن زینت ها و خودداری کردن از سر و صداها که بعضاً حرام و بعضاً مکروه است و رعایت سایر جهات شرعی و اخلاقی، از جمله مسائل مهمی است که باید هم مسئولین و هم افراد جامعه اسلامی دست به دست هم بکوشند که کاملًا ضوابط اسلامی در همه جای اجتماع، به ویژه در مزارها و زیارتگاه ها خاصه زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام رعایت گردد و در این جهت، با امر به معروف و نهی از منکر و دعوت همدیگر به خیر و توصیه یکدیگر به حق، اجتماعی اسلامی به وجود آورند.

فهرست منابع

۱. آیین وهابیت، جعفر سبحانی، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲. احیاء العلوم، محمد بن محمد الغزالی، بیروت، دار القلم.

۳. اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ابی الحسن علی بن محمد الجزری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۷ ق/ ۱۹۹۶ م.

۴. انوار التنزیل، حاشیه محیی الدّین شیخ زاده علی تفسیر القاضی البیضاوی، بیروت، دار الکتب العلمیه.

۵. ایده ها، عقیده ها، سید محمد شفیعی، بنیاد معارف اسلامی، چاپ عترت، ۱۳۷۹.

۶. بحار الانوار، علامه محمد باقر مجلسی، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق.

۷. بررسی کوتاه پیرامون زیارت، سید محمد حسینی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۴.

۸. بزرگداشت اولیاء خدا، یعقوب جعفری، نشر مشعر، چاپ اول، ۱۳۷۲.

۹. تاریخ بغداد، ابوبکر احمد بن علی الخطیب البغدادی، بیروت، دار الکتاب العربی.

۱۰. تاریخ نجد آلوسی، سید محمود آلوسی، مصر، بی نا، ۱۳۴۷ ق.

۱۱. تذکره الحفاظ، ابو عبداللّه شمس الدین محمد الذهبی، بیروت، دار الکتب العلمیه.

۱۲. تفسیر کشّاف، محمود بن عمر زمخشری، بیروت، دار الکتاب العربی، ۱۳۶۶.

۱۳. تهذیب الاحکام، شیخ ابی جعفر محمد الحسن الطوسی، چاپخانه خورشید، دار الکتب الاسلامی، ۱۳۶۵.

۱۴. تهذیب التهذیب، احمد بن علی، ابن حجر العسقلانی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۴ ق.

۱۵. تهذیب تاریخ دمشق، علی بن الحسن المعروف بابن عساکر، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۰۷ ق.

۱۶. چرا؟ چرا؟ پرسش و پاسخ در مدینه منوره، علی عطایی اصفهانی، ویراستار: محمد فرقانی، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ۱۳۸۳.

۱۷. الخصائص الکبری، ابی الفضل جلال الدین عبد الرحمن ابی بکر السیوطی، بی جا، دار الکتب العربی.

۱۸. خصال، ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بابویه قمی(صدوق)، تصحیح و تعلیق:

علی اکبر غفاری، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۶ ق.

۱۹. الرد علی الافنائی، احمد بن عبد الحلیم الحرّانی(ابن تیمیه)، مصر، مطبعه السلفیه.

۲۰. الروح، شمس الدین ابی عبداللّٰه بن قیم الجوزیّه، بیروت، مکتبه التربیه.

۲۱. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، لابن الفضل شهاب الدین محمود الاوسی البغداد، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۴ ق/ ۱۹۸۵ م.

۲۲. زاد المعاد فی هدی خیر العباد، محمد بن ابی بکر معروف به ابن قیم جوزیه، بیروت، دار التراث لاحیاء العربی.

۲۳. زیارت، جواد محدثی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۲۴. سنن ابی داود، سلیمان بن الاشعث السجستانی، بیروت، دار الکتب العربی.

۲۵. السنن الکبری، ابوبکر احمد بن الحسین البیهقی، افست، بیروت، دار المعرفه.

۲۶. سنن النسائی، ابو عبدالرحمن نسائی، بشرح الحافظ جلال الدین السیوطی، قاهره، دار الحدیث، ۱۴۰۷ ق/ ۱۹۸۷ م.

۲۷. سنن الترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی الترمذی، تحقیق: احمد بن شاکر، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۲۸. سنن الدارمی، عبداللّٰه بن عبدالرحمن الدارمی السمرقندی، القاهره، دار الحدیث، ۱۴۲۰ ق/ ۲۰۰۰ م.

۲۹. شلتوت الفتاوی، محمود شلتوت، دار الشروق، الطبعه الثانیه عشره، ۱۴۰۳ ق/ ۱۹۸۳ م.

۳۰. شیعه شناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، نشر مشعر، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۳۱. صحیح ابن ماجه، ابو عبداللّٰه محمد یزید قزوینی معروف به ابن ماجه.

۳۲. صحیح البخاری بشرح الکرمانی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۱ ق/ ۱۹۸۱ م.

۳۳. صحیح مسلم، مسلم بن الحجاج نیشابوری، بیروت، دار أحیاء التراث العربی.

۳۴. غرر الحکم ودرر الکلم، سید حسین شیخ الاسلامی، انصاریان، قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۶.

۳۵. الفتاوی الکبری، تقی الدین ابن تیمیه، بیروت، دار الکتب العلمیه.

۳۶. فرهنگ فارسی معین، دکتر محمد معین، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۰.

۳۷. فلسفه زیارت و آیین آن، مرتضی جوادی، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۳.

۳۸. کتاب التوحید، محمد بن عبد الوهاب، بی جا، الدار العلمیه الکتاب الاسلامی، ۱۹۹۲ م- ۱۴۱۳ ق.

۳۹. کتاب المصنّف فی الاحادیث والآثار، ابی بکر عبداللّٰه بن محمد بن ابی شیبه الکونی، بیروت، دار الکتب العلمیه.

۴۰. کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، علی المتقی بن حسام الدین الهندی، بیروت، مؤسسه الرساله، الطبعه الخامسه، ۱۴۰۵ ق/ ۱۹۸۵ م.

۴۱. مجمع البحرین، فخر الدین طریحی، تحقیق: احمد حسینی، بنیاد بعثت، قم، ۱۴۱۴ ق.

۴۲. مجمع الزوائد ومنهج الفوائد، نور الدین علی بن ابی بکر الهیثمی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق/ ۱۹۹۸ م.

۴۳. مجموع فتاوای، عبدالعزیز بن عبداللّٰه ابن بارز، دار الوطن، المطبعه الاولی، ۱۴۱۶ ق.

۴۴. المستدرک علی الصحیحین، ابوعبداللّٰه محمد حاکم نیشابوری، بیروت، دار المعرفه.

۴۵. المسند، احمد بن حنبل، افست، بیروت، دار الفکر.

۴۶. المعجم الکبیر، ابی القاسم سلیمان احمد الطبرانی، طبع شرکه معمل ومطبعه الزهر الحدیثه المحدوده.

۴۷. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی(م ۱۳۵۹ ق).

۴۸. مفردات، حسین محمد راغب اصفهانی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۳ ق.

۴۹. من لا یحضر الفقیه، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بابویه قمی(صدوق) منشورات جماعه الدین فی الحوزه العلمیه فی قم المدرسه.

۵۰. منهاج السّنه النبویه، تقی الدین احمد بن محمد بن عبد الحلیم الشهیر بابن تیمیه الحرّانی، بیروت، دار الکتب العلمیه.

۵۱. میزان الاعتدال، ابو عبداللَّه شمس الدین محمد الذهبی، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۸۲ ق.

۵۲. نقد و تحلیلی بر وهابیگری، همایون همّتی، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۷.

۵۳. نقدی بر اندیشه وهابیان، سید حسین موسوی قزوینی، ترجمه حسن طارمی، چاپ اول، ۱۳۶۶.

۵۴. نیل الاوطار من اسرار منتقی الأخبار، محمد بن علی بن محمد الشوکانی، بیروت، دار الکتب الطیب.

۵۵. وسائل الشیعه، محمد بن حسن حرّ العاملی، تحقیق: مؤسسه آل البیت، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۴ ق.

۵۶. وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی، نور الدین علی بن احمد سمهودی، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

۵۷. وهابیان، علی اصغر فقیهی، چاپ چهارم، ۱۳۷۷.

۵. زیارت قبور از دیدگاه فقه تطبیقی

چکیده

دکتر محمدرضا بندرچی (۱)

موضوع زیـارت قبور ائمه اطهار علیهم السـلام و صالحان و مؤمنان، از جمله موضوعاتی است که همواره مورد بحث و گفت و گو بین مذاهب اسـلامی، به ویژه فرقه وهابیت بوده است. در بین اندیشـمندان مذاهب اهل سـنت فقط علمای حجاز هسـتند که چون تعالیم مـذهبی آنها مبتنی بر عقایـد فرقه وهابیت می باشـد، از این رو هم ابنیه قبور مؤمنان را جایز نمی دانند و هم زیارت مراقد آنان را حرام و بدعت می شـمردند. در میان مذاهب اسلامی، عالمان و فقیهان مذهب تشیع که آموزه های خود را مبتنی بر کتـاب و سـنت و عترت می داننـد، بـا اتکـا به نصوص بسـیاری که در این زمینه وجود دارد، هم احـداث بنا بر قبور امامان و صلحا و مؤمنین و هم زیارت آنها را جایز و بلکه مسـتحب دانسـته و موجب ثواب می شـمارند. مقاله حاضـر عهده دار بررسـی دیدگاه های مذاهب اربعه در مورد زیارت قبور مردان و زنان است.

کلیدواژه ها: زیارت قبور، مذاهب اربعه، وهابیت، اهل سنت.

مقدّمه

یکی از مسایلی که گفت وگوهای بسـیاری بین مـذاهب اسـلامی، خصوصاً پیروان سایر فرق با طرفـداران طریقه وهابیت ایجاد کرده و در قرون اخیر منشأ فتنه هایی شده است، موضوع زیارت قبور امامان و صلحا به طریقی که در فقه شیعه است می باشد.

۱- استادیار دانشگاه.

طریقه امامیه که آموزه های خود را مبتنی بر کتاب و سنّت و عترت می دانـد، بـا اتکا به نصوص فراوانی که وجود دارد، هم احـداث بنا بر قبور امامان و اهل بیت را جایز، بلکه مستحب می دانـد و هم زیارت آنها را برای همه مسلمانان موجب ثواب و برکت دنیا و آخرت می شمارد. پیروان سایر مـذاهب اسـلامی، اگرچه به شـیوه امامیه معتقد نیستند، اما در عین حال به اتکای روایات نبوی صـلی الله علیه و آله رویه امامیه را حرام نمی دانند، بلکه خود نیز زیارت قبور را جایز و در بعضـی موارد مستحب می شمارند.

نمونه آن احداث بناهای مهم زیارتی در کشورهای اسلامی سنّی نشین مثل سوریه، اردن، مصر، ترکیه، پاکستان، افغانستان و غیره است که نه تنها از طرف علمای آن بلاد مورد انکار قرار نمی گیرد، بلکه زیارت آنها نیز تخطئه نشده است. و فقط علمای حجاز که آموزه های آنان مبتنی بر عقایـد وهابیت است، هم بنای قبور را جایز نمی شـمرند و هم زیارت آنها به کیفیت شیعی را حرام می داننـد. در مقاله پیش رو، سعی داریم با بررسی نظرات و اقوال مـذاهب اربعه سنّی و علمای آنها در مورد زیارت قبور، اثبات کنیم که اقدامات علمای وهّابی با آموزه های اهل سنت نیز مغایرت دارد و رفتارهای شیعیان در زیارت مقابر ائمه اطهار و اهل بیت آنان امری جایز است و با آموزه های دینی مغایرتی ندارد.

طرح بحث

با دقت در روایاتی که اهل سنّت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مجامع حدیثی خود نقل کرده اند، برمی آید که زیارت قبـور مسـلمانان و طلب آمرزش برای آنـان در زمـان رسـول اللَّه صـلی الله علیه و آله امری رایـج بـوده است و نه تنهـا خـود آن بزرگوار اقدام به زیارت مقابر می نموده است، بلکه دیگر مسلمانان و پیروان خود را نیز بدین کار ترغیب می کرده است.

لازم به تذکر است که در ابتدای طلوع خورشید اسلام و بعثت مبارک نبی مکرّم صلی الله علیه و آله به علّت این که شبه جزیره عربستان، خصوصاً مکّه غرق در شرک و کفر و جاهلیت بود و مردم علی رغم شنیدن ندای توحید، به عادت گذشتگان سیر می کردند و رویه

تفاخر به مردگان از روش های مرسوم بود، به حدّی که سوره «أَلْهَلكُمُ التَّكَاثُرُ» در نفی این گونه عادات ناپسند نازل شد، لازم بود که مقام معظّم نبوی صلی الله علیه و آله برای مدّتی محدود مردم را از پرداختن به تکریم مردگان، به گونه ای که در بین اعراب جاهلی مرسوم بود بازدارد و آنان را به گرایش به تعالیم عالیه اسلام که مبتنی بر عدم بقای احدی جز ذات باری تعالی بود تشویق کند، تا آخرین پس مانده های شرک و کفر نیز در قلب های آنان بخشکد و برای کسی جز ذات احدیت اصالت قایل نشوند.

یکی از دانشوران سنّی مذهب ضمن تأیید مطالب مزبور، می نویسد: ابن عباس علت این نهی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را آن می داند که توحید در قلب های کفرزده آنان ریشه دوانده و بنای شرک از زمین دل آنان برافتد، ولی پس از این که این مصلحت حاصل شد و مردم به توحید و یگانه پرستی موفق شدند، زیارت قبور مسلمانان صالح جایز دانسته شد، چرا که باعث می شد مردم در ایمان خود پایدارتر شوند و با یاد بندگان صالح، ایمانی محکم تر یابند و بقای واقعی را در آخرت بدانند. پس نهی آن بنا بر مصلحتی و امر به آن هم مبتنی بر مصلحتی دیگر بوده است. (۱) بدین ترتیب است که بنابر نقل مجامع روایی اهل سنت در روایتی که صحیحه محسوب می شود، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرموده است:

«نَهَیتُکُم عَن زیاره القُبُور فَزُوروها فإنّ فی زِیارَتِها تذکره ...». (۲)

قبلًا شما را از زیارت قبرها نهی می کردم، اما از این پس می توانید آنها را زیارت کنید که در آن یادکرد است.

این روایت که بنابر سند مذکور آن در صحیح مسلم، از نظر علم حدیث مکتب اهل سنّت، مستندی محکم دارد، باعث شده است که اکثر دانشوران سنّی مذهب بدان استناد کرده و عمل نمایند و حتی گروهی از آنها حکم به استحباب زیارت قبور را نیز

۱- معالم السنن فی شرح مختصر سنن ابی داود، ج ۴، ص ۳۹۴.
۲- صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۷۲، کتاب الجنائز؛ سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۶۱، کتاب الجنائز؛ سنن ابی داود، ج ۳، ص ۲۱۸؛ شرح السنّه، ج ۵، ص ۴۶۲ و ۴۶۳؛ مشکاه المصابیح، ج ۱، ص ۵۵۲؛ مرقاه المفاتیح، ج ۴، ص ۲۴۲.

استفاده کرده اند. (۱) از این بالاتر، این است که عده ای از علمای آنان نیز حکم به وجوب زیارت داده اند. (۲) گذشته از این روایت، احادیث دیگری نیز ذکر شده است که در آنها رسول اکرم صلی الله علیه و آله امّت را به زیارت مرقد خود تشویق کرده است و یا این که نحوه تشرّف به قبرستان بقیع را بدانان آموزش داده است. در کتب مهم روایی اهل سنت، حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود:

«مَن زارَ قبری وَجَبَت لَهُ شَفاعَتی». (۳)

هر کس مزار مرا زیارت کند، واجب است که من از او شفاعت کنم.

بر این اساس علمایی مهم مثل ابن قدامه مقدسی که از اعاظم دانشمندان حنبلی مذهب است، ضمن نقل این روایت از سنن دارقطنی به استحباب زیارت قبر آن حضرت فتوا داده اند؛ علاوه بر آن روایتی نیز در صحاح آمده که متن آن چنین است:

«انّ النّبی صلی الله علیه و آله زار قبر امّه فی ألف مقنع یوم الفتح، فما روی باکیاً أکثر من ذلک الیوم». (۴)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز جنگ فتح، قبر مادرشان را در محلّ الف مقنع زیارت کرد، به طوری که گفته اند: کسی ایشان را تا آن روز این قدر گریان ندیده بود.

در روایت دیگری که مالک، مسلم، احمد بن حنبل و نسایی در کتاب های روایی خود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده اند، آمده است که آن حضرت به عایشه چنین تعلیم داد که هرگاه خواستی برای اهل قبور درخواست مغفرت کنی بگو: «السلام علی دیار من المؤمنین و المسلمین ...». (۵)

۱- مرقه المصابیح، ج ۴، ص ۲۴۸ و ۲۴۹.

۲- همان.

۳- سنن دار قطنی، ج ۲، ص ۲۷۸، ح ۱۹؛ کنزالعمال، ج ۱۵، ص ۶۵۱، ح ۴۲۵۸۲؛ الدرّ المنثور، ج ۱، ص ۲۳۷؛ المغنی والشرح الکبیر، ج ۳، ص ۵۹۹، ح ۲۷۴۸.

۴- صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۷۱؛ سنن ابی داود، ج ۳، ص ۲۱۸؛ سنن نسائی، ج ۴، ص ۹۰؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۰۱؛ سنن بیهقی، ص ۷۷.

۵- موطأ، ج ۱، ص ۲۸- ۳۰؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۷۱، ح ۹۷۴؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۳۰۰ و ۳۷۵ و ۴۰۸ و ج ۶، ص ۷۱- ۷۶؛ سنن ابی داود، ج ۳، ص ۲۱۹؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۹۴.

بررسی اقوال علمای مذاهب

الف. حنبلی ها

می دانیم که پیروان مذهب احمد بن حنبل از اکثریت عددی برخوردار نیستند، ولی مهم آن است که بیشتر مسلمانان عربستان و فرقه وهابیت در فروع فقهی از این فقیه پیروی می کنند، لذا بررسی اقوال علمای حنبلی مذهب در زمینه زیارت قبور، اهمیت خاصی دارد.

«ابن قُدامه مقدسی» که دانشوری بسیار مشهور است و به گفته ذهبی کتابی در فقه اهل سنت به جامعیت المغنی وی نگارش نیافته، در مورد زیارت می گوید: «زیارت قبور برای مردان بنابر نصّ صحیح «کنت نهیتکم عن زیاره القبور فزوروها ...» مباح است و مخالفی هم برای آن دیده نشده است و نیز اهدای ثواب به ارواح مردگان که نصوص فراوانی دلالت بر جواز آن دارد، بلااشکال است». (۱) وی درباره جواز زیارت قبرها برای زنان نیز می نویسد: از احمد بن حنبل در این باره فتاوی گوناگونی نقل شده است، ولی مسلماً می توان گفت که ابتدائاً با توجه به روایت «لعن اللّه زوّارات القبور» زنان از آن نهی شده اند، اما بعداً با صدور روایت نبوی با کلام «فزوروها» که عام است و بر زن و مرد شمول دارد، باید گفت که آن نهی قبلی نسخ شده است. (۲) وی در ادامه به روایت دیگری نیز اشاره می کند که طی آن «ابن ابی ملیکه» از عایشه می پرسد: ای امّ المؤمنین از کجا می آیی؛ وی پاسخ می دهد: از سر قبر برادرم عبدالرحمن برمی گردم. سائل می گوید: به وی گفتم: مگر رسول خدا صلی الله علیه و آله از زیارت قبور نهی نکرده است؟ وی پاسخ داد: آری؛ ایشان قبلًا نهی کرده بود، اما بعداً امر به آن فرمود.

ترمذی نیز در صحیح خود آورده است که عایشه قبر برادرش را زیارت می کرد و نیز از

۱- المغنی، ابن قدامه مقدسی، ج ۲، ص ۵۶۵- ۵۷۰.

۲- همان.

وی نقل شده است که اگر برادرم را دیده بودم، دیگر قبرش را زیارت نمی کردم. (۱) و نیز او در موضع دیگری از قول احمد بن حنبل می گوید: «مسلماً زیارت قبور برای مردان مستحب است، ولی آیا می توان آن را برای زنان مکروه دانست؛ بنابر دو روایتی که در این مورد وارد شده است که طی آن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عایشه فرموده است: اگر به زیارت قبور رفتی یا گذارت از آن جا افتاد بگو: «السلام علیکم دار قوم مؤمنین» لذا نباید آن را مکروه دانست». (۲) عبدالرحمن نووی فقیه بزرگ مذهب حنبلی نیز عقیده دارد: نصوص فقهی شافعی و اصحاب وی دلالت دارد بر این که زیارت قبور برای مردان مستحب است و علمای مسلمان نیز بر همین نظرند، به طوری که ابن عبدالبرّ ادعای اجماع کرده است و دلیل خود را علاوه بر این اجماع، صحیحه مشهور نبوی می داند. اما در مورد حکم زیارت برای زنان باید گفت: صاحب المهذّب و نیز البیان عقیده دارند که ظاهر حدیث نبوی بر عدم جواز دلالت دارد، ولی این نظری غیرمشهور و شاذّ است و باید گفت: اکثر علما به کراهت آن نظر داده اند، در حالی که الرویانی در کتاب البحر دو نظر را بیان کرده است:

الف. کراهت که نظر مشهور است.

ب. جواز که از نظر من نیز این قول قابل قبول است، ولی شرطش آن است که موجب فتنه نشود. (۳) بدین ترتیب وی نیز نه تنها به کراهت زیارت قبور برای زنان نظر ندارد، بلکه صراحتاً در صورت عدم وجود فتنه و مشکل، به جواز آن فتوا می دهد.

ب. نظریه عالمان مذهب حنفی

می دانیم که پیروان مذهب حنفی از اکثریت عددی در جهان اسلام برخوردارند و مدرسه ای بزرگ همچون الازهر مروّج این اندیشه است، لذا بررسی اقوال علمای این

۱- همان.

۲- همان، ص ۴۹.

۳- المجموع فی شرح المهذب، ج ۵، ص ۳۰۹ و ۳۱۰.

مذهب از اهمیت ویژه ای برخوردار است:

یکی از منابع مهم فقه مذهب حنفی کتاب مراقی الفلاح است که شرنبلانی آن را بر اساس نظرات ابوحنیفه جمع آوری کرده است و آلوسی هم بر آن حاشیه زده و ناصرالدین البانی نیز بر آن تعلیقه دارد. در این کتاب نظر مکتب حنفی درباره زیارت قبور این گونه تشریح شده است:

زیارت قبور برای مردان و زنان جایز است و گفته شده که برای زنان حرام است، ولی بهتر آن است که بگوییم که جواز آن برای هر دو یکسان است و چه بسا قول درست آن است که برای زنان نیز همانند مردان استحباب دارد و سنّت رسول اللّه صلی الله علیه و آله آن است که زیارت به طور ایستاده انجام شود و دعا نیز ایستاده صورت گیرد و آن حضرت در هنگام خروج از قبرستان بقیع چنین دعا می کرد:

«السلام علیکم دار قوم مؤمنین و انّا ان شاء اللّه بکم لاحقون، اسأل اللّه لی و لکم العافیه» و بر اساس روایات وارده مستحب است که زایر، به قرائت سوره یاسین بپردازد. (۱)

ج. نظرات مالکیه

مذهب مالکی اگرچه پیروان زیادی ندارد، ولی در عین حال نظریه پرداز آن مالك بن انس از محدثان و فقهای بزرگ جهان اسلام است. کتاب موطّا وی که از اهمیت والایی در بین اهل سنّت برخوردار است و به همین جهت شرح های متعددی بر آن نگاشته شده است، حاوی نظرات این رهبر سنّی مذهب است که بر مبنای روایات منسوب به رسول اللّه صلی الله علیه و آله ذکر شده است. از دیدگاه علمای این مذهب زیارت قبور نه تنها جایز، بلکه مستحب است و در این زمینه اجماع علما نیز مورد پذیرش آنان می باشد.

۱- مراقی الفلاح، ص ۱۸۰. آلوسی در آیات البیّنات خود که تعلیقات شیخ ناصرالدین آلبانی را هم دارد این مطلب را از ابو حنیفه نقل کرده است و برای دیدن روایات دال بر جواز زیارت مردان و زنان بنگرید به: صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۷۱؛ سنن نسائی، ج ۴، ص ۹۴؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۹۴؛ مسند أحمد، ج ۲، ص ۳۰۰ و ۴۰۸ و ج ۶، ص ۷۱ و ۷۶؛ سنن ابی داود، ج ۳، ص ۲۱۹.

قسطانی شارح مهم صحیح بخاری، ضمن نقل اجماع ابن عبد البرّ که ما قبلًا در بررسی نظریه نووی به آن اشاره کردیم، می نویسد: همه مسلمانان بر استحباب زیارت قبور متفقند و حتّی فرقه ظاهریه آن را واجب می شمارند، لذا از عموم و خصوص روایات وارده می توان مطلوبیت آن را استنباط کرد، چرا که زیارت قبرها باعث بزرگداشت صاحبان قبرهاست و بزرگداشت رسول خدا نیز واجب است، پس زیارت ایشان هم واجب است. لذا بعضی از علما عقیده دارند که در مورد زیارت مزار رسول خدا تفاوتی بین مرد و زن نیست. (۱) از دیدگاه این دانشور می توان زیارت قبور مسلمین را هم جایز، بلکه مستحب دانست و در مورد زیارت قبر نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله باید قایل به استحباب بیشتر و حتّی وجوب آن شد.

بحثی درباره زیارت قبور برای زنان

اشاره

چنانچه در بحث قبلی به گونه گذرا اشاره کردیم، از گفته های دانشمندان سنّی و مذاهب گوناگون آن برمی آید که زیارت قبور مسلمانان برای زنان جایز است، ولی چون این امر احتیاج به بحث بیشتری دارد ذیلًا به طور مستوفی ذکر می شود:

فقهای اهل سنّت برای بیان جواز زیارت اهل قبور توسط زنان، به دلایل ذیل استناد کرده اند:

اول: روایت رسول اللَّه

دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مسلمانان برای زیارت قبور با عبارت «فزوروها» اطلاق دارد و به طوری که در علم اصول بیان شده، اطلاق ادلّه باعث می شود که آن را شامل همه مصادیق بدانیم، لذا همه مکلفین، مورد خطاب پیامبر می باشند و زن و مرد از این حیث تفاوتی ندارند. از طرف دیگر، در متن روایات شریف، علت این دستور و لغو نهی

۱- المواهب اللدنیّه بالمنح المحمدیّه، ص ۲۱۰.

قبلی چنین آمده است که زیارت قبور باعث عبرت و رقّت قلب و یاد آخرت می شود که این امر خاص مردان نیست، بلکه هر مسلمانی اعم از زن و مرد باید از آن بهره گیرد.

ملّا علی قاری ضمن بیان این استدلال، اضافه می کند: رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی بر زنانی که در میان قبرها بر عزیز متوفای خود محزون بودند می گذشت، آنان را امر به صبور بودن می فرمود و هیچ گاه آنان را از زیارت قبور نهی نمی کرد (۱) و مسلّماً فعل رسول خدا و نیز تقریر ایشان یعنی سکوت حضرت، دلیل بر عدم حرمت است.

دوم: روایت عایشه

چنانچه قبلًا هم بیان شد، در مجامع روایی اهل سنّت، روایتی از طریق عایشه به رسول خدا صلی الله علیه و آله منسوب است که ایشان در پاسخ به کسی می گوید که از کنار قبر برادرم عبدالرحمن می آیم و وقتی سائل از نهی پیامبر اکرم درباره زیارت قبور می پرسد، عایشه می گوید: آن نهی مربوط به قبل بوده و پس از آن رسول اسلام امر به زیارت نموده است. و بدین ترتیب امر بعدی ناسخ نهی قبلی ایشان است. همچنین در روایت دیگری که از عایشه نقل شده، آمده است که وی در حالی که در میان هودجی نشسته بود، قبر برادرش را زیارت نمود. (۲)

سوم: روایت حضرت زهرا علیها السلام

در روایت دیگری که آن را به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نسبت داده اند آمده است که دختر گرامی رسول اکرم صلی الله علیه و آله در هر جمعه قبر حضرت حمزه بن عبدالمطلب را زیارت می کرد و با سنگی بزرگ آن را نشانه گذاری کرده بود. (۳) نویسنده این مطلب سپس ادامه می دهد که از احمد بن حنبل درباره زنی که قبر پیامبر

۱- مرقاه المفاتیح، ج ۴، ص ۲۴۸ و ۲۴۹.

۲- المستدرک للحاکم حسکانی، ج ۱، ص ۳۷۶؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۰۰؛ مختصر سنن ابی داود، ج ۴، ص ۳۴۸.

۳- التمهید، شرح موطأ مالک، ابن عبدالبرّ، ج ۳، ص ۲۳۳ و ۲۳۴.

را زیارت می کنـد سؤال نمودند که وی پاسخ داد: ان شاءاللّه اشـکالی ندارد، کما این که عایشه هم قبر برادرش را زیارت می کرد. سائل می پرسد: امّا از ابن عباس حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که ایشان زنان زایر قبور را لعن کرده اند که احمد بن حنبل پاسخ می دهد:

در سلسـله روات این حدیث شخصـی به نام ابوصالح وجود دارد که ناشـناس است، لذا موجب ضعف سندی حدیث می باشد. وی ادامه می دهد که امیدوارم خدا پاداشـش دهد، همان گونه که عایشه نیز قبر برادرش را زیارت می کرد و اشکالی نداشت. (۱) فقهای سنّی مذهب در استدلال به این روایت می نویسند: طبق مبانی مسلّم بین عامه و خاصّه، امر عقیب حظر را باید حمل بر اباحه نمود (۲) و در این مسأله نیز چون پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله بعـد از نهی خود، امر به زیارت فرمود، می توان آن را دلیل بر مباح بودن زیارت قرار داد؛ گذشـته از این که در بسـیاری از روایات وارده، حکمت این امر را تنبیه و تذکر مرگ و فنـای دنیـا در نظر زایر قرار داده انـد که شامـل هر مسـلمانی اعم از مرد و زن است، چرا که هم مردان و هم زنـان هر دو نیاز به موعظه و تـذکر دارنـد و حتی شایـد بتوان گفت: زنان به این امر نیازمندتر از مردانند. (۳) دانشور دیگری مثـل حافظ البانی که عالم و محدّثی سـلفی مذهب است، در نوشـته های خود مثل الضـعیف من سنن ابن ماجه و سلسله احادیث ضعیفه حدیث «لَعن رسول اللّه زائرات القبور» را روایتی کاملًا ضـعیف و فاقـد وجهه لازم برای اسـتدلال می دانـد و در همین باره اسـتناد به حدیثی مثل:

«لعن اللّه المتخذین علیها السُّرج»

که مستند وهابیه در نفی بنای چراغ و نور بر فراز قبور ائمه شـیعه است را روایتی ضعیف و غیرصحیح می داند و سلفی ها را از استناد به آن برحذر می نماید. (۴)

۱- همان.

۲- المحصول فی علم اصول الفقه، ج ۲، ص ۹۶.

۳- رسوخ الاحبار فی منسوخ الاخبار، برهان الدین الجعبری.

۴- سلسـله الاحادیث الضـعیفه واثرها السلبی فی الامّه، ص ۲۶۰، ح ۲۲۵. اخیراً نیز علمـای ازهر با بیان این که بوسـیدن ضـریح حضرت سید الشهدا جایز است، گامی دیگر در طرد اندیشه های بی اساس سلفی برداشتند.

مجموعه مقالات هم اندیشی زیارت ۲

۱. آداب زیارت

گلی حجت فر

چکیده

بی شک برای انجام هر کاری آدابی است که با رعایت آن ارزش آن کار و میزان تأثیرگذاری و ماندگاری آن بیشتر خواهد شد. برای حقایق دینی ضمن تبیین و تفسیر آن، اسرار و احکامی ذکر می کنند و آداب و آیینی خاصی بر می شمارند؛ و زیارت نیز به عنوان امری معنوی که در حقیقت نوعی هجرت است و زایر در واقع مهاجر به سوی خدا و اولیای اوست از این قاعده مستثنی نیست و آنان که با رعایت حدود و آداب به زیارت می روند، بهره ای بیشتر و لذتی افزون تر می برند و عقل و قلب خود را متوجه حریم و ساحت امام نموده، ضمن این که در این آداب لطایف و دقایقی نهفته است که با توجه به آنها ابواب دیگری از علوم و معارف برای زایر گشوده می شود.

این مقاله بر آن است تا با برشماری و تحلیلی از آداب زیارت زنده ترین و مؤثرترین راه برای شناخت و ایجاد ارتباط قلبی و فکری زایر با امام خود ایجاد نماید.

کلیدواژه ها: آداب، زیارت، مزور، زایر، اسلام، قرآن.

مقدمه

پیش ارباب خرد مایه ایمان ادب است لاجرم پیشه مردان سخن دان ادب است

بی ادب را به سماوات بقا منزل نیست در سماوات بقا منزل مردان ادب است

دامن عقل و ادب گیر که در راه یقین بر سر گنج وجود تو نگهبان ادب است

آدمی زاده اگر بی ادب است آدم نیست فرق در جنس بنی آدم و حیوان ادب است

عاقبت هر چه کند خواجه پشیمان گردد آن که از وی نشوی هیچ پشیمان ادب است

کردم از عقل سؤالی که بگو ایمان چیست عقل در گوش دلم گفت که ایمان ادب است

چشم بگشا و ببین جمله کلام اللّه را آیه آیه همگی معنی قرآن ادب است

«کمال انسان به ادب اوست»، «ادب بهترین خلق و خوی است»، «مردم بیش از آن که نیاز به طلا و نقره داشته باشند، به ادب صحیح نیازمندند»، «زینتی برای انسان همانند آداب نیست» (۱) و ... نخستین چیزی که خداوند به بنده اش دستور داده رعایت حدود و جمع کردن ادب است. ادب جمع شدن و گرد آمدن تمامی خیرهاست.

خداوند سبحان در دنیا بنده اش را عامل جمع کننده ای قرار داده تا برای وی هر چه را که به او فرمان داده جمع نماید. ادب و رعایت آن در مقابل دیگران از اهمیت به سزایی برخوردار است و در روایات و احادیث بسیاری به آن اشاره شده است. حال اگر این مسأله در برابر انسان ها دارای چنان اهمیتی است، پس بدون تردید در برابر خدا، انبیا، اولیا و امامان معصوم از جایگاه برتری برخوردار است.

مفهوم زیارت و زایر

برای زیارت معانی مختلفی بیان شده که فهرست وار بیان می کنیم:

۱- فهرست موضوعی غرر الحکم و درر الکلم، کلمه ادب، ص ۱۳.

الف) زیـارت در لغت عبـارت است از تمایـل و میل کردن؛ خواه از دور باشـد یا از نزدیک و خواه با گرایش قلبی و قصـد نیز همراه باشـد یـا نه و اعم از این که بـا اکرام و تعظیم مزور باشـد یـا نه؛ از این رو در مورد میل و گرایش عنصـری مادی همانند خورشید که هیـچ یـک از ویژگی هـای فوق در آن نیست نیز در قرآن کریم از واژه «زَوْر» که به معنـای میل کردن می باشـد، استفاده شده است.

ب) در اصـطلاح دینی زیارت تمایلی است که افزون بر میل و حرکت حسی، قلب هم گرایش جدی پیدا کرده و به مزور نیز با تکریم و تعظیم قلبی و انس روحی همراه باشـد (۱) و این معنـا در مرتبه برین و کامـل خود همانـا اقبـال و توجه قلبی، روحی، فکری، اخلاقی و عملی به مزور (۲) را با خود دارد.

ج) زیارت ارتباط ملکوتی و معنوی با کامل ترین انسان هاست که عظمت و قـدرتشان به اذن خداونـد متعال تمام هستی را فرا گرفته است. (۳) د) زیارت امام معصوم علیه السـلام یعنی تجدید عهد و پیمانی که شـیعیان ائمه با خدا بسته اند. (۴) ه) زیارت برقراری ارتباط قلبی با حجت خـداست. اظهار علاقه فطری محب به محبوب الهی خویش، نشانه وفاداری صادقانه شـیعه به امام خود، وصول به حقیقت و نوشـیدن از سرچشـمه زلال معرفت، حضور آگاهانه در محضر جلوه های الهی، دیدار مشتاقانه مأموم با امام معصوم است.

اما مفهوم زایر، زایر یعنی مشتاق دیدار، عاشق و دعوت شده به محفل دوست، مجاهد در راه خدا، مدافع حریم و ولایت، محب باوفای اهل بیت علیهم السلام (۵).

۱- مجمع البحرین، ج ۱، ص ۳۰۵.

۲- شخص یا چیزی که میل و علاقه انسان به سوی اوست یا کسی که زیارت می شود.

۳- المکاسب، ص ۱۵۳.

۴- بحار الأنوار، ج ۱۰۲، ص ۱۹۷.

۵- همان، ج ۱۰۰، ص ۱۱۶.

زایر کسی است که قصد زیارت پیشوای معصوم علیه السلام را داشته باشد و عارفانه و خالصانه، ارتباط فکری و قلبی با امام معصوم برقرار کند و بداند که هرگز توان فهم معرفت کامل امام را پیدا نخواهد کرد و غایت معرفت وی اظهار عجز از این معرفت است.

اهمیت و ضرورت زیارت

زیارت موجب ارتباط و وابستگی وجودی به اهل بیت علیهم السلام است که خود منشأ خیرات و برکات و نزول فیض و اجر و ثواب است، همچنین انصراف از آن و بی میلی به آن موجب انصراف رحمت و بازگشت نعمت خواهد بود و کسی که چنین علقه و علاقه ای را در جان نپروراند و تقویت نکند از رحمت و لطف خدا و رسولش بی بهره خواهد بود.

امام صادق علیه السلام در پاسخ کسی که به ایشان عرض کرد: «فدایت گردم، به حضور شما رسیدم در حالی که توفیق زیارت قبر امیرالمؤمنین را نداشتم، حضرت در پاسخ فرمود: بسیار کار ناپسندی انجام دادی اگر نبود که تو از پیروان و شیعیان مایی هرگز به تو نگاه نمی کردم! چگونه زیارت نکردی شخصیتی را که خداوند با فرشتگان آسمان و همه انبیا و مؤمنان او را زیارت می کنند. آن شخص گفت: این مطلب را من نمی دانستم. حضرت فرمود: بدان که امیرالمؤمنین علیه السلام در نزد خداوند از همه ائمه برتر و افضل است و برای اوست پاداش تمامی اعمال و برتری هر کسی به میزان اعمال و عملکرد آنهاست». (۱) بنابراین زیارت به عنوان شاخصی روشن برای کسب فیض و دور نیفتادن از وادی رحمت ضروری است. حدیث مزبور موقعیت والا ـ و عظیم و برتری امیرالمؤمنین نسبت به سایر ائمه و همچنین زیارت خداوند و انبیا و مؤمنان نسبت به آن حضرت را

۱- تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۰.

بیان می کنـد؛ پس بر اساس آنچه گفته شد، انسان همواره باید آرزوی زیارت اولیای الهی و امید وصال و دوستی مشاهد آنان را در دل زنده دارد و از خداوند به طور جدی طلب کند: «اللّهم ... حبّب إلیّ مشاهدهم و ألحقنی بهم و اجعلنی معهم فی الدنیا و الآخره یا أرحم الراحمین». (۱) هدف زایر

هـدف نهـایی زایر در زیـارت، خـدا و تقرب به سـاحت الوهی است. مراد از هـدف بودن خداونـد در زیارت و تقرب به سوی حضرت حق همانا تخلق به اخلاق الهی و تحصیل کمالات ربوبی است: «تخلّقوا بأخلاق اللَّه» (۲)

مزور حقیقی خداونـد متعال است و هدف زیارت زنده شدن فضایل و خصـلت های والای آن مزور در زایر و دوری جسـتن و برائت از بدها و بدی هاست؛ از این رو تمامی فعالیت های عبادی که به انسان جهت الهی می دهد، خود زیارت اللَّه است.

زیارت، حقیقتی دو سویه

«و لکلّ زائر حق علی من أتاه و أنا زائرک و مولاک و ضیفک النازل بک و ...»؛ (۳) برای هر زایری حقی است بر عهده کسی که به دیدار او رفته است و من زایر، دوست و مهمان شـما هسـتم که بر شما وارد شده ام. بدیهی است که زیارت و ارادات در حـد خود زمینه ارتباط و معیت اهل بیت با زایران و محبان را فراهم می آورد که با خود ولایت، شـفاعت و مصاحبت در دنیا و برزخ و قیامت را همراه خواهد داشت و این همان سعادتمندی است که خداوند از آن با عنوان «عقبی الدار» یاد کرده است: «وَ الَّذینَ یَصِـلُونَ مـا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ یُوصَلَ وَ یَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَ یَخافُونَ سُوءَ الْحِسابِ* وَ الَّذینَ صَبَرُوا ابْتِغاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَ أَقامُوا الصَّلاهَ وَ أَنْفَقُوا مِمّا رَزَقْناهُمْ سِرًّا وَ عَلانِیَهً وَ یَدْرَؤُنَ بِالْحَسَنَهِ

۱- همان، ص ۵۸.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۸، ص ۱۲۹.

۳- تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۶۲.

السَّیِّئَهَ اولِئِکَ لَهُمْ عُقْبَی الدّارِ». (۱)

بر این اساس، هرگز زیارت یک سویه نبوده و نیست؛ به ویژه زیارت اولیای کریمی که خیر و کرامت آنها ابتدایی و بدون سابقه است؛ اهل بیت که خاندان کرامت، جود و سخا هستند، قطعاً زایر خود را بدون جواب باز نمی گردانند، حتی طرح حاجت، سؤال و تقاضای اجابت را خود به ما تعلیم داده اند و این حق که بر مبنای تفضل الهی شکل گرفته است را تثبیت و اعلام می کنند و برترین حق هم این است که دعاها و خواسته های زایر خود را بدون پاسخ نگذارند.

آداب زیارت

بی تردید یکی از مهم ترین ارکان زیارت، توجه به آداب و رعایت حدود آن است.

روشن است که برای هر چیزی ادب و حدی است که رعایت ادب و توجه به حد آن هم از جهت فراگیری و دریافت بهتر آن حقیقت و هم از حیث عمل و انجام آن مؤثر بوده و موجب بهره بری فراوان تری خواهد شد. این قاعده در امور معنوی و حقایق فوق مادی مسلّم و روشن است.

زیارت از جمله حقایق ارزشمند و حیاتی است که توجه به حدود و رعایت آداب آن کاملًا در تحقق صحیح و ارتباط وثیق و مطمئن تر با مزور نقش اساسی و تأثیر جدی دارد؛ از این رو با توجه به اهداف و مقاصد عالی که زایر در زیارت خود دارد و همچنین رعایت آداب آن، احساس حضور و حظّ تشرف در محضر مزور بیشتر نمایان و آشکار می شود. در ذیل به بررسی آداب زیارت می پردازیم.

آمادگی روحی

بندگان الهی هنگام توجه به پروردگار، پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام باید شرایط روحی و جسمی مطلوبی را برای خود ایجاد کنند تا به سبب آن بتوانند با خدای خویش و این بزرگواران بهتر به نیایش و راز و نیاز بپردازند و عنایت و لطف ویژه

۱- سوره رعد، آیات ۲۱ و ۲۲.

آنان را بیشتر جلب نماینـد و در نتیجه خواسـته ها و حاجاتشان بر آورده شود. از این رو زایر باید پیش از پیرایش ظاهری، روح خویش را برای ملاقات روحانی با معادن معنویت و روحانیت آماده کند تا طعم لذت بخش آن را بچشد.

زیارت در حریم دوست بودن زیارت عاشقی را آزمودن

زیارت، محبت را ستودن زیارت آشنای عشق بودن

زیارت فصل دل را وصل کردن صفا دادن به قلب و گریه کردن

نیّت خالصانه

اگر انسان نیت خالصانه برای زیارت داشته باشد، در این هنگام نامش در دیوان شـهدا ثبت می شود. (۱) رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز فرموده است: من اتانی زائراً فی المدینه محتسبا کنت له شـفیعا یوم القیامه». (۲) کسی که تنها به انگیزه زیارت من، مرا زیارت کنـد، خداوند او را وارد بهشت می کند. امام صادق علیه السـلام نیز درباره زیارت حسـین بن علی علیه السلام می فرماید: «کسی که حسین بن علی علیه السلام را خالصانه و بدون شائبه زیارت کند و از انگیزه های تعدی و طغیان و یـا ریـا و سـمعه منزه و مبرا باشـد، گناهـان او پاک می شود؛ چنان که لباس به وسـیله آب شسـتشو شـده و پاک می شود». (۳) زیـارت از آن جهت که مقـوله خـاص و مهم است، بایـد به آن نظر اسـتقلالی افکنـد و از هرگـونه نظر شـرک آلـود و مشـوب خودداری کرد؛ به عبارتی دیگر زیارت در حـد خود هـدف و مقصـدی مسـتقل است که باید هیچ چیزی را در کنار آن ندید. زایر بایـد زیارت را به تنهایی هـدف مسـتقل و مقدس بداند، به گونه ای که همراه کردن آن با امور دیگر از ارزش و بهای آن کاسته و آن را بی محتوا و بی معنا می سازد، اگر زایر بخواهد در زیارت خود موفق باشد، باید سـفر زیارتی خود را تصحیح و نیت خود را اصلاح کند. به سخن دیگر گرچه سفرهای زیارتی با دیگر سفرها از نظر صورت و شکل

۱- بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۲۴.

۲- کامل الزیارات، ص ۴۶.

۳- همان، ص ۲۷۳.

ظاهری یکسان است، اما از نظر سیرت و معنا متفاوت است. در سفرهای تفریحی، انسان برای انبساط خاطر و آسایش روان و شادابی سفر می کند و محصول آن هم در برخی موارد رفع خستگی و زدودن ملالت های تن و ایجاد طراوت و نشاط است و طبعاً در مقام عمل این نشاط و شادابی خود را می نمایاند و انسان با وجد و طرب مجدداً کار را آغاز می کند، اما در سفرهای زیارتی همین فرح و نشاط و انبساط خاطر و طرب جان برای روح، معنا و حقیقت انسانی ذاتاً و بالاصاله و برای تن و روان بالتبع وجود دارد. این گونه سفرها زمینه تقویت ارکان ایمان و پایه های اعتقادات و رافع ملالت های جان و آرامش نفس و روان است. این تجدید قوا برای آن است که انسان در عرصه علم و مبارزه با شبهات و آفات فکری و تحریفات ذهنی و همچنین انحرافات اخلاقی و عملی در دام وسوسه ها و هوس ها نیفتاده، بلکه بتواند آنها را شکست داده و اسوه دیگران باشد. از این رهگذر باید سفرهای زیارتی را اندوخته سازی علم و ایمان و تقوا دانست و بر آن اصرار ورزید. نیت خالصانه داشتن برای زایر بسیار اهمیت دارد.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «حسین علیه السلام از حضرت رسول صلی الله علیه و آله پرسید: اجر کسی که بعد از وفات شما به زیارت شما بیاید در حالی که چیزی جز زیارت شما را قصد نکند چیست؟ حضرت فرمود: کسی که بعد از وفات من به زیارت من بیاید، در حالی که جز زیارت من قصدی ندارد و همچنین کسی که به زیارت پدر تو بعد از وفات او بیاید و هدفی جز زیارت او نداشته باشد و نیز کسی که به زیارت برادر تو- حسن بن علی- بعد از وفاتش بیاید و انگیزه ای غیر از زیارت نداشته باشد و نیز کسی که به زیارت تو- حسین بن علی- بیاید و قصد و اراده ای جز زیارت تو نداشته باشد، اجر هر یک از این زیارت ها بهشت مقرر شده است». (۱)

۱- تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۱.

معرفت زایر

به هر میزان که معرفت زایر به مقام مزور برتر باشد، درجه فزونی ثواب و قرابت بیشتر است؛ چراکه اولین شاخصه ای که در این نوع معرفت نهفته، الهی بودن امام و از ناحیه خدا بودن اوست. معرفت به حق امام، یعنی امام حجت خدا بر من است و هر فیض و رحمتی که به من می رسد از ناحیه وجود شریف آن حضرت است، و اطاعت از ایشان واجب است و اطاعت خدا حساب می شود. امام رضا علیه السلام می فرماید: «ألا فمن زارنی و هو یعرف ما أوجب اللّٰه عزوجل من حقّی و طاعتی فأنا و آبائی شفعاؤه یوم القیامه ...». (۱) بدیهی است که رسیدن به این معرفت و اعتقاد به لزوم تبعیت از امام علیه السلام زمانی ممکن است که اوصاف والای انسانی و الهی آنان دانسته و به شایستگی های وجودی آنان وقوف لازم و کافی حاصل شود؛ در شادی آنان شاد و در ناراحتی و حزن آنان محزون بوده و معتقد باشد که حالات وی در هیچ زمان و مکانی از دیده آنان پنهان نیست، پس با خود بیندیشد که در طول زندگی، برای امام و معرفت و محبتی که به او داشته چه کاری انجام داده که انتظار شفاعت، شفای مریض، رفع گرفتاری و برآوردن حاجتش را از آن بزرگوار دارد. البته نباید فراموش کرد که آنان بسیار بزرگوارند و درخواست ما را اگر به صلاحمان باشد رد نمی کنند، ولی بر شیعه لازم است که بداند حجت خدا کیست و چه مقامی دارد.

غسل

از مجموع روایاتی که در این زمینه نقل شده است این نکته را می توان استنباط کرد که طهارت ظاهر در طهارت باطن تأثیر دارد و طهارت ظاهر در حقیقت زمینه ساز طهارت باطن است و آب که مایه طهارت ظاهری و طهور است، مظهر ولایت کلیه در اجسام

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۴ و ۵۸۵.

است؛ زیرا قوام و حیات هر چیزی به آب است: «وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ کُلَّ شَیْ ءٍ حَیٍّ». (۱)

ادب زیارت اقتضا می کند که زیارت با داشتن غسل انجام گیرد؛ به گونه ای که طبق بیان شیخ مفید اگر غسل نقض و باطل شد، دوباره غسل کند. البته عده ای غسل روز را تا شام و غسل شب را تا صبح کافی می دانند و در این فاصله نیاز به تجدید غسل نیست. (۲)

أنّ أبی عبداللّه علیه السلام أنّه قال: «غسل یومک یجزیک لیلتک و غسل لیلتک یجزیک لیومک». (۳)

ادب غسل کردن غیر از آن که شهرت فقهی و فتوایی دارد و از جمله آداب زیارت معصومین است که به آن توصیه شده، به این جهت است که حرمت و احترام معصوم در حال ممات و غیبت مانند احترام و حرمت نهادن در حال حیات است: «وإنّ حرمته میتا کحرمته حیّاً»، (۴) «إنّ حرمتهم بعد موتهم کحرمتهم فی حیوتهم». (۵) شرفیابی به محضری که به نص آیه تطهیر از طهارت و قداست ویژه برخوردار است و باریابی به صحن و سرایی که نشان از نزاهت و پاکی الهی دارد، ایجاب می کند که انسان بدون تحصیل طهارت برتر، یعنی غسل به آن حریم نزدیک نشود و بدون آراستگی جان و پیراستگی تن به آن بیت رفیع قدم ننهد؛ زیرا غسل ظاهری نمادی از شستشوی روان و پاکی جان است. پس همان طور که شرط ورود به خانه خدا طهارت و پاکیزگی است، تشرف به حریم اهل بیت که بیت مرفوع و بیت المعمور زمینیان است نیز متوقف بر طهارت است.

ترک کلام بیهوده و پرهیز از جدال

محمد بن مسلم از حضرت صادق علیه السلام درباره چگونه رفتن به زیارت معصوم علیه السلام سؤال نمود؟ حضرت فرمود: «... سخن اندک گویی و حتی الامکان جز به خیر تکلم نکنی». (۶)

۱- سوره انبیاء، آیه ۳۰.

۲- هدایه الزائرین، ص ۱۹.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۲۸.

۴- بحار الأنوار، ج ۱۷، ص ۳۳.

۵- همان، ج ۹۷، ص ۱۲۵.

۶- فضایلی از زیارت امام حسین علیه السلام، ص ۵۳، به نقل از سفینه النجاه.

زایر باید از پرگویی و بیهوده گویی پرهیز نماید و بداند که از قبل از حرکت تا پایان سفر، امام زمان(عج) مراقب اوست. چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «اگر شما حرف بیهوده نمی زدید و قلبتان جایگاه شیطان نمی شد و به چرا نمی رفت، هر آنچه را من می دیدم، شما هم می دیدید و هر آنچه را من می شنیدم، شما هم می شنیدید». (۱) و نیز زایر باید از کینه ورزی، جدال و دشمنی نسبت به همسفران خویش پرهیز نماید، (۲) به خصوص آن که در این سفر روحانی حضور قلب را بر هم می زند.

پوشیدن لباس پاکیزه و نو

یکی دیگر از آداب زیارت، پوشیدن لباس پاکیزه و نظیف و جدید برای زیارت است.

و در این باره آمده است: «نیکوست سفید بودن رنگ آن» (۳) و نیز استفاده از عطر و بوی خوش هم توصیه شده است؛ گرچه این عمل در خصوص زیارت قبر امام حسین علیه السلام متفاوت است و تصریح شده که پوشیدن لباس نو و استعمال بوی خوش از آداب زیارت آن حضرت نیست؛ بلکه دو پوشش پاك و تمیز و سفید مانند لباس احرام بهتر است. (۴) امام صادق علیه السلام در خصوص آداب زیارت امام حسین به ابی نصیر چنین می فرماید: «هرگاه زیارت جدم حسین علیه السلام را اراده کردی، روزهای چهارشنبه و پنج شنبه را روزه بگیر ... چون روز جمعه به زیارت بروی غسل کن و بوی خوش و روغن استعمال مکن و از سرمه چشم نیز استفاده نکن تا به نزد قبر برسی». (۵) در تفسیر حدیث و همچنین از سخنان علما و بزرگان آشکار می شود که به کار بردن بوی خوش در زیارت امام حسین علیه السلام شایسته نیست، اما خوشبو کردن ضریح مقدس آن حضرت، اشکال و مانعی ندارد و بعضی به آن اشاره نموده اند. (۶)

۱- همان.

۲- بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱۴۲.

۳- هدایه الزائرین، ص ۲۰.

۴- بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱۵۲.

۵- تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۷۶.

۶- هدایه الزائرین، ص ۲۰.

اذن دخول

یکی از آداب زیارت اذن دخول است. چنان که قرآن می فرماید: «یا أَیُّها الَّذینَ آمَنُوا لا تَدْخُلُوا بُیُوتَ النَّبِیِّ إِلاّ أَنْ یُؤْذَنَ لَکُمْ»؛ (۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید، داخل اتاق های پیامبر مشوید مگر آن که به شما اجازه داده شود. فقال علیه السلام: «

إذا سرت إلی إلباب فقف ...

؛ هنگامی که به درگاه مرقد رسیدی توقف کن». توقف کردن و اذن دخول گرفتن برای فهمیدن آن جایگاه ویژه است، برای آن است که زایر بداند این جا نه خانه ای معمولی و نه قبری معمولی است. و این که چه وادی مقدس تر از جایی که پیکر معصوم را در خود جای داده است.

جعبه ای که چند ساعتی پیامبر خدا حضرت موسی علیه السلام را در خود جای داده بود، آن چنان قداست یافت که سمبل آرامش بنی اسرائیل شد. «وَ قالَ لَهُمْ نَبِیُّهُمْ إِنَّ آیَهَ مُلْکِهِ أَنْ یَأْتِیَکُمُ التّابُوتُ فیهِ سَکینَهٌ مِنْ رَبِّکُمْ». (۲)

در روایتی از ابن عباس آمده است: «تابوت همان صندوقی بود که مادر موسی او را در آن گذاشت و به دریا افکند و هنگامی که به وسیله عمال فرعون از دریا گرفته شد و موسی را از آن بیرون آوردند، همچنان در دستگاه فرعون نگاه داری می شد و سپس به دست بنی اسرائیل افتاد، بنی اسرائیل این صندوق خاطره انگیز را محترم می شمردند و به آن تبرک می جستند». (۳) وقتی که یک صندوقی که ساعاتی پیامبر خدا موسی علیه السلام را در خود جای داده چنین جایگاهی می یابد، بی تردید مکانی که معصوم علیه السلام را در خود جای داده است نباید از قداستی ویژه برخوردار باشد و حریم آن حفظ گردد؟ پس هنگامی که زایر به در حرم رسید باید بایستد. این توقف ادب ویژه است و در حال توقف با خواندن دعا و اذکار وارده سعی کند تا رقت قلب و خشوع دل تحصیل نماید؛ «و إنّ الرقّه علامه الإذن فلا

۱- سوره احزاب، آیه ۵۳.

۲- سوره بقره، آیه ۲۴۸.

۳- تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۷۴.

تغفل» (۱) زیرا در چنین حالتی دعا اجابت و رحمت الهی نازل می شود: «إنّ الرقّه علامه لاستجابه الدعاء» (۲)

و نیز در برخی روایات هست اگر هنگام ورود به حرم معصوم، قلب به طپش بیفتد، اشک جاری شود و عظمت معصوم به چشم آید، اذن ورود داده شده است. (۳) حفظ متانت و وقار

وقار نشانه ادب و احترام است، وقتی کسی به نزد بزرگی وارد می شود، سعی می نماید حریمش را حفظ کرده و با وقار باشد و این نشان از آن است که زایر می داند که زیارت امام معصوم همان زیارت امام زنده است و همان رفتاری که در زمان حیات امام علیه السلام انسان باید داشته باشد، باید همان را به هنگام زیارت آنها نیز داشته باشد. پس در هنگام ورود به حرم معصوم علیه السلام با متانت و با وقار است «ثم امش قلیلا و علیک بالسکینه و الوقار ...» یعنی با حالت آرامش و وقار راه می رود. فرق بین سکینه و وقار را چنین نقل کرده اند که سکینه آرامش و طمأنینه قلبی است و وقار آرامش بدنی. (۴) در حرم معصوم علیه السلام هر دو یعنی هم آرامش قلبی و هم وقار لازم است. بر این اساس رفتارهای غیر مؤدبانه در حرم معصوم علیه السلام در شأن آن برگزیدگان جهان هستی نیست.

ذکر تکبیر و تحمید

«فإذا دخلت و رأیت القبر فقف و قل اللّه أکبر، اللّه أکبر ثلاثین مرّه». (۵) زایر باید وقتی وارد حرم شد و چشمش به قبر معصوم افتاد، بایستد تا آمادگی بیشتر برای عرض ادب پیدا کند، سپس سی مرتبه ذکر اللّه اکبر را تکرار نماید. سعد از امام باقر علیه السلام نقل می کند: «... چون امام را دید تکبیر بگوید و ... و هر که پیش روی امام تکبیر بگوید» و نیز بگوید: «لا إله إلّا

۱- بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۳۴.

۲- هدایه الزائرین، ص ۲۸.

۳- بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۳۴.

۴- همان، ج ۱۰۲، ص ۱۳۴.

۵- همان، ج ۲۴، ص ۳۹۶.

اللَّه وحده لا شریک له»، خدای تعالی برای او خشنودی و رضوان اکبر خود را واجب خواهد کرد و بین او و حضرت ابراهیم علیه السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پیامبران الهی در قیامت در دار الجلال جمع خواهد کرد «... و من کبّر بین یدی الامام و قال: لا إله إلّااللّه وحده لا شریک له کتب اللّه له رضوانه الأکبر و من یکتب اللّه له رضوانه الأکبر یجمع بینه و بین ابراهیم و محمّد و المرسلین فی دار الجلال». (۱) اما راز گفتن تکبیر و تحمید پیش از زیارت آن است که در این زیارت مقامات بلندی برای ائمه معصومین ذکر شده است و چه بسا زایر به علت سطحی نگری در وادی هولناک غلو بیفتد. غلو عبارت است از اعتقاد به ربوبیت پیامبر صلی الله علیه و آله یا ائمّه علیهم السلام و اعتقاد به این که آنان مستقلًا خالق و رازقند و یا اعتقاد به نبوت امامان. این گونه اعتقاد در حقیقت نفی الوهیت رب یا شریک قائل شدن برای او و نفی نبوت و خاتمیت نبی اکرم صلی الله علیه و آله است. البته این نکته را نباید نادیده پنداشت که این اعتقاد که خالق هستی خداوند است و او اختیارات ویژه ای در این جهان و آن جهان به پیامبر و امامان واگذار کرده است، این نه تنها غلو و شرک نیست، بلکه عین توحید است، ما خالق جهان هستی را ذات مقدس ربوبی می دانیم و معتقدیم که خداوند آن چنان که ملائکه را مدبرات امر قرار داده «فَالْمُدَبِّراتِ أمْرًا» (۲)

به معصومین هم مرحله ای از این تدبیر را به اذن خودش تفویض کرده است. پس اعتقاد به مقامات فوق العاده برای امامان غلو نیست. اعتقاد به این که خداوند آنان را از هر گونه نقصی مبرا کرده است: اعتقاد به عصمت از اشتباه و خطا، گناه و عصیان، عین اعتدال در اعتقاد است نه غلو. «إنَّما یُریدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهیرًا»؛ (۳)

خداوند چنین می خواهد که هرگونه پلیدی و زشتی را از شما خانواده نبوت بیرون ببرد و شما را از هر عیب پاک و منزه گرداند.

۱- همان.

۲- سوره نازعات، آیه ۵.

۳- سوره احزاب، آیه ۳۳.

بوسیدن عتبه و داخل شدن با پای راست

بوسیدن عتبه و درگاه مقدس هنگام داخل شدن به حرم شریف ائمه معصومین از آداب مؤکد زیارت است. (۱) بزرگان شیعه مانند شیخ مفید، سیدبن طاووس و شهید ثانی، همچنین علامه مجلسی و عده ای دیگر از علما نیز به امری که در روایت صفوان، در شیوه زیارت قبر امیرالمؤمنین علیه السلام آمده استناد کرده اند که امام صادق به صفوان فرمود: «ثم قبّل العتبه و قدّم رجلك اليمنى قبل اليسرى؛ (۲)

سپس آستانه را ببوس و آن گاه پای راست را قبل از پای چپ حرکت بده.»

بنابراین پس از آن که زایر اذن دخول طلبید و با خواندن اذکار مأثور در قلب خود احساس رقت کرد و پس از بوسیدن درگاه، ادب اقتضا می کند پای راست را جلو بگذارد و مستحب است در این هنگام بگوید: «بسم اللّه و باللّه و فی سبیل اللّه و علی مله رسول اللّه ربّ اأدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق و اجعل لی من لدنک سلطانا نصیرا». (۳) آهسته گام برداشتن

«و قارب بين خطاك ...» و گام هایت را کوتاه بردار. یکی دیگر از آداب زیارت قبر معصوم پس از بوسیدن عتبه و مقدم داشتن پای راست، آهسته قدم برداشتن است.

شاید راز آن این باشد که برای هر قدمی که در این مسیر برداشته می شود ثواب های فراوانی برای زایر نوشته خواهد شد. در شأن نزول این آیه از قرآن «إِنّا نَحْنُ نُحْيِ الْمَوْتى وَ نَكْتُبُ ما قَدَّمُوا وَ آثارَهُمْ وَ كُلَّ شَيْ ءٍ أَحْصَيْناهُ فی إمامٍ مُبينٍ»؛ (۴)

ما مردگان را زنده می کنیم و آنچه را پیش فرستادند و تمام آثار آنها را می نویسم و همه چیز را در کتاب مبین شماره کرده ایم، آمده است که قبیله بنوسلمه در نقطه دور دستی از شهر مدینه

۱- بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۳۶.

۲- همان، ج ۹۷، ص ۲۸۴.

۳- همان، ص ۱۶۱.

۴- سوره یس، آیه ۱۲.

قرار داشتند، تصمیم گرفتند به نزدیکی مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله نقل مکان کنند، آیه فوق نازل شد ... پیامبر صلی الله علیه و آله به آنان فرمود: «إنّ آثارکم تکتب» آثار شما «گام های شما به مسجد» در نامه اعمالتان نوشته خواهد شد و پاداش خواهید گرفت. هنگامی که بنوسلمه این سخن را شنیدند، صرف نظر کردند و در جای خود ماندند. (۱) پس گام های کوتاه سبب می شود تا زایر از فیض و ثواب بیشتری بهره مند گردد و از لحاظ روانی نیز این حرکت- آهسته قدم برداشتن- بسیار مؤثر بوده و باعث تمرکز حواس و توجه و دقت نظر بیشتر می شود.

نزدیک شدن به ضریح و بوسیدن آن

عن أبی جعفر علیه السلام: «کان علی بن الحسین صلوات اللّٰه علیهما یقف علی قبر النبی صلی الله علیه و آله و یلتزق بالقبر و یسند ظهره إلی القبر و یستقبل القبله و ...» (۲)

امام سجاد علیه السلام کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می ایستاد و به قبر می چسبید و پشت خود را به قبر مبارک رسول صلی الله علیه و آله تکیه می داد و به سمت قبله می ایستاد و ...» این پندار باطلی است که انسان دور بودن از ضریح را ادب بداند و بخواهد از دور زیارت کند، بلکه در روایت تصریح شده که بدن را به ضریح بچسباند و بر آن تکیه کند و ضریح را ببوسد. در جایی آمده است: «شاید مراد از کسانی که توصیه به دور بودن از ضریح می کنند و آن را ادب زیارت می شمارند، اهل سنت باشند؛ زیرا آنها دور ایستادن از قبر را از جمله آداب و چسبیدن به قبر و بوسیدن و لمس آن را مکروه می دانند؛ چنان که علمای آنان در آداب زیارت حضرت نبوی این مطلب را ذکر کرده اند. (۳) پس بدن را به قبر و ضریح نزدیک کردن و بر آن تکیه زدن و نیز بوسیدن قبر و ضریح از آداب زیارت است و همچنین مناسب است که اگر انسان عذری مانند

۱- تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۳۵.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۴۲ و ۳۴۳.

۳- هدایه الزائرین، ص ۲۲.

ضعف جسمانی ندارد، دعا و زیارت را ایستاده بخواند. محدث قمی می فرماید:

«گرچه این ادب صریحاً در جایی ذکر نشده ولیکن خوبی آن از جهات بسیاری استفاده شده است» (۱) نیز از جمله آدابی که در این باره وجود دارد، آن است که زایر دوروی صورت خود را به روی قبر یا ضریح نهد و آن را به قبر بکشد و هرگز جایز نیست که به قبر سجده کند و حتی برای نماز واجب یا مستحب و نماز زیارت پیشانی بر روی قبر بگذارد. روشن است که این گونه آداب، زمینه را فراهم می کند تا زایر قلب خود را در صحن و سرای حقیقی امام ببیند و حضور امام را لمس کند.

در جای دیگر نیز این گونه آمده است: «بعد از خواندن زیارت سمت راست صورت را بر قبر یا ضریح بنهد و متضرعانه از خداوند مسئلت کند، سپس قسمت چپ صورت را بر قبر بنهد و با حال سؤال و نیاز او را به حق خودش و به حق صاحب قبر سوگند دهد تا او را از اهل شفاعت و شفاعت شوندگان قرار دهد و در این حال با اصرار و مبالغه در دعا و طلب حاجت از خداوند متعال با همه جدیت و سعی مسئلت کند؛ زیرا تا طرح حاجت و سؤال با جدیت تمام نباشد و احساس نیاز و تشنگی در انسان نجوشد، فیض الهی طالع نمی گردد؛ البته بعد از رعایت این ادب به سمت بالای سر مزور حرکت و رو به قبله در پیشگاه الهی دعا و نیایش کند». (۲) آهسته سخن گفتن

«یـا أَیُّها الَّذینَ آمَنُوا لا تَرْفَعُوا أَصْواتَکُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِیِّ وَ لا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ کَجَهْرِ بَعْضِکُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمالُکُمْ وَ أَنْتُمْ لا تَشْعُرُونَ* إِنَّ الَّذینَ یَغُضُّونَ أَصْواتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ اولئِکَ الَّذینَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوی لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ أَجْرٌ عَظیمٌ»؛ (۳)

ای کسانی که ایمان آورده اید، صدایتان را بلندتر از صدای پیامبر صلی الله علیه و آله نکنید و همچنان که بعضی از شما با

۱- همان.

۲- الدروس، ج ۲، ص ۲۳.

۳- سوره حجرات، آیات ۲ و ۳.

بعضی دیگر بلند سخن می گویید با آن حضرت به صدای بلند سخن مگویید، مبادا بی آن که بدانید اعمالتان تباه شود. کسانی که پیش پیامبر خـدا صـدایشان را فرو می کشـند، همان کسانی اند که خدا دل هایشان را برای پرهیزگاری امتحان کرده است؛ آنان را آمرزش و پاداشی بزرگ است».

یکی دیگر از آدابی که رعـایت آن موجب حرمت نهادن و تکریم مزور است، فرود آوردن صـدا در ذکر و دعاست چراکه در حرم معصوم علیه السـلام نباید صدا را بلند کرد یا با زوار بلند سخن گفت. در محضر امام علیه السلام فرقی بین دیدن و ندیدن آن حضرت نیست. (۱) همچنین ادب حضور در محضـر حجت الهی اقتضا می کند که نه تنها انسان از سخن و اذکار غیر الهی که انسان را از یاد خدا غافل می کند بپرهیزد، بلکه هنگام عبادات، زیارات و اعمال مستحبی به آرامی و آهستگی و بدون بلند کردن صدا، مناسک و اعمال زیارت را انجام دهد.

من چه گویم که تو را نازکی طبع لطیف تا به حدی است که آهسته دعا نتوان کرد (۲)

رو به قبر و پشت به قبله نمودن در هنگام زیارت

زایر باید پشت به قبله و رو به سوی قبر شریف امام علیه السلام نماید و اعمال خویش را انجام دهد. رو به قبر امام بودن و پشت نکردن به آن چه در نمـاز و چه در غیر، از اعتقـادات شـیعه اثنی عشـری است. (۳) و خلاـف آن یعنی پشت به قـبر مطهر به هر دلیل هتک حرمتی عظیم محسوب می شود. زایر هر جا که خوابیـد یا استراحت نمود، بایـد سـعی نمایـد پاهایش به طرف حرم مطهر امام علیه السـلام نباشـد. رعایت این ادب تنها برای معصوم است و برای غیر معصوم چنین ادبی ذکر نشـده، بلکه ادب در زیارت مؤمنان و اولیای خدا آن است که زایر پشت سر، یا بالای سر، رو به قبله به دعا و زیارت مشغول باشد؛ این مسأله حاوی نکته ای مهم است.

۱- بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۷.

۲- دیوان حافظ شیرازی، ص ۴۰.

۳- بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۳۱۶.

خواندن زیارت مأثور و نماز زیارت

محدث قمی می فرماید: «... ترک شود خواندن زیارت های مخترعه که بعضی بی خردان از عوام آنها را با بعضی از زیارت ها تلفیق کرده و در مجموعه ای جمع آوری کرده و نادانـان خود را به آن مشـغول سـاخته و خود را از فیوضات بی نهایت زیارت هـای مـأثوره معتبره و فوایـد کتب علما محروم کرده انـد». (۱) علامـه حلی نیز در تـذکره الفقهـاء اسـتحباب زیـارت را تنها در زیارت به مأثور و منقول می داند و در نوع زیارت های اهل بیت این جمله را تکرار می فرماید: «و یستحب ان یزوره بالمنقول» (۲)

و در جـای دیگر آمـده است: «زیـارت بـا نفس حضـور و سـلام دادن حاصـل می شود، لیکن اگر خواست زیـارتش را بخواند زیارات مأثوره و صادر شـده از ناحیه معصومین را بخواند» (۳) بنابراین زایر بایـد بداند که زیارت از جانب معصوم صادر شده است. و هنگـام خوانـدن زیارت با نهایت ادب به ضـریح نگاه کنـد و همان طور که گـذشت، زیارت مأثور را در حال ایستاده بخواند مگر آن که عذری داشته باشد.

یکی دیگر از آداب زیارت، خوانـدن نماز زیارت است. قبل از پرداختن به موضوع بایـد توجه داشت که بینش اسـلامی بر این اسـاس اسـتوار است، که خـالق تمام هستی تنها خداونـد است و تمامی موجودات را او آفریـده است و نماز نیز حقیقتی الهی و مخصوص پروردگـار عـالم است و انسـان به عنوان جزیی از این هسـتی خلق نشـده مگر برای عبـادت و پرسـتش و نیز به جـای آوردن نماز که پاداش و ثواب فراوانی دارد، تمامی ارکان و اجزای آن، از قیام و قعود گرفته تا رکوع و سجود تنها به امر الهی و برای اوست. این نکات در نماز زیارت قابل توجه است و زایر به آنها التفات می کنـد و به خالق خویش عرض می نماید که این نمـاز که از آن تو و برای توست، بـا نیت قربه الی اللّه انجام می گیرد. همان طور که بزرگان گفته انـد ثواب آن را به روح مطهر نبی اکرم صلی الله علیه و آله

۱- الدروس، ج ۲، ص ۲۳.

۲- تذکره الفقهاء، ص ۴۵۰.

۳- الدروس، ج ۲، ص ۲۳.

یا فاطمه زهرا علیها السلام هدیه نماید پس شایسته است که زایر پس از خواندن دو رکعت نماز زیارت این دعا را بخواند که تذکر به نکات فوق است: «اللهم أنی صلّیت هاتین الرکعتین هدیه منّی إلی سیّدی و مولای(نام آن معصوم برده شود) اللهم فصلّ علی محمّد و آل محمّد و تقبّلها منّی و اجزنی علی ذلک جزاء المحسنین. اللّهم لک صلّیت و لک رکعت و لک سجدت وحدک لا شریک لک لانه لا تکون الصلاه و الرکوع و السجود إلا لک أنت اللّه لا إله إلا أنت اللّهم صلّ علی محمّد و آل محمّد و تقبّل منّی زیارتی و أعطنی سؤلی بمحمّد و آله طاهرین». (۱) زایر برای به جای آوردن دو رکعت نماز زیارت، اگر با کیفیت مخصوصی وارد شده، به همان کیفیت نمازش را می خواند در غیر این صورت مستحب است در رکعت اول بعد از حمد سوره مبارکه «یس» و در رکعت دوم بعد از حمد سوره «الرحمن» قرائت شود: «ثّم انحرف إلی عند الراس فصلّ رکعتین تقرأ فی الاولی منهما فاتحه الکتاب و سوره یس، و فی الثانیه فاتحه الکتاب و سوره الرحمن». (۲) همچنین زایر در موقع خواندن نماز زیارت خوب است به این نکته توجه نماید که مکان این دو رکعت در کنار قبر مزور باشد، چراکه عده ای از فقها در مورد نماز خواندن زایر به حالت پشت به قبر اشکال وارد نموده اند. و نیز آمده است: «مناسب و شایسته نیست که قبر پشت سر باشد، مگر این که قبر بسیار دور باشد تا انتزاع بی حرمتی نشود». (۳) و باید توجه داشت که چون هیچ چیز و هیچ کس نه با امام علیه السلام مساوی است و نه مقدم بر امام، نماز خواندن در قسمت جلو یا سمت راست و چپ امام جایز نیست. (۴) استغفار و دعا

ادب زیارت اقتضا می کند زایر از فرصت زیارت استفاده کرده، با شفیع قرار دادن آنها و همچنین به جهت توجه ربوبی به آن بیت و صاحبان بیت که انسان های معمولی

۱- بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۲۸۸.

۲- همان، ص ۲۱۵.

۳- الدروس، ج ۲، ص ۲۳.

۴- الاحتجاج، ج ۲، ص ۵۴۸۳.

نیستند، از خداوند متعال بخواهد که او را از بدی ها و تباهی ها جدا کرده و دور سازد و توفیق ترک گناهان (۱) در بقیه عمر به وی ببخشد. این عمل زایر نشان از آن است که وی از گناهان خویش پشیمان شده و درصدد عزم بر رفع اعمال پیشین خود است، لذا با ادب خاصی که در این حالت انسان به نوعی سبک بال نیز شده است، ضمن درخواست قبولی زیارتش، آمرزش و غفران الهی را برای ریزش گناهان خویش مسئلت می نماید. خداوند بزرگ در قرآن کریم می فرماید: «یا أَیُّها الَّذینَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَی اللَّهِ تَوْبَهً نَصُوحاً عَسی رَبُّکُمْ أَنْ یُکَفِّرَ عَنْکُمْ سَیِّئاتِکُمْ». (۲)

می دانیم که در تمام زیارتنامه ها بخشی به دعا اختصاص دارد و یکی از مکان هایی که دعا مقرون به اجابت است کنار ضریح معصومین است.

«و أعلم أنّ الذی بیده خزائن السموات و الأرض قد أذن لک فی الدعاء ... فالمال لا یبقی لک و لا تبقی له» دعا فراهم آوردن اسباب و عواملی است که از دایره قدرت انسان بیرون باشد؛ درخواست و تقاضا از کسی است که قدرت و توانش بی پایان و فوق قدرت های عالم است و از طرفی نشان بندگی و توجه به مقام ربوبیت و عامل تقویت روح و روان است. «أتیتک یا ابن رسول اللّه مکروباً و أتیتک مغموماً و أتیتک مفتقراً إلی شفاعتک و لکل زائر حقّ علی من أتاه و أنا زائرك و مولاک و ضیفک النازل بک و الحال بفنائك ولی حوایج من حوایج الدنیا و الآخره بك أتوجّه إلی اللّه فی نجحها و قضائها»؛ (۳) یا رسول اللّه در حال سختی و اندوه به سوی تو مشتاقانه آمدم و در حال احتیاج و فاقه به شفاعت تو حرکت کردم و از آن جا که برای هر زایری حقی نسبت به مزور است، من که زایر و بنده و مهمان تو هستم و همواره در آستان و درگاه تو قرار دارم و حوایج فراوانی از امور دنیا و آخرت دارم، به وسیله تو به سوی خدا روی می آورم در بر آمدن آن حاجت ها.

۱- ر. ك: بحار الأنوار، ج ۱۰۲، ص ۱۶۹.

۲- سوره تحریم، آیه ۸.

۳- بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۲۱۳.

و در جایی دیگر در بخشی از زیارت امیر المؤمنین علیه السلام خداوند به عنوان کریم ترین و بهترین مزور در بر آوردن حاجت آمده است: «بار خدایا بنده تو و زایر درگاهت در پرتو قبر برادر رسول اللّه به سوی تو آمده و هر کسی که مزور واقع شده حقی نسبت به زایر متعهد است و از آن جا که شما بهترین و کریم ترین مزور هستید، از درگاه شما ای خداوند و ای رحمن و ای رحیم مسئلت می کنیم که آن تحفه و هدیه ات را به من همانا آزادی از آتش جهنم قرار دهی و مرا در زمره کسانی قرار دهی که در راه خیر شتابان است و در هر حالی، چه حال رغبت و سرور، چه حال رهبت و غم، همواره به یاد توست». (۱) پس زایر اگر در زیارت خویش با انگیزه خالصانه و با معرفت اعمال خود را انجام دهد، می تواند برای امورات دینی و دنیوی خود دعا و حاجت خویش را از آن بزرگواران درخواست نماید، چراکه قطعاً اهل بیت علیهم السلام خاندان کرامت و سخاوت هستند و حاجات زایر را از خداوند مسئلت می نمایند. همان گونه که در روایات متعدد آمده است که هر کس آنان را بشناسد و به صاحب آن قبرهای مطهر پناهنده شود، پناه داده می شود و از سوی خداوند حاجت روا بر می گردد، زیرا این حقی است که بر مبنای تفضل الهی به زایر داده می شود تا حاجت خویش را مطرح نموده و اگر به خیر و صلاح وی باشد مورد قبول و عنایت حق تعالی قرار گیرد. همچنین زایر می تواند برای عموم دوستان و شیعیان علی علیه السلام دعا نماید و طبق روایات عدیده این دعا مقرون به اجابت است. (۲) همان گونه که آمده است: «إنّ اللّه عزوجل یحبّ معالی الامور و یکره سفلسافها». (۳) پس شایسته است زایر هنگام دعا حاجات همه مؤمنان را در نظر داشته و از آنها غافل نباشد.

۱- همان، ج ۹۷، ص ۲۷۱ و ۲۷۲.

۲- همان، ج ۱۰۰، ص ۱۳۵.

۳- همان، ج ۴۷، ص ۳۲۳.

قرائت قرآن و صلوات

مستحب است زایر در کنار ضریح مقداری قرآن قرائت نماید و ثواب آن را به صاحب قبر مطهر هدیه کند که این امر نوعی تعظیم و تکریم به مزور است، اما ثواب اصلی و نفع آن به خود زایر بر می گردد. (۱) برخی از محققان ذکر صلوات را هنگام مطرح شدن نام پیامبر اکرم از جمله آداب زیارت ذکر کرده اند. از آن جا که صلوات و ثواب آن از بهترین و برترین خیرات و پاداش هاست؛ امام صادق علیه السلام می فرماید: «

إذا ذکر النبی صلی الله علیه و آله فأکثروا الصلاه علیه فإنّه من صلّی علی النبی صلی الله علیه و آله صلاه واحده صلی اللَّه علیه ألف صلاه فی ألف من الملائکه و لم یبق شی ء ممّا خلقه اللَّه إلّاصلّی علی العبد لصلاه اللَّه علیه و صلاه ملائکته، فمن لم یرغب فی هذا فهو جاهل مغرور قد برئ اللَّه منه و رسوله و أهل بیته

»؛ (۲) اگر نام رسول خدا صلی الله علیه و آله بر زبان جاری شد، زیاد صلوات بفرستید، زیرا کسی که یک صلوات بر پیامبر بفرستد، هزار صف از ملائک برای او هزار صلوات می فرستند و هر آنچه خداوند آفریده نیز بر او صلوات و درود می فرستند و آن کسی که صلوات بر پیامبر نفرستد، او جاهل و مغرور است و خداوند و رسولش و اهل بیت از او برائت می جویند.

صدقه دادن

یکی دیگر از آداب زیارت، صدقه دادن به تهیدستان و نیازمندان است، چراکه در هنگام زیارت قوای نفسانی انسان برای تحصیل خیر و مودت آماده تر است.

«و رابع عشرها الصدقه علی المحاویج بتلک البقعه؛ فإنّ الصدقه مضاعفه هنا لک و خصوصاً علی الذریه الطاهره» (۳) زایر همان گونه که سفر خود را با صدقه دادن آغاز می نماید، انفاق، بخشش و کمک به نیازمندان را در ادامه سفر نیز نباید ترک

۱- الغدیر، ج ۵، ص ۱۷۰.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۹۲.

۳- الدروس، ج ۲، ص ۲۴.

نماید. توصیه شده است که در صدقه فقرای شیعه را مقدم بدارد. (۱) در برخی از اماکن زیارتی معمولًا افراد متکدی هستند که از این فرصت سوء استفاده کرده و زایرین را تحت تأثیر خود قرار می دهند. و زایر باید سعی کند که صدقه خویش را به محتاج واقعی بدهد.

تکریم خادمین حرم

زایر قدم به خانه ای نهاده که بیت مقدس و حرم مطهر است و پروردگار عالم به آن بیت عظمت و مرتبه ای بلند بخشیده: «أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فیها اسْمُهُ». (۲)

زایر باید با رفتار و کردار خویش در حفظ حرمت آن مکان بکوشد و قطعاً حرمت نهادن و تکریم بیت مقدس در بالا رفتن مقام زایر نزد خداوند بسیار مؤثر است. همچنین زایر باید همان گونه که به حرمت و تکریم آن مکان می کوشد در کمک نمودن و تکریم خادمین حرم شریف نیز کوشا بوده و با آنان همکاری نموده، به گونه ای که در نگهداری و مراقب از آن مکان معنوی و نظافت و رعایت مسایلی که در آداب زیارت به آن تأکید شده دقت نماید. «و عاشرها التصدّق علی السدنه و الحفظه للمشهد و إکرامهم و إعظامهم؛ فإنّ فیه إکرام صاحب المشهد علیه الصلاه و السلام». (۳) تکرار زیارت تا هنگام خروج از آن دیار

تکرار زیارت تا هنگام خروج از آن بلاد مستحب و از آداب زیارت است چراکه زایر با قصدی جدی و انگیزه ای راسخ به زیارت معصوم علیه السلام اقدام کرده، از این رو شایسته است تا وقتی که زایر در آن دیار مقیم و حاضر است، مکرر به زیارت مشرّف گردد.

البته باید مواقعی را برای زیارت انتخاب کند که از نشاط لازم برخوردار باشد و از اکراه بپرهیزد.

۱- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۳۲.

۲- سوره نور، آیه ۲۶.

۳- الدروس، ج ۲، ص ۲۴.

تغییر و تحول زایر پس از زیارت

«... ان یکون الزائر بعد الزیاره خیراً منه قبلها؛ فإنّه تحطّ الأوزار إذا صادفت القبول»؛ (۱) زایر باید پس از زیارت متفاوت باشد؛ زیرا زیارت مقبول، مایه ریزش گناهان و حطّ اوزار خواهد بود.

ثواب روزه و حج قبول آن کس بُرد که خاک میکده عشق را زیارت کرد (۲)

انسان حتی اگر دارای بالاترین قدرت مالی باشد، لحظاتی در زندگی او پیش خواهد آمد که در جست وجوی پناهگاهی است تا بتواند خود را از این نگرانی ها نجات دهد، چراکه زندگی دنیایی و مادی خواسته یا ناخواسته انسان را به سمت بسیاری از آلودگی ها و تباهی ها هدایت نموده، از طرفی خداوند جایگاهی را برای ارتباط و آرامش انسان ها در نظر گرفته و ایشان را به زیارت شریف اهل بیت دعوت می نماید و زیارت پل ارتباطی است برای انسان هایی که می خواهند این خوف و اضطراب را از صفحه جان خود بزدایند و در نزد آن بزرگواران از گناهان خویش استغفار و توبه می نمایند و قطعاً اهل بیت علیهم السلام نیز برای آنان طلب مغفرت می نمایند و خداوند سبحان نسبت به گذشته توبه پذیر و درباره آینده آنان رحیم می باشد. حال که بین انسان و حضرت حق به واسطه شفاعت معصوم انس و الفتی ایجاد شده، پس زایر از نظر خلق و خوی، رفتار، کردار، اندیشه و اعتقاد تحول یافته است و در این حالت باید اعمال و کردارش با قبل از زیارت تفاوت داشته باشد و از این پس بهتر زندگی نماید.

ادب وداع

«تعجیل الخروج عند قضا الوتر من الزیاره؛ لتعظیم الحرمه و یشتدّ الشوق، و روی ان الخارج یمشی القهقری حتّی یتواری». (۳) همان طور که زایر در هنگام ورود به حرم مطهر به نکاتی

۱- همان.

۲- دیوان حافظ شیرازی، ص ۵۰.

۳- الدروس، ج ۲، ص ۲۴.

توجه داشته است، در هنگام خروج نیز لازم است آدابی را رعایت نماید، به گونه ای که پشت به ضریح نکند چراکه ممکن است این عمل نوعی بی حرمتی محسوب شود، بلکه زایر سعی کند از دری خارج شود که پشت به مزور نکند، تا جایی که قبر مطهر از نظر مخفی گردد. در جایی آمده است: «مثل الإمام مثل الکعبه اذ تؤتی و لا تأتی» (۱) پس این ادب ظاهری نشان از تکریم و تعظیم مزور است و همانطور که گذشت چون شأن امام همانند کعبه است، از این رو همواره باید به مقام حضرت توجه نمود. زایر باید به این امر دقت نماید که این گونه مکان ها و بُقاع شریف از آن جا که خداوند به آن بیوت رفعت داده، فرموده است: «فی بُیُوتٍ أذِنَ اللَّهُ أنْ تُرْفَعَ» (۲)

و ورود به آن بیوت را منوط به اجازه دانسته: «لا تَدْخُلُوا بُیُوتَ النَّبِیِّ إلّا أنْ یُؤْذَنَ لَکُمْ» (۳)

و آن سرزمین را طیب و طاهر قرار داده: «و طابت الأرض التی فیها دفنتم» (۴) پس لازم است زایر تمامی معیارها و ضوابط ورود، حضور و خروج را با ملاک های تعریف و تعیین شده تطبیق کند تا ضمن حفظ آداب آن مکان، هم به حرمت مزور عمل نماید و هم سبب ازدیاد شوق و عشق به مزور گردد. همان گونه که در برخی زیارتنامه ها آمده است، از خدا بخواهد این زیارت را آخرین زیارت وی قرار ندهد.

مراعات سایر مسایل

علاوه بر آنچه گفته شد شایسته است زایر در حرم های شریف اهل بیت آداب دیگری را رعایت نماید چراکه وی به سرزمینی وارد شده که گام های مبارک آن بزرگواران آن جا را متبرک ساخته است، پس به حالات جنب یا حیض یا نفاس داخل حرم مطهر ائمه نشود و در آن جا از دنیا و مسایل آن صحبت ننماید و در آن هنگام که فرصتی دست داده به امور با ارزش و معنوی بیندیشد.

۱- بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۵۳.

۲- سوره نور، آیه ۲۶.

۳- سوره احزاب، آیه ۵۳.

۴- بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۲۰۱.

در هنگام وارد شدن به حرم حال کسانی را که ضعیف تر هستند مراعات نمایـد، به آنان احترام بگذارد و اجازه بدهد قبل از خویش وارد آن مکـان مقـدس شونـد تـا در ثواب زیارت آنان شـریک باشـد. بانوان محترم در وقت زیارت با حجاب کامل و پوشیده زیارت نمایند و دقت کنند که به چه مکانی و در محضر چه بزرگی آمده اند.

چنـان که آمـده است: «احترام به حقوق و شخصیت یکـدیگر استخفاف به زوار ائمه اطهـار حتی در نگـاه، از دسـتورات اکید زیارت است». (۱) در صورت ازدحـام و کثرت زوار، اگر زایر در اطراف یـا نزدیـک ضـریح ایسـتاده است، زیـارت خویش را کوتاه و مختصر نماید و از ضریح فاصله بگیرد تا دیگران هم به این فیض بزرگ نایل شوند. همچنین از مزاحمت و بی ادبی به زوار، چه با کلام و چه با عمل، پرهیز نمایـد، چراکه تمام زایران آن جا، دعوت شـده از جانب آن معصومند و امر به معروف و نهی از منکر را اگر ضروری بود با آرامش و اخلاقی خوش بیان کند.

«زایر حرم اهل بیت علیهم السـلام بایـد از اخلاق ناشایست که مانع حال معنوی وی و سایرین می گردد دوری نماید و از آنچه همراه دارد به همراهان خود بذل و بخشش نماید و تنگ نظر و بخیل نباشد». (۲)

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۱۷.

۲- همان.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.

۲. الاحتجاج، احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی، تحقیق: شیخ ابراهیم بهادری و شیخ محمد هادی به، اسوه، قم، ۱۴۱۳ ق.

۳. بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، دار احیاء التراث العربی، قم، ۱۴۱۴ ق.

۴. تذکره الفقهاء، جمال الدین، حسن بن یوسف(علامه حلی)، آل البیت، قم.

۵. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، با همکاری جمعی از نویسندگان، دار الکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

۶. تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، محمد بن حسن طوسی، دار الصعب، بی جا، ۱۴۰۱ ق.

۷. الدروس الشرعیه، شمس الدین محمد مکی العاملی، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۴ ق.

۸. راهنمای زایرین، احمد سامعی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۰ ش.

۹. الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب، عبدالحسین امینی، دار الکتب العربیه، بی جا، ۱۴۰۳ ق.

۱۰. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تصحیح: علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۸ ق.

۱۱. کامل الزیارات، ابوالقاسم جعفر بن محمد قولویه قمی، مطبعه المبارکه المرتضویه، بی جا، ۱۳۵۶ ق.

۱۲. کربلا منتظر ماست بیا تا برویم، زهرا صفاکار، فرهنگ مردم، اصفهان، ۱۳۸۲.

۱۳. مجمع البحرین، فخرالدین طریحی، تحقیق احمد حسینی، بنیاد بعثت، قم، ۱۴۱۴ ق.

۱۴. من لا یحضره الفقیه، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بابویه قمی،- معروف به شیخ صدوق- تصحیح علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۹۲ ق.

۱۵. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، محمدبن حسن حر عاملی، مؤسسه آل البیت، بی جا، ۱۴۱۴ ق.

۱۶. هدایه الزائرین و بهجه الناظرین، عباس قمی، علمی، تبریز، ۱۳۴۳ ش.

۲. ادب نیایش

عزت اکبری

چکیده

در متون اسلامی، آیات و روایات بسیاری درباره نیایش آمده و نیز تأکید زیادی بر آن شده است و با تعابیری مانند: مغز عبادت، اسلحه مؤمن، سپر مؤمن و ... از آن نام برده اند. یکی از شرایط مهم در اجابت دعا رعایت آدابی است که در لابه لای عبارات بزرگان دین در این زمینه وارد شده است. این آداب را به سه قسمت می توان تقسیم کرد: اول، آدابی که قبل از دعا باید رعایت کرد؛ دوم، آدابی که همراه با دعا باید لحاظ شود؛ سوم، آدابی که بعد از استجابت دعا باید از آن غفلت نشود.

کلیدواژه ها: دعا، آداب دعا، تضرع، ختم دعا، صلوات.

ادب نیایش

از مضمون آیات و روایاتی که درباره دعا وارد شده، استفاده می شود که استجابت دعا امری قطعی و اجتناب ناپذیر است. اگر می بینیم دعا ظاهراً به اجابت نمی رسد، باید در این که «دعا» دعای حقیقی بوده یا نه تأمل کرد والّا دعا و اجابت از قبیل علت و معلول است، هر وقت علت آمد معلول اجتناب ناپذیر است. برخی از بزرگان، مانند صدرالمتألهین (۱) و علامه طباطبایی بر این عقیده اند که ارزش های اخلاقی از قبیل توبه، دعا و ... هرگاه تحقق پیدا کند، برکات آن آمرزش گناهان و استجابت دعا باشد تخلف ناپذیر خواهد بود.

۱- ر. ک: تفسیر ملاصدرا، ج ۴، ص ۱۵۴.

کسی که معتقد است دعا صحیح است ولی قبول نمی شود، مانند کسی است که معتقد باشد خورشید طلوع کرده و تاریکی همچنان باقی است!! و یا لباس با صابون شسته شود، اما کثیفی همچنان باقی باشد، بلکه اگر کسی بدون توجه و شرایط لازم فقط به زبان دعا کند و بگوید: دعا کردم، مثل کسی است که فقط بگوید: لباس را شستم که با این گفتار لباس اصلًا شسته نمی شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کارهای نیک گناهان را از بین می برد، همان گونه که آب آلودگی را از بین می برد. (۱) قرطبی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند: سه چیز به امت من داده شده که به هیچ کس جز انبیا داده نشده است: ۱. خداوند وقتی پیامبری را مبعوث کرد، فرمود: «ادعُونی أسْتَجِبْ لَکَ»(به صیغه مفرد)، ولی به امت پیامبر اسلام فرمود: «ادْعُونی أسْتَجِبْ لَکُمْ» (۲)

(به صیغه جمع). ۲. خداوند هنگامی که پیامبری را مبعوث کرد، فرمود:

«ما جعل علیك فی الدین من حرج»(صیغه مفرد) ولی به امت پیامبر خاتم فرمود: «وَ ما جَعَلَ عَلَیْکُمْ فی الدّینِ مِنْ حَرَجٍ» (۳)

(به صیغه جمع). خداوند در مقام تکلیف بر شما مشقت و رنج ننهاد. ۳. خداوند وقتی پیامبری را مبعوث کرد، او را گواه به قدم خود قرار داد، ولی این امت را گواهان بر مردم قرار داد. (۴) ترمذی در نوادر الاصول از خالد ربعی نقل می کند که گفت: عجیب است از این امت به آنها گفته شد: «ادْعُونی أسْتَجِبْ لَکُمْ» (۵)

به آنها دستور داده شد دعا کنید و بدون شرط وعده استجابت داده شده است، ولی در آیه «وَ بَشِّرِ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ» (۶)

عمل صالح را شرط دانسته است. (۷) شیخ صدوق نقل می کند که گروهی به امام صادق علیه السلام عرض کردند: ما دعا می کنیم،

۱- «قال النبی: إنّ الحسنات یذهبن السیئات کما یذهب الماء الوسخ».(احیاء علوم الدین، ج ۴، ص ۱۴.)

۲- سوره غافر، آیه ۶۰.

۳- سوره حج، آیه ۷۸.

۴- تفسیر قرطبی، ج ۱۵، ص ۲۱۳. «قال سمعت رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله یقول: اعطیت امتی ثلاثاً لم یعط إلّاللأنبیاء».

۵- سوره غافر، آیه ۶۰.

۶- سوره بقره، آیه ۲۵.

۷- تفسیر قرطبی، ج ۱۵، ص ۲۱۳.

ولی مستجاب نمی شود. فرمود: چون شما کسی را می خوانید که نمی شناسید. (۱) در نهج البلاغه آمده است: کسی که توفیق دعا پیدا کند، از اجابت محروم نمی شود، زیرا خداوند فرمود: «ادْعُونی أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (۲). (۳)

طبرسی در الاحتجاج نقل می کند که شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: مگر شما نمی فرمایید که خداوند فرموده: «ادْعُونی أَسْتَجِبْ لَكُمْ»؛ پس چرا ما شخص مظلومی را می بینیم دعا می کند، ولی مستجاب نمی شود؟ فرمود: وای بر تو احدی نیست که خدا را بخواند مگر این که دعای او مستجاب کند، بله دعای ظالم تا توبه نکند مستجاب نمی شود. اما دعای آدم محق مستجاب می شود و یا بدون این که خودش بفهمد بلاـ از او دور می گردد، یا پاداش آن برای روز قیامتش ذخیره می شود. (۴) آداب دعا کردن

آداب دعا کردن بسیار است، اما نگارنده آنها را گزینش نموده و به سه دسته تقسیم کرده است:

الف) آدابی که باید قبل از دعا کردن رعایت کرد

۱. طهارت با غسل و وضو و پاکیزگی لباس از آلودگی ها و مباح بودن آن.

۲. توجه به قبله و کعبه.

۳. استعمال بوی خوش.

۴. صدقه. خداوند می فرماید: «فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْواكُمْ صَدَقَةً». (۵)

پیش از دعا کردن صدقه دهید.

۵. اعتقاد به این که خداوند بر برآوردن تمام حاجت ها قادر است. خداوند متعال

۱- التوحید، ص ۲۸۸- ۲۸۹، ح ۷. «قال قوم للصادق علیه السلام ندعو فلایستجاب لنا قال: لأنّکم تدعون من لا تعرفونه».

۲- سوره غافر، آیه ۶۰.

۳- نهج البلاغه، حکمت ۱۳۵.

۴- الاحتجاج، ص ۳۴۳.

۵- سوره مجادله، آیه ۱۲.

می فرماید: «وَ لْیُؤْمِنُوا بی». (۱)

هر کس که مرا بخوانـد دعای او را اجابت کنم پس بایـد دعوت مرا بپذیرنـد و به من بگرونـد. پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله فرمود: خداوند می فرماید: کسی که مرا بخواند و بداند که ضـرر و نفع همه به دست من است، دعای او را مستجاب می کنم. (۲) ۶. حسن ظن به خداوند، یعنی نسبت به برآورده شدن حاجت خوش گمان باشد.

خداوند می فرماید: «وَ ادْعُوهُ خَوْفاً وَ طَمَعاً»؛ (۳)

خدا را هم از راه ترس و هم از روی امید بخوانید. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «

ادعوا اللّه و أنتم یوقنون بالإجابه

»؛ (۴) هنگامی که از خدا چیزی می خواهی به اجابت آن یقین داشته باشید. امام صادق علیه السلام فرمود: «

إذا دعوت فظنّ حاجتک بالباب

»؛ (۵) وقتی که دعا می کنی یقین داشته باش که حاجت تو پشت در است.

ب) آدابی که باید در حال دعا کردن رعایت شود

۱. عجله نکردن در استجابت دعا:

در آنچه بر پیـامبران گذشـته وحی شـده، آمـده است: شـما از دعـا کردن خسـته نشویـد، من از اجابت خسـته نمی شوم. گاهی موردی پیش می آیـد که مـا دعـا می کنیم و اجابت هم می شود، ولی عمل آن در خارج روی مصالحی به تأخیر می افتـد، در حالی که ما روی عجله و دستپاچگی توقع اجابت فوری آن را داریم. این مطلب شواهد بسیاری دارد، از آن جمله است داستان موسی و هارون که به درگاه خدا دعا کردند و موسی گفت: «رَبَّنا إِنَّکَ آتَیْتَ فِرْعَوْنَ وَ مَلَأَهُ زینَهً وَ أمْوالًا فی الْحَیاهِ الدُّنْیا»؛ (۶)

پروردگارا! تو به فرعون و طرفدارانش در زندگی این دنیا زیورها و مال های فراوان دادی. پروردگارا!

۱- سوره بقره، آیه ۱۸۶.

۲- ثواب الاعمال، ص ۱۸۴؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۵۳، ح ۳.

۳- سوره الاعراف، آیه ۵۶.

۴- الداعوت راوندی، ص ۳۰، ح ۶۱؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۵۳، ح ۴.

۵- الکافی، ج ۲، ص ۴۷۳، ح ۳.

۶- سوره یونس، آیه ۸۸.

تا [مردم را] از راه تو گمراه کننـد. پروردگارا! اموالشان را نابود کن و دل هایشان را سـخت گردان که ایمان نیاورنـد تا عذاب دردناك تو را ببینند. خدای متعال در جوابشان گوید: «قَدْ أُجِیبَت دَّعْوَتُکُمَا»؛ دعای شـما مسـتجاب شد. امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: میان این دعا تا غرق شدن فرعون چهل سال طول کشـید. (۱) در برخی از احادیث نیز آمـده است که امکان دارد میان دعا و اجابت بیست سال یا کم تر و بیشتر فاصله شود. (۲) ۲. پافشاری و سماجت کردن در دعا و درخواست:

پیامبر فرمود: «

إن اللّه یحبّ السائل اللجوج

»؛ (۳) خداوند دعاکننده سمج را دوست دارد.

از امام باقر علیه السلام روایت شده است: «

إنّ اللّه کره إلحاح الناس بعضهم علی بعض فی المسأله واحب ذلک لنفسه

» ؛ (۴) خداونـد سـماجت و اصـرار مردم را نسبت بـه یکـدیگر ناپسـند می دارد. امـا در مـورد خـودش دوسـت دارد. قرآن هم مداومت در دعا را توصیه می کند.

«وَ اذْکُرْ رَبَّکَ فی نَفْسِکَ تَضَرُّعاً وَ خیفَهً وَ دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ»؛ (۵)

پروردگـارت را بـه یـاد آور در درون خـود، در حـال تضـرع و پنهـان، بـدون آن که صـدای خـود را بلنـد کنی صبحگاهان و شامگاهان.

۳. نام بردن حاجت:

از حضـرت امام صادق علیه السـلام روایت شـده است: خداونـد متعال حاجت بنده ای را که دعا می کند، می داند اما دوسـت دارد که دعاکننده حوایج خود را بر او عرضه کند. (۶) ۴. پنهان دعا کردن:

دعای پنهانی برای این است که از شائبه ریا در امان باشد. خداوند عزت می فرماید:

۱- بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۷۵.

۲- همان.

۳- بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۷۴.

۴- الکافی، ج ۲، ص ۴۷۵، ح ۴.

۵- سوره اعراف، آیه ۵۵.

۶- الکافی، ج ۲، ص ۴۷۶، ح ۱؛ مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۱۱، ح ۲۷.

«ادْعُوا رَبَّکُمْ تَضَرُّعاً وَ خُفْیَهً»؛ (۱)

خدای خود را به تضرع و زاری و به صدای آهسته بخوانید.

از وجود مبارک امام هشتم علیه السلام نقل شده است که فرمود: یک دعای پنهانی معادل هفتاد دعای آشکار می باشد. (۲)

۵. نیایش دسته جمع و تعمیم در دعا:

خداوند متعال می فرماید: «وَ اصْبِرْ نَفْسَکَ مَعَ الَّذینَ یَدْعُونَ رَبَّهُمْ»؛ (۳)

همیشه خویش را با کمال شکیبایی به محبت آنان که صبح و شام خدا را می خوانند وادار کن.

امام صادق علیه السلام فرمود: «

ما اجتمع أربعه رهط علی أمر واحد فدعو اللَّه إلّاتفرّقوا عن إجابه

»؛ (۴) هرگز نشد که چهار گروه برای یک مطلب اجتماع کنند و از خداوند آن را بخواهند، مگر آن که خواسته آنها برآورده شود، قبل از آن که متفرق شوند. و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: «

ما من رهط أربعین رجلًا أجتمعوا فدعوا اللَّه فی أمر إلّااستجاب اللَّه لهم، فإن لم یکونوا أربعین فأربعه یدعون اللَّه عشرات مرّات إلّااستجاب اللَّه فإن لم یکونوا أربعه فواحد یدعو اللَّه أربعین مره یستجیب اللَّه العزیز الجبّار له

»؛ (۵) هیچ جمعیت چهل نفری نیست که خدا را بخوانند، مگر این که دعای آنها مستجاب شود، یا چهار نفر ده بار دعا کنند تا خدا دعایشان را مستجاب کند و اگر یک نفر باشد چهل مرتبه خدای را بخواند تا خداوند عزیز جبار دعای او را مستجاب کند.

۶. اظهار خشوع:

خداوند می فرماید: «ادْعُوا رَبَّکُمْ تَضَرُّعاً وَ خُفْیَهً». (۶)

۱- سوره اعراف، آیه ۵۵.

۲- الکافی، ج ۲، ص ۴۷۶، ح ۱؛ مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۱۱، ح ۲۶.

۳- سوره کهف، آیه ۲۸.

۴- ثواب الاعمال، ص ۱۱۲؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۰۴، ح ۲.

۵- الکافی، ج ۲، ص ۴۸۷؛ مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۸۷، ح ۵.

۶- سوره اعراف، آیه ۵۵.

خداوند به موسی علیه السلام وحی کرد: «یا موسی کن إذا دعوتنی خائفاً مشفقاً وجلًا، و عفّر وجهک فی التراب، و اسجدلی بمکارم بدنک و اقنت بین یدی فی القیام و ناجنی حیث تناجینی بخشیه من قلب وجل»؛ (۱) ای موسی چون مرا می خوانی ترسان، بیمناک و هراسان باش و صورتت را به خاک بگذار و برای من سجده کن و در مقابل من بایست و مناجات کن و چون به مناجات می پردازی از روی ترس و با دلی لرزان باش.

۷. مدح و ثنای الهی قبل از دعا:

امام صادق علیه السلام فرمود: «

کل دعاء لایکون فیه تمجید فهو أبتر

»؛ (۲) هر دعایی که در آن تمجید خدا نیست آن ناتمام است.

محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام نقل می کند که در کتاب علی علیه السلام آمده است: مدح و ثنای خداوند قبل از درخواست لازم است، گفتم: چگونه؟ فرمود: می گویی: «

یا من هو أقرب إلیّ من حبل الورید یا من یحول بین المرء و قلبه یا من هو بالمنظر الأعلی یا من لیس کمثله شی ء

». (۳) ۸. صلوات قبل از دعا:

امام صادق علیه السلام می فرماید: «

لا یزال الدعاء محجوباً حتّی یصلّی علی محمّد و آل محمّد

»؛ (۴) دعا در پشت حجاب می ماند، تا آن که بر محمد و آل او صلوات فرستاده شود. و نیز از آن امام همام نقل شده: «

من کانت له إلی اللّه(عزّوجل) حاجه فلیبدأ بالصلاه علی محمّد و آله ثمّ یسأل حاجته ثمّ یختم بالصلاه علی محمّد و آل محمّد فإنّ اللّه(عزّوجلّ) أکرم من أن یقبل الطرفین و یدع الوسط إذ کانت الصلاه علی محمّد و آل محمّد لا تحجب عنه

»؛ (۵) هر کس خواسته ای از خدا دارد، اول بر محمد و آل محمد درود بفرستد، سپس حاجت خود

۱- تحف العقول، ص ۷۹۰.

۲- بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۱۶.

۳- عده الداعی، ص ۱۹۹.

۴- همان، ص ۱۹۹؛ الکافی، ج ۲، ص ۴۹۱، ح ۱؛ مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۱۸، ح ۸.

۵- همان، ص ۲۰۰؛ الکافی، ج ۲، ص ۴۹۴، ح ۱۶؛ مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۱۹، ح ۱۳.

را طلب کنـد، آن گاه با صـلوات بر محمـد و آل او نیز آن را ختم کند، خداوند بزرگ تر از آن است که دعای ابتدا و انتها را قبول کند و دعای وسط را رها نماید، چراکه درود بر پیامبر و خاندان او ردّ نمی شود.

عبداللّه بن نعیم می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «

إنّی دخلت البیت و لم یحضرنی شی ء من الـدعاء إلّاالصـلاه علی محمّـد وآل محمّـد، فقال: أما إنّه لم یخرج أحـد بأفضل ممّا خرجت به

»؛ (۱) داخل مسجدالحرام شدم هیچ دعایی جز صلوات به ذهنم نرسید، حضرت فرمود: هیچ کس دست پرتر از تو از خانه خدا خارج نشده است.

۹. گریه کردن در حال دعا:

ابن فهد حلی در این باره می گوید: این ادب بهترین آداب دعا و قله بلند آن است به چندین جهت:

۱. گریه دلیل بر رقت قلب و آن دلیل بر اخلاصی که موجب استجابت دعا است.

علی علیه السلام می فرماید: «

بکاء العیون و خشیه القلوب من رحمه اللّه تعالی ذکره فإذا وجدتموها فاغتنموا الدعاء

»؛ (۲) گریه چشم و خشـیت دل از برکات و رحمت خـداست که یاد او بالا باشـد هرگاه چنین حالتی برای شـما پیـدا شد، دعا کرده و غنیمت شمارید.

حضرت اباعبداللّه الحسین علیه السلام در روز عرفه در صحرای عرفات در حال دعا چنان اشک می ریخت که گویی از مشک آب جاری است.

۲. گریه دلیل بر انقطاع امید از مردم و زیادی خشوع است. پیامبر اکرم فرمود:

«... وانه لا یدخل الناس بکی من خشیه اللّه تعالی حتی یعود اللبن إلی الضرع

». (۳) کسی که از خشیت خدا بگرید داخل آتش نمی شود، همان طور که شیر به پستان بر نمی گردد.

۳. موافقت با امر خداوند در سفارش اولیای او به گریه کردن. خداوند به عیسی علیه السلام

۱- همان.

۲- شرح دعای عرفه، ص ۱۹؛ بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۳۶.

۳- عده الداعی، ص ۲۰۱؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۷۶، ح ۸.

فرمود: «

یا عیسی هب لی من عینیک الدموع، و من قلبک الخشیه و قم علی قبور الأموات فنادهم بالصوت الرفیع فلعلّک تأخذ موعظتک منهم و قل إنّی لاحق فی اللاحقین

»؛ (۱) ای عیسی برای من از چشمانت اشک بریز و در قلبت خشیت من باشد، در قبرستان حاضر شو و آنها را صدا بزن، شاید پند بگیری و بگو: من هم به شما ملحق می شوم.

۴. در گریه ویژگی ها و فضائلی است که در طاعات دیگر یافت نمی شود. روایت شده: «

بین الجنّه و النار عقبه لا یجوزها إلّاالبکّاؤون من خشیه اللَّه تعالی

»؛ (۲) بین بهشت و جهنم گردنه هایی است که جز گریه کنندگان از خشیت خدا از آن عبور نمی کنند. امام علی علیه السلام می فرماید: «

لمّا کلّم اللَّه موسی علیه السلام قال: إلهی ما جزاء من دمعت عیناه من خشیتک قال: یا موسی أقی وجهه من حرّ النار و آمنه یوم الفزع الأکبر

»؛ (۳) موسی علیه السلام به خداوند عرض کرد: پاداش کسی که از خشیت تو بگرید چیست؟ فرمود: ای موسی او را از آتش حفظ می کنم و از ترس بزرگ آن امان می دهم. و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: «

کلّ عین باکیه یوم القیامه إلّاثلاث: عین غضت عن محارم اللَّه و عین سهرت فی طاعه اللَّه و عین بکت فی جوف اللیل من خشیه اللَّه

»؛ (۴) تمام چشم ها در روز قیامت گریان است، جز سه چشم: چشمی که از حرام های الهی بسته شده باشد؛ چشمی که در راه خدا بیداری کشیده باشد و چشمی که در دل شب از خوف خدا گریسته باشد.

۱۰. اعتراف به گناه قبل از دعا و اظهار فروتنی: (۵) امام باقر علیه السلام می فرماید: «

أوحی اللَّه تعالی إلی موسی علیه السلام: أتدری لم اصطفیتک بکلامی من دون خلقی؟ قال: لا یا ربّ قال: یا موسی إنی قلّبت عبادی ظهراً لبطن فلم أر أذلّ لی نفساً منک،

۱- همان، ص ۲۰۱؛ امالی مفید، ص ۲۳۹، ح ۷؛ امالی طوسی، ص ۱۲، ح ۱۵.

۲- همان، ص ۲۱۲، امالی صدوق، ص ۸۱؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۷۶، ح ۱۰.

۳- همان، ص ۲۰۳؛ امالی صدوق، ص ۲۷۷، ح ۸.

۴- همان، ص ۲۰۳؛ الکافی، ج ۲، ص ۴۸۲، ح ۴.

۵- مرحوم ابن فهد آداب دیگری را همراه با دعا شرط می داند، از قبیل بالا بردن دست ها، دعا برای دیگران، دعا قبل از نیاز، و حضور قلب به هنگام دعا که به خاطر اختصار در کلام از آن اجتناب می کنیم. علاقه مندان به ص ۲۱۱ الی ۲۳۲ آن کتاب رجوع نمایند.

إنّک إذا صلّیت وضعت خدّیک علی التراب

»؛ (۱) خداوند به موسی علیه السلام وحی کرد: می دانی چرا تو را از میان بندگانم به عنوان کلیم اللّه انتخاب کردم؟ گفت: نه. خداوند فرمود: ای موسی در میان آنها کسی را فروتن تر از تو نسبت به خود ندیدم، تو وقتی نماز می خوانی گونه هایت را به خاک می گذاری.

ابن فهد بعد از نقل احادیث گوناگون و ارزشمندی در این باره می نویسد: اقرار به گناه در پیشگاه خداوند پنج فایده دارد: ۱. بریدن امید از همه و توجه به سوی خدا، ۲. شکستن قلب، ۳. رسیدن به اخلاص بر اثر شکسته شدن دل، ۴. چه بسا اقرار به گناه سبب گریه که بهترین آداب دعاست می شود، ۵. موافقت با امر امام صادق علیه السلام. (۲) ج) آداب بعد از دعا

ابن فهد حلی با توجه به روایات آدابی را برای بعد از دعا به شرح ذیل بیان می کند:

اول: تکرار دعا، چه دعا به هدف اجابت رسیده باشد یا ظاهراً نرسیده باشد. اگر دعا به اجابت رسیده باشد ترک آن ستم است، بلکه شایسته است که دعا و ثنا را تکرار کنی، زیرا خداوند کسانی که دعا را بعد از رسیدن به هدف رها می کنند توبیخ کرده می فرماید: «وَ إذا مَسَّ اَلْإِنْسانَ ضُرٌّ دَعا رَبَّهُ مُنیباً إِلَیْهِ ثُمَّ إذا خَوَّلَهُ نِعْمَهً مِنْهُ نَسِیَ ما کانَ یَدْعُوا إِلَیْهِ مِنْ قَبْلُ»؛ (۳)

هرگاه برای انسان فقر و مصیبتی پیش آید، با دعا و توبه به درگاه خدا رود و چون نعمت و ثروت به او عطا شود، خدایی را که پیش از این می خواند به کلی فراموش نماید.

اگر دعا مستجاب نشد، باز هم نباید دعا رها شود، چه بسا تأخیر به خاطر این باشد که خداوند دوست دارد صدای بنده اش را بشنود، لذا شایسته نیست چیزی را که خدا دوست دارد ترک بکند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «

رحمه اللّه عبداً طلب من اللّه حاجه فألحّ فی الدعاء استجیب له أو لم یستجب له و تلا هذه الآیه

: «وَأَدْعُوا رَبّی عَسَی أَلَّآ أَکُونَ بِدُعَآءِ رَبّی

۱- عده الداعی، ص ۲۰۹؛ الکافی، ج ۲، ص ۱۲۳، ح ۷؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۳۲، ح ۹۷۵.

۲- عده الداعی، ص ۲۱۱.

۳- سوره زمر، آیه ۸.

شَقِيًّا»؛ (۱)

خدا رحمت کند بنده ای را که بر دعا اصرار می ورزد. به اجابت برسد یا نرسد.

سپس این آیه را تلاوت فرمود: من خدای یکتا را می خوانم و امیدوارم که مرا از درگاه لطفش محروم نگرداند.

و نیز امام باقر علیه السلام فرمود: «

لا يلحّ عبداً مؤمن على اللَّه فى حاجته إلّاقضاها له

»؛ هر بنده مؤمنی که در دعا اصرار ورزد، خداوند حاجتش را بر آورده سازد.

ابن فهد در ادامه می نویسد: شخص عاقل بسیار دعا می کند و اصلًا دعایش را قطع نمی کند، به چند جهت: (۲) ۱. به خاطر فضیلتی که دعا دارد که از آن تعبیر به مغز عبادت شده است.

۲. برخورداری از امتیاز دعا قبل از بلا، چه بسا بلایی مقدّر باشد و با دعا رفع شود.

۳. وقتی زیاد دعا کنی صدایت نزد آسمان ها شناخته می شود و چون به هنگام احتیاج دعا کنی ردّ نخواهد شد.

۴. برخورداری از دعای پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود: «

رحم اللَّه عبداً طلب من اللَّه

». (۳) ۵. اگر صدای تو محبوب پروردگار باشد، کاری را انجام داده ای که خدا دوست دارد و اگر محبوب هم نباشد خداوند کریم و رحیم است، چه بسا به خاطر تکرار دعا به تو رحم کند، چگونه این طور نباشد که هر شب منادی پروردگار ندا می کند: آیا کسی هست که دعا کند و اجابت کنم (۴) و نمی بینی که امام معصوم فرمود: هرگاه دری زیاد کوبیده شود باز می شود. (۵) ۶. به فوز محبت الهی برسی که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «

إنّ اللَّه يحبّ من عباده كلّ دعّاء

»؛ (۶) خداوند بنده بسیار دعاکننده را دوست دارد.

۱- سوره مریم، آیه ۴۸.

۲- عده الداعی، ص ۲۳۶.

۳- همان، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۶۹، ح ۴ و ۷۹.

۴- همان.

۵- همان.

۶- الکافی، ج ۲، ص ۴۷۸، ح ۹؛ ثواب الاعمال، ص ۱۹۳، ح ۱.

۷. تأسی به امام علی علیه السلام که امام صادق علیه السلام فرمود: «

کان أمیر المؤمنین رجلًا دعّاء

»؛ (۱) امیر المؤمنین بسیار دعا می کرد.

دوم: کشیدن دست ها به صورت. ابن قداح از امام صادق علیه السلام نقل می کند: «

ما ابرز عبداً یده إلی اللَّه العزیز الجبّار إلّااستحیی اللَّه أن یردّها صفراً فإذا دعا أحدکم فلا یرد یده حتّی یمسح علی وجهه و رأسه

»؛ (۲) بنده دستش را به سوی خدا دراز نمی کند، مگر این که خداوند حیا می کند آن را خالی برگرداند، وقتی دعا می کنید دست خود را به سر و صورت بکشید.

سوم: دعا را با صلوات ختم کند. (۳) چهارم: بعد از دعا بگوید: «ما شاء اللَّه لا حول و لا قوّه إلّاباللَّه». (۴) پنجم: پس از دعا بهتر از قبل از دعا باشد. چه بسا گناهان بعد از دعا مانع استجابت دعا شود. در ادعیه اهل بیت آمده: «أعوذ بک من الذنوب التی تردّ الدعا»؛ (۵) پناه می برم به تو از گناهانی که مانع استجابت دعا می شود. گناهانی که مانع قبولی دعا می شود، عبارت اند از: سوء نیت، پلیدی باطن، نفاق با برادران، عدم اعتقاد به اجابت دعا، به تأخیر انداختن نمازها تا این که وقت آن بگذرد. (۶)

۱- الکافی، ج ۲، ص ۴۶۸، ح ۸؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۶، ح ۳.

۲- عده الداعی، ص ۲۴۴؛ الکافی، ج ۲، ص ۴۷۱، ح ۲؛ مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۱۴.

۳- توضیح آن قبلًا گذشت.

۴- المحاسن، ج ۱، ص ۱۱۳، ح ۶۰؛ الکافی، ج ۲، ص ۵۲۱، ح ۱.

۵- همان.

۶- همان.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.

۲. احیاء علوم الدین، ابوحامد محمّد غزالی، شرکت انتشار علمی فرهنگی، ۱۳۵۱، تهران.

۳. الاحتجاج، ابی منصور طبرسی، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۰ ق، بیروت.

۴. الکافی، محمد کلینی، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷، تهران.

۵. امالی، محمدبن علی ابن بابویه(صدوق)، کتابچی، ۱۳۸۰، تهران.

۶. بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳، تهران.

۷. تحف العقول، حسن بن علی ابن شعبه حرانی، امیرکبیر، ۱۳۶۷، تهران.

۸. تفسیر القرآن الکریم، محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، دار التعارف، بیروت.

۹. الجامع لأحکام القرآن، محمد بن احمد قرطبی، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۳ ق، بیروت.

۱۰. شرح دعای عرفه، محمدباقر مدرس بستان آبادی، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹، تهران.

۱۱. عده الداعی، ابن فهد حلّی، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۳۶۸، قم.

۱۲. کنز الدقائق و بحر الغرائب، محمدرضا قمی مشهدی، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ق، تهران.

۱۳. من لا یحضره الفقیه، محمدبن علی ابن بابویه(صدوق)، جامعه مدرسین، بی تا، قم.

۱۴. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبایی، جامعه مدرسین، بی تا، قم.

۱۵. نهج البلاغه، گردآوری سید رضی.

۱۶. وسائل الشیعه، محمد بن حسن حرّ عاملی، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق، بیروت.

ص: ۶۶۳

بخش پنج: آثار و فواید زیارت

۱. بررسی تأثیر دعا با تأکید بر فرایندهای شناختی

سید مهران حسینی (۱)

چکیده

سیستم پردازش اطلاعات انسان دارای دو بخش مغز و فرایندهای شناختی می باشد. بررسی ها نشان می دهد که بخش پیشانی، منطقه قدامی و میانی سینگولا در مغز انسان جایگاه پردازش اطلاعات مربوط به دعاست. در هنگام دعا خواندن، در جایگاه مشخصی از مغز ما برانگیختگی و فعالیت آغاز می شود. این فعالیت شامل پردازش کلمات دعا می باشد، که سبب فراخوانی اطلاعات ذخیره شده در حافظه می گردد. و نیز در کنار شناسایی معانی کلمات دعا، رویدادها و خاطرات مربوطه خوانده می شود. در نتیجه سبب کاهش استرس، فشار خون و ضربان قلب شده و به ما توانایی مواجهه صحیح با رخ دادهای پرمخاطره را می دهد. در این مقاله با اشاره به جایگاه و اهمیت دعا، فرایند دعا و زیارت با تأکید بر الگوهای مطرح در روان شناسی تبیین شده است.

کلیدواژه ها: دعا، روان شناسی، استرس، تأثیر دعا، بهداشت روانی.

مقدّمه

با تأمل در آیات قرآن و سخنان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام تردیدی درباره اهمیت دعا (۲) و نقش سازنده آن در زندگی انسان باقی نمی ماند. در دین مبین اسلام

۱- کارشناس ارشد روان شناسی بالینی.

۲- در فرهنگ فارسی معین دعا، خواندن جمله هایی از پیامبر و امامان در اوقات معین برای طلب آمرزش وبرآورده شدن حاجات، نیایش کردن و درخواست حاجات از خداوند تعریف شده است.

اهمیت دعـا همواره مورد تأکیـد قرار گرفته است. یکی از مکـان های مقدسـی که دعا به اجابت می رسـد، زیارتگاه ها و قبور معصومان است که زیارت آنها در آموزه های دینی سفارش شده است. برخی از آیات قرآن که در آن به دعا اشاره شده است عبارت اند از:

«مرا بخوانید و درخواست کنید تا پاسخ دهم». (۱) «برای خدا نام های نیک است، پس او را به وسیله آنها بخوانید و دعا کنید». (۲) «ای پیامبر نبایـد آنان را که هر صـبحگاه و شـبانگاه خـدا را می خوانند از نزد خود برانی». (۳) «ای رسـول من بگو: اگر به سوی خدا متوجه نشوید و دعا نکنید، پروردگارم به شـما اعتنا نخواهد کرد». (۴) «خدای خود را به تضـرع و زاری و به صدای آهسته بخوانید». (۵) «و چون بندگان من از دوری و نزدیکی من از تو پرسـند، بدانند که من به آنها نزدیک هستم و هر که مرا بخواند دعای او را اجابت کنم». (۶) «و پروردگار دعای آنان که به خدا ایمان آورده و نیکوکار شوند مستجاب می گرداند و از فضل و کرم خود بر ثواب آنها می افزایـد». (۷) «زکریا پروردگارش را گفت: ای پروردگار من مرا از نزدت فرزنـدی پاکیزه ببخش به درستی که تو شـنونده دعـایی». (۸) «زکریـا عرض کرد: پروردگارا اسـتخوان من سـست گشت و فروغ پیری بر سـرم بتافت و با وجود این، من خود را هرگز از دعا به درگاه کرم تو محروم از عطای(بی انتهای) تو ندانسته ام». (۹)

۱- سوره غافر، آیه ۶۳.

۲- سوره اعراف، آیه ۱۸۰.

۳- سوره انعام، آیه ۵۳.

۴- سوره فرقان، آیه ۷۷.

۵- سوره اعراف، آیه ۵۵.

۶- سوره بقره، آیه ۱۸۶.

۷- سوره شوری، آیه ۲۶.

۸- سوره آل عمران، آیه ۳۴.

۹- سوره مریم، آیه ۴.

«پس موسـی دعا کرد که ای خدا اینان مردمی سـخت مجرم و بدکارند». (۱) «نوح به درگاه خـدا دعا کرد که من مغلوب قوم شده ام، مرا یاری فرما». (۲) همچنین در حدیث قدسـی آمده است: «ای موسی آنچه احتیاج داری از من درخواست کن، حتی علوفه گوسـفندت و نمک خمیرت را از من بخواه». (۳) از سوی دیگر، پیامبر اسـلام حضـرت محمّد صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام نیز بر اهمیت دعا تأکید فرموده اند از جمله:

پیامبر صـلی الله علیه و آله: «دعا مغز عبادت است، هیـچ کس از اهل دعا به هلاکت نمی رسد». (۴) امام علی علیه السلام: «دعا کلیـدهای نجات و کامیابی و گنجینه های رسـتگاری است». (۵) امام علی علیه السـلام: «آن خدایی که گنجینه های آسـمان و زمین در دست اوست تو را در دعـا رخصت داده و پـذیرفتن دعـایت را برعهـده نهاده، و به تو فرموده که از او بخواهی تا به تو بدهد». (۶) امـام صـادق علیه السـلام: «دعا درمان هر دردی است». (۷) امـام رضـا علیه السـلام: «به راستی که دعا و بلا تا روز قیـامت با یکـدیگر باشـند و محققاً دعا بلای مبرم را بر می گردانـد». (۸) امـام صادق علیه السـلام: «دعا کن و مگو کارها تمام شده است». (۹) سـال هاست پژوهشـگران موضوع دعا و تأثیر آن بر انسان را بررسـی می کننـد. آنان در حوزه های مختلف از جمله فیزیولوژی، پزشـکی و روان شناسـی سعی دارند تا تأثیر دعا بر انسان را کشف نمایند(مک نامارا، ۲۰۰۲؛ هریس، ۱۹۹۹؛ بایرد، ۱۹۸۸؛ بنسون، ۱۹۷۸؛ گلدمن، ۱۹۹۰). این در حالی است که در چند سال اخیر روان شناسی

۱- سوره دخان، آیه ۲۲.

۲- سوره قمر، آیه ۱۱.

۳- المیزان، ج ۲، ص ۴۹.

۴- بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۳۰۰.

۵- اصول کافی، ج، ص ۲۳۰.

۶- نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۷- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۳۴.

۸- همان، ص ۲۳۲.

۹- همان، ص ۲۲۹.

شناختی به عنوان یکی از شاخه های مهم علم روان شناسی نیز به بررسی فرایند شناخت پرداخته است(کالمن، ۲۰۰۱). روان شناسان شناختی سعی دارند دریابند که کارکردهای شناختی مغز انسان چیست و اعمال شناختی انسان از جمله دعا چه فرایندهایی را شامل می شود. با توجه به اهمیت نقش دعا به ویژه در زندگی امروزی انسان که بیش از هر زمان دیگری نیازمند یاری خداوند متعال است. در این مقاله سعی بر آن است تا به این پرسش ها پاسخ داده شود که آیا دعا بر جسم انسان تأثیر می گذارد؟

دعا از چه الگوهای شناختی تبعیت می کند؟ فرایندهای شناختی در دعا چگونه تبیین می شوند؟

تأثیر دعا بر انسان

شاید در نگاه اول این موضوع که دعا بر جسم انسان و نحوه فعالیت اعضای بدن او تأثیر می گذارد، عجیب به نظر برسد. پژوهش های بی شماری که در این زمینه صورت گرفته است و در این جا به برخی از آنها اشاره می کنیم، این موضوع را اثبات می کنند.

طی قرن ها دعا همواره به عنوان راهی برای رهایی انسان از رنج هایش به کار برده شده است(داسی، ۱۹۹۷). دعای قلبی(دعا بدون آوردن کلام بر زبان) بخش زیادی از زندگی ما را شامل می شود(برونسکی، ۱۹۷۸). سادیا(۱۹۹۱) معتقد است که دعا به عنوان یکی از راهبردهای مقابله ای (۱) مهم برای کاهش استرس ناشی از بیماری ها و رویدادهای ناگوار به کار می رود. مذهب و دعا به بیماران کمک می کند تا آنها بتوانند از خودشان مراقبت کنند و نیز بتوانند به خوبی با بیماری ها و در برابر رویدادهای پراسترس زندگی مقابله کنند(کایی، ۱۹۹۱).

مک نامارا(۲۰۰۲) این فرضیه را آزمود که بخشی از علت شرکت کردن مردم در مراسم مذهبی مانند زیارت معصومان و دعا به برانگیختگی منطقه پیشانی مغز مربوط

۱- Coping strategies

می شود. برانگیختگی منـاطق پیشانی، هم به طور ذاتی و بی واسـطه از اهمیت و مزیت فراوانی برخوردار می باشـد و هم لازمه کسـب بسیاری از رفتارهـایی اسـت کـه مـذاهب در جست وجـوی پرورش دادن آن در انسـان هسـتند، شامـل این که شـخص احساس مسئولیت کند، تنظیم کردن هیجان و تکانه، همدلی، بینش اخلاقی، امید و خوشبینی.

هر چند آزمون های مستقیم برای تعیین دقیق و تأیید این موضوع هنوز وجود ندارد، با این حال شواهد قوی در این زمینه مطرح است. بررسـی هـای تصویربرداری مغز، وجود مقـادیر برانگیختگی زیـاد در بخش پیشـین(قـدامی) و افزایش جریان خون را در مناطق پیشانی مغز در هنگام دعا کردن، به ویژه در مکان های مقدس و زیارتگاه ها، به اثبات رسانده است.

در بررسـی مشـخص شـد که دعـا نقش زیـادی در مـداخله خودیـاری (۱) برای اشـخاص مبتلاـ به التهـاب مفاصـل (۲) داشته است(آرکوری، ۱۹۹۶). در پژوهش دیگری نیز مشـخص شـد کـه ۹۶ درصـد بیمـاران که تحت عمـل جراحی قلب قرار گرفته بودنــد، از دعـا بـه عنـوان یـک مکـانیسم مقـابله بـا اسـترس جراحی قلـب اسـتفاده کرده بودنــد(سادیـا، ۱۹۹۱). در پژوهش هاولی(۱۹۹۸) که در زمینه بررسـی تأثیر تجارب و معنای دعای بیمارانی که تحت عمل جراحی قلب قرار گرفته بودند، صورت گرفت مشخص شد که بیماران با دانستن این مطلب که خداوند دعاهایشان را می شنود و به آنها هنگامی که در جست وجوی آرامش هستند پاسخ می دهد، از آرامش روحی برخوردار می شدند.

همچنین ترنسی و ویلیارد(۲۰۰۷) با بررسـی بیمارانی که تحت عمل جراحی قلب باز قرار گرفته بودنـد، دریافتند دعا کردن در بهبود سریع آنان نقش مؤثری داشته و دعا بر کنترل نشانگان استرس نیز مؤثر بوده است.

دعا همچنین تأثیر مثبتی بر بیماران مبتلا به اضطراب، افسردگی و کمبود عزت

۱- Self- help.

۲- Arthritis

نفس (۱) داشته است(اولاویری، ۱۹۹۷) ..

این در حالی است که دعا و نیایش منظم همبستگی (۲) مثبت با بهداشت روانی بهتر شخص دارد و دینداری و دعا کردن با سطوح بالای همدلی، بینش اخلاقی، خودبازنگری (۳) و دیگر رفتارهای مثبت، و همبستگی منفی با افسردگی، تکانشی بودن (۴) و رفتارهای خطرناک دارد. یافته های دیگر نیز نشان داده است که خودبازنگری، همدلی، امید و بینش اخلاقی با کارکرد سالم مناطق پیشانی مغز در ارتباط می باشند، در حالی که افسردگی، تکانشی بودن، سوء مصرف مواد و الکل با بدکاری این مناطق مرتبطاند(مک نامارا، ۲۰۰۲). همچنین در قالب استفاده از درمان های رفتاری- شناختی، (۵) نقش و تأثیر دعا، به ویژه در زمینه درمان اختلال افسردگی از اهمیت بالایی برخوردار می باشد(مورلی، ۲۰۰۳). بررسی های فیزیولوژیک نیز تأثیر جسمانی دعا را نشان داده است. این تأثیر شامل پایین آوردن ضربان و فشار خون، میزان و تعداد تنفس، کاهش مصرف اکسیژن و تغییر در الگوهای

GEE

(۶) است(بنسون، ۱۹۷۸) ..

جوینگ و والاس(۱۹۹۲) در بررسی خود به نقش دعا و تأثیر آن بر پاسخ آرامش (۷) و افزایش در میزان پاسخ گالوانیک پوست در تمرینات مراقبه اشاره کردند. از سوی دیگر، (۸ IRMF) آزمودنی هایی که زمان زیادی را صرف دعا می کنند نشان داد که

۱- Self -esteem

۲- Correlation

۳- Self- Monitoring

۴- Impulsive

۵- Cehavioral- Behavioral.

۶- Electroencep halogram(EEG)

۷- Relaxation Response

۸- روش تصویر برداری بازتاب مغناطیسی عملکرد یا) FMRI(Functional Magnetic Resonance I maging از پیشرفته ترین شیوه های بررسی فعالیت مغز است. در بررسی استندیش و همکاران(۲۰۰۵)، دریافت محرک و کارکرد نواحی خاصی از مغز با استفاده از FMRI تأیید شد. به طور کلی با استفاده از این روش رفتارهای شناختی شخص بررسی می شود و کشف مراحل و فرایندهای شناختی هدفی قابل دستیابی است(وردن، ۲۰۰۵؛ گابریلی، ۱۹۹۶؛ تانگ، ۲۰۰۵).

سیگنال های کلی در FMRI کاهش می یابد. به طور مشخص ساختارهای عصبی در برگیرنده توجه کردن است و آن تحت کنترل سیستم عصبی خودکار (۱) می باشد، در این حال دعای زیاد ممکن است تفاوت معناداری در کنترل فیزیولوژیک کارکردهای متابولیک نشان بدهد(گلدمن، ۱۹۹۰). در بررسی استندیش و همکاران(۲۰۰۵) با استفاده از FMRI مشخص شد که میزان قصدمندی (۲) شخص برای انجام امور مذهبی از قبیل دعا با برانگیختگی نواحی خاصی از مغز، از جمله منطقه پیشانی مغز، منطقه پیشین(قدامی) و میانی سینگولا (۳) مرتبط است ..

از سوی دیگر، رویکردهای مذهبی و دعا نقش مؤثری در درمان بیماری های روان تنی (۴) دارند(هریس، ۱۹۹۹). بایرد(۱۹۸۸) در بررسی های خود به نقش سیستم های غدد درون ریز و تأثیر مثبت دعا بر فعالیت آن اشاره کرده است. همچنین بانتیا و همکاران(۲۰۰۷) میزان دعا، نشانگان جسمانی و کیفیت زندگی را بررسی کردند. آنان دریافتند سطح متوسط و پایین درآمد با میزان دعا، مذهبی بودن و سلامت جسمانی ارتباط مستقیم دارد. (۵) دیویدسون و همکاران(۱۹۸۴) نیز نتایجی را گزارش کردند که حاکی از کاهش قابل توجه میزان اضطرابی در گروه هایی بود که به صورت طولانی مدت به دعا می پرداختند. از سوی دیگر از آن جا که فعالیت های مذهبی نظیر

۱- Autonomic nervous system

۲- Intentionaly

۳- Cingulate

۴- بیماری های روان تنی یا Psychosomatic، بیماری هایی است که در آن شکایات بدنی همراه با ضایعات و آسیب های بافتی همراه می باشد، ولی علت آن روانی است، مانند اختلالات معدی- روده ای، اختلالات قلبی- عروقی، سردردهای میگرنی، اختلال های پوستی(آزاد، ۱۳۷۸).

۵- بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران حضرت امام خمینی قدس سره سال ها پیش بر اهمیت ساده زیستی و مضرات خوی کاخ نشینی تأکید فرمودند(صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۲۱۷).

دعا کردن بر ویژگی های شـناختی مبتنی است که با فعالیت حافظه و بخش هایی از سیسـتم لیمبیک در ارتباط می باشـند، این قبیـل فعـالیت هـا اگر به صورت مناسب انتخاب شونـد می تواننـد در بهبود بزرگسالانی که مبتلا به زوال عقل (۱) هستند مفید واقع شونـد(ونسی، ۲۰۰۵). (اسـتین ۱۹۹۷) تـأثیر سودمنـدی دعـا کردن بر کـاهش اسـترس را گزارش کرد. الکسانـدر و همکاران(۱۹۹۴) هم دریافتنـد که براساس مطالعات همه گیرشناسـی، کسانی که به دعا می پردازنـد، به طور معناداری کم تر بیمـار، بستری، ویزیـت سـرپایی می شونـد و هزینـه درمـانی کـم تری را در مقـایسه بـا گروه هـای کنـترل متحمـل می گردد. آنرو(۲۰۰۷) نیز بر نقش دعا در مـدیریت درد (۲) تأکیـد کرده است. به طور کلی در زمینه نقش دعـا و تأثیر آن از سال ۲۰۰۰ میلادی تاکنون این جهت گیری در مقالات پژوهشی مطرح است که معنویت و ورود آن به فرایند درمان نقش تسهیل کننده و کمک کننده به پیشرفت درمان های جسمانی و روانی دارد(هلمیکی، ۲۰۰۷).

الگوهای شناختی تبیین کننده فرایند دعا

بررسـی روان شناختی (۳) فراینـدهای مـذهبی نظیر دعا، موضوع جدیـدی نیست. برای مثال آغازگر برجسـته در زمینه بررسـی روان شـناختی مذهب، تحقیقات فخنر در حوزه پسـیکوفیزیک (۴)(روان- فیزیـک) در اکتبر سال ۱۸۵۰ می باشـد که در بیشتر کتاب های تاریخی این واقعیت نادیـده گرفته شده است. به عقیده فخنر پسـیکوفیزیک به عنوان ارتباط دهنده دنیای روحانی با دنیای مادی تلقی می شود. با وجود این وونت، کسـی که بیشتر از او به عنوان پدر روان شناسـی علمی یاد شده است، کم تر از این عقاید فخنر که قابل توجه هستند، استفاده کرده است(بالس، ۱۹۹۳). در چند سال

۱- Dementia

۲- در فرهنگ وبستر(۲۰۰۳) مدیریت درد یا PainManagement این گونه تعریف شـده است: فرایندمهیا کردن مراقبت هایی که درد را تسکین یا کاهش دهد.

۳- Psychological

۴- Psychophysic

اخیر روان شناسی شناختی به عنوان یکی از شاخه های مهم علم روان شناسی به بررسی فرایند شناخت شامل توجه، (۱) ادراک، (۲) حافظه، یادگیری ، تفکر ، زبان ، حل ..... مسأله (۳) و تصمیم گیری پرداخته است(کالمن، ۲۰۰۱). موضوع دعا و تأثیر آن از جنبه. شناختی نیز مورد توجه پژوهشگران(مک نامارا، ۲۰۰۲؛ سیگال و همکاران، ۲۰۰۲؛ باتسون، ۱۹۹۳؛ کانلی، ۲۰۰۴؛ استین و همکاران، ۲۰۰۰؛ پاراگامنک، ۱۹۹۷) قرار گرفته است. آنان دریافتند که در بسیاری از مذاهب در غرب و شرق از اشکال مختلف دعای تعمقی در قالب فرایندهای روحانی و شفادهنده استفاده شده است(سیگال و همکاران، ۲۰۰۲). مکان فرایندهای شناختی مغز است که در انسان از دو نیمکره چپ و راست تشکیل شده است. هر نیمکره نیز به چهار قطعه پیشانی، (۴) آهیانه ای، پس. سری (۵) و گیجگاهی تقسیم می شود. به طور کلی مراکز اعمال شناختی و حرکتی. انسان در این مناطق واقع شده است(هافمن و همکاران، ۱۹۹۴).

همچنین حافظه از جمله بخش هایی است که در فرایندهای شناختی از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد. حافظه، به معنی فرایند ذهنی کسب و نگهداری اطلاعات برای یادآوری بعدی و نیز سیستم اندوزش ذهنی می باشد که قادر به انجام این فرایندهاست. حافظه شامل سه فعالیت ذهنی متفاوت کسب اطلاعات(یادگیری)، نگهداری اطلاعات و بازیابی اطلاعات است(ملتون، ۱۹۶۳). روان شناسان معمولاً حافظه را به سه نوع حسی، (۶)

۱- Attention

۲- Perception

۳- Problem Solving

۴- Frontal

۵- Occipital .

۶- Sensory Memory .

کوتاه مدت، (۱) و بلند مدت (۲)(یا حافظه معنایی) تقسیم می کنند(لوفتاس، ۱۹۹۲).

.. انسان هنگامی که دعایی را می شنود یا دعایی را می خواند، کلمات دعا ابتدا وارد حافظه حسی، که مخزن اطلاعات حسی و یک سیستم حافظه بسیار کوتاه مدت است، می شود. مغز انسان هر آنچه از این طریق دریافت می کند، برای مدت زمان کوتاهی(در حدود یک ثانیه) در خود نگهداری می کند(پاپالیا، ۱۹۹۲). اطلاعات در حافظه به سرعت از دست می روند، مگر آن که به حافظه کوتاه مدت منتقل شوند. در حافظه کوتاه مدت اطلاعات برای مدت زمان بیشتری(در حدود پانزده تا بیست ثانیه) ذخیره می گردد و اگر اطلاعات مورد مرور ذهنی (۳) قرار بگیرد می تواند به حافظه بلند مدت منتقل شود و برای مدت زمان بیشتری(ماه و سال) در حافظه باقی بماند.

به عبارت دیگر، اگر شخص دعایی را که برای نخستین بار می شنود، یا می بیند، تکرار کند، این دعا به حافظه بلند مدت او می رود و قادر خواهد بود آن را برای مدت زمان بیشتری نگهداری کند. حافظه این توانایی را دارد که اطلاعاتی را که به حافظه بلند مدت فرستاده شده است، بار دیگر با فرایند بازیابی (۴) به حافظه کوتاه مدت فراخواند. جالب این که اطلاعاتی که برای شخص از اهمیت برخوردار نباشد، و مورد توجه قرار نگیرد یا مرور ذهنی آن به خوبی انجام نشده باشد، فراموش خواهد شد(هافمن و همکاران، ۱۹۹۴). در شکل(۵) انواع حافظه و ارتباط میان آن نشان داده شده است. باید توجه داشت ورود اطلاعات به حافظه بلند مدت تضمین کننده این نیست که شخص برای همیشه به آن اطلاعات دسترسی خواهد داشت و اگر برای مدت زمان طولانی شخص به بازیابی این اطلاعات نپردازد فراموشی(جزیی یا کلی) رخ خواهد داد.

۱- Short Term Memory

۲- High Term Memory

۳- Rehearsal

۴- Retrieval

۵- Short Term Memory

شکل(۱) انواع حافظه و ارتباط میان آنها.(هافمن و همکاران، ۱۹۹۴)

گذشته از نحوه فرایند ذخیره سازی اطلاعات در حافظه، شخص هنگامی که به خواندن دعا می پردازد، فرایندهای شناختی نیز با هدف درک بهتر موضوع فعال می شوند. براساس رویکرد پردازش اطلاعات (۲) که تغییر شکل یافته الگوی اتکینسون و شیفرین است، سخت افزار در این رویکرد، شامل سه مؤلفه حافظه یعنی حافظه حسی، حافظه کوتاه مدت و حافظه بلند مدت است. هر چند شخص با خواندن یا شنیدن دعا، ورود درون داد (۳) به این الگو را خاتمه می دهد، اما محرک محیطی(خواندن یا شنیدن دعا) در سیستم پردازش جریان می یابد. بخشی از اطلاعات(دعا) که مورد توجه شخص قرار گرفته و رمزگردانی (۴)(عمل رمزی کردن یک درون داد) شده است، به حافظه کوتاه مدت فرستاده می شود و حافظه کوتاه مدت به طور موقت با بکارگیری چند فرایند کنترل به مرتب کردن آنها می پردازد و مجموعه آن را به حافظه بلند مدت انتقال دهد(هالیوک، ۱۹۸۴). اما براساس الگوی فرایند، (۵) با روش ساده به تبیین فرایند شناختی پرداخته شده است.

۱- Information Processing Approach

۲- Information Processing Approach

۳- Input

۴- Encoding

۵- Process Model.

به طور کلی، الگوی فرایند عبارت است از فرضیه هایی درباره فرایندهای ذهنی خاص که وقتی تکلیف خاصی شکل می گیرد، روی می دهد(نیسر، ۱۹۷۶). طبق این الگو نخستین گام در پردازش، هنگامی که شخص دعایی را می خواند یا می شنود، رمز گردانی محرک هاست. به این صورت که زنجیره حروف پس از دریافت شدن(به صورت بصری یا شنیداری) به مکانیسم نگهداری حافظه کوتاه مدت یا حافظه کاربردی منتقل می شود. در این مرحله حافظه کوتاه مدت از حافظه بلند مدت می پرسد که در آن جا چه محرک هایی شبیه آن ذخیره شده اند(آلن، ۱۹۹۰). این مرحله جست وجو شامل تفکر کردن است. به نظر می رسد مرحله جست وجو در پردازش، تا حدود زیادی تحت تأثیر فراوانی کلمه قرار داشته باشد. به عنوان نمونه در کلماتی که در زبانمان به صورت مداوم بکار می روند(خداوند، نام پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام) یا در مورد کلماتی که به تعداد دفعات زیاد در حافظه ذخیره شده اند جست وجو با دقت و سرعت بیشتری صورت می گیرد(لوگان، ۱۹۸۸).

شکل(۲) نیمکره های چپ و راست مغز و مناطق پردازش اطلاعات را نشان داده است.(سولسو، ۱۹۹۸)

به طور کلی هر عاملی که بر جست وجو در حافظه بلند مدت تأثیر بگذارد، در واقع مرحله جست وجو را در پردازش تحت تأثیر خود قرار می دهد و تفاوت هایی را در زمان یا دقت به وجود می آورد. باید توجه داشت پردازش اطلاعات براساس نوع آن در مناطق مختلف مغز صورت می گیرد. همانطور که در شکل(۲) نشان داده شده

است، در قسمت بالاـ دو بخش جانبی چپ و راست نیمکره های مغز و در قسمت پایین دو بخش میانی نیمکره های مغز از مرکز و از جلو به عقب به دو بخش برش داده شده و بخش های درونی آن تعیین شده است. با استفاده از اشکال هندسی بخش های مختلف مغز که در فرایند توجه فعال می باشند مشخص می باشند. به ترتیب مربع ها بخش های دربرگیرنده شبکه توجه، مثلث نشانگر بخشی است که با ترصد مرتبط است و لوزی نشانگر بخش پیشین شبکه توجه، دایره و بیضی نیز نشانگر بخش های فعال در پردازش کلمه و ایجاد ارتباطهای معنایی با اشکال بصری کلمه می باشد(سولسو، ۱۹۹۸).

با این حال برخی معتقدند پردازش دعا در مغز انسان(صرف نظر از مکان آن) به صورت پردازش مرحله های متوالی (۱) صورت می گیرد. براساس این نظر فرایندها یا مراحل متوالی پردازش وجود دارند. به طوری که هر بار شخص دعایی می خواند، مجموعه ای از مراحل روی می دهند که آنها پردازش ذهنی آن جمله یا عبارت را توجیه می کنند. ترتیب این مراحل عمدتاً ثابت می باشند، به طوری که هر مرحله نتیجه ای را تدارک می بیند که برای انجام عمل در مرحله بعدی نیاز است. به عبارت دیگر پردازش متوالی نه فقط روشی است که توالی مراحل را ثابت می کند بلکه به طور ضمنی به این نکته اشاره دارد که مراحل به دقت یکی پس از دیگری انجام می شوند. هر چند برخی معتقدند مراحل پردازش به صورت مستقل و فاقد همپوشی روی می دهند و این گونه فرض شده است که عمل هر مرحله منفرد به طور کامل پایان می پذیرد، سپس مرحله بعدی آغاز می شود و هر مرحله منفرد بر سایر مراحل تأثیر ندارد و آنها را در بر نمی گیرد(دعایی را در نظر بگیرید، بر این اساس هر یک از کلمات به صورت مجزا پردازش می شوند). بررسی های جدید فرض هایی که در مورد پردازش زنجیره ای و همپوشی نداشتن مراحل عنوان شده است، مورد تردید قرار می دهند. به جای یافته هایی که عنوان می کرد فرایندهای ذهنی براساس روش گام

۱- Sequential of Processing

به گام عمل می کننـد، مطالعاتی صورت گرفت که با سـند و مدرک ثابت می کردند پردازش ذهنی می تواند به طور همزمان به صـورت چنـد گـانه و مـوازی انجـام شـود(همه کلمـات موجود در یـک جمله دعـا به صورت همزمـان پردازش می شونـد) (سالتوس، ۱۹۸۴).

به طور خلاصه شـخص با شـنیدن یا خواندن دعا با مراحل، درون داد(که طی آن مطالب شـنیده یا خوانده شده رمزگردانی می شونـد)، تجزیه(در این مرحله شـخص مطـالب شـنیده یـا خوانـده شـده را به اجزا و بخش های کوچک تری تبـدیل می کنـد)، تمرکز(یـافتن معنای هر یک از کلمات مطرح شـده) و اجرا(پرداختن به فعالیتی مشـخص) مواجه است. این مراحل چنـدگانه به صورت موازی انجام می شوند(راینر، ۲۰۰۱). به عنوان مثال، شخص هنگامی که آیه شریفه «ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ» (۱)

را قرائت می کنـد یـا می شـنود با همه این مراحل مواجه می شود(رمزگردانی کلمات، تجزیه، تمرکز و اجرا که در مرحله آخر می تواند پرداختن به دعا باشد).

شواهـدی جمع آوری شـده است مبنی بر این که مؤلفه هـای ذهنی متفـاوت به طور همزمان و به گونه موازی انجام می شونـد. کامپیوترهـا در گذشـته و بخش کثیری از آنها هم اکنون نیز به پردازش زنجیره ای فراینـدها می پردازنـد و پژوهشـگران بر این باور هستند که به طور قطعی انسان به این صورت عمل نمی کند. علاوه بر این قیاس کامپیوتر این موضوع را روشن کرده است که صـرف نظر از سخت افزار باید به نرم افزار سیستم پی ببریم. بنابر سیستم قیاس برای پی بردن به شناخت نباید به مغز، ارگان فیزیکی که شـناخت را در خـود جـای می دهـد، خلاـصه شـود. به طـور کلی، مغز به راه هـای بی شـماری مؤلفه هـای مختلف شناختی را به طور پیوسته و همزمان مورد پردازش قرار می دهد(فودور، ۱۹۸۳).

براساس این الگو اطلاعات در حافظه بلندمدت فعال هستند. برای مثال به راحتی

۱- سوره غافر، آیه ۶۳.

اکنون می توان اثری حقیقی بر حافظه حسی یعنی بر مرحله درون داد محرک بیرونی گذاشت. به عنوان نمونه شخص در حالی کـه دعـایی را می خوانـد بـه دریـافتن معنی آن می پردازد. اگر شـخص دعـا را به سـرعت و بـا کم ترین تـوجه و حضـور قلب بخوانـد، برخی از کلمات آن را جا می انـدازد، به این دلیل که در سـریع و بی توجه خوانـدن برخی فراینـدهای سـطح پایین تر نظیر غلطگیری و توجه به اشـتباه های تایپی، به دقت همیشگی انجام نمی شود. در این حال اگر اشتباه های تایپی در متن وجود داشـته باشد به دلیل آن که شـخص در گذشته از آن کلمه درک بسیار قوی ای کسب کرده است سبب می شود تا کلماتی که به صورت اشـتباه تایپ شـده انـد توسط حافظه بلندمدت اصـلاح شوند و شـخص بدون توجه به اشـتباه بودن، آن کلمات را به صورت صحیح بخواند(رید، ۱۹۹۲).

همچنین برخی از پژوهشـگران بـا توجه به نقش حـافظه معنایی به تبیین فراینـدهای شـناختی پرداخته انـد. به اعتقاد آنان حافظه معنـایی، حافظه پایـدار ذخیره معلومات عمومی است و به صورت یک فرهنگ لغات یا دایره المعارف توصـیف شـده است. به طـور کلی حـافظه معنـایی مخزن عمـومی معلومـات است(هینـتزمن، ۱۹۷۸). بر ایـن اسـاس اطلاعـاتی کـه شـخص از راه هـای مختلف(خوانـدن کتاب، گوش دادن به رادیو ..) به دست می آورد، در این بخش ذخیره می شود. باید توجه داشت که حافظه معنـایی یـک شـبکه است، یـک مجموعه مفـاهیم مرتبـط با هم یا بخش های معلومات مرتبط با هم. هر مفهوم در این شـبکه به عنوان یک گره، (۱) یـک نقطه یا محل در فضای معنایی تلقی می شود. علاوه بر این، گره های مفهوم از طریق گـذرگاه ها و ارتباطهای جهت دار بین مفاهیم مشخص، با یکدیگر مرتبط هستند(ریسبرگ، ۱۹۹۷).

فراینـد اصـلی که در این ساختـار وجود دارد، فعـال سـازی گسـترش یابنـده (۲) اسـت، یعنی فعـالیت ذهنی دستیـابی و بازیـابی اطلاعات از این شبکه. در حالت عادی مفاهیم

۱- Node

۲- Spreading Activation.

اغلب وضع آرام و بـدون فعالیت هسـتند. این فعال سازی فرایند بازیابی و فرایند دستیابی به معانی مفاهیم محسوب می شود. از سوی دیگر، فعال سازی در سراسـر شـبکه گذرگاه های ذخیره اطلاعات گسترش می یابد. یک بار که یک مفهوم فعال شد به دیگر مفـاهیمی که با آن مفهوم نخست مربوط است گسترش می یابـد. براین اساس فعال سازی در یک گره مفهوم شـروع می شود و بعد از آن گسترش یافتن در سراسر شبکه آغاز می گردد(کولینز، ۱۹۷۵).

طبق این الگو مفـاهیم مـذهبی نظیر، خداونـد، پیـامبر، رحمت، عـدالت، مـذهب و ... به صورت گره در یـک شـبکه گسترده با یکـدیگر در ارتبـاط می باشـند. رونـد فعـال سـازی هنگـامی که شـخص به خوانـدن یا شـنیدن دعا می پردازد برای هر یک از کلماتی که می خواند یا می شنود آغاز می گردد. به طور کلی فعال سازی گسترش یابنده هرگاه یک مفهوم در حافظه معنایی فعال می شود، راه اندازی خواهد شد. بنابر این هنگامی که دو مفهوم فعال می شوند، در آن جا به طور همزمان دو فعال سازی گسترش یابنـده(برای هر گره مفهوم) صورت می گیرد. براسـاس فراینـد فعـال سـازی گسترش یابنـده هنگامی که شـخص مثلًا دعای فرج امام زمان(عـج) را می خوانـد، فعال سازی مفاهیمی چون، ظهور، غایب، حکومت، عدالت، نیمه شـعبان، تعجیل، ... آغـاز می گردد. این شـبکه براسـاس اطلاعـاتی که شـخص در زنـدگی خود از راه هـای مختلف(مطـالعه کتاب، تماشای فیلم، سخنرانی ها ...) کسب می کند، می تواند گسترده تر شود. طبق این الگو، با بالاترین ارتباط معنایی بین مفاهیم، شـخص سـریع تر قادر است که ارتباط بین آنها را دریابد. به عبارت دیگر، مفاهیمی که بیشتر با یکدیگر مربوط هسـتند در مقایسه با مفاهیمی که از میزان پایین تری از ارتباط برخوردارند، می توان به سرعت مورد توجه قرار داد(هامپتون، ۱۹۸۴).

در فرایند فعال سازی، نقش ماشه چکانی (۱) از اهمیت برخوردار می باشد. این که

۱- Priming

شخص با دیدن یا شنیدن کلمه معانی که در حافظه دارد به یاد می آورد. با خواندن یا شنیدن دعا، به طور خودکار معانی کلمات به کار رفته شده در دعا، در حافظه شخص فعال می شوند. به عبارت بهتر می توان گفت: ماشه چکانی فعال سازی معانی نزدیک و مرتبط با کلمه می باشد(دانبار، ۱۹۸۴). همچنین ماشه چکانی می تواند مفاهیم و مطالبی را که از نظر معنایی با چندین مفهوم در ارتباط هستند فعال کند.

هنگامی که شخص دعایی را می خواند یا می شنود برخورد با نخستین واژه، ماشه شماره یک نامیده می شود و محرکی که در پی ماشه پدید می آید، آماج (۱) می باشد. به طور کلی مقصد فرایند فعال سازی ماشه چکانی، مفهومی است که تحت تأثیر ماشه می باشد. همچنین ماشه ها مقدم بر آماج ها هستند. به عبارت دیگر، هنگامی که شخص دعا خواند(یا می شنود)، به طور خودکار فرایند دسترسی به معنای کلمه آغاز می شود(نیلی، ۱۹۷۷).

از سوی دیگر، رابطه بین فرایند ماشه چکانی و دسترسی آن به اطلاعات ذخیره شده در حافظه نیز بدیهی است، این که شخص هنگام خواندن دعا با کلمات روبه رو می شود که با فرایند ماشه چکانی کلمات، خاطرات، و رویدادهایی از حافظه فراخوانده می شوند و شخص آن را به یاد می آورد. براساس فرایند ماشه چکانی است که شخص در هنگام خواندن کلمات و جملات در زیارت عاشورا رویداد عاشورا، نحوه شهادت امام حسین علیه السلام، شجاعت یاران آن حضرت و ... از حافظه بلندمدت فراخوانده می شود و شخص آن را به یاد می آورد. این نحوه ارتباط ماشه چکانی و حافظه بلندمدت در پژوهش های مختلف(مورتن، ۱۹۷۹؛ براون و همکاران، ۱۹۹۱؛ لوگان، ۱۹۹۰؛ جاکوبی، ۱۹۸۱) تأیید شده است.

از آن جا که خواندن دعا، به ویژه در مکان های مقدس و زیارتگاه ها، زنجیره ای از مفاهیم، باورها و رویدادهای نگهداری شده در حافظه بلندمدت شخص را

۱- Target

راه اندازی می کند، ورود این اطلاعات به حافظه کوتاه مدت شخص و درک دوباره او از این اطلاعات، سبب آرامش خاطر و کاهش استرس(اولاویری، ۱۹۹۷؛ استین، ۱۹۹۷)، پایین آمدن ضربان قلب و فشار خون(بنسون، ۱۹۷۸)، درمان افسردگی(مورلی، ۲۰۰۳)، سلامت جسمانی(بانیتا و همکاران، ۲۰۰۷)، بهبود سریع پس از عمل جراحی قلب باز(ترنسی و ویلیارد، ۲۰۰۷)، بهبود زوال عقل(ونسی، ۲۰۰۵)، مدیریت درد(آنرو، ۲۰۰۷) و به همدلی، بینش اخلاقی، خوشبینی و دیگر رفتارهای مثبت(مک نامارا، ۲۰۰۲) منجر می گردد.

نتیجه گیری

در آیات مختلف قرآن کریم و سخنان پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام بر اهمیت، نقش و جایگاه دعا تأکید شده است. پژوهشگران در حوزه های مختلف، به ویژه روان شناسی، فیزیولوژی و پزشکی در سال های اخیر به بررسی دقیق تأثیر دعا بر انسان پرداخته اند. یافته های روان شناسان در حوزه شناختی نیز کمک قابل توجهی به درک هر چه بهتر فرایندهای ذهنی از جمله دعا کرده است.

سیستم پردازش اطلاعات انسان از دو بخش سخت افزار(مغز) و نرم افزار(فرایندهای شناختی) تشکیل شده است. بررسی ها با تجهیزات پیشرفته از جمله

FMRI

نشان می دهد که بخش پیشانی، منطقه قدامی و میانی سینگولا در مغز، جایگاه پردازش اطلاعات مربوط به دعا می باشد. از سوی دیگر، کشف انواع حافظه(حسی، کوتاه مدت و بلند مدت یا معنایی) و نحوه ارتباط آن و همچنین الگوهای شناختی(نظیر الگوی فرایند، پردازش مرحله های متوالی و پردازش موازی) که پژوهشگران حوزه روان شناسی شناختی مطرح کرده اند، به درک بهتر از نحوه فرایندهای شناختی در دعا کمک می کند.

شخص در هنگام دعا خواندن، در جایگاه مشخصی از مغز او برانگیختگی و فعالیت آغاز می شود. این فعالیت شامل پردازش هر یک از کلمات در دعا می باشد،

این پردازش خواه به صورت متوالی یا موازی سـبب فراخوانی اطلاعات ذخیره شـده در حافظه بلندمـدت به حافظه کوتاه مدت می شود. همچنین در کنار شـناسایی معانی کلمات دعا، رویـدادها و خاطرات مربوط نیز فراخوانده می شود. این موضوع یعنی، فراخوانی معانی، رویدادها، خاطرات و باورها سـبب کاهش استرس، کاهش فشار خون و ضربان قلب می شود و به شخص این توانایی را می دهد تا با رویدادهای پر مخاطره مواجه شود.

فهرست منابع

۱. آسیب شناسی روانی، حسین آزاد، بعثت، تهران، ۱۳۷۸.

۲. بحار الأنوار، محمّد باقر مجلسی، موسسه الوفا، بیروت، ۱۹۸۳.

۳. صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی رحمه الله، وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۶۴.

۴. کافی، ابو جعفر محمّد بن یعقوب کلینی، المکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۳۴۷.

۵. فرهنگ فارسی معین، محمّد معین، سرایش، تهران، ۱۳۸۰.

۶. نهج البلاغه، سید جعفر شهیدی، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران(۱۳۷۰).

۷. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمّد حسین طباطبایی، ترجمه باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم ..

۸. Alexander, C., Robinson, P., Orme- Johnson, D.(۱۹۹۴). The effects oftransc endental meditation compared to other methods of relaxation andmeditation in reducting risk factors and mortality. Journal of Homeostasis, Vol ۳۵) ۴- ۵

۹. Allen, P.) ۱۹۹۰(. Evidence for a parallel input serial analysis model of wordprocessing. Journal of Experimental Psychology, Vol ۱۶

۱۰. Arcury, T. A.(۱۹۹۶). Gender and ethnic differences in alternative andconventional arthritis remedy use among community dwelling rural adultswith arthritis. Journal of)Arthrits care resarge. Vol ۹) ۵

۱۱. Astin, J. A.(۱۹۹۷). Strees reduction through mindfulnees meditation effectson psychological symptomology and spiritual experiences. Journal ofPsychotherapy. Vol ۶۶

۱۲. Astin, J. A., Harkness, E., Ernest, E.(۲۰۰۰). The efficacy of distant healing,

asystematic review. Journal of Internal Medicine. Vol ۱۳۲۱۳. Banthia, R., Tedlie, J., Folkman, S.(۲۰۰۷). Socioeconomic differences is theeffects of prayer on physical)symptoms and quality of life. Journal ofHealth Psychology. Vol ۱۲) ۲

Batson, C. D.(۱۹۹۳). Religion and individual. New York: Oxford universitypress .۱۴

Benson, H.(۱۹۷۸). Treatment of anxiety. Journal of P sychotherapyP . ۱۵)sychosomatics. Vol ۳۰) ۳- ۴

Byrd, R.(۱۹۸۸). Positive therapeutic effects of intercessory prayer incoronary care .۱۶ unit population. Journal of South Medicine. Vol ۸۱

Bolles, C. D.(۱۹۹۳). Religion and the individual. New York: oxfordunivers ity press .۱۷

Bronowski, J.(۱۹۷۸). The Origins of knowledge and imagination. Yaleuniversity . ۱۸ press

Brown, A., Neblett, D., Jones, T. C(۱۹۹۱). Transfre of processing inrepetition . ۱۹ priming. Journal of Experiment Psychology. Vol ۱۷

Canli, T.(۲۰۰۴). Amigdala responses to emotionally valenced stimuli inolder and .۲۰)younger adults. Journal of Psychological Science. Vol ۱۵) ۳

Colman, A. M.(۲۰۰۱). Dictionary of Psychology. Oxford university press ۲۲. Collins, .۲۱ A.) ۱۹۷۵(. A spreading activation theory of semantic processing. Journal of Psychological Review. Vol ۸۲

Davidson, R., Goleman, D., Schwartz, E.(۱۹۸۴). Attentional an d affective . ۲۳ concomitants of meditation. New York: Aldine

Dossey, L.(۱۹۹۷). The return of prayer. Journal of Alternative Therapies inhelth and .۲۴ medicien. Vol ۳) ۶

Dunbar, K.) ۱۹۸۴(. A horse race of a different color: stroop interferencep atterns .۲۵ with transformed word. Journal of Experimental Psychology. Vol ۱۰

Fodor, J.(۱۹۸۳). The modularity of mind. Cambridge, MA: MIT press ۲۷. Gabrieli, J. .۲۶ D.) ۱۹۹۶(. Functional magnetic resonance imaging of semanticmemory processes in the frontal lobes. Journal of Psychological Science. Vol ۷

Goldman, R.(۱۹۹۰). Three casereports of the metabolic andencep halographic .۲۸ changes during advanced buddhist meditation technigues. Journal of Behavioral Med. Vol ۱۶

Harris, W. S., Gowda, M.(۱۹۹۹). A randomized, controlled trial of theeffects of .۲۹ remote, intercessory prayer on outcomes in patients admitted tothe coronary care unit. Journal of Internal Medicine. Vol ۱۵۹

Hawley, G.(۱۹۹۸). Seeking comfort through prayer. International Journalof Nursiry ۳۰)practice. Vol ۴) ۱

Helmeke, K.(۲۰۰۷). Couple therapy and spirituality and religion states ofart. Journal .۳۱)of Couple and Relationship therapy. Vol ۶) ۱- ۲

Holyoak, D.(۱۹۸۴). Cognition. Engle Wood Cliffs, NJ: Prentice- Hall ۳۳. Huffman, K., .۳۲ Vernoy, M., Vernoy, J.) ۱۹۹۴(. Psychology in action. ThirdEdition. John Willy

Hintzman, D. L.(۱۹۷۸). The Psycholog of Learning and Memory. San .۳۴

francisco: Freeman

۳۵. Hampton, J. A.(۱۹۸۴). The verification of category and property statements. Journal of Memory and Cognition. Vol ۱۲

۳۶. Jacoby, L., Dallas, M.(۱۹۸۱). On the relationshipB etweena utobiographical memory and perceptual learning. Journal ofExperimental Psychology. Vol ۱۱۰

۳۷. Jeving, R., Wallace, R. K.(۱۹۹۲). The Psychology of Meditation. Journal ofNeuroscience Biobehave. Vol ۱۶

۳۸. Kaye, J.(۱۹۹۱). Spiritulity among caregivers. TheJ ournal of N ursingschol arship. Vol ۲۶

۳۹. Loftus, E.(۱۹۹۲). Psychology. Fourth Edition. MC GRAHILL

۴۰. Logan, G.) ۸۸۹۱(. Toward an instance theory of automatization. Journal ofPsychological Review. Vol ۹۵

۴۱. Logan, G.(۱۹۹۰). Repetition priming and automaticity. Journal ofCognitive Psychology. Vol ۲۹

۴۲. McNamara, P.(۲۰۰۲). The motivational origins of religious practices. Zygon. Vol ۳۷

۴۳. Morelli, G.(۲۰۰۳). Emotion, Cognitive treatment. Ocampr E. Journal. Vol ۱

۴۴. Melton, A. W.(۱۹۶۳). Implications of short term memory for a generaltheory of memory. Journal of Verbal Learning and Verbal Behavior. Vol ۲

۴۵. Morton, J.(۱۹۷۹). Facilitation in word recognition. Journal of Processingof Visible Language. Vol ۱۱

Nelly, J. H.(۱۹۷۷). Semantic priming and retrieval from lexical memory. Journal of .۴۶
Expremental Psychology. Vol ۱۰۶

Neisser, U.) ۱۹۷۶(. Cognition and Reality. San francisco: Freeman .۴۷

Olaoire, S.) ۱۹۹۷(. An expremental study of the effects of distant, intercessory .۴۸ prayer on self esteem, anxiety and depression. Journal ofAlternative Therapies in)health Medicine. Vol ۳) ۶

Paragamenk, K.(۱۹۹۷). The psychology of religion and coping: Theory, Research, .۴۹
Practice. New York: Guilford press

Papalia, D.(۱۹۹۲). Human Development. Fifth Edition. Mc Graw Hill ۵۱. Rayner, A.) .۵۰
۲۰۰۱(. Memory and Cognition. John willy

Reed, S.) ۱۹۹۲(. Cognition: Theory and Applications. Pacific Grove, CA: Brooks/ Cole .۵۲

Reisberg, D.(۱۹۹۷). Cognition: Exploring the Science of the Mind. NewYork: Norton .۵۳

Saudia, T. L.(۱۹۹۱). Health locus control and helpfulness of prayer. Journalof Heart. .۵۴
)Vol ۱۲) ۱

Salthous, T.(۱۹۸۴). Effects of skill. Journal of Experimental Psychology. Vol ۱۳ .۵۵

Segal, Z., Williams, J. M., Teasdale, J.(۲۰۰۲). Mindfulness based cognitivet herapy .۵۶
for depression. New York: Guilford press

Standish, L., Lake, J., Richards, T.(۲۰۰۵). E vidense for correlations between distant .۵۷ intentional ity and brain function in recipients. Journal ofAlternative and)Complementary Medicine. Vol ۱۱) ۶

۵۸. Solso, R. L.(۱۹۹۸). Cognitive Psychology. ۵ th Edition. Boston: Allyn andBacon

۵۹. Terrence, N., Willard, R.) ۲۰۰۷(. Influence of prayer coping on mentalhealth among cardiac surgery patients. Journal of Health Psychology. Vol ۱۲) ۴)

۶۰. Tong, F.(۲۰۰۵). Decoding the visual and subjective contents of the humanbrain. Journal of Natural Neuroscience. Vol ۸

۶۱. Unruh, A.(۲۰۰۷). Spirituality, Religion and Pain. Candian Journal ofNursing Research. Vol ۳۹) ۲)

۶۲. Vance, D.(۲۰۰۵). Spiritual activities for adults with alzheimer ' s disease, the cognitive components of dementia and religion. Journal of Religion, Spirituality and aging. Vol ۱۷) ۱)

۶۳. ۲۰۰۳) Webster ' s New worlds. Medical Dictionary. ۲ nd Edition (

۶۴. Worden, M.) ۲۰۰۵(. Cognitive Task D esign for F MRI. InternationalJ ournal of Learning Systems and Technology. Vol ۶) ۲)

۲. مفهوم زیارت و نقش آن در بهداشت روانی و تعالی روح

اعظم ترکی (۱)

چکیده

زیارت برقراری ارتباط عارفانه با ولی اللّه است، به گونه ای که باید با تمام وجود لب به سخن بگشایی و در لحظه دیدار، نظر از هر که غیر اوست، دور بداری و خود را از عشق الهی سیراب کنی. اصولًا یکی از فلسفه های زیارت، پیوند با ائمه اطهار و پیدا کردن ملکات بلند روحی است، نه این که صرفاً شخص یک حرکتی انجام داده باشد، بلکه تمام فکر و تشعشعات سلول های مغز باید حال و هوای خاصی پیدا کند و شخص فقط به محبوب فکر کند و بس. باید بین زایر و زیارت نیز ارتباط برقرار نمود تا حال و هوای زیارت به دل نشیند. زایر کسی است که به زیارت می رود تا کمال جویی معنوی خویش را به اثبات برساند و در این راه از بارقه های امید و معرفت مدد جوید.

انسان ها به دلیل مسایل روزمره زندگی دچار یک نوع واپس زدگی، دلمردگی، پوچی و ... شده اند. وجود معنویت در دنیای حاضر روبه فراموشی می رود، اضطراب، تشویش، ناراحتی های روحی و روانی هر روز بیشتر می شود و تنها چاره رفع این مشکلات رو آوردن به خالق هستی از طریق پیوند با انبیا و معصومین علیهم السلام و بالاخص رجوع به محضر شریف آنها می باشد.

کلیدواژه ها: زیارت، زیارتگاه، بهداشت روانی، ائمه معصومین علیهم السلام.

۱- کارشناس ارشد روزنامه نگاری.

مقدّمه (۱)

جان گشاید سوی بالا بال ها تن زده اندر زمین چنگال ها

انسان در جهان هست از مسئولیت خطیر جانشینی خداوند در روی زمین و از موهبت ارزشمند تفکر، شعور، ادراک، اختیار، انتخاب برخوردار است که تمامیت، وحدت، تعالی و خود شکوفایی و در نهایت خداگونه شدنش با احیای رسالت عظیم خلیفه الهی به بار می نشیند. بر همین اساس، عمیقاً در قبال ذات احدیت، خویشتن و جهان هستی، مسئول می باشد.

با وجود تعهد، مسئولیت و آگاهی از آن است که آدمی همواره در دلهره و اضطراب، «چگونه زیستن» و «چگونه بودن» به سر می برد، تا این که در راستای رشد و سلامت روانی و واصل شدن به مبدأ حیات و دست یافتن به مأوا و مأمنی که شایسته مقامش باشد، گام نهاده و به ندای درونی اش که همواره به حرکت و پویایی فرا می خواند، گوش جان بسپارد و تا «شدن» را برای اعتلا و شکوفایی و توحیدیافتگی تجربه نماید، تا آن زمان که به ندای درونی، متعهدانه و مخلصانه و با تمام وجودش گوش دل سپرده، ترنم دل انگیز و روح نوازش را بی عشق و مهر بگذاریم و خواسته های بر حقش را سیراب نگردانیم، فطرت و وجدان را چنان حجاب و هاله ای ضخیم فرا می گیرد که دنیای صیقل یافته و آینه وارش را زنگار گرفته، و دیگر توان فریادش به ناتوانی، قدرت و راهبری و امامتش به تخریب، میل به شکوفایی و به بار نشستن به فساد، تجربه، وحدت و یکپارچگی اش به گسستگی و شکاف، رشد و تعالی اش به قهقرا و بیهودگی، وارستگی و خلاقیتش به بی ثمری، پویایی و تکاپویش به در جا ماندن و جمود، محبّت و عشقش به بی تفاوتی و عناد و ایمان و معنایش به پوچی، سردرگمی، تباهی و ... مبدل می شود، و آدمی در این دنیای وانفسا با این اوضاع

۱- ر. ک: ماهنامه، سال اول، شماره ۳، روان شناسی دین، ص ۳.

روانی نابسامان و عقیم، چه سان توانایی تقبل و تحمل رسالت بزرگ و سنگین انسانی خویشتن را می تواند عهده دار باشد و چگونگی به قدرت به سر منزل رسانیدن مسئولیت والای خود را به دست خواهد آورد و با چه حالی قدم در سیر «انسان شدن» استوار خواهد کرد؟ (۱) باری، انسان از توانایی و نعمت و امتیاز اندیشیدن، انتخاب، اختیار، آزادی، خودآگاهی و شناخت برخوردار است که می تواند به دگر بار توبه کرده و به «خویشتن» رجعت کند، تا تمامی قیدهای مادی را بشکند و حصارها را در هم فرو ریزد، این که دل را از زندان تنگ غفلت و بی شعوری رهانیده و پروازش را تا به بیکران ها به نظاره بنشیند و آن گاه اوج گرفتن و تعالی یافتنش را ایمان آورد.

اما تکامل و خودشکوفایی او به منصه ظهور نمی رسد، مگر در سایه رشد مفاهیم بلندی چون تعهد، مسئولیت، آزادی، ایمان، عشق و شناخت که در صورت کم رنگ شدن و عدم رشد و پرورش این صفات و عناصر تعالی بخش انسانی، نه تنها هیچ حرکتی در راستای رسیدن به تعادل روانی و کمال مطلوب که زیر بنایی ترین رسالت آدمی در جهان خلقت محسوب می شود، شکل نمی گیرد؛ بلکه نظام و سیستمی را به وجود می آورد که توانایی درک و تحلیل اهداف غایی آفرینش و رسالت انسان را از دست داده و آدمی را در یک ادراک و شناخت عرضی و ناسالم از پدیده های جهان هستی محصور ساخته است. این روند منجر به تضعیف و فروپاشی قوای درونی می شود، فرآیندگی، بالندگی و توحیدیافتگی را که به عنوان نیاز اساسی در وجود آدمی به ودیعه نهاده شد، سر می نماید.

در چنین حالتی، نابسامانی (۲) و مشکلات و اختلالات روانی شکل گرفته و با ایجاد نظام بیمارگونه، سلامت و اعتلای روحی و روانی را از بین می برد، در آدمی انگیزه

۱- همان، ص ۴.

۲- همان، ص ۵.

قوی، پایدار، هدفمند و جهت دار میل به تعالی و تکامل و خودانگیخته فرآیند تحقق خود را تسهیل نموده و شوق پیوستن به مبدأ حیات را امکان پذیر می نماید، حال بدون انقلاب درونی و پویایی و حرکتی اصیل و مبتنی بر مبنای اعتقادی واصل شدن به چنین مقام و منزلت عظیمی امکان پذیر می نمایاند. مولانا در مثنوی شریف می فرمایند:

تازه کن ایمان، نه از گفت زبان ای هوا را تازه کرده در نهان

تا هوا تازه است، ایمان تازه نیست کاین هوا جز قفل آن دروازه نیست

قدر مسلّم است که مقصود از تکاپو و حرکت به جلو، مبدل ساختن دنیای درونی ناپخته و خام به دنیای پالایش شده و تصفیه یافته و واصل شدن به هدف والای زندگی، یعنی شرکت در آهنگ کل هستی وابسته به کمال برین است و آن عبارت است از قرار گرفتن در جاذبه ربوبی و تصفیه روح از آلودگی های حیوانی و رذایل اخلاقی، انجام تکالیف مقرر شده توسط پیامبران الهی و تسلیم دستورات سازنده وجدان برین و تغییر دادن «من مجازی» به «من حقیقی» (۱) که همه حرکات و سکنات جسمی و روانی آدمی را در مسیر عبادت به جریان می اندازد، از آن هنگام آگاهی حقیقی به لزوم شرکت در آهنگ کل هستی به وجود می آید و اراده حرکت برای این شرکت شکل می گیرد، ورود به هدف اعلای زندگی آغاز شده است.

انسان برای دست یافتن به کمال مطلوب، پختگی، بالندگی، تعهد و مسئولیت عمیقی در قبال خود و جهان هستی می طلبد تا انگیزه قوی، اراده، جهاد و مبارزه خستگی ناپذیر را سبب شود، باشد (۲) که جست وجوگر چراها باشیم که در فرا راهمان قرار گرفته، و دنیای وجودی خود را احاطه کرده است. این تکاپو از چنان عظمت و منزلتی برخوردار است که زیستن آدمی را جهت دار و هدفمند کرده، بودن در جهان

۱- همان، ص ۵.

۲- همان، ص ۶ و ۷.

هستی را معنی و مفهومی والا می بخشـد، اما تا زمانی که شـناخت و آگاهی از رسالت انسانی رشد نکرده باشد، هرگز تعهد و مسئولیتی بارور نخواهد شد.

در چنین شـرایطی بدیهی است که توانایی و قابلیت های درونی و نیز ابعاد وجودی از لحاظ عاطفی و عقل و همین طور احیا و شکوفـایی خـود را از دست داده و نمی توانـد، توانـایی راهیـابی به ژرفـای پدیـده هـا را داشـته باشـد. و مهم تر این که در این صورت، هرگز دغدغه، اضـطراب و مسـئولیتی برای اندیشـیدن و پاسخ درباره فلسفه و اهداف زندگی و نیز «چگونه زیستن» به وجـود نمی آیـد، در ایـن حـالت آدمی در جمـود و بی خـبری و بی شـعوری غـوطه ور شـده و به پـوچی و بیهـودگی، شـک، سرخوردگی و عصـیان مبتلاـ می گردد و توانـایی درک عظمت نظـام خلقت و نیز غـایت و هـدف رسـالت حـاکم در آن را از دست می دهد و این روند به دلهره و اضـطراب منتهی می شود که خود سرمنشأ تمامی بیماری های روانی و مهم تر از همه سد راهی در فرآیند بالندگی است.

بر همین اساس برای راه یافتن در مسیر تعالی و تکامل، مهم این است که بتوانیم از هستی خود و همچنین از استعداد و توانایی های بالقوه خود، شرافتمندانه، متعهدانه و مخلصانه بهره ببریم.

اما بنیادی ترین مفهومی که درباره «بهداشت و سلامت روانی» در اسلام مطرح بوده و آن را تنها عامل رشد و اعتلای روحی و روانی قلمـداد می کنـد، عبـارت است از اتخـاذ رفتـار و فعـالیتی معتـدل و متعادل در راسـتای تخلیه و پیرایش، تخلیه و آرامش درون با تخلیه و پیراستن خویش از اوصاف نکوهیده و ناستوده، و تخلیه و آراستن خود به اوصاف و حالات پسندیده و ستوده؛ دربـاره آیـات زیادی از قرآن کریم توجه ما را به خود جلب می کنـد که در حل آن، آدمی به پیروی از طریق الهی تشویق می گردد.

بـدون شـک گـام نهـادن در راه خـدا و پیروی از فرامیـن او، تنهـا راه میـل بـه بهـداشت روانی اسـت. چنین است که ویژگی و خصوصـیت غـالب و فراگیر شخصـیت انسـان مؤمن و برخـورداری عمیق افراد، آرامش قلبی است و این سـکینه و آرامش دل صفت

و مشخصه مستقلی است که از احاطه و تسلّط بر دنیای درونی و شناخت از خویشتن و رسالت الهی خویش، حکایت می کند.

آرامش مؤمنین یک ویژگی خاصی است که نمایانگر انجام عناصر روان او و سازمندی وی در میان خواسته های نامتناقض و رام بودن نفس از نظر خضوع و راهوار بودن در برابر صاحب آن است. چنین موهبتی فقط به خود مؤمن اعطا شده و می توان این آرامش را در صحیفه چهره فرد خواند. (۱) این آرامش، آرامش ظاهری و سطحی نیست، بلکه آرامش عمیق و ژرفای بی نهایت است. و در ارتباط با همین آرامش و سکنات قلبی است که مؤمن یک رابطه عمیق و ژرف با خالق خود پیدا می کند. «ألا بِذِکْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ».

نگاهی به پیشینه موضوع

قبل از وارد شدن به بحث درباره جنبه های مختلف زیارت، نگاهی می کنیم به سابقه دیرینه دین و تغییر و تحولات آن از ابتدا تا امروز. در تاریخ سه دوره مشخص می بینیم که همه مسایل انسانی را در این سه دوره می توان بر حسب زمان تقسیم بندی نمود.

اول: دوره ابتدایی و بدوی جامعه بشری است که هنوز [ادراک] خدا وجود ندارد و کتاب و تعلیم و تربیت و سازمان های آموزشی و ... نیست. و جامعه نمی تواند تجربه خودش را از جمله ادبیات، شعر، عقاید، بینش و ... به دیگران عرضه کند و برای نسل های دیگر بگذارد که ما بتوانیم با مطالعه آن آثار به طرز تفکر و مذهب آنها پی ببریم. بنابراین، دوره اول، جامعه بدوی یا جامعه وحشی است که جامعه شناسان به آن دوره آرکانیک یا جامعه باستانی گویند.

دوم: جامعه تاریخی است. جامعه تاریخی، جامعه ای است که تمدن دارد. کتابت

۱- همان، ص ۸.

دارد، تقسیم کار هست، نماد آموزش و پرورش وجود دارد، تعلیم و تربیت خاص دارد، مکتب به وجود آمده و انتقال تجربه های پیش به نسل های بعد امکان یافته است و از روی آثار هنری یا کتاب ها نسخه های خطی و خلاصه آثار مختلف می توان مطالعه کرد و شناخت.

سوم: دوره معاصر است که از قرن پانزدهم و شانزدهم شروع می شود و تا هم اکنون نیز ادامه دارد. شناخت دوره معاصر و دوره تاریخی آسان است، اما شناخت دوره قبلی یعنی دوره آرکانیک که پیش از تاریخ رسمی قرار دارد، مشکل است؛ ولی شناختش مهم و حیاتی است، چراکه تا وقتی جامعه های بدوی و ابتدایی قبل از تاریخ را دقیق نشناخته ایم، نمی توانیم درباره فلسفه جامعه و جامعه شناسی اظهارنظری دقیق و عینی و عملی بکنیم. (۱) آنچه مسلّم است این است که در همه زمان ها دین همچون گرایش شدید انسان ها به سوی وجود والای الهی با نیروی مافوق وجود داشته و با رسوخ به درون بشر، اندیشه و عمل وی را تحت تأثیر قرار داده است. و ظهور و بروز بیشتر دین در مواقع حساس زندگی انسان ها به ویژه روبه رو شدن با مشکلات بوده است.

نقش اجتماعی دین

نقش اجتماعی دین اساساً در پیوند و مجتمع کردن آن است. دین، چنان که از معنای آن بر می آید پیوستگی های اعضای جوامع و الزامات اجتماعی را که به وحدت مسلمانان کمک می کند ازدیاد می بخشد. چون ارزش هایی که زیرساخت سیستم های الزام اجتماعی هستند در بین گروه های دینی توافق گسترده ای را در سطح جامعه بر آورده می کند، به علاوه دین متمایل به آن است که ارزش های اجتماعی را حفظ نماید.

با این که دین در جامعه نقش مجتمع کننده و منسجم کننده دارد و نیز نیرویی

۱- جامعه شناسی ادیان، ص ۵۴.

حفظکننـده است، از جهات دیگر نیز عملکردهایی دارد. ارزش های دینی تا آن جایی در جامعه نقش دارند که آموخته شوند، مناسب حال آنها باشد و افراد آن را به درون اجتماع آورده باشند. (۱) از جمله عوامل سبب ازدیاد وحدت و انسجام مسلمانان، زیارت خانه خدا در مکه و نیز سایر زیارتگاه ها و امکان های مقدس است که می تواند آثار سازنده بسیاری داشته باشد.

مشروعیت زیارت

همه مـذاهب و فرق مسـلمان به جز یک فرقه از حنبلی های متأخر به نام وهابیت، بر مشـروعیت زیارت اتفاق نظر دارند. وهابی ها به اسـتناد روایات بخاری به نقل از ابوهریره که «آهنگ زیارت جز به سوی مسـجد الحرام، مسـجد الرسول و مسجد الاقصی جایز نیست»، (۲) ادعـا می کننـد که زیـارت مشاهـد و قبور ائمه مسـلمین علیهم السـلام امری غیر شـرعی و حرام است. این در حالی است که علاوه بر سـند روایت مذکور، دلالت آن نیز محل اشـکال است. در این روایت بحث از مسـجد است نه صـرف زیارت. از سویی دیگر بحث در مطلوبیت و استحباب زیارت سه مسجد فوق الذکر است نه حصر زیارت در آنها.

خداوند در قرآن می فرماید: «فی بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فيها اسْمُهُ» (۳)

«خدا را یاد کنید در خانه هایی که خداوند اجازه داده تا آنها را بزرگ شمرده و قدر و منزلت آنان را بلند دارید».

ذکر این نکته نیز لازم است؛ همچنان که بیان می شود، منظور از زیارت صرف

۱- درآمدی بر جامعه شناسی دین و آراء جامعه شناسان بزرگ درباره دین، ص ۳۶- ۳۷.

۲- لا تشدّ الرجال إلّاإلی ثلاثه مساجد: المسجد الحرام و مسجد الرسول و مسجد الاقصی(مزارات اهل البیت و تاریخها، ص ۱۵).

۳- سوره نور، آیه ۳۶.

رفتن به سوی مراقد و مشاهد نیست؛ بلکه تأکید بر اهمیت یادداشت و بزرگداشت بزرگان دین و ارزش های دینی است.

زیارت در اسلام و جوامع اسلامی

احترام به گذشتگان امری است که در تمام ادوار و ازمنه مختلف زندگی بشر مطرح بوده و مختص به دین اسلام یا ادیان الهی نیست، بلکه احترام به نیاکان در آثار بر جای مانده از ادیان و تمدن های غیر الهی نیز به وضوح مشهود است. به طور کلی حفظ و تعمیر قبور، دفن میّت در مقابر سر پوشیده، امری نیست که در قرن های بعد از صدر اسلام وارد تفکرات مردم شده و مغایر با تفکر اصیل اسلامی باشد. اگر چنین بود، نخستین کاری که بر مسلمانان زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله لازم بود، تخریب تمام مقابری بود که سرتاسر بلاد اسلامی را فرا گرفته بود و یا از تجدید بنای آن در تمام ادوار بشریت جلوگیری می نمودند.

در حالی که نه تنها این مقابر را ویران نکردند، بلکه مدت چهارده قرن در تعمیر و حفظ آن آثار پیامبران پیشین و اولیای سلف نیز کوشیدند.

با مراجعه به تاریخ مسلمانان و گشت و گذاری در بلاد گسترده اسلامی، این موضوع را مسلّم می سازد که تعمیر قبور و حفظ و صیانت آنها از فرسودگی، یکی از مراسم مسلمانان در تمام نقاط بوده و هم اکنون نیز در تمام شهرهای اسلامی مقابر پیامبران و اولیاء الهی و رجال نیکوکار به وفور یافت می شود و برای حفظ آنها که اغلب از آثار باستانی و اسلامی می باشند موقوفاتی نیز وجود دارد.

زیارت اهل قبور و اثرات اخلاقی و تربیتی آن

مشاهده مقابر رهبران الهی و انسان های باارزش که عمر خود را در راه رضای خداوند صرف نموده و اکنون از این دیار رخت برکنده اند، سبب می گردد که انسان ها در برنامه زندگی خود تجدید نظر کنند و از خودکامگی و بوالهوسی خویش بکاهند و به

مسئولیت های خود در مقابل خود و مردم بیندیشند. در آموزه های اسلامی زیارت قبور و تعمق در احوال گذشتگان، همواره سفارش شده است و ائمه معصومین علیهم السلام نیز همیشه بر آن تأکید نموده اند و حتی آن را درمان بعضی از بیماری های روحی و روانی معرفی کرده اند.

الف) زیارت قبور از دیدگاه قرآن

۱. قرآن کریم درباره مدفن «اصحاب کهف» چنین می فرماید: «وَ کَذلِکَ أعْثَرْنا عَلَیْهِمْ لِیَعْلَمُوا أنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ أنَّ السّاعَةَ لا رَیْبَ فیها إذْ یَتَنازَعُونَ بَیْنَهُمْ أمْرَهُمْ فَقالُوا ابْنُوا عَلَیْهِمْ بُنْیاناً رَبُّهُمْ أعْلَمُ بِهِمْ قالَ الَّذینَ غَلَبُوا عَلی أمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَیْهِمْ مَسْجِدًا»؛ (۱)

و این چنین ما مردم را بر حال اصحاب کهف آگاه ساختیم تا خلق بدانند که وعده خدا(به روز معاد و زنده کردن مردگان) به حق بوده و قیامت البته بی هیچ شک خواهد آمد، آن گاه که میانشان تنازع و خلاف در امر آنها بود(یعنی در عدد یا آیین آنها که قائل به معاد و قیامت بودند) پس بعضی گفتند: باید گرد آنها حصار و بنایی بسازیم(که از خلق مستور و ممنوع شوند) خدا به احوال آنها آگاه تر است و آنان که بر احوال آنها اطلاع یافتند(یعنی خداپرستان و نیکان امت با خود) گفتند: البته بر ایشان مسجدی بنا کنیم.

این آیه بیانگر این حقیقت است که یک مکان به خاطر قرار گرفتن اجساد صالحان و پاکان در آن جا از شرافت خاصی برخوردار می شود.

۲. خداوند به زایران خانه خود دستور می دهد که در مقام حضرت ابراهیم علیه السلام یعنی نقطه ای که ابراهیم علیه السلام در آن جا ایستاده است، نماز بگزارند: «وَ إذْ جَعَلْنا الْبَیْتَ مَثابَةً لِلنّاسِ وَ أمْناً وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَقامِ إبْراهیمَ مُصَلًّی وَ عَهِدْنا إلی إبْراهیمَ وَ إسْماعیلَ أنْ طَهِّرا بَیْتِیَ لِلطّائِفینَ وَ الْعاکِفینَ وَ الرُّکَّعِ السُّجُودِ»؛ (۲)

و(به یاد آر) هنگامی که ما خانه کعبه را مرجع

۱- سوره کهف، آیه ۲۱.

۲- سوره بقره، آیه ۱۲۵.

امر دین خلق و مقام امن مقرّر داشتیم و(دستور داده شد) که مقام ابراهیم را جایگاه پرستش خدا قرار دهید و به ابراهیم و اسماعیل سفارش کردیم که حرم مرا(از بت) پاکیزه دارید برای اهل ایمان که به طواف و اعتکاف حرم آیند، در آن نماز و طاعت خدا بجای آرند.

۳. قرآن کریم به افراد گنهکار دستور می دهد که به حضور پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بروند تا ایشان در مورد آنان از خدا طلب آمرزش نماید. زیرا دعای پیامبر صلی الله علیه و آله درباره آنان مستجاب می گردد: «وَ ما أَرْسَلْنا مِنْ رَسُولٍ إِلاّ لِيُطاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوّاباً رَحيماً»؛ (۱)

ما رسولی نفرستادیم مگر بر این مقصود که خلق به امر خدا اطاعت او کنند. و اگر هنگامی که آنان(منافق) بر خود ستم کردند به تو رجوع می کردند و از کردار خود به خدا توبه نموده و تو هم برای آنها استغفار می کردی و از خدا آمرزش می خواستی، در این حال البته خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند.

این آیه اختصاص به زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله ندارد، زیرا اولًا: آیات قرآن برای انبیا و اولیا بلکه برای افراد، حیات و برزخی قایل است و آنان را در آن جهان بینا و شنوا معرفی می کند. ثانیاً: طبق احادیث اسلامی فرشتگان پیامی را به خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله می رسانند. (۲) ثالثاً: جامعه اسلامی از همان روزهای نخست از این آیه یک معنی وسیع و کلی دریافت نمود. و همین طور پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله نیز آنها به زیارت مرقد پیامبر می رفتند و آیه فوق را می خواندند و از پیامبر صلی الله علیه و آله می خواستند که درباره آنان طلب شفاعت و مغفرت کند.

۴. خداوند محلی را که «هاجر» و «اسماعیل» در آن جا برای رضای خدا صبر نموده و غربت را تحمل کردند، برای عبادت قرار می دهد، یعنی صفا و مروه.

۱- سوره نساء، آیه ۶۴.

۲- انتاج الحاج الاصول فی احادیث الرسول صلی الله علیه و آله.

ب) زیارت از نظر سنت

گرچه به اعتقاد ما شیعیان، سنت عبارت است از: قول و فعل و تقریر(گفتار، کردار و امضای) پیامبر صلی الله علیه و آله و معصومین علیهم السلام اما از باب مماشات و همراهی با وهابیان، ولی به دلیل طولانی شدن این مقاله تنها به بررسی سنت و سیره عملی و قولی شخص پیامبر صلی الله علیه و آله اکتفا نموده و دلایل مشروعیت زیارت را از این دیدگاه باز می گوییم.

سنت قولی(گفتار) پیامبر صلی الله علیه و آله

در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «هر که قبر مرا زیارت کند، شفاعت من برای او واجب می شود». (۱) البته این احادیث و روایات که در منابع شیعی و سنی از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است به چند دسته تقسیم می گردند:

دسته اول: روایاتی که در آغاز رسول خدا صلی الله علیه و آله مؤمنین را به زیارت مزار مطهر خویش فرا خوانده، آثار و فواید دنیوی و اخروی آنها را یادآوری نموده است. این گروه از احادیث به حدی زیاد است که برخی ادعای تواتر کرده اند.

مرحوم علامه سید محسن امین در کتاب کشف الارتیاب تعداد هفده فقره از این احادیث را از منابع اهل سنت به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ذکر کرده است که برای رعایت اختصار فقط به چند نمونه از آنها اشاره می شود:

۱. «هر کس پس از مرگم مرا زیارت کند، گویی مرا در حال حیات زیارت کرده است». (۲) ۲. «کسی که حج بگزارد، و مرا زیارت نکند، بر من جفا کرده است». (۳) ۳. «هر کس با قصد و توجه مرا زیارت کند، روز قیامت در کنار من خواهد بود». (۴)

۱- من زار قبری وجبت له شفاعتی(مزارات اهل البیت و تاریخها، ص ۱۴.

۲- همان.

۳- وفاء الوفاء، ج ۳.

۴- کشف الارتیاب، ص ۲۶۱، به نقل از وفاء الوفاء.

اکنون دو حدیث هم از منابع شیعی نقل می شود:

۴. «هر کس مرا در زمان حیات و پس از مرگم زیارت کند، روز قیامت شفیع او می شوم». (۱) ۵. «هر کس قبر مرا پس از مرگم زیارت کند، همانند کسی است که در روزگار حیاتم به سوی من هجرت نموده. اگر نمی توانید(از نزدیک) مرا زیارت کنید،(از راه دور) به من سلام کنید، زیرا سلام شما به من می رسد». (۲) دسته دوم: روایاتی هستند که در آنها رسول خدا صلی الله علیه و آله به زیارت قبور مؤمنین فرمان داده و پاره ای از آثار تربیتی زیارت قبور را نیز باز گفته اند:

۱. «قبرها را زیارت کنید، زیرا زیارت قبور مایه یادآوری مرگ و آخرت است». (۳) ۲. در جای دیگر به زیارت قبور فرمان داده اند، آن گاه ثمره و فایده این عمل را نیز چنین فرموده اند: «به درستی که زیارت قبور، شما را به دنیا بی اعتنا می سازد، و آخرت را به یاد می آورد». (۴) بی تردید «یاد مرگ» و «توجه به آخرت» پیامدها و ثمرات پربار و سازنده تربیتی فراوانی در بر دارد. و یکی از عوامل مهم گرایش به طاعت و بندگی حق و پرهیز از معصیت و گناه و کم شدن امیال نفسانی و مال پرستی و ... همین یاد وحشت انگیز مرگ و تنهایی های گور و حساب و کتاب و گرفتن نامه اعمال، در آن روز عظیم و «یوم الحسره» می باشد.

دسته سوم: احادیثی هستند که اشاره دارند به این که پیامبر صلی الله علیه و آله به خاطر پاره ای مصالح، موقتاً از زیارت قبور نهی فرموده بود، ولی پس از مدتی این نهی برداشته شد.

و علاوه بر اجازه زیارت قبور به این امر نیز تشویق و ترغیب نموده اند.

۱- بحارالأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۳۹.
۲- جامع السادات، ج ۳، ص ۳۹۹.
۳- صحیح مسلم، ج ۳، ص ۶۵.
۴- سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۱۳.

۱. «شما را از زیارت قبور نهی کرده بودم، پس اکنون آنها را زیارت کنید». (۱) ۲. در حدیث دیگری عایشه می گوید: به درستی که پیامبر خدا زیارت قبور را اجازه داد. (۲) دسته چهارم: احادیثی هستند که در خلال آنها پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کیفیت زیارت قبور را به اطرافیان خویش آموخته اند:

عایشه می گوید: پیغمبر کیفیت زیارت قبور را به من آموخت. (۳) آن گاه کیفیت آن را بیان می کند.

از مجموع این احادیث چنین بر می آید که از نظرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله، زیارت قبور عملی ممدوح و مطلوب و در بردارنده ثمرات تربیتی، اخلاقی فراوانی بوده، هر چند مدتی نیز این عمل نهی شده بود. و به دلیل اهمیت آن رسول خدا صلی الله علیه و آله مسلمانان را در هر عصر و زمان و در هر شهر و دیار به زیارت قبر خویش و سایر مؤمنین فرا می خوانده است و مؤمنین نیز از آغاز اسلام تاکنون به این عمل خداپسندانه با دل و جان، شتافته و بهره ها گرفته و خواهند گرفت.

مشروعیت زیارت از دیدگاه ائمه معصومین علیهم السلام

احادیث زیادی در این زمینه از ائمه معصومین علیهم السلام روایت شده است، امام صادق علیه السلام فرمود: «چون یکی از شما شیعیان عمل حج را بجای آورد، حجش را با زیارت ما ختم کند، زیارت ما جزو پایانی حج است». (۴) همچنین در این مورد امام رضا علیه السلام فرمود: «هر امامی را در گردن پیروانش عهدی است که وفای به آن عهد جز با زیارت قبور آن امامان تمام و کامل نمی شود». (۵)

۱- احیاء العلوم، ج ۴، ص ۴۹۳.

۲- صحیح ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۱۲.

۳- آیین وهابیت.

۴- بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۵۴.

۵- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۵۳.

البته زیارت نه تنها مخصوص پیامبران و امامان، بلکه همان طور که در سطور گذشته آمد شامل امامزادگان و افراد صالح نیز می شود.

مشروعیت زیارت از نظر عقل

از دیدگاه عقل سلیم بشری، هر کردار و رفتار و حتی اندیشه ای که آدمی را در مسیر کمال الهی یاری دهد، و او را در رسیدن به سر منزل مقصود، و پیمودن مراتب و مراحل سلوک معنوی مدد رساند، و مایه «تقرّب» او به درگاه ربوبی، ضامن پویایی و حرکت بی وقفه او در طریق حق و حقیقت باشد، مطلوب و پسندیده است.

و بی تردید «زیارت» از جمله اعمالی است که اگر با «آداب و شرایط» آن و توأم با «معرفت» به حق نبی و وصی انجام پذیرد، آثار پربار و سازنده ای در پی دارد که ره توشه رشد و بالندگی زایران خواهد بود.

چنین زیارتی «زیور زهد» (۱) را زینت بخش زندگی زایر قرار می دهد، و «پیراهن پارسایی» را که تنیده از تار و پود و تعظیم شعایر الهی است، بر پیکر دل ها می پوشاند. (۲) چنین زیارتی، الهام بخش و شوق آفرین، ادب آموز و هوس سوز، روشنگر و حق نما، ایمان زا و آرمان بخش، گناه شوی و خطاپوش و ... است.

حال کدامین عقل سلیم و زنده و پویایی است که به حسن و مشروعیت آن حکم نکند؟!

مشروعیت زیارت از نظر اجماع

گرچه آن جا که حکم عملی از طریق کتاب یا سنّت روشن باشد، دگر جایی را برای روی آوردن به دلیل اجماع باقی نماند و اگر چنین شود، صرفاً برای تأیید و تقویت بیشتر مبانی آن حکم صورت می پذیرد. گرچه از نظر شیعه، اجماع از آن جهت که

۱- اشاره به حدیث «زوروا القبور فإنها تزهد فی الدنیا».

۲- اشاره به آیه(وَ مَنْ یُعَظِّمْ شَعائِرَ اللَّهِ فَإِنَّها مِنْ تَقْوَی الْقُلُوبِ)، سوره حج، آیه ۳۲.

«کاشف از قول معصوم» است، حجیّت دارد. در هر حال اجماع و اتفاق مسلمانان در اعصار و ادوار گوناگون بر حکمی، خود دلیل استوار و گواه روشن دیگری بر حقانیت و جواز آن است. «با مراجعه به کتاب های حدیث و فقه و اخلاق و تاریخ، مخصوصاً مربوط به «مناسک حج» حقیقت این مطلب روشن می گردد.

مرحوم علامه امینی، از چهل و دو منبع اسلامی، استحباب زیارت قبر پیامبر را نقل کرده است. ایشان در کتاب الغدیر (۱) نصوص و کلمات آنان را با کمال دقت نقل کرده است. (۲) در کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه که به قلم چهار تن از علمای مذاهب چهارگانه نوشته شده است، و همگان از افکار و آرای آنان یاد شده، چنین آمده است: «زیاره قبر النّبی أفضل مندوبات ورد فیها أحادیث»؛ (۳) زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله، برترین مستحباتی است که در مورد آن احادیث و اخباری وارد شده است.

در هر حال با مراجعه به عقل سلیم و آرای علمای مذاهب اسلامی، جای هیچ گونه شک و تردیدی باقی نمی ماند که «مشروعیت زیارت» از مسلّمات فقه اسلامی بوده و تنها گروه کژاندیش وهابی است که با خرق اجماع و بر خلاف حکم عقل، در مشروعیت و جواز زیارت، تشکیک روا داشته و به حرمت آن فتوا داده است.

آداب زیارت

در آداب زیارت فرقی نیست(چه کربلا و چه مشهد و چه دیگر زیارتگاه ها)، ولی هر جا آداب خاص خود را دارد، زیرا زیارت مثل کتابی است که تدریس می شود، یک مقدمه و یک پایان دارد و در بین راه طی امتحانی انسان متوجه می شود که زیارتش مقبول واقع شده یا خیر.

۱- الغدیر، ج ۵، ص ۱۰۶- ۱۲۹.

۲- آیین وهابیت، ص ۱۱۹.

۳- الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۵۹۰.

زیارت مقدمه نماز است. زیارت است که دل را آماده می کند و خوب است وقتی انسان به زیارت می رود، یقین داشته باشد که دعوت شده خداوند است. زیارت دو نفر از معصومین علیهم السلام برابر ثواب زیارت خانه خداوند است؛ یکی زیارت امام حسین علیه السلام و دیگری زیارت حضرت رضا علیه السلام.

با توجه به مشابهت هایی که بین اعمال حج و زیارت ائمه علیهم السلام است، می توان به اهمیت آداب زیارت واقف شد.

نقل است از امام جواد علیه السلام که «به زیارت پدرم که می روید با سری پایین و تواضع قدم بر دارید. در راه ذکر اللّه اکبر، لا اله الا اللّه و سبحان اللّه بگویید». امام هشتم علیه السلام در راه آمدن به خراسان در جمع بسیاری از علما و محدثین، حدیث سلسله الذهب را نقل می فرماید که «کلمه لا اله الا اللّه، دژ محکم در مقابل عذاب است».

پائولوکوئیلو نویسنده معروف، در یکی از آثار خود به این مطلب اشاره کرده است و ضمن نقل ماجرای(سفری کوتاه) این طور تفسیر می کند: «وقتی که به سوی متصدی می روی، سرت را پایین نگه دار وگرنه تعلقات محیط اطراف، تو را مشغول و از هدف اصلی دور می کند». (۱) اعمالی که زایران در زیارتگاه ها باید انجام دهند عبارت اند از:

۱. زیارت کردن.

۲. خواندن زیارتنامه.

۳. خواندن دو رکعت نماز زیارت.

۴. ادای نذورات، بعد از حل مشکلات و گشایش کار خود و یا رفع مشکل.

۵. دعا کردن، با توجه به مکان زیارتگاه ها و ایام مخصوص، مانند اعیاد و سوگواری ها و شب های قدر.

۱- ماهنامه زایر، به نقل از حسین الهی قمشه ای، ش ۱۵۲، ص ۱۲ و ۱۳.

آثار زیارت

آثار و پیامدهای زیارت در مذهب تشیع پیش از آن که متوجه فرد زیارت شده باشد، متوجه زایر است. در ادیان و مذاهب دیگر چه بسا هدف اصلی از زیارت ارج نهادن به شخص زیارت شده باشد و پیامد چندانی برای فرد زیارت کننده در بر نداشته باشد.

اما در مکتب تشیع، اگرچه این مهم دنبال می شود؛ یعنی شیعیان با حضور در مراقد و مشاهد مطهر ائمه علیهم السلام و اولیای دین، مفاهیم و کلمات تهنیت و فضیلت را به زبان آورده و به ستایش آنها می پردازند و یاد آنان را زنده می دارند و موجبات خشنودی آنها را فراهم می آورند، اما بیشتر آثار و پیامدهای این مراسم به خود زایران بر می گردد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی زیبا به حضرت علی علیه السلام فرمود: ای علی هر کسی بعد از وفات من و تو و فرزندانت، ما را زیارت کند، من ضمانت می کنم که در روز قیامت او را از وحشت و گرفتاری های قیامت نجات دهم و او را در مقام و مرتبه خود جای دهم. (۱) سنت زیارت در مذهب شیعه یک ویژگی و امتیاز به حساب می آید. زیارات شیعی دارای چنان غنای ادبی، فکری، سیاسی و اجتماعی هستند که در طول تاریخ نه تنها کهنه و فرسوده نشدند، بلکه با کنار رفتن پرده های جهل و ابهام، مفاهیم آنها روز به روز رساتر و کامل تر شده است.

الف) کارکردهای روحی و معنوی

اولین، فراگیرترین و ملموس ترین کار زیارت تأثیر مستقیم در روح و جان انسان و صیقل و صفای باطن است. این تهذیب نفس و روح و ارتباط با منبع لایزال و نامتناهی، یک جهان بینی و نگرش خاصی در فرد ایجاد می کند. این جهان بینی و بینش تمام مسایل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی او را نیز در بر می گیرد.

۱- کامل الزیارات، ص ۱۱.

بنـابراین تـأثیرات معنوی و روحی زیـارات در انسـان که تهـذیب نفس و صـیقل روح را به دنبـال دارد، در دو حوزه به مسـایل سیاسی و اجتماعی نیز ربط پیدا می کند. اول این که موجب نگرش و جهان بینی خاص نسبت به تمام امور از جمله پدیده های سیاسـی- اجتمـاعی می شود، به گونه ای که نگرش چنین فردی به خـانواده، فرزنـد، پدیـده هـای اجتمـاعی، روابط با دیگران، قدرت، حکومت، ظلم و ... با یک فرد معمولی تفاوت اساسی دارد.

دوم این که عملکرد و رفتار چنین فردی با سایرین فرق می کنـد. انسان خودساخته ای که دل در گرو عالم نامتناهی بالا دارد و عظمت خالق و خلقت را می بینـد و از سـعه صـدر و وسـعت نظر بالایی برخوردار است، از هر کاهی، کوهی نمی سازد و برای رسـیدن به مقاصـد خود دست به هر کار زشتی نمی زند. در مقابل مقام بالاتر از خود تملق و چاپلوسـی نمی کند و هیچ نیازی هم به تملق و سـتایش دیگران احساس می کند و هیچ تمایلی به ستم بر دیگران ندارد و در مقابل هیچ ستمگر و زورگو نیز سر تسـلیم فرود نمی آورد و ... در این رهگـذر، دلـدادگان اللّه در چنین کـانون حیـات بخش خورشـید معنویت، جان گرفته و هر کس مطابق با نیازهای خود و ظرفیت هایش بهره ای گرفته و برای حیات خویش به ارمغان می برد.

ب) کارکرد معرفتی

کار ویژه بعدی زیارات انتقال بخشـی از معارف و مبانی فکری اسـلام و تشـیع به مخاطبین و نسل های بعدی است. در کارکرد اول، تهـذیب نفس و تعالی روحی و معنوی انسان به پیـدا شـدن یک نگرش نوین و جهان بینی جدید کمک می کرد، ولی در این کارکرد ویژه زیارت یک سـری اصول و مبانی فکری آماده ای را منتقل می کند و می تواند در بسـیاری از حوزه ها مبنای معرفت بشـری قرار گیرد. در هر صورت هر فردی به تنـاسب زمینه و اسـتعداد و ظرفیت و توان فکری و روحی، از زیـارت بهره می برد و چه بسا افرادی هم باشند که هیچ گونه بهره ای نبرند.

ج) کارکرد روان شناختی

انسان هایی که به زیارت می روند، اطمینان قلبی دارند که هرگز تنها نیستند و قدرتی مافوق آنها وجود دارد که همواره حیّ و حاضر و ناظر بوده و توان برآوردن همه نیازهای بشری را داراست. لذا با توسل و استغاثه به درگاه او و ریختن اشک شوق، به سبب داشتن چنین تکیه گاهی مطمئن و مسایل خود را به او واگذار نمود و تخلیه روانی شده و آرامش روحی به دست می آورند.

از نظر روان شناسی اشخاصی که دارای تکیه گاه روانی هستند، دارای انفعال نبوده و احساس آسیب پذیری ندارند. و ویژگی هایی همچون، اعتماد به نفس، احساس توانمندی امیدواری و تأثیرگذاری در مسیر سرنوشت خود و متأثر ساختن محیط پیرامون و جهان خارج از خود را دارا هستند. اضطراب و ترس این افراد به حداقل می رسد و آرامش با زندگی فرد توأم می شود و احساس وجود قدرت های روحی در فرد تقویت می یابد.

د) کارکرد فرهنگی

بی تردید یکی از آثار مهم و ارزشمند زیارت، گردآوری افراد و گردهمایی گوناگون، ملیّت ها، آداب و رسوم و فرهنگ سنتی و مذهبی و خاص در پیرامون خود می باشد، چنانچه یکی از آثار بسیار ارزشمند «حج» گرد آمدن پیرامون مذهب های اسلامی است در گرد نگینی به نام کعبه، تا در سایه این کنگره عظیم و گردهمایی بزرگ علاوه بر آثار معنوی آن، بهره مندی های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی را عاید ملل گوناگون بنماید.

وجود اعیاد و مناسبت های مذهبی به عنوان انگیزه هایی هستند که شهروندان مختلف از شهرها و روستاهای گوناگون کشور را به سوی اماکن متبرک جلب می نمایند و از آن جا که آداب و رسوم، ارزش های مذهبی و ... در بین هموطنان، بسیار فراوان و متنوع است، شاید بتوان گفت که زیارت صرف نظر از جنبه مذهبی و

مفهومی آن یک نوع مبادله فرهنگی نیز محسوب می شود. اگرچه شاید از این آداب و رسوم تقلید همه جانبه نشود، اما حداقل این مزیت را خواهد داشت که افراد با رسوم گوناگون آشنا می شوند، به خصوص آداب و رسومی که مخصوص اعمال زیارت و مربوط با آن است. همینطور به وجود آمدن واژه هایی چون رواق، شبستان، ضریح، صحن و ... که مخصوص چنین محیطهای مذهبی می باشد، سبب گسترش واژه های مذهبی شده و از دیگر جنبه های کارکردهای فرهنگی امامزاده می باشد.

ه) کارکردهای سیاسی و اجتماعی

شیعه همواره اقلیتی بوده که در طول تاریخ، سیاست و مسایل سیاسی، اجتماعی با روح و اعتقادات این گروه در هم آمیخته است. شیعه اولًا از طرفی مدعی حکومت بوده و از طرف دیگر شرایط و زمینه های مساعد برای به دست گیری قدرت وجود نداشته است. ثانیاً هیچ گاه از اصول خود کوتاه نمی آمده و اهل سازش و مصالحه نیز نبوده است. و ثالثاً به دلایل فوق همیشه درگیر مخالفت ها و مبارزه با قدرت های سیاسی زمان خود بوده است. در هر حال با توجه به مشکلات سیاسی و اجتماعی، زیارت نقش بسیار مهمی ایفا می نماید که به چند نقش عمده اشاره می شود:

۱. بالا بردن ظرفیت و توان مخاطبین در برابر مشکلات و سختی ها.

۲. امید و امیدواری در شرایط سخت و طاقت فرسای بحرانی در جامعه شیعی.

۳. زنده نگه داشتن روحیات حماسی و دلاوری و شجاعت در افراد و رواج و ادامه آن.

۴. ترویج روحیه حق طلبی و عدالت خواهی و تأکید بر احقاق حق و اجرای عدالت به عنوان مهم ترین آرمان شیعه.

۵. احیای روحیه انتقام با تبیین ظلم ها و ستم هایی که بر ائمه شیعه علیهم السلام و پیروان آنها در طول تاریخ رفته است.

۶. توجه به جامعه و حکومت آرمانی، که امام زمان(عج) پس از ظهور خود آن را تشکیل خواهد داد.

۷. و بالأخره زیارات، زایر را متوجه امام و رهبر معصومی می کند که هم اکنون زنده است و می تواند با آنها ارتباط برقرار نماید و مشکلات و سؤالات آنها را پاسخ گوید و ....

و) کارکرد اقتصادی

یکی از عوامل شکل دهنده یک فرهنگ، نظام اقتصادی آن است که بدون وجود یک نظام منسجم و صحیح اقتصادی راه بردن به توسعه و توسعه شرعی بعید به نظر می رسد. نذورات نقدی زایران که به صندوق های اخذ اعانات واریز می شود و یا به ضریح مطهر امامزادگان ریخته می شود، از منابع تأمین نیازهای مالی این اماکن مقدس و زیارتی می باشد.

اما در بحث پیرامون رابطه مبادلات فرهنگی و اقتصادی باید گفت که در پاره ای موارد تعاملاتی که به شکل فرهنگی در اثر زیارت انجام می گیرد، منجر به گسترش روابط اقتصادی بین زایران و کسبه و حتی زوار زیارتگاه ها می شود. و مهاجرت های از روستاها به شهرها نیز در این تعامل نقش به سزایی را در بر دارند.

ز) کارکرد هنری

بارگاه ملکوتی امامان معصوم علیهم السلام علاوه بر تمام کارکردهای خود، کارکرد هنری را نیز در بر می گیرد. چراکه بارگاه آن بزرگواران قلب های هنرمندان و عشاق اهل بیت عصمت و طهارت را با شوق فراوانی به سوی خود جلب می کند و باعث خلق زیباترین اثرهای هنری و معماری در جهان اسلام می گردد.

از این رو دریچه ای به سوی جهان ملکوت گشوده می شود تا ترنّم های زیبای نور و روحانیت و انسانیت، فضای زندگی انسان های شیفته و از خود رهیده را معطر نموده، و آنان را به سر منزل مقصود برساند.

تأثیر زیارت در بهداشت روانی و تعالی روح

زیارت در اسلام، همان طور که اشاره شد و به خصوص در فرهنگ تشیع از اهمیت به سزایی برخوردار است. بزرگان و اولیای الهی و ائمه معصومین علیهم السلام در موارد بسیاری مؤمنین و افراد جامعه را به زیارت دعوت و تشویق نموده اند و از ارزش دنیوی و اخروی آن آنها را مطلع نموده اند.

زیارت هم جنبه اعتقادی و هم ابعاد اجتماعی و سیاسی و به خصوص تربیتی و سازندگی دارد و الهام بخش جسم و روان انسان است. زایر در هر درجه و مقامی که باشد و زیارت هرگاه انجام پذیرد و مزار مطهر ائمه معصومین علیهم السلام و سایر زیارتگاه ها در هر جای دنیای خاکی و هر سرزمینی که باشد، چشمه جوشان معنویت و معارف اسلامی و بشری است برای رشد و بالندگی ارزش های اسلامی و الهی در انسان ها.

زیارت چه در خانه خدا باشد و چه مرقد مطهر رسول اللّه صلی الله علیه و آله و چه قبور مطهر و مظلوم ائمه بقیع و چه کربلای سید الشهد علیه السلام و چه مشهد الرضا علیه السلام و یا سایر اماکن مطهر ائمه علیهم السلام و قبور شهدای اسلام باشد، همگی موجب انتشار نور معرفت و آگاهی و ارشاد و هدایت می باشد.

سؤالی که در این جا مطرح است، این است که آیا زیارت صرفاً عملی است عبادی یا جنبه های روانی و درمانی هم دارد؟ زیارت چگونه می تواند در پالایش روح و روان افراد و سلامت جسمی انسان ها نقش داشته باشد. زیارتنامه ها که مملو از ذخایر معنوی است و از یک دنیا تعلیمات فرهنگی و تربیتی و اجتماعی و سیاسی برخوردار است، چگونه می تواند در بازسازی روحی و جسمی انسان امروزی و در عصر تکنولوژی های پیشرفته مادی جهان معاصر نقش ایفا کند؟ اصولًا زیارت و درخواست های مادی و معنوی در قبور مطهر امامان علیهم السلام چگونه می تواند به عنوان یک فرهنگ مترقی و عامل پیشرفت علمی و معنوی برای جوامع بشری مطرح گردد؟

در این راستا سؤالات زیادی مطرح می باشد که بررسی آنها در این مقاله

نمی گنجد، همین قدر بر این امر باید به باور رسید که تأکید پیامبر اکرم و تمام اولیای الهی برای تشویق مردم به زیارت، جای هیچ گونه شک و تردیدی بر جای نمی گذارد که به اهمیت و جایگاه آن در اسلام اشاره شده و می شود.

ولی آنچه که بیشتر مورد نظر است، گوشه ای از اثرات این فرهنگ عمیق شیعی و اعتقادی بر جسم و روان زایر است و نیز بیان حالا-تی که در موقع زیارت برای افراد پیدا می شود که خود مستوجب برآورده شدن حاجات و استجابت دعای زایرین را فراهم می آورد. اکنون نقش زیارت و دعا را که در تربیت انسان و تعالی جسم و روح او مطرح است به اجمال بازبینی می نماییم.

با بررسی مقدمات زیارت قبور مطهر ائمه علیهم السلام و ... به ویژه بارگاه ملکوتی حضرت ثامن الحجج علیه السلام که در آداب زیارت وارد شده، و بسیار آموزنده و سازنده است، به جواب سؤال خود دست پیدا می کنیم. هیجانات روحی و عشق به دیدار معشوق حالت سازندگی جسمی و روانی را به همراه دارد. در این زمینه مطالب و روایات و آیات متعددی که پیرامون سفر زایر و اثرات آن وجود دارد، خود حدیث مفصلی است بر این مجمل! (۱) در زیارت انسان با تمامی نواقص و کمبودهایش در برابر یک انسان کامل قرار می گیرد و از آن جایی که انسان یک موجود کمال گرا است و تلاش می کند خود را به کمال مطلق نزدیک کند، زیارت، اسباب این صعود را برای او فراهم می کند. از طرف دیگر زیارت می تواند در انسان تحول روحی عظیمی را ایجاد کند. و اگر کسی به زیارت برود و این تحول روحی را در خودش احساس نکند، پس هیچ سودی از زیارت عایدش نشده است. از یکی از علما نقل شده که زایر باید پس از زیارت بهتر از قبل باشد. حال اگر زایری از راه دور با سختی و مشقت رنج سفر را تحمل کند و با

۱- روزنامه قدس، زیارت و تأثیر آن بر بهداشت جسم و روان، سال ۱۳۸۳، ص ۳.

شوق و شور فراوان به زیارت بیاید، این حضورش می تواند تأثیرات تربیتی بیشتری داشته باشد.

دکتر عظیمی از استادان حوزه علمیه معتقد است:

زایری که قصد زیارت یک انسان بزرگ و امام و پیشوای خود را دارد، لازم است آمادگی لازم جهت این عمل را در خود ایجاد کند. فردی که موفق شود این آمادگی را در خود ایجاد کند، اثرات آن را به وضوح در خود می یابد، که احساس شادی و نشاط معنوی و سبکباری از مهم ترین تأثیرات آن است. با ایجاد این احساسات خاص است که فرد می تواند از زیارت خود بهره های فراوانی ببرد. (۱) در آداب زیارت آمده است: وقتی فردی به زیارت می رود باید با وضو باشد، پاکیزه ترین و بهترین لباس خود را بپوشد، معطر باشد و ... که رعایت تمام این شرایط و آداب، تأثیر فراوانی در روح و روان او به جای خواهد گذاشت. دعاهایی که هنگام زیارت باید خوانده شود، و نیز رعایت ادب و متانت که تمامی اینها تمرینی است برای چگونگی زندگی فرد در جامعه و این فرد مبدل می شود به یک انسان پاک و با اخلاق که سعی می کند با رعایت حقوق سایر زایران در حریم کبریایی امام خویش حاضر شود. اگر این رفتارها بتواند در انسان ملکه شود، این فرد در جامعه نیز به همین شکل ظاهر خواهد شد، چراکه این حضور معنوی او را برای حضوری بزرگ تر در جامعه تربیت می کند و می سازد.

پس زیارت صرفاً عملی عبادی خشک و بی روح نیست، بلکه سایر جنبه های سیاسی، اجتماعی، به خصوص عاطفی، روانی و تربیتی را نیز در بر می گیرد. ادعیه ای که در این زمینه آمده، علاوه بر بهداشت جسمی و رعایت نظافت فردی، آمادگی و بهداشت روحی و روانی زایر را نیز در دستور کار او قرار می دهد و برای ورود به

۱- ماهنامه زایر، مروری بر آثار تربیتی زیارت، شماره ۱۵۲، ص ۸.

صحن مطهر و ورود به حریم مطهر قبور، و دعاهایی که باید زایر بخواند و حتی گام برداشتن را تعلیم داده است.

در آداب زیارت چقدر زیبا و دلنشین وظایف زایران تشریح شده است. همه اینها از نظر رفتار فردی و اجتماعی و در واقع بهداشت فردی و اجتماعی قابل تأمل و مطالعه است. با این آمادگی ها، زایر در قبل از زیارت، یک انسان عادی نمی باشد، بلکه یک انسان آماده، پاک و مطهر، با آداب و اخلاق در کنار سایر زایرین است که آنها هم در همین شرایط قرار دارند، پای در حریم دوست و یار و مولا و مقتدای خود می گذارد و دریچه دل را می گشاید و در خلوت خود با او راز و نیاز می کند.

تصور این صحنه ها به لحاظ علمی و مادی بشری را نمی توان در هیچ مکتب و یا در هیچ کتاب علمی و پزشکی یافت، که این طور نسخه صحت و سلامت جسمی و روحی را برای فرد فرد جامعه از یک انسان معمولی و عادی، حتی بی سواد، به علم روز گرفته تا بالاترین شخصیت های علمی و افراد برجسته، عالم و استاد و پزشک معالج و ... را پیچیده باشد. آنها همگی در کنار هم باید این چنین به مداوای بیماری های درون و نهان خود بپردازند. به اعتقاد تمام جامعه شناسان و روان شناسان و اطبای جسم و اخلاق، زوایای پیچیده این حالات روحی و معنوی را باید در این حالات روحانی جست وجو نمود.

باید نگرش علمی و با دیدی نو این تعالیم بسیار مترقی و سازنده را به جامعه و سپس به دنیا عرضه نمود، تا بتوان در این جهان به هم ریخته و بی هویت، انسان معنوی با الگوی اسلامی را عرضه نمود، تا بشریتِ غرق در مادیات و رفتارهای غیر اخلاقی و انسانی، این انسان والای تربیت شده در مکتب اسلام و ائمه اطهار علیهم السلام را شناخته برای خود الگو سازد.

زایر اکنون با این توصیف به بیان هر چه در درون دارد پرداخته و با معبود خود راز و نیاز می کند و شریف ترین و پاک ترین مخلوق خداوند یعنی ائمه معصومین علیهم السلام را

ناظر و شفیع خود قرار می دهد. در پناه آنها جرأت می یابد، زبان به اعتراف بگشاید و از اعمال ناپسند و رفتارهای ناهنجار فردی و اجتماعی خود عذر تقصیر آورد، و طلب عفو و بخشش نماید و درون خود را نیز همچون جسم خود مطهر و پاک سازد.

این تخلیه روانی و خالص شدن، و در یک کلمه گناه را کنار گذاردن، او را سرمشق دیگران می نماید و به تک تک افراد درس انسان سازی می دهد. این است آن داروی خوشبختی که هیچ نسخه و تجویز دارو نمی تواند به این زیبایی انسان را آرام نماید.

چون داروهای ساخت بشر اگر مفید باشد، همگی فقط در جسم انسان اثر می گذارد، لذا زیارت با رعایت همه آداب و دستورات آن برای انسان های به ظاهر سالم، حتی پزشکان، درمانگری بسیار سازنده ای دارد و شفابخش آلام روحی و روانی انسان ها است. (۱) تجربه و تحلیل مطالب

باتوجه به مطالبی که آورده شد، می توان چنین تجزیه و تحلیل نمود:

۱. زیارتگاه مکانی است که علاوه بر عبادات، نکات تربیتی نیز در آن به وضوح به چشم می خورد و انسان ها را از آلام و رنج های درونی بازداشته و پیونددهنده مخلوق است با خالق جهان و همین طور علاوه بر زیارت سیاحت هم به شمار می آید.

۲. زیارتگاه ها، مکانی است برای عبادت و این که افراد لحظه ای از مادیات و دنیای فانی چشم پوشیده و با خدای خود راز و نیاز می کنند، به آرامش فکری بیشتری رسیده و با استفاده از این آرامش، توانسته اند به زندگی خود حرکت و پویایی بیشتری داده و به تعالی روح خود نیز رسیده اند.

۳. زیارتگاه ها، محیطی است که افراد برای بخشش گناهان خود به این مکان های مقدس رفته و از خدا طلب عفو و بخشش می نمایند. به طور کلی ثابت شده است که

۱- روزنامه قدس، زیارت و تأثیر آن بر بهداشت جسم و روان، ص ۳.

انسـان هـا همیشه به دنبال یک پناهگاه و یک نیروی مافوق بشـری خواسـته انـد تکیه کننـد که هم در گشایش کارها و هم در آمرزش گناهان این مکان ها بسیار تأثیرگذار می باشند.

۴. زیارتگـاه هـا، محیطی است برای این که تنهایی انسان ها را پر کنـد. تنهایی برای انسان ها غیر قابل تحمل است و تنها بودن فقط از خدای یگانه است و مختص به او.

رفتن به زیارتگـاه هـا انسان امروز را از روزمرگی نجات داده و شور و نشاط تازه به او بخشـیده و به تعالی روح دست پیـدا می کنند.

۵. هنگامی که انسان ها، دچار گرفتاری شده و از همه جا رانده می شوند، تنها جایی که مأمن آنهاست، درگاه خداوند است و انسان ها برای این که راحت تر بتواننـد با خـدای خود خلوت کنند، فقط در این مکان های مقدس است که می توانند خواسـته خود را به خدا گفته و به آرامش برسـند. و صبری که خداوند برای تحمل مشکلات به آنها می دهد، خیلی نتیجه بخش است، چراکه همین صبر بر مشـکلات باعث می شود، افراد دچار آلام روحی و روانی شفا پیدا کرده، یعنی با توکل بر خدا و شفاعت امامان معصوم علیهم السلام به منزل یقین می رسد.

۶. همچنیـن زیارتگـاه هـا محیطی است که افراد تنهـا از راه هـای دور می آینـد و می تواننـد در کنـار آن حریم یـار به آرامش رسیده و هم به زیارت و هم به سیاحت خود دست یابند.

نتیجه گیری

زیارت در اسـلام به ویژه در فرهنگ ارزشمند شیعیان، از اهمیت بسیار والایی برخوردار است. زیارت هم جانب اعتقادی و هم ابعـاد اجتمـاعی و سیاسـی را در بر می گیرد، امـا آنچه در این امر مهم است ابعـاد تربیتی و سازنـدگی این عمل روحانی است، بعدی که الهام بخش جسم و روان انسان می باشد. زیارت صرفاً عملی عبادی

نیست؛ بلکه سایر جنبه های سیاسی، اجتماعی به خصوص عاطفی و روانی و تربیتی را نیز در بر می گیرد.

زیارت پیونددهنده انسان با ائمه معصومین علیهم السلام است. وقتی به زیارت چنین انسان های بزرگ و شریف نایل می شویم، باید به عنوان یک الگوی برتر از آنها کسب فیض کرده و اخلاق و رفتار و اعمال خود را با سایر خصوصیات آن بزرگواران منطبق سازیم، چراکه در این صورت است که زیارت معنای واقعی خود را پیدا می کند.

وقتی ما در برابر یک معصوم و امام قرار می گیریم و در مزار پیشوایان دین، با شناخت و بصیرت خود حضور می یابیم و می دانیم که اینان کمال مجسم و عینیت فضیلت و جلوه هایی از نور خدا و چشمه هایی از فیض رب و تبلوری از ایمان و خلوص و عبودیت و پاکی اند، در این صورت عظمت آنان ما را متوجه نقایصمان می کند و پاکی آنان ما را به مادیات و دنیاگرایی ما واقف می گرداند. پیروی از آنان معصیت ما را محو می نماید و نورانیت آنان تیره جانی و تاریک دلی ما را روشن می کند. مقام آنان ما را آگاه می کند که اگر آنان در قله اند، ما هنوز به دامنه هم نرسیده ایم، اگر آنان معصومند، ما گرفتار معصیتیم، اگر آنان برگزیده خدایند، ما در دام ابلیس و هوای نفس اسیریم، اگر آنان در اوج معراج معنوی اند، ما در هبوط مادی مانده ایم، اگر آنان بنده خدایند، ما در بند خود گرفتار آنیم.

زیارت زمینه ساز این تقابل و تقارن و مقایسه و محاسبه است و تا این سنجش انجام نگیرد، به کاستی های اخلاقی و ضعف های معنوی خود واقف نخواهیم شد.

پیشنهادات

۱. در جامعه سعی شود که مردم را با این اماکن مقدس و زیارتگاه ها پیوند دهیم که این نقش را رسانه های ارتباط جمعی، آثار مکتوب، مطبوعات و ... می توانند به خوبی ایفا نمایند.

۲. اگر انسـان هـا بخواهنـد از دام روزمرگی و نـاراحتی های روحی و روانی نجات یابنـد، رفتن به اماکن متبرک و راز و نیاز با خدای احد و یگانه تنها راه نجات آنها می باشد، تا بتوانند به آرامش روحی مطلوب رسیده و به تعالی دست پیدا کنند.

۳. رفع مشـکلات انسـان هـا در این امـاکن مقـدس از سوی متولیان آنها، یکی از راه های تجمع مردم است. با تشویق و ترغیب آنها می توان مشکلات دیگران را همچون تجمع در مساجد حل نمود و به رتق و فتق آنها نیز رسیدگی کرد.

۴. مناسب سازی اماکن مقـدس نیز از اهمیت و جایگاهی بس بالا برخوردار است و بایـد متولیان و مسـئولین نیز به این امر مهم توجّه داشـته باشـند و برای کودکـان، سالمنـدان، گردشـگران و ... مکـانی بس آرام و دلنشـین بـا توجه به حال و هوای زیارت برگزینند.

ص: ۷۲۱

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.

۲. آیین وهابیت، جعفر سبحانی.

۳. احیاء العلوم الدین، ابو حامد غزالی.

۴. بحار الأنوار، علامه محمّد باقر مجلسی.

۵. جامع السادات، علامه محمدمهدی نراقی.

۶. جامعه شناسی ادیان، دکتر علی شریعتی، حسینیه ارشاد، تهران، ۱۳۵۶.

۷. درآمدی بر جامعه شناسی دین و آراء جامعه شناسان بزرگ درباره دین، دکتر مسعود جلالی مقدم، تهران، نشر مرکزی، ۱۳۷۹.

۸. روان شناسی دین، ماهنامه، سال اول، شماره ۳.

۹. زایر، ماهنامه بین المللی و فرهنگی، اجتماعی و اعتقادی، سال چهاردهم، شماره ۱۵۲، مرداد ۱۳۸۶.

۱۰. زمینه جامعه شناسی، گیدنز، ترجمه منصور صبوری، ۱۳۷۴.

۱۱. سنن ابن ماجه.

۱۲. شهید و شهادت در ادعیه و زیارات، علی اکبر علیخانه، مرتضی بحرانی، نشر شاهد، ۱۳۸۰.

۱۳. صحیح، مسلم بن حجاج نیشابوری.

۱۴. صحیح، محمّد بن اسماعیل بخاری.

۱۵. صحیح ابن ماجه.

۱۶. الفقه علی المذاهب الاربعه.

۱۷. روزنامه قدس، مورخ ۲۷ آبان، ۱۳۸۳، مشهد.

۱۸. کامل الزیارات، ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه القمی، تهران، صدوق، ۱۳۷۵.

۱۹. کشف الارتیاب، سید محسن امین.

۲۰. مزارات أهل البیت و تاریخها، ترجمه محمد حسین حسینی الجلالی، بیروت، ۱۹۹۵ م.

۲۱. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، تهران، اسوه، ۱۳۷۶.

۲۲. وسائل الشیعه، شیخ حرّ العاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۳. نقش زیارت در بهداشت روانی و تعالی روح

داود اسدیان (۱) و مهدی راثی (۲)

چکیده

دنیای امروز با وجود پیشرفت و تحولی که بر حسب ظاهر پیدا کرده است، در واقع پر از نگرانی ها، اضطراب ها و ترس ها و دلواپسی های شخصی است که ایجاد عقده های روانی می کند. همین عقده ها هم منشأ بسیاری از بدبختی های نسل ماست و این فاجعه ای است که جامه غرب را در لجنزار خود فرو برده، و دردی است بی درمان که روان شناسان شرق و غرب به آن اعتراف می کنند. تقریباً همه روان شناسان تصریح می کنند که بیشتر بیماران، تحت تسلط غم ها، غصه ها و دلواپسی ها قرار دارند که این غم و غصه ها عقده زاست و عقده هم جنون زا، جنایت افزا و موجب گوشه گیری، عزلت و ... در آنان است. و هم آنها می گویند که این دردها را درمانی نیست جز توجه به معنویت، دین و اخلاق و تقویت آن در وجود انسان ها. قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام هر دو بخش سخن آنها را تأیید می کند. در میان آموزه های دینی، نقش زیارت و دعا به عنوان دو عامل در سلامت روح و بهداشت روان از جایگاه بسیار رفیعی برخوردار است.

کلیدواژه ها: دعا، زیارت، بهداشت روانی، سلامت روح، دین.

مقدّمه

یکی از ابتدایی ترین و بدیهی ترین نیازهای انسان، نیاز به امنیت و آرامش درونی است. در سایه آرامش جسم و روح است که انسان می تواند به اهداف خویش در

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور واحد اهر.
۲- سرپرست دانشگاه پیام نور واحد اهر.

زندگی دست یابد.

در واقع رسیدن به کمال انسانی و به طور کلی هدفی که خداوند انسان را برای نایل شدن به آن خلق کرده، در گرو زیستن توأم با آرامش روحی و روانی در دنیاست.

اضطراب و تشویش های درونی ناشی از زندگی ماشینی، همواره مانع پیشرفت انسان در همه ابعاد بوده است و چه بسا زمینه ابتلا به انواع ناراحتی ها و بیماری های جسمی و روحی را فراهم کرده است.

رسیدن به آرامش و طمأنینه قلبی و سلامت ذهنی که از سوی متخصصان به «بهداشت روانی» تعبیر می شود، آرزوی هر انسانی است که به واسطه آن دارای تفکری سالم، ذهنی خلاق و خاطری آسوده برای پیمودن فراز و نشیب های زندگی باشد.

امروزه، نقش مذهب و عقاید مذهبی و باورهای دینی و اعتقاد به خدا و انبیا و معاد، در بهداشت روانی و سلامت روحی بسیار مورد توجه محققان و دانشمندان همه جوامع بشری قرار گرفته است که این توجه منجر به انجام تحقیقات بسیار متعدد و متنوع شده است و در نهایت همه این تحقیقات، نقش مثبت و مؤثر مسایل دینی و مذهبی در بهداشت روانی را تأیید می نماید.

بنابراین زیارت و دعا که در آیین نورانی اسلام از جایگاه بسیار رفیع برخوردار است، می تواند در برطرف نمودن نیازهای معنوی و روحی و روانی انسان نقش سازنده داشته باشد. لذا لازم است این موضوع مورد توجه و اهتمام خاص قرار بگیرد. چرا که انسان، امروزه تشنه مفاهیم عمیق فطری و الهی است که متأسفانه در پیچ و خم غفلت های زندگی روزمره به تدریج به دست فراموشی سپرده می شود.

در زیارت انسان با توسل به ارواح پاک انبیا و ائمه و اولیای خدا، از آنان استمداد جسته و درصدد ارتباط با آن حجت های خداوند می باشد. به اعتقاد ما مسلمانان، آنان زنده و شاهد و ناظر هستند(... تشهد مقامی و تسمع کلامی و تردّ سلامی ...). در سایه این

ارتباط است که زایر روح خود را صفا بخشیده و صیقل می دهد و از کدورت ها و پلیدی ها، خالص و پاک می گردد. مقاله حاضر تلاشی در این زمینه است تا نقش زیارت و دعا را به عنوان دو عامل معنوی در سلامت روح و بهداشت روان انسان ها مورد بررسی قرار دهد، باشد که گامی مفید در ارائه راه و روشی بهتر برای دستیابی به آرامش روح و روان و در نتیجه سلامت جامعه باشد.

زیارت در لغت و اصطلاح

زیارت، به مشاهد متبرک و بقعه ها رفتن و دعایی که به عنوان تشرف باطنی برای امام ها و امامزاده ها و اولیای خدا خوانند، بکار برده می شود. زیارت به حج و مسافرت به مشاهد متبرک و کسب فیض از قبور منور ائمه هدی علیهم السلام نیز معنی شده است. البته زیارت، سفر و بازدید از اماکن و شخصیت ها در ملل و فرهنگ های مختلف نیز وجود دارد و به دیدار و ملاقات پادشاهان و بزرگان رفتن نیز زیارت خوانده شده است.

همچنین دهخدا در لغت نامه خود زیارتکده را به معنی مزار و زیارتگاه تعریف کرده است.

رفت از آن جا و برگ راه ساخت به زیارتگه مقدس تاخت

(نظامی) (۱) اقسام زیارت

زیارت در لغت نامه دهخدا به دو قسم تقسیم شده است:

الف) گاه زایر در زیارت خود مطالب و نیازهای خود را از زبان دل به پیشگاه الهی اظهار می دارد که این نوع را «دعای غیر مأثور یا غیر وارده» می نامند.

ب) مواردی هست که زایر و داعی مطالب و نیازهای خود را از قول خود بیان

۱- لغت نامه دهخدا ذیل ماده زیارت، ص ۱۳۰۵۴.

نمی کند، بلکه با الفاظ مخصوص که از ناحیه حضرات معصوم علیهم السلام نقل شده است به طرح نیازهای خود می پردازد. این قسم ادعیه را در زیارات «دعاهای وارده یا ادعیه مأثوره و زیارات معتبر» می نامند. (۱) انواع ادعیه و زیارات مأثوره

در این تقسیم بندی کلی، دعاها و زیارات ها به دو بخش تقسیم می گردند:

الف) زیاراتی که باید آنها را در شرایط خاص خواند. مثلًا در زمان یا مکان مقدس خوانده شود، مانند زیارت بالاسر یا پایین پای حضرت ابا عبد اللَّه الحسین علیه السلام. برای این نوع زیارت ها و دعاهای خاص، آداب و شرایط ویژه ای ذکر شده است.

ب) دعاها و زیاراتی که از جامعیت برخوردار بوده و برای آنها هیچ قید و شرطی از نظر زمانی و مکانی، دور و نزدیک بودن ذکر نشده است. این دعاها از مضامین بسیار رفیعی برخوردارند و برای همه جا کاربرد دارند و از لحاظ ثواب و فضیلت نسبت به سایر زیارات از مرتبه بالایی برخوردار هستند؛ مانند دعاهای کتاب گران قدر صحیفه سجادیه، زیارت جامعه کبیره، زیارت عاشورا، زیارت امین اللَّه و .... چه ائمه هدی علیهم السلام با شناخت و معرفتی که از ذات حضرت حق دارند و نیز معرفتی که نسبت به نیازهای معنوی و امراض روحی و روانی انسان ها دارند، در این دعاها مضامینی را با فصاحت و شیوایی و بلاغت به کار برده اند که برای صلاح و فلاح ما پیروان، تعالی و نجات بخش بوده و لازم است شیعیان از این آموزه های ارزشمند برای رفع نیازهای روحی و معنوی خود بهره گیرند. در چنین شرایطی است که دعاهای ما به هدف اجابت خواهد رسید.

برخی از آثار زیارت

در ادامه بحث به آثار و برکات زیارت، به طور مختصر اشاره می شود:

الف) مأجور بودن زایر: در کتب معتبر روایی، برای زیارت قبور ائمه علیهم السلام ثواب و

۱- همان، ص ۱۳۰۵۶.

حسنه بسیار وارد شده است، به طوری که موجب تعجب انسان می شود. اما نباید عظمت و جایگاه آن پیشوایان و مقربان درگاه الهی و نیز خزینه های تمام نشدنی و نامحدود حضرت احدیت فراموش شود. (۱) ب) تلطیف عواطف و صیقل یافتن باطن و قلب زایر از تمایلات پست نفسانی.

ج) ایجاد و رشد خصایل و فضایل مثبت شخصیتی در زایر.

نکاتی مهم درباره زیارت و دعا

دعا و زیارت، پر و بال گشودن از گوشه تنهایی تا اوج با خدا بودن است. دعا و زیارت جامی است زلال از معنویت ناب در کام عطشناک زندگی، زیارت معصومین علیهم السلام بارقه امید در فضای غبار آلود زمانه، فریاد روح مهجور در هنگام غفلت و بی خبری و نیز نسیمی فرحناک و برخاسته از بهشت است.

زیارت و دعا به انسان اعتماد به نفس می دهد و او را از غرق شدن در گرداب نومیدی باز می دارد و به تلاش بیشتر دعوت می کند. زیارت و دعا دل و قلب انسان را صفا و نورانیت بخشیده و خضوع و خشوع ناشی از آن انسان را از مرکب غرور و تکبر که سرچشمه تمام بدبختی ها و سیه روزی هاست فرود می آورد. برای زیارت در روایات پاداش های بسیار بزرگی بیان شده و وعده ورود به بهشت و شفاعت معصومین علیهم السلام از جمله آن وعده هاست:

امام باقر علیه السلام در مورد فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام فرمود: هر کس امام حسین علیه السلام را زیارت کند، خدا را در روز قیامت با ثواب دو هزار حج، دو هزار عمره و دو هزار جهاد که ثواب آنها مثل کسی باشد که در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام حج و عمره و جهاد کند ملاقات نماید. (۲)

۱- مفاتیح الجنان، ذیل فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام.

۲- همان، ص ۷۶۰.

شخص زایر هرگاه این توفیق را پیدا کرد که در حرم مطهر امام معصوم واقع شود، نخست باید با ذکر جملاتی کوتاه نسبت به ساحت مقدس آن امام معصوم عرض ادب و ارادت کند، آن گاه باید بیشترین بهره را به وسیله دعا و استغفار برای خود و دوستان و هم کیشان خود از فیوضات آن مکان مقدس ببرد و وقت گران بها و فرصت طلایی خود را بیهوده از دست ندهد و بداند که در جایگاهی قرار گرفته و توفیق حضور در بارگاه ملکوتی حجت خدا را یافته است که مهبط فرشتگان الهی و محل رفت و آمد اولیای خداست و فیوضات و رحمت های الهی پیوسته بدان جا نازل می شود. و احیاناً حججِ دیگر الهی در آن مکان پر برکت حضور دارند. زایر باید بداند که در آن مکان مقدس دعای او به اجابت بسیار نزدیک و امید به برآورده شده حاجت او بسیار زیاد است و از فرصت پیش آمده استفاده بهینه را ببرد.

امام سجاد علیه السلام فرمود: زایر حرم مطهر معصومان باید تلاش کند که از فرصت نصیب شده و توفیق حضور در آن مکان مقدس بیشترین استفاده را با دعا و استغفار و راز و نیاز کسب کند و توجه داشته باشد که دعاهای خود را متوجه عالم بالا و رسیدن به اوج سعادت و کمال انسانی قرار داده و از توجه و تمرکز به درخواست های بی ارزش مادی و دنیوی زود گذر و فانی اعراض نماید.

امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه یاد می دهد که چه چیزهایی را با چه زبان و بیانی از خداوند متعال درخواست نماییم. با تأمل در دعاهای عرفانی و انسان ساز رسیده از معصومین علیهم السلام که با جامع ترین بیان ها و فصیح ترین عبارت ها بیان شده در می یابیم که از خداوند متعال چه چیز و چگونه طلب کنیم که به درجه اجابت برسد و صلاح و فلاح ما را تأمین نماید. (۱) نکته دیگر این که زایر اماکن متبرک پس از قصد زیارت حرم معصوم علیه السلام و تمهید مقدمات زیارت، همچون وضو و غسل، اعمالی را به شرح زیر انجام می دهد.

۱- شرح زیارت امین اللّه، ص ۲۵.

اول: زایر پس از خوانـدن متـن وارده موسـوم بـه اذن دخـول بـه عرض ارادت و سـلام و تحیت بر صـاحب بقعه متـبرک و ائمه معصومین علیهم السلام می پردازد.

دوم: زایر پس از عرض ارادت شروع به رازو نیاز به ساحت باری تعالی با شفیع قرار دادن معصوم علیه السلام اقرار به بندگی و اعتراف به ضـعف وجودی خود در برابر ذات ربوبی و کبریایی حضرت حق که موجب کمال و سعادت و تقرب به باری تعالی است می نمایـد و بـا اقـامه چنـد رکعت نمـاز و ساییـدن پیشانی عبودیت بر خاک مطهر صـحن و عیان ساختن بنـدگی، فلاح و صلاح خود و دیگران را مسئلت می نماید.

سوم: زایر حرم متبرک با طرح خواسـته ها و بیان مشـکلات و اسـتمداد از حضـرت حق با شـفیع و واسطه قرار دادن صاحب آن بقعه متبرک(با عباراتی چون یا وجیهاً عنداللّه اشفع لنا عنداللّه) (۱) رفع حوایج و مشکلات را طلب می کند.

در ضمن زایران شیعه علاقه مند به معصومین علیهم السلام بایستی توجه داشته باشند که در طرح خواسته ها و بیان آرزوها طبق فرمـایش حضـرت زهرا علیهـا السـلام نخست برای دیگران و مؤمنان دعا نموده و بعـد حوایـج خود را مسـئلت نمایـد.(الجار ثم الدار).

زیارت همراه با دعا

همان طوری که گذشت زیارت بدون وجود دعا معنا ندارد و دعا و زیارت لازم و ملزوم یکدیگرند. به عبارتی هدف نهایی از دعا راز و نیاز به در گاه خداونـد متعال است و معمولًا در هر زیارتی به خصوص از بقاع متبرک و از بارگاه ائمه معصوم علیهم السـلام زایر پس از عرض ارادت و سلام و تحیت به ساحت مقدس آن بزرگوار به طرح حوایج و خواسته های خود می پردازد و با واسطه قرار دادن آن امامِ دارای شأن و منزلت در ساحت مقدس حضرت باری تعالی، درخواست های خود را از پروردگار متعال طلب می کند. به جهت اهمیت موضوع دعا که لازمه هر عمل زیارتی مؤثر،

۱- مفاتیح الجنان، دعای توسل.

مفید و مقبول است به توضیح بیشتر پیرامون این موضوع می پردازیم.

ارزش دعا در اسلام

دعا یکی از بهترین عبادات معرفی شده و در لغت به معنای طلب، درخواست و تقاضا آمده است و در اصطلاح به اظهار نیاز و خواهش بندگان از درگاه خداوند متعال گفته می شود.

ارزش و اهمیت دعا در فرهنگ اسلامی تا حدی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن به عنوان مغز عبادت نام می برد(الدُّعاء مُخّ العباده) و نیز امام سجاد علیه السلام در مناجات الذاکرین خود از مناجات خمس عشر به خداوند چنین عرض می کند: «خداوندا یکی از برترین و بزرگ ترین نعمت های تو بر ما یاد توست که بر زبان های ما جاری است و نیز اجازه توست به ما که تو را بخوانیم و تسبیح کنیم». امام باقر علیه السلام فرمود: «

ما مِن شَی ءٍ افضَلَ عِندَ اللَّه عزوجلّ مِن ان یُسألُ وَ یُطرِبُ مِما عِندَهُ

»؛ (۱) در نزد خدا هیچ چیز بهتر از این نیست که از او سؤال شود و از آنچه نزد اوست درخواست گردد.

دعا وسیله ای است که پروردگار عالم در اختیار انسان قرار داده تا وقتی که اعضا و جوارح و روحیات انسان از مسیر تعیین شده خارج می شود، بتواند با توجه به این امر(دعا، ذکر، توسل و استغفار) خود را در مسیر اصلی قرار داده و مشکلات روحی و روانی خود را با آن برطرف سازد.

در فرهنگ اسلام فرد مهمان نه تنها مجاز است که خدا را بخواند و خواسته های خود را از او بخواهد، بلکه به این کار مأمور است. خداوند ترک دعا را سبب بی اعتنایی خود به بندگانش ذکر می کند و می فرماید: «قُلْ مَا یَعْبَؤُا بِکُمْ رَبّی لَوْلَا دُعَآؤُکُمْ»؛ (۲)

بگو اگر دعای شما نباشد خداوند به شما اعتنا نمی کند.

دعا ضمیر باطن انسان را جلا و نورانیت داده و باعث پرواز روح انسان به سوی

۱- کافی، ج ۲، ص ۴۶۶، ح ۲.
۲- سوره فرقان، آیه ۷۷.

ملکوت می شود. دعا وسیله ارتباط مخلوق با خالق بوده و برنامه ای عمومی برای تمام کسانی است که می خواهند با خدا راز و نیاز کنند. دعا ابزاری است در دست مؤمن که به او نیرو داده و روح او را آرام و مطمئن می سازد و در تقویت اراده، تهذیب نفس، ایجاد روحیه امید و حصول هدف مؤثر است.

خداوند متعال، انسانِ همیشه محتاج و نیازمند به خودش را دعوت به دعا نموده و با کلام وزین «ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ» (۱)

او را به منظور رفع حوایج با اسلحه دعا مکلّف کرده است.

فلسفه زیارت و دعا

برای عمل ارزشمند زیارت در منابع دینی، فلسفه و آدابی ذکر شده است. مستحب است زایر قبل از تشرف به بقاع متبرک آنها را انجام دهد. وقتی این مقدمات بجا آمد و با جامه ای پاک و بدنی طاهر، با قدم های کوتاه، خود را نزدیک حرم مطهر کرده و تمام توجه خود را به ساحت مقدس و مقام والای امام معصوم نماید که این مکان محل رفت و آمد ملائکه مقرب خداست. سپس اذن دخول بخواند و وارد حرم نورانی بشود. (۲) با مراجعه به منابع و محتوای زیارتنامه ها دلایلی را برای زیارت و دعا می توان عنوان کرد که به مهم ترین آنها اشاره می شود.

تقویت روحیه عبادت و بندگی در انسان.

آشنایی مؤمنان و پیروان با راه و اهداف آن بزرگواران.

زنده ماندن نام ائمه اطهار علیهم السلام.

نمایش قدرت و عظمت مسلمانان.

آشنایی با طاغوت و طاغوتیان و اصحاب ظلم و مستکبران و بیزاری از آنها.

۱- سوره غافر، آیه ۶۰.

۲- ادعیه و آداب حرمین، ص ۲۰.

ترویج روحیه وحدت، اخوت و برادری در جامعه اسلامی.

ظلم ستیزی در بین مردم و تن ندادن به حکومت طاغوت های زمان.

ترویج ارزش های معنوی در جامعه.

اهمیت دعا در روایات

۱. امام صادق علیه السلام می فرماید: «

الدعاء أفضل من قراءه القرآن

»؛ (۱) خواندن دعا از خواندن قرآن بهتر است.

۲. دعا برترین عبادت است.

۳. «الدُّعاء یَرُدُّ القضاء». دعا قضای الهی را بر می گرداند.

۴. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «

الدّعاء مخّ العباده

»؛ دعا مغز و اساس عبادت است.

۵. حضرت علی علیه السلام می فرماید: دعا کلید رحمت و چراغ تاریکی هاست. (۲) ۶. و نیز فرمود: دعا کلید پیروزی و گنجینه رستگاری است. (۳) ۷. امام صادق علیه السلام فرمود: بر شما باد به دعا کردن، زیرا دعا شفای هر دردی است. (۴) ۸. دعا عامل رفع اندوه و غم از دل مؤمن است.

۹. امام صادق علیه السلام فرمود: دعا اسلحه مؤمن، ستون دین و نور آسمان ها و زمین است. (۵) ۱۰. امام علی علیه السلام می فرماید: امواج بلا را به وسیله دعا قبل از وقوع، از خود دور کنید. (۶) ۱۱. امام صادق علیه السلام فرمود: دعا نافذتر از اسلحه برّنده است. (۷) برخی از آثار دعا

در منابع اسلامی آثار متعددی برای دعا و راز و نیاز با خدا ذکر شده که در ذیل به بعضی از آنها اشاره می شود:

۱- تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۴۹ به نقل از عده الداعی ص ۱۲۳.

۲- بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۳۰۰.

۳- همان، ص ۳۴۱.

۴- محجه البیضاء، ج ۲، ص ۲۹۹.

۵- بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۲۹۴.

۶- همان.

۷- همان.

۱. گناه زدایی: گناه اثری تاریک بر دل آدمی می گذارد و میل و رغبت به انجام کارهای نیک و خدایی را کاهش می دهد. در عوض دعا و بندگی و یاد خدا وجدان خدایی را در دل انسان پرورش می دهد و علاقه به انجام کار نیک را در وجود انسان بیشتر کرده و باعث تقرب به پروردگار و دوری از فساد و شرّ و گناه می گردد. «إِنَّ الصَّلَوةَ تَنْهَی عَنِ الْفَحْشَآءِ وَ الْمُنکَرِ». (۱)

می دانیم که بخش مهمی از نماز دعاست.

۲. درمان رذایل اخلاقی: در نهج البلاغه پس از اشاره به پاره ای از صفات رذیله در رفتار انسانی، از جمله سرکشی، ظلم و تکبر آمده است: چون بشر در معرض آفات متعدد اخلاقی و بیماری های روانی قرار دارد، خداوند متعال به وسیله نماز و دعا بندگان مؤمن خود را از گرفتاری در دامان این صفات شیطانی حفظ و حراست می کند. (۲) ۳. انس و لذت: در نهج البلاغه از آثار دعا لذت راز و نیاز با پروردگار ذکر شده است. اگر شرایط دعا رعایت شود، هم دعا به هدف اجابت می رسد و هم داعی از ارتباط با یگانه خالق هستی لذت می برد، همان طوری که مولای متقیان فرمود: خدایا یاد تو مونس اهل ایمان است و اگر سختی ها بر آنان فرو ریزد به تو پناه می برند. (۳) ۴. خودیابی: انسان وقتی رو به درگاه الهی می کند، خود واقعی خویش را نیز که پرتوی از عالم ربوبی است «وَ نَفَخْتُ فِیهِ مِن رُّوحِی» باز می یابد و هر چه بیشتر با یاد خدا انس پیدا می کند، به همان اندازه با خود واقعی و ملکوتی آشنا می شود.

«وَ لَاتَکُونُوا کَالَّذِینَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَلهُمْ أَنفُسَهُمْ». (۴)

و مانند کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خداوند نیز آنان را از یاد خودشان برد.

۵. نورانیت و بصیرت دل.

۶. زهد و وارستگی از لذات مادی.

۱- سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۳۴.

۳- همان، خطبه ۲۱۶.

۴- سوره حشر، آیه ۱۹.

۷. جلب توجه و نظر الهی به خود.

۸. آرامش قلبی و قدرت روحی. (۱) «أَلَا بِذِکْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ». (۲)

هان! تنها با یاد خدا دل ها آرام می گیرد.

بهداشت روانی

بهداشت روانی عبارت است از مجموعه عواملی که در پیشگیری از ایجاد و یا پیشرفت روند وخامت اختلالات شناختی، احساسی و رفتاری در انسان نقش دارند. (۳) بهداشت روانی طبق تعریف فوق در سه سطح پیشگیری اولیه، پیشگیری ثانویه و پیشگیری ثالثیه مورد بررسی قرار می گیرد.

منظور از پیشگیری اولیه کاهش در مقدار بروز موارد اختلال روانی در یک جامعه است، به وسیله مقابله کردن با شرایط آسیب زا، قبل از این که ایجاد شوند. هدف این نوع پیشگیری، جلوگیری از بیمار شدن یک فرد خاص نیست، بلکه مقصود پیش گیری از خطر ابتلای افراد کل جامعه به اختلالات روانی است. این پیشگیری به کاربرد روش ها و ابزارهایی اشاره می کند که در جلوگیری از ظهور بیماری های روانی مؤثر هستند.

در پیشگیری ثانویه هدف مداخله زود هنگام در شناخت و درمان سریع نشانگان یک بیماری اعلام شده که تلاش می شود از شیوع و گسترش آن بیماری جلوگیری شود.

و منظور از پیشگیری ثالثی عبارت از کاستن از گسترش عوارض جانبی که در حاشیه یک بیماری یا اختلال اصلی وجود دارد. این بخش بیشتر به فعالیت های توانبخشی مربوط می شود. (۴)

۱- اخلاق اسلامی، ص ۵۶.

۲- سوره رعد، آیه ۲۸.

۳- بهداشت روانی.

۴- همان.

جورج البی(۱۹۸۲) از پیشکسوتان بهداشت روانی با ارائه مدلی کوشید تا مفاهیم پیشگیری از شیوع بیماری های جسمی را در مورد اختلالات روانی به کار برد. به نظر البی کاهش از استرس و افزایش سه عامل ۱. مهارت سازگاری، ۲. عزت نفس، ۳. و گروه های تقویت کننده در مخاطبان، منجر به کاهش شیوع اختلال روانی می گردد.

این امر به ویژه در مورد کودکان و نوجوانان و جوانان مصداق بیشتری دارد.

از نظر نومی ری گرانت(۱۹۸۳) روانپزشک و متخصص کودکان و نوجوانان نیز می توان با گسترش روش های پیشگیرانه مداخله کننده در سطوح خانواده و اجتماع، از شیوع ناهنجاری های روانی در جامعه جلوگیری کرد. (۱) اصول بهداشت روانی

برای دستیابی به هدف اصلی بهداشت روانی- که پیشگیری است- باید محیط فردی و اجتماعی مناسب را برای افراد مهیا کرد. از نظر متخصصان این حوزه، اصول اساسی بهداشت روانی به شرح ذیل است:

۱. احترام فرد به شخصیت خود و دیگران.

۲. شناختن محدودیت ها در خود و افراد دیگر.

۳. دانستن این حقیقت که رفتار انسان معلول عواملی است.

۴ آشنایی به این که رفتار هر فرد تابع تمامیت وجود اوست.

۵. شناسایی نیازها و محرک هایی که سبب ایجاد رفتار می شود.

بنابراین احترام به خود و دیگران(عزّت نفس)، شناخت محدودیت ها، فهم رفتار و عوامل ایجادکننده آن، ارادی بودن رفتارها، یا تابع فردی بودن آن و پی بردن به نیازهای اولیه بشر از ملزومات وجود بهداشت و تعادل روانی در افراد است. در واقع شخصی که این اصول را بفهمد و بپذیرد، مسلماً واقع بینانه با مشکلات زندگی مقابله

۱- همان، ص ۲۰- ۲۲.

خواهـد کرد؛ و قـدرت سازگـاری بـا واقعیت هـا را خواهـد داشت. چنیـن فردی بـه جـای تفکر ایـدالیستی بـه طرز واقع بینانه(رئالیستی) با محیط پیرامونی خود تعامل می کند.

توان و سازگاری وی در بهـداشت روانی او اثرات مثبتی خواهـد داشت. چنین فردی در صورت مواجهه با تعارض های روانی، بـا لحـاظ اهـداف خود تلاـش و کوشـش می کنـد و با حفظ عزت نفس و ارزش وجودی خود، به محرک های محیطی پاسـخ مناسب خواهـد داد. (۱) در تـأمین بهـداشت روانیِ هر فردی عوامـل مختلفی دخیـل می باشـد؛ از جمله این عوامـل می توان به سبک تربیتی خانواده، رابطه با اولیا، اختلافات خانوادگی، وجود فرزندان و رابطه با برادران و خواهران اشاره کرد. در تمام این موارد شرع مقدس اسلام دستورالعمل های کاربردی مؤثری ارائه کرده است. در میان این عوامل مقوله هایی به نام خود پنداره و عزت نفس، بسیار قابل توجه می باشد. رعایت ایجاز و اختصار مطلب مانع از پرداختن به این موضوع است.

چگونگی تشـکیل خود پنـداره و عزت نفس که در منابع اسـلامی بسـیار به آن تأکیـد شـده، برای متخصـصان بهـداشت روانی اهمیت خاصـی پیدا کرده است. بدون تردید خود پنداره(چگونگی نگرش فرد به خود) و عزت نفس(احساس ارزشـمندی) در تأمین بهداشت روانی فرد، نقشـی بسـیار تعیین کننده دارند. تصور فرد از خود و شخصیت خویش تا اندازه زیادی تصور فرد را در باره محیطش تعیین می کند و در طرح ریزی برنامه ها، اهداف و صدور رفتار به فرد کمک خواهد کرد. اگر تصور از خود مثبت و نسبتاً متعادل باشـد، شـخص دارای سـلامت روانی است، اما اگر به عکس خود پنداره شـخص منفی و نا متعادل باشد، فرد از لحاظ روانی ناسالم و روان رنجور شناخته خواهد شد.

۱- همان، ص ۲۲- ۲۸.

خود پنداره و عزت نفس قابل آموختن است. این موضوع مسئولیت متولیان تربیتی و پرورشی کودکان را سنگین تر می کند. تمام مسایلی را که فرد درباره خود می داند و نگرشی که به خود دارد، ریشه در تجارب گذشته تربیتی فرد دارد. در زمان طفولیت این تجارب تا اندازه زیادی منحصر به روابط خانوادگی است، ولی بعدها یعنی در مراحل بعدی رشد، نقش روابط اجتماعی، گروه همسالان افراد مورد علاقه و مدرسه نیز در رشد خود پنداره و عزت نفس کودکان بیشتر می شود.

خود پنداره، همیشه در حال تغییر است، زیرا بر اثر روابط مداوم شخص با محیط تصویر او از وجود خودش در معرض تغییر قرار می گیرد. این تغییرات در دوران کودکی بسیار زیادتر از دوران بزرگسالی است. کودکانی که در خانواده های صمیمی و با محبت رشد می کنند و در آن احساس ایمنی وجود دارد و افراد بزرگ تر هم در حل مشکلات آنها پشتیبان کودک هستند، این چنین کودکانی می توانند تصور مثبت و با ثباتی از خود داشته باشند. و به راحتی با مشکلات روبه رو می شوند، بدون این که استرس، تشویق و اضطراب های ناخوشایندی را تجربه کنند. به نظر متخصصان بهداشت روانی، نیاز به پیشرفت و میل به موفقیت، واقع بینی، از جمله ویژگی های افراد با روان سالم می باشد. (۱) رابطه احساس ارزشمندی و ایمنی با بهداشت روانی

احساس ارزش، درجه تصویب، تأیید، پذیرش و ارزشمندی است که شخص درباره خویشتن احساس می کند. این احساس ممکن است در مقایسه با دیگران و یا مستقل از آنها باشد. همزمان با زندگی اجتماعی، نیاز به احساس ارزشمندی به نحو سالم و متعادل آن در انسان به وجود می آید و برای نگاهداری سلامت و تعادل روانی و حتی تعامل وجود او بسیار ضروری است. اگر بر این نیاز خللی وارد شود، احساس

۱- همان، ص ۸۴.

حقارت و یا خود بزرگ بینی در فرد ایجاد می شود. بدین معنی که شخص یا بسیار خود کم بین و ناراضی از خود و متزلزل می شود و یا بسیار خود بزرگ بین و خود مدار و خودنما خواهد شد. هر دوی این قطب های احساسی نشان دهنده این واقعیت است که فرد به دلیل اختلال در احساس ارزشمندی، قادر به درک واقعیات و واکنش های دیگران درباره خود نخواهد بود. متخصصان بهداشت روانی، علت اصلی احساس حقارت و خود بزرگ بینی را، در طرد شدن مستمر و مداوم کودک از سوی والدین و دیگران اعلام کرده اند. به اعتقاد روان شناسان خصوصاً روان تحلیلگران احساس بی ارزشی عمیق، ریشه بسیاری از ناهنجاری های روانی است که در بین افراد انسان دیده می شود. (۱) احساس ایمنی

احساس امنیت عبارت است از احساس آزادی نسبی از خطر. این احساس وضع خوشایندی را ایجاد می کند و فرد در آن دارای آرامش جسمی و روحی است. ایمنی نیز مانند ارزش، از احساسات و عواطف زیر بنایی و حیاتی برای تأمین بهداشت روانی است. افراد ناامن نامتعادلند، شخصی که دایماً احساس عدم امنیت، ترس و خطر از بیرون و درون خود می کند(دلشوره و اضطراب دارد) نمی تواند انسان سالمی باشد. او با پرخاشگری و اضطراب واکنش نشان می دهد. در دنیای ذهنی خود مدام در حال دفع کردن خطرات احتمالی است. برای سالم بودن جسمی و روانی، وجود احساس امنیت لازم و ضروری است. البته این موضوع منافاتی با احساس ناامنی در مواقع وجود خطر جدی و واقعی ندارد. احساس عدم امنیت دایم، شخص را در حال بسیج مداوم قوا و تلاطم و بهم ریختگی متابولیسم بدن قرار می دهد و ادامه چنین وضعیتی به اختلالات روان- تنی منجر می شود. اما اهل ایمان به برکت وجود

۱- همان، ص ۹۰ و ۹۱.

ارتباط سازنده با پروردگار، طبق تصریح قرآن (۱) در آرامش و امنیت روانی کامل به سر می برند. (۲) به اعتقاد روان شناسان احساس ناایمنی یک احساس نامحدود نبوده، بلکه احساسی پیچیده و مرکبی است که باید به عنوان یکی از صفات اصلی کل شخصیت انسان محسوب شود. مزلو روان شناس معروف انسانگرا برای روشن کردن مفهوم ناایمنی، چهارده نشانگان فرعی این احساس را برشمرده که در ذیل به آنها اشاره می شود. به اعتقاد وی احساس طرد شدگی، مورد علاقه دیگران نبودن، مورد تنفر دیگران بودن، احساس تنهایی، احساس ترس و اضطراب و احساسِ در معرض خطر بودن، از جمله نشانگان ناامنی است که در افراد روان رنجور دیده می شود. تصور منفی به دنیا، تصور منفی به افراد، احساس عدم اعتماد، بدبینی به دیگران، نارضایتی از خود و محیط، احساس تنش، عصبی بودن، بی ثباتی خلق، ضعف اراده، خرده بینی و گرایش به عیب گویی، احساس گناه، یأس، دلسردی، تمایل به خودکشی، جاه طلبی، اختلال در سیستم احساس ارزش و پذیرش خود، احساس حقارت، وابستگی زیاد به دیگران، احساس درماندگی، خودخواهی و خود مداری از جمله نشانگانی است که مزلو برای افراد ناایمن مطرح کرده است. (۳) خلاصه این که نابهنجاری های روانی و رفتاری در انسان هنگامی شروع می شود که احساس ناامنی در انسان به شدت بر وجود او حاکم گردد. لذا می توان با الهام گرفتن از آموزه های دینی و انجام مناسکی همچون زیارت و دعا و برقراری پیوندی قوی با خالق متعال، بر این ناامنی غلبه نمود و سرانجام به سلامت روحی و بهداشت روانی فرد کمک کرد.

۱- سوره فتح، آیه ۴.

۲- بهداشت روانی، ص ۹۰ و ۹۱.

۳- بهداشت روانی، ص ۹۲- ۹۸.

پژوهش های انجام شده درباره موضوع مقاله

گرچه پژوهش های متعددی اثرات سلامت بخش دین را نشان داده اند، اما در خصوص اثر زیارت به عنوان یک رفتار دینی در بهداشت روانی، پژوهش های علمی چندانی در کشور گزارش نشده است. در سال های اخیر روان شناسان علاقه فزاینده ای به بررسی نقش آموزه های دینی و مذهب در تأمین بهداشت روانی افراد نشان داده اند. یافته های تعداد زیادی از این مطالعات حاکی است که افراد مذهبی در مجموع شادتر و سالم تر از افراد غیر مذهبی هستند، یا افراد مذهبی فعال، میزان مرگ و میرهای پایین تری در مقابل انواع بیماری ها در مقایسه با افراد غیر مذهبی نشان می دهند. آنها از نظر جسمی هم وضع بهتری نشان می دهند. (۱) مکاتب دینی با تأکید بر انجام رفتارهای بهداشتی، سلامت روانی پیروان خود را تأمین می کنند، به طوری که پیروان این مکاتب با انجام ندادن رفتارهای ناسالِم ممنوع شده، همچون مصرف الکل، تدخین و ... اختلالات جسمی و روانی کم تری نشان می دهند. (۲) طبق یافته های جدید روان شناسان، افراد دارای اعتقادات مذهبی قوی و آنهایی که در جوامع فعال هستند پس از رویدادهای استرس آمیز در مقایسه با افراد غیر مذهبی از نظر روانی بهبود سریع تری می یابند و یا مشکلات استرس زا را بهتر تحمل می کنند. (۳) ادیان و مذاهب که از ارکان اصلی فرهنگ هر ملتی می باشد، با ایجاد حس همبستگی و تقویت روحیه حمایتی در پیروان خود، نسبت به همدیگر به تأمین بهداشت روانی پیروان خود کمک شایانی می کنند. دستورات دینی و آیین های

۱- زمینه روانشناسی هیلگارد.

۲- همان.

۳- همان، ص ۲۵.

مذهبی، همه عواملی هستند که می توانند در امر درمان و پیشگیری اختلالات روانی و همچنین برای ارتقای سلامت روان بیماران، به نحو مؤثری به کار گرفته شوند. (۱) بسیاری از پژوهشگران علوم رفتاری و روان درمانگران معتقدند که باورها و رفتارهای دینی در پیشگیری و شفا دهی بیماری های جسمانی و روان شناختی نقش اساسی دارند. (۲) به نظر برخی از آنها ضعف باورهای دینی، علت اصلی بیماری های روانی اعلام شده و در یافته های پژوهشی بر آموزش باورهای دینی برای کمک به درمان درمانجویان تأکید شده است. (۳) پژوهش های زیادی همچون یافته های ویلتز و کریدر(۱۹۹۲) وجود رابطه مثبت بین باورها، نگرش ها و عملکردهای دینی با شاخص های بهداشت روانی و حتی جسمانی نشان داده اند.

کوهن (۴) و همکاران(۱۹۹۵) در مطالعه ای بین میزان افسردگی و دین باوری افراد، همبستگی خطی منفی به دست آوردند. به طوری که افراد متدین در مقایسه با افراد سکولارعلایم افسردگی، از قبیل فقدان علاقه و انگیزه، کناره گیری و انزوا، احساس دل شکستگی، بی قراری و ناامیدی کم تری را نشان دادند. (۵) برخی مطالعات نیز رابطه بین دین و سازگاری را بررسی نموده و دریافته اند که نگرش ها و فعالیت های دینی با احساس سازگاری، همبستگی مثبتی دارند. (۶) همچنین همبستگی معنادار مثبت بین انجام اعمال دینی با سازگاری بالای زناشویی و رضایت زناشویی در اثر پژوهشی گانتنز و همکاران(۱۹۹۶) گزارش شده و پدیده طلاق نیز

۱- داویدیان، ۱۳۷۶.

۲- بررسی نقش زیارت دینی در سلامت روانی افراد، به نقل از نیل من و پرساد.

۳- همان.

۴- cohen

۵- همان به نقل از ابوالقاسمی و جماران.

۶- همان، به نقل از لوین و اندرو.

طبق یافته های این پژوهش با میزان دینداری افراد، همبستگی منفی داشته است.

بررسی های دیگر نیز تأثیر مداخلات دینی را در کاهش اضطراب و تحمل فشارهای روانی نشان داده اند، به طوری که افراد با اعتقادات دینی قوی، اضطراب و ناراحتی کم تری را نسبت به کسانی که به اعتقادات دینی پایبند نبوده اند گزارش کرده اند. (۱) باورها و اعمال دینی از طریق ایجاد هدف و معنی در زندگی، گسترش روابط اجتماعی و با تقویت احساس همبستگی و ایجاد تعلق در افراد و از طریق ابزارهای تخلیه هیجانی، همچون شرکت در اجتماعات و مراسم های مذهبی مختلف، موجبات آرامش و تخفیف ناملایمات روانی، همچون افسردگی و اضطراب را فراهم می کنند. وطن خواه(۱۳۷۹) در پژوهشی رابطه معناداری را بین میزان دینی بودن جوانان و میزان سازگاری آنان گزارش کرده است و علمی(۱۳۸۰) نیز در بررسی خود تحت عنوان «نقش دین و اعتقادات دینی در بهداشت روانی» چنین آورده است:

مذهب با تعلیم این که طبیعت زندگی دنیوی با سختی ها و مصائب همراه است، افراد را آماده برخورد با مشکلات می نماید. مذهب با تبیین این که وجود این سختی ها حکمتی دارد و برای تکامل فردی و اجتماعی بشر لازم است، سازگاری با مشکلات را تسهیل می نماید. (۲) راثی در پژوهشی همبستگی خطی مثبت بین گرایش دینی با عزت نفس و خود کارآمدی گزارش کرده است. به طوری که افراد با گرایش دینی قوی از عزت نفس بالا و از احساس خود کارآمدی بالاتری برخوردار هستند. طبق یافته های وی، هر قدر گرایش دینی در دانش آموزان بیشتر باشد، عزت نفس یا همان احساس ارزشمندی در فرد که از شاخص اساسی در سلامت روانی افراد هست نیز بالا خواهد بود. طبق

۱- همان.

۲- پایان نامه بررسی رابطه گرایش دینی با عزت نفس و خودکارآمدی در دانش آموزان شهر تبریز.

یافته های وی افراد دینـدار، خودکارآمـدی بالایی دارند و خودکارآمدی بالا نیز به افزایش عزت نفس منجر می شود و آن نیز اعتماد به نفس را در فرد تقویت می کند و این هم به نوبه خود در بهداشت روانی فرد مؤثر واقع می شود.

به نظر بندورا(۱۹۸۶) خود کارآمـدی یکی از دو رکن سـلامتی عزت نفس است و افراد با خودکارآمـدی بالا اعتقاد دارند که می توانند هر کاری را برای رسـیدن به هدفی انجام دهند. وی معتقد است: افراد درمانده در حل مشـکلات، آنهایی هسـتند که به توانـایی هایشان اطمینان نداشـته و تلاشـشان کم تر بوده و یا کاملًا دست از تلاش برداشـته انـد. در مقابل افرادی که از حس خودکارآمـدی بالاـتری برخوردار هسـتند، تلاشـشان را تا غلبه بر موانع افزایش می دهنـد. (۱) آلن برگین(۱۹۹۱) نیز یکی از پژوهشگرانی است که طی پژوهش های ده ساله(۱۹۸۰- ۱۹۹۱) با عنوان نقش ارزش ها و آموزه های دینی در روان درمانی و ارتبـاط بـا بهـداشت روانی به ضـرورت به کارگیری موضوعات ارزشـی و دینی در آموزش های بالینی و آموزش های بیماران تأکید می کند. (۲)

نقش زیارت در بهداشت روانی

بعـد از طرح مبـاحثی در مورد ادیـان و مـذاهب و نقش آنها در بهـداشت روانی، اختصاصاً به موضوع زیارت به عنوان یکی از مناسک ادیان، خصوصاً دین مبین اسلام و نقش آن در تزکیه و تهذیب نفس و بهداشت روانی می پردازیم.

زیـارت یکی از اعمـال و مناسک دینی است و به عنوان یک تجربه فردی در ارتباط با خداونـد تلقی شـده و در دین توحیـدی اسـلام جایگـاه ویژه ای دارد. بـا بررسـی ادبیـات پژوهشـی موجود درمی یـابیم که رفتارهای دینی مثل زیارت و عبادت در نزد مسلمانان

۱- همان، به نقل از پاجارس.

۲- مجموعه مقالات اولین همایش بین المللی نقش دین در بهداشت روانی.

به عنوان یک ارزش محسوب شده و بر انجام آنها تأکید می شود. در بحث زیارت فرد با حضور در مکان مشخصی نسبت به صاحب آن مکان یا خود مکان که تشخص یافته، عرض ارادت نموده و به طرح مسایل و مشکلات خود و اجتماع با پروردگار می پردازد و در آن مکان مقدس با واسطه قرار دادن آن صاحب شأن و منزلت، آرزوهای خود را تعقیب می کند. زایر در حین زیارت با نزدیک کردن خود به پروردگار، احساس آرامش درونی کرده و تخلیه هیجانی انجام می دهد. این امر نیز نهایتاً به سلامت روانی فرد کمک می کند. (۱) پارگامنت و ماتون(۱۹۹۲) نیز دریافتند که انجام اعمال دینی، مثل زیارت و عبادت باعث کاهش عصبانیت و اضطراب می گردد.

ونیس و ونیتراب(۱۹۹۵) در پژوهشی بر روی ۴۰۰ آزمودنی به این نتیجه رسیدند که شرکت افراد در مراسم دینی از قبیل زیارت و عبادت، با کاهش اختلالات روانیِ شرکت کنندگان نسبت به سایر افراد همراه است. (۲) پژوهشگری دیگر نیز به نام موریس(۱۹۸۳) با انجام پژوهشی اثر زیارت دینی را روی افسردگی و اضطراب بر ۱۲۴ بیمار جسمی مطالعه کرد و دریافت که علائم مثبت بیماری آنها بعد از انجام زیارت کاهش معناداری یافته و این کاهش حداقل تا ۱۰ ماه بعد از برگشتن از زیارت ادامه دارد.

پهلوانی و دولتشاهی(۱۳۷۹) در پژوهشی به بررسی نقش زیارت دینی در سلامت روانی افراد پرداخته و دریافته های خود همبستگی خطی مثبت بین زیارت دینی و سلامت روانی گزارش کردند.

این دو پژوهشگر، پرسشنامه سلامت عمومی(GHQ) که شامل وضعیت جسمانی، میزان اضطراب، میزان افسردگی و کنش های اجتماعی است، بر روی دو

۱- بررسی نقش زیارت دینی در سلامت روانی افراد، به نقل از کرول و سوحوچن.

۲- همان به نقل از لوین و واندر.

گروه ۳۵ نفری که شامل گروه آزمایشی افرادی که عازم سفر خانه خدا بودند و گروه کنترل که سفر سیاحتی و تفریحی به کشورهای ترکیه و دبی را داشتند، اجرا کردند و به نتایجی دست یافتند.

روش اجرایی آزمون وی به این صورت بود که پرسشنامه GHQ به صورت test- retest قبل از اعزام به مسافرت زیارتی، تفریحی و بعد از بازگشت از سفر اجرا و نتایج تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از روش آماری t- test نشان داد. که دو گروه از لحاظ سلامت روانی با همدیگر متفاوت بودند. افراد گروه زیارتی به طور معناداری در مقایسه با افراد گروه سیاحتی در مرحله قبل از عزیمت به سفر از سلامت روانی بالاـتری برخوردار بودند. با توجه به پیشینه تحقیقاتی موضوع که در آن شواهد بسیاری از وجود رابطه خطی مثبت بین دینداری و بهداشت روانی ارائه شده بود، در می یابیم که افراد گروه زیارتی عازم بیت اللّه الحرام از میزان دینداری بالاـتری برخوردار بوده اند. و می توان نتیجه گرفت که سلامت روانی بالای گروه زیارتی به احتمال زیاد به نقش باورهای دینی آنها نسبت به گروه سیاحتی مربوط می شود، یافته های این پژوهشگران نشان داد که تفاوت موجود بین گروه زیارتی و سیاحتی در سلامت روانی بعد از بازگشت از سفر نیز وجود داشته و زایران خانه خدا سلامت روانی بهتری داشته اند. نتایج این پژوهش نشان داد که زیارت باعث بهبود سلامت روانی افراد شده و این یافته با نتایج یافته های موریس(۱۹۸۳)، سن و ونیتراب(۱۹۹۵) نیز همخوانی دارد. یعنی زیارت اماکن مقدسه و شخصیت های معنوی باعث کاهش اضطراب و افسردگی و افزایش سلامت روانی و بهبود عملکرد اجتماعی افراد شده است.

بر اساس یافته های این پژوهش، به جز علایم جسمانی، زیارت در کاهش اضطراب، افسردگی و سازگاری اجتماعی تأثیر مثبتی داشته است. یعنی زیارت دینی باعث بهبود علایم افسردگی، اضطراب و سازگاری اجتماعی افراد شده است.

در کل یافته های این پژوهش نشان می دهد که زیارت دینی تأثیر بیشتری در خصوص کاهش علایم روان شناختی افراد داشته و در کاهش علایم جسمانی منفی افراد تأثیر زیادی نداشته است. در ضمن سفر سیاحتی نیز در کاهش علایم روان شناختی گروه سیاحتی با مقایسه نمره های پیش آزمون و پس آزمون تأثیر داشته، اما تفاوت موجود معنادار نبوده است. یعنی پس از بازگشت از سفر، سلامت روانی افراد تا حدودی بهتر شده بود، اما تفاوت برخلاف گروه زایر معنادار نبوده است.

بر مبنای یافته های این پژوهش می توان اظهار داشت: افرادی که عازم سفر زیارتی هستند در مقایسه با افراد گروه سیاحتی، هم قبل از سفر از سلامت روانی بالاتری برخوردار بوده اند و هم این که سفر زیارتی در مقایسه با سفر سیاحتی باعث بهبودی و افزایش سلامت روانی افراد زایر شده است. این یافته ها که زیارت، سلامت روانی افراد را به طور معناداری افزایش داده، به ویژه با کاهش اضطراب و افسردگی و با افزایش سازگاری اجتماعی به بهداشت روانی افراد کمک کرده است. در راستای تحقیقات پارگامنت و ماتون؛ ۱۹۹۲، نیس و وینتراب؛ ۱۹۹۵ و موریس؛ ۱۹۸۳ بوده است، یعنی شرکت در مناسک دینی و زیارت باعث کاهش اضطراب، عصبانیت و اختلالات روانی می گردد.

شاید بتوان اثربخشی زیارت را از منظر روان شناختی مطابق نظر کوئینک و همکاران(۱۹۸۱) این گونه تبیین کرد که زایران با احساس نزدیکی به خدا در مراسم زیارت و همچنین تخلیه هیجانی، به احساس آرامش درونی بیشتری دست یافته و اعتماد و اطمینان آنان به یاری و کمک خداوند افزایش می یابد. لذا با استعانت از رحمت الهی در حل مشکلات خود، امیدوارتر می شوند و نگرش آنها در برخورد با استرس ها تغییر کرده و این تغییر نگرش نیز به شکل مثبت باعث بهبود خُلق و خو و سلامت روانی آنها می شود.

خلاصه و نتیجه گیری

جوامع بشری در طول تاریخ خود همواره به دنبال آرامش روحی و به تعبیر امروزی، سعی در دستیابی به بهداشت روانی خود و افراد جامعه بوده و هستند، امروزه اضطراب و نگرانی ها و تشویش ذهنی و عوارض ناشی از آن در زندگی فردی و اجتماعی گریبانگیر بشر شده و نگرانی جدی برای بشر فراهم ساخته است. اتفاقاً در کشورهای به اصطلاح توسعه یافته میزان این اضطراب ها و استرس ها و مشکلات روانی بیش از سایر کشورهاست. آمار روز افزون بیماران روانی بستری در بیمارستان های غرب مؤید این حقیقت است.

فرهنگ انسان ساز قرآن کریم و تعالیم آسمانی برای دوری از این همه نگرانی های روحی و روانی و استرس ها و تشویش ها نسخه ای شفابخش ارائه می دهد که اگر بشر به آن عمل نماید بهترین درمان است و بایستی با دعا و ذکر خدا بر این مشکلات غلبه کرد، چرا که یاد خدا به تصریح قرآن آرام بخش دل هاست. (۱) باید گفت ارتباط با خدا از طریق مکان های مذهبی و زیارت حضرات معصومین علیهم السلام، این انسان های کامل که برای بشر در هر دوره و زمان به عنوان اسوه حسنه از ناحیه خداوند باری تعالی ارزانی شده اند، می تواند شفابخش دل های بیمار و زنگ زده انسان ها باشد. و باید این موهبت الهی را جهت اصلاح و تزکیه نفس از آلودگی ها و پلیدی ها، که فلسفه آمدن انبیای گرامی علیهم السلام جز این نیست، مورد بهره برداری قرار داد.

زیارت قبور ائمه معصومین علیهم السلام، موجب بیدار شدن ارزش های اصیل انسانی در وجود انسان یا بیدار شدن خود واقعی و ملکوتی، و حاکمیت روح بندگی و آرامش قلب انسان است و این آرامش و اطمینان قلبی لازمه حیات بشر است و امیدواری به

۱- سوره رعد، آیه ۲۸.

آینـده را به ارمغان آورده و انسان را امیدوارتر خواهد ساخت و در چنین شـرایطی است که مشـکلات پیش رو هرگز نخواهند توانست انسان را به یأس و نامیدی کشیده و دچار بحران روحی و روانی سازد.

ص: ۷۴۹

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.

۲. اخلاق اسلامی، محمدعلی سادات، تهران، سمت، چاپ سی ام.

۳. ادعیه و آداب حرمین، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، مشعر، تهران.

۴. اصول کافی، ابی جعفر محمّد بن یعقوب شیخ کلینی.

۵. بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، لبنان.

۶. بررســی رابطه گرایش دینی با عزت نفس و خودکارآمدی در دانش آموزان شــهر تبریز، مهدی راثی، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، تبریز، ۱۳۸۲.

۷. بررسی نقش زیارت دینی در سلامت روانی افراد، هاجر پهلوانی و بهروز دولتشاهی، خبرگزاری فارس، تهران، ۱۳۷۹.

۸. بهداشت روانی، سعید شاملو، چاپ پانزدهم، رشد، تهران، ۱۳۸۱.

۹. بیست گفتار، شهید مرتضی مطهری، دفتر فرهنگ اسلامی.

۱۰. ترجمه تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی.

۱۱. زمینه روانشناسی هیلگارد، ادوارد اسمیت و همکاران، ترجمه پورافکاری، تهران، شهرآب، چاپ دوم، ۱۳۸۵.

۱۲. سلامت روح، ناصر مکارم شیرازی، نماز و عبادت در تفسیر نمونه، نبوغ، تهران.

۱۳. شرح زیارت امین اللّه، سیدهاشم رسولی محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.

۱۴. شرح و تفسیر دعای کمیل، حسین مظاهری.

۱۵. صحیفه سجادیه، امام علی بن الحسین علیه السلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم.

۱۶. طهارت روح، شهید مرتضی مطهری، ستاد اقامه نماز، تهران.

۱۷. لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.

۱۸. مجموعه مقالات اولین همایش بین المللی نقش دین در بهداشت روان، صولتی دهکردی و

همکاران، تهران، دفتر نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۱۹. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، قم، بلاغت، چاپ دوم.

۲۰. نهج البلاغه، ترجمه محمّد دشتی، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، قم.

۴. نقش زیارت و دعا در بهداشت روانی و تعالی روح

دکتر سیدکامران علوی (۱) و هما کاظمی (۲)

چکیده

گسترش رشته های متعدد دانشگاهی و مراکز ارائه خدمات و ارتقای ابعاد روانی در همه جوامع و نیز استقبال گروه های مختلف جامعه، شواهدی بر این ادعاست که در جهان امروز به مراقبت و پرورش و ارتقای ابعاد روحی و بهداشت روانی اهمیت فراوان داده می شود. یک جلسه مشاوره و روان درمانی موفق، دارای سه رکن مهم درمان است که عبارتند از همدلی، صداقت و محبت.

در بین آموزه های دینی، دعا و زیارت و حضور در اماکن مقدس، آثار بسیاری در حفظ بهداشت روانی و درمان اختلالات رفتاری دارد. حقیقت این است که کسانی که به زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار می روند، در اثر حضور در محیط معنوی، احساس امنیت روانی می کنند، زیرا احساس می نمایند به نزد کسی آمده اند که با آنها همدل و رازدار است، به آنان محبت دارد و اسرار آنها را حفظ می کند. در این نوشتار مقایسه ای بین زیارت و جلسه روان درمانی صورت گرفته است.

کلیدواژه ها: بهداشت روانی، زیارت، دعا، زیارتگاه.

مقدّمه

در جهان امروز به مراقبت، پرورش و ارتقای ابعاد روحی- روانی انسان، همانند ابعاد جسمی او اهمیت داده می شود. البته در بعضی موارد، می بینیم که توجهات بیشتری

۱- روان شناس، مدرس دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

۲- کارشناس ارشد روان شناسی، دبیر آموزش و پرورش.

نیز به تربیت و حفظ بهداشت روانی، نسبت به تربیت و بهداشت جسمانی، مبذول می گردد. گسترش رشته های دانشگاهی متعدد و مراکز ارائه خدمات و ارتقای ابعاد روانی برای افراد، اعم از سالم و بیمار، در همه جوامع، و نیز استقبال اقشار مختلف جامعه در سنین متفاوت و با وجود تفاوت های جنسی(زن و مرد) همه شواهدی بر این ادعا هستند. در کشور ما نیز نه تنها در شهرهای بزرگ، بلکه در شهرهای کوچک و دور افتاده نیز خدمات و تبلیغاتی تحت عناوینی نظیر مشاوره، روان درمانی، کسب مهارت های روحی، مهارت های زندگی و ... وجود دارد. و روز به روز هم به دلیل کثرت تقاضا رو به افزایش است. از این رو به نظر می رسد که در پی این افزایش تقاضا باید افزایش اطلاعات، بهبود خدمات، و توجه بیشتر به ارائه شیوه های مستند و نوین داشته باشیم تا بتوانیم پاسخگوی این نیاز جامعه باشیم. از شایع ترین دلایل توجه به مراکز مشاوره ای و درمانی، حفظ بهداشت روانی و یا درمان بیماری های روانی (۱) و اختلالات رفتاری (۲) است ..

بنا به شواهدی که در متن این مقاله خواهد آمد، می توان به اهمیت اثرات زیارت و دعا برای دستیابی به منظور فوق، یعنی بهداشت روانی و درمان بیماری های روانی و اختلالات رفتاری، بهره فراوان جست. در حال حاضر، فرایندهای مربوط به ارائه خدمات علمی و دانشگاهی نتوانسته آن گونه که شایسته است از منابعی دینی و الهی بهره مند گردد. از این رو بین این دو فاصله ای وجود دارد. این در حالی است که منابع دینی، سرچشمه بسیار مهمی در تغذیه علوم مختلف، از جمله علوم رفتاری و روانی هستند. علوم رفتاری و روانی نیز ابزاری در خدمت ارتقای روانی- اخلاقی اجتماعی انسان ها می باشند.

توصیه های اخلاقی دینی نظیر تأکید بر عفو و بخشش، پرهیز از خشم و مجادله، قدرشناسی و تقدیر، حفظ ارتباطات انسانی، مانند صله ارحام و عیادت از بیماران و

۱- Psychologicall Illnesses.

۲- Behavioural disorders

بسیاری از این موارد، همگی نمونه هایی از اصول صحیح رفتاری است که به بهداشت روانی و سلامت اجتماعی می انجامد.

بنابراین، ایجاد پیونـد بین منابع غنی مـذهبی و روش های علمی، به گونه ای که روش های علمی بتواننـد از منابع مـذهبی بهره بگیرند، باعث ارتقای سطح خدمات علمی خواهد شد.

در این مقاله نیز سـعی می شود به این مطلب اشاره گردد که زیارت و دعا، به عنوان دو شیوه متداول مذهبی، چگونه می تواند آثار روان شـناختی خود را بر روی فرد بجا بگذارنـد. به طور اخص، تأکید نوشـتار حاضـر این است که به صورت علمی نشان بدهـد زیارتگـاه برای زایر یـک محیط امن روانی است که به دلیل احساس امنیت روانی که در فرد ایجاد می گردد، دو فرآیند مهم روان شناختی در آن رخ می دهد. اولین فرآیند عبارت است از پالایش روانی و دیگری حل مسأله و بینش. این دو فرآیند هم به منظور حفظ بهـداشت روانی برای افراد سالم و ارتقای بهـداشت روانی برای افرادی که دارای اختلال هسـتند مفید است. این دو فرآینـد، در صورتی به شـکل کامل تحقق پیـدا می کند که زایر با تمام وجود احساس کند شخصـی را زیارت می کند که زنـده است و حضور دارد، یعنی زیارت کننـده احساس کنـد که با او همـدلی می کند، رازدار است و توانایی حل مسأله را دارد. البته، در طول زیارت کلمات و دعاهایی به زبان آورده می شود که آنها نیز دارای آثاری بر بهـداشت روانی فرد هسـتند. با توجه به این که، نوع و محتوای ادعیه نیز در فرهنگ شـیعه، آموزش داده شده است، لذا سـعی می شود که آثار این دعاها بر روی بهداشت روانی مورد تحلیل قرار گیرد.

زیارت، دعا و بهداشت روانی

حضور در اماکن زیارتی و تلاوت قرآن و دعا دارای آثاری در حفظ بهـداشت روانی و حتی درمان اختلالات می باشـد. برای این که بتوانیم این موضوع را به خوبی توضـیح دهیم، در این مقـاله به مقـایسه بین زیـارت و تلاوت دعـا، با جلسه درمانی می پردازیم:

یکی از ارکان مهم یک جلسه درمانی، برقراری رابطه صمیمی و همدلی (۱) بین درمانگر و مراجع درمانی است. این همدلی، به اندازه ای مهم است که اگر همدلی برقرار نگردد، احتمال حل مشکل و درمان فرد، به مقدار قابل توجهی کاهش می یابد.

همدلی یعنی این که بیمار احساس کند که طرف مقابل، مشکلات او را درک می کند و در احساسات او سهیم است و در واقع، طرف مقابل، مشکل او را از دریچه چشم او می نگرد. (۲) افراد مذهبی که به ائمه و امامزاده ها اعتقاد دارند، و جهت زیارت، به حضور آن بزرگواران می رسند، دارای این احساس و یقین هستند که آن امام یا امامزاده با آنها همدلی برقرار کرده است، او زنده است و حضور دارد و با آنها یک ارتباط حاکی از محبت و صداقت برقرار نموده است. البته در محتوای بعضی از ادعیه نیز به این مفهوم به خوبی اشاره شده است:

«پروردگارا، من به حرمت این خانه و این حرم شریف، معتقدم در غیبت و مماتش، چنان که در حضور و حیات او، البته می دانم که پیامبر تو و جانشینانش همه نزد تو زنده ابدند و روزی می خورند و مقام مرا نزد قبر مطهر خود می بینند و سلام مرا شنیده و پاسخ می دهند». (۳) یک جلسه مشاوره و روان درمانی موفق نیز جلسه ای است که دارای شرایط فوق باشد. همان طور که راجرز (۴)(۱۳۷۶) اشاره کرده است، سه رکن مهم درمان، که در عین حال سه خصوصیت مهم درمانگر نیز می باشند، عبارتند از: همدلی، صداقت و محبت. (۵) منظور از محبت این است که درمانجو احساس کند درمانگر با او روراست

۱- Empathy

۲- زمینه روان شناسی.

۳- مفاتیح الجنان، اذن دخول حرم های شریف.

۴- Rogers

۵- راجرز به نقل از براهینی.

است و نقش بازی نمی کنـد. در واقع، مردم علاقه ندارنـد که نزد آدم هایی که قلابی به نظر می آینـد و رازدار نیسـتند، سـفره دلشان را باز کنند. صاحب نظران معتقدند که درمانگری که از چنین صـفاتی برخوردار است می تواند رشد و خودیابی درمان جویان را تسهیل کند. (۱) اما در مورد زیارت باید گفت: در واقع، کسانی که به زیارت می روند و به ائمه و امامزاده ها اعتقاد دارنـد، در اثر حضور در محیط زیارتگاه دچار احساس امنیت روانی می گردنـد. زیرا احساس می کننـد به نزد کسـی آمده اند که با آنها همدل است، به آنها محبت دارد و اسـرار آنها را صادقانه حفظ می کند. گاهی حتی بسـیاری از مشـکلات عاطفی و روانی انسـان هـا به این دلیل است که فاقـد فردی امانت دار، در زنـدگی خود هسـتند، که دارای چنین صـفات و خصوصـیاتی است.

احساس همـدلی بین زایر با امام و معصوم سـبب می گردد که با امنیت خاطر به درد دل و بیان مشـکل خود با وی بپردازد. این امر دارای آثار روانی متعددی است که قابل قیاس با فرآیندهای درمانی است که در زیر به آن اشاره می گردد:

۱. گروهی از مراجعه کننـدگان به مراکز روان درمـانی و مشـاوره، به این دلیـل به این مراکز مراجعه می کننـد که نیـاز دارنـد، شخص مطمئنی که در عین حال متخصـص و رازدار می باشـد، به حرف ها و درد دل های آنها گوش کند. هر اندازه شـنونده، مطمئن تر باشد، فرد با خیال راحت تری مشـکلاتش را برای او بیان می کند. بیان مشـکل، خود بخشی از درمان است؛ زیرا که فرد احساس نوعی سبک شدن می کند. (۲) این همان فرایندی است که در دیدگاه روان تحلیل گری (۳) به آن تخلیه هیجانی می گوینـد. تخلیه. هیجانی، یعنی برون ریزی هیجان های فرو نشانـده شده، ابراز هیجان های شدید یا بیان تجربه های غم انگیز کاملًا خصوصی، آن هم در یک محیط امن، غالباً فرد را تسکین

۱- راجرز، ۱۹۷۰؛ تراکس و میچل، ۱۹۷۱.

۲- نظریه های مشاوره و روان درمانی.

۳- Psychoanalysis

می دهد. نام پالایش (۱) نیز به این فرایند داده شده است. اصطلاحی که نوعی پاکسازی روانی را در نظر می آورد. (۲) همان طور که اشاره شد، هر اندازه محیطی که فرد در آن قرار گرفته است امن تر باشد و شخصی که فرد برای او درد دل می کند قابل اعتمادتر باشد، فرایند تخلیه هیجانی و پالایش، که خود بخشی از درمان است، بهتر انجام خواهد پذیرفت.

در فرهنگ شیعیان(و براساس منابع شیعی)، قابل اعتمادترین موجودات عالم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سایر معصومین می باشند. به همین دلیل زایرین در زیارتگاه های این بزرگواران به بهترین شکل ممکن به تخلیه هیجانی خود می پردازند. در این فرهنگ، همان طور که حضرت ثامن الائمه علی بن موسی الرضا علیه السلام تصریح فرموده است، اعتقاد بر این است:

«امام، ماه تابان، چراغ فروزان، نور درخشان و ستاره ای است راهنما در شدت تاریکی ها، رهگذر شهرها و کویرها، گرداب دریاها». (۳) مسلماً کسی که امام خود را با چنین توصیفی می شناسد، با نهایت آرامش و اطمینان در حریم او شروع به بیان مشکل خود می کند. این آرامش و امید، زمانی بیشتر می شود که زایر اعتقاد دارد که امامی که به زیارت او آمده، زنده است (۴) و به او توجه دارد و همچنین قدرت حل مشکل او را نیز دارد. (۵) در این صورت او با نهایت اطمینان خاطر و رازداری و امید، به تخلیه هیجانی خود

۱- Catharisis

۲- زمینه روان شناسی.

۳- کافی، ج ۱، ص ۲۸۶.

۴- موضوع زنده بودن امام ها را در محتوای مربوط به اذن دخول آنها می توان مطالعه کرد. از جمله دعایی که در صفحه قبل به آن اشاره شد(اذن دخول حرم های شریف).

۵- موضوع توانایی ائمه علیهم السلام و امامزاده ها را نیز در زیارتنامه های آنها می توان دید. مثلًا در بخشی از زیارتنامه امامزاده صالح می خوانیم: «... شهادت می دهم که تو نزد خدا دارای شأن و منزلت بالایی هستی ...» این موضوع بیانگر اعتبار و توانایی حل مشکل است.

می پردازد. البته توصیف معصومین بسیار وسیع تر از این است و اکنون مجال پرداختن به آن نیست. به هر حال خصوصیات این بزرگواران در فرهنگ شیعه به حدی است که زیارتگاه های آنها محل امنیت روانی غیر قابل توصیفی است که زایر با امنیت وصف ناپذیری می تواند به آن اماکن مقدس مراجعه نماید. تمام خصوصیاتی که برای یک درمانگر بر شمردیم(هزاران برابر بیشتر از آن) در ائمه اطهار وجود دارد که دارای اثرات تخلیه هیجانی و پالایش روانی است. گوشه بسیار کوچکی از این خصوصیات را می توان در احادیث زیر جست وجو کرد:

امام رضا علیه السلام: «امام پناه بندگان خدا در گرفتاری های سخت است». (۱) امام رضا علیه السلام: «امام همدم و رفیق، پدر مهربان، برادر برابر و مادر دلسوز به کودک است». (۲) امام رضا علیه السلام: «امام ابری است بارنده، بارانی است شتاب دهنده، خورشیدی است فروزنده و سقفی است سایه دهنده». (۳) امام رضا علیه السلام: «امام آتش روشن روی تپه(راهنمای گم شدگان) است(فانوس)». (۴) احادیث فوق و بسیاری از احادیث مشابه دیگر، شناخت شیعه را در مورد معصومین علیهم السلام بالا برده و اعتبار آنها را در ذهن زایر بیشتر می کند. بدون تردید هر اندازه درمانگر در ذهن درمانجو معتبرتر باشد، اثرات او بر روحیه و درمانِ درمانجو بیشتر خواهد بود. (۵) زایر هر اندازه امام و امامزاده را تواناتر احساس کند، با خیال راحت تری در نزد او به تخلیه هیجانی می پردازد. البته در توانایی های معصومین و قدرت آنها در حل مشکلات همین بس که در منابع فرهنگ شیعه بعضی از توصیفاتی که از ائمه بیان گردیده است عبارت است از:

۱- کافی، ج ۱، ص ۲۸۶.

۲- همان.

۳- همان

۴- همان.

۵- روان شناسی اجتماعی.

«... میان تو(خـدا) و آنها(معصومین علیهم السـلام) جدایی نیست، جز آن که تو خدا و آنان بنده و مخلوق تو هسـتند». (۱) و یا آن که در دعـای توسـل، خطـاب به معصومین علیهم السـلام این عبارت تکرار می شود: «ای آبرومنـد نزد خـدا، ما را نزد خـدا شفاعت کن». (۲) اکنون می پرسیم: کسی که چنین تصوری راجع به معصومین علیهم السلام دارد، وقتی که به زیارت آنها می رود چه احساسی دارد؟ چه آرامشی را در خـود حس می کنـد؟ چگـونه به تخلیه هیجـانی و پالا‌یش خود می پردازد؟ کـدام درمانگر می تواند چنین اثرات لایزالی داشته باشد؟

در چنین شـرایطی او خود را با کسـی در ارتباط می دانـد که نزد خـدا دارای مقام شـفاعت است و می توانـد بین او و خـداوند واسطه گردد تا به خواسته های خود برسد.

این احساس، زمینه ساز تخلیه هیجانی و پالایش روانی است که قبلًا به آن اشاره گردید.

۲. یکی دیگر از آثـار زیـارت و راز و نیـاز با امام یا امامزاده ای که فرد به زیارت او می رود این است که زمینه لازم برای حل مشـکل فرد فراهم می گردد. این موضوع را از دو دیدگاه می توان تبیین کرد. یک دیدگاه، دیدگاه روان شـناختی آن است و دیـدگاه دیگر، دیـدگاه فرا روان شـناختی. (۳) از دیـدگاه روان شـناختی بایـد گفـت: همین که فرد در یـک فضـای آکنـده از پـذیرش، از رویـدادها و مشـکلاتی سـخن می گویـد کـه آزارش می دهنـد، ایـن خـود رفته رفته، از بـار تهدیـدآمیز بـودن آن مشـکلات می کاهـد. وقتی در تنهایی، مشـکلاتی فکر ما را به خود مشـغول می دارنـد، ممکن است این مشـکلات جدی تر از آنچه هستند به نظر آیند، اما وقتی آنها را با کس دیگری در میان می گذاریم

۱- مفاتیح الجنان، زیارت هر روز ماه رجب، ص ۲۴۵.

۲- مفاتیح الجنان، ص ۲۰۰.

۳- Chology Parapsy

(که واجد شرایطی است که به آن اشاره شد) (۱) گویی چندان مشکلات ناراحت کننده ای نیستند. از دید نظریه یادگیری، (۲) گفت و گوی چند باره از رویدادهای آزارنده، آن هم در محیط امن درمانی(که در آن تنبیهی در کار نیست) رفته اضطرابی را که همراه آن رویدادها بوده خاموش می سازد. در واقع فرد، در لابه لای توضیحات خودش، به تبیینی از مشکلات خود دست می یابد. به این معنا که چگونگی ایجاد و استواری و پایداری آنها و راه و روش تغییر دادن آنها برای او روشن می شود. (۳) بُعد فرا روان شناختی آن نیز این است: فردی که به حضور امام یا امامزاده رسیده است و احساس می کند که آن بزرگوار، بر او نظارت دارد، زنده است و به صحبت های او گوش فرا می دهد، چنان احساس امنیت می کند و اضطراب از او دور می گردد که آرامش و امنیت روانی لازم برای اندیشیدن و پیدا کردن راه حل مشکل بر او حاکم می شود. البته در فرهنگ شیعه این یقین وجود دارد که آن آرامش توسط آن امام یا امامزاده برقرار گردیده است.

یکی از خصوصیات افراد مبتلا به افسردگی، (۴) این است که ذهن آنها در زمان حال سیر نمی کند. آنها یا مشغول سرزنش خود در مورد زندگی گذشته خود هستند و دائم خودشان را محاکمه و محکوم می کنند که چرا این کار را در گذشته انجام دادم و یا این که ذهن آنها مشغولِ ساختنِ آینده غم انگیزی است که هیچ نقطه امیدی در آن وجود ندارد. به هر حال این طرز استفاده از ذهن و این نوع عملکرد ذهنی باعث می شود که خُلق فرد پایین بیاید و نوعی نا امیدی همراه با کاهش انرژی و انگیزه بر او حاکم شود. چنین شرایطی نه تنها باعث ایجاد روحیه بد در فرد می گردد، بلکه به دلیل

۱- نگارندگان.

۲- Learning theory.

۳- زمینه روان شناسی.

۴- Depreession.

کاهش انرژی روانی موجب می شود که او نتوانـد از لیاقت ها و توانایی های هوشـی و ذهنی خود نیز به خوبی اسـتفاده نمایـد. (۱) از سـوی دیگر میشن بـاوم (۲) اعتقـاد دارد که یکی از مهم ترین علـل این حـالت، این است که فرد افسـرده دائماً در حال اسـتفاده از جملات و کلمـات غم انگیز نسـبت به گذشـته و آینـده است. یعنی این که او با اسـتفاده از نوعی خودگویی(گفت وگوی درونی) به مرورِ مطالب و خاطرات غم انگیز، سرزنش خود و محکوم ساختن خویش می پردازد.

دو صاحب نظر فوق، به هر حال به این نکته اشاره دارنـد که علت غمگینی و ناامیـدی تولیـد شده در فرد، از خود او سرچشـمه می گیرد. بـا این تفـاوت که بـک معتقـد است که افکـار فرد در ایجاد افسـردگی او مؤثر هسـتند و میشن باوم معتقـد است که خودگویی های او باعث ایجاد افسردگی در وی می گردنـد. اما به هر حال وجه اشتراک درمانی آنها در این است که بایستی بـا این افکار و خودگویی ها مبارزه نمود. به این ترتیب که میشن باوم معتقـد است که بایستی جملات و خودگویی های مثبت و امیـدوار کننـده را جـایگزین جملات منفی نمود و بک نیز اعتقاد دارد که بایستی افکار مثبت و امیـدوار کننـده را جایگزین افکار ناامیـد کننـده نمود. البته آنها اعتقاد دارنـد که گاهی نیز اسـتفاده از تکنیک های فرار از این افکار و خودگویی هایی نیز می توانـد مفیـد باشـد. پس تکنیـک هـای درمانی آنها در مقابل افکار و خودگویی های منفی را می توان به دو بخش تقسیم نمود:

۱. فرار.

۲. جایگزینی و مبارزه. (۳)

۱- بِک و همکاران.. Beck, A. T.

۲- Meichenbaum, D. H.

۳- مارکس(Marx, E. M) و دیگران.

اینک به توضیح دو تکنیک فوق و اثرات دعا در مؤثر بودن آن می پردازیم:

۱. فرار

ذهن فرد نمی تواند در عین حال و در یک زمان واحد به دو موضوع بپردازد. هر گاه که یک موضوع وارد ذهن می شود، موضوع دیگر اولویت خود را از دست داده و کم رنگ می گردد. در این تکنیک، به افراد آموزش داده می شود که لحظات آسیب پذیری خود را پیدا کنند. لحظات آسیب پذیری، لحظاتی هستند که افکار و خودگویی های ناخوشایند و ناامید کننده به سراغ فرد می آیند و خُلق او را پایین می آورند. هر کسی با دقت برخود(که اصطلاحاً به آن پاییدن خود می گویند) می تواند متوجه شود که در چه زمان هایی بیشترین آسیب پذیری را دارد و ذهن او مورد تاخت و تاز افکار یا خودگویی های ناخوشایند قرار می گیرد. البته لحظات آسیب پذیری افراد، با یکدیگر متفاوت است. بعضی از افراد، شب ها که به رختخواب می روند(فاصله زمانی بین ورود به رختخواب و خوابیدن)، بعضی دیگر هنگام تنهایی، بعضی صبح ها هنگام بیدار شدن از خواب، برخی دیگر نیمه های شب و ... آسیب پذیر هستند. به هر حال هر کسی بایستی لحظه(یا لحظه های) آسیب پذیری خود را شناسایی و ثبت کند.

بعد از آن، لازم است که از تکنیک فرار استفاده کند. در تکنیک فرار همان طور که گفته شد، فرد سعی می کند فکر و یا خود گویی های دیگری را جایگزین فکر و خودگویی آزارنده نماید. (۱) مثلًا به یک شی ء(مثل جارو برقی) فکر کند و اجزای آن را در ذهن خود به خاطر آورد. یا این که نقشه یک محل(خیابان ها، کوچه ها و ...) را در ذهن خود مرور نماید. این کار باعث می شود که ذهن فرد از موضوع آزارنده فرار کند.

اگر چه با این روش، موضوع آزارنده(مخصوصاً اگر آن موضوع یک موضوع واقعی باشد) حل نمی شود، اما به هر حال یک آرامش در فرد ایجاد می گردد تا بعدها بتواند به

۱- رفتار درمان شناختی.

شکل عقلی و بدون اضطراب و هیجان منفی آن موضوع را حل کند. بنابراین تکنیک فرار روشی است برای ایجاد یک آرامش موقت.

موضوع مورد تأکید ما این است که اگر در این مرحله بتوانیم از خودگویی های دیگری استفاده کنیم که مورد توجه دین مبین اسلام است و آنها را جایگزین افکار و خودگویی های آزارنده ای کنیم که زمینه ساز و تشدیدکننده افسردگی هستند، اثر بهتر و بادوام تر و معنادارتری بر روی مراجع خواهیم داشت. یعنی این که از ذکر و دعا استفاده کنیم و اذکار و ادعیه توصیه شده توسط معصومین علیهم السلام را تکرار نماییم و ذهن خود را نیز بر روی معنای آن متمرکز کنیم. این اذکار و ادعیه، آثار روانی خود را بر روی فرد خواهد گذاشت. تکرار ذکر، با تمرکز و دقت و توجه، دارای این اثر است که ذهن فرد از افکار و خودگویی های غم انگیز و ناامید کننده خارج شده و به تکرار ذکر می پردازد. یعنی همان پدیده فرار از افکار آزارنده، با این کار اتفاق خواهد افتاد. البته همان طور که اشاره شد، ذکر بایستی با توجه و دقت باشد. زیرا اگر این توجه و دقت وجود نداشته باشد، در این صورت، ممکن است که زبان و کلمه، در یک مسیر حرکت کنند و فکر در مسیر دیگری حرکت نماید. یعنی این که فقط ظاهر امر(زبان و دهان) مشغول بیان ذکر هستند و ذهن، بازهم در حال تکرار افکار غم انگیز است. به همین دلیل است که گاهی افرادی را می بینیم که در حین ذکر گفتن، به مسایل دیگر هم می اندیشند. به هر حال این تکنیک، در صورتی مؤثر خواهد بود که فکر و کلام با هم هماهنگ گردند.

۲. تحقیقات مختلفی وجود دارد که نشان می دهد فرد، تدریجاً به آنچه که می گوید اعتقاد پیدا می کند. (۱) آنها در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که گفتن و تکرار باعث باور کردن می شود. در واقع آنها نشان دادند که وقتی شخصی مطلبی را به زبان

۱- فستیجر(Fextinger) و کارل اسمیت(Carlsmith, J. M)، پارسا.

می آورد، حتی اگر به آن اعتقاد نداشته باشد، بعد از مدتی تکرار کردن به آن معتقد می شود.

در آزمایش دیگر، کوهن (۱)(۱۹۶۲)، به نتیجه مشابهی دست یافت. او نیز در تحقیق خود نشان داد که افراد به اظهارات خود اعتقاد پیدا می کنند. میشن باوم (۲)(۱۹۷۲) محقق دیگری است که معتقد است که اگر فرد، کلمات، جملات و مطالبی را تکرار کند و به محتوای آن توجه نماید، پس از مدتی به آن کلمات و جملات اعتقاد پیدا خواهد کرد. از سوی دیگر، خُلق و روحیه او نیز تحت تأثیر آن کلمات و جملات قرار خواهد گرفت.

علاوه بر تحقیقات فوق، بازهم تحقیقات و نظراتی وجود دارد که نشان می دهد که افکار و روحیه فرد تحت تأثیر کلمات و جملاتی که به زبان می آورد قرار می گیرد.

ولی ما به دلیل رعایت اختصار در این مقاله، فقط به نام آن تحقیقات و نظریات اشاره می کنیم (۳):(علوی، ۱۳۷۹ به نقل از ورف (۴) و لئونتیف. دادستان، ۱۳۸۳ به نقل از میشن .. باوم. شکرکن، ۱۳۷۶).

به هر حال با استناد به مجموعه تحقیقات و نظرات فوق نتیجه می گیریم که فرد، تدریجاً به آنچه که به زبان می آورد، اعتقاد پیدا می کند. یعنی فکر افراد، خود را با آنچه به زبان آورده است همانند می نماید. به همین دلیل است که تحقیقات و نظرات فوق نشان می دهد که کلام به فکر شکل می دهد. اگر این کلمات و خودگویی ها، کلمات و خود گویی های منفی باشد، فکر و خُلق فرد نیز به تدریج منفی خواهد شد، و اگر مثبت باشد، فکر و خُلق فرد مثبت می شود.

نکته مورد نظر ما در این بخش از مقاله این است: حال که کلام و خودگویی های ما

۱- Cohen, A. R.

۲- Meichenbaum, D. H.

۳- علاقه مندان می توانند با توجه به منابع آخر این مقاله، به اصل مطالب دسترسی پیدا کنند.

۴- Whorf .P .

بر روی فکر و خُلق ما اثر می گذارد، پس اگر این کلمات و خود گویی ها، همان ذکرها و دعاهایی باشد که از معصومین علیهم السلام نقل گردیده است، در این صورت، هم ذهن ما فرصتی برای تکرار کلمات و جملات غم انگیز نخواهد داشت، و آنها را بیرون می راند و هم این که فکر و روحیه ما خود را با محتوای این اذکار و ادعیه همانند می کند. می توان گفت که ذکر و دعا، اگر با دقت و توجه باشد، از کلمه شروع می شود و به قلب ختم می گردد؛ یعنی ذکر کلامی، منجر به ذکر عقلی و قلبی می شود.

محتوای بسیاری از ادعیه و اذکار در منابع شیعه، عمدتاً در جهت امید و حرکت و توکل بوده و جایی برای غمگینی بیمارگونه و غیرطبیعی در این دعاها و ذکرها وجود ندارد. پس وقتی که فرد این دعاها و ذکرها را با توجه و دقت به محتوای آنها تکرار می نماید، درون او هم با این دعاها هماهنگ می شود و نوعی تعادل روانی و امید را در او ایجاد می کند. این تعادل روانی و امید، با خلق افسرده و مضطرب همساز نمی باشد.

یعنی وقتی که این روحیه وارد ساختار روانی فرد می گردد، روحیه بیمارگونه ای که بیانگر اضطراب و افسردگی است، خود به خود از وجود فرد خارج می شود. به هر حال اجتماع نقیضین در آن واحد در ذهن و روح فرد امکان پذیر نمی باشد.

برای این که به بخش کوچکی از امیدهای موجود در بعضی از ادعیه اشاره کرده باشیم، به ادعیه زیر به عنوان نمونه بسنده می کنیم:

«ای خدایی که مالک حاجت های فقیران و دانا به اسرار خاموشان هستی، هر حاجت سؤالی را همان لحظه می شنوی و پاسخ آن را آماده داری. ای خدا، وعده های تو همه صادق و نعمتت فراوان، و رحمتت وسیع است، پس از تو درخواست می کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و حوایج مرا در دنیا و آخرت برآورده سازی.

البته، تو بر همه چیز توانایی». (۱)

۱- مفاتیح الجنان، یکی از دعاهای هر روز ماه رجب.

یا این که در دعای دیگر می خوانیم:

«ای خدایی که از او امید هر خیر و احسان دارم و نزد هر شری، از خشم او ایمنی می جویم. ای آن که عطا می کنی بسیار را به کم، ای آن که به هر که درخواست کند عطا می کنی. ای آن که به هر که درخواست نکند و تو را هم نشناسد، باز از لطف و رحمتت عطا می کنی. مرا که از تو درخواست می کنم جمیع خوبی های دنیا و جمیع خوبی های آخرت را عطا فرما و به درخواستم از تو، جمع شرهای دنیا و آخرت را از من دفع فرما. زیرا عطای تو بی نقص است و ای خدا از فضل و کرمت، بهره مرا بیفزا». (۱) یکی از خصوصیات ذهن افسرده این است که در برخورد با دنیای اطراف و استنباط از آن، بخش غم انگیز و ناامید کننده آن را انتخاب می کند. یعنی بخشی که ناامیدی و بدبینی درونی فرد را هم تأیید می کند و هم تشدید می کند. در واقع این ذهن، ذهنی است که جهت (۲) دارد. در واقع ذهن افسرده دچار خطاهای منطقی است.

دو خطا از این خطاهای منطقی که در رابطه با بحث حاضر می باشند عبارتند از(دادستان، به نقل از بلاک برن (۳) و کوترو، ۱۹۹۰):..

الف) استنباط شخصی (۴) یا فاعلی: یعنی نتیجه گیری های منفی بر مبنای دلایل اندک و حتی متضاد، به عبارت دیگر، بر مبنای خبرهای نامناسب یا ناقص و نادرست نتیجه گیری می کند.

ب) انتزاع گزینشی (۵): که مبتنی بر تمرکز بر جزئی منفی از یک چارچوب کُلی است و موجب می شود که معنای کُلی موقعیت، ادراک و ضبط نشود.

دو خصوصیت فوق باعث می گردد که افراد افسرده، و حتی مضطرب و یا

۱- همان، دعای بعد از نمازهای ماه رجب.

۲- Bias

۳- Blakburn ,I .M .

۴- Arbitrary inferences.

۵- Selective abstraction.

پرخاشگر، دارای ذهنی یک جهتی بوده و همه دنیا و اتفاقات اطراف خود را به شکلی منفی ببینند. در واقع ذهن آنها نمی تواند اتفاقات و نکات مثبت دنیای اطراف را ببیند، (۱) و اساساً نمی تواند نعمت های اطراف خود را به گونه صحیح ادراک نماید؛ به همین دلیل است که در طول جلسات درمانی با این افراد، سعی می شود که نوع نگاه و دیدگاه آنها و همچنین برداشت ها و استنباطهای آنها تغییر کرده و شکل مثبتی را به خود بگیرد. البته دعاهای ما روش های بسیار خوبی برای تقویت ذهن در جهت پیدا کردن نکات مثبت زندگی و توجه به آنها می باشند. به عنوان مثال وقتی که دعای عرفه حضرت امام حسین علیه السلام در روز عرفه را مرور می کنیم، متوجه می شویم که با چه ریزبینی و نکته سنجی بی نظیری، ذهن خواننده را در جهت مشاهده نعمت ها پرورش می دهد و البته تکرار این دعا و ادعیه مشابه، ضمن این که به پیروی از اصل(تکرار کلام باعث اعتقاد به آن می شود) تفکر واگرا (۲) را نیز در ذهن افراد افسرده پرورش می دهد که ابعاد مثبت زندگی را نیز ببینند. در قسمتی از این دعا آمده است:

«... تو در اول، که من نبودم، به من نعمت وجود بخشیدی و مرا از خاک بیافریدی. ... و پیش از این هم پیوسته با من نیکی و مهربانی کردی و به نعمت فراوانم متنعم ساختی. ... و در گهواره که کودکی ناتوان بودم مرا نگهداشتی و از شیر مادر، غذایی گوارا روزی ام کردی و دل های مادران را مهربان ساختی ... و در هر سال به تربیت تو فزون تر شدم و خلقتم مقام کمال یافت و قوای جسم و جانم به حد اعتدال رسید. پس قوه عقل را در من قرار دادی و معرفت خود را به قلبم الهام نمودی ...». (۳) متوجه می شویم که این دعا چگونه با ظرافت تمام به خواننده یاد می دهد که بتواند به ابعاد مختلف زندگی خود دقت کند و حتی توانایی توجه به دوران قبل از تولد را

۱- رفتار درمان شناختی.

۲- Divergent thinking.

۳- مفاتیح الجنان.

به شکل مثبت در او شکوفا می نماید. تکرار و تمرین این دعا و ادعیه مانند آن، تمرین بسیار خوبی است برای تقویت توانایی شناسایی و تکرار کلامی نعمت ها و نکات مثبت که در زندگی وجود دارد. در واقع با تمرین و تکرار این دعا و ادعیه مشابه می توان ذهن افسرده را از یک بُعدی نگری و توجه صرف به ابعاد منفی زندگی نجات داد. این نوع دعاها، تمرین های عملی هستند برای بازکردن ذهن و نجات دادن آن از خطاهای ادراکی که به آن اشاره شد. این تمرین های عملی، در قرآن کریم بارها و بارها به صورت نظری مورد تأکید قرار گرفته است. مثلًا خداوند چندین بار در قرآن کریم خطاب به قوم بنی اسرائیل فرموده است: «نعمت هایی که به شما ارزانی داشتم به یاد آرید». (۱) و بعد از این آیه، به گذشته آنها اشاره کرده و فرموده است که شما، گذشته سختی داشتید (۲) و من بر شما منت گذاشتم و شما را نجات دادم و ....

در مطالب فوق متوجه می شویم که خداوند هم در قرآن به ما یادآوری می کند که نعمت ها و نکات مثبت و موفقیت های زندگی و نعمت های خداوند را با خود ذکر کرده و یادآوری نماییم. قبلًا نیز به نقل از بعضی صاحب نظران و با استناد به برخی از تحقیقات، اشاره کردیم که تکرار یک مطلب باعث اعتقاد به آن مطلب می شود (۳) یعنی ذکر و تکرار نعمت ها باعث تقویت مثبت نگری در ذهن افسرده می گردد و ذهن را برای این نوع نگرش پرورش می دهد. البته خداوند نیز در قرآن (۴) حتی برای ذکر و یادآوری نعمت ها، پاداش در نظر گرفته و فرموده است: «اگر سپاس گزاری کنید، ما نیز نعمت های شما را می افزاییم». این خود انگیزه ای برای تکرار و ذکر نعمت هاست.

پس استفاده از ذکرهایی چون: «الحمد للّه رب العالمین»، «شکراً لِلّه» و ... و تکرار آنها،

۱- «اذْکُرُوا نِعْمَتِیَ الَّتِی أَنْعَمْتُ عَلَیْکُمْ». سوره بقره آیات ۴۰، ۴۷، ۱۲۲ و سوره مائده، آیه ۱۱.

۲- مثلًا اسیر فرعون بودید و او هم پسران شما را می کشت و دختران شما را به کنیزی می گرفت و ....

۳- باوم، ۱۹۷۲؛ کوهن، ۱۹۶۲؛ فستیجر، ۱۹۵۹ و ....

۴- سوره ابراهیم، آیه ۷.

گرچه دارای آثار روانی فراوانی هستند، ولی یکی از آثار آنها مبارزه با منفی نگری است که بر ذهن افراد افسرده حاکم است. اهمیت این ذکرهای مثبت زمانی بیشتر می شود که به این مطلب اشاره کنیم که بعضی از صاحب نظران(از جمله میشن باوم، ۱۹۷۲) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که افراد افسرده، در ذهن خود مشغول تکرار خودگویی های منفی بوده و جملات منفی و ناامید کننده را تکرار می کنند.

استفاده از ذکرهای مثبت، ابزاری است برای مبارزه با این گونه خودگویی های منفی، زیرا وقتی فرد، مشغول به بیان اذکار مثبت می گردد، دیگر ذهن او نمی تواند به تکرار جملات منفی بپردازد. یعنی در واقع، یکی از بهترین روش ها برای خارج کردن خودگویی های منفی از ذهن، استفاده از ذکرهای مثبت است. تکرار ذکر مثبت هم به تدریج باعث اعتقاد به آن می شود. تکرار این جملات مثبت می تواند روحیه فرد را مثبت کند که البته مثبت کردن خُلق و روحیه، بهترین روش درمان افسردگی است.

ص: ۷۶۹

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.

۲. اصول کافی، ابی جعفر محمد بن یعقوب کلینی رازی، ترجمه و شرح حاج سید جواد مصطفوی، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۵۷.

۳. تفکر و زبان، سید کامران علوی، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۹.

۴. رفتار درمان شناختی، هاوتون کرک و کلارک سالکوس، ترجمه حبیب قاسم زاده، انتشارات ارجمند، ۱۳۸۵.

۵. روان شناسی اجتماعی، الیوت ارونسون، ترجمه حسین شکرکن، رشد ۱۳۷۶.

۶. روان شناسی مرضی تحولی از کودکی تا بزرگسالی، پریرخ دادستان، سمت، ۱۳۸۳.

۷. زمینه روانشناسی، ریتا ال اتکینسون و ارنست ر هیلگارد، ترجمه محمدنقی براهنی و همکاران، رشد، ۱۳۷۶.

۸. مفاتیح الجنان، عباس قمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.

۹. نظریه های مشاوره و روان درمانی، عبدالله شفیع آبادی و غلام رضا ناصری، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۴.

۱۰. هوش هیجانی، دانیل گلمن، ترجمه نسرین پارسا، رشد، ۱۳۸۳ ..

۱۱. Marx, E. M: Williams, J. M. G;, Depression and social problem sohmingJornal of Abnor mal psychology,(۱۹۹۲), ۱۰۱, ۷۸- ۸۶.

۱۲. Festinger, L. S Carl smith, J, M., Cognitive C onsequences of forcedcomplia nce, Jornal of Abnormal and social Psychology ۵۸) ۱۹۵۹(: ۲۰۳- ۲۱۰.

۱۳. Cohen, A., An Experiment on small rewards for Discrepant complianceand attitude change, In Explorations in Cognitive Dissonance, by J. W. Brehm and A. R. Cohen(New York: Wiley, ۱۹۶۲)PP. ۷۳- ۷۸.

۱۴. Beck, A, T; Hollon, S, D; young, J, E; Bedrosian, R, C, Treatment of

depression whit cognitive therapy and amitriptyline. Archives ofG eneralP sy chiatry(۱۹۸۵), ۴۲, ۱۴۲- ۸.

۱۵. Michenbaum, D, H., Cognitive modification of test anxious colledges tudents. J ornal of counseling and clinical psychology,(۱۹۷۲)۳۹: ۳۷۰- ۸۰

۵. زیارت، راهکاری جهت ارتقای سلامت روان

زهرا تقربی (۱)

چکیده

با توجه به تغییر الگوی بیماری ها، یکی از مسایل مورد توجه محققین در جوامع امروزی روان شناسی مذهب، به طور عام و اثرات مذهب بر سلامت روان به طور خاص می باشد، مقوله مذهب از ابعاد رفتاری و عقیدتی قابل بحث است.

بعد رفتاری دربرگیرنده رفتارهای فردی و عمومی است؛ با توجه به تعاریف ارائه شده از زیارت، این مؤکد دینی هر دو بعد را شامل می شود. نظر به متفاوت بودن سطح آسیب پذیری سلامت روان در دو جنس، و با توجه به این که در پژوهش های متعدد انجام شده در خصوص اثرات مذهب بر ابعاد مختلف سلامت روان به آثار زیارت کم تر پرداخته شده، این مطالعه با هدف بررسی نقش زیارت در سلامت روان زنان مسلمانِ مراجعه کننده به پایگاه بهداشتی کارگر کاشان در سال ۱۳۸۶ انجام گرفت.

سرانجام معلوم شد زیارت حرم امامان و اماکن مقدس در پیشگیری از عدم سلامت روان نقش مهمی را ایفا می کند. شیوع عدم سلامت روان در افرادی که به حج مشرّف نشده بودند، در افرادی که شش ماه از آخرین تشرف آنها به زیارت خانه خدا می گذشت، و در افرادی که سه ماه از زمان آخرین تشرف آنها به زیارت مقبره امامان سپری شده بود، بیشتر بود، ولی این تفاوت ها معنی دار گزارش نشدند.

کلیدواژه ها: سلامت روان، زنان مسلمان، مذهب، زیارت.

۱- این مقاله با همکاری خانم ها لیلا تقربی، خدیجه شریفی و زهرا سوکی نگارش یافته است.

مقدّمه

طبق تعریف WHO یکی از ابعاد سلامت، سلامت روان است؛ موردی که در ریشه یابی علل بسیاری از سوانح و مرگ و میرها، به درجات مختلف در حال خودنمایی است(۱). بسیاری از مردم جهان، از مشکل عدم سلامت روان رنج می برند و متأسفانه آمارهای مربوطه در دهه های اخیر سیر صعودی قابل توجهی را نشان می دهد(۳، ۲). در ایران شیوع اختلالات روانی در جمعیت ۱۸ سال به بالای کشور ۱/ ۱۷٪ گزارش شده که این رقم در زنان ۴/ ۲۳٪ و در مردان ۸۶/ ۱۰٪ می باشد(۴). در جمعیت ۱۵ سال به بالای مناطق شهری کاشان شیوع اختلالات روانی ۷/ ۲۳٪ گزارش گردیده که این آمار در مردان ۲/ ۱۵٪ و در زنان ۵/ ۳۱٪ برآورد شده است(۵).

محمدی و همکاران(۱۳۸۲) آسیب پذیری بیشتر زنان را به محدود بودن نقش زنان در فعالیت های اجتماعی، استرس های محیطی، مشکلات خانودگی و زندگی زناشویی، و عوامل بیولوژیک مربوطه مرتبط دانسته اند(۴). نقش مهم زنان به عنوان مادر و مربی، اهمیت توجه به سلامت روان آنها را خاطرنشان می سازد(۶).

عوامل متعدد وضعیت سلامت روان را تحت تأثیر قرار می دهند(۱)؛ یکی از مهم ترین این عوامل، مذهب است. روان شناسی مذهبی موضوعی است که قدمتی تاریخی دارد، ولی امروزه بیشتر مورد توجه پژوهشگران واقع شده است(۷). مذهب به عنوان مجموعه ای از اعتقادات، بایدها، نبایدها و نیز ارزش های اختصاصی و تعمیم یافته از مؤثرترین تکیه گاه های روانی به شمار می رود که قادر است به زندگی معنا بخشیده و در شرایط خاص فرد را از تعلیق و بی معنایی نجات دهد(۸). اکثر ادیان جهان با توصیه به پرداختن به فعالیت های مثبت و دوری کردن از فعالیت های منفی بر رفتار و شناخت فرد تأثیر می گذارند. مذهب به عنوان یک میانجی رویدادهای روزمره زندگی فرد را تحت تأثیر قرار می دهد، به گونه ای که فرد مذهبی، بسیاری از رخدادهای به ظاهر منفی را مثبت و معنی دار ارزیابی می کند.

به علاوه بسیاری معتقدند که به کمک ایمان برخورد با هیجان ها و شرایط

اجتماعی آسان تر می شود. مذهب باعث پدید آمدن روابط نزدیک با دیگران شده که این خود یکی از همبسته های احساس ذهنی بهزیستی است. ضمناً با حضور در مکان های مذهبی امکان برخورداری از حمایت عاطفی دیگران نیز فراهم می شود(۹). افزون بر این حتی برخی معتقدند که تأثیر معماری مکان های مذهبی، بر رفتار و احساسات نباید نادیده گرفته شود(۸). بسیاری از محققین با توجه به فطری بودن دین و نیاز انسان به امنیت، بیان کرده اند که بدون معنویت انسان به پوچی و درماندگی خواهد رسید و دچار احساس بی هدفی، عدم عزت نفس و بیگانگی نسبت به خود و اجتماع خواهد شد(۱۰، ۴، ۳). برخی نیز فقدان باورهای دینی را علت بیماری های روانی دانسته و در درمان اختلالات روانی، دین درمانی را توصیه می کنند(۱۱).

درباره تأثیر مذهب بر شاخص های سلامت روان، از جمله: رضایت از زندگی، افسردگی، اضطراب، افکار و رفتار خودکشی، سوء مصرف مواد، مصرف الکل، احساس حسادت، مشکلات زناشویی و طلاق، ترس، ناکامی، عصبانیت، پرخاشگری و خشونت، اعتماد به نفس، بی خوابی و ... تحقیقات متعددی در داخل و خارج از کشور انجام شده است(۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۹، ۸، ۷، ۳، ۶، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۳۸، ۳۷، ۳۶، ۲، ۳۵، ۳۴، ۳۳، ۳۲، ۳۱) که نتایج در برخی موارد تا حدی متفاوت و حتی متناقض هستند؛ ولی غالب آنها بیانگر تأثیر مثبت و قابل توجه متغیرهای مذهبی، همچون نماز، روزه، دعا، شرکت در مراسم و تشکل های مذهبی، اعتقادات و ارزش های دینی، ... بر بهداشت روان می باشند. در برخی از موارد محققین تأثیر مذهب را در ابعاد رفتاری و عقیدتی به طور جداگانه مورد بحث قرار داده اند که در ارتباط با میزان تأثیر آنها، تفاوت هایی با جهات متناقض مشاهده می شود(۳۸، ۲۴، ۳۹، ۱۰). در برخی موارد در بعد رفتاری مذهب به دو گروه رفتارهای فردی و عمومی پرداخته شده است که در خصوص میزان اثربخشی آنها و حتی تفاوت بین آنها تناقضاتی مشهود است(۴۲، ۳۸، ۳۶، ۴۱، ۴۰، ۲۳).

زیارت، یکی از مناسک دینی به شمار می رود که در اسلام از جایگاه ویژه

برخوردار است. زیـارت واژه ای عربی است از مصـدر زارَ یَزور، به معنـای «برای همـدمی و مؤانست یـا درخواست حـاجت به دیدار کسـی رفتن». در فرهنگ مسلمانان، به ویژه شیعیان، زیارت به رفتن به مشاهد متبرك و بقعه ها و همچنین خواندن اذکار و ادعیه به منظور تشرف بـاطنی به پیـامبران، امامـان، امامزادگان، و اولیای خـدا اطلاق می شود. از جمله آداب آن می توان به خواندن نماز و دعا و زیارتنامه اشاره کرد(۴۳).

لذا با توجه به تعریف ارائه شده، این مؤکد دینی هر دو بعد رفتارهای فردی و عمومی مذهبی را شامل می شود. به عبارت بهتر متغیری چنـد وجهی است که انتظار می رود با ترکیبی از عقاید، رفتارها، و ویژگی های محیط سـلامت روان فرد را تحت تأثیر قرار دهـد. صـرف نظر از نماز و دعا، درباره اثرات معنوی رفتن به مکان های مقدسـی همچون مسـجد و کلیسا تحقیقات انجام شـده متعدد است(۳۸، ۳۶، ۱۳، ۲۵، ۲۲، ۱۹، ۱۸، ۲، ۸)؛ امـا در خصوص تـأثیر زیـارت بر سـلامت روان، در داخل و خارج، تحقیقات اندکی انجام شده است(۴۶، ۴۵، ۴۴، ۱۱).

لـذا با توجه به تأکید اسـلام بر نقش زیارت در تزکیه و تهذیب نفس، و نظر به این که تأثیر مذهب بر بهداشت روان در افرادی که بیشتر تحت استرس قرار دارند، مشهودتر می باشد(۳۹)، و برخی تحقیقات تأییدکننده این تفاوت هستند(۴۲، ۱۳) با در نظر گرفتن تفاوت های گزارش شـده بین دو جنس در ارتباط با گرایش های مـذهبی(۶، ۲) و توجه به ساختار جمعیتی خانوارهای تحت پوشـش پایگاه بهداشتی کارگر کاشان، مطالعه ای با هدف بررسـی نقش زیارت در سـلامت روان زنان مسـلمانِ مراجعه کننـده به پایگاه مـذکور، در سال ۱۳۸۶ انجام شـد. باشـد که نتایـج مطالعه نظر دست انـدرکاران و برنامه ریزان امور بهداشـت خانواده و سایر سازمان های ذی ربط را در جهت ارتقای کیفیت زندگی زنان مسلمانِ جامعه، به خود جلب نماید.

مواد و روش ها

در این مطـالعه مقطعی بـا توجه به برآورد شـیوع ۵/ ۳۱٪ عدم سـلامت روان در زنان ساکن مناطق شـهری کاشان(۵) با درصد اطمینان ۹۵٪ و با حداکثر خطای ۰۲/ ۰ شیوع،

تعداد نمونه مورد نیاز ۱۴۷ نفر برآورد گردید. کلیه زنان مسلمان مراجعه کننده به پایگاه های بهداشتی انقلاب و کارگر کاشان در ماه های شهریور و مهر ۱۳۸۶ تا تکمیل آمار به مرز ۱۵۰ نفر به طور مستمر وارد مطالعه شدند. پس از جلب همکاری نمونه ها و اطمینان دادن به آنها در خصوص محرمانه باقی ماندن اطلاعات، ضمن ارائه توضیحاتی درباره نحوه پاسخگویی به سوالات، پرسشنامه ۲۱ -GHQ، پرسشنامه ای مشتمل بر اطلاعات دموگرافیک و فاکتورهای احتمالی مرتبط با بهداشت روان، و پرسشنامه شاخص های سنجش اثر زیارت توسط کارشناسان بهداشت در اختیار آنها قرار داده شد و زمان تکمیل پرسشنامه به سؤالات طرح شده از سوی آنها پاسخ داده شد. البته در مواردی که نمونه ها بیسواد بودند، اطلاعات از طریق مصاحبه تکمیل گردید.

جهت سنجش وضعیت سلامت روان از پرسشنامه سلامت عمومی (۱) ۲۱ -GHQ استفاده شد. این پرسشنامه، ابزاری سرندی و مبتنی بر روش خودگزارش دهی است که با هدف ردیابی کسانی که دارای اختلال روانی هستند، مورد استفاده قرار می گیرد.

فرم اصلی آن دارای ۶۰ سؤال است که توسط گلدبرگ (۲) در سال ۱۹۷۲ طراحی شده و دارای فرم های کوتاه متعددی است(۴۷، ۸). در این پژوهش فرم ۱۲ سؤالی مورد استفاده قرار گرفته است. این فرم دارای ۵ سؤال با بار مثبت و ۷ سؤال با بار منفی می باشد. در این پرسشنامه دو سبک نمره دهی پیشنهاد شده که در مطالعه حاضر سیستم ۳- ۲- ۱- ۰ مد نظر قرار گرفت. به گونه ای که در سؤالات مثبت به گزینه بهتر از همیشه، مثل همیشه، کم تر از همیشه، و خیلی کم تر از همیشه به ترتیب امتیازات ۰، ۱، ۲، و ۳ و در سؤالات منفی به گزینه های هرگز، نه بیشتر از همیشه، بیشتر از همیشه، و خیلی بیشتر از همیشه به ترتیب امتیازات ۰، ۱، ۲، و ۳ اختصاص داده شد، و در مجموع وضعیت سلامت روان در مقیاس ۳۶- ۰ تعیین گردید. این ابزار در ایران

۱- General Health Questionnaire.

۲- Goldberg

استاندارد شده(۸۷/ ۰/) و عدد ۵/ ۱۴ با حساسیت ۸۹٪ و ویژگی ۶۳٪ به عنوان نقطه برش آن معرفی شده است(۴۷).

درباره فاکتورهای دموگرافیک و فاکتورهای احتمالی مرتبط با سلامت روان از پرسشنامه ای محقق ساخته شامل ۱۳ سؤال، و در ارتباط با شاخص های سنجش اثر زیارت نیز از پرسشنامه ای محقق ساخته در قالب ۱۳ سؤال استفاده شد. اعتبار صوری دو پرسشنامه اخیر، به تأیید تعدادی از اعضای هیأت علمی رسید و پایایی آن روی تعداد محدودی نمونه از طریق

Retest

- Test به فاصله ۷۲- ۴۸ ساعت تعیین شد که کلیه پاسخ ها در دو بررسی منطبق بود.

جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات در پرسشنامه ۲۱ -GHQ نمرات ۱۴- ۰ به عنوان وضعیت طبیعیِ سلامت روان(گروه سالم) و نمرات ۳۶- ۱۵ به عنوان عدم سلامت روان(گروه مشکل دار) منظور گردید. با استفاده از نرم افزار ۱۱ -SPSS شیوع عدم سلامت روان در نمونه ها بررسی و تعمیم پذیری آن با ۹۵٪ اطمینان در جامعه مورد نظر برآورد گردید. جهت بررسی ارتباط عوامل دموگرافیک و شاخص های سنجش اثر زیارت با وضعیت سلامت روان از آمارهای

۵۹ ۲ X, square- Fisher Yateschi, OR, CIOR I ۵۹ FisherYate, Fisherstest, OR, CIOR I testtestT -

و Mann- Whitney U و Mann- WhitneyUMann- WhitneyU استفاده شد.

یافته ها

از ۱۵۰ پرسشنامه توزیع شده دو عدد آنها به علت کامل نبودن اطلاعات حذف شد و ۹ پرسشنامه نیز برگردانده نشد؛ لذا اطلاعات ۱۳۹ نفر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

جدول شماره یک مشخصات دموگرافیک و جدول شماره دو وضعیت شاخص های سنجش اثر زیارت را در واحدهای مورد بررسی نشان می دهد.

در نمونه های مورد بررسی نمره ۱۰ /۷۸ ۵ /۵۹ GHQ بود. نمره سلامت روان در ۳۳ نفر(۷/ ۲۳٪)، ۱۵ بود؛ یعنی شیوع عدم سلامت روان با ۹۵٪ اطمینان در جامعه مورد نظر ۹۱/ ۳۰- ۵/ ۱۶٪ می باشد. نمودار شماره ۱ بیانگر توزیع فراوانی واحدهای مورد پژوهش برحسب وضعیت سلامت روان می باشد.

نمودار شماره ۱: توزیع فراوانی ۱۳۹ زن مورد بررسی بر حسب وضعیت سلامت روان

جدول شماره ۳ وضعیت دو گروه سالم و مشکل دار را به تفکیک متغیرهای احتمالی مرتبط با سلامت روان، نشان می دهد. جدول، گویای آن است که تأثیر هیچ کدام از متغیرهای مورد نظر در این بررسی، معنی دار نمی باشد.

توزیع فراوانی واحدهای مورد پژوهش بر حسب وضعیت سلامت روان و به تفکیک شاخص های سنجش تأثیر زیارت در جدول شماره ۴ نشان داده شده است.

جـدول نشان می دهـد که تقیـد به زیارت رفتن در حد متوسط به پایین، شانس بروز عدم سـلامت روان را ۳/ ۲۸ برابر افزایش می دهد. در واقع احتمال بروز عدم سـلامت روان، در افرادی که میزان تقیدشان به زیارت رفتن در حد متوسط یا کم تر اسـت با ۹۵٪ اطمینان ۲۲/ ۸- ۳۱/ ۱ برابر افرادی است که میزان تقیـدشان در حـد زیاد و یا خیلی زیاد می باشد. فاصـله زمانی ۳ ماه بین سفرهای مذهبی درون شهری شانس بروز عدم سلامت روان را ۷۸/ ۲(۲۶/ ۲- ۲۳/ ۱) برابر افزایش می دهد. در افرادی که با فاصله زمانی ۶ ماه به سـفرهای مذهبی برون شهری می روند، شیوع عدم سلامت روان بیشتر است، ولی این تفاوت معنی دار نیسـت؛ البته نمره GHQ در گروهی که بـا فاصـله ۶ ماه به سـفرهای برون شـهری می روند ۸۸/ ۴ ۵/ ۸ و در گروهی کـه این فاصـله زمانی ۶ مـاه می باشـد ۶۲/ ۵ ۵۲/ ۱۱ اسـت کـه آزمـون من ویتنی یـو این تفـاوت را معنی دار نشـان می دهـد) ۰/ p/ ۴۰۰(یعنی فاصـله زمانی طولانی بین سفرهای مذهبی برون شهری بر نمره GHQ اثر مثبت و در واقع بر وضـعیت سلامت روان اثر منفی دارد.

در افرادی که در کل یا ظرف یک سال گذشـته به حج مشـرف نشده اند، همچنین در افرادی که از آخرین تشرف آنها به حج ۶ ماه می گـذرد، شـیوع عدم سـلامت روان بیشتر است، ولی این تفاوت ها معنی دار نمی باشـند. عدم تشـرف به زیارت مقبره امامان در طول یک سال گذشـته شانس بروز عدم سلامت روان را ۳۴/ ۳(۸۷/ ۷- ۴۲/ ۱) برابر افزایش می دهد. از بین افرادی که به زیارت حرم امامان در یک سال گذشـته مشـرف شده بودند، در افرادی که فقط یک بار سـعادت تشـرف داشـتند، شیوع عـدم سـلامت روان بیشتر از گروهی است که بیش از یک بار مشـرف شـده بودنـد؛ ولی این تفاوت معنی دار نیست. البته نمره GHQ در افرادی که یک بار در طول سال گذشـته به زیارت امامان مشـرف شـده اند ۷/ ۵ ۴۰/ ۱۰ و در گروهی کـه بیش از یک بار مشرف شده اند ۸/ ۷ ۳ می باشد که آزمون من ویتنی اختلاف را معنی دار نشان می دهد

)p /۰ /۴۰(

یعنی تشرف بیش از یک بار در طول سال به زیارت مقبره امامان بر نمره GHQ اثر منفی و در اصل بر وضعیت سلامت روان اثر مثبت دارد.

شیوع عدم سلامت روان در افرادی که از آخرین تشرف آنها به زیارت حرم امامان در طول یک سال گذشته ۳ ماه سپری شده بود، بیشتر بود؛ ولی این اختلاف نیز از نظر آماری معنی دار گزارش نشد.

تقریباً همه در طول یک سال گذشته به زیارت مقبره امامزاده ها رفته بودند(۱۳۱ نفر) و ارتباطی بین رفتن به زیارت امامزاده ها و سلامت روان یافت نشد. با این حال بین تعداد دفعات تشرف به زیارت امامزاده ها در طول سال گذشته با سلامت روان ارتباط معنی دار وجود داشت؛ به طوری که تعداد دفعات تشرف در گروه مشکل دار کم تر بود(۵۰ /۰ /p) به علاوه سپری شدن ۳ ماه یا بیشتر از آخرین تشرف به زیارت امامزاده ها در طول یک سال گذشته، شانس بروز عدم سلامت روان را ۱۸/ ۳(۲۶/ ۸– ۲۳/ ۱) برابر افزایش می دهد.

بحث

شیوع عدم سلامت روان در افراد مورد بررسی ۷/ ۲۳٪(۹۱/ ۳۰– ۵/ ۱۶) بود. در مطالعه محمدی و همکاران در ایران، این عدد در سال ۱۳۸۰ در زنان بالای ۱۸ سال با پرسشنامه ۲۲ /۳۵ –۲۴ /۴۵)٪۲۳ /۴ SADS) و در مطالعه پالاهنگ و همکاران در سال ۱۳۷۴ در زنان بالای ۱۵ سال ساکن مناطق شهری کاشان با ابزار R --DSM ۸۲ -GHQ, و مصاحبه بالینی ۵/ ۳۱٪ گزارش گردیده است(۵، ۴). احتمالًا تفاوت در مقطع زمانی مورد بررسی، وضعیت متغیرهای دموگرافیک؛ شیوه انتخاب نمونه، و نوع ابزار غربالگری از عوامل مهم ناهمگونی نتایج می باشند.

این مطالعه نشان داد که بین میزان تقید به رفتن به زیارت بقاع متبرکه، فاصله زمانی بین سفرهای مذهبی درون شهری، تشرف به زیارت مقبره امامان در داخل یا خارج از کشور در طول یک سال اخیر، تعداد دفعات تشرف به زیارت امامزاده ها در طول

یک سال گذشته، و مدت زمان سپری شده از آخرین تشرف به زیارت مقبره امامزاده ها در طول یک سال گذشته با وضعیت سلامت روان، رابطه وجود دارد. ضمناً وضعیت سلامت روان در افرادی که بیش از یک بار در طول سال گذشته به زیارت حرم امامان مشرّف شده بودند و در گروهی که فاصله زمانی بین سفرهای مذهبی برون شهری ۶ ماه ذکر شده بود، مطلوب تر است. کوتا، سخن این که زیارت بر سلامت روان مؤثر است.

در پژوهشی که) ۵۰۰۲ (Lillie در ارتباط با نقش زیارت در کیفیت زندگی افراد در حال احتضار در Birmingham انجام داد مشخص شد که از دیدگاه مراقبین افراد در حال احتضار، بردن آن افراد به اماکن مقدس می تواند در ارتقای کیفیت زندگی آنها مؤثر باشد(۴۵).

در مطالعه دولتشاهی و همکاران(۱۳۷۹) در نمونه هایی که برای اولین بار عازم زیارت خانه خدا بودند، مشخص شد نمره سلامت روان قبل و پس از سفر تفاوت معنی داری پیدا می کند. یعنی سفر زیارتی، منجر به بهبود سلامت روان می شود. این پژوهشگران علت را به احساس نزدیکی به خدا، تخلیه هیجانی و دست یافتن به آرامش درونی، اعتماد و اطمینان به یاری و کمک خداوند، امیدواری به رحمت الهی در حل مشکلات و تغییر نگرش آنها در برخورد با استرس ها ارتباط داده اند(۱۱).

در تحقیقی که ایرانمنش(۱۳۸۲) با هدف بررسی تأثیر انجام حج عمره دانشجویی بر ارزشیابی دانشجویان دختر از سلامت جسمانی روانی خویش روی ۵۰ دانشجوی ۱۹– ۳۹ ساله اعزامی به سفر عمره دانشجویی انجام داد، مشخص ساخت که مقیاس های ترس مرضی و افکار پارانوییدی پس از حج کاهش می یابند، البته این اختلاف معنی دار گزارش نشد؛ به علاوه وی نشان داد که کاهش مقیاس اضطراب در گروه متأهلین از نظر آماری معنی دار می باشد. در هر حال علی رغم عدم کنترل متغیرهای مداخله گر و حجم کم نمونه، با این حال این پژوهش نیز بیانگر تأثیر

مثبت زیارت بر سلامت روان بود(۴۶).

Morris

(۱۹۸۲) در پژوهشی که در ارتباط با تأثیر زیارت روی اضطراب، افسردگی، و نگرش های مذهبی انجام داد، وضعیت ۱۲۴ بیمار مبتلا به مشکلات جسمانی را در دو مقطع زمانی ۱ و ۱۰ ماه بعد از زیارت بررسی نمود، مشخص ساخت زیارت بر کاهش اضطراب و افسردگی مؤثر بوده و این اثر حداقل تا ۱۰ ماه بعد از برگشتن از زیارت تداوم دارد(۴۴).

نتایج مطالعات انجام شده توسط معتمدی(۱۳۸۴)، Myres(۲۰۰۰ ،Coke(۱۹۹۲ ،Krause(۲۰۰۴))، سرگلزایی(۱۳۸۰)، شجاعیان(۱۳۸۱)، آلیانی(۱۳۸۳) ، ،Hilt ۰ n(۲۰۰۲)، Nisbet(۲۰۰۰)، Braam(۲۰۰۴)، Levin(۱۹۹۶)، Abbotts(۲۰۰۴)، Milstein(۲۰۰۳)، Baetz(۲۰۰۴)، Jarvis(۲۰۰۵)، Bosworth(۲۰۰۳)، Schapman(۲۰۰۲)، Nonnomaker(۲۰۰۳ ،Ho(۱۹۹۵)، Maltby(۱۹۹۹)) که آثار نماز، دعا، شرکت در مراسم و یا تشکل های مذهبی، رفتن به مسجد، یا کلیسا را بر برخی از شاخص های سلامت روان بررسی نمودند؛ در راستای مطالعه حاضر می باشد(۴۹، ۴۸، ۱۳، ۱۵، ۸، ۲۳، ۱۴، ۳۶، ۳۴، ۳۳، ۴۲، ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۲، ۲۱، ۱۹، ۱۷، ۳۵، ۳). در مطالعه Lowis(۲۰۰۵) در سالمندان کشور انگلیس، ارتباط بین فعالیت های مذهبی سازماندهی شده(مثل شرکت در مراسم کلیسا) و سازماندهی نشده(مثل خواندن کتاب های مذهبی و نماز خواندن به صورت فرادی) با رضایت از زندگی به عنوان یکی از شاخص های بهداشت روان، در حد بسیار ضعیف گزارش شد که از نظر آماری معنی دار نبود(۵۰). در پژوهش محتشمی پور(۱۳۸۲) نیز که با هدف بررسی رابطه نماز با میزان افسردگی در دانشجویان دانشکده پیراپزشکی و بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مشهد انجام شد، بین نماز خواندن با افسردگی ارتباط آماری معنی دار مشاهده نشد. با این حال مشخص شد مرتب نماز خواندن، میزان افسردگی را کاهش می دهد(۲). در ارزیابی علت تفاوت های جزیی مشاهده شده توجه به مشخصات

نمونه ها، نحوه نمونه گیری، تعداد نمونه و ابزارهای مورد استفاده ضروری است.

به هر حال این پژوهش، یافته های سودمندی را در باره تأثیر زیارت بر سلامت روان ارائه می کند. شرکت در گردهمایی های مذهبی، زیارت و آداب آن، نظیر نماز، دعا و راز و نیاز با خدا، با معنی دارساختن زندگی، افزایش امیدواری، ترویج سبک زندگی سالم، افزایش توانمندی مقابله با استرس، گسترش روابط اجتماعی، ایجاد تعلقات گروهی و برخورداری از حمایت روانی اجتماعی دیگران، تخلیه هیجانی، آرامش درونی و ... سلامت روان را تحت الشعاع قرار می دهند(۳۹، ۱۱).

نتیجه گیری

شیوع عدم سلامت روان در زنان مسلمان نسبتاً زیاد است. زیارت بقاع متبرکه سلامت روان زنان مسلمان را تحت تأثیر قرار می دهد، به گونه ای که زیارت اماکن مقدس در پیشگیری از عدم سلامت روان، نقش مهمی را ایفا می کند. لازم است جهت ارتقای سطح سلامت روان و در نهایت کیفیت زندگی زنان مسلمان به طور خاص و خانواده های آنها به طور عام، مسئولین و دست اندرکاران سازمان های مربوطه این مورد را مدنظر قرار دهند؛ پرسنل بهداشتی درمانی نیز جهت درمان و پیشگیری از مشکلات روان این مهم را نباید نادیده بگیرند.

ص: ۷۸۷

فهرست منابع

۱. بررسی وضعیت سلامت روانی دانش آموزان دوره متوسطه استان بوشهر و عوامل مؤثر بر آن در سال تحصیلی ۸۳- ۸۲، ع. سلطانیان، ف. بحرینی، س.

نمازی، م. امیری ح. قائدی، غ. کهن، طب جنوب، اسفند ۱۳۸۳، ۷(۲): ۱۷۳- ۱۸۲.

۲. بررسی رابطه نماز با میزان افسردگی در دانشجویان دانشکده پیراپزشکی و بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ع. محتشمی پور، م. محتشمی پور، ف. شادلو مشهدی، ع. عمادزاده، ح. حسن آبادی، افق دانش، بهار و تابستان ۱۳۸۲، ۹(۱): ۷۶- ۸۱.

۳. ارتباط دعا با سلامت روانی و عملکرد شغلی کارکنان فنی صنایع مهمات سازی، ر. شجاعیان، ا. زمانی منفرد، اندیشه و رفتار، پاییز ۱۳۸۱؛ ۲(۸): ۳۳- ۳۹.

۴. همه گیرشناختی اختلالات روانپزشکی در ایران سال ۱۳۸۰، م. محمدی، ه.

داویدیان، اع. نوربالا، ح. ملک افضلی، ح. پوراعتماد و دیگران، حکیم، بهار، ۱۳۸۲؛ ۶(۱): ۵۵- ۶۴.

۵. بررسی همه گیرشناختی اختلالات روانی در شهر کاشان، ح. پالاهنگ، م. نصر، م ت. براهتی، د. شاه محمدی، اندیشه و رفتار، بهار ۱۳۷۵؛ ۲(۴(پیاپی ۸)): ۱۹- ۲۷.

۶. بررسی مقابله مذهبی و میزان اضطراب در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال تحصیلی ۷۸- ۷۹. ح. عظیمی، م. ضرغامی، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی مازندران، بهار ۱۳۸۱؛ ۱۲(۳۴): ۳۷- ۴۶.

۷. ابعاد رابطه میان جهت گیری مذهبی و سلامت روانی و ارزیابی مقیاس جهت گیری مذهبی. ه. بهرامی احسان، مجله روان شناسی و علوم تربیتی، ۱۳۸۳؛ ۳۴(۲): ۴۱- ۶۳.

۸. بررسی رابطه بین گرایش های مذهبی و سالمندی موفق. ع. معتمدی، ج. اژه ای، پ. آزادفلاح، ع. کیامنش، دانشور، اردیبهشت ۱۳۸۴؛ ۱۲(۱۰): ۴۳- ۵۶.

۹. احساس ذهنی بهزیستی و فعالیت های مذهبی در گروهی از مسلمانان، ح.

هادیانفرد، اندیشه و رفتار، تابستان ۱۳۸۴؛ ۱۱(۲(پیاپی ۴۱): ۲۲۴- ۲۳۳.

۱۰. گستره پژوهش های روان شناختی در حوزه دین، م. خدایاری فرد، پ. غباری بناب، م. شکوهی یکتا، اندیشه و رفتار، بهار ۱۳۸۰؛ ۶(۴): ۴۵- ۵۳.

۱۱. بررسی نقش زیارت در سلامت روانی افراد. ب. دولتشاهی، ط. زهروی، ه.

پهلوانی، خلاصه مقالات اولین همایش بین المللی نقش دین در بهداشت روان.

تهران: دانشگاه تهران، فروردین ۱۳۸۰.

۱۲. نقش باورهای مذهبی درونی و بیرونی در سلامت روان و میزان افسردگی سالمندان. ف. بهرامی، ع. رمضانی قرآنی، مجله توانبخشی بهار ۱۳۸۴ ۱۳

۱۳. Coke MM. correlates of life satisfaction among elderly African Americans. J Gerontol Sep ۱۹۹۲; ۴۷(۵): ۳۱۶- ۲۰.

۱۴. Ho SC. Woo J. Lau J. Chan SG. Yuen YK. Chan YK. etal. Lifesatis facti on and associated factors in older Hong kong Chinese. J. Am. Geriatr Sco Mar ۱۹۹۵; ۴۳(۳): ۲۵۲-۵.

۱۵. Krause N. Common facets of religion, unique facets of religion, and lifesatisf act ion among older African Americans. J Gerontol psychol sci soc sciMar ۲۰۰۴; ۵۹(۲): ۱۰۹- ۱۷.

۱۶. shkolnik T. Weiner C. Malik L. Festinger Y. The effect of Jewish religiosityof elderly Israelis on their life satisfaction, health, function and activity. JCross Cult Geronto ۲۰۰۱; ۱۶(۳): ۲۰۱- ۱۹.

۱۷. Levin JS. Markides KS. Ray LA. R eligious attendance andp sychologic alwell- being in M exican A mericans. G erontologist Aug ۱۹۹۶; ۳۶(۴): ۴۵۴- ۶۳.

۱۸. Krause N. Religious meaning and subjective well- being in late life. JGerontol psychol sci soc sci May ۲۰۰۳; ۵۸(۳): ۱۶۰- ۷۰.

۱۹. Braam AW. Hein E. Deeg DJ Twisk JW. Beekman AT. Van Tilburg W.

Religious involvement and ۶ year course of depressive symptoms in olderDutch Citizens. J. Aging Health ۲۰۰۴; ۱۶(۴): ۴۶۷-۸۹.

۲۰. Braam AW. Deeg DJ. Poppelaars JL. Beekman AT. Van Tilburg W. Prayerand depressive symptoms in a period of secularization: patterns amongolder adults in the Netherlands. AM J Geriatr Psychiatry Apr ۲۰۰۴; ۱۵(۴): ۲۷۳-۸۱.

۲۱. Nisbet PA. Duberstein PR. Conwell Y. Seidlitz L. The effect ofparticipation in Religious activities on suicide versus natural death inadults ۵۰ and older. J Nerv Ment Dis Aug ۲۰۰۰; ۱۸۸(۸): ۵۴۳-۶.

۲۲. Hilton SC. Fellingham GW. Lyon J L. Suicide rates and relig iousc ommitment in young adult males in utah. Am J Epidemol Mar ۲۰۰۲; ۱۵۵(۵): ۴۱۳-۹.

۲۳. Nonnemaker JM. McNeely CA. Blum RW. Public and private domains ofreligiosity and adolescent health risk behaviors. SOC SCi MED Dec ۲۰۰۳; ۷۵(۱۱): ۲۰۴۹-۵۴.

۲۴. Dezutter J. Soenens B. Hutsebunt D. Religiosity and mental Health: Afurther exploration of the relative importance of religious behaviors vs. religious attitudes. Personality and individual Differences Mar ۲۰۰۶; ۴۰(۴): ۸۰۷-۸۱۸.

۲۵. Abbotts JE. Williams RGA. Sweeting H N. West PB. Is going to churchgood or bad for you? Denomination, Attendance and mental Health ofchildren in West Scotland. Social Science Medicine Feb ۲۰۰۴; ۵۸(۳): ۶۴۵-۶۵۶.

ص: ۷۹۰

Milstein G. Bruce ML. Gargon N. Brown E. Raue PJ. MCAvay G. Religious practice .۲۶ .and depression among geriatric home care patients

.International J of Psychiatry in medicine ۲۰۰۳; ۳۳(۱): ۷۱- ۸۳

Baetz M. Griffin R. Bowen R. Koenig HG. Marcoux E. Th e ass ociationbetween .۲۷ spiritual and religious involvement and depression symptoms in aCanadian population. J of Nervous Mental Disease Dec ۲۰۰۴; ۱۹۲(۱۲): ۸۱۸- ۲۲

۲۸. اثر روزه داری بر سلامت روان، م. صادقی، م ع. مظاهری، مجله روان شناسی، پاییز ۱۳۸۴؛ ۹(۳(پیاپی ۳۵): ۲۹۲- ۳۰۹.

۲۹. بررسی تأثیر روزه داری بر وضعیت سلامت روانی، م. قهرمانی، ع. دل شاد، ج.

توکلی زاده، افق دانش، بهار و تابستان ۱۳۷۹؛ ۶(۱): ۳- ۱۳.

۳۰. بررسی تأثیر روزه داری در ماه رمضان بر میزان اضطراب، م ت. مقدم نیا، ش.

مقصودی، مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گیلان، بهار ۱۳۸۳؛ ۱۳(۴۹):

۵۴- ۶۰.

۳۱. تأثیر روزه رمضان بر بهداشت روان و افسردگی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی سیرجان در سال ۱۳۸۳، م. کاظمی، س. کریمی، ع. انصاری، ط. نگاهبان بنایی، س ح، حسینی، ر. وزیری نژاد، مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، تابستان ۱۳۸۵؛ ۵(۲(پیاپی ۱۹)): ۱۱۷- ۱۲۲.

۳۲. روزه داری در ماه مبارک رمضان و سلامت روانی، ش. سردارپور گودرزی، ا.

سلطانی زرندی، اندیشه و رفتار، پاییز ۱۳۸۱؛ ۱۳۸۱؛ ۸(۲ پیاپی ۳۰)): ۲۶- ۳۲ ..

tco yrtaihcysP taireG J tnI .noisserped cirtaireg no gnipoc suoigiler ۲۰۰۳; ۱۸(۱۰): ۹۰۵- ۱۴. dna ecitcarp suoigiler fotcapmi ehT .CD sneffetS .CJ seyaH .RD diouQCM .SK kraP .BH htrowsoB .۳۳

۳۳. Bosworth HB. Park KS. MCQuoid DR. Hayes JC. Steffens DC. The impactof religious practice and religious coping on geriatric depression. Int J Geriat Psychiatry oct ۲۰۰۳; ۱۸(۱۰): ۹۰۵- ۱۴.

۳۴. Schapman AM. Inderbitzen- Nolan HM. The role of religious behaviour inadolescent depressive and anxious symptomatology. J Adolesc Dec ۲۰۰۲; ۲۵(۶): ۶۳۱- ۴۳.

۳۵. بررسی رابطه پایبندی به دعا با میزان اضطراب دانشجویان دانشگاه تبریز، زو آلیانی، ه. مهین، خلاصه مقالات دومین سمینار سراسری بهداشت روان، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، اسفند ۱۳۸۳ ..

۳۶. Maltby J. Levis CA. Day L. Religious orientation and p sy chologicalwell- being The role of the frequency of personal prayer. British J of Health psychology Nov ۱۹۹۹; ۴(۴): ۳۶۳- ۳۷۸.

۳۷. Koening HG. Larson DB. Weaver AJ. Research on religion and seriousmental Health. New Dir Ment Health Serv winter ۱۹۹۸; ۸۰: ۸۱- ۹۵.

۳۸. Koening HG. George LK. Peterson BL. Religiosity and remission ofdepression in medically ill older patients. AM J Psychiatry Apr ۱۹۹۸; ۱۵۵(۴): ۵۳۶- ۴۲.

۳۹. Moreira Almeida A. Neto FL. Koeing HG. Religiousness and mentalhealth: a review. Rev Bras Psiquiatr Sep ۲۰۰۶; ۲۸(۳): ۷۷۱- ۸.

۴۰. Harris KM, Edlund MJ, Larson SL. Religious involvement and the use ofmental health care. Health Serv Res Apr ۲۰۰۶; ۴۱(۲): ۳۹۵- ۴۱۰.

۴۱. Arcury TA. Stanfford JM. Bell RA. Golden SL. Snively BM. Quandt SA. The association of health and functional status with private and publicreligious practice among rural, ethnically diverse, older adults withdiabetes. J Rural Health summer ۲۰۰۷; ۲۳(۳): ۲۴۶- ۵۳.

۴۲. Jarvis GE. Kirmayer LJ. Weinfeld M. Lasry JC. Religious practice and

.. psychological distress. Tran Scult Psychiatry Dec ۲۰۰۵; ۴۲(۴): ۶۵۷- ۷۵

۴۳. پژوهشی درباره زیارت های جامعه، س ک. طباطبایی، مطالعات اسلامی، زمستان ۱۳۸۲؛ ۶۲: ۱۱۱- ۱۳۲ ..

۴۴. Morris PA. The effect of pilgrimage on anxiety, depressio n an d religious attitude. Psychol Med May ۱۹۸۲; ۱۲(۲): ۲۹۱- ۴.

۴۵. Lillie AK. The practice of pilgrimage in palliative care: a case study ofLourdes. Int J Palliat Nurs May ۲۰۰۵; ۱۱(۵): ۲۳۴- ۹.

۴۶. بررسی تأثیر انجام حج عمره بر ارزیابی دانشجویان دختر از سلامت جسمانی- روانی خویش، ف. ایرانمنش، پایان نامه جهت اخذ دکترای حرفه ای، ایران، کرمان، دانشگاه علوم پزشکی، ۱۳۸۲.

۴۷. ترجمه تعیین پایایی و روایی پرسشنامه ۱۲ سؤالی سلامت عمومی، م. عبادی، ام.

حریرچی، م. شریعتی، غ. گرمارودی، ا. فاتح، ع. منتظری، پایش، تابستان ۱۳۸۱؛ ۱(۳۱): ۳۹- ۴۶ ..

۴۸. Myers DG. The funds, friends, and faith of happy peo pl e. A mericanp sychologist ۲۰۰۰, ۵۵: ۵۶- ۶۷.

۴۹. آیا فعالیت های مذهبی می تواند از افسردگی، اضطراب و سوء مصرف مواد در دانشجویان پیشگیری نماید. م. سرگلزایی، ف. بهدانی، ا. قربانی، خلاصه مقالات ارائه شده در اولین همایش بین المللی نقش دین در بهداشت روان. تهران:

دانشگاه علوم پزشکی ایران، فروردین ۱۳۸۰ ..

۵۰. Lowis MJ. Edwards A. Roe C. Jewell A. Jackson M. Tidmarch W. The roleof religion in mediating the transition to residential care. J of aging studies S ep ۲۰۰۵; ۱۹(۳): ۳۴۹- ۳۶۲

۶. دعا و زیارت ترجمان نیاز به معنا در حیات انسانی

دکتر مجتبی عطارزاده (۱)

چکیده

نگاه مؤمنانه ناشی از گذر از جهان ماده و پیوند با عالم معنا که ابزار مهم تحقق آن را باید نیایش دانست، همه ظواهر را خواهد شکافت و در پسِ هر چیز- هر مفهوم انسانی- معنایی دیگر خواهد جست. به دلیل جایگاه والای نیایش و دعا و نقش ارزشمند آن در زندگی انسان، همه ادیان و مذاهب به آن توجه ویژه داشته، بر لزوم پایبندی پیروانشان به این مسأله تأکید ورزیده اند. دور از انتظار نیست در حالی که همگان در جست وجوی آرامش و نشاط معنوی و انرژی فزون ترند، آیین معنابخش اسلام نیز در مقام تحکیم پایه ها و ارکان نظم معنایی مشترک بین پیروان خویش و بلکه کل بشریت به مقوله نیایش، اهتمام و توجه ویژه مبذول داشته باشد و راهکارهایی همچون نماز و زیارت را به منظور تسهیل این مهم، تمهید نموده باشد. زیارت یعنی پیوند ناقص با کامل، علاقه به رهایی از قفسِ مادیت و بی معنایی، رهایی از نقص و پیوست به معنا، از این روست که زیارت در ارزش و پاداش همپای بسیاری از عبادات حتی جهاد و شهادت به حساب آمده است.

کلیدواژه ها: دین، معنا، اضطراب، نیایش، زیارت.

مقدّمه

در فضای پر تنش امروز، بشریت خسته از همه منابع و مراجعی که مدعی تأمین آرامش و امنیت وجودی او هستند، در پی یافتن معنای وجودی خویش است. تحقق

۱- عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه هنر اصفهان.

این مهم در گرو تجربه فردی اشـخاص و نه تحت تأثیر دسـتورالعمل های تجویزی توسط دیگرانی است که طبق ایـده آل های خویش راهکارهایی ارائه داده و می دهند. در نتیجه، این معناکاوی پیوندی صـریح و بی واسـطه را می طلبد که شـخص از سر نیاز واقعی در جهت اتصال با منبع معنا دست به کار شود؛ همان که نیایش می نامند.

دعـا آرامش بخش دل هـاست و همین آرامش است که در روح و فکر آدمی نوعی انبساط ایجاد می کنـد و روح را از حالت خمودگی بیرون می آورد و به حرکت وا می دارد و روحیه دلاوری و قهرمانی به دعاکننـده می بخشـد. دعا به انسان متانت در رفتار، انبساط و شادی درونی، اسـتعداد پیروزی، و استحکام در استقبال از حوادث می دهد و بدان وسیله آدمی توجه زیادی به منشأ معنـای وجود پیـدا می کنـد وماننـد سایر عبادات اثر تربیتی دارد. دعا روح ایمان را در نفوس برمی انگیزد و انسان لـذت ارتباط با خداوند را درک می کند، انسان را متکی به خدا و مسـتقل از غیر او می سازد و از اتکای به دیگران بی نیاز می کند. دعا حب الهی را در دل رسوخ می دهـد و نفس را از مشـغله های بیهوده رهایی می بخشـد و چراغ امید را در قلب و دل انسان روشن می سازد. دعا کشش بنده ضعیف و نیازمند به سوی خداوند کریم و تواناست. دعا کلید و وسیله قرب الهی، لبّ عبادت و مغز و اساس طاعات و حیات روح است. دعا موجب نزول برکات و شرح صدر در انسان می شود. دعا چراغ جان است؛ جان ها را بر افروزد و زبان ها را معطر می سازد.

آری دعا در فرد و اجتماع اثر سازنده و حیاتی دارد. آنان که به درگاه الهی نیایش نمی کنند، همواره زیر پوشـش بازتاب های روانی و اجتمـاعی قرار می گیرنـد. دعـا اطمینـان بخش دل هـا و فضـیلت هر انسـان خـداجو است، دعـا سـدی در برابر گنـاه و انحراف و در یک کلام، عامل معنابخش به حیات انسانی است؛ همان که کلام وحی بدان اشاره دارد:

«قُلْ ما یَعْبَؤُا بِکُمْ رَبّی لَوْ لا دُعاؤُکُمْ فَقَدْ کَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ یَکُونُ لِزاماً»؛ (۱)

بگو پروردگارم برای شما ارجی قائل نیست اگر دعای شما نباشد.(شما آیات خدا و پیامبران را) تکذیب کردید.

این آیه آخرین آیه سوره فرقان و در حقیقت نتیجه تمام سوره است. گرچه از دعا در این جا معانی متعدد استنباط می شود، ولی ریشه همه معانی به یک اصل باز می گردد، مفهوم آیه چنین است: آنچه به شما ارزش و بها می دهد همان توجه به پروردگار است.

به راستی وقتی انسان توجه خود را یک سره معطوف به درگاه الهی می کند و روی به ساحت مقدس او می آورد، همچون آیینه ای که در برابر تابش آفتاب قرار گیرد، انوار فیوضات الهی را به تناسب استعداد و آمادگی خود دریافت می کند و آثار آن را منعکس می گرداند، هر اندازه دل از تیرگی ها و آلودگی ها منزه و به صفا و پاکی نزدیک تر باشد، به همان اندازه قدرت دریافت انوار ازلی معبود در او افزون تر و در نتیجه احساس خویشتن در کنار حامی قدرتی بی انتها، چون خداوند، تنهایی و بی کسی عامل اضطراب زایل می شود و چنان لذتی از ناحیه گسست از خلق به خالق وجود آنان را فرا می گیرد که هیچ لذتی را بر این لذت مقدم نمی دارند، این است که گفته اند:

تو گر لذت ترک لذت بدانی دگر هیچ لذت، تو لذت ندانی

از این رو در آموزه های اخلاقی ادیان الهی، به ویژه آیین اسلام، به منظور تأمین آرامش درونی و اجتناب از اضطراب و نگرانی های ناشی از دور افتادن از منبع قوی حمایتی همچون اقتدار مطلق الهی که درک لذت واقعی را در پی دارد، بر پیوند مخلوق بر خالق از رهگذر نیایش تأکید گردیده است. نیایشگران در پرتو احساس چنین لذتی به یک باره به چنان درک معناییِ مشترکی می رسند که هیچ ساز و کار دست

۱- سوره فرقان، آیه ۷۷.

ساخته بشری قادر به ایجاد چنین فضایی نیست. توجه به این دستاورد، زمینه درک مفهوم گفتار اسوه نیایشگران، حضرت سجاد علیه السلام در مناجات الذاکرین «

و أستغفرک من کلّ لذّه بغیر لذّه ذکرک

»؛ خدایا از هر لذتی جز لذت ذکر تو طلب مغفرت می کنم را فراهم می سازد.

حضور در جایگاه کسانی که خود، نماد بارز و سمبل مسلّم ره یافتگان به وصال دوست هستند، تسهیلگر تکوین چنین فضای معنوی خواهد بود. آنچه زایر را به پیمودن راه ها و طی مسافت ها و تحمل رنج سفر و بیم بادیه و استقبال از خوف و خطر وا می دارد، همین کشش درونی و علاقه قلبی اوست. اگر عشق آمد، خستگی رخت بر می بندد و اگر محبت در کار بود، ملال متواری می شود. به خصوص اگر عشق راستین به خدا باشد که معشوق کامل و محبوب مطلق است و پیوند با او، سوزنده و سازنده است. به فرموده امیرالمؤمنین علیه السلام: «

حبّ اللَّه نار لا تمرّ علی شی ء إلّا احترق و نور اللَّه لا یطلع علی شی ء إلّاأضاء

»؛ (۱) محبت خدا آتشی است سوزان و نور خدا، فروغی است روشنگر. بدین سان عاشق سرگردان و در جست وجوی معنا، سراغ از کوی یار می گیرد و در این کاوش حتی خانه ای که روزی معشوق در آن ساکن بوده، کوچه ای که روزی دلبر از آن گذشته، زمینی که بر آن قدم نهاده، شهری که روزی در آن جا می زیسته، سنگی که دست محبوب به آن خورده، لباسی که بر اندام او بوده، کفشی که در پایش داشته، دلربا و جاذب، دوست داشتنی و شوق انگیز خواهد بود.

افراد و گروه هایی از محققان در سراسر جهان، درباره تأثیر ایمان به خدا، مذهب و محیطهای مذهبی و آداب و رسوم دینی مانند نیایش در سلامت روانی افراد، بهداشت روانی جامعه و بهبودبخشی بیماران روانی و مقاوم کردن افراد در برابر حوادث و وقایع دردناک و ایجاد آرامش، به نتایج مثبت و قابل توجّهی دست یافته اند.

به رغم اختلاف روش ها، محیطها و موضوعات مورد بررسی، تقریباً تمامی این

۱- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۲۲۶.

تحقیقات بر این موضوع اتفاق نظر دارند که در محیطهای مذهبی و جوامعی که ایمان مذهبی آنها بیش تر است، میزان اختلال های روانی و به خصوص اضطراب و افسردگی، به طور محسوسی کم تر از میزان آنها در محیطها و جوامع غیر مذهبی است. (۱) کولکای (۲) با بررسی تأثیر ایمان مذهبی، نماز و دعا در کاهش اضطراب، به این نتیجه رسید که ۴۲٪ افراد نمونه او گزارش داده اند که نماز اضطراب را پایین می آورد. (۳).

گاندی نیز در مقام توصیف نقش آرامش بخش نیایش می گوید: «دعا و نماز، زندگی ام را نجات داده است. بدون آن باید از مدت ها پیش دیوانه می شدم. من در تجارب زندگی عمومی و خصوصی خود، تلخ کامی های بسیار سخت داشته ام که مرا دست خوش نا امیدی می ساخت. اگر توانسته ام بر این نا امیدی ها چیره شوم، به خاطر نمازها و نیایش هایم بوده است.

دعا و نماز را مانند حقیقت بخشی از زندگی خود نمی شمارم، فقط به خاطر نیاز و احتیاج شدید روحی آنها را به کار می بسته ام؛ زیرا اغلب خود را در وضع و حالی می یافتم که احتمالًا بدون دعا و نماز نمی توانستم شادمان باشم. هر چه زمان می گذشت، اعتقاد من به خداوند افزایش می یافت و نیاز من به دعا و نماز بیشتر می شد و بدون آن زندگی برایم سرد و تهی بود». (۴) الکسیس کارل می گوید: «نیایش در روح و جسم تأثیر می گذارد و احساس عرفانی و احساس اخلاقی را توأماً تقویت می کند. در چهره کسانی که به نیایش

۱- المیزان، ج ۲، ص ۴۰۷- ۴۱۱.

۲- Kwilecki

۳- Koenig, H. G.(۱۹۹۴), The Relationship between Judeo Christian Religion andMental Health among Middle- Aged and Older Adults, DURHAM, NC, U. S. A, Advances, Fal: Vol .۹) ۴(: ۳۳- ۳۹

۴- همه مردم برادرند، ص ۱۰۶.

می پردازند، حسّ وظیفه شناسی، قلّت حسد و شرارت و حُسن نیکی و خیرخواهی به دیگران خوانده می شود. نیایش، خصایل خود را با علامات بسیار مشخص و منحصر به فردی نشان می دهد: صفای دل، متانت رفتار، انبساط خاطر، شادی بی دغدغه، چهره پر از یقین، استعداد هدایت، آمادگی برای پذیرش حق و راضی بودن به رضای پروردگار». (۱) ایمان به خدا و نیایش و راز و نیاز با او به انسان امید و توان می دهد و انسان احساس می کند به پناهگاه مطمئن و با قدرتی بی نهایت متکی است. از این رو، احساس نشاط و توانمندی می کند و اگر این ارتباط با آن منبع عظمت و رحمت قطع باشد، احساس دلتنگی و نگرانی در او ایجاد می شود و به بیماری های روانی گرفتار می آید. به این حقیقت روان شناسان و روان کاوان بزرگی همچون یونگ، اریک فروم، ویلیام جیمز و دیگران اشاره کرده اند و ایمان به خدا و دعا را اساس آرامش و سلامت روان می دانند.

دعا انسان را به معرفت خدا که برترین سرمایه هاست دعوت می کند و باعث می شود که خود را نیازمند او ببیند و در برابرش خضوع کند و از مرکب غرور که سرچشمه انواع بدبختی هاست فرود آید. از سوی دیگر همه نعمت ها را از او ببیند و به او عشق ورزد و رابطه عاطفی او از این طریق با ساحت مقدس الهی محکم تر گردد.

از طرفی چون خود را نیازمند او و مرهون نعمت های او می بیند، موظف به اطاعت از خواست او می شود. دعا به انسان اعتماد به نفس می بخشد و وی را از ناامیدی دور می کند و به تلاش و کوشش بیشتر وا می دارد.

به راستی وقتی انسان توجه خود را یک سره معطوف به درگاه الهی می کند و روی به ساحت مقدس او می آورد، همچون آیینه ای که در برابر تابش آفتاب قرار گیرد، انوار فیوضات الهی را به تناسب استعداد و آمادگی خود دریافت می کند و آثار آن را

۱- نیایش، ص ۳۱.

منعکس می گرداند، هر اندازه دل از تیرگی ها و آلودگی ها منزه و به صفا و پاکی نزدیک تر باشد، به همان اندازه قدرت دریافت انوار ازلی معبود در او افزون تر می شود. آثار روحی و معنوی توجه به خدا و نیایش به تناسب شدت و ضعف تفکر و توجه متفاوت است که گاهی در مراتب عالی همراه با جاذبه خاصی صورت می پذیرد. در تعالیم اسلامی از آن تعبیر به نور دل ها شده است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: «

علیک بذکر اللّه فإنّه نور القلوب

». (۱) قطع نظر از پاداش و اجر مترتب بر دعا و جدا از اثر استجابتی که متضمن آن است، دعا اگر از حد لقلقه زبان بگذرد و دل با زبان هماهنگ شود و روح انسان به اهتزاز درآید، روحانیتی متعالی خواهد داشت. آن وقت انسان درک می کند که در سایر اوقات چه امور بی ارزشی او را به خود مشغول می داشته و او را آزار می داده، و تا چه اندازه اسیر حقارت ها بوده است. به راستی انسان وقتی که از غیر خدا چیزی می خواهد، احساس مذلت می کند و هنگامی که تنها از خدا می خواهد، احساس عزت می کند. از این رو دعا، هم طلب است و هم مطلوب، هم وسیله است و هم غایت، هم مقدمه است و هم نتیجه. بهترین لذاید در نظر اولیای خدا لذت دعا و نیایش با خداست. آنها همه خواهش ها و آرزوهای دل خود را با محبوب حقیقی در میان می گذارند و بیش از آنچه که به مطلوب های خود اهمیت می دهند، طلب و راز و نیاز در نظر آنان اهمیت دارد و هیچ گونه احساس خستگی و ملالت نمی کنند. (۲) حضرت علی علیه السلام می فرماید: «پروردگارا! تو از هر مونسی برای دوستانت مونس تری و از همه آنها برای کسانی که به تو اعتماد کنند، برای کارگزاری، آماده تری.

پروردگارا! آنان را در باطن دلشان مشاهده می کنی و در اعماق ضمیرشان، بر حال آنان آگاهی و میزان معرفت و بصیرتشان را می دانی، رازهای آنان نزد تو آشکار است و

۱- غرر الحکم و درر الکلم.

۲- روان شناسی یکتاپرستی، ص ۷۸.

دل های آنـان در فراق تو بی تاب. اگر تنهایی سـبب وحشت آنان گردد، یاد تو مونس آنهاست، و اگر سـختی ها بر آنان فرو ریزد، به تو پناه می برنـد». (۱) در مجموع، تحقیقاتی که در زمینه دین مبین اسـلام انجام پذیرفته است، بر وحدت بخشیِ نظام روان شـناختی انسان توسط مـذهب اسـلام تأکیـد دارد. این تحقیقات نشان می دهنـد که بین ایمان مـذهبی و سـلامت روانی و همچنین کاهش میزان اختلالات روانی رابطه ای مستقیم وجود دارد.

به عنوان نمونه پژوهشـگری در مقـایسه میزان افسـردگی و اضـطراب دانش آموزان پسـر و دختر عضو انجمن اسـلامی بـا سـایر دانش آموزان، نقش ایمـان مـذهبی و نیـایش در سـلامت روان را در مقـایسه ای آماری مورد بررسـی قرار داده و به این نتیجه دست یافته است که میانگین اضـطراب و افسردگی دانش آموزان عضو انجمن اسلامی با تفاوت معناداری از میانگین اضطراب و افسـردگی سـایر دانش آمـوزان کـم تر اسـت. (۲) در مطـالعه ای دیگر بـا عنـوان بررسـی رابطـه بیـن عملکرد دیـن اسـلام و افسـردگی، نشان داده شـده است که ایمان مـذهبی نگرش های مـذهبی و برپاداری نماز و نیایش، هر کـدام به نحوی در حفظ تعادل روانی و استمرار امیدواری انسان ها مؤثرند.

همچنین پژوهشـگری در بررسـی رابطه اضطراب و گرایش مذهبی، با استفاده از مقیاسی که سطح و گرایش مذهبی اسلامی را مورد سـنجش قرار داده، به این نتیجه دست یافته است که هر چه سـطح و گرایش مـذهبی افراد کم تر باشد، اضـطراب عمومی آنها افزایش می یابد و تصـریح می کند که عدم گرایش مذهبی اسـلامی و نیز افزایش ضعف شناخت های اسلامی، با افزایش اضطراب رابطه دارد.

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۲۵.

۲- عباسـعلی باقری، «مقایسه میزان افسـردگی و اضـطراب دو گروه از دانش آموزان پسـر و دختر عضو فعال انجمن اسـلامی و سایر دانش آموزان در شهرستان علی آباد کتول».

زیارت؛ فرآیند الگوپذیری در تسهیل پیوست انسان به معنا

اصطلاح معنویت از ریشه معنا دریافت شده که مفهومی متافیزیکی در برابر حسی بیرونی است و اشاره به حقیقتی از وجودی ذهنی نیز در برابر حقیقت بیرونی آن دارد.

بر اساس این زبان شناسی ساده که از تعابیر اتیمولوژیکی اسلامی به معنویت اخذ شده است، می توان معنویت را به روح منتسب دانست که در برداشت سنتی نیز از آن به عنوان حقیقت درونی یاد می شود. این تعریف بر اساس تفاوت اصلی بین معنویت و روحانیت است و ریشه اصلیِ آن در اصل از این مسأله است که حقیقت چند لایه بوده و دارای دو جنبه بیرونی و درونی است، که جنبه دوم(بعد روحانی) دارای مراتب متعددی است، تا این که در نهایت به حقیقت واقعی دست می یابد. اما آنچه که در ورای این جسم فیزیکی است، لزوماً روحانی نبوده و می تواند نفسانی باشد.

افق معنویت و دسترسی به آن در عالم قدسی که ما به طور سنتی به آن معتقدیم، به این معنی نیست که آن به هیچ وجه با سنت ارتباط ندارد، بلکه آنچه که حقیقت و مبانی اصول ذات قدسی است، در یک شخص ویژه تجلی پیدا می کند و یک دنیای قدسی بر پایه این اصول صحیح و گسترده نهانی در خود جای می گیرد. معنویت نحوه ای از مواجهه با جهان هستی است که فراورده اش این است که حالت های نفسانی نامطلوبی مانند غم و اندوه، ناامیدی، دلهره و اضطراب، احساس سرگشتگی و سردرگمی، احساس بی معنایی و بی هدفی و ... تا آن جا که امکان پذیر است، در انسان پدید نمی آید و یا اگر پدید آمده، ناپدید خواهد شد. این نحوه مواجهه، موجب رضایت باطن می شود.

در روند تکاملی زندگی به تعبیر سورن کی یرکگارد، معنویت و معناخواهی جایگاه ویژه ای دارد. او برای انسان سه مرحله زندگی می شناسد که معتقد است افراد به جای اکتفا به شناخت آن، باید به انتخاب آن نیز همت گمارند:

۱. مرحله زیباشناختی که در این مرحله پی گیری های لذت جویانه اصل است، در

این مرحله، ملامت و ناامیدی همسفر تنهایی های انسان است، لذت جویی هر چه بیشتر باشد، نتیجه ای جز انهدام امید، زندگی و اخلاق در پی ندارد. پوچی، بی معنایی و یأس مرحله زیبایی شناختی، فرد را به پیشرفت به سوی مرحله اخلاقی سوق می دهد.

۲. مرحله اخلاقی که این مرحله یک مرحله تصمیم و تعهد راسخ است. در این عمل انتخاب است که خود واقعی و اصیل یافت می شود، زیرا به واسطه اراده و تعهد است که خود از قید فوریت زندگی زیباشناختی آزاد می شود.

تصمیم، بدون قید و شرط که بر اساس آن خود یک پارچگی و وحدتش را کشف می کند، مبتنی بر آگاهی است. انتخاب های اصیل همراه با باطن، شور، تنش و احساس ایجاد می شوند. شور درونی، معیار انتخاب حقیقی است، و آن راه را برای یک انتخاب باز می کند. باطن انتخاب مستلزم خودشناسی، خودالتزامی، نیل به اصالت و خود واقعی است. حکم سقراطی؛ یعنی «خود را بشناس» را باید به «خود را انتخاب کن» برگرداند. از طریق این تمایلات درونی در انتخاب خود، یک خود واقعی با کلیت یک پارچه، یافت می شود. شخصیت یک پارچه همبستگی وحدت اش را در خاطره و امید پیدا می کند، در حالی که ضمیر ناخوش از گذشته و آینده بیزار است. بیگانگی نسبت به گذشته حاکی از اختلال در حافظه است و بیگانگی نسبت به آینده منعکس کننده ناامیدی است. امید به آینده با از دست دادن حافظه، یعنی با ضمیر بیگانه از بین می رود. در حین تصمیم، تعهد و گرفتاری، خود، گذشته را با آینده یکی می کند. یک پارچگی خودش را به شکل یک کل یک پارچه بنیاد می نهد.

۳. مرحله دینی ممیز اصلی باطن زندگی دینی، ایمان و رنج است. مراحل روند زندگی به دست آمدن خود است؛ در نتیجه خود، بیشتر از این که ارائه دهنده طبیعت انسان باشد، یک محصول است. زیرا شخص قبل از این که خود را کسب کند باید وجود داشته باشد. احیای علایق دینی، قدرت خلاقه ای به فرد خواهد داد؛ مشروط بر

آن که این علایق دینی به حرکت جست وجو گری در پی بعد گم شده ژرفا و توسعه پیدا کند.

آگاهی از خود معیاری مهم است، زیرا آگاهی بیشتر از خود یعنی خواست و اراده بیشتر، و خواست و اراده بیشتر یعنی خود بیشتر. انسانی که اراده ندارد، خود نیز ندارد. نومیدی، بی ارادگی برای خود بودن است؛ انفصال از خیر، گناه است؛ نومیدی بیشتر از این که گناه باشد، به نوعی باعث انفصال از خیر می شود. به وسیله ایمان و آموزه های آن مانند دعا است که بر گناه و نومیدی می توان استیلا یافت، یعنی با ارتباط خود با نفس خودش و به وسیله تمایل به خود شدن که خود آشکارا ریشه در قدرتی دارد که مقوم آن است.

اگر انسان کاملًا به این مقوله ایمان داشته باشد که هیچ چیزی جز به اراده و مشیت خداوند رخ نمی دهد، می آموزد که آرامش و اطمینان داشته باشد و بتواند همه چیز را تحمل کند. انسان هر قدر که بر سنش افزوده می شود، بیشتر احساس می کند که زندگی این جهان یک حبس طولانی بیش نیست و امید و اشتیاق آزادی و رهایی و گام نهادن به افق های بالاتر را در دل خود می پرورد. چون به بالا بنگرد، درخواهد یافت که امور این جهانی تا چه اندازه کوچک و حقیرند. چون رو به سوی پروردگار جهان کند، همه سختی ها و مرارت ها آسان می شود.

دریافت معنای زندگی، یا همان هدف خود بنیاد شخص در زندگی، دو نظریه «پلکانی یا طولی» و «موزاییکی» عرضه شده است. چکیده نظریه پلکانی آن است که شخص در زندگی خود، اهدافی میانی(مطلوب های لغیره) داشته باشد که در نهایت همگی به یک هدف نهایی(یا یک مطلوب لذاته) منتهی می شوند. اما در نظریه موزاییکی، هر یک از افعال اختیاری انسان، سرنوشت خاص خود را دارند؛ بدین معنا که یا خود هدف نهایی(مطلوب لذاته) هستند، یا با یکی دو واسطه، به یک مطلوب لذاته می رسند، به گونه ای که دیگر یک مطلوب لذاته واحد که غایه القصوای همه

افعال اختیاری انسان باشد، در میان نیست.

در رهیافت توصیفی، نهایتاً به این نتیجه می رسیم که بر پایه تفسیر «معنای زندگی» به «هدف زندگی»، افراد می توانند در یک الگوی معین، مثلًا الگوی پلکانی یا موزاییکی، هدف یا اهداف نهایی خاصی را برای زندگی خود کشف یا جعل کنند و از این طریق، معنای زندگی فرد را بیابند یا بدان معنا بخشند.

ضرورت معنا در زندگی و زندگی معنادار با گسترش ارتباطات که تقوای پرهیز در برخی قلمروها را اساساً ناممکن ساخته است، دو چندان می گردد. در تقوای پرهیز، مرز، صورت «مکانی» دارد. اما در تقوای حضور شکل «مکانتی» می یابد، به این معنا که فرد خود را در مرتبت و مکانتی فراتر می بیند و به این طریق، از آلودگی شرایط مصون می ماند. در آیه شریفه «یا أَیُّها الَّذینَ آمَنُوا عَلَیْکُمْ أَنْفُسَکُمْ لا یَضُرُّکُمْ مَنْ ضَلَّ إِذا اهْتَدَیْتُمْ» (۱)

فضای بحث، حضور در متن جریان های فاسد و دشوار و نه قرنطینه و قرار گرفتن در محفظه ای نفوذناپذیر است.

از این رو، اسلام، از هر زمینه ای، از هر مناسبت و فرصتی، از هر زمان و زمینی، و از هر مقام و مکانی در این مسیر استفاده می کند و برای هر کس، در هر جا و هر زمان و هر شرایط، تکلیفی، برنامه ای دستورالعملی و ... قرار داده تا با پر کشیدن و بالا بردن و رشد دادن انسان و سوق دادن او به آنچه باید باشد، و بردن به جایی که باید برود، و رساندن به جایی که باید برسد و توجه دادن انسان به اصل والای «از اویی و به سوی اویی»، نوعی آگاهی درونی نسبت به مقام و شأن خویش ایجاد کند. بی شک چنین انسان معنوی با سایر انسان ها تفاوت خواهد داشت. وی در عین این که خود را برتر از دیگران نمی داند، اما خویشتن را شدیداً دوست دارد. این نوعی «خوددوستی معنوی» است. انسان های معنوی برای خودشان بی نهایت ارزش قائل هستند و به همین دلیل همیشه مراقب اند که به گونه ای زندگی نکنند که این «خود» گرانبهایی که

۱- سوره مائده، آیه ۱۰۵.

در اختیارشـان است، ذره ای ضـربه ببینـد. آنهـا به دلیـل همین خوددوستی سـعی دارنـد همیشه خود را ارتقـا دهنـد و به وضـع مطلوب تری برسانند.

و زیـارت، تکریم این گونه ارزش هـاست، و احیای قـداست منسوب به اولیای خداونـد با هـدف ارتقای معنوی است. وقتی در زیـارت، انسان ناقص، در برابر انسان کامل قرار می گیرد و به آن مـدل و الگو توجه می کنـد، انگیزه کمال یابی، او را به قرب معنوی به خدا می کشد و زیارت، مایه تقرب می گردد.

ابوسـعید ابوالخیر، از شـیخ الرئیس بوعلی سـینا، درباره تشـرف به زیارت، پرسشـی می کند. ایشان در پاسخ می گوید: «در این هنگام(هنگام تشـرف به زیارت) اذهان، صـفای زیادتری پیدا کرده، خاطره ها با تمرکز شدیدتری جلوه نموده و باعث نزدیکی به خداونـد می گردد». (۱) جلوه ای از فیوضـات را در خویش می یابـد و احساس «تصـعید وجودی» می کنـد، خود را به خـدا نزدیـک تر می یابـد، دلش شکسـته تر می شود، با فطرتِ خـدا آشـنای خود، صـمیمی تر و درگوشـی تر به نجوا می پردازد، و تصـمیم بر توبه ها و انابه ها، از رهگـذر همین توجه ها و تقرب ها پدیـد می آید. در مسائل اخلاقی و تربیتی، پیوند با نیکان و رابطه با صالحین و آشـنایی با خانواده های ریشه دار و صاحب کرامت و شرف، سازنده است، به همان شکل که گسیختگی از تبار پاکان و بریـدگی از ریشه های فرهنگی و اخلاقی، زمینه ساز فساد و گناه و بی مبالاتی و عـدم تعهـد است، زیارت، عاملی در جهت پیوند زدن با صالحان، یا تقویت رابطه معنوی با وارستگان است.

مرحوم صاحب جواهر از شهید، در کتاب دروس نقل می کند که ایشان فرموده است:

«از جمله آداب زیارت، این است که زایر پس از زیارت، بهتر از قبل از آن باشد». (۲) این تحول و انقلاب روحی و حال زایر، پیش و پس از زیـارت، نشـانه اثرپـذیری از جـذبه های معنوی است که در مزار یک امام و در کنار مرقـد یک پیشوای معصوم وجود دارد.

۱- اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۲، ص ۳۷.

۲- جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۲۰، ص ۱۰۲.

همین نکته، در برخی زیارتنامه ها هم مطرح است. به این فقره توجه کنید: «خدایا، مرا از کسانی قرار بده که از زیارت مرقد دوستان و اولیایت، منقلب می شوند و رستگار و پیروز بر می گردند و مستوجب بخشش گناهان و پوشاندن خطا می شوند». (۱) برای وجودهای گریزان از مرکزیت توحید و فطرت و پاکی، نیروهای جاذبه معنوی لازم است، تا این تعادل و حرکت در «خط سیر» و شناوری در «فلک فوز و فلاح» را هماهنگ و برقرار سازد.

به قول الکسیس کارل: «... در زندگی دانشمندان و قهرمانان و پاکان، یک ذخیره تمام نشدنی از انرژی معنوی وجود دارد، این مردان، چون کوه هایی در میان دشت، سر بالا کشیده اند و به ما نشان می دهند که تا کجا می توانیم بالا برویم و چقدر هدفی که طبیعتاً شعور انسانی به آن متمایل است، عالی است. فقط چنین مردانی می توانند برای زندگی درونی ما غذای معنوی مورد نیازش را تهیه کنند». (۲) «... از حقیقت هایی که در انعقاد شخصیت انسان و ساختن آن سخت مؤثر است، توجه انسان است به نمونه های والای فکر و اعتماد و اقدام و عظمت و حماسه و جهاد. اگر این نمونه های والا در میان زندگان باشند، چه بهتر، ولی انسان به گونه ای ویژه، به اشخاص تاریخی و گذشتگان اعتقاد دارد و کمالات و عظمت های آنان را- تا سر حد اساطیر- تقدیس می کند و بزرگ می دارد. بنابراین، بشر به طور فطری، از توجه به آثار باقیمانده، ابزار کار، محل سکونت و قبور بزرگان تاریخ و تأمل در احوالات آنان، چیزها می آموزد و به عظمت ها می رسد». (۳) مرحوم نراقی نیز در باب الگوپذیری از اسوه های مسلم معنا، جهت برقراری تعادل روحی در انسان می نویسد: «نفوس نیرومند قدسی، به خصوص انبیا و ائمه،

۱- «و اجعلنی ممن ینقلب من زیاره مشاهده احبائک مفلحا منجحا قد استوجب غفران الذنوب و سترالعیوب و کشف الکروب»(مفاتیح الجنان، زیارت حضرت ابوالفضل، پایین پا).

۲- راه و رسم زندگی، ص ۱۰۱.

۳- حماسه غدیر، ص ۳۰۲.

پس از آزادی از قفس تن و صعود به عالم تجرد، در نهایت احاطه و استیلا بر امور جهان اند. امور جهان نزد آنان آشکار است و قـدرت تأثیر گـذاری در مواد عـالم را دارنـد و هر کس که به زیارتشـان برود، از آن آگـاه و بر او شاهدنـد و اطلاع کامل از زایران مرقـدشان و از درخواست ها و توسل ها و تضـرع ها و شـفاعت طلبی هایشان دارنـد. پس نسـیم لطف این اولیا بر زایران می وزد و رشحاتی از فروغ آنان بر زایران می تابد و در رفع نیاز و برآورده شدن حاجت ها و رسیدن به مقصودشان و بخشش گناهانشان و رفع گرفتاری هایشان، در پیشـگاه خداونـد شـفاعت می کنند. این است رمز این همه تأکید در زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السـلام. علاوه بر این که در این زیارت ها، اجابت دعوت ائمه و پیوند با آنان و خشنود کردنشان و تجدید عهد با «ولایت» شان و احیای امرشان و بالا بردن و اعتلای سخنشان و نابودی و ذلت دشمنانشان نهفته است ... و همه اینها اجری بزرگ و پاداشـی فراوان دارد ...». (۱) معنویت در هر عصـری با خصایص آن دوره آفریده شده و متجلی گشته است. هر رهرویی برای ارتقا تا سطح آفرینشگر آن، همواره ناگزیر است بخشی از محتوا و روح معانی دوره های گذشته را از رهگـذر زیـارت افراد صـاحب آن محتوا بـازآفرینی کنـد و علاـوه بر آن، به دگرآفرینی ویژه عصـر خویش نیز بـپردازد و معنویت تنهـا بـا چنین آفرینشـی مـداومی است که امکـان تکامل خویش را فراهم می سازد. معنویت گذشـتگان آن گاه که از نگاه بگـذرد، ادراک و احساس مشـهود را می سازد و هنگامی که بخواهـد توسط شاهدان توصـیف گردد، به شـعر و شور می زنـد و چون به گوش شـنوندگان رسـد، در انـدیشه هـا به سـان افسـانه و اسـطوره نشسـته و در ایمان و اراده به صورت احکام، محرمات و فرامین بروز یافته و در مواجهه با سـنت و آداب و رسوم، به چهره شـریعت بیرون می آیـد ... و زیارت، از این مقوله است. یعنی اگر انسان برود و ببیند و خود را در فضاهای خاطره آمیز قرار دهد و در شعاع یک پرتو قرار بگیرد، چه

۱- جامع السعادات، ج ۳، ص ۳۹۸.

بسا که حرارت معنی، وجود یخ زده زایر را گرم کند و فروغ دیدار، خانه دل را روشن سازد و دیده اهل نظر، مس وجودش را کیمیا کند.

سوی دیگر قضیه آن است که «زیارت»، محبت و شناخت می آورد و از آن جهت، عامل سازنده و تربیت کننده است. گاهی موتور محرك انسان در دیدار و زیارت، شناخت و علاقه و انس قلبی است- که از آن یاد شد- و گاهی زیارت و دیدار، باعث محبت باطنی می گردد. چراکه از نزدیك، جمال معنی را می بیند و به مشاهده ارزش های متعالی می رسد و علاقه مند می شود. روشن است که اگر محبت آمد، به دنبالش، طاعت و عبادت و عبودیت و همرنگ شدن با محبوب و سنخیت یافتن با معشوق و حرکت در راستای خواسته او و عمل بر طبق رضای حق و ... همه و همه به دنبال می آید. محبتی کارساز است که از قلب به اندام سرایت کند و از درون، اعمال برون را کنترل و هدایت نماید. منتهی، صرف رفتن کافی نیست. «دیدن» هم لازم است. تا به شهود جمال حق نایل نشود، آتشگیره عشق، وجودش را مشتعل نمی سازد. اگر رفت و دید و به شهود رسید و زیبایی حقیقت و جمال فضیلت را دریافت، به طور طبیعی، «معرفت» هم می یابد.

به قول هاتف:

چشم دل باز کن، که جان بینی آنچه نادیدنی است، آن بینی

گر به اقلیم عشق روی آری همه آفاق، گلستان بینی

آنچه بینی، دلت همان خواهد آنچه خواهد دلت، همان بینی

بی سر و پا گدای آن جا را سر به ملك جهان، گران بینی

دل هر ذره را که بشکافی آفتابیش در میان بینی

با یکی عشق ورز، از دل و جان تا به عین الیقین عیان بینی

که یکی هست و هیچ نیست جز او وحده لا اله الا هو

به طور قطع نتیجه این معرفت آن خواهد شد که کسی که می داند از سرچشمه

غـایی(معنا) دور افتاده است، با همین دانایی نشان می دهـد که نه فقط جـدایی حاصل آمـده، بلکه وصل و وحـدت دوباره رخ خواهد داد.

جمع بندی و نتیجه گیری

از پیامدهای عصر جدید، تأکید بیش از حد بر «فردیت» انسان است؛ به گونه ای که به تدریج به پدیده «خود شیفتگی» آدمی منجر می شود. به اعتقـاد اریـک فروم «انسـان خودشـیفته» از مظـاهر عصـر جدیـد است؛ (۱) انسـانی کـه پیوسـته منتظر است تا دیگران محبـت و عشـق خـویش را نثـارش کننـد، ولی چنیـن وظیفه ای را برای خـود در قبـال دیگران قائـل نیست تـا محبت و عواطفش را نثار دیگران کند، نتیجه منطقی چنین وضـعیتی، گسـست عاطفی افراد از یکدیگر است؛ افرادی که انگیزه کم تری برای ارتباط با یکدیگر دارند مسـلماً در برآورده ساختن مطالبات خود نیز کم تر چشم امید به هم می دوزند. در نتیجه هر چند بازیابی هویت انسانی به معنا و مفهوم احساس پیوند با دیگران و پذیرش از سوی آنان، درک جایگاه و منزلت فرد در جامعه و درک انتظـارات متقابـل فرد و جامعه، پدیـده ای است که در آحاد انسانی چونان یک نیاز و ضـرورت خودنمایی می کنـد، اما خودشیفتگی مذکور و محدودیت های ناشی از آن، مانع پاسخگویی مناسب به آن است.

پیامـد چنین وضـعیتی، پیـدایش نوعی بحران معنـاست که هر چنـد آحـاد انسـانی از آن آگـاه انـد، امـا به دلیـل بی اعتمادی به یکـدیگر که عمدتاً از فقدان آموزه های مشترکی که در غالب یک نظم معنایی می تواند زمینه پیوند را فراهم آورد ناشـی می شود، قادر به حل آن نیسـتند. بدین ترتیب ضرورت یافتن راهکاری مناسب جهت برون رفت از حالت فقدان معنا، ذهن بشریت را به خود مشـغول داشته است. همین ضعف و ناتوانی ذاتی انسان در اداره امورش، می تواند مهم ترین عامل در راهیابی انسان به

۱- هنر عشق ورزیدن، ص ۱۴.

خالق خود باشد. ناگفته پیداست در صورتی پرورش حس خداجویی میسّر می شود که انسان دائماً نقصان و فقر وجودی خود، و غنـا و بی نیازی خداونـد را متـذکر شود و این مهم جز در سایه تـداوم ارتباط با قـدرت قاهره الهی(نیایش)، از طریق دیگری میسور نیست.

دعا و زیارت انسان را از انزوای درون بیرون آورده، به جمع پیوند می زند و آن در حقیقت، همدم شایسته ای است که تنهایی و غربت وحشتناک را به انس و الفت مبدّل می سازد؛ زیرا شخصی که در حال نیایش است، نه تنها خود را تنها نمی بیند، بلکه بـا چشم دل می یابـد که در آن حالات عرفانی، مجموعه کاینـات بـا او همنوا هسـتند؛ چه آن که به فرمایش قرآن کریم: «هر موجودی تسبیح و حمد خدا می گوید، ولی شما تسبیح آنها را نمی فهمید». (۱) به قول مولوی:

گر تو را از غیب چشمی باز شد با تو ذرّات جهان همراز شد

نطق آب و نطق خاک و نطق گِل هست محسوس حواس اهلِ دل

جمله ذرات عالم در نهان با تو گویانند روزان و شبان

ما سمیعیم و بصیر و با هُشیم با شما نامحرمان ما خامُشیم

در دعـا و نیـایش است که انسـان خود را آن گونه که هست، می بینـد، به نقص و عیب خویش آگـاه می گردد و مانع این می شود که در او «خودپنـداری» جـایگزین «خود حقیقی» شود و هرگز این دو را بـا یکـدیگر خلـط نکرده، پیوسـته از هم تمیز می دهد.

این که آدمی بپـذیرد که دارای نقص است، خود یک بینش آگاهانه است و این که شوق طلب برای وصول به تکامل و کامل شدن که تلاش برای شـناخت بیشتر و بهتر انسان ها را در پی دارد، بینشـی آگاهانه تر می طلبد. دستیابی به چنین بینشی به طور قطع در سـایه سـار ارتبـاط بـا انسان های کاملی فراهم می آیـد که در پیمودن مسـیر کمال، می تواننـد الهام بخش سالکان این طریق باشند. برقراری این ارتباط که مقدمه نیل به

۱- سوره اسراء، آیه ۴۴.

معرفت و شناخت حقیقی است، با رو در رو شدن و گفت وگو محقق می شود. پیوند میان دیدن و دانستن، از احساس نیاز در درون و ژرفای آدمی برای رسیدن به نوعی تکامل و پیشرفت، انسان را به پیشگاه وارستگان طریق عبودیت که ترجمان معنای انسانیت است، می کشاند.

صدر المتألهین شیرازی می گوید: هر وجودی که ناقص باشد، همواره شایق است که کامل تر گردد و چون همه هستی ناقصند همه شایقند که کامل شوند و شدت و قلت شوق بستگی به شدت و ضعف وجود دارد. (۱) «زیارت»، از این مقوله است، پیوند ژرف ناقص با کامل، محبت و علاقه مفرط به رهایی از نقص و پیوست به معناست. از این رو آنچه زایر را به پیمودن راه ها و طی مسافت ها و تحمل رنج سفر و بیم بادیه و استقبال از خوف و خطر وا می دارد، کشش درونی و علاقه قلبی اوست. و اگر عشق آمد، خستگی رخت بر می بندد و اگر محبت در کار بود، ملال متواری می شود. شوق، انسان راکد را حرکت می بخشد و ساکن را مهاجر می کند و عافیت طلب را بادیه پیما می سازد:

آنچه در راه طلب خسته نگردد هرگز پای پر آبله و بادیه پیمای من است

برای عاشق شایق، نه تنها خود محبوب، جالب و جاذب است، بلکه هر چیزی هم که به گونه ای رنگ تعلق و رایحه انتساب به او را داشته باشد، مطلوب و جاذبه دار است و دلداده را به سوی خود می کشد.

در زیارت چنین است. چگونه می شود که عاشق خدا و دوستدار پیامبر و اهل بیت، و محب صالحین و صدیقین و شهدا و اولیا اللّه، شوق دیدار خانه خدا و بیت اللّه و مزار و مرقد و خانه و شهر و دیار معشوق را نداشته باشد و شیفته دیدار کعبه و مدینه و مزار ائمه و قبور صالحین و شهرهای خاطره آمیز و شوق انگیزی که ریشه در فرهنگ دینی ما دارد نباشد؟!

۱- دین، گفتگوی تمدن ها و ... به نقل از تفسیر آیه نور، ملاصدرا، ص ۱۱۲، در مجموعه مقالات انسان معاصر، دین و کارکردهای آن، ص ۳۳۰.

از این روست که «زیارت»، در ارزش و پاداش، همپای بسیاری از عبادات، بلکه برتر از حتی جهاد و شهادت به حساب آمده است؛ چه آن که در پیوست به معنا، پوینده طریق زندگی ارزش و معنای حیات را درک می کند و از فرصت ایجاد شده در جهت کمال خویش سود می برد.

دعا و زیارت علاوه بر کارکرد معنابخشی به حیات انسان، باعث اطمینان قلب و قدرت روحی نیز می شود؛ زیرا انسان در نهایت، به ویژه در وقت اضطراب، غالباً با حضور قلب و خلوص نیت رو به سوی خدای می آورد و با او درد دل می کند، عقده های خویش را بیرون می ریزد و اسرار خود را، که در نهان گاهش محافظت می شد، به زبان می آورد و تنها از او راه چاره و گریزگاه طلب می نماید و با آه و ناله تقاضای کمک می کند و این خود طمأنینه و آرامش کاملی در پی خواهد داشت.

به دیگر سخن، وقتی نیایشگر از بن جان و ژرفای دل، دست به دعا در اماکنی که آکنده از عطر معنویت است، بر می دارد، نوعی شادابی و بهجت و انبساط معنوی در درون خود احساس می کند که حاضر نیست به هیچ بهایی آن را از دست بدهد. دعا و زیارت در انسان حالت روشن دلی و روشن بینی و آرامش ایجاد می کند و در حکم چراغی می گردد که در درونش روشن شده باشد، بر خلاف افرادی که با دعا و یاد خدا رابطه ندارند و همیشه خانه دلشان تاریک و ظلمانی است و از درک و بینش و روشنایی بی نصیبند و از دعا و زیارت به عنوان نیروی بهجت زا، انبساطآفرین و لذت بخش محرومند.

فهرست منابع

۱. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، رضا پاک نژاد، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۴۶.

۲. جامع السعادات، مهدی بن ابی ذر نراقی، نجف، مطبعه النجف، ۱۳۸۳ ق.

۳. جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، جعفربن حسن محقق حلی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، بی تا.

۴. حماسه غدیر، محمدرضا حکیمی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۴.

۵. دین، گفتگو تمدن ها و ... به نقل از تفسیر آیه نور، ملاصدرا، در مجموعه مقالات انسان معاصر، دین و کارکردهای آن، مریم السادات سنگی، انتشارات دانشگاه مازندران، ۱۳۸۵.

۶. راه و رسم زندگی، آلکسیس کارل، ترجمه پرویز دبیری، اصفهان، تأیید، ۱۳۴۴.

۷. روان شناسی یکتاپرستی، مهدی پروا، تهران، انتشار، ۱۳۸۰.

۸. غرر الحکم و درر الکلم، سخنان امام علی علیه السلام، گردآوری تمیمی آمدی.

۹. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی.

۱۰. مقایسه میزان افسردگی و اضطراب دو گروه از دانش آموزان پسر و دختر عضو فعال انجمن اسلامی و سایر دانش آموزان در شهرستان علی آباد کتول، عباسعلی باقری، رساله کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت معلم، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، ۱۳۷۳.

۱۱. میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دار الحدیث، ۱۳۸۳.

۱۲. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمدحسین طباطبایی، ترجمه محمدتقی مصباح یزدی، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی با همکاری رجا، چاپ چهارم، ۱۳۶۷.

۱۳. نهج البلاغه، سخنان حضرت امیر المؤمنین علیه السلام، گردآوری سید رضی.

۱۴. نیایش، آلکسیس کارل، ترجمه علی شریعتی، تهران، الهام، ۱۳۷۷.

ص: ۸۱۴

۱۵. همه مردم برادرند، مهاتما گاندی، ترجمه محمود تفضّلی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶.

۱۶. هنر عشق ورزیدن، اریک فروم، ترجمه پوری سلطانی، تهران، مروارید، ۱۳۶۶ ..

۱۷. Koenig, H. G.(۱۹۹۴), The Relationship between Judeo C h ristianRelig ionand.

۷. نقش زیارت در تحول رفتار و شخصیت

غلامرضا صالحی

چکیده

زیارت و تشرّف به اماکن مقدس به ویژه زیارت قبور مطهر حضرات اهل بیت عصمت علیهم السلام از اموری است که در منابع اسلامی بدان بسیار سفارش شده است و آن به خاطر اثرات عمیق و اساسی و معنوی خاصی است که در روح و روان انسان ایجاد می کند و رفتار و شخصیت او را تحت شعاع قرار می دهد و ایمان و معنویت را در قلب او استوار می سازد. این نوشتار بر آن است تا به اثرات و ثمرات زیارت اماکن مقدس و قبور معصومین علیهم السلام و نقش روحی و روانی زیارت چنین جایگاه های معنویت و انسانیت، در شخصیت انسان و متحول نمودن آن بپردازد. اهمیت تحول در رفتار، ارتباط رفتار و شخصیت، معیارهای شخصیت بهنجار، عوامل مؤثر در شخصیت، زیارت و امنیت روانی، زیارت و ارتباط خوب، زیارت و امیدواری در زندگی، زیارت و داشتن الگوی راستین و کامل، زیارت و عزت دنیوی و اخروی، از بحث های اصلی این مقاله می باشد که به تبیین آنها پرداخته شده است.

کلیدواژه ها: زیارت، رفتار، شخصیت، شخصیت ایده آل، تعامل، امیدواری، الگوپذیری، عزت طلبی.

مقدّمه

همه مکاتب تربیتی در طول تاریخ می کوشیدند تا در رفتار و کردار انسان تغییر و تحول ایجاد نمایند و او را بر طبق اهداف و اصول تربیتی خود تربیت نمایند. در مکتب تربیتی اسلام نیز هدف اصلی آن است که انسان را از منجلاب رفتارهای

غیر اخلاقی و آداب غلط غیر الهی نجات بخشد و او را به سوی کمال و سعادت حقیقی سوق دهد و رفتار و شخصیت الهی و اسلامی را در وجودش استوار گرداند.

خداوند متعال در معرفی وجود مقدس و نورانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، آن حضرت را عامل اساسی جدا سازی بشریت از رفتارها و کنش های نامطلوب که مانند زنجیرهای آتشین آنها را فرا گرفته است، دانسته و در این باره چنین می فرماید: «وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبٰتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبٰئِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلٰلَ الَّتِى كَانَتْ عَلَيْهِمْ»؛ (۱)

و او کسی است که طیبات و خوبی ها را برای آنان حلال و چیزهای پلید را برایشان حرام می سازد و سختی و زنجیرهای(آداب و رسوم غلط) را که در برابرشان بود، مرتفع سازد.

این همان چیزی است که ما از آن به تغییر رفتار یاد می کنیم و همه انبیا و اوصیای الهی در صدد تحقق آن بودند. برای تغییر رفتار و شخصیت انسان، با توجه به جنبه تأثیرپذیری انسان، عوامل زیادی دخالت دارند. یکی از مهم ترین آنها که در منابع دینی ما از آن یاد شده است، زیارت اماکن مقدس و قبور مطهر معصومین علیهم السلام می باشد که به نوبه خود اثرات شگرفی در شخصیت و منش انسان های با ایمان ایجاد می کند.

اگر ما اماکن مقدس و قبور معصومین علیهم السلام را محل نزول رحمت های الهی و جایگاه نور و معنویت و برکات قدسی بدانیم و در این مکان هاست که توفیقات الهی شامل حال بندگان خداوند متعال می شود، پس باید این چنین گفت که بهترین جایگاهی که مردم می توانند در رفتارهای خود تجدید نظر نمایند و با الگوپذیری از انسان های کامل و معصوم یک شخصیت الهی و مورد نظر اسلام و قرآن برای خود ایجاد کنند، همین اماکن نورانی و وحیانی می باشد.

قبل از هر چیز شایسته است تا به اهمیت و جایگاه این بحث پرداخته شود.

اهمیت و ضرورت بحث

بدون شک انسان موجودی ضعیف می باشد و نمی تواند بدون یاری از نیروهای متافیزیکی و غیر مادی خود را به کمال و سعادت، که همان قرب الهی است، برساند.

۱- سوره اعراف، آیه ۱۵۷.

در این راه ناگزیر است که خود را ملزم به استمداد از این نیروهای الهی نماید.

تصور بعضـی از مردم این است که زیـارت امـاکن مقـدس به ویژه قبور معصومین علیهم السـلام، یک امری جزئی و فقط برای رسیدن به آرزوهای و آرمان های دنیوی و مانند آن می باشد و در نتیجه از برکات و فواید اصلی و حیاتی آن غافل می باشند. این در حـالی است که زیارت این مکان های شـریف، مخصوصاً زیارت معصومین علیهم السـلام که حیات و مماتی برای آنان به معنای واقعی وجود نـدارد، می تواند بهترین رفتار و شخصـیت الهی و ایده آل را برای انسان به ارمغان آورد، تا در وهله اول بتوانـد یـک زنـدگی و اخلاـق و رفتار نرمالی با مردم داشـته باشـد و ثانیاً بتوانـد به سـعادت و کمال نهایی که همان قرب الهی است، دست یابد.

در عالم کسـی را نمی توان یافت که از اخلاق و شخصـیت متعادل- که ما از آن به رفتار الهی تعبیر می کنیم- لـذت نبرد و هر کسـی به نوبه خود مخصوصـاً اهـل ایمان دوست دارد که بالأخره رفتار و کردار خود را تصـحیح نمایـد و خود را به مرز انسان کامل، نزدیک کنـد. پرواضـح است که با توجه به منابع دینی ما مسـلمانان، انس و ارتباط دایم با اماکن مقـدس و زیارت قبور معصومین علیهم السـلام و وابسـتگان به آنها، از عوامل مهمی می باشد که می تواند ما را در دستیابی به یک شخصـیت الهی و اسلامی و مـورد قبول و رضـایت معصومین علیهم السـلام یـاری رسانـد و آنچه را که لاـزمه یـک زنـدگی مطلوب بـا رفتـاری خداپسندانه می باشد، به انسان عطا نماید. پس به طور خلاصه می توان اهمیت این مبحث را در این موارد ارائه نمود:

۱. ضـعف و نـاتوانی انسـان، مهـم تریـن عـاملی است که می توانـد داعی انسـان قرار گیرد تـا برای تصـحیح شخصـیت خـود و الگوپذیری از انسان های کامل و معصوم به زیارت آنها و اماکن مقدس مشرّف شود.

۲. زیارت اماکن مقدس و قبور معصومین علیهم السـلام، علاوه بر ثواب های فراوانی که برایش وارد شده است، یکی از وسیله های مهم برای رسیدن به اخلاق و رفتار

مطلوب و در نتیجه سعادت دنیوی و اخروی می باشد و این امری است که در اکثر موارد مورد غفلت واقع شده است.

۳. اخلاق و رفتار ایده آل، همان رفتاری است که مورد قبول منطق قرآن و اهل بیت علیهم السلام می باشد و رمز رسیدن به چنین شخصیت الهی در گرو انس و ارتباط با اماکن مذهبی و وحیانی می باشد و با استمداد از این ذوات مقدس علیهم السلام است که می توان قلّه های ایمان و اخلاق و رفتار و شخصیت واقعی قرآنی و اسلامی را فتح کرد و از چنگال شوم مکاتب مادی و بشری و مانند آن رهایی یافت.

تعاریف کاربردی

زیارت: واژه زیارت از ماده «زار» به معنای دیدن و ملاقات کردن و مانند آن به کار رفته است و گاهی به معنای حج و مسافرت نیز آمده است. در اصطلاح زیارت را می توان این گونه تعریف کرد: «زیارت عبارت است از رفتن به مشاهد متبرک و بقعه های معصومین علیهم السلام به عنوان تشرف باطنی برای کسب فیض از قبور منور آن ذوات مقدس». (۱) رفتار: «رفتار در لغت به معانی سلوک، معامله، خوش رفتاری، حسن سلوک، عمل کردن، حرکت کردن و مانند آن است». (۲) و در اصطلاح عبارت است از: «عملی که از فرد سر می زند و یا سخنی که به زبان می آورد». بر اساس علم روان شناسی، رفتار را این گونه تعریف می کنند: «هر فعالیتی که ارگانیسم(جاندار) انجام می دهد و به وسیله ارگانیسمی دیگر یا یک ابزار اندازه گیری، قابل مشاهده یا اندازگیری است». (۳) شخصیت: شخصیت در لغت به معنای شرافت، رفعت، بزرگواری، مرتبه، درجه، منش و غیره استعمال شده است. (۴) برای شخصیت تعریف های زیادی بیان کرده اند که به دو تعریف اصلی اشاره می گردد:

۱. شخصیت عبارت است از «سازمان پویای درون فرد که مشتمل است بر آن

۱- ر. ک: لغت نامه دهخدا، ج ۱۷، ص ۸۹.

۲- همان، ج ۲۶، ص ۵۳۴.

۳- تغییر رفتار، ص ۴۱.

۴- لغت نامه دهخدا، ج ۳۰، ص ۲۷۹.

دسته از سیستم های روان تنی که رفتارها و افکار انسان را مشخص می سازد».

۲. شخصیت به «الگوهای رفتار اطلاق می شود که سازگاری هر فرد را در مقابل محیط زندگی مشخص می کند». (۱) ارتباط رفتار و شخصیت

اگر بخواهیم شخصیت هر انسانی را موشکافی و تحلیل نماییم و به ابعاد مختلف آن پی ببریم، بدون شک ناگزیریم که رفتار و کنش های او را بررسی نماییم. در این جاست که در می یابیم که شخصیت انسان(با توجه به تعاریفی که از شخصیت ارائه شد) چیزی جز رفتارهای او که به صورت ظاهر، نمایان می شود، نمی باشد. پس اگر در این مقاله صحبت از شخصیت و تحول در آن به میان می آید، همان رفتارهای ایده آلی می باشد که مورد قبول موازین عقلی و شرعی است. در نتیجه شخصیت و رفتار، دو مقوله ای می باشند که با هم ارتباط تنگاتنگی دارند و دو چیز جدای از یکدیگر نیستند.

معیار رفتار و شخصیت بهنجار

تغییر و تحول در شخصیت و رفتار آدمی، یکی از مقوله های مهمی است که در تمامی مکاتب تربیتی مطرح می باشد و هر مکتبی می کوشد که طبق اعتقادات و باورها و ارزش های جامعه خود، در شخصیت و رفتار انسان ها تحول ایجاد کند. ولی با توجه به جهان بینی اسلامی و قرآنی، شخصیت بهنجار مکتب اسلام با سایر مکاتب جهان مانند لیبرالیسم، اومانیسم و ... تفاوت های ماهوی دارد. در چنین مکاتبی، یک شخصیت و رفتار بهنجار را در پرداختن به امور مادی و این جهانی و بهره وری بیشتر از لذات آن، خلاصه می کنند و شخصیت آدمی را به مرز حیوانیت نزدیک می نماید، اما در مکتب انسان ساز اسلام، یک شخصیت بهنجار دارای خصوصیات الهی-

---

۱- روان شناسی شخصیت از دیدگاه اسلامی، ص ۱۰.

انسانیِ منحصر به فردی می باشد که می توان آنها را این گونه بیان نمود:

۱. عقل گرایی در رفتار و شخصیت

یکی از نعمت هایی که خداوند متعال در وجود انسان قرار داده است تا به واسطه آن به سعادت دنیوی و اخروی برسد و از دایره حیوانات خارج شود، نعمت عقل و فهم و شعور می باشد. هرگاه در اسلام سخن از شخصت و رفتار ایده آل به میان می آید، منظور همان شخصیتی است که مطابق با عقل و تحت فرمان آن می باشد. چنین شخصیتی است که می تواند فرق میان امورات مطلوب و نامطلوب را تشخیص دهد و بهترین گزینه را برای سعادت خود انتخاب کند. قرآن کریم در تمجید کسانی که از نیروی عقل خود استفاده می کنند، چنین می فرماید: «فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِینَ یَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَیَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ و أُوْلِئک الَّذِینَ هَدَهُمُ اللَّهُ وَ أُوْلِئکَ هُمْ أُوْلُوا الْأَلْبِ»؛ (۱)

ای پیامبر، بندگان مرا بشارت بده، همان ها که اقوال مختلف را می شنوند و بهترین را بر می گزینند و پیروی می کنند؛ آنها کسانی هستند که خداوند هدایت شان کرده و صاحبان عقل و شعور می باشند.

۲. فطرت جویی در رفتار و شخصیت

انسان موجودی دو بعدی است. علاوه بر جسم و تنِ مادی و فیزیکی، دارای یک روح الهی می باشد. در تربیت انسان می بایست به هر دو بعد انسان توجه کامل داشت. ولی با چنین توصیفاتی باید گفت که اصل وجود آدمی در روح او مخصوصاً فطرت الهی و توحیدی او خلاصه می گردد و جسم و تن انسان به عنوان یک ابزار در خدمت روح و روان وی قرار دارد. اگر ما دم از انسانیت و شخصیت اومانیستی بزنیم، ولی فطریات الهی انسان را فراموش کنیم، سخت به بیراهه رفته ایم. (۲) یک شخصیت سالم و رفتار ایده آل، دقیقاً از فطریات درونی خود که چیزی جز خداپرستی و میل به کمالات

۱- سوره زمر، آیات ۱۷ و ۱۸.

۲- ر. ک: بهداشت روان در اسلام، ص ۳۶.

انسانی نیست تبعیت می کنـد. این فطریات را خداوند به طور جاودانه در وجود انسان قرار داده است و غیر قابل تغییر می باشد. سعادت آدمی و رسیدن او به یک شخصیت و رفتار ایده آل، در گرو پیوند با این امور ذاتی می باشد. قرآن کریم در این باره می فرماید: «فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِی فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْهَا لَاتَبْدِیلَ لِخَلْقِ اللَّهِ»؛ (۱)

آن فطرت و سرشتی که خداوند مردم را بر اساس آن خلق کرد و خلقت خدایی تغییرناپذیر است.

۳. هدف گرایی در رفتار و شخصیت

از دیگر خصوصـیات شخصـیت و رفتار بهنجار از دیدگاه اسـلام این است که بر طبق هدف خلقت باشد و مسیر اصلی سعادت خود را در یابـد. اسـلام بر خلاـف مکـاتب انسـانی و مـادی که هـدفی جز نیـل به تنعمـات این جهان و رسـیدن به شـهوات آن ندارند، برای انسان هدفی مافوق این اغراض ترسیم کرده است.

بدون تردید خداوند متعال ما را برای عبادت و بندگی خود و انجام کارهای شایسـته خلق کرده است، چنان که قرآن کریم در این باره چنین می فرماید: «وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنسَ إِلَّا لِیَعْبُدُونِ»؛ (۲)

و جن و انس را فقط برای عبادتم خلق کردم. در نتیجه یک رفتار و شخصـیت ایـده آل الهی آن است که هدف زندگی را گم نکرده باشد و فریفته زرق و برق این جهان نگردد و با انجام کارهای شایسته و خداپسندانه، خود را به سعادت دنیوی و اخروی رساند.

عوامل تحول زا در رفتار و شخصیت

با توجه به این که انسان از یک سو تأثیرگـذار است و از سوی دیگر تأثیرپـذیر از عوامل پیرامون خود می باشـد، عوامل زیادی وجود دارد که می توانـد رفتـار و شخصـیت او را متحول سازد و به سوی کمال یا هلاکت سوق دهـد. مهم ترین این عوامل را می توان در این موارد خلاصه نمود: خانواده، تعلیم و تربیت و محیط.

۱- سوره روم، آیه ۳۰.

۲- سوره ذاریات، آیه ۵۶.

از عوامل مهمی که نقش کلیدی را در تحول رفتار و شخصیت انسان ایفا می کند، عوامل محیطی می باشد. پرواضح است که انسان به طور دائم با محیط اطراف خود، همچون دوستان، فضای رفت و آمد، مکان های مختلف در تماس می باشد و هر انسانی به نوبه خود از چنین عواملی تأثیر می گیرد. عوامل محیطی به قدری در تحول رفتار و شخصیت انسان مؤثر است که خداوند متعال از ما می خواهد که از محیطهای آلوده و غیر سالم دوری کنیم و همیشه با افراد و محیطهای سالم و الهی معاشرت نماییم وگرنه ما هم تحت تأثیر آن قرار می گیریم.

زیارت و شخصیت

یکی از عوامل محیطی قوی و مؤثری که می تواند شخصیت و رفتار انسان را متحول سازد و آن را به نحو شایسته و عمیقی به سوی یک رفتار و شخصیت بهنجار و مطابق با معیارهای دینی و عقلی سوق دهد، زیارت مکان های مقدس و حرم های مطهر معصومین علیهم السلام مخصوصاً حضرات اهل بیت علیهم السلام و وابستگان به آنها می باشد. اگر در منابع دینی ما بسیار سفارش شده است که همیشه خود را با محیطهای معنوی و دینی مأنوس کنیم و ارتباط دائمی با چنین جاهایی داشته باشیم، به خاطر تأثیراتی است که در روح و روان آدمی ایجاد می شود. بدون شک بالاترین و کامل ترین مصداق چنین محیطهای معنوی و الهی، قبور نورانی معصومین علیهم السلام و نیز مکان های مقدس مانند خانه خدا و غیر آن می باشد. در چنین فضاهایی احساس می کند که تمام وجودش مملو از نور و صفا و معنویت شده است و میل به رفتارهای شایسته پیدا می نماید. در این جاست که شخصیت الهی و ایده آل او شکل می گیرد و به واسطه جذابیت چنین اماکن الهی، در رفتارهای ناپسند خود تجدیدنظر می نماید.

قرآن کریم در توصیف این مکان های معنوی و نورانی، مخصوصاً حرم های مطهر اهل بیت علیهم السلام، آنها را به مکان های ذکر و یاد خدا تشبیه می کند که در آن انسان ها به بندگی و عبادت او می پردازند و چیزی جز معنویت از آن احساس نمی شود. قرآن

کریم در این باره می فرماید: «فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَن تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ و یُسَبِّحُ لَهُ و فِیهَا بِالْغُدُوّ وَ الْآصَالِ ...»؛ (۱) در خانه هایی که خداونـد اجازه داده است که مقام و منزلت پیـدا کنـد و ذکر خداوند در آن گفته شود و در صبحگاهان و شامگاهان تسبیح و تقدیس او در آن خانه ها شود. سِرّ همه سفارشاتی که درباره زیارت اماکن قدسی و معنوی شده است، این است که انسان از فیوضات مادی و معنوی آنها بهره مند گردد و زنـدگانی دنیوی و اخروی خود را به واسطه آن درخشان و پر ثمر گرداند.

ما در ادامه مبحث به تأثیرات معنوی و روحی زیارت در روان انسان، که اصلی ترین ثمره زیارت است، می پردازیم.

تأثیرات زیارت در رفتار و شخصیت

زیارت و تشرف به اماکن مقـدس و انس با چنین مکان های نورانی و معنوی، می توان تحولات و تغییرات مثبتی را در روح و روان و شخصیت آدمی بگذارد که مهم ترین این تأثیرات از این قرارند:

۱. زیارت و امنیت روانی

یکی از تأثیرات روانی مهمی که زیارت اماکن مقـدس در روح و روان آدمی ایجاد می کنـد و می توانـد از او یک شخصیت ایده آل با رفتارهای شایسته بسازد، مسأله آرامش و آسایش قلبی و روانی زایر می باشد. بدون تردید یکی از نیازهای اساسی انسان که حتی امکانات مادی هم در سایه آن معنا پیـدا می کند و بدون آن زندگی چیزی جز تحمل رنج و بدبختی و ناراحتی نمی باشد، آرامش روحی و روانی است. یکی از انگیزه هـایی که روان شـناسان و روان کـاوان دربـاره آن بحث می کننـد و موجب می شود که انسان از نـاراحتی و اضـطراب رهـایی یابـد، اثبـات وجود و یا انگیزه امنیت طلبی است. (۲) یعنی انسان به خودش بقبولاند و تلقین کند که یک نیرویی والا وجود دارد که

۱- سوره نور، آیه ۳۶.

۲- ر. ک: بهداشت روان در اسلام، ص ۱۷۰.

می تواند او را نجات دهد و در این صورت است که به آرامش روانی دست می یابد.

انسان با زیارت اماکن مقدس به ویژه حرم مطهر معصومین علیهم السلام، در می یابد که خود را متصل به یک نیروی متافیزیکی و الهی نموده است و اگر مشکلات او از راه عادی و طبیعی حل نشود، به واسطه تمسک به چنین فضاهای معنوی و توسل به آن ذوات مقدس، می تواند مشکلات پیش روی خود را مرتفع سازد. در این جاست که دغدغه و اضطراب جای خود را به آرامش و اطمینان عمیق روانی می دهد و شخص زایر به بهترین حالت روحی و روانی می رسد و این چیزی است که بارها در زندگی انسان های مؤمن تجربه شده است.

قرآن کریم یکی از ویژگی های اهل ایمان را اطمینان و آرامش قلبی و روانی می داند و در این باره چنین می فرماید: «الَّذِینَ ءَامَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُم بِذِکْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِکْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»؛ (۱)

کسانی که ایمان آورده و قلوبشان به یاد خداوند آرامش دارد همانا دل ها با یاد خدا آرامش می یابد. بدیهی است که این اهل ایمان هستند که با زیارت اماکن الهی و قبور مطهر معصومین علیهم السلام، یاد خدا را به واسطه این عرصه های معنویت در دل خود نهادینه می کنند و با توسل و التجا از ذوات مقدس معصومین علیهم السلام، سعادت دنیوی و اخروی خود را به دست آورده و به آرامش روانی می رسند.

۲. زیارت و روابط خوب انسانی

یکی از تأثیرات دیگری که زیارت اماکن مقدس می تواند در رفتار و شخصیت انسان ایجاد کند، تعامل شایسته شخص زایر با افراد جامعه و احترام به حقوق دیگران می باشد. از جمله خصوصیات یک انسان ایده آل از نظر اسلام این است که درباره حقوق دیگران بسیار حساس می باشد و همیشه سعی می کند که با تمام وجود با خلق خدا خوش رفتار باشد و نیز خواسته ها و نیازهای نیازمندان را بر طرف نماید. قرآن

۱- سوره رعد، آیه ۲۸.

کریم یکی از خصوصیات اساسی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را، مهربانی و رأفت آن حضرت با مردم می داند ودر این باره می فرماید: «لَقَدْ جَآءَکُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِکُمْ عَزِیزٌ عَلَیْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِیصٌ عَلَیْکُم بِالْمُؤْمِنِینَ رَءُوفٌ رَّحِیمٌ»؛ (۱)

و همانا رسولی از خودتان به سوی شما آمده است؛ برایش سخت است که شما در رنج و سختی باشید و بر هدایت شما حریص است و به شما مهربان و صمیمی است.

وقتی انسان وارد اماکن زیارتی، مخصوصاً حرم مطهر اهل بیت علیهم السلام می شود، خود را وارد دریای پاکی و صداقت و فضای معنوی می نماید و با توسل از آن ذوات مقدس می خواهد که اخلاق و رفتاری الهی و توحیدی پیدا کند و مانند رفتار و شخصیت معصومین علیهم السلام، بهترین تعامل را با خلق خدا داشته باشد. انسان زایر و کسی که با اولیای الهی حشر و نشر دارد، همیشه می کوشد که رفتار خود را با مردم اصلاح کند و ذره ای از حقوق آنان را زیر پا نگذارد.

اگر در آداب زیارت، موظف هستیم که حتی صدای خود را در موقع دعا کردن بلند نکنیم و یا در برآوردن حوایج دیگران بکوشیم، همه به این خاطر است که نیکی با دیگران و رعایت سایر حقوق دیگران به صورت ملکه و عادت در رفتار و شخصیت ما در آید و با دیگران طوری معاشرت کنیم که از رفتار و کردار ما نهایت رضایت را داشته باشند و اینها نعمت هایی است که انسان می تواند به واسطه زیارت به دست آورد.

۳. زیارت و امیدواری در زندگی

یکی از دیگر اثراتی که زیارت اماکن مقدس در رفتار و شخصیت انسان ایجاد می کند، این است که انسان را به زندگی آینده و داشتن آینده ای زیبا و سعادت مند امیدوار می سازد و او را از یأس و نومیدی و بدبینی رها می سازد، که این یکی از نیازهای

۱- سوره توبه، آیه ۱۲۸.

روانی انسان می باشـد. بـدون شک انسان با امیـد و آرزو زنـده است و اگر امیـدواری به آینـده را از انسان بگیرند، زندگی او متلاشی می گردد و هرگونه تلاش و فعالیت را از او سلب می کند. انسان های امیدوار دارای شخصیت های بزرگی هستند که گرمی و نشاط از چهره آنان نمایان است و به قول روان شـناسان «امیـد به آینـده مشـکلات زنـدگی را در کامشان گوارا کرده است و کوچـک ترین خللی در عزم و اراده آنهـا وارد نمی سـازد و به دشواری ها لبخنـد می زننـد و با قیافه ای باز به اسـتقبال مشـکلات می رونـد و به جای یأس و نا امیدی روح فعالیت و پشـتکار را در خود ایجاد می کنند». (۱) خداوند متعال از ما می خواهـد که هیـچ گـاه نـا امیـدی را به خود راه نـدهیم و از رحمت الهی غفلت نکنیم، و حتی یأس از رحمت الهی را از بزرگ ترین گناهان می شمارد، چنان که قرآن کریم در این باره می فرماید: «لَاتَیْأَسُوا مِن رَّوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ و لَایَیْأَسُ مِن رَّوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْکفِرُونَ»؛ (۲)

هیچ گاه از رحمت خداوند نا امید نشوید، زیرا کسانی که از رحمت خداوند غافل می شوند از گروه کافران می باشند.

انسـانی که خود را متصـل به پایگـاه مقـدس می کنـد و خویشـتن را در زمره معصومین علیهم السـلام می دانـد، این احساس و هویت در رفتـار و شخصـیت او حاصـل می شود که تنهـا و بی یـار نمی باشـد و می توانـد بـا عنایـات چنین انسـان های الهی و توحیدی، زندگی دنیا و آخرت خود را آباد سازد. انسان زایر اگر هم از سر غفلت دچار معصیت و لغزشی شده باشد، هیچ گاه نـا امیــد از غفران الهی نمی شـود و می دانـد کـه در چنیـن امـاکن نـورانی می توانـد تـوبه حقیقی نمایـد و خداونـد بـه برکت معصومین علیهم السـلام، او را از گرداب گناه نجات می دهـد. این خود یک پتانسـیل قوی برای زندگی معنوی و امیدوارانه او خواهد بود.

امـام بـاقر علیه السـلام زیـارت قبـور مطهر اهـل بیت علیهم السـلام را موجب آمرزش الهی می دانـد و می فرمایـد: «ای حمران؛ بشارت باد تو را؛ هرکس قبر شهدای آل محمد را زیارت کند

۱- چگونه باید بود، ص ۸۸.

۲- سوره یوسف، آیه ۸۷.

و هدفش پیوند با خداوند و پیامبر اکرم باشد، همانند روز تولد از مادر، از گناهان پاک شود». (۱) انسان به واسطه زیارت اماکن مقدس مخصوصاً حرم معصومین علیهم السلام و توسل به آنان، سعادت دنیا و آخرت خود را از خداوند طلب می کند و می داند که با وجود چنین پشتوانه های الهی، نباید از زندگی خود نا امید گردد، بلکه باید با نشاط و سربلندی و با اراده ای قوی به زندگی هدفمند خود ادامه دهد و مشکلات را یکی پس از دیگری از جلوی راه خود بر دارد و با الگوگیری از انسان های کامل به شخصیت و رفتاری شایسته و مثبتی دست یابد.

۴. زیارت و الگوپذیری

یکی دیگر از تأثیرات زیارت در تثبیت شخصیت و رفتار انسان این است که او را از سردرگمی و نداشتن یک برنامه مشخص نجات می دهد و الگوهای ایده آلی را برای داشتن یک زندگی شایسته، به انسان معرفی می کند. از نیازهای اساسی انسان برای داشتن یک زندگانی سعادت مندانه این است که همیشه کارهای خود را همراه با یک الگوی مناسب و شایسته انجام دهد و سعی کند هیچ کاری را بدون اقتباس از آن الگو انجام ندهد. انسان هایی که در طول تاریخ بشری، به مقامات عالیه انسانی و علمی و غیره رسیده اند، همگی در زندگانی خود دارای یک الگوی مشخص بوده اند و برنامه های زندگی خود را به واسطه آن الگو، تنظیم می کردند.

مسأله الگو به قدری اهمیت دارد که قرآن کریم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به عنوان الگویی نیکو برای اهل ایمان معرفی می کند و در این باره چنین می فرماید: «لَّقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْأَخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا»؛ (۲)

همانا رسول خدا برای کسانی که امید به خداوند و جهان آخرت دارند و ذکر خدا را زیاد می گویند، الگوی شایسته ای می باشد.

۱- ر. ک: وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۵۹، ح ۲۲؛ امالی شیخ صدوق، ج ۲، ص ۲۸.

۲- سوره احزاب، آیه ۲۱.

بـدون شک یک انسان زایر وقتی به زیارت اماکن مقـدس مشـرّف می شود، در واقع خود را با تمام وجود وابسـته به آن ذوات مقـدس معصومین علیهم السـلام که انسان های کامل هسـتند، می داند و در رفتار و گفتار، آنها را الگوی خود قرار می دهد تا بدین وسـیله بتواند به یک شخصـیت ایده آل که سـعادت دنیوی و اخروی او را تضمین کند دست یابد. زایر با توسل به ذوات مقدس معصومین علیهم السـلام که واسطه فیض الهی می باشند، خود را تسلیم آنها می کند و از آنان می خواهد که در تمامی مراحل زندگی یاد و مددکار او باشند، و با الگو قرار دادن آنها، از دره های ضلالت و گمراهی نجات می یابد.

چنان که در زیارت وارث، شـخص زایر خطاب به اهل بیت علیهم السـلام چنین می گویـد: «قلبی لقلبکم سـلم و أمری لأمرکم متّبع»؛ (۱) قلب من با قلب شما موافق است و امر و کار من با فرمان و امر شما همراه است.

۵. زیارت و عزت نفس

از دیگر تـأثیرات روحی و روانی که زیـارت می توانـد در شخصـیت و رفتار انسان ایجاد کنـد، به دست آوردن عزت دنیوی و اخروی و سربلندی در نزد مردم جامعه می باشد.

روان شـناسان و روان کاوان بر این عقیده اند که یکی از نیازهای فطری و غریزی انسان این است که دوست دارد سـرافراز و با عزت زندگی کند و دیگران ارزش و هویت برای او قائل شوند. هیچ انسانی را در کره زمین نمی توان یافت که دوست نداشته باشد عزتمند و با احترام زندگی کند، زیرا این یک میل درونی و ذاتی آدمی می باشد.

انسانی که در زنـدگی دارای عزت و شـرافت نیست، هیـچ گاه شخصـیت و رفتار ثابت و نرمالی ندارد و با چنین شـرایطی تمام امیـد خود را از دست خواهـد داد و وظیفه اصـلی خویش را انجام نمی دهـد و با ذلت و سـردرگمی به زنـدگی خود ادامه می دهد.

علاوه بر عزت دنیوی، در آخرت هم انسان های مؤمن دوست ندارند که خوار شوند

۱- ر. ک: مفاتیح الجنان، ص ۴۲۹.

و امید دارند که با الطاف الهی سربلند محشور شوند. قرآن کریم، میل عزت طلبی را از لوازم زندگی انسان می داند و تنها راه عزت طلبی واقعی را ایمان به خداوند متعال معرفی می کند و می فرماید: «وَ لِلَّهِ الْعِزَّهُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِینَ وَ لکِنَّ الْمُنفِقِینَ لَا یَعْلَمُونَ»؛ (۱)

و عزت فقط از آن خدا و رسولش و اهل ایمان می باشد، ولی گروه منافقین این را نمی دانند.

زیارت اماکن مقدس و حرم مطهر معصومین علیهم السلام از جمله جاهایی است که انسان می تواند با تمسک به اولیای الهی و استعانت از آنان، به درجات عالی ایمان و معنویت دست یابد و با الگوپذیری از چنین شخصیت های الهی است که عزت دنیوی و اخروی انسان فراهم می آید و انسان مؤمن در چشم سایر مردم عزیز خواهد شد و با چنین عزت الهی، در میان مردم به بالاترین فعالیت دست می زند و این میل ذاتی و غریزی او تأمین می شود. در زیارتنامه امین اللّٰه یکی از خواسته های زیارت کننده این است که خداوند او را عزت و محبوبیت عطا کند و این همان میل روانی انسان می باشد که دوست دارد دارای عزت و احترام باشد و از ذلت و سرشکستگی گریزان می باشد، چنان که در آن زیارت چنین می خوانیم: «محبوبه فی أرضک و سمائک»؛ (۲) خدایا مرا در زمین و آسمان خود، محبوب گردان. بدون شک یک شخصیت والا و رفتار ایده آل موقعی به دست می آید که انسان دارای عزت و سربلندی باشد تا در سایه چنین عزت الهی، خود را به درجات عالیه انسانیت برساند و زندگی خود را وقف عبادت و خدمت به بندگان خداوند کند.

نتیجه گیری از مباحث

با توجه به مطالب مذکور و بررسی نقش زیارت در تغییر و تحول رفتار و شخصیت آدمی، نکات زیر قابل ارائه و دقت نظر می باشد:

۱. دو عنصر رفتار و شخصیت دارای ارتباط عمیقی با یکدیگر می باشند و

۱- سوره منافقین، آیه ۸.

۲- ر. ک: مفاتیح الجنان، زیارت امین اللّٰه، ص ۵۷۵.

مجموعه رفتارهای انسان است که شخصیت انسان را تشکیل می دهد و شخصیت آدمی چیزی جز رفتارهای مثبت و منفی او نمی باشد.

۲. یک شخصیت نرمال دارای ویژگی هایی می باشد که عقل گرایی و مطابقت با فطرت و هماهنگی با هدف الهی از مهم ترین آنهاست.

۳. نتایج زیارت را نمی بایست فقط در امور مادی و دنیوی خلاصه کرد و باید به اثرات روحی و روانی آن نیز توجه داشت.

۴. زیارت اماکن مقدس و قبور مطهر معصومین علیهم السلام، از جمله عوامل محیطی مؤثر در تحول شخصیت و رفتار انسان می باشد که می تواند اثرات روحی وروانی زیادی در انسان ایجاد کند که امنیت روحی و آسایش روانی، ایجاد روابط خوب انسانی با مردم، ایجاد حس امیدواری و دوری از یأس و نومیدی، داشتن الگویی ایده آل و راهنمایی مهربان و الهی، داشتن عزت دنیوی و اخروی و ارزشمندی در نگاه مردم جامعه، از اصلی ترینِ این تأثیرات روحی و روانی است که شخص زایر می تواند با چنین نعمت های روانی و روحی، سعادت دنیوی و اخروی را برای خود به ارمغان آورد.

خلاصه

همواره آرزوی هر انسانی این بوده هست که دارای یک رفتار و شخصیت ایده آل باشد و یک زندگی شایسته را در سایه چنین شخصیتی داشته باشد. همه مکاتب تربیتی می کوشیده اند تا بر اساس ارزش های خود، تغییرات و تحولاتی را در رفتار و شخصیت انسان به وجود آورند. در اسلام نیز کوشش می شود که انسان مؤمن بهترین رفتار و شخصیت را داشته باشد، تا به واسطه آن به سعادت دنیوی و اخروی دست یابد. عوامل زیادی وجود دارد که می تواند رفتار و شخصیت انسان را متحول سازد و از جمله آنها زیارت اماکن مقدس، مخصوصاً قبور معصومین علیهم السلام، می تواند به عنوان یک عامل محیطی بسیار اساسی، رفتار و شخصیت انسان را متحول سازد و آن را به

سوی یک شخصیت الهی و انسانی سوق دهد. اهمیت و ضرورت بحث زیارت و تحول در شخصیت، از اولین مباحث این نوشتار می باشد که آن را تبیین کرده ایم.

بررسی عوامل تأثیرگذار در شخصیت و رفتار انسان، از دیگر مباحث این مقاله است.

در مبحث پایانی و اساسی بحث، به تأثیرات روحی و روانی زیارت در رفتار و شخصیت انسان پرداخته ایم که در این گفتار به ایجاد آرامش و امنیت روانی در شخصیت انسان زایر، تعامل خوب و سازنده انسان زایر با مردم جامعه، ایجاد امید و نشاط در زندگی انسان، داشتن الگویی برتر در زندگی، داشتن عزت دنیوی و اخروی و داشتن وجاهت در نگاه مردم، به عنوان مهم ترین اثرات روانی زیارت در شخصیت و رفتار انسان، اشاره و به توضیح و بررسی آن پرداختیم.

فهرست منابع

۱. امالی، ابو جعفر محمّد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق.

۲. بهداشت روان در اسلام، مهدی صانعی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، قم، ۱۳۸۲.

۳. تغییر رفتار، علی اکبر سیف، تهران، آگاه، چاپ اول، ۱۳۷۳.

۴. چگونه باید بود، مجید رشید پور، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۹.

۵. روان شناسی شخصیت از دیدگاه اسلامی، علی اصغر احمدی، تهران، سپهر، چاپ سوم، ۱۳۷۴.

۶. لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، دانشگاه تهران، چاپ سیروس، ۱۳۳۱.

۷. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، چاپ اسلامیه، تهران.

۸. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۸. اقتضائات نفس و رویکرد زیارت

خدیجه هاشمی

چکیده

شکی نیست که نمی توان بـا انـدیشه نـاقص بشـری به کنه حقیقت و رموز ارزشـمند ابعاد حـج و زیارت خانه خـدا پی برد، اما شاید بتوان با ذکر مقدمات مورد بحث، ضـرورت و لزوم این زیارت عارفانه را در جهت تکامل و ترقی نفس بشـری بیان نمود. لـذا مقاله حاضـر در صـدد برآوردن این مهم می باشد که ضـمن تبیین ماهیت نفس و تأثیر حقیقی زیارت، به خصوص زیارت خانه خدا(حج)، بر آن به نقش مؤثر و بی بدیل این فریضه بزرگ بر نفس آدمی تأکید ورزد. و به ره آوردهای بی نظیر آن در صیرورت نفس و متعالی شدن آن اشاره نماید. سـعی این نوشـتار بر این است که واگو کند که زیارت عارفانه، بازیافتن هویت وجودی خویش است و نیز سـیراب گشـتن از زلال حضور محبوب. زیارت حقیقی، خلوت گزیـدن و انس گرفتن با سرچشـمه رحمت و محبت الهی است.

کلیدواژه ها: نفس، زیارت، میل فطری، صیرورت نفس.

مقدّمه

وصـال معبود و محبوب، نهـایت کمـالی است که جمله عارفـان و عابـدان و عالمان الهی در تکاپوی یافتن آن ره می سپرنـد. و حـج، این زیـارت معبود، جایگـاه بـا عظمت و دریای ژرف تجلی این عشق و این اتصال معنوی است که دل و انـدیشه بزرگان دین را به گونه ای مسـخّر خود نموده است که هریک به زبانی و به طریقی در این شکوه بی مثال در پی یافتن حقیقت آن سیر عارفانه و جست وجوی معبود خویش و شوق وصال اویند.

اما از آن جا که هر طی طریقی نیاز به ابزار راه و مرکب سفر و قابلیت رفتن دارد، انسانِ زایر چگونه می تواند توانایی چنین طی طریق عظیمی را کسب نماید؟ چه استعداد و چه نیرویی است که انسان را در طلب یافتن کمال مطلوب خود به حرکت و هجرت وا می دارد؟ به عبارت دیگر نفس آدمی چه اقتضائاتی در پیمودن این مسیر دارد؟ آیا این اقتضائات از امور فطری و نهادین وجود آدمی است؟ یا ساخته فکر و اندیشه بشری اوست؟

مقاله حاضر سعی دارد ضمن تبیین مفهوم نفس و بیان ماهیت آن از دید فلاسفه مسلمان، به این هدف بپردازد که آیا می توان میان نفس آدمی و اقتضائات موجود در آن و کارکرد زیارت، هماهنگی مشاهده نمود و وجود جذبه و کشش دوگانه ای را یافت که سیر الی اللّه و شوق به زیارت و دیدار محبوب را در وجود نوع آدمی روشن نماید؟ با توجه به این ضرورت و هدف، مقاله در چند محور به بیان این امر می پردازد:

محور اول: مفهوم شناسی نفس، زیارت، و بیان ماهیت نفس.

محور دوم: بررسی رابطه بین نفس و زیارت و فطری بودن این امر.

محور سوم: بررسی نقطه اوج تجلی این رابطه در زیارت خانه خدا و فریضه حج.

محور چهارم: تجلی مراتب نفس آدمی در حقیقت حج و ره آورد این فریضه با شکوه در صیرورت نفس.

مفهوم نفس

نفس از دیدگاه اهل لغت همان روحی است که هستی و حیات جسد به آن وابسته است. «النفس: الروح الذی به حیاه الجسد، وکلّ إنسان نفس حتی آدم علیه السلام، الذکر والانثی سواء. وکلّ شئ بعینه نفس. ورجل له نفس، أی: خلق وجلاده وسخاء ...» (۱) مراد از نفس همان روح است که حیات و هستی جسد و بدن به آن وابسته می باشد و هر انسانی به آن

۱- العین، ج ۷، ص ۲۷۰.

نفس اطلاق می گردد و حتی حضرت آدم، و زن یا مرد در این مورد مساوی است و هر شی ء به ملاحظه ذاتش نفس شی ء گفته می شود و نیز گفته شده کسی که دارای نفس است یعنی صفات پسندیده داشته دارای ذکاوت و سخاوت است. همین واژه در قرآن نیز به چند معنی به کار رفته است. (۱) ماهیت نفس از دیدگاه فلاسفه مسلمان

نفس در اصطلاح فلاسفه، جوهری است که ذاتاً مستقل و در فعل، نیازمند به ماده است و متعلق به اجساد و اجسام می باشد. به عبارت دیگر جوهری است مستقل و قائم به ذات خویش که تعلق تدبیری با بدن دارد. (۲) فلاسفه برای نفس تعاریف متعددی ارائه داده اند، از جمله تعریفی که مورد قبول ابن سینا، ملا صدرا و فخر رازی واقع شده، عبارت است از: «النفس کمال أوّل لجسم طبیعی یصدر عنه کمالاته الثانیه بآلات یستعین بها علی أفعال الحیاه کالإحساس والحرکه الإرادیه». (۳) البته باید توجه داشت که ملاصدرا معتقد است که نفوس، حدوث جسمانی داشته و بقای آنها روحانی است؛ یعنی نفوس ناطقه انسانی از ابتدا مجرد نبوده اند. (۴) وی برای نفس سه نشئه قائل شده و آنها را نشئات حسی، خیالی و عقلی نامیده است. (۵) خواجه نصیر الدین طوسی نیز در کتاب اخلاق ناصری، نفس را چنین تعریف می کند: نفس انسانی جوهری بسیط است که از شأن او ادراک معقولات به ذات خویش و تدبیر و تصرف او در این بدن محسوس که بیشتر مردم آن را انسان می گویند به توسط قواست و آن جوهر نه جسم می باشد و نه جسمانی و نه محسوس به یکی از حواس است. (۶)

۱- علم النفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی و تطبیق آن با روان شناسی جدید، ص ۱۴.

۲- الاسفار الاربعه، ج ۴.

۳- همان، ج ۸.

۴- همان، ج ۴، ص ۱۰۲.

۵- همان، ج ۴، ص ۵۷.

۶- حقیقت روح، ص ۳۴۸.

در کلمات فلاسفه گاه دیده می شود که الفاظ دیگری نیز در معنای مترادف، یا نزدیک به معنای نفس به کار می رود که عبارتند از: نفس، قلب، عقل و روح. چنان که غزالی در کتاب خود می نویسد: «فی معانی الألفاظ المترادفه علی النفس و هی أربعه:

النفس و القلب و الروح و العقل». معانی الفاظی که با معنای نفس مترادف هستند چهار لفظ می باشند: نفس، قلب، روح و عقل. (۱) مفهوم زیارت

زیارت در لغت به معنای دیدار کردن و قصد و آهنگ چیزی نمودن است. در مفردات راغب آمده است: «زور: الزور أعلی الصدور و زرت فلاناً تلقیته بزوری أو قصدت زوره نحو وجهته».

زور به بالای سینه می گویند و فلانی را زیارت کردم یعنی با بالای سینه ام او را ملاقات نمودم یا قصد نمودم بالای سینه او را هنگامی که به سویش توجه نمودم. (۲) زیارت در اصطلاح، دیداری است مشتاقانه با حضور در پیشگاه محبوب، با حرکتی که از شهر و دیار به شوق دیدار شروع می شود. حرکتی ظاهراً در مکان و به حقیقت در دل و جان. (۳) زیارت، هویت وجودی خویش را باز یافتن و از زلال حضور یار سیراب گشتن است. زیارت، خلوت گزیدن و انس گرفتن با سرچشمه رحمت و محبت الهی است.

نفس؛ مظهر حقیقت انسان

نفس آدمی دارای ویژگی های خاصی است که آن را معرّف حقیقت وجودی انسان و وجه تمایز او از سایر موجودات دانسته اند، چنان که علامه همدانی در این باره می گوید: «حقیقت آدمی و آنچه که به سبب آن بر سایر حیوانات ترجیح پیدا می کند،

۱- روان شناسی اسلامی، نشریه درس هایی از مکتب اسلام.

۲- مفردات الفاظ قرآن، ج ۲.

۳- شوق دیدار، ص ۱۲.

همـان نفس است و بـدن امری عاریتی و به قول متکلمان، حکم مرکب نفس را دارد. با این که بـدن امری است فانی و بی بقا؛ اما نفس، امری است باقی که فنایی در آن نیست». (۱) تمامی تعالیم انبیا و امامان معصوم علیهم السلام نیز در جهت پرورش و به کمـال رسانـدن قوای نفس آدمی و به ظهور رسانـدن توانـایی هـای نهفته در آن بوده و لـذا همین نفس آدمی دارای قـدر و منزلتی است که نمی توان در این عالم، همتایی برای آن یافت.

چنان که در تعبیری از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که فرموده است:

أثامن بالنفس النفیسه ربّها و لیس لها فی الخلق کلّهم ثمن (۲)

من ثمن قرار می دهم با این نفس بسیار پر ارزش، خـدای او را. در همه مخلوقات خـدا موجودی پیـدا نمی شود که ارزش آن برابر با نفس باشد.

زیارت؛ ظهور میل فطری نفس

از آن جا که فطرت عبارت است از ویژگی های آفرینشـی و تکوینی وجود انسان که با حیات عقلانی او هماهنگ است، بدین جهت ملاـک تعـالی و تکامـل انسان به شـمار می رود و با معیارهای حیات طبیعی و غریزی انسان قابل توجیه نیست؛ از این رو فطریات از نوعی قداست برخوردارند و جنبه ارزشی دارند. بر اساس تمایلات فطری، انسان حقایق متعالی را دوست داشته و به آنها گرایش دارد و احساس یا میل به زیبایی دوستی، حقیقت جویی، خیرخواهی و یا میل قدسـی برجسـته ترین تمایلات عالی انسانی به شمار می روند.

میل به دیـدار و زیارت خدای تعالی نیز به عنوان یکی از مصادیق نیاز به یک امر مقدس و مفهوم قدسـی و شایسـته پرسـتش و تعظیـم بشـر به شـمار می رود که در تاریـخ انسـانی همـواره وجـود داشـته است. به گـونه ای که به نظر و عقیـده برخی از دین پژوهان، اعتقاد به امر مقدس، عنصر مشترک ادیان است و چنین اعتقادی حتی در ادیان بدوی

۱- معراج السعاده، ص ۲۲.

۲- تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۲۱۸، به نقل از بحارالأنوار.

نیز به گونه ای وجود داشته است. (۱) زیارت خانه خدا تبلور عاشقانه رابطه علت و معلول

در نظر صدرالمتألهین حقیقت انسان حقیقتی است جمعی و تألیفی و مشتمل بر اموری است که دارای یک وحدت تألیفی است که مراتب متفاوتی از حیث تجرد و تجسم را دارد. و از این نظر شبیه به وحدت تألیفیه این عالم است. همان طور که به نظر می رسد که تمام طبقات مختلف این عالم(معقول و مثالی و محسوس) با ریسمانی به یکدیگر متصل شده اند و مانند زنجیری که حرکت قسمت اول آن باعث به حرکت در آمدن قسمت آخر آن نیز می شود و اجزا و طبقات آن پشت سر هم در حال حرکت در قوس نزولی و صعودی است؛ به همین صورت مراتب وجودی حقیقت انسانی، یا عالم صغیر نیز که همان نفس و عقل و طبع است، دائماً در تصاعد و تنازل می باشند. به عبارت دیگر آثار نفس به بدن نزول می کند و یا به عکس آثاری از بدن به نفس صعود می کند و هر یک از دیگری متأثر می گردد. (۲) ملّا صدرا در سلوک عرفانی خود که حکمت متعالی را با سیری صعودی به مبدأ ازلی اشراق وجودی می رساند، تنها علت نهایی یعنی واجب بالذات را حقیقی دانسته و ممکنات که همه معلول اویند را جهتی از جهات او می داند و این مجعولات را فیض آن جاعل بالذات. تأثیر جاعل، چیزی جز «تطور آن در اطوار و تنزل آن در منازل افعال» نیست. جهان ممکنات نیز با این که معلول آن علت بخشنده و افاضه کننده وجود است، اما در این جا علیت به تجلی تبدیل می شود و معلول به جلوه، اضافه اشراقی به کمال خود می رسد و معلولیت چهره تجلی و تشأن به خود می گیرد، لذا هرچه غیر اوست مظهر او می باشد.

از طرفی روشن است که میان هر علتی نسبت به معلول خود و هر مفیضی نسبت

۱- کلام جدید، ص ۸۲.

۲- الشواهد الربوبیه فی مناهج السلوکیه، ص ۴۲۸.

به مستفیض خود مناسبتی وجود دارد که هر چه این مناسبت شدیدتر باشد، رابطه و علاقه علیت بین آنها نیز شدیدتر می گردد. ملّاصدرا پیش از این که رابطه علّی و معلولی را در فریضه حج و زیارت خانه خدا به تصویر بکشد، به ذکر این نکته می پردازد که برای هر حقیقت عقلیه ای در این عالم، مثال و مظهری جسمانی وجود دارد و هر کس که از مشاهده این حقایق عقلیه قاصر باشد، بر او لازم و واجب است که به مثال ها و مظاهر جسمانی آن حقایق در این عالم توجه کند، تا به طور کلی از ثواب و فضیلت مشاهده حقایق و ارتباط با آنها محروم نگشته و از حوزه و حریم خطاب الهی خارج نگردد. (۱) وی آن گاه حج را اوج تبلور رابطه عاشقانه این علت و معلول می داند و چنین بیان می کند: «همان گونه که بر روح و نفس ناطقه انسان واجب است که به حضرت قدس حقیقی تمسک کند، بر جسم و بنیان صوری جسمانی او نیز واجب است که به عنوان تمثل و تشبّه از روح و اعمال آن پیروی نماید و توجه از خانه و پیکر جسمانی به خانه خدا نماید. خویشتن داری از کلیه لذات جسمانی و شهوات حیوانی از زن و استعمال عطریات و سایر اعمال منافی با حج با یک نیت خالص از شائبه ریا و به قصد رضای خداوند از جمله اموری است که روح انسان را آماده انصراف از خانه نفس و توجه به کعبه مقصود و خانه خدا و وجهه کبری می نماید. این به سبب تجرد از خواهش های قوای بدن و لذایذ دنیوی و طواف به دور خانه کعبه و انجام مناسک حج و تشبه نفوس اشخاص به نفوس اشخاص عالیه، حاصل از اشراقات مبادی عقلیه است که به قصد تشبه به مبدأ کل می باشد.

طواف حجاج و گردش آنان به دور خانه کعبه که مورد توجه و عنایت اوست، شباهت دارد به دوران فلک و اجرام کریمه سماویه در فضای بی انتهای عالم که مظهر و جلوه گاه قدرت و شوکت اوست. و حرکت این افلاک نیز تشبّه به مبدأ کل است،

۱- همان.

زیرا او هم مبدأ وجود و هم غایت و نهایت وجود و ایجاد آنهاست و به مضمون آیه شریفه «وَ لِکُلّ وِجْهَهٌ هُوَ مُوَلّیهَا»؛ (۱)

برای هر کس راه و طریقی است به سوی خـدا که او راهـبر و راهنمـای اوست به آن طریق. (۲) زیارت خانه خدا سیر توحیدی نفس

هنگامی که حج، تجلی اتصال و رابطه مناسبت دار علت و معلول می باشد، آیا نمی توان این رابطه را پلکانی در جهت صعود و عروج نفس آدمی دانست؟ آیا نفس آدمی نمی تواند در این سیر ظاهری به سیری باطنی دست یابد و از این درگاه خاکی و ظلمت زمینی به حقیقتی آسمانی و الهی هجرت کند؟

به فرموده حضرت امام خمینی رحمه الله حج سفر الی اللَّه است. چنان که حضرت امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «فَفِرُّوا إِلَی اللَّهِ ...» (۳) فرمود: «حجّوا إلی اللَّه عزّوجلّ»؛ یعنی با حج گزاردن به سوی خدا رو آرید.

مسلم است که در این سـفر روحانی و سـیر آفاقی و انفسـی، زایر خانه خدا به قدر سـعه وجودی و افق معرفت خویش بهره می گیرد. یکی کوی دوست را می نگرد و زیارت می کند و دیگری روی دوست را، یکی دیار را نظاره می کند و دیگری یار را.

شنیده ام که به حجاج عاشقی می گفت: که کعبه من سرگشته کوی جانان است

به جان ملازم آن آستانه باش ای دل که بار تن به در کعبه بردن آسان است

چنان که عارف بزرگ، مرحوم بهاری همدانی درباره زیارت خانه خدا می گوید:

«حج گزار باید تأمل کند و بداند که این «سـفر جسـمانی الی اللَّه» است و سـفر دیگری هم «سـفر روحانی الی اللَّه» باید بکند و آن معرفت و تکمیل نفس است». (۴) ماهیت سفر حج و زیارت خانه معبود و محبوب فراتر از این سیر و سفر ظاهری

۱- سوره بقره، آیه ۱۴۸.

۲- الشواهد الربوبیه فی مناهج السلوکیه، ص ۴۳۰.

۳- سوره ذاریات، آیه ۵۰.

۴- حج عارفان، ص ۷۲.

است. در حقیقت، صیرورت است؛ یعنی شدن و به فعلیت و کمال لایق خود رسیدن و این با سیر و سفر صعودی فاصله بسیار دارد، زیرا هر سیر و سفری مستلزم صیرورت و شدن نیست. و صیرورت یعنی سفر معنوی انسان. (۱) مراحل سفر معنوی زایر

زایر در نخستین قدم، باید رفع حجاب بین عبد و مولا کند. و برای رهیدن از حجاب ها باید از خویشتن سفر کرده و از خواسته های خود هجرت کند تا مصداق «وَمَن يَخْرُجْ مِن م بَيْتِهِ ى مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ» شود. ایام حج و مناسک آن و به ویژه سرزمین عرفات نیز بهترین فرصت برای رهایی از خودبینی و هجرت از بیت نفس است. (۲) در حج کندن این تعلقات، اولین شرط سفر است. و زدودن همه علایق و خواسته های نفسانی از خود و به کنار نهادن مادیات و مظاهر دنیوی و اعلان این پیام آزادگی که حال، منم تنها و رهیده از قید و بندهای ظلمانی دنیا، فرارکننده از شهوات و هواپرستی ها .... که با ضمیری امیدوار به سوی خدای خویش هجرت می کنم.

امام صادق علیه السلام فرمود: «

إذا أردت الحج فجرّد قلبک للّه عزوجل من قبل عزمک من کلّ شاغل و حجب کلّ حاجب و فرض امورک کلّها إلی خالقک ...

». (۳) آن گاه که اراده حج کردی، قبل از عزیمت، قلب خویش را برای خداوند بزرگ، خالص و خالی گردان و هرچه تو را مشغول می دارد و حجاب میان تو و خدا می شود از دل بیرون کن و همه امورت را به آفریدگارت واگذار و در تمام حرکات و سکنات به او توکل کن.

در اولین گام های زیارت خانه معبود که ندای لبّیک اللّهم لبّیک از زایر شیفته دیدار برمی خیزد، گونه ای از بیرون شدن و برهنه گردیدن از مراتب فروتر تجلی می یابد و رها نمودن هرگونه سرکشی و به خود بالیدن و استبداد. در این هنگام است که اتحادی

۱- امام خمینی و عرفان حج، نشریه میقات حج، ش ۳۰.

۲- صهبای حج، ص ۴۲۶.

۳- مصباح الشریعه، ص ۴۷.

تمام از انسانیت آغاز می گردد که در آن، زایر و عاشق دیدار یار به خالق و محبوب خویش روی آورده و هرچه که بیهوده و باطل است به کنار می گذارد.

زایر خانه خدا نیز بعد از پشت سر نهادن دعوت های شیطانی نفس، هنگامی که به دعوت حق پاسخ می گوید، خود را در جهت او قرار می دهد و از تمامی وجودهای دیگر چشم می پوشد. در مرحله پیش طرح دوستی را ریخته بود و حال، عشق و علاقه به دیدار او را دارد. زایر در مرحله نخست این سفر معنوی حامل انوار نبود و حال با خلعت های نوری که در بر دارد، بر گرد حقیقتی می چرخد که خود نیز در آن غوطه ور شده است.

در سفر حج نیز زایر هنگام بازگشت از سفر معنوی حج این سیر و مرحله سوم را دارد. او در حج با تمام وجود، مفهوم «هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنتُمْ» (۱)

را درک نموده است و با نورانیتی از این سفر معنوی باز می گردد که گویی تازه از مادر متولد شده است. (۲) در این حال است که مردم به زیارت او می روند، زیرا گذشته های زایر خانه خدا پاک شده و پیش از آن که به معصیتی مبتلا شود، این نورانیت در او هست. (۳) زایری که با زیارت خود گویی خود را بر ترازو و ابزار سنجش عرضه نموده و در برابر آیینه و معیار کمال ایستاده و به اخلاق الهی متخلق شده است، حال که به میان خلق خدا آمده است وظیفه ای برای خود در میان آنها قائل است که با قبل از سفرِ او بسیار متفاوت است.

زایری که به این مرحله و مرتبه از سیر نفس رسیده، در حقیقت به عقل مستفاد و بام خرد و نفس، راه یافته و سلطان زمین و سلیمان زمان می گردد.

هرآن کس که در این خانه رهی یافت سلطان زمین است و سلیمان زمانه است

گویی تا وقتی که به این مرحله نرسیده، یک انسان مجازی بیش نیست، انسانی

۱- سوره حدید، آیه ۴.
۲- بحارالأنوار، ج ۹۶، ص ۳۸۵.
۳- عرفان حج، ص ۲۹.

بالقوه است و در این هنگام است که به فعلیت و سرمنزل مقصود می رسد. (۱) چنان که در روایت نیز آمده است که از علامات قبول حج، ترک معاصی و گناهانی است که زایر در گذشته می کرد و از علامات دیگر آن، بدل نمودن همنشینان بد به همنشینان خوب و مجالس لهو و غفلت را به مجالسی که در آن یاد خدا شود. (۲) ره آورد زیارت در صیرورت نفس آدمی

علاوه بر این که حج، خود می تواند طی مراحل و مراتب چهارگانه نفس باشد، ره آوردهایی را نیز به طور مستقل ذکر می کنیم و در ضمن بیان آنها به اقوالی از فلاسفه مسلمان در تأیید این که نفس می تواند به چنین قابلیتی دست یابد نیز اشاره می کنیم.

زیارت و تحقق معرفت نفس

چنان که گفتیم در زیارت، ابتدا باید نفس را از تمامی زنگارها پاک نمود و آن گاه وارد میدان لقای الهی شد. این زدودن نفس زایر از آلودگی ها جز با شناخت آن امکان پذیر نیست. نخست باید به نقایص وجودی خود اقرار کرد و آن را باور نمود و آن گاه به تخلیه و تحلیه آن اقدام کرد. تخلیه از بدی ها و کاستی ها و تحلیه به نور معرفت الهی.

لذا معرفت حق پس از معرفت نفس به خود حاصل می گردد. ابوحامد غزالی می گوید: «ما از شناخت نفس به شناخت خداوند تبارک و تعالی می رسیم». (۳) تحقق این رابطه از جمله نکاتی است که در آیات و روایات نیز توجه زیادی به آن شده است. «من عرف نفسه فقد عرف ربه عجبت لمن یجهل نفسه کیف یعرف ربه». (۴) اما در این که چگونه چنین تلازمی را می توان برقرار نمود؛ سید عبداللّه شبر در کتاب مصابیح الأنوار، وجوهی را به نقل از حکما و متکلمین ذکر می کند که برخی از آنها عبارتند از:

- با توجه به این که نفس بر بدن اشراف دارد و احوال بدن بر او پوشیده نیست،

۱- سفر نفس، ص ۲۴ و ۲۵.

۲- معراج السعاده، ص ۸۸۷.

۳- تاریخ فلسفه در جهان اسلام، ج ۱، ص ۵۱۷.

۴- میزان الحکمه، ج ۶، ص ۱۴۱.

انسان پی می برد که خداوند هم بر عالم اشراف دارد و هیچ چیز از علم واسع او بیرون نیست.

- نفس، واحد است و با وحدت خود به بدن نظم و سامان می دهد و اگر متعدد بود در تدبیر بدن تمانع رخ می داد، پس خدای عالم نیز واحد است وگرنه این نظم و هماهنگی نبود. «لَوْ كَانَ فِيهِمَآ ءَالِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا ...». (۱)- نفس، مدبر و محرک بدن است، لذا عالم نیز به مدبر و محرکی نیاز دارد که خداوند است.

- نفس، محسوس و ملموس نیست، لذا خود این عالم نیز محسوس و ملموس نیست. (۲) علاوه بر این تقارنی که در مسأله معرفت نفس و معرفت رب وجود دارد، رابطه علیتی که در سلسله علل ممکنات و واجب تعالی وجود دارد، موجب می شود که این مبدأ نامحدود و علت العلل هستی در نهایت تقرب و نزدیکی به جمیع حلقات علل باشد، قربی که نه زمانی و مکانی، بلکه ذاتی و معنوی است و در شرایطی و مواقفی به خوبی تجلی می یابد و زیارت بهترین نمونه این تجلی گاه است. (۳)
زیارت و تحقق عشق متعالی نفس

ابن سینا پس از بیان سریان عشق در تمامی موجودات، هنگامی که می خواهد معشوق حقیقی را معرفی نماید، پس از بیان مقدمات فلسفی لازم، به این نتیجه می رسد که «خداوند آن موجودی است که خیر نهایی و نهایت خیر است، پس به مقتضای کلّما زادت الخیریه زادت المعشوقیه و العاشقیه للخیر لذا وجود خداوند غایت در معشوقیت و عاشقیت است». (۴) ملّاصدرا نیز به این نتیجه دست می یابد که «از آن جا که وجود و خیر و کمال

۱- سوره انبیاء، آیه ۲۲.

۲- معرفت نفس از دیدگاه حکیمان، ص ۱۸۶.

۳- رحیق مختوم، ص ۲۳۶.

۴- مبانی فلسفی از منظر ابن سینا و ملاصدرا، ص ۱۳۸.

مساوی هستند و عشق هم ملازم با خیر و کمال است، یعنی عشق و کمال بر حسب مراتب وجود است، لذا هرچه وجود کامل تر باشد، کمال و حسن بیشتر است و در نتیجه عشق هم شدیدتر است و به سبب این که حضرت حق، عین حسن و کمال بی انتهاست، چرا که وجود صرف و هستی محض است، از این رو حقیقت عشق بی انتهاست و کامل ترین عشق، عشق حق به ذات خود است و موجودات نیز هرکدام به حسب مرتبه وجودی شان دارای مرتبه کمال عشق به ذات و آثار خود و عشق به حضرت حق هستند». (۱) «وَ الَّذِینَ ءَامَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِّلَّهِ ...»؛ (۲) آنان که ایمان به خدا آورده اند، بیش از هرچیز به او محبت دارند. در حج نیز طواف کردن، خود علامت اوج علاقه و نشانه محبت زایر است، تا آن جا که انسان خود را فدای محبوب می سازد. آن چنان که پروانه عاشق آن قدر دور شمع می چرخد تا سرانجام خود را با بال و پری سوخته به پای شمع می افکند. زایر و حاجی واقعی نیز که آتش اشتیاق لقای پروردگار در دلش شعله ور شده و بار سفر معنوی بسته و از وطن و فرزند و همسر بریده، و لبیک گویان خود را به پای دیوار خانه محبوب رسانده است، پروانه وار گرد شمع فروزان خانه توحید می چرخد و با حرکتی دایره وار بر گرد خانه حق نشان می دهد که جز حق چیزی نمی خواهد و جز حق چیزی نمی جوید و عاشق هیچ عاملی جز حق نیست. (۳) زیرا که «العشق هو نار فی القلب یحرق ما سوی المحبوب». (۴) سالک عارف، مرحوم بهاری همدانی می گوید: «مقصود اصلی از خلقت انسان شناخت خدا و رسیدن به درجه دوستی و انس با خداست و رسیدن به این دو غرض جز با تصفیه و پاک نمودن قلب ممکن نباشد. و آن نیز ممکن نیست، مگر با نگه داشتن نفس از هواهای نفسانی، و برای رسیدن به این مطلوب، عبادات را به شیوه های

۱- همان، ص ۱۴۰.

۲- سوره بقره، آیه ۱۶۵.

۳- حج عارفان، ص ۱۲۰.

۴- رحیق مختوم، ص ۱۶۰.

گونـاگون تشـریع نمود که هریـک رذیله ای از رذایـل انسان را برطرف نمایـد. و حـج، مجمع العناوین جمله ای از این عبادات است که هر یک صـلاحیتی در تصـفیه نفس را داراست. و شاید به همین دلیل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مبدل کردم رهبانیت را به جهاد و حج. (۱) مرحوم کلینی در کافی نقل می کند: «أفضل الناس من عشق العباده فعانقها و أحبّها بقلبه و باشرها بجسده»؛ (۲) بهترین مردم کسـی است که به عبادت عشق ورزد و با آن معانقه کند و با قلب خود آن را دوسـت بدارد و با بدن خود با آن مباشرت نماید.

گر عشق نبودی و غم عشق نبودی چندین سخن نغز که گفتی که شنیدی؟

ور باد نبودی که سر زلف ربودی رخساره معشوق به عاشق که نمودی؟

زیارت و تحقق تعادل رفتاری نفس

غزالی از جمله فلاسـفه ای است که به بررسـی موضوع تعدیل رفتار و درمان بیماری های روحی زمان خود پرداخت و به گونه ای منطقی رفتار را تحلیل نمود و در اعماق نفس بشـری جست وجو کرد. در نهایت همچون مسـکویه بر این عقیـده گشت که «اخلاق نیکو به اعتدال قوه عقل و کمال حکمت و نیز به اعتدال قوای غضب و شـهوت و اطاعت این قوا از عقل و شرع باز می گردد. این اعتـدال از دو راه حاصـل می شود: نخست از راه بخشـش الهی و کمـال فطری به گونه ای که انسان با کمال عقل و حسن خلق آفریده شود؛ دوم از راه مجاهدت و واداشتن نفس به اعمالی که اخلاق پسندیده را برایش فراهم می آورد». (۳) هر یک از اعمال زیارت خانه خدا تعلیمی است در فروتنی، و خشوع و تمرینی است در واداشـتن نفس به اخلاق پسـندیده. حج از جمله مناسکی است که در روایات فراوان، مجاهدت نفس از لوازم آن شمرده شده که با تحقق حقیقی این مجاهدت ها،

۱- تذکره المتقین، ص ۲۲.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۸۳.

۳- علم النفس، ص ۱۹۳.

کرامت نفس و تعادل رفتاری آن حاصل می گردد.

امام رضا علیه السلام درباره این سفر معنوی می فرماید: «

... مع ما فیه من إخراج المال و تعب الأبدان و الاشتغال عن الأهل و الولد ...

». (۱) در سفر حج باید حالت انفاق و گذشت از مال را در خود ایجاد کنی، تا در تو زمینه زراندوزی و مال پرستی نابود شود و زندگیت بر محور ثروت نچرخد و مال و ثروت خدایت نگردد. و نیز خود را بسازی تا از ناراحتی های جسمانی و دوری عزیزان و خاندانت و منع نفس از لذات استقبال کنی.

باید از گرما و سرما نهراسی و آنچنان سرمست و عاشق باشی و توطین نفس کنی که با همه مشکلات، راهت را ادامه دهی، آن هم نه یک روز و دو روز که در همیشه زندگی حالت خضوع و حضور در محضر محبوب را دارا باشی و بکوشی که در این هجرت و سفر روحانی ریشه کبر و غرور را بخشکانی و همواره فروتن باشی.

صاحب المراقبات نیز در باب زیارت و تأثیر آن در تعدیل رفتار شخص، می گوید:

«بایستی حج گزار را نشانه عبودیت و خشوع و ذلت باشد، چنان که در اخبار وارد شده است که یکی از دو کفش خود را به دست گیرد. به هر قدر بتواند در اظهار خشوع و تذلل جدیت کند و حال او مانند حال کسی باشد از گناهکاران در روز قیامت در موقعی که سلطنت الهی ظاهر می گردد. قرآن کریم به آن اشاره فرموده است: «یَنظُرُونَ مِن طَرْفٍ خَفِيٍّ» (۲)

.»

در عین حال حج گزار باید از جانب کبریایی او شاکر باشد که وی را به این شرافت عظمی مشرّف ساخته و در ردیف زایران خود قرار داده است. (۳) زایر حج در مراحل گوناگون، اعتدال اخلاقی و غلبه بر نفس را تجربه می کند. از جمله در احرام که لباس تقوا و خاکساری به تن می کند، شکوه بندگی و رقیت را به عمل می آورد و تواضع و فروتنی خود را به نمایش می گذارد.

۱- بحارالأنوار، ج ۹۹، ص ۴۰.

۲- سوره شوری، آیه ۴۵.

۳- حج عارفان، ص ۱۱۱.

زیارت و تحقق کمال نهایی نفس

سعادت از دیدگاه فارابی رسیدن آدمی به آخرین حد کمال یعنی عقل مستفاد است، به طوری که شایستگی آن را بیابد که عقل فعال، همه معقولات را به او افاضه کند. (۱) ارسطو نیز در کتاب دهم از «اخلاق نیکو ماخس» خیر برین را این گونه شرح می دهد:

«خیر برین نیروی فکری ای است که کفایت ذاتی دارد، حقیقت مطلق را درک می کند و خلاصه برترین فضیلت است، زیرا آدمی را به والاترین چیزی که در او قرار دارد یعنی عقل، واصل می سازد، خیر برین فضیلت فضایل است، زیرا به واقع هدایت کننده به سوی جنبه قدسی آدمی است». (۲) کندی نیز در فلسفه خود پیرامون سعادت نفس معتقد است که سعادت، دستیابی به محبوب ها و مطلوب های حسی و دنیویِ زوال پذیر نیست، بلکه سعادت حقیقی رسیدن به محبوب الهی و روحانی است و نزدیک شدن به خدای سبحان. (۳) چنان که گفتیم بهترین ظهور وصال به مطلوب، در فریضه حج تجلی می یابد.

خدای متعال که بنی آدم را از خاک آفرید و آنان را به سوی قرب خود دعوت نمود، به لطف خویش و از عالم خودشان معموره ای را بنا نهاد و نام آن را «بیت اللّه» گذاشت که این انسانی که در ظلمات عوالم طبیعت فرو رفته و در اسارت زندان آب و گل کره خاکی است، به واسطه آن، به قرب او دست یابد. آن را مطاف زایران و خواهندگان خود قرار داد، تا به دور آن طواف کنند و با او انس گیرند و به این ترتیب برای وصول به عوالم مافوق آن آمادگی یابند. برای این زیارت آدابی نیز قرار داد که همه پله های ترقی و صعود از عالم ملک به عوالم ملکوت، جبروت و لاهوت است. به عبارت دیگر این مناسک، زایر را برای زیارت کعبه حقیقی مستعد و مهیا می سازد که درباره آن فرمود: «لا یسعنی أرضی و سمائی بل یسعنی قلب عبدی المؤمن». (۴)

۱- تاریخ فلسفه در جهان اسلام، ص ۴۲۸.

۲- همان، ص ۷۰.

۳- همان، ص ۳۷۴.

۴- المراقبات، ج ۲، ص ۱۹۶.

سخن پایانی

روشن گشت که زیارت حج با وجود این عظمت و شکوه ظاهریِ وصف ناشدنی، خود می تواند نفس آدمی را به مرتبه ای از عظمت برساند که شکوه ظاهر در مقابل آن عظمت درون و آن حقیقت پنهان، قطره ای است در برابر اقیانوس. نفس نیز می توانـد به موهبت ماهیت مجرد خویش، عوالم مجرد و فوق طبیعت مادی را طی نموده و به مقام فنای فی اللّٰه و قرب ملکوت دست یابد. و نیز زایر به برکت تعالیم آسمانیِ حج می تواند به آثار و ره آوردهایی دست یابد که زیرا را از نشئه مادی این عالم خاکی به صیرورتی الهی برساند.

ص: ۸۵۰

فهرست منابع

۱. از میقات تا عرفات، عبداللّٰه درویش، نشر معارف، چاپ اول، قم، ۱۳۸۲.

۲. اسرار حج، محمدتقی اشتریان، تقریرات حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی، اسلام.

۳. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ترجمه و شرح محمد باقر کمره ای، اسوه، تهران، ۱۳۸۱.

۴. الاسفار الاربعه، صدرالدین محمد شیرازی، تصحیح و تحقیق: مقصود وحودی، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۳.

۵. امام خمینی و عرفان حج، محمدتقی رهبر، نشریه میقات حج، ش ۳۰.

۶. بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، چاپ سوم، بیروت، ۱۴۰۳ ق.

۷. تذکره المتقین، شیخ محمد بهاری همدانی، نهاوندی، چاپ اول، قم، ۱۳۷۵.

۸. تعلیم و تربیت در اسلام، مرتضی مطهری، صدرا، چاپ بیست و ششم، تهران، ۱۳۷۴.

۹. حج در کلام و پیام امام خمینی، امام خمینی قدس سره، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۶.

۱۰. حج عارفان، رحیم کارگر، مشعر، چاپ پنجم، قم، ۱۳۸۱.

۱۱. حقیقت روح، احمد زمردیان، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۲.

۱۲. رحیق مختوم، عبداللّٰه جوادی آملی، اسراء، چاپ اول، قم، ۱۳۷۶.

۱۳. رساله نفس، ابو علی سینا، تصحیح موسی عبید، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۳.

۱۴. روان شناسی اسلامی، حسین حقانی زنجانی، نشریه درس هایی از مکتب اسلام، قم، ۱۳۸۰.

۱۵. سفر نفس، عبداللّٰه نصری، تقریرات استاد حائری یزدی، نقش جهان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰.

۱۶. الشواهد الربوبیه فی مناهج السلوکیه، محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، تعلیق و تصحیح: سید جلال الدین آشتیانی، بوستان کتاب، چاپ سوم، قم، ۱۳۸۲.

۱۷. شوق دیدار، محمد مهدی رکنی، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۲.

۱۸. صهبای حج، عبداللّه جوادی آملی، اسراء، چاپ اول، قم، ۱۳۷۷.

۱۹. عرفان حج، عبداللّه جوادی آملی، به کوشش حسین رضوانی، مشعر، چاپ پنجم، ۱۳۸۰.

۲۰. علم النفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی و تطبیق آن با روان شناسی جدید، شکوه السادات بنی جمالی، دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۸۰.

۲۱. علیت از دیدگاه فیلسوفان مسلمان و فیلسوفان تجربه گرا، عین اللّه خادمی، بوستان کتاب، چاپ اول، قم، ۱۳۸۰.

۲۲. العین، خلیل بن احمد فراهیدی،، دارالهجره، قم، ۱۴۰۵ ق.

۲۳. کلام جدید، علی ربانی گلپایگانی، هاجر، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۵.

۲۴. مبانی فلسفی از منظر ابن سینا و ملاصدرا، محمد حسین خلیلی، بوستان کتاب، چاپ اول، قم، ۱۳۸۲.

۲۵. المراقبات، میرزا جواد ملکی تبریزی، ترجمه ابراهیم محدث بندر بیگی، انتشارات اخلاق، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۲۶. مصباح الشریعه، منسوب امام صادق علیه السلام، بیروت، الاعلمی، ۱۴۱۳ ق.

۲۷. معراج السعاده، ملا احمد نراقی، هجرت، چاپ اول، قم، ۱۳۷۱.

۲۸. معرفت نفس از دیدگاه حکیمان، عباس نیکزاد، انجمن معارف اسلامی ایران، چاپ اول، تهران، بهار ۱۳۸۲.

۲۹. مفاتیح الغیب، صدرالمتألهین شیرازی، ترجمه محمد خواجوی، مولی، چاپ اول تهران، ۱۳۶۳.

۳۰. مفردات الفاظ قرآن، راغب اصفهانی، تصحیح غلامرضا خسروی حسینی، مرتضوی، چاپ اول، ۱۳۶۳.

۳۱. میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، مکتبه الاعلام الاسلامی، چاپ اول، قم، ۱۳۶۲.

۹. لوازم، ارکان و آثار تربیتی سفرهای زیارتی

مریم صادقی

چکیده

انسان ها گاهی در اثر بروز فشارهای روانی ناشی از مصائب دنیا یا گناهان و معاصی، نیازمند پناه بردن به ملجأیی امن می شوند تا از سنگینی مشکلات پدیدار شده کاسته و خود را نجات دهند. حال این سؤال مطرح است که این ملجأ و مرجع کیست؟ چه ویژگی هایی دارد؟ آیا می توان به او دسترسی پیدا کرد؟ نوشتار حاضر در پی پاسخگویی به سؤالات مذکور، به بررسی مسأله زیارت می پردازد. زیارت یافتن همان است که درمان دردهای بشری است. همان که مزور نامیده می شود و با عنایت خاص خویش مربی نیازمندان است. زایر فطرتاً این ضرورت را احساس می کند که چنگ زدن به دامن انسانی مطهر و معصوم و کامل، متوسل شدن به وی و امیدوار گشتن به شفاعتش، از طریق زیارت امکان می یابد. این پژوهش با اشتمال بر مباحثی پیرامون زیارت و آداب و آثار تربیتی آن و با استفاده از روش کتابخانه ای در پی آن است تا با طرح مطالب در خور توجهی از آیات و روایات، به سؤالات مذکور در فوق پاسخ دهد.

کلیدواژه ها: زیارت، زایر، تربیت، شفاعت، توسل، ولایت.

مقدّمه

یکی از اصول و ارکان نظام فکری اسلام، پیمان ها و میثاق هایی است که از طرف پروردگار عالم اعلام شده است، مانند توحید و پذیرش ربوبیت پروردگار که میثاق الست و بزرگ ترین میثاق انسانی است، رسالت و نبوت انبیا علیهم السلام و قبول ره آورد

سفرای الهی که از پیمان های مسلّم دینی و قرآنی است و امامت و ولایت اوصیا علیهم السلام که از مهم ترین عهدها و قراردادهای ناگسستنی الهی است. شناسایی، تثبیت و تحکیم این گونه عهدها از رسالت های اولی و ضروری آحاد جامعه و امت اسلامی است. از آن جا که یکی از تأثیرات و کارکردهای حتمی و ارزشمند زیارت، همانا تثبیت میثاق و تحکیم عهد رسالت و امامت است، جای تأمل و توجه و بررسی دارد.

زیارت، عرصه بسیار مناسب و مؤثری در بازشناسی پیمان ها و امتیاز آنها از میثاق های بشری و نیز تجدید و تحکیم این قراردادهاست. بی تردید بهترین عامل برای نهادینه کردن و تقویت بافت های ایمانی و عهود الهی و نیز التزام فکری و روحی و التزام عملی آنها، عامل مؤثر زیارت است. همین پیمان هاست که گره وجودی و پیوند حقیقی بین انسان و حقایق الهی توحید، نبوت، امامت و ... ایجاد می کند. انسان در پناه این میثاق ها از لغزش ها مصون و از خطرات در امان است. این پیمان ها حلقه های ناگسستنی است که انسان را از فرو افتادن در ورطه زشتی ها و پلشتی ها حفظ کرده و به عالم خوبی ها و پسندیده ها وصل می کند. (۱) از این رهگذر، جریان زیارت عهد و پیمانی مستقیم بر فرد فرد جامعه اسلامی است که با ایجاد ارتباط کامل در همه ابعاد، ضمن آماده سازی فضای تبلیغ و هدایت و زدودن غبار اوهام، خرافات و اندیشه های باطل و نیز کنار زدن دست ظالمان و بداندیشان که همواره سدّ فیض کرده و مانع از اشراق نور امام و بهره گیری امت هستند، جان های صاف و صیقلی را به بار می نشاند و دل های مکدر و زنگار گرفته را با جلای وجودش روشنی و صفا می بخشد. سخن مذکور که الهام گرفته از حدیث نورانی امام رضا علیه السلام است، (۲) یادآور بیان الهی در قرآن مجید است که فرمود: «الَّذینَ یُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ لا یَنْقُضُونَ الْمیثاقَ* وَ الَّذینَ یَصِلُونَ ما أمَرَ اللَّهُ بِهِ أنْ یُوصَلَ»؛ (۳)

هم آنان

۱- فلسفه زیارت و آیین آن، ص ۱۰۵.

۲- ر. ک: اصول کافی، ج ۱، ص ۲۰۰ و ۲۰۱.

۳- سوره رعد، آیات ۲۰ و ۲۱.

که به پیمان خدا وفادارند و عهد او را نمی شکنند و آنان که به آنچه خدا به پیوستنش فرمان داده، می پیوندند.

از این رو امام رضا علیه السلام فرمود: برای هر یک از ائمه علیهم السلام، عهد و پیمانی بر عهده موالیان و شیعیانش وجود دارد و برای اتمام وفا به آن عهد، باید قبور آنان را زیارت کنند. بی تردید کسانی که با میل و رغبت به زیارت امامان خود می روند و به آورده های آنان ایمان داشته و تصدیق می کنند، از شفاعت و همراهی آنان در روز قیامت بهره می برند؛ (۱) بنابراین انسان همواره باید از خداوند متعال بخواهد تا او را موفق به وفای پیمان های الهی کند که از جمله آن دعای معروف «اللّهم لا تَجعلهُ آخِرَ العهدِ مِن زیارتی إیّاه» است. (۲) معنای لغوی و اصطلاحی زیارت

زور: به فتح(زا) قصد و میل است، زیارت در لغت، دیدار کردن با قصد را گویند که در ریشه این واژه، مفهوم میل و گرایش نهفته است؛ گویی زیارت کننده از دیگران روی گردانده و به سوی زیارت شونده تمایل دارد و قصد او را کرده است. (۳) زرتُ فلاناً: او را سینه به سینه ملاقات کردم یا رجل زائرٌ، و قوم زور: مردی و قومی زیارت کننده. (۴) ریشه «زور» در قرآن، چهار بار به صورت زُرْتُمْ، تزاوَرُ، الزور، زوراً آمده است مثل:

«حَتَّی زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ». (۵) لزیارهُ لغهٌ هی الحضور عندَ المزورِ ولکنّها فی عُرفِ الشیعه هی الحضورُ فی احدَی المَشاهدِ المقدّسهِ»؛ (۶) حضور در پیشگاه شخص به جسم و جان، با توجه قلبی و حضور دل نسبت به اولیای خدا زیارت است و زیارت یکی از اعمال پسندیده و سنت های برجسته است که در احادیث معصومین علیهم السلام به آن تأکید شده و پاداش های فراوانی

۱- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۵.

۲- بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۲۶۶.

۳- دایره المعارف تشیع، ج ۸، ص ۵۶۴.

۴- مفردات، ج ۲، ص ۱۶۹.

۵- سوره تکاثر، آیه ۲.

۶- دایره المعارف الاسلامیه، ج ۱۳، ص ۱۰۶.

برای زایر بیان گردیده است. (۱) ضرورت و اهداف تحقیق

باتوجه به این که همه ما در طول عمر خود حداقل چند بار به زیارت امامان معصوم علیهم السلام و یا حتی امامزادگان نایل می شویم، در این تحقیق سعی خواهد شد به آداب، شرایط، ارکان و آثار سفرهای زیارتی پرداخته شود چراکه انسان با زیارت کردن در این دنیای پیچیده و مدرن، مرهمی برای دل مشغولی های خود می یابد که شاید هیچ جای دیگر به چنین آرامش روحی و روانی نرسد. زیرا روایات متعددی در این زمینه وجود دارد که بیان می دارند دید و بازدید و صله ارحام، باعث افزایش طول عمر انسان می شود. این افزایش طول عمر، دلیلی ندارد جز انبساط خاطری که برای طرفین پیش می آید، پس به راحتی می توان نتیجه گرفت که زیارت امامان معصوم علیهم السلام به طریق اولی باعث آرامش روانی انسان می شود.

پیشینه موضوع

زیارت، از جمله کارهایی است که از زمان خلقت آدم وجود داشته است و در واقع اولین زایر، حضرت آدم علیه السلام و اولین مزور، خداوند متعال و اولین جایی که زیارت شده، خانه کعبه است. بنابراین زیارت، قدمتی دیرینه دارد که مساوی است با قدمت آفرینش انسان. در تفسیر آیه «وَ لَا آمّینَ الْبَیْتَ الْحَرامَ یَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَ رِضْواناً وَ إذا حَلَلْتُمْ فَاصْطادُوا وَ لا یَجْرِمَنَّكُمْ شَنَ آنُ قَوْمٍ أنْ صَدُّوكُمْ» (۲)

آمده است که انجام عمره و زیارت خانه خدا، امری مرسوم در نزد مشرکان عصر بعثت بوده است و در شأن نزول این آیه آمده است که مشرکان برای عمره و زیارت خانه خدا راهی مکه بودند و مسلمانان، خواهان هجوم به آنان شدند که در این هنگام این آیه نازل شد. در مورد کتاب های نوشته شده در زمینه زیارت می توان گفت: قدیمی ترین و کامل ترین کتاب،

۱- دایره المعارف تشیع، ج ۸، ص ۵۶۴.
۲- سوره مائده، آیه ۲.

کامل الزیارات نوشته ابن قولویه است که در آن، به آداب و اهمیت زیارت ائمه علیهم السلام پرداخته است. (۱) تاریخچه زیارت

الف) تاریخچه زیارت در میان بشر

زیارت دیداری مشتاقانه و احترام آمیز است، زیارت یک انگیزه فطری در بشر دارد و انسان به طور فطری پیشوایان دینی و رجال خدمتگزار سیاسی و اجتماعی را در حال حیات بزرگ می شمارد و به صور مختلف به آنها ادای احترام می کند. به همین منوال، پس از رحلت نیز به تعظیم، تکریم مدفن و آثار به جای مانده از آنها می پردازد و برای ادای احترام و بیان محبت خود، به زیارتشان می رود. بدین ترتیب، آدابی خاص همراه با خواندن ادعیه بر مرقد بزرگان دینی یا ملی میان تمام ملل و پیروان مذاهب به اشکال گوناگون رایج شده و این نشان می دهد که زیارت و تکریم انسان های برجسته و صاحب کمال، حتی بعد از مرگشان، همچون پرستش و عبادت، ریشه در فطرت بشر دارد. البته در این بحث، زیارت به معنای عامش مورد نظر است که زیارت غیر مسلمین و غیر ادیان را نیز در بر می گیرد و صرف نظر از بعد روحانی و معنوی آن، شامل مراسم و احترامی می شود که هر ملتی به پیشوا و رهبر خود ادا می کند.

به عبارت دقیق تر تعظیم و بزرگداشت بزرگان در گذشته همگانی و فطری است و به انگیزه ای درونی انجام می گیرد و مخصوص قوم و ملت خاصی نیست.

در حقیقت زیارت قبور بزرگان به بزرگداشت دین و علم و صلاح بر می گردد، یعنی مفاهیم والای انسانی که در نزد همه آدمیان- از هر نژاد و دینی که باشند- محترم و مقدس است و ریشه در سرشت انسان دارد و همین علاقه و انگیزه فطری، باعث ساختن معابد و زیارتگاه ها در دنیا شده است، (۲) و حرکت گروهی زایران به این

۱- تفسیر راهنما، ج ۴، ص ۲۲۷.

۲- شوق دیدار، ص ۱۸.

مکان های مقدس و باشکوه برای ستایش آفریدگار و احترام گذاردن به اولیای خدا و انسان های کامل و پاک، انگیزه طبیعی و درونی دارد. اعتقاد به خداوند و پذیرش پیشوایان دینی به عنوان بزرگ ترین مصلحین بشری، و احترام به آنها و انجام رسوم و آیین های مذهبی، همچون زیارت، اموری فطری است که قبل از هر تبلیغ و تعلیمی، دست خلقت در نهاد آدمیزاد نهاده است. و چون انسان طبعاً طالب و خواستار آنها بوده و گروهی سودجو هم از این میل طبیعی به نفع شخصی بهره گرفته، از اماکن مقدس، برای حکومت و قدرت خود استفاده های تبلیغاتی می کنند. به هر حال، صحنه گسترده زیارت، تمام سرزمین ها، ملت ها و اقوام گوناگون را در بر گرفته و پیروان هر مذهبی با اجرای آداب و سنن خاص، به پیشوایان خود ادای احترام می نمایند.

ب) زیارت در ادیان و اقوام دیگر

برای درک صحیح از واقعیت زیارت و این که تنها یک عبادت اسلامی نیست، کافی است بدانیم که این سنت در همه ادیان و مذاهب وجود دارد، اما شکل آن و اماکن و اشخاصی که زیارت می شوند و نقش حضور در مکان های مقدس و نوعی ادای احترام در آن جا، یک مسأله عمومی و جهانی است.

در آن سوی تاریخ، در بابل مردم بر قربانگاه های معابر، گوسفند به عنوان قربانی سر می بریدند و دعاها و اوراد مخصوصی می خواندند؛ بر پیکر بت ها روغن های خوشبو می مالیدند و در برابر آنها مواد معطر بخور می کردند و به ندبه و تضرع می پرداختند. (۱) در مصر باستان نیز مردم به زیارت خدایان می رفتند و نذور و قربانی های خود را به کاهنان تقدیم می کردند؛ زنان و مردان مصری وقت زیارت، هدایای خود را روی

۱- «زیارت در تمدن ها و ادیان دیگر»، ماهنامه زایر، شماره ۹۸، بهمن ۸۱.

میز سنگی قربانگاه که در زیر پای مجسمه الهی مصری قرار داشت، می گذاشتند و زانو می زدند و با پای برهنه به عبادت می نشستند. (۱) موضوع زیارت، وقتی در دین بودا مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد، جنبه احترام و تقدس آن به روشنی معلوم می گردد؛ زیرا در بوداییسم، زیارت اماکن مقدس و بودا پیشوایان مذهبی، جنبه پرستش آفریدگار را ندارد، بلکه فقط به عنوان احترام و بزرگداشت کسی است که زیارت می شود. زیارتگاه های بزرگ در چین، تبّت، سیلان، هند، برمه و کره، همگی از گسترش و عمومیت زیارت حکایت می کند.

سنت زیارت تنها به دین یا نژاد خاصی اختصاص ندارد؛ زیرا یکی از آداب مهم مذهبی در مسیحیت، زیارت اماکن مقدس می باشد. اولین زیارتگاه مسیحیان فلسطین بود، سپس در شهرهای اروپا، مقابر قدیسین و اولیا نیز به صورت زیارتگاه درآمد. در قرون وسطی، کاروان های عظیمی از قلب اروپا برای زیارت بیت المقدس به راه می افتادند که با مشکلات و سختی های بسیار، مسافت زیادی را طی می کردند تا خود را به اورشلیم برسانند. (۲) بیت المقدس در نزد یهودیان و مسیحیان و مسلمانان هر سه، مقدس و زیارتگاه است و از زیارتگاه های مسلمانان در این شهر می توان از قبه الصخره و مسجد اقصی نام برد.

دیوار ندبه در نزد یهودیان مقدس است. مسیحیان مخصوصاً کلیسای قبر مقدس را تقدیس می کنند. کلیساها و زیارتگاه هایی که هر یک یادگار یکی از حوادث مذکور در کتاب قدس یا قدیسین است، در اورشلیم فراوان است. اورشلیم لااقل از قرن پانزدهم قبل از میلاد سابقه دارد و قدمت این زیارتگاه، تا حدّ زیادی گسترش عمل زیارت در بعد زمان را آشکار می نماید.

۱- تاریخ و فلسفه مذاهب جهان، مذاهب خاموش، ص ۴۴.

۲- «همه ما در دنیای پیچیده امروز نیازمند فضای معنوی مانند زیارت هستیم». قدس، ۱۵/ ۱۱/ ۸۲ گفتگو بازهرا دلپذیر.

اگر دقیقاً به فلسفه زیارت مقابر مهم و اماکن مقدس در دنیای مسیحیت توجه کنیم، در می یابیم که هم اکنون دنیای به اصطلاح متمدن، نه تنها خود را بی نیاز از زیارت نمی داند، بلکه فطرتاً ستایش و زیارت قبور مقدس را برای تشفی آلام دنیا نیز ضروری می داند. زیارتگاه جایی است که انسان خالی از گرفتاری های تمدن جدید، می تواند با کسی راز و نیاز کند و درد دل خویش را با او در میان نهد و چون دوستی خالص و بی ریا، مکنونات قلبی خود را بیان نماید. درک این واقعیت و نیاز فطری، باعث شده است که در کشورهای انگلستان، فرانسه، ایتالیا، زیارتگاه های بزرگ که هر یک به نام خاصی معروفند، وجود داشته باشد.

رم که پس از بیت المقدس، مهم ترین زیارتگاه های مسیحیت را در خود جای داده است، همه ساله زایران بی شماری را به خود جلب می نماید. در آن جا مردم با نذر و نیازها و استمداد و دعاهای خاص، شکل ویژه ای به زیارت می دهند.

پیچیده ترین شکل زیارت، در مذهب هندو وجود دارد که از یک رشته آداب و تشریفات خاصی برخوردار است. هندو باید قبل از زیارت، حتماً بدن را شست وشو داده و غسل کرده باشد و پاک و تمیز به زیارت برود، و نیز زایر باید گل و گلاب همراه داشته باشد که در موقع زیارت با نثار گل، فضای زیارتگاه را عطرآگین نماید. نقاط مختلف زیارتگاه با آیینه های بلند شفاف که پرتو شمع ها در آن، زیبایی خاصی به وجود آورده، تزیین شده است. فضای زیارتگاه با بوهای خوش مشک و عنبر و عود و کندور پر شده است. زایر باید هنگام زیارت، با سر پوشیده و با حجاب وارد زیارتگاه شود. این عمل درباره زنان در هر سن و سالی که هستند الزامی است؛ ولی مردان می توانند از همان گل هایی که نثار می شود، طوقی بر گردن اندازند یا دسته ای بر سر نهند. (۱) بزرگ ترین زیارتگاه های هندوان در بنارس، همه ساله میلیون ها زایر را به

۱- CD نمایه اطلاعات، مجلس شورای اسلامی: به نقل از زیارت، زدودن غبار از انزوای دل/ قدس.

سوی خود جلب می نماید، در شهر «امریت سر» که معبد طلایی معروف، در آن وجود دارد، شیوه زیارت و تشریفات ویژه آن واقعاً دیدنی است.

ج) زیارت در تاریخ اسلام و تشیع

زیارت و تاریخ آن در اسلام، همراه با شور و شوق ها و رنج و سوگ هاست؛ شور ایمان و شوق دیدار محبوب، با رنج سفر و آزار دشمنان و سوگ از دست دادن ائمه هدایت و اولیای خدا همراه بوده است.

برای بررسی ابعاد تاریخی زیارت در اسلام، ابتدا به دوران حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و سیره ایشان در این زمینه رجوع می کنیم، چون زندگی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای ما بهترین اسوه و سرمشق است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در طول زندگانی خود، بارها به زیارت قبور شهدا می رفت و در میان جمع یا تنها و در هنگام روز یا نیمه شب ها در کنار تربت پاک شهیدان حضور یافته، با ایشان سخن می گفت. همچنین نمونه نخستین زیارت ها و بهترین زایران در صدر اسلام، زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله از مادر مکرمه خویش در حجه الوداع می باشد که در تاریخ ثبت گردیده است.

یکی دیگر از وقایعی که در تاریخ صدر اسلام ثبت شده، سفر اویس قرنی از شهر و دیارش به سوی مدینه و به قصد زیارت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است. اویس، عاشق پیامبر صلی الله علیه و آله بود و چون به مدینه رسید، آن حضرت برای شرکت در جنگ از شهر مدینه خارج گشته بود. اویس مادر پیری داشت که از دو چشم نابینا و از شدت ضعف و پیری، دست و پایش سست شده بود. اویس به خاطر سفارش مادرش، پس از تحمل مشقات سفر و رسیدن به مدینه، با توقف کوتاهی، بدون آن که پیامبر صلی الله علیه و آله را زیارت کند، به نزد مادرش بازگشت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از بازگشت به مدینه فرمود: «

یفوحُ روائِحَ الجنّه مِن قِبَلِ القَرَن وا شَوقاه إلیک یا اویس القرن

»؛ (۱) نسیم بهشت از جانب قرن می وزد،

۱- کتاب اویس قرن(منقول در منبع پیشین).

سپس اظهار شوق به دیدار اویس قرن نمود و فرمود: هر کس او را ملاقات نمود، سلام مرا به او برساند.

نمونه دیگری از زیارت در صدر اسلام، سفر معراج پیامبر صلی الله علیه و آله است که در آغاز به مسجد الاقصی رفت، پس از دیدار از آن مسجد که یادگار انبیای گذشته است، به معراج صعود کرد، در همین سفر بنا بر نقل بعضی تواریخ، زیارتگاه های زمین را هم زیارت نمود. (۱) پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و انحراف رهبری اسلام، حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله و بارگاه مطهر ایشان پناهگاهی برای حق جویان و حقیقت طلبان شد. بلال حبشی موذن رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به خاطر خوابی که دید و پیامبر صلی الله علیه و آله در عالم رؤیا به او فرمود: «ای بلال! این جفا چیست؟ آیا وقت آن نرسید که به دیدارم بیایی؟» اندوهگین بیدار شد و به زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله شتافت. (۲) زیارت حضرت زهرا علیها السلام از مرقد مطهر پدر بزرگوارش وسیله ای برای هدایت و آگاهی امتی بود که عهد خود را با پیامبر صلی الله علیه و آله در روز غدیر فراموش کرده بود.

یکی دیگر از زیاراتی که در تاریخ صدر اسلام ثبت شده، دیدار صعصعه بن صوحان عبدی، از مزار مولای متقیان حضرت علی علیه السلام است.

در بررسی تاریخی زیارت به این نکته مهم و اساسی واقف می شویم که مدفن پاک حضرت محمد صلی الله علیه و آله در مدینه، مرکز تبلیغ مکتب اسلام بود و در حقیقت مسجدالنبی پس از وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز توسط ائمه معصومین علیهم السلام، پایگاه دین و معرفت توحیدی و مرکز اسلام شناسی شناخته می شود.

به طور کلی، یکی از نکات جالب توجه در زندگی امامان شیعه علیهم السلام که کم تر در آن دقت شده است، ماندن آنها در مدینه است.

۱- بررسی کوتاهی پیرامون زیارت، ص ۶۲.

۲- الغدیر، ج ۵، ص ۱۴۶ و ۱۴۷.

آنها در گرد مشعل فروزان بارگاه پیامبر صلی الله علیه و آله می آمدند و به مردم درس حرکت و قیام و راه عشق و عرفان می آموختند؛ و هنگامی که به اجبار یا به ضرورت می خواستند از مدینه پیامبر صلی الله علیه و آله دور شوند، باز هم به زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله می آمدند و با زیارت خویش مردم را بیدار می کردند و چهره دشمنان اسلام را از این طریق رسوا می نمودند. (۱) امام حسین علیه السلام بر اثر فشار یزید برای بیعت، هنگامی که مجبور شد از مدینه به مکه پناه ببرد تا با خلافت کفر و نفاق بیعت نکند، در روزهای آخر چندین بار بر سر قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله می آید و با آن حضرت وداع می کند. امام موسی بن جعفر علیه السلام و امام رضا علیه السلام نیز قبل از زندان و تبعید با زیارت وداع جد بزرگوارشان، حقانیت خاندان علی علیه السلام را ثابت نموده و دشمن را رسوا کردند.

در تاریخ اسلام پس از مدینه، کربلا از زیارتگاه های مقدس مسلمانان بود. کربلا را انبیای پیشین می شناختند و برای مصیبت های حسین علیه السلام اشک ها ریخته بودند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بارها داستان کربلا را برای دوستان و نزدیکان خود گفته بود.

فلسفه تأکید و ترغیب و تشویق ائمه اطهار علیهم السلام به زیارت امام حسین علیه السلام و ایجاد ارتباط و پیوند معنوی با سید شهیدان، زنده ماندن دین و عقیده، از طریق زیارت است و این که مسلمانان در دیدار با امام تجدید پیمان نموده و وفاداری خود را به راه آن حضرت اعلام نمایند. لذا همواره کربلا پایگاه تشکل شیعه بود و دشمن از این جنبه سیاسی انقلابی زیارت که از معنویت مزور و مضامین دگرگون ساز زیارتنامه نشأت می گیرد، وحشت داشت.

مرقد امام حسین علیه السلام در تاریخ، کانونی روشنی بخش برای زایران حسینی بود و مردم از طریق زیارت سالار شهیدان به حقانیت اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پی برده و این شناخت به گسترش و رشد فرهنگ اسلامی و شیعی کمک مؤثری می کرد و مزار

۱- زیارت، ص ۶۳.

امامان معصوم علیهم السلام را به دانشگاه علوم اسلامی و مرکز معرفت و عبادت و محل تجمع شیعیان و پایگاه حرکت های انقلابی آنان تبدیل نمود.

نیاز انسان به زیارت

الف) نیاز فطری انسان به الگو

از بارزترین تفاوت های عمده بینش تربیتی اسلام با نگرش های تربیتی مکاتب دیگر، حضور الگوهای متعالی در این مکتب و فقدان چنین الگوهایی در مکتب های غیر الهی است. برخورداری از الگو و اسوه ای که تحقق بخش آرمان ها و اهداف یک مکتب است، نشانه ای بارز از توفیق آن مکتب در به ثمر رساندن آرمان های خویش می باشد. از این رو توجه به نقش تعیین کننده اسوه ها و قدوه ها، در تربیت، تأثیری غیر قابل انکار دارد. متربی بیش از آنچه که از پیام های مربی اثر می گیرد، عمل و رفتار مربی را میزان و ملاک ارزشیابی قرار می دهد، لذا حضور اسوه های متعالی در هر مکتب تربیتی، تعیین کننده میزان پویایی و تحول آفرینی آن مکتب می باشد.

در قرآن و احادیث معصومین علیهم السلام، اسوه ها و الگوها به خوبی معرفی شده اند. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ابراهیم خلیل علیه السلام و پیروان حقیقی آنان به نام اسوه یاد شده است و به ایمان آورندگان تفهیم شده که اگر کسی تسلیم کامل و محض خدای تعالی باشد و اوامر او را دقیقاً اجرا نماید، خداوند او را متعالی می سازد و به مقام والای اسوه بودن در کنار رهبران الهی ارتقا می دهد. «قَدْ کانَتْ لَکُمْ اسْوَهٌ حَسَنَهٌ فی إبْراهیمَ وَ الَّذینَ مَعَهُ»؛ (۱)

بی تردید برای شما الگویی نیکو وجود دارد در ابراهیم و آنان که با اویند. «لَقَدْ کانَ لَکُمْ فی رَسُولِ اللَّهِ اسْوَهٌ حَسَنَهٌ»؛ (۲)

قطعاً در رسول خدا اسوه نیکویی برای شماست. «لَقَدْ کانَ لَکُمْ فیهِمْ اسْوَهٌ حَسَنَهٌ لِمَنْ کانَ یَرْجُوا اللَّهَ وَ الْیَوْمَ ٱلآخِرَ ...»؛ (۳)

یقیناً برای شما، در میان

۱- سوره ممتحنه، آیه ۴.

۲- سوره احزاب، آیه ۲۱.

۳- سوره ممتحنه، آیه ۶.

ایشان الگویی نیکو وجود دارد [الگو] برای کسی که به خدا و روز واپسین امید دارد.

با توجه به آیات قرآنی و سخنان ائمه اطهار درباره اسوه های نیکو به این نتیجه نهایی دست می یابیم که روش الگویی یا روش اسوه سازی در ادیان الهی به عنوان بهترین روش عملی برای تربیت انسان مطرح شده و این روش، با تکیه بر اصل «همانندسازی با الگوهای برتر» می تواند در جهت انسان سازی و نیز تشکیل مدینه فاضله انسانی، راهگشای ما و پاسخگوی نیاز فطری انسان ها در همه اعصار و قرون باشد. همان گونه که رهبران الهی در زمان حیات اسوه بودند، در زمان ممات نیز الگو می باشند، از این رو یکی از آثار زیارت الگوپذیری از آنان است.

ب) فقر انسان امروز از داشتن الگوهای سالم

متأسفانه در جوامع امروزی، انسان از داشتن الگوهای سالم و کامل محروم بوده و وجود الگوهای منحط و مبتذل، ضربه مهلکی به جوامع بشری وارد آورده است. با وجود پیشرفت عظیم تکنیک و صنعت و تمدن جدید، انسان امروز بیش از هر زمان دیگری به الگوی «انسان کامل» نیازمند است و اصولًا رنج و پریشانی و سرگردانی تمدن جدید، معلول نداشتن سرمشق زندگی و سرمشق معنویت و الگوهای خوب انسانی است. (۱) دکتر شریعتی می گوید: «اگرچه در شرایط کنونی، انسان امروز بیش از هر زمان دیگری وسیله سفر و قدرت رفتن به سوی کمال را پیدا کرده؛ اما چون راهنما ندارد و راهش مشخص نیست و علامت ها را برداشته اند، راه را گم کرده است. انسان امروز بیش از همه توانایی رفتن دارد، اما دانایی رفتن را ندارد و این پریشانی و سرگردانی، زاییده نداشتن الگو و رهبر است». (۲) متأسفانه نسل جوان امروزی، در عین حال که در عصرشان علم قوی تر است،

۱- امت و امامت، ص ۹۹.

۲- همان، ص ۹۲.

بینش و منطق و قـدرتشان قوی تر است، امـا گمراهی و تزلزل شخصـیت و پریشانی فکری آنها از نسل های قـدیم بیشتر است و این، به دلیـل نداشـتن الگوهـای کامل انسانی است. چنین انسانی مبـدأ و منتهای حرکت و آفرینش انسان را نمی دانـد و در اثر این نـادانی، در راه زنـدگی از رفتن به سوی کمـال و رشـد انسـانی که همـان عبودیت و بنـدگی خـداست، باز می مانـد و این سرنوشتی که در طول تاریـخ بشـریت، بسـیاری از انسـان هـا دچـار آن گشـته و با نپـذیرفتن دعوت رسولان الهی و حجت های خداوند، دست به دامان الگوهای غیر متعالی شده و با چنین مستمسـکی، دچار ضـلالت و گمراهی ابدی گشـته و روی فلاح و سعادت را ندیدند و داستان چنین انسان هایی در قرآن ذکر شده است. (۱) ج) لطف خدا در ارائه الگوهای برتر

مکتب تربیتی اسلام با احاطه بر نیاز انسان به الگو و جهت پاسخگویی به این نیاز فطری و سرشتی انسان، الگوهای متعالی را در اختیار انسان ها قرار داد، در هر زمان و شـرایطی، امکان تماس و ایجاد ارتباط واقعی انسان با امام و الگو و اسوه حسـنه را میسر می داند و این انسان است که باید به چنین ارتباطی، به طور دائمی توجه داشته و از آثار تربیتی چنین کمالی، برخوردار بشود.

همان گونه که مطرح شـد، می دانیم که اسـلام برای پاسـخگویی به نیاز انسان ها، اصل هماننـدسازی با الگوهای برتر را تحت عنوان «نبوت و امـامت» مطرح نموده و تمـام محتوای نظری مکتب را در وجود نبی و امـام، به عنوان یـک حقیقت عینی و قابل لمس به نمایش گذاشـته است و این چهارده معصوم را که مظهر همه صـفات جمالیه خداونـد و جامع جمیع کمالات روحی و ملکات نفسانی و دریای علم و حکمت و مظهر تقوا و پارسایی و مجسـمه زهـد و حلم و سایر خصائل سـتوده هسـتند، به عنوان گل های سر

۱- ر. ک: تفسیر بُشری، ج ۳، ص ۶۵.

سبد خلقت و گوهرهای درخشان آفرینش به انسان ها معرفی نموده است.

اسلام با عنایت به فقر ذاتی انسان در انتخاب الگوها و با توجه به نیاز فطری او به اسوه و امام، (۱) با معرفی چهارده معصوم پاک و نورانی، این خلأ روحی را پر نموده و در کنار محتوای نظری مکتب، نمونه های عملی را به انسان ها معرفی کرده و آنان را بالاترین مرجع برای تربیت بشر و بهترین وسیله، جهت نیل به هدف غایی تربیت می داند.

د) ویژگی های الگوهای متعالی

در مباحث پیشین مطرح شد که چهارده معصوم علیهم السلام به عنوان الگوهای متعالی، و انسان های کامل معصوم، رهبرانی هدایت شده هستند که شایستگی هدایت دیگران را نیز دارند. لذا خداوند اینان را به عنوان الگوهای متعالی به بشر معرفی نموده است، مهم ترین ویژگی های الگوهای متعالی عبارتند از: ۱. عصمت؛ ۲. علم؛ ۳. وسیله تقرب به خدا.

نظر به این که بحث درباره عصمت و علم پیشوایان الهی و رهبران آسمانی از عهده این نوشتار خارج می باشد، از این رو فقط در مورد وسیله تقرب به خدا بودن آنان که مهم ترین ویژگی الگوهای متعالی است، اشاره می شود.

زیارت وسیله تقرب به خداوند

از آن جا که والاترین هدف خلقت، الهی شدن انسان و تقرب جستن به خداوند است، و منظور از تقرب، نزدیک شدن به خداوند، از طریق کسب فضایل، آراسته شدن به مکارم اخلاق، و نیز تخلق به اخلاق اللّٰه، به وسیله بندگی و طاعت و اخلاص و تقواست، از این رو زیارت چون پیوند و تجدید عهد با بندگان خالص خداوند است،

۱- در برخی تفاسیر، در ذیل آیه: «يَبْتَغُونَ إِلى رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ» نوشته اند که مراد از الوسیله امام است.(علی بن ابراهیم تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۹۵.

زمینه کسب صفات شایسته و عامل رشد معنوی شده و در نتیجه سبب تقرب به خدا می گردد. وقتی در زیارت، انسان ناقص، در برابر انسان کامل قرار می گیرد و به آن نمونه و الگو توجه می کند، انگیزه کمال یابی، او را به قرب معنوی به خدا متوجه می کند و زیارت، مایه تقرب می گردد. در حقیقت تقرب به اولیای خدا، راهی است برای تقرب به خدا. (۱) بنابراین، زیارت امام، وسیله نزدیک شدن و تقرب جستن به خداوند است و آراسته شدن به اوصاف و اخلاقیات معصومین علیهم السلام، آراستگی به اوصاف الهی است و در همین قرب به خدا، کمال وجود انسان نهفته است.

ارکان زیارت

الف) مربی (۲)(معصوم یا مزور)

ائمه طاهرین علیهم السلام که بهترین مربی (۳) انسان هستند، مرکز و محور زیارت می باشند و انسان زایر با اعتقاد به جاودانگی روح آنان، در مزار مقدس و حرم مطهر این اسوه های هدایت سر تعظیم فرود می آورد و حضور چنین مربیان بزرگی را در برابر خود احساس می کند و در چنین شرایط روحانی، عبارات ارزنده «زیارتنامه» را بر زبان جاری و با خدای متعال و امام خویش، راز و نیاز می کند و در چنین ارتباط و تماس معنوی، بهره ها و فیض های فراوان از محضر نورانی و مقدس امام خویش، کسب می نماید.

۱- CD نمایه مقالات(کتابخانه مجلس شورای اسلامی) حاوی: عبداللّه امامی، «آثار تربیتی زیارت»، نشریه قدس ۳/ ۴/ ۸۳.

۲- زیارت فرآیندی تربیتی است و آثار آن موجب رشد انسان و فزونی کمالات در او می شود. [ربوه: فزونی]

۳- انبیای عظام و اولیای الهی هم می توانند مربی و مزور باشند، اما ائمه به عنوان حجج نهایی و اکمل حق برزمین بیشتر مورد توجه اند.

اسلام، امام را زنده همیشه جاوید و شهید شاهد می داند و بر اساس منطق قرآن، شهدا از حیات ابدی برخوردارند و در نزد خدا متنعم می باشند. ائمه طاهرین علیهم السلام که همگی در راه هدایت انسان به سوی خداوند به شهادت رسیدند، مصداق بارز این آیه قرآن بوده و روح والا و بزرگ ایشان، حاضر و ناظر بر اعمال بندگان خداست: «وَ لا تَحْسَبَنَّ الَّذینَ قُتِلُوا فی سَبیلِ اللَّهِ أمْواتاً بَلْ أحْیاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ». (۱)

ائمه طاهرین علیهم السلام با قدرت معنوی که دارند، برای رفع حاجت ها و نیازهای مردم، اقدام نموده و همان گونه که در دوران عمر پر برکت خویش، به یاری انسان ها می شتافتند. پس از شهادت نیز، پناه مظلومان و یار ستمدیدگان و فریادرس بیچارگان هستند. زایر با چنین درک و باوری از امام، در حرم مطهر ایشان حاضر می شود و با حضور قلب و توجه خالصانه به وجود نورانی و مقدس ایشان ابراز ارادت نموده و خود را از ابعاد محدود زمان و مکان خارج کرده و با توسلی پر شور و زیارتی عاشقانه به دیدار الگوهای متعالی و جاودانه می شتابد و در حد توان و ظرفیت روحی و معنوی خویش، از محضر پر فیض آنان کسب معرفت و نورانیت می نماید.

با ترسیم جایگاه والای امام در هدایت و تربیت انسان، لازم دیدیم که حقوق امام بر شیعیانش را مطرح نماییم تا زائری که به دیدار امام خود می شتابد با شناخت و معرفت به این حق، یک زیارت با معرفت داشته باشد و تا آن جا که می تواند در ادای دین حقوق، سعی و تلاش نماید.

۱. حق وجود و بقا

خداوند به برکت وجود امام، تمام بندگانش را می آفریند و اگر امام نبود، هیچ کس نبود؛ بلکه اگر امام نبود، نه زمین وجود می یافت و نه فلک خلق می شد. (۲) ائمه طاهرین علیهم السلام در رساندن فیض های خداوند به سایر مخلوقاتش، واسطه

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۶۹.

۲- مکیال المکارم، ج ۱، ص ۹۰.

هستند و معنی این جمله از دعای ندبه «أَیْنَ السببُ المتّصل بَینَ الارضِ وَ السماء» که امام را یک اتصالی میان آسمان و زمین می داند، همین است. بنابراین امامان معصوم علیهم السلام از خداوند تعالی درخواست می کنند و به خاطر اجابت درخواست آنها و تعظیم حقّ ایشان، به آفریده های خود روزی می دهد. (۱) بنابراین وجود ائمه طاهرین علیهم السلام، ضامن وجود و بقای هستی و آفرینش است و زایر باید بداند که به برکت وجود امام، او هم از نعمتِ هستی، بهره مند شده و لذا با چنین درک و بینشی، زایر باید هستی خود را خالصانه فدای امام خویش نماید و زندگیش را برای رضای امام صرف کند. همان گونه امامان نیز برای هدایت انسان ها ایثار و فداکاری کردند.

اگر امام روی زمین نباشد، هیچ چیز در این دنیا برقرار نمی ماند. امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر زمین بدون امام بماند، از هم می پاشد». (۲) و نیز فرمود: «اگر زمین، یک ساعت از حجت الهی خالی بماند، اهلش را فرو می برد». (۳) بنابراین وجود امام و حجت خدا روی زمین، ضامن بقا و تداوم هستی است.

۲. حق قرابت و خویشاوندی پیامبر

طبق آیات صریح قرآن، مودت و محبت به قربی(ائمه معصومین علیهم السلام) واجب است.

قرآن کریم می فرماید: «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أجْرًا إلَّا الْمَوَدَّهَ فی الْقُرْبی»؛ (۴)

ای پیامبر به امت بگو که من از شما برای تبلیغ رسالت، توقع مزد و پاداش ندارم، جز این که درباره خویشاوندانم مودت و محبت ورزید. امام باقر علیه السلام می فرمایند: «منظور از " قربی " در این آیه امامان هستند». امام حسین علیه السلام نیز در تفسیر قول خداوند عزوجل می فرماید که منظور از «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أجْرًا إلَّا الْمَوَدَّهَ فی الْقُرْبی»، دوستی و قرابتی است که به

۱- الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۸۴(منقول در مکیال).

۲- کافی، ج ۱، ص ۱۷۹.

۳- غیبت نعمانی، ص ۲۰۳(باب ۱۰).

۴- سوره شوری، آیه ۲۳.

وسیله آن دوستی، به خداونـد نزدیـک تر شویم که این بزرگ ترین حق است و آن را برای ما مایه خیر قرار داده و نزدیکی به اهـل بیت را بر هر مسلمانی واجب کرده است. (۱) بنـابراین زایر بایـد این مودت را در قلب و باطن خویش داشته باشـد و در هنگام زیارت، معرفت خود را همراه با محبت و مودت خالصانه به ساحت مقدس ائمه طاهرین علیهم السلام ابراز نماید که این خواسته رسول خدا صلی الله علیه و آله در قرآن است.

۳. حق مُنعِم بر مُنعَمٌ علیه و حق واسطه نعمت

تمـام بهره ها و استفاده هایی که به مردم می رسـد، به برکت وجود امام آن زمان است و در زیارت جامعه می خوانیم که ائمه طاهرین علیهم السـلام «اولیاء النِّعم» هسـتند، یعنی آنها ولی نعمت ما می باشـند و زایر بایـد حق منعم را بر متنعم بجا آورد و در هنگام زیارت بلکه در تمام زندگی خود، به ادای چنین حقی بپردازد.

زایری که بفهمـد امـام ولی نعمت اوست، در برابر او شکرگزار و خـاضع خواهـد بـود و می دانـد که هر چه دارد، خداونـد به واسطه وجود امام، به او عطا کرده است و این بینش در دعا و زیارت و راز و نیاز زایر با امام، تأثیر به سزایی خواهد داشت.

۴. حق پدر بر فرزند

این روایت صریح که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «

أنا و علیّ ابَوا هذهِ الامه

»؛ من و علی دو پـدر این امت هستیم، بیانگر این است که زایر باید امام را پدر حقیقی خود بداند؛ (۲) امام رضا علیه السلام نیز در توصیـف امام فرمود: «الإمام الأنیس الرفیق و الوالد الشـفیق»؛ (۳) امام همـدم و رفیق و پـدر دلسوز و مهربان است. با تعمق و دقت بیشتر در این روایـات و امثـال آنهـا در می یـابیم که دلسوزی امام برای هـدایت امت و نگرانی حجت خـدا برای سـعادت انسان ها، بیشتر از پدر هر کسی است و امام از هر پدری، به حال فرزندانش، دلسوزتر

۱- البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۱۲۴.

۲- حکمت عبادات، ص ۲۵۱.

۳- کافی، ج ۱، ص ۳۸۷ و ۳۸۸.

است و بر وجود انسان ها احاطه معنوی دارد و نوعی ارتباط روحی و قلبی میان ائمه طاهرین و مؤمنین وجود دارد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «من درختی هستم که فاطمه علیها السلام شاخه آن و علی پیوند و حسن و حسین میوه آن و دوستانشان از امت من، برگ های آن درخت می باشند». (۱) بنابراین زایر همچون برگ درخت طیبه است و ریشه این درخت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و شاخه های آن ائمه طاهرین علیهم السلام می باشند.

این برگ اگر بخواهد همیشه سرسبز و شاداب بماند، باید از این درخت آسمانی جدا نشود و زیارت، عبادتی است که انسان را به حجت های الهی نزدیک می گرداند و با این پیوند و نزدیکی فرزند به پدر و برگ به درخت، اعتقادات زایر پابرجا و استوار خواهد ماند، و حوادث روزگار و هجوم فرهنگ های بیگانه، خللی بر آنها وارد نمی کند.

۵. حق آقا و ارباب بر بنده(ولیّ و مُوَلّی علیه)

از مجموع حقوقی که گفته شد، بیان سیادت و آقایی امامان علیهم السلام نسبت به ما ثابت می شود و معنی سیادت آن بزرگواران، این است که آنها از خود ما در تمام امور، اولی و سزاوارترند که خداوند فرمود: «النَّبِیُّ أَوْلی بِالْمُؤْمِنینَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ». (۲)

بنابراین همان گونه که یک بنده از مولایش اطاعت می کند، ما نیز باید در اطاعت از مولایمان تسلیم محض باشیم و البته این اطاعت همراه با عشق و محبت و معرفت اثرات نیکویی دارد.

۶. حق عالم بر متعلم

ائمه معصومین علیهم السلام راسخین در علم (۳) هستند و خداوند دستور داده که مردم هر چه می خواهند، از خاندان وحی بپرسند که ایشان اهل ذکرند. (۴) در حقیقت تفسیر و تأویل

۱- جوامع الجامع، ج ۳، ص ۳۱۱.

۲- سوره احزاب، آیه ۶.

۳- سوره آل عمران، آیه ۷؛ «وَ ما یَعْلَمُ تَأْویلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرّاسِخُونَ فی الْعِلْمِ».

۴- سوره انبیاء، آیه ۷؛ «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ».

قرآن، به دست ائمه طاهرین علیهم السلام انجام می گیرد؛ لذا قرآن در کنار حجت خدا و امام می تواند انسان را هدایت نماید.

اگر زایر، خود را متعلم بداند و به شوق دیدار امام و معلم و مربی خود حرکت نماید، به این امید که از دریای علم و معرفت امام خود بهره مند شود، مسلماً از زیارت خود، نتایج معرفتی و شناخت بسیاری عایدش می شود و می فهمد که عالمان حقیقی ائمه طاهرین علیهم السلام هستند و علم واقعی و صحیح نزد ایشان است.

شایسته نیست که زایر در ادای وظایف متعلم نسبت به عالم کوتاهی کند و این توجه باید قبل از زیارت و در حین زیارت بلکه پس از آن و در تمام زندگی او وجود داشته باشد.

۷. حق ولایت امر

یکی دیگر از حقوق، حق ولایت امر است، و از بزرگ ترین حق هایی که خداوند واجب نموده، حقّ والی است. امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرمایند: «هر که مقام ولایت امامتش را درک کند، مزه شیرین ولایت را خواهد چشید و امتیاز نیکویی اسلام را خواهد داشت؛ زیرا خداوند تبارک و تعالی، امام را برای رهبری خلق خود قرار داده و او را بر اهل طبیعت و جهان خود حجت ساخته است ... خداوند جز به معرفت امام، اعمال بندگانش را نپذیرد». (۱) آنان حجت های الهی و اعیان و داعیان مردم به سوی خدایند که با راهنمایی های آنان، بندگان خدا دینداری می کنند و سرزمین ها به نورشان آباد گردد و از برکت آنان، ثروت ها و ذخایر کهن افزوده شود. پروردگار عالم، آنان را مایه حیات و زندگی مردم ساخته و به وسیله ایشان تاریکی ها را روشن نموده و آنان را کلیدهای سخن و ستون های اسلام قرار داده است. (۲) از جمله حق ولایت امر، آن است که آنچه می گوید،

۱- کافی، ج ۱، ص ۲۰۳.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۲.

بشنوند و او را اطاعت کنند که خداوند فرمود: «أطیعُوا اللَّهَ وَ أطیعُوا الرَّسُولَ وَ اولی الْأَمْرِ مِنْکُمْ». (۱)

در مباحثی که درباره مربی(معصوم) عنوان شد، نتیجه گرفتیم که امام بر گردن شیعیان حقوقی دارد و شیعه واقعی کسی است که حقوق امام خود را ادا نماید و در حوزه رهبری امام خویش، حرکت کند و خواسته ها و آرزوهایش و اعمال و رفتارش، مورد رضای باطنی امام قرار گیرد که همان رضایت خداوند است.

زیارت که بهترین روش ارتباط امام با مأموم است، در حقیقت انگیزه و محرکی برای انسان است تا به دیدار مربی و معلم و ولی نعمت خویش برود و با امام خود دیدار کند و حضور امام را در زندگی به ثبوت برساند.

ب) متربی(انسان یا زایر)

اینک باید پرسید زایر واقعی کیست؟ برای یافتن پاسخ این سؤال، به کلام معصومین علیهم السلام رجوع می کنیم. امام جواد علیه السلام درباره زیارت حضرت رضا علیه السلام فرمودند:

«اگر کسی با شناخت حق وی، او را زیارت کند، برای او ثواب هزار حج نوشته می شود». (۲) از امام کاظم علیه السلام رسیده است: «هر کس امام رضا علیه السلام را(که در شهر غربت از دنیا می رود) زیارت کند، در حالی که تسلیم امر او و عارف به حقش باشد، در پیشگاه الهی از منزلت شهدای بدر برخوردار است». (۳) در این زمینه از امام صادق علیه السلام پرسیدند که مقصود از عرفان به حق امام چیست؟

ایشان فرمود: «بداند او امامی است که اطاعتش(از طرف خدا) فرض و واجب است». (۴) امام جواد علیه السلام معرفت و بینش زایری را مورد تأیید قرار می دهد که عارف به حقّ امام باشد. پس کسی که به زیارت ایشان برود، در حالی که شناسنده حق آنهاست و

۱- سوره نساء، آیه ۵۹.

۲- کامل الزیارات، ص ۳۱۸.

۳- بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۴۱.

۴- وسائل الشیعه، ص ۵۵۴.

می داند که البته ایشان، حجت خدا بر خلق هستند و حکم دروازه ای را دارند که(برای کسب معرفت) از آن در باید وارد شد، (۱) پس می تواند طعم حقیقی «زیارت» را از اعماق وجود بچشد.

در حقیقت، از زبان معصومین علیهم السلام، ثواب زیارت مشروط به همین عرفان است:

«عرف بِحقّه وَ حُرْمته وَ وِلایَتِه»؛ (۲) زایر باید به حق امام و حرمت و احترام او و ولایتی که دارد، معرفت داشته باشد. جالب این جاست که شرط اصلی و ناگسستنی کسب ثواب زیارت، همین شناخت حقّ امام امت است و زایر حقیقی، کسی است که با شناخت بر حق امام و ادای این حق، به زیارت امام خویش برود و نتیجه چنین زیارت با معرفتی، آثار تربیتی و سازنده آن است که باعث کمال و رشد انسان خواهد بود.

بنابراین اگر سنخیت روحی میان زایر و مزور باشد و انسان، شیعه حقیقی امام خود باشد، در هنگام زیارت و دیدار، شاهد جذبه های روحی و معنوی خواهد بود.

اما اگر زایر با امام خویش سنخیت روحی و معنوی نداشته باشد، هنگام دیدار، قوه دافعه ایجاد می شود. ائمه طاهرین علیهم السلام محبوب حقیقی خداوند و غایت آفرینش هستند و دیدار آنان، لازمه کمال روحی انسان است و هر چه انسان بتواند خود را به امام نزدیک تر کند، حب خدا و قرب پروردگار و عشق به جمال حق در وجودش شعله ورتر می گردد. در حقیقت شدت و ضعف این ارتباط مانند شدت و ضعف نور است، هر چه انسان بتواند خود را به این ستاره های درخشان نزدیک تر نماید، از نور وجود آنان بیشتر بهره مند می گردد. البته این نزدیکی و قرب باید در هر دو جنبه نظری و عملی(قول و فعل) باشد و آن قدر که عمل و رفتار، معیار شیعه بودن و محبت واقعی است، زبان و گفتار، نمی تواند گویای عشق به ولایت باشد.

امام، جامع کلام تکوین و تدوین، واجد کتاب حقیقت و شریعت و شامل نشئه

۱- کامل الزیارات، ص ۳۲۰.

۲- شوق دیدار، ص ۱۳۶ و ۱۳۷.

حقیقی و اعتباری است؛ (۱) امام، مظهر کمالات است و اگر زایری با عشق و اخلاص خدمت امام خود سلام بدهد، زیباترین جواب ها را از ایشان خواهد شنید و جاذبه معنوی ایشان را احساس خواهد کرد.

در اینجا ذکر این نکته لازم است که هر چه در این طیف گسترده، انسان خود را به حجت خدا بیشتر نزدیک کند، در مسیر عبودیت خداوند توفیق افزون تری حاصل خواهد کرد و صراط مستقیم تکاملی را با سرعت بیشتر طی خواهد کرد و به هدف غایی تربیت نزدیک تر می شود.

ج) محتوای زیارتنامه

زیارت یک فرآیند دینی و تربیتی است و محتوای تربیت همان سخنانی است که زایر در حضور مزور بر زبان جاری می سازد. پس زیارت نامه همان کلماتی است که در مزار هر یک از پیشوایان دینی باید خواند و در حقیقت اگر ما با معانی بلندی که زیارتنامه ها در بر دارد آشنا نشویم، نمی توانیم نظری محققانه به زیارت داشته باشیم و هرگونه قضاوتی در این زمینه سطحی خواهد بود.

به طور کلی، مبادله سلام هنگام مقابل شدن با دیگران، ساده ترین، آسان ترین و ارزشمندترین وسیله برای ابراز ارادت، تکریم و تعظیم مخاطب و تحکیم پیوندهای اجتماعی است. زیارت کننده پس از سلام و ادای احترام، با او به گفت وگو می پردازد و محتوای زیارات، حاصل همین گفت وگوهاست که در آن زایر با مزور، درد دل می کند و با اظهار اشتیاق و محبت قلبی، از مهر و لطف امام سخن می گوید و محاسن و فضایل او را بازگو می کند. پس از اظهار محبت و اطاعت و شرح مناقب و کمالات و تصریح به امامت و رهبری وی، به دعا و نیایش می پردازد.

زیارتنامه ها را از آن جا که کلام معصومین علیهم السلام و آموزش امامان شیعه است، می توان

۱- ادب فنای مقربان، ج ۳، ص ۴۶.

ملاـك يـابى و موضع شناسـى كرد و در مورد شـيعه اى كه اين كلمـات را در مزار، از روى عقيـده بر زبان مى رانـد، مى توان چنين حسـابى گشود. اعلاـم مواضع، هم به صورت سـخن و هم به صورت عملى، قابـل اجراست. گاهى خود يك عمل، اعلام موضع است، گـاهى هم سـخنان و آراء، گويـاى مواضع انسـان است. متن زيارتنـامه هـا، به صورت مؤكـد و فراوان شامـل اين «اعلام مواضع» و تصـريح به راه و خط رهبرى و جناحى است كه زاير امام، در آن قرار دارد و در رابطه با همان «موضع» هم به «زيارت» آمده است.

تصـريح به قول يك رهبرى، اعلام نفى رهبرى هاى ديگر است، خود را در خط رهبرى ائمه دانستن و معرفى كردن، پاسخ «لا» به همه داعيه داران علم افرازان و طـاغوت هـا و قـدرت هـاى ضـد خـدايى و مخالف حق و قانون هاى متزلزل سـلطه هاى ضـد بشـرى و قانونگـذاران يك سونگر كافر است، به زيارت حجت خـدا و امام معصوم و رهبران الهى رفتن، در بردارنـده همه اين اهـداف و مواضع است. اين همـان مسـأله «تولّى» و «تبرّى» را مى رسانـد كه از شـاخه هـاى اساسـى دين و از نشـانه هـاى بـارز ديندارى است و ضـرورت پايبندى به آنها، نه به صورت ظاهرى و تنها در شكل، و نه فقط در حد حب و بغض قلبى و درونى، بلكه در متن عمـل رفتار و سـلوك اجتماعى و برخوردهاى سياسـى، از مسـلمات خط مكتبى يك مسـلمان متعهـد و موضع دار است. (۱) در قسـمتى از زيارت، زاير با اسـتفاده از آن فضاى روحانى، براى خود و ديگران، دعا مى كنـد و به نماز و قرآن رو مى آورد و به وعده خدا اميد دارد تا تحت قبه آن امام شـهيد، دعاهايش مسـتجاب شود. قسـمتى ديگر از محتواى زيارت، بيان شهادت و گواهى است كه زاير در اين مرحله گواهى مى دهد كه زندگانى و حيات مزور هميشه در راه حق سپرى گشـته و او به خـاطر خـدا، تبليغ دين و خيرخواهى و نصـيحت براى امت نموده و به سـبب انجـام چنين رسـالتى رنـج هـا و سـختى هايى را متحمل شده و در

۱- كربلا، كعبه دل ها، ص ۱۷۶ و ۱۷۷.

راه خدا و برای رضای او ایثار و فداکاری و صبر کرده است. زایر گواهی می دهد که مزور اقامه نماز نموده، زکات را پرداخت و در راه خدا جهاد کرده و پیرو حقیقی کتاب خدا و بهترین آمر به معروف و ناهی از منکر است و وجود او از هرگونه بدی و آلودگی، پاک و مطهر است و به خاطر چنین اوصافی، شایستگی رهبری خلق و حجت بودن بر بندگان خدا را یافته است.

در قسمتی دیگر از محتوای زیارت، زایر به ایمان و اعتقاد راسخ خود به خدا و رسولان گرامی و ائمه معصومین علیهم السلام شهادت می دهد و بیان می کند که در حیات و ممات چنین ایمان و اعتقادی را دارد و از آن روی بر نمی گرداند و ثابت و استوار خواهد بود. زایر در فرازهایی از زیارتنامه، خدا را سپاس می گوید که هدایت را نصیب او نموده و توفیق محبت و ولایت برگزیدگان خداوند را عطا نموده و به این وسیله انسان ها را از ورطه هلاکت و نابودی و گمراهی نجات بخشیده است.

در قسمت هایی از زیارت که با واژه های «زُرتُک» یا «اتیتُک» آغاز می شود، حالات زایر و انگیزه های درونی او و هدف اصلی او از زیارت مطرح شده و زایر با توجه و توسل به مقام والای مزور، امید شفاعت گناهان و اجابت خواسته هایش را مطرح می نماید. در بررسی و تحلیل محتوای زیارات، به این نتیجه می رسیم که غالب زیارات از یک سیر منطقی برخوردارند که در این سیر، زایر با رعایت آداب و مقدمات زیارت، خود را برای دیدار با پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام و ارواح پاک اولیاء اللّه مهیا می سازد.

زیارت و دعا

دعا، سخن گفتن با خداست و نیایش زبان خاصی است که ابعاد ناشناخته انسان را بیدار می کند. زیارت، دیدار با پیشوایان مکتب و سلام و درود بر آنان و راز و نیاز با آنهاست. در حقیقت زیارت هم نوعی دعاست چون انسان به طور غیر مستقیم و از طریق واسطه های فیض با خدا گفت وگو می کند و لذا دعاهایی که در زیارت بر زبان

جاری می شود، زودتر مستجاب می گردد، چون واسطه های فیض در پیشگاه خداوند بسیار محبوبند و خداوند به خاطر آنان دعای زایر را مستجاب می گرداند.

در حقیقت، دعا نوعی معرفت اللّه است و بسیاری از کلیدهای عرفان و شناخت در مضامین عالی دعاها یافت می شود. همان گونه که دعا، باب معرفت اللّه است، زیارت نیز باب معرفت ائمه معصومین علیهم السلام است و انسان زایر از این باب به عظمت امام پی می برد و به واسطه عظمت مقام امام، درهای رحمت الهی را به سوی خود می گشاید و در یک فضای ملکوتی و معنوی قرار می گیرد.

در حقیقت زیارت، نوعی تعظیم و بزرگداشت مزور و تعلیم زایر است. زیارت، هم ثنا و ذکر خداست که ولی همه نعمت هاست و هم معرفی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی که از بزرگ ترین نعمت های آفریدگارند و کامل ترین اسوه و نمونه برای کسانی که در راه خودسازی هستند و به دنبال مربی و مقتدا و مرشد می باشند. زایر، با شناختی که از امام و حجت خدا پیدا می کند، نمونه عملی زندگی خود را یافته و با پیروی از امام، همان صراط مستقیمی را که به بهشت منتهی می شود، می پیماید.

در حقیقت زیارت، هم صراط مستقیم و هم رهبران راه تکامل بشری را به انسان معرفی می نماید. زیارت، انسان را با نورِ هدایت ائمه هدی علیهم السلام آشنا ساخته و راه رفتن به سوی خدا را از طریق امامت و ولایت هموار می نماید. بنابراین دعا و زیارت به عنوان دو روش در نظام تربیتی اسلام، مطرح می شوند و انسان ها می توانند با تکیه بر این دو روش تربیتی، خود را به بالاترین مراحل کمال انسانی برسانند.

انواع زیارتنامه ها

زایر، گاهی با بیانات خود کمالات مزور را ترنم می کند که این گونه ثناخوانی فقط بیانگر میزان ارادت زایر، اعلام تولی به وی و تبری از دشمنان او، ابراز احساسات و تعیین موضع وی است که این نوع زیارت، اصطلاحاً «غیر مأثوره» نامیده می شود.

گاهی زایر از زبان معصوم ثنا می خواند که اصطلاحاً این گونه زیارتنامه ها را زیارت

«مأثور» می نامند. چنین زیارتنامه هایی نه تنها کیفیت اظهار ارادت و ابراز تولی و تبری را می آموزد، بلکه متنی است برای شناخت مزور و آگاهی از منزلت او؛ زیرا هر کس به مقدار معرفت خویش سخن می گوید و کلام هر کس، بیانگر میزان شناخت و آگاهی اوست: «الکلام صفه المتکلّم» (۱) و «کل یأتی بما هو أهله». (۲) در این زیارتنامه ها، اوصاف مزور هنگام سلام دادن تکرار می گردد و به ذکر اسم او بسنده نمی شود. این، از آن جهت است که مرتبت شخص مزور برای زایر روشن تر گردد و توجه پیدا کند که معشوق و محبوب او برای اعلای کلمه توحید، اقامه نماز، ادای زکات، احیای امر به معروف و نهی از منکر، تلاوت کتاب خدا و ... چه رنج هایی کشیده است.

همچنین زیارتنامه های مأثور دو گونه است:

۱. زیارتنامه های اختصاصی که امامی خاص با آن زیارت می شود و زایر به سلام و اظهار ارادت به یکی از آن پیشوایان نور می پردازد. مانند: «السلام علیک یا رسول اللَّه و رحمه اللَّه برکاته، السلام علیک یا محمّد بن عبداللَّه». (۳) ۲. زیارتنامه هایی که مضمونی عام و محتوایی کلی دارد و هر امامی را با آن می توان زیارت کرد، مانند زیارت امین اللَّه، زیارت جامعه کبیره و .... (۴) دسته دیگری از زیارات، زیارات مطلقه و مخصوصه هستند؛ زیارات مطلقه، مقید به وقتی از اوقات یا مکانی خاص نیست و در هر زمان و مکانی که انسان بخواهد، می تواند آن را بخواند؛ ولی زیارات مخصوص در شب ها یا روزها یا ماه های خاص یا در مکان های خاصی انجام می شود، مانند زیارت رجبیه یا زیارات حضرت علی علیه السلام در روز میلاد پیامبر صلی الله علیه و آله و ....

۱- امثال و حکم، ج ۱، ص ۲۶۸.

۲- همان، ص ۱۲۷.

۳- مفاتیح الجنان، ص ۱۴۴(زیارت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روز شنبه).

۴- ادب فنای مقربان، ص ۳۶.

لوازم زیارت

الف) ولایت

مفهوم ولایت که در قرآن کریم و روایات، به صورت های گوناگونی مطرح شده است.

گاهی به ولایت اهل بیت علیهم السلام اختصاص دارد و گاهی درباره ولایت هر ولی خدا و هر مؤمن صالح است. به عبارت دیگر، یک ولایت اللَّه داریم: «أَلا إِنَّ أَوْلِیاءَ اللَّهِ لا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لا هُمْ یَحْزَنُونَ». (۱)

کسانی که خود را تحت ولایت اللَّه قرار می دهند، متقابلًا خدا هم ولی آنهاست. این ولایت، رابطه ای طرفینی بین مؤمنان و خداوند است. مؤمن ولی خدا و خدا هم ولی مؤمن است. این ولایت، در رابطه انسان با خدا وجود دارد.

دنباله ولایت خدا، ولایت رسول اللَّه صلی الله علیه و آله و ولایت اهل بیت علیهم السلام است. وقتی می گوییم:

ولایتی که برای خدا هست، برای پیغمبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نیز وجود دارد، منظور فقط حکومت نیست؛ بلکه تمام شئون ولایت را در بر می گیرد. البته در شعاع ولایت خداوند، مسأله حکومت نیز مطرح می شود؛ چون خداست که حاکم و قانون را تعیین می کند. بدین ترتیب حکومت، یکی از شئون ولایت اللَّه است.

ولایتی که به خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله، امیرمؤمنان و دیگر امامان معصوم علیهم السلام نسبت داده می شود، مفهومی است که تشکیک مراتب دارد. مرتبه اعلا و ذاتی آن، برای خداوند متعالی، و مرتبه بعدی آن ویژه رسول اللَّه صلی الله علیه و آله است. (۲) البته این تبعیت و دنباله روی، بر اساس محبت است و مؤمنان بالاترین رابطه محبت را با پیامبر صلی الله علیه و آله برقرار می سازند.

«قُلْ إِنْ کُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونی یُحْبِبْکُمُ اللَّهُ وَ یَغْفِرْ لَکُمْ ذُنُوبَکُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحیمٌ»؛ (۳)

بگو: اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد و گناهانتان را بر شما ببخشاید و خداوند آمرزنده مهربان است.

۱- سوره یونس، آیه ۶۲.

۲- آفتاب ولایت، ص ۹۹.

۳- سوره آل عمران، آیه ۳۱.

اگر در دوست داشتن خدا صادق هستید، باید تابع من(پیامبر) باشید؛ چون من نماینده خدا بوده و بیان کننده خواسته های خداوند از شما هستم.

به هر حال لازمه پذیرش ولایت الهی، آن است که شناخت خود را از خدا دریافت کنیم و محبت او را به دل داشته باشیم. هرگاه چنین رابطه معرفت و محبتی با خدا برقرار کردیم، طبیعتاً رفتار ما باید تابع اراده او باشد. این همان «ولایه اللّه» است. مرتبه نازل این ولایت، در رسول خدا صلی الله علیه و آله تحقق پیدا می کند. پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز این ولایت در حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام متجلی است. پس از آن حضرت نیز سایر ائمه اطهار علیهم السلام با ادله خاص مشمول این ولایت هستند. بنابراین تردیدی نیست که هر کس واقعاً ایمان داشته و تحت ولایت الهی در آمده باشد، باید از ولایت رسول خدا صلی الله علیه و آله بهره مند باشد و با تمام وجود پیامبر صلی الله علیه و آله را دوست بدارد و از دستورات آن حضرت پیروی کند. (۱) ب) توسل

ظهور تعدادی از آیات قرآن، در جواز مشروعیت توسل و نیز سفارش به آن می باشد که عبارتند از: «یا أَیُّها الَّذینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ابْتَغُوا إِلَیْهِ الْوَسیلَهَ»؛ (۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید، تقوا پیشه نموده و برای رسیدن به او(خدا) وسیله بجویید. «اولئِکَ الَّذینَ یَدْعُونَ یَبْتَغُونَ إِلی رَبِّهِمُ الْوَسیلَهَ»؛ (۳)

آنان که دعوت می کنند(به پرستش خداوند) برای نزدیکی به پروردگارشان وسیله قرار می دهند. «وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جاؤُکَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوّاباً رَحیماً»؛ (۴)

اگر آنان هنگامی که به نفس خود ظلم روا داشتند، به سوی تو می آمدند و از خدا طلب آمرزش می کردند و تو نیز برای آنان طلب مغفرت می کردی، هر آینه خداوند را توبه پذیری مهربان می یافتند.

۱- پرتو ولایت، ص ۲۹۳ و ۲۹۴.

۲- سوره مائده، آیه ۳۵.

۳- سوره اسراء، آیه ۵۷.

۴- سوره نساء، آیه ۶۴.

از این آیه شریفه استفاده می شود: چنان که استغفار و توبه خود انسان مجرم، وسیله کسب رحمت و مغفرت پروردگار غفار است، همچنین، رفتن به سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضور در محضر او و تقاضای استغفار و شفاعت از آن حضرت نیز، وسیله دیگری برای جلب رحمت و عنایت حضرت حق می باشد؛ وگرنه ترغیب به رفتن به سوی آن حضرت خالی از فایده و حکمت خواهد بود؛ بلکه از آیه مبارکه، چنین به دست می آید که استغفار خود مجرم نیز، وقتی مؤثر است که به سوی رسول صلی الله علیه و آله آمده و در حضور وی، قیام به استغفار نماید؛ چه آن که می فرماید: «جَآءُوکَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ»؛ نزد تو، آیند و سپس از خدا، آمرزش بخواهند. (۱) در منابع روایتی امامیه احادیث بسیاری در نیکویی توسل و مشروعیت آن وارد شده است، علاوه بر آنها در بسیاری از ادعیه ای که از امامان روایت شده، آشکارا به شیعیان ضرورت توسل جستن به پیامبر صلی الله علیه و آله و اولیای دین تأکید شده است، و با توجه به مبانی اعتقادی شیعه، نه تنها توسل هیچ گونه منافات و تعارضی با توحید پروردگار ندارد، بلکه خود این عمل، با آگاهی از این که پیامبر صلی الله علیه و آله و معصومین علیهم السلام خود برگزیدگان پروردگار بوده و برای هدایت مردم آمده اند، بسیار معقول و قابل توجیه است.

ج) شفاعت

در قرآن مجید به شفاعت کراراً اشاره و تصریح شده، و آیاتی چند در اثبات اصل وجود شفاعت در قرآن آمده است «مَنْ ذا الَّذی یَشْفَعُ عِنْدَهُ إلاّ بِإذْنِهِ»؛ کیست آن کس که جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند؟ (۲) این آیه، شفاعت با اذن الهی را ثابت می کند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اولین و برترین شفیع انسان ها و مسلمان هاست، مقام محمود که در قرآن به آن اشاره شده است: «عَسی أنْ یَبْعَثَکَ رَبُّکَ مَقاماً مَحْمُودًا»؛ (۳)

باشد که پروردگارت تو را به مقامی پسندیده(شفاعت) بگمارد، همین شفاعت است.

۱- توسل، ص ۱۰۶.

۲- سوره بقره، آیه ۲۵۵.

۳- سوره اسراء، آیه ۷۹.

حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: من شفاعتم را بر اهل کبایر(صاحبان گناهان کبیره) ذخیره کرده ام.

شفاعتی که شیعه مطرح می کند، از آیات قرآنی اقتباس شده و یک مسأله مهم تربیتی است که آثار مثبت و سازنده فراوانی دارد. برخی از این آثار عبارتند از:

۱. ایجاد امید و مبارزه با روح یأس؛ وقتی انسان درک کند که گناه باعث طرد کلی از درگاه خدا نمی شود و می تواند با توسل به شفیعان، گذشته خود را جبران کند، از ناامیدی رهایی یافته، برای سازندگی خود تلاش می کند؛ ۲. ایجاد رابطه ای معنوی با اولیاء اللّٰه؛ وقتی انسان دریابد که اولیایی وجود دارند که به واسطه تقرب خود به خداوند می توانند از او شفاعت کنند، سعی می کند که آنان را بشناسد و رابطه ای معنوی با آنان ایجاد کند و از فرموده ها و دستورهای آنان اطاعت کند. (۱) در نهایت با عنایت در مباحث گذشته معلوم شد که زیارت دارای ارکان و لوازمی است که فراهم ساختن لوازم و شرایط مورد نیاز، کمک شایان توجهی به زایر در مقام متربی در راستای متأثر شدن از آثار تربیتی زیارت، توسط مزور(مربی) می کند. در ضمن مشخص شد که زیارت معصومین علیهم السلام اعم از انبیا، امامان و ... یا یاران معصومین علیهم السلام با در نظر گرفتن شرایط آن، منافی با توحید نبوده و از دستورات اکید و صریح قرآن کریم می باشد.

آداب زیارت

دانستیم زیارت، تشرف به محضر صاحبان علم، کرامت و عصمت و طهارت و بار یافتن به بارگاه اکابر فضل، تقوا و حکمت است. در همین راستا زایران نور، باید روح و جان خود را در زلال جاری آداب و بایسته های عرفانی و اخلاقی «زیارت» شست وشو دهند و با عشق و علاقه و پاکی نفس و تن، حرمت آن بزرگان را حفظ کنند.

۱- دایره المعارف تشیع، ج ۱۰، ص ۱۱.

زیارت حقیقی، آن گاه تحقق می یابد که با شروط خاص خود و آداب ظاهری و باطنی انجام گیرد و زایر با آگاهی، معرفت و آمادگی کامل، گام در وادی نور بنهد و به نحو شایسته، از این فیض بیکران برخوردار گردد.

ما با مراجعه به منابع دینی و مطالعه دستورات بزرگان در جهت رعایت آداب ویژه زیارت، آداب مورد نظر را به الف) آداب مربوط با طهارت ظاهری، ب) آداب مربوط با احترام عملی، ج) آداب مربوط با طهارت باطنی تقسیم می کنیم که به قرار ذیل است:

الف) آداب مربوط به طهارت ظاهری

۱. وضو گرفتن و غسل نمودن، پیش از بیرون رفتن برای سفر و زیارت. همان طور که تأثیر وضو در تنویر انسان مشهود است، غسل کردن نیز می تواند آثار مشابه با توضُّؤ داشته باشد.

بنابراین، زیارت چون از امور مستحبی محسوب می شود، مشمول قاعده وضو و غسل خواهد شد. چراکه آن دو امر، هم موجب طهارت ظاهری و جسمی زایر(زدوده شدن از آلودگی ها و نجاسات برونی) و هم باعث طهارت باطنی و نورانیت درونی انسان می گردند.

۲. پوشیدن جامه های پاک و پاکیزه که البته بهتر است سفید رنگ بوده و با مواد معطر، خوشبو شده باشد.(به جز در زیارت سیدالشهدا علیه السلام)

از این رو، چه زیبا و پر معناست که وقتی زایر به زیارت و ملاقات محبوب و معشوق خود(مزور) می رود، خود را به بهترین شکل بیاراید، خوشبو کند و به رنگ صفا و طهارت درآید. چراکه وی عاشق است و هدفش جلب رضایت و خشنودی معشوق می باشد. باید توجه نمود گرچه موارد مذکور در قسمت مربوط به طهارت ظاهری و بدنی ذکر گردید، اما به طور یقین دارای آثار باطنی و نورانیت و تأثیرات معنوی نیز خواهد بود.

ب) آداب مربوط به احترام عملی

۱. ترک کلام بیهوده، مخاصمه و مجادله در طول مسیر.

اولین و مهم ترین گام در راستای زیارتِ هدایتگران واقعی و مطهر انسان ها، بنا بر دستور صریح قرآن کریم، کناره گیری از همه اقسام معاصی و گناهان است که در این میان نسبت به ترک جدال و مشاجره لفظی که نمایانگر سوء ادب بیشتری نسبت به دیگران است، تأکید فراوان تری شده است.

۲. بوسیدن عتبه عالیه و آستانه مبارکه.

۳. بجای آوردن سجده شکر برای خداوند، جهت دستیابی به نعمت ارزشمند زیارت.

۴. مقدم داشتن پای راست در وقت دخول و مؤخر داشتن آن در وقت بیرون آمدن، پس از اخذ اذن دخول.

۵. نزدیک شدن به ضریح مقدس و لمس کردن آن به جسم و جان در صورت عدم ایجاد مزاحمت برای دیگران و عدم تماس با بانوان.

۶. استدبار به قبله و استقبال به قبر منور مزور.

۷. ایستادن در وقت خواندن زیارت(در صورت عدم ضعف و مشکل جسمانی).

۸. گفتن تکبیر پیش از قرائت زیارت(ظاهراً حکمت آن جلوگیری از بروز حالت مبالغه یا غفلت از عظمت حق تعالی است). (۱) ۹. بلند نکردن صدا به هنگام خواندن زیارت.

۱۰. وداع کردن با حضرات علیهم السلام در وقت خروج و عدم استدبار به ضریح مقدس ایشان.

۱۱. قصد مراجعت مجدد به حرم مطهر و بازگشت به زیارت تا زمان اقامت در مشهد شریف.

۱- آداب زیارت، ص ۱۳۸ و ۱۳۹.

ج) آداب مربوط به طهارت باطنی

۱. بجا آوردن نماز زیارت(حداقل دو رکعت و حداکثر هشت رکعت) و خواندن دعا و قرآن پس از نماز و هدیه آنها به روح مقدس مزور.

۲. اشتغال به نماز جماعت پیش از زیارت، در صورتی که زیارت با نماز جماعت مصادف گردد. (۱) ۳. نیابت کردن از پدر و مادر و اقارب در زیارت و استغفار برای ایشان.

۴. بهتر کردن احوال(کردار و گفتار) پس از فراغت از زیارت نسبت به قبل از زیارت.

۵. انفاق کردن و احسان بر خادمان حقیقی آستانه مبارکه، فقرا، مساکین و مجاورین حرم به قدر امکان. (۲) آثار تربیتی زیارت

اینک نوبت به بیان ثمرات و آثار نیک تربیتی زیارت می رسد. آثار زیارت را ابتدا می توان به دنیوی و اخروی تقسیم نمود. سپس آثار دنیوی را به فردی و اجتماعی و آثار فردی را به اعتقادی و روانی تقسیم کرد.

آثار دنیوی زیارت

مراد از این قسم، آن است که انسان در زمان حیات خویش در دنیا، پس از زیارت مزوران مقدس به ثمراتی دست می یابد که آن ثمرات موجب رشد و شکوفایی زایر از جهت عقیده و امور روانی می گردد.

۱. آثار فردی

الف) ثمرات اعتقادی

تحکیم و تقویت اعتقادات ... در این بعد، اصول اعتقادی در شخص تقویت و تثبیت می شود؛ چراکه انسان در هر لحظه از عمر خویش، ممکن است به دلایل گوناگون

۱- شوق دیدار، ص ۵۰.

۲- آداب زیارت، ص ۱۳۹.

دچـار شـبهه، تزلزل اعتقـادی و در نهـایت شـرک و کفر گردد. بنـابراین لازم است بـا تمسک به وسایلی چون اهل بیت علیهم السـلام اصول اعتقادی خویش را از خطرات مصون بدارد که یکی از مناسب ترین طرق، زیارت حضـرات علیهم السـلام است. شک و شـبهه در اعتقادات به سان طوفانی سـهمگین همواره در کمین انسان هاست و اهل بیت علیهم السـلام مانند یک کشتی نجات، می تواننـد زایر را به ساحل سـلامت و یقین برساننـد. در این باره روایات فراوانی رسـیده که مطالعه آنها می تواند مفید باشد.

استجابت دعا

زایر وقتی به زیارت انسان های پاک و مقدس می رود، آنها را محرم و انیس دل خویش شـمرده و صـندوقچه دل خویش را به رویشان می گشایـد و آنچه با اغیار ناگفتنی بوده، با آن عزیزان می گویـد و درد دل می کند. انسان خسـته از گناه، گرفتار در امور مـادی و دنیوی، به دنبـال پناهگاهی می گردد تا خسـتگی خویش وانهـد و در پی کسـی است که در درگاه الهی صاحب فضـیلت و کرامت فراوان است و در واقع واسطه فیض الهی به شمار می آید. خداوند متعال فرموده: «ادْعُونی أَسْتَجِبْ لَکُمْ»؛ مرا بخوانید تا برایتان استجابت کنم. اما گاهی خواندن خداوند و ذکر نام انسان های مطهر مقدس که عزّتمداران ملکوت اعلی می باشند، چنان سرعتی به «استجابت» می بخشد که انسان متحیر و سرگردان می ماند.

به طور مسـلم مقام و جلالت ویژه آن انسان های والا گهر در نزد خداوند، در نزد خلق نیز محبوبشان گردانده تا جایی که برای استجابت دعا به عنوان واسطه معرفی می شوند.

انفتاح باب توبه و آمرزش گناهان

یکی از الطـاف خداونـد به بشـر گنهکـار، جعـل «باب توبه» است. توبه به معنای رجعت از گناه است. وقتی انسان سـرگردان و غوطه ور در معاصی، به زیارت معصوم علیهم السلام

می رود، عنـایت خـدا شامـل حال وی گشـته و بسـیاری از گناهان او بخشـیده می شود. این مغفرت می توانـد در پی توبه زایر صورت گیرد. امام صادق علیه السلام فرمود: «

مَنْ زار الحسین علیه السلام عارفاً بحقّه ... غَفَرَ له ما تقدّم مِنْ ذنبه و ما تأخَّر

»؛ (۱) گویا خداونـد به واسـطه میانجی گری آن حضـرت علیه السـلام به سوی عبـد باز می گردد [تاب اللَّه علیه] و پس از آن بنده توفیق توبه می یابد [تاب العبد الی اللَّه] و سرانجام گناهانش بخشیده می شود.

ب) آثار روانی زیارت

۱. امیـد به زندگی: امید یکی از مهم ترین و اصـلی ترین قدم های اصـلاح هر کسـی است و این نکته در زیارات، خیلی خوب مطرح شده که زایر به امام، به عنوان مظهر رحمت و بخشش و افاضه حق تعالی، می نگرد و می داند که امام قادر است زایر را به بهترین راه هـدایت کنـد. از این رو از نظر عـاطفی تمام امیـد و آرزویش وجود مقـدس مزور است و یقین دارد که او به اذن خـدا فقر را برطرف می کند و هراس و ترس را به ایمنی مبدل می سازد و به هر گناهکاری و هر بیچاره ای پناه می دهد. چون در زیـارت از طریـق پیوسـتن و احسـاس کمـک گرفتن از یـک موجـود برتر به افراد، معنـا و هـدف داده می شود، لـذا در رفع ناامیـدی و ایجاد خوش بینی درباره آینـده، و اعتماد به نفس مؤثر خواهـد بود. تمام این حالات، ناشـی از این است که ادعیه و زیارات انسان را به این شأن می رسانند که نیازمند ارتباط با منبع و انسان کامل است.

۲. رفع افسـردگی: در زیارت شـخص افسـرده می توانـد هیجان های خود را تخلیه کنـد و به آرامش برسد. چراکه اولًا، از بیان کردن مشـکلات، علیه او اسـتفاده نخواهـد شـد و ثانیاً، احساس خجالت در او به وجود نمی آیـد. از آن جایی که تخلیه روانی یکی از مؤلفه هـای مهم در رفع افسـردگی است، در روان درمـانی و مشـاوره نیز به این مقوله از طریق تخلیه هیجانـات پرداخته می شود. در حال حاضر در بین روان شناسان غربی

۱- بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۵۷.

که تجربه مـذهبی مـا را ندارنـد، این اعتقـاد وجود دارد که بـا اسـتفاده از بعضـی مؤلفه های معنوی مثل دعا و زیارت می توان مشکلات روان شناختی را رفع کرد. (۱) ۳. احسـاس آرامش و نشاط: وقتی انسان به زیارت امامی نایل می شود، حالاتی چون حزن و گریسـتن، دعا و اعتکاف و نیایش، انجام می دهـد و لطف خداوندی و نظر آن بزرگوار(مزور)، نتیجه و هدیه ای اسـت که نصیب او می شود. زایر، تحت تأثیر فضای روحانی آن مکان مقدس قرار می گیرد و اشک و گریه اولین قدم زیارت است.

عرفا معتقدنـد: حـداقل بهره ای که از عبادات و زیارت می توان برد، پیدا کردن حالات حزن و گریسـتن است که به آرامش و رضایتمندی از زندگی می انجامد و گریه برای اولیا و انبیا از شوق و پیروزی است.

وقتی که به زیـارت امام رضا علیه السـلام می رویم، همه وجود ما آرام می شود. انسان احساس می کنـد که به اقیانوس هستی، آمده است. کم تر کسـی است که این آرامش را احساس نکند، انسان های زایر پیرو هر دینی که باشند ... به محض این که به حرم امام رضا علیه السـلام پا می گذارند، موج روحانی و معنوی حضرت، ایشان را در بر می گیرد و آن جاست که به آرامش و نشاط می رسند. (۲) ج) اثر جسمی(طولانی شدن عمر)

یکی از آثار زیارت طولانی شدن عمر است، زیرا وقتی انسان به دیدار عزیزی می رود، تغییرات سـلولی ایجاد می شود و سلول ها منبسط می شونـد که این انبساط خاطر، مصونیت روان و بـدن است. ین های تولیـد شـده در مقابل عفونت ها و سـرطان ها، مصونیت می بخشد، در نتیجه انسان با چهره ای گشاده تر، عمری طولانی تر و سالم تر به زندگی ادامه می دهد. (۳)

۱- نشریه قدس ۱۵/ ۷/ ۸۲، بی نا، «نقش زیارت در درمان افسردگی».

۲- «روان شناسی زیارت»، نشریه زایر، شماره ۹۰.

۳- همان.

۲. آثار اجتماعی

الف) تأثیر فرهنگی(مبارزه جویی و شهادت طلبی)

زایر، از زیارت مزور و از فضای زیارتگاه درس مبارزه و درس قیام علیه باطل می آموزد، چراکه مزور در اصل به خاطر حق طلبی و مبارزه با باطل به شهادت رسیده است، لذا می بینیم بسیاری از مبارزات و قیام ها از همین زیارتگاه ها و در کنار آنها آغاز شده است مثلًا:

۱. مبارزه حضرت زهرا علیها السلام علیه حکومت زمان خود در کنار قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و گریه بر کنار آن قبر را وسیله ای قرار داد برای آگاهی امت غفلت زده.

۲. امام حسین علیه السلام وقتی که مجبور می شود در اثر فشار یزید، مدینه را ترک کند در روزهای آخر بر سر قبر جدش پیامبر صلی الله علیه و آله می آید، ضمن وداع با ایشان، مبارزه خود را از آن نقطه مقدس آغاز می کند.

۳. اکثر امامان در مدینه ماندند و جز با ضرورت از آن جا و از کنار قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله بیرون نرفتند. این نبود جز این که مبارزه را در کنار قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله و در آن زیارتگاه مقدس برنامه ریزی کرده و شکل می دادند و حقایق را به مشتاقان می آموختند.

۴. امام هفتم علیه السلام نیز زیارتگاه پیامبر صلی الله علیه و آله را میدان مبارزه و نبرد با طاغوت زمان خود می نماید و آنان را رسوا می سازد.

۵. امام هشتم علیه السلام نیز هنگامی که مجبور شد به سوی خراسان روانه شود داخل مسجد شد و مکرر با پیغمبر صلی الله علیه و آله وداع کرد و صدایش به گریه بلند بود که بدین وسیله عملًا ادامه نبرد باطل را در کنار پیغمبر صلی الله علیه و آله اعلام کرد.

۶. امامان نهم و دهم و یازدهم علیهم السلام نیز مادامی که بالاجبار از مدینه بیرونشان نکرده بودند در همان جا مردم غفلت زده را رهبری می کردند و نهال مبارزه را کنار قبر جدشان در دل و جان مردم می کاشتند.

با توجه به آنچه گفته شد، این نکته معلوم گردید که شخص زایر با زیارت امام و مراد

خود می تواند یک انسان واقعی و یک مجاهد سلحشور الهی گردد و به مصداق «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجاهِدِینَ بِأمْوالِهِمْ وَ أنْفُسِهِمْ عَلَی الْقاعِدِینَ دَرَجَهً وَ کُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنی وَ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجاهِدِینَ عَلَی الْقاعِدِینَ أجْرًا عَظیماً» (۱)

لایق دریافت ثواب و پاداش های فراوانی گردد.

از این جا می توان اندکی نقش زیارت و زیارتگاه را فهمید که زیارتگاه الهام بخش، زندگی ساز و پایگاه حرکت و قیام است که از همان آغاز، پیامبر صلی الله علیه و آله و امامانِ هدایت، این درس را به ما آموختند و به پیروان خود دستور می دادند که به زیارت بروند، هر چند با خوف و ترس همراه باشد و حتی تا مرز دستگیری و زندان هم که شده زیارت را ترک نکنند. (۲)
ب) تأثیر اقتصادی و مالی

امام صادق علیه السلام در روایتی فرمودند: «

من زارنی غفرتُ له ذنوبه و لم یُمِت فقیراً

»؛ (۳) کسی که مرا زیارت کند، فقیر نمی میرد. با توجه به فرمایش حضرت می توان دو معنا برای فقر در نظر گرفت؛ فقر اقتصادی و فقر معنوی. اگر منظور، فقر معنوی باشد، بدین معناست که ائمه علیهم السلام در مواقع هولناک، دست شیعیان را می گیرند و آنان از نظر معنوی فقیر از دنیا نمی روند. اما اگر منظور، فقر مادی باشد می توان این طور برداشت کرد که زیارت ائمه علیهم السلام در گردش و رونق چرخه اقتصادی زایران و حتی مجاوران حرم مطهر ائمه علیهم السلام تأثیر بسزایی دارد، چنانچه روایتی نیز در این زمینه نقل شده است؛ امام باقر علیه السلام فرمودند: «امر کنید شیعیان ما را به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام، به خاطر این که زیارت آن حضرت رزق و روزی را زیاد و عمر را طولانی می کند. (۴) آثار اخروی زیارت

۱. ثبت ثواب حج و عمره در نامه عمل: امام صادق علیه السلام می فرماید: «

من زار الحسین علیه السلام عارفاً بحقّهِ کتب اللَّه ثوابَ ألفِ حَجّهٍ مقبولهٍ وَ ألفِ عمرهٍ مقبولهٍ و غفر له ...

»؛ (۵) هر کس در

۱- سوره نساء، آیه ۹۵.

۲- سرزمین وحی، ص ۹ و ۱۰.

۳- بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۴۵.

۴- کامل الزیارات، ص ۲۸۴.

۵- بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۵۷.

حالی که عارف به حق حسین علیه السلام باشد و به زیارت او نایل گردد، خداوند برای زایر ثواب هزار حج و هزار عمره مقبول را می نویسد. از آن جا که فضایل زیادی در باب زیارت امام حسین علیه السلام وارد شده، قلم و بیان از ذکر مقام والای زایر آن حضرت عاجز است.

و در یک کلام مطاف تمام انبیا و اولیا قبر شش گوشه حضرت سید الشهداء علیه السلام می باشد! زیارتی که امام صادق علیه السلام فرمودند: «زیارت امام حسین علیه السلام برترین اعمال می باشد». (۱) از دیگر فضایل زیارت آن حضرت این است که زیارت ایشان افضل از زیارت ائمه است.

دیگر این که زیارت امام حسین علیه السلام سبب خلاصی دیگران هم می شود، چنانکه حضرت صادق علیه السلام فرمود: «شفاعت زایر قبول می شود در حق صد نفر که همه مستحق جهنم شده باشند». (۲) و در اخبار دیگر است که به زایران می گویند: «هر کس را بخواهید دست او را بگیرید و داخل بهشت نمایید». (۳) ۲. حرمت جسد زایر بر آتش و وجوب بهشت بر وی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به زودی پاره تن من [امام رضا علیه السلام] در سرزمین خراسان، مدفون خواهد شد، هر مؤمنی که ایشان را زیارت نماید، خداوند عزیز و جلیل، بهشت را بر او واجب گردانده و بدن او را بر آتش جهنم حرام خواهد نمود.

امام هادی علیه السلام نیز در این باره حدیثی دارند: «

مَنْ زار عَمَّتی بِقُم فَله الجنه

»؛ (۴) هر کس عمه ام را [حضرت معصومه علیها السلام] در قم زیارت کند، بهشت از آن اوست.

۳. دستگیری از مؤمن در مواقع صعب قیامت: امام رضا علیه السلام در روایتی فرمودند:

«من زارنی عَلی بُعدِ داری، اتیتُه یوم القیامه فی ثلاثِ مواطنَ حتّی أُخلّصَه مِن أَهوالِها: اذا تَطایَرتِ الکُتبُ یمیناً و شِمالًا و عند الصراطِ و عندَ المیزان

»؛ (۵) هر کس مرا زیارت کند و از راه دور هم [احیاناً] آمده باشد، من در روز قیامت سه جا به دیدن او خواهم رفت و او

۱- کامل الزیارات، ص ۲۶۲.

۲- بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۷۷.

۳- همان، ص ۲۷.

۴- همان، ص ۲۶۵.

۵- همان، ص ۳۴.

را از ترس و وحشت آن سه موضوع نجات خواهم داد: ۱. هنگامی که نامه عمل از چپ و راست به او عرضه می شود؛ ۲. هنگام عبور از صراط؛ ۳. هنگام سنجش اعمال.

۴. شفاعت: قال النبی صلی الله علیه و آله: «

من زارنی حیّاً و میّتاً کنت له شفیعاً یوم القیامه

». (۱) بنابر فرمایش پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله یکی از پاداش های زایر حرم نبوی چه در دوره حیات و چه در زمان ممات ایشان، شفاعت زایر است ... یعنی حضرت به عنوان یکی از شفیعان روز جزاء زایر را از عذاب الهی نجات می دهد و نقش میانجی را در آخرت ایفا می کند.

نتیجه گیری

زیارت، حضوری عارفانه و مشتاقانه در بارگاه پاکان جهان و تشرف به حرم های مقدس و نورانی آنان است. زیارت، شرفیابی به محضر اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و کسب فیض و برکات معنوی از ساحت آن بزرگواران است. زیارت، که واقعیتی اصیل، عینی و خارجی است، آثار و برکات فراوان دارد و از سه رکن اصیل مرکب است:

۱. زایر، یعنی شخصی که میل و گرایش به کسی یا چیزی دارد.

۲. مزور، یعنی شخصی یا چیزی که میل به اوست.

۳. خصیصه ای نفسانی به نام گرایش قلبی که با تکریم و تعظیم و انس گرفتن با مزور همراه است.

اگرچه معنای شرح الاسمی زیارت، آسان و گفتن آن روان است، لیکن معنای حقیقی آن با حقایق و معارفی همراه است که باید به تدریج آنها را آموخت؛ زیرا به صورت یک اصل و قاعده کلی هر حقیقتی که میزان تأثیر کمی و کیفی آن گسترده و عمیق باشد ضرورتاً از معنا و لب بیشتری برخوردار است و زیارت از این مقوله است.

از این رو در امر زیارت باید دو موضوع خاص مورد توجه و دقت قرار گیرد:

اول این که، انسان پس از مرگ از حیاتی برتر و کامل تر برخوردار است و ارتباط و تعلق او به عالم بالا و انس و حشر او با جواهر قدسی موجب گسترش وجود و میدان

۱- همان، ج ۷۴، ص ۳۴۵.

احاطه وی می شود و طبعاً آثار وجودی او قوی تر و گسترده تر است و تفسیر زیارت به ارتباطی زنده میان دو حقیقت بدین معناست که نفس زائر با نفس و جان مزور ارتباط برقرار می کند، و هرگز زیارت ارتباط زایر با بدن مدفون مزور نیست.

دوم این که، ارتباط و توجه خاص مزور به بدن موجب می شود بدن و جسد او یک نوع مرکزیت و محوریتی پیدا کند و همین مایه توجه و زیارت قبر و بدن می شود.

گرچه روح و جان انسانی زمان و مکان ندارد و انسان در هر شرایطی و در هر مکان و زمانی با درود فرستادن و اهدای سلام و صلوات و ... می تواند مزور را شادمان کند، یا خود از او اثر وجودی بپذیرد، اما به لحاظ توجه و عنایت خاصی که آن نفس به هر جهت، به شیئی دارد موجب می شود در آن فرصت زمانی و مکانی موفقیت ویژه ای ایجاد شود. لذا، از این جهت است که مزار ائمه معصومین علیهم السلام بهترین مکان برای سیر در عبودیت و طیران در فضای معنویت است.

وقتی بار سنگین خطاها انسان را از رفتن باز می دارد و گناهان بسیار انسان را گرانبار می سازد، حالت تضرع و نیاز، شکسته دلی، پشیمانی، ندامت و خوف و رجا و بیم و امید لازم است. انکسار قلب در پیشگاه خداوند قادر قاهر در طول مسیر الزامی است و دل شکستگی در برابر «عظمت» خدا و «عصمت» رسول باید فراهم گردد. با واسطه قرار دادن چهره ای چون پیامبر و اولیای خدا در برابر پروردگار، امواج دریای رحمت و کرم او، زودتر گنه کار را فرا می گیرد و استحقاق غفران و توبه پذیری فراهم می شود.

از این رهگذر، تاریخ، بسیاری از زایران مرقد پیامبر صلی الله علیه و آله و عترتش را می شناسد که در مزار و مرقد پیامبر به پیشگاه خداوند توجه و التجا نموده و رضای الهی را کسب کرده اند و یا حتی از بیماری های سخت شفا گرفته اند.

این گونه احترام ها و محبت ها و شفاطلبی ها و تبرک جویی ها، از عقیده و ایمان سرچشمه می گیرد.

ص: ۸۹۶

فهرست منابع

۱. قرآن الکریم، ترجمه آیت اللّه مکارم شیرازی، نشر دار القرآن الکریم، تهران، ۱۳۷۶.

۲. آداب زیارت، میرزاحسین نوری، اپرون، بی جا، ۱۳۷۸.

۳. آفتاب ولایت، محمدتقی مصباح یزدی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۳.

۴. ادب فنای مقربان، عبداللّه جوادی آملی، اسراء، قم، ۱۳۸۳.

۵. اصول کافی، محمدبن یعقوب الکلینی، دار التعارف و المطبوعات، بیروت، ۱۴۰۱ ق.

۶. امت و امامت، علی شریعتی، قلم، تهران، ۱۳۵۸.

۷. بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، المکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۸ ق.

۸. بررسی کوتاهی پیرامون زیارت، سید محمد حسینی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۴.

۹.* برهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی، دار التفسیر، قم، ۱۳۷۵.

۱۰. پرتو ولایت، محمدتقی مصباح یزدی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۳.

۱۱. ترجمه اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ترجمه باقر کمره ای، اسلامیه، تهران، ۱۳۸۱.

۱۲. توسل، سید محمد ضیاءآبادی، بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۸۰.

۱۳. حکمت عبادات، عبد اللّه جوادی آملی، اسراء، قم، ۱۳۷۹.

۱۴. دایره المعارف تشیع، احمد صدر حاج سید جوادی، شهید محبی.

۱۵. دایره المعارف الاسلامیه، حسن الامین،، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۲۳.

۱۶. سرزمین وحی، مرتضی فهیم کرمانی، دارالسلام، تهران، ۱۳۷۵.

۱۷. شوق دیدار، محمد مهدی رکنی، اداره امور فرهنگ آستان قدس، مشهد، مهر، ۱۳۶۲.

۱۸. الغدیر، عبدالحسین الامینی النجفی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۶.

۱۹. غیبت نعمانی، ابن ابی زینب محمّد ابن ابراهیم نعمانی، مترجم: جواد غفاری، صدوق، تهران، ۱۳۶۳.

۲۰. فلسفه زیارت و آیین آن، مرتضی جوادی، اسراء، قم، ۱۳۸۲.

۲۱. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۲.

۲۲. کامل الزیارات، جعفر بن محمّد ابن قولویه، صدوق، تهران، ۱۳۷۵.

۲۳. کربلا، کعبه دل ها، جواد محدثی، نشر شعر، تهران، ۱۳۷۵.

۲۴. معجم الفاظ قرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۶.

۲۵. مفاتیح الجنان، عباس قمی، ترجمه مهدی الهی قمشه ای، ایران نگین، مسجد جمکران، ۱۳۸۱.

۲۶. مکیال المکارم، محمد تقی موسوی اصفهانی، مهدی حائری قزوینی، برگ شقایق، قم، ۱۳۸۰.

۲۷. منتهی الامال، عباس قمی، هجرت، قم، ۱۳۷۳.

۲۸. من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی بن الحسین ابن بابویه القمی،(شیخ صدوق)، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۳، همان کتاب با تحقیق علی اکبر غفاری، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، بی تا.

۲۹. نهج البلاغه، ابن موسی، محمد بن حسین(سید رضی)، ترجمه سید جعفر شهیدی، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۰.

۳۰. وسائل الشیعه، محمّد ابن حسن الحر العاملی، آل البیت، قم، ۱۴۱۲ ق.

۱۰. مبانی فقهی، آثار روحی و روانی زیارت

محمدعلی ابراهیمی (۱)

چکیده

ابن تیمیه در قرن هشتم هجری فتوای تحریم زیارت اماکن مقدس را مساوی کفر دانست و زایران مرقد مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله را مشرک خواند. سپس وهابیت با اخذ قسمتی از فراورده های ذهنی ضلالت آور ابن تیمیه به عنوان یک فرقه جدید تأسیس شد و مشکلات و شبهات جدیدی را برای جهان اسلام پدید آورد. فقهای اسلامی اعم از تشیع و تسنن کلیه شبهات این فرقه را پاسخ مستدل و مطابق با موازین علمی دادند. در این نوشتار دلایلی از منابع اهل سنت ارائه شده که آنان نیز مانند شیعه قائل به جواز زیارت مرقد رسول خدا می باشند. همچنین برخی از آثار روحی و روانی زیارت قبور به اختصار مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است. نگارنده ضمن بررسی مبانی فقهی زیارت، به سؤالات مطرح شده از سوی آن فرقه ضاله پاسخ داده و مبنای اصلی این اشکالات را صبغه سیاسی دانسته، که ناشی از تحجر و جمود فکری و نیز نیرنگ سیاسی بوده است.

کلیدواژه ها: ابن تیمیه، وهابیت، زیارت، آثار روحی و روانی زیارت.

مقدّمه

یک نگاه اجمالی به تاریخ فقه اسلامی نشان می دهد که تدوین این دانش قرن ها پس از نزول قرآن و شکل گیری سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و پیشوایان علیهم السلام دین صورت گرفته است. (۲) اگر

۱- کارشناس ارشد حقوق جزا.

۲- جامع المقاصد، ص ۳۰، این مجموعه از برخی کتاب های موجود در نرم افزار جامع فقه اهل البیت علیهم السلام و ... جمع آوری شده است، الدور الثانی(دور التدوین)؛ جواهر الفقه، المقدمه، ص ۱۰، مراحل تدوین الفقه و تطویره، علی بن الحسین بن بابویه(ت ۳۲۹) فقام بتدوین الفقه علی نمط جدید، و أحدث فیه تطویرا.

در زمـان رسـول خـدا صـلی الله علیه و آله تفقهی در دین صورت گرفته باشـد بـاز دلیلی بر سامـان یـافتن معرفت احکـام الهی نیست، فقط نمایه ای از تفقه در دین خواهد بود. بنابراین اختلاف نظرهایی که میان فقهای اسـلام پیش آمده، مربوط به قرن ها بعـد از نزول قرآن و سـیره پیـامبر صـلی الله علیـه و آلـه اسـت. حـال چرا چنیـن اختلافـات عمیقی و موضـع گیری هـایی میـان اندیشمندان علوم اسلامی پیش آمده، سؤالی است که پاسخ آن در طی تدوین این نوشتار مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

امـا آنچه که بایـد این جا به آن پرداخته شود این است که قرآن کریم می فرمایـد: «وَ ما آتاکُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ ما نَهاکُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»؛ (۱)

آنچه رسول خـدا برای شـما آورده بگیریـد(و اجرا کنیـد)، و از آنچه نهی کرده خودداری نماییـد. از جمله چیزهایی که رسول خدا صـلی الله علیه و آله برای امت خود قرار داده، جواز زیارت اهل قبور است. ما در منابعی که به آن اشاره خواهیم کرد، می بینیم که رسول خـدا صـلی الله علیه و آله اول این عمل را نهی نمود، اما بعـداً امر فرموده است. و این جمله رسول اللّه صـلی الله علیه و آله که فرمود: «

کنت نهیتکم عن زیاره القبور فزوروها» (۲)

در تمام منابع و صـحاح سـته اهل سـنت نقل شـده و اسـناد آن هم مورد نقـد واقع نشـده است. این می رسانـد که همه آنها این روایت را پـذیرفته انـد، بـا این که همین روایت سـبب اختلاـف نظر فقهای اهل سـنت از لحاظ قایل شـدن به وجوب، حرمت و اباحه حکم زیارت شده است.

قرآن کریم می فرماید: «لَقَدْ کانَ لَکُمْ فی رَسُولِ اللّهِ اسْوَهٌ حَسَنَهٌ لِمَنْ کانَ یَرْجُوا اللّهَ وَ الْیَوْمَ الْآخِرَ»؛ (۳)

مسـلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند. از آن جا که قرآن و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله

۱- سوره حشر، آیه ۷.
۲- مصنف ابن أبی شیبه فی الأحادیث و الأثار، ج ۳، ص ۲۲۳.
۳- سوره احزاب، آیه ۲۱.

زمان و مکان ندارد و در برهه های زمان و مکان ناپدید نمی گردد، لذا قابلیت استدلال و تأثیرگذاری همیشگی دارد. آیا خود پیامبر صلی الله علیه و آله به دیدار و عیادت برادران دینی و زیارت مردگان مسلمان نرفته است؟ اگر پیامبر صلی الله علیه و آله چنین عملی را انجام داده، آیا برای ما اسوه نخواهد بود؟! بدون شک پیامبر صلی الله علیه و آله برای ما اسوه است و رفتار آن بزرگوار موجب جواز و اباحه عمل می شود. پس سؤالی که این جا مطرح است این خواهد بود که این نظرات افراط و تفریط فقهی موجود چه مبنایی شرعی می تواند داشته باشد؟! همچنین سؤال دیگری که باید به پاسخ آن برسیم این است که آثار روحی و روانی زیارت چیست؟!

از دیدگاه فقهای شیعه زیارت مؤمنین، عیادت بیماران و رفتن به قبرستان مسلمانان جهت ادای احترام، دعا و تقدیم خیرات، نذورات و نیز خواندن ادعیه، نه تنها حرام نخواهد بود، بلکه شخص زایر مستحق پاداش هم هست و برای آن اجر و ثواب نیز تعلق می گیرد و این عمل نه تنها هیچ شائبه و نشانی از کفر و شرک ندارد، بلکه اثرات تربیتی فراوان بر آن بار خواهد شد.

برخی از کسانی که خود را اهل سنت معرفی می کنند، اما بیشترین اهانت ها را به مقدسات و عقاید مسلمانان روا داشته و خشم توفنده علمای اسلام را برانگیخته اند به صراحت می گویند:

۱. مسافرت برای زیارت مرقد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حرام است.

۲. ساختمان سازی روی قبور بدعت و شرک می باشد.

۳. توسل به ارواح پیامبران و محبوبان درگاه الهی، شرک است و ...

۴. منکر شفاعت بوده و آن را با توحید در عبادت و توحید ذاتی ناسازگار می دانند. (۱)

۱- السیف الصقیل فی الرد علی ابن زفیل، ص ۱۷۷.

۵. و نیز می گویند شفاعت موجب تجری است، قرآن آن را باطل دانسته و از لازمه پذیرش آن این است که خداوند تحت تأثیر شفیع قرار گیرد و ... (۱) باید دید که مبنای اصلی این اشکالات چیست؟ آیا دلیل شرعی دارد یا با صبغه ای سیاسی رنگین می باشد؟ در این نوشته تلاش شده که مبانی فقهی و آثار روحی و روانی زیارت تحقیق شود و در ضمن آن، به سؤالات فوق پاسخ داده شده و بطلان اشکالات به شکل واضح ثابت گردیده و با یک جمع بندی منطقی نوشته خاتمه یابد.

مفهوم لغوی و اصطلاحی زیارت

زیارت واژه عربی است و در لغت به معنای بازدید کردن، دیدار کردن شخص بزرگ، و رفتن به مشاهد متبرکه را گویند. (۲) و نیز به معنای دیدار کردن از مکان یا چیزی مهم و با ارزش نیز خواهد بود. (۳) در اصطلاح دیدار کردن از آرامگاه های ائمه علیهم السلام، بزرگان دین، مکان های مقدس، به قصد ثواب و تبرک و همچنین دیدار کردن از کسی، چیزی، یا جایی که دارای ارزش و اهمیت می باشد را می گویند. (۴) لازم به تذکر است که یکی از مصادیق دیگر زیارت، دیدار از مرقد شهدا و اهل قبور مسلمین می باشد که در میان امت اسلامی جایگاه ویژه دارد و جزء سنت پیامبر صلی الله علیه و آله است. (۵) کلمه دیگری که در این راستا قابل توجه است «عیادت» می باشد، چون در منابع دینی مورد تأکید واقع شده و پیامبر صلی الله علیه و آله عنایت خاص به آن داشته است. مفهوم این کلمه نیز نوعی زیارت و دیدار کردن می باشد و برای دلجویی بیمارانی که در بستر مانده اند به کار می رود. در فارسی لفظ دیدار که عبارت از عمل یا فرایند دیدن کسی برای گفت وگوی حضوری یا رابطه ای عاطفی می باشد، قرین مفهوم زیارت خواهد

۱- مجموعه آثار شهید مطهری ۱، «شفاعت»، ص ۲۴۳.

۲- فرهنگ فارسی عمید.

۳- فرهنگ معاصر فارسی.

۴- فرهنگ بزرگ سخن.

۵- عون المعبود شرح سنن أبی داود، مع شرح الحافظ شمس الدین ابن قیم الجوزیه، ج ۶، ص ۲۶.

بود. در انگلیسی از این عمل به «ویزیت» (۱) تعبیر می نمایند، چون پزشک بیمار را می بیند، آن گاه دارو برایش تجویز می کند، و همین معنا در بعض منابع لغوی عربی نیز دیده می شود. «الزِّیارَه» ج: زِیَارَات، زور: مص، آمدن پزشک به بالین بیمار برای معاینه و درمان، ویزیت، رفتن به اماکن مقدس برای زیارت پیشوایان دینی و مذهبی. (۲) واژه دیگری که در این جا قابل توجه است، «توریست» (۳) می باشد که امروزه به عنوان یک صنعت مهم درآمده و در سراسر جهان نهادهای گردشگری، سیاحتی و جهانگردی دایر بوده، موجب رونق تور سیاحتی و زیارتی گردیده است. در کشورهای اسلامی سازمان حج و زیارت یا سازمان اوقاف و امور خیریه، متصدی این امر می باشد و سالانه میلیون ها مسلمان را از سراسر جهان راهی عربستان می نمایند که در مراسم ادای فریضه حج شرکت کنند و به زیارت خانه خدا بپردازند.

بنابراین زیارت فقط مخصوص دیدن و سفر به مشاهد نمی باشد، بلکه هر نوع رابطه ای که موجب بازدید و ملاقات میان دو یا چند نفر شود، زیارت خواهد بود، اگرچه آنها به قصد بوسیدن و لمس کردن نزد همدیگر نروند. در شرایط کنونی به لحاظ گسترش ارتباطات، توسعه زندگی شهری و فراهم بودن امکانات حمل و نقل آسان، انواع سفرهای زیارتی، تجارتی، سیاسی، دیپلماتیکی، فرهنگی، تفریحی و ...

میان ملل جهان رایج شده و بعضی از آنها اجتناب ناپذیر گردیده است. مثلًا پدر در یک کشوری و فرزند در کشور دیگری زندگی می نمایند، عواطف انسانی ایجاب می کند که از همدیگر دیدن داشته باشند، اگر کسی قایل شود که سفر به قصد زیارت حرام است، این حکم موجب اختلال نظام معیشتی بشر می گردد و اصلًا قابل پذیرش نخواهد بود.

مخالفان زیارت می گویند: سه روایت از ابی هریره نقل شده که می توان از آنها

۱- vizit

۲- فرهنگ ابجدی عربی- فارسی، ص ۴۶۵.

۳- turist

استفاده مفهومی کرده و حکم به تحریم سفرهای زیارتی صادر کرد. ۱. «تشدّ الرحال إلی ثلاثه مساجد: مسجد الحرام و مسجد الأقصی و مسجدی» (۱) ۲. «ابا هریره یخبر أن رسول اللَّه صلی الله علیه و آله قال: إنّما یسافر إلی ثلاثه مساجد: مسجد الکعبه و مسجدی و مسجد ایلیاء». (۲) ۳. «عن أبی هریره، أنّ رسول اللَّه صلی الله علیه و آله قال: لا- تشدّ الرحال إلّاإلی ثلاثه مساجد: مسجد الحرام و مسجدی هذا و المسجد الأقصی». (۳) یعنی برای سه مسجد فقط می شود بار سفر بست.

مفهوم آن این است که برای غیر این موارد به مسافرت رفتن جایز نیست.

واقعیت این است که یکی از آفات تفقه در دین پس از درگذشت پیامبر صلی الله علیه و آله سطحی گرایی و ظاهربینی در میان گروهی از مسلمانان رواج یافت، از این رو به حفظ روایت بیش از تدبر و اندیشه در مفهوم و مضمون آن همت گماردند. نمونه این سست اندیشی را ما در نظرات ابن تیمیه می نگریم و در مباحث آینده پیرامون آن بحث می کنم. آفتی که امروزه دامنگیر وهابیت شده، اتکای آنان به نظر سخیف ابن تیمیه است. چون هر چند ابن تیمیه در قرن هشتم به احادیث فوق استدلال کرد و حکم به تحریم زیارت نمود، اما وهابیت معتقد شدند که حتماً استدلال او خطاناپذیر بوده و پیوسته همان را تکرار می کنند. (۴) از این معلوم می شود که آنها مقلد ابن تیمیه هستند نه مطیع خدا و رسول او.

پیشینه تاریخی زیارت

آغاز تاریخ سفرهای زیارتی بشر را کسی نمی تواند معین کند، این ضرورت پس از اسکان انسان بلافاصله احساس شده و فرزندان بنی آدم به هر دلیل نتوانسته از هجرت و سیاحت دست بردارند. یکی از دلایل مهم ساخت خانه کعبه توسط حضرت

۱- صحیح البخاری، باب فضل الصلاه فی مسجد مکه و المدینه، الجزء الثانی، ص ۵۸.

۲- صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۲۶.

۳- سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۵۲، باب ۱۹۶، ما جاء فی الصلاه فی مسجد بیت المقدس، ح ۱۴۰۹.

۴- فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی، ج ۳، ص ۱۴۲.

ابراهیم علیه السلام همین بود که مردم به آن جا مسافرت کرده و به طواف بیت بپردازند.

بنابراین سفرهای زیارتی جزء سیره عقلای عالم است و اگر کسی کم ترین تأملی در این زمینه داشته باشد، منکر ارزش آن نخواهد شد.

بدون تردید بشر دلایل فراوانی برای سفرهای سیاحتی و زیارتی دارد، بعضی از آنها مربوط به عواطف انسانی است، برخی مربوط به عبرت آموزی از سرگذشت دیگران می باشد، بعضی دیگر هم پاسخ به خواسته های درونی و نیازهای روحی و روانی انسان است. قرآن کریم به صراحت امر می کند: «قُلْ سِیرُوا فِی ٱلْأَرْضِ فَانْظُرُوا کَیْفَ کانَ عاقِبَةُ الَّذینَ مِنْ قَبْلُ کانَ أَکْثَرُهُمْ مُشْرِکینَ»؛ (۱)

بگو: در زمین سیر و سفر کنید و بنگرید عاقبت کسانی که قبل از شما بودند چگونه بود؟ بیشتر آنها مشرک بودند!

ما اگر بخواهیم به وسعت دامنه شرک پی ببریم باید به جاهای مختلف مسافرت کنیم، از فرهنگ ملل مختلف آگاهی یابیم تا بتوانیم راجع به عقاید حق یا باطل آنان قضاوت کنیم. ما اگر از دنیای پیرامونی خود باخبر نباشیم چگونه می توانیم راجع به آنها اظهار نظر کنیم؟!

به علاوه اگر سفرهای زیارتی غیر موارد سه گانه مذکور خطرزا و مشکل آفرین بود، قطعاً قرآن کریم به این شدت دستور نمی داد. حکم به تحریم سفرهای زیارتی پس از تفقه ابن تیمیه در دین خدا صادر گردید. وی روحانی قرن هشتم است، پیش از تولد او همه مسلمانان جهان به زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می شتافتند، و این سیره عملی بزرگ ترین حجت بر جواز و استحباب قصد سفر برای زیارت است. (۲) حتی خود پیامبر صلی الله علیه و آله از شهر خارج می شد و برای زیارت به سوی مزار مادر خود مسافرت می نمود. (۳) عده ای عایشه را که معروف به ام المؤمنین است مشاهده کردند که به زیارت قبر برادر خود عبدالرحمان رفت. وی در جواب افرادی که به او اعتراض

۱- سوره روم، آیه ۴۲.

۲- فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی، ص ۱۴۷.

۳- ر. ک: صحیح مسلم، ج ۳، ص ۶۵.

کردند، گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله امر کرده است. (۱) باید توجه داشت که شاید علت تحریم موقتی زیارت قبور توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله این بوده که مردم جاهل عرب به طوایف، افراد قبیله و کثرت اموال خود مباهات می کردند و فخرفروشی می نمودند. از جمله عادات زشت آنان افتخار به نیاکان خود بود، حتی اقدام به شمارش قبور می کردند. مفسرین در ذیل آیه «أَلْهاكُمُ التَّكاثُرُ* حَتّى زُرْتُمُ الْمَقابِرَ» فرمودند: در این آیات نخست با لحنی ملامت بار می فرماید: «تفاخر و مباهات بر یکدیگر شما را از خدا و قیامت به خود مشغول داشت، تا آن جا که به زیارت و دیدار قبرها رفتید، و قبور مردگان خود را برشمردید. (۲) بنابراین چون چنین سابقه زشتی در میان اقوام عرب وجود داشته و آنها دارای چنین روش نامناسبی بوده اند، رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را از زیارت قبور منع کرده بود. اما بعداً دید که جامعه رو به تربیت است و آثار سوء زمان جاهلیت از بین رفته، امر به زیارت کرده که اقل مراتب امر مباح بودن است، (۳) پس زیارت قبور در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله کاملًا مباح بوده است. چون معنای امر بعد از نهی، حداقل اباحه عمل خواهد بود. به خاطر این که امر لاحق موجب نسخ نهی سابق می گردد، به همین لحاظ اقوال فقهای اهل سنت در این مسأله مختلف شده و بین حرمت مطلق، وجوب مطلق و اباحه مؤکد دور می زند. (۴) اقسام سفرهای زیارتی

سفرهای زیارتی همیشه و الزاماً جهت بازدید عتبات، آرامگاه های مردگان و مساجد مهم نیست. معمولًا انسان بر اساس ضرورت های زندگی خود برنامه ریزی کرده و اقدام به عملی می نماید. الزامات حیاتی بشر فقط در سفرهای مذکور خلاصه نمی شود،

۱- تحفه الاحوذی بشرح جامع الترمذی، ج ۴، ص ۱۳۵.
۲- تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۲۷۶؛ فتح القدیر، ج ۵، ص ۵۹۷، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۷، ص ۲۵۴.
۳- فیض القدیر شرح الجامع الصغیر من احادیث البشیر النذیر، ج ۵، ص ۷۱، ح ۶۴۳۰.
۴- تحفه الاحوذی بشرح جامع الترمذی، ج ۴، ص ۱۳۶.

به خاطر این که شرایط زیست محیطی در حال تحول است و هر روز پیش آمدهای نوینی رخ می دهد که انسان ناچار است از لاک خود بیرون رفته و راه جدیدی را در پیش گیرد. اینک با برخی از این ضرورت های اجتناب ناپذیر آشنا خواهیم شد.

۱. زیارت ارحام و برادران دینی

یکی از آداب اسلامی و سنن نبوی و شعایر دینی ملاقات با برادران دینی است، این ارتباط عاطفی می تواند سبب پیوستگی ناگسستنی باشد. انسان ها همین که با هم انس پیدا کردند یک نوع علاقه و محبت درونی نسبت به یکدیگر پیدا می کنند؛ زمینه های زیادی برای ایجاد آن وجود دارد. مثل رفاقت اتفاقی در سفر، یا بر اثر خدمت وظیفه سربازی و هم اتاقی شدن در دوران تحصیل و ... پس از گذشت زمان انسان به خاطره خود مراجعه می کند، گذشته خود را مرور می نماید، به یاد روزگار تلخ و شیرین خود می افتد و جهت تجدید خاطره اقدام خواهد کرد.

تا انسان از کسی شناختی نداشته باشد، اتفاقی به دیدن او نمی رود. همین که دلایل کافی برای کار خود یافت مقدمات آن را فراهم می کند، از عواملی که موجب تحریک انسان می گردد، عبارت است از روابط فامیلی(سببی یا نسبی)، روابط کاری(تجاری، صنعتی و خدماتی) روابط اخلاقی و معنوی(رابطه استادی و شاگردی) و ... می باشد.

در اسلام تأکید زیادی روی ارتباطات معنوی شده است، قسمتی از آن دستورات به عنوان صله ارحام مورد عنایت دین واقع گردیده و قطع آن مورد نکوهش قرار گرفته است. پس اگر واجب نباشد قریب به این معنی خواهد بود.

یک بخش از روابط انسان مربوط به ارتباطات عمومی است. جمیل بن دراج می گوید: روزی از امام صادق علیه السلام در مورد این آیه که می فرماید: «وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذی تَسائَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحامَ إِنَّ اللَّهَ کانَ عَلَیْکُمْ رَقیباً» پرسیدم، امام فرمود: مقصود از ارحام عمومی مردم است، زیرا خداوند به صله و احترام آن دستور داده است. آیا نمی بینی که

آن را بـا خـود مقرون کرده است؟ (۱) بخش دیگر آن مربوط به ارتباطـات فـامیلی می گردد. رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمود: به حاضـر و غایب امت خود و کسانی که در اصلاب پدران و ارحام مادران آینده هستند تا روز قیامت سفارش می کنم که صـله رحم انجام دهند ولو مسافتی به طولانی یک ساله را در پیش داشـته باشند، چون صله رحم هر چند با مسافرت شاق و بعد مکانی همراه باشد، جزء امور دین مقدس اسلام است. (۲) بخش سوم آن مربوط به زیارت برادران دینی است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس برادر خود را در خانه او دیـدن کند، خداوند متعال می فرماید: تو مهمان و زایر من هستی، پذیرایی از تو با من است، و من بهشت را برای تو واجب کردم به خاطر این که میزبان را دوست داری. (۳) این کلمات نورانی و راهکارهـای دینی، دلیـل ثـابت و محکمی جهت اباحه سـفرهای زیارتی بوده و الزامات عاطفی، انسانی و اخلاقی ای را برای طرفین مسـلم می گردانـد و هرگونه مـانع تراشـی و احکام غیر واقعی را مردود می سازد، حال از هر شـیخ الاسـلامی حقیقی یا خود خوانده ای که صادر شده باشد. (۴) ۲. عیادت مطلق از بیماران

بخشـی از متون دینی اسـلام را عیـادت و دلجویی از بیمـاران به خود اختصاص داده است، فقهای اسـلام، بـدون اسـتثنا در آثار فقهی خود بابی تحت عنوان «عیاده المریض» را به نگارش در آورده اند، تقریباً در میان فقهای اسـلام مخالفی درباره عیادت از بیماران وجود ندارد، حتی خود آنانی که قایل به تحریم سفرهای زیارتی هستند. و

۱- الکافی، ج ۲، ص ۱۵۰، باب صله الرَّحِم، ح ۱.

۲- همان، ج ۲، ص ۱۵۱، ح ۵.

۳- همان، ج ۲، ص ۱۷۷، باب زیاره الإخوان، ح ۶.

۴- جهت اطلاعات بیشتر به التوفیق الربانی فی الرد علی ابن تیمیه الحرانی، لجماعه من العلماء، ص ۲۰ و ۲۱ مراجعه شود.

این حکایت از اجتماع اهل حل و عقد مسلمین دارد.

بیهقی در شعب الایمان می گوید: شصت و سومین شعبه ایمان عیادت مریض یعنی به دیدن بیمار رفتن، ملاقات و احوال پرسی با بیماران است. آن گاه روایات فراوانی را نقل می کند که یکی از آنها را با هم می خوانیم: «

قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله: أطعموا الجائع و عودوا المریض و فکّوا العانی

»؛ پیامبر عزیز اسلام صلی الله علیه و آله امر می کند که به آدم گرسنه غذا بدهید، به دیدن مریض بروید و اسیر را رها سازید. (۱) حداقل خطاب امری استحباب مؤکد خواهد بود، لذا زیارت مریض جزء ایمان تلقی شده است، چون مؤمن در برابر همه فرمایشات رسول خدا صلی الله علیه و آله تسلیم می باشد.

بنابراین این تفکر غلطی خواهد بود اگر کسی قایل به تحریم مطلق زیارت گردد. یکی از مهم ترین سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله این بود که بعد از سه روز به دیدن یاران خود می رفت.

۳. زیارت مزار پیشوایان دین

یکی از مراسم باشکوه عبادی و سیاسی اسلام زیارت کعبه در موسم حج است. و کسی در اصل وجوب آن شک ندارد، به همین دلیل مسلمانان توانمند از سراسر عالم اسلام عید اضحی را در مکه سپری کرده و به طواف بیت می پردازند. فقهای اسلام فرموده اند: وقتی مراسم حج به انتها رسید، نوبت دیدن و زیارت مرقد رسول خدا صلی الله علیه و آله است؛ و نباید کسی خود را از فیض آن محروم سازد. فقط ابن تیمیه و به تبع آن وهابیت است که حکم به تحریم زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله هم داده اند. (۲) «

قَالَ الحُسَیْنُ لِرَسُولِ اللَّه صلی الله علیه و آله یَا ابَتَاه ما لِمَن زارَکَ فَقالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ زَارَنِی حَیّاً أوْ مَیِّتاً أوْ زارَ أباکَ أوْ زارَ أخاکَ أو زارَکَ کانَ حَقّاً عَلَیَّ أن أزُورَهُ یَوْمَ القیامَهِ وَ اخَلِّصَهُ مِنْ ذُنُوبِهِ

»؛ امام حسین علیه السلام از جد بزرگوار خود می پرسد: پاداش زیارت کننده تو چیست؟! رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: کسی که مرا در زندگی یا بعد از مرگم یا پدرت یا برادرت یا

۱- شعب الایمان، ج ۶، ص ۳۰۳۳، باب ۶۳، ح ۹۱۶۵.

۲- البشاره و الاتحاف بما بین ابن تیمیه و الالبانی فی العقیده من الاختلاف، ص ۵۳.

تو را زیارت کنـد، بر من حق پیـدا می کند که روز قیامت به دیدار او بروم و او را از گناهانش خلاص گردانم. (۱) در حدیث دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «

ضَمِنْتُ لَهُ يَوْمَ الْقِيامهِ أنْ اخَلِّصَهُ مِنْ أهْوالِها وَ شَدائِدِها حَتّى اصَيِّرَهُ مَعِى فِى دَرَجَتِى

»؛ (۲) من ضامن خلاصی او در روز قیامت از ترس و گرفتاری های آن هستم تا او را همراه خود همرتبه گردانم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «

مَن أتَى مَكَّهَ حَاجّاً وَ لَمْ يَرزُرنِى إلَى الْمَدِينَهِ جَفَوْتُهُ يَوْمَ القِيامَهِ وَ مَن أتَانِى زَائِراً وَجَبَتْ لَه شَفَاعَتِى وَ مَنْ وَجَبَتْ لَهُ شَفاعَتِى وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّه

»؛ (۳) کسی که مکه مشرف شود ولی مرا در مدینه زیارت نکند، روز قیامت به او سخت خواهم گرفت، هر کس مرا زیارت کند، شفاعت او برایم واجب خواهد شد، و کسی که شفاعت من برای او واجب شود، بهشت برای او واجب می گردد.

در روایت دیگر آمده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «

مَنْ زَارَ قَبْرِى بَعْدَ مَوْتِى كَانَ كَمَنْ هَاجَرَ إلَىَّ فِى حَيَاتِى فَإنْ لَمْ تَسْتَطِيعُوا فَابْعَثُوا إلَىَّ السَّلامَ فَإنَّهُ يَبْلُغُنِى

»؛ (۴) کسی که قبر مرا بعد از مرگ من زیـارت کنـد، مثـل کسـی است که بـا من در زمـان حیاتم مهاجرت کرده است، اگر نتوانست به زیارتم بیاید، از دور برایم سلام بفرستد که به من می رسد.

روایات در این باب بسیار زیـاد است، در اکثر آنهـا متن روایت فریقین یـک سـان می باشـد، فقـط ذیل روایتی که مربوط به زیـارت امامان معصوم علیهم السـلام می شود در منابع روایی اهل سـنت ذکر نشـده است و الا در صـدر روایت اختلافی وجود ندارد و یک نواختی لفظی و معنوی آن کاملًا مشهود می باشد.

در مورد دیدن برادران دینی امام صادق علیه السلام می فرماید: «

مَنْ زَارَ أخاً فِى جانِبِ الْمِصْرِ ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ فَهُوَ زَوْرُهُ وَ حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أنْ يُكْرِمَ زَوْرَه

»؛ (۵) کسی که برادر دینی خود را

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۲۶، ح ۱۹۳۲۳ و ص ۳۲۹، ح ۱۹۳۲۶.

۲- همان، ص ۳۲۸، ح ۱۹۳۲۵.

۳- همان، ص ۳۳۴، ح ۱۹۳۳۷.

۴- همان، ص ۳۳۷، ح ۱۹۳۴۴.

۵- همان، ص ۵۸۱، ح ۱۹۸۵۹ و ۱۹۸۶۰.

محض رضای خدا زیارت کند، در حقیقت خدا را زیارت کرده است و حق پیدا می کند که خداوند زیارت کننده خود را گرامی بدارد. در این قسمت نیز روایات زیادی در منابع اسلامی وجود دارد که دلالت بر اهمیت دید و بازدید می کند و مسلمانان را نسبت به ملاقات همدیگر تشویق می نماید. نکته قابل توجه در روایات این است که هر عملی که انجام می پذیرد، باید رنگ خدایی داشته باشد و اگر این رفتارهای معنوی با نیت پاک همراه بود مستحق پاداش معنوی می گردد. مفهوم روایات این است که اگر کسی برای طلب خود یا سایر نیازمندی های شخصی به دیدن کسی می رود انتظار دریافت بهشت از خدای متعال نداشته باشد.

۴. زیارت قبر مسلمانان

زیارتِ آرامگاه های مؤمنان و صلحا بدون هیچ اختلافی جایز است. فقط طبق نظر افراطی ابن تیمیه حرام می باشد که آن مردود و خلاف شرع است. سند حکم او روایاتی است که مورد نسخ واقع شده چون اوامر بعد از نهی موجب نسخ مورد منهی می گردد.

در ذیل این نوشتار به آرای فقهای اهل سنت و شیعه اشاره خواهم کرد. آن گاه روشن می گردد که حکم جواز و مباح بودن زیارت مرقد مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله و قبور مسلمانان مورد اتفاق فریقین است.

دیدگاه فقهای فریقین در مورد زیارت

خوش بختانه هر دو طایفه از علمای اسلامی در خصوص احترام مرقد مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله توافق نظر دارند و آن را شریف ترین عبادت و بهترین طاعت و با فضیلت ترین ثواب می دانند، و تأکید دارند که هر زایر خانه خدا، قبل یا بعد از طواف بیت اللّٰه الحرام سراغ حرم نبوی رفته و به زیارت آن بارگاه ملکوتی بپردازند. در مورد زیارت قبور مؤمنان نیز قایل به جواز بوده همه آن را جزء عمل مشروع تلقی کرده اند که قبلًا متذکر شوم. نمونه هایی از فرمایشات علمای اسلام در مورد زیارت قبر رسول

خدا صلی الله علیه و آله به قرار ذیل است.

۱. نویسنده عون المعبود می نگارد: «و اعلم أنّ زیاره قبر النبی أشرف من أکثر الطاعات و أفضل من کثیر المندوبات لکن ینبغی لمن یسافر أن ینوی زیاره المسجد النبوی ثمّ یزور قبر النبی و یصلّی و یسلّم علیه اللهم ارزقنا زیاره المسجد النبوی و زیاره قبر النبی آمین»؛ (۱) ۲. نووی دمشقی می گوید: «فصل فی زیاره قبر رسول اللّه صلی الله علیه و آله و أذکارها: إعلم أنه ینبغی لکلّ من حجّ أن یتوجّه إلی زیاره رسول اللّه صلی الله علیه و آله، سواء کان ذلک طریقه أو لم یکن، فإنه زیارته صلی الله علیه و آله من أهم القربات و أربح المساعی و أفضل الطلبات». (۲) ۳. ابوصلاح حلبی می نویسد: «زیاره رسول اللّه صلی الله علیه و آله عند قبره و کلّ واحد من الأئمه علیهم السلام من بعده فی مشاهدهم من السنن المؤکّده و العبادات المعظمه، فی کلّ جمعه أو فی کلّ شهر أو فی کلّ سنه إن أمکن ذلک، و إلّافمره فی العمر. و من لم یتمکّن من زیاره النبی صلی الله علیه و آله و الأئمه علیهم السلام بحیث قبورهم لبعد داره أو لبعض الموانع فلیزر من شاء منهم من حیث هو مصحرا أو من علوّ داره أو من مصلّاه فی کلّ یوم أو فی کلّ جمعه أو فی کلّ شهر». (۳) ۴. علامه حلی معتقد است که منظور از زیارت بعد از حج، عام است و استحباب آن شامل زیارت مرقد پیامبر صلی الله علیه و آله و سایر ائمه علیهم السلام می شود. (۴) ۵. شیخ حر عاملی می نویسد: استحباب زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سایر ائمه علیهم السلام بعد از حج مورد تأکید است. (۵) با وجود این کلمات صریح دیگر جای هیچ ابهام و شکی باقی نمی ماند و اگر کسی با آن همه روایات منصوصه و تصریحات عالمانه شیوخ اسلام در احکام اسلامی ایجاد تشکیک نماید، در اصل عقیده او باید تردید کرد که آیا واقعاً از روی علم منکر احکام شرعی می شود یا از روی عناد یا ناتوانی علمی؟!

۱- عون المعبود، ج ۶، ص ۲۵.

۲- الاذکار النوویه، ص ۲۰۴.

۳- الکافی فی الفقه، ص ۲۲۳.

۴- منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ج ۲، ص ۴۷۴.

۵- هدایه الأمه إلی أحکام الأئمه، منتخب المسائل، ج ۵، ص ۴۵۳.

آثار روحی و روانی زیارت

روان شناسان تلاش فراوان دارند که راهکارهای مناسبی جهت درمان مشکلات روانی افراد جامعه پیدا نمایند، اما متأسفانه در این باره از منابع دینی کمک نمی گیرند تا بتوانند با آموزه های آن مراجعه کنندگان خود را با اطمینان بیشتری مورد معالجه قرار دهند، علت آن شاید در کم اطلاعی آنان از منابع سرشار دینی باشد. با این که در این منبع فیاض، مخصوصاً سخنان گوهر بار ائمه علیهم السلام راهبردهای بسیار مفیدی وجود دارد که با تکیه بر آن می شود بحران های روحی و روانی جامعه را کاهش داد و آنها را جهت غلبه بر بیماری توان بخش نمود. نقش انبیا در رشد و توسعه آموزه های روان شناختی، بسیار حایز اهمیت است. انبیا یکی پس از دیگری دانش مورد نیاز انسان را که از طریق وحی به آنان عرضه می شد دریافت می کردند که در این دانش ها اطلاعات مربوط به انسان و تفسیر و تحلیل پدیده های ذهنی و رفتاری وی نیز نهفته بود. (۱) در ذیل به قسمتی از این روش ها اشاره می شود.

۱. رسیدن به آرامش روانی

یکی از مهم ترین آثار زیارت رسیدن به آرامش نسبی است. انسان به لحاظ داشتن عاطفه و احساس سرشار نمی تواند زندگی یک نواخت داشته باشد. یک رنگی در زندگی ملالت آور و کسل کننده است و پیامد انزواگرایی و جامعه گریزی و در نهایت بیماری افسردگی را در پی خواهد داشت. وقتی انسان در خود احساس دلگیری می کند تلاش خواهد کرد تا از این وضعیت رهایی یابد. چه چیزی می تواند دنیای سرد و بی روح آدم را در هم بشکند و شادابی را برای او هدیه کند؟!

طبیعی است که بگویم تغییر وضعیت و محیط کمک زیادی می کند. بنابراین وقتی انسان به ملاقات عزیزان خود مانند پدر، مادر، برادر و سایر وابستگان می رود و در

۱- دیدگاه های روان شناختی حضرت آیت اللّه مصباح یزدی، ص ۲۶.

محیط فامیلی قرار می گیرد بسیاری از مشکلات و گرفتاری های خود را از یاد می برد، حالت نشاط و سرور به او دست می دهد. دیدن یک دوست به میزان زیادی روی روحیه طرفین اثر می کند، بلافاصله شکوفه خنده را بر لب می نشاند. چرا باید ناسنجیده و بدون تأمل این مواهب الهی را از بندگان خدا گرفت و گفت فقط انسان مجاز است برای سه مسجد بار سفر ببندد لاغیر؟!

وقتی انسان بار سفر می بندد و به زیارت عتبات می رود، با دیدن آن فضای سرشار از معنویت، بیشتر خود را در جوار رحمت و مغفرت الهی احساس می کند و می اندیشد که بعد مکانی از بین رفته، معرفت الهی حس می شود و او واقعاً در محضر حضرت رب است. با این که انسان همیشه در محضر خدا می باشد ولی غفلت باعث می شود که این حالت را همه جا نداشته باشد، اما مشاهد مشرفه و قبور صالحان حجاب ها را کنار می زند و انسان را متنبه می سازد و در فضای معنویت غرق می گرداند.

لذا ناب ترین اشک ها آن جا از دیدگان سرازیر می گردد، دل ها شست وشو می یابد، امیدها به مغفرت خدا زیادتر گردیده و دعاها خالصانه تر می شود. شاید به همین خاطر است که رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «

کنت نهیتکم عن زیاره القبور فزوروها فإنّها تزهد فی الدنیا و تذکّر الآخره

»؛ (۱) من قبلًا شما را از زیارت قبور منع کردم پس به زیارت آنها بروید، چون زیارت اهل قبور زهد در دنیا و یادآوری آخرت را در پی دارد. این دو عنصر اثر اساسی در تربیت و سازندگی انسان خواهد داشت و راه بندگی را به سوی حضرت رب هموارتر می کند.

و نیز فرمود: «

... فإنّها ترقّ القلوب و تدمع العین و تذکّر الآخره

»؛ (۲) در زیارت نرمی دل، گریستن چشم و یادآوری آخرت است. انسان با دل شکسته آمادگی برای اخلاص پیدا می کند، با چشم جوشان از اشک، موفق به طهارت باطنی می گردد و یاد آخرت

۱- کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، ج ۵، ص ۶۵۱، ح ۴۲۵۸۲.

۲- همان، ج ۵، ص ۶۵۱، ح ۴۲۵۸۳.

ضمن این که اثر بیشتر در آمادگی دگرگونی را ایجاد می نماید، پیامد دل کندن از زرق و برق دنیا و فریب نخوردن مظاهر آن را به همراه دارد. مگر ما در بندگی خداوند به دنبال چه هستیم؟! آیا غیر از اخلاص در عبودیت و تقرب الهی را می طلبیم؟ بدون تردید راه رسیدن به این هدف همان است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: پس اصرار و التزام به مطلق زیارت نه تنها موجب شرک نیست که حتی شرک زدایی می کند و انسان را می سازد و تربیت می نماید.

۲. یادآوری مرگ

اثر روحی و روانی دیگر زیارت این است که انسان را به یاد مرگ می اندازد.

گرفتاری های دنیا، مشغله های فراوان و ... گاهی به حدی پیشرفت می کند که انسان سال ها از آن دور مانده و باورش نمی شود که ممکن است روزی مرگ به سراغ او هم بیاید. انسان غافل در عالم خواب و خیال خویش خوش است و سرمست از باده عیش و نوش، به خود می بالد و به مظاهر چند روزه دنیا مباهات می کند.

پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: سراغ زیارتگاه ها و آثار مردگان بروید، شاید تکانی بخورید و از توهمات ذهنی خود رهایی یافته کمی متنبه شوید. زیارتِ بیماران، و مخصوصاً دیار مردگان، انسان را متوجه مرگ می کند و این که او باید روزی با دنیای خیالی خود وداع کند.

امیرالمؤمنین علیه السلام وقتی که با لشکریان خود از جنگ صفین بر می گشت، در حالی که لشکرش شکست خورده بود و سخت دچار بحران روحی گردیده بود، پشت دروازه کوفه رسیدند، نزدیک قبرستان ایستاده با مردگان سخن گفت تا زنده ها و اطرافیان او متوجه عالم غیر مادی شوند و بفهمند که این دنیا عمر بس کوتاهی خواهد داشت.

سخنان امام علیه السلام به حدی شورانگیز و تأثیرگذار است که هر وقت انسان می خواند به خود می لرزد و در فکر فرو می رود. فرمود: «

يَا أَهْلَ الدِّيَارِ الْمُوحِشَهِ وَ الْمَحَالِّ الْمُقْفِرَهِ وَ الْقُبُورِ الْمُظْلِمَهِ يَا أَهْلَ التُّرْبَهِ يَا أَهْلَ الْغُرْبَهِ يَا أَهْلَ الْوَحْدَهِ يَا أَهْلَ الْوَحْشَهِ أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ سَابِقٌ وَ نَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ لَاحِقٌ أَمَّا الدُّورُ فَقَدْ سُكِنَتْ وَ أَمَّا الْأَزْوَاجُ فَقَدْ نُكِحَتْ وَ أَمَّا الْأَمْوَالُ فَقَدْ قُسِمَتْ هَذَا

خَبَرُ مَا عِنْدَنَا فَمَا خَبَرُ مَا عِنْدَكُمْ ثُمَّ الْتَفَتَ إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ: أَمَا لَوْ أُذِنَ لَهُمْ فِی الْکَلَامِ لَأَخْبَرُوکُمْ أَنَّ خَیْرَ الزَّادِ التَّقْوَی

»؛ (۱) ای ساکنان خانه های وحشت زا، گورهای تاریک، ای خفتگان در خاک، ای غریبان، ای تنهاشدگان، ای وحشت زدگان، شما پیش از ما رفتید و ما در پی شما روانیم، و به شما خواهیم رسید. از ما درباره این دنیا می پرسید؟! بدانید که خبرهای بدی برای شما داریم: در خانه هایتان دیگران سکونت گزیدند، زنانتان با دیگران ازدواج کردند، اموال شما در میان دیگران تقسیم شد. این خبری است که ما داریم، حال شما چه خبر دارید؟ سپس به اصحاب خود رو کرد و فرمود: بدانید که اگر اجازه سخن گفتن داشتند، به شما خبر می دادند که بهترین توشه برای این سفر، تقواست. یعنی در آن جا غیر از پرهیزگاری الهی هیچ چیزی دست انسان را نمی گیرد.

این کلام مولی را هر وقت انسان می خواند عمیقاً متأثر می گردد. حضرت علی علیه السلام معلم انسان است، می خواهد نسل آدمی تربیت شود و از نظر روحی و روانی دگرگون گشته به فکر چاره باشد.

پیامبر صلی الله علیه و آله با توجه به این ضرورت فرمود: «

فزوروها و لیزدکم زیارتها خیرا

»؛ زیارت قبور موجب خیر است. و نیز فرمود: «

فزوروها فانّها تذکرکم الموت

»؛ (۲) موجب تذکر و یادآوری مرگ می باشد. خلاصه این که انسان از این طریق ساخته خواهد شد و کم تر مرتکب عصیان، جرایم و هنجارشکنی اجتماعی می گردد.

۳. وسیله عبرت و پندآموزی

در سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله به این اثر اشاره شده، در یک تعبیر فرمود: «

... فزوروها فإنّ فیها عبره

»؛ به زیارت قبور بروید چون در زیارت آن عبرت آموزی است، یعنی زیارت اهل قبور مایه عبرت می باشد. در تعبیر دیگر آمده است: «

... فزوروها، فإنّ فی زیارتها عظه و عبره

»؛ (۳) اهل قبور را زیارت کنید، چون در زیارت آنها پند و عبرت آموختن است.

۱- نهج البلاغه، ص ۶۵۵، حکمت ۱۳۰.

۲- المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۳۷۵ و ۳۷۶.

۳- إرواء الغلیل فی تخریج أحادیث منار السبیل، ج ۳، ص ۲۲۳، ح ۷۷۲.

و نیز در یک عبارت دیگر آمده است: «

... فزوروها، فإنّ لکم فیها عبره

»؛ (۱) به سراغ اهل قبور بروید، چون برای شما عبرت آموزی دارد و انسان از دیدن آنها پند می گیرد.

بر خلاف اعتقاد ابن تیمیه کسانی که به زیارت مرقد مطهر پیامبر صلی الله علیه و آله یا فرزندان پاک آن حضرت می روند، در برابر آنان سر به سجده نمی سایند، آنان را پرستش نمی کنند، چون این مطلب بدیهی است که عبودیت از آن خدای متعال است. بنابراین مراتب فرمانبری را کسی عبادت نمی داند، زایر که به آن جا می رود، چون محل مناسب برای معرفت است و یک نوع حس نزدیکی به خدا در انسان زنده می شود و محل بود و باش ملائکه است، شیطان در آن جاها راه پیدا نمی کند، این عوامل موجب می شود که انسان توان عبادت خالصانه را پیدا کند و خدا را پاکیزه تر نیایش نماید. اگر کسی غیر از این موارد را نیت کند مشرک است. البته مشرک اختصاص به آن مکان ها ندارد. مشرک همه جا مشرک است، زمان و مکان در شرک مدخلیت ندارد. بنابراین به بهانه شرک، زایران را از ابراز محبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و فرزندان او منع کردن، ناشی از یک تحجر و جمود فکری یا یک نیرنگی سیاسی بیش نخواهد بود.

به همین خاطر طرح این اوهام مورد پذیرش فقهای اسلام قرار نگرفت و در برابر طراح آن یعنی ابن تیمیه واکنش های شدید نشان داده شد که قبلًا اشاره گردید.

۴. همبستگی مستحکم خویشاوندی

گفتم که مفهوم زیارت تنها دیدن از امکنه و قبور نیست، معنای عام آن شامل کلیه دید و بازدیدها و روابط اجتماعی بشر می گردد، از این رو از مطلق ملاقات ها تعبیر به زیارت می شود. بعضی از دیدارها در اسلام مورد تأکید واقع شده و جزء امور دینی می باشد، مثل دیدار خویشاوندان که به عنوان یک تکلیف دینی ضروری است.

از لحاظ روحی و روانی بسیاری از انسان ها دچار یک خلأ می باشند، هر کسی

۱- الجامع الصغیر فی أحادیث البشیر النذیر، ج ۲، ص ۶۷۷، ح ۹۲۸۵.

سعی می کند این کاستی را به نحوی جبران و پر کند. یکی خلأهای روحی خود را از طریق مواد مضر چون الکل، شراب، مرفین، مواد مخدر، قماربازی و ... جبران می کند، روشی که سرانجام جز تباهی و فرو رفتن در منجلاب بیشتر ندارد. اگر نگویم نصف جمعیت بشر روی زمین به این سمت کشیده شده اند، حداقل بخش قابل توجهی از مردم دنیا در همین وادی گم گشته اند، تا جایی که به هشدارهای عقلای عالم توجه نمی کنند و روز به روز بر عمق فاجعه افزون می شود.

بخش دیگر مردم از طریق علم، تحصیلات عالیه، آموختن فنون و کسب تجارب می کوشند فرصت های خود را پر کرده، برای خود سرگرمی می آفرینند تا در زندگی احساس کمبود نکنند. بخش دیگر مردم از طریق برقراری روابط اجتماعی، تلاش می نمایند همکاران صمیمی، آشنایان فرهیخته، و نظیر آن را پیدا کرده، با هم روابط دوستانه داشته باشند، تا در موقع ضرورت به همدیگر پناه برده با مشاوره هم مشکلات روحی و روانی خویش را کاهش داده و حل نمایند.

راهکارهای مکتب حیات بخش اسلام در این زمینه قابل توجه است. اگر کسی بنا دارد در سلامت روحی و روانی به سر برد لازم است این فاکتورها را در نظر داشته باشد.

۱. شناخت ضرورت های روحی و روانی. تا انسان از مشکلات خود آگاه نباشد، نمی تواند راه چاره برای آن پیدا کند، احساس درد همیشه قبل از اقدام به درمان است.

در تفسیر نور آمده است: خطاکار، ابتدا باید پشیمان شود و به سوی حقّ برگردد، سپس برای استحکام رابطه با خدا، از مقام رسالت کمک بگیرد «فَاسْتَغفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ». گناهکاران نباید مأیوس شوند، استغفار، توبه و زیارت اولیای خدا، وسیله ای برای بازسازی روحی آنان است «جاؤُکَ فَاسْتَغْفَرُوا ...». (۱)

۲. یکی از بهترین روش درمان مشکلات روحی و روانی، توکل و توجه به خدا،

۱- تفسیر نور، ج ۲، ص ۳۲.

پناه بردن به ذات اقدس الهی و درخواست کمک از آن ذات کبریایی است. فلسفه عبادات هم این است که ما به خدا نزدیک شویم و بتوانیم با او سخن بگوییم. اگر عبادات ما تأثیر نمی داشت و دعاهای ما مثمر ثمر نمی بود خداوند نمی گفت: «ادْعُونی أَسْتَجِبْ لَکُمْ إِنَّ الَّذینَ یَسْتَکْبِرُونَ عَنْ عِبادَتی سَیَدْخُلُونَ جَهَنَّم داخِرینَ»؛ (۱)

مرا بخوانید تا(دعای) شما را بپذیرم! کسانی که از عبادت من تکبر می ورزند به زودی با ذلّت وارد دوزخ می شوند.

۳. راه تقرب به خدا منحصر در عبادت نیست، احترام به والدین، دلجویی و شاد کردن دل آنان، یکی از بهترین راه های تقرب الهی است. همه با تجربه می دانیم که آنچه مایه شادی و سرور بزرگان فامیل، مخصوصاً والدین است، دیدار مرتب آنان، جویا شدن از احوال شان و نشستن در کنار آنان می باشد، کمک های مالی در رتبه بعدی است. اما مؤثرتر از دید و بازدید نسخه ای وجود ندارد. این فرمایش پنجمین پیشوای دین امام باقر علیه السلام است که می فرماید: ای خثیمه سلام ما را به شیعیان ما برسان و به آنان سفارش کن که ... برای دیدن به خانه یکدیگر روند، زیرا در این دید و بازدید ولایت ما زنده می ماند. خدا رحمت کند بنده ای را که ولایت ما را زنده نگهدارد. (۲) زندگی زیر سایه روشن ولایت موجب آرامش و اطمینان خاطر است و این بهترین راه برای پر کردن خلأهای روحی خواهد بود.

و نیز همان بزرگوار می فرماید: «

صِلَهُ الأرحامِ تُحَسِّنُ الْخُلُقَ وَ تُسَمِّحُ الْکَفَّ وَ تُطَیِّبُ النَّفْسَ وَ تَزِیدُ فِی الرِّزْقِ وَ تُنْسِئُ فِی الأَجَلِ

»؛ پیوند با خویشاوندان و نیکی به آنها خُلق انسان را نیک و او را سخی می نماید، باطن را مصفی، و منور می سازد، روزی را زیاد و عمر را طولانی می نماید. و این نمودار آثار و برکات روابط خانوادگی خواهد بود.

اثر دیگر صله رحم این است که امام صادق علیه السلام می فرماید: «

صِلَهُ الرَّحِمِ تُهَوِّنُ

۱- سوره غافر، آیه ۶۰.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۷، ح ۱۵۵۰۱.

الْحِسَابَ یَوْمَ الْقِیَامَهِ وَ هِیَ مَنْسَأَهٌ فِی الْعُمُرِ وَ تَقِی مَصَارِعَ السُّوء

»؛ (۱) صله رحم و نیکی در حق آنان حساب روز قیامت را آسان نموده، عمر را طولانی و انسان را از گناه نگهداری می کند.

جمع بندی و نتیجه

یکی از مفاهیم دینی و مذهبی ما تحلیل مبنای فقهی مشروعیت و حرمت زیارت است. زیارت مفهوم بسیار وسیعی دارد و شامل کلیه روابط عاطفی، معنوی، فامیلی و انسانی بشر می شود. در دنیایی که بشر امروز از آلودگی های مادی و معنوی رنج می برد، یکی از راه های کاهش فشار روحی و روانی انسان برقراری روابط سالم است.

برقراری فرایند دیداری جزء ضرورت های روحی و روانی بشریت بوده و در هیچ زمانی تلاش در کاهش اهمیت آن انجام نگرفته است. مگر این که در قرن هشتم هجری قمری فرد سست اندیشی خرط القتاط کرد و فتوای تحریم زیارت را صادر نمود، مخصوصاً دیدن از اماکن مقدس و عتبات عالیات را مساوی کفر دانسته حتی زایران مرقد مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله را مشرک خواند.

وی از طرف علما و قضات مصر مورد پیگرد قرار گرفته، بارها از نوشتن، فتوا دادن، حضور در میان مسلمانان منع و راهی زندان گردید. این شخص کسی جز ابن تیمیه نبود. افکار سخیف او می رفت که به قبرستان اذهان دفن گردد که وهابیت سر از بیغوله های حجاز در آورد و با اخذ قسمتی از فرآورده های ذهنی ضلالت آور ابن تیمیه نحله وهابیت را تأسیس کردند. حضور این فرقه ضاله مشکلاتی را برای جهان اسلام پدید آورد و شبهات جدیدی را سبب گردید.

خوش بختانه فقهای اسلام، اعم از تشیع و تسنن با درایت تمام و عقلانیت کامل، آستین بالا زدند و کلیه شبهات موجود را پاسخ مستدل و مطابق با موازین علمی

۱- الکافی، ج ۲، ص ۱۵۲، ح ۱۲ و ۲۳.

دادنـد. امروز وهـابیت درمانـده تر از هر زمـان دیگر میان منجلاب شک و اوهام گرفتار است. تنها کاری که از آنها بر می آید صـدور فتوای تکفیر شـیعه است. آنها با این اقـدام نامعقول نه تنها کمکی به خود نمی کنند، بلکه مایه آبروریزی خود را فراهم می سازند.

در این تحلیل علمی دلایل زیادی از منابع اهل سنت ارائه شد که آنان نیز قایل به جواز زیارت ولو به معنای مصطلح آن هستند و زیارت مرقد مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله جزء آمال آنان نیز می باشد. همچنین برخی از آثار روحی و روانی زیارت به اختصـار مورد ارزیـابی و تحلیـل قرار گرفت و دیـدیم که در منابع روایی فریقین دلایل زیادی برای جواز زیارت وجود دارد که در برخی از آنهـا به آثـار و پیامـدهای روحی و روانی زیارت اشاره شـده بود. مخصوصاً در احادیثی که از پیامبر صـلی الله علیه و آله نقـل شـد که حضـرت می فرمایـد: از هر جا به من سـلام کنیـد به من می رسـد، دلیلی قوی است بر بطلان آنچه که منکران زیارت مطرح می نمایند.

فهرست منابع

۱. إرواء الغلیل فی تخریج أحادیث منار السبیل، محمد ناصر الدین الألبانی، المکتب الإسلامی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۵ ق/ ۱۹۸۵ م.

۲. الاذکار النوویه، محیی الدین أبی زکریا یحیی بن شرف النووی الدمشقی، دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع.

۳. البشاره و الاتحاف بما بین ابن تیمیه و الالبانی فی العقیده من الاختلاف، حسن بن علی السقاف، دار الامام النووی عمان، الاردن، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق/ ۱۹۹۲ م.

۴. تاریخ الفقه و تطوّراته(المنتخب)، جامع المقاصد، جمعی از بزرگان.

۵. تحفه الاحوذی بشرح جامع الترمذی، أبی العلا محمد عبدالرحمن ابن عبدالرحیم المبارکفوری، دار الکتب العلمیه بیروت، لبنان، ۱۳۸۲- ۱۳۵۳ ق.

۶. ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فراهانی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۰.

۷. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴.

۸. تفسیر نور، محسن قرائتی، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، تهران، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳.

۹. الجامع الصغیر فی أحادیث البشیر النذیر، جلال الدین عبدالرحمن بن أبی بکر السیوطی، دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع، بیروت.

۱۰. جواهر الفقه، عبدالعزیز ابن براج قاضی طرابلسی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول ۱۴۱۱ ق،.

۱۱. دیدگاه های روان شناختی آیت اللّه مصباح یزدی، محمد صادق شجاعی، مرکز انتشارات آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره قم، چاپ اول، ۱۳۸۵.

۱۲. سنن ابن ماجه، محمد بن یزید القزوینی، دار الفکر، لبنان، ۱۴۰۹.

۱۳. السیف الصقیل فی الرد علی ابن زفیل، أبی الحسن تقی الدین علی بن عبد الکافی السبکی، مکتبه زهران.

۱۴. شعب الایمان، احمد بن الحسین البیهقی، دار الفکر، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۴ ق/ ۲۰۰۴ م.

۱۵. صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل بن ابراهیم ابن المغیره البخاری الجعفی، باب فضل الصلاه فی مسجد مکه و المدینه، دار الفکر، ۱۴۰۱ ق/ ۱۹۸۱ م.

۱۶. صحیح مسلم، مسلم النیسابوری، دار الفکر، بیروت، لبنان.

۱۷. عون المعبود شرح سنن أبی داود، أبی الطیب محمد شمس الحق العظیم آبادی، مع شرح الحافظ شمس الدین ابن قیم الجوزیه، دار الکتب العلمیه، بیروت.

۱۸. فتح القدیر، محمد بن علی شوکانی، دار ابن کثیر، دار الکلم الطیب، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.

۱۹. فرهنگ ابجدی عربی- فارسی، رضا مهیار، اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.

۲۰. فرهنگ بزرگ سخن، حسن انوری، سخن، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۲۱. فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی، جعفر سبحانی، توحید، قم، چاپ اول، ۱۳۷۳.

۲۲. فرهنگ معاصر فارسی، نسرین حکمی و نسترن حکمی، مؤسسه فرهنگ معاصر، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۱.

۲۳. فیض القدیر شرح الجامع الصغیر من أحادیث البشیر النذیر، محمد عبدالرؤوف المناوی، دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان.

۲۴. کافی، محمّد بن یعقوب کلینی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۶۵.

۲۵. الکافی فی الفقه، ابوالصلاح تقی الدین بن نجم الدین حلبی، اصفهان، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.

۲۶. کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، علی المتقی بن حسام الدین الهندی، دار الکتب العلمیه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق/ ۱۹۹۸ م.

۲۷. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، نورالدین علی بن ابی بکر الهیثمی، بتحریر الحافظین الجلیلین: العراقی و ابن حجر، دار الفکر، بیروت، ۱۴۲۵ ق/ ۲۰۰۵ م.

۲۸. مجموعه آثار ۱، «شفاعت»، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۳.

۲۹. المستدرک علی الصحیحین، أبی عبداللّه الحاکم النیسابوری، بی تا و بی جا.

۳۰. مصنف ابن أبی شیبه فی الأحادیث و الأثار، عبداللّه بن محمد بن أبی شیبه إبراهیم بن عثمان ابن أبی بکر بن أبی شیبه الکوفی العبسی، مکتب الدراسات و البحوث فی دار الفکر، بیروت.

۳۱. منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، علامه حسن بن یوسف بن مطهر اسدی حلی، مجمع البحوث الإسلامیه، مشهد، ایران، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.

۳۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، مشهور، قم، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۳۳. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ ق.

۳۴. هدایه الأمه إلی أحکام الأئمه، منتخب المسائل، محمد بن حسن بن علی حرّ عاملی، مجمع البحوث الإسلامیه، مشهد، ایران، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.

۱۱. نقش مکان های زیارتی در همبستگی اسلامی

محسن جان پرور و اکرم تقی زاده ساروکلایی

چکیده

تلاش برای همبستگی و اتحاد کشورهای اسلامی، موضوعی است که فکر و اندیشه مسلمانان روشنفکر و صاحب نظران و اندیشمندان اسلامی را به خود معطوف ساخته است.

در این راستا، فرهنگ زیارت و نقش زیارتگاه های اسلامی، در تقویت این همبستگی بین مسلمانان، جایگاه ویژه ای دارد و مسلمانان می توانند با تأکید و تکیه به این میراث با ارزش، در تقویت همبستگی و اتحاد میان خود، مقابله با فرهنگ های بیگانه استفاده کنند. در این بین، زیارتگاه های بزرگ جهان اسلام مانند مکه(مکرمه)، مدینه(مسجد النبی) و بیت المقدس، دارای جایگاه ویژه و ارزش والایی در بین تمامی مسلمانان(کشورهای اسلامی) هستند، و همچنین زیارتگاه هایی مانند نجف، کربلا، کاظمین، مشهد، سامرا که در بین مسلمانان شیعه مذهب جایگاه ویژه ای داشته و در بین دیگر مسلمانان نیز از احترام خاصی برخوردارند، ظرفیت بالایی در اتحاد و همبستگی بین مسلمانان دارا می باشند. این کشورها می توانند با استفاده از این ظرفیت ها و تقویت فرهنگ زیارت در بین مسلمانان، به عنوان یکی از عوامل اتحاد، همبستگی بین خود را تقویت نموده و باعث گسترش احترام و عزت مسلمانان در جهان و توسعه اسلام و صلح و آرامش جهانی شوند.

کلیدواژه ها: جهان اسلام، زیارتگاه، همبستگی اسلامی، زیارت.

مقدّمه

جهان اسلام با وجود ظرفیت های زیاد برای توسعه و همبستگی، امروزه با چالش های درونی و بیرونی بی نظیری مواجه شده است. این موضوع، با ورود به قرن

بیست و یکم، مسلمانان را با تجدید نظر و بحث بر سر جامعه سنتی و گاهی نیز اعاده آن با جلوه های نوین، در تلاش برای مقابله با معضلات عظیم در جنبه های مختلف قرار داده است. برخی از این موارد، به پاسداری از ارزش های فرهنگی متعلق به روند احیای میراث اصیل و ریشه دار فرهنگی و برخی دیگر با بازنگری در تنظیم مفاهیم فرهنگی، طبق ارزش های یاد شده و به منظور پر بار ساختن محتوای آنها با دیدگاه های اسلامی برگرفته از قرآن کریم، ارتباط دارد، تا بتواند در برابر چالش های فرهنگی معاصر، به گونه ای روابط فرهنگی موجود همبستگی میان مسلمانان را تقویت کنند. فرهنگ زیارت و نقش زیارتگاه های اسلامی، در تقویت این همبستگی بین مسلمانان، جایگاه ویژه ای دارد. مسلمانان می توانند با تأکید و تکیه به این میراث با ارزش، از آن در تقویت همبستگی و اتحاد میان خود و مقابله در برابر فرهنگ غربی و سنگ اندازی ها و مداخلات دشمنان اسلام استفاده کنند.

در این بین، زیارتگاه های بزرگ جهان اسلام مانند مکه(مکرمه)، مدینه(مسجد النبی) و بیت المقدس، از جایگاه ویژه و ارزش والایی در بین تمامی مسلمانان کشورهای اسلامی برخوردار هستند. همچنین زیارتگاه های نجف اشرف، کربلا، کاظمین، مشهد مقدس، سامرا- که در بین مسلمانان شیعه مذهب، جایگاه ویژه ای داشته و در بین دیگر مسلمانان نیز از احترام خاصی برخوردارند-، توان بالایی در اتحاد و همبستگی این کشورها دارند. کشورهای اسلامی می توانند با استفاده از این ظرفیت های بالای اعتقادی و ارزشی، همبستگی بین خود برای مقابله با دشمنان اسلام و همچنین برای جلوگیری از بروز اختلافات بین خود، استفاده کرده و باعث گسترش احترام و عزت مسلمانان در جهان و توسعه اسلام و صلح و آرامش جهانی شوند.

واژه زیارت

زیارت در لغت، آهنگ کردن و از نظر شرعی حاضر شدن در محضر پیامبر، امام یا مؤمنی است. بنابراین زیارت پیامبر و امام معصوم یا شهیدان در زمان زنده بودن یا

پس از رحلت آنان تفاوتی نـدارد؛ زیرا آنها در حقیقت همان گونه که در آیه کریمه قرآن آمده است: «زنده اند و در پیشگاه پروردگارشان روزی می خورنـد» (۱). (۲) زیـارت اکثراً برای انجـام یـک کردار یا فریضه دینی و در اماکن مـذهبی انجام می شود، اماکنی که برای پیروان آن دین، مقدس به شمار می آیند. البته پدیده زیارت کمابیش در بیشتر ادیان جهان وجود دارد.

جهان اسلام

اکنون جهان اسـلام، شامل حـدود پنجاه کشور است که همه یا اکثریت جمعیت آنها مسـلمان انـد. چهل کشور از این کشورها خود را رسماً کشور اسلامی قلمداد می کنند.

حدود نیمی از این کشورها که یک چهارم جمعیت مسـلمانان جهان را در بردارند، در خاورمیانه و شمال آفریقا جای دارند. با اختلاف زیاد، بیشترین جمعیت مسـلمان در خارج از منطقه در اندونزی، بنگلادش، پاکسـتان و هندوسـتان قرار دارند. از طرف دیگر، حدود ۹۳ درصد مردم خاورمیانه و شـمال آفریقا مسلمان می باشند. کم تر از ۳ درصد مسیحی و حدود ۳ درصد دارای مـذهب هـای قـبیله ای هسـتند- عمـدتاً در جنـوب سـودان- و کـم تر از ۲ درصـد یهـودی می باشـند. (۳) این مجمـوعه عظیم جغرافیایی جهان اسـلام، سـرزمینی را به طول یازده هزار کیلومتر و به عرض بیش از پنج هزار کیلومتر، با ترکیبی بسـیار متنوع- از نظر انسـانی و طـبیعی- شامـل می شود. در حـال حاضـر جهـان اسـلام، از دیـدگاه جغرافیـای سیاسـی، به چهـار بخش کـاملًا متفاوت، قابل تفکیک و بررسی می باشد. این چهار بخش عبارتند از:

۱. مرکز جهان اسلام، که در حقیقت گهواره جهان اسلام و منطبق با بخش جنوب غربی آسیا یا خاورمیانه است.

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۶۸.

۲- آرامگاه های خاندان پاک پیامبر صلی الله علیه و آله و بزرگان و صحابه و تابعین، ص ۱۵.

۳- جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ص ۳۰.

۲. شمال جهان اسلام، که دربردارنده آسیای مرکزی و قفقاز است.

۳. غرب جهان اسلام، که شامل کشورهای شمال افریقا و شمال شرق و بخش های دیگر افریقا است.

۴. شرق جهان اسلام، که از مرزهای شرقی ایران آغاز شده و تا کرانه های غربی اقیانوس آرام گسترش می یابد. (۱)(نقشه ۱)

جایگاه سیاسی مکان

مکان، مرکز عمل آگاهانه و ارادی انسان ها است. مرکزی است که در آن از رویدادهای مختلف، تجربه زندگی می آموزیم. رویدادها و عملکردهای آگاهانه، تنها در ساخت مکان هایی معین پر اهمیت جلوه می کنند. علت افتراق مکان ها، تمرکز ارزش ها، دیدگاه ها، هدف ها و تجربه های مختلف در آنهاست (۲) که باعث آن می شود که مکان مطلوبیت سیاسی پیدا کند و توجه بازیگران را به خود جلب نمایند. به عبارتی دیگر، آنها بار سیاسی به خود می گیرند و بدین ترتیب ماهیت ژئوپلیتیکی می یابند. (۳) با توجه

۱- جغرافیای سیاسی جهان اسلام، ص ۳۱- ۳۲.

۲- اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا، ج ۱، ص ۲۷۵.

۳- اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، ص ۱۵۶.

به این بار ژئوپلیتیکی است که می توانند نقش خود به عنوان عامل مؤثر و ارزشـمند در عرصه های مختلف، مانند همبستگی و پیوند گروه های انسانی، به نمایش بگذارند.

همبستگی اسلامی

انـدکی توجه به مفاهیم اسـلامی به خوبی نشان می دهد که اسـلام، دین فطری و بشـری و در نتیجه یک ایدئولوژی الهی برای عموم افراد انسـان هـا در تمـام زمـان ها و مکان هاست. این مسأله مسـلّم است که در دین اسـلام، ملیت و قومیت به معنایی که امروزه میان مردم جهان مصـطلح است، به هیـچ وجه اعتباری ندارد؛ بلکه این دین به همه ملت ها و اقوام مختلف جهان با یک چشم نگاه می کند و از آغاز نیز دعوت اسـلامی به ملت و قوم مخصوصی اختصاص نداشته است. به همین جهت از نظر قرآن، اساساً بشر خلق شده است که امت واحد باشد: «و مَا كَانَ النَّاسُ إِلَّآ أُمَّةً وَ حِدَةً فَاخْتَلَفُوا ...»؛ (۱) مردم در اصل، یک ملت واحد بودند، سپس اختلاف پیدا کردند.

نقش همبسـته سازی اسـلام از این جهت است که عملًا تمام جنبه های زندگی را تحت تأثیر قرار می دهد و با تجویز دستورات اخلاقی، تمـامی مسـلمانان را بی تـوجه به نژاد یـا زبـان به صـورت یـک جـامعه معنـوی(امت) متحـد در می آورد. در سراسـر دارالاسـلام(قلمرو اسـلامی) مسلمانان باید پنج رکن دین(یا تکالیف اصلی) را رعایت کنند. شکل و محتوای این نمازها از نظر جغرافیایی تغییر چندانی نمی کند.

مهم این است که کلیه مسـلمانان در موقـع نمـاز، به طرف خـانه خـدا و کعبه در مکه می ایسـتند که این یگـانگی آنهـا و نقش وحـدت بخش اسـلام را مورد تأیید قرار می دهد. (۲) همچنان که علی رغم همه تفاوت های موجود در سراسـر جهان اسـلام، امت اسـلامی آن گونه که در طول تاریخ شـکل گرفته و آن طور که باید آن را باز شـناخت، امتی است که نمی تواند گذشته خویش را از اسلام جدا سازد؛ اسلامی که جزء تاریخ و

۱- سوره یونس، آیه ۱۹.

۲- جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ص ۳۰۹.

فرهنگ ملت های اسلامی گردیده و گاهی باعث به وجود آمدن برخی از این ملت ها شده است. این اسلام، در مقابل مسیحیت پیچیده، آیین عبادی و اعتقادی ساده و انعطاف پذیری را عرضه می دارد که خود را با ساختارهای کهن ملت ها هماهنگ می سازد. (۱) و با علقه های فرهنگی قوی و جهانی خود، قابلیت خاصی برای ایجاد همبستگی بین المللی می دهد که از دیگر ادیان جهان بسیار بیشتر است. (۲) از سوی دیگر، انعطاف پذیری اسلام است که خود، ضامن مقاومت و در نتیجه انسجام آن شده و می تواند باشد. (۳) مکان های بزرگ زیارتی جهان اسلام

۱. مکه(مسجد الحرام)

شهر مکه مرکز حجاز است؛ منشأ دین مبین و قبله مؤمنین و مولد سید المرسلین، زیارتگاه مؤمنین و تمام مسلمانان جهان است. فلسفه پیدایش این شهر که به نام «امّ القری» نیز شناخته می شده، به دو جهت است: نخست مرکزیت عبادی و دوم مرکزیت تجاری. اسامی دیگر مکه عبارتند از: کعبه، عرش اللّه، بلد الحرام، بیت الحرام، ام رحم، بکه و ....

در سال دوم هجرت، قبله مسلمانان از بیت المقدس به سوی کعبه تغییر کرد و این نشان داد که مکه و کعبه همواره پایگاه اصلی اسلام بوده و خواهد بود. این اقدام، علاوه بر پیروزی فرهنگی بر یهود، پیروزی بر قریش نیز بود که کعبه را در انحصار خود و عقاید شرک آلودشان قرار داده بودند. در واقع با این حرکت، دین ابراهیم که اساس آیین های توحیدی بود، به معنای واقعی احیا گردید. خداوند در قرآن در این باره فرمود: «قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَآءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَىٰهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ

۱- اسلام و تمدن اسلامی، ص ۶۳۲.

۲- احساس محاصره ژئوپلیتیک اسلام و غرب، ص ۲۶۰.

۳- اسلام و تمدن اسلامی، ص ۶۴۲.

الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ حَيْثُ مَا كُنتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ»؛ (۱)

ما به هر سو گردانیدن رویت در آسمان را نیک می بینیم. پس تو را به قبله ای که بدان خشنود شوی، برگردانیم؛ پس روی خود را به سوی مسجد الحرام کن؛ و هر جا بودید، روی خود را به سوی آن برگردانید.

۲. مدینه(مسجد النبی)

پیامبر صلی الله علیه و آله در ماه ربیع الأول سال ۶۲۲ میلادی به یثرب آمد و با آمدن آن حضرت، نام این شهر به مدینه النبی تبدیل شد. رسول اللَّه صلی الله علیه و آله در همان آغاز، مدینه را چون مکه «حرم» دانست. بر این اساس، مکه حرم خدا و مدینه حرم رسول اللَّه صلی الله علیه و آله است.

بنابراین، این بهترین شرافتی بود که مدینه می توانست به دست آورد.

همچنان که در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «

اللّهُمَّ انَّ ابْراهیم حَرَّم مَکَّهَ فَجَعَلَها حَرَماً وَ إنّی حرّمت المدینه ما بَین مأْزِمَیها، أن لایهراق فیها دم و لایحمل فیها سلاح لقتال

»؛ (۲) خداوندا! ابراهیم مکه را حرم قرار داد و من مدینه را که حد فاصل دو کوه عیر و ثور است؛ آن گونه که خونی در آن ریخته نشود و سلاح برای جنگ در آن حمل نگردد.

ضمناً از آن جا که مدفن و زیارتگاه چهار امام شیعیان در قبرستان بقیع واقع در مدینه می باشد، بر اهمیت و تقدّس آن افزوده است.

۳. بیت المقدس(مسجد الاقصی)

اورشَلیم که در زبان عبری: یِروشالا-ییم، در عربی: القُدس و در فارسی: بیت المقدس نامیده شده، نام شهری است در خاورمیانه. این مکان، محل تلاقی سه دین بزرگ آسمانی یعنی اسلام و مسیحیت و یهود است. و همین امر باعث شده است که این شهر از مقدس ترین و مهم ترین مکان های روی زمین باشد. برای مسلمان این جا قبله اول و محل معراج حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله است؛ حضرت سلیمان علیه السلام به فرمان خدا

۱- سوره بقره، آیه ۱۴۴.

۲- صحیح مسلم، ج ۱، ص ۴۴۸- ۴۴۹، ح ۴۷۵.

در این مکان، معبدی ساخت و از این رو، این جا برای یهود مقدس ترین مکان شد.

حضرت عیسی علیه السلام در این مکان به عبادت می ایستاد و بدین جهت این جا برای مسیحیان مقدس شده است. همچنین در قرآن کریم، در آیه «سُبْحنَ الَّذِی أَسْرَی بِعَبْدِهِ ی لَیْلًا مّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَی الْمَسْجِدِ الْأَقْصَی»؛ (۱)

نام مسجدالاقصی اشاره شده که مربوط به معراج پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است این خود، نشانگر عظمت و احترام این مکان است.

شکل(۲) محدوده تأثیرگذاری مکه مکرمه، مدینه و بیت المقدس در جهان اسلام

۴. نجف اشرف

نجف، یعنی سرزمین سخت و بلند و این شهر را به علت قرار گرفتن در بلندی، «نجف» نامیده اند. از طرف دیگر، در کنار این سرزمین، دریاچه ای نیزار بوده به نام «بحر النی» که به مرور زمان خشک شده است و بدین لحاظ می گفتند: «النی جف»؛ یعنی دریاچه نی خشک گردیده، و نجف، مخفّف آن است. شهر مقدس نجف اشرف در ۱۸۰ کیلومتری جنوبی بغداد و هشتاد کیلومتری جنوب شرقی کربلا واقع شده است. (۳) نجف به خاطر قرار گرفتن حرم مطهر امام اول شیعیان علی بن ابی طالب علیه السلام در آن، از سوی شیعیان دارای جایگاه والایی است. همچنین در نظر دیگر مسلمانان جهان نیز از عزت و احترام و جایگاه خاصی برخوردار است.

۱- سوره اسراء، آیه ۱.

۲- سوره اسراء، آیه ۱.

۳- راهنمای عتبات مقدسه و اماکن باستانی عراق، ص ۵۶.

۵. کربلا

اسم کربلا که از «کرب» و «بلا» گرفته شده است، به معنای سرزمین غم و اندوه، مشقت و رنج و نیز به معنای آزمون در خیر و شر می باشد. نام های دیگر این سرزمین «طف»، «نینوا» و «غاضریه» است. این شهر در جنوب غربی و در حدود صد کیلومتری بغداد واقع می باشد. (۱) کربلا به خاطر قرار گرفتن حرم مطهر حضرت امام حسین علیه السلام و برادر بزرگوارشان حضرت ابوالفضل علیه السلام و دیگر یاران امام حسین در قیام عاشورا، دارای جایگاه ویژه ای در نزد مسلمانان، به ویژه شیعیان است.

۶. کاظمین

کاظمین یعنی دو کاظم، واژه کاظم به معنای فرو نشاننده خشم، و بردباری می باشد.

کاظم لقب امام هفتم بزرگوار شیعه، امام موسی بن جعفر علیه السلام بوده که ایشان را با نهمین امام جواد علیه السلام به جهت تغلیب کاظمین نامیده اند. به لحاظ این که هر دوی ایشان در این شهر مدفون هستند، به کاظمین یا کاظمیه شهرت یافته است. این شهر در شمال غربی بغداد واقع شده است؛ شهری کوچک و قدیمی که بیشتر اهالی آن را شیعیان تشکیل می دهند. هم اکنون به جهت وسعت یافتن شهر بغداد، کاظمین به این شهر متصل گشته است. (۲) از آن جا که این شهر در مرکز سیاسی کشور عراق واقع گردیده است، می تواند جایگاه خوبی برای برقراری و توسعه روابط مسالمت آمیز و متحد کننده بین شیعیان و اهل سنت در این کشور داشته باشد.

۷. مشهد الرضا

مشهد به دو معنی است: محلّ شهود که مشاهد، جمع آن است؛ یا این که به معنی شهادتگاه می باشد. مشهد، بزرگ ترین شهر از شهرهای شمال شرقی ایران و مرکز استان خراسان رضوی است. این شهر با دو و نیم میلیون نفر جمعیت، دومین شهر پرجمعیت ایران است.

۱- همان، ص ۴۲.

۲- همان، ص ۳۰.

وجود زیارتگاه و بارگاه ملکوتی حضرت امام رضا علیه السلام، هشتمین امام شیعیان جهان، در این شهر، سالانه بیش از سیزده میلیون زایر را به این دیار می کشاند. این شهر به لحاظ جمعیتی و به این لحاظ که در کشور شیعه مذهب ایران است از جنبه های مختلف سردمدار جهان اسلام، به ویژه شیعیان بوده و از قدرت بالای ژئوپلیتیکی در بین کشورهای جهان اسلام برخوردار است. بر این اساس می تواند نقش ایران در اتحاد و همبستگی بین جهان اسلام، به ویژه جایگاه شهر زیارتی مشهد الرضا را به خوبی نشان دهد.

۸. سامرا

سامرا مخفّف «سرّ مَن رآه» به معنی شاد شدن هر بیننده می باشد. شهر زیارتی سامرا، در حدود ۱۲۵ کیلومتری شمال بغداد، در استان صلاح الدین و در بین راه بغداد و موصل واقع شده است. حرم مطهر و زیارتگاه دهمین و یازدهمین امامان شیعیان یعنی حضرت امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام در آن جا واقع شده است. (۱) البته غیر از شهرهای زیارتی مذکور، شهرهای دیگری هستند که از ویژگی های خاصی برخوردار هستند، از آن جمله است شهر مذهبی قم که مدفن حضرت معصومه علیها السلام می باشد.

شکل(۲) محدوده تأثیرگذاری نجف، کربلا، کاظمین، مشهد و سامرا در جهان اسلام

۱- همان، ص ۷۹.

نقش مکان های زیارتی در همبستگی اسلامی

اسلام خود را به عنوان یک دین جامع و دارای برنامه و طرح کامل از نظم اجتماعی و به عنوان شیوه ای برای زندگی عالی معرفی می کند. این دین بر پایه مجموعه ای از قوانین و اصولی استوار است که به صورت ابدی، از سوی خدا و مستقل از خواسته های پیروان آن تعیین شده است. بنابراین اسلام نقش مهمی در زندگی مسلمانان ایفا کرده و این نقش همچنان ادامه خواهد داشت. (۱) چنان که شاهد هستیم، اسلام علاوه بر کنگره سراسری سالانه در مکه معظمه توانسته است همواره گردهمایی های مذهبی، و فرهنگی و اقتصادی خود را داشته باشد؛ همچنین از نظر سیاسی توانسته در صورت بروز اختلاف میان برخی کشورهای اسلامی، در رفع آن از فکر و اندیشه یکی از اعضا و یا از وجدان عمومی امت اسلامی استمداد بطلبد. یا این که از نقش و تأثیر فرهنگی و بار احساسی اوقات و اماکن اسلامی، مثل ماه رمضان و یا شهر مکه، پیوسته در این زمینه استفاده کند. (۲) از آن جا مکان ها شامل ارزش های ویژه و خاص خود هستند، می توانند بار احساسی فراوانی برای انسان ها همراه داشته باشند. (۳) مکان های زیارتی جهان اسلام از ارزش های والای مذهبی و فرهنگی در بین مسلمانان برخوردار می باشند، و به عنوان تداعی کننده چنین بار احساسی برای مسلمانان، می توان با استفاده و تقویت این بار احساسی اتحاد و انسجام را بین مسلمانان و کشورهای اسلامی تقویت کرد. همچنان که امام خمینی رحمه الله به کرات اعلام کرده است که حج- زیارت مکه که کلیه مسلمانان به انجام آن برای یک بار در زندگی خود سفارش شده اند- یک رویداد کاملًا سیاسی است. زیرا احکام اسلام، محدود به رابطه خصوصی میان انسان و خدا نیست؛ بلکه به منش حکومت و تعهد حاکم به اجرای وظیفه تاریخی خود، در جاری کردن قانون اساسی در زندگی مردم نیز

۱- جنبش های اسلامی معاصر در جهان غرب، ص ۲۴۶.

۲- اسلام و تمدن اسلامی، ص ۶۴۳.

۳- درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ص ۳۴.

گسترش می یابد. (۱) این امر خود باعث ارتباط، همبستگی و اتحاد کشورهای اسلامی می شود، که آثار و نتایجی را به دنبال خواهد داشت. این موضوع را به خوبی می توان در اندیشه امام خمینی رحمه الله یافت و در قالب چند محور زیر بیان کرد:

۱. بازگشت مجد و عظمت مسلمین؛

۲. پیروزی مسلمانان بر دشمنان؛

۳. استقلال کشورهای اسلامی؛

۴. آسیب ناپذیر شدن مسلمین. (۲) نتیجه گیری

جهان اسلام با وجود ظرفیت های زیاد برای توسعه و همبستگی، امروزه با چالش های درونی و بیرونی بی نظیری مواجه شده است(شکل ۳) که هر یک از آنها چنان که شاهد هستیم به اشکال مختلف، کشورهای اسلامی را تحت تأثیر قرار داده و آنها را با چالش مواجه کرده اند(چنان که آمریکا عراق و افغانستان را به اشغال در آورده و اسرائیل همچنان فلسطین را تحت اشغال خود دارد و ...) و با سنگ اندازی های خود مانع اتحاد، همبستگی و توسعه این کشورها شده اند. فرهنگ زیارت و مکان های زیارتی جهان اسلام، مانند مکه، مدینه، بیت المقدس، نجف اشرف، کربلا، کاظمین، مشهد و سامرا، این ظرفیت را که نقش برجسته ای، هم از نظر روحی و هم از نظر همبستگی و وابستگی که می توانند در بین اعضا ایجاد کنند، دارا می باشند. کشورهای اسلامی می توانند از ظرفیت هایی که مکان های زیارتی در اختیارشان می گذارند، در مقابل توطئه های تفرقه انگیز دشمنان جهان اسلام استفاده کرده و موجب همبستگی و اتحاد خود شوند و عزت و احترام مسلمانان و کشورهای

۱- احساس محاصره ژئوپلیتیک اسلام و غرب، ص ۱۲۳.

۲- ر. ک: وحدت کشورهای اسلامی از دیدگاه امام خمینی.

خود را دوباره احیا کنند و چهره ابهام آمیزی را که دشـمنان اسـلام از اسـلام، به عنوان دین جنگ و خون ارائه کرده اند، تغییر داده و حقیقت دین اسلام را که دین صلح و آرامش است، به تمامی دنیا معرفی کنند.

ص: ۹۳۸

فهرست منابع

۱. آرامگاه های خانـدان پاک پیامبر صـلی الله علیه و آله و بزرگان و صـحابه و تابعین، سـید عبدالرزاق کمونه حسـینی، ترجمه عبدالعلی صاحبی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱.

۲. احساس محاصـره ژئوپلیتیک اسـلام و غرب، گراهام فولر و یان لسر، ترجمه علیرضا فرشچی و علی اکبر کرمی، تهران، دوره عالی جنگ دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، چاپ اول، ۱۳۸۴.

۳. اسلام و تمدن اسلامی، آندره میکل و هانری لوران، ترجمه حسن فروغی، تهران، سمت، ۱۳۸۱.

۴. اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، محمد رضا حافظ نیا، مشهد، پاپلی، ۱۳۸۵.

۵. اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا، حسین شکویی، تهران، گیتاشناسی، چاپ ششم، ۱۳۸۲.

۶. تحلیـل و بررسـی همپوشـی سـیاست خـارجی جمهـوری اسـلامی ایران در تعامـل بـا جمهـوری آذربایجـان بـا واقعیت هـای ژئوپلیتیک، رضا حسین پور پویان، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۸۵.

۷. جغرافیای سیاسی جهان اسلام، عزت اللّه عزتی، تهران، سمت، ۱۳۷۸.

۸. جغرافیـای سیاسـی خاورمیـانه و شـمال آفریقـا، آلاسـدایر درایسـدل و جرالـد اچ. بلیـک، ترجمه دره میرحیـدر، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، چاپ چهارم، ۱۳۷۴.

۹. جنبش های اسـلامی معاصـر در جهان غرب، مجموعه مقالاتی پیرامون اسـلام، جهانی شـدن و پست مـدرنیته، ابوبکر بقادر، مترجم: مرتضی بحرانی، تهران، مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴.

۱۰. درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ریچارد موير، ترجمه دره میر حیدر و یحیی صفوی.

سازمان جغرافیای نیروهای مسلح، تهران، ۱۳۷۹.

۱۱. راهنمای عتبات مقدسه و اماکن باستانی عراق، حیدر شجاعی، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ دوم.

۱۲. صحیح مسلم، معالم المدینه المنوره.

۱۳. وحدت فعالیت های اسلامی، تنها راه وحدت اسلامی، مجموعه مقالات بیداری اسلامی، چشم انداز آینده و هدایت آن، محمد بن ناصر العبودی، تهران، معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۴.

۱۴. وحدت کشورهای اسلامی از دیدگاه امام خمینی، حمید زنگنه.

سفید

۱۲. جایگاه سیاسی و اقتصادی زیارت

نرگس قاسمی

چکیده

زیـارت علاـوه بر آثـار معنـوی نتایـج مـادی نیز دارد که در این پژوهش به بخشـی از آن پرداخته شـده است. در این تحقیق از کتب، مقالات و گزارش های موجود که به بحث نتایـج اقتصادی و سیاسـی زیارت پرداخته انـد اسـتفاده شـده است. به عبارت دیگر، روش تحقیق، کتابخانه ای و اسنادی است. این مقاله به دنبال پاسخ این سؤالات است که اهمیت زیارت چیست؟ جایگاه سیاسـی زیـارت کجـاست؟ نتایـج اقتصـادی زیارت چه می توانـد باشـد؟ نتیجه این بررسـی نشان می دهـد که زیارت علاوه بر اثرهای معنوی دارای نتایج سیاسـی، مانند آموزش تسـلیم ناپذیری، دلاوری و غیرت ورزی نسبت به اسـلام، دفاع از فضـیلت و کرامت انسـانی، جـذب جمعیت، احیا و توسـعه شـهر، نشانگر اعتراض سیاسـی و ... و در بعـد اقتصادی نیز اشـتغال زایی، ایجاد درآمد ارزی برای کشور، توسعه شبکه های ارتباطی و حمل و نقل و ... را موجب می شود.

کلیدواژه ها: زیارت، جایگاه سیاسی زیارت، جایگاه اقتصادی زیارت، جهانگردی.

مقدمه

از آن جـا که اعتقـادات هر سـرزمین برای مردم آن دیـار از اهمیت فوق العـاده ای برخوردار است، نوع نگرش به آن نیز بسـیار مهم است. تجربه چین، امـارات متحـده عربی و بسـیاری از کشورهـای دیگر در سـال هـای اخیر، حـاکی از این است که فراهم کردن زیرساخت های مناسب در خصوص گردشگری، رشد اقتصادی و افزایش قابل

توجه درآمد را برای این کشورها به ارمغان آورده است و در برخی موارد، مانند عربستان جایگاه خاصی از نظر سیاسی برای آنان تعریف نموده است.

ویژگی هایی که باعث شده زیارت به عنوان یک مقوله قابل توجه در این مطالعه انتخاب شود، نتایج عمده سیاسی و اقتصادی مانند زودبازده بودن و عدم نیاز به سرمایه گذاری کلان، مزیت های اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی و ایجاد امنیت و توسعه در روابط سیاسی بین کشورهاست.

اهمیت زیارت

هدف اسلام ارتقا و رشد معنوی و مادی انسان و سوق دادن اوست به آنچه باید باشد و بردن او به جایی که باید برودو رساندن به جایی که باید برسد و توجه دادن انسان به اصل والای «از اویی و به سوی اویی». از این رو اسلام از هر زمینه، مناسبت، فرصت، زمان، زمین، مقام و مکانی در این مسیر استفاده می کند و برای هر کس، در هر جا و هر زمان و هر شرایط تکلیف، برنامه و دستور العملی قرار داده است.

یکی از این تکالیف زیارت است. زیارت عامل «توجه به خدا»، «تحول روحی» و «توبه» است. برای مثال قرآن کریم می فرماید: ابراهیم و فرزندش اسماعیل اساس خانه کعبه را نهادند،(هنگامی که ابراهیم و اسماعیل پایه های خانه را بر می افراشتند) (۱) و چون ساخته شد به ابراهیم دستور رسید که خانه را برای طواف کنندگان و اقامت کنندگان و نمازگزاران پاکیزه سازد. (۲) و چون خانه پرداخته شد، خداوند به ابراهیم فرمود: مردمان را برای زیارت خانه بخواند. (۳) همچنین نمونه های بسیاری که در کتب تاریخ و شرح حال و زیارتگاه ها آمده است و به زیارت قبور و تبرک و توسل به آنها و ختم قرآن برای صاحبان قبور و دعا و نماز در کنار آنها، اشاره می کند نشان از جایگاه والای زیارت در زندگی مسلمانان است.

۱- سوره بقره، آیه ۱۲۷.

۲- سوره حج، آیه ۲۶.

۳- سوره حج، آیه ۲۷.

زیارت، در ارزش و پاداش، همپای بسیاری از عبادات، بلکه برتر از حتی جهاد و شهادت به حساب آمده است. بزرگان دین زیارت را به مردم توصیه و آنان را بدین امر تشویق کرده اند و پاداش ها و ثواب های فراوانی برای «زایر» بیان شده است. که همه و همه نشان از آثار معنوی و اهمیت این دستور اسلامی دارد. آنچه که در این پژوهش به دنبال آن هستیم نگاهی به آثار و نتایج سیاسی و اقتصادی زیارت است.

الف. جایگاه سیاسی زیارت

نقش زیارتگاهی شهرها تنها با انجام مراسم مذهبی خود ساکنان شهرنشین تبیین شدنی نیست، مگر آن که شهر بتواند به طور مستمر و یا فصلی پیروان مذهب رابه تعداد زیاد از افق های دورتر به سوی خود جلب کند. میدان جاذبه بعضی از مکان های زیارتی، ناحیه ای و یا در مقیاس کشوری(مشهد و قم) و بعضی دیگر در مقیاس جهانی(مکه ومدینه) پیروان خود را جذب می کند [(۱)] با توجه به آنچه گفته شد و با نگاهی به سابقه تاریخی زیارت و حوادث حال حاضر جهان می توان به بیان آثار و نتایج سیاسی زیارت پرداخت.

۱. زیارت دین را به مردم یادآور می گردد و به یادشان می آورد که باید از سنّت نبوی و آیین محمّدی، که اهل بیت نبوّت و خاندان رسالت آن را پاس داشته اند، پیروی کرد.

۲. زیارت درس عزّت طلبی، تسلیم ناپذیری، دلاوری و غیرت ورزی نسبت به اسلام و دفاع از فضیلت و کرامت انسانی و همچنین حرمت انسان ها را به انسان ها می آموزد. نمونه آن می توان پس از شهادت امام حسین علیه السلام به گروه توّابین اشاره کرد.

چون توّابین به شمار نزدیک به چهار هزار تن و به فرمانـدهی سلیمان بن صُرد خزاعی، با شعار خونخواهی حسین بن علی علیهما السلام و کشتن قاتلان او قیام کردند، در ربیع

۱- جغرافیا و شهرشناسی، ص ۳۰۰.

الأوّل سال ۶۵ ق. به زیارت آرامگاه امام رفتند و در پیرامون این آرامگاه گرد آمدند.

آنها یک شبانه روز در کربلا ماندند و سپس به عین الورده کوچیدند. (۱) ۳. زیارت نشان دهنده ترس حاکمان ظلم از رفت و آمد مردم به امکان زیارتی است. که تاریخ از این نمونه ها فراوان به یاد دارد:

ابرهه برای انهدام کعبه حرکت کرد تا آن جا را ویران کند و صنعا معبد عمومی عرب و مرکز شرق گردد. و مردم برای عبادت به معبدی که او در صنعا ساخته بود بروند.

نمونه دیگر زمانی که مردم برای زیارت آرامگاه امام حسین علیه السلام می رفتند. این امر خشم هارون را برانگیخت و او را بر آن داشت که از آن آرامگاه های پاک انتقام ستاند.

هارون مشتی از مردمی را که خداوند بر دل هایشان مهر نهاده و خوف خویش را از آنان ستانده است، روانه ساخت تا مرقد آن امام را که چراغ هدایت و مشعل فرا راه نجات امّت بود ویران سازند. فرستادگان هارون دو مسجدی را که بر مرقد امام و بر مرقد حضرت ابوالفضل علیه السلام برپا شده بود ویران ساختند و بنا و نشانی که از میراث فرهنگی امّت در آن جا بود از میان بردند. هارون همچنین از آنان خواسته بود درخت سدری را که در کنار مرقد امام علیه السلام روییده بود قطع کنند و جای قبر را نیز با خاک یکسان سازند. این همه، بدان هدف بود که زایران آن حضرت به بارگاه او راه نیابند و آهنگ زیارت او نکنند. هارون همچنین مردانی مسلّح گماشت تا مانع رسیدن مردم بدان مرقد نورانی شوند. (۲) همچنین در امالی شیخ طوسی آمده است: به متوکّل خبر رسید که مردمان سواد عراق در سرزمین نینوا برای زیارت حسین علیه السلام گرد می آیند و شمار فراوانی آهنگ آرامگاه او می کنند. متوکّل یکی از فرماندهان خود را به همراه سپاهی فراوان روانه

۱- نزهه اهل الحرمین فی عماره المشهدین، ص ۲۳.

۲- نزهه اهل الحرمین فی عماره المشهدین، ص ۲۸.

ساخت و به او فرمان داد قبر امام حسین علیه السلام را ویران کند و مردم را از زیارت او و گرد آمدن بر پیرامون آرامگاهش باز بدارد. آن فرمانده در سال ۲۳۶ ق. روانه سرزمین طف شد و چون به کربلا رسید فرمان خلیفه را به اجرا در آورد. امّا مردمان سواد عراق بر او شوریدند و نزد او گرد آمده، گفتند: اگر تا آخرین نفر کشته شویم بر جای ماندگان ما از زیارت او دست نخواهند شست.

در سال ۲۳۷ ق. متوکّل به مرقد امام علیه السلام هجومی دوباره کرد و مردمان را از زیارت بازداشت. در نتیجه زایران کم تر شدند و برخی پنهانی به زیارت رفتند. اما چندی نگذشت که دیگر بار زایران رو به فزونی نهادند. بدین سان گاه به گاه سختگیری در این باره کاستی و فزونی می یافت و بسته به آن زایران نیز کاهش و افزایش می یافتند. (۱) این وضع تا سال ۲۳۷ ق. ادامه یافت تا آن که خبر زیاد شدن زایران امام علیه السلام به او رسید و همچنین وی را از این آگاهانیدند که شمار فراوانی از مردمان سواد عراق و کوفه به کربلا هجرت گزیده، خشم متوکّل از این خبر جوشید. پس سپاهی انبوه فراهم ساخت و آن را به فرماندهی دیزج روانه کرد. او بدین فرمانده دستور داد قبر و خانه های پیرامونش ویران شود، جای قبر شخم زده و بذر افشانده، و بدان آب بسته شود و مردم هم از زیارت آن بازداشته شوند. چون آن فرمانده به کربلا رسید جارچیی را فرمود تا بانگ برآورد: پس از سه روز هر کس را در نزد آرامگاه حسین ببینیم و هر کس که به زیارت او برود، بیگانه و بر ضدّ خویش خواهیم دانست. از آن پس، مردم ترسیدند و گریختند، آن فرمانده نیز فرمانی که داشت اجرا کرد و مضجع امام و بنایی را که بر آن ساخته شده بود ویران ساخت.

چونان که در مروج الذهب آمده است، دیزج خود تخریب آرامگاه امام را آغازید، آن گاه دست به کار شخم زدن، بذر افشاندن و آب افکندن در آرامگاه و اراضی مجاور

۱- الأمالی شیخ طوسی، ص ۲۰۹.

شـد و زیارت کربلا را با وضع جریمه های سـنگین ممنوع کردند. (۱) همچنین متوکل عباسـی، به سـبب عنادی که با اهل بیت داشت، قبر امام علی علیه السـلام را چون قبر امام حسـین علیه السـلام ویران کرد. (۲) ۴. زیارت موجب جـذب جمعیت، احیا و توسـعه شـهر می شود، طرفـداران نظریه مـذهبی در پیدایش شـهرها معتقدند عوامل مذهبی در بهم پیوسـتن گروه های مختلف اجتماعی در سـکونت گاه های انسانی و نیز تمرکز جمعیت و پیدایش شـهرها به ویژه در دوره های قدیم بسیار مهم بوده است. (۳) برای مثال رحلت حضرت معصومه علیها السلام در شهر قم به سال ۲۰۱ ق و به خاکسپاری جسد مطهر آن بانوی بزرگوار، بـاعث شـد که مردم به تدریـج خانه های خود را به آرامگاه و آن باغ نزدیک کننـد تا به بارگاه متبرک نزدیک تر و از زیارت اهل بیت علیهم السلام بیشتر بهره گیرند. از این رو به مرور زمان ساختمان های شهر در قسمت های شرقی متروک ماند و مردم متوجه نواحی غربی شهر شدند. این واقعه از تاریخ وقوع تا به امروز بزرگ ترین عامل رونق و احیای شهر قم بوده است.

۵. ایجـاد قطب علمی، فرهنگی: از نقش هـای جنبی که در شـهرهای زیـارتی ایجاد می شود، مراکز آموزشـی در زمینه دینی و حوزه های علمی معتبر است. برای نمونه شـیخ طوسـی در ابتدای قرن پنجم هجری، به نجف مهاجرت کرد و با تشـکیل مجلس درس خود، آن شـهر را به یکی از مرکزهای علمی و فرهنگی شیعی تبدیل کرد. در قرن سیزدهم هجری، به سبب وجود فقیهان و بزرگانی چون کاشف الغطاء، بحر العلوم و شیخ مرتضی انصاری، اهمیت علمی گذشته را بازیافت و حوزه علمیه آن رونقی به سزا گرفت. (۴) البته از آن هنگام تا عصر حاضر به رغم فرازها و فرودها، همچنان، به

۱- مجلات تاریخ اسلام.

۲- تاریخ طبرستان، ج ۱، ص ۹۵.

۳- دیدگاه های نو در جغرافیای شهری، ص ۱۴۶.

۴- مزارات اهل البیت علیهم السلام.

عنوان یکی از مراکز علمی جهان تشیع مطرح و منشأ اثر است. (۱) و در کلیه حوادث سیاسی ایران و عراق تا حد امکان حضور داشته است. مانند نهضت تنباکو، نهضت مشروطه، مبارزات مردم عراق بر علیه استعمار انگلیس و ....

۶. زیارت می تواند انگیزه مهمی باشد برای آزادی یکی از مقدس ترین اماکن مذهبی که سالیان درازی زیر سلطه و اشغال است. مثال بارز آن بیت المقدس که مکان ظهور و تجلی و ارائه ادیان بزرگ ابراهیمی بوده است. فضای بیت المقدس با انفاس قدسی پیامبران توحیدی درآمیخته است. وجود قبور پیامبران الهی و ابرار علاوه بر این که بر قداست این مکان مطهر می افزاید، سبب توجه و تذکر هر چه بیشتر مسلمانان جهان بر این مکان شریف می گردد.

مسجدالاقصی محل آغاز معراج رسول اکرم صلی الله علیه و آله یادآور این واقعه پر عظمت دینی تاریخی است. و همواره این موضوع مهم معراج رسول اکرم صلی الله علیه و آله را گوشزد کرده و به بشر خاکی پیام رهایی و رسیدن به حضرت حق را می رساند. در قرآن کریم نیز این موضوع چنین ذکر شده است: «سُبْحَانَ الَّذِی أَسْرَی بِعَبْدِهِ لَیْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَی الْمَسْجِدِ الْأَقْصَی». (۲)

قدس قبله گاه اول مسلمین قبل از طعن یهود بوده است(تغییر قبله در ماه هفدهم هجرت صورت گرفته است). (۳) از طرفی قدس، مکان آثار و محل مواریث اسلامی است.

۷. زیارت عامل جمع شدن مسلمان در کنگره بزرگ مذهبی- سیاسی به نام حج است، حج از دیرباز تاکنون از اهمیت ویژه ای در بین مسلمانان برخوردار بوده است، همه ساله میلیون ها مسلمان مشتاق از گوشه و کنار جهان، به سوی سرزمین مقدس مکه و مدینه حرکت کرده، با تمامی سختی ها و مشقت ها خود را به میقات می رسانند

۱- تاریخ طبرستان، ج ۱، ص ۹۵.

۲- سوره اسرا، آیه ۱.

۳- تاریخ تحلیلی اسلام، ص ۷۱.

و لبیک گویان آماده انجام فریضه حج می شوند. و گوشه ای از پتانسیل های امت واحده اسلامی را به نمایش می گذارند.

۸. زیارت می تواند نشانگر اعتراض سیاسی باشد، برای مثال در شروع حرکت مشروطه پس از ایستادگی عین الدوله در برابر خواسته های مردم و روحانیت، آیت اللّه بهبهانی، آیت اللّه طباطبایی و آیت اللّه شیخ فضل اللّه نوری یک ماه در حرم حضرت عبدالعظیم متحصن شدند. در نهایت علاء الدوله حاکم تهران عزل و بنا شد عدالتخانه تأسیس گردد. (۱) و در ۲۵ جمادی الاول ۱۳۲۴ ق حدود هزار نفر که در رأس آنها آیت اللّه بهبهانی و آیت اللّه طباطبایی بودند به سوی قم حرکت کردند و مهاجرت کبیر را شروع نمودند که موجب شد مظفرالدین شاه، عین الدوله صدراعظم را برکنار کند و فرمان مشروطیت را هم صادر نمود. (۲) ۹. زیارت می تواند سرآغاز مبارزات سیاسی مردم یک کشور باشد. برای مثال در سال ۱۳۱۴ ش اعتراض به ماجرای کشف حجاب در مسجد گوهر شاد مشهد که در بین شهرهای ایران به دلیل وجود حرم مطهر حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام از تقدس خاصی برخوردار است و همه ساله میلیون ها نفر برای زیارت می آیند. این ویژگی موجب شده این شهر اهمیت خاص داشته و مرکز روحانی و علوم اسلامی قرار گیرد و طبعاً شهرهایی که پایگاه اسلامی دارند در مقابل مظاهر فساد بیشتر مقاومت می کنند که حادثه مسجد گوهرشاد نمونه آن است. (۳) ۱۰. زیارت و مکان زیارتی نقطه شروع مبارزه برخی حکومت ها علیه باورهای مذهبی ملت خود می تواند باشد .. مثلًا رضا خان چون می دانست مذهب ریشه های عمیقی در ایران دارد، تظاهر مذهبی زیادی برای جلب رضایت مردم و روحانیون داشت. به زیارت عتبات می رفت، مدال مولای متقیان علیه السلام به گردن می آویخت، در

۱- تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۱۱۵.

۲- همان، ص ۱۱۶ و ۱۱۷.

۳- همان، ص ۲۴۵.

دسته های عزاداری محرم شرکت می کرد و ... به طور خلاصه خود را حامی مذهب معرفی می کرد. (۱) اما پس از آن که به حکومت رسید، دین را مانع جدی اقدامات خود یافت و به دین ستیزی پرداخت. بنابراین در مراسم تحویل سال ۱۳۰۷ که همسر و دختران رضاخان بدون رعایت حجاب اسلامی در رواق حضرت معصومه علیها السلام حضور یافتند، نخستین قدرت نمایی و اخطار رضاخان به روحانیت و حوزه های علمیه اتفاق افتاد. (۲) این امر زمینه سازی برای کشف حجاب بود. (۳) ۱۱. زیارت می تواند مبنای ادعای کشوری برای رهبری جهان اسلام باشد. وجود مکه و مدینه در کشور عربستان موجب شده است که این کشور مدعی رهبری جهان اسلام باشد.

۱۲. زیارت یک نقطه می تواند موجب علنی شدن عناد برخی فرق علیه گروه دیگری از مسلمانان شود. انفجار در حرمین عسکریین که در سال ۱۳۸۵- ۱۳۸۶ ش رخ داد نمونه بارز آن است.

۱۳. زیارتگاه می تواند محلی برای تبعید و یا هجرت رهبران سیاسی و مذهبی قرار گیرد. مثال بارز آن خروج امام حسین علیه السلام از مدینه به سمت مکه برای بیعت نکردن با یزید، نمونه هجرت رهبران بزرگ است. نمونه دیگر امام خمینی است که به کشور عراق و شهر نجف تبعید شدند و در اولین سال تبعید در پاسخ فضلای اصفهانی طی پیامی می فرمایند: «... این تبعیدها و زجرها که برای دفاع از احکام مترقی اسلام، دفع سلطه اجانب از بلاد مسلمین، جلوگیری از دستبرد به استقلال و تمامیت ارضی ممالک اسلامی می باشد، گوارا و موجب سرافرازی ملت مسلم است ...». (۴) ۱۴. زیارت می تواند به ارائه چهره ای واقعی از یک کشور به جهانیان کمک کند.

۱- همان، ص ۲۳۹.

۲- زندگینامه سیاسی امام خمینی از آغاز تا تبعید، ج ۱، ص ۶۸.

۳- همان، ص ۷۳.

۴- آوای انقلاب، ص ۲۲.

چون زایرانی که به مکـان زیـارتی می آینـد زبان گویایی برای بیان حقایق کشور مـذکور هسـتند و تبلیغات سوء را کم اثر می کنند.

۱۵. زیارت موجب گسترش امنیت می شود، زیرا حفظ قداست مکان زیارتی مانع از اعمال خشونت می گردد، شواهد تاریخی فراوانی از پنـاه بردن افراد مختلف به مکان زیارتی برای حفظ جانشان وجود دارد. و نمونه های دیگری نیز از تلاش برای حفظ حرمت این مکان ها دیده می شود، مانند خروج امام حسـین علیه السـلام از مکه برای جلوگیری از شکستن حرمت خانه خدا و ممانعت از خون ریزی در این مکان مقدسی که یزیدیان برای رسیدن به خواسته خود حاضر به حرمت شکنی بودند.

۱۶. جنبه مهم دیگر زیـارت برقراری صـلح و دوستی است، زیرا وقتی زایران داخلی و خارجی با آداب و رسوم یکـدیگر آشـنا می شونـد و دوسـتانی در کشورها و شـهرهای دیگر پیـدا می کننـد، میان آنها ایجاد علاقه و محبت می شود، در مجموع باعث می گردد که صلح و دوستی پدید آید.

ب. جایگاه اقتصادی زیارت

جهانگردی پدیده ای است که از دیرباز در جوامع انسانی مختلف وجود داشته است.

اما با ورود به عصر مـدرن به صورت یک صـنعت سودآور در آمـده و مورد توجه بسیاری از کشورهای دنیا قرار گرفته و هر ساله با رشد و توسعه این صنعت چند وجهی مواجه بوده ایم.

بـا نگـاهی گـذرا به در آمـدهای جهـانگردی کشورهـای مختلف، به این نتیجه می رسـیم که نگـاه کشورهـای مختلف دنیا، به توسـعه جهانگردی با اهداف مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ... کاملًا متفاوت بوده، اما اکثر کشورها، توسعه اقتصادی را در درجه اول اهمیت قرار داده انـد، به این دلیل است که جهانگردی به سـرعت رشد یافته و به بزرگ ترین صـنعت دنیا تبدیل شده و منافع عمده اقتصادی را به اقتصاد ملی کشورها وارد کرده است.

در حال حاضر گردشگری فعالیتی قدرتمند و حرفه ای بزرگ در سطح جهان است، به نحوی که ابتدا قبل از نفت، آن گاه هم ردیف آن، سپس بالاـتر از آن قرار گرفت. در سال ۱۹۹۲ از هر ۱۵ نفر شاغل در جهان، یک نفر در بخش گردشگری فعال بوده و کل شاغلاـن این بخش در همان سال ۱۳۰ میلیون نفر بوده است. در حال حاضر میزان ۱۰ درصد از شاغلان دنیا در مشاغل وابسته به بخش گردشگری فعالیت دارند.

میزان درآمد فعالیت گردشگری از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۲، ۱۳۲ برابر شده و طبق برآوردهای قبلی، در سال ۲۰۰۵ بیش از ۱۵۰ میلیون نفر در این بخش مشغول به کار شده اند. از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۵ حدود ۴۰ میلیون شغل در این بخش ایجاد شده و از سال ۲۰۰۰ تاکنون نیز هر ساله ۷۵۰ میلیون نفر به گردشگری می پردازند. درآمد گردشگری در سال ۲۰۰۵ حدود ۶/ ۵ درصد از درآمد ناخالص جهان بوده است. بر اساس پیش بینی سازمان جهانی گردشگری در سال ۲۰۱۰ در حدود یک میلیارد و ۱۸ میلیون نفر به گردشگری خواهند پرداخت و درآمد ناشی از گردشگری بین المللی در همان سال به حدود یک هزار میلیارد دلار خواهد رسید. (۱) بر اساس آمارهای موجود، جهانگردی ۱۰ درصد از درآمدها و شغل های دنیا را به وجود آورده و پیش بینی می شود که این رقم تا سال ۲۰۱۰ به دو برابر برسد. از دیدگاه اقتصادی، اصلی ترین کارکرد صنعت جهانگردی، کسب درآمدهای ارزی، توزیع مجدد درآمدها، ایجاد زمینه اشتغال، سرمایه گذاری و ایجاد ارزش افزوده، همچنین فروش کالاها و خدمات مورد نیاز گردشگرهاست. (۲) صنعت توریسم و سهم آن در اقتصاد ملی کشورها از مباحث مهمی است که مورد توجه صاحبان امر قرار گرفته است و ارتباط تنگاتنگی با صنایع دیگری مانند هتلداری، حمل و نقل، آژانس های مسافرتی، صنایع دستی، رستوران داری، صنایع غذایی، کشاورزی و ... دارد.

۱- روزنامه دنیای اقتصاد، ۳۱ مرداد ۱۳۸۶.

۲- همان.

خلاصه آن که زایر به خدماتی احتیاج دارد تا او را در تهیه مایحتاج سفر خود یاری کند. این خدمات نه تنها نیازهای زایر را تأمین می کند، بلکه موجب به وجود آمدن مشاغل جدیدی نیز می شود و مانع از خروج پول های نقد از محل مورد بازدید می شوند.

برای مثال، در کشور ایران، ۵۰ درصد گردشگران را گردشگران زیارتی تشکیل می دهند، سال گذشته(۱۳۸۵) ۶۲۷ هزار نفر از گردشگران ورودی به کشور برای زیارت به مشهد مقدس سفر کردند. بیش از ۸ هزار بقاع متبرک در کشور وجود دارد، با معرفی این بقاع به مردم، می توان در جهت جذب گردشگر زیارتی، از این ظرفیت استفاده کرد. تاکنون گردشگری مذهبی کاملًا یک طرفه بوده به طوری که گردشگران بسیاری از ایران برای زیارت به عتبات عالیات و مکه می روند و در مقابل درصد بسیار کمی گردشگر زیارتی به ایران می آیند. (۱) نتایج اقتصادی توریسم زیارتی

امروزه توجه سیاست گذاران و برنامه ریزان کشورها به صنعت گردشگری به عنوان یک استراتژی توسعه اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و سیاسی بیش از پیش معطوف این امر شده و آثار مثبت اقتصادی و فرهنگی آن، مورد توجه جدی دولت ها و ملل گوناگون قرار گرفته است. بسیاری از کشورها با بهره گیری از این صنعت، به نقطه اوج اهداف مورد نظر دست یافته اند، به نحوی که بیشترین درآمد خود را از طریق آن تأمین می کنند و در زمره کشورهای توسعه یافته جهان مطرح شده اند. (۲) در جغرافیای جهانگردی، مکان های مذهبی، به عنوان نیرومندترین قطب جذب گردشگر شناخته شده است. در تعریف توریسم مذهبی این طور بیان شده، که جهانگردی مذهبی عبارت اند از: بازدید گردشگران ویژه، از اماکن مقدس، نظیر زیارتگاه ها، مقابر

۱- خبرگزاری مهر.

۲- روزنامه دنیای اقتصاد، ۳۱ مرداد ۱۳۸۶.

امامزاده ها و نظایر آنها. در این جا با دو دسته مختلف از جهان گردان روبرو می شویم، دسته اول: کسانی که از اماکن مقدس در دین خود بازدید می نمایند و گروه دوم: کسانی که از اماکن مقدس سایر ادیان دیدن می کنند. که این امر نتایج مختلف اقتصادی به دنبال دارد. به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. توریسم مذهبی، نوعی سرمایه گذاری غیرمستقیم خارجی در داخل کشور است و آثار آن، در کلیه بخش های اقتصادی، اثر توسعه ای دارد.

۲. هر زایری، وقتی به شهر مذهبی سفر می کند، بعد از زیارت سعی دارد از دیدنی های دیگر هم بازدیدی داشته باشد. بنابراین زیارت و سیاحت توأمان صورت می گیرد که به رشد اقتصادی و فرهنگی شهر مذهبی می انجامد.

۳. برای زایر خرید جاذبه خاص خود را دارد، چرا که سفر به شهر زیارتی و خرید سوغات برای اقوام و دوستان با هم عجین شده است. معمولاً بازارهای سنتی و مدرنی وجود دارد که هر مسافری را ترغیب به خرید می کند. این بازارها که از صدها غرفه و فروشگاه تشکیل شده است، هرساله بازدیدکنندگان و خریداران فراوانی دارد. این فعالیت ها موجب ایجاد درآمد و ایجاد فرصت شغلی است.

۴. ایجاد درآمد ارزی برای کشور.

۵. ایجاد درآمد برای دولت از راه دریافت مالیات و عوارضی که ناشی از فعالیت های مربوط به صنعت گردشگری زیارتی است.

۶. تهیه مایحتاج زایران همچنین ایجاد کلیه زیربناهای مورد نیاز و ارائه خدمات به زایران و ... موجب اشتغال زایی است و به رونق صنایع داخلی کشور می انجامد.

۷. توسعه شبکه حمل و نقل جاده ای، ریلی، هوایی و گاه دریایی.

۸. توسعه خدمات مسافری، شامل آژانس های مسافرتی، کاروان های زیارتی، هتل ها، بیمارستان ها و ....

۹. توسعه خدمات مالی و پولی و مؤسسات مربوط به آن مانند بانک ها و ....

۱۰. تحرک در امر ساختمان سازی با توجه به نیازهای ساخت تجهیزات مورد نیاز در شهرهای توریستی.

۱۱. ایجاد مؤسسات بازرگانی خاص، به خصوص در امر صادرات و واردات.

۱۲. توسعه امکانات زیربنایی مورد نیاز شهرهای توریستی، مانند نیروگاه ها، سیستم فاضلاب شهری و ....

۱۳. توجه خاص به محیط زیست برای حفاظت از امکانات طبیعی مانند آب، هوا، خاک و ....

۱۴. توسعه صنایع غذایی و زیرمجموعه های مربوطه، مانند صنایع کشاورزی، دامپروری، باغداری و ....

۱۵. توسعه و رونق صنایع دستی به دلیل تقاضای فراوان زایران، برای صنایع دستی آن شهر زیارتی خاص و کشور مربوطه.

۱۶. توسعه شبکه های مخابراتی و ارتباطی، مانند تلفن، فاکس، اینترنت، روزنامه و ....

نتیجه گیری

هدف تعالیم اسلام ارتقا و رشد معنوی انسان و سوق دادن او به پیشرفت های مادی و معنوی جامعه می باشد. از این رو، اسلام از هر زمینه، مناسبت، زمان، مقام و مکان در این مسیر استفاده می کند. یکی از این راه ها زیارت است. که علاوه بر آثار معنوی، دارای نتایج دیگری از جمله سیاسی و اقتصادی نیز می باشد.

از نتایج سیاسی می توان به ارائه چهره واقعی از کشورهای مسلمان در جهان، نمایش قدرت امت واحده اسلامی، نماد اعتراض سیاسی، مبدأ شروع حرکت انقلابی مردم یک جامعه، محلی برای هجرت و یا تبعید رهبران سیاسی و مذهبی، ایجاد انگیزه جهت باز پس گیری مواریث اسلامی و ... را می توان برشمرد.

و از آثار اقتصادی آن نیز، توسعه شبکه های حمل و نقل و ارتباطات، امکانات اقامتی و زیربنایی، افزایش درآمدهای ارزی، جذب سرمایه گذاری داخلی و خارجی، رونق صنایع داخلی، به خصوص صنایع دستی، اشتغال زایی و ... را می توان عنوان کرد.

البته همه این موارد، در سایه مدیریت صحیح امکانات و توانمندی های بالقوه و بالفعل اماکن زیارتی ممکن است.

ص: ۹۵۶

فهرست منابع

۱. آوای انقلاب، گزیده ای از اعلامیه های امام خمینی، حسن روحانی.

۲. الأمالی، شیخ طوسی.

۳. تاریخ تحلیلی اسلام، جعفر شهیدی، نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۴.

۴. تاریخ سیاسی معاصر ایران، سیدجلال الدین مدنی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۸۰.

۵. تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ابن اسفندیار.

۶. جایگاه قدس نزد مسلمانان، حسن ستاری.

۷. جغرافیا و شهرشناسی، یداللّه فرید، انتشارات دانشگاه تبریز، تبریز، ۱۳۸۴.

۸. دیدگاه های نو در جغرافیای شهری، حسین شکویی، سمت، تهران، ۱۳۸۳.

۹. روزنامه دنیای اقتصاد، ۳۱ مرداد ۱۳۸۶ نقش صنعت گردشگری بر متغیرهای اقتصادی، مرضیه مروج خراسانی.

۱۰. زندگینامه سیاسی امام خمینی از آغاز تا تبعید، محمدحسن رجبی، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۷۰.

۱۱. فصلنامه الکترونیکی میقات حج، جایگاه حج در اندیشه اسلامی ۱۹، اسفند ۱۳۸۵.

۱۲. مجلات تاریخ اسلام، م. دونالدسن، شماره ۱۹، کربلا مهم ترین زیارتگاه شیعی، دوایت، ترجمه عباس احمدوند.

۱۳. مزارات اهل البیت علیهم السلام، حسین جلالی.

۱۴. نزهه اهل الحرمین فی عماره المشهدین، سید حسن صدر، چاپ کربلا.

۱۵. خبرگزاری مهر(۰۹/ ۰۶/ ۱۳۸۶).

۱۳. کارکرد مزارات و زیارتگاه ها

منصور یوسفی جولندان (۱)

چکیده

پرستش و تقدس از دیرباز در بین اقوام مختلف وجود داشته و عبادت جایگاه ویژه ای در بین ادیان و مذاهب داراست. دین اسلام نیز در این خصوص مستثنی نبوده و در این بین زیارت قبور، توسل نمودن و شفاعت خواستن از اهم امور دینی تلقی می گردد. مزارات و زیارتگاه ها با پذیرفتن خیل عظیمی از علاقه مندان و مریدان تأثیرات بسیاری را در زندگی مردم مسلمان گذاشته و تحولات سیاسی، اجتماعی و حتی اقتصادی را سبب گشته اند. اماکن مقدسی که قدرت تأثیرگذاری در ابعاد مختلف زندگی، حتی به لحاظ روحی و روانی را می توانند داشته باشند. محل دفن یک شخصیت مذهبی تاریخی توسعه عمرانی را به همراه داشته و با جذب زایر و توریست، منبع درآمد زایی برای اهالی آن دیار به شمار می رود. گرچه علقه های مذهبی و اعتقادات و باورهای مردم، تعامل خاصی را بین آنها و جایگاه های مقدس اسلامی رقم زده و دلبستگی های موجود را بیش از پیش نمایان تر می سازد. این مقاله بر آن است تا کارکردهای متنوع مزارات و زیارتگاه ها را به دلیل نقش پر رنگ آن در زندگی مردم مورد بررسی قرار دهد.

کلیدواژه ها: کارکرد، مزارات، اماکن مقدس، تبادلات فرهنگی، بقعه، حرم.

مقدّمه

زیارتگاه ها یکی از عناصر اجتماعی، فرهنگی یک قوم و یا یک ملت محسوب می شوند. عناصری که نه تنها دارای کارکردهای اجتماعی هستند، بلکه جایگاه

۱- دستیار علمی دانشگاه پیام نور واحد رضوانشهر.

ویژه ای برای بروز رفتارهای فرهنگی خاص و همچنین تبادلات فرهنگی نیز به حساب می آیند. علت و انگیزه هایی برای پیدایی و به وجود آمدن این اماکن مقدس هست که ساختن یک مزار را علاوه بر تمایلات مذهبی، دارای انگیزه های سیاسی، اقتصادی و روانی نیز می سازد. از آن جا که اماکن مقدس در ارتباط مستقیم با فرهنگ یک قوم قرار دارند و فرهنگ نیز زاییده پدیده های اجتماعی- اقتصادی، مذهبی، تاریخی و سیاسی همان قوم است، بنابراین می توان زیارتگاه ها را در ارتباط با تمامی این پدیده ها دانست. کارکردهای زیارتگاه ها بسیار متنوع و متعدد است و در قالب هشت بخش می توان طبقه بندی نمود که در این مقاله به کارکردهای مختلف مزارات خراسان و ماوراء النهر در عصر تیموریان در دو سده ۱۴ و ۱۵ میلادی(۸ و ۹ هجری قمری) پرداخته شده است.

پیشینه تحقیق

پس از سپری شدن سال ها از عرض وجود کردن مردم به این جایگاه های مقدس اسلامی برای معرفی و شناساندن آنها نیاز به مطالعه، تحقیق و بررسی های متعددی می باشد. کنکاش و به دست آوردن اطلاعات لازم و تجزیه و تحلیل آن بسیار مهم و حیاتی برای انسان ها جلوه می کند و قدر مسلّم امروزه موضوع مزارات و زیارتگاه ها نقش مهم و پراهمیتی را در زندگی روزمره مردم مسلمان ایفا می نماید. گرچه کتب و مقالات و تصاویر بی شماری از اماکن و آرامگاه های مقدس در طی سال های متمادی تهیه و در اختیار علاقه مندان و مشتاقان قرار گرفته است، ولی علی رغم تلاش های به عمل آمده هنوز نواقص و کم وکاستی هایی در راه معرفی آنها وجود دارد که شاید با هر مطالعه و تحقیق نکته ای از ابهامات و مجهولات باقی مانده برطرف شود.

در زمینه مزارات خراسان عصر تیموری، مرحوم علی دوانی در مفاخر اسلام(۱۳۷۸- ۲۰۰۰) دکتر هیلن براند در مقابر(۱۹۸۸)، واله اصفهانی در خلد برین(۱۳۷۸)، خواندمیر در تاریخ حبیب السیر(۲۰۰۲)، بلینتسکی در خراسان و ماوراء النهر(۱۹۸۶)،

خلیـل اللّه خلیلی در آثـار هرات(۲۰۰۴)، حافظ نـور محمـد در تاریـخ مزار شـریف(۱۹۹۰)، محمـد بلخی در مزارات شـهر بلخ(۱۹۶۶)، تحقیقات گسترده ای را به رشته تحریر درآورده اند که شامل خراسان ایران و افغانستان کنونی است.

در بخش مزارات و زیارتگاه های ماوراء النهر درباره کارکرد این اماکن مقـدس در سـمرقند و بخارا واقع در کشور ازبکسـتان کنونی، ملّازاده در تاریـخ مزارات بخارا(۱۹۶۰)، النرشخی در تاریخ بخارا(۱۹۷۳)، فضل اللّه روزبهان اصـفهانی در مهمان نامه بخارا(۱۹۶۲)، دکتر غروی در آرامگاه در گسترده فرهنگ ایرانی(۱۳۷۶)، سلیم بخاری در دل به یار(۱۹۹۳)، خاوند شاه بلخی در روضه الصـفا(۱۹۸۴)، السـمرقندی در سـمریه(۱۹۶۴)، حافـظ کربلاـیی در روضه الجنـان(۱۹۷۰)، ویـل دورانت در تـاریخ تمدن(۲۰۰۳)، خرم برکه در خواجه احرار ولی(۲۰۰۵)، محمد جوینی در تاریخ جهانگشای جوینی(۲۰۰۳)، منوچهر ستوده در آثـار تـاریخی ورارود و خـوارزم(۱۳۸۴)، لوسـین بـوآت در تاریـخ مغـول(۲۰۰۳)، اشـپولر در تاریـخ ایران در دوره نخسـتین اسلامی(۲۰۰۱)، حسن بیـک روملـو در احسن التواریـخ(۲۰۰۴)، امین مالوف در تاریـخ سـمرقند(۱۹۹۶)، عبـدالملک بن حیدر سمرقندی در قندیه(۱۹۵۷)، بارتولد در ترکسـتان نامه(۱۹۷۴)، گروهی از پژوهشـگران دانشـگاه کمبریـج در تاریخ ایران دوره تیموریان(۲۰۰۰)، سلسـله مقالات آلبرت هورانی تحت عنوان طریقه نقشبندیه(۱۹۷۴– ۱۹۷۵)، بابینگر در مقاله فرامین نقشبندیه در اسلام(۱۹۲۳)، مطالب مبسوطی را ذکر نموده اند.

در مـورد مزارات مورد نظر در کشور تاجیکسـتان فعلی، می توان به آثـار: سـفرنامه دکـتر باشـینو(۱۹۹۴)، باباجـان غفوراف در تاجیکان(۱۹۹۷)، محمـد ریـاض در احوال و آثـار و اشـعار میر سـید علی همـدانی(۱۹۹۵)، یـاحقی و سـیدی در از جیحـون تا وخش(۱۳۷۸)، شـیرین آکینو در اقوام مسـلمان اتحـاد شوروی(۱۹۸۹)، حمزه کمـال در مزارهای شـمال تاجیکسـتان و چهارده مزار(۲۰۰۱)، میرزا شـکورزاده در تاجیکـان، آریایی ها و فلات ایران(۲۰۰۴)، نـذیرجان تورسان زاد در تاریـخ و فرهنگ مردم خجند(۲۰۰۳)، جوآن گروس در خواجه احرار

و قوه ادراک و توان مذهبی(۱۹۸۲) اشاره نمود. پژوهش و مطالعه حاضر با بهره گیری از منابع فوق الذکر، به بررسی اثرات و نتایج زیارتگاه ها در زندگی مردم خراسان و ماوراء النهر می پردازد و یافته های جدیدی را هم در قالب پژوهش به عمل آمده بازگو می نماید.

شیوه بررسی

در پژوهش انجام شده، عمده ترین بخش یافته ها با استفاده از مطالعه میدانی بوده است که برای دستیابی به اطلاعات مدنظر از تکنیک هایی همچون گفت وگو و مصاحبه باز، مشاهده، مشاهده مشارکتی استفاده نموده و برای غنی ساختن اطلاعات از مطالعه کتابخانه ای نیز بهره برده و با تمسک به روش اسنادی کسب معرفت گردیده است. در بحث گفت وگو و مصاحبه افراد مورد نظر در دو دسته قرار می گیرند: دسته اول، زایرینی بودند که از نقاط دور و نزدیک به امر زیارت مبادرت می ورزیدند. و دسته دوم، شامل متولیان، خدام و مسئولین ذی ربط در حفظ و نگهداری اماکن اسلامی می شد که در محل تحقیق حضور داشتند. ضبط صوت، دوربین فیلمبرداری و دوربین عکسبرداری از جمله ابزارهای ثبت و ضبط این پژوهش به شمار می رفتند.

در این تحقیق از روش فونکسیونالیزم (۱)(کارکرد گرایی) نیز استفاده شده است، به طوری که علمای فن کارکردگرایی را در بررسی هر عمل اجتماعی و یا هر نهاد، با توجه به رابطه ای که با تمامی کالبد اجتماعی دارد، می دانند. (۲) ارتباط زیارتگاه ها با مردم و تأثیراتی که بر زندگی آنها به جا می گذارد و روابط به وجود آمده، از دریچه این نظریه نگریسته شده و از اصل وحدت فونکسیونی (۳) استفاده گردیده است، چنان که راد کلیف براون (۴) وحدت فونکسیونی را «یک پارچگی و تعاون هماهنگ همه عناصر سازنده دستگاه اجتماعی که اختلافات پاینده را کنار

۱- Functionalisme

۲- مبانی انسان شناسی، ص ۱۲۱.

۳- Functional anity.

۴- Radcliffe Brawn.

می گذارد، زیرا حل آنها ممکن نیست» (۱) می داند و در پژوهش انجام شده، عنصر مذهب به عنوان عامل وحدت و یکپارچگی بین گروه های قومی و مذهبی مد نظر قرار گرفته است.

جامعه آماری

تحقیق حاضر در کشورهای ایران، تاجیکستان، افغانستان و ازبکستان انجام گردیده که به صورت نمونه گیری شامل سیزده مزار به اسامی:

شاه قاسم انوار در تربت جام، ملاحسین کاشفی در سبزوار، گنبد هارونیه و سنگ یادبود امام محمد غزالی در توس، میر سید علی همدانی در کولاب تاجیکستان، محمد بشارا در ناحیه پنجکیت تاجیکستان، خواجه اسحاق ختلانی در کولاب تاجیکستان، مولانا یعقوب چرخی در روستای حلتکو شهر دوشنبه تاجیکستان، مزار شریف در بلخ افغانستان، خواجه عبداللّه انصاری در هرات افغانستان، خواجه احرار ولی در سمرقند ازبکستان، خواجه بهاء الدین نقشبندی در بخارای ازبکستان، گورمیر و بی بی خانم در سمرقند ازبکستان است.

از دلایل عمده نمونه گیری این سیزده مزار، علی رغم وجود مزارهای متعدد و همعصر در این چهار کشور، می توان به شهرت، مقبولیت، معماری، معاصر بودن و میزان تأثیرگذاری صاحبان آن مزارها اشاره نمود. این پژوهش از شهریور ماه سال ۱۳۸۳ شمسی آغاز و در خرداد ماه سال ۱۳۸۶ شمسی به پایان رسیده است.

کارکرد مزارات و زیارتگاه ها

کارکرد مزارها و زیارتگاه ها بسیار متنوع و متعدد می باشد و به صورت زیر طبقه بندی می گردد که عبارت اند از کارکردهای مذهبی، تاریخی، هنری، روان شناسی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

۱- مبانی انسان شناسی، ص ۱۲۷.

۱. کارکرد مذهبی

زیارتگاه ها از جمله اماکن مذهبی هستند که پس از ورود اسلام به ایران و ماوراء النهر در این سرزمین ها به وجود آمده اند. این جایگاه ها یکی از مظاهر ویژه دین اسلام محسوب می شوند. مظهری که در طول حیات خود نه تنها کارکرد مذهبی متعددی را برای دین اسلام ارائه کرده است، بلکه وظایف مظاهر دیگر اسلامی نظیر مسجدها و حسینیه ها را نیز به نحو مطلوب به انجام رسانیده است.

دلایل این ادعا را می توان در نقشی که زیارتگاه ها در انجام دادن اعمال مذهبی، مانند نماز و عبادت معینی در حکم عبادتگاه و نمازخانه و همچنین مرکزی برای تصمیم گیری های اجتماعی- سیاسی، ایفا می کنند، جست وجو کرد. چون که «در سراسر ایران بسیاری از امامزاده ها به عنوان جانشین مسجد ایفای وظیفه می کنند». (۱) و یا در تاجیکستان و ازبکستان در جوار مزارِ شخصیت های مذهبی، مساجدی احداث گردیده است که در مجموع جشن ها، عزاداری ها و دیگر مراسم مذهبی نیز در این اماکن برگزار می شود، اگر چه این مراسم از گذشته تا حال دچار تغییراتی شده و در حال حاضر به جرأت می توان آنها را جزئی از فرهنگ و آداب و رسوم اقوام ایرانی تاجیکی به حساب آورد، اما به دلیل سابقه مذهبی ای که دارند برگزاری این مراسم در زیارتگاه ها از دیگر کارکردهای مذهبی این ابنیه شمرده می شوند. ضمن آن که وجود خانقاه و مدارس علوم دینیه در جوار زیارتگاه های یاد شده، از نکات بارز این بخش به شمار می رود که می توان به خانقاه منتسب به امام محمد غزالی در گنبد هارونیه در توس و خانقاه و مدارس دینی خواجه بهاء الدین نقشبند در بخارا و خواجه احرار ولی در سمرقند اشاره نمود.

۱- مقابر، ص ۲۵.

۲. کارکرد تاریخی

با توجه به آثار و بناهای باقی مانده از گذشته، تاریخ و سابقه یک قوم به دست می آید.

یکی از مهم ترین این آثار، بناهای تاریخی هستند که در هر گوشه از اجزای خود کلیدی نهفته دارند، کلیدی که می تواند گنج پنهان و گمشده تاریخ بشر را بگشاید.

زیارتگاه ها با تاریخ و سوابق محلی که در آن قرار گرفته اند و یا قومی که حیات و ثبات خود را مدیون آن هستند، عجین شده اند. این پیوستگی سبب شده است تا این اماکن از عناصر مهم تاریخی به شمار روند. غباری که در هر گوشه از آنها می توان اثری، هنری، دستمایه ای و جای پایی از گذشته ها را یافت. «چگونگی ساخت یک امامزاده و تاریخ ساخته شدن آن و انگیزه هایی که باعث به وجود آمدن آن شده است، روایت ها و حکایت هایی که در مورد آن نقل می شود، همگی به باز شدن گره هایی کور و نکات مبهم تاریخ کمک می کنند». (۱) کارکردهای تاریخی زیارتگاه ها به دلیل ارتباط و تلفیقی که بین مذهب و فرهنگ یک قوم ایجاد کرده اند، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. مجموعه آرامگاهی گورمیر در سمرقند که مدفن امیر تیمور و فرزندانش به همراه استادش میرسید برکت است و یا مزار و مسجد بی بی خانم، همسر امیر تیمور گورکانی در سمرقند و بنای هارونیه، از جمله آثار تاریخی هستند که به دلیل رعایت آداب زیارت از سوی جمعی مورد مطالعه قرار گرفته اند.

۳. کارکرد هنری

هنر پدیده ای است که از دیرباز فکر و اندیشه انسان را به خود مشغول داشته است.

هنر در جنبه های مختلف زندگی انسان شکل گرفته است، اما مانند هر پدیده دیگری که در ارتباط با زندگی انسانی قرار می گیرد، برای ثبات و دوام خود به تکامل احتیاج

۱- اماکن متبرکه شهر کاشان، ص ۱۵۹.

دارد. «تکامل یک هنر براساس محرک های دنیوی و دینی صورت می گیرد». (۱) اسلام با آیین ها، اصول و قوانین خود یکی از قوی ترین محرک های دینی در ایران و آسیای مرکزی محسوب می شود. پس از فتح ایران به دست اعراب مسلمان، هنر ایرانی در خدمت دین اسلام قرار گرفت و البته به این معنی که هنر ایرانی تحت تأثیر قوانین اسلامی معنی و مفهوم جدیدی پیدا کرد، مفهومی که با کنار گذاشتن اختلاف و تضادهای هنر ایرانی با دستورات اسلامی و پیوند دادن پدیده های مشترک به وجود آمد. این مفهوم در بناهای مذهبی اسلامی به خوبی قابل مشاهده است. از جمله بناهای مذهبی ای که پس از اسلام در ایران و ماوراء النهر ساخته شده است، زیارتگاه امامزاده ها و آرامگاه های عارفان و قدیسین هستند. به طوری که آنها مجموعه ای از آثار هنری ایرانی و اسلامی به حساب می آیند. مجموعه ای که با بهره گیری از خاصیت منحصر به فرد دین اسلام یعنی «پذیرش عناصر قومی و محلی و آمیزش با آنها» (۲) به وجود آمده است. بناهای مذهبی همچون مساجد و مزارات از مراکز مهم خلق آثار هنری شمرده شدند. مراکزی که نه تنها مکان مناسبی برای حفظ آثار هنری بودند، بلکه هنر اسلامی را نیز معرفی می کردند.

زیارتگاه ها با کارکردهای هنری خود، مفاهیم اسلامی را با زبان هنر، تصویر و رنگ به دیگران منتقل می کنند. کاشیکاری ها، آجر چینی ها، گچ بری ها، آیینه کاری ها، نقاشی، حکاکی، کنده کاری و ... همگی زبان گویای هنر ایرانی و اسلامی هستند.

آنچه که موجب خرسندی در حین تحقیق گردید، وجود موزه ها در مجموعه آرامگاهی بود که تعداد قابل توجهی از زایرین و توریست های داخلی و خارجی را به سمت خود معطوف ساخته بود. این امر به خوبی می تواند در راه بسط و گسترش فرهنگ غنی اسلامی و معرفی شخصیت های عرفانی و مذهبی و شناساندن مناطق

۱- مسجد نمونه هنر دینی در اسلام، ص ۴۶.

۲- تاریخ هنر، ص ۱۹۱.

مورد نظر گـام هـای اساسـی و مهمی را بر دارد و بـا توجه به خلق آثـار هنری همچون نقاشـی، مینیاتور، خطاطی و تهـذیب که معمولًا برای تزیین موزه ها و شـکل دادن به ویترین ها و قاب های موجود، از آن اسـتفاده می کنند، ضـمن معرفی استعدادها و شاهکارهای هنرمنـدان بومی و محلی، همراهی این آثار با فرهنگ و تمدن اسـلامی از نکات جالب توجه می باشد. در مزارات میر سـید علی همـدانی در کولاـب و خواجه بهـاء الـدین نقشـبند در بخارا، وجود دو موزه از اقـدامات مثبت متولیان امر در این خصوص خبر می دهد. ضمن آن که در سبزوار سازمان میراث فرهنگی این شهرستان ضمن بازسازی مزار ملاحسین کاشفی به منظـور حفـظ این اثر، ساختمـان اداری میراث فرهنگی را نیز در محوطه مزار احـداث کرده و نظـارت مسـتمری را در مراقبت و نگهداری از این بنای آرامگاهی به انجام می رساند.

۴. کارکرد روان شناسی

انسان مجبور است برای زندگی و حیات خود با مشـکلات و سـختی هایی که بر سـر راهش قرار می گیرند به مبارزه خیزد؛ اما قهرمان این نبرد همیشه انسان نیست.

هنگامی که انسان نتوانـد بر مشـکلات زنـدگی فایق آیـد، به واسـطه عواطف و احساسات خود دچار نوعی پریشانی روانی می شود. این پریشانی می تواند روح و روان او را تحت تأثیر خود قرار دهد و انسان را آزرده کند. «بر طبق تحقیقات روان شناسـی راه هـایی برای از بیـن بردن این آزردگی روح و روان وجـود دارد که یکی از این راه هـا تخلیه روانی است. دین و مـذهب از جمله پدیده هایی هسـتند که توانایی آرامش روحی انسان ها را در خود نهفته دارند». (۱) زیارتگاه ها به واسطه اعتباری که از نظر مذهبی در بین مردم دارند، از مکان های مناسبی برای تخلیه روحی و روانی به حساب می آیند. فضای مزارات، فضای

۱- دین پژوهی، ص ۲۹۱.

روحانی است، فضایی که می توانـد عواطف انسانی را تحریک کنـد و او را وادار سازد در برابر مشـکلات عکس العمل هایی خلاف زندگی عادی خود بروز دهد.

عکس العمـل هـایی همچون راز و نیـاز یا گریه و زاری؛ با این عکس العمل ها انسان روان درمانی و تخلیه روانی می شود و با امید به این که قدرتی برتر برای حفظ و نگهداری آنها وجود دارد، به زندگی خود ادامه می دهند.

کارکردهـای روان شناسـی زیارتگـاه هـا، کارکردهـایی است که بر روح و روان انسـان اثر می گـذارد و این اثر گـذاری ها به حـدی قوی و نیرومنـد است که آن جا به عنوان یکی از اماکنی که مراجعه به آنها آخرین امیـد و توسل محسوب می شود، در بین فرهنگ مردم ما شـناخته شده اند. ضمن آن که انسان از بدو آفرینش در برابر حوادث طبیعی نیاز به نیروی مافوق و برتر را در خود احساس می کرد، نیرویی که بتوانـد او را از حوادث و بلایا و مشـکلات و سـختی ها حفظ کنـد. آنچه که توانست این نیاز انسان را برآورده سازد، دین و مذهب بود. اما برای اطمینان بیشتر به یک مکانی مادی و ملموس نیاز داشت. تا در کنار آن به آرامش روحی و قلبی دست یـا بـدو در همان جا با معبود خود راز و نیاز کنـد. به همین دلیل پرستشـگاه و اماکن مـذهبی را برای این کار ساخت، زیارتگاه ها را ساخت، تا مکانی برای آرامش روحی و قلبی و فروکش کردن هیجانات و اضـطراب های درونی انسان ها باشـد. در این جایگاه های مقدس زایرین اطمینان قلبی دارند که هرگز تنها نیسـتند و قدرتی مافوق آنها وجود دارد که همواره حی و حاضـر بوده و توان برآوردن همه نیازهای بشـری را دارد. لـذا «با توسل و اسـتغاثه به درگاه او و ریختن اشـک شوق از داشـتن چنین تکیه گاهی مطمئن، با اشک نیاز به حل مشـکلاتشان، یا اشک داشـتن امیـد به گشوده شـدن گره مسایل شان، تخلیه روانی شده و آرامش روحی به دست می آورند». (۱)

۱- گذری بر فرهنگ زیارت، ص ۲۴۱.

درخواست شفاعت زایرین در جوار مزارهای شخصیت های دینی و معنوی نمی بایست این گونه تلقی شود که زایر این تقاضا را از صاحب آرامگاه داشته و از او حاجت می طلبد. و در حالی که وی به دلیل قرب و منزلتی که صاحب مزار با توجه به جایگاه ارزشمند خود در نزد خداوند دارد، او را واسطه حاجت خود می کند، تا پروردگار عالم به دلیل اعتبار صاحب مزار، گشایشی در مشکلات فرد زایر بنماید. در اغلب زیارتگاه های مورد پژوهش، این موضوع به خوبی مشهود بود، به شکلی که در دو مزار خواجه احرار ولی و خواجه بهاء الدین نقشبند، متولیان امر مدام به زایرین تذکر می دادند که فقط از خداوند حاجت بخواهید و لا غیر.

۵. کارکرد سیاسی

شاید یکی از مهم ترین علل به وجود آمدن زیارتگاه ها را بتوان در پدیده های سیاسی جست وجو کرد. ایجاد امامزاده در ایران نوعی اعتراض به اعراب مسلمانی بود که پس از ظهور اسلام، ایران را فتح کردند و در طول حکومت خود فشارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را بر ایرانیان اعمال کردند، «امامزاده ها را به عنوان سمبل تمایلات سیاسی و مذهبی به وجود آوردند». (۱) اماکن مقدس همواره موجب برتری سیاسی یک منطقه نسبت به مناطق دیگر بوده اند. وجود زیارتگاه در بالای تپه مشرف به یک روستا موقعیت سیاسی آن روستا را نسبت به روستاهای دیگر برتری می بخشید. شاید یکی از دلایلی که در اکثر روستاهای ایران و بعضاً تاجیکستان، افغانستان و ازبکستان زیارتگاهی وجود دارد، همین امر باشد.

در تحقیقات دقیقاً این نکته نمایان بود روستاهایی که زیارتگاهی در داخل خود داشته، روستاهای همجوار را به لحاظ مختلف تحت الشعاع قرار داده و از قرب و

۱- مقابر، ص ۲۵.

منزلت بالاتری در بین مردم برخوردار بوده است. به عنوان نمونه می توان به روستای حلتکو در نزدیکی شهر دوشنبه، پایتخت تاجیکستان، اشاره نمود. این روستا به واسطه وجود مزار مولانا یعقوب چرخی، از شهرت و منزلت بالاتری نسبت به روستاهای همجوار بهره مند است، یا روستای خواجه اسحاق کولاب با مزار خواجه اسحاق ختلانی، روستای لنگر تربت جام با مزار شاه قاسم انوار و منطقه گذرگاه هرات با مزار خواجه عبداللّه انصاری با روستاها و مناطق همجوار متفاوت بوده و از جایگاه ویژه ای برخوردارند.

۶. کارکرد اقتصادی

کارکردهای اقتصادی یک زیارتگاه را باید در اعتبارات مالی آن جست وجو کرد.

افرادی که به اماکن معنوی مراجعه می کنند، هدایای نقدی و غیرنقدی خود را به زیارتگاه پیشکش می کنند. علاوه بر این، این گونه اماکن معمولًا دارای بناها و زمین های وقفی فراوانی هستند که وجود این نوع وقف ها به اعتبار اقتصادی زیارتگاه کمک می کنند. «وجود یک زیارتگاه به دلیل مراجعه افرادی که برای زیارت امامزاده می آیند و مخارجی را که برای این کار متقبل می شوند و همچنین هدایایی که به این مکان مقدس پیشکش می کنند، همگی در رشد و توسعه اقتصادی منطقه نقش مهمی دارند. بخش عمده ای از درآمد زیارتگاه صرف فعالیت های اقتصادی می شود که این مسأله به رشد و توسعه اقتصادی منطقه کمک می کند». (۱) ضمن آن که اختصاص نذورات بعضی از زیارتگاه ها به نوادگان و یا مستحقین در زندگی آنها نقش مهمی می تواند ایفا کند. همچنین در روزهای خاص، وجود بازارها و دستفروش ها که کالاهای خود را در معرض فروش زایرین قرار می دهند، از کارکردهای مهم اقتصادی زیارتگاه ها به شمار می رود. فروش بلیط ورودیه در

۱- اماکن متبرکه شهر کاشان، ص ۱۶۴.

جایگاه های مـذهبی، مانند مجموعه آرامگاهی گورمیر و بی بی خانم در سـمرقند و گنبد هارونیه در توس، باعث درآمد قابل توجهی به منظور تأمین هزینه های جاری این بناها و حقوق و مستمری خدام و متولیان آن محسوب می شود.

۷. کارکرد اجتماعی

زیارتگاه ها در ساخت، بافت، روابط و قوانین اجتماعی، نقش مهمی را داشته و دارند.

«یکی از کارکردهـای اجتمـاعی زیارتگـاه نقشـی است که آنهـا به عنـوان پناهگـاهی برای مظلومـان و سـتمدیدگان و یـا تـوبه کنندگان و بازنشسـتگان ایفا کرده اند. این نقش از بست نشسـتن روحانیون برای احیای قوانین اسـلامی، تا پناهنده شدن اشـرار برای گرفتن تـأمین جانی، قابل بررسـی است». (۱) زیارتگـاه هـا به دلیـل قـدرت و اعتبار اجتماعی که دارنـد، همواره به عنوان مرکزیت یک منطقه بافت مسـکونی و تجاری منطقه را در اطراف خود متمرکز می کنند و یا با «تحت الشعاع قرار دادن فعالیت های اجتماعی و اقتصادی، منطقه را به یک شـهر زیارتی تبـدیل می کننـد». (۲) در سال های اخیر مسـیر شـهر بخارا تا مجموعه آرامگاهی خواجه بهاء الـدین نقشـبند به طول دوازده کیلومتر توسط دولت ازبکسـتان آسـفالت شـده و به صورت اتوبان چهار بانده برای استفاده زایرین و توریست های داخلی و خارجی مشاهده می شود.

۸. کارکرد فرهنگی

فرهنـگ از جمله پدیـده هـایی است که به شـدت تحت تأثیر مـذاهب و آیین ها و مناسک آنها قرار می گیرد. فرهنگ ایرانیان پس از فتح ایران توسط مسلمانان در ارتباطی که با ویژگی های فرهنگی جدید پیدا کرد، تغییرات فراوانی را پذیرفت. به وجود آمدن اماکن مذهبی در بخش های مختلف ایران و ماوراء النهر، تغییرات فرهنگی و

۱- تاریخ اشرار کاشان، ص ۳۸ و ۳۹.

۲- تأثیر اسلام در ساخت شهر، ۴۵.

همچنین رفتارهـای فرهنگی خاصـی به وجود آورد. افرادی که به مزارها مراجعه می کننـد، رفتارهای خاصـی را بروز می دهند که ریشه در آداب و رسوم، اعتقادات، اندیشه ها، تفکرات و به طور کلی فرهنگ آنها دارد.

مردمی که به زیارتگاه ها مراجعه می کننـد، نوعی ارتباط با یکـدیگر برقرار می کنند که نتیجه این ارتباط می تواند به تبادلات فرهنگی منجر شـود. ایـن افراد هر کـدام ویژگی هـای فرهنگی خـود را در معرض دیـد دیگران قرار می دهنـد و از ایـن طریق فرهنـگ خود را منتقـل می کننـد. از طرف دیگر، با مشاهـده رفتارها و ویژگی های فرهنگی دیگران، از آنها تأثیر می پذیرنـد. ورود اصـطلاحات و لغـات جدیـد در زبـان فارسـی و تـاجیکی نیز از جمله کارکردهای فرهنگی زیارتگاه هاست،ماننـد بقعه، حرم، صـحن، مزار، مرقـد، زایر و زیـارت از این مجموعه انـد. داسـتان هـایی که از زنـدگی اجتمـاعی و مـذهبی امـامزاده ها و شخصـیت هـای مـذهبی نقـل می شود، جنـگ هـا و نبردهـای آنـان، چگونگی مردن، یـا به شـهادت رسـیدن آنها و دوسـتان و دشـمنانشان در فرهنگ عامه جای معتبری دارند، یکی از عوامل اصـلی در دامن زدن به این دوستی ها و دشـمنی ها می باشند. «پس از نفوذ اسـلام در ایران، ویژگی ها و آئین های تلفیقی مطرح گردید. ترکیب دو عنصـر فرهنگی متفاوت با دو فرهنگ با منشأ متفاوت را آیین تلفیقی گوینـد syncretism. (۱) حضور زایرانی از پاکسـتان، هندوسـتان، ایران و روسـیه در مزار میر سید علی همدانی در کولاب و حضور مریدان و پیروان شـیخ بهاء الدین نقشـبند از چین، ترکمنستان، ترکیه، هند، جاوه، ایران، عراق، آلمـان، انگلیس، ژاپن، روسـیه و تاجیکسـتان در منطقه قصـر عارفان بخارا، حلقه ای از اتصال و تلفیق افراد با ملیت ها و فرهنـگ هـای متفـاوت را به تصویر می کشانـد که آنهـا سـاعت ها، حتی روزها در کنار هم آداب زیارت را به جا آورده و به زبان اسلام با هم به گفت وگو و مباحثه می پردازند.

۱- فرهنگ مردم شناسی، ص ۶۸.

نتیجه گیری

گرایش هـای مردم به واسطه انگیزه هـای درونی و احترام غیر قابـل توصـیف آنهـا به زیارتگـاه ها و مزارها، حضور پررنگ و چشـمگیر مریـدان و علاـقه منـدان به این امـاکن اسـلامی را سـبب شـده است و میزان تأثیرپـذیری آنها از شخصـیت های دینی مـدفون شـده را دو چندان کرده است. اولین نتیجه در پژوهش انجام شده، دستیابی به جایگاه زیارتگاه ها در بین زایرین اسـت که جهت رفع حوایـج مـادی و معنوی و تقویت روحی و آمرزش الهی به زیـارت آن بقـاع مشرّف می شونـد که نمودار تـأثیر فرهنگ مـذهبی در بین مردم است. بعـد دیگر ایجاد جاذبه های مختلف اقتصادی، فرهنگی و رفاهی در این کشورهاست که به سبب وجود مزارهـا و زیارتگـاه هـا مهاجرپـذیر بوده و سالاـنه تعـداد بی شـماری از زایرها و گردش گران داخلی و خارجی را پذیرا هستند.

از تحقیقات به عمل آمـده این نتیجه حاصل گردیـد که زیارتگاه ها ویژگی خاصـی را در ارتباط با زنـدگی مردم ایجاد نموده انـد، علی رغم وجـود کارکردهـای بسـیار متنـوع و متعـدد این امـاکن معنـوی، ایجـاد آرامش روحی و روانی انسـان مهم ترین خصـیصه این ویژگی را رقم زده است. ضمن آن که پیوند ناگسستنی مردم با این زیارتگاه ها، روحیه دین مداری و امیدواری، انسـجام و یـک پـارچگی گروه هـای قومی و مـذهبی منطقه در سـایه این بقـاع متبرک بیش از پیش نمایـان است. در این بین مسـئولیت خطیری بر دوش اهل فن همواره سـنگینی می کند که برای حفظ میراث گران بهای گذشـته و مثبت و معرفی هویت ملت مسلمانان می بایست همچنان در دامنه و قلمرو و تحقیقات گام های اساسی برداشت.

فهرست منابع

۱. اماکن متبرکه شهر کاشان، پایان نامه زهرا خلیل پور، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۷۷.

۲. تاریخ اشرار کاشان، ملا عبدالرسول مدنی، کاشان، مرسل، چاپ اول، ۱۳۷۰.

۳. تاریخ هنر، ه و جنسن، ترجمه پرویز مرزبان، چاپ دوم، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۹۹۰.

۴. تأثیر اسلام در ساخت شهر، حسین سلطان زاده، مجله معماری و شهرسازی، دوره پنجم و شماره ۲۵، ۱۳۷۳.

۵. دین پژوهی، بهاء الدین خرمشاهی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ۱۳۷۲، چاپ اول، ۱۳۷۲.

۶. فرهنگ مردم شناسی، میشل پانوف و پرن شیل، ترجمه دکتر اصغر عسکری خانقاه، چاپ اول، تهران، نشر ویس، ۱۹۹۰.

۷. گذری بر فرهنگ زیارت، پایان نامه شریفی جهانی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۷۵.

۸. مبانی انسان شناسی، محمد صادق فربد، تهران، دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۰.

۹. مسجد نمونه هنر دینی در اسلام، الگ گرابار، ترجمه محمد سعید رضایی کاشانی، فصلنامه هنر، شماره ۲۶، ۱۳۷۳.

۱۰. مقابر، رابرت هیلن براند، ترجمه کرامت اللّه افسر، تهران، ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۹۸۸ ..

۱۱. Gross Joann(۱۹۸۲)Multipleroles and perceptions of suf ishikhsymb olicstatements of political and religious authority, New York University

۱۴. نقش سفرهای زیارتی

در افزایش اشتغال و وضعیت اقتصادی استان ایلام

نصرت اللّه کشاورز (۱)

چکیده

استان ایلام با بیش از ۴۳۰ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق، بیشترین مرز خاکی با این کشور را دارا می باشد. این مرز در گذر ایام همواره نقطه تهدید، جنگ و کشتار برای مردم این دیار بوده و باعث بی ثباتی منطقه، فرار سرمایه های انسانی و مادی از استان شده و این خطه از کشور را با بحران های جدی عدم توسعه و امنیت مواجه کرده بود. در سایه تحولات ایجاد شده و به برکت وجود عتبات عالیات، این نقطه تهدید، تبدیل به فرصتی گران بها شده است. گشایش مرز بین المللی مهران و تردد زایرین اماکن مقدسه دو کشور، موجب توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی استان شده که این امر می تواند خارج شدن استان ایلام از بن بست جغرافیایی و توسعه یافتگی را در پی داشته باشد. طبق نظرات و ایده های متفکرین اجتماعی هر جایی که به عنوان محل تردد مسافران و زایران و تعاملات آنها با یکدیگر قرار گیرد، متأثر از آن، منطقه تحت تأثیر مسایل مختلفی خواهد بود و تغییرات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی را ایجاد خواهد کرد. این مقاله عهده دار بررسی و تحلیل نقش سفرهای زیارتی زایران عتبات عالیات بر رونق اقتصادی استان ایلام، به ویژه شهرستان مهران می باشد.

کلیدواژه ها: سفر زیارتی، عتبات عالیات، ایلام، مهران.

مقدّمه

افزایش بی رویه جمعیت با توجه به ضعف امنیت و نگهداشت و تثبیت جمعیت در مناطق مرزی، افق بسیار پیچیده ای برای آینده نواحی حاشیه ای پدید آورده است.

۱- کارشناس ارشد جامعه شناسی.

در دنیای آینده، کشوری موفق خواهد بود که مشکلات جمعیتی خود را به حداقل برساند و با استفاده از راهکارهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و امنیتی بتواند جمعیت را به ماندن در نواحی مرزی و محل تولدشان علاقه مند نماید. از طرفی نواحی مرزی به واسطه دوری از مرکز، انزوای جغرافیایی و توسعه نیافتگی و ... تفاوت فاحشی از نظر برخورداری از رفاه و توسعه با مراکز عمده جمعیتی دارند. (۱) از جمله نقاط مرزی ایران که در دوران هشت سال دفاع مقدس بارها مورد تهاجم نیروهای عراقی قرار گرفت و چهار بار به تصرف درآمد، مرز مهران در استان ایلام است که به دنبال شکست حکومت حزب بعث در عراق، بازگشایی شد و ترددهای مرزی جهت زیارت عتبات عالیات، به صورت گسترده ای در آن آغاز گردید.

رفت وآمدهای مرزی که در ابتدا جنبه زیارتی داشت، رفته رفته جنبه اقتصادی نیز پیدا کرد و روز به روز قوی تر و زیادتر گردید. آنچه که در این میان غیرقابل انکار است، تأثیرگذاری این مراودات مرزی بر استان ایلام به ویژه شهرستان مهران است.

در ادامه به تأثیرات آن بر وضعیت اقتصادی و اشتغال در استان ایلام می پردازیم.

هدف مطالعه

هدف اصلی این مقاله، پاسخ به این سؤال کلی است که بازگشایی مرز مهران و تردد زایرین عتبات عالیات دو کشور ایران و عراق از آن مرز، چه تأثیراتی بر وضعیت اقتصادی و روند اشتغال در استان ایلام را در پی داشته است؟

فرضیه

بازگشایی مرز مهران و تردد زایرین اماکن مقدس از آن، باعث بهبود وضعیت اقتصادی، رفاه نسبی و ایجاد اشتغال در استان ایلام شده است.

۱- رضایی، ص ۱۷.

روش تحقیق

روش مطالعه به دو روش اسنادی و پیمایشی بوده که در روش اسنادی، با استفاده از روش پانل، به مقایسه وضعیت استان در دو مرحله قبل و بعد از باز گشایی مرز پرداخته ایم ودر روش پیمایشی نیز با استفاده از روش دلفی، دیدگاه صاحب نظران را در مورد این تأثیرات جویا شده ایم.

تعریف و جامعه شناسی زیارت

زیارت در لغت، به معنای قصد کردن و ملاقات نمودن(به طور مطلق) است و در اصطلاح به معنای ملاقات با اشخاص خاص و یا اماکن ویژه است که از نظر زیارت کننده، آن مکان یا شخص خاص دارای احترام، برتری و شرافت ویژه ای است.

مفهوم زیارت به معنای اصطلاحی، ریشه در متون دینی ادیان مختلف از جمله اسلام و مسیحیت دارد. مثلًا در متون دینی مسلمانان تأکید می شود که به زیارت خانه خدا، مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله و بارگاه امامان شیعه علیهم السلام و نیز قبور امامزادگان بزرگوار بروند، چنان که در دین مسیحیت، به ویژه مذهب کاتولیک، مکانی در واتیکان وجود دارد که مسیحیان کاتولیک برای زیارت به آن جا می روند. در هر صورت رفتن به این اماکن و ملاقات با اشخاص، به این خاطر است که از اعتبار قدسی، معنوی و فضیلتی که در آن مکان یا آن شخص وجود دارد، بهره مند شوند. (۱) زیارت تجدید عهد و تحکیم میثاق با ولایت و خط امامت یا پیمان با محور توحید و بیعت با رسالت وحی است. (۲) با این وصف، هنگامی که اصطلاح جامعه شناسی زیارت را به کار می بریم، مقصود ما بررسی و مطالعه آن دسته از رفتارهای گروهی، جمعی و جامعه ای است که عرفاً عمل زیارتی نامیده می شود. بنابراین، مطالعه منظم و روشمند رفتار یک گروه کوچک که به زیارت امامزاده روستای خود می روند، جامعه شناسی زیارت است.

همچنین مطالعه حالات، حرکات به رویه و رفتار یک جمعیت چند میلیونی که به

۱- شوق دیدار، ص ۶.

۲- زیارت، ص ۲.

زیارت خانه خدا مشرف می شوند نیز جامعه شناسی زیارت است. (۱) زیارت و سفرهای زیارتی در مذاهب مختلف

واژه زیارت، ویژه غرب است؛ اما پدیده ای که آن را ترسیم می کند، جنبه جهانی دارد و واقعیتی از یک مردم شناسی مذهبی است که به هیچ وجه به مذهبی که به طور نمادی ایجاد شده باشد، بستگی ندارد. اما مقتضیات دیگری دارد که عبارت اند از برخورد و مشارکت در امور مذهبی مقدس گروه های انسانی که با حضوری باطنی و صمیمانه به زیارت می روند. (۲) سفر زیارتی، مسافرت به سوی مکان مقدس است. در زبان لاتینی «پره گرینوس»، (۳) به معنای خارجی و به مفهوم کسی است که مسافرت می کند. کسی که عبور می کند یا مسافتی را می پیماید و می خواهد از جایگاهی مقدس دیدار کند. این دیدار با حفظ تمام ویژگی های غیرقابل وصف خود، در نظامی پیچیده از رمزها، آیین ها و رفتارها سازمان می یابد. چارچوب آن اساساً مکانی مقدس با تصاویری از مقدسان و گروه های زایران و راهبان وابسته به این مکان است.

بنابراین، زیارت با اهدف بازدید از مکانی مقدس صورت می گیرد و تجلی یک یا چند شی ء مانند مقبره یک شخص مورد احترام، شیئی معجزه آمیز یا یک نقش و اثر است.

عوارض جغرافیایی مانند قله ها، چشمه ها و غارها، اغلب مکان های جالب و جذاب برای زیارت اند. در اطراف این جایگاه ها، کسانی که تقدس آنها را باور دارند مجموعه های مصنوعی مانند حفاظ کلیساها، غارها، چشمه ها، آب نماها، معبدها و ... ساخته اند.

هنگامی که زایر از این حفاظها می گذرد، خود را در جهانی دیگر محاط می بیند.

از دیرباز زیارتگاه ها، نمادی از اشتیاق ژرف و نهانی انسان تلقی شده اند. این مکان ها از روزگاران کهن، چه در غرب و چه در شرق به تعداد بسیار وجود داشته اند و هر زمان که

۱- اماکن مذهبی و توسعه جهانگردی، ص ۱۸.

۲- جامعه شناسی جهانگردی و مسافرت، ص ۵۲.

۳- peregrinus

گسترش یافته اند، دست کم ایجاد کننده برخی زیرساخت های جهانگردی بوده اند.

یونانیان عهد باستان به دلف، (۱) اپی دور و الوزیس می رفتند. مسیحیان سده های میانه .. به سلسله مراکز و محل هایی رفت وآمد می کردند که امروز نیز مقدس شمرده می شوند.

مانند بیت المقدس، رم، سن ژاک- دو- کمپوستل، (۲) شارتر، کولون و کانتربری ... .

در آن زمان، کلیسا سازمان دهنده واقعی مسافرت ها و عامل آموزش و پرورش و اطلاعات مردمی در مورد مسافرت بود. به علاوه، راه مراکز بزرگ جاذب مذهبی به مهمان خانه هایی منتهی می شد که به منظور استفاده زایران با امکانات پذیرایی در پایان سده چهاردهم دست کم نیم میلیون زایر را پذیرا می شدند. این مهمانسراها و صومعه ها امروز نیز مورد بازدید قرار می گیرند و شواهدی از اهمیت این شکل از جهانگردی اند.

در دین اسلام، زیارت مکه یکی از اصول اعتقادی تلقی می شود و برای هر بزرگسال آزادی که توانایی مالی داشته باشد، یک بار زیارت آن واجب است. این زیارت به گونه ای ژرف، جامعه اسلامی را مشخص ساخته است. این سفر زیارتی، فرصت آمیزش مردم با یکدیگر، جابه جایی دانشمندان و تشکیل جریان های بازرگانی را به وجود می آورد. زایران خانه خدا از نواحی دوری چون آفریقای شمالی، آمریکای مرکزی، آسیای جنوبی و شرقی به مکه می شتابند. در سده های میانه به هنگام فرا رسیدن ماه اصلی زیارت، نمایشگاه بازرگانی عظیمی در اطراف خانه کعبه بر پا می شد. به علاوه در جهان اسلام، مکان های مقدس دیگری وجود دارد که از مکه اهمیت کم تری دارد. مثلًا در عراق همه ساله صدها هزار نفر زایر به زیارت امامان شیعه در شهرهای نجف، کربلا، سامرا، کاظمین می روند. یا در ایران هر سال میلیون ها

۱- Delphes

۲- Saint -Jacques -de -compostelle

نفر از مشـهد، قم و مقبره های امامزادگان دیـدن می کنند. در آفریقا زاهدانی در تومبوکتو، (۱) آگادس، توبا، کائولاک و ... وجود دارد که بسیار معروف می باشند ....

در مـذهب هنـدوییسم، یکی از راه های منتهی به رسـتگاری، اقامت پارسایانه در یک مکان مقـدس است. مهم ترین زیارتگاه، وانارسـی(در بنـارس) در سواحـل گنگ است. در حقیقت، تقریباً در تمام دنیا، تمام جریان های آبی نمادی از گنگ تلقی می شونـد. همچنین در سراسـر آسـیای جنوبی، زیارت به معابـدی که در کرانه های رودخانه ها یا دریا ساخته شـده اند، منتهی می شود. این زیارتگـاه هـا نه فقـط به مناسـبت جشن هـا و اعیـاد، بلکه در دوره ای خـارج از فصـل بادهای موسـمی، در تمام سال موجب جابه جایی امواج انسانی می شوند.

در ژاپن، زیـارت عملی بسـیار گسترده است؛ به ویژه زیـارت ایسه که مورد توجه پیروان شـینوست سـبب جـابه جـایی جمعیت بسـیاری می شود: در نیمه سـده نوزدهم، در سـال گـاهی تـا پنـج میلیون زایر به این زیارتگـاه می رفتنـد. بیشتر آنها به «عبادت پنهانی» بـدون اطلاع نزدیکان و خوار شـمردن همه محرمات اجتماعی و قانونی به زیارت می رونـد. سـرانجام بایـد خاطر نشان کرد که در حاشیه زیارت ها، از یک سو ادراک بودایی «ماندالا»(نوعی شکل اساطیری) وجود دارد که به وجود آورنده راهی برای آزادی از طریق یـک راهپیمـایی طولانـی است و آزمونی به منظور اثبـات توانایی شـرکت در آیین های زیارتی تلقی می شـود و از سوی دیگر، گسـترش سـفرهای سـتوده شـده در آیین «تـائوییسم» چینی است. پیروانی که بر این باورنـد که به سـبب بـداقبالی یا بیماری مرتکب خطا شـده اند، باید به اعتراف در منظر عموم یا کار در جاده ها به منظور اصـلاح ارتباطات و ایجاد «مسافرخانه های دادگری» جایی که به مسافران غـذا و خدمت رایگانی برای استراحت ارائه می شود، به جبران مافات بپردازد و خود را از گناه پاک کند.

۱- Tombouctou

فلسفه زیارت در اسلام

با استناد به آیه ۱۵۶ سوره بقره درمی یابیم که همانا در فرهنگ اسلامی، هدف اصلی رشد و ارتقا به سمتی است که باید باشد و هدایت او به نقطه ای است که باید برسد. از این رو، یکی از راه های تقویت معنویت و ایجاد ارتباط با معبود، از راه زیارت است که انسان وقتی به معنای عمیق زیارتنامه ها توجه کند و با عشق و علاقه به زیارت بپردازد، احساس می کند از طریق مکانی که مشغول زیارت است، به معبود خود نزدیک تر شده است. بسیاری از اوقات مسیر زیارت، همراه با عشق و از خودگذشتگی است.

وادی زیارت بیش و پیش از آن که وادی معقولات و محاسبات عقلی باشد، وادی دل و جذبه درون است. زایر اگر بداند و بشناسد که مورد زیارت کیست، هرگز نمی پرسد کجاست؟ به راه می افتد و همچون خضر به دنبال آب حیات و همچون موسی، در پی عبد صالح روان می گردد تا برسد و بیابد و بهره برگیرد و کامیاب شود.

زیارت از این مقوله است؛ پیوند قلبی است؛ محبت و علاقه است. آنچه زایر را به پیمودن راه ها دور و دراز و طی مسافت ها و تحمل رنج های سفر و بیم بادیه و استقبال خوف و خطر وا می دارد، کشش درونی و علاقه قلبی اوست و اگر عشق آمد، خستگی رخت بر می بندد و اگر محبت در کار بود، ملال متواری می شود.

آن که در راه طلب خسته نگردد هرگز پای پر آبله و بادیه پیمای من است

همه مخلوقات الهی، در سیر و سفر از مکانی به مکان دیگر و از زمانی به زمان دیگر، در جهت کمال حرکت می کنند. قرآن که برای هدایت بشر نازل شده است، در آیه های بسیار با تعابیری مانند: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ...»، «فَسِيرُواْ فِي الْأَرْضِ ...» و «أَوَ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ» بر سیر و سفر تأکید داشته و در خطابه های مختلف از انسان دعوت می کند که به مسافرت و زمین گردی بپردازد. (۱) هدفدار بودن جهان هستی و خلقت موجودات و انسان ها و نیز بیهوده و عبث خلق نشدن پدیده ها و هستی به

۱- سیمای جهانگردی اسلامی، ص ۴۲.

نحوی صریح و گویا در قرآن کریم اشاره شده است: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَكُمْ عَبَثًا»؛ آیا پنداشته اید شما را بیهوده آفریده ایم؟

بنابراین چون همه پدیده های جهان و روابط بین آنها قانونمند و مبتنی بر اصول علمی و حساب شده است، نوعاً سیر و سیاحت و سفر نمودن انسان ها نیز هدفدار بوده و نقش سازنده و هدایتگر و تکامل بخش بودن آن، در قرآن مجید به صراحت بیان شده است. در احادیث نیز همین مضمون به عبارت های گوناگون مطرح گردیده است. سیر و سفر در زمین، خود، سبب پند گرفتن و عبرت آموختن بشر و به تبع آن رشد یافتن انسان خواهد شد.

از این رو قرآن مجید به مسلمانان دستور می دهد: «بروید در زمین بگردید و در آثار پیشینیان و ملت های گذشته و زمامداران و فراعنه ظالم دقت کنید و بنگرید پایان کار آنها به کجا رسید».

در بررسی آیات قرآن کریم، هفت آیه تحت عنوان «سِيرُوا فِى الْأَرْضِ» و هفت آیه با عنوان «أَوَ لَمْ يَسِيرُوا فِى الْأَرْضِ» در مورد سیر و سیاحت بیان شده است. هفت آیه اول در سوره های آل عمران/ ۱۳۷، انعام/ ۱۱، نحل/ ۳۶ و ۶۹، عنکبوت/ ۲۰، روم/ ۴۲، سبأ/ ۱۸؛ و نیز هفت آیه دوم در سوره های یوسف/ ۱۱، نجم/ ۴۶، روم/ ۹، فاطر/ ۴۶، مؤمن/ ۲۱ و ۸۲، محمد صلی الله علیه و آله/ ۱۰ آمده است. (۱) مسافرت های مذهبی و زیارتی

بدون تردید، یکی از مهم ترین و کهن ترین عوامل و انگیزه های مسافرت انسان، باورهای مذهبی و احساسات دینی بوده است. انسان از ابتدای تاریخ، مکان هایی را مقدس می دانسته است و به منظور تأمین نیازها و خواسته های روحی، روانی و مادی خود و از ترس بلایای طبیعی و غیرطبیعی که زندگی او را تهدید می کرده، به زیارت و دیدن آن مکان های مقدس می رفته است. (۲)

۱- بررسی نقش توانمندی های استان ایلام، ص ۵۶.

۲- درآمدی بر جهانگردی، ص ۱۲.

جاذبه های مذهبی، زیارتگاهی و اماکن مقدس و آرامگاه های پیشوایان دینی و ...

هر ساله پذیرای میلیون ها جهانگرد هستند و در هر کشوری، از تنوع زیادی برخوردار است. این نوع از اشکال جهانگردی، همواره یکی از رایج ترین انواع توریسم قلمداد گردیده و سابقه آن به قرون و اعصار گذشته مربوط می گردد.

مدارک مستند تاریخی موجود از تمدن های عظیم میان رودان و مصر و نیز آثار به جای مانده از روزگاران پیش از تاریخ، حکایت از سفرهای مذهبی هزاران نفر از انسان ها از دیرباز می نماید.

توریسم زیارتی تنها شکلی از اشکال جهانگردی است که بر موانع آب و هوایی غلبه می کند. چرا که با تغییرات آب و هوایی مشاهده می شود که تعداد بازدید کنندگان از اماکن و شهرهای مذهبی دچار تغییر نمی گردد. همایش عظیم جهانی میلیون ها نفر از مسلمانان همه ساله در مکه و مدینه، یکی از انواع بارز این نوع جهانگردی می باشد. (۱) وضعیت تردد زایرین عتبات از مرز مهران

با توجه به آمارهای موجود، تردد مسافران عتبات، از مرز مهران نسبت به سایر مسیرها، بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است، به طوری که تنها در سه ماهه اول بازگشایی این مرز، تعداد مسافرانی که از طریق این مرز تردد داشته اند، بیش از آمار مسافرانی است که در طول سال ۱۳۸۱ از مرز بازرگان تردد داشته اند. (۲) این موضوع، نشانگر از قابل دسترس بودن و کوتاهی این مسیر، به عتبات عالیات است البته پیش از هر عاملی باید عشق و علاقه به امامان را انگیزه این سفر دانست.

برابر با آمار ارائه شده از سوی سازمان پایانه ها و حمل و نقل استان ایلام، در نیمه دوم سال ۱۳۸۲، تعداد ۵۵۹/ ۳۹۳/ ۲ نفربه قصد زیارت اماکن مقدس، از مرز عبور کرده اند که از این تعداد ۲۸۵/ ۱۲۱/ ۲ نفر اتباع ایرانی و ۲۷۴/ ۲۷۲ نفر اتباع خارجی دیگر کشورها بوده اند.

۱- جهانگردی، ص ۶۷.

۲- بررسی نقش توانمندی های اقتصادی استان ایلام، ص ۸۴.

جدول(شماره ۱) آمار تردد زایرین از مرز مهران در شش ماهه دوم سال ۱۳۸۲

ماه اتباع ایرانی(نفر) اتباع خارجی(نفر) مهر ۴۴۲۵۷۵۹۸ آبان ۱۵۱۰۷۵۲۳۱۰ آذر ۲۹۰۳۲۲۴۳۶۶۳ دی ۳۸۳۴۷۳۵۴۵۸۳ بهمن ۸۶۴۱۳۷۲۰۴۰۲ اسفند ۹۸۹۵۰۷۴۲۷۲۹ جمع ۲۷۲۲۷۴۲۱۲۱۲۸۵ جمع کل ۲۳۹۳۵۵۹ مأخذ: سازمان حمل و نقل و پایانه های کشور

جدول(شماره ۲) آمار تردد زایران از مرز مهران در سال ۱۳۸۳

مـاه اتبـاع ایرانی(نفر) اتبـاع خـارجی(نفر) فروردیـن ۷۱۸۸۷۱۸۸۹۵۹ اردیبهشـت ۱۱۱۶۶۲۳۷۴۲۴ خرداد ۱۰۹۲۱۴۷ تیر ۷۸۳۶۱۴۱۷۶ مرداد ۴۷۸۸۶۵۶۸۶ شهریور ۴۷۴۸۶۷۹۳ مهر ۷۶۱۷۹۹۲۶ آبان ۱۰۶۳۱۹۵۴ آذر ۲۰۹۰۱۷۸۱ دی ۱۱۴۵۷۳۶۱ بهمن ۴۲۷۹۳۱۷ اسفند ۴۲۶۷۳۲۹ جمع ۵۹۴۲۱۰۲۴۰۷۱۳ جمع کل ۸۳۴۹۲۳ مأخذ: سازمان حمل و نقل و پایانه های کشور- ۱۳۸۳

جدول(شماره ۳) آمار تردد زایران از مرز مهران در سال ۱۳۸۴

ماه اتباع ایرانی(نفر) اتباع خارجی(نفر) فروردین ۸۸۴۱۳۳۲۲ اردیبهشت ۱۱۶۰۲۲۲۹۳ خرداد ۱۷۳۳۳۲۴۳۶ تیر ۳۹۶۹۰۲۴۸۰ مرداد ۵۴۱۱۸۱۸۰۰ شهریور ۶۸۹۶۲۴۸۰۰ مهر ۳۶۷۷۰۴۵۴۷ آبان ۱۵۰۲۵۴۴۴۵ آذر ۱۶۷۷۳۵۰۴۷ دی ۱۲۸۴۷۱۸۶۵۳ بهمن ۱۸۳۸۸۳۱۹۵۰ اسفند ۱۵۶۳۱۵۹۳۱۸ جمع ۳۱۵۹۸۰۱۴۱۰۹۱ جمع کل ۴۵۷۰۷۱ مأخذ: سازمان حمل و نقل و پایانه های کشور- ۱۳۸۴

جدول(شماره ۴) آمار تردد کاروان های زیارتی از مرز مهران در سال ۱۳۸۴

ماه کاروان کاروان ویزای متفرقه ایرانی ویزای متفرقه خارجی ورودی خروجی ورودی خروجی ورودی خروجی آذر ۱۳۵۴۰ ۱۷۴ ۵۸۵ ۳۱۴ دی ۴۳۶۵۱۴۵۹۱ ۳۴۸۶ ۴۶۹۹ ۴۷۱۸ بهمن ۵۰۱۶۳۳۰۲۹۹ ۲۵۲۷ ۱۰۸۳۸ ۷۵۵۴ اسفند ۳۶۰۹۴۹۸۳۹۲ ۱۹۳۲۵ ۸۸۵۷ ۶۷۷۴ جمع ۱۳۱۲۵۹۸۷۷۸۲ ۲۵۵۱۲ ۲۴۹۷۹ ۱۹۳۶۰ جمع کل ۴۴۳۳۹۳۸۶۳۷۱۷۶۹

لازم به توضیح است که اعزام کاروان های زیارتی عتبات عالیات که از سال ۱۳۸۳ آغاز شده بود، در ۸ ماه اولیه سال ۱۳۸۴ با وقفه همراه بود که در ابتدای آذرماه این ترددها، دوباره از سر گرفته شد.

حال با توجه به آمارهای ذکر شده در جداول فوق می توان گفت که تردد این تعداد زایر از مرزهای استان ایلام در ایجاد تسهیلات و امکانات بیشتر و تخصیص اعتبارات عمرانی به منطقه بسیار مؤثر بوده است. در پی ورود سرمایه و جذب اعتبارات، منطقه نیازمند شعب اداری فعال تر و گسترده تری، نظیر بانک ها و گسترش بخش خدمات در بخش های مختلف درمانی، امدادی و پذیرایی و ... می باشد که نیاز به برنامه ریزی دارد. وجود امکانات و ایجاد زمینه های مختلف پیشرفت اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی منطقه را در پی خواهد داشت که در نهایت می توان به نقش مثبت سفرهای زیارتی در منطقه اذعان نمود که با رونق هر چه بیشتر فعالیت های اقتصادی، این قلمرو از نوار مرز را در مسیر پیشرفت قرار داد و در نهایت به خروج این نواحی از انزوای جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی کمک

به سزایی نمود. از این رو می توان گفت: پس از این، مهران آن منطقه منزوی و دور افتاده و بدون امکانات نیست؛ بلکه جاذبه هایی به لحاظ جذب جمعیت از داخل و خارج در آن، ایجاد شده و به صورت یک منطقه نسبتاً مطرح معرفی شده است که گذر مرزی در این دستاورد، نقش کلیدی و اساسی دارد.

تأثیر تردد زایران عتبات بر اشتغال و ساختار نیروی کار در ایلام

وضعیت اشتغال در استان

اشتغال و بیکاری، از جمله مقولات اساسی اقتصاد جهانی است؛ به گونه ای که افزایش اشتغال و کاهش بیکاری به عنوان یکی از شاخص های توسعه یافتگی تلقی می شود.

یکی از دغدغه های اساسی برنامه های توسعه در کشور ما نیز، تلاش برای کاهش معضل بیکاری است که همواره به عنوان مهم ترین هدف این برنامه ها، مد نظر بوده است. از سویی دیگر، اطلاعات مربوط به ساختار نیروی کار، مبنایی برای ارزیابی و تحلیل سیاست های اقتصادی کلان یک جامعه محسوب می شود؛ به ویژه نرخ بیکاری به طور عام، به عنوان شاخص کلی عملکرد جاری اقتصاد آن جامعه، مورد استفاده قرار می گیرد.

در جدول(شماره ۵) عمده ترین شاخص های نیروی کار و تغییرات آنها، در استان ایلام محاسبه شده است. بررسی نرخ مشارکت اقتصادی در این استان، نشان می دهد که در سال ۱۳۸۴(دو سال بعد از بازگشایی مرز مهران) ۳۸ درصد جمعیت در سن کار(۱۰ ساله و بیشتر) از نظر اقتصادی فعال بوده اند؛ یعنی در گروه شاغلان یا بیکاران قرار گرفته اند. بررسی تغییرات نرخ مشارکت اقتصادی نسبت به سال ۸۰(دو سال قبل از بازگشایی مرز) حاکی از افزایش ۳ درصدی این نرخ می باشد.

بررسی نرخ بیکاری سنین ۱۰ ساله و بیشتر نشان می دهد که در سال ۱۳۸۴، ۳/ ۱۴

درصد از جمعیت فعال(شاغل و بیکار) بیکار بوده اند. بررسی روند تغییرات نرخ بیکاری نشان می دهد که این شاخص نسبت به سال ۱۳۸۰، ۰۲/ ۳ درصد کاهش یافته است. این کاهش، بیشتر تحت تأثیر افزایش شاغلان در بخش صنعت و خدمات بوده است که با بازگشایی مرز مهران و تردد زایران عتبات عالیات از آن، حیات تازه ای به خود گرفته است. (۱) آمار ارائه شده از سوی سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان ایلام، نشان از افزایش اشتغال در سال های بعد از بازگشایی مرز مهران بر روی مسافران که به قصد زیارت عتبات عالیات از این مرز تردد داشته اند، با نرخ بالا را دارد که منجر به کاهش نرخ بیکاری از ۰۴/ ۱۷/ درصد در سال ۷۵ در شهرستان مهران به ۰۰/ ۱۳ درصد در سال ۱۳۸۳ رسیده است.

جدول(شماره ۵) وضع اشتغال و فعالیت در استان ایلام در طول سال های ۱۳۸۴- ۱۳۸۰

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان ایلام- ۱۳۸۴

وضعیت اشتغال در شهرستان مهران

جدول(شماره ۶) تعداد فرصت های شغلی به وجود آمده در طی سال های ۷۵ الی ۱۳۸۴ برابر آمار اداره کار و امور اجتماعی شهرستان مهران را نشان می دهد.

هر چند به آمارهای ادارات کار نمی توان استناد کرد؛ زیرا نسبت جمعیت بیکار در ادارات کار معمولًا از مبنای علمی برخوردار نیست. به عنوان مثال، مستند بیکار بودن

۱- گزارش اقتصادی اجتماعی استان ایلام سال های ۸۳- ۱۳۷۸، ص ۲۸.

اشـخاص همـان مراجعه یـا اعلاـنی است که بر اساس یک تفکر حاکم به خصوص در اسـتان به همه افراد غیرشاغل در ادارات دولتی که اصـطلاحاً پشت میز نشینان می گویند را بیکار دانسته و مشاغلی غیر از مشاغل اداری را بیکاری می دانند. ولی همین آمـار نیز نشـان از کاهش نرخ بیکاری و افزایش فرصت های شـغلی، به دنبال تردد زایرین و بازگشایی مرز مهران در سال های ۱۳۸۲ به بعد را دارد.

جدول(شماره ۶) تعداد فرصت های شغلی ایجاد شده طی سال های ۱۳۷۵– ۱۳۸۴ در شهرستان مهران

مأخذ: اداره کار و امور اجتماعی شهرستان مهران

تردد متوسـط روزانه ۳۰۰ کـامیون به مرز و نیز فعـالیت روزانه یکصـد دسـتگاه سواری شخصـی و پلاـک قرمز در جـابه جـایی مسافران، موجب رونق بخشیدن خدمات، به ویژه مواد غذایی، رستوران ها، هتل ها و ... در استان ایلام و ایجاد اشتغال

غیر مستقیم در زیربخش های مختلف از جمله تعویض روغن، سوخت جایگاه ها و سایر موارد مربوط گردیده است. به عنوان مثال، نگاهی به آمار فروش جایگاه های سوخت شهر مهران که قبل از بازگشایی بازارچه، به علت عدم فروش در آستانه تعطیلی و ورشکستگی قرار داشته و صاحبان آنان این گونه جایگاه ها را در لیست فروش خود قرار داده بودند، اینک به یمن وجود بازارچه مرزی و ترددات بین المللی عتبات عالیات رونق بسیار خوبی گرفته است.

نقش سفرهای زیارتی عتبات بر رونق اقتصادی استان ایلام

دو ماه پس از سقوط دولت حزب بعث عراق در تیرماه ۱۳۸۲ بازارچه مرزی مهران عملًا شروع به فعالیت نمود. سقوط دیکتاتوری صدام، نبود دولت مرکزی مقتدر در عراق و سهولت رفت و آمد از مرز مهران، با در نظر گرفتن سهل گیری مقامات سیاسی- امنیتی کشورمان در خروج اتباع ایرانی از مرز به قصد زیارت عتبات عالیات، به زودی سیل بی شماری از ارادتمندان اهل بیت علیهم السلام از اقصی نقاط ایران و حتی کشورهای همجوار، مانند پاکستان و افغانستان که سال ها امید و انتظار زیارت اماکن مقدس را در دل می پروراندند به سبب موقعیت جغرافیایی مناسب، پایین بودن هزینه تردد، نزدیکی به مرکز عراق و شهرهای زیارتی این کشور(نجف ۱۸۰ کیلومتر و کربلا ۲۴۰) و ... را روانه مهران کرد.

عبور بیش از پنج میلیون زایر از مرز مهران در سال ۱۳۸۲ گویای عمق مسأله است، که تحول عظیمی در وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی استان ایلام ایجاد نمود. اما متأسفانه به دلیل عدم ساماندهی مناسب، آماده نبودن زیرساخت های لازم در دو سوی مرز در آن مقطع، سیل غیرقابل کنترل و پیش بینی زوار به سمت استان ایلام و مرز مهران و به خصوص نبود یک دولت مقتدر در عراق و ناامنی های ناشی از آن، این روند نتوانست به رشد خود ادامه دهد. از طرفی بروز ناامنی های جدی و سامان یافتن نسبی حکومت مرکزی در عراق و لزوم تردد

قانونمند زوار در چارچوب مقررات کشوری، از جمله اخذ ویزا را به یک ضرورت تبدیل نمود.

در این راستا راه اندازی زیرساخت ها، جاده های دسترسی، امکانات رفاهی و خدماتی، ترمینال موقت و پاکسازی زمین های آلوده به مین و حضور مداوم و سازمان یافته تر نیروهای انتظامی و امنیتی منجر به ارتقای سطح کیفی و کمی تشکیلات سازمانی این نیروها و به تبع آن افزایش ضریب امنیتی استان ایلام گردید.

اقدامات عمرانی انجام گرفته، یا در حال ساخت در شهر مهران، نظیر ساخت جاده مرزی مهران به بازارچه به طول ۱۱ کیلومتر، حذف نقاط حادثه خیز محورهای منتهی به مرز مهران از جمله مسیر مهران- دهلران و مهران- ایلام به گونه ای که اعتبارات شهرستان تنها در بخش راه، بیش از بیست وپنج میلیارد ریال بوده است.

بنا بر اعلام فرمانداری مهران در سال های اخیر تسهیلاتی در حدود بیست میلیارد ریال از محل بندهای مختلف ر- ز- ژ و تبصره های قانونی دیگر، برای احداث زیرساخت ها به بخش خدمات از جمله ساخت هتل، مجتمع های بین راهی و رستوران به بخش خصوصی واگذار شده است.

اخذ عوارض توسط شهرداری از کامیون های عازم بازارچه و اتوبوس های حامل زوار باعث بالا رفتن درآمدهای شهرداری و امکان بهبود زیرساخت های شهری مهران در یک سال اخیر شده است که احیای پارک ها، فضای سبز، ساخت قریب به یکصد چشمه سرویس بهداشتی عمومی، زیباسازی و آسفالت معابر، از جمله این اقدامات و تأثیر مثبت رونق بازارچه و مرز مهران در زندگی مردم است.

علاوه بر اقدامات فوق، رونق اقتصادی باعث بهبود وضعیت کسب و درآمد صنوف خدماتی و همچنین بالا رفتن ارزش افزوده املاک در شهر مهران و دیگر

شهرهای استان شده است. مجموعه این عوامل نشان دهنده آن است که تردد زایرین عتبات عالیات از مرز بین المللی مهران، نه تنها در وضعیت اقتصادی مهران که در توسعه استان ایلام نقش انکارناپذیری داشته است.

همچنین با از سرگیری مجدد تردد زوار بعد از مدت کوتاهی وقفه در آن که به دلیل ناامنی در کشور عراق بود، از طریق کاروان های مجاز، برابر مصوبات سازمان حج و زیارت، هم اکنون روزانه بالغ بر چهارده کاروان و عده زیادی نیز به صورت انفرادی از مرز مهران تردد می نمایند. برابر نرم های پذیرفته شده سازمان ملل، چنانچه تمامی زیرساخت های لازم آماده باشند، میزان اشتغال ناشی از هر ایرانگرد و یا جهانگرد نُه نفر است؛ یعنی در چنین وضعیتی به طور مثال در آذرماه تعداد ۲۲۴۰۸ نفر از مرز مهران خارج شده اند، می بایستی بیش از دویست هزار شغل ایجاد گردد. اما به دلیل نبود زیرساخت ها از جمله هتل های چند ستاره، رستوران های مجلل و ... و نبود اطلاعات موثق، هیچ عدد قابل استنادی را نمی توان به آن نسبت داد، هر چند می توان گفت: این امر موجب رونق کسب و کار صنوف وابسته، نظیر اماکن اقامتی، رستوران ها و سایر امور خدماتی در استان ایلام گردیده است.

سرمایه گذاری

متغیر سرمایه گذاری، روی دیگر متغیر پس انداز و به عبارت بهتر پس انداز مولد می باشد. این متغیر به عنوان بخشی از تولید ناخالص داخلی، موتور محرک تولید و رشد اقتصادی است. متغیر سرمایه گذاری به دو بخش خصوصی و دولتی قابل تفکیک می باشد.

۱. سرمایه گذاری دولتی

سرمایه گذاری دولتی را در سطح استان در قالب اعتباراتی که در استان ها هزینه می شود، می توان در قالب اعتبارات تملک دارایی های سرمایه ای بیان نمود.

بر اساس مفاد ماده ۷۶ قانون برنامه سوم توسعه، سهم اعتبارات تملک دارایی های سرمایه ای استان، بر اساس ضریبی از درآمدهای مصوب آن استان، تعیین می گردد.

پس با توجه به درآمد مصوب استان در سال ۸۳(۱۴۰ میلیارد ریال) اعتبارات تملک دارایی های سرمایه ای استان ایلام در این سال برابر ۷۷۲۱۸۲ میلیون ریال است که معادل ۵۵۱ درصد درآمدهای مصوب استانی است و در مقایسه با سال ۸۲، ۹/ ۱۸ درصد رشد نشان می دهد.

مقایسه سرمایه گذاری بخش دولتی در سال های قبل و بعد از بازگشایی مرز مهران در استان ایلام، حاکی از رشد بسیار زیاد این بخش بوده، به طوری که درصد رشد این سرمایه گذاری در سال ۸۳(دو سال پس از بازگشایی مرز) نسبت به سال ۷۹(دو سال قبل از بازگشایی مرز)، ۹/ ۱۸ درصد رشد داشته است. از مجموع این اعتبارات در سال ۱۳۸۳، ۵/ ۴ درصد به طرح های امور عمومی، ۶/ ۵۳ درصد به طرح های امور اجتماعی و ۹/ ۳۹ درصد به طرح های امور اقتصادی، اختصاص یافته است. (۱)

۲. سرمایه گذاری بخش خصوصی

رشد سرمایه گذاری بخش خصوصی در سال های اخیر در استان ایلام و به خصوص شهر مهران قابل توجه بوده است، به طوری که اکثر این سرمایه گذاری ها در زمینه های کشاورزی، امکانات رفاهی و زیرساخت های گردش گری، نظیر ایجاد هتل و رستوران های بین راهی، ایجاد واحدهای اقتصادی زود بازده، مانند تأسیس کارخانه یخ، نانوایی های فانتزی، ایجاد شرکت های مسافری و باری در جهت تسهیل صدور کالا و رفت وآمد زایرین، توسعه ناوگان حمل و نقل مسافر و کالا، ایجاد جایگاه های پمپ بنزین و ... می باشد. ضمناً لازم به تذکر است که به دلیل این که از بازگشایی مرز مهران چند سالی بیشتر نمی گذرد، آمار دقیق و قابل استنادی در

۱- گزارش اقتصادی اجتماعی استان ایلام، ص ۳۳.

زمینه میزان دقیق سرمایه گذاری های به عمل آمده در بخش خصوصی، در موارد مذکور وجود ندارد.

از کلیه مباحثی که مطرح گردید می توان نتیجه گرفت که استان ایلام با تأکید بر نقاط قوت و رفع تنگناها و استفاده بهینه از موقعیت ایجاد شده به لحاظ قرار گرفتن در مبادی ورودی و خروجی زایرین عتبات عالیات بین دو کشور ایران و عراق می تواند به لحاظ درآمدهای استانی و اعتبارات عمرانی از جایگاه نسبتاً مناسبی در سطح کشور برخوردار گردد. چنانچه در برخی زمینه ها نظیر ساخت و تجهیز زیر بناها جهت تشویق هر چه بیشتر بخش خصوصی به سرمایه گذاری های جدید، به ویژه در بخش راه، گسترش فعالیت های خدماتی، ایجاد زیر ساخت های توسعه اقتصادی و ایجاد شبکه منظم حمل و نقل، فعالیت های مؤثری صورت پذیرد.

استان ایلام در سایه مدیریت صحیح و تخصیص مناسب منابع مالی بین بخش ها می تواند آینده ای روشن تر را پیش رو داشته باشد.

تأثیر مراودات مرزی بر بخش های مسکن، درآمدهای استانی و مالیاتی

سرانه درآمدی استان ایلام در فاصله بازگشایی مرز مهران و مراودات مرزی افزایش قابل توجهی یافته است. با توجه به این که کیفیت زندگی خانوارها در همه بخش ها، با درآمد مردم نسبت مستقیم دارد، از این رو می توان نتیجه گرفت که مبادلات مرزی از طریق استان ایلام، منجر به رونق اقتصادی و بهبود زندگی مردم در همه بخش های اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی و فراهم آمدن امکان دسترسی شهروندان به شرایط بهتر برای بهره مندی افراد از امکانات رفاهی و ارتقای سطح زندگی مردم و توسعه متناسب و متوازن شده است. این رونق اقتصادی در بخش های مختلف اقتصادی از جمله بخش مسکن، رشد درآمدهای استانی، افزایش و رشد درآمدهای مالیاتی در استان، به خصوص شهرستان مهران قابل مشاهده است.

بخش مسکن

نمودار(شماره ۵)، رشد عوارض نوسازی در شهرستان مهران را نشان می دهد که به دنبال حضور تعداد کثیری زایر در شهر مهران و لزوم خدمات دهی به آنان، علاوه بر افزایش قیمت املاک موجود، فعالین بخش مسکن را به سمت سرمایه گذاری بیشتر در ساخت اماکن اقامتی و رفاهی در شهر سوق داد. افزایش درآمد شهرداری در بخش مسکن که در نمودار زیر آمده است، گویای این واقعیت است که بر خلاف گذشته، سرمایه گذاری در صنعت ساختمان دارای بازده نسبتاً خوبی است. عوارض نوسازی که در سال ۱۳۸۱ و قبل از بازگشایی مرز ۰۰۰ /۰۰۰ /۵ ریال بود، به ۰۰۰ /۵۰۰ /۳۳ ریال در سال ۱۳۸۳ رسیده است که درصد تغییرات آن نسبت به سال ۸۱، ۵۷۰ درصد می باشد.

روند درآمدی استان

از بین درآمدهای مختلف دولتی، بعضی منابع درآمدی از لحاظ موضوعیت و ماهیت در استان ها قابل وصول می باشد و از سرمایه گذاری ها و فعالیت های انجام شده در استان ها ناشی می گردد.

درآمدهای مصوب استان از ۳۲ میلیارد ریال در سال ۷۸، با نرخ رشد متوسط

سالیانه ۵/ ۶۷ درصد به ۱۴۰ میلیارد ریال در سال ۸۳ افزایش یافته، وصول درآمد استان در سال ۸۳ به میزان ۱۶۲ میلیارد ریال بوده است که این رقم ۶ درصد عملکرد درآمدهای کل کشور را در سال مذکور تشکیل می دهد.

استان ایلام به لحاظ میزان درآمد در رتبه بیست ویکم قرار دارد و این در حالی است که از نظر جمعیتی رتبه بیست وهفتم کل کشور را به خود اختصاص داده است. (۱) مجموع درآمدهای وصولی استان ایلام در سال ۸۳ به میزان ۱۶۲ میلیارد ریال بوده که ۷۰ درصد آن(معادل ۱۱۳ میلیارد ریال) به درآمدهای مالیاتی، ۷/۴ درصد(معادل ۱۲ میلیارد ریال) به جرایم رانندگی داخل و خارج شهری و بقیه به سایر دستگاه های دولتی اختصاص داشته است.

جدول(شماره ۷) شاخص ها و اطلاعات درآمدهای مصوب و عملکرد استانی و اعتبارات استان ایلام در سال های ۸۳-۷۹(ارقام به میلیون ریال)

چنانچه از جدول(شماره ۷) استنباط می شود، عمده ترین ویژگی درآمدهای استان ایلام از یک طرف، بالا ـ بودن سهم درآمدهای مالیاتی نسبت به سایر درآمدها و

۱- گزارش اقتصادی اجتماعی استان ایلام، ص ۲۵.

از طرفی دیگر این است که قسمت عمده ای از مالیات های وصولی از طریق مالیات اشخاص حقوقی غیردولتی(۴۵ درصد) می باشد.

آمار و ارقام نشان می دهـد که درصد تغییرات درآمدهای اسـتانی و مالیاتی در سال های پس از بازگشایی مرز مهران(سال ۸۲ به بعد)، نسبت به سال های قبل از آن ۵/ ۱۷۲ درصد بوده است که رشد چشـمگیری داشـته و اثر این امر بر درآمدهای استان غیرقابل انکار می باشد.

درآمدهای مالیاتی

جدول(شماره ۸) فروش سالانه دوازده واحد از صنوف مختلف را نشان می دهد که توسط اداره امور مالیاتی مهران(به صورت علی الرأس) به عنوان برآورد پرداخت مالیـات، در نظر گرفته شـده است. نگـاهی به این جـدول، گویـای این واقعیت است که سرانه درآمدی در فاصله گشایش مرز مهران افزایش چشمگیری یافته است.

بـا توجه به این که صـنوف مختلف شهرسـتان مهران که تا قبل از بازگشایی مرز و ورود زایرین، با نوعی رکود و کسادی بازار مواجه بودند و عملًا تعداد زیادی از صاحبان این مشاغل را بیکار کرده بود، به دنبال تردد زایرین عتبات عالیات رونق گرفته

و موجب ایجاد اشتغال برای بسیاری از افراد ساکن منطقه گردید. همچنین این ترددات، به دنبال خود با افزایش درآمد و ایجاد مشاغل جدید باعث افزایش درآمدهای مالیاتی این شهرستان شد که در ادامه، به روند رشد آنها اشاره می کنیم. یادآوری این نکته ضروری می نماید که این افزایش درآمد مالیاتی در حالی تحقق یافته که ضرایب مالیاتی به نفع مالیات دهندگان نسبت به سال های قبل کاهش یافته است.

جدول(شماره ۸) فروش سالانه ۱۲ واحد از صنوف شهر مهران در سال ۸۳- ۱۳۸۰

مأخذ: فرمانداری مهران

جدول(شماره ۹) آمار وصول مالیات و جدول(شـماره ۱۰) آمـار وصولی تجمیع عوارض اداره امور مالیاتی شهرسـتان مهران را در خلال سـال هـای قبـل و بعـد از بازگشـایی مرز مهران نشان می دهـد. این جـداول، به نوعی دیگر تأییـدی است بر افزایش درآمد سرانه و رونق اقتصادی ناشی از مبادلات تجاری و ترددات مرزی.

جدول شماره(شماره ۹) آمار وصول مالیات اداره امور مالیاتی شهرستان مهران در سال های قبل و بعد از بازگشایی مرز مهران ۸۳- ۱۳۸۱

مأخذ: اداره امور مالیاتی شهرستان مهران

ص: ۱۰۰۰

جدول شماره(شماره ۱۰) آمار وصولی تجمیع عوارض اداره امور مالیاتی شهرستان مهران در خلال سال های قبل و بعد از بازگشایی مرز مهران ۸۳- ۱۳۸۰

مأخذ: اداره امور مالیاتی شهرستان مهران

آزمون و تحلیل فرضیه

بازگشایی مرز مهران و تردد زایرین اماکن مقدس از آن، باعث بهبود وضعیت اقتصادی، رفاه نسبی و ایجاد اشتغال در استان ایلام شده است.

الف: برای بررسی این فرضیه در ابتدا و با استفاده از روش اسنادی اطلاعاتی جمع آوری شده که تأثیرات مثبت اقتصادی گشایش مرز و مراودات مرزی زایرین بر وضعیت اقتصادی، رفاه نسبی و اشتغال در استان را کاملًا تأیید می کند که از جمله این موارد، عبارت اند از:

- نرخ رشد مشارکت اقتصادی که در سال ۱۳۸۱ برابر با ۳۵٪ بوده، به ۳۸٪ در سال ۱۳۸۴ رسیده(رشد معادل ۳٪).

- افزایش سرمایه گذاری های بخش دولتی و خصوصی در استان ایلام، مقایسه سرمایه گذاری بخش دولتی در سال های قبل و بعد از گشایش مرز مهران تأیید کننده این مدعاست. به طوری که درصد رشد این سرمایه گذاری در سال ۱۳۸۳ نسبت به سال ۱۳۷۹(دو سال قبل و دو سال بعد از گشایش مرز مهران) نشان از رشد ۱۹٪ درصدی این سرمایه گذاری ها دارد.

– رشـد عوارض نوسـازی در شهرسـتان مهران که به دلیل حضور تعـداد کثیری از زایران و بازرگانان در شـهر مهران، علاوه بر افزایش قیمت املاک، فعالان بخش مسـکن را به سـمت سـرمایه گذاری بیشتر در ساخت اماکن اقامتی و رفاهی در شهر مهران سـوق داده است. به طوری که عوارض نوسـازی که در سـال ۱۳۸۱ و قبـل از بازگشایی مرز ۰۰۰/ ۰۰۰/ ۵ ریـال بود، به ۰۰۰/ ۵۰۰/ ۳۳ ریال در سال ۱۳۸۳ رسیده است که درصد تغییرات آن نسبت به سال ۸۱، ۵۷۰ درصد می باشد.

– رشد درآمدهای مصوب استان از ۶۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۱ به ۲۳۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۴ رسید که نسبت به سال قبل از بازگشایی مرز ۲۴۰ درصد رشد داشته است.

– از عوامـل مهم و مؤثر در توسـعه و رشـد بخش های اقتصادی، افزایش سپرده گـذاری در بانک هاست که نشان از بالا بودن حجم سـرمایه گـذاری و نقـدینگی در یک منطقه را دارد. مقایسه مانـده سپرده های نزد بانک های اسـتان ایلام، نشان از رشـد ۳۰۰ درصدی این سپرده ها در سال ۱۳۸۳(دو سال بعد از بازگشایی مرز مهران) نسبت به سال ۱۳۷۹(دو سال قبل از بازگشایی مرز) را دارد.

– گشـایش مرز مهران و مراودات زایرین از آن، بـا افزایش درآمـد و ایجاد مشاغل جدیـد، موجب افزایش درآمـدهای مالیاتی اسـتان شده، به طوری که میزان وصول درآمدهای مالیاتی در سال ۱۳۸۳ نسبت به سال ۱۳۸۰ نشان از رشد ۲۳۶ درصدی این درآمدها را دارد.

– بررسـی نرخ بیکاری سنین ۱۰ سـاله و بیشتر نشان می دهـد که در سال ۱۳۸۴، ۳/ ۱۴ درصـد از جمعیت فعال(شاغل و بیکار) بیکار بوده انـد. بررسـی روند نرخ بیکاری حاکی از این است که این شاخص نسـبت به سال ۱۳۸۰، ۰۲/ ۳ درصد کاهش یافته است. این کـاهش بیشتر تحت تأثیر افزایش شاغلان در بخش خـدمات بوده که با بازگشایی مرز مهران، حیات تازه ای به خود گرفته است.

همچنین آمـار ارائه شـده از سوی سازمـان مـدیریت و برنـامه ریزی اسـتان ایلاـم، نشـان از افزایش اشـتغال در سال های فعالیت بازارچه مرزی با نرخ بالا را دارد که منجر به

کاهش نرخ بیکاری از ۱۷/۰۴ درصد در سال ۱۳۸۰ در شهرستان مهران به ۱۳/۰۰ درصد در سال ۱۳۸۳ شده است.

- گشایش مرز مهران و تردد زایرین عتبات عالیات همچنین موجب اشتغال ۱۰۰۰ نفر کارگر خدماتی، به کارگیری تعداد ۱۰۰ نفر در ادارات دولتی مستقر در مرز و ۵۰۰ نفر راننده جهت جابه جایی زایران را فراهم کرده است.

- تردد روزانه ۳۰۰ کامیون به مرز و نیز فعالیت یکصد دستگاه سواری شخصی و پلاک قرمز در جابه جایی مسافران، موجب رونق بخشیدن خدمات به ویژه موادغذایی، رستوران ها، هتل ها و ... در استان ایلام و ایجاد اشتغال غیرمستقیم در زیر بخش های مختلف، از جمله تعویض روغن، سوخت جایگاه ها و سایر موارد مربوطه گردیده است.

ب: برای آزمون این فرضیه، علاوه بر اطلاعات به دست آمده به روش اسنادی، اطلاعات و داده های زیر نیز با استفاده از روش دلفی و با استفاده از نظر کارشناسان و متخصصین به دست آمده است:

به منظور آزمون فرضیه سوم تعداد پنج سؤال مطرح شد:

جدول(شماره ۱۱) نظر کارشناسان در خصوص فرضیه ارائه شده:

بـا توجه به اطلاعـات و داده هـای به دست آمـده از روش اسـنادی و میـانگین مجموع نظرات متخصصـین در ارتباط با تأثیرات گشایش مرز بر وضـعیت اقتصادی، رفاه نسبی و ایجاد شغلی، فرضیه مذکور با موافقت ۹۵٪ از صاحب نظران همراه بوده و تنها ۰۴٪ مخـالف تـأثیرات اقتصـادی مرز بر وضـعیت اقتصـادی، رفـاه نسـبی و ایجـاد اشـتغال مهران بـوده انـد. لـذا ایـن فرضـیه که «بازگشایی مرز مهران و تردد زایرین عتبات عالیات از آن، موجب بهبود وضعیت اقتصادی، رفاه نسبی و ایجاد اشتغال در استان ایلام شده است»، تأیید می شود و کارشناسان بر تأثیرات مثبت بازگشایی مرز موارد یاد شده، تأکید کرده اند.

نتیجه گیری

از آن جـایی که یکی از مهم ترین و کهن ترین عوامـل و انگیزه هـای مسافرت، باورهای مـذهبی و احساسات دینی بوده و این نوع مسافرت، تنها شکلی از مسافرت است که بر موانع آب و هوایی غلبه می کند، لذا وجود جاذبه های مذهبی، همانند بارگاه منور شش امام معصوم شیعه، قبور تعدادی از پیامبران بزرگ در کشور عراق و از طرفی نزدیکی

مرز مهران و به تبع آن استان ایلام، امنیت بالای منطقه، به دلیل سکونت جمعیت شیعه در دو طرف مرز مهران، موجب شده که این منطقه هر روزه شاهد تردد بیش از ۶۰۰۰ نفر مسافر از هموطنان عزیز باشد که به قصد زیارت عتبات عالیات وارد مهران می شوند، همچنین پذیرای همین تعداد زایر عراقی باشد که به قصد زیارت حضرت ثامن الائمه علیه السلام، حضرت معصومه علیها السلام و ۸۰۰۰ بقعه متبرک مدفون در ایران، وارد استان ایلام می شوند. گشایش مرز مهران در سال ۱۳۸۲ به عنوان راه اصلی زیارت عتبات عالیات و تردد هزاران زایر از اقصی نقاط ایران و دیگر کشورهای اسلامی، مانند افغانستان، پاکستان متضمن آثار زیادی از جمله موارد زیر در استان ایلام شده است:

افزایش رشد مشارکت اقتصادی، افزایش اشتغال و کاهش بیکاری در سال ۱۳۸۴ به میزان ۰۳٪ نسبت به سال ۱۳۸۰(دو سال قبل از بازگشایی مرز)، رشد چشمگیر سرمایه گذاری بخش خصوصی و دولتی، رشد بخش مسکن و عوارض نوسازی، افزایش مانده سپرده های نزد بانک ها و رشد درآمدهای مالیاتی در استان ایلام.

ص: ۱۰۰۵

فهرست منابع

۱. پژوهشی پیرامون تأثیرات بازارچه مرزی مهران بر وضعیت اقتصادی شهرستان مهران، حجت اللّٰه اسماعیلی، فرمانداری مهران، ۱۳۸۴.

۲. سیمای جهانگردی اسلامی، علی رحیم پور و داوود سید حسینی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۳. شوق دیدار، محمد مهدی رکنی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۲.

۴. اماکن مذهبی و توسعه جهانگردی، نادر ریاحی، تهران، بنیاد فرهنگی البرز، ۱۳۸۴.

۵. سیمای شهرستان مهران، سال های ۸۴– ۱۳۸۲، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان ایلام.

۶. بررسی نقش توانمندی های استان ایلام، زکیه کرمی، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و توریسم، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۴.

۷. گزارش اقتصادی اجتماعی استان ایلام سال های ۸۳– ۱۳۷۸، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان ایلام.

۸. گزارش عملکرد ۱۳۸۴، اداره کل کار و امور اجتماعی استان ایلام.

۹. گزارش عملکرد ۸۴– ۱۳۸۱، سازمان حمل و نقل و پایانه های استان ایلام.

۱۰. گزارش عملکرد ۸۴– ۱۳۸۱، اداره امور مالیاتی استان ایلام.

۱۱. جامعه شناسی جهانگردی و مسافرت، روبر لانکوار، ترجمه صلاح الدین محلاتی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷.

۱۲. زیارت، جواد محدثی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱.

۱۳. درآمدی بر جهانگردی، صلاح الدین محلاتی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۰.

۱۴. جهانگردی، رحمت اللّٰه منشی زاده، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶.

ص: ۱۰۰۷

بخش شش: زیارت در فرهنگ و ادب فارسی

۱. تجلّی زیارت در ادب فارسی

زهرا خلفی (۱)

چکیده

دین باوران با حضور در مشاهد متبرک و زیارتگاه امامان، از ارواح طاهر و نفوس تزکیه شده آنان استمداد می جویند و با ارتباط و اتصال به روح مطهر آنها، خصلت های زشت و ناپسند خود را با استغفار و طلب رحمت از درگاه الهی برطرف کرده، خود را از کدورت ها و تیرگی ها و غفلت ها بیرون آورده، به سرچشمه نور و رحمت و هدایت می رسانند، که همه اینها همان اثر زیارت است.

زیارت در ادبیات فارسی همواره مورد توجه شاعران نیز قرار گرفته و آنان با دید عرفانی زیارت را به عنوان ارتباطی زنده و مؤثر، جهت نیل به جلوه های روحانی و گسستن از دشمنی نفس و شیطان تلقی می کنند. در این نوشتار سروده هایی از خواجه عبد اللّه انصاری، ناصر خسرو، عین القضات، نجم الدین رازی، خاقانی شروانی و حافظ به عنوان نمونه ذکر گردیده و دیدگاه آنان درباره زیارت مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه ها: زیارت، ادب فارسی، شاعران، شعر.

مقدّمه

زیارت به مفهوم دیدار کردن شخصی بزرگ، مهم و محترم؛ و نیز بازدید کردن مَشاهد متبرّک و بقعه رفتن، کسب فیض از قبر منوّر و قبور ائمّه هدی، و نیز دعایی که به عنوان تشرّف باطنی برای امام ها و امامزاده ها و اولیا می خوانند، در لغت نامه های

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی دزفول.

فارسـی بـه کـار رفتـه اسـت. زیـارت که به عنـوان شاخصـی روشن برای کسب فیض و دور نیفتـادن از وادی رحمت است، در ادبیّات فارسی مورد توجّه شاعران و نویسـندگان ایرانی قرار گرفته و آنان هـدف و مقصد نهایی زیارت را لقای الهی و قابلیت دیدار، عنایت حق و راهیابی و تشرّف به محضر و کوی الهی می دانند.

آنان زیارت مَشاهـد متبرّک و قبور منوّر را به عنوان ارتباطی زنده و مؤثّر، جهت نیل به جلوه های روحانی و معنوی و گسستن از دشمن درونی «نفس» و دشمن بیرونی «شیاطین انس و جن» تلقّی می کنند.

در این مقاله از نوشـته ها و اشـعار، خواجه عبداللّه انصاری، ناصرخسرو، عین القضات، نجم الدین رازی، خاقانی و حافظ نمونه هایی چند ذکر گردیده و دیدگاه آنان را در مورد «زیارت» مورد بررسی قرار می دهیم.

زیارت از نظر خواجه عبداللّه انصاری

در راه خدا دو کعبه آمد منزل یک کعبه صورت است و یک کعبه دل

تا بتوانی زیارت دل ها کن کافزون ز هزار کعبه آمد یک دل (۱)

خواجه عبداللّه انصاری زیارت دل را زنده ترین و مؤثّرترین راه برای شـناخت و ایجاد ارتباط قلبی و فکری می داند و دل پاک و روشن و مهـذّب عارف را جلوه گاه جمال حقیقت و متجلّای معشوق ازلی و آیینه تمام نمای کلّیه رازهای ناگشودنی و مبهم آفرینش به شـمار می آورد و به گفته ابوحامـد غزّالی: «... و عجب تر آن است که از درون دل روزنی گشـاده است به ملکوت آسمان». (۲) زیارت از نظر ناصرخسرو قبادیانی

... در کوه چشمه ای دیدم که گفتند هر سال چون نیمه شعبان بگذرد، آب جاری شود از آن جا و سه روز روان باشد و بعد از سه روز یک قطره نیاید تا سال دیگر. مردم آن جا به

۱- لغت نامه دهخدا.

۲- حافظنامه، ص ۵۶۷.

زیارت روند و تقرّب جویند به خداوند سبحانه و تعالی، و عمارات و حوض ها ساخته اند آن جا ....

ناصرخسرو عقیده دارد که، ارتباط و تعلّق وجودی به پروردگار عالم را از طریق زیارت پدیده های متبرّک طبیعت می توان برقرار کرد و نزدیک شدن به اماکن پاک و مقدّس سبب ارتباط وثیق قلبی و روحی و فکری می شود و انسان را به محضر خدا نزدیک می سازد.

زیارت از دیدگاه عین القضات

ای عزیز آنچه موسی علیه السلام طالب و مشتاق کوه طور سینا بود، آن کوه سنگ نبود، بلکه حقیقت آن سنگ بود. «وَ أَنَّ الْمَسجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُواْ مَعَ اللَّهِ أَحَدًا». جمال کعبه نه دیوارها و سنگ هاست که حاجیان بینند، جمال کعبه آن نور است که به صورت زیبا در قیامت آید، و شفاعت کند از بهر زایران خود.

در هر فعلی و حرکتی در راه حجّ، سرّی و حقیقتی شد؛ امّا کسی که بینا نباشد خود نداند، طواف کعبه و سعی و حلق و تجرید و رمی حجر و احرام و احلال و قارِن و مفرد و ممتنع در همه احوال هاست «مَن یُعَظِّمْ شَعلِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقْوَی الْقُلُوبِ».

هنوز قالب ما نبود، و کعبه نبود که روح ها به کعبه زیارت می کردند. «وَ أَذِّن فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجَالًا». دریغا که بشریت نمی گذارد که به کعبه ربوبیت رسیم! و بشریت نمی گذارد که ربوبیت، رخت بر صحرای صورت نهد! هر که نزد کعبه گِل رود خود را بیند، و هر که به کعبه دل رود، خدا را بیند. (۱) عین القضات توجّه باطنی و درونی مشاهدات را پایه و اساس زیارت و دیدن حقیقتِ چیزها را شرط لازم ارتباط معنوی می داند. جمال حقیقی کعبه پوسته و ظاهر آن نیست، بلکه کُنه و اصل آن باید در نظر گرفته شود. زیارت حقیقی آن است که با

۱- تمهیدات، ص ۹۴ و ۹۵.

تمام دل عظمت باری تعالی را دریابنـد و حضور او را حسّ کرده و از هر چه غیر اوست دل را تهی نمایند. رمز حضور در برابر حق جز خلوص نیت نیست.

عین القضات در مورد زیارت خانه خدا و رسول اکرم صلی الله علیه و آله می گوید:

علامت محبّت خدا آن باشد که محبوبات دیگر را در بازد و همه محبّت ها را ترک کند و محبّت خدا را اختیار کند. اگر نکند هنوز محبّت خـدا غالب نباشـد. زن و فرزنـد و مال و جاه و حیات و وطن، همه از جمله محبوبات است؛ اگر حُبّ این محبوبات غالب باشـد، نشان آن باشـد که نگذارد که زکات و حجّ و صدقه از تو در وجود آید که هر یکی خود محکی است تا خود به زیارت خانه خـدا و رسول او توانـد رفت؛ بود که این همه محبوبات را وداع کنـد، و محبّت خانه خـدای تعالی اختیار کند. (۱) زیـارت خـانه خـدا و رسول او دلی زدوده شـده از زنگـار تعین هـا و تعلّق هـای دنیوی می خواهـد و کسـی که حُبّ محبوبـات نفسانی بر دل او غلبه دارد، زایر حقیقی چنین مقام اعلا نخواهد بود. شناوری در بحر وسیع خانه خدا و رسول او با البسه تعلّق و سلسله های مادّی ممکن نیست و به قول بابا طاهر:

دلا راه تو پُر خار و خسک بی گذرگاه تو بر اوج فلک بی

گر از دستت برآید پوست از تن برآور تا که بارت کم ترک بی

شرط اوّل قـدم برداشـتن زایر در راه منزل لیلی، مجنون بودن است و الّا جز زیارتِ در و دیوار خانه کعبه و مدینه طرفی نخواهد بست.

ای تهی دست رفته در بازار ترسمت پُر نیاوری دستمال

نفس را کنار زده و بیا، «دَعِ نَفسکَ و تعال»

نفس خود را بکش نبرد این است منتهای کمال مرد این است

راه عشق راهی بی کران است و برای پیمودن آن وادی پُرخطر جرأت و شجاعت

۱- همان، ص ۱۳۸.

می خواهد. دلی آهنین و قوی که خالی از اغراض و کینه ها باشد و مشمول «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِم» نگردد. زیارت خانه خدا و رسول او کجا و دل پوسیده و لبریز از گرد و غبار ماسوا کجا. و به قول حافظ:

در راه عشق وسوسه اهرمن بسیست پیش آی و گوش دل به پیام سروش کن

و به قول اثیرالدّین اخسیکتی:

در شطّ حادثات برون آی از لباس کاوّل برهنگی است که شرط شناوریست

باید که در زیارت عشق از مس وجود دست برداریم تا به کیمیای عشق برسیم و زر شویم.

دست از مس وجود چو مردان ره بشوی تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی

گر نور عشق حق به دل و جانت اوفتد باللّه کز آفتاب فلک خوب تر شوی

از پای تا سرت همه نور خدا شود در راه ذوالجلال چو بی پا و سر شوی

زیارت از نظر نجم الدّین رازی

... به هر شهر که رسند، باید که از زیارت ها و مواضع متبرّک بپرسند، و به نیازی تمام بروند و زیارت بجای آرند. (۱) نجم الدّین رازی عقیده دارد که با کمال خضوع و نیازمندی به زیارتگاه های متبرّک باید رفت و با کنار گذاشتن هرگونه تکبّر و تفرعن، فروتنانه ارتباط تنگاتنگ و وثیق با مَزور برقرار نموده و زمینه تماس صحیح و لقای کامل را مهیا ساخت. نزدیک شدن به زیارتگاه ها نماد ارتباط استوار قلبی و روحی و فکری زایر خواهد بود و انسان حضور مَزور را در صحنه زندگی حس خواهد کرد. دلی شیفته و حاجت مند، زایر را از حیرت ضلالت و تاریکی جهالت خارج می سازد و او را به بارگاه حُسن و خورشید فروزان نزدیک می کند. دلِ شکسته و دردمند می تواند به چشمه حیات معنوی برسد و از آب زلال آن سیراب و از نسیم خوشگوار آن دلنواز گردد.

۱- مرصاد العباد، ص ۲۶۷.

زیارت از نظر خاقانی شروانی

حق تو خاقانیا کعبه تواند شناخت زآخور سنگین طلب توشه یوم الحساب

مرد بود کعبه جوی طفل بود کعب باز چون تو شدی مرد دین روی ز کعبه متاب

***

کعبه سنگین مثال کعبه جان کرده اند خاصگان این را طفیل دیدن آن دیده اند

***

به سلام آمدگان حرم مصطفوی ادخلوها بسلام از حرم آوا شنوند

بنده خاقانی و نعت سر بالین رسول تاش تحسین ز مَلَک در صف اعلا شنوند

فخر من بنده زخاک در احمد بینند لاف دریا ز دَمِ عنبر سارا شنوند

***

سی ساله فرض بر در کعبه کنم قضا تکبیر آن فریضه به بطحا برآورم

از دست آن که داور فریادرس نماند فریاد در مقام و مصلّا برآورم

زمزم فشانم از مژه در زیر ناودان طوفان خون ز صخره صمّا برآورم

دریای سینه موج زند آب آتشین تا پیش کعبه لؤلؤ لالا برآورم

برآستان کعبه مصفّا کنم ضمیر زو نعت مصطفای مزکّی برآورم

دیباچه سراچه کلّ خواجه رُسُل کز خدمتش مراد مهنّا برآورم

سلطان شرع و خادم لالای او بلال من سر به پای بوسی لالا برآورم

در بارگاه صاحب معراج هر زمان معراج دل به جنّت مأوی برآورم

تا قرب قاب قوسین بر خاک درگهش آوازه دنی فتدلّی برآورم

امروز کز ثناش مرا هست کوثری رخت از گوِ ثری به ثریا برآورم

فردا هم از شفاعت او کار آن سرای در حضرت خدای تعالی برآورم

***

یعنی امسال از سر بالین پاک مصطفی خاک مشک آلود بهر حرز جان آورده ام

خاک بالین رسول اللّه همه حرز شفاست حرز شافی بهر جان ناتوان آورده ام (۱)

خاقانی از آخور سنگین(حجرالاسود و یا سنگ آب های چاه زمزم) توشه روز آخرت را درخواست می کند. او با توسّل به سنگ متبرّک در خانه کعبه، آن را ذخیره ای برای روز بازخواست؛ و زیارت حجرالاسود را معراجی جهت دستیابی به بهره معنوی از بارگاه الهی و استفاده از خوان نعمت حق می داند. کعبه ظاهری و سنگی در حقیقت طفیلی کعبه جان و معنویت است. کعبه جان اصل و مایه ارزشمند کعبه سنگی است و از طریق زیارت مَجاز پی به حقیقت برده و «المجازُ قِنطَرَهُ الحقیقه»؛ مجاز پُلی است برای رسیدن به حقیقت.

خاقانی از این که خاک درگاه حضرت محمّد صلی الله علیه و آله را زیارت می کند، به خود می بالد و این افتخار را به بالیدن دریا به سبب وجود ماهی ای که از آن عنبر معطّر می گیرند تشبیه می کند. او در زیر ناودان متبرّک بام کعبه اشک زلال و خالص از مژگان می افشاند و دلِ خون فشان خود را بدین گونه صفا و طراوت می بخشد. با سینه ای آتشین اشک های مرواریدگون را در برابر کعبه لبریز می سازد، تا بتواند در مدح و نعت رسول اکرم صلی الله علیه و آله اشعاری از دل سوزناک برآورد.

خاقانی سر به پای بوسی بلال حبشی فرود می آورد و در برابر خادم رسول صلی الله علیه و آله به خاک می افتد و بدین وسیله دل خود را به بهشت معنوی پیوند می زند و بر خاک درگاه رسول حق آوای «دَنَا فَتَدَلَّی» (۲)

سر می دهد. او با ثنای پیامبر صلی الله علیه و آله به کوثری دست می یابد که او را از گودال خاک به آسمان اعلا پرواز می دهد. خاقانی عقیده دارد که خاک پاک و مشک آلود حضرت محمد صلی الله علیه و آله، دعای جان اوست و شفابخش دل های بیمار و ناتوان است.

خاقانی در زیارت کعبه، خود را در کنار چشمه ای می بیند که با شست و شو در این چشمه و طلب استغفار و رحمت الهی، غبار کدورت ها و تیرگی ها را از وجود خود

۱- شاعر صبح، ابیاتی از ص ۴۶، ۵۵، ۶۳، ۸۹ و ۹۷.

۲- در سوره نجم، آیات ۷ و ۸ به این مفاهیم اشاره شده است.

پاك می سازد و بدین وسیله به محضر خدا تقرّب می جوید.

زیارت از نظر حافظ

ثواب روزه و حجّ قبول، آن کس برد که خاك میکده عشق را زیارت کرد (۱)

حافظ، زیارت حقیقی را شرط قبولی روزه و حجّ می داند. از نظر او کسی که با عشق زیارت می کند می تواند به عبادات و طاعات خود امیدوار باشد و به قرب الهی نایل گردد. زیارت خاك میکده عشق از نظر حافظ، یعنی آگاهی و درك حُسن الهی و کنارزدنِ حجاب عاشق که خود و خودی اوست. زیارت خاك میکده عشق، یعنی افتادگی و تسلیم و پاکباز بودن در برابر معشوق کامل و کمال مطلق، یعنی تهذیب و تصفیه درون، یعنی معرفت به قدرت لایزال بی چون که صاحب اختیار مطلق است و در عین حال مشفق.

از نظر حافظ، اجر «ثواب» و پاداش و جزای خیر «ثواب» روزه گرفتن و حج گزاردن پذیرفته شده «قبول» به درگاه خداوند را کسانی برده و می برند که به عبادتگاه عشّاق و «میکده» آمده باشند و خاك آن درگاه را زیارت کرده باشند [مقصود این که:

اعمال بی ریا و پاك و بی غلّ و غش در انجام فرایض دینی مقبول درگاه خداوند است و این، تنها رندان و ملامیان و عاشقان هستند که عبادت و نیایش آنها به درگاه خداوند پذیرفته می شود، زیرا ایشان آنچه می کنند از راه کمال خلوص و پاکی عقیده و بدون روی و ریاست و از انجام فرایض مذهبی هیچ گونه نظر عوام فریبی و اغواگری و تظاهر ندارند، آنچه می کنند تنها برای خداست و این است که نیایش آنان پذیرفته شده است، نه روزه و حجّ صوفیان متظاهر و زاهدان ریایی]. (۲) حافظ در شعر دیگری درباره زیارت چنین می گوید:

بر سر تربت ما چون گذری همّت خواه که زیارتگه رندان جهان خواهد بود (۳)

۱- حافظ نامه، ص ۵۳۷.

۲- حافظ خراباتی، بخش چهارم، ص ۲۵۶۰.

۳- حافظ نامه، ص ۷۴۷.

همّت خواستن، همان توجّه قلب است با تمام قوای روحانی فرد به جانب حق، برای حصول کمال در خود یا دیگری. حافظ رندان جهان را زایر تربتش می داند و رندان از نظر او همان عاشقان حقیقی هستند که از تزویر و ریاکاری برکنارند. آنان اهل نیاز و رستگاری هستند و در راه عشق از مصلحت بینی های ظاهری به دورند.

آنان اهل جاه و مقام نیستند و در باطن مقام والا و افتخار آمیزی دارند.

حافظ می گوید: هرگاه بر گورم گذرت افتاد، از خاك گورم، کمك و مساعدت «همّت» و قصد بلند «همّت» بخواه و بدان که نیازت برآورده می شود و بدان که پس از این که درگذشتم مزارم زیارتگاه رندان و عاشقان جهان خواهد بود، آنان که از عشق بویی برده و به عشق و محبّت سرسپرده اند، مرا که از عشّاق و رندان نامدارم به سروری خود می پذیرند و از این رهگذر چون سخنانم مبشّر مهر و محبّت و سرودهایم همه سروده های عشق و عاطفت است، پس از مرگم نیز عشّاق و دلدادگان و رندان جهان بر سر خاکم به زیارت و فاتحه خوانی خواهند آمد و از روان پاك و قدسی ام همّت و کمك خواهند خواست، تا در مراحل و مسالك عشق پیروز و موفّق باشند. (۱) بنابراین حافظ عقیده دارد که از تربت رهبران و بزرگان می توان یاری طلبید و کسب فیض نمود و انسان با نزدیک کردن خود به قبر مَزور و گذاردن دست یا صورت بر روی قبر و بوسیدن آن، ارتباط مؤکّد و وثیق قلبی و روحی و فکری با روح بزرگوارِ آن مقرّب حق ایجاد می نماید و خواسته های درونی خود را به او می گوید و با او مناجات می کند. زیارت و زیارتنامه، کتاب وجود انسان را در محضر ولی خدا باز می کند و به نقاط نقص و ضعف و فقر و عجز زایر اشاره می کند.

راه کمال و سعادت را می نمایاند و امام [رهبر و هر فردی که اسوه بزرگی و مقتدای هدایت است] را به شفاعت می طلبد و ده ها و صدها نکته حیاتی را تذکّر می دهد.

انسان را از غفلت و سهو درآورده، به وادی تنبّه و تذکّر می کشاند. خصلت های

۱- حافظ خراباتی، بخش سوم، ص ۱۵۵۹.

ممدوح و پسندیده او را برجسته و احیا می کند و خصلت های زشت و ناپسند او را با استغفار و طلب رحمت الهی برطرف کرده و با نظر رحمت الهی جبران می کند.

بالأخره در کنار چشمه امامت که عین الحیات است، انسان را شست و شو می دهد و پاک و پاکیزه از میخانه طهور امامت خارج می شود و این همان اثر زیارت است.

اگر عرصه زیارت نبود، راه تماس و ارتباط مسدود بود، قطعاً این نیاز فطری و طبیعی بشر بی پاسخ می ماند؛ از همین رهگذر زیارت در نزد همه، حقیقتی فطری و مسلّم است؛ گرچه عدّه ای با فطرت و خواست ذاتی انسان مقابله می کنند؛ امّا رجوع به اهل بیت علیهم السلام [و اهل معرفت] برای رفع نیازمندی ها یک حقیقت و عمل کرد صحیح دینی است؛ زیرا آنان باب الهی و به اذن اللّه باب حوایج و رافع مشکلات هستند. (۱) نتیجه

زیارت از نظر برخی از شاعران و نویسندگان ایران، رمز حضور و شهادت روح بزرگوار مَزور است که منشأ خیرات و برکات و نزول فیض و اجر و ثواب است.

زیارت موجب ارتباط و اتّصال به روح حی و مطهّری است که از محضر الهی مرتزق می گردد و در حرم الهی سُکنی گزیده، آن روحی پاک که به مواثیق خود با خدایش پای بند بوده و هرگز سلسله دوستی الهی را نگسلانده و به امانت حق خیانت نورزیده است. انسان با زیارت قبور منوّر راهی را برای نفوذ نور و فروغ ایمان در وجودش می گشاید و خود را از کدورت و تیرگی بیرون آورده و شایسته و آراسته می گرداند.

زیارت، انسان را هم به چشمه زندگی متّصل می کند و هم در پرتو حقیقت طَهور، انسان را پاکیزه می سازد.

بنابراین همه دین باوران با حضور در مشاهد مشرّفه از ارواح طاهره و نفوس زکیه آنان استمداد می جویند تا در عبور از تنگناهای زمانه با هدایت و عنایت آنان راه را به پیش ببرند.

۱- فلسفه زیارت و آیین آن، ص ۵۲ و ۱۵۰.

ص: ۱۰۱۹

فهرست منابع

۱۵. لغت نامه دهخدا

۱۶. حافظ نامه، بهاء الدین خرمشاهی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی و انتشارات سروش، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۲.

۱۷. سفرنامه ناصرخسرو قبادیانی مروزی، محمّد دبیر سیاقی، انتشارات زوّار، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۹.

۱۸. عین القضات، عفیف عُسیران، انتشارات منوچهری، تهران، چاپ دوم.

۱۹. مرصاد العباد نجم الدّین رازی، محمّد امین دکتر ریاحی، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۷۳.

۲۰. شاعر صبح، گزیده اشعار خاقانی شروانی، سید ضیاء الدّین سجادی، انتشارت سخن، هران، ۱۳۷۳.

۲۱. حافظ خراباتی، رکن الدّین همایون فرّخ، انتشارات اساطیر، تهران، چاپ اول، ۱۳۵۴.

۲۲. فلسفه زیارت و آیین آن، عبد اللَّه جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، قم، چاپ دوم، آبان ۱۳۸۳.

۲. تجلی زیارت در ادب و هنر اسلامی

مژگان حرّی

چکیده

هنر، یکی از استعدادهای منحصر به فرد آدمی است که حدیث اندیشه های والا و پنهان را باز می گوید و حسنات روح را در قالبی از صنعت یا سخن به جلوه می گذارد و زمانی که اصل این استعداد رخ نماید، این پدیده معنوی در همسویی با فطرت خداجوی صاحبش حدیث حق پرستی را در نای خود ساز می کند و پیمانه جان پاک سیرتان را لبریز می گرداند، پس تفاوت ندارد که هنر در چه ظرفی ریخته شود و به چه صورتی اشراق نماید، بلکه مهم اندیشه ای است که در پس آن نهان است و جلوه ای که از این اندیشه به منصه ظهور می رسد. یکی از قالب هایی که هنر در زیباترین صورتش در آن شکل می گیرد، دین است و یکی از مقوله های هنر دینی، زیارت می باشد. بسیاری از هنرمندان، اثر هنری خود را به اموری درباره زیارت اختصاص داده و در این باب نقش آفریده و کلام خلق کرده اند. هنرمندان، شعرا، و نویسندگان در پروازی روحانی به زیارت خانه خدا، آستان مبارک نبی اسلام و اولیای الهی رفته اند، یا از عطر جان فزای آن اماکن متبرک، دل را مصفی نموده اند و خود را مشمول فیض عظیمی گردانده اند که عظمت آن را حضرت رب العالمین داند و بس.

کلیدواژه ها: هنر، ادبیات، هنر و ادب دینی، هنر و ادبیات اسلامی، زیارت.

مقدّمه

عالم از ولوله حسن تو خاموش مباد عاشقان را سفر عشق فراموش مباد

زیارت، دیدار مشتاقانه ای است که با حرکت زایر از کوی خود آغاز می گردد و به دیدار یار می انجامد که این دیدار در حوزه جسمانی، نگاه را از تماشای یار محظوظ

گرداندن و در حیطه معنوی، روح افزایی حضور دل در محضر دلدار است. ارجحیت زیارت معنوی بر دیدار جسمانی، رجحان حقیقت بر مجاز است و درجه ارزش زیارت بسته به بلندای مرتبه آن یار است که زایر قصد قرابت با وی می نماید. پس گاه چنان این سفر جسم و روح دل انگیز است که حتی اندیشه آن سبب آرام دل است.

صفای زیارت و تأثیر آن در جلای دل زایر، پیوسته آدمی را به صرف قوه ژرف و شگرفی به نام هنر برای بیان این لذت واداشته است، به طوری که صاحبان هنر، ابعاد مختلف زیارت را در قالب های گوناگون هنر به تصویر کشیده اند تا هم هنرمند را خوش آید و هم مخاطب را به وجد و لذت معنوی آورد و هنر نیز در اصیل ترین شکل خود ماندگار شده باشد که حاصل آن بسیاری از اشعار، نوشته ها و تابلوهای خط، نقاشی، منبت، و بی شماری از مقوله های دیگر هنر می باشد که در آنها قامت خامه و صورتِ اثر تا بلندای عظمت نقش پیش رفته اند و اثر را برای سال ها و بلکه قرن ها باقی گردانده اند، به طوری که تکرار آنها هنوز هم دل و جان مخاطبان را در یک سفر دل انگیز روحانی به کوی یار می برد و صفا می بخشد.

تعریف هنر و ادبیات و رسالت آن

اصل واژه هنر در زبان سانسکریت، «سونر» می باشد که ترکیبی از دو کلمه «سو» به معنای نیک و «نر» یا «نره» به معنای زن و مرد است و همین واژه در زبان اوستایی با تغییر «سین» به «ه» به «هونر» تبدیل گردیده است و نیز در زبان پهلوی یا فارسی میانه به شکل امروز «هنر» درآمده است که به معنای انسان کامل و فرزانه است و شاید این قوی ترین ارتباط بین صورت و معنا باشد که در واقع رسالت هنر مانند هر پدیده دیگر در جهان ماده و معنا به کمال رساندن صاحب آن است و این معنا همان است که در صورت لغت آشکار گردیده است.

رسالت تکاملیِ هنر، مقوله ای است که در میان تمام انسان ها با هر ایده و عقیده ای مطرح است و در کلام هنرمندان مختلف هم بدان اشاره گردیده است:

«تکامل باید هدف اولیه هنرمندان حقیقی باشد».(بتهون)

«هدف زندگی امروز زندگی است، نه زیبایی».(ویکتورهگو)

در ادبیات ایران و دوره بعد از اسلام، مفهوم واژه هنر به اصیل ترین هدف خود نزدیک شد و به معنای کیاست، زیرکی، خطر و اهمیت، لیاقت، کفایت و کمال به کار رفت (۱) و این بارِ معنایی عام آن بود.

هنر، یکی از استعدادهای منحصر به فرد آدمی است که وسیله ظهور عواطف و احساسات انسان قرار می گیرد و آن جا که عظمت یک پدیده، زبان و قلم را از بیان و نیز عقل و منطق را از ادراک ناتوان می گرداند، عنصر هنر به صد زبان، ناگفته ها را بر زبان می آورد و با هزار کلام تکلم می کند و به قولی: «آن جا که طبیعت توقف کند، هنر آغاز می شود». (۲) همچنان که خلق اثر هنری شگفت انگیز است، اثرگذاری آن نیز قابل تأمل می باشد. هنرمند با بهره گیری از نیروی عاطفه و احساس، چنان اثری بر مخاطب می گذارد که شاید ساعت ها توجیه و تبیین نتواند اندیشه ای را بدان راحتی القا نماید.

«عقل بینداخت قلم، شخص هنر ساخت». (۳) هنر با ویژگی های منحصر به فرد، دارای زمینه گسترده ای از صورت های تجلی می باشد. گاهی از رهگذر بیان آدمی، هنرهایی چون شعر، خطابه و ... به ظهور می رسند؛ زمانی دست آدمی آثاری از نوع نقاشی، معماری، گرافیک، خوشنویسی، و ... خلق می کند؛ و زمانی هم سایر اعضا و جوارح آدمی در آفرینش یک اثر هنری نقش دارند، اما ورای نقش آفرینی های تمام اعضا و جوارح، فکری آکنده از احساس و خلاقیت نهفته است که در واقع هنر، مخلوق چنین اندیشه ای است.

یکی از زیر مجموعه های هنر که از پرکاربردترین شاخه های هنری نیز می باشد،

۱- فرهنگ معین و لغت نامه دهخدا.

۲- حافظ.

۳- سعدی.

ادبیات یا سخنگان است و آن مجموعه سخن های انسانی است که در قالب های گفتاری، نوشتاری و غیر آن گرد می آید. ادبیات هر ملت هم چون تاریخ و مکتب آن، نماد هویت یک ملت است.

در جهان مقوله خاص تری از هنر نیز وجود دارد، به نام هنر دینی که هدف آن به کارگیری این استعداد معنویِ آدمی در جهت اقامت او در محفل انس کبریایی است. و در اسلام، هنر دینی، به نام هنر اسلامی اندیشه صاحب و مخاطب این قالب نافذ را در حیطه فطرت خداجویی و حق پرستی، آن هم به کامل ترین شکل خود که در اکمل ادیان الهی تجلی پیدا کرده است، به جولان درمی آورد و دل ها را به دلدار قرین می سازد.

نکهت جانبخش دارد خاک کوی دلبران عارفان آن جا مشام عقل مشکین کرده اند

در واقع آن جا که هنر و ادبیات فاخر، وسیله ای برای رساندن آدمی به فطرت خداجوی خود قرار می گیرند، در عالی ترین مراتب خود به گوهر ارزشمندی تبدیل می شوند که جاودانگی آثار خلق شده در آنها، خواه در قالب کلام یا در صورت نقش، گواه بلندای درجه آنها می باشد و این پدیده ای است مقدس و باشکوه که در ادبیات و هنر ایرانی بسیار دیده می شود. در واقع رابطه متقابلی بین هنر اسلامی و اثر به جای مانده از آن برقرار است که لطافت و اثرگذاری هنر برای نشان دادن شکوه اثر به کار می رود و اهمیت و ارزش اثر، هنر را تقدس می بخشد.

از دل و جان، شرف صحبت جانان غرض است غرض این است وگرنه دل و جان این همه نیست

هنر دینی، طرحی نو از هنر است که از زیبایی های حسی هنر برای به تصویر کشیدن جلوه های معنوی پدیده مجردی که کل وجود آدمی و بلکه هستی بدان آراسته است، استفاده می کند و در واقع به صورت مجرد و انتزاعی به وصف نمادین عظمت دین در جلوه های گوناگون آن می پردازد. آرامش همراه با عظمت و شکوه، سکوت آمیخته با شور و هیجان، و آسودگی همراه با حرکت و پویایی، از ویژگی های نهفته در دل آثار هنری

دینی هستند که نشان از نوعی الهام به قلب هنرمند دارند و مخاطب را به گونه ای لطیف اما پر جاذبه به مفاهیم والای نهان شده در دل خود جلب می نمایند. هنر دینی، در تمام جهان روایتگر زنده ای است که از منزلت وقایع و پدیده هایی روایت می کند که عظمت جان انسان و طبیعت جهان در گرو آنهاست و در واقع برگرفته از فطرت آدمی است.

پیش از آب و گل در دل من مهر تو بود با خود آوردم از آن جا نه به خود بربستم

زیارت

زیارت، رسم دیرینه ای است که در میان همه اقوام، ادیان و مذاهب رواج داشته است و تنها تفاوت آنها در شیوه بجای آوردن و آداب آن بوده است. زیارتگاه ها و اماکن مقدسی که از هزار سال قبل از میلاد مسیح در تاریخ وجود داشته اند، گواه قدمت تاریخی این رسم کهن در میان اقوام و ملل هستند. زیارتگاه های اقوام آشور و بابل، معابد و زیارتگاه های هندوان، و همچنین مکان های مقدس مسیحیان، از جمله این زیارتگاه ها هستند. اما همچنان که ظهور اسلام، بسیاری از آداب و رسوم ملل و اقوام دیگر را رنگ و بوی معنویتِ نشأت گرفته از فطرت خدایی انسان بخشید، به زیارت نیز معنای تازه ای داد.

در اسلام زیارت، یکی از فرایض دینی و رشته ای از باورها و اعتقادات مذهبی است. فلسفه زیارت برقراری ارتباط با آن وجود مقدسی است که زایر قصد زیارت وی می کند. زیارت در اسلام، دیدار مردگان نیست، بلکه در دینی که بشر را صاحب روح جاوید می داند، زیارت دیدار زندگان است و زیارت بزرگان در واقع بزرگداشت بزرگی و عظمت وی است، پس هر اندازه که مقام و مرتبه کسی که فرد به زیارت او می رود، والاتر باشد، ارزش زیارت نیز برای زایر بیشتر است.

اصل اعتقاد به زیارت در اسلام نشأت گرفته از اعتقاد به این دین و دستورات آن است. آن که زایر بیت اللّٰه می گردد، عملی را انجام می دهد که حق تعالی در کلام

جاویدش آن را به خود مخصوص گردانده است. «وَلِلَّهِ عَلَی النَّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ» (۱)

و آن که به زیارت حرم نبی مکرم صلی الله علیه و آله یا مشهدی از مشاهد ائمه علیهم السلام می رود، در واقع تولی را در قلب خود زنده نگه داشته است.

زایر در زیارت، عهد و پیمان خود با خدا، پیامبر و ولی او را تجدید می کند و اعتقاد به توحید، نبوت و ولایت را اثبات می نماید و این همه ارزش هایی هستند که اسلام بدین رسمِ بالنده بخشیده است و همین تقدس و معنویت سبب گردیده است که بسیاری از هنرمندان و ادبا هنر و کلام خود را با این مقوله ارزشمند زینت بخشند و بر ارزش نقش و سخن خود بیفزایند و در حقیقت هنر و کلام خود را وسیله ای برای تقرب به حق تعالی و اولیای او قرار دهند.

ای دل بیا که به پناه خدا رویم زانچ آستین کوته و دست دراز است

زیارت در ادبیات و هنر

میدان هنر و ادب اسلامی، از طبیعت در شکل نمادین آن آغاز می گردد و تا ماوراءالطبیعه و مراحل سیر و سلوک پیش می رود و باورهای ارزشمندی را که از دین مقدس اسلام سرچشمه گرفته اند همراه با زیبایی های نهفته در دل هنر و ادبیات به مخاطبانشان منتقل می نمایند. شعاع دایره هنر اسلامی از صبحگاه «قالوا بلی» آغاز می گردد و تا طلوع رستگاری و تصویر بهشت و دوزخ پیش می رود. هنرمند، از عالم محسوسات گذر می نماید و صحنه آفاق را پشت سر می گذارد و در تجربه شهودی خود، در عالم انفس سیر می نماید که بسیاری از آثار هنرمندان و ادبای مسلمان گواه وسعت و شگفتی این قلمرو است.

یکی از مقوله هایی که در هنر و ادب اسلامی بدان پرداخته شده است، موضوع زیارت است. همچنان که زیارت در اسلام دیدار زندگان است، هنر مربوط به زیارت نیز هنر زنده است و تنها تصویرگری یک اتفاق یا یک مکان نیست، بلکه اثر ارائه شده

۱- سوره آل عمران، آیه ۹۷.

در این هنر، در هر زمان برای مخاطب، پندها و دستورالعمل های زندگی را به همراه دارد و در سکون جسم، جان را به آستان دوست نزدیک می گرداند. البته این همه تنها در قالب نقشی است که صورتگری شود و کلامی که بر زبان آید، ورنه حقیقت موضوع نه به تصویر آید و نه بر زبان جاری گردد و نه چشم و گوش زمینی را ظرفیت پذیرش آن حقایق فراهم باشد.

گر مجال گفت بودی گفتنی ها گفتمی تا که ارواح و ملایک زاسمان تحسین کنند

زیارت در هنرهای تصویری

قالب های مختلف نقاشی از جمله نقاشی قهوه خانه ای، مینیاتور، نقاشی های دیواری و چاپ سنگی، هر یک به طریقی، نقش خود را در به تصویر کشیدن موضوع زیارت ایفا نموده اند.

نقاشی ارزشی، سنتی و مذهبی قهوه خانه ای با آن بن مایه های سادگی و آینه صفتی که در خود دارد، سال هاست که محیط عارفانه بسیاری از اماکن مذهبی را با صحنه هایی از ضریح و بارگاه معصومین علیهم السلام زینت بخشیده است و به همین صورت مینیاتور، با ویژگی های تصویری خاص خود، صحنه هایی از این اماکن معنوی و روحِ نهفته در آنها را به تصویر کشیده است.

همین تصاویر را هنرمندان هنرهای مختلف به صورت چاپ سنگی، نقاشی های پشت شیشه و نقش های پشت آینه نیز به تصویر کشیده اند که هر یک جلوه خاص خود را دارند. گاهی نیز این تصاویر با هنر خطاطی توأم گردیده اند و بر جلوه خود افزوده اند. اشعار معروف شعرای شعر مذهبی که در باب زیارت معصومین علیهم السلام سروده شده اند، در قالب هنر خطاطی زینت بخش بسیاری از مکان ها گردیده اند و خلق آثار هنری معروفی را موجب شده اند که از میان انواع خط، خط نستعلیق که از لحاظ زیبایی در درجه اول قرار دارد، بیشتر به چشم می خورد.

بـدون شک عدد رشـته های هنری از آنچه گفته شد، بسـیار افزون است و هر هنری بنا به ویژگی های خود، شـیوه ای از انتقال پیام را در پیش می گیرد که این مسأله در باب زیارت و پیام های آن نیز صدق می کند.

زیارت در ادبیات

ادبا هم در بسیاری از آثار خود، موضوع زیارت را بهانه قرار داده انـد، تا سیمرغ جان را به آسـتان حضـرت دوست رساننـد و میثاق بنـدگی خویش را با حضـرت ذوالجلال در آفرینش آثار ادبی خود به نمایش گذارند و از این رهگذر، بیانگر هنری آن سفر شورانگیز باشـند، لـذا موضوعات مختلف مربوط به زیارت؛ از اشتیاق به این سـفر روحانی تا سـفرنامه و وصف مکانیِ آن امـاکن مقـدس و آثـار معنوی زیـارت، موضوع کلام بسـیاری از ادیبان قرار گرفته است. در این مختصـر به نمونه هایی از آنها اشاره می گردد.

شوق زیارت

یکی از مقوله هـایی که در ادبیات زیارت بسـیار بـدان پرداخته شـده است، شوق به این سـفر است که هزاران نقش این اشتیاق قبل از آن که به منصه ظهور برسـد، بر دل و جان هنرمند منقوش گردیده است. شـعرا، بسـیاری از اشـعار خود را به بیان اشتیاق دیدار یار اختصاص داده اند و گاه این احساس را با سوز و ناله ای که نشان از نیاز و توسل دارد، همراه نموده اند.

«ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست/ منزل آن عاشق کش عیار کجاست».(حافظ)

«می کشد شوقم عنان، باد این کشش در ازدیاد/ تا شود تنگ عزیمت تنگ بر خنگ مراد».(محتشم کاشانی)

«اگرچه غرق گناهم، سفینه ام این جاست/ مراد و قبله ام این جا، مدینه ام این جاست».(محمدجواد غفورزاده)

«اسرار خرابات به جز مست نداند/ هشیار چه داند که در این کوی چه راز است»

ص: ۱۰۲۹

«خواهی که درون حرم عشق خرامی/ در میکده بنشین که ره کعبه دراز است»

(فخرالدین عراقی)

«تا مگر همچون صبا باز به کوی تو رسم/ حاصلم دوش به جز ناله شبگیر نبود»

(حافظ)

«تا شنید از باد، پیغام وصال یار گل/ بر هوا می افکند از خرمی دستار گل»

(وحشی بافقی)

«ای دوست گر به خانه مرا راه نمی دهی/ بگذار تا که بوسه زنم آستانه را»

(محمدحسین بهجتی اردکانی)

«حیات سعدی آن باشد که بر خاک درت میرد/ دری دیگر نمی دانم مکن محروم از این بابم»(سعدی)

وصف اماکن زیارتی

از موضوعات دیگری که در باب زیارت در ادبیات فارسی بدان پرداخته شده است، توصیف مکان های زیارتی است. سفرنامه های ادبی از اماکن متبرک و خاطرات سفرها از جمله این آثار هستند. شعرا هم در بسیاری از اشعار خود به توصیف صفا و مروه و صحن و گنبد و ایوان و بارگاه معصومین علیهم السلام پرداخته اند. در اغلب این آثار، چنان معنویتی به قلب مخاطب القا می گردد که گویی نویسنده یا شاعر، هنگام خلق اثر، خود را جسماً یا روحاً در آن مکان مقدس یافته است و نوای دل خود را در آن فضای روحانی، بر صفحه کاغذ آورده است و این حالت هنرمند هنگام خلق اثر، در زمان بازخوانی آن نیز در جان مخاطب پدید می آید.

در واقع این تفاوت بین این گونه سفرنامه ها و توصیفات با وصف سایر اماکن است، به طوری که در این مورد، سخن از زیبایی گنبد و بارگاه، وصف قشنگی سنگ و آینه نیست، بلکه هدف نزدیکی دل است با آن دردانه های خلقت که بلندای روحشان

آن اماکن را مقدس گردانده است و این نقش دیدن و نقاش پرستیدن باشد.

«در وسط میدانی سرباز، یک اتاق خالی! نه معماری، نه هنر، نه زیبایی، نه کتیبه، نه کاشی، نه گچ بری، نه ... حتی ضریح پیامبری، امامی، مرقد مطهری، مدفن بزرگی ... که زیارت کنم، که او را به یاد آرم، که به سراغ او آمده باشم، که احساسم به نقطه ای، چهره ای، واقعیتی، عینیتی، بالأخره کسی، چیزی، جایی تعلق گیرد، بنشیند، پیوند گیرد، این جا هیچ چیز نیست، هیچ کس نیست ... و این جا حرم اوست، خانه او! این جا خانه مردم است».(تحلیلی از مناسک حج؛ علی شریعتی)

«کعبه، بیتی است که لا یملکه احد و لم یملکه احد. طواف این خانه انسان را آزاد می کند که ملک کسی نشود و بنده کسی نگردد ... حقیقت کعبه یک وجود مادی دارد در سرزمین مکه و آن همان خانه ای است که ابراهیم خلیل سلام اللّٰه علیه بنایش کرد و اسماعیل علیه السلام هم دستیارش بود و در عالم مثال وجود دیگری دارد. باز همین حقیقت در عالم عقل که عرش اللّٰه است، وجود دیگری دارد و نیز در نشأه تسبیح و تحمید و تکبیر که مقام الوهیت و الهیت است و اسماء الهی است، وجود دیگری دارد».

(عرفان حج، جوادی آملی)

«این بارگاه کیست که از عرش برتر است/ وز نور گنبدش همه عالم منور است

از شرم شمسه های زرش کعبتین شمس/ در تخته نرد چرخ چهارم به ششدر است»(خالد نقشبندی، در وصف حرم علی بن موسی الرضا علیه السلام)

«ایوان تو شانه خورشید است/ گلدسته تو نشانه خورشید است

چشمش که به گنبد تو روشن شد ماه/ دریافت که خانه، خانه خورشید است»

(محمدجواد غفورزاده)

ره توشه زیارت

گاهی هم شعرا و نویسندگان، در باب آثار معنوی زیارت سخن گفته اند و از حال زایر در آن سفر روحانی و کراماتی که نصیب وی می گردد، نوشته اند و سروده اند.

«صورت واقعی حج، سیرت واقعی و حقیقت زایر را می سازد ... حج، انسان ساز است و اگر کسی حاجی راستین و واقعی نبود، انسان نیست».

(جوادی آملی، عرفان حج)

ارزنده ترین ره آورد این سفر برای زایران، مصفی گردیدن قلب و نزدیکی به حضرت دوست است و این پیامد چنان ارزشمند است که زایرِ عارف برای آن دست افشان می گردد و جان به مهمانی جانان بردن را بر خود فرض می شمارد.

«تا به لب جام می آن ترک می آشام آورد/ از لب جانبخش خود جان بر لب جان آورد»(ملک الشعرای بهار، در منقبت امیرالمؤمنین علیه السلام)

«قبله هفتم رضا، شاهی که خاک درگهش/ مرده را روح و روان در هفت اندام آورد»

(ملک الشعرای بهار، در منقبت امام رضا علیه السلام)

«بخت کو تا آیم در آستانت جا کنم/ رو به جنت پشت بر دنیا و ما فیها کنم»

(محتشم کاشانی، در منقبت امام رضا علیه السلام)

نتیجه گیری

خلق اثر هنری و بیان نثر و نظم در باب زیارت اماکن مقدس اسلامی، از همت والای هنرمندان سالکی است که از این طریق، آرام جان جسته اند و قرار دل یافته اند و خود را در معرض انوار قدسی کرامت حضرت رب العالمین قرار داده اند و این تنها عاملی است که آثار این هنرمندان را ارزش می بخشد و ماندگاری آنها را رقم می زند، ورنه ظرف محدود وجود بشر کجا و پرداختن به مقولات ماورایی اندیشه او کجا!

سر منزل فراغت نتوان ز دست دادن ای ساربان فروکش کاین راه کران ندارد

در واقع خلق اثر هنری در باب زیارت، بهانه ای است برای برقراری ارتباط با انوار قدسی آنها که آدمی با زیارتشان، دل را جلا می بخشد و جان را آینه دار ولایت ایشان می گرداند و این بهانه برای هزار رفتن و پوییدن کافی است.

فهرست منابع

۱. ادب زیارت، عبدالحسین نیشابوری، معرفت زایر، دلیل ما، قم، ۱۳۸۰.

۲. زیارت، محمدمهدی رکنی، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۴۰۴ ق.

ص: ۱۰۳۳

۳. تجلی زیارت در شعر و ادب فارسی

علی اکبر ناری ابیانه

چکیده

شعر در سه قرن اول هجری در خدمت امرا و پادشاهان بود، اما از قرن چهارم با رویکرد به اماکن مقدس، با ستایش کعبه و پیامبر اسلام آغاز می شود، تا این که در قرن نهم جامی به زیارت عتبات شتافته و اشعار دلنشین و خالصانه سروده است. از قرن دهم با تشکیل اولین حکومت ملی صفویه و رشد و ترویج عقاید شیعی، شاعران بسیاری به مدح و منقبت اهل بیت علیهم السلام، به ویژه مرثیه شهیدان کربلا پرداخته و عشق و شیدایی خود را به خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و زیارت آن بزرگواران نشان داده و به زیارت مشهد امام رضا علیه السلام اهتمام ویژه ای داشته اند. از طرفی از قرن دهم به بعد، سفرنامه نویسی منظوم درباره حج و عتبات نیز باب شد. اما امروزه زیارت به معنای اصطلاحی یعنی زیارت حرمین شریفین و حرم معصومان و دیگر اماکن مقدس جایگاه اصلی خود را در شعر و ادب فارسی پیدا کرده و بیش از پیش در حال گسترش می باشد.

کلیدواژه ها: زیارت، زایر، ادب فارسی، شعر، شاعر.

مقدّمه

سَیر و سفر، اغلب مترادف یکدیگر و با کلمه هایی چون حرکت، سیاحت و گردش هم معنی است. در قرآن کریم به «سیر» ۲۰ مرتبه و «سفر» ۷ مرتبه در آیات متعدد اشاره شده است «و واژه های دیگری را یادآور می شود که در کلیات با سیر و سفر تشابه دارند، ولی در مفاهیم، هر یک هدف خاصی را دنبال می کنند». این واژه ها عبارت اند

از: هجرت، نفر(رهسپاری)، عروج و .... (۱) در آیه شریفه ۸۲ سوره مبارکه غافر آمده است: «أَفَلَمْ یَسِیرُواْ فِی الْأَرْضِ فَیَنظُرُواْ کَیْفَ کَانَ عِقِبَهُ الَّذِینَ مِن قَبْلِهِمْ»؛ آیا سیر و سفر نکرده اند که بنگرند سرانجام کسانی که پیش از آنان بوده اند چگونه بوده است؟ و در آیات دیگر به سیر در زمین اشاره و در برخی از آیات، احکام سفر تشریح و تعیین شده است. در روایات نیز سفر مورد تأکید قرار گرفته است و آداب خاصی نیز برای آن بر شمرده اند. (۲) سفر، موجب تکامل و تعالی انسان و بیانگر عروج اوست؛ سرشت آدمی توجیه کننده سیر و سفر و سیاحت و گردش گری است. با سیری در تاریخ و مروری بر احوال بزرگان علم و اخلاق، به این نکته پی می بریم که بسیاری از چهره های پر فروغ جوامع بشری و راهنمایان و مربیان آدمی، برای نیل به فضایل اخلاقی و دسترسی به معارف عالی بشری سفرها کرده و مرارت ها و سختی ها کشیده اند. به همین دلیل در دیوان شعرای فارسی و تازی و کتب نویسندگان، مضمون هایی نیکو و عبارت هایی آموزنده در مورد آثار سفر بر تعالی روح و اخلاق آمده است.

سعدی شیرازی می فرماید:

بسیار سفر باید تا پخته شود خامی صوفی نشود صافی تا در نکشد جامی

عطار سروده است:

زین بحر همچون باران بیرون شو و سفر کن زیرا که بی سفر تو هرگز گهر نگردی

ابوحامد محمد غزالی نیز در فواید سفر گفته است: «آن که سفر کند، خویشتن و اخلاق خویشتن را بشناسد تا به علاج صفاتی که در وی مذموم است مشغول شود ...». (۳)

۱- «آهنگ زیارت»، مجله زایر، ش ۱۳۵، ص ۱۳.

۲- دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، «سیر و سفر در قرآن و روایات»، ص ۱۲۸.

۳- «تأثیر جهانگردی در ارتقای فرهنگ روحی- معنوی مسافر»، زایر، ش ۱۳۵، ص ۳۱؛ امثال و حکم دهخدا، ج ۲.

انواع سفر(زیارت)

اصولًا سیر و سفر دربردارنده انگیزه های متفاوتی است و آن در افراد، تنوع سفر را پدید می آورد، (۱) لذا سفر انواعی دارد. به طور کلی، سفر از دیدگاه محمد غزالی بر دو نوع ظاهری و باطنی تقسیم می شود: سفر باطنی، سفر دل است و سفر در ملکوت آسمان هاست و سفر ظاهری بر پنج قسم است: سفر اول، در طلب علم؛ سفر دوم، برای عبادت است؛ چون حج و جهاد و زیارت؛ سفر سوم، گریختن از چیزی که مشوش دین باشد؛ چون طلب جاه و مال و ولایت و شغل دنیا؛ سفر چهارم، تجارت در طلب دنیا؛ سفر پنجم، تماشا و تفرّج باشد. (۲) در یک تقسیم بندی جدید، سفر به چهار دسته تقسیم می شود: الف. سفرهای زیارتی و عبادتی؛ ب. سفرهای تبلیغی؛ ج. سفرهای جهادی؛ د. سفر آخرت(معاد) و باز هر کدام را انواعی است. اما آنچه به بحث ما مربوط می شود سفرهای زیارتی و عبادی است که انواع زیادی برای آن برشمرده اند: ۱. زیارت خانه خدا(سفر حج تمتع، عمره و قِران)، ۲. زیارت اماکن مقدس امامان علیهم السلام، بقاع متبرک امامزادگان و پیامبران، ۳. زیارت امام زمان(عج) در مساجد و اماکن مقدس، ۴. زیارت قبور مؤمنین و شهدا، شخصیت های دینی، علمی و ادبی و ...، ۵. زیارت مساجد و دیگر اماکن متبرکه، ۶. صله رحم و دیدار خویشان و دوستان و عیادت بیماران، ۷. دیدار بزرگان، مشاهیر علمی و ادبی و اساتید و تکریم آنان. (۳) با یک نگاه به تقسیم بندی بالا می توان گفت: به جز موارد ۱ و ۵(زیارت خانه خدا و مساجد و اماکن متبرک) در باقی موارد، موضوع انسانی یا شخصیتی دینی- فرهنگی زنده و یا از دنیا رفته که مورد احترام و در جایی مدفون و قبه و بارگاهی دارد، مطرح می باشد. برخی نیز زیارت را به دو بخش کلی زیارت معصومین علیهم السلام و زیارت مؤمنین تقسیم کرده اند. (۴)

۱- آهنگ زیارت، ص ۱۳.

۲- اماکن مذهبی ایران و توسعه گردشگری، ص ۳۴.

۳- همان، ص ۹۵ و ۹۶.

۴- دائره المعارف تشیع، «زیارت»، سیدمهدی حائری، ج ۸، ص ۵۶۴.

زیارت در لغت و تعریف آن

زیـارت در لغت بر اسـاس گفته راغب اصـفهانی در المفردات برگرفته از ریشه «زور» و به معنـای بالای سـینه است. فلانی را زیـارت کردم یعنی بـا بالای سـینه ام او را ملاقـات کردم، یا این که قصـد نمودم بالای سـینه او را هنگامی که به سویش توجه نمودم و در فارسی دیدار با قصد، بازدید کردن و آهنگ چیزی نمودن است [(۱)](#) و جمع آن «زیارات».

اما یک حـدس آن است که زیارت واژه ای است فارسـی از ریشه «زَوْر» که در زبان پهلوی «زوهر- زهور» بوده و با حذف «ه» تبـدیل به «زور» شـده است و در فارسـی دری به یـک معنی نـذورات که نام یکی از عبادات و از لوازم و ابزار آن بوده، آمـده است. [(۲)](#) با این تعریف، زور با نذر و نذورات در زیارت و اماکن زیارتی ارتباط پیدا می کند.

زیارت در اصـطلاح «حضور در پیشگاه شخص به جسم و جان و با توجه قلبی و حضور دل نسبت به اولیای خداست». [(۳)](#) که این حضور در مشاهـد متبرک امامان معصوم علیهم السلام و بقاع متبرک امامزادگان، پیامبران، بزرگان دینی و ... و یا رفتن به دیـدار یکدیگر و بزرگان انجام می شود. [(۴)](#) به سـخن دیگر «به شـکل خاصـی از نیایش که کسی یا چیزی را مورد توجه قرار می دهند» [(۵)](#) و دعایی را که به عنوان تشرف باطنی برای ائمه هدی علیهم السلام و اولیای خدا می خوانند [(۶)](#) و سپس طلب حاجت می نمایند نیز زیارت گویند.

زیارت کننده شخص محترم و بزرگ زنده یا مرده را به جسم و جان و حضور قلب «زایر» می نامند.

آنچه از عنوان مقاله، نیاز به توضیح کوتاه دارد مسأله «شعر» است. در فرهنگ ها

۱- زیارت، ص ۷.

۲- سبک شناسی، ج ۱، ص ۲۶۶- ۲۶۸.

۳- دائره المعارف تشیع، «زیارت»، سید مهدی حائری، ج ۸، ص ۵۶۴.

۴- فرهنگ فارسی معین، ج ۲، ص ۱۷۶۷.

۵- «جامعه شناسی زیارت»، زایر، ش ۷۷، ص ۸ و ۹.

۶- فرهنگ معین، ج ۲، ص ۱۷۶۷.

شعر «سخن موزون و غالباً مقفی حاکی از احساس و تخیل» معنی شده است. جمع آن «اشعار» و فرق شعر و نظم را در این امر دانسته اند که شعر کلامی است موزون و خیال انگیز و نظم کلامی است موزون و قافیه دار (۱) و شاعری به قول نظامی عروضی در چهار مقاله، صناعت و فنی است که شاعر به وسیله آن مقدمات توهم زا را فراهم آورد و قیاس های نتیجه دهنده را باهم سازگار سازد «بر آن وجه که معنی خُرد را بزرگ گرداند و معنی بزرگ را خرد و نیکو را در خلعت زشت باز نماید و زشت را در صورت نیکو جلوه کند» و به واسطه ایهام سرشت ها را گرفتگی و گشادگی خاطر پدید آید. (۲) لذا گفته اند: شعر به معنی شعور و آگاهی و در حدیث، حکمت است. شعر و شاعری یکی از زیر مجموعه های علوم ادبی و ادبیات است. (۳) با این توضیح و این که موضوع مقاله تجلی زیارت در شعر و ادب فارسی است، شایسته است پیش از پرداختن به مسأله زیارت در شعر و ادب فارسی، از زیارت در قرآن و روایات بحثی کوتاه به رشته تحریر درآوریم.

واژه زیارت در قرآن کریم تنها در دو مورد به طور صریح آمده است که اولی «تَّزَ وَرُ عَن كَهْفِهِمْ» (۴)

به معنای مفهومی زیارت، گراییدن(در جریان غار اصحاب کهف) و دومی «حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ» (۵)

به معنی اصطلاحی زیارت قبور است. (۶) و آیه «... وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُواْ أَنفُسَهُمْ جَآءُوكَ فَاسْتَغْفَرُواْ اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ ...» (۷) به لحاظ تفسیری در مورد استحباب و مشروعیت زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله استشهاد می شود. (۸) همچنین در آیات دیگری به طور کلی به مفهوم زیارت اشاره دارد (۹). (۱۰)

۱- همان.

۲- چهار مقاله، ص ۴۲.

۳- فرهنگ معین، ج ۱، ص ۱۷۸؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱، ص ۱۱۹ و ۱۲۰.

۴- سوره کهف، آیه ۱۷.

۵- سوره تکاثر، آیه ۲.

۶- زیارت در قرآن، ص ۷ و ۸.

۷- سوره نساء، آیه ۶۴.

۸- «هدف از زیارت»، میراث جاویدن، ش ۵۲، ص ۲۴.

۹- ر. ک: سوره اسراء، آیه ۱؛ سوره طه، آیه ۱۲؛ سوره کهف، آیه ۲۱؛ سوره بقره، آیه ۱۱۵.

۱۰- . «زیارت و دیانت یا جهانگردی و سیاحت؟»، میراث جاویدان، ش ۵۲، ص ۶۷ و ۶۸.

زیارت در سیره و سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام یکی از اعمال پسندیده و سنت های برجسته اسلامی است که درباره آن تأکید و تشویق فراوان شده است. بر اساس روایات، زیارت در سه زمینه: ۱. زیارت اهل قبور و شهدا؛ ۲. ائمه معصومین علیهم السلام؛ ۳. زیارت یکدیگر، از صدر اسلام تاکنون وجود داشته است که برای هر یک نمونه ای از تاریخ و روایات می آوریم.

۱. زیارت اهل قبور و شهدا: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای زیارت به بقیع می رود و کیفیت زیارت اهل قبور را به بعضی از همسرانش تعلیم می دهد. فاطمه زهرا علیها السلام به زیارت شهدای احد می رود. امّ سلمه همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله در ماه یک بار به زیارت شهدای احد می رود و به آنها سلام می کند و به غلامش دستور می دهد که به شهدای احد سلام کند». (۱) ۲. زیارت ائمه معصومین علیهم السلام: امام صادق علیه السلام از قول پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله می فرماید: «

مَنْ اتانی زائِراً کُنْتُ شَفیعُهُ یَوْمَ الْقیمَهِ

»؛ هر که به عنوان زیارت به سویم آید، روز قیامت شفیع او خواهم بود. همچنین ایشان در مورد زیارت امام حسین علیه السلام می فرماید: هر که حسین بن علی علیه السلام را با شناخت حق امام(عارِفاً بِحَقِّهِ) زیارت کند، از سخنگویان با خدا بر فراز عرش اوست. (۲) تقریباً در اکثر زیاراتی که برای ائمه علیهم السلام در کتب ادعیه به صورت مأثور وارد شده، عباراتی مثل عارفاً بحقّه، زائراً عارفاً و غیره در پایان زیارتنامه آمده که حاکی از اهمیت و ضرورت زیارت عارفانه و از روی معرفت و شناخت نسبت به مراقد مطهره ائمه طاهرین علیهم السلام است.

در ثواب زیارت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام از امام جواد علیه السلام نقل شده است که فرمود: هر که قبر پدرم را زیارت کند، بهشت برای اوست. (۳) نظیر همین روایت، روایاتی از امام نهم برای ثواب زیارت آستانه حضرت معصومه علیها السلام (۴) و امام علی علیه السلام در

۱- هدف از زیارت، ص ۲۱.

۲- زیارت، سید محمّد حسینی، ص ۸ و ۱۲.

۳- همان، ص ۲۶.

۴- منتخب ادعیه و زیارات، به نقل از وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۵۲.

مورد زیارت دانیال نبی علیه السلام واقع در شهر شوش وارد شده است. در مورد زیارت امامزادگان و استحباب آن نیز حدیث داریم. زیارت هر امامزاده آن گاه به درجه کمال می رسد که پیغمبر اسلام در پایان آن حدیثی که در شأن فاطمه زهرا علیها السلام فرموده: «

... وَ مَنْ زارَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ فَكَانَّما زارَ عَلِيّاً و مَنْ زارَ ذُرِيَّتهما فَكَانَّما زارَهُما

»؛ یعنی کسی که امام حسن و امام حسین علیهما السلام را زیارت کند، مثل این است که حضرت علی علیه السلام را زیارت کرده باشد و کسی که فرزندان آن دو را زیارت کند، مانند این است که آن دو بزرگوار را زیارت کرده است. پس از این حدیث این طور استنباط می شود که زیارت غیر معصوم و امامزادگان و توسعاً سادات، فرزندان و نوادگان ائمه علیهم السلام نیز مستحب است، (۱) مانند زیارت عبدالعظیم حسنی علیه السلام در شهر ری که به فرموده امام حسن عسکری علیه السلام ثواب زیارت سیدالشهدا علیه السلام را دارد. هدف پیشوایان عالی قدر درباره زیارت افراد غیر معصوم، غیر از زیارت و ثواب آن، منظورهای سیاسی و اجتماعی هم بوده است. (۲) ۳. زیارت یکدیگر: در مورد زیارت یکدیگر و فواید آن، حدیثی از امام صادق علیه السلام منقول است که فرمود: به زیارت یکدیگر بروید؛ زیرا زیارت شما از یکدیگر، زنده گردانیدن دل های شما و یاد نمودن احادیث ماست و احادیث ما، شما را به یکدیگر متوجه می سازد. (۳) تاریخ ادبیات و سبک شناسی شعر زیارت (۴)

پیش از آن که به بحث درباره تاریخ ادبیات و سبک شناسی شعر زیارت بپردازیم، لازم است به اوضاع دینی مسلمانان و وضع شیعه در قرن های اول تا پنجم هجری

۱- تندیس عبادت، ص ۳۵، به نقل از بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۸.

۲- فرزندان امام موسی بن جعفر علیه السلام و تذکره آقا علی عباس علیه السلام، ص ۱۶۸ و ۱۶۹ از بحارالأنوار، ج ۹۹، ص ۲۹۵ و ج ۷۱، ص ۳۱۱.

۳- اصول کافی، باب مذاکره و گفت وگوی برادران، ج ۳، ص ۲۶۸.

۴- در مورد تاریخ ادبیات زیارت از دو منبع تاریخ ادبیات در ایران، جلدهای ۱، ۲، ۵(قسمت یکم) و از صبا تا نیما، ج ۱، استفاده بسیار برده ام.

نگاهی کوتاه بیفکنیم.

دکتر صفا در جلد یکم تاریخ ادبیات در ایران می نویسد: «در سه قرن اول هجری، ادیان و مذاهب قدیم ایران یک باره از میان رفت و مـذاهب اسـلامی خواه در ایران و خواه در خارج از ایران، با شدت کم نظیری ظهور کرد و اختلافات میان مسـلمانان به درجه ای بود که می توان گفت: بیشتر فرق و نحل خارج از انـدازه مسـلمین، در همین سه قرن به وجود آمـد و پایه ایجاد فرق دیگر هم در این سه قرن نهـاده شـد. علت این امر آن بود که هنوز مسـلمین و یـا نو مسـلمانان مشغول یافتن حقایق دین اسـلام بودند و اختلافات و مناقشات در افکار و اسلوب فکری مسـلمانان و در نتیجه در شـعر و نثر هم مؤثر افتاد. گذشـته از آن، خود موجب اتحـاد ادبیـات پر دامنه دینی مسـلمانان در این ایـام گردیـد. در قرن چهـارم و آغاز قرن پنجم هجری، مـذاهب اسـلامی دنبـاله مـذاهب دو قرن پیش و بیشتر غلبه با مـذاهب شافعیه، حنفیه، حنبلیه، شـیعه اثنی عشـری، اسـماعیلیه، قرامطه، خوارج و ... بوده است. وضع شـیعه در قرن چهـارم و اوایـل قرن پنجم از میـان سـایر قرون ممتـاز است، زیرا در این دوره بر اثر غلبه سادات طالبیه و امرای آنان از قبیل اسـفار، ماکان، مرداویج و آل بویه، قسـمت بزرگی از ایران تحت تسـلط دولت های طرفدار تشیع یا دولت های غیر مزاحم نسبت به شیعه قرار داشت.

آل سامان نسـبت به اهل ادیان و مـذاهب مختلف به ویژه شـیعه از در مخالفت درنمی آمدند. در بغداد و ممالک تابعه آل بویه شیعه در اقـامه مراسم مـذهبی خود آزاد بودنـد. امـا بعـد از غلبه سـلطان محمود غزنوی بر خراسان و عراق و تسـلط سـلاجقه بر ایران، شـیعه دچار مخالفت سخت دولت ها گردید. همچنین قرن چهارم مصادف است با دوره غیبت امام منتظر(عج) و این امر از چنـد جهت در عـالم تشیع مؤثر واقع شـد. نخست جلوگیری از تشـعب شـیعیان و دوم پیش آمـدن مسأله اجتهـاد و موضوع انتخاب کسـی از میان علمای شیعه به عنوان نایب امام و همین امر باعث تکامل علوم مذهبی شیعه از قبیل حدیث و فقه و کلام شد».

«فرقه اسماعیلیه از میان فرق شیعه، از باب تأثیری که در اوضاع دوره مذکور و ادب فارسی دارند، باید بیشتر از دیگران مورد توجه باشند. ظهور این فرقه اصلًا نتیجه اختلاف در امامت اسماعیل بن جعفر الصادق علیه السلام با برادر او حضرت موسی بن جعفر علیه السلام بوده است». اسماعیلیه به دلیل اهمیت اصل تبلیغ و دعوت برای آنها، به تألیف کتب و رسالات متعدد و سرودن اشعار به زبان فارسی توجه زیادی داشتند.

بزرگ ترین شاعر و نویسنده اسماعیلی، ناصر خسرو است که علاوه بر سرودن اشعار حکمی و وعظی در سفرنامه خود به موضوع زیارت خانه خدا و مقابر اولیا و انبیا عنایت وافری نشان داده است.

در این جا با توجه به تقسیم بندی ای که در مقدّمه به سفرهای زیارتی اشاره گردید، به نقش برخی از انواع زیارت در تبلور و غنا بخشی شعر در تاریخ ادبیات و سبک شناسی شعر در ایران می پردازیم.

۱. نقش زیارت حج(مکه) و روضه پیامبر صلی الله علیه و آله در شعر فارسی

حج در لغت به معنی «قصد پی در پی» است که به فتح حاء مصدر و به کسر آن، اسم مصدر است و در اصطلاح به زیارت خانه خدا با اعمال مخصوص به آن اطلاق می شود و اقسام و اعمال ویژه ای دارد: حج تمتّع، حج افراد و حج قِران. (۱) دکتر شمیسا در مورد اصطلاحات اسلامی در شعر دوره های نخستین می نویسد:

از ویژگی های فکری شعر سده های اول تا سوم، یعنی سبک خراسانی، آن است که اشاره به معارف اسلامی، حدیث و قرآن(و زیارت) در آن کم است و آنچه هست صوری است و عمیق نیست و به اصطلاح مورد بحث و فحص و بسط قرار نمی گیرد و شاعر از آن مضمون نمی سازد و یا استفاده تمثیلی نمی کند و از آن بیشتر در جهت مدح ممدوح(پادشاهان) یا وصف معشوق استفاده می کند. برای مثال فرخی

۱- دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۱، ص ۸۹۴- ۸۹۶.

(م ۴۲۹ ق) برخی از لغات و اصطلاحات اسلامی و زیارتی مانند اذان، قرآن، مکه، نبوت، پیغمبر اسلام و ... را در اشعار خود آورده. در مورد مکه گفته است:

گاه می خوردن می تو بر کف معشوق تو وقت آسایش بتت را پای تو اندر کنار

مر مرا در خدمت تو زندگانی باد دیر تا ببینم مر تو را در مکه با اهل و تبار! (۱)

علت آن را باید در نوپایی عقاید اسلامی در میان شاعران این دوره جست وجو نمود. موضوعی که از شعر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم عهد سامانیان و غزنویان شروع شده و در دوره سلجوقی تکامل یافت، حکمت و وعظ و مناقب اهل بیت علیهم السلام است که پیش درآمدی برای اشعار زیارتی بود و کسی که قصاید تمام و کامل در این موضوع ساخت کسایی مروزی بود و بعد از او ناصر خسرو قبادیانی به تقلید از او پرداخته است. شاعران شیعی و بزرگ این دوره همچون فردوسی، کسائی، فرالاوی، غضایری رازی و ... اشعار و قصاید غرایی در مفاهیم دینی و مدح و منقبت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام سروده اند؛ لیکن در باب موضوع زیارت به معنی اصطلاحی، اشعار چندانی یافته نمی شود. موسی فرالاوی از شعرای معروف هم عصر شهید بلخی و رودکی در این باره می گوید:

چه شغل باشد واجب تر از زیارت آنک اگر چه نیک بکوشم به واجبش نرسم

همی شفیع نیابم ازو به عذر گناه کریم طبعی او نزد او شفیع بسم

سبک شعر در نیمه دوم قرن پنجم و آغاز قرن ششم تحت تأثیر سبک دوره اول غزنوی قرار داشت و حتی گاهی شاعرانی می کوشیدند که سبک سامانی را احیا کنند.

مانند ناصر خسرو و قطران تبریزی. دکتر وزین پور درباره شعر ناصر خسرو می نویسد: شعر ناصر خسرو مانند شعر کسایی سرشار از حکمت و موعظه و اندیشه های مذهبی است (۲) و دکتر شمیسا در مورد سبک وی آورده است: قصاید او به

۱- سبک شناسی شعر، ص ۶۸ و ۶۹.

۲- گزیده سفرنامه ناصر خسرو، مقدمه.

لحاظ اوزان سنگین و قوافی مشکل و لغات اصیل کهن و مضامین مذهبی و فلسفی و انتقادی متشخص است و از این رو باید او را صاحب سبک شخصی دانست. (۱) ناصرخسرو در قصیده ۳۴ بیتی معروف خود(حاجیان آمدند با تعظیم/ شاکر از رحمت خدای رحیم) حدیثی طولانی از امام زین العابدین علیه السلام را که حاوی ادب باطنی زیارت حج و گفت وگویی عمیق، زیبا و بدیع امام سجاد علیه السلام با شبلی که از حج آمده بوده، به نظم کشیده است. (۲) وی همچنین در سفرنامه منثور خویش به زیارت خانه خدا، مقابر و مشاهد اولیا و انبیا اشاره فراوان کرده و توصیفات دقیق، خواندنی و بدیعی دارد.

خاقانی(م ۵۹۵ ق) بر خلاف نظامی که بیشتر به داستان سرایی پرداخته و چندان میل به سفر نداشت، شیفته سفر بوده، به ویژه، سفر زیارتی خانه خدا. وی تحفه العراقین را درباره سفر مکه در شروان سروده است. به دلیل اهمیتی که خاقانی در سرودن اشعار زیارتی در شعر و ادب فارسی داشته است، به نقش زیارت کعبه و پیامبر صلی الله علیه و آله در شعر او به طور ویژه نگاه می افکنیم.

نقش زیارت کعبه و پیامبر صلی الله علیه و آله در شعر خاقانی (۳)

خاقانی در پرتو ابیات و تصاویر بلند به معبود و نشانه های معبود خود عشق می ورزد و شگفتا که در عین عاشقی، عقل و خرد و تخیلش را در حد کمال به کار می گیرد تا با استفاده از آیات و احادیث و تلمیحات، آداب و برکات زیارت را ذکر نماید. زایر از منظر وی، ابتدا عاشقی است عاقل، اما به تدریج عاقلی عاشق می شود که هیچ وقت زیارت بی معرفت و حکمت را روا نمی دارد. از این رو در قربانگاه حق، نفس را

۱- سبک شناسی شعر، ص ۶۳ و ۶۴.

۲- زیارت، جواد محدثی، ص ۳۹ و ۴۰؛ دیوان ناصر خسرو، ص ۳۰۰ و ۳۰۱.

۳- «تجلی زیارت در شعر خاقانی»، زائر، ش ۷۵، ص ۹ و ۱۰ و نیز ر. ک: «توصیف کعبه و مدینه و خراسان در شعر خاقانی» مجله مشکوه، ش ۵.

قربانی می کند نه گوسفند را:

بامدادان نفس حیوان کرده قربان در منی لیک قربان خواص از نفس انسان دیده اند

به گفته دکتر زرین کوب در با کاروان حله تمایلات پارسایی در طی سفر مکه و تأثیر زیارت روضه پیغمبر صلی الله علیه و آله در وی، قوت پیشتر یافت و چون به سبب غرور باطنی در دل از ستایشگری شاهان ناخرسند بود، این داعیه تازه در جانش آویخت که از این پس «حسان عجم» شود و مثل حسان که ستایشگر پیغمبر بود وی نیز به مدح پیغمبر بسنده کند و از ستایش دیگران کنار جوید. خاقانی در ادامه قصیده مذکور گوید:

هر کبوتر کز حریم کعبه جان آمده از یر پرش نامه توفیق پنهان دیده اند

اما تنها وصف کعبه نیست که در نزد خاقانی این قدر ارج و قرب دارد، بلکه پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله نیز در پرتو قصاید فخیم و استواری مورد ستایش او قرار گرفته است.

آن گونه که برخی استادانِ خاقانی شناس همچون دکتر کزازی در رخسار صبح عنوان نموده اند، ستایش پیامبر صلی الله علیه و آله و کعبه، زمینه های گسترده از سخن خاقانی را در بر می گیرد، بلندترین و شیواترین ستایش در پهنه ادب فارسی، از آنِ اوست.

ابوالعلاء گنجوی، استاد و پدرزن خاقانی نیز از شاعران قرن ششم حوزه شمال غربی ایران، در قصیده ای در فخریه و تبرای از تهمت به مدح شروان شاه منوچهر، ضمن سوگند و احترام به کتب پیامبران، کعبه، سنگ سیاه(حجر الاسود) و کوه صفا، از سخن بد گویان خود را پاک و منزه می دارد:

به حق حرمت انجیل و عزت تورات به سرّ صحف براهیم و رتبت بطحا

به عزت شب معراج و حرمت حجاج به حق کعبه و سنگ سیاه و کوه صفا

منزهم چو محمد ز گفته کفار مقدسم چو معبد ز کعبه ترسا (۱)

۱- سبک شناسی شعر، ص ۱۴۲- ۱۴۵.

دکتر ذبیح اللّٰه صفا می نگارد:

از اواسط قرن پنجم شاهد نهضت تازه و پراهمیتی در دربار غزنویان می شویم و آن کوشش های شاعرانی مانند مسعود سعد، ابوالفرج رونی، سنایی، سید حسن غزنوی و همعصران آنان است که از آن میان در شیوه سنایی، زهد و وعظ و افکار صوفیانه و زاهدانه، با منطق حکیمانه در آمیخت و منظومه های وی به ویژه سیر العباد و حدیقه الحقیقه دارای ابیاتی است که جز با اطلاع کامل از حکمت و یک دوره علوم مذهبی و معقول قابل حل نیست. (۱) از شعرای شیعی نیمه اول قرن ششم هجری، قوامی رازی، سید حسن غزنوی، حسن متکلم کاشی و حمزه کوچک نیز به سرایش مواعظ و حکم و مناقب خاندان رسالت شهرت دارند. سید حسن غزنوی بعد از سال(۵۴۴ ق) از نیشابور به بغداد و از آن جا به مکه رفت و سپس به زیارت قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شتافت و این قصیده زیبا را بگفت:

یا رب این ماییم و این صدر مصطفاست یا رب این ماییم و این فرق عزیز مجتباست

در زمان صفویه از سده دهم هجری به بعد، سفرنامه نویسی زیارت حج به صورت شعر نیز مرسوم گردیده است؛ مانند فتوح الحرمین تألیف محیی الدین لاری از ادیبان و شعرای قرن دهم که نسخه خطی آن وقف کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی شده است (۲) و پس از آن سفرنامه حج تحفه الحرمین یوسف ناجی(۱۰۵۲- ۱۱۲۴) شاعر برجسته ترک که در شرح سفر طولانی خود از استانبول به حرمین شریفین در سال ۱۰۹۰ سروده است. (۳) شرف الدین حسن شفایی(م ۱۰۳۷ ق) نیز به تقلید از تحفه العراقین خاقانی، مثنوی مطلع الأنوار را ساخته است. (۴)

۱- تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲، ص ۳۳۶- ۳۴۵.

۲- زائر، «اخبار حرم»، ش ۱۳۵، ص ۲۳.

۳- «سفرنامه حج تحفه العراقین»، زائر، ش ۱۳۱، ص ۳۳.

۴- تاریخ ادبیات ایران، ج ۱، ص ۵۳۷.

۲. زیارت امام زمان(عج) در زیارت حج و اماکن مقدس

غیبت امام عصر(عج) در قرن سوم اتفاق افتاده، و آن حضرت از طریق نوّاب اربعه با مردم در ارتباط بوده است، اما بعداً اشخاص و بزرگانی در بیداری یا رؤیا و خواب به زیارت آن حضرت نائل آمده اند. این ملاقات ها و زیارت ها از ابتدا در منزل امام عسکری علیه السلام و سپس در سفر حج و دیگر اماکن مقدس رخ می داده است. لذا به دلیل توالی تاریخی و اهمیت زیارت ایشان به عنوان «امام زنده زمان» و نیز معرفی یکی از انواع سفرهای زیارتی به بحث درباره زیارت امام زمان(عج) در این قسمت اشارت می نماییم.

«آنچه مسلّم است این است که تشرف به خدمت حضرت مهدی(عج)، لطف و عنایت الهی را می طلبد؛ اگر چه باید دانست که عدم رؤیت و زیارت حضرت، دلیل بر بی توجهی و بی عنایتی از ناحیه حضرت نمی باشد. نکته قابل تأمل این است که رؤیت حضرت مصلحت دینی و شخصی را می پذیرد، چه بسا اصرار بر دیدن حضرت، بدون آمادگی و عدم خلوص سبب شود که انسان نتواند حقیقت و سرّ آن را درک کند و جبراً کشف سرّ کند. این کشف سرّ امام، مانند محاربه با امام است و کسی که با امام خود، چه در حضور و چه در غیاب محاربه کند، فی الواقع مشرک گردیده است».

چنان که شیخ طوسی در کتاب غیبت این مطلب را در حدیثی از حضرت حجت(عج) به حسین بن روح، نایب خاصش نقل می نماید. لذا طبق مصلحت باید حضرت مهدی(عج) از انظار عموم دور باشد و اگر تفحص و تجسس برای پیدا کردن و رؤیت صورت گیرد، این عمل منافی با حکمت غیبت و نقض غرض حکیم مطلق است. (۱) مسأله زیارت امام زمان(عج) همیشه سؤال برانگیز بوده و عوام و خواص در این باره ابهاماتی داشته اند.

۱- سؤال از امام مهدی(عج) در روایات، ص ۱۳۱- ۱۳۵؛ به نقل از دار السلام، شیخ محمود عراقی، ص ۲۵۱.

حجت الاسلام حسین گنجی در کتاب چهارده گفتار پیرامون ارتباط معنوی با حضرت مهدی(عج)(ص ۲۰- ۲۴) در مورد امکان زیارت حضرت می نویسد:

«سید بن طاووس رحمه الله درباره ملاقات با امام زمان(عج) در کتاب کشف المحجه لثمره المهجه می فرماید: «اعْلَمْ انَّ الطَّریقَ الی امامِکَ مَفْتُوحٌ لِمَنْ یُریدُ اللَّه عزَّوَجَلّ کَرامَتَهُ عَلَیْه»؛ بدان که راه به سوی امام توبرای کسی که خداوند اراده فرموده است آنها را اکرام کند باز است. مرحوم آیت الحق سید علی قاضی در پاسخ به پرسش برخی از شاگردانش درباره رسیدن به خدمت امام زمان(عج) فرمود: خدمت خدا در نماز می شود رسید، خدمت بنده خدا نمی توان رسید؟! پس زیارت و باریافتن به حضور آن حضرت امکان پذیر است، اما به اذن و توفیق الهی؛ خوشا به حال افرادی که به زیارت حضرت نائل و با آن حضرت همنشین شده اند! و چه بسا حضرت برای افرادی ظاهر می شوند ولی آن حضرت را نمی شناسند و یا این که بعداً ایشان را می شناسند. روایات در این زمینه ها بسیار است، چنان که شیخ طوسی در کتاب الغیبه خود به برخی از آنها اشاره و صاحبدلان و بزرگانی را که موفق به زیارت قطب عالم امکان، حضرت صاحب الزمان(عج) در دوره غیبت شده اند معرفی نموده است. از جمله علما و بزرگانی که به زیارت آن حضرت نائل آمده اند، عبارت اند از: ابوجعفر اودی(ازدی) در سال ۳۰۰ ق در طواف کعبه، محمد خلف در سال ۲۹۳ در طواف کعبه، یوسف بن احمد جعفری ۳۰۶ پس از سفر حج در راه شام، احمد بن عبداللَّه هاشمی ۲۶۰ در منزل امام عسکری علیه السلام، محمد بن احمد انصاری ۲۹۳ در مکه، علی بن مهزیار اهوازی در سفر حج، (۱) سید احمد رشتی ۱۲۸۰ در سفر به مکه، (۲) شیخ مفید، علامه حلّی، سید بحرالعلوم، شیخ رجبعلی خیاط و ...».

۱- خورشید در نهان، ج ۲، ص ۳۵۴.

۲- مفاتیح الجنان، ص ۱۰۱۱ و ۱۰۱۲. علامه مجلسی در بحار الأنوار، ج ۵۳ قضایای متشرفین به محضر حضرت را نقل می کند. ر. ک: چهارده گفتار پیرامون ارتباط معنوی با حضرت مهدی(عج)، ص ۲۹.

در مورد حالات، ویژگی ها، ظهور، مدح و منقبت و انتظار حضرت صاحب الامر(عج) در میان دیوان های شاعران فارسی و تازی سروده های خالصانه بسیاری یافته می شود، اما به جریان زیارت ها و ملاقات های بزرگان با آن حضرت به صورت شعر و منظومه های داستانی کم تر پرداخته شده است که در این باب، همت شاعران فرهیخته را در سرایش منظومه های داستانی در زمینه زیارت امام منتظر(عج) می طلبد. با این حال، برای زندگانی و شرح احوال امام زمان(عج) کتاب نامه هایی تهیه شده است که یکی از آنها کتاب در جست وجوی قائم(عج) درباره معرفی ۱۸۵۰ جلد کتاب پیرامون زندگی حضرت بقیّه اللّه الاعظم(عج) تألیف حجت الاسلام سید مجید پور طباطبایی از انتشارات مسجد مقدس جمکران است. این اثر در دو بخش باریافتگان به حضور حضرت قائم(عج)(ص ۳۶۶ و ۳۶۷) و مهدی(عج) در آینه شعر و ادبیات(ص ۲۲۱- ۲۲۹) به معرفی کتاب هایی در زمینه نثر زیارت امام زمان(عج) و شعر در مدح و منقبت آن حضرت پرداخته است.

۳. زیارت عتبات عالیات در شعر

زیارت عتبات عالیات در عراق، به ویژه کربلا ـ و نجف پس از زیارت کعبه معظمه و مدینه منوره، مورد توجه خاص ائمه معصومین علیهم السلام در روایات بوده است و بیشترین ارادت و احترام را در نزد علما، دانشمندان، شاعران و نویسندگان فارسی زبان را به خود جلب نموده است. چه آنها با زیارت و تشرف به عتبات و یا در شهر و موطن خود و در آرزوی زیارت عتبات اشعاری ناب از خود به یادگار نهاده اند.

چنان که گفتیم از قرون سه تا پنج هجری اشعاری درباره زیارت وجود نداشت، اما از قرن ششم به بعد زیارت عتبات در شعر شعرا، نمود پیدا می کند. خاقانی مشتاق زیارت عراق هست و از شروان زادگاه خود گلایه دارد:

در همه شروان مرا حاصل نیامد دوست دوست خود ناممکن است ای کاش بودی آشنا

من حسین وقت و نااهلان یزد و شمر من روزگارم جمله عاشورا و شروان کربلا

ای عراق اللّه جارک سخت مشغولم به تو وی خراسان عمرک اللّه سخت مشتاقم تو را (۱)

زیارت در شعر سبک عراقی

در حمله مغولان و دگرگونی کامل اوضاع اجتماعی، یکسره سبک خراسانی محو شد و سبک عراقی رواج تام یافت. سبک عراقی دو ویژگی مهم دارد و آن شیوع عرفان و غزل است. شیوه سنایی و خاقانی و نظامی سرانجام به شعر عرفانی کشید و از طریق عطار به مولانا رسید و به قول سلطان ولد در مقابل شعر شعرا، شعر اولیا پدید آمد.

نظامی در مخزن الاسرار تأکید دارد که شعر باید مبتنی بر شرع باشد و ظاهراً مراد از آن معنویات و اخلاق است و شعر به این معنی در شعر سنایی و عطار هم سابقه دارد. (۲) شعر شرعی در آثار سعدی نیز به ویژه در حکایات بوستان علاوه بر مدح و نعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، «آل رسول» و «بنی فاطمه» در دیباچه آثارش، از اصطلاحات زیارت، زیارتگاه، مسجد و ... بسیار استفاده نموده است. در حکایت دهم باب دوم بوستان(شرح خزائلی ص ۱۷۵ و ۱۷۶) درباره کرم، کار خیر و زیارتگاه گفته است:

کرم کن چنان کت برآید زدست جهانبان درِ خیر برکس نبست

گرت در بیابان نباشد چهی چراغی بنه در زیارتگهی

سعدی در گلستان هم حکایت های لطیف و نغزی در مورد زیارت مکه، حجاج، زیارتگاه دارد که ذکر یکی از حکایات او در زمینه حجاج و حاجی در این جا خالی از

۱- سبک شناسی شعر، ص ۱۱۰.

۲- همان، ص ۱۹۲- ۲۰۹.

لطف نیست. «سالی نزاعی میان پیادگان حجاج افتاده بود و داعی در آن سفر هم پیاده بود. انصاف در سر و روی هم فتادیم و داد فسوق و جدال بدادیم. کجاوه نشینی را دیدیم که با عدیل خویش می گفت: یا للعجب! پیاده حجاج(چون) عرصه شطرنج به سر می برد فرزین می شود یعنی به از آن می شود که بود و پیادگان حاج بادیه به سر بردند و بتر شدند!

از من بگوی حاجی مردم گزای را کو پوستین خلق به آزار می درد

حاجی تونیستی شترست از برای آنک بیچاره خار می خورد و بار می برد» (۱)

عطار و مولانا هم در مدح و ستایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و شخصیت عرفانی امیر المؤمنین علیه السلام اشعار نغز، مؤثر و بی بدیلی را در تاریخ شعر فارسی انشاد نموده اند.

مولانا در سفر بلخ به قونیه به زیارت عتبات مقدس و از آن جا از راه دمشق(نزدیک سال ۶۱۸ ق) به قونیه رفت. (۲) اما حافظ که در قرن هشتم شعر شعرا و شعر اولیا را در هم آمیخت و «شعر کیمیا» ساخت، (۳) دو غزل مشهور(زان یار دلنوازم شکریست با شکایت ....) و(دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند ...). در ابیاتی به عبارات «رندان تشنه لب» و «سرهای بریده» و «شب قدر» به جریان شهادت امیر المؤمنین علیه السلام و قضیه شهدای کربلا اشارات و تلویحاتی دارد و همچنین به طور صریح یک رباعی در مدح امیر المؤمنین علیه السلام به او منسوب است:

مردی ز کننده در خیبر پرس اسرار کرم ز خواجه قنبر پرس

گر طالب فیض حق به صدقی حافظ سرچشمه آن ز ساقی کوثر پرس

در مقطع غزلی همت(شحنه نجف) را بدرقه راه صادقانه خویش نسبت به خاندان پیامبر، به ویژه زیارت امیر المؤمنین، علی علیه السلام می داند:

حافظ اگر قدم زنی در ره خاندان به صدق بدرقه رهت شود همت شحنه نجف (۴)

۱- گلستان سعدی، ص ۱۵۹.

۲- تاریخ ادبیات ایران، ج ۱، ص ۴۳۴.

۳- ر. ک: سبک شناسی شعر، ۱۹۲- ۲۰۹.

۴- دیوان حافظ، ص ۲۱۲ و ۳۷۲.

حافظ همچنین از زیارت، زیارتگاه، آرامگاه و ... در معانی حقیقی و استعاری و عرفانی آن بهره برده است.

بر سر تربت ما چون گذری همت خواه که زیارتگه رندان جهان خواهد بود

***

ثواب روزه و حج قبول آن کس برد که خاک میکده عشق را زیارت کرد

جامی و زیارت عتبات

توجه به موضوع های مذهبی و زیارت با اقبال «عبدالرحمن جامی» در قرن نهم معطوف می شود.

«جامی خاضعانه نسبت به آل اللّه به ویژه امیر مؤمنان، علی علیه السلام ابراز ارادت کرده است. حکّام عهد جامی هر جا کسی را می یافتند که حب علی علیه السلام را در سینه داشت به سختی مجازات می کردند و جامی نیز با این که در تقیه عقاید خود را در ایران پنهان می داشته، در سفر عراق با دلی مطمئن و خاطری آسوده به زیارت حرم علوی علیه السلام می شتابد. سروده او در مدح سالار شهیدان، امام حسین علیه السلام حاکی است که وی به کربلا سفر کرده است.

کرده ام از دیده پای سوی مشهد حسین هست این سفر به مذهب عشاق فرض عین

خدام مرقدش به سرم گر نهند پای حقا که بگذرد سرم از فرق فرقدین» (۱)

با تشکیل دولت صفویه(۹۰۷– ۱۱۴۸ ق) و از سده دهم هجری به بعد سفرنامه نویسی به صورت شعر هم رایج شد. از جمله این سفرنامه های منظوم، سفرنامه سید مهدی بحرانی در گذشته به سال ۱۲۴۳ ق در باره کاظمین است که آن را با

۱- جامی و سروده های ولایی، ص ۱۷؛ مفاتیح الجنان، ص ۹۲۸؛ چند مرثیه از شاعران پارسی گوی، ص ۲– ۱۲.

عنوان رحله الشّتاء و الصّیف به رشته تحریر درآورده است. (۱) ۴. زیارت مشهد الرضا علیه السلام در شعر

در جغرافیـای کهن، دو منطقه اصـلی و مهم ایران، خراسـان و عراق(ایران) است و از این رو شـعر به اعتبار شاعران، یا خراسانی است یا عراقی و شاعران، شعر خود را به یکی از این دو منطقه نسبت می دهند.

- خاقانی شروانی(م ۵۹۵) مدام در آرزوی دیدن خراسان و زیارت فضلای آن جا بود.

به خراسان شوم انشاء اللَّه آن ره آسان شوم انشاء اللَّه

عندلیبم چه کنم خارستان به گلستان شوم انشاء اللَّه (۲)

در سال ۵۴۹ ق خاقانی با اجازه شـروان شاه اخسـتان به شوق دیدار خراسان که آرزوی دیرینه او بود، از شروان بیرون آمد، اما چـون در شـهری بیمـار شـد و خراسـان نیز بر اثر فتنه غز و حبس سـلطان سـنجر و قتـل محمـد بن یحیی گرفتـار هرج و مرج و آشوب گشت، به دستور پادشاه مجبور به چشم پوشی از مسافرت شد و این گونه به حسرت در قصیده ای مویه می کند:

چه سبب سوی خراسان شدنم نگذارند عندلیبم، به گلستان شدنم نگذارند

نیست بستان خراسان را چون من مرغی مرغم آوخ سوی بستان شدنم نگذارند

یا در قصیده ای دیگر گوید:

رهروم مقصد امکان به خراسان یابم تشنه ام مشرب احسان به خراسان یابم

این گونه قصاید زیبا و غرای خاقانی درباره خراسان را «خراسانیه های دیوان خاقانی» نامیده اند. (۳)

۱- «بقاع متبرکه و صنعت گردشگری»، میراث جاویدان، ش ۵۲، ص ۱۱۸ و ۱۱۹.

۲- سبک شناسی شعر، ص ۱۰۹.

۳- «به خراسان روم ان شاء اللَّه، بررسی خراسانیه های خاقانی شروانی»، زائر، ش ۷۷، ص ۳۰.

- نورالدین عبدالرحمن جامی نیز در قرن نهم در مدح و منقبت خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ویژه علی بن موسی الرضا علیه السلام، حریم درگاه آن امام همام را قبله گاه سلاطین می داند:

سَلامٌ عَلی آلِ طاها وَ یس سَلامٌ عَلی آلِ خَیرِ النَّبِیین

سَلامٌ عَلی رَوْضَهٍ حَلَّ فیها امام یُباهی بِهِ الْمُلکُ وَالدّین

امام به حق شاه مطلق که آمد حریم درش قبله گاه سلاطین

منقبت گویی و مرثیه سرایی در عهد صفوی

با مرگ جامی دوره شعر کلاسیک که با رودکی آغاز شده بود، پایان یافت. در روزگار پرعظمت پادشاهان صفوی هیچ شاعر مبتکر و بزرگی که در تاریخ ادبیات ایران نام و مقام شایسته ای یابد برنخاست. این امر را باید در سیاست کلی پادشاهان صفوی جست که به دلایل داشتن مقام شیخی و رهبری طریقت و تماس با رؤسای مذاهب و رقبایی چون شاهان عثمانی و هند به شعر و شاعری توجه یک سویه داشتند (۱) و بیشتر همّ خود را صرف ترویج مذهب تشیع می کردند و اکثر اشعار به جای مدیحه و غزل در مدح و منقبت اولیای دین و ذکر کرامات ائمه اطهار علیهم السلام و مصیبت شهیدان کربلا و بزرگداشت امام زادگان در ایران بود. محرک های شاعران در سرودن این گونه اشعار، هدفمندی، (۲) پرداختن به باورداشت های مذهبی و کسب ثواب اخروی را نیز نباید از نظر دور داشت. لازم به یادآوری است که منقبت گویی و مرثیه سرایی ویژه شعر عهد صفوی و حتی زبان فارسی نبوده است، چه این دو موضوع در اشعار شعرای سده های پیشین، به ویژه قرن های هشتم و نهم و در زبان عربی در اشعار ابوالاسود دوئلی در منقبت امیرالمؤمنین علیه السلام، قصیده میمیه فرزدق در مدح امام زین العابدین علیه السلام،

۱- سبک شناسی شعر، ص ۲۸۸.

۲- دایره المعارف تشیع، مقاله «رابطه فرهنگی و هنری ایران در عهد صفوی و ویژگی های ادب شیعه»، ج ۲، ص ۳۷ و ۳۸.

هاشمیات کمیت اسدی و قصیده تائیه دعبل خزاعی سابقه داشته است. [(۱)] پیداست که غلبه نهایی تشیع و رسمی شدن آن می توانست در این امر تأثیر تازه ای داشته باشد، به ویژه که پس از شاه اسماعیل، شاه تهماسب(مدفون در جوار مرقد منور امام رضا علیه السلام) سیاست دینی پدر را دنبال نمود و بعد از آن(به جز اسماعیل دوم فرزند شاه تهماسب) در عهد پادشاهی شاه عباس و جانشینانش تا به آخر عهد صفوی، همان سیاست با قوت تمام دنبال شد و گویندگان و ستایندگان بزرگ زمان شاه تهماسب، مانند حیرتی تونی(م ۹۶۱ ق)، محتشم کاشانی(م ۹۹۶ ق) سرگرم ساختن اشعار دینی، به ویژه مناقب آل رسول صلی الله علیه و آله و مرثیه با حال و هوای زیارت کربلا و مشهد مقدس در قالب های قصیده، ترجیع بند و ترکیب بند بوده و حتی برخی اموال خود را وقف آستانه امام رضا علیه السلام نموده اند؛ مانند قاسمی گنابادی از شعرای قرن دهم.

همچنین پادشاهان صفوی در راستای سیاست، علاقه و نذر و نیازهایی که به مرقد مطهر حضرت ثامن الحجج علیه السلام داشته اند، همواره به زیارت مشهد مقدس می شتافته و علما و دانشمندان و شاعران را به همراه می برده اند و اموال و املاک شخصی خود را وقف و نذر حرم مطهر می کرده و به تعمیر و توسعه حرم اقدام می نموده و خدام و متولیان امر را تحت حمایت خویش می نواخته اند.

مرحوم حاج شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان(ص ۹۲۵- ۹۲۷) به نقل از صاحب مطلع الشمس در خصوص زیارت های شاه عباس از اصفهان به مرقد مطهر امام رضا علیه السلام می نویسد: در اواخر سنه ۱۰۰۸ مجدداً شاه عباس به مشهد مقدس رفته، زمستان را در آن جا گذرانید و خدمت خادم باشی آستانه مقدسه را خود متقلّد و مشغول بود، چنانچه شبی با مقراض(قیچی) سرشمع ها را می گرفت. شیخ بهایی رحمه الله بالبدیهه این

۱- همان.

اشعار را انشا کرد:

پیوسته بود ملایک علیین پروانه شمع روضه خلد آیین

مقراض به احتیاط زن ای خادم! ترسم ببری شهپر جبریل امین

و در سنه ۱۰۰۹ بنا به نذری که شاه عباس کرده بود که پیاده به مشهد برود، پیاده به مشهد مشرف گشت و در ۲۸ روز آن راه طولانی را طی نمود و صاحب تاریخ عالم آرا این اشعار را در این باب نگاشته است:

غلام شاه مردان شاه عباس شه والاگر خاقان امجد

به طواف مرقد شاه خراسان پیاده رفت با اخلاص بیحدّ ...

پیاده رفت شد تاریخ رفتن زاصفاهان پیاده تا به مشهد

مصرع آخر، به حساب ابجد ۱۰۰۹ می شود که تاریخ سفر شاه عباس به مشهد مقدس است.

رویکرد پادشاهان صفوی در تشویق شاعران به منقبت گویی و مرثیه اهل بیت علیهم السلام و از سویی بی مهری به شاعران مداح باعث شد که شعر در این دوره از محیط دربار قدم بیرون نهاد و به دست عامه افتاد و گویندگان غزلسرا و مثنوی ساز به دربار سلاطین عثمانی و بارگاه شاهان گورکانی هند روی آوردند و به تشویق آنان «سبک هندی» در شعر فارسی رسوخ یافت و در معماری و نقاشی و سایر مظاهر فرهنگی و هنری، سبک تازه ای به وجود آمد که آن را سبک «هند و ایرانی» یا «هند و اسلامی» نامیده اند. (۱) در این راستا بارگاه هایی نمادین از ائمه طاهرین علیهم السلام در هند شکل می گیرد.

همزمان با احداث شهر تاریخی حیدرآباد(دکن) هند در سال ۱۰۰۶ ق در شرق این شهر و بالای کوه یک رواق به نام بارگاه امام رضا علیه السلام به حکم علامه میر مؤمن استر آبادی گرگانی ساخته شده و به همین خاطر این کوه را «کوه مبارک امام ضامن علیه السلام»

۱- همان.

نامیده اند. شیعیان شهر حیدرآباد در شب ذی القعده به مناسبت سالروز ولادت با سعادت امام رضا علیه السلام به زیارت کوه مزبور مشرف و به جشن و شعر خوانی و مداحی در فضایل و منقبت آن حضرت می پردازند. (۱) تألیف کتب مربوط به زیارت در قرن سیزده و چهارده

موضوع زیارت در قرن سیزدهم و چهاردهم به اندازه ای شیوع و اهمیت پیدا می کند که کتاب های بسیاری در زمینه زیارت، زایرین و شرح زیارات معصومین علیهم السلام به نثر و نظم به زبان های فارسی و عربی تألیف گردیده است.

از جمله کتاب های زیارتی منظوم تحفه الزائرین بالهادین است که عارف و شاعر قرن سیزدهم میرزا علی خان صفاء السلطنه نایینی متخلص به «مشتاقی» آن را سروده و حاوی مجموعه ای از زیارات و مناجات و قصاید در مدیح ثامن الائمه علیه السلام و خواهرش حضرت معصومه علیها السلام می باشد و آن را در سنه ۱۳۰۰ وقف آستان قدس رضوی نموده است. از اشعار مشتاقی در مورد زیارت آستانه مبارک حضرت رضا علیه السلام قصیده «معبد ملائکه» است:

این معبد ملائکه یا عرش کبریاست یا بقعه منور سلطان دین رضاست؟

پاداش یک زیارت تو صد هزار حج چونان که یک اشارت تو خلد را بهاست

خاکی که زایر تو گذارد قدم بر آن فرخنده تربتی است که بهتر ز کیمیاست (۲). (۳)

۱- «کوه مبارک امام ضامن علیه السلام، زائر، ش ۷۷، ص ۳۳.

۲- «معبد ملائکه»، زائر، ش ۳، ص ۱۹.

۳- درباره کتاب های زیارتی به نثر و شعر، ر. ک: الذریعه شیخ آقا بزرگ تهرانی، جلد های ۳، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۸، ۲۰، ۲۵؛ زیارت، سید محمد حسینی، ص ۱۶۵ و ۱۶۶.

۵. نهضت بازگشت ادبی و زیارت حضرت معصومه علیها السلام

دکتر آرین پور در از صبا تا نیما می نویسد: «در نیمه دوم قرن دوازدهم، اواخر دوره افشارها و کمی پیش از فتحعلی شاه نهضت نسبتاً مهمی در شعر و نثر فارسی به نام «بازگشت» آغاز شد. شهر اصفهان کانون نهضت جدید شد و شاعرانی از سبک رایج هندی برتافتند و به تقلید و تتبع طرز و شیوه استادان سبک خراسانی در پنج شش قرن پیش پرداختند». (۱) بر اثر هدایت و تشویق مهم ترین آنها یعنی میر سید علی مشتاق از سادات حسینی اصفهان منظومه ای از گویندگان جوان بر گرد او جمع شدند، مانند محمد خیاط عاشق اصفهانی، صهبای قمی، آذر بیگدلی، هاتف اصفهانی و حاجی سلیمان بیدگلی کاشانی را که مشاهیر شعرای عهد فتحعلی شاه بیشتر شاگردان آنها بودند می توان نام برد. این شاعران علاوه بر قصاید و غزلیات به سبک خراسانی و عراقی، ترکیب بندهایی بسیار فصیح و سوزناکی به تقلید از ترکیب بند محتشم کاشی سروده اند و ضمن زیارت حرم های ائمه علیهم السلام و اولاد پاک آنان در ایران، قصاید محکم و غرایی در ستایش آن حضرات و شهرهای مذهبی و اماکن زیارتی به ویژه آستانه حضرت معصومه علیها السلام از خود به یادگار گذارده اند؛ برای مثال سید احمد هاتف اصفهانی قصیده ای(ماده تاریخ) در ستایش شهر قم و حرم حضرت معصومه علیها السلام دارد به مطلع:

حبّذا شهری که سالار است در وی سروری عدل پرور شهریاری دادگستر داوری

و همو در تاریخ مرمّت گلدسته حرم(۱۱۹۱) گفته است:

سپهر مجد و خورشید سماحت اختر عزت نظام عالم و دستور گیتی آصف دوران

۱- از صبا تا نیما، ج ۱، ص ۱۳.

دبیرخامه هاتف پی تاریخ اتمامش رقم زد: شد زحکم آصف این گلدسته آبادان

(دیوان هاتف)

دکتر آرین پور وضع ادبی دوره قاجار را چنین توصیف می نماید: «آغا محمد خان، مؤسس قاجاریه به واسطه اشتغال به جنگ و پیروزی، طبعاً فرصتی برای تشویق شعرا و گویندگان نداشت، اما برادرزاده و جانشین او فتحعلی شاه دربار باشکوهی در تهران تشکیل داد و صدها شاعر و قصیده گو و غزلسرا که محور آنها ملک الشعرای صبا(م ۱۲۳۸ ق) بوده، از هر سو پیرامون شاه شاعر و شعرشناس گرد آمدند». ملک الشعرای صبا که به قول علامه دهخدا روزگاری را نیز به حکومت قم و کاشان گذرانید و گویند وقتی به کلیدداری آستانه نیز منصوب گشت، (۱) از جمله شاعرانی بود که بیشترین قصاید و ماده تاریخ های محکم و غرایی را در کتیبه های منظوم فارسی در موضوع زیارت آستانه مبارکه حضرت معصومه علیها السلام در قم، امامزاده جعفر در پیشوای ورامین و دیگر آستانه ها و اماکن مذهبی در تهران و ری به خود اختصاص داده است. معروف ترین اشعار کتیبه های حرم مطهر حضرت ستّی فاطمه معصومه علیها السلام یعنی کتیبه های گرداگرد گنبد، پایه مرمرین ضریح مرقد منوّر، سردر ورودی سابق(از سوی شمال) و در میانی ایوان طلا و حرم مطهر از سروده های طبع شیرین صباست. ابیاتی از یکی از کتیبه ها که به منظور تذهیب گنبد در سال ۱۲۱۸ ق در بحر رمل(فاعلاتن) سروده و به خط نستعلیق آقا مهدی ملک الکتاب طهرانی مزین گردیده است را در زیر می آوریم:

آتش موسی عیان از سینه سیناستی یا که زرین بارگه بضعه موساستی

بضعه موسی بن جعفر فاطمه کز روی قدر خاک درگاهش عبیر طرّه حوراستی

۱- لغت نامه هخدا، ج ۲۷، ص ۱۱۶ و ۱۱۷.

نوگلی رنگین زطرف گلشن یاسین بود آیتی روشن به صدر نامه طاهاستی

پرتوی از آفتاب اصطفای مصطفاست زهره ای از آسمان عصمت زهراستی ...

شاعران دیگر عهـد قاجار همچون غیاثای حلوایی(م ۱۰۵۲)، میرزا صادق ناطق اصـفهانی(م ۱۲۳۰) صاحب قصیده(ماده تاریخ) معروف معجزیه، اشـراق(قرن ۱۳)، خادم، عبـداللّٰه محرم(کتیبه ضـریح)، دانش، حاج محمـد تقی بن عباس شـیرازی متخلص به شوریده(م ۱۲۴۷)، شـیبانی کاشانی(م ۱۳۰۸) صـاحب دو قصـیده ۵۳ و ۳۶ بیـتی مطوّلِ گرداگرد ایوان هـای صـحن نو، سـید غمخوار(قرن ۱۴) قصایـد و ماده تاریـخ های شـیوایی در سـتایش حرم حضـرت معصومه علیها السـلام و سال ساخت و تعمیر و تزیین حرم و بناهای اطراف آن سـروده و به حرم مطهر تقـدیم نموده اند که حاکی از محبت و ارادت آن شاعران به آسـتان پر برکت حضـرت معصومه علیها السـلام و توجه به سـرزمین مقـدس قم است. نگارنده درباره کتیبه های آسـتانه مبارکه حضـرت معصومه علیهـا السـلام پژوهشـی مفصل و ادبی تهیه و در سـفر اخیر به آسـتانه مطهر قم عکس هایی از این کتیبه های نسـتعلیق صحن شرقی تهیه و مشاهده نموده است که کتیبه های شعری جدید به خط ثلث هم زینت بخش نمای کاشی های معرق حیاط ورودی به مرقد مطهر(مجاور صحن مزبور) گردیده است.

۶. زیارت و امامزاده ها پیامبران در ایران

در مرحله اول، زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پیشوایان معصوم اسلام مورد سفارش واقع شده است. اما اگر افرادی به زیـارت آن بزرگواران دست نیافتنـد، یـا زیـارت آنان را انجام داده انـد، نوبت به زیارت امامزادگان، اولیا و صالحان و پیامبران می رسـد که به حمـداللّٰه در غالب بلاد شـیعه به ویژه ایران، قبورشان ملجأ و پناه دردمنـدان و حاجتمنـدان است و به اسـتحباب زیارت آنان در روایات و احادیث و نظر علمای اعلام تصریح شده است.

در حدیثی که در مقدّمه مقاله گفته آمد، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در شأن فاطمه اطهر علیها السلام زیارت

فرزندان امام حسن و امام حسین علیه السلام را به منزله زیارت آن دو بزرگوار ذکر نموده که از این حدیث زیارت امامزاده ها استنباط شد. حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام فرموده است: «

من لم یقدر علی زیارتنا فلیزر صالحی موالینا یکتب ثواب زیارتنا

»؛ هر کس نمی تواند به زیارت ما بیاید، باید دوستداران صالح ما را زیارت کند و برای چنین زیارتی، ثواب زیارت ما برای او نوشته می شود. بر اساس این گونه روایات و احادیث به تدریج در میان مردم ما این عقیده ریشه دار گردیده که زیارت غیر امامان معصوم را هم مورد توجه قرار دهند. (۱) این موضوع از دوره صفوی آغاز می شود. یان ریپکا درباره رویکرد شاعران صفوی به امامزاده ها می نویسد: «شاعران شیعی عهد صفوی و پس از آن، از آن جا که به جای مدح و قصیده به ستایش پیغمبر و علی یا سوگنامه امامان پرداخته اند. اما از دیگر سو بی مهری آشکار به شاعران باعث شد که دلبستگی به امامزادگان، فرزندان امامان و به آرامگاه ایشان که به امامزاده هم بلند آوازه اند بسیار چشمگیر باشد». (۲) از این رو شاعران علاقه مند و شیفته امامزاده ها، بقاع متبرک و پیامبران آثار ادبی خالصانه، احساسی و عاطفی خود را به آستان آن بزرگواران تقدیم داشته و بدین وسیله سر ارادت و احترام خود را به آستان خاندان پاک رسالت ساییده اند و برخی از اشعار آنها همراه با آیات و احادیث بر کتیبه کاشی بناها، قبور و ضریح های مطهر به صورت خوشنویسی نقش بسته است.

علاوه بر اشعاری که شعرای دوره بازگشت ادبی و پس از آن درباره حرم حضرت معصومه علیها السلام قم سروده و در قسمت پیشین از آن بحث شد، نمونه هایی از شعر شعرای قرون اخیر و معاصر را در وصف و منقبت و زیارت امامزادگان بقاع متبرکه و پیامبران

۱- فرزندان امام موسی بن جعفر علیه السلام و تذکره آقا علی عباس علیه السلام، ص ۱۶۸ و ۱۶۹ به نقل از بحار الأنوار؛ مفاتیح الجنان، ص ۵۶۲.

۲- تاریخ ادبیات ایران، ج ۱، ص ۵۲۶.

که در کتاب های مربوط به شرح احوال، آثار تاریخی و مدفن آن بزرگان تألیف گردیده به دست می دهیم. صبای کاشانی(م ۱۲۳۸ ق) قصیده ای ۲۵ بیتی ماده تاریخ برای ایوان بقعه مبارک امامزاده جعفر علیه السلام پیشوای ورامین در سال ۱۲۲۷ ق سروده که روی کاشی نوشته شده و نمونه ابیات آن چنین است:

مالک رقاب عالم دارای دادگستر شمس الملوک اعظم خاقان پاک گوهر

ایوان و گنبد و صحن چون عرش و چرخ جنت آراست خوب و جانبخش افراخت نغز و دلبر

کلک صبا رقم زد از بهر سال تاریخ بنیاد شد زدارا این بارگاه جعفر (۱)

شاعران اواخر روزگار قاجار همچون سروش اصفهانی(۱۲۷۰ تاریخ کتیبه گنبد)، مشرق(کتیبه ضریح) و ... قصاید و ماده تاریخ های شیوایی را برای حرم مطهر حضرت عبدالعظیم علیه السلام و امامزادگان طاهر و حمزه علیهما السلام واقع در شهرری انشا نموده اند که به خط نستعلیق بر کتیبه کاشی های معرق و آیینه کاری های حرم های مطهر قصارنویسی و تذهیب شده است. (۲) همچنین بالای در ورودی بقعه متبرک امامزادگان خطیب و نجیب واقع در بلده نور آیات و ابیاتی با خط نستعلیق خوش نوشته شده است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ فَاللَّهُ خَیْرٌ حفِظًا وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّ حِمِینَ».

آید از این لاله زار بوی خطیب و نجیب می وزد از این مزار بوی خطیب و نجیب (۳)

۱- آشنایی با سلاله پاکان(امامزاده جعفربن موسی الکاظم(ع)، ص ۷۲- ۷۴.
۲- دائره المعارف تشیع، ج ۱، ص ۸۱؛ نیز ر. ک: زندگی نامه حضرت عبدالعظیم(ع)، ص ۳۱۸؛ آثار تاریخی تهران، ص ۱۵۱.
۳- از آستارا تا استارباد، ج ۳، ص ۲۶۵.

از اشعار معاصر در مدیحه علیا جناب زینب خاتون علیها السلام واقع در ارزنان اثر طبع مرحوم سید مجتبی کیوان(۱۳۳۰-۱۴۱۲ ق) در موضوع زیارت امامزادگان است:

معطر می شود جانی که زی کوی تو می آید که بوی اولیای حق زمشکوی تو می آید

به یاد خاکبوس جدّ والای تو می افتد به آهنگ زیارت هرکس سوی تو می آید (۱)

و نیز همواره مراقد پیامبران مورد توجه علما و شاعران بوده است. شیخ کمال الدین همایون فراهانی در مدیحه اشموئیل نبی علیه السلام واقع در ساوه اشعاری به شرح ذیل دارد:

نهفته است در این بارگاه با تجلیل پیام آور یزدان جناب اشموئیل

به هوش باش که این مرقد سراسر نور بود مزار ملائک مطاف جبرائیل

به شهر ساوه مزارش منادی توحید به خاک کشور جمشید مایه تجمیل (۲)

۷. زیارت بزرگان، مشاهیر علمی و شاعران

همان گونه که در بحث زیارت در روایات عرض شد، از نخستین زمینه های زیارت در اسلام زیارت(دیدار) برادران دینی با یکدیگر بوده است و در حدیث امام صادق علیه السلام فوایدی برای آن ذکر شد که دیدار بزرگان، مشاهیر، علمی و ادبی و اساتید، یکی از مصداق های آن است. بر اساس این، صورت دیگری از زیارت و دیدار شاعران، مشایخ، عرفا و دانشمندان در تاریخ ادبیات فارسی رقم خورده است که طی آن دیدارها و زیارت هایی بین بزرگان و شاعران رخ داده و اشعاری برای هم سروده اند که حاکی از بزرگواری ها، گذشت ها و گاهی فخر فروشی، طعنه، طنز و ... آنان نسبت به هم بوده است: ابوسعید ابوالخیر، عارف نامی سده چهارم و پنجم با مشایخ و اساتیدی

۱- تاریخچه ارزنان و مقبره علیا جناب زینب

۲- شکوه اعجاز، ص ۱۰۳ و ۱۰۴.

چون ابوالحسن خرقانی، ابوعبداللّه محمد بن احمد خضری مروزی(م ۴۰۰ ق)، استادش حسن سرخسی و ... دیدارهایی علمی و ادبی داشته و اشعاری خطاب به آنها سروده و پاسخ گرفته است. ابوسعید یک رباعی شگفت و شطح گونه نیز در موضوع زیارت به معنی دیدار دارد که در کتاب سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر، تألیف مرحوم سعید نفیسی، صفحه ۵۹ آمده و شرحی در تعلیقات از سیّد عزالدین آملی در صفحه ۱۵۱ ذکر شده و آن رباعی چنین آغاز می گردد: دی بر سر گور زلّه غارت کردم ....

همچنین در قرم ششم دو زیارت و ملاقات بین شعرا اتفاق افتاده که حاوی حکایت های شیرین و خواندنی است. یکی در ابتدای قرن ششم در سال ۵۰۶ ق است که نظامی عروضی بر اساس حکایتی در چهار مقاله، خیام را به شهر بلخ در کوی برده فروشان در سرای امیر ابوسعد جرّه ملاقات کرده بود و خیام بدو گفته: «گور من در موضعی باشد که هر بهاری شمال بر من گل افشان می کند» و به سال ۵۳۰ وقتی به نیشابور رسید، چهار سال بود که آن بزرگ روی در نقاب خاک کشیده بود. عروضی می افزاید: «آدینه ای به زیارت او رفتم و یکی را با خود بردم که خاک او به من بخش نماید. مرا به گورستان حیره بیرون آورد ... و چندان برگ شکوفه بر خاک او ریخته بود که خاک او در زیر گل پنهان شده بود و مرا یاد آمد آن حکایت که به شهر بلخ از او شنیده بودم ...». (۱) این حکایت حاوی کرامت و پیشگویی خیام نیشابوری در مورد محل دفن خود بوده است. حکایت دیگر، دیدار شرف الدین حسام النسفی از علمای دینی و شاعر، با خاقانی شروانی است که حاکی از بزرگواری و گذشت خاقانی نسبت به حسام در مورد شاعری وی است. (۲) در قرن هفتم نیز عطار، قسمتی از عمر خود را به رسم سالکان طریقت در سفر

۱- چهار مقاله، ص ۱۰۰ و ۱۰۱؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲، ص ۵۲۷.

۲- سبک شناسی، ص ۴۷ و ۴۸.

گذراند و از مکه تا ماوراء النهر بسیاری از مشایخ را زیارت کرد. (۱) همچنین شیخ مظهر الدین باخرزی در سفر به قونیه توقع داشته که مولانا به دیدار او برود، اما مولانا به دلیل داشتن مقامات عرفانی، زیارت خود را اولی دانسته و می گوید:

ما به بغدادِ جهانِ جان انا الحق می زدیم پیش از آن کاین داروگیر نکته منصور بود (۲)

۸. زیارت قبور مؤمنین و شهدا

در یک تقسیم بندی کلی زیارت به دو بخش تقسیم می شود: زیارت معصومین علیهم السلام و زیارت مؤمنین(اهل قبور). درباره زیارت اهل قبور هم دستورهای فراوانی از سوی پیشوایان اسلام وارد شده است و این عمل به عنوان یک وظیفه اخلاقی برای زندگان معرفی شده است. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: «زُوروا مَوْتاکُمْ فَانَّهُمْ یَفْرَحُونَ بِزِیارَتِکُمْ ...»؛ به زیارت مردگان خود بروید، زیرا آنان به خاطر زیارت شما خرسند می گردند. امام صادق علیه السلام فرمود: به زیارت مرده رفتن، مثل هدیه بردن در زنده بودن اوست و سبب خوشحالی او می گردد. (۳) مرحوم محدث قمی در مفاتیح الجنان می نویسد: «زیارت قبور مؤمنین ثواب بسیار دارد و علاوه بر فواید عظیمی که بر آن مترتب است، باعث عبرت و آگاهی و زهد و بی میلی به دنیا و رغبت در آخرت است». بر این اساس، شاعران و نویسندگان خوش قریحه پارسی نیز با زیارت قبور در سوگ مؤمنین، دوستان و شهدا، طبع آزمایی نموده و اشعاری سوزناک و مرثیه ای را سروده و یا حتی بعضی از شاعران اشعاری برای گورخود گفته اند که برخی از این اشعار بر سنگ قبور و مزارها به زیبایی و به اشکال و خطوط گوناگون نقش بسته است که بررسی و پژوهش درباره آنها، «روشنگر بعضی پیچیدگی های مسایل در تدوین تاریخ و زندگی نامه مردم هر

۱- تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲، ص ۸۶۱.

۲- سبک شناسی شعر، ص ۲۳۲.

۳- فرزندان امام موسی بن جعفر علیه السلام و تذکره آقا علی عباس علیه السلام، ص ۱۶۴ و ۱۶۵.

عصر که در جامعه شناسی نمودار اعتقادات مذهبی و آداب و رسوم ملت ایران است» (۱) که همه اینها را می توان در قالب دانش «مزار پژوهی» مطرح و عرضه داشت.

در این زمینه کارهایی انجام گرفته است؛ از جمله بررسی ویژگی های سنگ نوشته مزار شهدای جنگ تحمیلی است که کتاب ها و مقالاتی پیرامون آن نگاشته شده است.

محض نمونه می توان به مقاله ای در مورد اشعار علی معلم دامغانی که در موضوع سنگ قبر شهدا و اموات گورستان های محل تولد وی سروده و نگارنده در یکی از روزنامه های رسمی آن مقاله را دیده است و نیز کتاب بررسی سنگ نبشته مزار شهدا، نوشته کارشناسان مردم شناسی سازمان میراث فرهنگی که به متون و اشعار نوشته بر قبور شهدا اشاره و تحلیل دارد و ... اشاره نمود.

نتیجه

شاعران در سه قرن اول هجری از اصطلاحات دینی و مذهبی به صورت ابزاری و خام برای مدح و توصیف امرا، پادشاهان و معشوق استفاده کرده اند، اما از قرن چهارم تا ششم زیارت به معنای خاص اماکن مقدس مانند مکه مکرمه و مدینه منوره، با ستایش کعبه و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که در شعر خاقانی به اوج می رسد آغاز و نیز زیارت در معنای عام یعنی دیدار شاعران و بزرگان با یکدیگر نیز رخ داده است، تا این که در قرن نهم جامی با این که حکام وقت ضدیتی بسیار با شیعه داشته اند، به زیارت عتبات شتافته و اشعار دلنشین و خالصانه سروده است. از قرن دهم با تشکیل اولین حکومت ملی، صفویه و رشد و ترویج عقاید شیعی و طرد قصاید ستایشی توسط آنها، شاعران بی آن که به زیارت عتبات مشرف شوند، به مدح و منقبت اهل بیت علیهم السلام به ویژه مرثیه شهیدان کربلا پرداخته و به طور صریح و یا تلویحی عشق و شیدایی خود را به خاندان پاک رسول صلی الله علیه و آله و زیارت آن بزرگواران نشان داده و علاوه بر آن به زیارت مشهد مقدس اهتمام ویژه ای داشته اند. و از طرفی از قرن دهم به بعد، سفرنامه نویسی منظوم

۱- «بقعه امامزاده قاسم علیه السلام»، مجله دانشمند، ش ۱۱، ص ۷۶.

حج و عتبات نیز باب می شود و پس از آن در دوره قاجاریه(قرن ۱۲ و ۱۳) توجه و اهتمام شاعران به زیارت امامزادگان و بقاع متبرک قم به ویژه آستانه مبارک حضرت معصومه علیها السلام و امامزادگان مدفون در ایران، به ویژه در تهران و ری جلب و سوق داده می شود.

اما امروزه زیارت به معنای اصطلاحی آن یعنی زیارت حرمین شریفین(حج) و عتبات عالیات در عراق، سوریه و دیگر کشورهای اسلامی و زیارت امام هشتم علیه السلام، امامزادگان بزرگوار، پیامبران عظام، قبور مؤمنین و شهدا و ... در ایران در شعر برخی شعرای معاصر، دیوان ها، مجموعه های اشعار مذهبی و کتب مربوط به معرفی اماکن مقدس و بقاع متبرک، در حال پیدا کردن جایگاه اصلی خود است. به طوری که اشعار سنتی و نو در برخی قالب ها و زبان های شعری، به ویژه محاوره به صورت موضوعی به خصوص در باب زیارت امام رضا علیه السلام اندکی شکل گرفته است، اما زیارت به صورت کلی و عام یعنی اصطلاحات و لغات زیارت بقاع و اماکن متبرک در برخی اشعار با کمی جست وجو و کاوش پیدا می شود که تلاش و همت عالی شاعران متعهد و مکتبی را برای بهره بردن از موضوع زیارت با مطالعه و پژوهش بیشتر می طلبد و پیرو آن تألیف و تدوین کتاب ها، مجموعه ها و منظومه های داستانی در زمینه شعر و نثر زیارت به طور تخصصی ضرورت پیدا می کند. و از سویی مسئولیت تهیه و تدوین «دایره المعارف زیارت» و یا دست کم دانشنامه زیارت توسط سازمان ها و نهادهای ذی ربط را دو چندان می نماید که برگزاری همایش زیارت و تداوم آن در سال های آینده می تواند تمهیدات و مقدمات لازم را برای این مهم فراهم آورد. در این جا برای نمونه و حسن ختام چند شعر موضوعی و گزیده ابیاتی در خصوص زیارت آل رسول صلی الله علیه و آله و ذریه طیبه، امامزادگان بزرگوار علیهم السلام از شعر و ادب معاصر، به ویژه پس از انقلاب اسلامی به دست می دهیم:

الف. اشعار موضوعی زیارت درباره حضرت امام رضا علیه السلام و خواهر مکرمه اش.

دوس دارم صدات کنم تو هم منو نیگا کنی من تورو نیگات کنم، تو هم منو صدا کنی

(سهیل محمودی، می خواهم عاشقانه تر بخوانیم)

اومدم با یک اشارت اومدم به زیارت اومدم.

حاجتم رواکن.

به طواف بارگاهت اومدم به پناهت اومدم.

دردمو دواکن.

هر دو شعر فوق به صورت محاوره و سرود درآمده و شعر اول در میلاد آن حضرت از صدا و سیمای جمهوری اسلامی پخش می شود و شعر دوم در سایت اینترنتی موجود است.

می روم تا کبود حقارت بقعه بیکسی را زیارت

(علی معلم دامغانی، رجعت سرخ ستاره)

وقتی که با توهستم، انگار توی بهشتم من تو تموم خوابام، اسم تو رو نوشتم

دور سرم می چرخن، کفترا دسته دسته بیا بریم زیارت تو هم دلت شکسته

(علیرضا قزوه، شعر زیارت، عشق علیه السلام)

هر که ز روی معرفت زیارت رضا کند ز نعمت زیارتش زیارت خدا کند

ببین مقام زایرش که از طواف قبر او ثواب صد هزار حج، خدا به او عطا کند

(ژولیده نیشابوری، دلا بسوز که)

مثنوی «جهان از جوی عصمت می خورد آب»(گل های زهرایی) اثر احمد عزیزی به مطلع:

خوشا صحرای قم وان ابرو بارش گل معصومه می روید بهارش (۱)

ب. ابیات برگزیده شاعران معاصر با موضوع زیارت ائمه معصومین علیهم السلام، امامزادگان و پیامبران.

فلک تبرک جوید، فرشته کحل بصر زخاک مقدم زوار سیدالشهدا علیه السلام.

(قدرت قمی)

سلام بر توکه دارد زیارت حرمت ثواب گفتن تسبیح و خواندن تهلیل

(ریاضی یزدی برای حضرت مسلم علیه السلام، چراغ صاعقه)

آن طنین زنگ زیارت می دهد آن صدا بوی بشارت می دهد

بر سر خاکش پرستوها شدند زایرانش فوج آهوها شدند

من هم از آداب دانان توام از زیارتنامه خوانان توام

من شهید هرشب خویشم بیا من مزار آباد تشویشم بیا

گنبدی این جاست از روح طلا زایران قرن آتش الصلا!

(احمد عزیزی، کفش های مکاشفه)

قسمت نشود روی مزارم بگذارند سنگی که گل لاله بر آن نقش نبسته

با اشتیاق زیارت، یاران همدل گذشتند انگار تنها دل من از عاشقی بی نصیب است

تو آن امامزاده ای که ماه و خورشید دخیل بر ضریح دیده تو بسته است

(علیرضا قزوه، از نخلستان تا خیابان)

شیون کند زمانه و زاری کند زمین این در عزای لاله و آن بر مزار گل

(سهیل محمودی، سوگند من ...)

۱- روزنامه کیهان، ۳۱ فروردین ۱۳۷۴، ش ۱۵۳۲۷، ص ۱۲.

به چشم توتیا کردم غبار پای زوارش زنور عشق او بر دل خیال دیگری دیدم

(ابوالقاسم ابوالحسنی، درباره امامزاده داود علیه السلام)

در بارگه زاده زهرا داود علیه السلام از لطف خداوند کریم معبود

هر کس که شود عازم آن مرقد پاک انوار الهی شود اورا مشهود

(شیخ علی اکبر، کوماسیان) (۱) ج. گاهی شاعران معاصر بر مزار شاعران متقدم حاضر شده و اشعاری در مدح یا سوگ آنها سروده اند. رهی معیری بر مزار مولوی طی مرثیه ای سوزناک گوید:

گفتم چو غنچه خنده زنم در دیار تو دردا که غرق گریه شدم بر مزار تو

هنگام نوبهار که دوران خرمی است دردا و حسرتا! که خزان شد بهار تو (۲)

۱- زندگی و پرتوی از کرامات امامزاده داود علیه السلام، ص ۸۱.

۲- آزاده(مجموعه شعر)، ص ۹۱.

فهرست منابع

۱. آثار تاریخی تهران، دکتر سید محمد تقی مصطفوی.

۲. آزاده(مجموعه شعر)، رهی معیری.

۳. آشنایی با سلاله پاکان(امامزاده جعفر بن موسی الکاظم علیه السلام)، پیشوا، حسن اصلانی.

۴. آهنگ زیارت(مقاله)، پروانه صادقی، مجله زایر، ش ۱۳۵.

۵. اخبار حرم، زایر، ش ۱۳۵.

۶. از آستارا تا استارباد، دکتر منوچهر ستوده.

۷. از صبا تا نیما، دکتر یحیی آرین پور.

۸. اصول کافی، ابی جعفر محمّد بن یعقوب کلینی، علمیه اسلامی.

۹. اماکن مذهبی ایران و توسعه گردشگری، نادر ریاحی سامانی.

۱۰. امثال و حکم دهخدا، علی اکبر دهخدا.

۱۱. بحار الأنوار، علامه محمدباقر مجلسی.

۱۲. بقاع متبرکه و صنعت گردشگری، سید حسین امیدیانی، میراث جاویدان، ش ۵۲.

۱۳. بقعه امامزاده قاسم علیه السلام، پرویز متین خو، مجله دانشمند، ش ۱۱، ۱۳۷۳.

۱۴. به خراسان روم انشاء اللّٰه، بررسی خراسانیه های خاقانی شروانی، سید هادی آقایی، زایر، ش ۷۷.

۱۵. تاریخ ادبیات ایران، یان ریپکا، ترجمه دکتر ابوالقاسم سری.

۱۶. تاریخ ادبیات در ایران، دکتر ذبیح اللّٰه صفا.

۱۷. تاریخچه ارزنان و مقبره علیا جناب زینب خاتون علیها السلام، علامه فقید سید مصلح الدین مهدوی.

۱۸. تأثیر جهانگردی در ارتقای فرهنگ روحی- معنوی مسافر، صلاح الدین محلاتی، زایر، ش ۱۳۵.

۱۹. تجلی زیارت در شعر خاقانی، تیمور غلامی، زایر، ش ۷۵.

۲۰. تندیس عبادت، داود نعیمی.

۲۱. توصیف کعبه و مدینه و خراسان در شعر خاقانی، دکتر جلیل تجلیل، مجله مشکوه، ش ۵.

۲۲. جامعه شناسی زیارت، سید مجتبی فاضل رضوی، زایر، ش ۷۷.

۲۳. جامی و سروده های ولایی، زایر، ش ۷۷.

۲۴. چند مرثیه از شاعران پارسی گوی، ابوالقاسم رادفر، مقدّمه.

۲۵. چهارده گفتار پیرامون ارتباط معنوی با حضرت مهدی(عج)، حسین گنجی.

۲۶. چهار مقاله، نظامی عروضی سمرقندی، به اهتمام دکتر محمد معین.

۲۷. خورشید در نهان، ترجمه الغیبه شیخ طوسی، عباس جلالی.

۲۸. دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، بهاء الدین خرمشاهی، سیر و سفر در قرآن و روایات(مقاله)، محسن معینی.

۲۹. دایره المعارف تشیع،.

۳۰. دیوان حافظ، خوشنویسی استاد عباس اخوین.

۳۱. دیوان ناصر خسرو، تصحیح مجتبی مینوی، مهدی محقق.

۳۲. زندگی نامه حضرت عبدالعظیم علیه السلام، عزیز اللّه عطاردی.

۳۳. زندگی و پرتوی از کرامات امامزاده داود علیه السلام، محمد علی کوشا.

۳۴. زیارت، سید محمد حسینی.

۳۵. زیارت، جواد محدثی.

۳۶. زیارت در قرآن، سید محمد حسینی.

۳۷. زیارت و دیانت یا جهانگردی و سیاحت، دکتر حکمت اللّه ملاصالحی، میراث جاویدان، ش ۵۲.

۳۸. سبک شناسی، محمد تقی بهار(ملک الشعرا).

۳۹. سبک شناسی شعر، دکتر سیروس شمیسا.

۴۰. سفرنامه حج تحفه الحرمین، معصومه طاهر پور، زایر، ش ۱۳۱.

۴۱. سؤال از امام مهدی(عج) در روایات، سید فخر الدین موسوی.

۴۲. شکوه اعجاز، کمال الدین همایون فراهانی.

۴۳. فرزندان امام موسی بن جعفر علیه السلام و تذکره آقا علی عباس علیه السلام، احمد صادقی اردستانی.

۴۴. فرهنگ فارسی معین،.

۴۵. کوه مبارک امام ضامن، زایر، ش ۷۷.

۴۶. گزیده سفرنامه ناصر خسرو، دکتر نادر وزین پور.

۴۷. گلستان سعدی، تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی.

۴۸. لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا.

۴۹. معبد ملائکه، زایر، ش ۳.

۵۰. مفاتیح الجنان، انتشارات علمی.

۵۱. منتخب ادعیه و زیارات، تهیه و تنظیم انتشارات زایر، قم.

۵۲. هدف از زیارت، سید هادی رفیعی پور، نشریه میراث جاویدان، ش ۵۲.

۴. جلوه های مراسم زیارتی در فرهنگ مردم ایران

فاطمه شعبانی اصل (۱)

چکیده

یکی از آیین های دینی و مراسم مذهبی سفر به اماکن مقدس می باشد که زیارت نامیده شده است. زیارت حرکتی است ظاهراً در مکان و به حقیقت در دل و جان. زیارت حضور جسم و روح است در برابر اولیای الهی. زیارت برقرار کردن ارتباط قلبی با حجت خداست. آنچه در زیارت بسیار چشمگیر است، اهمیت آن و ثواب های بسیاری می باشد که در روایات ائمه اطهار بیان شده است. سفرهای زیارتی که با عشق و آرزومندی و با پس انداز مختصر انجام می شد، در هر شهر و دیاری از ایران قدیم آداب و رسوم خاصی داشت. مانند تهیه توشه راه، طلب حلالیت، پرداخت خمس یا زکات مال، نوشتن وصیّت نامه، پرداخت بدهی به طلبکاران، رفع کدورت و آشتی با افراد قهر، تعیین وکیل در غیاب خود، چاووشی خوانی و بوسیدن قرآن هنگام خروج از منزل، وداع با خانواده و بستگان. و نیز هنگام بازگشت همراه با مراسمی بود. مانند آوردن سوغات، استقبال اهالی و فامیل همراه چاووشی خوانی از زایر، قربانی کردن، برپایی سفره ولیمه.

کلیدواژه ها: زیارت، آیین، حج، زایر، سفر زیارتی.

مقدّمه

دین (۲) نتیجه کوشش اندیشه انسان برای دستیابی به نوعی احساس امنیت در جهان

۱- پژوهشگر واحد فرهنگ و مردم مرکز تحقیقات صدا و سیما.

۲- از نظر لغوی، دین کلمه ای است فارسی پهلوی از ریشه اوستایی دئنا(Deana) به معنی نفس، ذات ووجدان که در زبان عربی وارد شده و به معنای اطاعت به کار رفته است. معنی دیگر دین در زبان فارسی: کیش و آیین است. در زبان های اروپایی واژه Religion از ریشه لاتینی Religio به معنی عقد و اعتقاد، به یکدیگر بستن و در معنای عمومی، پرستش، آداب و مناسک مذهبی به کار رفته است.(انسان شناسی فرهنگی، ص ۲۳۹).

است. دین مظهر توجه انسان به موجود الهی یا نیروهای فرا طبیعی است و یا دست کم احساس ساده وابستگی بدانهاست، که نظامی از اعتقادات به نیروهای فوق طبیعی، نمادها و مناسک (۱) را در بر می گیرد. نظامی که در جهت معنی دار کردن و قابل فهم ساختن زندگی عمل می کند. از این حیث دین را می توان از دو منظر متفاوت مورد نظر قرار داد:

۱. احکام و اصول اعتقادی و قوانین امر و نهی و شایست و ناشایست دینی.

۲. آیین ها، اعمال و مناسکی که بر اساس سنت و اعتقاد در یک جامعه دینی برگزار می شود. آنچه در این مقاله مورد مطالعه قرار می گیرد قسمت دوم یعنی اعمال و مناسک دینی است که فرد مؤمن به عنوان عضو جامعه انجام می دهد.

از این رو یکی از انواع آیین های دینی مراسم زیارت رفتن و حضور در اماکن مقدس و رویارویی با اولیای خدا و ائمه دین است، که با حرکت از شهر و دیار به شوق دیدار شروع می شود، و نوعی آیین دینی محسوب می گردد و می توان گفت: حرکتی ظاهراً در مکان و به حقیقت در دل و جان، زیارت حضور جسم و جان است در برابر خلیفه اللّه و رهایی از عالم ظاهر و باطن، روشنگر راه زندگی و مشعل فروزان در مسیر الی اللّه. زیارت برقرار کردن ارتباط قلبی است با حجت خدا؛ قرار دادن خویش در حوزه روحانیت و معنویت و فیض به بخشی از انسانیت. زیارت به معنی دیدار، پیشواز، تمایل، اعراض، آهنگ سفر کردن، مهیای سفر شدن، عزیمت به سوی مقصود است. آنچه در زیارت بسیار چشمگیر است، ثواب های بسیار و پاداش های

۱- مناسک، جمع منسک به معنای جاهای عبادت، اعمال، حج، جای قربانی کردن و همچنین راه و روش عبادت است.

عظیم است که در روایات ائمه، برای آن بیان شده است. از این رو سفرهای زیارتی از اهمیت خاصی برخوردار هستند.

هوگارت سفر زیارتی را چنین تعریف می کند: «سفر به اماکن مقدس به قصد کسب فضیلت معنوی، یا شفا یا شکرگزاری». یک تعریف رسمی این ایده را نیز در بر دارد که سفر زیارتی باید دارای مراتب خاص مناسک گزار باشد: «آغاز سفر، خود سفر، اقامت در زیارتگاه یا مکان مقدس و بازگشت به خانه». (۱) از نظر وان ژنپ در هر مناسکی به طور کل سه فرایند در نظر است: ۱. مرحله جدایی یا گسستن: یعنی جدا شدن فرد یا گروه از موقعیت پیشین، یا وضعیت زندگی قبلی خود. در فرایند گسستن از گذشته، فرد جزئیات فرهنگ جامعه را برای بازسازی و ادامه شیوه زندگی می آموزد و این خود می تواند برای وی «جواز عبور» باشد.

۲. مرحله عبور یا انتقال: پس از گسستن از وضعیت پیشین، فرد یا گروه طی مراسمی گاه طاقت فرسا که با توسل به نیروهای فوق طبیعی و نوعی ابهام و پیچیدگی عاطفی و روانی شدید نیز همراه است، از پایگاه قبلی خود گذر می کند و به دنیای جدید وارد می گردد. در چنین مراسمی نمایش، نوخاسته به عنوان نوزاد تلقی شده و در فرایند «عبور» گویی دوباره به دنیا می آید.

۳. مرحله پیوستن: پس از عبور از مرحله دوم، فرد به پایگاه جدید اجتماعی اش پیوند می خورد و در واقع «پیوستن» و یا گرفتن نام تازه، امتیازهای نو دستاوردهای این دوران است. (۲) بنابراین، زیارت را می توان دارای دو عنصر جدایی و پیوند دانست. جدایی از مبدأ و پیوند به مقصد و آنچه که به نحوی با آنها ارتباط دارد، همان درد جدایی و شادی پیوند است.

۱- درآمدی بر مردم شناسی گردشگری، ص ۱۴۲.

۲- مردم شناسی اعتقادات دینی، ص ۱۳۸.

روش تحقیق

روش این پژوهش میدانی غیر مستقیم است. به این معنی که از اسناد و گزارش هایی استفاده می شود که از دهه چهل در بایگانی واحد فرهنگ مردم در مرکز تحقیقات صدا و سیما نگهداری شده است. این اسناد از اقصی نقاط کشور از سوی فرهنگیاران (۱) و به درخواست برنامه «سفینه فرهنگ مردم» که توسط مرحوم سید ابوالقاسم انجوی شیرازی اجرا می شد که خصوص سفرهای زیارتی شامل قم، مشهد، عتبات عالیات و بالأخره سفر روحانی «حج» و آداب و مراسم ویژه این گونه سفرها گردآوری شده است می باشد.

مبانی نظری

بر اساس مکتب کارکردگرایی (۲) هر یک از ویژگی های فرهنگ دارای Function هدف، غایت، قصد، منظور، انگیزه هستند، که باعث به وجود آمدن نظم اجتماعی می شوند.

ساختار یک جامعه، به واسطه عمل این کارکردها معیّن می شود. مراسم و آیین های دینی نظم و ترتیب خاصی را در اعمال و عقاید مؤمنان ایجاد می کنند و این نظم و ترتیب ها تأثیر به سزایی در موضوعات مختلف زندگی روزمره و فضای روزانه فهم عمومی و واکنش های عملی گذاشته و جلوه خاصی در احساس یعنی هم در حالتی روحی و معنوی مسلط و هم در تمایل و انگیزه ای ویژه ایجاد می کند. رابطه دین با جامعه رابطه ای یک سویه و منفعلانه نیست، بلکه دین فعالانه وارد میدان می شود و نه تنها نظم اجتماعی را تفسیر و تحلیل می کند، بلکه آن را ایجاد کرده و بدان شکل و ماهیت می بخشد. زیارت در فرهنگ مردم یک عمل و اقدام اجتماعی است و دیگر آن

۱- فرهنگیاران: راویان و یا افرادی هستند که بومی منطقه های گوناگون ایران می باشند. و در موردموضوعات مختلف برای واحد فرهنگ مردم مطلب ارسال می کنند. که از دهه چهل به صورت افتخاری به سفینه فرهنگ مردم همکاری می کردند.

۲- Function

که چنین فعـالیتی به طور جمعی و مشترک انجـام می شود. به منظور توصـیف دقیق تر این عمـل اجتمـاعی، این گونه بیـان می کنیم که زیارت شامل یک ارتباط منظم نمادین(سمبولیک) از طریق آیین ها و اعتقادات دینی انجام می شود.

در هر زیـارتی، آیین، آداب و رسـوم خاصـی وجـود دارد. کلیفـورد گیرتز (۱) انسـان شـناس برجسـته امریکایی آیین را چنین تعریـف می کنـد. آیین هـا پـذیرش اقتـداری که در ورای نگرش دینی نهفته است. نگرشـی که خود آیین هـا آن را منسـجم و عینیت می بخشد، و از تحقیق و فرآیند اجرای خود آیین ها ناشـی می شوند. با ایجاد مجموعه ای از حالات معنوی و انگیزه ها و نیز ارائه تصویرهایی از نظم جهان هستی(جهان بینی) و به وسـیله واحـدی از نمادها، اجرای آیین های دینی جنبه مدل برای و از، باورها و عقاید دینی را جایگزین منحصر به فرد یکدیگر خبر کنند. (۲) مراسمی که با قصد و اراده برای انجام سفر زیارتی آغاز می شـد، این گونه می باشـند، تهیه توشه راه، طلب حلالیت، پرداخت زکات مال، رفع کـدورت، مکتوب کردن وصیّت، رضایت از فرزندان و همسـر و پرداخت مهر او در صورت خواست همسر، همه از مواردی بودند که فرد زایر، قبل از حرکت به آن اهتمام می ورزیـد. در این بین اطلاع رسانی این سـفر با چاووش بود که خود این حضور، اشعار و مراثی آن از آداب پیش از سفر شمرده می شد. همراهی چاووش در روز حرکت و بدرقه اهالی از زایر نیز بخش مهمی از سفرها بود. آن گاه با جدایی زایر از خـانواده و دوری او از روسـتا، شـهر و دیـار خود، خانواده او نیز آدابی را به جا می آورد که از آن جمله انـد؛ برگزاری مجالس قرآن به شکرانه سلامتی زایر، پختن آش پشت پا، نصب بیرق و بالأخره انتظار برای بازگشت.

شادمانی خبر مربوط به بازگشت مسافر و زایر آغازی بر برخی آداب دیگر سـفر بود: پرداخت انعام به کسـی که خبر بازگشت زایران را می رساند، مراسم استقبال

۱- Clifford Geertz

۲- دین به مثابه نظام فرهنگی، ص ۹۰.

اهالی، انجام استقبال و همراه با آن چاووش خوانی دوباره، ذبح گوسفند، دیده بوسی، زیارت قبولی و بالأخره برپایی سفره ولیمه، آداب انتهایی این گونه سفرها بود که با تقدیم هدایا و سوغاتی های متبرک از سوی زایر به اوج خود می رسید و مرحله پیوند دوباره زایر با خانواده خود، پس از دوره ای از فراق و جدایی موقت به شمار می رفت.

پس از آن، زندگی عادی و روزمره آغاز می شد. با این تفاوت که شخص زایر هویت جدیدی یافته بود و در ارتباطات اجتماعی لقب جدیدی چون حاجی، کربلایی و یا مشهدی داشت. بنابراین، در چرخه ای از جدایی و پیوند، زایر علاوه بر بهره معنوی از سفر زیارتی، جایگاه معنوی خاصی را نیز نصیب خود می کرد.

جلوه های زیارت در فرهنگ مردم

سفرهای زیارتی با عشق و آرزومندی و با پس انداز مختصر انجام می شد. چه بسا افراد با صرفه جویی در زندگی روزمره، پس انداز چند سال خود را به این قبیل سفرهای زیارتی اختصاص می دادند. در ابتدا تأمین مخارج سفر برای سفر زیارتی حج «مستطیع شدن» از الزامات سفر مکه است. در دستجرد گلپایگان اگر یک نفر ثروتش به اندازه ای شود که بتواند به زیارت خانه خدا برود، مستطیع می شود. زایرین سیوند فارس که قصد زیارت خانه خدا را داشتند و جواز سفر دریافت کرده بودند به ترتیب زیر آماده می شدند: آنها به محض دریافت جواز، سهمیه خمس و زکات مال خود را جدا می کردند و به سادات و فقرای محل می پرداختند. سپس بدهی و حساب خود را با طرف حساب های خود تسویه کرده، اگر با کسی کدورت و یا قهر بوده، حتی اگر کوچک تر از خودش بود، با او صلح و سازش می کرد. آن گاه وسایل ایاب و ذهاب و حتی مخارج بازگشت خود را معیّن و یک نفر از فرزندان بزرگ، عیال یا داماد خود را وکیل مخارج بازگشت خود می کرد و دستورات لازم را به او می داد. در عین حال وصیت نامه خود را تجدید می کرد و دست عیال یا شخص مورد اعتماد دیگری می داد. (۱)

۱- سیف اللّه پیوندزاده، فرهنگیار.

زیارت و پابوسی امام رضا علیه السلام نیز از آرزوهای مردم بوده است و همه ساله گروه بسیاری به زیارت بارگاه ملکوتی آن حضرت در مشهد طوس نایل می شدند. در شهر کازرون «زن ها خیلی علاقه مند به زیارت، مخصوصاً زیارت حضرت رضا علیه السلام هستند و این است که به تدریج با پس انداز، «روارچینی» (۱) خیاطی و ترشی سازی، مخارج رفتن به زیارت آن حضرت را فراهم می کنند». (۲) بنابراین، سفرهای زیارتی جدای از سفر واجب حج بود که لازمه آن برخورداری از تمکّنِ مالی فرد بود.

در سال های گذشته وصیت، پرداخت خمس و زکات، تسویه حساب، پرداخت بدهی به طلبکاران و آسودگی خاطر از مهم ترین اقدامات سفرهای زیارتی، به ویژه حج و عتبات عالیات به شمار می رفت. در دستجرد گلپایگان، زایر خانه خدا «ابتدا پیش یکی از آقایان(روحانیون) می رود و حساب ثروت خود را می کند و هر چه بدهکار باشد، می دهد. سپس چند روز قبل از عزیمت، کلیه دوستان و اقوام را می بیند و از آنها عذرخواهی می کند تا مبادا اگر روزی حرفی زده باشد که آنها از دست او ناراحت شده باشند، از او بگذرند و او را حلال کنند. وی قبل از بستن بار سفر باید وصیت کند و «وصیت نامه» بنویسد، که اگر رفت و بازنگشت، مالش چطور بین فرزندان و زنش تقسیم شود. وقتی وصیت نامه را نوشت آن را به دست زنش می دهد».

در زمان های قدیم اهالی روستاهای کاشان برای سفر زیارتی بارگاه امام حسین علیه السلام از الاغ و قاطر استفاده می کردند. «چند روز پیش از رفتن، زایر یک نفر سواددار کامل را به خانه دعوت می کرد و وصیت نامه خود را می نوشت و نزد یکی از بزرگان ده می گذاشت تا در صورت فوت احتمالی مطابق آن عمل کنند». (۳) سفر زیارتی نزد مردمان با ایمان، همواره یادآور سفر آخرت بوده است. از این رو مردم در سفرهای زیارتی قبل از حرکت از اهالی محل و روستا، از خویشان، نزدیکان

۱- rovar cini

۲- مظلوم زاده، فرهنگیار.

۳- پهلوانیان، فرهنگیار.

و همسایگان خود حلالیت می طلبید تا با خاطر آسوده قصد زیارت کنند.

اهالی دستجرد گلپایگان نیز به این اعتقاد دارند که «مسافر خانه خدا قبل از سفر یکی از کارهایی که باید انجام دهد تا حج او مورد قبول واقع شود، این است که اگر در طول عمرش با کسی نزاع کرده باشد و تا آن هنگام با او صلح نکرده باشد، باید هر طور شده با او صلح کند و فرد را از دست خود راضی کند، حتی اگر آن شخص بگوید که مثلًا من مبلغی از تو می گیرم و با تو آشتی می کنم، باید به خواسته او تن دهد و او را راضی کند تا بدین ترتیب با طلب حلالیت، حج او مورد قبول خداوند قرار گیرد». (۱) در سفرهای زیارتی، پیوستن به مکانی مقدّس برای تلطیف روح و بهره مندی از معنویات آن از سویی این رنج دوری و دردِ جدایی بیشتر از سوی وابستگان، خود را نشان می داد و آنان باید این جدایی را به نحوی تحمّل کنند و تا اتمام سفر زایر و بازگشت او، در تب وتاب باشند. از این رو، به آداب و رسومی خاص متوسل می شوند تا با انجام آن و برای ایمنی مسافر از گزند حوادث سفر، زایر خود را بیمه کنند.

در اسفرجان شهرضا نیز «باید زایر مشهد روی آردی که قبلًا در ظرفی تهیه شده، تیمّم نماید- از این آرد آش پخته و به فقرا می دادند- و از خانه که بیرون می آمد در کوچه، قرآن را می بوسید و از زیر آن رد می شد، سپس در هنگام رفتن، کاسه ای آب پشت زایر ریخته می شد». (۲) جا دارد اشاره ای هر چند کوتاه به مراسم رفتن به زیارت که توسط جلال آل احمد بیان شده، بپردازیم. وی بیان می دارد که در هنگام رفتن به سفر زیارتی این مراسم را اجرا کردند: «سه بار از زیر قرآن و آب رد شدم و در مرتبه سوم قرآن را بوسیدم و به پیشانی نهادم و در میان هوایی که در اثر دمیدن «آیه الکرسی» ها و «چهار قل» های نزدیکانم، بوی مسجد و حرم از آن می آمد، هوای حرمی که دود پیه سوز و بوی تند شمع های پی اش کم بود. و در میان اشک هایی که از چشم خواهران و برادران کوچکم

۱- احمدی، فرهنگیار.

۲- سلطانیان، فرهنگیار.

روانه بود، از خانه بیرون آمـدم تا سر کوچه هر که می رسید از آشنا و غریبه، از اهل محل یا دیگران همین که می فهمید به زیارت می روم از ته دل التماس دعا می گفت ...». (۱) پختن آش پشتِ پـا و توزیع آن بین اهالی محل و خویشان و نزدیکان، از آداب سفر به شمار می رود که خانواده زایر بـا حرکت مسافر خود، برای سلامتی و ایمنی مسافر به پخت آن مبادرت می ورزنـد. در مبارکه لنجان رسم بود که هنگام خروج زایر از منزل، یک سفره می آوردنـد که مقداری آرد در آن بود. سپس شخص زایر باید روی آن آردها را تیمّم می کرد و از خانه خارج می شد. پس از حرکت زایر، سه روز بعد برای او آش پشـتِ پا می پختند و در این آش باید از همان آرد استفاده می شد. (۲) تبرّک این آش نیز از همـان آردی است که زایر روی آن را تیمن کرده است. این مراسم در روستای بهمن از توابع آباده به شکل جالبی برگزار می شود. در این روستا صبح روز سوم آردی را که زایر در آن را تیمّم کرده و هنوز دست نخورده بـاقی مانـده است، می آورنـد و مقـدار یـک من شاه(معادل شش کیلو) آرد به آن اضـافه و سپس آن را خمیر می کننـد. آن گـاه اقـوام زایر در خـانه او جمع شـده و مقـداری عـدس، نخود و مقـداری سبزی های خشک از قبیل برگ چغندر، پیاز خشـکه- پیاز را می کوبند و خشک می کنند- شِوید خشک و مقداری ادویه می آورنـد، سپس خمیر را چـانه می کننـد و چانه ها را روی تخته ای می گذارنـد و با چوبی گرد به نام تیر «بَلَک بُری» (۳) خمیر را پهن می کنند و با چاقویی آنها را به شکل های ریزتر از برگ می برند. دو برگ اولی را که بریده شد، به صحرا می اندازنـد و می گوینـد: «را زَوارُمونُ بریدم» (۴) یعنی «راه زوّارمـان را کوتـاه کردیم». آن گاه تمام چانه ها که پهن و بریـده شد، دو چانه آخری را به شکل یک زن و یک مرد درست می کنند و اسم آنها را «مومو هوا» و «بومو هوا» می گذارند. وقتی

۱- زیارت(مجموعه داستان های مذهبی)، ص ۴۷.

۲- ایران پور، فرهنگیار.

۳- balak bori

۴- r zavaromono boridam

بَلَک بری تمام شد، مقداری سبزی خشک کرده را با روغن داخل ظرفی سرخ می کنند و بعد مقداری کشک به سبزی سرخ کرده می افزایند. آن گاه عدس و نخود پخته شده را با کمی آب در ظرف می ریزند و آنها را می جوشانند. هنگامی که آب جوش آمد، بَلَک های بریده شده را داخل ظرف- دیگ- می ریزند و «موموهوا و بومو هوا» را هم داخل دیگ قرار می دهند تا پخته شود. وقتی آش پخته شد، آن گاه آش «بَلَک» یا آش «پس پا» را کاسه کاسه به خانه دوستان، همسایگان و اهل ده می فرستند. سپس «بوموهوا و موموهوا» را داخل ظرفی گذاشته و آن را به یک زن می دادند تا به همراه ظرف، بدون آن که پشت سر خود را نگاه کند، سر جوی آب رود و «بوموهوا و موموهوا» را در آب اندازد و بگوید: «همین جور که شما خود او میریک، مسافر مَنُم زید بیا». (۱).

سپس بدون آن که به پشت سر خود را نگاه کند، به خانه برمی گشت. در واقع آش «پس پا» را برای سلامتی مسافر می پختند. (۲) از آن جا که زیارت اماکن متبرک یکی از آرزوهای دیرینه مردم به حساب می آمد، چاووش را می توان سمبل سفر زیارتی به شمار آورد، زیرا بدون حضور چاووش خوان، سفر زیارتی شور و هیجان نداشت.

در سابق زمانی که اهالی ده نمک اراک به زیارت مکه، کربلا و مشهد می رفتند، چون وسیله نقلیه بسیار کم بود و معمولًا این مسافرت ها طولانی بود، از چند روز قبل از سفر، یک نفر با سواد و خوش صدا همه روزه صبح هنگام، سوار اسبی شده و در کوچه ها به راه می افتاد و چاووشی می خواند. بسیار اتفاق می افتاد که کسی قصد زیارت نداشت، ولی با شنیدن صدای چاووش، تشویق شده، عازم زیارت می شد. (۳) در فریدن کمران از توابع اصفهان، اشعار یک چاووشی که با صلوات همراه بود،

۱- hamin jur ke oma xod ow miriyk mosafere manom zid baya

۲- کریمی، فرهنگیار.

۳- نمکی، فرهنگیار.

بدین قرار است:

اول سلام بر احمد، دوم به ساقی کوثر سوم به فاطمه، چهارم به سبزپوش پیمبر

سلام پنجم ما باد به کشته نیزه خنجر ز بعد پنج تن حق، سلام بر همه یک سر

همین کلام بود امر واجب ما که بر حبیب خدا ختم انبیا صلوات

به یازده پسران علی ابوطالب به ماه عارض هر یک جدا جدا صلوات

در کرب و بلا به شمر ملعون لعنت در طوس غریب الغربا را صلوات

چاووشی دیگری که برای اهالی این روستا آشنا بود، این ابیات است:

ای کعبه به خود مناز، هر که جایی دارد بین شاه رضا چه بارگاهی دارد

خاک در او سجده گه شاه و گدا با ورد زبان حمد و ثنایی دارد

که خدا گفته در همه آیات در طوس غریب الغربا را صلوات (۱)

در فریدون شهر اصفهان نیز روز سفر زایران به کربلا یا مشهد، همه اقوام و نزدیکان زایر از زن و مرد، کوچک و بزرگ، وی را بدرقه می کنند و از میان جمعیت یکی از مردان روستا در حالی که سوار بر اسبی است و عَلم سیاه رنگی در دست دارد، با صدای رسا «ورد علی» می خواند:

چه کربلاست که آدم به هوش می آید هنوز ناله زینب به گوش می آید

چه کربلاست عزیزان خدا نصیب کند خدا مرا به فدای شه غریب کند

که خدا فرموده در همه آیات به باب فاطمه پیغمبر خدا صلوات (۲)

زایر با انجام عبادات و اعمال زیارت و با تمام شدن سفر و پس از گذراندن فراز و نشیب های راه، بالأخره به مقصد و محل زندگی خود می رسد که پس از آن خانواده زایر، بستگان و نزدیکانش متناسب با موقعیت اجتماعی زایر، طبق آداب و مراسمی خاص به پیشواز او می روند.

در گومیشان، دو سه روز قبل از رسیدن حجاج به تهران چند نفر از فامیل های هر

۱- موکویی، فرهنگیار.

۲- لاچینانی، فرهنگیار.

حـاجی برای اسـتقبال به تهران می رفتنـد، سـپس در روز ورود حجـاج به تهران یکی از فامیـل هـا چیزی را از حـاجی به عنوان نشانی (۱) می گرفت و سـریع تر به آبادی بازمی گشت تا خانواده زایر را از سـلامتی و ورود حاجی به تهران با خبر سازد. بعد از آن که «بُشگل چی» (۲) بازگشت زایر را به خانواده اش خبر می داد، هـدیه خوبی به عنوان مژدگانی (۳) دریافت می کرد. آن گـاه خبر ورود حاجی را به سایر اقوام می داد و از آنها نیز مژدگانی می گرفت». (۴) در اصفهان حاجی به هنگام بازگشت از مکه، تا یک هفته بنا به رسم خود در منزل می نشـست و از غریب و آشنا که برای عرض تبریک و زیارت قبولی می آمدند، پذیرایی می کرد. در ضـمن، هر یک از میهمانان که حضور می یافتند کادویی مانند کله قند، طاقه پارچه و نظایر آن به حاجی تقـدیم می کردنـد و حاجی هم سوغاتی هایی که از سـفر حـج آورده بود،ماننـد آب زمزم، مهر، قرآن، مسواک های چوبی و مرسوم آن زمان و مومیایی عربسـتان که به قول خودشان برای علاج کمردرد و بهبود زانو استعمال داشت، به آنها می داد. (۵)

نتیجه

یکی از برنامه های مسـلمانان از صدر اسـلام تا به امروز، مانند همه پیروان مذاهب آسمانی، تجلیل و بزرگداشت از مقام نبوت و اولیـای خـدا و ادای احترام به آنها به نام زیارت معروف است. این احترام و بزرگـداشت در اثر تعلیمات قرآن مجیـد و روش پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله به وجود آمـده است که یکی از اعمال و عبادات مسـتحب محسوب می گردد. پیروان قرآن از دور و نزدیک خود را به سوی مدفن پیشوایان مذهبی

۱- نشانی شامل شب کلاه، پیراهن یا چاقوی متعلق به حاجی بود.

۲- bogelci

۳- مژدگانی شامل کت و شلوار، پیراهن یا مبلغی پول بود.

۴- حسینی، فرهنگیار.

۵- داوری، فرهنگیار.

رسانده و در کنار آنها حاضـر می شوند و بر آنان درود می فرستند و به راز و نیاز می پردازند. با توجه به مطالب ارائه شده می توان گفت: سـفرهای زیارتی از قداست و اهمیت خاصی برخوردار بوده اند؛ زیرا فرد در این نوع سفرها با انجام اعمال خاصی به پرورش روح خـود می پرداخته و برای اسـتحکام دین خـود از مقـام شامـخ این معصـومین، سـعادت دنیوی و اخروی خود را طلب می کرده است.

از سوی دیگر، تأثیر معنوی این زیارت ها را می توان این گونه بیان کرد:

صرفه جویی در زنـدگی روزمره، تسویه حساب کردن، پرداخت بـدهی به طلبکاران و حلالیت طلبیـدن از خویشان، نزدیکان و همسایگان خود تا با خاطر آسوده زیارت کنند. زیارت مؤمن را در آستانه ایمان مجسم و در عتبه اسوه های اخلاقی می نشاند. در زیارت انسان متوجه خطاهایش شده و به آن اعتراف می کند و به این طریق در او بارقه امید و مغفرت به وجود می آورد.

بـدین گونه، زیـارت عامـل تزکیه نفس و خودسازی و تربیت است. عامل توجه به خـدا، تقرب به خـدا تحول روحی و توجه و گناه زدایی است. بار معنوی زیارت تا حدی است که گاهی یک انقلاب روحی، یک تحول، یک توجه در مزار معصوم، منشأ اثر در یک عمر است. لحظات «شب قـدر» گونه ای که برای زایر در کنار قبر اولیای پاک خـدا حاصل می شود. اینهاست آثار تربیتی و نقش سازنده زیارت اولیای خدا.

بنابر این می توان گفت نقش دین در زنـدگی مردم بالاخص کارکرد معنا بخشـی آن بسـیار مهم تر و عمیق تر از آن است که بتوان به سادگی آن را نادیده گرفت. دین یکی از مهم ترین و اصـلی ترین منابع معنایی در حیات روز مره مردم و انعکاس آن را می توان در صدها اعمال، از جمله زیارت نیز به وضوح دید.

فهرست منابع

۱. انسان شناسی فرهنگی، امان اللّٰه قرایی مقدم، تهران، ابجد، ۱۳۸۲.

۲. زیارت(مجموعه داستان های مذهبی)، جلال آل احمد، تهران، تیرگان، ۱۳۸۳.

۳. درآمدی بر مردم شناسی گردش گری، پیتر برنز، ترجمه هاجر هوشمند، تهران، پژوهشکده مردم شناسی، ۱۳۸۵.

۴. دین به مثابه نظام فرهنگی، جبار رحمانی، کلیفورد گیرتز، تهران فصلنامه انسان شناسی، شماره ۲ و ۳، ۱۳۸۴.

۵. مردم شناسی اعتقادات دینی، یعقوب شربتیان، تهران، ندای آریانا، ۱۳۸۴.

فرهنگیاران

۱. امیر ایران پور مبارکه، مبارکه لنجان، ۱۳۴۶.

۲. ژاله نمکی، ده نمک، اراک، ۱۳۴۹.

۳. سیف اللّٰه احمدی، دستجرد، گلپایگان، ۱۳۶۰.

۴. سیف اللّٰه پیوندزاده، سیوند فارس، ۱۳۵۴.

۵. سیمین حسینی، گومیشان، بندر ترکمن، ۱۳۴۶.

۶. صابر سلطانیان، اسفرجان، شهرضا، ۱۳۴۶.

۷. صفرعلی موکویی، کمران، فریدن، اصفهان، ۱۳۵۶.

۸. علیرضا لاچینانی فریدونشهری، فریدونشهر، اصفهان، بی تا.

۹. محمدمهدی مظلوم زاده، کازرون، ۱۳۵۲.

۱۰. محمدعلی پهلوانیان، جهق، قمصر، کاشان، ۱۳۴۸.

۱۱. مهرزاد داوری، اصفهان، ۱۳۵۰.

۱۲. محمد مسعود کریمی، بهمن، آباده، ۱۳۴۷.

۵. زیارت در ادب عامه

۵. زیارت در ادب عامه (۱)

مصطفی خلعت بری لیماکی (۲)

چکیده

در فرهنگ عامه ایرانیان قدیم زیارت رفتن دارای آداب و سنن و آیین های خاصی بوده است. یکی از آداب سفرهای زیارتی چاوش خوانی بوده که هنوز هم در برخی از روستاها پایدار مانده است. چاوش به عنوان منادی سفر زیارتی مسئولیت ارتباطی و نقش فرهنگی ویژه ای بر عهده داشته است. و با خواندن اشعار مخصوصی در محلات می گشته و ندای تشکیل و حرکت کاروان سفر را می داده است. آنها چه در هنگام رفتن و چه در بازگشت زایران با خواندن اشعار قافله سالار زایران بودند.

نویسنده در ادامه این نوشتار به بازتاب زیارت و آداب آن در ادب و فرهنگ عامه به گونه اختصار پرداخته و زیارت را در موضوعات و مفاهیمی مانند ضرب المثل ها، قصه ها، تمثیل ها، ترانه ها و اشعار محلی و غیره که از اجزای مهم فولکلور یا فرهنگ عامه است مورد بررسی قرار داده و نمونه هایی را برای هر کدام ذکر کرده است.

کلیدواژه ها: زیارت، چاوش خوانی، فرهنگ عامه، مَثل.

مقدّمه

در فرهنگ لغات «زیارت» به معنی رفتن به جایی به قصد ملاقات و دیدار کسی یا جایی است. دیدارکننده را زایر و محل ملاقات را مزار، می نامند. (۳) در لغت نامه دهخدا نیز «زیارت» چنین معنی شده است: به مشاهد متبرک و بقعه ها رفتن و دعایی که به عنوان

۱- در تحریر بخشی از این مقاله از اسناد موجود در گنجینه فرهنگ مردم صدا و سیما بهره بردم.

۲- پژوهشگر رسمی سازمان صدا و سیما.

۳- المنجد، واژه زور، زار.

تشرف باطنی برای امام ها و امامزاده ها و اولیا خوانند. (۱) واژه زیارت در دواوین شعرا هم بسیار آمده است که گزیده ای از آنها در این جا می آوریم:

روزم به نیابت شب آمد جانم به زیارت لب آمد

(خاقانی)

در راه خدا در کعبه آمد منزل یک کعبه صورت است و یک کعبه دل

تا بتوانی زیارت دل ها کن کافزون ز هزار کعبه آمد یک دل

(خواجه عبداللّٰه انصاری)

گویی به فلان جای یکی قبر شریف است هرکس که زیارت کُنَدش هست موقر

(ناصر خسرو)

ثواب روزه و حج قبول، آن کس برد که خاک میکده عشق را زیارت کرد

(حافظ)

همچنین واژه «زیارتگاه» نیز در اشعار شاعران به کار رفته است:

ز سمرقند بسی کس به دعای تو شدند به زیارتگه کاشان و عبادتگه اوش

(سوزنی سمرقندی)

رفت از آن جا و برگ راه بساخت به زیارتگه مقدس تاخت

(نظامی)

زیارتگه اصل داران پاک ولی نعمت فرع داران خاک

(نظامی)

وزین حال اگر نیز گردان شوم زیارتگه نیکمردان شوم

(نظامی)

۱- لغت نامه دهخدا، ج ۹، ص ۱۳۰۵۴.

ص: ۱۰۸۹

گرت در بیابان نباشد چَهی چراغی بِنه در زیارتگَهی

(بوستان سعدی)

بر سر تربت ما چون گذری همت خواه که زیارتگه رندان جهان خواهد بود

(حافظ)

در دستورات شریعت نیز رفتن بر سر مزار و قبور، ادای سلام کردن و فاتحه خواندن، توصیه و تأکید شده است. همچنین زیارت یکی از آداب دینی مهم مسلمانان به ویژه شیعیان می باشد. در فرهنگ عامه ما ایرانیان آداب و آیین های خاصی در مورد زیارت و زیارت رفتن وجود دارد. زیارت شکل خاصی از نیایش است که کسی یا چیزی را مورد توجه قرار می دهند و به وسیله آن مستقیماً از خداوند طلب حاجت می شود. این خواهش ها و طلب ها ممکن است بر اساس نیازهای مادی یا معنوی افراد باشد که در جهان بینی و ایدئولوژی مکاتب و مذاهب مختلف درجات خاصی دارند. گاهی اوقات زیارت، توأماً با مراسم ویژه و نهادینه شده در افراد صورت می گیرد، که فرد دارای درجه و رتبه ای خاص می شود و از نظر اجتماعی از احترام ویژه ای نزد افراد همکیش خود برخوردار می گردد. برای مثال می بینیم که بسیاری از افراد کشورمان پس از تشرّف به مکان های مذهبی با پیشوند حاجی، مشهدی(مشدی) و کربلایی(کبلایی) و غیره خوانده می شوند.

ترانه ها و اشعار محلی

ترانه یکی از ژانرهای مهم فرهنگ عامه می باشد که در آن خصوصیات روحی، اخلاقی، فردی و غیره مردم تبلور یافته، به عینیّت می رسد. در ترانه های محلی مفهوم زیارت و فحوای آن بازتاب وسیعی یافته است. همچنین در اشعار محلی شعرای گمنام، به ویژه در چاوشی ها نیز بسیار آمده است. در زیر به برخی از این ترانه ها و اشعار اشاره می شود:

دوبیتی ها

شتر ره بار کردن بار قالی زیارت می روم جای تو خالی

زیارت می روم حضرت رضا ره ببوسم گنبد زرد طلا ره

***

این راه زیارت است، قدرش دریاب از شدت سرما رخ از راه متاب

شک نیست که با عینک ارباب نظر برفش پرقو باشد و خارش سنجاب

***

تو که چُپق کشی دود از هوا کن به مشهد می روی ما را دعا کن

به مشهد می روی با قرضِ بسیار مرا بفروش و قرض خود را ادا کن

***

تو که سیگارکشی دود از هوا کن به مشهد می روی ما را دعا کن

به مشهد می روی پای پیاده بیا پا در رکاب اسب ما کن

***

شتر بار کرده ام با بار قالی زیارت می روم جای تو خالی

زیارت می کنم شاه خراسو ببوسم گنبد زرد آقا رو

***

دلم می خواد از این جا پر بگیرُم زمین کربلا لنگر بگیرُم

زمین کربلا خاک شهیدان سراغی از علی اکبر بگیرُم

در پیشواز رفتن زایر مشهد این اشعار را می خواندند:

من ز مشهد از رضای تو سلام آوردم من پیام از جانب هشتم امام آورده ام

گرچه من خود لایق اکرام و حرمت نیستم هدیه ای دارم کز آن والامقام آورده ام

ص: ۱۰۹۱

چهره را ساییده ام بر درگه شمس الشموس من سلام از صاحب دارالسلام آورده ام

نیست جای حرف دیگر در حریم پاک تو من که از سلطان دین خیرالکلام آورده ام

بیت الاحزان تو را دارم پیام دیگری یعنی از معصومه قم این سلام آورده ام

(محمود احمدی، همدان، گنجینه فرهنگ مردم)

خواهی اگر ای دل که شود مشکلت آسان در برزخ و در حشر نشوی هراسان

بگشای به درگاه رضا دست گدایی بنشین به درِ خانه سلطان خراسان

چاوش و چاوش خوانی

در فرهنگ مردم ایران، چاوش خوان کسی است که در سفرهای زیارتی(پیش یا پس از سفر یا در هنگام سفر) با خواندن اشعار و آوازهای مهیج و مناسب، وظیفه تشویق و ترغیب و همراهی مسافران و نیز تذکر به آنها و حفظ شئون سفر برای کاروانیان را بر عهده دارد. هرچند واژه چاوش یا چاووش در گذر زمان دستخوش تحول معنایی شده است، اما کاربری آن همواره در پیوند با مراسم و تشریفات و سیر و حرکت بوده است، به ویژه در دوره های اخیر که چاوش به عنوان یکی از عناصر اصلی سفرهای زیارتی و کاروانی، نقش برجسته ای ایفا می کرده است.

هنوز هم کم و بیش در شهرها و روستاهایی که سنت های سفر تا اندازه ای پایدار مانده است، چاوشان به عنوان «منادیان سفر» و «مغنیان نواخوان» در سفرهای زیارتی مسئولیت ارتباطی و نقش فرهنگی ویژه ای به عهده دارند. بنا بر اسناد فرهنگ مردم، سابقاً هر یک از محلات دارای یک یا چند نفر چاوش خوان بود که در تمام طول سال،

مسئولیت هماهنگی و همراهی و انجام خدمات ارتباطی و فرهنگی مورد نیاز زوّار و مسافران کاروان های زیارتی را به عهده داشتند.

چاوش خوان ها غالباً به هنگام انجام وظیفه، لباس پاکیزه بر تن می کردند و شال و کلاه فاخر و اسب و عَلَم به همراه داشتند و با خواندن اشعار و پیام های زیبا و مناسب، در کوچه ها و محلات می گشتند و ندای تشکیل و حرکت کاروان سفر را می دادند و به این وسیله کسانی که نیّت سیاحت و زیارت داشتند، برای سفر آماده می شدند. لازم به تذکر است برخی از اشعاری که توسط چاوش خوانان خوانده می شد، فی البداهه بود و چندان از وزن و قافیه پیروی نمی کرد. برخی از اشعار چاوش خوانی را در زیر می آورم:

چاوش خوانی در سفر به مشهد مقدس

ابتدای سخن ز بسم اللَّه

بعد از آن حضرت رسول اللَّه بعد از آن امام هشت و چهار

بشنو از من حکایتی موزون داد از مکر و حیله مأمون

کرد درخواست یا امام رضا در مدینه برون شد آن مولا

بروانه به طوس می گردید به منزلی به نیشابور برسید

دید آهویی بسته به صیادی کرد اندر آن وادی دادی

چشم آهو بر آن جناب افتاد اشک از دیده اش به راه افتاد

عرض کرد السلام ای آقا جان به فدای تو یا امام رضا

هفت روز است این سگ بدبخت در کمین بود تا مرا بگرفت

هفت طفل است بر من محزون جمله بی مادرند در هامون

می روم ای امام همچون تیر تا دهم بچه های خود را شیر

باز آیم ایا امام مُبین من به پابوس تو مباش غمین

رو به صیاد کرد شاه انام از لب دلفشان نمود کلام

گفت مرد صیاد این سخن تو مگو: (۱)

که محال است وحشی صحرا که رود باز آید این جا

گفت اسب و شمشیر خود نهم گرو

کرد در دم قبول آن صیاد صید خود را در این زمین سر داد

آهو این دست همچو برق دوید رفت تا نزد بچه ها رسید

دید گرگی ستاده (۲) بر در غار همچنان در کمین شکار

خواست تا بازگردد این آهو به زبان فصیح گفت تو بیُو (۳)

تو مکن خوف ای دل خسته من ملک هستم ای زبان بسته

صورتم را کردست خدای، ژیان که کِشم پاسبانی طفلان

آهو این گرگ را همچو احسان دید رفت تا نزد بچه ها برسید

بچه ها روی مادرشان دیدند همه از ذوق و شوق نالیدند

گفتند مهربان مادر کجا بودی؟ بر دل ما تو داغ بنهادی

گفت نور دیدگان تَرَم هفت روز است زار و خونین جگرم

دیدم از دور نوری پیدا شد گر امام رضا هویدا شد

گرگ گفتا که من به خاک درش می نمایم که جان فدای سرش

گرگ از پیش و بچه ها به میان شدند سوی صیاد روان

عاقبت کافر از صدق دل مسلمان شد خاک پای شه خراسان شد

(ابراهیم پورغلامعلی، فومن، گیلان)

معمولًا برای سفر نجف و زیارت بارگاه حضرت علی علیه السلام اشعار متعدد از جمله دوبیتی های زیر توسط چاوش خوانان خوانده می شد:

ای دل به کجا روی که جا در نجف است فریادرسِ هر دو سرا در نجف است

۱- این قسمت را معمولًا چاوش خوان با کلام روایت می کند.

۲- ایستاده.

۳- بیا.

خواهی که مس قلب تو خالص گردد خود را برسان که کیمیا در نجف است

***

هرکس که به دل هوای کوثر دارد باید که دل از مال جهان بردارد

گر جاه و جهان خواهی و کوثر طلبی این هر دو محال، خوشه یک سر دارد

برای سفر کربلا و زیارت ابا عبداللّه الحسین علیه السلام اشعار زیر خوانده می شد:

هر که دارد هوس کرببلا بسم اللّه هر که دارد سر همراهی ما بسم اللّه

بیا دلا رویم سوی کربلای حسین بپا کنیم در آن غم سرا عزای حسین

بیا رویم ببینیم تا فتاده کجا؟ ز صد رزین به زمین قامت رسای حسین

بیا رویم ببین حضرت عباس کجا نموده سرو دست خود فدای حسین

*** در شهرستان آباده موقع عزیمت زایران به مشهد مقدس، این اشعار توسط چاوش خوانان خوانده می شد:

ای روهرو مشهد غریب الغربا عازم شده بر زیارت آن مولا

ز احسان چو ترا به کوی خود کرده طلب باشد به تو یار، آن معین الضعفا (۱)

خواهی که روز قیامت شوی از اهل نجات بگشا لب و بفرست بهر محمد صلوات

دوستان رو به خراسان رضا باید کرد جان به قربانی ایوان طلا باید کرد

بارگاهی که در مشهد شده بر پا بر نثار حرمش جان به فدا باید کرد

بگو بلند اگر شوق مرقدش داری به صاحب حرم و گنبد طلا صلوات

ای دوستان دمی به خراسان سفر کنید بر بارگاه قبله هشتم نظر کنید

روشن کنید ز دیده دیدار گنبدش خاک حریم وی همه کحل بصر کنید

نشود ناطقه ای لال به هنگام ممات آن زبانی که فرستد به محمد صلوات

در طوس عجب دارالشفایی برپاست زان دارالشفا درد همه خلق دواست

از چیست شده دارالشفای زن و مرد از معجزه حضرت علی موسی الرضاست

ای شیعه اگر می طلبی راه نجات بفرست از دل و جان بهر محمد صلوات

شیعه به خراسان چه مقامی دارد آن حضرت عجب نام گرامی دارد

در حشر کند شفاعت زوّارش زوّار رضا عجب مقامی دارد

نشود خسته و درمانده و هم بی حرکات آن زبانی که فرستد به محمد صلوات

خطّه طوس عجب خاک غم فزایی دارد شهر مشهد چه غریب الغربایی دارد

دردمندان همه بر درگه او روی آرند خاک آن شهر عجب دارالشفایی دارد

بلند گوی اگر نیست بر زبانت عیب به صاحب حرم و روضه رضا صلوات

ایوان طلا عجب صفایی دارد درب یک، عجب آب شفایی دارد

ای حاجی حج عبث به خود غرّه مباش زوّار رضا نگر چه جایی دارد

وصف سلطان خراسان نکند این ابیات دم به دم بر گل رخسار محمد صلوات

ای زایر شاهنشه دین بشنو سخنی ز قدر آن شاه مبین

گشتی چو تو رهسپار در کوی رضا حامی به تو در سفر بود روح الامین

بریده باد زبانی که نگوید این کلمات به مادر حسنین خیره النسا صلوات

در طوس ز کی بارگاهی برپاست در بارگهش صنع خدایی پیداست

۱- در این جا مردم صلوات می فرستادند.

ای دل قدمی درون آن بارگه نه بنگر که حریم کبریایی آن جاست

به یازده پسران علی بن ابی طالب به ماه عارض هریک جدا جدا صلوات (۱)

*** برای سفر زیارتی به حرم حضرت امام رضا علیه السلام چاوش خوان ها اشعار و نغمات گوناگون دیگری نیز می خواندند. آنها چه در هنگام رفتن و چه در زمان بازگشت از سفر زیارتی، همواره با ترنم ها و خواندن های شان قافله سالار زایران بودند. مثلًا هنگام بازگشت از زیارت مشهد مقدس و حرم امام رضا، این اشعار را برای پیشوازکنندگان می خواندند:

ما سلام از روضه شیر خدا آورده ایم یک نسیمی از علی موسی الرضا آورده ایم

بسی که رخ مالیدیم بر قد شاه رضا بوی مشک و عنبر و عطر و گلاب آورده ایم

یا هنگام بازگشت از حج چنین می خواندند:

آمدند از راه حج و رویشان دارد شرف از طواف کعبه و پیغمبر و شاه نجف

اشعار دیگر چاوش خوانی:

به حیرتم که چرا حاجیان به مکه روند شوند زایر سنگی که رکن ایمان است

اگر که خانه سنگی شده زیارتگاه شرافتش ز وجود علی عمران است

***

ایوان نجف عجب صفایی دارد حیدر بنگر چه بارگاهی دارد

ای کعبه به خود مبال از روی شرف جایت بنشین که هر که جایی دارد

***

۱- محمدمسعود کریمی، آباده فارس.

یوسفی از مصر کنعان در خراسان آمده سنگ بر تعظیم او از کوه غلطان آمده

قبله هفتم شه هشتم علی موسی الرضا از عرب شاه غریبی در خراسان آمده

چلچراغی دیدم از نزدیک چو نخل بهشت لیل سوزان دیده گریان چون دل غمناک ما

بر در اول که سقاخانه آن حضرت است آب کوثر در میانش شربت بیمار ما

هر که زو یک جام نوشد درد او زایل شود از حکیمان و طبیبان جهان فارغ شود

***

هر که دارد هوس کرب و بلا بسم اللّه هر که دارد سر همراهی ما بسم اللّه

مرغ دل می طپد اندر برم از شوق حسین می روم خدمت شاه شهدا بسم اللّه

فرموده حسین که خیمه ها بار کنید هفتاد و دو تن شهید بیدار کنید

گهواره اصغر به شتر بربندید رحمی به دل عابد بیمار کنید

***

بر مشامم می رسد هر لحظه بوی کربلا در دلم ترسم بماند آرزوی کربلا

تشنه آب فراتم ای اجل مهلت بده تا بگیرم در بغل قبر شهید کربلا

***

چه کربلاست عزیزان خدا نصیب کند خدا مرا به فدای شه غریب کند

چه کربلاست که آدم به هوش می آید هنوز ناله زینب به گوش می آید

***

صبا به کوی غریبان سلام ما برسان سلام ما به شهیدان کربلا برسان

بگو به مادر قاسم که قاسم داماد به خواب رفته، عزیزان پیام ما برسان

***

می روم من به کربلای حسین تا کنم جان خود فدای حسین

هر که را آرزوی کرب و بلاست با من آید به خاک پای حسین

***

مدام مرغ دلم همچو نی نوا دارد به سر هوای گلستان کربلا دارد

چو دید غم زده لیلا که نوجوان اکبر خیال رفتن میدان اشقیا دارد

***

می روم در خدمت شاهی که ایوانش طلاست پادشاه هفت کشور پیش احسانش گداست

یک طواف مرقدش فرموده پیغمبر است هفت هزار و هفتصد و هفتاد حجّ اکبر است

***

ز تربت شهدا بوی سیب می آید ز طوس بوی رضای غریب می آید

رضا به شهر خراسان عجب دلش تنگ است ز طوس تا به مدینه هزار فرسنگ است

***

اگر خیال تو سوی رضاست بسم اللَّه به سر هوای رضای خداست بسم اللَّه

بریده مرغ دلم گر به سوی کربلا گهی به روضه پاک رضاست بسم اللَّه

*** همچنین در بازگشت زوّار، این چاوشی ها خوانده می شود:

ما سلام از روضه شاه رضا آورده ایم در حریمش پا نهادیم و صفا آورده ایم

بس که رخ مالیده ایم بر مرقد شاه رضا بوی مشک و عنبر و عطر و گلاب آورده ایم

***

یک شب به زمین کربلا خوابیدم در عالم خواب این ندا بشنیدم

کای قافله سالار بیابان نجف صد ساله گناهان تو را بخشیدم

***

از کرب و بلا برهنه پا آمده ام بنگر تو ببین که تا کجا آمده ام

از وصف علی زبان فرو می مالم خاک در او به آبرو می مالم

در گذشته های نه چندان دور، چاوشی ها علاوه بر خواندن اشعار در تهییج مردم به سفرهای زیارتی، اشعاری را در مورد تهیه اسباب و لوازم سفر می خواندند که در گنجینه فرهنگ مردم، اشعار زیبایی از آنها موجود است که نشان دهنده وسایل و اثاثیه سفر حجاج و مسافران حج در زمان های قدیم بوده است که باید یک زایر با خود همراه داشته باشد:

ای محب علی و آل، همه خُرد و کِبار خواب تا کی، همه گردید به یک دم بیدار

هرکه شب راه رود، روز رسد بر منزل هرکه شب خواب کند، هست خجل آخر کار

چشم بگشا و نما جمع ز اسباب سفر تا نمانی عقب از قافله های زوّار

پاکش (۱) خویش بیاور ز برش توبره فکن بر سر مال (۲) بزن، یا دهنه یا افسار

کوس زد بانگ رحیل به یاد از قُر (۳) و زنگ زود بر کَن ز دل خاک در این دم بسمار (۴)

آنچه داری بُنه (۵) همراه فراموش نکن شمع و فانوس و فنر، سیخ فنر (۶) را یاد آر

کُپه (۷) را با دبه و تنگ (۸) و دیگر آفتابه چنته (۹) و چاپُق (۱۰) و قلیان، زچوب سیگار

قوری و کتر (۱۱) و سماور، سینی و نعلبکی استکان و دگر آن قندشکن را بردار

تنگ روی و دیگر آن قوطی چایی برگیر کیسه قند مکرر به کناری مگذار

از کماجدان و دیگر دیگ بَر و از کفگیر بلکه بشقاب و دگر دوری (۱۲) خود را بشمار

۱- هر حیوانی که پا روی آن گذارند و سوار شوند مانند: اسب، قاطر، شتر و غیره.

۲- منظور حیوان است.

۳- زنگوله اسب یا خر.

۴- کلمه ای عربی به معنی «میخ طویله» می باشد.

۵- وسیله، اثاثیه، توشه.

۶- فرن نوعی چراغ روشنایی بود که اگر می خواستند چراغ را ثابت نگهدارند، ابتدا میله را عمودی بر زمین می کوبیدند و چراغ(فنر) را به آن آویزان می کردند.

۷- وسیله ای مانند کفه ترازو یا سبد که اثاثیه را در آن می گذاشتند.

۸- دبّه و تنگ ظروفی بودند که در آن روغن، شیره و یا آب می ریختند.

۹- صندوقی که به شکل مکعب مستطیل و از چوب ساخته شده بود.

۱۰- . چُپُق.

۱۱- . کتری.

۱۲- . بشقاب بزرگ.

کاسه و جام و دیگر قابلمه و طاسِ کباب بنما یاد که گم می شود اندر شب تار

سفره نان و دیگر قاشق و از کیسه نمک با توجه همه را در نظرت یاد بیار

کیسه ات گر ز توتون است یا تنباکو جعبه و قوطی گوگرد که شد مایه نار

آنچه اسباب ز جیب است بکن کم تو عبث ذره بین و دیگر از آینه و قبله نما

مهر و تسبیح و ز انگشتر و قفل و منقاش (۱) چاقو و قطب، (۲) ز زنجیر مسلسل رفتار

جعبه سوزن خود را تو به غیری مسپار شال و پاتابه (۳) به پا پیچ و به سر نِه دستار

موزه در پا، عصا در کف و بر دوش ردا رو به ره آر، به توفیق خدای غفّار

نِه بر خورجین همه اسباب و بزن قفل بر او بار بنما و به مرکب بشو این لحظه سوار

چتر بردار و نما هیکل خود قرآن (۴) را تا که محفوظ بمانی تو به هر لیل و نهار

کن نصیب از کرم خویش «رجا» را یارب کربلا و نجف و مشهد شاه ابرار (۵)

۱- نوعی انبر کوچک و مخصوص کندن مو.

۲- منظور قطب نماست.

۳- مچ پیچ.

۴- قرآنی به هیکل(پیکر) آویزان می کردند و تسمه ای چرمی داشت که آن را به گردن و شانه می آویختند.

۵- مروری بر آداب سفرهای زیارتی، ص ۴۵- ۴۹.

تمثیل و مثل

مشک خالی و پرهیز آب

پرهیز آب عبارتی بود که سقایان و آبکشان هنگامی که با مشک یا سبوی پرآب از جایی پر تردد می گذشتند بانگ می کردند تا عابران را توجه دهند که خیس نشوند.

عبداللّه مستوفی می نویسد: «با مشک خالی پرهیز آب گفتن، نظیر با دست خالی توپ زدن، کنایه از سر و صدای بی اساس راه انداختن و به دروغ خود را صاحب قدرت و اختیار جلوه دادن است. یکی از کارهای بامزه داش های تهران این بود که مشکی پیدا می کردند و در آن دمیده آن را مانند مشک پرآب، به کول گرفته، دهن گشاد مشک در دست، با صدای" پرهیز آب، پرهیز آب" مردم را از دور و ور طوق یا علم متفرق می کردند تا از ازدحام زیاد جلوگیری شود». (۱) اما این مثل در فرهنگ مردم ایران در مورد کسی به کار می رود که بخواهد هنر نداشته اش یا کار انجام نداده را به رخ دیگران بکشد و از قِبل آن منفعتی ببرد. حکایت زیر از این مثل روایت شده است:

قصه مثل: در زمان قدیم که مردم با اسب و شتر و امثال آن به زیارت می رفتند، رسم بود وقتی که کسی از سفر حج باز می گشت به نسبت نفوذ و شخصیتی که داشت، خویشان و آشنایانش هرکدام از محل اقامت و شهر حاجی، مشکی تهیه می کردند و آن را پر از آب کرده و به پیشواز حاجی می رفتند و سر راه حاجی را آبپاشی می کردند.

البته هرچه تعداد افراد مشک به دوش بیشتر بود و سر راه حاجی بیشتر آبپاشی می شد، بر اهمیت و شخصیت حاج آقا افزوده می شد. مثلًا می گفتند: این همان حاجی است که جلو راهش دو فرسخ آب پاشیدند. از قضا یک مرتبه که یکی از حاجی های اسم و رسم دار از مکه بر می گشت، یکی از آشناهایش که مجبور بود حتماً مشکی تهیه کند و

۱- مستوفی، ج ۳، ص ۵۸۱، حاشیه ۱.

به پیشواز حاج آقا برود، با خودش فکر کرد که حاجی از آن حاجی ها نیست که دور و برش خالی باشد و حتماً چند نفری برای آبپاشی به پیشواز او می روند. پس چه بهتر من مشکم را از باد پرکنم و ببرم، چون با بار سنگین تحمل این همه راه برایم دشوار است. بالأخره آن جا یک کلکی خواهم زد. همین کار را هم کرد، یعنی مشک خود را در خانه پر باد کرد و گلوی مشک را محکم بست و به راه افتاد تا محل تجمع مشک به دوشان رسید. هن و هن کنان خود را خسته و کوفته نشان داد و منتظر موقعیت شد که کارش را شروع کند.

به هر حال، حاج آقا از راه رسید. جمعیت خوشحالی کردند و هر کدام با مشک های خود دست حاج آقا را بوسیدند. تا وقت کار و فعالیت مشک به دوشان رسید. در این وقت آن بابایی که مشک پر از باد به دوش داشت، با سر و صدای زیاد خود را میان مشکیان انداخت و" پرهیز آب، پرهیز آب" گویان به تقلا افتاد و منتظر شد که مشک رفیق بغل دستی اش باز شود، آن وقت کار خود را شروع کند، بلکه مشتش باز نشود و رسوا نگردد. هرچه بیشتر انتظار کشید کم تر به نتیجه رسید و این انتظار طولانی شد. تا این که رفیقش پرسید: پس چرا سر مشکت را باز نمی کنی؟ آن بابا گفت: راستش را بخواهی، می ترسم رسوا شوم؛ چون مشک من عوض آب، باد دارد، حالا از تو خواهش می کنم اول تو سر مشکت را باز کن و نگذار من آبرویم پیش حاج آقا بریزد و مرا پیش او روسیاه نکن. بیچاره آن مرد که مشکش را به امید دیگران پر باد کرده بود، گفت: رفیق، حقیقت را بخواهی مشک من هم پر از باد است و از آب خبری نیست و باید فکری کرد که رسوا نشویم. تقلّا بیشتر شد و از هر سو صدای" پرهیز آب پرهیز آب" بلند بود. اما حتی یک قطره آب هم از مشکی سرازیر نشد که نشد، تا این که معلوم شد همه مشکیان در خانه خود همان فکر را کردند که باید مشکشان را عوض آب از باد پر کنند و زحمت و مرارت حمل این همه آب را بر خود نگذارند.

از آن طرف حاج آقا هرچه انتظار کشیدند دید سر مشکی باز نشد و آبی هم پاشیده

نشـد. بـا نـاراحتی پرسـید: پس چرا مشـکیان کار خود را شـروع نمی کننـد؟ ملتزمین رکاب حاج آقا پرسان پرسان رفتنـد و باز گشتند و به حاج آقا خبر دادند که مشک ها عوض آب، باد دارد و مثل این که خبری نیست و بقیه راه را بایستی آبپاشی نشده برویم. حـاج آقـا هم وقتی مـاجرا را فهمیـد بـا ناراحتی مرتب می گفت: مشک خالی پرهیز آب؟ مشک خالی پرهیز آب؟ (۱) حاجی ما هم شریک!

قصه مثل: در قـدیم موقعی که حجاج ایرانی از راه مـدینه به زیارت خانه خـدا و یا بالعکس می رفتنـد، همین که شامگاهان در یکی از مراحل بین راه رحل اقامت افکنده و دیگ های پلو یا آش را بر سـر بار می گذاشتند، ناگهان یک دسته عرب نتراشیده و نخراشـیده با سوسـماری یا موش صحرایی از راه می رسیدند و موش ها سوسمارها را در دیگ آش یا پلو می انداختند و می گفتند: «حاجی ماهم شـریکیم» چون حجاج بخت برگشته هرگز طبع آنها حاضر به خوردن پلو سوسمار یا آش موش نمی شد، مجبور بودنـد که دیگ پلو یا آش نیمه پخته را یک جا تحویل آن گرو بدهنـد. این مثل از آن زمان رایج شده است. (۲) حالا که حاجیش نیست کربلاییش هم نباشد

قصه مثل: مردی روسـتایی به نام باقر در آرزوی این که حاجی شود، صـد تومان به تدریـج جمع کرد و برای زیارت خانه خـدا عازم مکه شد. چون به کربلا رسـید، به مرضـی سخت مبتلا شد و به حکم ضرورت در همان جا متوقف شد. وقتی بهبود یافت که زمان حج گذشته بود. ناچار به وطن بازگشت. هموطنان او را کربلایی باقر خواندند و او هر وقت این خطاب را می شنید با نهایت تأثر و تأسف می گفت: حالا که حاجیش نیست کربلاییش هم نباشد. (۳)

۱- قاسم بنائیان، خراسان، نیشابور.

۲- داستان های امثال، ص ۱۱۴.

۳- داستان نامه بهمنیاری، ص ۱۹۴.

عجب سرگذشتی داشت کل علی!

قصه مثل: شخصـی مسـتطیع شده و به زیارت مکه رفته و برگشـته بود و شده بود حاجی و همه به او می گفتند: «حاج علی». اما دوستی قدیمی داشت که مثل گذشته به او می گفت: «کللی(» کل علی» کربلایی علی)» مثل این که اصلًا قبول نداشت که این بابا حاجی شده!

حاج علی هم از آن آدم هایی بود که تشـنه عنوان و لقب هسـتند و دلشان لک زده برای عنوان! حاج علی پیش خودش گفت: «بایـد کاری کنم تا رفیقم یادش بماند که من حاجی شده ام» به این جهت یک شب شام مفصـلی تهیه دید و رفیقش را دعوت کرد.

بعد از این که شام خوردند و نشسـتند به صـحبت کردن و او صـحبت را به سـفر مکه اش کشاند و تا توانست توی کله رفیقش کرد که به زیـارت حـج رفته و الاـن حاجی شـده! او گفت: توی راه حجاج یک نفر سـرش به کجاوه خورد و شـکست و یک همچیـن دهـن وا کرد، آمدنـد و بـه مـن گفتنـد: حـاج علی از آن روغـن عقربی کـه همراهـت آورده ای بـه ایـن پنبه بزن، بعد گذاشتند روی زخم، فردا خوب شد. همه گفتند: خیر ببینی حاج علی که جان بابا را خریدی. در مدینه منوره که داشتم زیارت می خواندم یکی از پشت سر صدا زد: «حاج علی» من خیال کردم شما هستی، برگشتم، دیدم یکی از همسفرهاست، به یاد شما افتـادم و نـایب الزیـاره بودم. توی کشتی که بودیم دو نفر دعوایشان شـد، نزدیک بود خون راه بیفتـد همه پیش من آمدنـد که حـاج علی به داد برس که الآـن خون راه می افتـد. وسـط افتـادم و آشتی شـان دادم، همسـفرها گفتنـد: خیر ببینی حاج علی که همیشه قـدمت خیر است. نزدیکی هـای جـده بودیم که دریـا طوفـانی شـد، نزدیـک بود کشتی غرق شود که یکی از مسـافرها گفت: حاج علی! از آن تربت اعلایت یک ذره بینـداز توی دریا تا دریا آرام بشود. همین که تربت را توی دریا انـداختم، دریا مثل حوض خانه مان شد. همه همسفرها گفتند: خدا عوضت بده حاج علی که جان همه ما را نجات دادی.

خلاصه گفت و گفت تا رسید به در خانه شان، ادامه داد که: همه اهل محل با قرابه های (۱) گلاب آمدند پیشواز و صلوات فرستادند و گفتند: حاج علی زیارت قبول.

همین که پایم را گذاشتم در دالان خانه و مادر بچه ها چشمش به من افتاد گفت: وای حاج علی جان ... همین را گفت و از حال رفت. خلاصه مدام حاج علی حاج علی کرد تا قصه سفر مکه اش را به آخر رساند. وقتی که خوب حرف هایش را زد، ساکت شد تا اثر حرف هایش را در رفیقش ببیند، رفیقش با تعجب فراوان گفت: عجب سرگذشتی داشتی کل علی؟! (۲)

ناخوانده به زیارت خانه خدا نتوان رفت

قصه مثل: یکی از توانگران به زیارت خانه خدا رفت. بعد از طواف و فراغت از اعمال حج چنان که رسم تجارت است در بازار منی مال و اسباب خود را گشود و به خرید و فروش مشغول بود که ناگاه گدایی که نان خود را جز در سفره دیگران ندیده بود، از آن جا گذشت و آن سوداگر را با آن همه جمعیت دید. رشک و حسرت بر او برد و ایستاد و زبان به طعن بر او گشود و گفت: «ای دنیادار بی رحم و ای سخت دل از خدا دور! فردای قیامت مکافات من و تو به یکسان چون خواهد بود؟ که تو با این همه سامان و نعمت و من با این همه رنج و محنت آمده و بینوا و بی چیز باشم؟

بازرگان چون این فقره را شنید گفت: «حاشا مکافات ما یکسان باشد، ای گدای فضول و ای طالع بی اصول! طرز درویشی و فقیری چنین نمی باشد که رشک و حسد بر اموال مسلمانان برند، مطلب تو از آمدن به این جا گدایی است نه طواف خانه کعبه، اگر می دانستم فردای قیامت جزای ما یکسان خواهد بود کجا روی به این راه می آوردم. گدا گفت: ای دنیادار این سخن از کجا غلط کردی؟ بازرگان گفت:

استغفراللّٰه، من آنچه حق بود گفتم من به فرمان خدا آمده ام، آن جا که اذن فرموده:

۱- ظرف شیشه ای برای نگهداری گلاب و آب لیمو و غیره.

۲- تمثیل و مثل، ج ۱، ص ۲۳۱.

«وَ أَذِّن فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجَالًا»، (۱)

که خطاب به ابراهیم علیه السلام بوده که مردمان را به این خانه بخوان و کسانی را که قدرت و استطاعت داشته باشند ندا در ده و بطلب تا بیایند.

پس چون مرا حکم شده به فرمان آمده ام و تو بی طلب ناخوانده آمده و فضولی کردی و آن گاه این مثل را گفت: ناخوانده به خانه خدا نتوان رفت. ای گدا تو را نخوانده و تو خود را به مهلکه انداختی و چنین راهی را بی اذن و زاد و با هزار محنت به جهت گدایی و طمع و طلب آمده ای. عزت و حرمت مهمان و طفیلی یکسان نبُود. پس آن گدا خجل و شرمنده شد و جماعتی که آن جا بودند بازرگان را آفرین گفته و تحسین کردند، پس بازرگان چیزی به گدا داد و او را از خود خشنود کرد. (۲) چند ضرب المثل

- زیارت پول حلال می خواهد و قلب صاف.

- هر که زیارت برود استخوانش سبک می شود.

- نگفتی گیوه ات مبارک، می گوید مرا ببر زیارت.

- تا به یکی بگی عیدت مبارک، می گه من رو کول کن ببر زیارت. (۳)- هر کس به زیارت می رود تو چاوش خوان او باش(ضرب المثل مازندرانی)

۱- سوره حج، آیه ۲۷.

۲- مجمع الامثال، ص ۳۸۳.

۳- فرهنگ جامع ضرب المثل های فارسی، ص ۶۰۵.

ص: ۱۱۰۸

فهرست منابع

۱. تمثیل و مثل، سیدابوالقاسم انجوی شیرازی، ج ۱، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۳.

۲. داستان نامه بهمنیاری، احمد بهمنیاری، چاپ سوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.

۳. داستان های امثال، امیرقلی امینی، اصفهان، ۱۳۲۴.

۴. شرح زندگانی من، عبداللّه مستوفی، چاپ سوم، تهران، زوّار، ۱۳۷۴.

۵. فرهنگ جامع ضرب المثل های فارسی، بهمن دهگان، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۲.

۶. مجمع الامثال، محمدعلی حبله رودی، به کوشش صادق کیا، تهران، اداره فرهنگ عامه، بی تا.

۷. مروری بر آداب سفرهای زیارتی، سیدعلیرضا هاشمی، تهران، مرکز تحقیقات صدا و سیما، ۱۳۸۴.

راویان(گنجینه فرهنگ مردم):

قاسم بنائیان، نیشابور، خراسان

محمدمسعود کریمی، آباده، فارس

ابراهیم پورغلامعلی، فومن، گیلان

محمود احمدی، همدان

۶. بررسی نماد شناسانه و روانکاوانه مفهوم زیارت و پیوند آن با واژه تشرّف در سه روایت از داستان پرندگان

به قلم ابن سینا، محمّد غزالی و عطار

دکتر ویدا احمدی

چکیده

این نوشتار از این جا آغاز می شود که از چشم اندازی نمادشناسانه و روانکاوانه چرا واژه «تشرّف» در زمره مأنوس ترین واژه ها با «زیارت» است و بدین ترتیب به تبیین اساسی ترین هدف زیارت می پردازد. از آن جا که زبان داستان در چنین مواردی، زبانی قدرتمند است، از این رو به تحلیل این مهم از چشم انداز سه روایت از داستان پرندگان به قلم ابن سینا، محمد غزالی و عطار پرداخته می شود، زیرا «زیارت» سیمرغ، هدف اساسی پرندگان در این داستان هاست، سیمرغی که مظهر خداست و پرندگانی که زایران عارفند.

کلیدواژه ها: تشرف، سرسپاری، زیارت، افسانه سیمرغ.

۱. آیین تشّرف یا سرسپاری (۱).

در فرهنگ نمادها، «سرسپاری(تشرف) یک آیین گذار و نماد تولد یک موجود جدید است». (۲) این که سرسپاری اصلا به چه معناست، نکته حایز اهمیتی است که هم با حوزه معنا شناختی و هم حوزه زبانی داستان پرندگان همسو است، «سرسپاری به

۱- Initiation

۲- فرهنگ نمادها، ج ۳، ص ۵۷۶.

معنای میراندن است. سرسپردن یعنی جدا شدن سر از بدن و مردن. اما این که مرگ به معنی خروج و عبور از دری است که به جایی دیگر باز می شود. پشت این در خروجی، یک ورودی قرار گرفته است. سرسپردن یا تشرف یعنی وارد شدن». (۱) اکنون باید دید سرسپرده کیست؟ «سرسپرده از پرده آتش(بندها و رنج ها) می گذرد، دیواری که غیر قدسی را از قدسی جدا می کند، او از دنیایی به دنیای دیگر می گذرد و پس از آن تحول صورت می گیرد، سطح او عوض می شود و تفاوت می کند. استحاله فلزات(در مفهوم نمادین کیمیاگری) نیز نوعی سرسپاری است که فلز در این سرسپاری خواستار مرگ و عبور است، سرسپاری باعث دگردیسی می شود». (۲) شکل این تشرف در داستان پرندگان، تشرف به «مقام بندگی خدا» است که در جریان حرکتی فرارونده محقق می شود و این همان تحقق هدف زیارت و فناء فی اللّٰه است، به تعبیر عطار:

در میان عاشقان مرغان درند کز قفس پیش از اجل بر می پرند (۳)

۲. نمادشناسی زیارت به مثابه حرکتی فرارونده در داستان پرندگان

اما این حرکت استعلایی برای نیل به زیارت سیمرغ در داستان پرندگان با نمادهای زیر نشان داده شده است:

الف) سفر

«نمادگرایی سفر نشانگر میل به تغییر درونی است و نیاز به تجربه ای جدید و حتی بیش از آن نشانه جابه جایی. به عقیده یونگ، سفر نشانه نارضایی است و منجر به جست و جو و کشف افق های تازه می شود. آیا همان گونه که یونگ عقیده دارد، میل به سفر، جست وجوی مادر گم شده است؟ اما به زعم سیرلوت، سفر برعکس، ممکن

۱- همان.

۲- همان، ص ۷۵۷.

۳- منطق الطیر، ص ۲۵۰.

است به دلیل گریز از مادر باشد. در واقع باید دو جنبه مختلف مادر را به یاد داشته باشیم که هم بخشنده است و هم تملک جو». (۱) در نمادشناسی سفر، یادآوری نکته ای ضروری است و آن این است که آنچه به عنوان مادر مطرح شده و دارای وجوهی متضاد است، در سفر پرندگان ازسویی موانعی است که به ظاهر به آن پناه برده اند، اما با شناختی که حاصل می کنند در می یابند که باید آن را رها کنند و در جای دیگری در جست وجوی آن باشند و آن وجهه راستین مادر در مقام ملجأ و پناهگاه، سیمرغ و بارگاه اوست، این نکته با تحلیل روانکاوانه یونگ از نماد مادر همخوانی دارد که می گوید: «سایر مظاهر مادر به مفهوم مجازی آن در چیزهایی متجلی می شوند که مبین غایت آرزوی ما برای نجات و رستگاری است، مانند فردوس، ملکوت خدا و اورشلیم بهشتی. بسیاری از چیزهایی که احساس فداکاری و حرمت گذاری را برمی انگیزد می توان از مظاهر مادر به شمار آورد ... همه این مظاهر ممکن است دارای معنایی مثبت و مطلوب و یا معنایی منفی و اهریمنی باشد». (۲) سفر در زمره اساسی ترین و نمودارترین عناصر نمادینی است که از رهگذارآن هویت دگرگونی پذیر پرندگان این داستان ها کاملًا آشکار می گردد. اما این عنصر در هر کدام از داستان های مورد نظر به گونه ای نمود یافته است:

۱. در داستان ابن سینا، سفر به شکل گذار از هفت کوه برای رسیدن به کوه نهم که شهر ملک سیمرغ پس از آن است، نشان داده شده است.

۲. در داستان محمد غزالی، سفر را در قالب پرواز بر فراز دریا برای رسیدن به جزیره ملک عنقا مشاهده می کنیم.

۳. و سرانجام در منطق الطیر عطار، سفر را در عالی ترین شکل خود، یعنی عبور از هفت وادی تا رسیدن به کوه قاف که آشیانه سیمرغ بر بلندای آن است، می بینیم.

سفر در این داستان ها در قالب سفر زمینی، دریایی و درونی نشان داده شده است.

۱- فرهنگ نمادها، ج ۳، ص ۵۸۷.

۲- چهار صورت مثالی، ص ۲۵ و ۲۶.

ب) زایر

پس از سفر پر از رنج و مرارت پرندگان، شاهد دیگری که دال بر تحقق فرایند دگرگونی در آنهاست، همگنی ایشان با کسانی است که در سرزمین مقصد حضور دارند، یعنی در حضرت ملك سیمرغ و همین مطلب، حضور نماد دیگری را در این داستان ها نشان می دهد که نماد «زایر» است.

مقوله سنخیت که در نمادگرایی زایر (۱) قابل طرح است با نماد سفر که پیش از این مطرح شد و نیز بن مایه آن یعنی طلب که در رساله الطیرها جایگاه ویژه ای دارد، پیوند اساسی خورده است. زایر «نمادی مذهبی در ارتباط با وضعیت انسان در زمین است که آزمون های خود را به انجام رسانده تا به لحظه مرگ در سرزمین موعود یا بهشت گمشده برسد. این واژه به معنی انسانی است که خود را در جایی که زندگی می کند غریب احساس می کند و در آن جا تنها گذر عمر می کند و به دنبال مدینه فاضله است.

این نماد نه تنها ویژگی زود گذر تمام وضعیت ها، بلکه وارستگی درونی نسبت به حال و پیوستگی به اهداف دور و طبیعت است». (۲) پرندگان رساله الطیرها، زایران طالبی هستند که پا در این سفر زیارتی گذارده اند تا به آغوش سیمرغ پناه ببرند؛ چرا که از دست دادن موانعی که پیش از این تنها دوست داشتنی و عزیزترین چیز برای آنان در زندگیشان بود، حال می طلبد تا عشق برتری را جایگزین خود سازد و این عشق، با تجربه زایرانه آنهاست که محقق می شود و سنخیت، کلید حل این معماست، زیرا:

«زایر با حضور در زیارتگاه به جست و جوی هم ذات شدن و متجانس شدن با کسی است که این محل را نام آور کرده است». (۳) آیا این همان سیمرغ یا مادر یا پناهگاه موعود نیست؟

الف) ابن سینا در داستان خود این همگنی را به این صورت بیان کرده است: «چون

۱- Pilgrim

۲- فرهنگ نمادها، ج ۳، ص ۴۳۰.

۳- همان.

والی آن ولایت ما را با خویشتن گستاخ کرد و انبساطی پدید آمد و او را از رنج خویش واقف گردانیدیم و شرح آنچه بر ما گذشته بود پیش وی بگفتیم و رنجور شد». (۱) از این عبارت دو نکته قابل فهم است:

نخست آن که والی که خود از شخصیت های برجسته داستان است، یعنی از کارگزاران و مقربان ملک سیمرغ، پرندگان را با خود، خودمانی کرده است و این خودمانی شدن زمانی محقق می شود که کسی، مخاطب یا مخاطبان خود را از سلک و سنخ خویش بیابد.

دوم آن که رنجوری والی از رنج پرندگان نیز دلالت زبانی دیگری است که مبین همگن شدن پرندگان با اوست. گویی ابن سینا قصد دارد تا در پرده دلالت های پوشیده زبانی این نکته را به مخاطب خود بفهماند که والی هم روزی همانند همین پرندگانی بوده است که کوه ها را با رنج پس پشت گذاشته تا به سر منزل مقصود رسیده است.

سهروردی، مترجم رساله الطیر ابن سینا، درباره مفهوم سنخیت در رساله تأمل برانگیز لغت موران به مطلب بسیار قابل توجهی اشاره می کند، آن جا که مورچه ها درباره این که قطرات ژاله که سرگرم نظاره آنند سرانجام چه تقدیری دارند، می نویسد:

«موری متصرف در میان ایشان بود. گفت: لحظه ای صبر کنید تا میل او از کدام جانب باشد، که هرکسی را زی(به سوی) جهت اصلی خویش کششی باشد و به لحوق معدن و منبع خود شوقی بود. همه چیزها به سنخ خود منجذب باشد». (۲) و در ادامه، پاسخ مورچه سالخورده زیباست: «یکی سالخورده در میان ایشان بود، آواز داد که اگر وعده «یَوْمِ یَلْقَوْنَهُ» راست باشد و قضیه «کُلٌّ لَّمَّا جَمِیعٌ لَّدَیْنَا مُحْضَرُونَ» (۳)

و «إِنَّ إِلَیْنَآ إِیَابَهُمْ» (۴)

و

۱- مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۳، رساله الطیر، ص ۲۰۳.

۲- همان، ج ۳، رساله لغت موران، ص ۲۹۸.

۳- سوره یس، آیه ۳۲.

۴- سوره غاشیه، آیه ۲۵.

«فِی مَقْعَدِ صِدْقٍ عِندَ مَلِیکٍ مُّقْتَدِرٍ» (۱)

درست آید، طریق آن است که چون ملک سلیمان در آشیانه ما نگنجد، ما نیز به ترک آشیانه بگوییم و به نزدیک او شویم و دگر ملاقات میسر نگردد». (۲) ب) محمد غزالی این تحول را از طریق طرح آیات قرآنی بیان کرده است. این که می گوییم، پرندگان در این داستان ها نمودگار آدم در معنای حقیقی آن می باشند، در این جا آشکارتر می گردد. یکی از مهم ترین این دلالت ها که می توانیم به آن اشاره کنیم، این آیه شریفه است که می فرماید: «یأَیَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّهُ ارْجِعِی إِلَی رَبّکِ رَاضِیَةً مَّرْضِیَّةً» (۳). (۴)

و این بازگشت زمانی محقق می شود که پرندگان شایسته دیدار با ملک سیمرغ شده اند. غزالی می گوید: «و هر که به حقیقت نیازمند و مسکین است، ملک سیمرغ را ندیم و جلیس است. پس همگان با قرار و سکون آمدند و در ریاض و نزهت فرو آمدند و لباس شادی پوشیدند و در خدمت ملک ایستادند و پیش تخت وی صف زدند». (۵) ج) عطار این همگونی را در وادی توحید، ضمن بیان حکایت زیبایی مطرح کرده و این چنین سروده است:

از قضا افتاد معشوقی به آب عاشقش خود را درافکند از شتاب

چون رسیدند آن دوتن با یکدگر این یکی پرسید از آن کای بی خبر

گر من افتادم در آن آب روان از چه افکندی تو خود را در میان

گفت من خود را درآب انداختم ز آن که خود را از تو می نشناختم

روزگاری شد که تا شد بی شکی با تویی تو یکی من یکی

۱- سوره قمر، آیه ۵۵.

۲- مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۳، رساله لغت موران، ص ۲۹۸.

۳- سوره فجر، آیات ۲۷ و ۲۸.

۴- رساله الطیور، ص ۸۵.

۵- همان، ص ۸۳.

تو منی یا من توام، چند از دوی با توام من یا توام یا تو تویی

چون تو من باشی و من تو بردوام هر دو تن باشیم یک تن والسلام

تا توی برخاست در شرکست یافت چون دوی برخاست توحیدت بیافت

تو در و گم گرد توحید این بود گم شدن کم کن تو تفرید این بود (۱)

ج) بارگاه(آستانه)

حضرت، درگاه، بارگاه در مقام نماد دگرگونی، بارها و بارها در داستان پرندگان مطرح شده است. برد نمادین این مفهوم از غنای بسیاری برخوردار است. آن چنان که هم در عرفان و فلسفه و هم در روانکاوی و کیمیاگری و نیز در ادبیات که مجموعه ای از همه اینهاست، در محل تحلیل و بررسی است. این که بارگاه سیمرغ و گذار از آن یکی دیگر از عناصر بنیادین رساله الطیرهاست که کارکردی قابل توجه در بیان فرآیند تحول قهرمانان داستان دارد و شواهد آن در داستان های نامبرده بسیار با آنچه که در فرهنگ نمادها مطرح شده است، همسویی و همخوانی دارد. در این جا بررسی و تحلیل این مفهوم را به همراه چشم انداز کلی تر آن مطرح می کنم و آن نماد در می باشد. «مفهوم باطنی درگاه(آستانه) از نقش آن به عنوان معبر میان بیرون(پلشت) و درون(قدسی) می آید» (۲) آن چنان که پرندگان دربند ریسمان ها و موانع و مشکلات راه سفر با گذار از آستانه حضرت سیمرغ و حضور در آن، گویا از آن پلشتی پا در این قداست و پاکی گذاشته اند، زیرا: «گذار از آستانه دو شرط دارد: یکی طهارت خاص برای جسم و دوم نیت روح، که کفش در آوردن بر صحن یک مسجد یا جلوی یک خانه ژاپنی از همین نماد نشأت گرفته است». (۳) این نمادگرایی، آیه شریفه «فَاخْلَعْ نَعْلَیْکَ إِنَّکَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًی» (۴)

را به یادمان

۱- منطق الطیر، ص ۲۰۹ و ۲۱۰.

۲- فرهنگ نمادها، ج ۳، ص ۲۰۴.

۳- همان، ص ۱۸۳.

۴- پای پوش خویش بیرون آور که تو در وادی مقدس طوی هستی.(سوره طه، آیه ۱۲)

می آورد که خداونـد به پیـامبرش حضـرت موسـی فرمان می دهـد که در آسـتانه وادی مقـدس طوی کفش های خود را از پا درآورد. در حقیقت نعلین های حضرت موسی علیه السلام همان دنیا و آخرت است که برای دیدار با خداوند باید به آن پشت پا زد.

درست همان اتفاقی که برای پرندگان رساله الطیرها به وقوع می پیوندد. آن هنگام که از همه دلبسـتگی ها و موانع می گذرند تا به دیـدار سیمرغ نایل شونـد. از همین روست که «در، به عنوان محل عبور و به خصوص محل ورود به طور طبیعی تبدیل به نمادی برای تقرب به خدا و امکان تقرب به حقیقتی برتر می شود. بدین گونه است که بازگشت مسیح به عنوان مسافری که بر در می کوبـد، بشارت داده می شود، پسـر انسان بر در است (۱) ... مسیح در مکاشفات (۲) می گوید: اینک بر در ایستاده می کوبم، اگر کسی آواز مرا بشنود و در را باز کند به نزد او خواهم آمد و با وی شام خواهم خورد و او نیز با من». (۳) پیوند نماد بارگـاه با کیمیاگری و فرآینـد اسـتحاله ای آن هم جالب است. «به زعم اسـقف پرنتی(۳۹۶) برای کیمیاگران و فلاسـفه، در به معنای کلیـد و به معنای ورود یا وسـیله عمل کردن در طول مـدت عمل بزرگ (۴) است. در، ربط با وسـیله ای سری و ابزاری مخفی است». (۵) امـا از سـویی دیگر، تیتوس بورکهـارت بر اهمیت ترکیب نمـاد در و درگـاه از طرفی و غـار از طرفی دیگر، تأکیـد دارد. این پیونـد، یـادآور تحلیـل روانکـاوانه یونگ از نماد غار در تفسـیر نمادینی است که از سوره مبارکه کهف قرآن شریف ارائه کرده است. یونگ در این باره این طور نوشته است: «تمامی این سوره(کهف) به راز ولادت مجدد اختصاص دارد و غار محل ولادت مجدد است، یعنی آن گودال مخفی که انسان در آن

۱- مرقس ۲۹: ۱۳.

۲- ۲۰: ۳.

۳- فرهنگ نمادها، ج ۳، ص ۱۸۳.

۴- Opus

۵- همان، ص ۱۸۶.

محبوس می شود تا پرورده و تجدید شود. قرآن راجع به آن می فرماید: و خورشید را ببینی که چون برآید از غارشان به طرف راست مایل شونـد و چون فرو رود به جانب چپشان برگردد و ایشان(هفت خفته) [میان] غارنـد و میان، مرکزی است که گوهر در آن می آرمـد، مکانی است که پرورده شـدن یا مناسک قربانی و یا دگرگونی در آن رخ می دهد». (۱) این بررسی نمادین یادآور پرورده شـدن آدمی در رحم مادر است که با آنچه قبلًا در پیرامون نمادگرایی مادر گفته شد و مطالب حاضـر همسویی عمیقی پیدا می کند. و این همان انقلابی است که برای پرندگان رساله الطیرها به وقوع می پیوندد.

سرانجام وادی فقر و فنا که آخرین وادی از هفت وادی عطار است و پس از آن سـی مرغ در پیشـگاه سـیمرغ حضور می یابند، دلالت دیگری بر طرح مقوله سرسپاری و تشرف در منطق الطیر است:

چون وصال دلبرش معلوم گشت فانی مطلق شد و معدوم گشت

سالکان دانند در میدان درد تا فنای عشق با مردان چه کرد

ای وجودت با عدم آمیخته لذت تو با عدم آمیخته

تا نیاری مدتی زیر و زبر کی توانی یافت ز آسایش خبر ...

این چه کار توست مردانه درآی عقل بر هم سوز دیوانه درآی

گر نخواهی کرد تو این کیمیا یک نفس باری به نظاره بیا

چنداندیشی چون من بی خویش شو یک نفس در خویش پیش اندیش شو

تا دمی آخر به درویشی رسی در کمال ذوق بی خویشی رسی

من که نه من مانده ام نه غیر من برترست از عقل شرّ و خیر من

گم شدم در خویشتن یک بارگی چاره من نیست جز بیچارگی

آفتاب فقر چون بر من بتافت هر دو عالم هم ز یک روزن بتافت

۱- چهار صورت مثالی، ص ۸۹.

من چو دیدم پرتو آن آفتاب من بماندم باز شد آبی به آب

هر چه گاهی بردم و گه باختم جمله در آب سیاه انداختم

محو گشتم، گم شدم د ر بحر راز می نیابم آن زمان آن قطره باز

گرچه گم گشتن نه کار هر کسی است درفنا گم گشتم و چون من بسی است

۳. گسترش شخصیت (۱) به عنوان شکلی از تولد دوباره (۲) در روانکاوی یونگ و. پیوند آن با مفهوم زیارت و طرح آن در داستان پرندگان:

از آن جا که فلسفه کیمیاگری و فرآیند نو شدن آدمی از مباحث بسیار جدی در حوزه روانکاوی، خصوصاً روانکاوی یونگ است، وی در این باره می گوید: «ولادت مجدد(نو شدن (۳)) به مفهوم دقیق آن یعنی تولدی تازه در گردونه حیات فردی». (۴) اصطلاح انگلیسی این مفهوم «Renovation» است که یونگ از آن به تجربه استعلای حیات تعبیر کرده است. او در توضیح این که منظورش از چنین اصطلاحی چیست می گوید:

«منظور من از تجربه استعلای حیات، آن تجارب نوآموزی است که در مناسک مقدسی شرکت می جوید که تداوم جاویدان حیات را از طریق دگرگونی و تجدید بر او فاش می سازد». (۵) وی در ادامه همین مطالب، ثمره این تجربه فرارونده را در مثل به سیمرغ (۶) همانند کرده است. مناسک مقدسی که یونگ در بررسی خود از آن نام می برد، به گونه ای دیگر در شکل سفر در دریا و کوه ها و هفت وادی پر فراز و نشیب در داستان پرندگان نیز نشان داده شده است که سرانجام به استعلای حیات و تولد دوباره قهرمانان داستان می انجامد.

در روانکاوی یونگ تولد دوباره در اشکال گوناگونی تحقق می پذیرد که به باور ما

۱- Enlargement of personality

۲- Rebirth

۳- Renovation

۴- چهار صورت مثالی، ص ۶۴.

۵- چهار صورت مثالی، ص ۶۸.

۶- همان، ص ۶۹.

همسوترین این اشکال با آنچه که در داستان پرندگان و هدف ایشان از زیارت سیمرغ واقع می شود «گسترش شخصیت» است. به تعبیر یونگ: «آدمی با عظمت کارش رشد می کند، اما او باید در درون خویش ظرفیت این رشد را داشته باشد، در غیر این صورت حتی دشوارترین کارها هم برای رشد او سودی نخواهد داشت. محتملًا این که [حتی] به وسیله آن کار خورد و شکسته خواهد شد». (۱) یونگ اساسی ترین دلیل نیاز به گسترش شخصیت را «فقر درونی (۲)» (۳) دانسته که بی شباهت به مفهوم این آیه. شریفه قرآن کریم نیست: «یأَیُّهَا النَّاسُ أَنتُمُ الْفُقَرَآءُ إِلَی اللَّهِ وَ اللَّهُ هُوَ الْغَنِیُّ الْحَمِیدُ». (۴)

در این جا تلاش ما بر این است تا از رهگذر چنین چشم اندازی در راستای یافتن افق های همسو میان نظریه روانکاوانه یونگ، مفهوم زیارت در داستان پرندگان به تحلیل نمادگرایانه و معنا شناسانه این داستان ها بپردازیم. در بررسی نماد تشرف یافتگی، سرسپاری و بارگاه گفتیم که تحمل رنج برای سالک همانند عبور از پرده آتش است که مقدس را از نامقدس جدا می کند. آن چنان که از فحوای این داستان ها نیز برمی آید، چنین واقعه ای برای مرغان، از رهگذر سفر برای زیارت سیمرغ رخ می دهد. غزالی در سطرهای پایانی رساله الطیور خود می گوید: «و تازه کردن عهد به تازه کردن باطن است از جمله آلودگی و خبائث و طهارت ظاهر از جمله نجاسات و احداث». (۵) این که پس از آن به نماز و برپایی آن اشاره می کند: «پس از آن ملازم اوقات نماز باشد». (۶) اشاره به همین مناسک مذهبی در رخداد ولادت جدیدی دارد که یونگ هم آن را مطرح نموده است و گذار از کوه های داستان ابن سینا و هفت وادی عطار هم به گونه ای همین مناسک مذهبی و مقدسند که در ساحتی نمادین طرح شده اند. کاربرد

۱- چهار صورت مثالی.

۲- InnerPoverty

۳- ۲. ۰۲۱.

۴- ای مردم شما همه به خدا محتاج هستید و تنها خداست که بی نیاز و غنی بالذات و ستوده صفات است.(سوره فاطر، آیه ۱۵)

۵- رساله الطیور، ص ۸۶.

۶- همان.

مکرر اصطلاح پاکبازی در منطق الطیر، دلالت بر همین ثمره عظیم دارد:

دیگری گفتش که در راه خدای پاک بازی چون بودای پاک رای ...

گفت این ره نه ره هر کس بود پاک بازی زاد این ره بس بود ...

هر که او در باخت هرچش بود پاک رفت در پاکی فرو آسوده پاک ...

دستها اول ز خود کوتاه کن بعد از آن آن گاه عزم راه کن

تا در اول پاکبازی نبودت این سفر کردن نمازی نبودت (۱)

دلیل این پاکبازی و برپایی مناسک مقدس مذهبی(که زیارت در زمره شاخص ترین آنهاست) در داستان پرندگان در مقایسه با آنچه که در روانکاوی یونگ، به عنوان گونه ای از ولادت جدید یعنی گسترش شخصیت مطرح شده، بدین معناست که این منی که هست، من راستین نیست و این هویت حقیقی باید از رهگذر شناخت و رنج و عشق، کشف شود. سی مرغی که تنها مشتی پَر و استخوان باشد، نیست، بلکه سیمرغی است که با گذار از کوه ها و وادی های پر رنج و مرارت آشکار می گردد.

یونگ می گوید: «هنگامی که نقطه اوجی از زندگی فرا می رسد وقتی شکوفه می شکفد و از کوچک تر، بزرگ تر پدید می آید، آن گاه به قول نیچه، یک، دو می شود و شخصیت برتر که فرد همواره بوده، اما ناپیدا به نیروی الهام بر شخصیت حقیرتر متجلی می شود و کسی که در درون خویش بزرگ است خواهد دانست که رفیق روحش آن که از دیرباز چشم انتظارش بود، آن رفیق جاویدان اکنون به راستی از راه رسیده است تا اسارت را به اسیری برد، یعنی کسی را گریبان گیرد که همیشه این شخصیت فناناپذیر را اسیر و در بند داشته است و آن گاه با این عمل، حیات او را به سوی آن حیات عالی تر جاری کند». (۲) به عناصر مشترکی که در این دیدگاه یونگ و

۱- منطق الطیر، ص ۴۲.

۲- چهار صورت مثالی، ص ۷۲ و ۷۳.

داستان پرندگان قابل بررسی است توجه کنیم:

۱. فرا رسیدن نقطه اوج زندگی: رسیدن سی مرغ به بارگاه سیمرغ و زیارت او.

۲. شخصیت برتری که فرد همواره بوده است: سیمرغ.

۳. فرد یا شخصیت حقیرتر: سی مرغ.

۴. نیروی الهام: هدهد هادی شده.

۵. حیات عالی تر: حضور ابدی سی مرغ در بارگاه سیمرغ و فنای در او.

و طرح مقوله گسترش شخصیت مرغان(سی مرغ) در سیمرغ این گونه است:

جمله گفتند آمدیم این جایگاه تا بود سیمرغ ما را پادشاه

ما همه سرگشتگان درگهیم بیدلان و بی قراران رهیم

مدتی شد تا در این راه آمدیم از هزاران، سی به درگاه آمدیم

کی پسندد رنج ما آن پادشاه آخر از لطفی کند در ما نگاه (۱)

این مقام عبودیت است که چنین تحلیل روانکاوانه عمیقی را در بطن خود جای داده است، زیرا عبودیت تجلی خود الوهی و راستین آدمی است. طرح این مقوله های معرفت شناختی در آثار برجسته عارفان و حکیمان مسلمان، نشانگر التفات ایشان به بعد معناشناسانه کلام خدا و بزرگان دین است که صد البته راه را روی افق های تازه تر می گشاید.

۱- منطق الطیر، ص ۲۳۱.

۷. مراسم و مناسک در مزارات خراسان و ماوراء النهر

منصور یوسفی جولندان (۱)

چکیده

آنچه که در ادوار مختلف تاریخی عامل مهمی در بقا و جاودانگی اماکن مقدس اسلامی در بین مسلمین گردیده بدون شک مراسم و مناسکی است که در ایام و فصول مختلف سال در این جایگاه ها برگزار می گردد. پیوستگی و انسجام آحاد مردم در حضوری پر رنگ به منظور برپایی مناسبت های مذهبی، ادعیه، زیارت، قربانی، دخیل شدن و سایر موارد موجود در آرامگاه ها و بقاع حکایت از پویایی و زنده ماندن فرهنگ دینی و حیات معنوی در بین اقوام و ملل مسلمان در اقصی نقاط کره خاکی می باشد. در پژوهش انجام شده در خراسان و ماوراء النهر نیز این امر مشاهده گردید که چگونه زن و مرد با اعتقادات و باورهای مذهبی عجین بوده و بدون کوچک ترین قصور و مسامحه ای سعی در انجام هرچه بهتر و صحیح تر جزئیات مراسم در مزارات دارند. در اعیاد مذهبی همچون عید فطر، عید قربان و عید غدیر، بعثت و سالروز میلاد حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و بعضی روزهای سرور و شادمانی خاص، جمعیت بسیاری در مکان های زیارتی حضور یافته و ضمن زیارت قبور بزرگواران، به خواندن نماز و قرائت قرآن و دعاهای مختلف می پردازند.

کلیدواژه ها: مناسک، مزارات، قربانی، فاتحه، زیارت قبور، استغاثه، زایرین.

مقدّمه

همواره در تاریخ پس از پرداختن به دوران حیات و زندگی پرفراز و نشیب انسان به مرگ و خاستگاه ابدی او نیز اشاره شده و وضعیت دو دوره(حیات و مرگ) انسان را

۱- دستیار علمی دانشگاه پیام نور واحد رضوانشهر.

متأثر و در ارتباط با هم جست وجو کرده اند. در این بین تاریخ همچون آیینه ای تمام نما از روابط و تعاملات انسانی پرده برداشته و نظام های فرهنگی را در ادوار مختلف نشانه می رود و تمدن بشری را دوباره احیا می سازد. تلاش و کوشش های فردی و گروهی را در جوامع متفاوت تعریف می کند تا از آثار و احوال گذشتگان بی خبر نمانیم و از آن سوابق ره توشه ای برای خود بجوییم.

در همین تاریخ هیچ تمدن و مردمی را بی ریشه نیافته تا نسبت به اعتقادات و باورهای خود و پدرانشان بی تفاوت عمل کنند. وقتی عزت و احترام به بزرگ تر معنا می یابد در کم تر سرزمینی یاد و خاطره بزرگان به بوته فراموشی سپرده می شود. در کنار پدر و مادر، اساتید، معلمان و راهنمایان بشری که همیشه خیر و صلاح فرد را به او آموزش داده و از علوم مختلف و پیچیده مردمی گلچینی را در اختیار او نهادند، به نیکی یاد شد تا حتی پس از وداع گفتن دار فانی نیز عزیز و محترم شمرده شوند. برای آنها مراسم تشیع، تدفین و مجالس ختم گرفته و در سوگ آنها به ماتم نشسته اند.

هر قدر میزان علم و تقوا و تعهد متوفی بیشتر بوده، به همان مقدار از قرب و منزلت بالاتری در نزد مردم برخوردار شده اند.

با ظهور ادیان الهی و بروز اعتقادات مذهبی پیامبران و اولیای الهی برای هدایت صحیح مردم و اجرای فرامین خدا ارتباط تنگاتنگی با قوم و امت خویش برقرار کرده و در اثر این تعامل از محبوبیت غیر قابل وصفی در بین مردم بهره مند شدند، به طوری که در زمان حیات از مریدان آن قدیس بوده و پس از مرگ مزار او قبله جانان و محل وصل یار قلمداد می شود.

مفهوم مزار را دکتر معین به گور، قبر به ویژه قبری که زیارتگاه باشد معنی کرده است (۱) و دهخدا از آن به عنوان مدفن اشخاص مقدس اسلامی نام می برد. (۲) واژه زیارت را حسن عمید به معنی بازدید کردن، دیدار کردن شخص بزرگ، رفتن به

۱- فرهنگ فارسی معین، ص ۱۰۳۸.

۲- لغت نامه دهخدا، ص ۲۵۴.

مشاهد متبرک عنوان کرده است (۱) و در فرهنگ فارسی معین به دیدار کردن، رفتن به مکان مقدس تعبیر می شود (۲) ضمن آن که دهخدا زیارت را به مشاهد متبرک و بقعه ها رفتن و دعایی که به عنوان تشرف باطنی برای امامان و امامزاده ها و اولیا خوانند، معنی می کند. (۳) برای زیارت مزارات یا همان اماکن و جایگاه های مقدس اسلامی افرادی که در آن جا حضور پیدا می کنند به زایر معروفند. واژه زایر را عمید به معنای زیارت کننده و یا دیدار کننده و یا به کسی اطلاق می شود که برای زیارت و یا دیدار با امامزاده یا مکانی مقدس حضور پیدا می کند، می نویسد (۴) و معین نیز آن را به زیارت کننده و جمع آن را زوار معنی کرده است. (۵) هر جا که یک شخصیت مذهبی مدفون شد، تحولات سیاسی- اجتماعی و حتی اقتصادی را سبب گشت. محل دفن که گاهی یک روستایی بیش نبود، با پیشرفت عمرانی و مهاجرت معتقدین، بافت شهری به خود گرفت که برای نمونه می توان از شهرهایی همچون مشهد، نجف، کربلا، قم، سمرقند، بخارا و امثال آنها و نواحی همانند ناحیه پنجکیت در تاجیکستان و ناحیه سیده زینب در سوریه و ده ها جای دیگر نام برد که اماکن مقدس اسلامی در این مناطق باعث جذب زایر و توریست بوده و منبع درآمد زایی بسیار بالایی برای اهالی آن دیار به حساب می آید. ایجاد مشاغل مختلف در جوار مرقد آن بزرگواران، علاوه بر دلبستگی های دینی و مذهبی، به نوعی حکایت از وابستگی های اقتصادی نیز می کند.

در این مقاله به مراسم و مناسک موجود در تعدادی از مزارات خراسان و ماوراء النهر در قالب چهار کشور ایران، تاجیکستان، افغانستان و ازبکستان پرداخته تا شاید گوشه هایی از سنت های موجود در آن اماکن مقدس اسلامی را بتوان معرفی نمود.

۱- فرهنگ فارسی عمید، ص ۵۸۲.

۲- فرهنگ فارسی معین، ص ۱۰۵۴.

۳- لغت نامه دهخدا، ص ۱۳۰۵۴.

۴- فرهنگ فارسی عمید، ص ۵۶۲.

۵- فرهنگ فارسی معین، ص ۵۹۴.

پیشینه تحقیق

در خصوص بر پایی مراسم و مناسک و وجود سنت های متعدد در ارتباط با زیارتگاه های خراسان و ماوراء النهر، تحقیقات وسیعی توسط پژوهشگران داخلی و خارجی انجام پذیرفته و به عنوان منبع و سرچشمه های پژوهش در مطالعات اسنادی کاربرد قابل قبول را دارد، اما هنوز نواقص و کم و کاستی هایی در مسیر معرفی و شناساندن مزار یک شخصیت تاریخی یا مذهبی مشاهده می گردد. اما با هر مطالعه و تحقیق جدیدی قدر مسلّم از نکات مبهم کاسته شده و آگاهی و معرفت جامع تری در اختیار پژوهشگر قرار می گیرد.

در زمینه برگزاری مراسم و مناسک در مزارات و زیارتگاه های مورد تحقیق، کتب و مقالات متعددی به چاپ رسیده است. از اهم آنها در مبحث آداب زیارت می توان به رکنی یزدی در شوق دیدار(۱۳۶۲)؛ خان محمدی در طرح توسعه حرم عبدالعظیم حسنی علیه السلام(۱۳۶۹)؛ خرم برکه در خواجه احرار ولی(۲۰۰۵)؛ فضل اللّٰه روزبهان اصفهانی در مهمان نامه بخارا(۱۹۶۲)؛ خلیلی در آثار هرات(۲۰۰۴)؛ فسلفد در مقاله رهبریت صوفی در دهلی(۱۹۲۰) اشاره نمود.

در بخش قربانی، میرچاالیاده در رساله در تاریخ ادیان(۱۹۹۳)؛ هاشم رضی در مردم شناسی اجتماعی(۱۳۵۵)؛ حمزه کمال در مزارهای شمال تاجیکستان(۲۰۰۴)؛ سلیم بخاری در دل به یار(۱۹۹۳)؛ یا حقی و سیدی در از جیحون تا وخش(۱۳۷۸)؛ اللّٰه وردی در قربانی(۱۳۸۲) مطالبی را بیان نموده اند.

و در بر پایی باورها و سایر مناسک و عنعنات موجود در مزارات: روح الامینی در مبانی انسان شناسی(۱۳۶۲)؛ هیلن براند در مقابر(۱۹۸۸)؛ تفضلی و فضائلی جوان در فرهنگ بزرگان اسلام و ایران(۱۳۷۲)؛ بار تولد در ترکستان نامه(۱۹۷۴)؛ باباجان غفور اف در تاجیکان(۱۹۹۷)؛ دکتر عبید الکبیسی در احکام وقف در شریعت اسلام(۱۹۸۶)؛ پطروشفسکی در اسلام در ایران(۱۹۸۵)؛ بلر و بلوم در هنر و معماری اسلامی در ایران و

آسیای مرکزی(۲۰۰۳)؛ آلبرهورانی در مقاله فرمان نقشبندیه(۱۹۷۴)؛ براون با مقاله درویش یا روحانیت شرقی(۱۹۶۸) و دکتر عسکری خانقاه در مردم شناسی روش بینش تجربه(۱۳۷۳) در تألیفات خود بدان پرداخته اند.

شیوه بررسی

در تحقیق انجام شده برای این که جامعه مورد پژوهش به طور عمیق مورد مشاهده و مطالعه قرار گیرد، از روش ژرفانگر استفاده شده است. این روش را علمای فن نیز معتقدند و آن را بهترین شیوه برای مطالعه می دانند. «مردم نگاری عمقی مبتنی بر ملاحظه دقیق و عمیق یک قبیله است که باید در عین حال کامل و جامع بوده و هیچ داده ای را از یاد نبرد». (۱) برای دستیابی به اطلاعات لازم از تکنیک هایی همچون گفت وگو و مصاحبه باز و مشاهده استفاده شده است که از ویژگی اساسی آن «مشاهده و مشارکت در زندگی مردم است ... دستیابی به هدف و نتایج لازم زودتر و دقیق تر خواهد بود، به علاوه نتیجه کار اطمینان و اعتماد بیشتری در پی خواهد داشت». (۲) حضور فیزیکی و مشارکت با افراد، برای بجا آوردن آداب زیارت، تکنیک مشاهده مشارکتی را هم در این تحقیق دخالت داده است. «نخستین شرط در مطالعات مردم شناسی، رفتن به محل و اقامت در آن جاست. بدین ترتیب ارتباط بین محقق و جامعه مورد مطالعه برقرار می گردد و همه زمینه های ذهنی، که می تواند محقق را وادار به پیش داوری نماید، از بین می رود». (۳) برای غنی ساختن اطلاعات مدنظر از مطالعه کتابخانه ای نیز سود برده و به روش اسنادی، اقدام به جمع آوری مطالب گردیده است. به منظور ثبت و ضبط یافته های تحقیق از ضبط صوت، دوربین فیلمبرداری و دوربین عکسبرداری استفاده شده است.

۱- مردم شناسی، ص ۸۸.

۲- مردم شناسی اجتماعی، ص ۳.

۳- مبانی انسان شناسی، ص ۶۳.

جامعه آماری

تحقیق حاضر در چهار کشور ایران، تاجیکستان، افغانستان و ازبکستان انجام گردیده و با ملاک قرار دادن شهرت، مقبولیت، معماری، معاصر بودن و میزان تأثیرگذاری صاحبان مزارات به صورت نمونه گیری در سیزده مزار مورد بررسی قرار گرفته است. مجموعه آرامگاهی شاه قاسم انوار در تربت جام، ملاحسین کاشفی در سبزوار، هارونیه در توس، میر سید علی همدانی در کولاب تاجیکستان، محمد بشارا در ناحیه پنجکیت تاجیکستان، خواجه اسحاق ختلانی در کولاب تاجیکستان، مولانا یعقوب چرخی در شهر دوشنبه تاجیکستان، مزار شریف در بلخ افغانستان، خواجه عبداللّه انصاری در هرات افغانستان، خواجه احرار ولی در سمرقند ازبکستان، خواجه بهاء الدین نقشبندی در بخارای ازبکستان، گورمیر و بی بی خانم در سمرقند ازبکستان، به عنوان جامعه آماری، مورد پژوهش واقع شده است. این تحقیق در تابستان سال ۱۳۸۳ شمسی آغاز و در بهار سال ۱۳۸۶ شمسی به اتمام رسیده است.

مراسم و مناسک در زیارتگاه ها

به منظور پرداختن به تعدادی از مناسک و مراسم موجود در مزارات و زیارتگاه های مورد تحقیق، ابتدا سعی در ریشه یابی و ذکر علل تاریخی آن کرده و سپس به بیان نمونه هایی در جامعه مورد پژوهش خواهیم پرداخت:

۱. دعا

در کلیه فرهنگ لغات دعا به معنی نیایش کردن با پروردگار و نیز «به معنی درخواست نیایش و درخواست از خداوند است» (۱) تضرع، التماس و استغاثه به درگاه خداوند نیز معنی شده است. (۲) فلسفه دعا نیز از بین بردن و میراندن روح کبر و استکبار در انسان، توجه به توحید باری تعالی و یأس و قطع امید کردن از غیر خداست.

۱- فرهنگ فارسی عمید، ص ۵۰۱.

۲- لغت نامه دهخدا، ص ۱۰۹۲۰.

دعا در ادیان

دعا در دین زرتشت

در کتاب مقدس زرتشتیان(اوستا) متونی است که نحوه و طریقه پرستش و عبادات و آداب و رسوم مذهبی را معیّن می کند. قسمت بزرگی از متون موجود حتی امروزه در جوامع زرتشتی ایران و هند به صورت دعا و نیایش در مراسم گوناگون مذهبی خوانده می شود. بر هر زرتشتی مؤمنی فرض است که در هر بیست وچهار ساعت که به پنج دوره یا گاه تقسیم می شود، ادعیه و مناجات های خاصی بخوانند. این ادعیه و مراسم که بندگی یا فرضیات خوانده می شود، با سرودن ادعیه و نیایش هایی در ستایش و تمجید اورمزد همراه است. امروزه اکثر زرتشتیان به خواندن ادعیه در صبحگاه و شامگاه اکتفا می کنند.

دعا در دین مسیحیت

مسیحیان معتقدند که دعا همان خدمتی است که افراد انسانی به عنوان وظیفه و تکلیف دینی، به در خانه خدای خود بجای می آورند. بسیاری از دعاها مشتمل بر عبارت(شکوه و عظمت بر خداوند) و یا حمد و آداب مذهبی، اقرار به گناهان، انکسار و توبه است. دعا و ثنای الهی به صورت رسمی و مدون آن از قبیل مراسم و آیین های دعا در کلیسا محدود نمی شود، بلکه همواره به صورت فردی و جمعی به نیایش در می آید. یک چنین مراسم دعا و نیایشی برای یهودیان نیز وجود دارد که در کنیسه ها برگزار می گردد.

دعا در دین اسلام

دعا در دین اسلام از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است به طوری که در مقایسه ارزش دعا با سایر اعمال و نیز فواید دنیوی و اخروی آنها، عنایت خاص اسلام را به دعا می توان دریافت. دعا به عنوان اصلی ترین نیاز معنوی انسان ها برای رسیدن به اوج کمالات روحی و قلبی و آمادگی برای عروج، از جاذبه های دروغین و پست دنیای مادی به قرب و بقای الهی است. در اسلام درباره همه چیز و همه جا و همه

زمان ها دعا هست. از دعاهای روزانه، هفتگی و فصلی گرفته تا دعا برای شفای انواع دردها و دعا برای شئون مختلف زندگی انسان، مانند دعا در هنگام بیدار شدن، خوابیدن، غذا خوردن، مسواک کردن، عطسه کردن، دست شستن، مسافرت و ... در این دین همه اقسام عبادت، دعا می باشند و تمام اقسام دعا، عبادت.

در آیات قرآن از دعا معانی مختلفی همچون خواندن و خواستن، کمک خواستن، تشویق و ترغیب کردن، ذکر گردیده است. رایج ترین ادعیه در مزارات و زیارات قبور مورد تحقیق، قرائت سوره فاتحه است که در اغلب اماکن مقدس اسلامی از آداب مهم زیارت به حساب می آید. زایرین با استقرار در فضای معنوی، حضور قلبی برای قرائت فاتحه پیدا می کنند. ملا یا متولی یا خادم مزار نیز با قرائت آیاتی از سوره های قرآن، و یا خواندن دعا و طلب آمرزش برای حاضرین می پردازد. آنها در پایان دست های بلند شده به سمت آسمان را به عنوان تبرک به سر و صورت خود کشیده و سپس نذورات خود را به صندوق نذورات مزار ریخته یا به فرد دعا کننده و یا خادم آن جا تحویل می دهند. این سنت را به وضوح می توان در اماکن زیارتی و مزارات مشاهده کرد.

۲. زیارت

زیارت در لغت به معنی بازدید کردن، دیدار کردن از شخص بزرگ، رفتن به مشاهد متبرک (۱) و به مشاهد متبرک و بقعه ها رفتن و دعایی که به فرهنگ تشرف باطنی برای امامان و امامزاده ها و اولیا خوانند، (۲) آمده است.

زیارت در آیین یهود و مسیح آدابی داشته و در این ادیان نیز وجود دارد.

در اسلام زیارت جایگاه ویژه ای در بین مسلمین دارد و در آموزه های اسلامی در این باره توصیه هایی شده است.

۱- فرهنگ فارسی عمید، ص ۵۸۲.

۲- لغت نامه دهخدا، ص ۱۳۰۵۶.

زیارت دیداری است مشتاقانه با حضور در پیشگاه آن که دوستش داریم و بزرگش می شمریم. زیارت حضور در اماکن مقدس است و رویارویی با اولیای خدا و ائمه دین که با حرکت از شهر و دیار به شوق دیدار شروع می شود، حرکتی ظاهراً در مکان و به حقیقت در دل و جان، «زیارت حضور جسم و جان است در برابر خلیفه اللّٰه در زمین، رهنمای عالم ظاهر و باطن، روشنگر راه زندگی و مشعل فروزان در مسیر الی اللّٰه. زیارت برقرار کردن ارتباط قلبی است با حجت خدا، قرار دادن خویشتن است در حوزه روحانیت و فیض بخشی امام. و امام انسانی است متعالی و خدا نمای با ابعاد وجودی گسترده که بار معنویتش را از آفریدگار می گیرد و واسطه رحمت و خیر رسانی است به آفریده ها». (۱) برخی از زیارت کنندگان به جهت بزرگداشت امامان معصوم که حجت های خداوند متعال هستند، ضریح آنها را می بوسند. بوسیدن و دست مالیدن بر در و دیوار و ضریح زیارتگاه ها هیچ گاه مستقلًا مورد توجه زایر نیست، بلکه از نظر انتسابی که بر امام یافته و قرب بسیاری که خداوند دارد محبوب گشته و احترام و تکریم می شود.

در واقع چون زایر به شوق دیدار پیشوای عزیز و کریم خود به خانه اش رو می آورد، اما دسترسی به او پیدا نمی کند، بدین طریق شعله عشق مقدس خود را نمایان می کند و التهاب درون را آرامش می بخشد. (۲) زیارت قبور از دیدگاه قرآن

در قرآن آیات متعددی در خصوص زیارت قبور وجود دارد که برای نمونه به سه آیه از سوره های بقره، نساء و کهف اشاره می شود:

در آیه ۲۵ سوره بقره خداوند به حضرت ابراهیم می فرماید: «و به یاد آر هنگامی که قرار دادیم خانه کعبه را محل امن و مرجع امر دین خلق و دستور داده شد که مقام ابراهیم را جایگاه پرستش خدا قرار دهید و از ابراهیم و فرزندش اسماعیل پیمان گرفتیم که حرم خدا را از بت بپردازید و از هر پلیدی پاکیزه دارید، برای این که اهل

۱- شوق دیدار، ص ۶ و ۷.

۲- همان، ص ۴۳.

ایمان به طواف و اعتکاف حرم بیایند و در آن نماز و طاعت خدا بجا می آرند».

همچنین در آیه ۶۴ سوره نساء آمده است: «ما رسول نفرستادیم مگر بر این مقصود که خلق به امر خدا او را اطاعت کنند(و هدایت شوند) و اگر هنگامی که گروه منافق بر خود به گناه ستم کردند، از کردار خود به خدا توبه نموده و به تو رجوع می کردند که برای آنها استغفار کنی و از خدا آمرزش خواهی، البته در این حال خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند».

در آیه ۲۱ سوره کهف نیز خداوند می فرماید: «بهشت های عدن که نهرها زیر درختانش جاری است، خاص آنهاست، در حالی که در آن بهشت برین زیورهای زرین بیارایند و لباس های سبز حریر و دیبا در پوشند و بر تخت ها(به عزت) تکیه زنند(که آن بهشت) نیکو اجری و خوش آرامگاهی است». علاقه مندان درباره توضیح آیات مذکور می توانند به تفاسیر مراجعه کنند.

زیارت قبور از نظر سنت

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «

زوروا القبور فإنّها تذکّرکم الآخره

». قبرها را زیارت کنید، زیرا زیارت آنها مایه یادآوری سرای دیگر است».

۲. در معراج، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نقاطی مانند(طبیه، طور سینا و بیت اللحم) نماز گزارد و جبرئیل به او گفت: ای پیامبر خدا می دانی که آن جا کجا بود که نماز خواندی؟

تو در زادگاه عیسی علیه السلام نماز گزاردی.

۳. در روایات آمده است که حضرت فاطمه علیها السلام هر روز جمعه به زیارت قبر عمویش حمزه علیه السلام می رفت و نماز بپا می داشت و می گریست. (۱) زیارت قبور از منظر اهل سنت

زیارت قبور از دیدگاه مذهب حنبلی مباح بوده و مخالفتی در آن وجود ندارد. از نظر مذهب حنفی زیارت قبور برای مردان و زنان مستحب است، بدون این که از قبرها

۱- طرح توسعه مجموعه حرم مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام، ص ۴۷.

عبور کنند. از دیدگاه مذهب مالکی نیز زیارت قبور مستحب است و در زیارت فرقی بین مردان و زنان نیست و همچنین از نظر مذهب شافعی زیارت قبور مستحب بوده و هیچ منعی برای زیارت زنان وجود ندارد.

در اماکن مقدس مورد پژوهش، زایرین با شور و اشتیاق غیر قابل وصفی به زیارت مزارات می پرداختند و اغلب می بایست آداب زیارت را بجا آورده تا زیارت آنها مورد قبول درگاه حق تعالی واقع گردد. معمولًا این آداب در بسیاری از بقاع متبرک نزدیک به هم اجرا می شود، به طوری که داشتن اعتقاد قلبی خالصانه به امر زیارت و به مکان و شخصیت مدفون در آن، پاک بودن، داشتن وضو، قرائت قرآن، اقامه نماز، دعای فاتحه، قرائت زیارتنامه و سایر ادعیه، از آداب زیارت است.

جمعی از مردم پاکستان و هندوستان به دلیل ارادتی که به میرسیدعلی همدانی دارند سالانه به کرات برای زیارت به شهر کولاب تاجیکستان می روند و در طول مدت اقامت خود به دعا و توسل به درگاه احدیت در این مکان مشغول می شوند.

بارها در طول سال مجموعه آرامگاهی خواجه بهاء الدین نقشبند در بخارا زایرینی را در خود جای می دهد که از کشورهای مختلف، به ویژه اسلامی برای زیارت رفته اند. (۱) در مزار شاه قاسم انوار در تربت جام به دلیل تنوع مذهبی در آن جا در ایام سوگواری ماه محرم و صفر افراد سنی و شیعه در کنار یکدیگر به خیرات می پردازند و شب های بسیاری سفره های شام برای احسان به مردم در این مکان پهن است. در این ایام مراسم سینه زنی و روضه خوانی توسط شیعیان برگزار می شود.

از نکات ویژه آداب زیارت در این اماکن مقدس اسلامی، می توان به روزهای خاص زیارت و چگونگی اعمال آن اشاره کرد. اصولًا منعی در زیارت مزارات در طول هفته برای زن و مرد مسلمان وجود ندارد، اما برای بعضی از این بزرگواران

۱- در حین تحقیق یک هیأت عالی رتبه از عربستان سعودی مشغول زیارت و بازدید از این مجموعه آرامگاهی بودند(۱۳۸۴).

روزهای به خصوص را برای زیارت کردن و یا حضور در مزار نقل کرده اند که ثواب بیشتری از سایر روزهای هفته دارد.

۳. شفاعت در قرآن

شفاعت در لغت به معنی خواهش کردن، درخواست عفو یا کمک از کسی برای دیگری، خواهشگری، شفاعتگر است. (۱) در قرآن کریم درباره شفاعت آیات متعددی وجود دارد که برای نمونه به آیاتی از سوره های بقره، سبأ، طه و مدثر اشاره می شود:

در آیه ۲۵۵ سوره بقره خداوند می فرماید: «خدای یکتاست که جز او خدایی نیست و زنده و پاینده است هرگز او را کسالت خواب فرا نگیرد تا چه رسد که به خواب رود، اوست مالک آنچه در آسمان ها و زمین است. که را این جرأت است که در پیشگاه او به شفاعت برخیزد؟ مگر به فرمان او. علم او محیط است بر آنچه پیش نظر خلق آمده است ...» و در آیه ۲۳ سوره سبأ آمده است: «و شفاعت کسی جز آن که خدا به او اذن شفاعت داده سودمند نیست(پس خاصان و انبیا را شفیع خود قرار دهید) تا چون آن خاصان از دل هاشان اضطراب جلال و سطوت الهی برطرف شود، گویند خدا چه(در باب شفاعت) فرمود پاسخ دهند که حق(و درستکاری و شفاعت مؤمنان نه مشرکان) که او خدای بلند مرتبه بزرگوار است». در آیه ۱۰۹ سوره طه نیز خداوند می فرماید: «و در آن روز، شفاعت هیچ کس سود نبخشد، جز آن کس که خدای رحمان به او رخصت شفاعت داده و سخنش پسند او گردید». و همچنین در آیه ۴۸ سوره مدثر در خصوص اهل باطل آمده است: «پس در آن روز شفاعت شفیعان در حق آنان هیچ پذیرفته نشود».

در مزارهای مورد تحقیق نیز همچون سایر آرامگاه های مقدس اسلامی شفاعت طلبیدن و استغاثه جایگاه مهمی را برای خود دارد. در اغلب مناطق، مزارها در حکم یک طبیب عمل کرده و به قول حمزه کمال رسالت طبابتی نیز داشته اند. (۲) در مزارات

۱- فرهنگ فارسی عمید، ص ۶۷۴.

۲- مزارهای شمال تاجیکستان، ص ۱۸۱.

زایرین آنها را شـفیع قرار داده تا خداوند بیماری های همچون: نازایی، جنون، لکنت زبان کودکان، سـردردهای شدید و امثال آنها را شـفاعت کنـد. و نیز برای حل مشـکلات از جمله مشـکل بیکاری و نداشـتن درآمد مکفی خدا را می خوانند و دعا می کنند و بزرگواران مدفون در آن آرامگاه را شفیع قرار می دهند.

۴. قربانی

قربان یا قربانی در لغت به معنی هر چیزی که به وسیله آن به سوی خداونـد تقرب پیـدا کنند، آنچه که در راه خدا تصدق می کننـد مثل گاو و گوسـفند و شتر که در راه خدا بکشـند و گوشت آن را بین فقرا پخش کنند. (۱) از زمانی که بشـر هنوز پا به مرحله تاریـخ نگذاشـته به این کـار آشـنایی و اعتقـاد داشـته و به قربـانی کردن می پرداخته است. وقتی فرزنـد حضـرت آدم از خوردن و خوابیـدن خیالش آسوده شـد و کمی فراغت یافت، به اندیشـیدن افتاد، به مفهوم ترس و محبت و چیزهایی عاطفی از این قبیل پی برد، حوادث روزمره اش را از کوچک و بزرگ، از آمدن شب و روز، طلوع و غروب ماه و خورشـید و ستارگان، گرفتن ماه و خورشید و طوفان و خشکسالی و زلزله تا رؤیا و بیماری و مرگ همه را با فکر محدود خود توجیه کرد، به طوری که ذکر نیروی برتر، قوای ماوراء الطبیعه که دست اندر کار جهان هستند و این همه حوادث ساخته و پرداخته آنهاست، ذهنش را به خود مشغول داشت، از آنها ترسید یا به آنها محبت ورزیـد، آن وقت برای جلب دوستی یا دفع گزند آنها به فکر ساده و بد وی خود چنین پنداشت که با نثار پیشکش ها و قربانی ها، این قوای برتر را که برای او سرنوشت ساز هستند با خود همراه و سازگـار کنـد، بسیاری از نیـایش ها و قربانی ها و نیازها که به پای خـدایان و نیروهای ماوراء الطبیعه نثار شـده، در آغاز علتی چنین داشته است.

بدیهی است در طول قرن ها و با گذشت روزگاران، این اعتقادات و سـنت ها، صورت روز به خود گرفته، تلطیف شده و مانند همه عادات و عقاید بشر از صافی

۱- فرهنگ فارسی عمید، ص ۷۹۰.

قرون و اعصار گذشته و جنبه انسانی تر و عالی تر یافته تا جایی که به تدریج و در طول زمان، به صورت یک عادت درآمده و شکلی ارتباط گونه، ولی روحانی و ملکوتی، میان خالق و مخلوق به خود گرفته است. آیین قربانی به عنوان یک نیایش نیز این مراحل را پیموده، از جمله قربانی های اسلامی، عقیقه است که در هفته نخستین تولد کودک برای سلامتی او گوسفندی قربانی می کنند و ضیافت می دهند، سرِ طفل را می تراشند و به اندازه موی سر او طلا یا نقره انفاق می کنند.

قربانی کردن انسان

مدارک و دلایلی حاکی از قربان کردن انسان به خاطر برداشت کشت و درو در چندین جامعه، مثلًا در یونان و بعضی قبایل آمریکای مرکزی و آمریکای شمالی و در چندین منطقه افریقا و جزایر اقیانوس آرام و نزد بسیاری از جماعات دراویدی هند در دست است. به عنوان مثال به آیین های ذرت مرسوم نزد آزتک های مکزیک می پردازیم: به محض جوانه زدن گیاه به جست وجوی خدای ذرت یعنی جوانه به کشتزار می رفتند و آن را به خانه می بردند و به آن خوردنی تقدیم می داشتند. درست مثل آن که با خدایی سرو کار دارند. شب هنگام، گیاه را به معبد الهه توشه و قوت یا chivome- coatl می بردند که در آن دختران جوان سالی گرد می آمدند و هر کدام دسته ای از هفت خوشه ذرت متعلق به محصول سال پیش را که در کاغذی قرمز رنگ پیچیده و بر آن(شیره) کائوچو مالیده بودند، در دست داشتند. نامی که به این دسته داده بودند chicomolotl(یعنی هفت خوشه)، نام الهه ذرت نیز بود. دختران جوان سال از سه سن مختلف بودند:

بچه سال، نوجوان و بزرگسال که بی تردید به نحوی رمزی، مراحل رشد ذرت را مجسم می کردند و بازوها و ساق پاهایشان پوشیده از پرهای قرمز رنگ، رنگ خدایان ذرت بود.

هدف از این مراسم گرامیداشت الهه ذرت و تبرک جادویی درون ذرت بود که تازه جوانه زده بود، و ضرورت قربانی اقتضا نداشت. اما سه ماه بعد، وقتی که محصول رسیده بود، دختر جوانی را که نمودار ذرت نورس یعنی xilonen بود، سر می بریدند.

این قربـانی سـرآغاز مصـرف(دنیوی) ذرت تازه بود. از این رو گمان می کردنـد که قربانی مزبور، بیشتر کار ویژه قربان کردن نخستین محصول و ثمره اول یا نوبر را داشته است. وقتی شصت روز بعد درو کردن پایان می یافت، قربانی تازه ای صورت می گرفت. این بار زنی را که نمودار الهه Toci(مادرما) الهه ذرت درو شده و خوردنی بود، سر می بریدند و بی درنگ پوست از پیکرش بـاز می کردنـد. کـاهن آن پوست را به دوش می افکنـد و پـاره ای از پوست ران قربانی را به معبـد cinteotl خدای ذرت می برد و در آن جـا برای خود نقـابی می سـاخت. چنـدین هفته بـا این شـخص چون زائو رفتـار می کردنـد، زیرا محتملًا معنـای آن رسم این بود که Toci پس از کشـته شدن در وجود پسـرش، ذرت خشک شده، در دانه هایی که سراسـر زمسـتان قوت مردم بود دوباره ولادت می یابد. یا نزد دیگر اقوام آمریکایی به عنوان مثال پونی Pawnee ها، پیکر دختر جوان قربانی شـده را پاره پاره کرده و هر پاره را در کشتزاری مـدفون می ساختند. (۱) یونانیـان نیز در آغـاز از قربانی کردن انسان ها ابایی نداشـتند، مثلًا: کـاممنون دختر خود ژینـا را قربانی کرد و آخیلوس دو تن از جوانان ترویا را به خاطر دوسـتش پاتروکل قربانی سـاخت. در معبـد دیـان در اسپارت، هر سال یک نفر با قرعه انتخاب و در صـحن معبـد قربانی می شـد؛ لیکورگ این رسم را ممنوع کرد، ولی برای احترام به معتقدات عامه مردم، مقرر داشت تا طفلی که باید خونش نثار شود شلاق بخورد.

بی گمان قربانی کردن حیوان به جای انسان از گام های بلند تمدن انسان به شـمار می رود که در یونان بیشتر گاو، گوسفند و خوک قربانی می کنند. در بین مسلمین، به خصوص در روز عید قربان که دهم ذی الحجه است، حیواناتی چون گوسفند، گاو و شتر ذبـح می کنند تا به یکی از فرایض دینی خود جامه عمل بپوشانند، یا همچنین پس از برآورده شدن حاجت، گوسـفندی را به عنوان نذر، قربانی کرده و گوشتش را در بین مردم به تساوی توزیع می کنند ....

۱- رساله در تاریخ ادیان، ص ۳۲۲ و ۳۲۳.

در کتاب مزارهای شمال تاجیکستان از قول هاشم رضی در مورد ایران باستان می نویسد: «ایرانی ها در کنار رودخانه ها، دریاچه ها و چشمه سارها مراسم عبادت و قربانی بجا می آوردند، بدون این که آلودگی در آب به وجود بیاید ... ایرانی ها گوشت قربانی را در جای منزه و پاک فرش می کردند. آن گاه که قربانی را سر بریده فرشی از الیاف نرم می سازد و تمام گوشت را به روی آن قرار می دهد و در مدتی که او قربانی را مرتب می کند، موقعی در کنارش به خواندن سرود و دعا می پردازد». (۱) رضی در کتاب تاریخ مطالعات دین های ایرانی، به این نکته نیز اشاره کرده است که ایرانی ها قربانی را با کارد نمی بریدند، بلکه به سرش می کوبیدند و دلیل این عمل، تقدس زمین و آب در نزد ایرانی ها بود و آنها برای جلوگیری از آلودگی زمین و آب بدین شکل رفتار می کردند. (۲) از جمله حاجاتی که برای برآورده شدنش قربانی نذر می کنند می توان از: شفای بیماران، فرزند زایی، سالم ماندن دام ها، سلامت جستن از بلایای آسمانی، پر آب شدن نهرها و رودخانه ها و رفع خشکسالی، بازگشتن از سفرهای زیارتی به خصوص سفر حج، خرید خانه یا اتومبیل رفع مشکل بیکاری و امثال آنها نام برد. نکته جالب رسمی است که اغلب در بین تاجیکان متداول است و آن رسم در مورد گوسفندی است که در روز عید سعید قربان به دنیا بیاید. طبق این رسم می بایست این گوسفند در عید قربان سال بعد در یک چنین روزی قربانی شود.

در بیشتر مزارهای مورد پژوهش بهترین نذر پس از برآورده شدن حاجت، قربانی است که می توان به نمونه هایی از این سنت حسنه اشاره کرد: آیین قربانی در مزاراتی همچون میرسیدعلی همدانی، شاه قاسم انوار، محمد بشارا، گورمیر وجود دارد، اما بیشتر جنبه توزیع در آن جا شکل می گیرد. در مزار بی بی خانم در سمرقند علاوه بر گوسفند از مرغ هم برای نذر قربانی استفاده می کنند و در مزار خواجه احرار ولی محلی را برای سر بریدن قربانی درنظر گرفته اند که پس از انجام این سنت آن را بین

۱- مزارهای شمال تاجیکستان، ص ۱۴۳.

۲- مردم شناسی اجتماعی، ص ۱۸۹.

خدام، رفتگران، فقرا، ساکنین محل و معلولین مستمند، به شکل مساوی توزیع می کنند. در مزار خواجه بهاء الدین نقشبند در بخارا برای قربانی رسمی وجود دارد.

در این مکان قربانی که در راه خدا سربریده می شود، می بایست گوشت آن به هفت قسمت مساوی تقسیم شده و بین هفت نفر مستحق توزیع شود.

سایر مناسک

در بعضی از مزارات یاد شده نماز جمعه به شکل باشکوهی برگزار می شود که می توان به مساجدی در مجموعه آرامگاهی خواجه احرار ولی و بهاء الدین نقشبند اشاره کرد که در این مزارات در اعیاد فطر و قربان، نماز مخصوص دو عید بزرگ مسلمین اقامه می شود، ضمن آن که نمازهای یومیه به جماعت در اماکن مقدس ذکر شده برقرار است. وجود سقاخانه حکایت از آب متبرک مزارات این بزرگواران دارد و زایرین مقداری از آب سقاخانه ها را نوشیده و یا برای استفاده در خانه داخل بطری هایی، آب را ریخته و با خود به دیارشان می برند. وجود سقاخانه در مزاراتی همچون محمد بشارا، خواجه بهاء الدین نقشبند و خواجه احرار ولی، مثال زدنی است و آب لوله کشی شده در مزار شاه قاسم انوار نیز در یک چنین وضعیتی برای اهالی و زایرین قرار دارد. در محوطه آرامگاه خواجه بهاء الدین نقشبند حوض آبی وجود دارد که در کنار آن تنوری را جاسازی کرده اند و به محل شربت کوثر معروف است. مدت ها قبل داخل این تنور شربتی از آب میوه های مختلف می ریختند تا زایرین که از راه های دور به این مکان می آیند و خسته و تشنه هستند، از این شربت بنوشند و نفسی تازه نمایند. اکنون دیگر در این محل از شربت خبری نیست و فقط به عنوان یک اثر تاریخی و مذهبی مورد بازدید عموم مردم و زایرین قرار می گیرد.

نقل است زایرین بارگاه ملکوتی حضرت امام رضا علیه السلام که مسیر نیشابور و سبزوار را برای رسیدن به مشهد انتخاب کرده اند در سبزوار به زیارت مزار ملاحسین کاشفی رفته و ساعاتی را در این مکان سپری می کنند، به طوری که این مزار به دلیل در مسیر

زایرین قرار گرفتن، میزبان علاقه مندان حضرت امام رضا علیه السلام می باشد.

در برخی از مزارات مورد پژوهش، وجود موزه مردم شناسی و تاریخی باعث افزایش اطلاعات زایرین و محققین مختلف می باشد که حال و هوای خاصی به این اماکن مقدس اسلامی بخشیده است. وجود موزه آستان قدس رضوی در جنب بارگاه ملکوتی حضرت امام رضا علیه السلام و نیز موزه های دیگر مانند موزه تاریخ و فرهنگ کولاب در محوطه زیارتگاه میرسیدعلی همدانی، موزه طریقت نقشبندی در مجموعه آرامگاهی خواجه بهاء الدین نقشبند و اشیاء تاریخی به نمایش درآمده سازمان میراث فرهنگی در محوطه آرامگاه ملاحسین کاشفی در سبزوار، نمونه هایی از وجود موزه ها در مزارات خراسان و ماوراء النهر می باشد.

از جمله مراسم دیگری که در بعضی از مزارها برگزار می شود، مراسم خشوم و عید گل سرخ و نکچه مانی (۱) است. مراسم خشوم پنج روز آخر سال و به عبارتی پنج روز مانده به اول فروردین یا اول بهار، مردم با گذاشتن انواع غذا و نوشیدنی بر سر قبور یاد و خاطره عزیزان از دست رفته شان را گرامی می دارند. واژه خشوم از نام ماه دوازده تقویم سغدیان بجا مانده و در بین مردمان آسیای مرکزی رایج بوده است.

گرچه حمزه کمال از قول نرشخی مؤلف کتاب تاریخ بخارا می نویسد: «در آخر ماه خشوم مغان بخارا سر مرقد سیاوش پسر کیکاوس آیند و هر سال هر مردی آن جا یک خروس بدو بیکشد پیش از برآمدن آفتاب روز نوروز». (۲) مراسم نکچه مانی به روشن نگهداشتن چراغ بر سر مزار گفته می شود که بعضاً بر مزار تازه فوت شده سه روز چراغ روشن نگه می دارند. این رسم در بیشتر مزارات وجود دارد، اما در تاجیکستان از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

در مزار خواجه بهاء الدین نقشبند، رسمی به نام عید گل سرخ در روزهای آغازین بهار و هنگام شگفتن گل صد برگ و یا گل محمدی آغاز می گردید که زایرین با

۱- حمزه کمال محقق تاجیکی در کتاب مزارهای شمال تاجیکستان به این رسوم اشاره کرده است.

۲- مزارهای شمال تاجیکستان، ص ۱۳۳.

گذاشتن گل سرخ بر مزار خواجه، در مسجد این مزار به نماز و عبادت مشغول شده و سپس در محوطه آرامگاه به گردش می پرداختند. البته در حال حاضر مراسم عیدگل سرخ به شکل قبل برگزار نمی شود.

باورها

باورها براساس ویژگی های قومی، ملی، مذهبی، نژادی، تاریخی و جغرافیایی به وجود می آیند و همواره از جایگاه خاصی در فرهنگ عامه برخوردار بوده اند. باورها نقش مؤثری را در تفکرات، اندیشه ها، عقاید و ویژگی های شخصیتی و عکس العمل های ما ایفا می کنند. باورهایی که در مورد زیارتگاه ها وجود دارد متعدد، متنوع و شاید متضاد باشد، اما آنچه که مسلّم است این باورها وجود دارند و همه ما هنگامی که در ارتباط با مزارات قرار می گیریم خواسته و ناخواسته از آنها تأثیر می پذیریم. باورهایی که درباره این اماکن هستند را می توان به دو گروه کلی حرام و حلال تقسیم کرد. کلیه اعمال، رفتارها، حرکات و حتی تفکرات و اندیشه هایی که پرداختن به آنها در محدوده یک مزار ممنوع و لازم الاجتناب شمرده می شود، در گروه حرام جای می گیرند. کارهایی مانند ربودن اشیای داخل زیارتگاه، صدمه زدن به مزار، آلوده کردن محیط و رعایت نکردن بهداشت از جمله اعمال و رفتارهای این گروه هستند.

علاوه بر این اندیشه های نادرست درباره زیارتگاه مانند انکار کردن در مورد سابقه مذهبی یک امامزاده و یا به مسخره گرفتن نذر و نیازها، جزء گروه حرام به شمار می روند. این گونه اعمال و رفتارهای ممنوع در قلمرو مزارات نوعی تابو (۱) به شمار می روند. (۲).

تابوهایی که در محدوده یک زیارتگاه قرار دارند را می توان به دو گروه تقسیم کرد: گروه اول تابوهایی هستند که ریشه در مذهب دارند، یعنی اعمالی که آیین ها و قوانین مذهبی آنها را منع کرده است، مانند سرقت و یا به مسخره گرفتن اعمال مذهبی.

اما گروه دوم تابوهایی هستند که ریشه در فرهنگ و آداب و رسوم ما دارند، مانند تخریب

۱- Tabou

۲- مبانی انسان شناسی، ص ۲۹۶.

کردن زیارتگاه و یا بی احترامی به خادم آرامگاه. در برابر گروه اول که اعمال حرام است، گروه دیگری هم وجود دارد که شامل اعمال و رفتارهای حلال یا پسندیده است. هر نوع رفتاری که در گروه اول جای نگیرد جزء این گروه شمرده می شود. در میان باورهای مردم امامزاده ها و آرامگاه ها و هر آنچه که در آن وجود دارد و کلیه متعلقات آن متبرک و مورد احترام هستند، برای مثال اشیایی که در داخل آن وجود دارد، اعم از قرآن، آیینه، چراغ، جانماز، که می توان آنها را با اصطلاح توتم (۱) که در مردم شناسی کاربرد دارد، برابر دانست؛ چرا که توتم به معنی اشیایی است که مورد احترام می باشد. (۲) آیین قربانی، حضور در روزهای خاص زیارت، رعایت کردن آداب زیارت، پاک بودن حین زیارت و وضو ساختن قبل از زیارت، خودداری از اعمال و افعال بد و حرام در محوطه آرامگاه، عدم رعایت بهداشت فردی، از جمله باورهای مردم در ارتباط با مزارها نقل می شود. ضمن آن که نخندیدن با صدای بلند و قهقهه، کفش ها را کندن و حرکت با پای برهنه به سمت مزار و دعوا و درگیر نشدن با احدی در محوطه این مکان های در اغلب مزارات به عنوان یک باور در بین مردم محلی و زایرین مشاهده گردیده است. در سال های دور، شکار حیوانات اهلی و یا وحشی در نزدیکی و یا جوار مزارها ممنوع بوده و در صورت عمل به آن برای فرد و خانواده شکارچی بد یمن جلوه می کرد و آنها دچار مشکلات عدیده ای می شدند.

نتیجه گیری

پس از مطالعه، مشاهده و بررسی های انجام شده در خصوص مزارات و زیارتگاه های مورد تحقیق می توان با حصول به نتیجه و جمع بندی از مشاهدات، منابع و اطلاعات به دست آورده به مواردی اشاره کرد که در هر صورت به اهمیت موضوع می پردازد و احترام به اماکن یاد شده را در بین مسلمین با فرق و قومیت های

۱- Totem

۲- مبانی انسان شناسی، ص ۲۹۶.

مختلف یادآور می شود. فضای معنوی حاکم بر این اماکن، اعتبار ویژه ای به آن بخشیده و از دوام و پایندگی ممتازی برخوردار است. در حین پژوهش به کرات مشاهده شد که چگونه معتقدین پای بند به سنت ها و مراسم و مناسک موجود در این مزارات هستند. آنها با فهم و استنباط دقیق و صحیح از آداب زیارت برای عرض وجود پا به محوطه و صحن مزار می گذارند و همواره یک نوع دغدغه و تشویش خاطری دارند که مبادا از آنها عملی سر بزند که خلاف عرف و آداب زیارت باشد، به طوری که حتی خنده بلند و سخنان بیهوده را در آن مکان ها به هیچ وجه جایز ندانسته و در صورت مشاهده به افراد خاطی تذکر نیز می دهند.

حضور آنها در این اماکن یک نهایت و آرزوی قلبی و باطنی بوده و برای این گونه سفرهای زیارتی، از قبل برنامه ریزی کرده و پولی را هم فراهم می سازند. التماس و تضرعی که در قالب دعا در اماکن مقدس اسلامی توسط زایرین انجام می گیرد، به شکلی خفیف تر در سایر ادیان و مذاهب جهان نیز دیده می شود و مهم ترین دلیل آن در کنار اعتقادات افراد کارکرد روانی مکان ها و فضاهای معنوی برای آنها می تواند باشد.

در دین اسلام نیز دعا جایگاه ویژه ای داشته و به عنوان مسیر رسیدن به تقرب الهی به شمار می رود. سپردن نذورات، توزیع گوشت قربانی در بین مستمندان، اقامه نمازهای جمعه و جماعات، برگزاری مراسم در اعیاد دینی از جمله اعمال نیکی است که در این زیارتگاه ها به طور مستمر انجام می شود و مردم این گونه اعمال را سنت های حسنه دانسته و سعی می کنند در انجام آنها هیچ گاه کوتاهی ننمایند. آنها معتقدند حضور در مزارات و بر پایی یک چنین مراسمی ضمن ایجاد پیوستگی و انسجام لازم بین مسلمین، به بقای فرهنگ دینی کمک قابل توجه و شایانی را می بخشد. با توجه به این که مزارات برای شناساندن هویت فرهنگی یک ملت یا قوم به عنوان میراث فرهنگی آن سرزمین محسوب می شود و همواره این آثار به منزله تاریخ و پیشینه یک قوم به شمار می رود، مع الوصف لزوم حفظ، ترمیم و بازسازی این ابنیه های تاریخی، مذهبی بر مسئولین ذی ربط توصیه می شود تا پاسدار و نگهبان شایسته ای از این مجموعه های فرهنگی باشند.

ص: ۱۱۴۴

فهرست منابع

۱. پایان نامه طرح توسعه مجموعه حرم مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام، علی اکبر خان محمدی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ۱۳۶۹.

۲. رساله در تاریخ ادیان، میرچا الیاده، ترجمه جلال ستاری، تهران، سروش، چاپ اول، ۱۹۹۳.

۳. شوق دیدار، محمد مهدی رکنی یزدی، مشهد، اداره امور فرهنگی آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۶۲.

۴. فرهنگ فارسی معین، محمّد معین، تهران، معین، چاپ چهارم، ۱۳۸۳.

۵. فرهنگی فارسی عمید، حسن عمید، تهران، امیر کبیر، چاپ هجدهم، ۱۳۶۲.

۶. لغت نامه فارسی، علی اکبر دهخدا، تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا، چاپ دوم دوره جدید، ۱۳۷۷.

۷. مبانی انسان شناسی، محمود روح الامینی، تهران، زمان، چاپ دوم، ۱۳۶۲.

۸. مبانی انسان شناسی، محمد صادق فربد، تهران، دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۰.

۹. مردم شناسی اجتماعی، هاشم رضی، تهران، آسیا، چاپ اول، ۱۳۵۵.

۱۰. مردم شناسی(روش، بینش، تجربه)، اصغر عسکری خانقاه، تهران، شب تاب، چاپ اول، ۱۳۷۳.

۱۱. مزارهای شمال تاجیکستان، حمزه کمال، دوشنبه، بنیاد فرهنگ تاجیکستان، چاپ اول، ۲۰۰۴.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹